



مرکز تحقیقات اسلامی

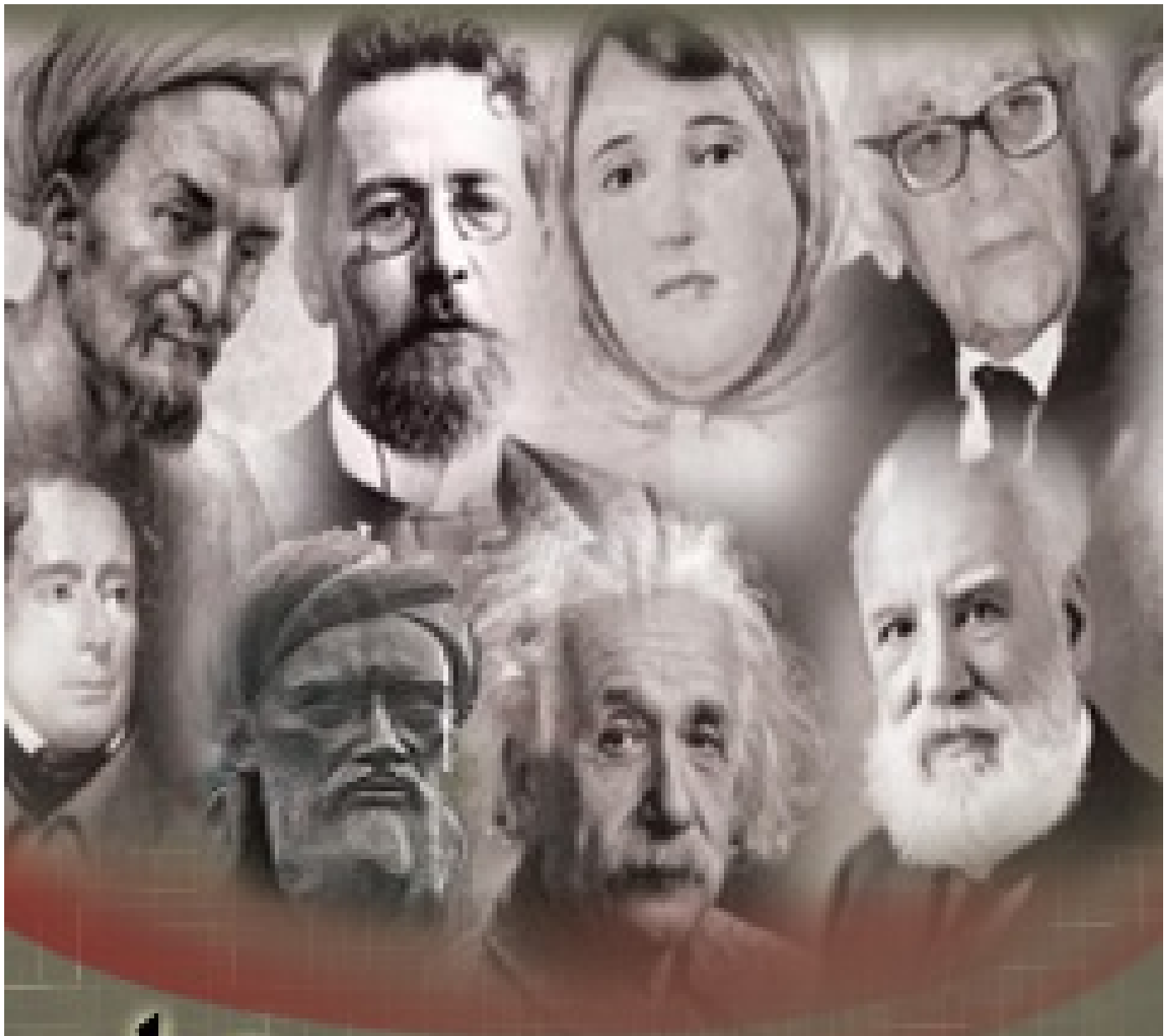
اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۲

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۰	زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۲
۳۰	مشخصات کتاب
۳۰	اخلاق و عرفان نظری
۳۰	احمدی، قاسم
۳۱	استادی مقدم، رضا
۳۳	استخری، احسان‌الله علی
۳۳	اصفیانی شندآبادی، اسماعیل
۳۵	افشار، علیرضا
۳۶	الهی طباطبایی، محمدحسن
۳۷	الهیان، علی اکبر
۳۹	امجد، محمود
۳۹	امین، نصرت
۴۱	اندرزیان، امرالله
۴۲	انصاری، محمدجواد
۴۲	ایزد پناه، عباس
۴۳	آقاتهرانی، مرتضی
۴۳	بلخی، سید اسماعیل
۴۴	بهجت، محمدتقی
۵۳	بیابانکی، علاءالدوله
۵۴	بیگم شیرازی، امسلمه
۵۵	پاکپور، علی
۵۵	تربتی، عباس

- ۵۷ ترخان، قاسم
- ۵۸ تقوی، محمد
- ۵۸ توکل، رحیم
- ۵۹ جباریان، محمدرضا
- ۶۰ جمالی اردستانی، پیر فضل الله
- ۶۱ جوادی آملی، عبدالله
- ۶۴ جورابدوز، محمد
- ۶۵ حداد، هاشم
- ۶۶ حسن زاده آملی، حسن
- ۷۲ حسین زاده، علی محمد
- ۷۳ حسین نژاد خاکی، یوسف
- ۷۳ حسینی اسحاق نیا، رضا
- ۷۵ حسینی تهرانی، محمدحسین
- ۷۵ حسینی شیرازی، صادق
- ۸۰ حسینی فر، رضا
- ۸۱ حسینی، فضل الله
- ۸۲ حق شناس، عبدالکریم
- ۸۵ خرازی، محسن
- ۸۷ خمینی، روح‌الله
- ۹۰ خوانساری، محمد تقی
- ۹۵ داوودی کهکی، محمدرضا
- ۹۶ دزفولی، بی‌بی خاتون
- ۹۶ دلیر، بهرام
- ۹۷ دوانی، جلال‌الدین محمد

- ۹۸ دهقانی، محسن
- ۹۹ ذهبی خراسانی، ابوالقاسم
- ۹۹ راشدی نیا، اکبر
- ۱۰۰ رضانیا، ذبیح الله
- ۱۰۰ روحانی نژاد، حسین
- ۱۰۲ زالی، محمدحسن
- ۱۰۳ شاملی، عباسعلی
- ۱۰۵ شبستری، شیخ محمود
- ۱۰۶ شوشتری، عبدالقائم
- ۱۰۷ شیخ بهایی
- ۱۱۳ صالحی مازندرانی، مهدی
- ۱۱۴ طباطبایی پور، علیرضا
- ۱۱۶ طباطبایی، محمدحسین
- ۱۲۵ عزیزی، حبیب الله
- ۱۲۶ علیزاده، علی اکبر
- ۱۲۷ فاضل، محمدهادی
- ۱۲۷ فاضلی، قادر
- ۱۲۸ فاطمی، ولی
- ۱۲۹ فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد
- ۱۲۹ فلاح شیروانی، محمدرضا
- ۱۳۰ فلاح، حسن
- ۱۳۱ قاضی، علی آقا
- ۱۳۸ قمی، عباس
- ۱۳۹ قمی، محسن

- ۱۴۰ کاشانی، حبیب الله
- ۱۴۱ کاظمی، حسین
- ۱۴۲ کاوه نافیچی، محمد
- ۱۴۳ کلباسی، محمد ابراهیم
- ۱۴۴ کهنوجی، مهدی
- ۱۴۵ گرجیان عربی، محمدمهدی
- ۱۴۵ گلستانی، علی
- ۱۴۶ گیوه چی مفرد، حسن
- ۱۴۷ لک علی آبادی، محمد
- ۱۴۸ مجتهدی تهرانی، احمد
- ۱۴۹ مجتهدی، جعفر
- ۱۵۱ محرابی، محمد
- ۱۵۲ محمدی، عبدالله
- ۱۵۳ مختاری، علی
- ۱۵۴ مصطفی پور، محمدرضا
- ۱۵۵ مطبوعه چی، مصطفی
- ۱۵۵ معصومی لاری، محمدمسعود
- ۱۵۷ منافی، احمد
- ۱۵۷ موسوی بالیگی، محمد
- ۱۵۸ موسوی مطلق، عباس
- ۱۵۸ موفق، علیرضا
- ۱۵۹ مولوی، جلال‌الدین محمد
- ۱۶۱ مهندسی، محمدمهدی
- ۱۶۲ ناصری دولت آبادی، محمد

۱۶۴	نجابت، حسن علی
۱۶۶	نخودکی اصفهانی، حسنعلی
۱۶۸	نراقی، احمد
۱۶۹	نصراللهی، رضا
۱۷۰	نصرآبادی، ابوالقاسم
۱۷۰	نکوگویان خیاط، رجبعلی
۱۷۱	نوروزی، رضا
۱۷۲	ولی، شاه نعمت الله
۱۷۵	هاشمی، رضا
۱۷۶	همایونی، مسعود
۱۷۷	همایی، جلال الدین
۱۷۹	واقفان
۱۷۹	ابو المظفر جهانشاه بن قرا یوسف
۱۸۸	اتفاق، حاج محمد تقی
۱۹۱	ادیب بجنوردی، سید حسین
۱۹۴	اردلان، امان الله خان
۱۹۵	استرآبادی، میرزا مهدی خان
۱۹۸	اشرفی، میرزا محمد یونس
۱۹۹	اصفهانی، حاج محمد محسن
۲۰۰	اصفهانی، حاج محمدجواد
۲۰۱	البرز، حسینعلی
۲۰۳	امیر رفیع الدین
۲۰۶	انصاری، بی بی بزرگ
۲۰۸	انور شهید بیک

۲۰۸	انیس الدولة
۲۱۶	آقا کمال
۲۳۶	بصروی، حاج محمود
۲۳۷	بلیانی، شیخ امین الدین محمد
۲۴۱	بی‌بی شهربانو
۲۴۲	بی‌بی فضل النساء
۲۴۲	بیگلریگی، حاجی عیسی خان
۲۴۴	ترکان خاتون
۲۵۰	جلالی، سید جلال
۲۵۰	جوادی آملی، عبدالله
۲۵۳	چقماق، امیر جلال الدین
۲۵۵	حاجیه خدیجه
۲۵۷	حسن خلیلی رحمت آبادی
۲۵۸	دارانی، شیخ ابوسلیمان
۲۶۳	رضازاده، سید حسین
۲۶۴	رضوی، عبدالله
۲۶۵	زنگنه، شیخ علی خان
۲۶۹	سروقدی، میرزا محمد جعفر
۲۷۲	سروقدی، میرزا محمد طاهر
۲۷۳	سیدعلی خان
۲۷۳	شاه سلطان حسین
۲۸۰	شاهرخ بهادر خان
۲۹۱	شیرازی، حاج علی‌رضا
۲۹۱	شیرازی، حاج محمد حسن

- ۲۹۲ شیرازی، حاج میرزا علی عسگر
- ۲۹۲ شیرازی، حاجی زین‌العابدین
- ۲۹۳ صمصام شیرازی
- ۲۹۴ عابد یزدی، حاج غلامرضا
- ۲۹۴ غیاث‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن
- ۲۹۵ فرمانفرما، عبدالحسین میرزا
- ۳۰۳ فیروز، حاجیه ملک تاج خانم
- ۳۰۳ قزوینی، حاج ملا عبدالوهاب
- ۳۱۳ قمی، ابوطالب
- ۳۱۴ کاشانی، حاج محمد حسن
- ۳۱۴ کاظمی، محمدرضا
- ۳۱۵ کربلایی محمدخان
- ۳۱۵ مافی، حسین قلی خان
- ۳۱۷ مشیر، میرزا احمد
- ۳۳۰ معمار، محمد کاظم
- ۳۳۱ مؤمن استرآبادی، حاج میر محمد
- ۳۳۱ میرزا عماد الدوله، امامقلی
- ۳۳۵ نظام مافی فرمانفرمائیان، زهرا سلطان
- ۳۳۸ همدانی، رشید الدین فضل الله
- ۳۳۹ جامعه شناسی
- ۳۳۹ اصلاح عربانی، ابراهیم
- ۳۳۹ آزاد ارمکی، تقی
- ۳۴۲ باقری، عباس
- ۳۴۳ بنی فاطمه، حسین

- ۳۴۴ تکمیل همایون، ناصر
- ۳۴۵ توکل کوثری، محمدعلی
- ۳۴۶ ثلاثی، محسن
- ۳۴۸ جلالوند، علی کرم
- ۳۴۹ جمشیدیها، غلامرضا
- ۳۵۰ جهانگیر، عیسی
- ۳۵۰ چراغی کوتیانی، اسماعیل
- ۳۵۱ چلیپی، مسعود
- ۳۵۲ چلیپی، مسعود
- ۳۵۲ حریری اکبری، محمد
- ۳۵۴ حسامی، فاضل
- ۳۵۴ حسینی هاشمی شاهرودی، محمود
- ۳۵۶ خان محمدی، کریم
- ۳۵۷ خائفی، پرویز
- ۳۵۷ خیری، حسن
- ۳۵۸ خیری، یوسف
- ۳۵۸ داوری، محمد
- ۳۵۹ دوران، بهزاد
- ۳۶۰ راود راد، اعظم
- ۳۶۲ ربانی خوراسگانی، محمدصادق
- ۳۶۲ رجبی، محمود
- ۳۶۴ رضای الهی، محمود
- ۳۶۴ رضوی، مرتضی
- ۳۶۵ رفیع پور، فرامرز

- ۳۶۸ رفیع فر، جلال الدین
- ۳۷۰ رمضان نرگسی، رضا
- ۳۷۱ روح الامینی، محمود
- ۳۷۲ زاهدی اصل، محمد
- ۳۷۵ زاهدی مازندرانی، محمدجواد
- ۳۷۵ زمانی، رضا
- ۳۷۷ زنجانی زاده، هما
- ۳۷۷ زنجانی، حبیب الله
- ۳۷۹ ساروخانی، باقر
- ۳۸۰ سام آرام، عزت الله
- ۳۸۱ سرایی، حسن
- ۳۸۲ سید میرزایی، محمد
- ۳۸۳ سیدعلوی، میرابراهیم
- ۳۸۴ سیدی نیا، اکبر
- ۳۸۴ شادی طلب، ژاله
- ۳۸۶ شارع پور، محمود
- ۳۸۷ شجیعی، زهرا
- ۳۸۸ شرف الدین، حسین
- ۳۸۹ صادق نیا، مهرباب
- ۳۹۰ صدرنبوی، رامپور
- ۳۹۱ صدیق سروستانی، رحمت الله
- ۳۹۲ صفی نژاد، جواد
- ۳۹۵ طالب، مهدی
- ۳۹۷ عاملی رنایی، سعیدرضا

- ۳۹۸ عبداللهیان، حمید
- ۴۰۰ علینی، محمد
- ۴۰۱ عناصری، جابر
- ۴۰۴ غفاری فر، حسن
- ۴۰۴ غفاری، غلامرضا
- ۴۰۵ فخر زارع، حسین
- ۴۰۶ فرهادی، مرتضی
- ۴۰۸ فکوهی، ناصر
- ۴۱۱ فولادی وندا، محمد
- ۴۱۲ فولادی، حفیظ الله
- ۴۱۲ فیوضات، ابراهیم
- ۴۱۴ قاضی طباطبایی، محمود
- ۴۱۵ قانع‌ی راد، محمدامین
- ۴۱۵ قیاسی، جلال الدین
- ۴۱۶ کافی، مجید
- ۴۱۶ کلوری، رضا
- ۴۱۷ لهستانی زاده، عبدالعلی
- ۴۱۸ متقی زاده، عبدالله
- ۴۱۸ محسنی تبریزی، علیرضا
- ۴۲۲ محسنی، منوچهر
- ۴۲۳ محمودی بختیاری، علیقلی
- ۴۲۴ محمودیان، حسین
- ۴۲۵ مریجی، شمس الله
- ۴۲۶ مشیرفراهی، جعفر

- ۴۲۶ معلی، محمد
- ۴۲۷ معیدفر، سعید
- ۴۳۰ مقدس جعفری، محمدحسن
- ۴۳۱ مقدم، حسن
- ۴۳۲ میر شمس شهبهانی، سهیلا
- ۴۳۳ میرزایی، محمد
- ۴۳۳ نورانی، امیر
- ۴۳۴ نیک گهر، عبدالحسین
- ۴۳۷ وثوقی، منصور
- ۴۳۸ یعقوبی، عبدالرسول
- ۴۳۸ یعقوبی، عبدالرسول
- ۴۳۹ جغرافیا، باستان شناسی
- ۴۳۹ ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله
- ۴۳۹ ابن خُردأذبه، ابوالقاسم عبیدالله
- ۴۴۰ ابن رُسته، ابوعلی احمد
- ۴۴۰ ابن سرابیون، سهراب
- ۴۴۱ ابن فقیه همدانی، ابوبکر، ابو عبدالله احمد
- ۴۴۱ اصطخری فارسی، ابواسحاق ابراهیم
- ۴۴۲ افشین، یدالله
- ۴۴۳ امیرلو، عنایت الله
- ۴۴۳ آذرنوش، مسعود
- ۴۴۶ آسایش، حسین
- ۴۴۸ بختیاری، عبدالله
- ۴۴۹ بخشنده نصرت، عباس

- ۴۴۹ بدری‌فر، منصور
- ۴۵۰ بدیعی، ربیع
- ۴۵۰ بغایری، عبدالرزاق
- ۴۵۱ بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد
- ۴۵۱ بلخی ابوزید، احمد
- ۴۵۲ بهرامی، مهدی
- ۴۵۴ بیرام شیرازی، محمود
- ۴۵۴ بیگزاده شکوئی، حسین
- ۴۵۵ پوراحمد، احمد
- ۴۵۶ ترابی طباطبایی، جمال الدین
- ۴۵۷ جداری عیوضی، جمشید
- ۴۵۸ جعفرپور، ابراهیم
- ۴۵۹ جمالی، فیروز
- ۴۵۹ جهانبخش، سعید
- ۴۶۰ جیهانی، ابو عبدالله احمد
- ۴۶۱ چوبک، حمیده
- ۴۶۲ حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله
- ۴۶۲ حافظ نیا، محمدرضا
- ۴۶۷ حاکمی، علی
- ۴۶۹ خلیلیان، علی محمد
- ۴۷۰ خیام، مقصود
- ۴۷۰ درویش صفت، علی اصغر
- ۴۷۱ رامشت، محمدحسین
- ۴۷۲ ربیعی نوری، محمدجواد

- ۴۷۲ رجائل اصل، عبدالحمید
- ۴۷۳ رزم آرا، حسینعلی
- ۴۷۵ رویانی طبرستانی، علی
- ۴۷۵ رهبر، مهدی
- ۴۷۷ زال پور، خسرو
- ۴۷۸ زاهدی، مجید
- ۴۸۰ زمانی، عباس
- ۴۸۱ سحاب، عباس
- ۴۸۲ سرائی، محمدحسین
- ۴۸۲ سعیدی، عباس
- ۴۸۳ سمسار، محمدحسن
- ۴۸۴ سید سجادی، منصور
- ۴۸۷ سیفی، عبدالحسین
- ۴۸۸ شاپور شهبازی، علیرضا
- ۴۸۸ شایان، سیاوش
- ۴۸۹ شقی، سیروس
- ۴۹۰ صالحی، محمدصالح
- ۴۹۱ صدیقی، مهدی
- ۴۹۱ صراف، محمدرحیم
- ۴۹۳ صفاران، الیاس
- ۴۹۴ صمدی، حبیب‌الله
- ۴۹۴ ضیاء توانا، محمدحسن
- ۴۹۵ طلایی مغانجوقی، حسن
- ۴۹۵ علیجانی، بهلول

- ۴۹۶ غیور، حسنعلی
- ۴۹۷ فرج زاده، منوچهر
- ۵۰۱ فرید، بدالله
- ۵۰۳ قرخلو، مهدی
- ۵۰۴ قره نژاداشکن، حسن
- ۵۰۵ قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا
- ۵۰۶ کابلی، میرعابدین
- ۵۰۸ کامبخش فرد، سیف الله
- ۵۱۰ کردوانی، پرویز
- ۵۱۲ کردوانی، محمود
- ۵۱۳ کریمی پور، بدالله
- ۵۱۴ کلاهی، رسول
- ۵۱۶ کیانی، محمد یوسف
- ۵۱۷ کیهان، مسعود
- ۵۱۸ گنجی، محمد حسن
- ۵۲۵ گودرزی نژاد، شاهپور
- ۵۲۶ لاله، هایده
- ۵۲۸ مجتهدی، احمد
- ۵۲۹ مجیدزاده، یوسف
- ۵۳۲ محمودی، فرج الله
- ۵۳۳ مشیری، رحیم
- ۵۳۴ مصطفوی کاشانی، محمدتقی
- ۵۳۵ مطیعی لنگرودی، محمدحسن
- ۵۳۸ معصومی، غلامرضا

- ۵۴۱ مفیدی، بهزاد
- ۵۴۲ مقدم، محسن
- ۵۴۳ مقیمی، ابراهیم
- ۵۴۴ ملک شه میرزادی، صادق
- ۵۴۶ ملکزاده، ملکه
- ۵۴۸ موسوی، محمود
- ۵۴۹ مؤمنی ازندریانی، مصطفی
- ۵۵۰ میر حیدر مهاجرانی، دره
- ۵۵۴ نگهبان، عزت الله
- ۵۵۹ کشاورزی
- ۵۵۹ احمدی، رمضانعلی
- ۵۵۹ ارشاد، جعفر
- ۵۶۱ استوان، هادی
- ۵۶۳ اسماعیلی، مرتضی
- ۵۶۴ اشکان، محمد
- ۵۶۷ افتخار شاهرودی، فریدون
- ۵۶۸ الهی نیا، علی
- ۵۶۸ امیدبیگی، رضا
- ۵۷۰ امین بخش، محمد
- ۵۷۱ انصاری، مجید
- ۵۷۱ ایرانشهر، موسی
- ۵۷۲ ایزدپناه، کرامت‌الله
- ۵۷۳ آتش افروز، حسین
- ۵۷۳ آرزم، محمد

- ۵۷۴ آلیاری، هوشنگ
- ۵۷۵ آهون منش، علی
- ۵۷۶ بابادوست کندری، محمد
- ۵۷۶ بابالار، مصباح
- ۵۷۷ باقری زنوز، ابراهیم
- ۵۷۸ بشیری، سیاوش
- ۵۷۹ بنی پور، ابوالقاسم
- ۵۷۹ پارسا پزوه، داود
- ۵۸۰ پرهام، یوسف
- ۵۸۱ پورجم، ابراهیم
- ۵۸۴ پورمیرزا، علی اصغر
- ۵۸۵ پیراسته، بهمن
- ۵۸۵ پیغامی، ابراهیم
- ۵۸۵ تفضلی، عنایت الله
- ۵۸۶ توسلی، محمود
- ۵۸۷ جلالی سندی، جلال
- ۵۸۸ جوکار، یعقوب
- ۵۸۹ حجارود، قربانعلی
- ۵۹۲ حجازی، میرجلیل
- ۵۹۳ حجازی، میرجلیل
- ۵۹۴ حجت، حسین
- ۵۹۵ حداد ایرانی نژاد، کریم
- ۵۹۶ حسینی شاهرودی، ناصر
- ۵۹۷ حلاجی، موسی

- ۵۹۸ خانجانی، محمد
- ۶۰۱ خرمشاهی، احمد
- ۶۰۱ خسروشاهی، اصغر
- ۶۰۲ خلیلی، علی
- ۶۰۳ ذوالنون، محمد
- ۶۰۴ رجایی، محمدرضا
- ۶۰۴ رحمتی، علیرضا
- ۶۰۵ رزم دوست، فریبا
- ۶۰۶ روزگار، طالب
- ۶۰۶ زاد، جواد
- ۶۰۸ زارعی، حسین
- ۶۰۹ زهرائی، تقی
- ۶۱۰ ستوده، سیاوش
- ۶۱۰ ستیغ، عبدالرضا
- ۶۱۱ سحری، محمدعلی
- ۶۱۲ سرمدنیاء، غلامحسین
- ۶۱۲ سعیدی، عباس
- ۶۱۴ سفیدبخت، نصرالله
- ۶۱۴ سلطانی، غلامعلی
- ۶۱۶ سلیمانی، خشایار
- ۶۱۷ سیدالاسلامی، حسین
- ۶۱۸ شجاع غیاث، جلیل
- ۶۱۸ شجاعی، محمود
- ۶۱۹ شریف برهانزهی، محمد

- ۶۲۰ شریفی، عباس
- ۶۳۱ شهبازی، اسماعیل
- ۶۳۶ شهیدی، فخری
- ۶۳۸ شیشه بر، پرویز
- ۶۳۹ صادقی، سیاوش
- ۶۴۰ صبوری، علیرضا
- ۶۴۱ صفرعلیزاده، محمدحسن
- ۶۴۲ ضمیری، محمدجواد
- ۶۴۴ طالبی، علی اصغر
- ۶۴۵ عبادی، رحیم
- ۶۴۶ عباسی، فرخ
- ۶۴۶ علاءالدین، سیامک
- ۶۴۷ علوی، احمد
- ۶۴۸ فتوحی قزوینی، رضا
- ۶۵۱ فرجاد، علی
- ۶۵۱ فرهی آشتیانی، صادق
- ۶۵۲ فلاحتی، ماهرخ
- ۶۵۳ کاشانیان، ناصر
- ۶۵۴ کاشی، عبدالکریم
- ۶۵۵ لامع، حسن
- ۶۵۵ محرمی پور، سعید
- ۶۵۶ مرید، عباس
- ۶۵۷ مصدق، محمدسعید
- ۶۶۰ مصری نیا، سعید

- ۶۶۱ معینی، محمدسالار
- ۶۶۲ ملکی میلانی، حسن
- ۶۶۲ منصوری، علیرضا
- ۶۶۳ منیعی، عباسعلی
- ۶۶۴ مهربانی، نیا، اصغر
- ۶۶۴ مهربانی، اصغر
- ۶۶۵ میناسیان، واهه
- ۶۶۵ ناظر عدل، کامبیز
- ۶۶۶ نواب گجراتی، حسنعلی
- ۶۶۶ نوری قنبلانی، قدیر
- ۶۷۱ وجدانی، پرویز
- ۶۷۵ وجگان، مهدی
- ۶۷۶ رجال و تراجم
- ۶۷۶ ابطحی اصفهانی، محمدباقر
- ۶۷۸ ابطحی، محمدعلی
- ۶۸۰ ابن ابی حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان
- ۶۸۱ ابن بابویه ابوجعفر، محمد
- ۶۸۴ ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی
- ۶۸۵ ابن بَظَه قمی، ابوجعفر محمد
- ۶۸۵ ابن عدّی جرجانی، ابواحمد عبدالله
- ۶۸۵ ابن منجم، ابوالحسن علی
- ۶۸۶ ابن ولید قمی، ابوجعفر محمد
- ۶۸۶ ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله
- ۶۸۷ احمدیان، محمدعلی

- ۶۸۸ ادهم نژاد، بهمن
- ۶۸۸ اژه ای، علی اکبر
- ۶۸۹ استادی، رضا
- ۶۹۱ اظهاری، محمدرضا
- ۶۹۱ اعلمی، سلیمان
- ۶۹۲ افندی اصفهانی، عبدالله
- ۶۹۳ امیری اراکی، جواد
- ۶۹۳ امین احمد رازی، محمد مؤمن
- ۶۹۳ اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد
- ۶۹۴ آخوندزاده‌ی هروی، محمد صدیق
- ۶۹۵ آل بحر العلوم، جعفر
- ۶۹۵ آل بحر العلوم، محمدرضا
- ۶۹۵ بافقی یزدی، ابوالحسن
- ۶۹۶ بحرانی، هاشم
- ۶۹۶ براتی، عبدالعلی
- ۶۹۷ برقی، علی اکبر
- ۷۰۰ بروجنی، حسن
- ۷۰۰ بوستان، مجدالعلی
- ۷۰۱ بهاری همدانی، محمدباقر
- ۷۰۲ بهبهانی، محمدعلی
- ۷۰۳ تجلیل، ابوطالب
- ۷۰۴ توپسرکانی، عبدالغفار
- ۷۰۵ تهرانی، محمدحسن
- ۷۰۶ جزایری شوشتری، محمدشفیع

- ۷۰۶ جزایری شوشتری، مصطفی
- ۷۰۷ چهارسوقی، محمدباقر
- ۷۰۸ حزین لاهیجی، محمدعلی
- ۷۰۸ حسنی داوودی، جمال‌الدین، ابوالعباس احمد
- ۷۰۹ حسینی اشکوری، احمد
- ۷۱۱ خاتون آبادی، عبدالکاسم
- ۷۱۱ خزائلی، محمدعلی
- ۷۱۳ خوانساری، ابوتراب عبدالعلی
- ۷۱۳ خوئی، ابوالقاسم
- ۷۱۴ دارابی شیرازی، احمد
- ۷۱۴ دارابی، محمد
- ۷۱۵ داور شیرازی، محمد
- ۷۱۵ دربندی
- ۷۱۶ دری شوشتری
- ۷۱۶ دوانی، علی
- ۷۱۸ دیوان بیگی شیرازی، احمد
- ۷۱۸ ذکری کاشانی، تقی‌الدین محمد
- ۷۱۹ رازی، ابوحاتم محمد
- ۷۱۹ راهب هروی، علی
- ۷۲۰ رحمان ستایش، محمدکاسم
- ۷۲۱ روبدشتی اصفهانی، حمیده
- ۷۲۱ روضاتی، احمد
- ۷۲۳ روضاتی، جلال‌الدین
- ۷۲۴ روضاتی، محمد باقر

- ۷۲۵ رونق سنندجی، عبدالله
- ۷۲۵ ریحان یزدی، علیرضا حسینی
- ۷۲۶ زروندی رحمانی، محمد
- ۷۲۷ زنجانی، عزیزالدین
- ۷۲۸ ساوجی، نظام‌الدین، محمد
- ۷۲۸ ساوئی، ابوالفضل
- ۷۲۸ سبحانی، جعفر
- ۷۲۹ سپهرم، مسعود
- ۷۲۹ سرخسی، شرف‌الدین یوسف
- ۷۳۰ سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی
- ۷۳۱ سلطان المتکلمین، محمد
- ۷۳۱ سمعانی مروزی، قوام‌الدین
- ۷۳۲ سیفی، علی اکبر
- ۷۳۳ شبیری، موسی
- ۷۳۴ شرایبانی، محمد
- ۷۳۵ شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن
- ۷۳۵ شمس‌العلماء، محمد مهدی
- ۷۳۶ شوشتری، شفیع
- ۷۳۶ شهرستانی، هبئه‌الدین
- ۷۳۷ شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌الله
- ۷۳۸ صارمی، ابوطالب
- ۷۳۸ صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن
- ۷۳۹ صدیق، حسن
- ۷۳۹ طاهری یزدی، عبدالغفور

- طباطبایی بروجردی، حسین ۷۳۹
- طباطبائی، عبدالعزیز ۷۴۷
- طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل ۷۵۰
- طبرسی، حسین ۷۵۲
- طبرسی، محمدحسن ۷۵۳
- عالم خراسانی، بی‌بی ۷۵۳
- عاملی ۷۵۴
- عذری بیگدلی، اسحاق ۷۵۴
- عسکری، مرتضی ۷۵۵
- عطار اصفهانی، ابوبکر محمد ۷۵۶
- عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد ۷۵۶
- غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن ۷۵۷
- فقیه محمدی، محمد مهدی ۷۵۷
- فلکی همدانی، ابوالفضل علی ۷۵۸
- قائینی خراسانی، ابوطالب ۷۵۹
- قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی ۷۶۰
- قزوینی یزدی، عبدالنبی ۷۶۰
- قمی، جواد ۷۶۱
- قوچانی، عباس ۷۶۲
- قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله ۷۶۲
- کازرونی ابوالعباس، احمد ۷۶۲
- کاشانی، حبیب‌الله ۷۶۳
- کرباسی، ابوالمعالی محمد ۷۶۴
- کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی ۷۶۵

- ۷۶۵ کشی، ابوعمر و محمد
- ۷۶۶ کمره‌ای، خلیل
- ۷۶۹ کوه کمری، محمد حجت
- ۷۷۰ کیانی، مسیب
- ۷۷۱ گلچین معانی، احمد
- ۷۷۳ گلستانه
- ۷۷۳ مامقانی، عبدالله
- ۷۷۴ مبشری، اسدالله
- ۷۷۴ مجلسی، محمدتقی
- ۷۷۵ محبوبی، مجید
- ۷۷۶ محرابی کرمانی، سعید
- ۷۷۷ محقق خوانساری، حسین
- ۷۷۷ محلاتی، ذبیح‌الله
- ۷۸۰ مدرس خیابانی
- ۷۸۰ مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی
- ۷۸۱ مدرس رضوی، محمدعلی
- ۷۸۲ مدیر شانه‌چی، کاظم
- ۷۸۳ مراغه‌ای اعتمادالسلطنه، محمدحسن
- ۷۸۳ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین
- ۷۸۹ مروجی طبسی، محمدمحسن
- ۷۹۰ مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل
- ۷۹۰ مسکین اصفهانی، محمدعلی
- ۷۹۱ معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی
- ۷۹۴ مفید، محمد

- ۷۹۴ موسوی، محمدتقی
- ۷۹۷ موسوی، میر محمود
- ۷۹۸ مهدوی هرستانی، مصطفی
- ۷۹۹ مهدوی، محمد حسین
- ۸۰۰ میر عبداللهی شمس، محمد حسین
- ۸۰۱ ناصر حسین، حامد حسین
- ۸۰۱ نایفی، خلیل
- ۸۰۲ نثاری بخارایی، بهاء‌الدین حسن
- ۸۰۲ نجفی، محمد طه
- ۸۰۳ نسائی، ابو عبدالرحمان احمد
- ۸۰۴ نصرآبادی، محمد طاهر
- ۸۰۵ نظام الدوله، علی محمد
- ۸۰۵ نوا، حسین
- ۸۰۶ نهاوندی، علی
- ۸۰۶ نیکونزاد، حسین
- ۸۰۶ واله داغستانی، علیقلی
- ۸۰۷ وامق یزدی، محمد علی
- ۸۰۸ هدایت طبرستانی، رضاقلی
- ۸۰۹ همایی، جلال‌الدین
- ۸۱۱ یوسفی، سجاد
- ۸۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
 عنوان و نام پدید آور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.
 یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].
 عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
 رده بندی کنگره : CT۲۰۳/ف۲۸ و ۶۷ و ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

اخلاق و عرفان نظری

احمدی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم احمدی

محل تولد : قم

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.

در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال ۱۳۶۹ کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال ۱۳۷۴ به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به

عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.

هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

استادی مقدم، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا استادی مقدم

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیةالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال ۱۳۱۶ در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال ۱۳۷۲ دارفانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که همواره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.

آیةالله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.

آیةالله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.

آیةالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیةالله ستوده، آیةالله میرزا حسین نوری، آیةالله خزعلی،

آیه‌الله محمدی شاه‌آبادی، آیه‌الله جعفر سبحانی، آیه‌الله منتظری، آیه‌الله مکارم شیرازی، آیه‌الله سلطانی بروجردی، آیه‌الله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.

در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیه‌الله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیه‌الله حاج سید موسی شبیری زنجان‌ی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیه‌الله العظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیه‌الله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمن و تبرک از مرحوم آیه‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیه‌الله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیه‌الله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.

آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.

از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبیدی، سید حسن مدرس، میرزا کوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آفاحسین خوانساری است که حدود ۵ سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.

آیه‌الله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجد اعظم بود و چند سال است که عضو شورای عالی حوزه علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیه‌الله خرازی، در هیأت مدیره مؤسسه در راه حق می‌باشد. وی از سال ۱۳۵۰ تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.

آیه‌الله استادی تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلات به صورت کتابهایی با نامهای مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، ۹ رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.

همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیه‌الله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.

آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی (ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و همواره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استخری، احسان‌الله علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۳۵۳ ق.، شیراز.

درگذشت: آذر ۱۳۶۵.

احسان‌الله علی استخری فرزند کمال در شیراز متولد شده است. نسبش با شش واسطه از امهات به سید قطب‌الدین محمد صاحب فصل الخطاب و از وی طبق نسب‌نامه به امام زین‌العابدین (ع) می‌پیوندد و علاوه بر انتساب به برخی از مشایخ اولیاء از جهت والدین سلسله نیاکانش تا امام‌قلی‌خان ابن‌اللهوردیخان سه‌پسالار عصر صفویه متصل است.

احسان‌الله علی استخری در تصحیل علوم متعلق به باطن از خدمت جمعی از علماء عامل و اولیاء عارف استفاده برد و از دانشکده‌ی معقول و منقول نیز به دریافت دکتری توفیق یافت. وی سپس به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت. از آثار اوست: اصول تصرف (۱۳۳۷).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اصفیائی شندآبادی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی، آیت‌الله حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره‌های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالی پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت. گروه: علوم انسانی‌رشته: الهیات و معارف اسلامی‌الدین و انساب: پدر سید اسماعیل اصفیائی شندآبادی «میرعبدالله» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالی پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت. خاطرات و وقایع تحصیل: یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی

تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت. وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت: «ایشان هم ملاً هست تو هم ملاًئی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!» که من خندیدم و گفتم: «تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! اما ما چی؟! بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. اما صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت: «دیشب چه گفתי راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!» فعالیت‌های ضمن تحصیل: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد. همسر و فرزندان: مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتند از: ۱- سیدعبدالله فاطمی نیا و عظم شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران ۲- سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) ۳- سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان ۴- سیدمحسن اصفیائی پیشه‌ور و وقایع میانسالی: مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصاً آیاتی را که عتاب‌آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاری‌شان مسجد را پر می‌کرد. آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید: «مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سؤال کردم و پرسیدم، آیا هر کس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «وینادیک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بر بوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.» زمان و علت فوت: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۸، مطابق ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۱۰ هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسئولیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت

ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت. فعالیت‌های آموزشی: روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌الله بوسيله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهای مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال ۱۳۳۸ شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دل‌های ما رخنه دهد، آیت‌الله شندآبادی بود. آرا و گرایشهای خاص: سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منبع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت. آثار: ۱ تحقیق و چاپ «محاسبه‌النفس» سیدبن طاووس ۲ کشف‌الریبه و ویژگی اثر: شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است ۳ محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

منابع زندگینامه: سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما ۱k – /www.hawzah.net

افشار، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا افشار

محل تولد: کرج

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب متولد ۱۳۴۱ هستم. در شهرستان کرج مدت ۲۰ سال زندگی کردم و تا دیلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به

تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم. در سال ۱۳۶۲ که تا سال ۱۳۷۴ در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت ۱۲ سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.

مدت ۲ سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود ۹۰ مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رضوانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام که این چهار سال را در مدت ۳ سال گذراندم. مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.

از سال ۸۴ نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهارم می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.

منابع زندگینامه: پایگاه اندیشوران حوزه

الهی طباطبایی، محمد حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت: ۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات: ۱۳۸۸ق

محل دفن: قم

محل تحصیل: تبریز، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، سید حسین بادکوبه‌ای و

شاگردان: حسن حسن زاده آملی، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و

تالیفات: رساله‌ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می‌کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب

می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون "جعلت فداک" و "عزیز دلم" که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است. استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید: با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آوردند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد. سینی تبدیل به طلا شد. بعد فرمود: "ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟" دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت! با وجود چنین قدرت روحی، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کرد و چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است: از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید، تا چه رسد به معاصی!

سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان در کتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است.

الهیان، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علی اکبر الهیان در سال ۱۳۰۵ هـ. ق، در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. وی مقدمات را نزد اساتید موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالی رهسپار حوزه علمیه تهران شد و بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری «عرفان نظری و علوم غریبه» پرداخت. شیخ علی اکبر به تدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: شیخ علی اکبر الهیان فرزند آیت الله حاج شیخ محمد تنکابنی، در سال ۱۳۰۵ هـ. ق در خانواده ای اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. خاندان الهیان از علما و بزرگان می باشند و هم اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال ۱۳۲۳ قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایان برده بود در تهران نزد اساتید آن شهر سطوح عالی را فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود. در ابتدای ورودش به معدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایة الاصول» زانوی شاگردی بر زمین زد و از فضل و دانش ایشان بهره جست. در همان زمان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیه الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصر، شایستگی علمی اش را به ثبوت رسانید و به درجه

اجتهاد نایل گردید. پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری «عرفان نظری و علوم غریبه» پرداخت. استادان و مربیان: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی در قزوین از کلاس درس سیدموسی زرآبادی کسب فیض نمود و دریچه‌های عرفان را به روی خویش گشود. وی «عرفان نظری و علوم غریبه» را از این استاد آموخت و دلباخته حالات عرفانی او شد. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: از همدوره‌ایهای علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی می‌توان به شیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد. همسر و فرزندان: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزند یکی بنام محمد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشند البته حسن در سال ۱۴۰۲ هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضرت رضا (ع) در تصادفی دارفانی را وداع گفت. وقایع میانسالی: علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیچ آمالی در من وجود ندارد. و نیز نقل نمود: حدود سال ۱۳۷۰ قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متعیر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگویید. برود - لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدند، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید. زمان و علت فوت: مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان ۱۳۳۹ خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شدت یافت (۳) و در بیمارستان دکتر هشتروندی تهران بستری گردید و در روز سه‌شنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۳۳۹ خورشیدی سال ۱۳۸۰ قمری به درود حیات گفت جنازه‌اش به قم حمل شد و مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی (ره) بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میت ایشان بود که بجا آورد) و در قبرستان «وادی السلام خاکفرج» به خاک سپرده شد. شیخ محمدتقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش حاضر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرد تا بنشینم. او را نشانیدم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشام ما رسید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سیدموسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسی و اجتماعی خالی نمی‌کردند و همیشه در مبارزه با ظلم و ستم در دو میدان جهاد نفسانی و جهاد بیرونی پیش قدم بودند. فعالیتهای آموزشی: شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حدود سال ۱۳۳۵ قمری به قزوین مراجعت نمود و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسه نواب اقامت می‌گزید و به زیارت و عبادت مشغول می‌شد و همواره در شهرهای قزوین، رامسر، رشت، طالقان، تهران، آستانه و مشهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه نمود. با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومان وجوهات به او داده می‌شد با این حال هرگز در آن وجوه تصرف نمی‌نمود و در دوران زعامت آیه‌الله العظمی بروجردی (ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: شیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضرت سیدموسی زرآبادی (متوفی سال ۱۳۵۳ قمری) به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سید که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق

موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی‌اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی‌اکبر الهیان در سال ۱۳۴۵ قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد. آثار: ۱- تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی (ره) ۲- حاشیه بر «عین‌الاصول» ۳- حاشیه بر نجاه‌العباد ۴- فوائد‌العسکریه ۵- مصابیح

امجد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـ ش در خانواده‌ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقب به «افصح المتکلمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین‌های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانده و به درس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی، بهاء‌الدینی و بهجت - قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم - و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علامه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می‌کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می‌فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگوئید بلکه امجد کربلایی بگوئید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاء‌الدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـ ش. با آیت الله العظمی بهاء‌الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت الله العظمی بهجت - دامت برکاته - مرتبط شد و افزون بر بهره‌برداری از درس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره‌های اخلاقی می‌برند و علامه طباطبایی می‌گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصاً دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی‌اعتنایی او به دنیا است به طوری که بسیار دیده‌اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم‌اهمیت و افراد بی‌نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده‌اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدران ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه‌ای صمیمی داشته باشند.

امین، نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۴۰۵ - ۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌الله شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌الله آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله حائری یزدی و آیت‌الله نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌الله میرزا آقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي

لَفَضَّلْتُ النِّسَاءَ عَلَى الرِّجَالِ

فَلَا التَّائِيثُ لِاسْمِ الشَّمْسِ عَارِ

و لَا التَّنْذِيرُ فِخْرٍ لِلْهَيْلِ

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهاره الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاء‌الله؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللثالی فی فضایل مولی الموالی».[۱]

۱۳۰۸ ق - ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت‌خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایه و خارج صلاحت و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تألیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تأسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیه (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلیبیه (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن اللثالی در فضل مولی الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضای حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالی نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتب و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱)؛ این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللثالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعدهاء (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴۸/۲۴، ۲۲۹/۲۰)، علماء معاصرین (۳۲۵-۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۱۴/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹-۵۵۷/۶).

[۲] منبع: دایره‌المعارف تشیع، ۲/ ۵۲۷.

اندرزیان، امرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امرالله اندرزیان

محل تولد: کهگیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

انصاری، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد انصاری

محل تولد: داراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۵/۱/۳

ایزد پناه، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم. از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگره علامه طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله در کیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشگاه امام حسین (ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود ۹۰ مقاله می

رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می‌کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامه علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده‌ام. این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد. هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفه علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغه اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع‌نگری به مسائل و تحقیق همه‌جانبه است. منابع زندگینامه: پایگاه اندیشوران حوزه

آقانهزنی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی آقا تهرانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.

ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی (دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی (ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ کایل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است. حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، ۵ سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

بلخی، سید اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسماعیل بلخی سال ۱۲۹۵ ش. در قریه ((سرپل بلخاب)) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب

و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب)) که از ((بامیان)) سرچشمه می‌گیرد قرار گرفته است. این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرن‌ها نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می‌آیند اینک نیم‌نگاهی به گذشته این دیار می‌اندازیم.

فرزانگان بلخاب

بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی)) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال ۸۱۰ ق. با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات)) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ)) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات)) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری)) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند!

بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است. و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.

در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤمن و غیرت مند زندگی می‌کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می‌آمد.

برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است:

بهجت، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.

درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه: پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می‌افتد و حالش بد می‌شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می‌رود وی می‌گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:

« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »

تا اینکه با آن حالت خوابش می‌برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می‌کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می‌شود و حالش رو به بهبودی می‌رود و بالاخره کاملاً شفا می‌یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می‌گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می‌برد. بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می‌گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می‌دهد، اسمش را «محمد حسین» می‌گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می‌کند به یاد آن سخن که در

دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد. کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مرثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات: تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید.

بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظم له خود به مناسبتی فرمودند:

« بیش از یک سال از اقامت در کربلا گذشته بود که مکلف شدم. »

آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه همواره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می خواند.

در سال ۱۳۵۲ ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته و می داشته است.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی (رحمت الله علیه) فرمود:

« من در ایام نوجوانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان برجسته فقه و اصول:

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی (رحمت الله علیه)، آقا ضیاء عراقی (رحمت الله علیه)، و میرزای نائینی (رحمت الله علیه)، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیت حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:

« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی - که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود - استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر. » سیر و سلوک و عرفان :
 آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استكمال معنوی همت گمارده، و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.
 آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »

همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی (ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن ۱۸ سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاحظت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.
 آیت الله مصباح می گوید:

« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُمَخَّص در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...»

خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطر من هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند. به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرما این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»
 یکی دیگر از شاگردان آقا (حَجَّةُ الْاِسْلَام و الْمُسْلِمِینِ آقَایِ تَهْرَانِی) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:

« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خوانند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم (اعم از نزدیک ضریح مطهر، و رواقهای اطراف) دعای ابو حمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. » فلسفه :
 آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :

با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارند، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.

آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:

« بعد از مرجعیت منزل آیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »

تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری (ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی (ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

در همین ارتباط یکی از مرتبین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوی بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:

ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.

در قم از محضر آیت الله العظمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقیه سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقیه سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی (ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز

مُستَشکِلین معروف و مبرز درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. « تدریس :

آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالی را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توان گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلالی گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :

آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:

« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح می کردند، ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.

در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. «

آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:

« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. «

آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:

« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. « موعظه در درس :

حجۀ السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:

« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروع درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به

عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (۱۵سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. «
آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیزهایی که بیشتر حاجت ماست (در امور اخلاقی و معنوی) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.

شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده ام. « جایگاه علمی :
گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:
از آن جمله گویند:

روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سن و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. « همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حق با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.
یکی از دانشمندان نجف می گوید:

« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. «
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:

« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهم، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلس درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. «
مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:

« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. «
آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:

« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصی سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه

و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سید باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی و شافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گوئید در خاطر من چیزی نیست. «

آیت الله مشکینی می گوید:

« ایشان از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. «

حجة السلام و المسلمین امجد می گوید:

« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. « تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :

آیت الله مصباح می گوید:

« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاہت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و اختیارات را که تقریباً حدود ۱۵ سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. «

شهید بزرگوار استاد مطهری (ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید. «

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج اختیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حائری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟

فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. «

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. «

عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می‌کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: «درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می‌کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید.» تألیفات:

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می‌خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی‌دهند و می‌فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

الف) کتابهای چاپ شده:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)

۲. مناسک حج

دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.

۳. وسیله النجاه

این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.

۴. جامع المسائل

این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب «ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می‌باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام «ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواص ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن «جامع المسائل» نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.

ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوة

آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث

«جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.

۲. جلد اول از دوره اصول

این کتاب تقریباً "به ترتیب «کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مذاقه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.

۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری

این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حج می‌باشد.

ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

۱. بقیه مجلدات دوره اصول

۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری (ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن «

شرائع الاسلام» نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

۳. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوٰه » به ترتیب مباحث « جواهر الکلام » با تلخیص و نوآوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

۴. بقیه مجلدات دوره کتاب الصلوٰه

همچنین ایشان در تألیف سفینه البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینه البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان:

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.

۲. عبدالمجید رشید پور.

۳. سید مهدی روحانی.

۴. علی پهلوانی تهرانی.

۵. مختار امینیان.

۶. محمد هادی فقهی.

۷. هادی قدس.

۸. محمود امجد.

۹. محمد ایمانی.

۱۰. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.

۱۱. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

۱۲- مسعودی خمینی

۱۳- سید رضا خسروشاهی.

۱۴- حسن لاهوتی

۱۵- عزیز علیاری

۱۶- سید محمد مؤمنی

۱۷- حسین مفیدی

۱۸- جواد محمد زاده تهرانی

۱۹- سید صابر مازندرانی

۲۰- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ مطابق با ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ قمری دار فانی را وداع گفتند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بیابانکی، علاءالدوله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ علاءالدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانک سمنان متولد شد. علاءالدوله از کودکی مقدمات علوم نزد دایی خود رکن الدین صاین آموخت. و از پانزده سالگی وارد دربار ارغون خان ایلخان مغول شد و به کارهای دیوانی مشغول گشت ۵- ۶۷۴ هـ.ق. و تا سال ۶۸۵ که اردوی او را ترک نمود، به اعمال دیوانی مشغول بود. اما در آن زمان تغییر حالی در علاءالدوله رخ داد و ترک مناصب دیوانی کرده به تحصیل و تکمیل معلومات خود رفته و حدیث و سلوک پرداخت و به بغداد رفت و حلقه ارادت شیخ نورالدین اسفراینی برگردن آویخت در این حین چند بار به سفر حج و شامات رفت تا اینکه در سال ۶۸۹ خرقه و اجازه ارشاد خود را از مراد خود چند دریافت نمود. و در خانقاه سکاکیه در سمنان به تعلیم مشغول شد. و نیز خانقاهی بنام برج احرار را با خرج خود ساخت و در آن به تعلیم و تالیف پرداخت و تا زمان مرگ در ۷۳۶ به کار خود ادامه داد. خواجوی کرمانی حکمی از شاگردان وی بود. از علاءالدوله در سمنان تالیفات بسیاری باقی است که از آن جمله اند: دیوان اشعار علاءالدوله سمنانی، مقاصد المخلصین، و بیان الاحسان لاهل العرفان. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: عرفان اسلامی والدین و انساب: شیخ علاءالدوله بیابانکی سمنانی در سال ۶۵۹ در روستای بیابانک سمنان متولد شد. پدر و اجداد وی از حاکمان محلی و مردمی مرفه و با فرهنگ بودند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: علاءالدوله بیابانکی سمنانی از یک خاندان ثروتمند سمنان بود چنانکه به قول خود وی «صد هزار از ملک پدری و میراث، صرف و وقف صوفیان کرد». اصل وی از سند بوده است اما در بیابانک سمنان اقامت گزیده بودند و متصدیان امور دیوانی به شمار می رفتند. «مقدمان» این خاندان با عنوان «ملک» مشهور بودند و به همین سبب برخی تذکره نویسان علاءالدوله را از ملوک سمنان دانسته اند. پدرش ملک شرف الدین محمد و عمویش ملک جلال الدین از بزرگان دوره ایلخانی به شمار می رفتند و از متصدیان امور دولتی در آن عهد بوده اند. ملک شرف الدین محمود عنوان ملک بغداد (شحنه بغداد) در زمان ارغون را داشت و در زمان غازان خان منصب الغ بیتکچی یافت و در سال ۶۹۵ به زمان غازان خان همانند برادر خود اعلام گردید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: علاءالدوله بیابانکی سمنانی در سمنان فقه و حدیث را از دایی خود رکن الدین صاین (م. ۷۰۰ هـ.ق) آموخت و به اردوی ارغون خان پیوست اما به سبب تغییر حال و بیداری ناگهانی اردوی وی را ترک ركد و تکمیل تحصیلات خود در فقه، حدیث و علم ادبی و نیز سلوک پرداخت و در سال ۶۸۷ هـ.ق به بغداد رفت و حلقه مریدی شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پرداخت. و خرقه خود را از او، که با واسطه ای به شیخ نجم الدین کبری می رسید پرداخت نمود. و اجازه ارشاد یافت ۶۸۹ هـ.ق و مدتی هم به سفر در فلسطین و شام پرداخت. خاطرات و وقایع تحصیل: حمدالله مستوفی که معاصر علاءالدوله بیابانکی سمنانی بود نوشته است که علاءالدوله در زمان ارغون خان مغول در مشاغل دولتی روزگار می گذراند (در ۱۵ سالگی) فعالیت‌های ضمن تحصیل: علاءالدوله بیابانکی سمنانی در حین تحصیل علوم دینی و ادبی در دربار ارغون به کارهای دیوانی مشغول بود. وقایع میانسالی: چنانکه حمد الله مستوفی نوشته است، علاءالدوله بیابانکی سمنانی از ۱۵ سالگی در دربار اباقا و ارغون و به مشاغل دولتی مشغول بود اما در یکی از سفرهای ارغون بر علاءالدوله تغییر حالی دست داد چنانکه از خدمت دیوانی منصرف شد، شیخ خود در کتاب العروه این واقعه را در زمان جنگ ارغون و سلطان احمد تکودار در نزدیکی قزوین نسبت داده است (در حدود سال ۶۸۲) اما در سال ۶۸۵ از اردوی خان خارج شد و به سمنان رفت و به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود پرداخت و غلامان و کنیزان خود از اردو و اولاد خود را صرف تعمیر و ساختن «خانقاهی سکاکیه»

منسوب به شیخ حسن سکاکی سمنانی (قرن ۵ ه.ق) کرد. و به مریدان شیخ نور الدین عبدالرحمن اسفراینی در بغداد پیوست و ۶۸۷ و اندکی بعد به حج رفت و چندبار این زیارت را تکرار نمود. اما کما بیش با دربار ایلخانان ارتباط داشت در برخی از آخرین ایلخانان را در دیوان خود مدح نموده است و حتی میان امیر چوپان و سلطان ابوسعید ایلخانان وساطت نمود. آخرین سفر حج وی به سال ۷۳۲ بوده است. زمان و علت فوت: وفات علا-الدوله بیابانکی سمنانی رادر شب جمعه ۲۲ رجب سال ۷۳۶ هجری در ۷۷ سالگی نوشته اند. پیکرش در کنار مقبره عماد الدین عبدالوهاب دفن شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علا الدوله بیابانکی سمنانی در ۱۵ سالگی در حدود سال ۵-۶۷۳ به خدمت اباقاخان در آمد اشتغال به کارهای دوانی را تا سال ۶۸۵ ادامه داد. وی پس از ترک اردوی ارغون نیز کما بیش با دربار ایلخانان مرتبط بود. فعالیتهای آموزشی: علا-الدوله بیابانکی سمنانی از سال ۷۲۰ در خانقاه سکاکیه در صوفی آباد سمنان به ارشاد دراویش پرداختمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: «جرج احراز» نام خانقاهی بود که علا الدوله بیابانکی سمنانی در آخرین سالهای عمر خود در صوفی آباد سمنان برپا کرد، بود سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: تفکر، تالیف و مناظره درباره موضوعات عرفانی، همواره علا الدوله بیابانکی سمنانی را به خود مشغول می داشته است. شاگردان: از میان ارادتمندان متعدد علا-الدوله بیابانکی سمنانی خواجوی کرمانی شاعر معروف بود که مدتی از دوران سلوک را در خدمت وی در صوفیاباد گذرانده و در آنجا معتکف بوده و در وصف وی اشعاری سروده است. اخی علی مصری راحتی محمد دهقان و ابوالبرکات تقی الدین علی سمنانی و منہاج بن محمد السراین از دیگر شاگردان علا الدوله بودند. آرا و گرایشهای خاص: علا-الدوله بیابانکی سمنانی، سمنانی در تصوف معتقد به اعتدال اجرای احکام دین و انطباق آنها با اصول تصوف بود و در این راه سخت گیر بود و با معتقدان وحدت وجود (بوئزه ابن عربی) مخالفت داشت و از این رو با شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی که چنین اعتقادی داشته است، مکاتبات و مباحثاتی داشته است. آثار: العروه لاهل الخلوه، بیان الاحسان لاهو العرفان، دیوان علا الدوله سمنانی [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳ (بخش ۲)، ص ۸۰۸] ویژگی اثر: امامت علا الدوله سمنانی در کتابهای مقاصدالمخلصین، مفضح عقاید المدعین، بیان الاحسان لاهل العرفان و فلاح، دلایلی بر اثبات امامت علی (ع) آورده است و برخی این دلایل را نشانه تشیع علاالدوله می دانند. ۴. سلوه العاشقین، فلاح، مشاریح ابواب القدس، مطلع النقط و مجمع اللقط، مفضح عقاید المدعین، مقاصد المخلصین، یسر البال فی اطوار سلوک اهل الحال

منابع زندگینامه: صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، ص ۸۰۱

بیگم شیرازی، ام سلمه

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(ز ۱۱۶۳ ق)، عارف و نویسنده. از آثار وی «جامع الکلیات»، در سیر و سلوک و عرفان است که در شیراز چاپ شده است. [۱]
 ز شعبان ۱۱۶۳ ق. وی کتاب جامع الکلیات را در سیر و سلوک و عرفان به زبان فارسی در چهارده مقاله تالیف کرده است. [۲]
 برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۶۹/۵)، ریحانه (۳۰۶/۸)، لغتنامه (ذیل / ام سلمه)، مشاهیر زنان (۱۸-۱۷).

[۲] منابع: الذریعه، ۶۹/ ۵؛ ریحانه الادب، ۳۰۶/ ۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ۱۱۶؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱۵۰۲/ ۲؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۷۶۶/ ۲؛ النساء المؤمنات، ۱۵۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۶۵۴/ ۱.

پاکپور، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی پاکپور

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال ۱۳۶۳ دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم. سال ۶۴ برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدت چهار سال دوره مقدماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال ۷۳ دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم. در طول سال ۸۵ با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

تربتی، عباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج آخوند ملا عباس تربتی یکی از برجسته‌ترین و ممتازترین چهره‌های معنوی و مردمی در تاریخ اخیر ایران است. مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی در سال ۱۲۸۸ قمری مصادف با ۱۲۵۰ یا ۱۲۵۱ شمسی و در پانزده کیلومتری شرقی تربت حیدریه، ده «کاریزک ناگهانی‌ها» متولد گردید. او را باید در زمره متشرع‌ترین عارفان و عارف‌ترین متشرعات قرار داد. آواز مردمی‌ترین شخصیت‌هایی است که در همان حال از عابدترین آنها بوده است. وی در سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: حاج آخوند ملا عباس

تربتی، فرزند مردی به نام «ملا- حسینعلی» اهل «کاریزک» و زنی به نام «شیرین» (دختر لطفعلی) از اهالی «قاین» بود. اطلاعات چندانی از والدین حاج آخوند در دست نیست؛ اما نقل شده که حاج آخوند از از خوبی، دیانت، خانه داری، حلم و بردباری، کاردانی، تمیز کاری و دقت مادرش بسیار تعریف می‌کرد و نمی‌شد نام مادرش را ببرد و اشک در چشمانش نیاید. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عباس تربتی در سن شش یا هفت سالگی، پدرش او را نخست به مکتب ده، سپس برای تحصیل به شهر تربت فرستاد و نزد مرحوم «حاج ملا عبدالحمید» مقدمات صرف و نحو عربی را به خوبی و با دقت تمام فرا گرفت. اغلب اوقات شب و روز ایشان به فراگرفتن درس و بحث و تکرار و عبادت و فراگرفتن مسائل دینی و خواندن کتب دینی در مواعظ و شرح حال انبیاء و اولیاء و عباد و زهاد می‌گذشت و همه اینها به حکم طبیعت خودش و بدون اجبار دیگری بود. پس از طی مقدمات، به تحصیل سطح فقه و اصول پرداخت و پس از مدتی به مشهد رفته، روزها را کار کرده و شبها درس می‌خواند. وی پس از بازگشت به روستای محل زادگاهش و نیز پس از ازدواج و آسوده گردانیدن خیال پدر در کار زراعت، به منظور ادامه تحصیل، هر پنجشنبه چند قرص نان خانگی تهیه کرده، و همراه کتابهایش بعد از خواندن نماز ظهر و عصر پیاده به طرف خانه عالمی که متن کتابهای فقه و اصول را در نزد او می‌خواند به راه می‌افتاد. شب جمعه و روز جمعه تا ظهر، از استاد به اندازه یک هفته از کتابهایی مانند «معالم» و «قوانین» در اصول و «شرح لمعه» و «شرایع» در فقه درس می‌گرفت، و ظهر جمعه پس از ادای نماز به سوی ده باز می‌گشت، و از فردا ضمن اشتغال به کار زراعت به حاضر کردن درسها می‌پرداخت تا پنجشنبه دیگر که دوباره به محضر استاد برسد. استادان و مربیان: یکی از استادان مهم حاج آخوند ملا- عباس تربتی، ملا محمد کاظم آخون خراسانی است. همسر و فرزندان: حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از تحصیل در مشهد به ده خود بازگشته و به کمک پدر خود در کار زراعت مشغول شد و در هنگام فراغت به گفتن مسائل دینی و موعظه کردن مردم می‌پرداخت، در این مدت نیز با همسری اهل روستای «مزدگرد» (در سه کیلومتری جنوب تربت) ازدواج کرد. وقایع میانسالی: حاج آخوند ملا عباس تربتی مرجع تظلم مردم و خانه اش ملجا دادگستری و پناهگاه آنان بود. چنانکه وقتی از دست حکام و خوانین به وی تظلم می‌کردند او با قدرت معنوی خودبه شکایت آنان رسیدگی می‌کرد. از دیگر وقایع این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - در سال ۱۲۸۷ شمسی، با کاروان، پیاده به کربلا رفت و این سفر هفت ماه طول کشید. روزی که بازگشت، مرد و زن همگی جمع شدند، به طوری که در خانه جای نشستن نبود. - سفر دوم کربلا مرحوم راشد نقل می‌کند: در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی، با کاروان به همراه حاج آخوند عازم کربلا شدیم که ۵ ماه و ۲۰ روز طول کشید. و گاهی پدرم یکی از پیاده‌ها را بر آن سوار می‌کرد. پدرم همان برنامه نمازهای پنجگانه را در اوقات سه گانه با همان دقت و طمأنینه و منبرهای بعد از نماز (البته به طور مختصر) داشت. از هر منزل که راه می‌افتادیم، آخرین نفر بود که به راه می‌افتاد تا مطمئن گردد که همه هستند، و با اینکه او قافله سالار نبود، تفقد حال همه را می‌کرد، چرا که این را وظیفه‌ی دینی و اخلاقی خود می‌دانست. بسا می‌شد کسانی از اهالی منزلهای میان راه، حالت نماز خواندن او را می‌دیدند و سخنان ساده و بی‌ریا و مؤثرش را می‌شنیدند و مجذوب او می‌شدند؛ و از این رو در بعضی از منازل بین راه کربلا نیز معتقدانی داشت - حاج آخوند در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی عازم مکه معظمه شد؛ با اینکه احتمال داشت به ایشان گذرنامه داده نشود با این حال از اینکه به طور غیر قانونی برود امتناع ورزید و گفت: من چنین کاری نمی‌کنم. با آن که بی‌نهایت اشتیاق زیارت مکه را دارم ولی بر خلاف معمول و قانون حاضر نیستم. ایشان در سایر کارها نیز همین طور بود. سراسر زندگی پر بار ایشان مملو است از فداکاریها، پایبندی به دستورات شرعی و رسیدگی به احوال مردم که بسیاری از آنها به ما نرسیده است. زمان و علت فوت: مرحوم راشد نقل می‌کند: پدرم در روز یکشنبه ۲۴ مهرماه سال ۱۳۲۲ شمسی هجری مطابق با ۱۷ شوال سال ۱۳۶۲ قمری هجری در حدود دو ساعت از آفتاب گذشته از دنیا رفت. نماز صبحش را همچنان که خوابیده بود خواند و حالت احتضار بر او دست داد و پایش را به سوی قبله کردند و تا آخرین لحظه هوشیار بود و آهسته کلماتی می‌گفت، مثل این که متوجه جان دادن خودش بود و آخرین پرتو روح با کلمه لا

اله الا الله از لبانش برخاست. حدود دو سال قبل از فوت بیمار شدند و در این مدت گاهی در تربت و گاهی در مشهد بودند. حاج آخوند، در تربت حیدریه، در خانه شخصی خود، همان اتاق و محلی که نماز شبهای بسیاری خوانده و «العفو» گفته بود و گریسته بود از دنیا رفت. جنازه حاج آخوند، در مشهد مقدس در آخرین غرفه صحن نو حرم امام رضا علیه السلام (در آن زمان) در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد و چنانکه وصیت کرده بود این آیه قرآن بر سنگ قبرش که بر دیوار آن غرفه نصب شد نوشته شد: «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید؛ و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود» (آیه ۱۸ سوره کهف) و در زیر آن نوشته شده بود: «مرقد بنده صالح خدا عالم عامل مرحوم حاج شیخ عباس تربتی پسر مرحوم ملا حسینعلی کاریزکی که هفتاد و اند سال عمر خود را به درستی و پاکی و زهد و عبادت و ترویج دین و خدمت به نوع گذرانید...» و این شعر نیز نوشته شده بود: به تاریخش رقم زد، کلک سالک به حق دست ارادت داد عباس بعداً سنگ قبر ایشان توسط حکومت وقت خراب شد و بعد از انقلاب آستان قدس رضوی سنگ قبر جدیدی بر مزار حاج آخوند ملا عباس تربتی نصب کرد. اما عبارات روی این سنگ، عیناً همان عبارات حک شده بر روی نخستین سنگ مزار آن مرحوم نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از ازدواج و تکمیل معلومات حوزوی خود، در تمام این ایام، عبادات، نماز شب و روزه‌ها همچنان جریان خودش را داشت، در کاریزک و در روستاهای دیگر نیز به کارهای دینی، مجالس و منابر مردم رسیدگی می کرد بی آنکه در برابر آنها چیزی قبول کند. زمانی که مرحوم «حاج شیخ علی اکبر تربتی» که از شاگردهای مجتهد حوزه درس مرحوم «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» بود از نجف به تربت حیدریه بازگشت، مرحوم ملا محمد کاظم او را به عنوان «مجتهد جامع الشرایط» معرفی کرد. حاج آخوند در درس «کفایة الصول» ایشان حاضر می شد، مرحوم شیخ علی اکبر پس از آنکه با احوال حاج آخوند آشنا می شود ارادت زیادی درباره او پیدا می کند و اصرار می ورزد که زندگی خود را از ده به شهر تربت منتقل کند. اما حاج آخوند برای رعایت حال پدرش عذر می آورد. پس از آنکه پدرش فوت می کند مرحوم حاج شیخ علی اکبر مطلبی می گوید که در حاج آخوند خیلی مؤثر می شود: ترویج دین بر شما واجب است و این کار در شهر بیشتر میسر است. در این هنگام حاج آخوند تصمیم گرفت که به تربت منتقل شود و این در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی واقع شد. پس از انتقال به شهر، مرحوم شیخ علی اکبر به وی تکلیف کرد که به جای او در مسجد به نماز بایستد و امامت کند. حاج آخوند با دلیل علمی امتناع کرد، ولی شیخ علی اکبر با جواب علمی ایشان را قانع کرد که بر شما از لحاظ دینی واجب است که این کار را بکنید. خود مرحوم حاج شیخ هم گاهی در هنگامی که حاج آخوند مشغول نماز بود می آمد و به وی اقتدا می کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: چنانکه از عباس تربتی یاد می کنند او فردی پرتلاش و درعین حال اهل ورزش و سوادکاری بود. شاگردان: از جمله شاگردان عباس تربتی می توان به، آیت الله محمد رضا زنجان خراسانی اشاره کرد. همفکران فرد: آیت الله جنتی، آیت الله خزعلی، محمود امجد و حاج آقا حسین قمی از جمله همفکران تربتی می باشند. حاج آقا حسین قمی نیز یکی دیگر از همفکران عباس تربتی بود. آیت الله خزعلی، رئیس بنیاد بین المللی غدیر، در این باره چنین اذعان دارد: آخوند ملاعباس راشد تربتی انسانی عالم و زاهد و در عین حال بیگانه ستیز و آزاده بود. وی افزود: او از مردانی بود که هرگز از خداوند غافل نشد و در هر کاری نخست خدا و رضایت او را مد نظر داشت. وی با بیان اینکه حیات او برای خدا بود گفت: ملاعباس راشد تربتی برای خدا به مردم خدمت کرد و تمام تلاشش این بود که مردم پیشرفت کرده و رو به جلو حرکت کنند. او ادامه داد: آخوند ملاعباس راشد تربتی با فضیلت های ارزشمند اخلاقی خود به قدری در میان مردم نفوذ و تأثیر یافت که تظلم خواهی و نیازها را پیش او می بردند. آرا و گرایشهای خاص: حاج آخوند ملا عباس تربتی نه فقط به عنوان یک شخص بلکه به عنوان یک شخصیت و به عنوان آدم و انسانی با مجموعه ای از فضیلت های کمیاب و نایاب است.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم ترخان

محل تولد: بن جی کول، نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید. ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعالیت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون: وجدانی فخر، پایانی، استادی، طاهری خرم آبادی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، گرامی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، صالحی مازندرانی، مصباح یزدی، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد. فقه، اصول، تفسیر، کلام، فلسفه، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد.

تقوی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۴۲.

درگذشت: ۱۳۶۴.

از آثار اوست: زندگی در پرتو اخلاق: ذکرالله (قم، جامعه مدرسین حوزه علمی قم، ۱۳۷۳).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

توکل، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رحیم توکل

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از اخذ دیپلم تجربی در سال ۴۹ - ۴۸ در سال ۵۱ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال ۶۰ - ۵۹ وارد دروس خارج شدم. دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود ۴ سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و در سال ۶۸ موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم. از سال ۷۷ به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال ۸۴ - ۸۳) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در میاخذ فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

جباریان، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا جباریان

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در پنجم آذر ۱۳۳۷ هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن ۲۰ سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم. در سال ۱۳۵۶ تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز ۱۳۵۹ از بروجرد به قم آمدم و تا سال ۱۳۶۵ جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین (ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال ۱۳۶۵ به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال ۱۳۶۸ در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد ۱۳۶۹ به مهاباد عزیمت کردم و به مدت ۱۵ ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال ۱۳۷۵ به تحصیل پرداختم. در طول مدت

تحصیل سطح از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال ۱۳۷۵ به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال ۱۳۶۰ و نوشتن را از سال ۱۳۷۱ آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جمالی اردستانی، پیر فضل الله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پیر فضل الله جمالی اردستانی مشهور به پیر جمالی از شاعران و مولفان و عارفان معروف قرن نهم و بنیانگذار طریقت صوفیانه پیرجمالیه می باشد که اوایل قرن نهم در اردستان متولد شد. و به تحصیل در علوم ادبی پرداخت و از آغاز به سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی علاقه مند شد. و به طریقت سهرورد بر روی آورد و نثر پیر مرتضی اردستانی سالها به سلوک مشغول شد و پس از سیاحت بسیار، طریقت پیرجمالیه را بنیان گذارد و کتب سیاسی را نگاشت که مهمترین آنها درباره تصرف مصباح الارواح و فتح الابواب و حقیقه الادب و نیز دیوان اشعار وی می باشند. پیرجمالی در سال ۸۷۹ (یا بنا به قولی در ۹۰۱) درگذشت. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: عرفان اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: پیرجمالی از کودکی اصول عرفان و علوم ادبی (شعر و نثر) را به خوبی آموخت. وی پس از سالها سلوک در طریقت سهروردیه طریقت پیرجمالیه را بنیان گذاشت. وی تا پیش از این نزد پیرمرتضی اردستانی به تحصیل و کسب مراتب معنوی مشغول بود و مدتی را نیز در ولایات مختلف به گردش پرداخته بود. فعالیتهای ضمن تحصیل: پیرجمالی از آغاز تحصیل به سرودن شعرهایی می پرداخت و بعدها تخلص جمالی را برای خود برگزید استادان و مربیان: نسب تعلیم و استادان پیرجمالی به شیخ شهاب الدین سهروردی می رسید. اما استاد بلافضل وی پیرمرتضی اردستانی بوده است. وقایع میانسالی: پیرجمالی بیشتر دوران عمر را به سلوک گذراند و درعین حال به تألیف کتب عرفای و سرودن اشعار و نثرهایی ادبی پرداخت چنانکه سال ۸۶۸ کتاب مصباح الارواح، در سال ۸۷۲ کتاب فتح الابواب را نگاشت. و مدتی را به سیاحت پرداختن و علت فوت: وفات پیرجمالی در سال ۸۷۹ اتفاق افتاد. اما برخی از جمله ادگار بلوشه، اتحال معتقدند که وی در ۹۰۱ ه. ق در گذشته است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پیرجمالی پیش از تاسیس طریقت پیرجمالیه به درجه ی عرفانی «پیر» (مرشد کامل) دست یافته بود. فعالیتهای آموزشی: پیروان پیرجمالی در مرکز و شرق ایران (بوئژه هرات) پراکنده بودند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: جمال الدین فضل الله جمالی اردستانی موسس طریقت صوفیانه پیرجمالیه به شمار می رود. شاگردان: پیروان پیرجمالی طریقتی صوفیانه بنام «پیرجمالیه» را تشکیل می دادند. که در قرن نهم در خراسان و هرات رواج داشت. همفکران فرد: در زمینه شعر، غزل عارفانه پیرجمالی در حد اشعار بزرگانی چون قاسم انوار تبریزی، شاه داغی شیرازی و شمس مغربی بوده است. آرا و گرایشهای خاص: پیرجمالی با چند واسطه، شاگرد شیخ شهاب الدین سهروردی بود و احتمالاً طریقتی که پدید آورد، تحت تاثیر طریقت سهروردیه می باشد. آثار: استقامت نامه، بیان الحقایق فی امواد، تنبیه الغافلین، حقیقه الادب [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۵]، دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات، رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل تحقیق اضل الدین کاشانی، سیر المرسلین یا حقایق احوالی المصطفی و ویژگی اثر: که مثنوی بزرگی است شامل هفت منظومه: ۱-

مصباح الارواح (تالیف ۸۶۸) ۲- احکام المجبین، ۳- نهاییه الحکمه ۴- بدایه المحبه ۵- هدایه المعرفه ۶- فتح الابواب (تالیف ۸۷۳) ۷- شرح الواصلین (تالیف ۸۷۶) ۸. فتح الابواب، فرصت نامه، قدرت نامه، کشف الارواح یا یوسف و زلیخا (در تفسیر سوره یوسف)، کلیات، کنزالدقایق و میزان الحقایق، مدح الفقر، مرآت الافراد و ویژگی اثر: (مجموعه ۴۹ رساله) ۱۶ مرآت الحیب، مشکوه المجین، مصباح الارواح، معلومات اسرار القلوب، مفهومات انوار القلوب، مکاتیب [نفسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، صص ۵-۲۴۴ و ج ۲، ص ۷۷۵] ویژگی اثر: کلیات پیرجمالی شامل چند رساله مرکب از نظم و نثر، مثنویات، ترجیحات، غزلیات و رباعیات. اما مصباح الارواح و فتح الابواب درباره رموز عرفانی و اصول طریقت عرفانی پیرجمالیه است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۵] رضا قلی خان هدایت وی را از نظر کثرت اشعار صوفیانه پس از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، پرکارترین شاعر صوفی دانسته است. و از کتابهای مشهور وی اشعاری را آورده است. [هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص ۷۲] ۲۲ منظومه رو حالقدس، منظومه شرحالکنوز و کشف الرموز (تالیف ۸۶۴)، منظومه محبوب الصدیقین، منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز، منظومه مهر قلوب، ناظر و منظور، نصره نامه، نور علی نور

منابع زندگینامه: رضا قلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، به تصحیح مهر علی گرگانی، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری، بی تا، ص ۷۲۲ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۳ نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۳۵

جوادی آملی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالی‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعظام عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالی و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت الله شعرانی (ره) و آیت الله الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل بیت، حضرت معصومه (سلام الله علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت الله العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت الله محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالی‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس

معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌الله جوادی آملی است که نامشان ما را از هر گونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکلی است عطفشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم الله الرحمن الرحیم و اياه نستعين الحمد لله الذی يأخذ الصدقات و یرببها و صلی الله علی رسولہ الذی یطهر نفوس المتصدقین و یزکیها بها، و علی اهل بیتہ الذین استنوا بسنتہ (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الذین نبذوها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثر خداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شئون هستی به غیر خدا صحیحاً بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شئون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موخیدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لا املک لنفسی نفعا ولا ضرّاً... لیس لك من الامر شیء... و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لا تملک نفس لنفس شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، مضیی، و عهدی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شئون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هر گونه تصرفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرف در شأنی از شئون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتماً به عنوان امثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبدالله واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولی، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱- مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافر از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدق و واقف

می‌باشد. ۲- فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: *أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ*، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مظهر آخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه *خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ* بها، آن خواهد شد که، و ما *أَخَذْتِ إِذِ أَخَذْتِ*، ولكنَّ اللَّهَ أَخَذَ. ۳- چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مظهر نفس از اوساخ، و مُزَكِّي روح از ادناس و اقدار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رِین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مَس نمی‌کنند،... لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ. ۴- از آن جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار گرد مَنَت و اذیت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی. ۵- چون صدقه جاری همانند سنت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعين خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نکتب ماقدّموا و آثارهم، و جزء اعمال بر متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا... يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ - لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّه هدی سنّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له - و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه گانه در این حدیث یا امور شش گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحان روح رائج الی الله خواهد بود. ۶- چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی الله، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده *آتَسْبِدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ*، انا لله و انا الیه راجعون را، به، رَبِّ ارْجِعُونِ...، مبدل ساخته، و تمنی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند: *فَأَصْدَقَ وَأَكْنَ مِنَ الصَّيِّحِينَ* - و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلین فرمود: *الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فِدَعَوْهُمَا لِيَوْمِهِمَا*. ۷- از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات الله علیهم اجمعین، قرآن ناطقاند، و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد، و به احکام آن عامل اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: *تَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا، وَكَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ، وَأَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ...* و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، آمده است: *كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ، قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، عَمِدَ إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُولَةً تَجْرَى بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ انْمَا جَعَلْتَ هَذَا لِتَصْرِفَ النَّارَ عَن وَجْهِی وَ لِتَصْرِفَ وَجْهَی عَنِ النَّارِ، وَ حَضْرَتِ صَدِّيقِهِ كِبْرِي، فَاطِمَةَ زَهْرًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، أَمْوَالِي رَا وَقَفَ فَرَمُودَهُ وَ تَوَلَّيْتُ أَنْ رَا بَه حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام، سپس به سید شهدا حضرت حسین بن علی علیهما السلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸- چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، همواره، به آن ذوات مقدّس اَتَّسَاء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدره الا وقف وقفا. ۹- همان طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه*

کردن، ارث بردن و مانند آن، ردیلت و افری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یثع چنین فرمود:.... هی صدقه، بتة بتلاّ فی حجج بیت‌الله و عابری سبیل، لا تُباع و لا توهب و لا تورث فمن باعها او وهبها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين، لا يقبل الله منه صرفا ولا عدلاً. ۱۰ - شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامی چنین دینی، رحمه للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی - جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف - نمودم خانه ایتباعتی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیه‌الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه‌الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث الله الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحوه، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توفی و ادراک لقاء الله، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواست، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربنا تقبل منا و خذ منا و طهرنا به والحمد لله رب العالمین، الذی یرث الارض و من علیها. منبع: میراث جاویدان برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جورابدوز، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جورابدوز

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ بعد از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه ابوالصدق آن روز مشغول به دروس حوزوی شدم مقدمات سیوطی و مغنی و منطق را در آن مدرسه به پایان رساندم و در همین ایام در دین تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت می‌کردم و این درس در مدت ۹ سال ادامه داشت. اصول فقه و معالم را نزد استاد محمدی خراسانی و لمعه را نزد مرحوم استاد وجدانی و خاتمی و عندلیب شیرازی به اتمام رساندم. سپس در درس رسائل آیت الله اعتمادی شرکت کردم و در همین زمان

مکاسب را نزد استاد دوزدوزانی خواندم و شرح منظومه را نزد استاد فاضل گلپایگانی خواندم و در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. کتاب کفایه الاصول را نزد آیت الله قدیری خواندم و بعد از اتمام ۲ جلد کفایه در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول از سال ۷۲ شرکت کردم که این درس خارج هنوز هم ادامه دارد. در سال ۷۱ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در رشته مدیریت دولتی در مقطع لیسانس را گذراندم و مقاله در زمینه مدیریت اسلامی نوشتم و مدتی در موسسه تحقیقی مهدویت شرکت کردم و مقاله‌ای در کلام در زمینه فرقه انحرافی بهائیت نوشتم و آن فرقه و عقاید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دادم.

حداد، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب حاج سید هاشم موسوی حداد در سال ۱۳۱۸ ق. در کربلا چشم به جهان گشود.

پدرش سید قاسم و مادرش زنی از قبیله جنابی های کربلا به نام هدیه می باشد.

جدش سید حسن از شیعیان هند بوده و به کربلا مهاجرت کرده است. در آنجا به سقایی مشغول و به حیا و پاکدامنی زبانزد بوده است.

از حکایتهای عبرت آموزجد ایشان آنکه:

اعراب غیرتمند اطراف کربلا- بعضی اوقات زنان خود را به همراه آقا سید حسن به کربلا می فرستادند تا لوازم مورد نیاز را تهیه کنند.

در تمام راه تا شهر کربلا- حتی یک بار هم بی اختیار نگاه سید حسن به آنها نمی افتاد و این نشان از شدت احتیاط و توجه وی داشت. ایشان در کربلا خانه ای را سقایی می کرد به قدری در هنگام آب رسانی خویشتن دار بود که از وقت داخل شدن به منزل تا خارج شدن سرش را به طرف دیوار بر میگردداند تا زنی را نبیند خواه در آن منزل کسی باشد یا نباشد.

عارف فرزانه حاج سید هاشم پس از رشد و شکوفایی، در همان کربلا مشغول تحصیل شد. درسهای طلبگی را تا سیوطی خواند. سپس راهی دیار مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علیه السلام شد؛ تا علاوه بر تحصیل، از محضر عارف کامل و بی بدیل، میرزا علی قاضی طباطبائی تبریزی، استفاده و همچنین در مدرسه هندی نجف خدمت کند.

حاج سید هاشم حداد، زندگیش با فقر و سختی می گذشت.

حدود دوازده سال در منزل پدر زن خود زندگی می کرد. چنان زندگی زاهدانه داشت که می گوید ما زیرانداز و روانداز نداشتیم و در سرما برای گرم نگهداشتن خود، نیمی از زیلوی کف پوش اتاق را به روی خود می انداختیم. ایشان با جدیت مشغول کار بود؛ ولی مراجعه فقیران و نسیه دادن به مشتریها که گاهی بر نمی گردانند و نصف کردن در آمد با شاگرد خود، چیزی برای وی باقی نمی گذاشت.

حال ایشان به گونه ای بود که نمی توانست بر خلاف این رویه عمل کند؛ چرا که استفاده از محضر استاد عارف علامه قاضی چنین اجازه ای به ایشان برای جمع مال و رد فقیر و نسیه ندادن به ایشان نمی داد. ایشان به نیازمندی که می رسید، دست در جیب می کرد و بدون شمارش پول می داد و گاهی هر چه داشت به آن مستمند می داد.

از خدمت کردن به دوستان بسیار خوشحال می شد و از هیچ کاری چه تهیه کردن غذا، شستن ظرف ها و جارو کردن اتاق فروگذار نمی کرد. در هدیه دادن دست بازی داشت و به دوستان هر چه بود می داد. سجاده، تسبیح، انشگتر. به طور معمول از فروشندگان فقیری که کنار صحن می نشستند، خرید می نمود و همیشه از عطر استفاده و اغلب در اتاقش عود روشن می نمود. غذایش نان با کمی سبزیجات بود.

عارف کبیر و موحد بی نظیر جناب سید هاشم حداد به بیماری مبتلا شد و نزدیکان هر چه تلاش کردند سودی نکرد خود آقا می فرمود: حال من خوب است شما چرا اینقدر خود را به زحمت می اندازید. ولی نزدیکان تحمل نداشتند. ایشان را در بیمارستان کربلا بستری کرده تحت معالجه طیب مخصوص خودشان، سید محمد شروقی قرار گرفت. روز دوازدهم رمضان حدود سه ساعت به غروب آقا می فرماید: مرا مرخص کنید! سادات در منزل، منتظر می باشند.

دکتر می گوید: امکان ندارد.

آقا می گوید: تو را به جده ام فاطمه زهرا علیها السلام قسمت می دهم! بگذار بروم؛ سادات منتظر هستند و من تا یک ساعت دیگر از دنیا می روم.

دکتر با شنیدن قسم، او را مرخص می نماید. ایشان به منزل می آیند. جمعی آنجا بودند و در مورد آیه «انا سنلقى علیک قولا ثقیلا» از آقا می پرسند. وی می فرماید: جبرئیل در برابر عظمت رسول الله ثقلی ندارد تا از آن تعبیر به قول ثقیل گردد. مراد از قول ثقیل، اوست.

«لا هو الا هو».

بعد درخواست حنا میکند و به رسم دامادها حنا می بندد و می گوید اتاق را خلوت کنید و رو به قبله می خوابد.

لحظاتی می گذرد و اطرافیان وارد اتاق می شوند می بینند ایشان جان به جان آفرین تسلیم کرده است. دکتر بر طبق گفته آقا، در همان ساعت به منزل ایشان آمد و دید حاج سید رو به قبله خوابیده است. گوشه را بر قلب او گذارده، می بیند قلب از کار افتاده است. گوشه را به گوشه ای پرت کرد و های های شروع به گریه می نماید.

آقا را شبانه غسل و کفن کردند، جمعیت انبوهی غیر منتظرانه و نشناخته برای تشییع از کربلا و اطراف با چراغهای زنبوری آمدند. ایشان را پس از طواف در حرم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، در وادی الصفای کربلا در مقبره شخصی که برای ایشان تهیه شده بود، به خاک سپردند.

این عبد صالح خدا بعد از ۸۶ سال زندگی در این دنیا وظیفه انسانیت و عهد الهی را به انجام رساند و با کوله باری از بندگی و یگانه پرستی در دوازدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۴ ق. به سوی معشوق رهسپار گردید.

حسن زاده آملی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه الله آملی و آیه الله شعرانی و آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم

مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:

(ثم ان حضره الفاضل الاديب العالم الاريب الجامع بين العلوم العقلية والنقلية والحائز للملكه العلميه والعمليه الشيخ المؤتمن الشيخ حسن الاعلى ضاعف الله قدره و اجزل اجر له تصدى لشرح باقى كتاب نهج البلاغه و هو الحرى به والمتوقع منه و هو كما قال بعض الانصار كما قيل عذيقها المرجب و جذيلها المحكل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم على حاز الرتبة القصوى و فاز بالقدح المعلى و نرجو من الله له التوفيق و لنا.

العبد ابوالحسن الشعرانى

تألیفات و تصحیحات

آثار عرفانى و اخلاقى

لقاء الله

وحدت از دیدگاه عارف و حکیم

انه الحق

ولایت تکوینى

عرفان و حکمت متعالیه

الهى نامه متن الهى نامه

انسان در عرف عرفان

کلمه علیا در توقیفیت اسماء

اصول و امتهات حکمى و عرفانى

تصحیح رساله مکاتبات

تصحیح و تعلیق تمهید القواعد

تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصرى

تصحیح و تحشیه رساله تحفه الملوک فى السیر و السلوک

مفاتیح المخازن

شرح فصوص الحکم

مشکاه القدس على مصباح الأانس

شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ

نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور

باب رحمت

نامه ها برنامه ها

قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
 آثار فلسفی و منطقی
 اتحاد عاقل به معقول
 نصوص الحکم بر فصوص الحکم
 رساله جعل
 صد کلمه
 تصحیح اسفار اربعه
 تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
 رساله ای در تضاد
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله ای در حرکت جوهری
 ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
 رساله نفس الأمر
 نهج الولاية
 درر القلائد علی غرر الفرائد
 النور المتجلّی فی الظهور الظلّی
 مفاتیح الأسرار لسلاک الأسفار
 شرح العیون فی شرح العیون
 گشتی در حرکت
 الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة
 گنجینه گوهر روان
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله مُثُل
 تصحیح و تعلیق شرح اشارات
 ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
 تصحیح و تعلیق شفا
 ترجمه و تعلیق الجمع بین الرّأیین
 رساله اعتقادات
 الأصول الحکمیة
 رساله رؤیا
 من کیستم
 رساله فی التضاد
 دروس معرفت نفس

- نثر الدراری علی نظم اللثالی
 آثار فقهی
 رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
 تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
 وجیزه ای در مناسک حج
 آثار تفسیری
 تصحیح خلاصه المنهج
 انسان و قرآن
 آثار کلامی
 خیر الأثر در رد جبر و قدر
 تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
 لیلۃ القدر و فاطمه علیها السلام
 رساله فی الإمامة
 رساله ای در کسب کلامی
 فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
 رساله حول الرؤیا
 آثار روایی
 تصحیح نهج البلاغه
 تصحیح سه کتاب (ابی الجعد، نثر اللثالی، طب الأئمة)
 تکملة منهاج البراعة
 مصادر و مأخذ نهج البلاغه
 انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه
 شرح چهل حدیث در معرفت نفس
 رساله ای در اربعین
 آثار ریاضی و هیوی
 دروس معرفه الوقت و القبلة
 رساله کلّ فی فلکک یسبحون
 رساله ای در تنهای ابعاد
 تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعۃ الأضطراب للبیرونی
 تعیین سمت قبله مدینه
 الصحیفه العسجدیة فی آلاتِ رصدیة
 الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
 رساله سی فصل

- تعلیق تحفه الأجله فی معرفه القبلة
 رساله قطب نما و قبله نما
 تعلیقه بر رساله مولا مظفر
 رساله میل کلی
 رساله ظلّ
 رساله تکسیر دایره
 تصحیح کتاب المناظر فی کیفیت الابصار
 رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
 رساله فی تعیین البعد بین المکرزین و الأوج
 رساله فی الصبح و الشفق
 رساله ای پیرامون فنون ریاضی
 رساله ای در مطالب ریاضی
 دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
 تصحیح و تعلیق شرح جعمنی
 تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
 تصحیح و تعلیق اکر مانالاؤس
 تصحیح و تعلیق تحریر اکر تاووذوسیوس
 شرح زیج بهادری
 تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیگ
 تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر بیست باب
 تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
 استخراج جداول تقویم
 تصحیح و تعلیق الدر المکنون و الجوهر المصون
 دروس معرفت اوفاق
 شرح قصیده گنوز الأسماء آثار ادبی
 تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصبیان
 تصحیح کلیله و دمنه
 تصحیح و اعراب اصول کافی
 دیوان اشعار
 قصیده ینبوع الحیاة
 مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
 تعلیقه بر باب توحید حدیقه الحقیقه
 تصحیح گلستان سعدی

تعلیق بر قسمت معانی مطوّل

امثال طبری

آثار متفرقه

تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن

هزار و یک نکته

هزار و یک کلمه

مجموعه مقالات

ده رساله فارسی

کشیکل

مصاحبات مناجات علامه حسن زاده

- الهی، تا تو لیک نگویی من کجا الهی گویم؟

- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر

- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد

- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده

- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم

- الهی، شکر است که دنیا را آخرت شد

- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو

- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار

- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی

- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است

- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟

- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!

- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟

- الهی، اگر ستار العیوب نبود، ما از رسوایی چه می کردیم؟!

- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویا بند

توصیه‌هایی از علامه حسن زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهر آگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد

بود و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت بکاری و غرس کنی. این جا را دریاب، این جا جای تجارت و کسب و کار است و وقت هم خیلی کم است. وقت خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهم العطاش» یعنی شتران تشنه را می بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می کوشند و می شتابند و از یکدیگر سبقت می گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیاید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این جای خودشان مبتلا شده‌اند.» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست بسازیم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسین زاده، علی محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد حسین زاده

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آبادان، جایی بود که در سال ۱۳۵۹ دیپلم گرفتم، عشق فراگیری به معارف دین من را به کیلومترها آن طرف‌تر، به قم کشاند. در ابتدا در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم، اما چند ماهی از شروع درس نگذشته بود که آژیر جنگ نواخته شد. وظیفه و تکلیف شرعی خود دیدم که به جبهه بروم، حدود سه سال پی‌در پی در منطقه جنگی حضور داشتم. در سال ۱۳۶۲ مجدد به قم بازگشتم مقدمات را در مدرسه رضویه و دوره سطح را در نزد اساتید بزرگواری همچون هادوی، آل‌غفور، استادی، طاهری خرم آبادی، شب‌زنده‌دار، پایانی، اعتمادی، گنجی و غیره گذراندم و از حضور آنان حداکثر استفاده را بردم. بعد از آن یک دوره خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را در نزد آیت الله سبحانی دام عزه فراگرفتم در ضمن در درس خارج فقه و تفسیر آیت الله جوادی آملی دام عزه شرکت داشتم و بهره‌های فراوان از آن بردم. در سال ۱۳۷۶ به دوره تخصصی کلام رفتم و در سال ۱۳۸۰ با نمره عالی فارغ التحصیل شدم و پایان‌نامه سطح چهار را به نام «رابطه فقه و کلام» دفاع کردم فعالیت پژوهشی خود را از سال ۱۳۶۹ آغاز کردم و در مراکز متعددی همچون مرکز تحقیقات جامعه مدرسین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرکز مدیریت خاوران و موسسه امام صادق (ع) بوده‌ام. آثاری از آنها به چاپ رسیده است. از سال ۱۳۷۴ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به عنوان استادیار گروه معارف اسلامی و در حوزه‌های علمیه مختلف تدریس نموده‌ام.

حسین نژاد خاکی، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف حسین نژاد خاکی

محل تولد: ---

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

وضعیت تحصیلات کلاسیک: دوران ابتدایی و راهنمایی تا اول دبیرستان را قبل از ورود به حوزه علمیه طی کردم. از سال ۱۳۶۷ در کنار سال دوم حوزه به تحصیلات متوسطه نیز مشغول شدم و سال ۱۳۷۰ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم. دوران دوم تا چهارم دبیرستان را در شهر مقدس قم به صورت متفرقه گذراندم. در سال ۱۳۸۰ با مدرک کارشناسی حوزه وارد دانشگاه تربیت مدرس قم شدم و تا دی ماه ۱۳۸۴ پایان نامه را نیز در موضوع رابطه عرفان، اخلاق و توسعه به اتمام رساندم و انشاء الله به زودی از آن دفاع می‌کنم. وضعیت تحصیلات حوزوی: در سال ۱۳۶۶ در امتحان ورودی حوزه علمیه قم قبول شدم. از سال ۶۶ تا ۷۵ ده سال دروس سطح را گذراندم. از ابتدا در مدرسه رضویه حجره داشتم؛ در دوران سطح نزد اساتیدی مانند زیبایی نژاد، صفایی بوشهری، فاضل، علیدوست، اسحاق نیا، مغیثه، محمدی خراسانی، اشتهاردی و... شاگردی کردم. از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۲ در درس خارج آقایان عظام حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری شرکت کردم. تحصیلات و تخصص های تجربی: از سال ۱۳۷۱ تا کنون در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم، به صورت هم عرض سه کار تدوین، اجرایی و آموزشی انجام داده ام. ضمن یادگیری تدوین اولیه جزوات (پیاده کردن نوار، ویرایش علمی، فهرست زدن و...) به تدوین چند مقاله و کتاب پرداخته ام. در کار آموزشی از سال ۷۱ تا ۷۶ دوره عمومی (معادل کارشناسی) و دوره عالی (معادل کارشناسی ارشد) مباحث آموزشی فرهنگستان را گذرانده ام. در کار اجرایی چند سال سابقه مسوولیت آموزشی این مرکز را دارم. ضمناً در آموزش فرهنگستان از سال ۷۷ تا کنون سابقه تدریس نیز دارم و به آموزش تدوین نیز پرداخته ام و جزواتی نیز در زمینه آموزش و ویرایش، فهرست و روش پیاده کردن نوار دارم. شرکت در همایش ها و جلسات علمی: به لطف خداوند حدود ۲ سال است که پس از بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مانند دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه امام حسین (ع) تهران و... به عنوان سخنرانی علمی و یا به عنوان استاد معین کمیسیون های علمی از طرف دفتر بسیج دانشجویی تهران یا دفتر جنبش نرم افزاری دفتر تبلیغات دعوت می‌شود.

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا حسینی اسحاق نیا

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید رضا حسینی اسحاق نیا در اوائل سال ۱۳۴۲ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه‌های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سید محمود اسحاق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سید احمد فرزند حاج سید اسحاق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت‌های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره‌ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می‌نموده است.

از سن شش سالگی به مدت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداول در مکتب خانه‌های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فراگیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از ۲ سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.

و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می‌نمایم. مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سید علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می‌باشد. در اواخر مدت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت‌های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کالذهب للذهب» بود یعنی:

پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سید احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدت هیجده سال حضور پیدا کرده و گرچه در محضر اساتید بزرگ

در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمیذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینی، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول در سطح عالی در حوزه علمیه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد. آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال ۷۸ تا کنون علاوه بر تدریس در حوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمناً گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۷۴.

از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، ۱۳۷۳)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء (تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۶۰)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (۱۳۷۱)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحر العلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، ۱۳۷۲)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمه و تذیل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، ۱۳۷۴)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلك الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، ۱۳۷۳)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، ۱۳۶۶)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، ۱۳۷۳)؛ معادشناسی (تهران، ۱۳۶۱)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین (ع) (تهران، ۱۳۷۱)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشآت محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، ۱۳۷۳)، نور ملکوت قرآن (مشهد، ۱۳۶۸)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، ۱۳۷۴)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، ۱۳۷۵).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی شیرازی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز ۲۰ ذی حجه ۱۳۶۰ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود. وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه علمی فرا گرفت و به درجات عالی اجتهاد نائل شد. عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولی مبرز و آشنا به علوم معقول و منقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.

ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمه الله علیه که خاندان علم و فضیلت و پرهیزکاری و اجتهاد است رشد یافت. نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد. ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.

بیش از ۳۰ سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمی قم و سوریه و شماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی

آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاها و مرجعیت معروف و شاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نمایم:

۱. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال ۱۳۱۲ق می باشد)؛

۲. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب ۱۹۲۰م در عراق (وفات وی در سال ۱۳۳۸ق می باشد)؛

۳. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند مجدد شیرازی از بزرگان و مراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال ۱۳۵۵ق می باشد)؛

۴. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال ۱۳۰۵ق می باشد)؛

۵. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در ۱۱ صفر ۱۳۸۲ق می باشد)؛

۶. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در ۲۸ شعبان ۱۳۸۰ق می باشد)؛

۷. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در ۲ شوال ۱۴۲۲ق به رحمت ایزدی پیوست؛

۸. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمی در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۰ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:

۱. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .
۲. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .
۳. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .
۴. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .
۵. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .
۶. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .
۷. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .
۸. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی و فرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق و تهذیب

این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقی طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد و هر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد. دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اعلای کلمه حق، نشر و معرفی فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.

تألیفات

ایشان تألیف و تصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات و ابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: - بیان الفقه:

در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و ۷۲ مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای ۷۰۰ صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلست. - بیان الأصول «۱۰ جلد»:

۶ جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لا ضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد و تاکنون چندین

مرتب به چاپ رسیده است. - توضیح شرائع الاسلام «جلد ۴»:

شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه و مجامع علمی و دانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. - شرح تبصره المتعلمین «جلد ۲»:

شرحی بر کتاب تبصره المتعلمین فی احکام الدین مرحوم علامه حلی رحمه الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۲ق می باشد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال ۱۳۸۲ق به چاپ رسیده است. - شرح بر کتاب سیوطی «جلد ۲»:

شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسی حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۶ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.

- شرح اللمعة الدمشقیة «جلد ۱۰»:

شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. - موجز در منطق:

در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۴ق می باشد • کتاب های اعتقادی:

از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی و مرجع بزرگوار تحریر نموده است. - علی سلام الله علیه در قرآن «جلد ۲»:

در این کتاب ۷۱۱ آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه و در شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. - فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:

شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال ۱۴۰۸ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب ۳۶۰ صفحه می باشد و چندین بار تجدید چاپ شده است. - اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:

این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده و از سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کوییت است و شامل ۴۰۷ صفحه می باشد. - شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. - حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:

این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در ۱۲۶ صفحه چندین بار چاپ شده که

نخستین چاپ آن مربوط به سال ۱۴۰۰ق در مؤسسه الوفای لبنان می باشد. - حقائق عن الشيعة: (شیعه و اتهامات ناروا) این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلست که در ۸۰ صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است •. کتاب های فرهنگی:

در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: - قیاس در شریعت اسلامی: این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث و بررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. - منزلت نماز جماعت در اسلام:

این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. - روزه:

فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - حج شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلست تألیف شده است. - مقدماتی در اقتصاد اسلامی:

در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. - اقتصاد و مشکل ربا:

بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. - اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)

در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست و سیره رسول خدا، امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل ۴۱۴ صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. - شراب و جامعه:

زیان ها و مفسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلست در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. - زشتی های بی حجابی:

شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلست. - داستان های آموزنده:

شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلست که در نجف اشرف در سال ۱۳۷۸ق به چاپ رسیده است. - حدود در اسلام:

این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلست که در بیروت به چاپ رسیده است. - راهی به سوی بانک اسلامی:

این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر ۱۰۴ صفحه دارد و در سال ۱۳۹۲ق در کربلای معلست تألیف شده و در سال ۱۹۷۲م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است •. رجال و شخصیت ها

- مالک اشتر نخعی:

شرح حال شخصیت و سردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال ۱۳۸۷ق

در چاپخانه الغری الحدیثه در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - شهید اول:

شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلایست و ضمن سلسله کتاب‌هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می‌باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. - شهید ثانی:

شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می‌باشد. این اثر از نوشته‌های آن بزرگ مرجع در کربلای معلایست و جزء سلسله کتاب‌های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. - پدر:

این کتاب شامل بخش‌های آموزنده‌ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می‌باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب‌های یادشده به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان‌ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می‌شود، می‌دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل و تقلید از ایشان جایز می‌باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می‌کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می‌کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه‌ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده و هدایتگر می‌باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی فر، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا حسینی فر

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۸ در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم . عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیار سودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم . برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران باز گشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .

سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم . همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیب شد . پس از اتمام سطوح عالی ، از سال ۱۳۷۸ به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کرده‌ام . در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته‌ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم .

از سال ۱۳۷۹ ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیب شد . همچنین از سال ۱۳۸۳ توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم . از سال ۱۳۸۴ ، تدریس برخی از دروس حوزوی از جمله - عقاید و فلسفه - را آغاز کرده‌ام .

حسینی، فضل الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید فضل الله حسینی

محل تولد : نوشهر

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم . روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا، شوروی و هم پیمانانشان بود . پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم .

حق شناس، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس (تهرانی) در سال ۱۳۳۸ ه. ق برابر با ۱۲۹۸ ه. ش در تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. تحصیلات:

وی تحصیلات مقدماتی و ادبیات را در محضر آیت الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی فرا گرفت و عرفان را نیز از محضر آیت الله شاه‌آبادی تلمذ کرد. ظاهراً بخشی از معقول را نیز غیر از درس آیت الله شاه‌آبادی از محضر آیت الله میرزا مهدی آشتیانی مدرس بزرگ حکمت و فلسفه آموختند. زیرا روزی در بین سخنانشان فرمودند: «ایشان - میرزا مهدی آشتیانی - بخش وجود ذهنی را که می‌فرمودند با عباراتی بسیار مغلق و خراباتی بیان می‌کردند.» که دال بر استفاده ایشان از محضر آن حکیم بزرگ است، اما مدت این کسب فیض مشخص نیست. ایشان همچنین دروس فقه و اصول را در هجرتی که به سال ۱۳۵۸ ه. ق به قم داشتند از محضر بزرگانی چون آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله العظمی بروجردی فرا گرفتند. مدتی نیز از محضر فقه و اصول امام خمینی بهره‌مند شدند و البته مراداتی در بحث اخلاق با امام راحل نیز داشتند.

وی اجازه اجتهاد خود را از بزرگانی چون آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله سید محمد حجت، شیخ عبدالنبی عراقی و آیت الله شاه‌آبادی دریافت کرد. آیت الله حق شناس از شاگردان آیت الله سید علی حائری، میرزای تنکابنی و شیخ محمدحسین زاهد بود. وی از شاگردان درس عرفان آیت الله شاه‌آبادی و امام خمینی (ره) بود. آیت الله حق شناس افزون بر زبان عربی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی هم مسلط بود. هجرت به تهران:

در سال ۱۳۷۳ ه. ق که جناب حاج شیخ محمدحسین زاهد تهرانی معروف به زاهد نفت فروش که در مسجد امین‌الدوله واقع در بازار وفات کردند، بنا به درخواست اهل مسجد و محل، آیت الله بروجردی به آیت الله حق شناس دستور دادند تا برای حل مشکلات دینی و رسیدگی به امور شرعی آن مسجد، به تهران عزیمت کنند. در این زمینه ایشان خود می‌فرمایند: «مردم به قم آمدند و تقاضای کسی را فرمودند. مرحوم امام خمینی قدس سره که آن روز در محضر آقای بروجردی بودند و نسبتشان به حقیر چون پدری به فرزند بود به من فرمودند شما بروید و از آیت الله بروجردی هم درخواست کردند که ایشان هم حکم کنند. ایشان هم حکم فرمودند. حس کنجکاو و مقام گستاخی فرزند به پدر باعث شد که عرضه داشتم: آقا چرا خودتان تشریف نمی‌برید؟ حضرت امام فرمودند: مردم گفته‌اند عبدالکریم. (عین عبارت ایشان است) به جدم اگر می‌گفتند روح الله من پیشقدم می‌شدم.» بالاخره ایشان به تهران آمدند و تا پایان عمر به تهذیب نفس جوانان و اهل علم و طلاب و کسبه مشغول بودند. ایشان مدتی نیز رئیس مدرسه فیلسوف‌الدوله و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی فعلی) بودند و در آنجا به تدریس مکاسب و کفایه در فقه و اصول و منظومه سبزواری در حکمت همت داشتند. محمد شریف رازی در کتاب خود به نام گنجینه دانشمندان می‌فرمایند: «بعد از وفات آیت الله بروجردی مؤمنین مسجد مزبور که غالباً از مقدسین و اخیار تهراند به قم آمدند و از آیت الله بروجردی تقاضا کردند ایشان را به جای آن مرحوم (شیخ زاهد تهرانی) برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرمایند. ایشان حسب الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم به تدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارند و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم و حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و

پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی هستند تربیت یافتگان او در بازار و حوزه‌های علمی قم و تهران و مشهد بسیار هستند و از روز آشنایی تاکنون مکرره‌ای از وی ندیده‌ام.»

هشیاری و آگاهی :

آیت‌الله حق‌شناس با وجود مشغله فراوان در امور شرعی و دروس حوزوی و تدریس کتب فنی از مسائل روز و سیاسی بی‌خبر نبودند و دقت خاصی داشتند. می‌فرمودند: «با شروع جنگ تحمیلی این شبهه برای من ایجاد شد که مبادا در جبهه به من نیاز باشد به خدمت امام راحل مشرف شدم آیت‌الله شهید صدوقی هم در مجلس حضور داشتند. من دو وجبی زعیماً عالیقدر بودم گفتم: بنده مدرس حوزه و امام جماعت مسجد امین‌الدوله هستم. اگر چنانچه وظیفه‌ی طور دیگر است دستور می‌فرمایید به جبهه بروم. امام فرمودند: مگر تو می‌توانی تفنگ بلند کنی؟ گفتم: بنده یکبار تفنگ بلند کردم و گلنگدن را کشیدم و ماشه را چکاندم به جای این که من تفنگ را نگه دارم تفنگ مرا مسافتی عقب برد. امام تبسمی کردند و اظهار داشتند: جبهه تو همان مدرسه است و مسجد امین‌الدوله.»

یکی از شاگردان این عالم می‌گوید: «در آن سالی که حرم مطهر رضوی توسط منافقین کوردل مورد انفجار ناجوانمردانه قرار گرفت سراسیمه به مسجد امین‌الدوله رفتم زیرا از ارادت خاص و عنایت ویژه ایشان به امام هشتم مطلع بودم و نگران آشفستگی روحی استاد حق‌شناس شدم. اما وقتی به آنجا رسیدم و چهره آرام آیت‌الله حق‌شناس را دیدم از نگرانی‌ام کمی کاسته شد. ایشان آرام فرمودند: مقام امام رضا علیه السلام چنان رفیع است که با این حرکت‌های مذبحخانه چیزی از شؤن ایشان کاسته نمی‌شود.»

آثار استاد حق‌شناس :

آثار قلمی و عملی ایشان با وجود تربیت شاگردان بسیار، کم نیست، ولی چند اثر قلمی و علمی نیز از معظم له موجود است: - رساله‌ای در ارث زوجه . - تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله حُجت . - تقریرات اصول آیت‌الله خوانساری . - تقریرات فقه و اصول آیت‌الله بروجردی . این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دارفانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد. یادگاری از آیه‌الله عبدالکریم حق‌شناس (ره):

زیارت عاشورا، یادگاری از حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حق‌شناس (ره) سالهای اول طلبگیام بود، تازه با آیت‌الله حق‌شناس آشنا شده بودم . چه جلسات با صفایی بود . خانه محقر استاد در آن جمع قلیل چه صفایی داشت . تازه ایشان به محل ما آمده بودند و هنوز در محل شناخته شده نبودند و حتی شاگردان ایشان هم از محل جدید زندگی ایشان مطلع نبودند. ماه رمضان بود و به واسطه یکی از اساتیدمان که از شاگردان ایشان بود و بعدها مدیریت مدرسه امین‌الدوله را عهده‌دار شد، خدمت معظم له شرفیاب میشدیم . حدود سیزده چهارده نفر بیشتر نبودیم. نماز را پشت سر آقا میخواندیم که جای شما خالی اما همه اینها آن چیزی نیست که میخواهم بگویم . آنچه میخواهم بگویم مهمترین یادگار زندگی من از درک محضر ایشان است که در این مختصر به اطلاع شما عزیزان میرسانم و آن در باب ختم زیارت عاشوراست . ایشان میفرمودند: شما چهل روز زیارت عاشورا بخوانید و در آن چهل روز مراقبت شدید نفس را عهده‌دار باشید؛ هر حاجتی که از خدا بخواهید به شما داده میشود و اگر از خدا حاجتتان را نگرفتید، بیایید که من برای شما حاجتتان را از خدا میگیرم و من ضامن آن هستم .

در این مختصر نه در این حد و اندازه هستم که کلام استاد را شرح دهم و نه توانایی آن را دارم که چیزی به زبان بیاورم چرا که خیلی دلم گرفته و غمگینم . ذخیره‌های الهی یکی پس از دیگری میروند. اما طریقه ختم زیارت عاشورا در چهل روز از زبان حضرت استاد آیت‌الله حق‌شناس به شرح زیر است: مقدمه زیارت باید به شرح زیر به جا آورده شود: ۱- صد مرتبه تکبیر . ۲- لعن و

سلام زیارت (اللهم العن اول ظالم ... ، السلام عليك يا ابا عبدالله و علی الارواح التی...) هر کدام یک مرتبه . ۳- زیارت عاشور از اول تا ابتدای صد لعن یک مرتبه . ۴- دو رکعت نماز هدیه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام . ۵- صد مرتبه تکبیر . و پس از انجام مقدمه شروع به خواندن زیارت مینمایید به شرح زیر: ۱- خواندن زیارت عاشورا از ابتدا تا انتها به همراه صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام . ۲- دو رکعت نماز آخر زیارت عاشورا که این دو رکعت نماز جزء زیارت است . اما لازم است که نکات زیر در این اربعین حتما رعایت شود: ۱- ایشان میفرمودند: در طول این چهل روز برای سلامتی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه صدقه بدهید . ۲- ایشان تاکید زیادی داشتند که در طول این چهل روز میبایست مراقبه اعمال صورت بگیرد . یعنی واجبات انجام گرفته و محرمات ترک گردد . گریه‌های آیت الله حقشناس وقتی از گناه صحبت میکردند و با لفظ زیبای «بین داداش جون» جوانان را به دوری از گناه توصیه میکردند؛ همراه با این جمله بود که گناه باعث عدم استجاب دعاست . ۳- ایشان میفرمودند: در طول چهل روز کسی جز اهل منزل از انجام زیارت عاشورا توسط شما مطلع نگردد . زیارت را مخفیانه بخوانید تا کسی مطلع نگردد و این سفارش استاد، نکاتی داشت که در این مختصر نمیگنجد . ۴- به یاد دارم که ایشان تاکید میکردند که مابین انجام زیارت عاشورا صحبتی صورت نگیرد . از آنجایی که انجام اعمال زیارت با اوصاف فوق حدود یک ساعت و نیم به طول میانجامد ایشان تاکید داشتند مابین زیارت صحبتی نشود البته ناگفته نماند که این مطلب را ایشان شرط صحت نمیدانستند لکن بر این مطلب تاکید میکردند و خاطرهای را نیز نقل میکردند که یادش بخیر ... ۵- میفرمودند: بین طلوع و غروب آفتاب زمان انجام عمل است و تاکید میکردند روز چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود البته حجه الاسلام والمسلمین جاودان میفرمودند اگر چهارشنبه هم نشد اشکالی ندارد ولی چه بهتر است که چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود . البته برای بانوان هم که در طول یک چله ممکن است دارای عذر شرعی باشند نیز دستور میدادند که باید برای ایام دارای عذر، نایب گرفته تا از جانب ایشان زیارت را ادامه دهد . جملات قصار از آیه الله حقشناس:

- شب زنده داری بر عمر و روزیتان میافزاید . - پیامبران و اوصیاء الهی برای این که طمع بی مال نداشته باشند هر کدامشان مشغول کاری بودند . - عاقل بدون ایمان، شیطان است . - عمر شما در اثر خدمت به مردم زیاد میشود . - اگر خدا را میخواهی باید از خودیت خودت بگذری . - باید عمل به دستورات و اوامر معصومین سلام الله علیهم کرد، نه این که ما بتوانیم مثل آنها بشویم . - حضرت ملک الموت علیه السلام به صورت عمل خودمان ظاهر میشود . - در اولین قدم سیر و سلوک، پروردگار متعال آزمایش را شروع میکند . - مقام مراقبه یعنی این که سالک تمام و کمال در محضر و حضور حضرت حق قرار دارد . - اول سفر الی الله سحرخیزی است . - وسایل وصال به مطلوب را نیز باید دوست داشت . - تنها راه تشخیص وسوسه شیطانی از نفحات قدسی مراقبه است . - اگر تحصیلات علمی شما با علم اخلاق توأم نباشد، منقطع میشود . - خدای متعال میفرماید: ای دنیا! خدمتگزار باش کسی را که خدمتگزار من است . یعنی کسی که (هم او واحد است) و آزار بده کسی را که خدمتگزار توست . - هر انسانی یک تکلیف اجتماعی دارد و یک تکلیف انفرادی . - دین، عمل به بندگی حضرت حق است . - اگر سالک بداند که در شناخت پروردگار چه چیزی نهفته است دیگر به زرق و برق دنیا اهمیت نمیدهد . - اگر از باب رحمت حق، قصد ورود دارید، باید کمی پول خرج کنید و به فقرا و مسکینان و یتیمان کمک کنید . - موسی علیه السلام ده سال در مدین، شاگردی کرد و استاد شد . بدون استاد نمیشود سیر کرد . - اگر اراه کنی که خودت را حفظ بکنی پروردگار هم در هنگام ارتکاب به معاصی برای تو ایجاد مانع میکند . - اگر آن دین خالص در قلب ما وارد شود تمام آن شلوغیها از قلب مفارقت میکنند . پس دلیل شلوغی قلبی من اینست که از دین خالص در آن خبری نیست . - رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند: اگر کسی ما را دوست دارد باید به دستورات ما عمل کند آیا کافی است کسی بگوید من علی را دوست دارم ولی فعال نباشد و عمل به فرمایشان ایشان نداشته باشد؟! - باید نه آنقدر تنبل باشید که مردم

بگویند کل [وبال] بر جامعه است و نه آنقدر فعالیت در دنیا داشته باشید که عرف بگوید چهار دست و پا افتاده روی دنیا. - روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اخلاق عملی است. علم رسول خدا علم رهبانیت نیست. - علم حقیقی علمی است که انسان را به هدایت خاصه راهنمایی کند. علمی است که او را به احوال دلش آگاه بکند. - خداوند متعال از جهل نمیگذرد. - حب دنیا و حب خدا در یک دل جای نمیگیرد. باید از یکی از آنها گذشت. - خوش خلقی، خوی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، مردم را با اخلاق عملی و با روی خوش به اسلام دعوت کنید. - گمشده مؤمن حکمت و دانش است. این از ملاقات با امام زمان (عج) بالاتر است.

- علم را برای عمل کردن یاد بگیرید. علت عدم رسیدن ما به مقامات عالیه اینست که ما عمل در کلاسهای قبل نکردیم. - امر آخرتتان را اصلاح کنید تا امورات دنیای شما اصلاح شود. - آنچه که شما در سفر آخرت همراهتان دارید علم و عمل صالح خود شما است. - قدم به قدم عمل خود را با فرمایشات معصومین سلام الله علیهم منطبق کنید. - تنها یاور شما در مواجهه با حضرت ملک الموت سلام الله علیه عمل صالح شماست. - تعلقات است که مانع پرواز انسان میشود. - توفیق شما در سیر الی الله منوط به اینست که چقدر به افراد جامعه احسان میکنید و این در رأس امور است.

- اهل بهشت حسرت هیچ ساعتی از عمر خود را نمیخورند، الا ساعاتی را که در دنیا در غفلت بودند و ذکر پروردگار متعال را نکرده بودند. - آن نیرویی که بتواند شما را در مقابل شیطان و نفس محافظت کند محبت به پروردگار متعال است. - مباد نعمتهای خدای متعال شما را مغرور کند. - اگر بخواهید از دنیا استفاده کنید باید اول از پله آخرت شروع کنید. - تا زمانی که توجه به حضرت حق دارید در رحمت خداوند متعال هستید. - ابلیس شاگرد نفس است، اگر شما بخواهید این نفس را که استاد شیطان است بکویید و رامش کنید باید خود را فقیر کنید، باید خودتان را در مقابل عظمت حضرت حق هیچ بدانید. - بعد از این مرحله، مرحله شب زندهداری است. این دو راه، راه مبارزه با نفس است. - قلب خانه ملائکه است، صفات رذیله مثل سگهای پارس کنندهای هستند و ملائکه در خانهای که سگ باشد وارد نمیشود.

- آن شیطانی که مسئول نماز شب است از همه قویتر است در وسوسه کردن. اما نسبت به مخلصین اسلحهاش کارگر نیست. مواظب آن شیطان باشید. - هی در صدد نباشید روایت بنویسید و علم دیگری یاد بگیرید، باید عمل هم با آن همراه باشد. اگر به دانستنیهایتان عمل نکردید هر روز از پروردگار متعال دورتر میشوید. - هر چقدر ایمان مومن ترقی بکند یک غصهای بر او مسلط میشود که نکند حجابی بیاید و بین او و محبوبش جدایی افکند. - در آخر الزمان شیطان میآید و اول کاری که میکند عقیدهها را میبرد.

این عالم ربانی در نهایت، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال ۸۶ از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد.

خرازی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن خرازی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محسن خرازی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدین و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد (ع) و امام حسن مجتبی (ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران و نیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، اما به زودی بازار را رها کرد و به حوزه‌ی درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارش‌های آیت‌الله رفیعی (ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال ۱۳۳۶ به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیمانده دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دوره سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال ۱۳۴۱ به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت‌الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت‌الله میرزا علی مشکینی و کفایه الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال ۱۳۴۱ به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد (ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی (ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، اما دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشد. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزه همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این

مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی‌چشمداشت مادی بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤلیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤلیت بخش پژوهش به عهده حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و نیز مسؤلیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاد شد. این مؤسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی (ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیت‌های آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، درباره مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دوره سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود ۲۰ سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی (ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیت‌های مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال ۱۳۵۹ به دعوت اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دوره دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خمینی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید. دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی، آیت‌الله

شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه علمیه اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه علمیه قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلاء و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

در سال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجدداً در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان - آیت‌الله سید مصطفی خمینی - به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلوة العارفين و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رساله لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر، رساله الاستصحاب، رساله فی التعادل و التراجع، رساله الاجتهاد و التقليد، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رساله فی الطلب و الارادة، رساله فی التقیة، رساله فی قاعده من ملک، رساله فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهاره (چهار جلد)، تعلیقہ علی العروة الوثقی، مکاسب محرمة (دو جلد) تعلیقہ علی وسیله النجاة، رساله نجات‌العباد، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیه)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، مکاسب المحرمه (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰-۱۳۷۵ ق.).

حضرت آیه‌الله العظمی امام سید روح‌الله موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیه‌الله سید مصطفی خمینی- در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیه‌الله پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائمی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالی را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیه‌الله حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیه‌الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند. در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسواکننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجباراً در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیه‌الله مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسيله كتاب الصلوة، كتاب المكاسب، كتاب الطهاره، كتاب الخلل، كتاب البيع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰-۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌الله پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالی را خواند. با عزیمت آیت‌الله حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌الله حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی

اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یشربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندان عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم باشکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»؛ در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایه»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷-۱۸۵)، الذریعه (۲۲ / ۵۲، ۲۱ / ۱۲۳، ۱۳ / ۶۹، ۱۸ / ۱۳)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷- ۳۴۰ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹-۱۲ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲-۲۳۱ / ۳).

خوانساری، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق. که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه‌های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه‌ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله، عالم بزرگ شهر، نورسیده‌ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.

سید محمد تقی جوانه‌ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم

فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم

و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود . او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیه الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیه الله نائینی ، آیه الله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیه الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ و نوات آقای خوانساری را مانند علمای متاخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمر و عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندان شان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتوای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیه الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدردان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت.

با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهایی وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده، آنجا یا کشتی هایی به اسرار تگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت. در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرايي قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است:

((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم. زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و سرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت. به دم در رفت و دو مرتبه برگشت. چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت، آزاد گشت.

مرجعیت

آیة الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت. پس از آن، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیة الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه، اصول و حکمت پرداخت. دیری نگذشت که او توجه آیة الله حائری را به خود برانگیخت. آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیأت استفتایی) آیة الله حائری قرار گرفت. وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیة الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش. حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست. در آن موقعیت خطیر آیة الله صدر و آیة الله حجت و همچنین آیة الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیة الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیة الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت. اما با این همه او آیة الله صدر و آیة الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه، آیة الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشانند.

سالهای طولانی تدریس آیه الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت. در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیه الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت.

نماز

نماز آیه الله خوانساری حدیث شگفتی داشت. در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم. در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران، آیه الله سید احمد خوانساری، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او وا گذاشت. در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واژه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیه الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیه الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت. برای همین، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت. برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت.

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت. اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفای خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است. به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلاهی آن محسوب می شد بروند. آیه الله خوانساری هم با طمأنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت. با عبور آرام مردم از کنار پادگان، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیه

الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است. او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبیاگشت. غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست. گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیه الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم. اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت. بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تائید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت.

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج، حضوری پر جلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلماء نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیه الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیه الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست. در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤیت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بریست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان، به نماز جماعت برادران اهل سنت رفت. چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دل بستگی و دمیدن روح برادری، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیه الله خوانساری جای آمد و شد هیئت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیئت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیه الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتوای شورآفرین

آیه الله خوانساری همگام با آیه الله حاج آقا حسین قمی، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرده.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین، آیه الله خوانساری با فریاد آیه الله کاشانی همونوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت.

همگامی آیه الله خوانساری با آیه الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است. او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیه الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی

در انتخابات مزبور گذاشت. و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیه الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای بیلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست، آیه الله خوانساری با همراهانش آیه الله اراکی، آیه الله آخوند ملاعلی همدانی، آیه الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤلف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید. آیه الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمد و لیبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است. و چنین شد که رؤیای آیه الله بروجردی نیز تعبیر گشت. او در رؤیای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیه الله حائری قرار دارد.

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا داوودی کهکی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا داوودی، در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی (ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا ۱۳۷۷ به طول انجامید. از سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی (ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲ به طول انجامید. پس از دفاع پایان نامه که با امتیاز عالی و نمره ۱۸ پذیرفته شد در سال ۱۳۸۳ در دوره تربیت مربی اخلاق زیر نظر حجت الاسلام دکتر آقاهترانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش در آوردم. در سال ۱۳۸۴ هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوهای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن

و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش در آوردم که در لیست مقالات آمده است.

دزفولی، بی‌بی خاتون

قرن: ۱۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

پس از قرن دوازدهم هجری، وی دختر سید اسدالله و همسر سید صدرالدین دزفولی مرتاض بود. او کتاب شفاء الصدور را درباره پند و اخلاق که خلاصه کتاب شفاء الصدور علامه مجلسی اول (۱۱۱۰-۱۰۳۸ / ۱۰۳۷ ق) است تدوین کرد. در پایان کتاب رباعی زیر آمده که به نوشته مؤلف الذریعه از مولی محمدطاهر قمی است:

یا رب تو ز خود پرستیم فارغ ساز

در بوته اخلاص دلم را بگداز

از بال و پرم رشته غفلت بگشای

شاید که کند به اوج مهتر پرواز

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: الذریعه، ۲۰۴ / ۱۴.

دلیر، بهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهرام دلیر

محل تولد: نقده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب در سال در ۱۳۶۰ در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال ۱۳۶۱ اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصر عج تبریز شدم سال تحصیلی ۶۲ را به پایان بردم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم. لمعتین را با آیه الله اشتهدادی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله

اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد از جمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم .

در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسهای دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید ۱۲ سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه ۶ سال در خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم .

در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در حوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آغاز کردم که هنوز هم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد در موضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنار تدریس ، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا- با آیت الله گرامی و بطور مستمر و پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت که در این مدت کل اسفار ملاحظه بجز (ج ۴و۵) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس را به پایان بردم .

اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج ۱ اسفار در ایام تحصیلی خوانده می شد و ج ۸ در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم. در سال شاید ۱۳۷۳ بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم و به مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عاید نمی شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به ۱۹ تمام شد.

و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می کردم و در این مدت با هر مشکلی در افتادم و خداوند هم سرافراز از آن مشکل بیرونم می آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایه الاصول، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابتدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباد صحابی) درآمد. دوانی مسافرت‌هایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود. بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رابطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القديم»؛ «اثبات الواجب الجديد»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون». [۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجديد، اثبات الواجب القديم، افعال الله تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۵-۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴-۱۲۲/۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰-۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷-۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵-۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸-۵۴۱/۲)، ریحانه (۲۳۶-۲۳۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲-۲۲۰/۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل / دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹-۲۲۱/۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دهقانی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد: کاشان

شهرت: دهقانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیت‌های انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیه الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیه الله جوادی آملی و آیه الله حسن زاده و آیه الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیه الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیه الله حسن زاده و بخشی را نزد آیه الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایی الحکمه - شرح اشارات جلد سوم - رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره - المنطق مظفر و جزء سیام تفسیر قرآن کریم - اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس ۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهایی الحکمه نمودم که تقریباً هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

ذهبی خراسانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عارف کامل، از مشایخ سلسله ذهبیه بوده، وفاتش در سال ۱۳۰۳ روی داده است. در بقعه ی علی بن سهل مدفون شد. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

راشدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم. از سال ۱۳۷۵ در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیر و حکمت حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم. تا به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایه الحمه، المظاهر الالهیه، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام. حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب، شرح الهدایه الاثیریة، رسائل اجوبه المسائل، المظاهر الالهیه، رساله اتحاد العاقل و المعقول، زاد المسافر و... کار نمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال ۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

رضانیا، ذبیح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذبیح الله رضانیا

محل تولد: آباده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذبیح الله رضانیا در تاریخ ۱۳۳۲ متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید و حضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی، سبحانی، ربانی گلپایگانی، مومن.... کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام در حال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که در قسمت آثار آمده است.

روحانی نژاد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین روحانی نژاد

محل تولد : موسویه بیرجند

شهرت : روحانی

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

اینجانب حسین روحانی نژاد در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی وارد حوزه علمیه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه رسالت - که شبیه مدرسه حقیانی و تحت برنامه خاصی بود - به تحصیل ادامه مقدمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم. بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم. در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه)، مصباح (نهایه)، حسن زاده آملی و جوادی آملی (قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه) ممدوحی (قسمتی از بدایه) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.

چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته، حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید، مدتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.

از سال ۱۳۶۳ با مرکز تحقیقات عقیدتی - سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن، مقالاتی در مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...

سال ۱۳۶۰ مدتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه - به صورت مشترک با یکی از دوستان - تدوین کردم. سال ۱۳۶۱ در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم. در اواخر دهه شصت، مدت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.

سال ۶۸ در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم - شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال ۷۰ - ۷۱ در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال ۷۱ از آن دفاع کردم. از سال ۷۱ تا ۷۶ به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و ۵ سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد - واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.

سال ۷۶ به دانشگاه قم منتقل شدم. مدتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام. در سال ۷۷ به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدتی مدیریت پژوهش

را بر عهده داشتم. حدود ۴-۵ سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده‌ام.

زالی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن زالی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن ۱۶ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود ۴۰ سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود ۱۵ سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان «شرح قیصری» و ... فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستیم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا... برخوردار شدم.

اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضر به تدریس خارج فقه و اصول (یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه بر آن دروس حوزوی ادبیات تا سطح عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده‌ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث، نهج البلاغه، احکام، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد ا... توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون درس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را از نهایی مرحوم علامه تا منظومه سبزواری، اسفار از جلد ۱ تا جلد ۸ (که هم اکنون مشغول هستم) تدریس داشته‌ام.

همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم، در دانشگاه قم، تربیت مدرس قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی، نهج البلاغه، تفسیر، احکام، فلسفه، حکمه متعالیه و

پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم. در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیز اشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملا صدرا تفسیر قرآن، ترتیبی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبت های مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و ... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعه الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته ام کوتاه سخن اینکه اینجانب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود ۴۰ سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته ام.

شاملی، عباسعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی شاملی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۳

زندگینامه علمی

اینجانب دکتر عباسعلی شاملی در تاریخ ۳/۷/۱۳۳۹ و در دیار دانش، حکمت و عرفان، در شهرضای اصفهان پا به این کره ی خاکی نهادم و دارای سه فرزند هستم. من هم اکنون از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در گروه علوم تربیتی و جانشین مدیر این گروه می باشم. در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه شهرضا (مدرسه علمیه صاحب الزمان «عج») و سپس (پس از حدود یک سال) وارد حوزه علمیه قم (مدرسه منتظریه یا حقانی و مدرسه رسالت) شدم. تا سال ۱۳۷۱ در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم. طی این مدت موفق شدم مقدمات، سطح مقدماتی، سطح عالی و هفت سال از درس خارج فقه و اصول حوزه را در این مهد دانش و اجتهاد پشت سر گذارم.

مقدمات و سطح مقدماتی را طی پنج سال در مدرسه علمیه رسالت که در آن هنگام همگام و هم برنامه مدرسه علمیه حقانی بود و

توسط حضرت حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای دشتی و کمک و مشاوره مرحوم شهید قدوسی (ره) مدیریت می شد، پشت سر گذاشتم. سطح عالی را به طور آزاد در حوزه علمیه قم گذرانده و در آن زمان از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات عظام اعتمادی (کتاب رسائل در اصول)، ستوده (کتاب مکاسب محرّمه و بیع)، پایانی (مکاسب بیع و خیارات)، اشتهاوردی (لمعه و مکاسب محرّمه)، مسعودی (لمعتین)، فاضل لنکرانی (دو جلد کفایه در اصول)، استادی (علم الحدیث و درایه، حلقات اول و دوم اصول الفقه شهید صدر (ره))، سید علی حائری (حلقات سوم اصول الفقه) بهره بردم.

در طول درس های خارج فقه و اصول از محضر اساتید و آیات عظام سید محمود هاشمی شاهرودی، سید کاظم حائری، مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، سبحانی و مظاهری اصفهانی و وحید خراسانی بهره جستیم. همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه ویژه آموزشی مؤسسه در راه حق که با نظارت اساتید و آیات عظام مصباح یزدی، خرازی و مظاهری اصفهانی به هدف تربیت طلاب و فضیله حوزه علمیه قم در راستای پاسخگویی به نیازهای نوین انقلاب و دنیای اسلام راه اندازی شده بود، به تحصیل اشتغال داشتم. طی این دوران که تا سال ۱۳۷۰ به طول انجامید، دو معادل لیسانس فقه و حقوق اسلامی و مطالعات اسلامی را به ترتیب در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۰ از مؤسسه در راه حق و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اخذ کردم.

در راستای تکمیل تحصیلات نوین حوزوی در سال ۱۳۶۲ به بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) که دوره تکمیلی و تخصصی مؤسسه در راه حق بود، منتقل شده و در گروه روان شناسی به تکمیل تحصیلات پرداختم. پس از چهار سال (در سال ۱۳۶۵-۶۶) موفق به اخذ معادل فوق لیسانس روان شناسی با گرایش رشد شخصیت شدم (این مدرک بر اساس انجام پژوهش و نه پایان نامه، پس از گذراندن تمامی واحد های مورد نیاز در روان شناسی اخذ شد). پس از تکمیل این دوره در سال ۱۳۶۸ به همکاری در گروه روان شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت شدم که حاصل دو سال همکاری مشارکت در تألیف دو جلد روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (و چندین مقاله روان شناختی بود) که توسط سازمان سمت چاپ و منتشر شده است. کتاب نظریه های رشد شخصیت که حاصل دیگر این همکاری همراه با دوست دانشمند آقای دکتر ساجدی بود، هنوز به چاپ نرسیده است.

از سال ۱۳۷۱ مقارن با سال ۱۹۹۱ میلادی به صلاح دید و بر اساس هدایت و نظارت استاد بزرگوار حضرت آیه الله مصباح یزدی (و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت) و توصیه ی مقام معظم رهبری و حمایت و همکاری صمیمانه رئیس جمهور محترم وقت آیه الله هاشمی رفسنجانی برای ادامه و تکمیل تحصیلات به دانشگاه مک گیل در کشور کانادا اعزام شدم. ورود به این دانشگاه در سال ۱۹۹۲ میلادی بود که پس از دو و نیم سال و در سال ۱۹۹۵ فوق لیسانس دیگری در رشته روان شناسی فلسفی اسلامی از موسسه مطالعات اسلامی گرفتم. پایان نامه این فوق لیسانس به بررسی مقایسه ای رابطه نفس و بدن در علم النفس فلسفی صدر المتألهین و ابن سینا (رهما) اختصاص یافت.

از این پس به دانشکده ی علوم تربیتی (Faculty of Education) در همین دانشگاه منتقل شده و پس از چهار سال (در سال ۱۹۹۹) در رشته فلسفه تعلیم و تربیت و با گرایش آموزش و پرورش فرهنگ و ارزش ها (Culture & Values in Education) با برجسته سازی دیدگاه علامه شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در زمینه ی «شاخص های فرهنگ اسلامی توسعه و توسعه فرهنگی در یک جامعه اسلامی» موفق به اخذ درجه دکتری شدم. این پایان نامه به اتفاق نظر هیئت داوران کمیته دفاع ممتاز شناخته شد و درجه (Dean's honor list) را گرفت.

شایسته است گوشزد کنم که اعطای این امتیاز زمانی است که یک پایان نامه هم توسط استادان داور بیرونی (از دانشگاه های دیگر) و هم در قضاوت کمیته داخلی داوران ممتاز و برجسته تشخیص داده شود.

لازم به یاد آوری است که چون نظام تحصیل در بیشتر دانشگاه های آمریکا و کانادا آمیزه ای از ارائه پایان نامه و گذراندن کورس ها و ترم های درسی است، هر دانشجوی پس از فوق لیسانس و دکتری دست کم بیست مقاله پژوهشی خواهد داشت. من نیز بنا به

اقتضای روند تحصیلی خود در دانشگاه مک گیل، در دو دوره فوق لیسانس و دکتری خود موفق به نوشتن ۲۵ مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی شدم. پس از بازگشت به ایران ضمن همکاری با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو بخش آموزش و پژوهش تاکنون موفق به ارائه چندین مقاله علمی - پژوهشی شده ام که شماری از آنها در شماره های گوناگون مجله علمی تخصصی معرفت به چاپ رسیده است.

شبستری، شیخ محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفا و شعرای نامی قرن هفتم و هشتم هجری است. او در سال ۶۸۷ه. در ایام سلطنت کیخاتوخان در قصبه شبستر واقع در هشت فرسخی تبریز متولد شد و در عهد سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علما و مضلا بود. شبستری پس از کسب دانش در تبریز به مسافرت در شهرهای مختلف پرداخته و در سفر به مصر، شام، حجاز از علما و مشایخ این سرزمین ها کسب دانش توحید کرده است. او خود در این باره می گوید: مدتی من ز عمر خویش مدید صرف کردم به دانش توحید در سفرها به مصر و شام و حجاز کردم ای دوست روز و شب تک و تاز سال و مه هم چو دهر میگذشتم ده ده و شهر شهر می گشتم گاهی از مه چراغ می کردم گاه دور چراغ می خوردم علما و مشایخ این من بس که دیدم به هر نواحی من جمع کردم بسی کلام غریب کردم آنگه مصنفات عجیب هم چنین شیخ محمد در سفری به کرمان در آنجا تاهل اختیار کرده و در آن شهر اولاد و احفادی از او به وجود آمده است که جمعی از ایشان اهل قلم و کمال بوده و به خواجگان شهرت یافته اند. شبستری پسری به نام عبدالله داشته که جوانی فاضل و کامل و ماهر در علوم مختلف به خصوص ریاضی بوده است. وی در سال ۹۲۶ه. از جانب سمرقند به دربار روم رفته و سلطان سلیم او را تعظیم بسیار کرده است. شیخ عبدالله مثنوی به نامه شمع و پروانه به نام سلطان سلیم سروده و نیز رساله ای به زبان فارسی در قواعد معما به نام سلطان مذکور نوشته است. شبستری سرانجام به تبریز باز گشته و در سال ۷۲۰ه. در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر وسط باغچه گلشن در جوار مزار استادش بهاءالدین یعقوبی تبریزی مدفون شده است. بعضی ها معتقدند که چون شبستری وصیت کرده که او را پای مزار شیخ بهاءالدین دفن کنند و سال وفات بهاءالدین ۷۳۸ه. است و هم چنین چون بابایی شبستری در مرض موت شبستری حاضر بوده و در همان ماه وفات شبستری فوت نموده و تاریخ وفات بابایی ۱۷ ربیع الاول سال ۷۴۰ه. است؛ پس سال وفات شبستری هم باید ۷۴۰ه. باشد ضمناً با توجه به تجدید عمارت های مکرر مقبره شبستری احتمال آن داده شده که تاریخ فوت نوشته شده بروی مزارش تغییر کرده باشد. بعضی از معاصران، تاریخ وفات شیخ محمود را همان ۷۲۰ه. پذیرفته اند ولی تولد او را پیش از سال ۶۸۷ه. حدس زده اند و دلیل آن را هم بعید بودن ۲۶ سالگی شبستری برای شهرت فراوان او در عهد خدابنده ذکر کرده اند. شبستری پیرو مذهب سنت و جماعت و معتقد به عقاید اشعریان بوده است. لاهیجی شارح گلشن راز شیخ و مرشد شبستری را امین الدین می نویسد. خود شیخ محمود نیز در مثنوی سعادت نامه از امین الدین یاد میکند: شیخ و استاد من امین الدین دادی الحق جوایهای چنین برخی هم استاد او را بهاءالدین یعقوبی تبریزی دانسته؛ اما با استنباط از عبارت صاحب روضات الجنان میتوان هر دوی آنها را از اساتید وی دانست. آثار شبستری: الف- آثار منظوم (۱- گلشن راز، ۲- سعادت نامه) ب- آثار منثور (۱- حق الیقین فی معرفه رب العالمین، ۲- مرآة المحققین، ۳- شاهد یا شاهد نامه)

منابع زندگینامه: پایگاه یاد یار

شوشتری، عبدالقائم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال ۱۳۶۵ هـ. ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود ۱۳ ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال ۱۳۳۹ شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه ۱ که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعضی از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره (از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی ۲ را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منور و منور حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشریف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلیمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص ۳ بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهیم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا- ملک توضیحات: ۱- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. ۲- آن کتابها عبارتند

از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. ۳- «من اخلص لله اربعین يوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هر کس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شیخ بهایی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال ۹۵۳ ه. ق ۱۵۴۶ میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جب" یا "جباع" می زیسته و از نژاد "حارث بن عبدالله اعور همدانی" متوفی به سال ۶۵ هجری از معاریف اسلام بوده است.

ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیاریند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال ۹۹۱ هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از ۴ سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.

وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود ۸۸ کتاب و رساله است. وی در سال ۱۰۳۱ ه. ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:

- بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۲۲-۱۰۲۴)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام برده است.

بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کَشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کَشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول «رموز اسم اعظم» (ص ۹۴ - ۹۹) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.

اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویات، غزلیات و رباعیات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. از مثنویات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملّمّ چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین

کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.

«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.

«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. «شیر و شکر» سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (۱۶۱ بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص ۱۷۹ - ۱۸۸؛ ۱۴۱ بیت در کشکول، ج ۱، ص ۲۴۷ - ۲۵۴) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص ۱۰۰) از آن سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، «رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش» است.

بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، «الفوائد الصمدیه» معروف به صمدیه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به «وسيله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزمان علیه السلام» در ۶۳ بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثنا عشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام «هراتیه یا الزهره» (کشکول، ج ۱، ص ۱۸۹ - ۱۹۴) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به «ریاض الارواح» (کشکول، ج ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۷) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضه مقدسه معصومین علیه السلام است.

شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی ۱۱۱۰) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لغز و معماست. از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویدا است که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معما آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثنا عشریه» است. این سبک نویسندگی در «خلاصه الحساب، فوائد الصمدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه» آشکارتر است. بهائی تبخّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیم داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:

«لغز الزبده» (لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید)، «لغز النحو»، «لغز الکشاف»، «لغز الصمدیه»، «لغز الکافیه» و «فائده». نامدارترین اثر بهائی کشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.

بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» (تألیف ۱۰۱۵)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در

تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله های علمیه به زبان فارسی؛ «جبل المتین فی احکام احکام الدین» (تألیف ۱۰۰۷) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ «الاثنا عشریه» در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی در این اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.

«زبده الاصول» این کتاب تا مدت‌ها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. «الاربعون حدیثاً» (تألیف ۹۹۵) معروف به اربعین بهائی؛ «مفتاح الفلاح» (تألیف ۱۰۱۵) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سوره حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السلام قرار گرفته است.

«حدائق الصالحین» (نامام)، شرحی است بر صحیفه سجادیه که هر یک از ادعیه آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها «حدیقه الهلالیه» در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفه سجادیه) در دست است.

«حدیقه هلالیه» شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سید علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قول کلیه کسانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر، حدیث و عربیت و امثال این ها را آموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس (۱) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عمادالدین مسعود کسب فیض نموده. (نفیسی: ۱۳۶۸، ص ۱۷) بهاءالدین محمد عاملی در عصر خود، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت.

وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود و پس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت. برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد. خدمات شیخ بهائی:

در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.

در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.

دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن ۹ فرسنگ است و به ۱۱ جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.

دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند. یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمع گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدت‌های مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند. همچنین طراحی منار جناب اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:

آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند: "تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا-علی مذهب ملا-افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت."

مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی:

برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:

۱- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.

۲- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.

۳- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم.

۴- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.

۵- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصه الحساب و زبده فی الاصول.

۶- ملا محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضه المتقین (م ۱۰۷۰).

۷- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی. سخنی در تاریخ وفات شیخ

در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می گوید که در شب چهارم شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب ۱۱ شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در بیلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزارند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین (علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می گفت، به خاکش سپردند.

صاحب روضات الجنات می گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر جنازه وی نماز گزارند و در تاریخ فوت وی

گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد». مقصود از «بی سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که ۲۰۰ باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که ۸۰۰ و «لام» که ۳۰ باشد می‌ماند و روی هم رفته، ۱۰۳۰ می‌شود.

صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.

اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:

رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد ۱۰۳۰ به دست می‌آید.

صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال ۱۰۳۰ هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.

صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال ۱۰۳۰ هجری قمری درگذشت.

ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال ۱۰۳۱ هجری قمری ذکر کرده است.

صاحب سلافه العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال ۱۰۳۱ هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال ۱۰۳۰ را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال ۱۰۳۰ ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.

وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در بیلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین (علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه

ای تیره غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه

رفتم به در صومعه عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد

در میکده رهبانم و در صومعه عابد

که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

یعنی که تو را می‌طلبم خانه به خانه

روزی که برفتند حریفان پی هر کار
 زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
 من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
 حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
 او خانه همی جوید و من صاحب خانه
 هر در که ز من صاحب آن خانه تویی تو
 هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
 در میکده و دیر که جانانه تویی تو
 مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
 مقصود تویی ... کعبه و بتخانه بهانه
 بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
 پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
 عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
 یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
 دیوانه منم .. من که روم خانه به خانه
 عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
 دیوانه برون از همه آئین تو جوید
 تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
 هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
 بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
 بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
 هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
 امید وی از عاطفت دم به دم توست
 تقصیر "خیالی" به امید کرم توست
 یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
 نصایح شیخ بهایی به فرزندش
 اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
 اگر بسیار کار کند، می گویند احمق است.
 اگر کم کار کند، می گویند تنبل است.
 اگر بخشش کند می گویند افراط می کند.
 اگر ثروت اندوزی کند، می گویند بخیل است.
 اگر ساکت و خاموش باشد می گویند لال است.
 اگر زبان آوری کند، می گویند وراج و پر روست.

اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.

و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی‌دین است.

پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید. منبع:

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

سایت مشاهیر، سایت شهید آوینی

کشکول شیخ بهایی

فقه‌های نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۱۱

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صالحی مازندرانی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال ۳۴۲ در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فرا گرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و با فرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۰ در این رشته (کارشناسی مربوطه را اخذ نمودم) و در همان سال ۷۱ - ۷۰ در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۷۴ با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاه‌های؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می‌نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال ۷۷ ه. ش وارد حوزه مقدس علمیه قم

شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.

و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال ۷۴ در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.

اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌های کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاه‌های کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوجه در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

طباطبایی پور، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا طباطبایی پور

محل تولد: مهدی شهر سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۲۲

زندگینامه علمی

سیدعلی طباطبائی در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۶ هـ. ق برابر با ۲۲/۷/۱۳۴۵ در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال ۱۳۶۰ همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.

در فروردین ۱۳۶۶ به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.

بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلْكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْتَدُّهُ) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون

راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتیم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.

در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود. در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایه الحکمه بعد نهایه الحکمه این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیه الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشان شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من

نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من

چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشادات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پربارترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشان آیت الله حسن‌زاده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متخیر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن ترکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلۃ‌القدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامه قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این جا می‌آوریم:

«در سحر روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۲ برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناء نجینا) (مریم: ۵۲) ساعت ۱۰ صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد

فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».

به حول و قوه الهی حدود ۱۵ سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال ۱۳۸۵ مشغول تدریس شرح اشارات و نهایتاً الحکمة (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.

از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.

اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.

هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.

در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی‌کسی دل شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر (عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.

من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پست ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۴ رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند ۱۰ سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف

در سال ۱۳۰۴ علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مانوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبود آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آنها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان شاء الله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود. وضعیت معیشتی

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کرد و دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی

قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم

نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می کشد هر جا که خاطر خواه اوست

رشته بر گردن نه از بی مهوری است

رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هر چه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می رفت پارچه‌ای انتخاب می کرد، می خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی گفت و سعی می کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می کرد و آرام جای را می گذاشت و می رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدت‌ها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می شد و در فقدان او ناباورانه اشک می ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب واداشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزلشان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دوستان سال ارزش این کتاب معلوم خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عظوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاده (ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیت فرهنگی برای یک جامعه زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پا گذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درس‌هایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت الله مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید ۵۰ تا ۶۰ سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سَمک تا به سمایش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی (رحمت الله علیه)

آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی الله، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال ۱۳۲۴ از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلایی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می‌فرمایند:

«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. از سوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث‌های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم.»

این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال ۱۳۲۵ ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می‌فرمود، مکتوب می‌ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان در سال ۱۳۳۴ منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود ۱۷ سال به طول انجامید.

تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.

آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می‌گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوریم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می‌کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن

کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی در خصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه توضیح کرد یعنی قربانی قرآن نمود.

مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان هم‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی‌پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است. یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می‌توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب‌ها و مذهب‌ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دو‌یست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می‌فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می‌فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می‌داند که می‌توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می‌باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می‌کند».

همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتهای دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت (علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت (علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.

مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».

و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود

که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می فرماید:
تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب می‌شد.

تحمل مخالفت‌های دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.

علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می‌آورند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.

علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۵ هـ.ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می‌فرماید: «وقتی در سال ۱۳۰۴ هـ.ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می‌کردم و برخی افکار نگران‌کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی از علمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم‌کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع - آیت الله حاج سیدعلی قاضی - چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».

عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.

وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان بکار می‌برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.

از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است: بدایة الحکمة: کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور گردید. نهایت الحکمة: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیت‌ر تدوین شده است. بر کتابهای بدایة الحکمت و نهایت الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می‌توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که در سده اخیر در

گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آوردن این اثر گردید. این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.

حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.

شیعه در اسلام: دوره‌های کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم می‌خورد؛ این کتاب گرانبها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.

مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کربن.

خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.

روابط اجتماعی در اسلام: انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.

بررسیهای اسلامی: مجموعه‌های است از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.

آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.

رساله انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.

رساله‌هایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

دیوان شعر فارسی: مجموعه‌های از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.

سنن النبوی: سیره و روش رسول الله - صلی الله علیه و آله - در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم می‌خورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.

لُب اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلالی حوزه قم بیان فرموده‌اند.

حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت الله امینی (حفظه الله)

آیت الله امینی (حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرماید:

علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبّهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت (ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند. سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت ۱- پایه‌های اندیشه استاد را تنها بر همین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. ۲- حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. ۳- امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر

واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود ۴- اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثیل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. ۵- روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. ۶- در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. ۷- از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی (حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام‌الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (۱) راه این است و جز این نیست. و دقیقاً بدین جهت، رفتار او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقاً آثار وجودی او، حکایت‌کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.

انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیمًا: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (۲)

آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.

بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس

به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این ۲۴ ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانسا هم انفسهم». (۳)

حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است. در این باره، مصباح الشریعه می‌فرماید که: «العارف شخصی مع الخلق و قلبه مع الله» عارف بدنش با خلق و دلش با خداست «و لامونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله مترود» توشه‌اش آن سوی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.

چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد. از خاطر نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی‌ها

علامه سید محمد حسین طباطبایی مردی ساده و بی آرایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد. هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.

برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد با شاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.

در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه در عین حالی که سعی داشت متناسب با درک و استعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.

اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف و حقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.

علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.

پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تا با کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم. اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.

و خلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت علامه طباطبایی، سرانجام پس از ۸۱ سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش از این جهان رخت بریست و جهان تشیع را در سوگ خود نشانند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی (ره) با اظهار هم دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه های نور و حجره های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف اندیش بوده و خواهد بود. پی نوشت: (۱) سوره اسراء/۹

(۲) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن زاده آملی، ج ۱، ص ۲۷.

(۳) سوره حشر/۱۹

عزیزی، حبیب الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب الله عزیزی

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان نقش آفرینی نغمه های نورانی، نظریه مدیریت عارفانه (رویکرد اشراقی مدیریت)، همکاری با مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح احیای معاونت امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش، تدوین طرح جامع آموزش قرآن وزارت آموزش و پرورش و با همکاری اساتید بزرگ قرآن: شهیدی، علامی، حاج ابوالقاسمی ادیب زاده، مدیریت تدوین طرح تربیت داوران فنون قرائت، حفظ و معارف قرآن در دو سطح عمومی و تخصصی را در کارنامه خود دارد.

یکی از خدمات ارزنده ایشان به جامعه قرآنی دو سال تلاش حقوقی برای احیای قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان قرآن می باشد (ابطال تبصره های مغیر با این قانون توسط دیوان عدالت اداری در شهریور ۱۳۸۳) ایشان هم اکنون علی رغم بعضی نامهربانی ها پیگیر شکل گرفتن معاونت امور قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

علیزاده، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر علیزاده

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدمات تا لمعتین را در مدارس علمیه امام صادق و امام باقر گذراندم دروس سطح را در محضر اساتید محترم اعتمادی و مهری و ... آموختم و کفایتین را نیز از دروس استاد اعتمادی و گنجی بهره بردم. از سال ۱۳۷۲ با شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگواری چون مکارم شیرازی و وحید خراسانی به مدت هشت سال از محضر آنان سود جستیم.

دروس دانشگاهی را از سال ۱۳۷۰ در رشته فلسفه غرب در گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از فارغ التحصیل شدن در سال ۱۳۷۴ در همان رشته در دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ آن دوره را نیز به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ با دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری کردم. ابتدا با ویرایش کتب فلسفی کلامی و در سالهای اخیر با تحقیق و

پژوهش در سائل و موضوعات فلسفی با این دفتر همکاری دارم

فاضل، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی فاضل

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۸/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمد هادی فاضل پس از دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۳ وارد حوزه شدم و پس از یک سال تحصیل دروس ابتدائی در نجف اشرف به ایران عزیمت کرده و تا سال ۵۶ در بابل در حوزه مدرسه صدر آن شهر ادامه دادم و از سال ۵۶ وارد حوزه مقدس قم شدم و تا سال ۱۳۵۹ سطح را به پایان رسانده و از آن سال در درس خارج آقای وحید خراسانی شرکت کردم (در فقه و اصول) و تا سال ۱۳۷۲ از محضر ایشان استفاده نمودم در کنار این درسها منظومه سبزواری را خدمت آقایان گرامی و انصاری شیرازی خواندم و اشارات را خدمت آقای ممدوحی و مقداری از اسفار را خدمت آقای احمدی یزدی و نیز از نوارهای منطق (برهان شفا) و فلسفه استاد مصباح یزدی (شفا و نهاییه و مباحث متفرقه فلسفی دیگر) و استاد جوادی آملی (اسفار جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و کتاب شرح فصوص الحکم قیصری و قبل از آن تمهید القواعد ابن ترکه) بهره بردم و در درس مصباح الانس استاد حسن زاده آملی شرکت کردم.

در فقه و اصول حدود ۶ سال در درسهای مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و سه سال در درس مکاسب (خارج) آقای هاشمی شاهرودی و از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز در درس آقای شبیری زنجانی شرکت می‌کنم. مطالعات تاریخی، تفسیری، علوم سیاسی، کلامی، اخلاقی و عرفانی نیز داشته و دارم.

بیشتر فعالیتهای اینجانب تدریس کتب حوزوی و درس بوده و از سال ۶۴ تدریس را به طور رسمی از کتب ادبیات و فقه و اصول آغاز نموده و تا به حال همچنان مشغول تدریس سطوح عالی فقه و اصول (مکاسب، کفایتین، جواهر الکلام) و عرفان نظری (شرح فصوص قیصری) هستم. این درسها به طور آزاد و یا در مدارس قم عرضه شده و از سال ۷۲ تا ۷۸ در حوزه فیضیه مازندران واقع در شهر بابل به عنوان مدرسی مشغول بودم و در سال ۸۵ و ۸۶ نیز در امتحانات شفاهی مدارس برای پایه های مختلف سطح یک و دو به عنوان ممتحن خدمت کرده ام.

فاضلی، قادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قادر فاضلی

محل تولد: هشتگرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قادر فاضلی در سال ۱۳۶۰ دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام. در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام. وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب ۱۰ سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال ۱۳۶۷ به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد. قریب به ۱۰ سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از ۱۰۰ برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از ۳۰ مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به ۵۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد ۲۴ عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فاطمی، ولی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی فاطمی

محل تولد: قائم شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ولی فاطمی در سال ۱۳۵۵ پس از سه ماه در حوزه علمیه بابل در پائیز همان سال به قم مشرف شدم و دروس حوزوی را در نزد اساتید این حوزه مبارکه ادامه دادم. پس از مدتی که به طور آزاد مشغول تحصیل بودم وارد مدرسه مبارکه رضویه شدم که از افتخارات و اسباب توفیق حقیر، آشنایی با عالم ربانی حضرت آیت الله بدلا قدس سره بود که درحقیقت هدیه معنوی حضرت معصومه سلام الله علیها به حقیر بود که با عالم فرهیخته و مهذب همچون معظم له آشنا شدم و این آشنایی تا آخر عمر شریف ایشان ادامه داشت و آنچنان با هم مانوس و معاشر بودیم که عقد اخوت میان من و ایشان خوانده شد. بنده بسیاری از توفیقاتم را در پرتو

قرآن و عترت علیهم السلام و توسل به آن ذوات مقدس بویژه امام زمان علیه السلام برایم حاصل شد این ناچیز به همه طالبان علم و معرفت توصیه میکنم که از دامان عترت پیامبر علیهم السلام نکشند و از همنشینی با علمای مهذب و متقی حداکثر بهره برداری را بنمایند.

ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابو جعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهر آشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبایی او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهر آشوب راوی هر دو می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵ / ۱۱، ۴۷۰-۴۶۹، ۲۹۷-۲۹۶ / ۴)، رجال ابن داود (قسم ۲۹۵ / ۱)، روضات الجحانات (۲۴۳-۲۳۴ / ۶)، ریحانه (۲۹۴-۲۹۱ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۷۹-۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۷۵ / ۶)، فوائد الرضویه (۴۶۹)، فهرست منتجب‌الدین (۱۶۶، ۱۹۱)، الکنی و الالقاب (۱۳-۱۲ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۹).

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق دوره‌های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه

نمونه دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان - تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و در سال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به دروسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفه» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات (حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمه الاشراق و جلسات فلسفه بود. دروس فقه و اصول پس از پایه ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجه الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجه الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسئولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسئولیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ - ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسه معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکده علمی - کاربردی باقرالعلوم وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغه ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزه اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن فلاح احمد چالی

محل تولد: بابل

شهرت: فلاح بابلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای حسن فلاح احمدچالی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بابل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۵ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله منتظری، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته عرفان اسلامی در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارغ التحصیل گردید. پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بابل به امر تدریس اشتغال دارد. درطول حیات علمی خویش به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "صبر و استقامات" و "روش تحقیق و تألیف" را به رشته تحریر در آورده است.

قاضی، علی آقا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجۃ الحرام سال ۱۲۸۲ هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند. در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.

درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.

یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می شود، می گویند:

« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مرادده دارند. » تحصیلات سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.

پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجۀ الاسلام» و متخلص به «نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می‌کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می‌خواند.

ایشان در سال ۱۳۰۸ هـ.ق. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد. آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال ۱۳۳۰ هـ.ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید

ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرایبانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می‌آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد. آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می‌کند:

« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می‌کرد و او را به نیکی نام می‌برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می‌شد به او حالت بهت و سکوت دست می‌داد و غرق تأملات و تفکرات می‌شد! »

ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می‌باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی (ره) بودند.

درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می‌باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست ۳۰۰ نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ...

سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می‌رسد.

آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحد العین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء ابرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.

آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می‌فرماید:

« شبی از شبها را به مسجد سهله می‌گذارندم - زاده الله شرفاً - به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می‌خندید که صدای او به

بیرون مسجد می رسید.»

آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:

« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:

قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! » درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شریانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید. جامعیت علمی آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:

« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احياناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »

آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:

کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!

مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند سراینده این شعر عجمی (غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی (ره) به ایشان می گوید:

من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.

مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند: « این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان}، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث » گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان

آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما

معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:

آیت الله شیخ محمد تقی آملی (ره)

آیت الله سید محمد حسین طباطبائی (ره)

آیت الله سید محمد حسن طباطبائی (ره)

آیت الله محمد تقی بهجت فومنی (حفظه الله)

آیت الله سید عباس کاشانی (حفظه الله)

آیت الله سید عبد الکریم کشمیری (ره)

آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب (ره)

آیت الله علی اکبر مرندی (ره)

آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی

آیت الله علی محمد بروجردی (ره)

آیت الله نجابت شیرازی (ره)

آیت الله سید محمد حسینی همدانی

آیت الله سید حسن مسقطی (ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری (ره)

حاج سید هاشم حداد (ره)

و ... در پی محبوب

ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.

ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.

می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.

چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!

خود ایشان می گوید:

« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقید تام به آداب شرع

برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:

« قاضی که این قدر خود را مقید به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »

و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.

یکی از مخالفین ایشان می گوید:

« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »
خود ایشان می گوید:

« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »

و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:
« اذا تقرب الی شبراً تقربت الیه ذراعاً: »

و هر گاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم. «
این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.
« او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید! »

و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:
« اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، و گرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آبرایت فوران می کند. »
آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:

« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. « صبر و استقامت چهل ساله

بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:

ولا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج

والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج

اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.

و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.

و می گوید:

« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم. »

اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد. »
و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:

« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التي کنتم توعدون:

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه ۳۰. فتح باب
آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.

در راه سید ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سید علی، سید علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.
آیت الله نجابت می گوید:

« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »

آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.

می گوید:

« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. این فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »

« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »

آیت الله نجابت نقل می کند:

دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:
« ای فرزندان من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت

به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال ۱۳۶۶ مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد. مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.

ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:

« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »

و دائم با خود تکرار می کند:

گفت من مستقی ام آبم کشد

گر چه می دانم که هم آبم کشد

طبییش به وی می گوید:

« آقا من طیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی ۳-۲ لیوان آب بخورید. »

و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:

« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »

لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای عارف است.

آیت الله کشمیری می فرمودند:

هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:

« این دارد می رود. »

و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.

باز آیت الله کشمیری فرمودند:

« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم

خیلی مقام والایی دارد. »

سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:

« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان ۲۰ ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم

متوجه نمی شود که جریان چیست.

ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال

مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.

پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدرش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با

کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.

آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند

فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بیوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.

من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و

پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه

متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »

او که عمری با عشق و سرسپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را

سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد. آیت الله بهجت می فرمودند:

« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولی الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان

مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استاد مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:

« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.

مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قمی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ عباس قمی در سال ۱۲۹۴ هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود. وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت؛ او اندوخته های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید. محدث قمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ ه. ق. دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال ۱۳۱۶ ه. ق. راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولای متقیان امیرمومنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت. استادان و مربیان: شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت، همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دو تن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می کردند. وقایع میانسالی: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ق، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسه میرزا جعفر شروع به تدریس نمود. اما حوادث خونین مسجد گوهر شاد که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت، او را وادار نمود مجدداً به نجف مهاجرت نماید. محدث قمی انسانی زاهد و پارسا بود ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمیز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده. او از سهم امام استفاده نمی کرد، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می داد و وی در کمال قناعت زندگی می کرد: « روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آفا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه برایشان تقدیم کنند، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند. میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم نا امید شد، او را ترک کردند. پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای مخارج روزانه قرض نمی کنم. حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می کنم، نمیدانم فردای قیامت چگونه

جواب خدا و امام زمان (عج) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم. و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او در نجف می‌زود و از وضع داخلی ایشان جويا میشود، مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشان نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید، پدر چرا نپذیرفتند. جواب می‌دهد: نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می‌کند. آنگاه می‌گوید و به موعظه اهل خانه می‌پرداخت. در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می‌کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهد کرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت: من برای امام حسین به منبر می‌روم نه برای دیگری و مبلغ را نگرفت. زمان و علت فوت: شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورهای خوش آب و هوا سفر میکرد لیکن در سال ۱۳۵۹ ه. ق به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا اینکه نهایتاً در سن ۶۵ سالگی شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۵۹ ه. ق فوت کرد. فعالیت‌های آموزشی: شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۱ ه. ق بنا به درخواست عده‌ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، آموزش درس اخلاقی را در شبهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر شروع کرد. می‌گویند: قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می‌شدند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی، از وی چنین یاد می‌کند: محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود، عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ امری او را از این شوق و عشق منصرف نمی‌کرد، و مانعی در این راه نمی‌شناخت. محدث قمی در زمان اقامت در عراق تابستانها برای زیارت و تجدید قوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و سوریه سفر کرد. آثار: الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم و ویژگی اثر: کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملاً شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویژگی مولف چنین نگاشته است. هذا مختصر منیف و سفر لطیف، عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار، لیسهل علی الطالبین تحصیله و لا- تفسیر علیهم مصاحبه و تحویله این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو، آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن برای خوانندگان آسان باشد و همراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب: منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است. ج: مولف صرفاً بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف و نحو نیز پرداخته و میتوان گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است. د: در لابلای مطالب به مناسبت‌های گوناگون، روایات جالب و روشنگر مطلب وارد شده است. که این امر راهگشای بسیاری از مسایل است. [کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۷ و ۳۸]

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی، شماره ۵، مرداد ۱۳۶۶، ص ۳۶

قمی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن قمی

محل تولد: مامازند ورامین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. او را که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷ سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. در سال ۱۳۵۰ و در سن ۱۱ سالگی به قم رفت و به تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او در دوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالی تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگوار هم چون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق و تحصیل و تدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده و به مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

کاشانی، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ملا) حبیب الله بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا- هادی سبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذراند و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرار العارفین فی الاخلاق و المعارف، اصطلاحات الصوفیه، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح الریاض (حاشیه بر ریاض المسائل)، تذکره الشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانة الادب، لغ).

حبیب الله الشریف بن ملا- علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب الله یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب الالقاب) و (توضیح البیان) و (منتقد المنافع) در شرح مختصر النافع در ۱۲ جلد و

(ریاض الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت نامه) و (منیة الاصول) و (درة الجمان) و تذکره الشهداء و دهها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجة الاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقة الاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقة الاسلام آقا محمد شریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت الله حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت الله آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت الله حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا- حبیب الله چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت الله آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است. در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ - ۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت الله آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا- هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفين»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صبح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبة التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست. [۱]

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۴/۵۵۹)، الذریعه (۴/۲۳، ۲۷۷، ۱۵/۲۸۲، ۱۸/۲۱۵، ۱۴/۲۱۴، ۳۲۴-۳۲۳، ۱۱/۶۷، ۲۳۱، ۹/۹۸، ۸/۲۷۱، ۷/۴۹۲-۴۹۱، ۴/۱۸۲)، ریحانه (۲۰-۱۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱-۳۶۰/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲-۲۵۰/۶)، لغت نامه (ذیل / حبیب الله)، معجم المؤلفین (۳/۱۸۷).

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین کاظمی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

درس ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس رسمی حوزه مثل: (ادبیات عرب، اصول، فقه، فلسفه اسلامی و امثال آن) را مطابق برنامه معمول حوزه ها خواندم و خارج از برنامه و به عنوان علاقه شخصی، در زمینه «عرفان، اخلاق، فلسفه غرب، ادبیات فارسی، روانشناسی، علوم سیاسی، مکالمه عربی و انگلیسی و امثال آن» در حدّ وسع، مطالعات و مباحثات داشتم. به علاوه عرفانهای مختلف از قبیل: «هندی، آمریکائی و فلسفه آنها و مباحث به انرژی و انرژی درمانی و ما یشبهه» که هنوز هم ادامه دارد و به عنوان گرایش اصلی علمی خودم، آنها را انتخاب کرده ام. غرض نقشی است که ما باز ماند که از گردون نمی بینم بی وفائی مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت کند در حق درویشی دعائی

کاوه نافچی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاوه نافچی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال ۱۳۶۹ موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال ۶۹ در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه ۵۰۰ در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.

در سال ۷۴ در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه ۱۴ را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه:

(آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال ۷۸ توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.

در سال ۷۹، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.

لازم به ذکر است اینجانب از سال ۱۳۷۸ مشغول تدریس دانشگاه‌های: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم. در سال ۱۳۸۳ مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم کلباسی

محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسی فقیهی جامع و مجتهدی کامل بود. در مواظبت به انجام و آداب و سنن دینی و اسلامی خیلی کوشا بود. کرباسی دانشمندی محتاط بود و با آنکه به مراتب علمی و کمال فقاقت رسیده بود از نوشتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسی سالها در عتبات از محضر سید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضر آنها توشه ها اندوخت. نوشته اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام فقاقت و اجتهاد وارد اصفهان شد. مرحوم کلباسی با حجة الاسلام اصفهانی معاصر بود و به همدیگر صمیمیتی وافر و خلوصی کامل داشتند. مرحوم کرباسی برای فرامین و دستورات سید محمد باقر شفتی احترام قائل بود و نوشته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجة الاسلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجة الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسجد حکیم می خزید، و به دنبال حاجی سری به خاک می سائید. و به زعم بعضی خود افضلی زبان آرا بود.» مرحوم حاجی از خالق خویش خیلی خائف بود. دستورات و موازین شرع اسلام را مو به مو رعایت می کرد. در انجام فرائض، نوافل و مستحبات جدیتی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابوالمعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبها به کلی نخواید تا به فیض شب قدر نایل آمد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسی دشوار بود. شهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسی مشکل بود. نوشته اند وقتی غسلی دربارہ موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و

آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسل بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می‌کنند که غسل به حاجی آقا گفت گذشته از این مسائل جمله ای نیز به گوش میت می‌خوانیم. پرسید چه جمله ای؟ غسل جواب داد به میت می‌گوئیم خوشا به حال شما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسی سالها غیر از خدمت دینی و رسیدگی به امور مردم، فضلائى چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایه در فقه، و شوارع هدایت در شرح کفایه. او کتابی فارسی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سرانجام در سال ۱۲۶۲ در اصفهان وفات نمود و در مسجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می‌رسیم.

کهنوجی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی کهنوجی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال ۱۳۶۵ به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد. در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای ۴ و ۵ شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال ۱۳۷۲ در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.

ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایره المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال ۱۳۷۸ همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از ۸۰ واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد. وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال ۱۳۸۲ شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

گر جیان عربی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی گر جیان عربی

محل تولد: عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در ۲۰ تیرماه ۱۳۴۲ در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی را نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از ۱۹ سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بار تدریس نموده ام).

گلستانی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی گلستانی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۹/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی

سال ورود به حوزه ۱۳۳۳ در شهر همدان/ همان سال شروع به درس خارج ۱۳۵۰، اینجانب شیخ علی گلستانی در سال ۱۳۱۷ در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیه همدان مدرسه آیه... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و از آنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گیوه چی مفرد، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن گیوه چی مفرد

محل تولد: مشهد

شهرت: پویا

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال ۵۵ - ۵۶ به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه‌ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال ۵۹ که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایه را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایه آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتاً در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهایی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریباً یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه‌ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمناً از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان

درس فقه را شروع کردند تقریباً تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز در حوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و ... عمدتاً از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال ۱۳۷۳، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمناً قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدوداً ۷۵ - ۷۶ از مجله خارج شدم). اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال ۱۳۷۹ معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال ۸۳ مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لک علی آبادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد لک علی آبادی

محل تولد: درود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

با عنایت حضرت حق و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شده و پس از گذراندن دوره مقدمات در مدرسه حقانی ادبیات عرب را گذراندم. سطح ۱ حوزه قم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام با رتبه ممتاز طی کرده و وارد دروس سطح ۲ حوزه قم شدم و از محضر اساتید محترم آقایان علی دوست و حسینی خراسانی و حسینی بوشهری استفاده کردم. دروس خارج فقه و اصول را از حضرات آیات بهجت و مبشر کاشانی و علوی بروجردی کسب فیض کردم و همچنان خوشه چین محضر مبارک اساتید بزرگوارم هستم. از محضر ایت الله جوادی املی در علم تفسیر قرآن بهره مند شده و در زمینه اخلاق و عرفان افتخار استفاده از محضر استاد معظم شیخ عبد القائم شوشتری و مرحوم ایت الله لنگرودی را دارم. ۵ سال در امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران در واحدهای مختلف انجام وظیفه کرده و ۲ سال در مسئولیت سازمان تبلیغات شهرستان دورود مشغول بوده ام. در کنار تحصیل همواره به امر تبلیغ و تدریس ارج نهاده و هم اکنون غیر از تکمیل دروس خارج فقه و اصول به تحقیق و تالیف و راه اندازی مرکز پژوهش انتشارات هنارس مبادرت کرده ام که از جمله فعالیت های این مرکز مجموعه ۲۰ جلدی مهارت های زندگی است که مزین به دو هزار روایت می باشد که در سال نوآوری و شکوفایی منتشر گردید. تحقیقات و تالیفات اینجانب بیشتر در زمینه سیره اهل البیت علیهم السلام و اخلاق و عرفان می باشد که از آن جمله است مجموعه هوای وصل در ۷ جلد و صاحب دلان در ۵ جلد

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضیل و اخلاق تهرانست.

وی در سال نهم مهرماه سال ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۳۴۳ قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال ۱۳۶۳ قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت الله صدوقی یزدی و آیت الله سلطانی و آیت الله حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت الله العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال ۱۳۷۰ قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزالله تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمناً استفاده از محضر آیت الله العظمی حاج سید احمد خونساری ادام الله ظلّه و مرحوم آیت الله تنکابنی نموده و کم کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملا- محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.

آیت الله مجتهدی در سال ۱۳۶۲ قمری و در سن ۱۹ سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندى در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۷ قمری و در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را

نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن ۲۶ سالگی و در سال ۱۳۶۹ قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدریس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در ۲۱ محرم سال ۱۳۷۲ قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمه‌الله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان ۱۵ خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مریبان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناختم با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توأم با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

۱- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

۲- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را شهریه (ماهانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.

آیت‌الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ جعفر مجتهدی در بیست و هفتم جمادی الثانی سال ۱۳۴۳ ه.ق مطابق با اول بهمن ماه ۱۳۰۳ ه.ش در خانواده‌ای بسیار متدین و مرفه در شهر تبریز دیده به جهان گشودند. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: پدر شیخ جعفر مجتهدی جناب حاج میرزا یوسف از دلباختگان آستان ولایتمدار قبله العشاق و امام السعداء، حضرت سیدالشهداء ابا عبد... الحسین (ع) بودند، تا جایی که مکرر قافله سالاری زائرین کربلای معلی را از تبریز به عهده می‌گرفته و خروج زوار تهی دست دل شکسته را خود عهده دار می‌شدند و در طول مسیر حراست این قافله با دو شیر تربیت شده بود که در ابتدا و انتهای آن حرکت می‌کردند و زوار امام حسین (ع) را سلامت به مقصد می‌رساندند. ایشان بعد از فقدان پدرشان جناب حاج میرزا یوسف، تحت کفالت و سرپرستی مادر بزرگوارشان، آن بانوی علویه قرار گرفتند. خاطرات کودکی: شیخ جعفر مجتهدی در اوائل سن پنج سالگی، در عالم رویا مشاهده می‌کند از جانب آسمان منبری از نور تا کنارش بر پا شده و وجود مقدس بی بی دو عالم حضرت صدیقه طاهره (ع) تشریف می‌آورند و او را مورد نوازش و تفقد و مهربانی قرار داده و با دست مبارکشان به سر و صورت او می‌کشند. از همان دوران نوجوانی روح بلند و ناآرام این مرد الهی به دنبال کشف حقایق و اسرار بر می‌خیزد، ایشان نقل می‌فرمودند: من در همان آغاز نوجوانی شروع به تهذیب نفس و خودسازی و تقویت اراده نمودم چون بسیار دوست داشتم به بینوایان و مستمندان کمک کرده و زندگی آنها را از فقر و تنگدستی نجات بخشم، سعی و تلاش بسیاری می‌نمودم تا معمای لاینحل کیمیا به دست من حل گردد، لذا قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف نمودم ولی به نتیجه‌ای نرسیدم، اما چون این کوشش من همراه با توسلات شدید بود، یک روز هنگامی که مشغول انجام ترکیبات شیمیایی بودم ناگهان سروشی آسمانی به من ندا در داد: جعفر؛ کیمیا، محبت ما اهل بیت است، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش، آری؛ اراده‌ای آهنین و زهدی متین و توسلات پی در پی باعث می‌شود تا با آن ندای ملکوتی تلاشهای این مرد بزرگ جهت گیرد و مسیر سلوکی او برای همیشه روشن شود و قطره‌ای لایق در صدفی پر ارزش به مرواریدی درخشان تبدیل گردد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بعد از گذشت حدود یک سال اقامت حاج شیخ جعفر مجتهدی در نجف روزی نامه‌ای از طرف برادرش که در تبریز بود توسط شخصی به دستم رسید که در آن نوشته شده بود از زمانی که شما به نجف رفته اید اموال شما (که عبارت بود از چندین باب مغازه در بهترین نقطه شهر تبریز و مستغلات دیگری که از پدرم به ارث رسیده بود) در دست مستأجران می‌باشد و آنها از پرداخت حق الاجاره خودداری می‌نمایند و می‌گویند: باید از طرف شخص مالک و کالت داشته باشید تا حق الاجاره را به شما تحویل دهیم. با توجه به اینکه شما دور از وطن می‌باشید و نیاز به پول دارید و کالتی برای من بفرستید تا مال الاجاره‌ها را جمع نموده و برایتان بفرستم. در این هنگام متوجه شدم که مورد امتحان بزرگی قرار گرفته‌ام؛ متحیر ماندم که چه کنم؟ آیا با این اندک نانی که از پینه دوزی به دست می‌آورم ارتزاق کنم یا مجدداً به زندگی مرفه خود که از ارث مرحوم پدرم بود و از نظر شرعی هم بلامانع و حلال بود برگردم. با خود در جنگ و ستیز بودم و شیطان مرا وسوسه می‌کرد، تا اینکه تصمیم خود را گرفته و در پشت همان نامه برای برادرش نوشتم: عنایات حضرت امیرالمومنین (ع) در نجف شامل حال من بوده و از سفره پرفیض ایشان بهره مند می‌باشم و ایشان هزینه زندگیم را کفایت کرده‌اند. کسانی که در تبریز مستاجر من می‌باشند، اگر توان مالی داشتند در محل استیجاری به سر نمی‌بردند. لذا به موجب همین دست خط و کالت دارید تمام املاک متعلق به من را به نام مستأجران و در تملک ایشان در آورید و خدای من هم بزرگ است. و بدین ترتیب در یک لحظه تمام ثروت و دارائی خود را بخشیدم. ایشان می‌گویند در زمان اقامت در نجف راهی مسجد سهله شده و مدت هشت سال به طور مداوم، در آنجا معتکف گردیدم و به جز تجدید وضو و تطهیر از مسجد خارج نمی‌شدم. و در این مدت از طرف حضرت امیر (ع) و آقا امام زمان (عج) عنایات زیادی به من شد. زمان و علت فوت: شیخ جعفر مجتهدی پس از حدود چهار سال اقامت در جوار حضرت ثامن الحجج (ع) در تاریخ ششم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۶ ه.ق مطابق با ۶/۱۱/۷۴ هنگام ظهر روز جمعه دار فانی را وداع و روح ملکوتیشان عروج می‌کند.

محرابی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محرابی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱۹

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۱ پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۱۳۷۱ دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استاد‌های گرانقدر حوزه در فرصت‌های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.

در کنار درس خارج، از حدود سال ۱۳۷۴ در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره‌مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسراء، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته‌ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی و حوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیازها و پرسش‌های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب‌های بدایه، نهاییه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت‌شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت‌شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.

علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه‌ها و کلاس‌های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از ۱۰ سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.

عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده‌ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته‌ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و

نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسررداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محمدی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله محمدی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود. به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود. بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می‌آموخت. تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی‌گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید. در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد. ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسئولیت‌های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می‌نموده است.

دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت. عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است، ختم ولایت می‌باشد. در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی‌الدین بن عربی و عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ رئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است. ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه، در دروس فلسفه و حکمت، اخلاق، تفسیر، عرفان نظری و عملی، هیئت و نجوم، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان‌های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت.

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره‌های مسئولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی، تحصیلی، تدریسی، پژوهشی و تالیفی در حوزه‌های علمیه، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه‌های قم، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته‌اند. اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است: ادبیات، منطق، اصول فقه، فقه (لمعتین و مکاسب محرمة)، فلسفه (بدایه و نهاییه علامه)، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان، احکام (نبراس ملاهادی سبزواری)، بررسی ادیان (ادیان‌شناسی)، تعلیم و تربیت، مشاوره خانواده، تفسیر، روان‌شناسی، علم النفس، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی، فلسفه اخلاق،

کلام تخصصی، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است. ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها در طی ده سال گذشته در درس‌های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده‌اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته‌اند.

مختاری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی مختاری

محل تولد: تیران کرون اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۹/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی، و... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درس‌های رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول، رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثراً به حوزه‌های علمیه سایر شهرستانها می‌رفتم و به درس یا تدریس می‌پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود ۴ سال، خوانسار، حدود ۵ سال، و دو سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصر اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصر (درس لمعه) بهره می‌بردم. با شروع دوره‌های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش‌هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته‌ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب، مقاله و... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرت‌های تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه،

تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مصطفی پور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده کردم و کفایه الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم. ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم. اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم. عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند

می‌شدم. از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب در آمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم. در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطبعه چی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مصطفی مطبعه چی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سید مصطفی مطبعه چی اصفهانی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. دروس ابتدایی و کلاسیک را در اصفهان گذراند و در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شد. پس از مدتی به قم هجرت نمود و دوره سطح و خارج را در آنجا سپری کرد و از محضر اساتیدی چون اعتمادی، دوزدوزانی، تهرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و ... استفاده نمود. وی در کنار دروس حوزوی به تحصیلات کلاسیک هم پرداخت. در سال ۱۳۷۵ لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و فوق لیسانس شرق شناسی را در دانشگاه مقاصد بیروت در سال ۲۰۰۰ میلادی به اتمام رساند. وی هم‌اکنون در قم مشغول تحقیق و پژوهش می‌باشد.

معصومی لاری، محمد سعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد سعود معصومی لاری

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال ۱۳۳۸ نوشته اند ولی سال ۱۳۳۹ در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقاً در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموماً سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملاً مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم

دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال ۱۳۵۸ به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداکی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه صادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیون برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم

اواخر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق، تفسیر، قرآن، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم

قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم. آقای امجد، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند. آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیها مشغول شدم خدمت آقای موحدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (معنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلاً هم از آقای امجد درس گرفته بودم، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متأسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاوردی خواندم. آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپروور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید

درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر

آقای جوادی استفاده کرده ام.

منافی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۹.

درگذشت: ۱۳۶۹.

از احمد منافی کتابی در خصوص اخلاق اسلامی و عرفان بر جای مانده است: گنجینه‌ی معارف (از مذاکرات احمد منافی، تهیه و تنظیم کاظم کاظم‌زاده ایرانشهر، تهران، ۱۳۶۴).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی بالیگی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی بالیگی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.

ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه‌های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب‌های «آیین و اندیشه» و تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی مطلق، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدعباس موسوی مطلق

محل تولد: لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱۰/۳۰

زندگینامه علمی

به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمایی در سال ۷۱ - ۷۰ وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال ۷۶ آغاز کرده ام.

موفق، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا موفق

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته «فلسفه و کلام اسلامی» و «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال

و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه «آزادی و دین» و انتشار آن در مجله‌ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان «بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری» با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه‌ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت‌های ذیل:

۱. تحقیق و تنظیم کتاب «نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی ۲. مسئولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) ۳. تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) ۴. تنظیم بخشی از کتاب «شرح شواهد الربوبیه» از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) ۵. دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب، منطق، فلسفه (بدایه الحکمه) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسئولیت بخش معاونت نهاد معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۲-۶۰۴ ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملائی رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودکی پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالا، ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در ۶۲۸ ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند و عظم پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاء‌الدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عدیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق

تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از ۶۳۰ ق تا ۶۳۷ ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و ارشاد گرفت و چون استادش در ۶۳۸ ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعدّدش به قونیه رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در ۶۴۵ ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانع طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالباً برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالک دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، درگذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگی‌شان، در کنار پدرش، به خاک سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبه الخضر، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که «دیوان» غزلیات اوست، حدوداً مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل ۱۶۵۹ رباعی. از آثار مثنوی او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه».[۱]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول ۶۰۴ ه. ق- ف. قونیه یکشنبه ۵ جمادی‌الآخر ۶۷۲ ه. ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاء‌الدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که جلال‌الدین کودک بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال ۶۴۲ با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال ۶۴۵ به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترک گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت.

ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یک چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: ۱- مثنوی: در ۶ جلد و شامل ۲۶ هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. ۲- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر ۵۰۰۰۰ بیت. ۳- رباعیات. ۴- مکتوبات مولانا. ۵- فیه ما فیه. ۶- مجالس سبعة.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (۲۰۹-۲۰۰/۲)، الاعلام (۲۵۹-۲۵۸/۷)، با کاروان حله (۲۴۲-۲۲۵)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۷-۱۲۰۵، ۴۸۶-۴۴۸/۳)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۵۲۲-۵۰۱)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ مغول (۵۳۶-۵۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۰-۱۵۸)، تذکره الشعراء (۲۲۲-۲۱۳)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (۱۲۰-۱۰۷)، جستجو در تصوف (۳۰۷-۲۷۳)، حبیب السیر (۱۱۶-۱۱۵/۳)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۵۹-۶۵۸، ۶۵۵)، دایرةالمعارف فارسی (۷۴۴-۷۴۳/۱)، در قلمرو وجدان (۳۴۳-۳۴۰)، الذریعه (۳۶۰، ۳۰۳/۱۹، ۴۱۱/۱۶، ۲۲۱/۱۴، ۱۱۲۳-۱۱۲۲، ۵۳۹، ۲۸۵/۹، ۱۹۱/۶)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۹۷)، ریاض العارفین (۶۵-۵۷)، ریحانه (۳۳-۲۹/۶)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸۰-۲۶۶)، صبح گلشن (۱۰۵-۱۰۲)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۶، ۳۱۴-۳۱۳/۲)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/۹۹-۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۲-۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۵-۲۱۳)، گنج سخن (۱۶۹-۱۴۷/۲)، گنج و گنجینه (۳۴۵-۳۴۱)، لغت نامه (ذیل / مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۶۰۴-۵۷۳)، مجالس العشاق (۱۶۸-۱۶۵)، مجالس المؤمنین (۱۱۵-۱۰۹/۲)، مجالس النفائس (۳۲۱)، مجمع الفصحا (۷۸۰-۷۷۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل / سالهای ۶۷۲، ۶۰۴)، مرآة الخیال (۴۳-۴۲)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳-۷۴۵/۵)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (۴۶۹-۴۶۱)، هدیه الاحباب (۲۵۰-۲۴۹)، هدیه العارفین (۱۳۰/۲)، هفت اقلیم (۵۴-۴۵/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۴-۱۶۳/۷).

مهندسی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد: آباءه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت

بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تعطیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاوردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایة‌الحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة‌الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدماتی و سطح عالی تا انتهای کفایة‌الاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایة‌الحکمه را چندین دوره و نیز نهیة‌الحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) دارم.

فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرة‌المعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایة الحدیث اشتغال دارم.

در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتاً اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نه هجری شمسی، در شهر دولت آباد بر خوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیا آمد. پدر ایشان، زاهد متقی حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامذ مورد عنایت خاص علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام آمدن این فرزند، او را «محمدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمد» شهره شد. محمد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله سید محمود شاهرودی و آیه الله آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجف اشرف، حضرت آیه الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، و بعد از یکی دو سال با ورود به حوزه علمیه اصفهان و تحصیل علوم ادبی رائج در آن حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سر می‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجف اشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اولیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، اما خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیه علم و معرفت جوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجف اشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهر مقدس داشت، در قبری در صحن مطهر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت کشیدن ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگی ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین دهقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدس بود، می‌سپارد؛ و الحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در درس علمی نجف اشرف، با شماری از اهل معانی این شهر مقدس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمد کوفی نیز آشنا، و در طریق معرفت ائمه هدی دست به دامن آنان می‌زنند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبده الله، معالم الاصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت الله شیخ مجتبی لنگرانی، مکاسب را از محضر آیت الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری، رسائل را از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت الله حاج شیخ محمد حسین دهقانی، و برای دومین مرتبه باز در محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرمه را از محضر آیت الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت الله سید عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از درس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت الله حاج سید محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را از محضر آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت الله حاج سید جواد آل علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این درس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانی زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت الله آقا سید محمد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت الله سید مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی وصی مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر

آنان می‌پرداختند. در این شماراست مرحوم حضرت آقا سید هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهره گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا می‌شوند. در همین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستی دیرینی میان این دو از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامی مکروهات مصون نماید.

نجابت، حسن علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جناب ملجأ السالکین و شیخ العرفاء الشامخین، قدوة الاولیاء و زبده العرفاء، معدن العلم، محیی آثار الانبیاء و الأوصیاء، شیخ المجاهدین، فقیه أهل بیت العصمة و شمس فلک المحبّة و قمر سماء المعرفة، مخلص لله، فانی فی الله، باقی بالله، مجاهد فی سبیل الله و فی الله، عالم عامل و فقیه کامل حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی - قدس سره الشریف - فرزند مرحوم حاج غلامحسین نجابت در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی در خانواده‌ای کریم الاصل و نجیب النسل در شیراز متولّد شدند. پس از گذراندن دوره مقدماتی در مدرسه علمیه خان شیراز که تحت نظر آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی اداره می‌شد به نجف اشرف مشرف شدند.

مقام علمی و اساتید ایشان: بیش از یک دهه از ورود ایشان به نجف نگذشته بود که بعنوان مجتهدی ورع و فقیهی صاحب‌نام آن هم در حوزه علمیه نجف اشرف مطرح می‌شوند و در کلیه علوم ظاهری (فقه و اصول، تفسیر، کلام...) در محضر مراجع بزرگ آن زمان زبانزد خاصّ و عام بوده تا جایی که در هیئت استفتائیه مراجع، زمانی را سپری می‌کنند و شهرت علمی ایشان در نجف به حدّی بود که معروف بود که ایشان اگر نجف می‌ماندند از نظر همان علوم متعارف فقه و اصول و... در حدّی بالاتر از مرحوم آقاضیاء عراقی (استاد مراجع آن زمان) بودند. استادان بنام ایشان در فقه و اصول و ... آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی و آیت‌الله العظمی شیخ علی محمد بروجردی بودند. ایشان در سنّ ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل شدند و عمده اجازات ایشان از نامبردگان فوق می‌باشد.

اساتید عرفانی: چنانچه ذکر کردیم حضرت آیت الله نجابت (ره) با آن همه معلومات اگر می‌خواستند در همان نجف اشرف ادامه درس و بحث حوزوی داشته باشند یکی از نوادر عصر خود و یکی از استوانه‌های مرجع و ملجأ مردم و طلباب می‌بودند، اما چون

طالب مطلوب واقعی بوده و علوم ظاهری را مقدمه برای ورود به علم واقعی می‌دانستند، جوای انسان کامل از اولیاء الهی بودند که از زلال معرفت و هدایت خاصّ وی برخوردار شوند، که در همین راستا خداوند تبارک و تعالی به اراده و مشیت خاصّه خود شخص محترم و عزیز و کاملی را جهت ارائه طریق به مرحوم آیت الله نجابت معرفی می‌فرماید، یعنی ایشان به خدمت استاد کلّ و مرجع و ملجأ مراجع تقلید آن زمان از هر جهت -چه ظاهری و چه واقعی و معنوی- یعنی مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی قاضی طباطبائی -قدس سرّه الشریف- می‌رسند که سیر واقعی و حرکت متصل به سوی حضرت احدیت شروع می‌شود. اگر بخواهیم به زندگانی فیلسوف، حکیم الهی، مجاهد فی سبیل الله، عالم کامل و فقیه جامع مرحوم آیت الله العظمی حاج سید علی قاضی پردازیم، باید گفت: مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بنابراین به فرموده مرحوم حضرت آیت الله نجابت که از شاگردان برجسته محضر عرفانی ایشان بودند اکتفا می‌کنیم: وقتی صحبت از استقامت و پایداری و صبر می‌شد، نام این بزرگوار را به عظمت و تکریم و وقار می‌آوردند بطوری که چهره‌شان تغییر می‌کرد، آنچنان با قدرت و از اعماق جانیشان سخن می‌گفتند که سخن به جان انسان اثر می‌کرد و تغییر می‌داد وضع شخص را، یعنی به دنبال سخن یک اتصال معنوی با ربّ الارباب حاصل می‌شد. خود بیان نام و ذکر احوالات حضرت آیت الله قاضی آنچنان انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که حضور حضرت آیت الله قاضی را انسان درک می‌کرد، علتش فقط حضور آیت الله نجابت در مقام بیان حالات آیت الله قاضی گویا در حضور آیت الله قاضی است. آنچنان اتصال بین آیت الله نجابت و آیت الله قاضی بود که سخن آیت الله نجابت همان سخن آیت الله قاضی می‌شد و اثر همان اثر. شاگردان ایشان زیاد ملاحظه می‌کردند که در حقیقت سخن از حالات خود آیت الله نجابت بود، امّا هنر ایشان در این بود که این حالات را و کرامات را به مرحوم آیت الله قاضی نسبت می‌دادند. الحق هم باید شخصی مثل آیت الله نجابت معرف آیت الله قاضی باشد، کسی که در همان چند سال محضر آن بزرگوار کمال استفاده را بردند. ایشان می‌فرمودند: «اگر بخواهیم راجع به صبر آیت الله قاضی صحبت کنیم باید به این نکته توجه کامل داشته باشیم که ایشان از نظر علمیت بی‌نظیر بودند یعنی یکی از مدرّسین فقه و اصول حوزه نجف اشرف بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند، در تمام علوم احاطه کامل داشتند، تقوا و زهد ایشان انسان را به یاد جدّش امیرالمؤمنین (ع) می‌انداخت، از نظر مخارج منزل سخت تحمل می‌کردند ناملازمات را، فشار زندگی طاقت فرسا بود، با این همه فضیلت و تقوا و علم، امّا هرگز این مراتب را جهت استراحت خود قرار ندادند، راضی بودند به رضای خدا، یعنی اگر می‌خواستند جلب مال کنند عده زیادی بودند که آرزو داشتند مرحوم آیت الله قاضی تقاضایی کنند، امّا هرگز سخن راجع به این امور نفرمودند. در مرتبه خواب و مکاشفات که بعضی از بزرگان در طول زندگی از خواب خوب و مکاشفه تا اندازه‌ای برخوردار بودند، امّا این بزرگوار اسوه صبر و استقامت خودشان می‌فرمودند: چهل سال از عمرم گذشته بود، یک خواب، یک مکاشفه خوب نداشتم که لااقل دل خوش کنم به آن.

امّا از آنجایی که صبر ایشان صبر ایوب و جدّشان رسول اکرم (ص) بود هرگز نسبت به راه تزلزلی و سستی راه ندادند و اراده خداوند و رضای خداوند را بر تمام مطالب خود مقدّم داشتند، تا اینکه خداوند جلیل عنایت خود را به این محترم عطا نمود که در آن زمان عده زیادی بهره‌مند شدند و اکنون هم از برکات آن محترم طالبین معرفت خداوند متنعم هستند. حضرت آیت الله نجابت می‌فرمودند: روز اوّل که خدمت این بزرگوار (حضرت آیت الله قاضی) رسیدم فرمودند: فرزند چه کسی هستی؟ بدون هیچ گونه معطلی عرض کردم: فرزند شما. بسیار این مرد بزرگ از جواب من خوشحال شد. (۱)

همچنین می‌فرمودند: همین که نزدیک می‌شد ماه محرم مرحوم آیت الله قاضی دیگر قرار نداشتند، همه می‌دانستند آن جذبه ربّ الارباب، آن عنایات حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، این آتش عشق به خداوند و ائمه این بزرگوار را از خود بی‌خود می‌کرد، لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می‌کردند اهل منزل و این بزرگوار از منزل خارج می‌شدند و پیوسته محزون و گریان بودند. نقل است که چند ماهی پیش از شرفیابی آیت الله نجابت به خدمت مرحوم قاضی نگذشته بود که مرحوم قاضی می‌فرمود: شیخ حسنعلی

نجابت اهل حرم است. بعد از فوت مرحوم آیت الله قاضی از آنجایی که خداوند هرگز انسان را رها نمی‌کند، طالب را رها نمی‌کند و عنایت عام و خاص خداوند به زمان و مکان بستگی ندارد، به خدمت سرسلسله عشاق، آن متصل به مبدأ اجل، آن سوخته بقا یافته، آن وارد در اسرار الهی یعنی مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمدجواد انصاری همدانی - قدس سره الشریف - رسیدند، که الحق می‌باید گفت: نمی‌شود کسی در واقع خدمت این بزرگوار برسد و معرفت خداوند نصیب او نشود. و راجع به این مرد بزرگ هم باید گفت: معرّف ایشان باید آن شاگرد صددرصد تسلیم و مطیع آن بزرگوار یعنی حضرت آیت الله نجابت باشد، چون این وضع را ایشان از همه بیشتر متوجه بودند. ایشان می‌فرمودند: مرحوم آیت الله انصاری از نوادر و افراد انگشت شمار اهل معرفت بودند، یعنی خداوند تبارک و تعالی متکفّل تمام مراتب ایشان بود. استاد ایشان حسب نقل بزرگواران و آیت الله نجابت خود خداوند تبارک و تعالی بود که ایشان هم نقل قول می‌کردند از مرحوم آیت الله قاضی که می‌فرمودند: این مرد بزرگ (آیت الله انصاری) خدا را به یگانگی شناخته است. آیت الله نجابت می‌فرمودند: بعد از رحلت حضرت آیت الله قاضی همراه شهید محراب آیت الله دستغیب به خدمت حضرت آیت الله انصاری رسیدیم، مرحوم آیت الله انصاری فرمودند: چرا، و برای چه اینجا آمده‌اید؟ عرض کردیم: برای کسب معرفت خداوند آمده‌ایم. و اصرار ورزیدیم. بعد از مدّتی مرحوم آیت الله انصاری فرمودند: بنده مدّتها است از خداوند تبارک و تعالی تقاضا داشتم که هیچ کس مرا نشناسد، اما چه کنم که امر و اراده خداوند غیر از این شد. به هر جهت بهره بسیار زیادی از این مرد کامل داشتند. مرحوم آیت الله نجابت می‌فرمودند: مرحوم آیت الله انصاری در عشق به خداوند بی‌نظیر بودند، و ایشان را هم ردیف حافظ شیرازی که زبانزد خاص و عام است از عشق به خداوند می‌دانستند. معروف است که آیت الله انصاری در باره آیت الله نجابت فرمودند: اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند سیر نمی‌شود.

نظری به ابعاد وجودی ایشان: وقتی به ابعاد و شخصیت این مرد خدا (حضرت آیت الله نجابت) مراجعه می‌شود در می‌یابیم که ایشان مجتهد در تمام امور است. یعنی نیاز یک جامعه را از هر جهت رفع می‌کند و در حقیقت هدایت می‌کند. حقیقتاً خداوند هادی است، اما چون این افراد به خداوند متصل و در سرّ خداوند وارد و آگاه از اسرار الهی هستند، مردم را به حقیقت آگاه می‌کنند. دیگر نمی‌توان گفت این شخص فقط مجتهد است در فقه و اصول و احکام شرع، خیر، ایشان به تمام امور زندگی آگاه است، یعنی امور همه به دست خداست و اینها هادیان طریق الی الله هستند. اینگونه افراد فقط رضای خداوند را مدّ نظر دارند و هر لحظه از خداوند کمک می‌خواهند و مردم را به حق یعنی سنّت رسول خدا (ص) دعوت می‌کنند، به کتاب خدا و اهل بیت عترت و طهارت دعوت می‌کنند نه به شخص خودشان، و از این جهت هیچ وقت نسبت به اعمال خودشان پشیمان نیستند چنانکه امام خمینی (قدس سره) می‌فرمودند: ما به وظیفه عمل می‌کنیم پیروزی ظاهری باشد یا نباشد. خداوند تبارک و تعالی چنین قرار داده که همچنان که قرآنش را تنزل داده، تمام اوصافش را هم تنزل داد تا همچون محترمی مثل آیت الله نجابت جلوه خدا باشند، پس جلوه در تمام اوصاف امکان دارد حاصل شود، چون اراده خداوند به چنین شخصی تعلق گرفت، خداوند حسب حال این محترم و گنجایش این محترم او را ذو جهات قرار می‌دهد که به نحو ایجاب جزئی می‌تواند احتیاجات اشخاص طالب معرفت خداوند را برطرف کند، چرا که در اثر بندگی خدا اگر خداوند اجازه دهد هر جنبنده‌ای در اختیار این محترم به حرکت در می‌آید، آسمان و زمین و مافیها در اختیار این محترم است و به اذن خداوند می‌توانند در هر چیز و هر کس که بخواهند تصرف کنند. چنانکه دیده می‌شد امر و نهی ایشان بر شخص تسلیم امر خداوند، شخصی که صد در صد از تعلّقات دنیوی دست کشیده بود آنچنان مؤثر واقع می‌شد که به اندک مدّتی به نتیجه و مطلوب می‌رسید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسنعلی اصفهانی قدس سره فرزند ارشد مرحوم مبرور جنت مکان آخوند ملاعلی اکبر اصفهانی رضوان‌الله علیه می‌باشند. وی در نیمه ماه ذی‌القعدة سال ۱۲۷۹ قمری هجری در شهر اصفهان متولد شده و تا سن یازده سالگی از نظر تعلیمات ظاهریه خدمت مرحوم والدش و معلمین دیگری تحصیل مبادی نموده و از نظر معنویات و تکمیل مدارج سلوک زیر نظر استاد بزرگوارش مرحوم حاج میرزا محمدصادق که از اعظام مرتاضین متشرع آن زمان و مورد ارادت و اخلاص خاندان مرحوم آقا شیخ محمدتقی صاحب حاشیه بوده‌اند به تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه مشغول بوده‌اند و بعدا که به سن شباب رسیده‌اند علوم ادبیه و قسمتی از علوم ریاضیه مانند حساب و هیئت را نزد مرحوم آخوند کاشی و علوم عقلیه و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی تحصیل نموده سپس به عتبات عالیات مشرف شده و در نجف اشرف ادامه تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه را به اضافه تحصیلات علوم نقلیه نموده و معاشرت و مجالست ایشان اغلب با مرحوم آیت‌الله ربانی حاج سید مرتضی کشمیری که از اوتاد عصر خود و اعظام فقهاء و از اکابر سالکین آن تاریخ می‌باشند بوده و پس از آن مراجعت به اصفهان نموده و سفری به مشهد مقدس مشرف شده‌اند و در این سفر مکاشفه‌ای برای ایشان حاصل شده که مجاورت مادام‌العمر را در مشهد مقدس بر خود لازم و حتم دانسته لهذا به اصفهان مراجعت نموده و علائق و متعلقات آنجا را قطع و برای مجاورت دائمی به مشهد مقدس مشرف شده و توفیق مجاورت ارض اقدس را داشتند تا در صبح روز هجدهم شعبان ۱۳۶۱ هجری قمری پس از چهل روز کسالت در محله سعدآباد مشهد در سن هشتاد و دو سالگی (۸۲) رحلت فرموده و با تشییع کم نظیری در صحن عتیق در جنب ایوان شاه عباسی جلوی غرفه‌ای که در غرب ایوانست و بر روی قبر او سنگ مرمر کوچکی که بر روی آن این عبارتست (اصفهانی شعبان ۱۳۶۱) منقوش می‌باشد.

مرحوم حاج شیخ حسنعلی دارای مقامات و کرامات کثیره است که شرح آن صحیفه مفصله خواهد بود که از عهده این مختصر خارج است.

آن بزرگوار از سن هفت سالگی تا آخر عمر تمامی لیالی شب جمعه را بدون تعطیل احیاء به عبادات از فرایض و نوافل می‌داشته و در تمام این مدت یعنی هفتاد و پنج سال ایام‌البیض همه ماهها را صائم بوده‌اند و بعضی از سنوات در ایام‌البیض ذی‌الحجه هر سه روز را با آب افطار و سحور نموده و اقتداء به امیرالمومنین و صدیقه طاهره و حضرت حسنین علیهم‌السلام و در بعض اوقات تا هیجده ساعت متوالی مشغول به نماز و ادعیه و اذکار و اوراد بودند بدون احساس کمترین خستگی در این عصر سال مرتاض متشرعی مانند ایشان دیده نشده.

اوقات شریفه این بزرگوار مقدار اندکی به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب مصروف می‌شد و باقی اوقاتشان به قضاء حوائج مومنین مراجعین از دعا و دوا برای رفع بیماریهای متنوعه و رفع گرفتاریهای مختلفه مشغول بوده. می‌توان ادعای قطعی نمود که در مدت اقامت ایشان به مشهد بیش از صد هزار مریضهای مختلفه که بعضی از آنها به معالجات طبی قدیم و جدید ممتنع‌العلاج بودند به دعاء معالجه قطعی فرموده‌اند و با این حال کوچکترین داعیه‌ای نداشتند و سلوک ایشان مانند یک عالم فقیه زاهدی بود که به علم و عمل هادی خلق به سوی خدا باشد و اگر این بزرگوار ادعای مقامی از مقامات سلوک مانند مرشدیت و یا قطیبت را می‌کرد به طور قطع و یقین نصف ایران را در سلسله ارادت خویش درمی‌آورد فرضوان‌الله علیه و قدس‌الله سره الشریف.

از بعضی از موثقین علماء و دانشمندان شنیدم که آن مرحوم در حال حیات خود بسیار می‌آمد و در این محلی که اکنون قبر اوست می‌ایستاد و یا می‌نشست دعاء و قرآن می‌خواند وقتی به او گفتند اینجا چه خصوصیت دارد می‌فرمود اینجا محل دفن منست و فرمود

مرا در اینجا دفن نمائید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نراقی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۴ / ۱۲۴۵ - ۱۱۸۶ / ۱۱۸۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»؛ در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در ترمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملئ»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر. [۱]

حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. ۱۲۴۵ ه. ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاقت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: ۱- اجتماع الامر والنهی. ۲- اساس الاحکام در اصول فقه. ۳- اسرار الحج. ۴- حجة المظنة. ۵- خزائن. ۶- دیوان شعر فارسی. ۷- سیف الامة ۸- شرح تجرید الاصول. ۹- طاقدیس شامل مثنویات او. ۱۰- عین الاصول. ۱۱- معراج السعادة. ۱۲- مفتاح الاحکام. ۱۳- مناهج الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱ / ۲۴۵)، اعیان الشیعه (۱۸۴ - ۱۸۳ / ۳)، ایضاح المکنون (۵۶۳، ۵۲۳، ۴۷۸، ۱۳۰، ۲ / ۳۵، ۱ / ۳۳۱) حدیقه الشعراء (۱۰۳۱ - ۲ / ۱۰۲۷) الذریعه (۱۷۸ - ۱۷۷، ۲۵ / ۸۵، ۲۳ / ۱۶، ۳۵۰، ۳۴۱، ۲۲ / ۳۴۰ - ۳۱۵، ۳۱۷، ۲۳۰، ۲۲۹ - ۱۵، ۱۴ / ۲۱، ۱۷ / ۱۴۰، ۳۶۷، ۳۵۴، ۱۵ / ۱۳۴، ۱۹۵، ۱۳ / ۱۳۸، ۱۲ / ۲۸۶، ۱۱ / ۱۲، ۱۱۸۱، ۹ / ۶۱۰، ۷ / ۱۵۲، ۴۳، ۲ / ۴، ۱ / ۲۶۷)، روضات الجنات (۱۰۷ - ۱ / ۱۰۳)، ریحانه (۱۶۳ - ۶ / ۱۶۰)، سفینه‌المحمود (۴۲۳ - ۲ / ۴۱۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۷ - ۱۳ / ۱۱۶)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویه (۴۱)، قصص العلماء (۱۳۲ - ۱۲۹)، مجمع الفصحا (۷۰۵ - ۵ / ۷۰۰)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۸۸ - ۳ / ۱۲۸۷)، معجم المؤلفین (۱۶۳ - ۲ / ۱۶۲)، مکارم الآثار (۱۲۴۲ - ۴ / ۱۲۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۴ - ۱ / ۴۸۱)، نگارستان دارا (۱۰۶ - ۱۰۴)، هدیه‌الاحباب (۱۸۰)، هدیه‌العارفین (۱۸۶ - ۱ / ۱۸۵).

نصراللهی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا نصراللهی

محل تولد: دهاقان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۳/۱۴

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.

با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت ۳۰ هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال ۵۷ به حوزه علمیه قم آمدم تا سال ۱۳۵۹. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال ۱۳۷۳ باز به قم مراجعت نموده و تا ۱۳۸۷ افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر ۷۷ خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر ۵ نصر و همچنین لشکرهای ۲۷ رسول الله و لشکر ۸ نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصر آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عارف. در تذکره الاولیاء (۲:۲۶۱) گوید: محمد نصر آبادی... در عهد خود مشارالیه بود در انواع علوم، خاصه در روایات عالی و علم احادیث... استاد جمیع اهل خراسان بود بعد از شبلی، و او خود مرید شبلی بود، و رودباری و مرتعش را یافته بود، و بسی مشایخ کبار را دیده بود. (شیخ عطار در تذکره الاولیاء تقریباً هفت صفحه درباره ی او مطالبی نقل می کند طالبین مراجعه کنند).

در طرائق الحقایق (۲:۲۱۰) گوید: شیخ ابوالقاسم ابراهیم بن محمد بن محمودیه نصرآبادی از نصرآباد خراسان است، در نیشابور بوده و در مکه مجاور شده، و در ۳۷۲ در همان جا (یا شهر مدینه) از دنیا رفته است.

با در نظر گرفتن مطالب فوق چنین به نظر می رسد که مدفون در نصر آباد اصفهان عارفی است غیر از صاحب عنوان، و ظاهراً مؤلف ریحانه الادب (۶: ۱۷۷) که خانقاه او را در نصر آباد می نویسد نظر به شهرت داشته است.

در قریه ی نصر آباد ماریین اصفهان، مدرسه و خانقاهی است منسوب به شیخ ابوالقاسم نصر آبادی عارف که در سال ۸۵۴ خواجه صدر الدین علی طیب (جدّ اعلاّی میرزا طاهر نصرآبادی) آن را بنا نموده، که قسمتی از کتیبه سر در آن هنوز باقی است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نکوگویان خیاط، رجبعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط (شیخ رجبعلی خیاط) در ۱۳۶۲ ه. ق در خانواده ای فقیر تهران متولد شد. پدرش که کارگری ساده بود، در ۱۲ سالگی درگذشت و رجبعلی از همان زمان تا زمان وفات به خیاطی پرداخت تا امرار معاش نماید. شیخ رجبعلی خیاط به جز سواد خواندن و نوشتنکه برای مطالعه دووین شعرای عارفی چون حافظ شیرازی و ملا احمد نراقی، تحصیلاتی رسمی نداشته است. یا حداقل از آن اطلاعی در دست نیست. بلکه عرفان را به طور عملی و تجربی آموخته است. چنانکه در سن ۲۲ سالگی درماجری، با مقاومت در برابر گناه و هوای نفس، به مقامات و کراماتی نائل گردید که بعدها شاگردان بسیاری چون دکتر علی مدرس، دکتر حمید فرزام و علی رافعی رابه گردوی جمع کرد. وی در سال ۱۳۴۰ ه. ق درگذشت و در جوار مزار ابن بابویه درری مدفون گردید. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیکرایش: عرفان عملیوالدین و انساب: پدر رجبعلی نکوگویان خیاط، کارگر ساده ای بود که به هنگام دوازده سالگی دارفانی را وداع گفت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط کارگر ساده ای بود که دوازده سالگی رجبعلی را تنها گذاشت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: رجبعلی نکوگویان خیاط هیچ گونه، تحصیلات رسمی برخوردار نبود بلکه تنها به کمک سواد خواندن و نوشتن خود به مطالعه آثار شعرای عارف بو یژه حافظ شیرازی و نیز کتاب طاقدیس ملا احمد نراقی می پرداخت. خاطرات و وقایع تحصیل: رجبعلی نکوگویان خیاط در سن ۱۲ سالگی پدر خود را از دست داد و برای گذراندن شغل خیاطی را پیشه خود کرد و تا آخر عمر به این کار اشتغال داشت. استادان و مرییان: رجبعلی نکوگویان خیاط مربی خاصی در مسیر عرفان نداشت بلکه به تعبیر شاگردانش به اطاعت محض از

رهنمود های اهل بیت لغایت می نمود و نیز در مسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد. هم دوره ای ها و همکاران: عبد الکریم روشن از شاگردان و همقدمان رجبعلی نکوگویان خیاط بوده است. همسر و فرزندان: حاج محمود آقا، فرزند رجبعلی نکوگویان خیاط است که نقل می کند: شیخ گاهی به من می گفت: می روی مثلا ۳ ریال پلوی حزی و ۲ ریال دیگرش را از جگر کی آب جگر می گیری و این غذای شیخ بود. شیخ بد لقمه حلال و بی شبهه بسیار اهمیت می داد. وقایع میانسالی: رجبعلی نکوگویان خیاط در حدود ۲۳ سالگی در ماجرای یوسف گونه، با مقاومت در برابر گناه و هوای نفس، از سوی خداوند بصیرت و بینایی یافت و دیده برزخی اش روشن شد و برخی اسرار برای او کشف شد. زمان و علت فوت: رجبعلی نکوگویان خیاط پس از عمری ۷۸ ساله، در بیست و دوم شهریور سال ۱۳۴۰ شمسی کالبد خالی را وا گذاشت و به دیدار معشوق شتافت. مزار او در ابن بابویه است. فعالیتهای آموزشی: رجبعلی نکوگویان خیاط بیشتر دعاهاى صحیفه را می خواند ند و تکرار می کردند. در طول هفته به مناسبت های دعا را تغییر می دادند. دعا ها را با یک حال می خواندند که همه از منقلب می کرد. بیشتر دعای خمسه عشر را می خواندند. گاهی روی بعضی از فرازها تکیه می کردند و آن جمله ها را به تکرار می گفتند. جمله هایی مثل: الهی و ربی، یامن اسمه دواو ذکره شفا. و از این قبیل بیشتر وقت ها این دعا را می خواندند: پروردگارا: ما را برای لقای خودت آماده کن و تعلیم بده. می فرمودند: رفقاً! اگر من این دعاها را تکرار می کنم برای این است که قدر خودتان را بدانید تا هوای نفس شمارا از راه نبرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: رجبعلی نکوگویان خیاط در زمانی که جوانتر بود صدای عجیب و گیرایی داشت که همه را منقلب می کرد. دعا ها و لحن شیخ کشش خاصی داشت. او به سوز و حالی دعا می کرد که حتی درودیوار نیز به لرزه در آمد. شیخ که حالات عرفانی خاصی داشت به اطرافیان سفارش می کرد که نماز را به عشق بهشت و از ترس جهنم نخوانند و به که نماز را به عشق خود خدا بخوانید. او می گفت: گراز دوست، چشم بر احسان اوست، تو در بند خویش نه در بند دوست، شاگردان: یکی از معروفترین شاگرد رجبعلی نکوگویان خیاط، دکتر مرحوم فرزام، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران است. دکتر ابوالحسن شیخ، مدیر گروه شیمی دانشگاه تهران و پدر شیمی ایرن نیز از جمله شاگردان نکوگویان بودند. صنوبری نیز از شاگردان مهم شیخ هستند. شاگردان شیخ، دکتر گویا، دکتر مدرسی، دکتر میرمطهری، مهندس فروغی زاده و دکتر خوانساری هستند. همفکران فرد: جناب رنجی یکی از همفکران و دوستان نکوگویان بود. رنجی شاعر خوش صدایی بود و غزلیات عرفانی بسیار خوبی می گفت. وقتی رنجی مرثیه می خواند، نکوگویان بغض کرد و گریه می کرد. یکی دیگر از همفکران خیاط. استاد عبد الکریم روشن بود. این دو نسبت به هم ارادت داشته و در جلسه درس یکدیگر حاضر می شدند. به طوری که شیخ رجبعلی از استاد روشن خواسته است که بعد از فوتشان، جلساتی برای شاگردانشان داشته باشد که مقبول روشن نیز قرار گرفت. آرا و گرایشهای خاص: رجبعلی نکوگویان خیاط به حافظ ارادت فراوانی داشت و در میان همه گویندگان و همه عرفانی زمان، حافظ را سرآمد می دانست و به هر مناسبتی شعر زیبایی از او می خواندند و به تعبیرات عرفانی خودشان متوسل می شدند. شیخ احضار ارواح می دانست و طی الارض داشتند و شیخ با اینکه خود اهل کشف و شهود و کرامات متعدد می بود، سیرو سلوکش، تعبد محض از رهنمودهای اهل بیت بود و در مسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد. وی بسیار مهربان، متین، بی اعتنا به دنیا و دارای کمالات معنوی بود.

منابع زندگینامه: مقام شیخ و عرفان، یادنامه شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان در گفت و گو با دکتر علی رافعی. ماهنامه کیهان فرهنگی. سال بیستم شهریور ۱۳۸۲، پیاپی ۲۰۳، ص ۶

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا نوروزی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال ۱۳۷۷ در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، ۶ پایه اول دروس حوزوی را پشت سر گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایة الحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۸۰ پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال ۱۳۸۰ به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.

از سال ۱۳۸۳ دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرةالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال ۱۳۸۵ در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

ولی، شاه نعمت الله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید نورالدین نعمت الله کهستانی (یا کوه بنانی یا کرمانی) مشهور به شاه نعمت ... ولی، در سال ۷۳۱ و قصبه کهسان یا کوهستان در نزدیکی هرات متولد شد. و با توجه به احترام و رفاهی که پدرش، که از مردم با نفوذ روزگار بود، داشت، بهعلم روی آورده و در محضر شیخ رکن (شیرازی، شمسی الدین حکمی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضد الدین ایجی) ادبیات و کلام و حکمت و فقه آموخت سپس: به صوفیان قاندى پیوست. و سپس از آن سفرهای بسیاری به مصر، مغرب، مدینه، مکه، بلخ ماورالنهر

کرد و به کوه بستان در کرمان رفت و در آنجا مسکن گزید و در ماهان خانقاهی ساخت. سپس در سفری به شیراز با اسکندرین عمر شیخ نواده امیر تیمور گورکانی دیدار کرد. و سرانجام در ۸۳۴ یا ۸۲۷ در گذشت. وی بعنوان موسس سلسله نعمت اللهیه یکی از مشهورترین عارفان جهان اسلام به شمار می رفت که مریدانی در ایران و هند از جمله شاهدگان هندی و تیموری داشت. کتابها و رسالات بسیار زیادی را تالیف کرد که مشهورترین آنها دیوان اشعار وی می باشد. گروه: علوم انسانی رسته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: عرفان اسلامی والدین و انساب: سلسله نسبت سید نورالدین نعمت الله کهستانی به ترتیب زیر به امام محمد باقر می رسید: نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن موسی بن یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن صالح بن محمد الباقر بن علی بن حسین بن علی (ع). اجداد وی از شهر حلب به گنج و مکران آمده بودند. پدر شاه نعمت الله با ملوک شبانکاره فارسی نیز از طریق سببی خویشاوند گردیده بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی از سادات حلب بود که در کوه بنان کرمان متوطن شده و نیز با ملوک شبانکاره روابط خویشاوندی سببی برقرار نموده بود. از این رو او و خانواده اش از رفاه و احترام خاصی در آن منطقه برخوردار بوده اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۷۳۱ آموختن علوم ظاهری را از رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین فرا گرفت و بدر بیست و چهار سالگی در مکه به خدمت شیخ عبدا... یافعی (صاحب کتاب روضه الریاحین و قطب الدین رازی) درآمد. و خرقة خود را از شیخ عبدا... یافعی گرفت. گفته اند که وی مقدمات علوم، علم بلاغت، کلام، حکمت الهی، اصول، فقه و اصول عرفان را در جوانی فرا گرفت و در همان هنگام فصوص الحکم ابن عربی را از برداشت. نعمت... چنان در عرفان به مقامات عالی دست یافت که در بسیاری منابع با عنوان «شاه» (که از القاب عالی رتبه تصوف است، یاد شده است. شاه نعمت... ولی پیش از این مدتی را در طریقت قادری به آموختن مشغول بود. خاطرات و وقایع تحصیل: سید نورالدین نعمت الله کهستانی هدایا و اموالی که مردم نزدش می آوردند را همگی می پذیرفت و در ظاهر چندان به حلال و حرام بودن آن توجهی نداشت. روزی سلطان شاهخ تیموری برای امتحان وی گوسفندی را که از کسی غصب گرفته شده بود را بریان نموده و نعمت... را دعوت نمود. هنگامی که نعمت... به تناول گوشت گوسفند مشغول بود، سلطان شاهرخ به وی خبر داد که گوسفند غصبی بوده است. اما نعمت... گفت که وی هرگز نان حرام نمی خورد. شاهرخ برای اثبات سخن خود صاحب گوسفند را آورد تا به غصبی بودن آن شهادت دهد. اما صاحب گوسفند گفت که وی این گوسفند را برای شیخ نعمت... به عنوان نذری آورده است که مامورین سلطان شاهرخ آن را به زور از وی گرفتند. [سمرقندی، تذکره الشعراء، صص ۳-۲۵۲] فعالیتهاى ضمن تحصیل: سید نورالدین نعمت الله کهستانی بیشتر اوقات زندگانی خود را در سفر می گذراند. سفرهای وی بیشتر جنبه عارفانه و تحصیلی داشته است. استادان و مربیان: سید نورالدین نعمت الله کهستانی، رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین و مهمترین آنها شیخ عبدا... یافعی بودند. سلسله استادان شاه نعمت... ولی به احمد غزالی، جنید بغدادی و شیخ حسن بصری می رسد. همسر و فرزندان: سید برهان الدین اولین فرزند سید نورالدین نعمت الله کهستانی بود که در طی سفر وی به کوهستان کرمان به دنیا آمد. امیر خلیل... از دیگر فرزندان او بوده است. فرزندان و نوادگان وی در زمان امیر دولتشاه سمرقندی (عصر شاهرخ) در کرمان و هند و فارس از بزرگان به شمار می رفتند شاه نعیم الدین نعمه... ثانی نواده شاه نعمت... ولی و داماد شاه طهماسب بوده است. سید قطب الدین میرحاج گنابادی متخلص به انسی (معاصر سلطان حسین بایقرا) نیز از نوادگان شاه نعمت... بود. وقایع میانسالی: اکثر عمر سید نورالدین نعمت الله کهستانی به عبادت و سفر گذشت وی در مکه سالها به تحصیل نزد بزرگان صوفیه، بویژه شیخ عبدا... یافعی پرداخت. و با سلطان حسین افلاطی بصری، دیدار کرد. و مدتی در هرات و خراسان و سپس در کوهستان کرمان، تفت یزد، به دعوت اسکندر بن عمر شیخ شیراز، سمرقند، کوه صاف (در نواحی بلخ) مقیم بوده است. شرح احوال و مقامات شاه نعمت... را عبدالرزاق بن عبدالکریم کرمانی در کتابی در سال ۹۱۱ هـ ق تالیف نموده است. و نیز

کتابهایی توسط عبدالعزیز بن شیرملک بن محمد واعظی که برای علاءالدین احمد شاه دوم بهمنی (۸۳۸-۸۶۲ هـ.ق) در هند نوشته شده است. و نیز کتاب سویدالدین نصر... بن برهان الدین خلیل... طوسی ابرقوهی تالیف ۹۰۶ به دستور نعمت الله ثانی نواده شاه نعمت... ولی و کتاب سوانح الایام فی مشاهدات العوام (سلسله العارفین) اثر صنع... نعمت اللهی (تالیف ۱۰۶۶) و نیز شرح مفصلی در کتاب جامع مفیدی در تاریخ یزد اثر محمد مفیدی مستوفی یزدی. زمان و علت فوت: سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال ۸۲۷ هـ.ق در هفتاد و پنج سالگی یا در سال ۸۳۴ در سن ۱۰۳ سالگی در زمان حکومت سلطان شاهرخ تیموری وفات یافت و در قریه ماهان در نزدیکی کرمان مدفون گشت و لنگرو خانقاه وی تا کنون زیارتگاه اهل دل است. مدتی پس از وفات وی به امر سلطان احمد بهمنی پادشاه رکن بقعه ای بر مزار وی بنا گردید (۸۴۰ هـ.ق) و در زمان شاه عباس دوم ابنیه ای بر آن افزوده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید نورالدین نعمت... بن عبدا... کهستانی ولی با درجه صوفیانه‌ی «شاه» ریاست سلسله صوفیانه نعمت اللهیه را که خود بنیان گذاشته بود، بعهدده داشته است. فعالیتهای آموزشی: سید قاسم انوار در سراب تبریز، مولانا شرف الدین علی یزدی و خواجه صائن الدین علی ترکه در اصفهانی در وقت یزد به خدمت شیخ نعمت... در آمدند. و از سوی وی به مصر و شام اعزام شدند. در شیراز سید ابوالوفا سید محمود (شاه داعی الی الله)، حافظ شیرازی، پدر علامه جلال الدین دوانی، شیخ ابواسحاق بهرامی، علامیر شریف جرجانی شرف خدمت وی را یافتند اما بیش از هر کس شاه قاسم انوار شاه داعی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی (که در خرقة وی را از دست نعمت... گرفت) و مولانا فضل... سید نظام الدین احمد شیرازی شاگردان بلافضل و رسمی شیخ نعمت... به شمار می روند. مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید: سید نورالدین نعمت... بن عبدا... کهستانی ولی، بنیانگذار سلسله صوفیانه نعمت اللهیه است. طرایق الحقایق حاج معصومعلی شاه- حبیب السیر، مراه الخیال، امیر علینسیر خان لودی، نتایج الافکار محمد قادات الله گویا مدی، بهارستان سخن، ریحانه الاوب درباره نعمت... ولی مطلب دارند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سید نورالدین نعمت... بن عبدا... کهستانی ولی اشعاری می سرود که در آنها به «سید» یا نعمت... تخلص می نمود. شاگردان: شاه قاسم انوار، شاه داعی الی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی که خرقة خود را از دست سید نورالدین نعمت الله کهستانی گرفت و مولانا فضل الله سید نظام الدین احمد شیرازی از شاگردان مهم شیخ نعمت الله کهستانی بشمار می روند. شاگردان وی بنام استاد خود شاه نعمت... به نام فرقه نعمت اللهیه مشهورند. پس از وفات شاه نعمت الله ولی، پسرش سید خلیل الله ارشاد مریدان را بعهدده گرفت آوازه کرامات و مقامات شاه نعمت الله در ایران و هند چنان منتشر بود که در این دو سرزمین ارادتمندان و شاگردان بسیاری یافت که برخی از آنان امر او شاهزادگان و شاهان بودند. هر چه به دوران صفوی نزدیک تر شویم، نفوذ و قدرت این سلسله افزایش می یابد. همفکران فرد: سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی همانند سید محمود نوربخش و نیز مانند صوفیان بزرگ صفوی شیعه مذهب و بنیان گذار فرقه صوفیانه‌ی شیعی می باشد. آرا و گرایشهای خاص: سید نورالدین نعمت الله کهستانی شیعه مذهب بوده است و در شرح و توضیح اصول و مبانی تصوف و عرفان بویژه با گرایش شیعی از مردان پرکار زمانه خود به شمار می رفت. چگونگی عرضه آثار: سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی برخی رسالات خود را به اسکندر بن عمر شیخ نواده تیمور و حاکم فارس، احمد شاه بهمنی و دیگر شاهان بهمنی در اکن عرضه نموده است. شایان ذکر است که اینان از مریدان وی به شمار می رفتند.

آثار: ویژگی اثر: این رساله های نظم و نثر و درباره طریقه تصوف، سیرو سلوک، اخلاق، معارف و حکیم می باشد. [نفسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۸۸] ۲ آ... خلوت، آفاق و انفس، اسما کونی، اصطلاحات صوفیه، الرساله الشریفه النوریه، الله هو الاول و الاخر بعربی، الهامات، برزخ حروب مقطعات قرآنی، بیان خوش، تحقیق الایمان، تحقیق المرابت الهیه، تحقیقات موسوم با لطایف النصوف، تصیحت نامه دیگر، تفسیر سوره‌ی اخلاص، خلوت، خلیفه، ذوقیات، رساله موزات،

رساله احدیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله اصطلاحات ، رساله الیابان ، رساله الحقایق ، رساله انظام ، رساله برازخ ، رساله بشارت نامه ، رساله بلوغات ، رساله بیان اقطاب ، رساله بیان حروف ، رساله بیان کلمه طیبه ، رساله بیان مذاهب در خلق افعال ، رساله تجلیات ، رساله تحقیقات ، رساله تفسیر الله و السموات ، رساله تفصیل اوایل سور ، رساله توکل ، رساله جامع اللطایف ، رساله جنائیه ، رساله جواب سوال از اسم اعظم و غیره ، رساله حبیبیه ، رساله حروف اصلیه ، رساله حروف و روح ، رساله حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، رساله در آن عدد حروف ، رساله در بودن حقیقت انسان مظهر الهی ، رساله در بیان اسرار کلمه و صلوه و حج غیره ، رساله در بیان تجلی به عربی ، رساله در بیان حقیقت ، رساله در بیان حقیقت مثال و خیال مقیده و کیفیت در اعتبار و یا درجات خلق در ادراک علوم و معانی ، رساله در بیان قلوب انسان [نفیسی] ، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، ج ۱ ، صص ۹-۱۸۸ ، تا ۳۴۱ و نیز ج ۲ ، ص ۷۴۲] ، رساله در بیان نفس ، رساله در توکل و بعضی تحقیقات ، رساله در کلمه سبحان ... در نکات عشر ، رساله در معنی هستی و نیستی ، رساله دیگر از ذوق ، رساله ذوق ، رساله سند خرقة و سوال و جواب سلطان اسکندر ، رساله سوال جوال ، رساله سوال و جواب اما علی حکیم ترمزی ، رساله عیون ، رساله فی کدام الحق للخلق و الفرق بین الوحی و الالهام و الحدیث القدسی ، رساله قل هو الله احد ، رساله کشف الاسرار ، رساله کمیلیه ، رساله مراتب ، رساله مراتب رندیه ، رساله مراتب فقر ، رساله معرفت ، رساله معرفت روح ، رساله معنی الفقر فخری و کاد الفقر ان یكون کفرا ، رساله مکاشفه ، رساله منابت به عربی ، رساله منشآت ، رساله نسبت خرقة خود معنی اعیان ، رساله نصیحت خلیفه و پادشاه عصر ، رساله نصیحت سید نور ... (پسر سید خلیل ...) ، رساله نفخ روح آدم ، رساله نکات ، رساله نور و مراتب آن ، رساله ها ، رساله واردات ، رساله‌ی اسلامیه ، رساله‌ی اشارات عجیب الحروف ، رساله‌ی بیان علم توحید ، رساله‌ی حورائیه ، رساله‌ی حورائیه دیگر ، رساله‌ی روح ، رساله‌ی مراتب دیگر ، رساله‌ی نصیحت سید برهان الدین خلیل ... (پسر خود) ، رساله‌ی نفس و نکات ، رساله‌ی نفیسه ، سراسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، سلب اوصاف ، سلوک ، شرح اسما الله الحسنی به عربی ، شرح اصطلاحات محیط کمال المله و الدین بطریق ابجاد ، شرح سوال کامل از حقیقت ، شرح قصوص ، شرح گلشن راز و ویژگی اثر : رساله ای خطاب به حکیمی ترمندی (از اصحاب شاه نعمت ...) (تالیف ۸۳۶) غیر از دیوان اشعار وی که حاوی یازده هزار بیت است. ۱۰۲ شرح لمعات ، عینیه رساله وجود فیوضات ، مجمع الاسرار ، مجمع اللطایف ، مجموع اللطایف ، محبت نامه ، مراتب ، مراتب وجود ، مفتاح الابواب ، مکاشفات تعریفات ، نسبت خرقة‌ی احمد شاه بهمنی ، نصیحت نامه

منابع زندگینامه: نفیسی تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ، ج ۱ ، ص ۱۸۸۲ امیردولت‌شاه سمرقندی ، تذکره الشعراء ، به همت محمد رمضانی ، تهران: پدیده خاور ، ۱۳۶۶ ، ص ۲۵۲۳ ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران ، ج ۴ ، چاپ دوم ، تهران: فردوسی ، ۱۳۶۶ ، ص ۲۲۹۴ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی ، آتشکده‌ی آذر ، به اهتمام سید جعفر شهیدی ، تهران: موسسه نشر کتاب ، ۱۳۳۷ ، ص ۱۲۳۵ هدایت ، تذکره ریاض العارفین ، صص ۳-۲۳۲

هاشمی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا هاشمی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید رضا هاشمی در سال ۱۳۶۱ دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل ۱۴/۱۹ در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه‌ها، در همان سال به مدرسه علمیه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال ۱۳۶۲ همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۶۷ در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه‌ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال ۱۳۶۸ در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرة المعارف اسلامی» در تهران که دائرة المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال ۱۳۸۱ مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.

لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعالیت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال ۱۳۷۹ دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

همایونی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۹.

درگذشت: ۱۳۷۲.

از آثار اوست: پاسخ هفت پرسش درباره‌ی تصوف (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۷۱، ۱۳۶۹)؛ تاریخ سلسله‌های طریقه نعمه‌اللهیه در ایران از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۴۱۲ هجری قمری (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۷۱)؛ سرچشمه‌ی عرفان ایران (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۶۸، ۱۳۶۷). مریدان و شاگردان دکتر مسعود همایونی یادنامه‌ای تحت عنوان زیر برای وی در سال ۱۳۷۳ منتشر نمودند که از سوی بنیاد عرفان مولانا در لندن به چاپ رسید: یادنامه استاد معنوی: جناب دکتر سید مسعود همایونی (بابا شاهچراغ). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

همای، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیاورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا

(اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علامه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹-۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحماد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعراى اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضه‌الصفاء، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات‌الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محبوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی - دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱. دیوان غبار، ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمته، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوك (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاء‌الدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحة الملوك (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعبویه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸-۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به

طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقرین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴-۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶-۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷-۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸-۱۹۵/۳)، الذریعه (۱۶/۵۱، ۱۶/۴۷۲، ۹/۲۳۰، ۳/۲۳۰)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲-۱۸۰۷/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵-۲۳۸۴، ۲۳۶۹، ۲۳۶۸-۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲/۲۲۵۶، ۲/۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱/۱۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹-۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/۲)، همایی‌نامه.

واقفان

ابوالمظفر جهان‌شاه بن قرا یوسف

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسجد کبود تبریز

این مسجد که از ابنیه تاریخی دوره‌ی پادشاهان قراقویونلو بشمار می‌آید با مدرسه و مقبره و مجتمع عمارات ملحق به آن بنام ابوالمظفر جهانشاه بن قرا یوسف (۸۷۲-۸۳۹ هـ) مظفریه خوانده می‌شده است. حافظ حسین کربلائی در روضات الجنان و جنات الجنان درباره این تأسیسات عظیم می‌نویسد:

«در درآمد تبریز جانب شرق که خیابان گویند، عمارتی است در کمال لطافت و نیکویی موسوم به مظفریه از مآثر ابوالمظفر جهانشاه بن قرا یوسف بن توره قستی بن بیرام خواجه ترکمان، گویا این عمارت به سعی و اتمام حرم محترمه خاتون جان بیکم انار الله برهانه‌ها بنا شد و شماره الیها که بسیار خیر و صالحه و عنیفه بود، در همان بقعه مدفون است» (۱) بنا به قطعه کاشی معرفی که سال گذشته در پایه جنبی طاق شبستان سمت راست کفش کن پیدا شده و عبارت: «بسر کاری عز الدین تابوچی بن ملک» بر آن نقش گشته، معلوم می‌شود که این بنای عالی بسر کاری و نظارت عز الدین دربان بانجام رسیده است. ویرانه‌های این مسجد اکنون در محله خیابان در سمت شمال شاه راه تبریز به تهران واقع شده و در تداول ترکی «گوی مسجد» بنی مسجد کبود خوانده می‌شود که نامی است مأخوذ از صفت بنا و کاشی‌های آبی رنگ آن.

خوشبختانه وقفنامه این بنای عالی اخیراً در کتابخانه‌های سلطنتی پیدا شده و این خطابه در پیرامون آنست.

خلاصه و قنامه نام این وقنامه صریح الملک است و در چند جای کتاب صریحا آن اسم ذکر شده است و معمولاً اینگونه اسناد دولتی را صریح الملک می‌خوانده‌اند. این وقفنامه در سال ۱۲۶۵ هجری در دارلسلطنه تبریز ابتیاع، و به توسط امیر نظام گورهی به خزانه سلطنتی فرستاده شد سواد دستخط مرحوم امیر نظام که در بالای ورق اول کتاب صفحه (ب) مرقوم رفته از اینقرار است:

بسمه تعالی - این کتاب مستطاب صریح الملک بر حسب امر قدر قدرت جهانمطاع اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاه صاحبقران السلطان المظفر المؤید ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه بابلاغ جناب مستطاب میرزاعلی خان امین الدوله العلیه العالیه رئیس دار الشوری الکبری بدستکاری این چاکر در گاه از وراث مرحوم حاجی میرزا باقی خطیب باشی آذربایجان دریافت شد ۵ مدارالخلافة الباهره فرستاده شد و عدد اوراق آن سیصد و شصت و سه ورق است. دوم یکشنبه بیست و پنجم شهر صفر یکهزار و سیصد و پنج هجری ۱۳۰۵

ه) و انا العبد الله وله البهیة العلیة حسنعلی الگروسی (مهر امیر نظام).

وزن این کتاب در حدود شش کیلو گرم و طول و عرض آن با جلد ۲۷ ضربدر ۳۷ و ضخامت آن با جلد ۵/۹ و بدون جلد ۵/۸ سانتیمتر است و هر صفحه یازده سطر دارد جلد آن از چرم ممتاز پشمی و پشت و روی آن در هر طرف در پنج محل بطور عمودی تذهیب شده است و تحت شماره ۲۴۵۸ به ثبت اداره بیوتات سلطنتی رسیده و در اطاق اسناد دولتی مضبوط است.

این وقفنامه را فقیه و عالم زمان شیخ نجم الدین اسکویی در ظهر آن مجلد به شرح زیر تصدیق و تأیید کرده است:

الله حی

ثبت و تحقق بما هو طریق الثبوت و طریق التحقیق شرعاً ان الخاقان الاعظم الاعدل الاعلم سلطان السلاطین العرب و العجم مالک سر الخلاقه بالاستحقاق ناشر الوی المعدله فی الافاق المظفر من السماء المنظور علی الاعداء هادم اساس الجور و الظلم و الفساد. معهد قواعد الشریعة فی البلاد المجاهد فی سبیل الله المؤید من عند الله الموفق بتوفیق الله السلطان جهانشاه خلد الله خلافته و سلطانه و اوضح علی العالمین بره و احسانه، وقف و تصدق علی مصالح ابواب البرا المذكورة فی هذه الوقفته بحدودها بعد ان تملکها ابد الله ظلالم معدلته بمبايعات شرعیه و مملکات سمعیه حسبما نطقت بها تمسکات شرعیه و انی نفذته و امضیته مسؤولاً، حرره الداعی للدولة الباهره افقر العباد نجم الدین الاسکوئی مولادا ثم التبریزی مسکناو منشأ عفی الله عن هفواته بالنبی و آله فی شهور سنه تسع و ستین و ثمانمائه (۸۶۹) (۲) این وقفنامه به عربی است و چنین آغاز می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم ذلك من فضل اله علينا، الحمد لله العلي القادر الولي الناصر الملى القاهر الغنى الشاكر... (۳)» بعد از حمد خدا و نعت رسول او محمد (ص) و ستایش «السلطان جهانشاه» و ذکر امثال و آیات و شواهدی در بی ثباتی دنیا... می نویسد که جهانشاه به همسر و زن خود خاتون جان خاتون معروف به بیگم بنت صاحب الاعظم غیاث الملئ و الدین، امر فرمود که بقعه‌ای را که کشتل بر ابواب خیرات و مبرات باشد بنا کند. و این بقعه در بیرون شهر تبریز در دروازه جدید در محله پس کوشک در جائی بنام «فخر آزاد» ساخته شد آن عمارتی عالی و رفیع البنیان است و مشتمل بر مسجدی و قبه‌ی (گنبد) شامخی است که آن زن آنرا برای مدفن خود و فرزندانش و شوهرش در نظر گرفته است. و نیز مشتمل بر خانقاهی است که در باغی پر گل و ریحان قرار گرفته و اطاقها و غرفه‌های تابستانی و زمستانی دارد و آنها را محلی برای ذکر و تسبیح خداوند قرار داده، وقف علماء و فقها و متصوفها و زهاد کرده است.

و نیز آن بقعه مشتمل بر قناتی است که متصل به خانقاه مذکور است که است آنرا با گنبدی که بر دهانه‌ی آن ساخته و دو حوضی که زیر آنه قبه است وقف بر جمیع مسلمین کرده است (۴). موقوفات داخل شهر تبریز اما املاکی را که در داخل تبریز واقع است و وقف این بقعه کرده از این قرار است:

- ۱- حمام معروف به حمام صباحی در شهر تبریز در نزدیکی بازار سمساران.
- ۲- باغی که معروف به «لیلوا» است و در بیرون شهر در خارج دروازه‌ی «نهاد مهان» (مهاده مهین؟) می باشد و محدود به باغ «توخید» و بیاب و ورثه سدید الطیب و باغ احمدآباد و امیر منصور بن اخی زاهد، و باغچه خواجه مطهر به باغ کولخید، و بکوچه «توخید» و به کوچه «لیلوا» است که روی هم منقسم بر هشت قسمت است که هفت قسمت آن محدود به حدود مذکور از موقوفات سلطان و یک قسمت آن ملک امیر منصور بن اخی زاهد است.
- ۳- باغ برج که متصل بباغ لیلوا و باغ بیلچن، و باغ نوخید و باغ سد الدین طیب است (۵).
- ۴- باغ نوخید، که حدود آن متصل به باغ برج و باغ و باغ شیخ تاج الدین و باغ قاضی آباد و «باغ محمود آباد، و باغچه خواجه مطهر و باغ لیلاباد است.
- ۵- باغ احمد آباد در دروازه نامبرده و محدوده بباغ لیلوا و به زمین شادآباد و کوچه حجاران، و باغ خواجه یوسف.
- ۶- باغ معروف به باغچه خواجه مطهر محدود با باغ لیلوا و باغ نوخید و باغ قاضیاباد، و کوچه نوخید.
- ۷- یازده سهم از چهارده سهم قنات معروف به لیلوا که دهانه آن در نزدیکی گنبد «جفیان» ظاهر شده و انتهای چاههای آن نزدیک غار معروف به محمد ختایی است.
- ۸- ربع از قنات معروف به صدریه که دهانه‌ی آن در باغ معروف به صدریه و انتهای چاههای آن در جائی بنام قلاقه نشین است (۶).
- ۹- هفده سهم مشاع از اصل هفتاد و دو سهم قنات معروف به نوخید که دهانه آن در استخر باغ نوخید آفتابی میشود.
- ۱۰- قناتی که معروف به نورین است از قنات دروازه مذکور.
- ۱۱- جمیع حریم قنات معروف به قنات پیلتن، از قنات دروازه‌ی مذکور.
- ۱۲- ثلث و طسوج مشاعی از قنات معروف به «سلول» که حسین آباد نامیده می شود و از قنات دروازه‌ی مذکور است.
- ۱۳- ربع مشاع از قنات معروف به «برزناو» در دروازه مذکور. قنات پیلتن در باغ پیلتن آفتابی می شود و چاههای آن ده کججان به سد ول ادامه می یابد. اما قنات سدول، و قنات برزناو، بین راه کججان، و «هوزه بران» کشیده می شود (۷).
- ۱۴- همه زمینهای که «محمدآباد» خوانده می شود و بیرون از دروازه‌ی «ویجوبه» نزدیک «حکماباد» که محدود به زمین محمدآباد می باشد و آن از موقوفات «مدرسه محمودیه» و «باغ نومو» معروف به خواجه پیر حسین بن خواجه ناصر - الدین عمر، در راه «شب عتیق» در زمین «ربیباد» است.

- ۱۵- همه‌ی عمارت باغ معروف به «شمساباد» به دروازه‌ی مذکور در موضعی که از سه طرف محدود به اراضی حکماباد، و از جهتی محدود به اراضی محمدآباد است و آن از جمله موقوفات «مدرسه محمودیه» و «باغ خلفان» و باغ «نوموی» مذکور است.
- ۱۶- همه اراضی که «ربیبیاد» خوانده می‌شود و به دروازه مذکور واقع است و حدود آن متصل به اراضی موقوفه محمدآباد، و اراضی صدرآباد است.
- ۱۷- همه عمارت باغ محمدآباد بدروازه‌ی مذکور، و زمین این باغ از موقوفات مدرسه محمودیه است (۸).
- ۱۸- سه سهم از هفت سهم قنات معروف به محمدآباد از قنات دروازه‌ی ویجویه، که دهانه‌ی آن در باغ خلفان آفتابی می‌شود و چاههای آن به دروازه‌ی «طاق» منتهی می‌گردد. و این هفت سهم عبارت از هجده سهم از چهل و دو سهم است.
- ۱۹- همه‌ی باغ بزرگی که معروف به باغ «خلفان» واقع به دروازه‌ی مذکور در نزدیکی «حکماباد» است و حدود آن به باغ محمدآباد، و شمس آباد، و اراضی «ماره» و اراضی «نزه زار» و راهی که به شب عتیق میرود محدود است.
- ۲۰- همه اراضی واقع در «حکماباد» است و آن قطعه زمینی معروف به زمین «بخش ضیا» است که به کوچه‌های صدر آباد و از دو جانب به سقاخانه (۹) صدر آباد و زمینی که معروف به امیر زین العارفین است محدود می‌باشد.
- ۲۱- و نصف اراضی واقع در موضع مذکور که از دو جانب محدود به سقاخانه صدرآباد و زمین معروف به امیر زین العارفین و به زمین معروف به خواجه حسن سفیرجی محدود است. این زمین کشتزار هشتادمن، و زمین اول کشتزار صدمن از گندم است (۱۰).
- ۲۲- زمین معروف به «باغ برج» که از دو جانب به سقاخانه احمدآباد زمین معروف به صاحب الاعظم السعید تاج الملهی والدین آقا اخی، و بزین خواجه علی تاجر، و بزین الاعظم نظام کاشی محدود است، و آن کشتزار یکصد و چهل من می‌باشد.
- ۲۳- همه‌ی زمینهای که موسوم به «تیم بخش» است و محدود به ملک خواجه علی تاجر که نیز معروف به «قراباد» می‌باشد و محدود به اراضی حکماباد و اراضی خواجه حسن سفیرجی، و سقاخانه صدرآباد، و سقاخانه عزآباد است. و کشتزار سی من از گندم می‌باشد.
- ۲۴- اراضی ماره بزرگ محدود بباغ خلفان و باغ نومر عمرآباد، و باغ شمسآباد، و ملک ماره بابا احمدان، و آن کشتزار دویست و هشتاد من است (۱۱).
- ۲۵- زمین معروف به ماره کیار که از دو جانب محدود، بزین برزا، و تاج باد، و ماره دوله، و آن کشتزار دویست و سی من است.
- ۲۶- زمین معروف به خواجه فتح الله بهشتی، که محدود بباغ برج، و به ملک نظام کاشی، به زمین موقوفه قاضی، و بر زمین مرحوم سعید آقا اخی، و آن کشتزار چهل من است.
- ۲۷- زمین واقعه در حکماباد و محدود به سقاخانه صدرآباد و موقوفات قاضی زمین شیخ ابی یزید و کشتزار شصت من است.
- ۲۸- زمین جدا شده از ماره کوچک که کشتزار یکصد و پنجاه من است و محدود به کوچه‌های صدرآباد و اراضی شمسآباد و ماره بزرگ، زمین امیر زین العارفین، زمین ماره کوچک است (۱۲).
- ۲۹- زمین ماره بزرگ که کشتزار دویست من است، و به شمس آباد واقع است، و زمین ماره کوچک.
- ۳۰- زمین جدا شده از ملک صلاحخان که کشتزار یکصد و بیست من است و به ملک صالحان متعلق به کمال الدین، و ملک صدرآباد، و راه صدرآباد و محمدآباد و شمس آباد محدود است.
- ۳۱- زمینی که معروف به «دوله ماره کوچک» است و کشتزار چهل من می‌باشد و به زمین امیر عارفین و شرکاء او و بزین شیخ ابی یزید حمای و بزین قاضی آباد (قاضیاباد) و زمین ماره بزرگ محدود است.

- ۳۲- زمینی که از زمین صلاحخان جدا شده و کشتزار یکصد و بیست من است و محدود به زمین شمسآباد و به قطعه‌ای که از زمین صلاحخان و سقاخانه صدرآباد است.
- ۳۳- زمینی که از ملک ماره کوچک جدا شده و کشتزار، شصت من است و حدود آن متصل به زمین ماره بابا احمدان، و زمین ماره بزرگ، و زمین ماره دوله و زمین امیر زین‌العارفین و شرکاء او می‌باشد (۱۳).
- ۳۴- زمین محدود به ملک خواجه حسن سفریجی، و موقوفات شیخیه کججیه زمین نظام کاشی، و زمین امیر زین‌العارفین و شرکاء اوست، و کشتزار شصت من است.
- ۳۵- زمینی که کشتزار چهل من است و از یک طرف بزمین موقوفه، و از جهت دیگر بزمین شیخ ابی یزید حمامی، و باغ برج محدود است.
- ۳۶- زمین احمدآباد و آن کشتزار سیصد من است و متصل بزمین صاحب السعید خواجه ناصر الدین عمرو زمین معروف به کوشک امیر قتلغشاه، و بزمنی امیر اوزون شمس الدین، و بناء برج است.
- ۳۷- زمینی که کشتزار سیصد و شصت من است و محدود به زمین کوشک امیر قتلغشاه و زمین عزآباد، و از دو جانب بزمینی که از موقوفات شیخیه، و بزمین موقوفات قاضیان صالحی می‌باشد.
- ۳۸- زمینی که کشتزار یکصد و بیست من است و محدود به سقاخانه‌ی صدرآباد و زمین بخش ضیاء و به راه صدرآباد می‌باشد (۱۴).
- ۳۹- زمینی که کشتزار هشتاد من است و محدود به سقاخانه حکماآباد و بزمین ورثه شیخ ابی یزید حمامی است.
- ۴۰- زمینی که کشتزار شصت من است و محدود براه صدرآباد و بزمین ماره کوچک، بزمین شیخ ابی یزید، به سقاخانه ماره است.
- ۴۱- زمینی که محدود به اراضی عزآباد، و نیم بخش، و سقاخانه صدرآباد و راه صدرآباد است.
- ۴۲- زمینی که کشتزار پنجاه من است و محدود به زمین خواجه علی تاجر از موقوفات سلطانی، و بموقوفات قاضی، و به زمین احمدآباد و باغ برج است.
- ۴۳- سی و دو «هفتوی» و نصف «هفتوی» از اصل چهل و هشت «هفتوی» از حریم سقنات معروف به قنات حکماآباد که دهانه آن در نزدیکی حکماآباد آفتابی شده و چاههای آن یک رشته به خان المولی لطف الطیب، رشته دیگر به نزدیکی کوچه عالم ناسک خواجه فقیه زاهد منتهی می‌شود (۱۵). املاک واقع در توابع تبریز
- ۱- سرآه ۲- القرنه: مشهور به دودزان ۳- قریه رزلق از قراء ناحیه زرنند
از نواحی سرآه ۴- قریه بارداران، از قراء بر آغوش از اعمال شهر سرآه ۵- قریه - باسنيق از قراءخان بر آغوش از نواحی شهر سرآه ۶- قریه باشتق که آن را شتلق گویند از توابع خان بر آغوش (۱۶). نام قریه ها
در فصل سوم نام این قریه‌ها آمده‌ی است:
- ۱- فخرآباد، از قراء صحرا از اعمال تبریز ۲- زمین معروف به بوشان.
- ۳- زمین معروف به اراضی فقیه ۴- زمین معروف به اراضی هراوجان ۵- زمینی که یلمان خوانده می‌شود. ۶- زمین معروف به راه رواسبحان. ۷- زمین معروف به خواجه کرشت ۸- زمین معروف به حلالن ۹- زمین معروف به کوبین دشت ۱۰- زمین معروف به آسیا ۱۱- زمین معروف به هراوج قضا ۱۲- زمین معروف به اهمقیه ۱۳- زمین معروف به اراضی اصیلان (۱۷) ۱۴- دمنیان ۱۵- نیمه نره ۱۶- سنیکانه ۱۷- اخی باله ۱۸- اشترود ۱۹- پیرزن ۲۰- باغ صنعت ۲۱- اخی رز ۲۲- اخی احمد تاش ۲۳- باغچه بابا احمد ۲۴- باغچه فضلان ۲۵- باغ کوک ۲۶- باغ موزه دوزان ۲۷- اشتردوک ۲۸- باغ اصیلان ۲۹- باغ سوزن کنان ۳۰- باغ محمود شاه (۱۸) ۳۱- باغ قارونی ۳۲- کوچه قارونی ۳۳- کوچه فضلان ۳۴- باغ زکی ۳۵- زمین کاک ۳۶- باغ برزین کمران ۳۷- باغ حاجیان

۳۸- خرمنگاه ۳۹- باغ دیلان ۴۰- باغ اصطرخ ۴۱- قنات بلوق از قنات فخرآباد که در زمین سکینه آفتابی شود و چاههایش تا به قریه اهمقیه می‌رسد. ۴۲- قنات معروف به حاجب (۱۹) که در زمین باو آفتابی شده و چاههایش تا قریه «جولان دزق» کشیده می‌شود.

۴۳- جوی جدید معروف به انشاء مولی حاکم اعظم قاضی عبدالملک خدادی بیان که از نهر سرآه رود منشعب است و به نزدیکی ممدآباد (یل ممدآباد) در اراضی اطراف تبریز جاری است و از قریه رواسبحان و خواهنبر می‌گذرد.

املاکی که در جایهای مختلف تبریز و آذربایجان پراکنده است

۱- قریه هیروی، از قراء مهرانرود من اعمال تبریز ۲- قریه زرنق ۳- قریه مردناب ۴- قریه فهوسفنج ۵- قریه بیرق ۶- قریه سفین سره، از قراء مهرانرود از نواحی تبریز ۷- قریه کرناب ۸- قریه خوشاب ۹- قریه سرسکان (سراسکند؟) ۱۰- زمین کثوجه ۱۱- قریه کندرو ۱۲- قریه محمدآباد ۱۳- قریه سعیدآباد ۱۴- باغ یاقوت ۱۵- شاه آباد علیا ۱۶- قریه باونکین ۱۷- بر کشاط از اعمال ارسبار ۱۸- قریه ملک یونس ۱۹- قریه بره دره ۲۰- سنگی که ازدها داهی خوانند ۲۱- قریه سالور ۲۲- اندرآب، از نواحی بشکین (۲۱) ۲۳- نهر ییلقان منشعب از ارس و من جمله الاملاک:

۱- قریه نسوز من قری هشترود از اعمال مراغه در جایی بنام رودخانه آی دوغمش ۲- قریه سنجه از قراء هشترود ۳- قریه دیکان که جدیداً قره وران خوانده می‌شود از نواحی هشترود (۲۲) ۴- کوکرچنلک اقره هشترود ۵- قریه فیزه ویران ۶- قریه کوشاب ۷- قریه نحستار ۸- قریه بولاغ که ینکجه خوانده می‌شود ۹- قریه قره آغاج ۱۰- قریه زاویه جوک - از قراء هشترود ۱۱- قریه بیات از قراء هشترود ۱۲- قریه مصقلی از قراء هشترود ۱۳- رودخانه سیاه کلاه ۱۴- قریه ترخان ۱۵- قریه یوزآباد ۱۶- قریه زرییل (۲۳) ۱۷- قریه آغاجری ۱۸- قریه لمسان، از ناحیه هشترود ۱۹- قریه اغجه کینتی، از قراء هشترود ۲۰- قریه و سینه ۲۱- بزه دیکار ۲۲- ایاز سرخاب ۲۳- بایقران از قراء هشترود ک سابقاً نحور نام داشت ۲۴- اراضی تلخاب ۲۵- قریه کنجان ۲۶- قریه دزکاه ۲۷- خرم آباد ۲۸- قره بالغ ۲۹- ساروجه ۳۰- حسین لان ۳۱- کیکه هله ۳۲- تولکته (تولکته) ۳۳- حسن کینتی (۲۴) ۳۴- قریه نولق ۳۵- قریه احمدلو ۳۶- قواخ لو ۳۷- دیحدی ۳۸- قراباد ۳۹- قریه خراسانی ۴۰- کج کباب ۴۱- صومعه ۴۲- خجستان ۴۳- دیجه تاب ۴۴- کشه خید ۴۵- ارغناب ۴۶- کلغا ۴۷- و نستق ۴۸- و هرانی ۴۹- وزدناب ۵۰- سهند ۵۱- ساچ ایاغ ۵۲- یالغوز آغج ۵۳- ارختو ۵۴- کلتو ۵۵- آغ چشمه ۵۶- کرزنه ۵۷- کاروان ۵۸- افشینه ۵۹- آغاجری بقلی ۶۰- قلعجوق ۶۱- ویران جه کنت (طاس لولجه) ۶۲- کوکر حسین لک ۶۳- جرغلان ۶۴- قزلبه (۲۵) ۶۵- تیکان لو ۶۶- لوهل جوک ۶۷- طاطاب ۶۸- هرناباد ۶۹- شیخاباد ۷۰- قتن قو ۷۱- باریک آب ۷۲- عمرآباد ۷۳- کورناباد ۷۴- قوشجی ۷۵- ارباد ۷۶- باغ زیارت ۷۷- کون تو ۷۸- خرم درق ۷۹- شیبیلومن توابع لیلان (۲۶) املاکی که در شهر تبریز و بلهجان واقع است

۱- صالحان باو ۲- یونجه لغ ۳- نهر شاهباد ۴- قنات مزرع از قنوان - بلهجان علیا ۵- کنل نشاندن ۶- شهرستان رشیدی ۷- برج فتح آباد (۲۷) ۸- زمین جعفر دولق در تبریز در دروازه آهنین در محاذات پل عمر دیو ۹- قنات کبودان ۱۰- خانه زغال لان ۱۱- محله سرانکش (۲۸) ۱۲- حمام امیر علی بدروازه‌ی ماها نغلق در بازار مهادین. ۱۳- خان (کاروانسرا) اسفندیار ۱۴- بازارتا کهان یا سوق السکاکین ۱۵- محله پس کوشک (۲۹) ۱۶- درب ویجویه ۱۷- بریان خانه ۱۸- باب السنجار (سنجاران) ۱۹- راه بنه ووژه ۲۰- حمام اخی ماحمد شاه بدروازه دروازه اعلی ۲۳- کوچه خواجه مجدالدین ۲۴- باغ نقاشان در ربع رشیدی (۳۰) ۲۵- محله فخرآزاد ۲۶- خان سدلان در محاذات مسجد جامع عتیق ۲۷- کوچه دولتشاه ۲۸- خان اخی یادگار در محله پس کوشک (۳۱) ۲۹- باب ماهانلق ۳۰- فالیز امیر عبد الله ۳۱- خان اخی یادگار ۳۲- زمین جعفر دولق ۳۳- قنات کریمان در قریه بارنج از ناحیه مهرانرود که دهانه آن در باغ ابی اسحق آفتابی شده چاههایش تا حاجی بنام نیکش - ادامه پیدا می‌کند.

املاکی که در دید من (دیدمر) از اعمال تبریز واقع است

۱- جوی زیر ۲- باغ پشت راه دهخوارقان ۳- خاتون آباد ۴- بیگم آباد ۵- باغ خطیبان از قریه بیرام از ناحیه و ید هزار از اعمال تبریز ۶- قریه خسرو شاه ۷- راه دیزه کوجه ۸- روقات از قراء تبریز متصل به اراضی قریه هرزنگ (۳۲)
 ۹- زمین اسبست زار معروف به عثمان کلو ۱۰- فاطمه کله ۱۱- کبودوار ۱۲- شتربان ۱۳- یونجلق ۱۴- بلوژه ۱۵- لواش پز ۱۶- سعادت آباد (۳۳).

بعضی از اقرار نامه‌هایی که در این وقفنامه پی‌ریسی آمده است

۱- بخرید و کیل خاتون عظمی بانوی کبری بیگم و وکیل او خواجه میرک و او نیز فروخت همه و تمام دو دانگ کامل مقسم و مفروز از اصل ش دانگ قطعه زمین معروفه و مشهوره به نوباغ بدارالسلطنه تبریز خارج درب و یجوبه محدود به رودخانه تبریز و به شارغ سهلان و به زمین حظیره.... و بیع بیدز شانزده خروار تخم است و حقا به آن از چشمه عزآباد به توابع بمبلغ نه هزار خرواز زر سفید رائج شهر تبریز.... در غره رمضان سنه واحدی و ستین و ثمانه (۸۶۱) بخط قاضی - احمد بن علی الملکی (۳۴).

۱- باغ الصاحب الاعظم الخواجه شمس الدین محمد بن الخواجه بخشایش بن الخواجه بابا احمد در تبریز.

۳- باغ ففقاغین در تبریز در دروازه جدید در محله پس کوشک (۳۵).

۴- باغ سواران در تبریز در ربع رشیدی در بیرو دروازه اعلی محدود به باغ نقاشان و یاع سهروردی، به خانقاه شاهی خاتون (خواتون) (۳۶).

۵- باغ پهلوان پیری کیان بیاب ماها نفلق در محله پس کوشک در کوجه مولی سلیمان دیوبند (۳۷).

۶- باغ تنکرومش بن منکلی بدر ماها نفلق (۳۸).

۷- مصبغه (رنگری) - و این مصبغه مشتمل است به خمها و صحن و دو کوشک و یک خانه که آنرا بر خانه گویند در بلده تبریز بدر جدید پس کوشک (۳۹).

۸- مسجد خواجه معروف به سبزی فروش تبریز (۴۰). تولیت موقوفات

تولیت این موقوفات را خاتون جان بیگم بخودش اختصاص داده و برای

خود قائمقامی معین کرده است و یک عشر از محصول آن موقوفات را بوی مخصوص گردانیده است و این شرایط را برای او در نظر گرفته است:

اولا قائمقام متولی را نایی برای ضبط موقوفات باشد.

ثانیا دو دبیر یا کاتب داشته باشد که یکی در تبریز بماند و دیگری در ولایات گردش کرده موقوفات را بازرسی نماید و محاسبات آن رسیدگی کند.

سپس می‌نویسد که خاتون جان بیگم جمیع املاک آن موقوفات را وقف دو خواهر خود صالحه سلطان و حبیب سلطان و دختران آن دو می‌نماید (۴۱).

و شیخ متقی متشرعی را که بطریق صوفیه و متخلق به اخلاق حمیده و دارای مذهب اهل سنت و جماعت باشد برای امامت مسجد در نظر گیرند و بایستی از موقوفات هر سال پنجاه هزار دینار از وجه نقد ایض رائج تبریز به او بدهند.

و ده تن نیز حافظ قرآن تعیین گردد که بهر کدام در سال سه هزار دینار به پردازند.

و دو مدرس برای مدرسه تعیین گردد که مشغول تدریس علوم شرعیه از تفسیر و حدیث و فقه و مقدمات آن باشند و بهر کدام از آندو در هر سال ده هزار دینار نقد رائج تبریز پردازند (۴۲).

و نیز خطیبی برای نمازهای جمعه و اعیاد معین گردد که باو در سال پنج هزار دینار رائج تبریز پردازند.

و مقرئی که خطیب را کمک می‌کند و باو در سال سه هزار دینار پردازند.

و به دربانی که در مسجد را باز کرده و سرایدار آنست در هر سال سه هزار دینار بپردازند. و فراشی که فرش می‌اندازد و چراغها را روشن میکند و آنرا جاروب میکند هر سال سه هزار دینار باو بپردازند. و دو مؤذن کودک خوش آواز که اذان گویند که به هر کدام از آنها چهار هزار دینار بپردازند. و سقائی که هر سال به او هزار دینار دهند.

و دو خادم که آب را در هنگام اجتماع مردم دور بگردانند و بفارسی به ایشان «مشر به دار» گویند و بهر کدام از آندو... دینار (جایش سفید است) بپردازند و برای مصرف شمع و روغن قندیلها هر سال سه هزار دینار صرف کنند. و برای جاروب و تطهیر و برف روبی مسجد هزار دینار در سال (۴۳) بپردازند.

برای خانقاه - دو طباح که به آنان «باورچی» گویند تعیین کرد و آنها موظف به پختن دو نوع خوراک هستند یکی: «قلیه برنج» و دیگری «حلیم آب گندم» و در آنکار هر سال هشت هزار دینار صرف کنند.

و دو قیب برای خانقاه معین نمایند که وظیفه آنان پهن کردن و جمع کردن سفره و آوردن غذا است و بهر کدام در سال شش هزار دینار بدهند.

و خادمی که او را «حوائج دار» گویند که حافظ و نگاهدار غذاها است و باو در هر سال سه هزار دینار بدهند و خادم دیگر که «ایاغچی» گویند و او حافظ و مواظب ظروف و متعلقات به آن است و به او هر سال سه هزار دینار بدهند.

و فراشی که مأمور پهن کردن فرشها و بساطها و زیلواها است و باو هر سال سه هزار دینار بدهند.

و چهار شتردار که با نان «شتربانان» گویند که مأمور چراندن شترها هستند و به هر کدام از ایشان هر سال چهار هزار دینار بپردازند. و چهار نفر طبال که به ایشان «نقاره چیان» گیند و بهر کدام در سال هزار دینار بدهند.

و معلمی که ده یتیم را قرآن بیاموزد و به او هر سال پنجهزار دینار بدهند و ایتم مذکور را در خانقاه اطعام کنند.

و معرفی که در مسجد و خانقاه مشغول به حمد و ستایش خدا و مدح رسول باشد و به او سه هزار دینار در سال بدهند (۴۴).

و یک سقا که آب را به مطبخ مبارک میرسد به او هر سال یک هزار و پانصد دینار از مرسومات مسجد و خانقاه بطور مناصف بپردازند. مصارف غذای خانقاه:

دو نوع خوراک پختنی یکی از برنج و گوشت که به فارسی آنرا «قلیه برنج» و دیگر از گوشت و گندم که به فارسی آنرا «حلیم آب گندم» گویند بپزند و در شبهای متبرکه از دو عید (فطر و قربان) و شب قدر لیلۃ البرائه و لیلۃ الرغائب و شب میلاد پیغمبر و دیگر شبهای رمضان در هر سال پانزده دینار صرف اطعام مردم و مساکین شود و سزاوار است که در هر شب از شبهای رمضان غذائی مخلوط با عسل که آنرا به فارسی رشته قطائف گویند فراهم آورند. و برای پلاس و پالان شتران و اقسام آنها که به فارسی آنرا «رخت اشتران» گویند در هر سال دو هزار دینار صرف کنند، و شتران را هم هر سال از این مبلغ روغن مالی کنند (۴۵).

اما و پیش نماز مسجد باشد خوش لهجه و نیکو سیرت و مواظب بر ادای نماز و ملازم طریفت اهل صلاح و حافظ قرآن باشد، و سوره‌های دراز و کوتاه را از بر بخواند و بتواند مانند دیگر ائمه آن سوره را در نماز و در تعقیب آن بخواند و بوی هر سال شش هزار دینار بدهند (۴۶).

و واعظی که در هر هفته دو بار روز جمعه و روز دوشنبه وعظ کند و بهره کند و بهره کافی از علوم تفسیر و حدیث و فقه داشته و عالم به قصص و اخبار و نکت و امثال و نصائح و پیر و مذهب سنت و جماعت باشد، در هر سال به وی چهار هزار دینار بدهند.

و یک قاضی بر این اوقاف ناظر قرار دهند و او قاضی قطب الدین عتیق بن المولی قاضی جلال الدین محمد عتیقی است و بعد از او فرزندان وی نسلا بعد از نسل ناظر این موقوفات خواهند بود و در حکم و کیل و مأمور ادعاهای کاذبه بر این موقوفانند و هر سال به ایشان هجده هزار دینار بدهند (۴۷). تاریخ اواخر وقفنامه مذکور

غره شهر ربیع الثانی سنه ثمان و تسعین ائما نمأه ۸۹۸ (ورق ۳۳۰ ب) کمال بن فتوح الدین بن کمال الدین الاصفهانی.

آخر کتاب به این عبارت خاتمه می‌باید:

«الله و له الهدایه و التوفیق، ما حوی الزبر الاسلام الموسوم بصریح المکه من الاملاک المفصله المحصله بمساعی امناء الحضرة العالیة العقیقه الطاهره البانیة للخیرات المرضیة و المبرات الحسیبه خلد الله تعالی سلطنتها و افاض علی كافة البرایا برها و مرحمتها و صح لدى و اتضح بین یدی بما هو طریق آلتبوت و الايضاح شرعا وافی اثران امرت بتبجیل فخاوی الححج و التعسکات المحررة... بقیه افتاده و ناقص است و طاهرا صفحه بعد از المحررة فضانته آغاز می‌شده است (۴۸) و یک صفحه آخر کتاب ناقص است. اصطلاحات

۱- التجصیص و الطینی و ما یدعی بالفارسی آهک کاری (۴۹).

۲- کنک نشانندن (۵۰).

۳- طاس دمشقی مدرو برنج زر اندر سیم

۴- طاس برنجی دمشقی نقره کوفت. ۵- شربتی نقره کوفت سفید ۶۰- آبخور حلبی

۷- طشتک حلبی ۸- گلاب دان کبود باسمه ۹- شربتی بلدی زرد. ۱۰- سبوجه کبود فقاعی لاجوردی (۵۱) ۱۱- کاغذ سمرقندی،

کاغذ تبریزی (۵۲) ۱۲- دوشاب، ابس، ۱۳- پیراهن کرباس ۱۴- پوستین کول. پی نوشت: ۱- روضات الجنان ص ۵۲۴ ج ۱.

۲- نقل از ورق اول کتاب صفحه A.

۳- ورق ۲ ب تا ورق ۱۰ الف.

۴- ورق ۱۰ ب الی ۱۳ الف.

۵- ورق ۱۳ ب.

۶- ورق ۱۴ الف تا اول ۱۴ ب.

۷- ورق ۱۴ ب.

۸- ورق ۱۵ الف.

۹- در اصل: ساقیه.

۱۰- ورق ۱۵ ب.

۱۱- ورق ۱۶ الف.

۱۲- ورق ۱۶ ب.

۱۳- ورق ۱۷ الف.

۱۴- ورق ۱۷ ب.

۱۵- ورق ۱۸ الف.

۱۶- ورق ۱۸ ب و ۱۹ الف.

۱۷- ورق ۱۹ ب و ۲۰ الف.

۱۸- ۱۹ الف و ۲۰ ب.

۱۹- ورق ۲۰ ب و ۲۱ الف.

۲۰- ورق ۲۱ ب.

۲۱- ورق ۲۱ ب، ۲۲ الف.

- ۲۲- ۲۵ ب، ۲۶ الف.
- ۲۳- ۲۶ ب ۲۷ الف.
- ۲۴- ۲۷ ب ۲۸ الف.
- ۲۵- ۲۸ ب ۲۹ الف.
- ۲۶- ۲۹ الف.
- ۲۷- ورق ۳۶ الف - ۳۷ الف.
- ۲۸- ورق ۳۷ ب- ۳۸ الف.
- ۲۹- ورق ۳۸ ب - ۳۹ الف.
- ۳۰- ورق ۴۳ ب تا ۴۴ الف.
- ۳۱- ۴۴ ب تا ۴۷ ب.
- ۳۲- ۴۹ ب.
- ۳۳- ۵۰ الف تا ۵۲ ب.
- ۳۴- ورق ۵۷ تا ۵۸ الف.
- ۳۵- ورق ۶۶ الف.
- ۳۶- ورق ۷۷ الف.
- ۳۷- ورق ۲۸ ب.
- ۳۸- ورق ۸۵ ب.
- ۳۹- ورق ۸۹ ب.
- ۴۰- ورق ۹۳ الف.
- ۴۱- ورق ۳۱۵ الف تا ۳۱۷ ب.
- ۴۲- ورق ۳۱۹ ب و ۳۲۰ الف.
- ۴۳- ورق ۳۲۰ ب تا ۳۲۱ ب.
- ۴۴- ۳۲۱ ب تا ۳۲۲ الف.
- ۴۵- ورق ب ص ۳۲۲-الف ۳۲۳.
- ۴۶- ورق ۳۲۴ الف.
- ۴۷- ورق ۳۲۴ ب و ۳۲۵ الف.
- ۴۸- ورق ۳۵۹ و ۳۶۰ سیاه ب.
- ۴۹- ورق ۸۰ الف.
- ۵۰- ورق ۸۰ ب.
- ۵۱- ورق ۹۰ ب.
- ۵۲- ورق ۱۹۷ ب.
- برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج محمدتقی اتفاق فرزند حاج کریم در سال ۱۳۲۵ هـ.ق در تهران متولد شد و از هشت سالگی بنا به اقتضای محیط و موقعیت خانوادگی به بازار آمد، اما به مقتضای گرایش درونی به علم و علمای دین، از کار درس و مدرسه نیز غافل نماند و پاره‌ای از کتابهای حوزوی را نزد اساتید آموخت. به قول خودشان، در این عمر طولانی و متبرک که بر ۹۰ سال بالغ می‌گردد، سر و کار و رفت و آمد و مراوده و معاشرت ایشان پیوسته با علما و فضیلتی صاحب نام و معرفت بوده است. و به سابقه همین کشش و خواهش فطری و ذاتی، سرمایه زندگانی خویش را جز در راه خیر و صلاح و راستی و درستی خرج نکرده است.

از مهمترین آثار خیرات و مبرات ایشان، بنای مدرسه علمی نجف است موسوم به «جامعه النجف» که از مدارس علمی طراز اول این شهر به شمار است و فارغ التحصیلان و درس‌خواندگان این مدرسه در ایران و عراق و سایر کشورهای اسلامی، منشأ خدماتند و صاحب اسم و اعتبار.

این مدرسه، ساختمانی است چهارطبقه با ۱۳ هزار متر زیربنا که زمین آن در همان روزگاران به ده هزار دینار عراقی خریداری شده است و در آن هنگام، جز بیابانی دور از آب و آبادانی نشانه‌ای نداشت. به واسطه بُعد مسافت آن با مرکز شهر و با توجه به امکانات ۵۰ سال پیش، خشت خشت آن با دشواریها و مشقات فراوان به روی هم چیده شده و اگر نبود عنایت پروردگار و پشتیبانی علمای بزرگ نجف، شاید به چنین سرانجامی نیکو نمی‌رسید. حاج اتفاق می‌گوید:

«در میان کار، عده‌ای قصد سنگ‌اندازی و دلسرد کردن مرا داشتند، اما علمای اعلام و روحانیون طراز اول نجف با نوشتن نامه و فرستادن پیغام مرا در این امر قوت قلب بخشیدند.»

وی آن‌گاه دستخط عده‌ای از این بزرگان را پیش روی ما برمی‌گشاید: آیات عظام حکیم، شاهرودی، خوبی، صدر بادکوبه‌ای، محمدباقر زنجانی، عبدالکریم زنجانی، محمدجواد طباطبایی، بجنوردی، فیروزآبادی و علی موسوی حلّی رحمه‌الله علیهم.

کار احداث این ساختمان، هشت سال به طول انجامید و در سال ۱۳۷۸ هـ.ق، در شب افتتاح آن، عده زیادی از علما، قضات، رؤسا و شخصیت‌های سرشناس عراق شرکت داشتند. معمار این مدرسه، آقای لرزاده از معماران معروف آن دوره است که بسیاری از بناهای مذهبی، نام ایشان را بر خود دارد، از جمله مسجد لرزاده در میدان خراسان تهران.

و اما از دیگر آثار آقای حاج محمدتقی اتفاق، سفارش ساخت درِ طلای حرم مطهر حضرت علی (ع) است که صنعتکاران و هنرمندان اصفهان به مدت دو سال ذوق و هنر خویش را - از سر شوق و شیفتگی به خاندان عترت و طهارت - در آن تعبیه کردند تا این متاع گرانبهای معنوی، با آبرومندی تمام بر دیوارهای مرقد مبارک آن حضرت قامت آراند. همچنین است در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا در کربلا، که هم به همت و هزینه ایشان ساخته شده است.

به این آثار، می‌توان بیمارستان جاوید تهران و مسجد امامزاده زید را در بازار تهران - پشت هنرستان حافظ - افزود؛ و جز آن به کمکهای مادی و معنوی بسیار ایشان به بعضی از بیمارستانهای کشور و دستگیری گرفتاران و درماندگان اشاره کرد.

حاج محمدتقی اتفاق به واسطه انس و الفت دیرینه‌ای که با کتابهای احادیث و روایات دارد، اوقات فراغت را به جمع‌آوری احادیث و ادعیه و آیات و روایات در موضوعات مختلف می‌گذراند و از این رهگذر، چندین مجموعه حدیث و دعا و روایت فراهم آمده که از جمله آنها جواهرالکلمات است که در نجف اشرف به چاپ رسیده و طریق‌الجنان که کتابی است مختصر در

ادعیه مذهبی، و به صورت اُفتست چاپ شده است و کتاب دیگر، حقیقه‌الایمان و فضیله‌الانسان که مجموعه‌ای است از ۴۵۰ حدیث از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام.

برای ایشان از خداوند مَنان آرزوی طول عمر و توفیق خدمات بیشتر به اسلام و امت اسلام را مسئلت داریم.

لازم به توضیح است همانگونه که در مصاحبه اشاره شده است، در حین انجام کار و احداث مدرسه علمیه در نجف اشرف عده‌ای ناشناس با ارسال نامه‌هایی به محضر مراجع وقت نسبت به احداث آن مدرسه اعتراضات و اشکالاتی را مطرح نمودند. این امر موجب دلسردی بانی مدرسه آقای حاج اتفاق گردیده و ایشان طی نامه‌های جداگانه از محضر مراجع عظام تقاضای اظهارنظر نموده بود و آن بزرگان نظرات خود را مفصلاً مرقوم فرمودند که کلیشه آنها را در این صفحات درج کردیم و به عنوان نمونه بخشی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

آیت‌الله العظمی حکیم:

«... راجع به عزم خودتان برتأسیس و بنای مدرسه از جهت شاگردان دبستان جعفر بن محمد علیه و علی ابائه الکرام افضل التَّحیة والسلام در جوار مولی الموالی که این خود یک صدقه‌ایست جاریه شرحی مرقوم داشته بودید البته این عزم، عزم مقدس و عمل قابل تقدیر و شایسته تمجید می‌باشد. اینجانب سالها بود که در این فکر بودم زیرا که بحمدالله در این ایام روزیروز بر تعداد طلاب افزوده شده و در مدارس جائی نمانده است، ولی متأسفانه تا کنون چنین فرصتی بدست نیامد و حال آنکه عده‌ای از آقایان طلاب را در منازل شخصی اهالی جا داده و به فراخور حالشان اطاق یا منزل در بست برایشان کرایه می‌شود، بهرحال توفیق با حضرت حق جَلَّوَعلا است.

زهی سعادت جنابعالی که در این فکر افتاده و موفق شده‌اید و سابقه خانوادگی و دودمان خود را که همیشه در اینگونه اعمال پیش قدم و همواره به عالم دیانت و تشیع خدمتگذار بوده‌اند، محفوظ داشته‌اید. امید دارم که جنابعالی در اثر این اقدام شرافتمندانه از مصادیق (من یعظم شعائرالله) بشمار رفته و در انجام آن به اسرع وقت موفق شوید، راجع به مناسبت محل استفسار نموده بودید. گرچه داخل شهر اگر ممکن می‌شد بهتر بود ولی باز هم بحمدالله در اثر مساعی قره‌العین عزیزم آقای کلانتر بهترین جائی که ممکن بود تهیه شود، تهیه گردید و عنقریب آن نقطه یکی از نقاط معموره خواهد شد...».

آیت‌الله العظمی بجنوردی:

«... اما اشکالشان به اینکه نجف مدرسه خرابه زیاد است و احتیاج به مدرسه ندارد کذب محض است الساعه در غالب حجرات بعضی از مدارس با کمال کوچکی حجره دو نفر طلبه زندگی می‌کنند و عده‌ای از آقایان طلاب بیجا و مکان مانده‌اند و اما اشکالشان به اینکه طلبه‌ها گرسنه و معطلند، اولاً این طور نیست و ثانیاً اگر این طور بود پس چرا آقای بروجردی دام‌ظله این کار را کرد و این‌ها چرا آن وقت این اشکالات را نکردند و ثالثاً اگر پولی که در این مدرسه خرج می‌شود بر آقایان طلاب قسمت نمایند، خرج یکماه‌شان بیشتر نخواهد بود. این‌ها که می‌گویند سختی می‌کشند بگذار یکماه دیگر سختی بکشند در عوض یک مدرسه‌ای که موجب عظمت نجف و شیعه و حوزه علمیه است درست بشود و از برای اهل علم آبرویی پیدا شود، در زمان مرحوم خلد آشیان آقای آقاسید ابوالحسن رضوان‌الله تعالی علیه شاید بیشتر از این مبالغ همه‌ماهه به آقایان می‌رسید چه شد و چه کردند و اگر یکی دو مدرسه صحیح و مرتب درست می‌شد و یک مقداری کمتر به آقایان داده می‌شد آن هم فقط ظرف دوسه‌ماه البته بهتر بود...»

آیت‌الله العظمی میرزا محمدباقر زنجانی:

«... صحیح است در نجف اشرف مدارس قدیمی زیاد است و عده‌ای از آنها محتاج اصلاح و تعمیر است و موقوفاتی که مصرف تعمیر بشود، ندارند و یا اگر داشته باشند وصول نمی‌شود که در تعمیرات آنها صرف بشود ولیکن این جهت مقتضی این است که وجود محترم و امثال وجود محترم را تنبه نموده و تشویق نمایند که این جهت را هم منظور نظر داشته و در مواقع مقتضی در تعمیرات

آنها هم مساعی جمیله مبذول بفرمایند نه اینکه از انجام یک مشروع مقدس که اهل علم به ملاحظه ضیق مکان شدیداً احتیاج به آن دارند، منصرف بنمایند.

و البته خاطر محترم مستحضر است که حضرت آیت‌الله فی‌الارضین آقای بروجردی دام ظلّه العالی جدیداً در نجف اشرف مدرسه جلیله احداث فرموده‌اند و فعلاً عده کثیری از آقایان اهل علم در این مدرسه به رفاهیت مشغول تحصیل هستند البته فعل ایشان برای وجود محترم اسوه حسنه بوده و رافع هر نحو تشکیکات خواهد بود. انشاءالله تعالی. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون منابع زندگینامه: میراث جاویدان

ادیب بجنوردی، سید حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین موسوی نسل، معروف به «ادیب بجنوردی»، فرزند میرزا ابوالحسن، در سال ۱۳۰۰ ه ق ۱۲۵۹ ه ش، در قریه خراشاه (۱) واقع در شصت کیلومتری جنوب بجنورد، به دنیا آمد (۲).

دو ساله بود که پدرش فوت کرد. وی در سن هفت سالگی به مکتب سپرده شد و دروس مقدماتی و صرف و نحو و خواندن قرآن مجید را، در آنجا آموخت. سید حسین در سن پانزده سالگی، به مشهد رفت و در مدرسه‌ی نواب، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. سید حسین، صرف و نحو، مقدمات و ادبیات را، در مشهد نزد کسانی چون «حاج محقق قوچانی»، «فاضل بسطامی»، «شیخ عبدالعزیز» و «عبدالخالق» آموخت. همچنین حکمت را نزد «شیخ ابوالقاسم نیشابوری» - که از شاگردان بلاواسطه‌ی حکیم شهیر، حاج ملاهادی سبزواری بود فراگرفت و از درسهای فلسفه‌ی آقا سید محمد بجنوردی، عموی خویش بهره جست. همچنین درس خارج را نزد افرادی چون «حاج شیخ حسنعلی تهرانی»، «آقازاده» و «حاج آقا حسین قمی»، فراگرفت و در مجالس تفسیر عرفانی حاج میرزا حبیب نیز، حضور پیدا می‌کرد. بالاخره، دروس ادبیات خود را در محضر استاد ادب عصر، ادیب نیشابوری تکمیل کرد. معلم ریاضیات او نیز، آقا میرزا عبدالرحمن مدرس و معلم هیأت وی، مشکان طبسی بود (۳).

در سابق معمول بود، طلاب، علم طب نیز می‌آموختند. ادیب نیز، قانون بوعلی، شرح نفیس و تشریح پولاک را در نزد آقایان صدرالاطبا و اشراف‌الاطبا و مشیرالاطبا (۴) آموخت و علاوه بر علوم طب، زبان فرانسه را فراگرفت (۵).

همان طور که گفته شد، سید حسین، تمام مراحل فرهنگی را در خراسان طی کرد (۶) او، علوم رایج، فنون متنوع ادب، فقه، اصول، حکمت، ریاضی و اندکی علم طب را نزد استادان، در مشهد مقدس فراگرفت و به قوت حافظه و شوق فطری و پشتکار، از فضلالی جامع این عصر بود. وی علاوه بر علوم مقام علمی، طبعی منیع و خلقی عالی داشت (۷) وی همچنین در حین تحصیل - چنانکه مرسوم بود - به تدریس هم (۸) اشتغال داشت.

وی در سال ۱۳۲۴ ق - که مصادف با انقلاب مشروطیت بود - خدمات فرهنگی خود را در یکی از مدارس مشهد به نام «معرفت» (۹) شروع کرد. علاوه بر آن، در مدارس «مظفری» (۱۰) و «مؤسسات شرکت فرهنگ»، دروس قدیمه از قبیل ادبیات و منطق و درسهای جدید فیزیک و شیمی تدریس می‌کرد (۱۱) سپس در سال ۱۲۹۸، با آمدن سید محمد سلطان العلماء، فرهنگ خراسان تاسیس شد. ادیب، رسماً به خدمت فرهنگ درآمد و دیری نگذشت که وی به اتفاق دانش (۱۲) بزرگ‌نیا و انتخاب الملک رام و مستشارالملک، مدرسه‌ی متوسطه‌ی دانش را تاسیس کردند که دبیرستان منحصر به فرد مشهد بود. ادیب، علاوه بر داشتن سمتهای رئیس اوقاف و کفالت فرهنگ، در این دبیرستان نیز تدریس می‌کردند (۱۳).

در زمان حکومت قوام‌السلطنه در خراسان که از اردیبهشت ۱۲۹۷ تا ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ ش، والی خراسان و سیستان بود - مشهد از نظر فعالیتهای ادبی، وطنی و سیاسی، اهمیت خاصی داشت. این شهر، از مردان وطن‌دوست و آزادیخواه خالی نبود. ملک‌زاده (برادر ملک‌الشعرای بهار)، رئیس معارف خراسان بود. او و ادیب بجنوردی به همراه عده‌ای از سرشناسان از جمله شیخ احمد بهار دور هم جمع می‌شدند و به گفتگو می‌پرداختند.

در گزارش «کلنل پریدوکس»، سرکنسول و مأمور اطلاعاتی انگلستان در مشهد، به تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۲۲ م. / آبان ۱۳۰۱ ش. آمده است، انجمن دمکراتهای مشهد، مجدداً تشکیل شده است. او، در این مورد می‌نویسد: «سالار ممتاز، رئیس انجمن بلدی و یکی از نمایندگان مشهد در مجلس، اخیراً انجمن دموکراتهای مشهد را مجدداً تشکیل داده است. مهمترین اعضای این انجمن، عبارتند از: رفعت‌التولیه، مدیر روزنامه‌ی «شرق ایران»؛ شیخ احمد، مدیر روزنامه «بهار»؛ میرزا محمد ملک‌زاده، مدیر معارف و اوقاف؛ بقراط‌الملک پزشک؛... و ادیب بجنوردی. جلسات اینها، هفته‌ای دو بار تشکیل می‌شود. تا این تاریخ، بحثهای این جمعیت، محدود به مسئله‌ی انجام اصلاحات در امور آستانه بوده است. با توجه به گذشته‌ی بعضی از اعضای این جمعیت فعالیتهای این انجمن در زمینه‌های کم‌سر و صداتری توسعه خواهد یافت». ادیب در انجمن ادبی خراسان نیز عضویت داشت (۱۴) ادیب، از سال ۱۲۹۷ ش، مفتش اداره‌ی معارف خراسان (۱۵) و از زمان ریاست محمد ملک‌زاده، به کفالت این اداره منصوب شد (۱۶).

محمد ولی اسدی، تولید آستان قدس رضوی، در سال ۱۳۰۸ ش، دانشکده معقول و منقول را در مشهد تاسیس کرد و دروس تاریخ ادبیات و تفسیر آن دانشکده را به ادیب واگذار کرد. او، در مدرسه‌ی نواب نیز، در همان موقع منطق و ادبیات و منظومه درس می‌داد (۱۷).

ادیب در سال ۱۳۱۴ ش. به اصفهان منتقل شد. و ۱۲ سال ریاست اداره‌ی اوقاف و معاونت فرهنگ اصفهان با او بود (۱۸) همچنین، در این مدت وی، مأمور تاسیس دانشکده‌ی معقول و منقول در آن شهرستان شد. ابتدا ریاست دبیرستان صارمیه به عهده‌اش واگذار شد. مرحوم ادیب در مدرسه‌ی صدر اصفهان، شوارق و در مدرسه‌ی چهارباغ علم کلام تدریس می‌کرد و حوزه‌های درس خارج تفسیر را در مسجد حاج میرزاهاشم تشکیل می‌داد (۱۹).

ادیب، در سال ۱۳۲۶ ش به تهران منتقل شد و معاونت و مشاورت فنی کتابخانه ملی به عهده‌اش واگذار شد (۲۰) او در همین سمت، از فرهنگ بازنشسته شد و از آن به بعد، در ردیف استادان دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی معقول و منقول شروع به تدریس دروس حکمت، منطق و کلام کرد (۲۱) ضمناً در مدرسه‌ی سپهسالار، منظومه می‌گفت و در مدرسه‌ی شیخ عبدالحسین نیز، حکمت و کلام تدریس می‌کرد. او، در سالهای آخر عمر، به علت شکستگی پا و ضعف مفرط، قادر به حرکت نبود و اغلب دانشجویان به منزل وی می‌رفتند و کسب فیض می‌کردند (۲۲).

ادیب بجنوردی، در اواخر عمر پس از چند سال تحمل بیماری و رنج و مرارت، عاقبت در روز یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۱ ش. / ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۸۲ ق. در تهران، دعوت حق را لیسک و به سرای ابدی شتافت (۲۳) جنازه‌ی او را به مشهد انتقال دادند و در رواق دارالعهز حرم مطهر حضرت رضا (ع)، آسایشگاه پاسداران آستان قدس به خاک سپردند (۲۴).

فعالیتهای فرهنگی ادیب مرحوم ادیب بجنوردی علاوه بر جزوات درسی که برای دانشجویان تهیه کرد، چند کتاب و جزوه‌ی خطی نیز تألیف کرد که می‌توان به کتابهای: «سیر طبیعت»، «مقدمه‌ای بر توحید مفضل» و کتابی در منطق اشاره کرد. همچنین از آن مرحوم جزوه‌ای در معراج و مقاله‌هایی در مجله‌های الکمال، تمدن، خرد به چاپ رسیده است (۲۶).

ادیب (سید حسین الموسوی)، مدیر نشریه‌ی عصر جدید بود، این نشریه دو هفته‌نامه‌ی خبری و در سال ۱۳۲۸ قمری با چاپ سنگی در مشهد چاپ و منتشر می‌شد (۲۷) وی همچنین مدتی سردبیر اخلاقی روزنامه مهر منیر بود. این روزنامه در سال ۱۳۳۹ ق- ۱۲۹۹ ش. در مشهد منتشر شد (۲۸).

ادیب در سال ۱۳۲۷ ش به مشهد بازگشت و فهرستی از کتب خطی و کمیاب آستان قدس تهیه کرد. همچنین در کتابخانه‌ی ملی فهرست تعدادی از کتب خطی آن جا را نیز تنظیم کرد (۲۹). تألیفات ادیب ۱- در محاورات مربوط به انقلابات و نهضت‌های دینی در مغرب و مشرق.

۲- ترجمه‌ی محاوره‌ی تاگور با انیشتین.

۳- نیازمندی انسان به منطق.

۴- نیازمندی انسان به تمدن.

۵- نیازمندی انسان به دیانت.

۶- سیر طبیعت

۷- توضیحات و حواشی بر صحیفه سجادیه

۸- ترجمه‌ی شرحی بر حدیث شریف محض السلام.

۹- رساله‌ی انتظاریه در لزوم وجود حجت در هر عصر و زمانی.

۱۰- در بیان و شرح دوره‌های شبهات اسلامی.

۱۱- در بیان نبوت عامه و خاصه.

۱۲- در معنای ولایت و مراتب آن.

۱۳- سیر تجددی معارف در خراسان.

۱۴- ترجمه‌ی کتاب المرأة المسلمة تألیف محمد وجدی فرید مصری صاحب دایرةالمعارف عربی (۳۰).

پی نوشت: ۱- در طول جغرافیایی ۴۹ دقیقه ۵۶ درجه و ۰۷ دقیقه و ۳۷ درجه عرض جغرافیایی و طبق آمار سال ۱۳۶۵ ش، جمعیت آن ۱۲۹۶ نفر بوده است.

صادقی، سلیمان - جغرافیای شهرستان بجنورد، مشهد: موسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۶۸.

۲- میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، با مقدمه تصحیح و تحشیه محمد باقر ساعدی، مشهد: [بی‌نا]، ۱۳۴۰ ش، ص ۲۴۹.

۳- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، نشریه فرهنگ خراسان، سال چهارم، شماره چهار، مهرماه ۱۳۴۱ ش، ص ۴۸ تا ۵۱.

۴- دایرةالمعارف تشیع، جلد دوم، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ ش، ص ۴۳.

۵- نقوی، نقیب. مقاله‌نامه خراسان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش، چاپ دوم، ص ۱۸۱.

۶- اوکتایی، مجید. همان، ص ۵۶-۵۷.

۷- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی. همان، ص ۴۸-۵۱.

۸- مولف مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، می‌نویسد، اولین مدرسه مشهد مدرسه همت است که در سال ۱۳۱۲ قمری تاسیس شده و مدرسه معرف در سال ۱۳۲۰ ش تاسیس شد. قاسمی پویا، اقبال - مدارس جدید در دوره‌ی قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۱۰.

۹- مدرسه مظفری در سال ۱۳۲۱ ق. تاسیس و بانی آن محمد حسن خان ملک الحکما بود، محل مدرسه در ارگ مشهد و مدیریت مدرسه به عهده شیخ محمدعلی مدیر بود.

قاسمی پویا، اقبال، همان، ص ۴۱۱.

- ۱۰- شهرستانی، محمد - ادیب بجنوردی، همان، ص ۲۵.
- ۱۱- مدرسه متوسطه دانش در سال ۱۲۹۶ ش تاسیس شد.
قاسمی پویا، اقبال، همان، ص ۴۱۵.
- ۱۲- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان ص ۴۸-۵۱.
- ۱۳- بهار، احمد. شناسنامه (زندگانی و آثار شیخ احمد بهار، به کوشش خلیل بهار و مجید تفرشی، تهران: نشر ندا، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۸۴-۱۸۵.
- ۱۴- انجمن ادبی خراسان ابتدا به ریاست افتخاری عبدالجواد ادیب نیشابوری در زمان ریاست معارف محمد ملک‌زاده، تاسیس شد ولی عملاً ریاست انجمن با سید حسن طبسی بود که مجله دبستان ناشر افکار انجمن نیز به اهتمام نامبرده، منتشر می‌شد. جلسات هفتگی انجمن در محل کتابخانه معارف واقع در باغ نادری مشهد، مجاور آرامگاه نادرشاه تشکیل می‌شده است.
بهار، احمد. دیوان اشعار شیخ احمد بهار، مشهد: ناشر مهندس راشد بهار، ۱۳۷۰ ش، ص ۸.
- ۱۵- حکمت، علی اصغر. سالنامه احصائیه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه احصائیه ۱۳۰۴ وزارت معارف، ص ۹۰.
- ۱۶- بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد. اسناد مطبوعات (۱۲۸۶-۱۳۲۰ ه ش)، ج اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۹۳.
- ۱۷- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص ۲۵.
- ۱۸- دایرةالمعارف تشیع، همان، ص ۴۳.
- ۱۹- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص ۴۸-۵۱.
- ۲۰- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص ۲۶-۲۵.
- ۲۱- عباسیان، علی اکبر و احسان سیدی‌زاده، دانشوران بجنورد، بجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵۱.
- ۲۲- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص ۴۸-۵۱.
- ۲۳- میرزا عبدالرحمان، همان، ص ۲۴۹.
- و عباسیان، علی اکبر و...، همان، ص ۱۵۱.
- ۲۴- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص ۴۸-۵۱.
- ۲۵- رسا، قاسم. دیوان کامل، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰ ش، ص ۳۴۰.
- ۲۶- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص ۲۶.
- ۲۷- برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ ش، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۹۳.
- ۲۸- الهی، حسین. روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان (از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰)، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹ ش ص ۱۱۶.
- ۲۹- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص ۵۱.
- ۳۰- شهرسانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص ۲۶.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وقفنامه مسجد و مدرسه دارالاحسان:

در سال ۱۲۳۴ والی کردستان، امان... خان اردلان، شش دانگ قریه خلیجیان و هر چه در آن است از آب و زمین و باغات و غیره را به مسجد و مدرسه دارالاحسان وقف کرد. تولیت آن را در زمان حیات به نفس خود و بعد از آن به ارشد اولاد خود بطناً من بطن محول نمود و دستور داد که متولی نهایت دقت را برای گماشتن ناظرین و مباشران متدین و امین مبذول دارند (وقفنامه مسجد و مدرسه دارالاحسان، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹).

در این موقوفه نیز امانت و تدین ناظر و حسابرس، مورد تاکید واقف قرار گرفته است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

استرآبادی، میرزا مهدی خان

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی خان استرآبادی

میرزا مهدی خان استرآبادی متخلص به کوکب و مورخ دوره‌ی نادری (مؤلف کتاب جهانگشای نادری و دره نادره و سنگلاخ و منشآت و...) کتابهای ملکی خود را بر اولاد ذکور خود وقف کرد و در آن باره وقفنامه‌ای نگاشت که مشحون است به نام کتاب‌ها و متصنع است به بازی لفظی.

نسخه‌ای ازین وقفنامه که در صفحات ۹۴ - ۸۵ مجموعه‌ی خطی شماره‌ی ۳۶۶۹ کتابخانه‌ی ملی ملک (تهران) مندرج است درینجا به چاپ رسانیده می‌شود.

نام‌های کتاب‌ها و یا آن چه مناسب با کتاب است با خطی که در زیر آن کشیده شده مشخص شده است.

فراید طریفه‌ی حمد و سپاس، و طرایف فریده‌ی شکر بیقیاس، که نتیجه‌ی الاصداف عزوبها و تحفه‌ی الاشراف ملاء اعلی تواند بود، نثار محافل قدس واقف السرایری است که شمس‌ی آفتاب و قبسات ماه جهانتاب و جذوات سیارات و

مواقف ثابتات و مطالع افق و طوالع صبح و اشراقات ضیاء و انوار الملکوت بیضاء و اثنی عشریه‌ی روح و هیاکل الانوار نجوم و کشف الخفاء فجر و غره و دره‌ی هلال و بدر و اسرار خفیه‌ی شب و تلویحات روز و تجرید مجردات عقول و در مکنون مفردات نفوس ملخص از حکمت لایزال اوست

و سبحه‌ی ثریا و سلسله‌ی الذهب کهکشان و حیره‌ی الابرار خمسه‌ی متحیره‌ی هفت اورنگ سبعه‌ی سیاره و منطق الطیر فم الدجاجه و جام جم خورشید و مطلع السعدین زهره و مشتری و کشکول قصعه‌ی المساکین و انوار سهیلی شعری و همای همایون فر و عنقای مغرب غراب و نگارستان کف الخصب و تاج الماثر اکیلی و قسطاس میزان و ممالک و مسالک ربع مسکون و خطط مصری امصار و آثار البلاد هفت اقلیم و طبقات سموات شرمه‌ای از داستان جلال او

قرباذین لیل و شرح آفسرائی نهار و منهاج مجره و حاوی چرخ برین و بحر الجواهر سپهر و غنا و منای ماه و مهر و اقطاب قطبین شمالی و جنوبی و شرح نفیسی نفوس و عقول و ذخیره‌ی جواهر و اعراض و اسباب و علامات عالم اسباب از قانون حکمت کامل

الصناعه‌اش تذکره‌ای است مغنی و شافی و کلیات قرون و دهور و تصریف سنین و شهور و موجز دقایق و ساعات و تشریح ثوانی و آنات و شرح فصول اربعه و مقالات ستهی جهات و ذهبیهی معادن و دواعی اللذات نفسی نباتی و حیوة الحیوان روح حیوانی و هیکل وجود انسانی از فواید افضلیهی قدرت شاملش تحفه‌ای است جامع و کافی مفتاح ماه نو و لوامع البیان قمر از فن بدیع ابداع او نکته‌ای است و سطح مستدیر ارض از خطوط تذکره‌ی جلالش نقطه‌ای رشحات سحاب و نفحات صبا از گلشن راز صنعش ورقی است و محاسن برقی رعد و صواعق محرقه برق و صوارم مهرقه‌ی نیاز از شهاب الاخبار قدرتش سیفی از حکمه العین صنعت کامله در مستهل هر ماه بر حاشیه‌ی قدیم چرخ کهن به اشارات ابروی هلال حاشیه‌ی جدید پردازد و به مفاد «انا زینا السماء الدنیا» مصابیح سراچه‌ی سپهر را به سراج المنیر ماه و نبراس الضیاء «کمشکوۀ فیها مصباح» منور سازد.

لوامع الاشراف چراغ خورشید از انوار جلالیهی شوکتش پرتوی است بر عالم امکان تافته و لویح بسیط غبرا بر کتاب سر مکتوم قدرتش شرحی مبسوط که به خط غبار تحریر یافته صبح انوار در کتابخانه‌ی آثارش تفسیر بیضاوی است که به آب طلای آفتاب و سرخی شفق رقم گشته و مکاتیب لیلی و ایام در نظر قدرت عالم آرایش نظام التواریخی که کاتب قدر به سیاهی ظلمت و سفیداب ضیا فهرست نوشته کتاب السماء و العالم سپهر از بحار قدرتش بخاری است برخاسته و جسم هیولائی بر جمال جلالش شاهدهی که با در و مرجان جواهر فرده صورت آراسته اوراق بسایط در دبستان ایجاد کاغذ مشقی دیران ابداع اوست و مداد مرکبات در مکتب تکوین دوده‌ی مشعل دودمان اختراع او.

هر صدف از خوض بحر الحقایق حکمتش دیده‌ی نظاره‌ای است آب مروارید آورده و هر حجر در حجره‌ی کان کتاب یاقوتی، که در وصف یکتایی گوهر ذاتش به عبارات رنگین تألیف گشته خاک تیره را به مواهب علیه در چله خانه‌ی «و خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحا» مجمع غریب و مظهر بدایع صنایع ساخته، به مفاتیح عنایت، ابواب جنان هدایت و تکریم بر چهره گشاده و غبار فرموده را از عواطف جلیه در کارخانه‌ی «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف» معزن اسرار و کاشف استار کرده در مدرس تعلیم «و علم آدم الاسماء کلها» کتاب علم الیقین شناسایی حقایق اشیاء بر دامن نهاده به صیقل ارشاد تجلیه‌ی مرآت جنان و تصفیه‌ی سجنجل دل کرده مدارک حواس و مسالک خیال و مرآت العقول قوت عاقله و نهج الحق خرد و نهیة الادراک مدرکه و نهج البلاغه‌ی نطق و افصاح فصاحت و امالی تقدیر و خصایص انسانیت کرامت فرموده و به لطف کامل کنز الدقایق دانش و حقایق بینش و عوارف معارف و معارف عوارف و مهذب خصال و تهذیب مکارم الاخلاق به دست قبول داده استبصار بصیرت کافی و عیون بینایی شافی و محجۀ البیضاء عقل وافی و اصفای ذهن صافی از مبدء فیض افاضه نموده از قاموس قدرت کامله و مجمع البحرین حکمت و صنعت شامله در لغات نظیفه به ساحل ظهور آورده زبان گویای نفس ناطقه را مفتاح المفاتیح ابواب فرهنگ و هوش گردانیده و به دستور مهذب و رسم مغرب اصلاح منطق انسانی نموده به مفاد «و هدیناه النجدین» صحاح از اسقام و صراح از ابهام بازشناسانیده تا به پایمردی این اسباب تسلیک؟ نفس الی حضرت القدس نموده در معارج حق یقین و مدارج معرفت رب العالمین به مقصد واصلین و مقامات عارفین شتابند و به توسط این استعداد تحصیل حق شناسائی و تمهید قواعد بندگی کرده فواید جلیله از عمر ابدی و عیش سرمدی «مالا عین رات و لا اذن سمعت» دریابند و درر غرر نعت و ثنایش و جواهر زواهر مدح و ستایش که دره‌ی بیضای گوش ولدان مخلدان «... و لا لم... حور عین کماثال اللؤلؤ المکنون» تواند بود شایان روضه‌ی بهیه‌ی جناب صاحب کتابی است که جوهر النضید عقل اول فص خاتم رسالت اوست و در النظیم نفس کل آویزه‌ی گوش نبوت او اسرار بلاغت کتاب عزیزش «ان هذا لشیء عجیب» و دلایل اعجاز قرآن حمیدش تبصره و ذکری لکل عبد منیب با آن که قلم نگرفت قلم نسخ بر صحف ابراهیم و زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی کشید و با آن که ورق نوشت لوح محفوظ تخته‌ی ابجد خوانان مکتب تعلیم او گردید

اگر ثبت بیت انتخاب وجود مسعودش سبب نگشتی صحاف قدر اجزاء زمان را به دفتین روز و شب بهم نپیوستی، و اگر بیان معانی ذات بدیعش غرض نبودی دست قضا مطول سنین و ملخص شهور و مجمل ساعات را به رشته‌ی طول زمان شیرازه نبستی

اگر نور شریفش باعث کشف اسرار نمی‌شد نکته‌ی برجسته‌ی سپهر از کتاب لیس عدم نقل دفتر وجود نمی‌گشت. و اگر ذات مقدسش موجب حل مضمرات نمی‌آمد مضامین پیچیده‌ی گردون و معانی سر بسته‌ی افلاک از صحیفه‌ی نیستی عیان نمی‌گردید. یوم تبلی السرایر که دبیر شفاعتش رقم بخشش زند صحایف اعمال مذنبین را کسی محرر و معتبر نداند و یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب که سر پنجه‌ی عنایتش قلم از ترجمان عملها برگیرد حاشیه‌ی خطایی گناهان صادره و کتاب مبکیات نادره را کسی نخواند. عنوان تعلیقہ الکبری نبوتش آیه‌ی «آیتنا الحکمہ و فصل الخطاب» و دیباچه‌ی رساله‌ی رسالتش «الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب» منهل شرع شریفش ینابیع اصول و فروع شمس الافاق نور کرامتش پیش از انفجار فجر تکوین در طلوع ضمیر منیرش جامع حقایق حدوث و قدم.

وجود مسعودش علت غائی تألیف کتاب خلق الانسان و حدوث العالم اعنی دره‌ی یتیمه‌ی دریای ایجاد نتیجه‌ی صغری و کبرای مبدأ و معاد. محبوب حضرت رب العالمین، ثمره‌ی پیشرس صدیقہ‌ی «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین» زبده و خلاصه‌ی عالم، عمده و گزیده‌ی سلسله‌ی بنی آدم، مغیث الخلق و غیاث الامم بیان الاحسان و کتاب الکریم و کشف الغمه و هدایه الامه سید الرسل و ایضاح السبل علیه من الصلوٰه اذکاهها و من التحيات انماها. مادام البحر محیطا و الارض بسیطا و الدهر مطولا و الشهر مفصلا، و نفایس فنون تسلیمات به جناب ولی ولایت «من کنت مولای» سابقه سالار «رجال لا تلهيهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله» که حدیث مسایل و خاتم، از جوامع اخبار خلافتش روایتی است و کریمه‌ی «الیوم اکملت لکم دینکم و انعمت علیکم نعمتی» از کمال الدین امامتش... به کندن در خبیر از حمله‌ی حیدری غزواتش بابی است و معجزات انبیاء و اولیا از مناقب مرتضوی فضایل و فتوحاتش کتابی سیف مسلولش در احقاق حق ملت به هنگام احتجاج برهان قاطع است و نکت بدیعہ‌ی کلامش در تنقیح احکام شرایع اسلام نور ساطع. کتاب موالاتش نامه‌ی بیزاری از نار جحیم است و مظهر خلافتش مستوجب حرمان از روح و ریحان و جنه النعیم اعنی مآب مدینه‌ی علم و کامل نصاب مدارج حلم. بلد الامین ایمان را رکن رکین و شهرستان ولایت را حصن حصین.

منع انوار طیبین و طاهرین و جامع علوم اولین و آخرین، و صحیفه‌ی کامله قدرت لم یزل عارف رموز نهاییه‌ی ابد و هدایه‌ی ازل مروج ذهب المذهب بالامر الجلی ذو الوجن الباهر البهی مشرق الشمسین و مطلع السعدین لعلم عروض الایجاد کتاب العین مولی الثقلین ابی الحسنین علی علیه السلام و اولاد امجاد آن حضرت که شموع خاندان خیر البشرند و کتابخانه‌ی ایجاد را نسخه‌ی حادی عشر. جوامع آثار رحمت ذوالجلالند و مکتب رسالت را کتاب آن. مستغرقان بحر گناه را سفینه‌ی النجاة‌اند و گمگشتگان ظلمات ضلالت را عین الحیات. جواهر تفسیرشان به وقت تبیان، جوامع جامع انوار تنزیل است و قول و خبرشان در مجمع بیان کشف معالم تنزیل و تأویل.

خاتم نبوت خاتم النبیین را فصوص‌اند و دلایل رسالت را نصوص. ارکان دعائم دین‌اند و نخبه‌ی خاندان ابداع و تکوین. اعلام الهدی و مصابیح الدجی و عروه الوثقی و کتاب الحجۃ علی اهل الدنیا. علیهم من لطایف طرایف المدحات اشرفها و من الصلوٰه اتحفها. مادامت یواقیت النجوم متلائیة و عدۃ الشهور متوالیة و شوارق البدر طالعة و لمعات الشمس لامعة.

و بعد غرض از تحریر این ورقه، و تمهید این مقدمه، آن است که چون امری کثیر الفواید که به وسایل آن ذخیره‌ی عقبی و سرمایه‌ی ایمان توان اندوخت، و از انوار مزیئه‌اش چراغ خلاصی در راه اعقاب اعمال توان افروخت. سیه نامگان صحیفه‌ی سوء عمل را باعث تحصیل رستگاری، و در ماندگان کتاب مرقوم گنه کاری را سبب رفع شرمساری. و سیاحان طریق نجات را زاد المعاد و سیاحان بحر النافع حق طلبی را ذریعه‌ی ادراک گوهر مراد. و عالمان معالم اصول بندگی را منتهی المطلب و مقصد اسنی، و طالبان صراط المستقیم سداد را منتهی المرام و غایة القصوی.

و در مواقف «وقفوهم انهم مسئولون» گرفتاران علل عصیان را باعث شفا. و در محاکمات روز جزا واماندگان تیه حیرت را نجات بخشا بوده، در نشأه اولی موجب حصول مقاصد وافیه و سبب وصول به مطالب عالیه و مآرب کافیه و جوه شافیه باشد، و در عقبات

عقبی انیس صالحین و حلیه‌ی متقین و امان اخطار و ربیع اسرار و مفتاح فلاح و مصابیح نجاح و حرز امان و مسکن التهاب نیران الاحزان گردد بجز حسنات اعمال نمی‌تواند بود.

لهذا بنده‌ی حقیر و محتاج رحمت رب قدیر محمد مهدی

ابن محمد نصیر وقف صحیح شرعی نمود تمامی قرآن مجید و فرقان حمید و جمع کتب فقه و تفسیر و حدیث و کلام و غیرها من الفارسیه و العربیه و اللغویه و الادبیه متملکات خود را که نقد محصل و ذخیره‌ی ایام عمل صرف جمع و تحصیل آن‌ها گشته فی الحقیقه هر یک تحفه‌ی عراقین و مایه‌ی سعادت دارین می‌تواند بود به موجب تفصیل علیحده و تفصیل الکتب لاریب فیه خالصا لمرضات الله بر اولاد ذکور و اولاد اولاد ایشان نسلا بعد نسل و بعد از انقراض ایشان بر اقربا و ذوی الارحام کما فرض الله و بعد هم بر علمای بلد مفوض نمود. تولیت آن را هم مادام الحیوه به نفس خود و بعد از آن به اکبر و ارشد ولد و بعد هم بر افقه و اعلم بلد بحیث لایباع و لا یوهب و لا یرهن و لا ینقل عن البلد کالاینقل تولیته الی عام البلد.

عمده‌ی شرایط آن که نسخه را زیاده از شش ماه نزد احدی نگذارند و بدون قبض به کسی ندهند و قلم نسخ بر قواعد وقفیت نکشند.

منع: میراث جاویدان

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: منبع: میراث جاویدان

اشرفی، میرزا محمد یونس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وقفنامه میرزا محمد یونس اشرفی:

در وقفنامه‌ی میرزا محمد یونس اشرفی که در آن تعدادی حمام و دکان در ساری و تهران و برخی اموال دیگر را وقف تعزیه‌ی حضرت سیدالشهدا (ع) نموده آمده است:

«تولیت تمامی موقوفات اولاً به نفس نفیس واقف مادام الحیاه و بعد به ارشد اولاد ذکور و نظارت منافع به اصلح و اتقی و اورع اولاد ذکور مفوض است و العیاذب... در صورت انقراض یا عدم اهلیت و قابلیت، تولیت به ارشد اولاد ذکور از بطن اولاد اناث و نظارت به اصلح اولاد ذکور بطن اناث واقف موقوف است و بعد الانقراض باید امام جمعه و جماعت بلدی که موقوفات در آن واقع است خود را متولی و اتقی و اورع علمای آن بلد، خود را ناظر داند»

وی همچنین یک دهم در آمد موقوفات را برای ناظر و دو دهم را برای متولی در نظر گرفته است (اشرفی، ۱۳۷۶، ص ۴۰).

واقف، دقت جالبی در تعیین صفات و ویژگی‌های ناظر دارد. انتخاب اتقی و اورع اولاد و یا علما به عنوان ناظر، در مقابل انتخاب ارشد اولاد و یا امام جمعه یا جماعت به عنوان متولی، منبعث از توجه وی به مساله مهم نظارت است. لزوم صداقت و درستکاری حسابرس و ناظر، در زمان حاضر نیز از اصول حسابرسی به شمار می‌رود. اما واقف با تعیین فرد ناظر از میان اولاد و بستگان، هدفی را دنبال می‌کند که می‌تواند تعصب بیشتر ناظر در حفظ اموال و دارایی‌های سازمان مربوطه باشد. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

اصفهانی، حاج محمد محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفات مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی

در خصوص دارایی‌ها و موقوفات حاج محمد محسن اصفهانی در شهر هوگلی داستانهای زیادی نقل شده است. گفته می‌شود جواهرات آن مرحوم در موزه‌ی بانک مرکزی ایالت بنگال غربی و پولهای نقدی ایشان در نزد بانک مرکزی آن ایالت نگهداری می‌شود و بانک مرکزی در قبال ادعاهای شیعیان نسبت به اموال نقدی مرحوم اصفهانی آن را امانت اعلام کرده است. در عین حال هیچ کس حتی معتمدین محل از سودهای حاصل از اموال نقدی آن مرحوم خبری ندارند. به نقل از یکی از معتمدین محل فردی به نام حاج صدر اصفهانی که در حال حاضر مقیم دمشق است طبق اقامه‌ی دعوی در دادگاه ایالت بنگال غربی خود را حافظ منافع اموال مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی اعلام و درخواست استرداد اموال آن مرحوم را کرده استحسینی‌ی هوگلی هوگلی دو حسینی‌ی دارد؛ یکی حسینی‌ی کوچک و دیگر حسینی‌ی بزرگ.

حسینی‌ی کوچک را خود حاج محمد محسن اصفهانی در سال ۱۸۰۶ میلادی بنا کرده است و خود وی در آنجا به عبادت مشغول بود.

دیگری حسینی‌ی بزرگ که در سال ۱۸۴۷ میلادی پس از فوت مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی (۱۸۱۲ میلادی) ساخته شد. بدین ترتیب که بعد از فوت مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی فردی به نام مولوی سید محمد کرامت علی از طرف دولت وقت انگلیس مسئول حفاظت از دارایی‌های مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی می‌شود و این شخص در سال ۱۸۴۷ از درآمد حاصله از دارایی‌های آن مرحوم حسینی‌ی بزرگ هوگلی را بنا می‌کند. در اینجا ذکر این نکته قابل توجه است که درآمد حاصله از دارایی‌های آن مرحوم به قدری از نظر ارزشی بالا بود که حسینی‌ای به آن عظمت بنا شده است. بنابراین می‌توان حدس زد که دارایی‌های نقدی ایشان بی‌حساب بوده است.

بر سردر این حسینی‌ی برج بسیار بلندی قرار دارد و ساعتی بر روی آن برج نصب شده است که از این ساعت در دنیا فقط دو نمونه وجود دارد؛ یکی ساعت BIG BEN لندن و دیگری ساعت حسینی‌ی هوگلی.

در خصوص علت نصب این ساعت داستانهای زیادی نقل شده است ولی آنچه که مسلم است این است که ساعت، هدایی ویکتوریا ملکه‌ی انگلیس به این حسینی‌ی می‌باشد و به هنگام دیدار ملکه ویکتوریا از هوگلی، وی آنچنان تحت تأثیر زیبایی هنری معماری حسینی‌ی قرار گرفته که ساعت یاد شده را به این حسینی‌ی اهدا کرده است.

ساعت بزرگ حسینی‌ی سه زنگوله دارد که زنگوله‌ی کوچک ۴۰۰ کیلوگرم وزن دارد و هر یک ربع ساعت زنگ می‌زند و زنگوله‌ی متوسط ۶۰۰ کیلوگرم وزن دارد و هر نیم ساعت زنگ می‌زند و زنگوله‌ی بزرگ ۸۰۰ کیلوگرم وزن دارد و هر ساعت زنگ می‌زند. سه چکش زنگوله‌ها هر یک به ترتیب ۳۵، ۲۵، و ۴۰ کیلوگرم وزن دارند و دستگاه ساعت ۲,۵۰۰ کیلوگرم وزن دارد به این ترتیب کل وزن ساعت ۴,۴۰۰ کیلوگرم است. این ساعت هفته‌ای یک بار کوک می‌شود.

مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی تا آخر عمر ازدواج نکرد و لذا وارثی نداشت و مسلک درویشی را پیش گرفت و زندگی خود را وقف عبادت و خدمت به مردم کرد. پدر حاج محمد محسن اصفهانی تاجر بسیار معروفی بود و بین ایران و هند تجارت می‌کرد این حسینی‌ی به قدری زیبا و بی‌نظیر ساخته شده است که در نگاه اول هر بیننده‌ای را به حیرت می‌اندازد. این حسینی‌ی دارای حیاط بسیار بزرگ و در وسط آن یک حوض بزرگ و سه حیاط اندرون - بیرونی دارد. ساختمان آن دو طبقه با اتاقهای متعدد و دو برج

بلند دارد و با سنگ کاری سنتی بنا شده است. در حاشیه‌ی آن املاک سرسبز و خرم به وسعت بیش از ۴,۰۰۰ هکتار و یک آبگیر اختصاصی جهت پرورش ماهی وجود دارد.

آرامگاه خانوادگی حاج محمد محسن اصفهانی در کنار حسینیه‌ی هوگلی در یک قبرستان کوچک اختصاصی قرار دارد که شامل قبر آن مرحوم، مادرش، خواهر بزرگش، و استاد وی است. ایرانی‌هایی که در قدیم در هوگلی زندگی می‌کردند بعد از جدا شدن پاکستان از هند از هوگلی به بنگلادش و پاکستان مهاجرت کرده‌اند. بعد از فوت حاج محمد محسن اصفهانی تولیت حسینیه‌ی بزرگ و حسینیه‌ی کوچک به فردی به نام سید محمد کرامت علی سپرده شد و آخرین متولیان حسینیه آقایان سید الطاف حسینی و دکتر اعجاز حسین جعفری بودند؛ ولی بعد از فوت آنها به علت اختلاف شدید بین متولیان دولت ایالتی بنگال غربی دو نفر را برای اداره‌ی حسینیه تعیین کرد که هر دو از اهل تسنن می‌باشند از آن تاریخ تا به حال کشمش و شکایت در دادگاه برای تسلط شیعیان جهت اداره‌ی حسینیه همچنان ادامه دارد. در عین حال بخش کوچکی از حسینیه به همت آقای سید محسن رضا موسوی عابدی به عنوان حوزه علمیه‌ای به نام اهل بیت اداره می‌شود و آقای محمد زین العابدین بنگالی اعزامی از سازمان مدارس دینی خارج از کشور در حوزه‌ی علمیه تدریس می‌کند. این حوزه در حال حاضر ۳۰ طلبه دارد در صورتی که تا ۱۰ سال پیش ۸۵ طلبه در آن به تحصیل اشتغال داشتند. یکی از عوامل تقلیل متقاضیان تحصیل فقیر بودن اهالی آن شهر و دومی بلا تکلیف بودن وضعیت حسینیه است. در ضلع جنوب دیوار حسینیه‌ی بزرگ وقف‌نامه‌ی مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی به صورت سنگ نوشته روی دیوار به طول ۲۰ متر حک شده است. این حسینیه دارای مغازه‌های بیشماری (حدود ۶۰۰ باب) است که چون از سالها پیش به اجاره واگذار شده درآمد چندانی ندارد که آن هم گوشه‌ای از مخارج حسینیه را تأمین می‌کند. یک قبرستان کوچک برای دفن اموات شیعیان، یک کالج به نام محسن کالج، یک بیمارستان، یک مدرسه به نام هوگلی اسکول متعلق به حسینیه است که در حال حاضر از طرف اوقاف اداره می‌شود. یک باب مدرسه‌ی دیگر که قبلاً زائر سرای حسینیه بود و فعلاً به مدرسه تبدیل شده دایر است که متولی آن حاج محسن علی شیرازی از مؤمنین کلکته می‌باشد و از درآمد آن مخارج بخشی از امور خیریه‌ی حسینیه تأمین می‌شود.

با توجه به زمینه‌های بسیار مساعد در اهالی شهر که قریب به اتفاق آنها مسلمان و شیعه می‌باشند و از طرفداران انقلاب اسلامی ایران هستند در صورت انجام یک برنامه‌ریزی دقیق و در نتیجه، تسلط کامل شیعیان بر حسینیه و ابنیه و املاک آن که تقریباً به جز منازل ساکنین، تمام ابنیه و املاک هوگلی را دربر می‌گیرد و با اضافه کردن ۲۴ دهکده اطراف آن که اهالی آن نیز اکثراً مسلمان و شیعه می‌باشند می‌توان موقعیت خوبی را برای ایجاد یک پایگاه اسلامی شیعه در هوگلی و حومه‌ی آن به دست آورد. از طرف دیگر از تصرف املاک و موقوفات هوگلی توسط هندوها که به نقل از معتمدین محل تاکنون به لحاظ قدمت و عظمت بنای آن قیمتی برای آن تعیین نشده است جلوگیری کرد. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

اصفهانی، حاج محمد جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفه‌ی حاج محمد جواد اصفهانی

این موقوفه به وسعت ۸,۱۰۷ یارد مربع زمین واقع در خیابان کلیسا در مرکز شهر پونا شامل حسینیه، دفتر انجمن، کلینیک بیماران، مدرسه، اتاق مراجعین، ۶ واحد آپارتمان مسکونی و یک واحد آپارتمان جهت اقامت امام جماعت حسینیه است که در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۱۳ توسط مرحوم حاج محمد جواد اصفهانی وقف شده است. این موقوفه در سال ۱۹۵۰ تحت شماره‌ی B۰۱۱۲ در اداره‌ی

ثبت پونا به ثبت رسیده است.

کلیه واحدهای آپارتمانی این موقوفه در اختیار مستأجرین قرار دارد که به علت اقامت طولانی اجاره‌بهای بسیار کمی پرداخت می‌کنند. در هر صورت عواید این موقوفه تحت نظر اعضای تولیت جمع‌آوری با هماهنگی اعضای انجمن صرف امور

[صفحه ۱۰۸]

خیرات می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

البرز، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بنیاد فرهنگی البرز در ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۲ با سرمایه آقای حسینعلی البرز در تهران تشکیل شد. هدف این بنیاد خیریه اشاعه فرهنگ اسلامی، از طریق اعطای وام و کمک‌هزینه دانشجویی و اهداء جوایزی با عنوان «جوایز حسن تحصیل» به دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز بود.

در سال ۱۳۵۸ آقای حسینعلی البرز طی نامه‌ای از کانادا به حضرت امام خمینی (ره)، از ایشان استدعا کرد که تولیت موقوفات بنیاد را قبول فرمایند.

حسب دستور حضرت امام ذیل نامه مذکور به سازمان اوقاف و امور خیریه، گزارشی از فعالیتهای بنیاد از بدو تأسیس، اهداف و احراز عمل به نیت واقف تهیه و تقدیم شد.

از سال ۱۳۵۹ بنیاد فرهنگی البرز تحت نظارت هیأت امنای منتخب سازمان اوقاف، فعالیتهای خود را پی گرفت.

بنیاد فرهنگی البرز، قبل از انقلاب اسلامی، دارای ۴ باب ساختمان بود که ۲ باب آن نیمه‌ویران بود و به کار نمی‌آمد.

سازمان اوقاف از سال ۱۳۶۰ به احیا و بازسازی موقوفات بنیاد پرداخت و آقای حسینعلی البرز پس از آنکه از احیا و بازسازی موقوفات و تعیین هیأت امنای اقداماتی که برابر اساسنامه باید به عمل می‌آمد واقف و آگاه گردید طی نامه‌ای به هیأت امنای بنیاد با ذکر انگیزه و هدف از تأسیس و علاقمندی ایشان در ابقاء و پایداری بنیاد، یک دستگاه ساختمان ملک شخصی خود واقع در خیابان فلسطین تهران را که زمینی به مساحت ۸۰۰ متر مربع بود به بنیاد فرهنگی البرز اهداء نمود که با توجه به کلنگی بودن ساختمان نسبت به بازسازی آن اقدام و هم‌اکنون دارای ۶ دستگاه آپارتمان ۶ باب مغازه و زیرزمین در ۴ طبقه می‌باشد.

موقوفات بنیاد فرهنگی البرز

در حال حاضر این بنیاد دارای ۱۲ رقبه وقفی است که مشخصات آنها عبارت‌اند از:

واحد شماره ۱: واقع در خیابان لاله‌زار - چهارراه مهنا در پنج طبقه. دفتر مرکزی بنیاد نیز در این ساختمان واقع شده است. واحدهای تجاری این ساختمان در اجاره صنوف مختلف است.

واحد شماره ۲: ساختمان تجاری - محل هتل ایرانشهر در تهران

واحد شماره ۳: مجتمع تجاری در ۶ طبقه واقع در خیابان لاله‌زارنو.

واحد شماره ۴: واحد تجاری واقع در خیابان قلهک.

واحد شماره ۵: مدرسه راهنمایی آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری واقع در منطقه «کیان‌آباد» شهرستان اهواز.

واحد شماره ۶: مدرسه راهنمایی حضرت سجاد (ع) واقع در منطقه «زیتون کارگری» شهرستان اهواز، این دو مدرسه در زمان جنگ با موافقت هیأت‌امنا و نظارت فنی سازمان توسعه و تجهیز مدارس ساخته شد و در اختیار اداره آموزش و پرورش شهرستان اهواز قرار گرفت.

واحد شماره ۷: ساختمان مسکونی تجاری در اجاره مستأجران واقع در خیابان فلسطین.

واحد شماره ۸: مدرسه راهنمایی «آیت‌الله طالقانی». این مدرسه مجهز به ۲۱ باب کلاس، آزمایشگاه و چند تالار اجتماعات است و در اختیار منطقه ۳ آموزش و پرورش تهران قرار گرفته است.

واحد شماره ۹: یک باب دبستان واقع در روستای «خورزن» از توابع شهرستان خمین، این دبستان در اختیار اداره آموزش و پرورش شهرستان خمین قرار داد.

واحد شماره ۱۰: مجتمع آموزشی شامل دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان به مساحت ۳۱ هزار متر مربع واقع در شهرستان آشتیان. عملیات ساختمانی این واحد از سال ۱۳۷۱ شروع شده و شامل غذاخوری، خوابگاه دانش‌آموزان و آزمایشگاه خواهد بود.

واحد شماره ۱۱: ساختمان تجاری واقع در خیابان منوچهری تهران مشتمل بر ۸ دستگاه آپارتمان.

واحد شماره ۱۲: واقع در اراضی «آسیاب کهک» از موقوفات نوش‌آفرین خانم.

اراضی «آسیاب کهک» موقوفه آموزشی است که عرصه آن در زمره موقوفه نوش‌آفرین خانم بوده و اعیان آن در اجاره بنیاد البرز است. بنیاد فرهنگی البرز در این اراضی یک مدرسه راهنمایی در ۴ طبقه دارای ۱۶ باب کلاس، محل امتحانات، کارگاه و آزمایشگاه احداث کرده است. این مدرسه در اختیار منطقه ۲ آموزش و پرورش قرار گرفته است.

بنیاد فرهنگی البرز از درآمدهای حاصل از واحدهای تجاری خود، به دانشجویان دانشگاهها نیز وام تحصیلی پرداخت می‌کند. تا پایان خردادماه سال ۱۳۷۲، حدود ۲۶۵۸ دانشجو از وام تحصیلی بنیاد استفاده کرده‌اند.

وام تحصیلی به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال در ۲۰ قسط مساوی پرداخت می‌شود.

بنیاد هر ساله طی مراسم ویژه‌ای جوایزی را به دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز در مقاطع مختلف تحصیلی که از دانشگاهها و مراکز آموزشی معرفی می‌شوند، اهدا می‌کند.

همچنین بر اساس اهداف و اساسنامه این بنیاد اقداماتی در زمینه انتشار کتب علمی و دینی و تهیه کتاب برای کتابخانه‌های مراکز علمی و دینی صورت گرفته است. ذیلاً به برخی از خدمات فرهنگی این بنیاد اشاره می‌کنیم:

۱- اعطای جوایز برگزاری مسابقات علمی سالگرد شهادت استاد مرتضی مطهری از طریق مدرسه عالی شهید مطهری.

۲- اهدای کتاب به کتابخانه بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۳- اهدای قرآن مجید و کتب مختلف مذهبی و علمی و کیف جای نوار قرآن و کیف جای مداد و ماشین حساب و ساعت رومیزی و چادر نماز و جوایز دیگر به نهادها، مناطق جنگی، مدارس، مساجد، دانشگاه علم و صنعت ایران و دانشکده علوم تربیتی و دانش‌آموزان ممتاز.

۴- خرید ۵۰۰ دوره کتاب تفسیر المیزان نوشته مرحوم آیت‌الله علامه طباطبائی جهت اهدا به کتابخانه‌های عمومی داخل کشور.

۵- چاپ تعداد ۲۰۰۰۰ جلد کتاب معاد نوشته حجت‌الاسلام آقای محسن قرائتی با جلد زرکوب و پرداخت ۵۰ درصد هزینه چاپ آن توسط بنیاد به سود خریداران، تا کتاب مزبور به بهای نصف قیمت در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

- ۶- چاپ تعداد ۲۰۰۰ جلد کتاب ارث از نظر اسلام نوشته مرحوم حضرت آیت‌الله محمدباقر آشتیانی.
- ۷- کمک به انتشار مجله آینده‌سازان ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان و مجله پیوند ارگان انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش.
- ۸- کمک به مدارس و مرکز تربیت معلم شهید چمران.
- ۹- پرداخت بورس تحصیلی و جایزه به دانش‌آموزان برنده مسابقات ریاضی و ادبیات فارسی سراسر کشور معرفی شده از سوی دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۰- پرداخت وام به فرهنگیان از طریق انجمن اسلامی معلمان و مؤلفین کتاب و دانشجویان دانشگاهها.
- ۱۱- پرداخت وام جهت کمک به انتشار آثار علمی و فرهنگی و مذهبی به نهادها.
- ۱۲- پرداخت وام به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جهت انتشار کتاب «حماسه ایمان» و...
- ضمناً جالب است بدانید که موقوفات گسترده البرز با ۲۷۰۹۱ مترمربع زیربنای ساختمانهای آن و ۲۴۲ نفر مستأجر، تنها توسط سه نفر اعضاء هیئت‌امنا و ۸ نفر کادر اجرایی (شامل ۳ نفر کارمند اداری و ۵ نفر نگهبان) اداره می‌شود و تاکنون با حداقل نیرو، بیشترین بازدهی فرهنگی و خدماتی را داشته است.
- در خاتمه با آرزوی طول عمر برای واقف محترم و توفیق خدمتگزاری برای هیئت‌امنا و دست‌اندرکاران بنیاد فرهنگی البرز، امیدواریم که سایر متمکنین نیز با وقف بخشی از اموال خود و صرف عواید آن در راه گسترش فرهنگ و دانش و بینش مردم، نام و یاد خود را جاودانه سازند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

امیر رفیع الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وقف‌نامه‌ی امیر رفیع‌الدین قدیمی‌ترین سند وقفی در شهرستان قاینات است که در سنه ۹۲۰ هجری قمری نگارش یافته است. این وقف‌نامه به لحاظ متن ادبی، قدمت تاریخی و موارد مصرف خاص، دارای اهمیت و در خور تأمل است. بازخوانی آن از وقف‌نامه‌ی موجود در اداره اوقاف و امور خیریه‌ی خضری دشت بیاض یکی از شهرهای قاینات انجام گرفته و پرونده آن به کلاسه‌ی - الف ۴۰ موجود می‌باشد. امید است انتشار این قبیل وقف‌نامه‌ها سپاسی به ساحت مقدس واقفان خیراندیش باشد. متن وقف‌نامه امیر رفیع‌الدین

العزّة لله تعالی شأنه

الله هو الواقف علی السرائر و الضمائر

بنابر مقتضای حدیث «من بنی لله مسجداً بنی الله له بیتا فی الجنة» در قریه‌ی فارس بهشتی که وطن مألوف آن جناب و آباء و اجداد بزرگوار اوست و نمونه‌ای است از بهشت و رشکی است از روضه‌ی اعلی‌علین در زمین ملک خود به اهتمام معماران غیب و مهندسان لاریب مسجدی جامع بنا فرموده که ظاهر فرخنده مآثر آن چون ظاهر و باطن بانی نورانی و باطن خجسته موطن آن چون ظاهر حمیده‌ی بیت الله الحرام ایمن از تفرقه و پریشانی

مسجد او جامع فیض اله

روضه‌ی او خطبه‌ی او تا به ماه

آمده در وی ز سپهر کبود

فیض حق از خواندن قرآن فرود

بر سر ایوانش مؤذن چو گشت

قامتش از مسجد عیسی گذشت

هوای دلگشایش چون روایح انفاس عیسوی روح افزا و فزای جانفزایش چون ید و بیضای

موسی معجز نما

بحر مسجور سرابش چون زلال سلسبیل

بیت معمور است صحنش یا بهشت جاودان

بر بساط عزتش آیات رحمت را نزول

در حریم دولتش سلطان دولت را مکان

و واقع است آن مسجد جامع مذکور به قریه‌ی فارس منزلت از بلوک دشت بیاض به ولایت قهستان از سر کار قرین شرقی المتصل به حریم نهر عام، و غربی آن به خانه‌هایی که به تصرف مولانا الاکرم مولانا کمال‌الدین محمود ابن مولانا ابوی المعانی ام ابن مولانا محمد است، شمالی آن متصل به راه عام، جنوبی آن متصل به کوچه پیش بسته که ممر سرای مولانا کمال‌الدین محمود مذکور در آن است و خیابان کوچه مذکور ایدالله تعالی ظلال دولته الی یوم الدین مسلمانان را مأذون کرد که آنجا نماز به جماعت گزارند و مسلمانان به اذن و اجازت آن جناب نماز گزارند پس جناب واقف مذکور به حکم «خیر الافعال ما انفق منه و خیر الاعمال ما وفق فیه فمن عمر دنیا ضیع ماله و من عمر آخرته بلغ ماله» وقف کرد و تصدق نمود خالصا لله تعالی و ابتغاء لمرضاته و طلبا لجزیل نواله و هو یا من الیم عقابه از آنچه حق و ملک بانی مذکور بوده و در تحت تصرف مالکانه خود داشت تا زمان این وقف کردن بر این مسجد موقوف علیه محدوده مذکور از آنچه بود حق غیر عما یمنع جواز الوقف و لزومه همگی و تمامی محدوداتی که مبین محدوده می‌شود و واقع است به قریه‌ی فارس مذکور از سرکار قاین به ولایت قهستان مذکور منها همگی و تمامی محوطه معروف به محوطه‌ی بایزید بکشمان قریه‌ی مزبوره یک صد من تخم کشت تخمینا، شرقی آن متصل به زمین خواجه عبیدالله ابن محمد کاخکی، غربی آن متصل بعضی به باغچه‌ی سرای قوام‌الدین و بعضی به باغچه‌ی حسنعلی ابن محمد ساربان و بعضی به خانه و باغچه‌ی محمد ابن علی ابن محمود ساربان و بعضی به خانه و باغچه‌ی متروکه و بعضی به خانه و باغچه‌ی متروکه یوسف ابن شیخ محمد ابن محمودی و بعضی به باغچه‌ی سرای متروکه‌ی یوسف خافی، شمالی آن متصل به راه عام، جنوبی آن متصل بعضی به باغچه ملک ابن فیروز قصاب و بعضی به کوچه پیش بسته که ممر ملک مذکور در آن است منها قطعه زمین به قریه‌ی مذکوره‌ی کشمان نو و ناصری معروف به پای درخت سنو شصت من تخم کشت تخمینا، شرقی به زمین مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن فارس بعضی و بعضی به زمین امیرزاده‌ی اعظم عمده الاماثل بین الامم، امیر معین‌الدین محمود ولد رشید جناب واقف مذکور، غربی آن متصل به حریم نهر عام و کذا الشمالی و الجنوبی و منها قطعه زمین به کشمان توت و ناصری مذکور معروف به زمین امیر میر علیا عماد بیست من تخم کشت که شرقی آن متصل به حریم جوی عام و غربی آن متصل به زمین حاجی ابن محمود حاجی شمال آن متصل کالشرقی، جنوبی آن متصل به زمین مولانا کمال‌الدین اویس ابن مولانا ابوالحسن مذکور منها قطعه زمین به کشمان مذکور سی من تخم کشت که شرقی آن

متصل به زمین مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن مذکور بعضی و بعضی به زمین مولانا کمال‌الدین اویس مذکور، غربی آن متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن ابن شرف‌الدین، شمالی آن متصل به حریم نهر عام، جنوبی آن متصل به زمین جناب دولت‌پناه سعادت دستگاه امیرزاده اعظم امیر قیاس‌الدین خلیل‌الله ولد حمیده خصال جناب واقف مذکور بعضی و بعضی به زمین

مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن مذکور همگی و تمامی یک صد و چهل فنجان آب از قنات قریه مذکور که مدار آن بین الارباب و الشركاء بر شانزده شبانه‌روز است و هر شبانه‌روزی یک صد و شصت فنجان آب است که این قریه مذکور را قنات دیگر نیست که شرب و حقابه آن محدودات مذکور است. و منها همگی و تمامی نصف شایع کامل از تمامی طاحونه علیای قریه‌ی مذکوره، شرقی آن متصل بعضی به رودخانه عامه قریه مذکوره و بعضی به بطن نهر عام و بعضی به حریم آن غربی آن متصل کالبعض الاخرن الشرقي، شمالا متصل به اراضی که مالکی ندارد و جنوبی آن به محوطه واقف مذکور به درستی و راستی که این محدودات مذکورات با شرب مذکوره وقف شد بر این مسجد موقوف علیه محدود مذکور و اخران علی فقراء و المسلمین شرط فرموده جناب واقف مذکور زاده‌الله تعالی توفیقه که متولی عام این وقف خود باشند مدت حیات خود و هر نوع تصرفی که خواهد در این وقف کند و هرگاه که خواهد او را از تولیت عزل کند و هر شرطی که خواهد تعیین کند و وظیفه از باب وظایف اگر خواهد چیزی کم کند و اگر خواهد زیاد کند که هیچ آفریده را بر وی ولایت منع و اعتراض نیست و شرطی کرد عالی جناب واقف مذکور طول الله تعالی فی دوام الدولته عمره که چون شربت ناگزیز (کل نفس ذائقه الموت) از دست ساقی (کل شیء هالک الا وجهه) نوش نماید و رخت حیات از این منزل فانی خراب به سرای باقی کشد هر کس که در مسجد مذکور خطیب و پیشنماز باشد متولی وقف او باشد و حاصلات این وقف اولاً به عمارت و مرمت ضروریه این مسجد جامع مذکور از فرش و روشنایی آن صرف نماید و آنچه زیاده آید از چهار سهم سه سهم خطیب جهت وظیفه‌ی خطابت و امامت بردارد و یک سهم باقی را هر کس که در این مسجد جامع مؤذن باشد و به اذن اوقاف خمسه قیام نماید مشروط آنکه از در و دیوار این مسجد با خبر باشد و درب بندد و گشاید و مسجد را جاروب کشد و آب باشد و زمستان به اتفاق خطیب برف آن را پاک سازد و شرط کرد عالی جناب واقف مذکور ایدالله تعالی ظلال دولته الی یوم النشور که هر روز خطیب در گنبد فردوس منزلت جنت آیین که گویی نمونه‌ای است از بهشت برین و رشکی است از روضه‌ی اعلی علیین مردن آنجا به که بودن زنده در جای دگر که عالی جناب واقف مذکور جهت مدفن و مضجع خود در اندرون مسجد جامع مذکور در جانب شمالی مقصوره‌ی مسجد جامع مذکور ساخته هر روز یک جزو از کلام ملک علام جل شأنه و عظم سلطانه جهت ترویج روح آن عالی جناب بخواند و هیچ تعطیل نکند و این وظیفه را بردارد و اگر او را مانعی پیش آید کسی تعیین نماید که عوض آن این جزو را

بخواند و شرط کرد عالی جناب واقف مذکور که هیچ یک از حکام اسلام و متولیان عام و گماشتگان صدور ذوی الاحترام و قضاء اسلام در این وقف مدخل ننمایند و از آنجا چیزی نگیرند و این وقف را زیاده از سه سال به یک کس به اجاره ندهند و بعد از آن عالی جناب واقف مذکور کسی را از قبل خود متولی تعیین کرده بود و فرعا این موقوفات را به تصرف او باز گذاشت و آن جهت وقف تصرف کرد و عالی جناب واقف مذکور تعلیق به موت کرد و گفت که بعد از فوت من وقف باشد به طریق مسطور و هر کس در تبدیل و تغییر این وقف کوشد فعليه لعنت الله و الملائکه و الناس اجمعین خالدين فيها لا- يخفف عنهم العذاب و لا هم ينظرون وقفا مخلدا مؤبدا بطرار التخلید و التأیید دائما دوام الارضین و الافلاک محفوظا عن التلف و الاستهلاك لایباع و لایوهب و لایورث و لایملک بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم) و کان هذا الوقف من الواقف المذکور تقبل الله تعالی فی رابع عشر شهر النبی الامی صلی الله علیه و آله و سلم شعبان المعظم سنه عشرين و تسعمائه (۹۲۰ هـ ق) کتبه العبد القریب الخاطی المعترف بالذنب و التقصیر والراجی الی رحمۃ الله الهادی جلال الدین ابن اویس المومن ابادی معروف به جلال الکاتب سر الله عیوبه فی الدارین.

مخفی نماند که چون اوایل دیباچه‌ی این وقف‌نامه در وقتی که سواد می‌شد قدری کاغذ پاره و مندرس شده بود دیباچه معلوم نشد که چه عبارت بوده است.

و ایضا جناب واقف مذکور شرط کرد که اگر طاحونه مذکور را احتیاج به مرمت و مصالح شود هر کس متولی این وقف باشد از

حال آن املاک ضروریات آن را انجام دهد مرمت و مصالح ضروریه سرانجام نماید و اگر املاک مذکور را احتیاج تخم و مصالح شود از حاصل آن املاک ضروریات آن را انجام دهد مرمت و مصالح الاملاک دیوانی بر همه ارباب وظیفه مقدم دارند و معطلی ندهند و نسخه‌ی وقف نامچه دیگر مطابق و موافق یکدیگر را لفظ به لفظ موافق است گرفته شود و مجموع را اصل ساخته محکوم و مشتمل شده که اگر نعوذ بالله یکی را نقصان رسد دیگری موجود باشد و ایضا در وقف داخل است بیست فنجان آب دیگر از قنات مذکور

چنانچه مجموع آن یک صد و شصت فنجان وقف باشد که یک شبانه‌روز باشد و یک سهم باشد از جمله شانزده سهم از قنات قریه مذکور مع جمیع حقوق داخله و الخارجه از آبار و انهار و کل ما يتعلق بها من المنبع الی المصب و همگی و تمامی یک قطعه زمین به کشمان توت ناصری مذکور به مساحت بیست من تخم کشت، شرقا متصل به زمین خواجه محمدی حسن میمی، غربها متصل به زمین جناب دولت مآب میر غیاث‌الدین علی ابن واقف مذکور، شمالها و جنوبها متصل بند عام و همگی و تمامی قطعه زمین ایضا به کشمان مذکور معروف به زمین استاد احمدی بیدختی شرقی متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن شرف‌الدین و غربها متصل به زمین میر غیاث‌الدین علی مذکور، شمالها متصل بند عام، جنوبها متصل به زمین محمد حسن میمی به مساحت سی من تخم کشت و همگی و تمامی قطعه زمین به موضع باغ نو به کشمان رودخانه، شرقی متصل به زمین جناب واقف مذکور، غربی متصل به زمین مولانا ابوالفضل ابن مولانا ابوالحسن مذکور، شمالها متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن مذکور بعضی و بعضی به زمین واقف مذکور و بعضی به باغچه سرای جناب امیر معزالدین خلیل الله مذکور به ساحت شصت من تخم کشت با جمیع حقوق و مرافق آن شرعا وقف صحیح شرعی مخلد مؤبد الی ان ترث الارض و فی علیها و آخرها علی فقراء المسلمین.

و ایضا واقف مذکور تقبل الله تعالی عنه شرط کرد که در ایام و لیالی متبرکه که در هر سال واقع است جهت روح پر فتوح آن جناب واقف مذکور و اهل بیت او روح الله ارواحهم هر کس متولی آن وقف باشد رعایت ترتیب نموده به فقرا و مساکین و خواص و عام دهد بدین موجب: ایام عیدین که صیاح مسلمانان از نماز عید فارغ شوند در مسجد مذکور حاضر شوند نان هریسه بدیشان دهند. نان ده من، گوشت به جهت هریسه پنج من، گندم به جهت هریسه پنج من، روغن یک من. روز عاشورا آش قلور ترتیب نمایند حوایج به قدر احتیاج که به عامه خلاق می دهند گندم ده من، پیه یک من، حوایج مقدار احتیاج. روز استفتاح که نصف ماه رجب باشد به دستور روز عاشورا آش قلور ترتیب نمایند. روز ولادت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم که در ماه ربیع‌الاول باشد به دستور روز عاشورا قلور ترتیب نمایند و در مسجد مذکور ختم کنند. شب‌های لیلۃ البراء که نصفه‌ی ماه شعبان است چلپک و حلوا ترتیب نمایند روغن سه من، آرد پنج من، دو شاب پنج من. و دو ماه چله‌های زمستان هر روز پنج من گندم و ده من شلجم و جزر را مع نیم من پیه قلور کرده به عامه فقرای مسلمانان در مسجد و مقبره مذکور دهند و تغییر و تبدیل ندهند.

ذامع اصله مطابق و لیس فیہ خلاف. حرره الاقل حسین ابن افضل مهر شد لا اله الا الله. قد قوبل السواد مع اصله الاصل المعبر المضبوط فوجد ذا معه سیان و مطابقان. حرره الاقل مهر شد [ناخوانا]. ذا واصله سیان حرره المذنب مهر شد اللهم صل علی محمد.

بسم الله تعالی مطابق السواد مع الاصل مهر شد. [الف - ۴۰]

بر گرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

انصاری، بی‌بی بزرگ

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

واقف: بی‌بی بزرگ انصاری فرزند آقاجان دارنده‌ی شماره شناسنامه‌ی ۱۲۸۰ / ۱۱۴۶۹ ساکن بوشهر موقوف علیه: بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت امام‌زاده عبدالمهیمن واقع در بخش دو بوشهری کوی امام‌زاده

عین موقوفه: شش دانگ یک باب خانه پلاک شماره‌ی ۳۷۸۰ / ۱۷۵ به مساحت ۲۵ ر ۳۰۱ متر مربع در بخش دو بوشهر کوی هلالی، ثبت شده در صفحه‌ی ۵۴۵ جلد ۶۴ تحت شماره ۱۱۳۴۳ دفتر املاک بوشهر با جمیع متعلقات آن بدون استثناء چیزی که به تصرف موقوف علیه داده شد، حدود و حقوق برابر سند مالکیت مربوطه با انضمام رشته‌ی سیم کشی برق - انشعاب لوله کشی آب منصوبه و حق الامتیاز و اشتراک آنها.

در این سند کاملاً روشن نیست که حق تولیت و نظارت بر موقوفه متعلق به چه نهادی است اما با توجه به اینکه نماینده‌ی اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه استان بوشهر در دفتر خانه‌ی اسناد رسمی حاضر و امضاء کرده است، به نظر می‌رسد که تولیت و نظارت بر موقوفه از همان ابتدا بر عهده‌ی اداره‌ی اوقاف منطقه قرار داده شده است.

این سند در دفتر خانه‌ی شماره‌ی چهار بوشهر به تاریخ ۱ / ۶ / ۱۳۶۹ هجری شمسی و تحت شماره‌ی ۹۴۲۶۴ در صفحه‌ی ۸۸ دفتر جلد ۱۲۸ به ثبت رسیده است.

علاوه بر وقف نامه‌هایی که در این نوشتار بدان اشاره شد، وقف نامه‌های قدیم و جدید دیگری که متعلق به زنان متدین و بزرگوار این دیار است، وجود دارد که در این مجال فرصت پرداختن به آنها نیست.

اما اکنون و در پایان تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که یکی دیگر از زنانی که موقوفاتی از خود به عنوان صدقه‌ی جاریه در بوشهر باقی نهاده بانو حاجیه خیر النساء عطار است که در طی سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ موقوفاتی را وقف نموده و در هر سه مورد موقوف علیه را اداره‌ی کل اوقاف استان بوشهر قرار داده است.

در هر سه وقف نامه‌ی متعلق به بانو حاجیه خیر النساء عطار، مسؤلیت نظارت و تولیت موقوفات بر عهده‌ی ایشان است تا مادامی که در قید حیات هستند و پس از آن به عهده‌ی اداره کل اوقاف استان واگذار شده است.

کاربرد منافع و درآمدهای ناشی از این موقوفات به ترتیب به برپا نمودن مجالس روضه خوانی حضرت سید الشهداء، کمک به محصلین بی‌بضاعت و اشخاص فقیر مسلمان، روضه خوانی خاندان آل عبا، تعمیرات موقوفه و امور مشابه اختصاص یافته است. در پایان چکیده‌ای از متن وقف نامه‌ی این بانوی ارجمند نقل می‌شود:

نوع سند: وقفی

واقف: بانو حاجیه خیر النساء عطار فرزند مرحوم غلامحسین به شماره شناسنامه‌ی ۱۳۲۷ بوشهر - ساکن بوشهر موقوف علیه: اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه بوشهر به نمایندگی...

مورد وقف: شش دانگ یک باب خانه به پلاک شماره‌ی ۲۸۲۶ بخش یک بوشهر کوی شنبیدی مورد ثبت در یک جلد سند مالکیت به شماره‌ی ۲۳۳۸، صفحه‌ی ۳۶۹، دفتر ۲۳ صادر شده است به انضمام کتورهای آب و برق و لوله کشی و سیم کشی و امتیازات آنها بلا استثناء که بر حسب اظهارات واقف و موقوف علیه مورد وقف فعلاً به صورت زمین درآمده است.

شروط د: مادام الحیات واقف از مورد وقف شخصاً مورد استفاده نامبرده خواهد بود اما پس از فوت واقف اداره‌ی اوقاف عهده‌دار آن خواهد بود که از درآمد جهت برپا نمودن مجالس روضه خوانی حضرت سیدالشهدا و کمک به محصلین بی‌بضاعت و اشخاص فقیر مسلمان برساند.

این سند در تاریخ ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۹ برابر با ۱۲ شوال ۱۴۰۴ هجری قمری در دفتر خانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بوشهر تحت شماره‌ی ۴۲۹۵۳ در صفحه‌ی ۱۴۲، دفتر شماره‌ی ۵۴ به ثبت رسیده است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

انور شهید بیک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینیه‌ی شهر باردوان (حومه‌ی کلکته)

در شهر باردواوان در ۱۰۰ کیلومتری کلکته یک حسینیه بوده که اکنون خراب شده است و فقط قسمتی از آن به عنوان آثار تاریخی باقی مانده است. مسجد کوچکی در کنار حسینیه وجود دارد که توسط انور شهید بیک بنا شده است. انور شهید بیک از ایرانیان معروف و متمول مقیم شهر باردواوان در زمان خویش بود و حدود ۵۰۰ سال پیش فوت کرده است. حسینیه و مسجد از جانب ایشان وقف نسلهای بعدی آن مرحوم می‌باشد. در حال حاضر آن مرحوم به نام سید محمد حسین تولیت مسجد را در اختیار دارد قبر مرحوم انور شهید بیک در کنار مسجد واقع است. مساحت این مسجد با محوطه‌ی آن حدود ۳۰۰ متر مربع می‌باشد که در وسط آن یک استخر وجود دارد. این مسجد زمینی زراعی به مساحت ۹۰,۰۰۰ مترمربع دارد که در آن برنج کشت و درآمد آن صرف مسجد و امور خیریه می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

انیس الدوله

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

وقف از امور بسیار پسندیده است که از جهات مختلف اجتماعی و اعتقادی سودمندیهای بسیار داشته است و دارد و در اسلام بر آن تأکید بسیار شده است. از وقف اصطلاحاً به «تثبیت عین و تسبیل ثمره» تعبیر می‌شود و امری است که اجر آن برای واقف در دو جهان مسلم است و نفع آن برای افراد جامعه عام و دائم و اثر اجتماعی و اخلاقی آن غیرقابل انکار و احکام آن متقن و عمل به نیت واقف برای متولیان و مباشران موقوفه بهره‌ی دنیوی و اخروی به همراه دارد. متقابلاً- مسامحه در اجرای مفاد وقفنامه و یا تصرف به غیر حق در درآمد موقوفه و یا خارج ساختن عین از وقفیت و به ملکیت در آوردن آن، که نتیجه‌اش محروم ساختن بسیاری مردم نیازمند است از خوانی بی‌منت، مایه‌ی بدنامی در این جهان و عذاب آن جهانی است و نیز خلل رساندن به بنیان اعتقادی متعینان در استقبال از وقف و اقدام به این امر خیر. اما از آنجا که همگان به سودمندی و عام‌المنفعه بودن این امر آگاهی داشته‌اند و دارند و تصرفات گهگاهی غیر حقه‌ی برخی متولیان و مباشران همه وقت مورد طعن و لعن بوده و سبب نشده است که انقطاعی در این سنت سینه راه یابد و به اصطلاح زمین از حجت و سرزمین اسلامی از واقف و وقف خالی بماند، پیوسته معتقدانی مؤمن و دلسوز، که تمکن مالی داشته‌اند، بدان عمل نموده‌اند و می‌نمایند. سعیشان مشکور و عملشان مأجور باد!

نگارنده پس از مطالعه‌ی مقاله‌ی متمتع آقای علی فرحانی تحت عنوان «دو وقف نامه از بازار تهران» در (ص ۱۲۸ تا ۱۳۲) شماره‌ی ۴۶ مجله‌ی وزین میراث جاویدان به مناسبتی که ذکر خواهد شد، اقدام به نگارش این مقاله درباره‌ی موقوفات خانم انیس الدوله در همان بازار تهران و نیز در قریه‌ی کاشانک نمود. همراه دو فقره وقف دیگر که افرادی نیکوکار در همان بازار آن را از هر حیث تابع ضوابط موقوفه‌ی مرحومه‌ی انیس الدوله کرده‌اند (که خود عمل ایشان تازگی و سعه‌ی صدر و گذشت خاص دارد) با نقل مندرجات وقفنامه‌ها را با توضیحات لازم و تمهید مقدمه‌ای برای درج آن در مجله‌ی شریف باشد که مایه‌ی ترغیب دارندگان

تمکن در پرداختن به این گونه امور خیر گردد.

پیش از آنکه از مرحومه‌ی وقف کننده و احوال و نیات ایشان سخن بگوییم، مناسب آن است که بپردازیم به نقل آنچه ایشان به بقاع متبرکه هدیه و یا برای امور خیریه وقف کرده و آگاهان از این امر خیر آن را در کتب خویش ثبت کرده‌اند.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خیرات حسان می‌نویسد:

«نواب علی‌ی عالیه انیس الدوله - دامت شوکتها - عقیده‌ی معظمه‌ی مشارالیه‌ها از بانوان سرای سلطنت و از مخدرات عظیم الشان حرم جلالت است. از حضرت گردون بسطت شاهنشاهی - خلد الله ملکه و دولته - خلوتی تمام دارد و حصول مرضات الهی را با استرضای خاطر مقدس ظل الهی واجب‌ی فوری می‌شمارد. اصل اصیلش از دارالخلافت‌ی طهران و شغل منیفش حمایت ضعفای هر سامان، عقل و کفایت و کاردانیش ضرب المثل، از اکثر عقلا و کفات اکفی و اعقل... پذیرایی نساء محترمه‌ی خانواده‌ی سلطنت و دودمان سعادت اقتران خلافت در مواقع رسمی و اعیاد و غیره به عهده‌ی قدردانی و منزلت‌شناسی نواب علی‌ی مفخمه - دام اجلالها - موکول است. و مکارم اخلاق و محاسن آدابش در اوقات تشریفات و ترتیبات آن مشهور و منقول. نشان تمثال بی‌مثال شهریار که از امتیازات بزرگ دولت علیه است و نشان شفقت دولت فخمیه عثمانی، درجه‌ی احترام و بلندی مرتبه و مقام مجلله‌ی مشارالیه‌ها را ظاهر می‌سازد. شرح آثار خیریه‌ی او از قرار ذیل است:

جبقه‌ی الماس، تقدیم روضه‌ی مقدسه‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام؛

پرده‌ی مروارید تقدیم آستان حضرت سیدالشهدا علیه آلاف التحیه و الثناء؛

ضریح نقره برای شهدای کربلا علیهم رضوان الله؛

نیمتاج الماس تقدیم عتبه‌ی منوره‌ی حضرت رضا (ع)؛

تعمیر در نقره‌ی طلاکوب مسجد گوهرشاد

ده باب .

وقف کاشانک؛

بقعه و گنبد شاهزاده حسین در امامه

بنای پل در ناصرآباد سمت لواسان

در نقل احوال مرحومه‌ی واقف و خاندان وی و چگونگی ازدواج او با ناصرالدین شاه به آنچه اعتمادالسلطنه در «روزنامه‌ی خاطرات» خود آورده است بسنده می‌کنیم؛ وی می‌نویسد:

«انیس الدوله، فاطمه خانم حرم محترم پادشاه که سوگلی است از اهل قریه‌ی [امامه] است. از قرار تقریر یکی از اهل قریه پدر این خاتون محترمه نورمحمد نام از طایفه‌ی گرجی بوده است، گرچه دو نفر دیگر می‌گفتند، آملی و از اهل مازندران بوده است، لیکن گمانم این است که بر فرض هم آملی بوده‌اند شاید از طایفه‌ی گرجی بوده‌اند که صفویه کوچانده در مازندران سکنی داده بودند می‌باشند. در هر صورت نورمحمد مرد و سه اولاد از او ماند: حبیب الله و محمدحسن و این دختر.

والده‌ی آنها به یکی از سادات ناصرآبادی شوهر کرد و دختر را عمه‌ی او، که زوجه‌ی فتح‌الله نامی بود، نزد خود نگاه داشت. مابین فتح‌الله و اهل امامه نزاعی شد. فتح‌الله از امامه قهر کرد. عیال خود را برداشته به دولاب تهران رفت.

نبات خانم صبیبه‌ی مصطفی بیگ لواسانی که سمت للگی شاه را داشت در حرمخانه بود. جهت پسر خود دختری می‌خواست که وجیه باشد. این دختر را یافته خواستگار شد. شوهر عمه و عموی او، که کربلایی مهدی باشد، ندادند. فوراً عمه را دیده بودند نقد و جنس تعارف به او دادند و دختر را آوردند. همین که وارد حرمخانه کردند جیران خانم فروغ‌السلطنه که تا

آن وقت سوگلی بود این دختر را به خدمت خود نگاه داشت. کم‌کم در خدمت شاه طرف میل شد، ترقی کرد و تربیت شد.

در سفر سلطانی (۱۲۷۶ هجری قمری) صیغه‌ی پادشاه شد. حالا- از نسوان بزرگ عالم است. بسیار مقدسه و محترمه است و غالباً غضب شاه را فرو می‌نشانند و توسط از بیچارگان می‌کند.

اعتمادالسلطنه در همان «روزنامه خاطرات» از شفاعت انیس الدوله از سیدباقر جمارانی ناظم العلماء که شاه دستور تبعید او را از شهر داده بود و نیز از شفاعت ایشان گلین خانم، زن اول شاه، که حکم شده بود از اندرون به نگارستان منتقل شود و همچنین از برادر ناتنی او عبدالکریم یاد می‌کند و می‌نویسد:

«در میان حرم‌های شاه کسی که به من اظهار لطفی دارد و با اهل خانه‌ی من دوست است، انیس الدوله است. و چون این زن را پاک اعطای تمثال شاه را به انیس الدوله روز چهارشنبه ششم صفر ۱۳۰۴ هجری قمری و اعطای نشان حمایل آفتاب را به ایشان روز ششم صفر سال ۱۳۰۶ هجری قمری می‌نویسد و می‌افزاید که او اول زنی است که این تمثال را دریافت داشته است.

اعطای لقب «حضرت قدسیه» را که خود او این لقب را پیدا کرده بوده است روز پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانیه سال ۱۳۱۲ هجری قمری نوشته است.

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران می‌نویسد:

«انیس الدوله، نامش فاطمه و از اهالی امامه و عاقلترین و متشخصترین زنان ناصرالدین شاه و عنوانش «ملکه‌ی ایران» بوده و ناصرالدین شاه خیلی از وی حرف شنوی داشته و گاهی نیز طرف شورا او واقع می‌شده است. در سال ۱۲۹۰ هجری قمری، سفر اول شاه به اروپا، شاه او را به عنوان ملکه همراه خود تا مسکو برد و چون موضوع حجاب در میان بود و به آن شکل و شمایل در اروپا بد جلوه می‌کرد، بنا به گفته و رأی حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم، شاه او را از مسکو به تهران برگرداند»

بامداد درباره‌ی نامه‌ی انیس الدوله به شاه و درخواست ابقاء رکن الدوله محمدتقی میرزا، فرزند چهارم محمدشاه برادر کوچک صلیبی ناصرالدین شاه در حکومت فارس، چنین می‌نویسد: «رکن الدوله در اواسط سال ۱۳۰۹ هجری قمری با تقدیم پیشکش قابلی به شاه به استانداری فارس منصوب شد. هفت ماه از استانداری او نگذشته بود که دیگران داوطلب و حاضر شدند که پیشکشی زیادتری داده به استانداری فارس منصوب شوند. رکن الدوله از این قضیه مطلع شد و به وسایلی حکومت خود را در فارس تثبیت نمود. از جمله به انیس الدوله زن سوگلی ناصرالدین شاه متوسل و او در نزد شاه اقداماتی نمود و رکن الدوله تغییر نکرد. انیس الدوله راجع به تغییر ندادن او این نامه را به ناصرالدین شاه می‌نویسد:

قربان خاک پای مبارکت کردم. جواب عریضه‌ی رکن الدوله را نفرموده‌اید. آدمش مطالبه می‌کند. دستخط در عریضه مزین التفات فرمایید. باری شنیدم که حکومت شیراز را باز تغییر داده‌اید. والله خیلی تعجب است که بیچاره رکن الدوله هفت ماه است رفته با آن همه خسارت. اگر برای پیشکشی است از خود شاهزاده بگیرید و خودش باشد. این طورها که پدر رعیت بیچاره در می‌آید. رعیت این طور تمام می‌شود. حاکم که از خودش نمی‌دهد. دور از مروت است. از هر جهت بیچاره‌ها تمام شده‌اند. عریضه را به دست کسی ندهید. محرمانه ملاحظه فرموده پس بدهید خواجه بیاورد.

ناصرالدین شاه در بالای عریضه‌ی انیس الدوله چنین دستخط می‌نماید: «رکن الدوله حاکم است. جواب عریضه‌اش را هم با تلگراف دادیم. دیگر جوابی ندارد که داده شود.

دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه چند جا از انیس الدوله و مقام و کارهای او یاد کرده است. از جمله می‌نویسد:

«صیغه‌های محترم دیگر که از شاهزاده خانم‌ها نبودند؛ انیس الدوله که در واقع ملکه بود ولی فرزندی نیاورد. شاه او را از دل و جان دوست داشت و چندین بار خواست وی را در زمره‌ی زنهای عقدی خویش درآورد، ولی او نپذیرفت و اظهار داشت که نمی‌خواهد ساعت سعد زناشویی خود را برهم زند. پس از کشته شدن شاه روزی برایش دسته‌ای اسکناس آوردند و چون تمثال شوهر را روی

آنها دید چندان بر سینه و شکم کوفت که سخت بیمار شد و پس از چند ماه به همسر خویش پیوست»

و نیز می‌نویسد:

«آشپزخانه انیس‌الدوله جداگانه بود و دری به خارج داشت. همه روزه برای او سفره‌ای بس رنگین و مزین می‌چیدند که گویی برای ضیافتی گسترده باشند

«انیس‌الدوله همه جا پیوسته در عمارت اختصاصی در کنار شاه به سر می‌برد» «در عید میلاد شاه (ششم صفر) سه ضیافت باشکوه برپا می‌شد: یکی در عمارت انیس‌الدوله ... و انیس‌الدوله از بانوان سفرا و دیگر مأموران اروپایی مقیم تهران و همسران وزرا و اعیان و اشراف دعوت می‌کرد... و از میهمانان پذیرایی می‌نمود

«در مراسم تعزیه‌داری ماه محرم و صفر، حرکت دادن علم خاص شاه در سوم محرم معمول می‌گردید... علم را که پنجه‌ی بزرگی از زر ناب بر بالایش می‌درخشید به اندرون می‌آوردند و انیس‌الدوله متصدی بستن و زینت آن بود. به انواع جواهر و طاقه‌ی شال و زری گرانبها می‌آراست و آن را کنار حوض بزرگ اندرون قرار می‌داد و دوستکامیهای بزرگ پر از شربت کنارش می‌نهاد و زندهای شاه و دیگر اهل حرم، که بالغ بر سه هزار تن می‌شدند، گرد علم حلقه می‌زیستند و انیس‌الدوله در پای آن ایستاده شربت می‌داد

محمد علی خان سدیدالسلطنه‌ی مینایی بندرعباسی در سفرنامه‌ی خود با نام «التدقیق فی سیر الطریق» در شرح سفر خود به شهر جمادى‌الثانیه ۱۳۱۴ هجری قمری می‌نویسد: «دو سال است حکومت قم با محمدحسن خان معظم‌الدوله امیرتومان است، برادر انیس‌الدوله و بسیار مقدس و پرهیزگار است. انیس‌الدوله متعلقه‌ی ناصرالدین شاه که در اواخر «حضرت قدسیه» لقب داشت دو ماه است وفات یافته است. تولیت موقوفات

برطبق مندرجات وقفنامه، تولیت موقوفات در زمان حیات وقف‌کننده با خود ایشان بوده است بدون دریافت حق تولیت (از تاریخ وقف، رجب‌المرجب ۱۳۱۱ هجری قمری تا درگذشت ایشان در ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ هجری). پس از آن با برادران وی حاجی حبیب‌الله خان و محمدحسن خان امیرتومان و بعد از آنان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن، با تقدم بطن اول بر بطن ثانی که در هر طبقه از این دو نسل، یک نفر از پسران اصلح و ارشد ایشان معاً متولی خواهند بود. و با نبودن اولاد هر یک از اخوان و تعدد ذکور از دیگری، تولیت موقوفه با دو نفر اولاد ذکور اصلح از دیگری خواهد بود. و با فقدان اولاد ذکور مطلقاً یا فقدان وصف تولیت، راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافتی طهران.

برطبق این شروط، تولیت موقوفات با دو برادر حبیب‌الله خان معظم‌السلطنه و محمدحسن خان امیرتومان معظم‌الدوله بوده

است. حبیب‌الله خان معظم‌السلطنه دو پسر داشت: عباس خان معظم‌السلطنه‌ی دوم و حاج محمد خان.

معظم‌السلطنه‌ی دوم از همسر عقدی خود دختر معاون لشکر ایروانی سه دختر و چهار پسر به نامهای ابراهیم انیسی (معظم‌السلطنه‌ی سوم)؛ فرج‌الله انیسی؛ حسین انیسی و مهدی انیسی داشت و از همسران غیرمعهوده خود نیز دو دختر و سه پسر با نامهای ابوالفتح انیسی، ابوالقاسم انیسی و مرتضی انیسی. اما ظاهراً پس از درگذشت برادران خانم انیس‌الدوله، با آنکه تولیت می‌بایست با اولاد هر دو برادر باشد، امر تولیت در خانواده محمدحسن خان معظم‌الدوله امیرتومان برقرار شده و پس از حاج محمدخان به فرزند او مرحوم محمود خان انیسی که از صاحب منصبان وزارت فرهنگ بود و دیری ریاست دبیرستان شرف را داشت و در بازار آهنگران منزل او بود، رسید. محمودخان سالیان دراز به امر تولیت قیام و اقدام مجدانه داشت. پس از درگذشت ایشان در سال ۱۳۵۵ شمسی مقرر بود که فرزند ایشان امیر یا یکی از فرزندان معظم‌السلطنه‌ی دوم تولیت را برعهده بگیرند، اما از فرزندان معظم‌السلطنه، ابراهیم انیسی و فرج‌الله انیسی و ابوالفتح انیسی در گذشته بودند و ابوالقاسم خان و مرتضی خان تن به قبول مسؤولیت تولیت ندادند و امیر فرزند محمدخان انیسی نیز در جوانی درگذشت و در آن خاندان فردی که از عهده‌ی این مهم برآید نبود به همین دلیل مهدی خان

انیسی، فرزند بازمانده‌ی معظم السلطنه‌ی دوم تولیت موقوفات را برعهده گرفت و پس از ایشان چندی فرزند ایشان سعید انیسی فرزند فرج‌الله انیسی و دیگر عباس انیسی فرزند ابوالفتح انیسی مشترکا با موافقت اداره‌ی کل اوقاف، تولیت را در دست گرفتند و تمشیتی در کار موقوفات از نظر تعمیرات و تجدیدنظر در مال‌الاجاره‌ی مستغلات موقوفه با رضایت مستأجران دادند، و با جلب رضایت رعایای قریه‌ی کاشانک در آن موقوفه نیز اقدامات سودمندی کردند که موجب رضای خدای تعالی و خشنودی روان وقف کننده و سپاس بر خورداران از خوان احساس وقف گردیده است. اینک متن وقف‌نامه‌ی مرحومه‌ی انیس الدوله:

وقف نامه‌ی شمس فلک عصمت و طهارت بانوی حرم جلالت نواب مستطاب علی‌هی متعالیه حضرت قدسیه انیس الدوله دامت شوکتها

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی الضمائر و المطلاع علی السرائر. الذی رحمته واسع علی العباد و اسبل غفرانه علی من ینبغی سبل الرشاد و صلی الله علی محمد و آله المعصومین الامجاد الی یوم التناد. و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الميعاد.

بعد الحمد و التسلیم، ستایش و سپاس مر خداوند رحیمی را سزااست که نعم بی‌منتهی و انعام عامش وقف است بر کافه‌ی موجودات و مخلوقات و الطاف بی‌پایانش متواتر بر جمیع موجودات. کریمی که از خوان کرم و احسانش پیوسته عالم و عامی ریزه‌خوار و از الطاف بی‌اندازه‌اش [منعم و درویش] بهره‌بر. وهابی که از قدرت کامله‌اش از مستغلات جودش هر روزه روزی موجودی را به عرصه‌ی ظهور نمود آورد و آن را بر هر یک از موجود روزی بخشید، تا وجودشان پاینده و پردوام ماند. تعالی شأنه و عظم سلطانه. و درود نامحدود بر پیغمبر محمودی را سزد که دین قویم و شرع مستقیمش در ربع مسکون منتشر گردید. هر تنی که در او توفیق ایمان مضمر و مستتر بود به راهنمایی صاحبان در گاهش از طریق انحراف منصرف گشته، به سرمنزل ایمان کامل و سعادت ابدیه‌ی جاودانی رسیده.

و صلوات زاکیات متوالیات متکاثرات بر آل اطهار او باد که هر یک در انجمن امامت بی‌مثل و نظیر و در محفل شرافت بی‌عدیل و شبیه‌اند. خصوصا امیرالبرره و قاتل الکفره و الفجره امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام باد.

فبعد چون این معنی از شائبه‌ی ارتیاب میرا و معرا، که دنیای فانی را بقایی نیست، پس شخص عاقل باید کمال همتش مصروف به امور آخرتش باشد و آنی و دقیقه‌ای از موت و تدارک بعد از موت غفلت نداشته باشد و آنچه سعی است در امور آخرت خود داشته، اعتمادی به غیر خود ننماید که گفته‌اند:

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس تو پیش فرست

و تعجیل در امور آخرت مطلوب و تسامح غیر مرغوب، چنانچه فرموده‌اند: «اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدًا و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا». کذا «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوه له».

لهذا توفیقات ربانی و سعادت ابدیه‌ی جاودانی شامل احوال خیریت اشتغال حضرت مستطاب شمس فلک رفعت خدارت. درخشنده‌ی برج عصمت و طهارت، محتجبه به حجاب عزت و سعادت، بانوی حرم جلالت، صدرنشین سریر سلطنت، مستوره‌ی آفاق حضرت مستطاب علی‌هی متعالیه انیس الدوله، دام اجلالها و توفیقاها، با تحقق کافه‌ی شرایط صحت و شرعیت در محضر جمعی از اجله‌ی علمای اعلام و مجتهدین فخام - ادام ظلهم العالی - قریه‌ی الی الله تعالی و طلبا لمرضات الله، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلص صریح ملی فرمودند همگی و تمامی کل شش دانگ قریه‌ی کاشانک، من قرای بلوک غار ری، حومه‌ی دارالخلافتی ملکی متصرفی خودشان، با کافه‌ی ملحقات شرعی و عامه‌ی منضمات عرفیه‌ی آن از اراضی و صحاری و مزارع و مراتع و قلعه و بیوتات و قنات و مجاری رود و انهار و اشجار و غیرها مما یتعلق بها و ما یضاف الیها که لغایه الشهرة و الاشتهار فی محله

عند اهله غنی التحدیدست. به انضمام کل شش دانگ کاروانسرای مشهور به سه دالانی ملک در راستا بازار مرحمت پناه امیر طاب تراه. به انضمام اراضی که در عقب سه دالانی ابتیاع فرمودند مع جمیع ما یتعلق بها شرعا من القديم الی الآن، از صحن و دالان و بارانداز و حجرات تحتانی و فوقانی و ارسی و دروب و ابواب و غیرها ذکر ام لم یذکر و سمی ام لم یسم که لغایه الشهرة و الاشتهار فی محله مستغنی است از ذکر حدود. و به انضمام سه دانگ مشاع از کل شش دانگ یک باب دکان بزازی و همگی و تمامی سه دانگ از شش دانگ دکان سقط فروشی که به شرح قباله‌ی ابتیاعی معین است، واقعه در قرب سرای مزبوره محدوده به حدود ذیل السطر با جمیع توابع شرعیه و لواحق عرفیه‌ی آنها. حدود بزازی: (حدی به شارع بازار، حدی... حدی... حدی). (حدود سقط فروشی: حدی به شارع بازار. حدی... حدی... حدی).

از طاق بازار و جدران و ارسی جلو دکان و غیرها عرصه و اعیانا بقدر الحصه النصفیه، همگی و تمامی را برجها و مصارف مقررہ مفصله‌ی ذیل الکتاب، به اینکه همه ساله متولی هر زمان منافع رقبات و اعیان موقوفه را اخذ و استیفای آن را نموده، اولاد و عشر از تمام منافع را مقدما علی التعمیر و المصارف از بابت حق التولیه و النظاره از برای متولی غیر زمان واقفه‌ی خیر موفقه‌ی معظمه دامت شوکتها منظور فرمایند، و در زمان تولیت خود واقفه‌ی معظمه دامت شوکتها این یک عشر مقرر نشد، همان یک عشر حق النظاره به شرح ذیل مقرر است؛ و ثانیاً همه ساله معادل دوپست و شصت و پنج تومان به جهت شموعات روضات منوره‌ی مقدسه، که شرح آنها در ذیل مسطورست، موضوع نمایند:

روضه‌ی مقدسه‌ی حضرت مولای متقیان علیه صلوات الله الملك المنان: دو شمع؛

روضه‌ی منوره‌ی حضرت ابی‌عبدالله الحسین ارواح العالمین له الفداء: دو شمع؛

در روضه‌ی مطهره‌ی حضرت ابی‌الفضل صلوات الله علیه، دو شمع؛

در روضه‌ی منوره‌ی کاظمین (ع)، دو شمع؛

روضه‌ی مطهره‌ی عسکریین (ع)، دو شمع؛

در سرداب مقدس، یک شمع.

ثالثاً مصارف لازمه‌ی عین موقوفه از قبیل تنقیه و لایروبی قنات و تعمیرات لازمه‌ی عین موقوفه را مقدم دارند که رقبات موقوفه همواره معمور و دایر باشد. بعد از این مصارف ثلثه به همین ترتیب که مسطور شد، آنچه از منافع موقوفه که باقی ماند نصف از تمام آن را در مصارف تعزیه‌داری خامس آل عبا ابی‌عبدالله الحسین ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء و سایر ائمه‌ی معصومین و اولاد امجاد ایشان و ذکر مناقب ایشان صلوات الله علیهم اجمعین از قهوه و غلیان و جای و اطعام و تدارک لوازم مجلس و اجرت راثی و امثال ذلک در هر محل و هر قسم که متولی هر زمان صلاح داند و اقرب به ثواب بشمارد از کاروانسرا و خانه و غیرها صرف نماید و نصف باقی را چهار سهم مساوی نموده: دو سهم آن را در مصارف نایب الزیاره‌ی کربلای معلی و مشهد مقدس صرف نمایند و یک سهم در افطاریه‌ی شهر رمضان که در مجالس افطار ذکر مصیبت حضرت ابی‌عبدالله ارواح العالمین له الفداء هم بشود، به هر نوع که متولی صلاح داند در هر مکان که خواهد صرف نماید. و یک سهم باقی را در مطلق خیرات و مبرات از قبیل عروسی عزاب از سادات و علویات و غیرهم و تجهیز و تکفین فقرای از اموات و یا ابتیاع و طبع نمودن کتب علمیه از برای محتاجین از اهل علم و امثال اینها، هر چه به نظر متولی عصر اقرب و اصلح باشد صرف نمایند. و تمامی مراتب مسطورہ و مصارف مقررہ باید به نظارت نظار باشد که در هر عصر صرف شود. و تولیت موقوفه مادام حیاتها، اطال الله بقائها، با خود واقف موفقه‌ی معظمه دامت شوکتها شرط شد و بعد از عمر طبیعی، تولیت عین موقوفه مرجوع و مفوض است با اخوان عظام ایشان مقرب‌ی الخاقان معتمدی السلطان آقای حاجی حبیب‌الله خان و آقای محمدحسن خان امیرتومان دام اقبالهما العالی. و بعد از ایشان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن با تقدیم بطن اول بر ثانی که در هر طبقه از نسل مشارالیهما یک نفر اولاد ذکور و اصلح و ارشد ایشان معا

متولی خواهند بود و با عدم اولاد بالنسبه هر يك از اخوان و تعدد ذكور از ديگري توليت موقوفه با دو نفر اولاد ذكور اصلح از ديگري خواهد بود و العياذ بالله با فقدان اولاد ذكور مطلقا يا فقدان وصف، توليت از موقوفه راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرايط دارالخلافتي طهران با تعاقب الليل و النهار و القرون و الاعصار حق التوليه حق ايشان بالسويه و بالمناصفه خواهد بود.

اما امر نظارت موقوفه مفوض است به دو نفر مجتهد عادل دارالخلافت و حسب الشرط، تعيين اين دو نفر مادام حيات واقفهي معظمهي مجلله دامت شوكتها راجع است به نظر و تشخيص خود ايشان كه هر كه را بخواهند معين فرمايند و در اين تاريخ واقفهي خير موفقهي معظمه دامت شوكتها معين فرمودند از براي نظارت موقوفه جنابان مستطابان شريعتمداران ملاذی الاسلام و المسلمين عمدتي الفقهاء و المجتهدين آقای آقا شيخ فضل الله نوري و آقای آقا شيخ محمدحسن طهرانی سلمهما الله تعالى، و حسب الشرط يك عشر از منافع موقوفه حق اين دو نفر ناظر است و امر نظارت منتهی می شود در زمانی كه متولی موقوفه دو نفر مجتهد جامع الشرايط دارالخلافت باشد كه در آن زمان ناظري مشروط نشده و عشر حق النظاره بايد تعطيل شود و در جزء منافع موقوفه به مصارف مقرر صرف شود.

و كذا قربه الى الله تعالى وقف صحيح شرعي و حبس مخلد صريح ملي فرمودند همگي و تمامی عرصه و اعيان كل شش دانگ عمارت ملكي متصرفي خود را واقعه در كربلاي معلى قرب صحن مقدس حضرت ابی عبدالله ارواح العالمين له الفداء محدوده به حدود ذيل: حدی... حدی... حدی... حدی... حدی...

كه از ورثه‌ی مرحوم طوبی مكان آقا شيخ عبدالحسين مجتهد طهرانی اعلى الله مقامه خريداري فرموده اند با جميع توابع شرعيه ان كائنا ما كان بر سقايه‌ی صحن مقدس حضرت ابی عبدالله و صحن مطهر حضرت عباس عليهما السلام كه هر ساله متولی موقوفه اجاره‌ی آن را گرفته، بعد از مصارف تعميرات لازم، آب خريداري نموده در صحن مباركه سبيل نمايند. و توليت موقوفه‌ی مسطوره با خود حضرت عليه‌ی واقفه است و بعد از ايشان با مجتهد جامع الشرايط كربلاي معلى و با نبودن، با مجتهد جامع الشرايط نجف اشرف است. و صيغه‌ی وقف مستجمعهً بجميع شرايط الصحه و حاويهً للاحتياطات الشرعيه جاری و شرايط صحت و لزوم از قبض و اقباض توليتي و حكومتي در آن مرعي گردد.

توضيحا لما رقم اينكه حضرت مستطاب عليه‌ی عاليه دامت شوكتها محض اتقان امر وقف مجمعي از اجله‌ی علمای اعلام و مجتهدين فخام، ادام الله ظلهم العالی، تسكين و تشریف فرموده، اولاً املاك و رقبات مفصله را از شبهات شرعيه خارج و رعايت اباحه‌ی حليت واقفيت آنها نموده و بعد در همان مجلس صيغه‌ی وقف به ترتيب شرعي جاری و شرايط صحت و شرعيت در آنها مرعي گرديد. فصار وقفا دائماً ابدياً مخلداً صريحا و آنكه موارد وقف بالنسبه به مستغلات دارالخلافت تا دو سال هلالی از تاريخ وقف و بالنسبه به قريه‌ی مزبوره تا رفع دو محصول مسلوب المنفعه است. فی عشر اول رجب المرجب ۱۳۱۱ [هجري قمری].

«آنچه در اين وقف نامچه نوشته شده به اذن و اجازه‌ی من واقع شده صحيح است.» محل مهر نواب مستطاب عليه‌ی عاليه متعالیه حضرت قدسيه انيس الدوله دامت شوكتها. سجلات

حسب الامر و فرمايش نواب مستطاب عليه‌ی عاليه شمس فلک عصمت و طهارت حرم جلالت عظمی حضرت قدسيه انيس الدوله دامت شوكتها و توفيقها [...] املاك مفصله‌ی ايشان در جزء كتاب لثالی الاخبار به طبع رسيد كه در هر جلدی از هفت صد جلد اين كتاب يك نسخه از اين وقف نامچه باشد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه.

هو الله تعالى شأنه العزيز - نواب عليه‌ی عاليه متعالیه دامت شوكتها و عفتها [...] مرقوم فرموده و به فقرات مرقومه در اين كتاب اقرار و اعتراف می فرمايند. پنجم ذی حجه الحرام ۱۳۱۱. محل مهر جناب مستطاب حجه الاسلام آقای [...] امام جمعه‌ی طهران

بسم الله تعالى - قد وقع وقف الاملاك مسطوره من الواقفه المعظمه دامت شوكتها و توفيقها بجهات المرقومه و الشرايط المفصله من التوليئه و النظاره، من القبوض و الاقباض لدى. حرره في شهر رجب المرجب من شهر ۱۳۱۱. محل مهر جناب مستطاب آقای حاجي

شیخ اسماعیل طهرانی سلمه الله تعالی [...]

«بسم الله تعالی - وقع الوقف من الواقفة الموقفة بالرقبات المسطورات فی الورقة للمصارف المعینة مع الشروط المزبورة و التولية و اعتراف بالقبض مع مراعات لازمة الاحتیاط لدى الاحقر فی العشر الأول من رجب المرجب ۱۳۱۱. محل مهر شریف جناب مستطاب عمدة العلماء الاعلام شریعتمدار آقای آقا سید علی اکبر مجتهد تفرشی سلمه الله تعالی.

آنچه مرقوم فرمودند صحیح است و واقع شده. محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار قدوة الفقهاء الفخام آقای حاجی میرزا حسن مجتهد آشتیانی سلمه الله تعالی.

بمنه تعالی - نعم قد صح و اتضح وقوع الامر عن النواب العلیة العالیة دامت خدارتها تحسبما هو مشروح فی هذه الاوراق عقدا و قبضا و تولیة و النظارة الامر حرره العاصی [...] عبدالله البهبهانی فی شهر ذی الحجة ۱۳۱۱. محل خاتم شریف جناب مستطاب عمدة العلماء العظام آقای آقا سید عبدالله سلمه الله تعالی.

بسم الله خیر الاسماء - قد وقع وقف الاملاک و الرقبات المسطورات من الواقفة الموقفة المعظمة ادام الله ایام توفیقها علی [...] المصارف المقرره بالشروط المزبورة من التولية و النظارة مع رعیة الشروط المعتره من القبض و الاقباض بعد رعیة الاحتیاط و تخلص الاملاک عن الشبهات الشرعیة فی العشر الاول من شهر رجب المرجب ۱۳۱۱ - محل مهر شریف جناب مستطاب زین العلماء الکرام آقای آقا شیخ محمد حسن مجتهد طهرانی سلمه الله تعالی.

بسم الله و له الحمد - [...] الاعتراف منها، ادام الله تعالی عفتها و عصمتها و توفیقاتها، بتمام ما رقم فیه فی السادس من شهر ذی الحجة الحرام من شهور ۱۳۱۱ - محل

مهر شریف جناب مستطاب عمدة العلماء الکرام آقای آقا سید باقر صدر العلماء سلمه الله تعالی.

بسم الله الرحمن الرحیم. وقع الوقف قربه الی الله تعالی من الواقفة المعظمة الجلیلة العالیة دام [...] و توفیقها علی المصارف المسطورة و جعل التولية و النظارة المشروطة: [...] بقبول من یصح منه القبول [...] للقبض و الاقباض و كذلك الوقف الثانی بالنسبة [...] المعینة فیه [...] الاول و الثانی فی ثمانیة عشر صفحه بعد مراعات [...] الشرعی فی الفقرتین [...] من شهر رجب المرجب لدى الاحقر فضل الله نوری ۱۳۱۱ حرره فی ستہ نسخ. محل مهر شریف جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا شیخ فضل الله مجتهد نوری سلمه الله تعالی.

بسمه تعالی - قد وقع الوقف المزبور من الواقفة المعظمة دامت شوکتها للمصارف المقرره علی حسبما فصل و سطر فی الاوراق المسطورة من البدایة الی النهایة و صح الاعتراف بالقبض لدى فی عشر الاول من رجب المرجب من شهور ۱۳۱۱. محل مهر شریف جناب مستطاب آقای آقا سید حسن پیشماز شوشتری سلمه الله تعالی .

بسمه الله تعالی - قد تحقق اقرار الواقفة الموقفة زید توفیقها بصرحة ما فی هذه الاوراق فی نسخ ستہ حرره فی سلخ محرم ۱۳۱۲ - محل خاتم شریف جناب مستطاب قدوة الفقهاء و المحققین آقای آقا سید ریحان الله مجتهد بروجردی سلمه الله تعالی.

هو قد اعترفت دامت شوکتها و توفیقها بتمام ما نسب الیها فی هذه الاوراق. فی غرة شهر رجب ۱۳۱۲ محل خاتم شریف جناب عمدة العلماء آقای آقا شیخ محمد نبی مجتهد تویسرکانی سلمه الله تعالی.

چنانکه در مقدمه اشاره کردیم چند تن از نیکوکاران که در بازار تهران املاکی داشتند یعنی آقایان محمدرضا حاجیها و علی بابا اصفهانی مالکین سرای عالی و آقای محمدتقی عبداللهیان مالک مستغلاتی در بخش هشت بازار امامزاده زید تهران هر یک بخشی از املاک متعلق به خود را وقف کرده‌اند. و نکته‌ی قابل توجه آن است که موقوفات خود را تابع شروط وقفنامه‌ی مرحومه‌ی انیس‌الدوله از جمیع جهات (مصرف در آمد موقوفات و متولی آن) قرار داده‌اند و این امر بدیع شاید در مسئله‌ی وقف احتمالا کم سابقه باشد. بدیهی است ممکن است مصارفی که مرحومه‌ی انیس‌الدوله برای در آمد موقوفات خود در نظر گرفته بوده است از هر جهت با نیت خیرخواهانه‌ی واقفان مورد اشاره موافقت داشته است، اما تفویض تولیت موقوفات به متولیان موقوفات انیس‌الدوله

تازگی داشته است و می‌توان حدس زد که شخصیت مرحوم محمودخان انیسی، متولی وقت موقوفات انیس‌الدوله، و کیفیت عمل او در مصارف صحیح درآمد، مطلوب واقفان قرار گرفته و به تفویض تولیت موقوفاتشان به ایشان واداشته باشد. به هر حال بر نیت خیرشان ارج می‌نهمیم و عملشان را عندالله مأجور مستلت می‌نماییم. بر گرفته از کتاب: پایگاه راسخون

آقا کمال

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وقفنامه‌ی مدرسه‌ی سلطان حسینی

نویسنده: رسول جعفریان معروف به مدرسه‌ی آقا کمال درآمد

بحث از اهمیت وقفنامه‌ها به ویژه وقفنامه‌های مدرسو تأثیر آنها در بازشناسی نهادهای آموزشی عصر صفوی خارج از حوصله‌ی این مقدمه است. در اینجا صرفاً درباره‌ی این وقفنامه و واقف آن اشاراتی خواهیم داشت. وقفناه حاضر از وقفنامه‌های جالبی است که از اواخر دوره‌ی صفوی، که به حق باید آن را «عصر وقف» نامید بر جای مانده است. عامل عمده این موقوفات طبقه آقایان یعنی خواجه‌های (۱) وابسته به دربار بودند که بدلیل بستگی به دربار، از ثروت هنگفتی برخوردار می‌شدند. از آنجا که آنان فرزندی نداشتند تا خود ثروت را به ارث بگذارند، یا آن را در سفر عبتات و حرمین شریفین خرج کرده و یا صرف خیرات و میرات می‌نمودند. بهترین مصرف آن ایجاد مسجد و تکیه و مدرسه و رباط بود. آنان، پس از ساختن این اماکن، موقوفاتی برای آنها قرار می‌دادند تا مخارج اماکن مزبور به راحتی تأمین شود. بدون این موقوفات، این اماکن به سرعت روبه انحلال و اضمحلال می‌رفت. یکی از آقایان که از چهره‌های برجسته دوره شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۶) بوده آقا کمال است.

وی صاحب جمع خطانه عامره بوده و توان گفت که به عبارتی وزیر مالیه دولت وقت بوده است. میرزا سمعیاً درباره‌ی شغل مزبور می‌نویسد: شغل صاحب جمع خزانه‌ی عامره آن است که صاحب جمع مزبور مقرب الخاقان و آنچه از نقد و جوهات ممالک محروسه و دارالسلطنه‌ی متعلق به سرکار دیوان است،

به تحویل صاحب جمع خزانه‌ی عامره مقرر بود و هر یک از عمال و حکام و مباشرین مالیات دیانی، تأخیر در وجوه انفادی خزانه‌ی عامره می‌نمودند، صاحب جمع خزانه به جهت وصول انفادیات خزانه، توابعین خود را محصل و به ولایات فرستاده جوه تحویلی را و وصول و ابواب جمع خود می‌نمود (۲).

وی به عنان نمونه از «آقا کمال» یاد می‌کند که چندین سال متوالی این سمت را در اختیار داشته است:.... آقا کمال صاحب جمع به خدمت پادشاه سابق عرض و حاجی مهدی خان [که نام وی را نیز در همین وقفنامه داریم]. معتمد خود را محصل و هر ساله مومی الیه تمام و کمال وصول و انفاد خزانه‌ی عامره می‌نمود و آنچه انفس اجناس سر کار خاصه‌ی شریفه است، خواه از جواهر یا اقمشه‌ی نفیسه‌ی پیکش، از کتاب و سمور و زربفت و سایر اجناس بسیار تحفه، در خزانه‌ی عامره به تحویل مشار الیه مقرر و صاحب جمع خزانه در نهایت اعتبار و کمال اقتدار و کلید دار خزانه نیز از معتبرین خواجه سرایانست (۳) بر اساس یکی از احکامی که از شاه درباره‌ی موقوفات آقا کمال صادر شده وی در سال ۱۱۰۷ پست صاحب جمعی را عهده‌دار شده است.

آقا کمال از شخصیت‌های متنفذ در دربار بوده است، شخص دیگری نیز از همین آقایان احمد آقا نام داشته که یوز باشی غلامان خاصه بوده و او نیز نفوذ زیاد در شاه داشته است. گفته شده که زمانی احمد آقا آن چنان جرأت یافته که به وزیر اعظم نیز دشنام داده است. (۴) شاعری ناشناخته از همین دره فصلی از چکامه‌ی خود از عنوان مکافات نامه (۵) را به وضع آقایان و تأثیر فراوان اما

نامطلوب آنها در درباره شاه اختصاص داده و از آقا کمال و احمد آقا یاد کرده است:

ز خواجه سرا خامه را نفرت است
 که مقبولشان گنده و نکبت است
 چه این ناقصان نه مرد و نه زن
 خدا ناشناسان ابلیس فن
 نه از نوع انسان نه از جنس دد
 ندانستند کاری بغیر از لگد
 نه عقل و نه فهم و نه دین و نه داد
 نه آب و نه آتش نه خاک و نه باد
 نه ابلیس و نه جن و نه دیو و نه غول
 نه کافر نه مسلم نه رد نه قبول....
 ز محمود و فعلس دو محمود زاد
 ز احمد هم این احمد به نژاد
 کمال از کمالش به ما شوم شد
 ز ادراکش ادراک معدوم شد

و در جای دیگر درباره‌ی نفوذ آقا کمال و آقا بر شاه می‌گوید:

ولی حرف فراش آقا کمال
 بود وحی منزل خلافتش محال
 اگر احمد آقا شدی مدعی
 نبودی ز انکار حق مانعی

به هر روی این خواجه سرایان مورد تنفر اقشاری از مردم بوده‌اند به ویژه که نوعاً اصالت خانوادگی نیز نداشتند چنانکه خانواده نیز نداشتند. در برابر آنان وفادار به دربار بوده و حیاتشان در گروه همین وفاداری بود.

آقا کمال در طول سالهای ۱۱۰۷ تا ۱۱۳۳ کار وقف رقبات این وقفنامه را انجام داده است. تاریخ اول، قدیمی ترین تاریخی است که در یکی از فرامین شاه درباره موقوفات آقا کمال آمده و تاریخ دوم، آخرین تاریخی است که در یکی دیگر از فرامین شاه آمده است. وقفنامه حاضر از روی یکی از چند نسخه‌ای که بر اساس نسخه‌ی اصل که طومار بوده نگاشته شده، به چاپ می‌رسد.

پیش از آنکه متن وقفنامه را بیاوریم لازم است درباره‌ی مدرسه مورد نظر توضیحاتی بدهیم. متأسفانه بر خلاف نظر واقف که تمام کوشش خود را برای حفظ مدرسه انجام داده و با نوشتن وقفنامه‌ای با این دقت راه را بر هر گونه سودجویی بسته، امروزه هیچ اثری از این مدرسه بر جای نمانده و حتی جای آن نیز مشخص نیست. به احتمال قوی از موقوفات آن نیز خبری نباشد جز آنکه ما بی‌اطلاع مانده باشیم. از یکی از فرامین شاه که در حاشیه وقفنامه آمده بدست می‌آید که آقا کمال سال ۱۱۰۷ ساختن مدرسه را آغاز کرده است. همانطور که اشاره شد از این مدرسه اثر باقی نمانده و تنها یادی که از این مدرسه در دست است

بقایای قسمتی از کاشیکاری سر در مدرسه است که در انبار یکی از مساجد اصفهان نگهداری می‌شود. در این باره بهتر است به توضیحات استاد هنر فر فر توجه کنیم. او ذیل عنوان کتیبه مدرسه آقا کمال خازن از آثار دوره صفویه می‌نویسد:

روز دوشنبه ۱۸ خرداد ماه ۱۳۴۳ که باتفاق دوست فاضل آقای سید مصلح الدین مهدوی مشغول تطبیق کتیبه‌های مسج رحیم خان

بودیم دو نفر از خادمین مسجد بنام شکر الله و حسن گنجعلی اظهار داشتند که در انبار مسجد چند قطعه کتیبه سنگی خوش خط نیز وجود دارد و ما را به درون انبار راهمائی کردند، از ملاحظه آثار مزبور معلوم شد که کتیبه متعلق به یکی از هفت مدرسه از بناهای عصر صفویه است که بوسیله آقا کمال خازن خزانه شاه سلطان حسین صفوی بنا شده. آقایان نامبرده اظهار داشتند که قطعات کتیبه را در زیر خاکهای انباشته شده یکی از زوایای مسجد یافته‌اند و تا این تاریخ شخصا از آنها مراقبت کرده‌اند، مؤلف با قدردانی از سعی و اهتمام نامبردگان مخصوصا آقای حسن گنجعلی که علاوه بر خدمت در مسجد به شغل آموزگاری نیز اشتغال دارد و خط نستعلیق را نیکو می‌نویسد در حفظ بقایای یکی از آثار گمنام دوره صفویه بقرائت و عکس برداری از قطعات موجود کتیبه توفیق یافت و بان ترتیب اثر دیگری بر آثار پراکنده عهد صفویه میافزاید. (ظاهرا مصالح بنائی هفت مدرسه در بنای مسجد رحیم خان، کتیبه مزبور هم انتقال یافته و همچنان در این محل جای مانده است، از قرار معلوم دو مدرسه از هفت مدرسه در محله مستهلک جنب شاهزاده ابراهیم قرار داشته است که تدریجا به ویرانی گرائیده و از مصالح آنها در ساختمان مسجد رحیم خان و شبستان مسجد محله نو (مسجد فشارکی) استفاده شده است).

کتیبه مزبور که بخط ثلث فرو رفته بر سنگ پارسی و به قلم عبد الرحیم جزیری خطا معروف دوره‌ی شاه سلطان حسین صفوی است بشرح زیر می‌باشد:

«بسم الله الرحمن الرحيم من فضل الله سبحانه و میامین دوله السلطان الاعظم و برکات خدمه الخاقان الافخم ظل الله فی العالم سید السلاطین قهرمان الماء و الطین السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان لازال بهبه مرجعا لأعظام السلاطین وفق لبناء هذه المدرسه خادمه الخازن لخزانة عطياته الممتاز بالقرب الی حریم سرادقاته آقا کمال جعل الله سعیه مشکورا واتفق اتمامها فی ۱۱۰۸ کتبه عبد الرحیم عمل محمد طاهر» (۶).

از آقا کمال در موارد دیگر نیز یاد شده است. درباره‌ی بنای مدرسه چهار باغ اصفهانی آمده است: ... و مدرسه‌ی سلطانی صد و پنجاه حجره دارد در کمال تکلف ساخته شده به سرکاری آقا کمال صاحب جمع خزانه عامره (۷).

در اشعار اطراف سرسرای مدخل مدرسه چهار باغ که بخ خط محمد صالح اصفهان و مورخ به سال ۱۱۱۹ است چنین آمده:

وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان

پادشاه شیعیان، جان جهان سلطان حسین

آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی

آنکه از خلق و کرم بگرفت حد مشرقین

شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال

کز کمال عقل و دانش، عقل و دانش راست عین (۸).

و در اشعار منقوش بر دست اندازهای چوبی غرفه‌های فوقانی مدخل مدرسه چهار باغ آمده است:

به عهد دولت سلطان حسین شاه جوان

که از عدالت او گشت ملک و دین آباد

ز صدق بود چو آقا کمال سر کارش

شد مست منزل اهل کمال و استعداد

قلم گرفت و ن.شت از هری بتاریخش

بنام مدرسه شد شه از کمال آباد (۹).

و در اشعار سراسری شمالی مدرسه به خط محمد صالح اصفهانی آمده:

ابر عالمگیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین
یافت چون اتمام این عالی بنا از وجود شاه
.... داد چون سرکاری آقا کمالش زیب و زین (۱۰).

مشهورترین آنها محمد باقر حسینی خاتون آبادی و محمد حسین تبریزی آخرین ملاباشی عصر سلطنت شاه سلطان حسین است .
علاوه بر اینها نام زین الدین عاملی، محمد شفیع خراسانی و حسین بن حسن گیلانی دیده می‌شود. متن وقفنامه
بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست موقوفات عالیجاه مقرب الخاقانی مؤتمن السلطانی آقائی مستغنی الألقاب و الاوصافی آقا کمال ریش سفید حرم محترم
علیهی عالییه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره - زید اقباله العالی - که تولیت آنها با بندگان نواب.... گردون قباب اشرف اقدس
همایون اعلی است و هر کس از سلسله‌ی علیه صفویه که فرمان فرمای ممالک و وسیع المسالک ایران باشد و نظارت آنا مدام الحیات
با عالیجاه واقف و بعده با عالیجاه مقرب الخاقانی توفیق آثاری محمود بیک جبار باشی که حال ناظر بیوتاتست و بعد با عالیجاه
مقرب الخاقانی محمد ابراهیم بیک یوز باشی آقا یانست و بعده به هر کس که به منصب مومی الیه سرافراز باشد، و هر گاه محمود
بیک مشار الیه قبل از واقف داعی حق را لبیک اجابت گوید نظارت بعده از عالیجاه واقف به عالیاه محمد ابراهیم بیک یوز باشی و
بعده به هر کس بوز باشی طرف خسرو آقا بوده باشد متعلق است و اگر آن منصب به احدی مرجوه نشود اختیار تعیین ناظر با بندگان
اعلیحضرت متولی است تا آنکه یوز باشی مزبور تعیین شود و در وقفنامه‌ی ثالثه قید شده که اگر یوز باشی آقایان طرف خسرو آقا
تعیین نشده باشد جبار باشی اگر از آقایان عظام باشد و اگر جبار باشی از آقایان عظام نباشد امیر آخور باشی اگر از آقایان باشد
تا اینکه یوز باشی طرف خسرو آقا تعیین شود و اگر تمام مناصب عالییه که در امر نظارت سرافرازی به آن شرطست به احدی داده
نشده باشد اختیار با بندگان اعلیحضرت متولی است که هر یک از بندگان را مأذون فرمایند که با استصواب عالم متوجه باشد تا
تعیین بوز باشی آقایان عظام؛ و شرط نمود، که بعد از واقف هر کس ناظر باشد به استصواب عالم دینی که ریاست این طبقه‌ی علیه
به او مسلم باشد و از سایر علما در مجلس اعلیحضرت متولی مقدم نشیند و با فقدان وصف مزبور عالمی که به افضلیت اشهر بین
الأنام باشد؛ و با

اختلاف به مختار به قرعه‌ی شرعیه عمل نمایند و تصدی آنها را تفویض نموده به رفعت و معالی پناهان حاجی محمد کبیر تاجر
اصفهانی و حاجی مهدیخان بیک تا بین عالیجاه واقف و حسین بیک اصفهانی که مادام قابلیت و اهلیت داشته باشند به مصلحت
یکدیگر به نسق و ضبط و اخذ حاصل آنها اقدام نمایند و اگر یکی از ایشان غایب باشد یا مانعی داشته باشد نایی تعیین نماید که به
مصلحت متصدی حاضر به امور لازمه‌ی تصدی قیام نماید و هر گاه بعد از حیات واقف، متصدیان یا احدی از ایشان را وفات رسد
و اولاد ایشان قابلیت نداشته باشد به کسی که عالم و ناظر مصلحت دانند بعد از عرض به خدمت اعلیحضرت متولی رجوع نمایند و
حسب الاحکام مطاعه‌ی لازم الاطاعه مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبوره به سیور غال و معافی مدرسه‌ی
احدائیه واقف موسومه به مدرسه سلطان حسینیه و سرکار فیض آثار امام الجن و الانس که موقوف علیهم این اوقافند مقرر و شفقت
شده است و مادام امر نظارت با واقف است حق النظاره را در وجوه خیرات و مبرات صرف نماید.

دفعه‌ی دیگر که وقف است بر مدرسه‌ی احدائیه‌ی عالیجاه واقف واقعه در حوالی و چهار سوق بزرگ عباس آباد اصفهان موسومه
به مدرسه‌ی سلطان حسینیه و بر مصالح آن و مصارف آن را بر این نحو مقرر شده که اولاً- مؤنات زراعات و خرج قنات و تعمیر
عمارات و مستغلات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و روشنائی مسجد و راهروها و متوضاهای مدرسه و فرش مسجد و دو مدرس و
شبستان و فرش جرات هر گاه احتیاج شود و قیمت دلو و ریسمان و چرخ جهت آبکشیدن از حاصل آنها وضع شود و از بقیه‌ی آن به

حق التولیه و یک عشر به حق النظاره‌بی ناظر و عالم بعد از واقف بالمناصفه و نصف عشر به حق التصدی تصرف نمایند و از زبیه‌ی حاصل و مداخله هر ساله پانزده تومان به حق التدریس و هر یوم سه هزار و هفتصد دینار به وظیفه‌ی طلبه‌ی مدرسه که حین الوقف سی و هفت نفر بوده‌اند و چهار تومان به خدام و دو تومان به مؤذن به شرطی که به کار خود قیام نمایند بدهند و در هر شب جمعه یک هزار و پانصد دینار به طلبه‌ی مدرسه‌ی مذکور بدهند که یک ختم قرآن مجید نموده ثواب آن را به روح کثیر الفتوح نواب طوبی آشیان قدس مکان - نور الله مرقده - قربت نمایند و در اوقات متبرکه‌ی مفصله‌ی ذیل:

لیله العیدین، لیله العرفه، لیله (و) یوم عید الغدیر، لیله (و) الیوم المباهله، لیله (و) یوم مولود النبی (ص)، لیله (و) یوم التاسع شهر ربیع الاول، لیله الاولی من رجب المرجب،

لیله الرغائب، لیله المبعث، لیله النصف من شعبان، لیلالی افراد ثلاثه شهر رمضان، لیله الاربعین.

هر شب شش قاب طعام که عبارت از شش من برنج به وزن تبریز و گوشت به وزن مزبور و روغن با سایر اسباب باشد طبخ و طعام طلبه و خدمه‌ی مدرسه‌ی مذکوره نمایند و ثواب آن را به روح نواب و طوبی آشیان قدس مکان قربت نموده و اگر از مداخل موقوفات بعد از مصارف مذکوره چیزی اضافه بماند در مرتبه‌ی فوقانی‌ی مدرسه‌ی مزبوره به قدری که مدرس و ناظر مصلحت دانند، بعد از عرض به خدمت بندگان متولی، حجرات بساطند و اضافه را به سکنه‌ی حجرات فوقانیه بدهند و آنچه از آن اضافه باشد بر وظیفه‌ی مدرس و اهل اضافه نمایند.

قریه مروق سمیرم فارس که حیدر آباد نیز گفته می‌شود با اراضی و صحاری و قنوات و دهکده و حمام و قلعه و طاحونه و غیر ذلک مفصله‌ی ذیل: قنات سرکاه مشهوره به باش کهیریز، قنات موسوم به کمال آباد، قنات موسوم به دولت آباد، رشته قنات حیدر آباد، رسته قنات رفیع آباد، رشته قنات بکو کجه دره، رشته قنات سلطان آباد، رشته قنات حاجی آباد، رشته قنات سیاه کل، رشته جدول رباط آب رودخانه بالتمام، رشته چشمه سبز میدان بالتمام حمام، قلعه، طاحونه، دهکده بالتمام. قریه معموره گندمان ناحیه کیار وارو مزدوج اصفهان با اراضی و صحاری و حمام و باغات و قنوات ثلاثه ذیل و مجاری و خان معین احدائی عالیجاه واقف، قنات مشهوره به قنات معموره، رشته قنات موسوم به کمال اباد احدائی عالیجاه واقف، رشته قنات سنگ سفید احدائی عالیجاه مشار الیه بالتمام. قریه موسومه به کمال آباد من محال سمیرم به قرب مبارکه لنجان اصفهان با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حمام و حصار و غیر ذلک بالتمام. قریه موسومه به کمال اباد من محال سمیرم به قرب مبارکه لنجان اصفهان با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حصار و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی عباس آباد گندمان با اراضی و صحاری و قنات و مجاری و انهار و جدوال و دهکده و قلعه و غیر ذلک سیما اراضی مزرعه‌ی صفی آباد متصله به آن که از آب رودخانه چیغا خور شرب می‌شود بالتمام. مزرعه‌ی علی آباد متصله به کمال آباد مزبور با اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حصار و خیابان و اشجار مغروسه در خیابان و حریم و غیر ذلک قدیم و جدیداً داخلا و خارجاً دایر و بایرا بالتمام. مزرعه کاری من مزارع جی اصفهان با اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و بازارچه

غیر ذلک سیما قنات موسومه به فیض آباد و اراضی تابعه بالتمام.

بازارگاه واقعه در خارج سید احمدیان اصفهان که حین الوقف بیست و یک بابو ثانی الحال بیست و شش باب شده با افزار و انکار که نزد مستأجران است: دکان حدادی، دکان نعلبندی، علافی، عصاره با سنگ آسیاب، ندافی، صباغی با تغار، طباحی با پس دکان، قناده گری، علاقه بندی، رواسی با پس دکان، سفید گری، پالان دوزی، خبازی با زیرزمین، خراطی با زیر زمین، فواکھی با زیر زمین، بقالی با زیرزمین، عطاری با زیرزمین، حلاجی، رزازی با زیر زمین، مصب اتوگری، رزگری، مطب حکیم، تنابکو فروشی با زیرزمین، شماعی، قصابی، کبابی بالتمام - دکاکین متصله به مدرسه‌ی مبارکه‌ی سلطان حسینیه احدائیه عالیجاه واقف موفق مشار الیه هشت باب اصل دکاکین.... باب، انبار خبازی یک باب بالتمام.

محوطه مشتمل بر آئینه تحتانیه و فوقانیه و فضای مربوط به آن واقعه در کنار زاینده رود اصفهان جنب منزل مرحوم میرزا ابو الحسن مستوفی الممالک سابق که به جهت انبار محصولات موقوفات ساخته و انبار داری را به محد قلی بیگ عتیق کوچک مرجوع و چنین قرار دادیم که امام قلی بیگ عتیق دیگر تا هنگام قابلیت محد قلی بیگم ناب او باشد و هر گاه محمد قلی بیگ قابلیت نداشته باشد امام قلی بیگ بالاصاله انبار دار باشد و بعد از ایشان هر یک از عتقاء دیگر او که امانت و دیانت و شایستگی امر مزبور داشته باشند؛ و با تعدد در اوصاف به قرعه عمل شود و بعد از وفات عتقاء... و هر یک از اولاد ذکور ایشان و اولاد اولاد ذکور ایشان و هکذا که شایستگی داشته باشند. با تعدد در وصف مختار، به قرعه و با عدم اتصاف ایشان و اولاد ایشان به وصف مزبوره یا انقراض ایشان و اولاد ایشان ناظر و عالم به کسی که شایستگی داشته باشد رجوع نمایند بالتمام. مزرعه‌ی فیض آباد مشهوره به کشکول از مزارع برخوار از بلکات تسعه‌ی دار السلطنه‌ی اصفهان با توابع شرعیه که آن تا حال جاری نشده است. مسعود آباد برخوار اصفهان که قنات دولت آباد از جمله قنات فیض آباد مشهور به دهچی در اراضی آن شرب می‌شود و قنات آن به اراضی خیر آباد برخوار جاری است بالتمام.

دفعه‌ی دیگر تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی آن به دستور دفعه‌ی اولی و حق التولیه و حق النظاره ناظر و عالم و حق التصدی آن به نحو است که در دفعه‌ی اولی مکتوب شده برین نهج است که بعد از اخراجات تنقیه‌ی قنات و مؤنات زراعات و سایر اموری که مصلحت وقف در آن باشد و سبب آبادی و نما و زیاتی محصول شود و تعمیر عمارات حصص موقوفه که ساخته شده یا بعد ازین ساخته شود و تعمیر و روشنائی مسجد و حمامی که در قریه‌ی کمال آباد ساخته شده و حمام و مسجدی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود و درب و بوریای آنها و سه تومان به مؤذنی و خادمی قیام نماید و همچنین به نحو مسطور در مسجدی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود و بعد هر ساله واقف موفق مادام حیات، مبلغ بیست تومان از حاصل این قوف را در وجوه خیرات و مبرات مصروف دارد و بعد وفاته به امر متولی هر عصر و مدخلیت عالم و ناظر آن عصر، بیست تومان مزبور را هر ساله به جمعی از صلحا و اتقیای سکنه‌ی مدرسه‌ی مزبوره که خاطر از قرائت و دیانت ایشان جمع باشد بدهند که در تمام سال دویست ختم کلام ملک علام از قرار ختمی یک هزار دینار بدین موجب نموده ثواب آن را به روح عالیجاه شهر رجب المرجب، یک ختم، شهر شعبان المعظم یک ختم، شهر رمضان المبارک یک ختم، شهر تسعه‌ی بقیه سال... ختم.

واقف تبرع نمایند و چهار صد من گندم به وزن سابق اصفهان به جهت حمامی قریه مذکوره که حمام را پاکیزه نگاه دارد تعیین نمایند و مثل آن به جهت حمامی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود؛ و هفت تومان تبریزی به جهت طالب علمی که قدری علم فقه داند و در کمال آباد به اجرای عقود شرعیه و تعلیم امور واجبه و تعلیم اطفال ایشان قیام نماید و در تغسیل و تکفین مؤمنین مطلع باشد و همچنین در اشرف آباد و خیر آباد؛ و مبلغ بیست تومان در ایام عاشورا در مدرسه‌ی مزبوره صرف مراسم تعزیه نمایند و دو نفر خادم دیگر به جهت مدرسه‌ی مزبوره تعیین نمایند و تمهه‌ی حاصل و منافع را با آنچه از حاصل وقف سابق باشد به ازای هر حجره‌ی از حجرات مدرسه‌ی مزبوره یومی یکصد دینار و رییس را دویست دینار بدهند و حق التدریس به ضمیمه‌ی آنچه سابق بود تا بیست تومان داده شود و آنچه باقی بماند منوط به رأی اشرف اعلیحضرت متولی و عالم و ناظر صرف مرمت تعمیرات مدرسه و تجدید فروش و وظیفه‌ی طلبه‌ی سکنه و روشنائی آنجا بھر نحوی که رأی ایشان قرار گیرد به عمل آورند خواه به کل این وجوه و خواه به بعض آن، و اگر چنانچه متولی و ناظر و عالم مصلحت دانند که وجه باقی مخصوص تعمیرات و تجدید فروش و روشنائی متوضاها و راهروها و پلکه کانه‌ها و قیمت دلو و چرخ و ریسمان مدرسه شوند مختارند.

قریه‌ی کمال آباد برخوار مشهوره به کنجار که در آن حمام و مسجد و آب انبار فی سبیل الله ساخته شده است. اراضی علیا که آب گرگاب و باینجه و اله آباد و جلال آباد و احمد آباد و رحمت آباد و... زراعت می‌شود مع طاحونه... و دهکده و خیابان و اشجار و غیرها.

اراضی سفلی که قنات کمال آباد مخصوص آن است مع قلعه و دکا کین و دو برج و حمام و دویاغ و خیابان و اشجار و.... و غیرها سیما قنات بایره اشرف آباد بالتمام. مزرعه اشرف آباد بخروار با توابع شرعیه سیما قنات اشرف آباد و قنات کمال آباد و قنات علیا آباد و باغات و طاحونه و غیر ذلک که قدری از آب قنات آن بهر اراضی گرگاب و باینچه شری می شود. مزرعه خیر آباد برخوار با اراضی و غیر ذلک سیما قنات خیر آباد و مسعود آباد و باغات و خیابان و اشجار مغروسه و برج حمام و قلعه که حمام و آب انبار و مسجد در آن فی سبیل الله و فی سبیل الخیر ساخته شد بالتمام. خان آقانور واقع در شاع مورچه خورت برخوار اصفهان با توابع شرعیه که از کرایه‌ی دکان آن تعمیرات ضروریه آن به عمل آید و آنچه باقی بماند به دستور فوق مصروف گردد بالتمام.

دفعه‌ی دیگر که وقف است بر طلبه‌ی سکنه‌ی مدرسه‌ی مذکوره و مصالح و متعلقات آن و بر سکنه و متوطنین نجف اشرف و کربلای معلی و بلاد کاظمین علیهما السلام و بر زورار عبتاب علایات از سادات عظام و طلبه‌ی کرام و صحای ذوی الاحترام که از فرقه‌ی ناجیه‌ی اثنی عشریه و در آن اماکن مشرف ساکن بوده و به جای دیگر نقل نموده باشند و به صفت استحقاق و فقر مصوف باشند و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی به دستور مسطور در دفعه‌ی اولی و ثانیه و حق التولیه یک عشر و حق النظاره‌ی علام و ناظر یک عشر بالمناصفه و حق التصدی یک عشر بالمساواتست. و مصارف این وقف به این نحو شرط و قرار شده که هر ساله اولاً- اخراجات و مؤنات موقوفات از خرج قنات و تعمیر عمارات و مایحتاج الیه انتفاعات و موقوف علیه زیادت‌ی ریع و تکثیر زراعات و غیر ذلک و مرمت و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و تجدید فروش و روشنائی متوضاها و راهروهای تحتانی و فوقانی و دلو و ریسمان و جارب و سایر ضروریات مدرسه‌ی مذکوره را اگر وجهی که از حاصل موقوفات مرقومه در دو وقفنامه‌ی سابقه جهت آنها تعیین نموده است وفا به اخراجات و ضروریات آنها نکند از حاصل این موقوفات بر سبیل تتمه کما ینبغی و یلیق عمل آید و همچنین هر گاه حاصل موقوفات مکتوبه در وقفنامه‌جین سابقتین وفا نکند به وظیفه‌ی طلبه‌ی سکنه و حق التدریس به نهجی که در آنها تعیین شده است از حاصل این موقوفات تتمه‌ی آنها داده شود و سوای آنچه در دفعتین سابقتین به جهت مصارف مدرسه‌ی مذکور تهیین نموده است از حاصل این موقوفات هر ساله دو تومان به جهت یک نفر مؤذن دیگر مقرر نمود که به اتفاق یک نفر مؤذنی که سابق تهیین شده و در مدرسه‌ی مزبوره در اوقاف صلوات به وظایف اذان و لوازم آن اشتغال نمایند و چون حجرات فوقانی به مساعدت توفیقات ربانی ساخته شده و حال به انضمام حجرات تحتانی شصت حجره مسکونست از حاصل این موقوفات و موقوفات مکتوبه در دو وقفنامه‌جی سابقه هر یوم دویست دینار به رئیس مدرسه و هر یون پنجهزار و نهصد دینار به سایر طلبه داده شود و در هر شب جمعه از حاصل این موقوفات سوی یک ختمی که در دفعه‌ی اولی به جهت روح نواب طوبی آشیان قدس مکان مقرر شده که طار و پانصد دینار به سکنه‌ی طلبه‌ی مدرسه‌ی مزبوره داده شود که یک ختم قرآن مجید نموده ثواب آن را به روح کثیر الفتوح، قربت نمایند و همچنین از حاصل این وقف سوی ش قاب طعام مرقومه در دفعه‌ی اولی، شش قاب طعام دیگر در هر شب از لیالی و ایام متبرکه‌ی مفصله در آن، جهت طلبه‌ی سکنه و خدام مدرسه مزبوره از مصارف مزبور و حق التولیه و حق النظاره‌ی عالم و ناظ و حق التصدی باقی بماند برده سهم نموده سه سهم را بهجمعی که در نجف اشرف سکنی داشته باشند و به جای دیگر نقل نکرده و به صفت استحقاق و فقر مصوف از فرقه‌ی ناجیه امامیه اثنی عشریه باند نصف به سادات و علویات بی شوهر و ایتم سادات و نصف به غیر سادات از صلحا و بیوه زنان و ایتم آنجا و سه سهم دیگر را به جمعی دیگر که در کربلای معلی ساکن باشند به تفصیل و شروط سکان نجف اشرف، و دو سهم دیگر به جمعی که در بلده‌ی مبارکه‌ی کاظمین علیهما السلام ساکن باشند به شروط و تفصیل سکنه‌ی نجف اشرف عاید سازند؛ و تعیین قدر اعطا به هر یک منوط به رأی بندگان متولی و عالم و ناظر است که به هر نحو مصلحت دانند عمل نمایند و و یک سهم دیگر را به زوار عبتاب عالیات از قرار هر یک نفر پنجهزار دینار بدهند و اگر در سالی آن قدر زوار نروند که مجموع یک سهم به ایشان داده شود آنچه از رسد زوار باقی بماند ضمیمه‌ی هشت سهم

حصه‌ی سکنه‌ی اماکن مشرفه نمایند و یک سهم بقیه را در وجه متصدیان بالمساوات به علاوه‌ی یک عشر مذکور فوق رسانند. مزرعه موسومه به فیض آباد مشهوره به دهچی از مزارع مورچه خورت بر خوار اصفهان با اراضی و صحاری و مجاری و باغات و قلاع و خیابانها و اشجار نابته در خیابانها و در حرایم آنجا که اراضی آن به آب قنات موسومه به فیض آباد و به قنات موسومه به دهچی شرب می‌شود و قنات دیگر آن که موسوم به دولت آباد است به مزرعه‌ی مسعود آباد مزبور شرب می‌شود بالتمام. قریه‌ی محدثه عالیجاه واقف موسومه به مؤمن آباد با اراضی تابعه‌ی آن که آب آن به مزرعه فیض آباد مشهوره به دهچی مذکوره قبل، شرب می‌شود و به این اعتبار در وقف نامچه ذکر آن نشده است. قنات باره که بود آن در جنب کمال آباد است و قنات آن از روی قنات جز آباد و جلا سباد و زمین امیر آباد می‌گذرد و در پیش طاحونه گرگاب نزدیک قنات کمال آباد است و علامت دهکده و قلعه و باغات بایره دارد و موسوم به بهرام آباد بوده و در وقف نامچه قریه‌ی مستحدثه واقف نوشته شده بالتمام. قنات و مجری المیاه موسومه به گرگاب که آب آن به ارضای کمال آباد و غیره وقفی عالیجاه واقف شرب می‌شود بالتمام. قریه مستحدثه عالیجاه واقف متصله به اراضی خیر آباد بر خوار که آب آن به اراضی کمال آباد مزبور شرب می‌شود بالتمام. قنات و مجری المیاه موسومه به باینچه که آب آن به کمال آباد مزبور شرب می‌شود مزرعه‌ی رحمت آباد که رحیم آباد نیز گفته می‌شود محدود به رودخانه سهر و به قلعه‌ی خرم آباد و به قنات احمد آباد و به ارضای مسعود آباد و به اراضی و صحاری و قنات و مجاری و دهکده و ابنیه و عمارات و باغات و قلاع و اشجار و اعیانات و غیرها بالتمام. طاحونین معینین که یکی از آنها به آب گرگاب و دیگری به آب اشرف آباد دایر است هر یک با آلات و ادوات حدیدیه و مجریه و خشیه و غیر ذلک بالتمام.

دفعه‌ی دیگر که وقف است بر کافه‌ی مومنین و مترددین و عامه مسافرین و عابرین که به قدری که مترددان و مسافران در رباط منزل می‌نمایند هر کس وارد شود و در آن منزل نماید و تولیت و نظارت نو استصواب عالم و تصدی آن به دستور مسطور است و مصرف آن به این نحو است که مال الاجاره‌ی دکان رباط صرف تعمیر ضروری آن و ملحقات آن شود به نحوی که همیشه به حلیه‌ی آبادی و معموری بوده مترددان از آن منتفع شوند و وجه اجاره‌ی دکان اگر از تعمیر ضروری رباط زیاد باشد آن زیاد را در مصارف موقوفات مکتوبه در تحت دفعه‌ی ثالثه صرف شود و مال الاجاره‌ی دکان را زیاد از قر که گنجتجایش داشته باشد نگیرند و قدغن نمایند که مستاجر اجناس را به قیمت زیاد تحمیل مترددان نمایند و همیشه حجره‌ها و عرصه و طویله‌ها را پاکیزه و معمور نگاه دارد.

رباط مستحدثه عالیجاه واقف موفق مشار الیه واقعه در قریه خیر آباد با توابع شرعیه بالتمام. رباط محدثه عالیجاه واقف واقعه‌ی در اراضی سنگ سفید حوالی قریه‌ی معموره گندمان با توابع شرعیه بالتمام. رباطین مزبورین در آخر وقفنامجات اربعه نوشته شده، ایضا وقف مخلد شرعی نمود عالیجاه واقف مشار الیه تمامی رباط واقع در اراضی عشق آباد ماریین معروف به رباط انوشیروان را به نهجی که در وقف رباطین متن مسطور است و صیغه کرده و به تصرف وقف داده است.

دفعه‌ی دیگر که وقف است بر تعمیرات و فروش عمارات سر کار فیض آثار آستانه‌ی متبرکه و روضه‌ی منوره‌ی مطهره‌ی امام الانس و الجان المفترض طاعته و بقواطع البرهانها خلیفه الله فی ارضه امینه علی فرضه و ندبه؛ و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی آن به تصیلی است که آنفا مذکور شهد و مصرف آن هب این نحو است که هر ساله آنچه از حاصل آن بعد از وضع مایحتاج زراعات و موقوف علیه زیادتیه ریع و تکثیر انتفاعات و خرج قنات و سایر ضروریات و مؤنات به عمل آید یک عشر به حق التولیه مخصوص اعلیحضرت متولی و یک عشر مخصوص علام و ناظر و یک عشر به حق التصدی متصدریون مشترک بوده باشد هفت عشر باقی را گماشته‌ی بندگان متولی و عالم و ناظر اولاً- صرف تعمیرات ضروریه قبه مبارکه‌ی حضرت و دارالحفاظ و سایر عمارات متصله به قبه مبارکه و آنچه از تعمیرات ضروریه زیاد آید ثانیاً صرف فروش ضروریه قبه مبارکه و دارالحفاظ و بیوتات متصله به آن نمایند. و اگر از تعمیرات و فروش ضروریه چیزی باقی بماند علاوه‌ی اطعام مقرری هر روزی سرکار فیض آثار

نمایند و هفت عشر مزبور را به این نحو به مصرف رسانند که در اصفهان تسلیم تجار معتبر و حتی؟ به استم تجار مشهد مقدس باز یافت نمایند و حتی را مصحوب زوار معتبر به مشهد مقدس نزدی احدی از آقایان معتبر که در مشهد مقدس سکنی داشته باشد فرستاده مقرر دارند که آن آقا وجه آن را باز یافت و خود به ترتبی که مذکور شد در تعمیرا و فروش و اطعام الاول فالاول صرف نمایند و اگر از آقایان احدی در آنجا سکنی نداشته باشد به عهده‌ی شخص معتبر دین داری مقرر دارند که او خود به خدمت مزبور قیام نماید و وجه مزبور را به گماشتگان متولی و ناظر سرکار فیض آثار ندهند و به این اعتماد نمایند که گماشتگان ایشان به مصرف می‌رسانند و متولی و ناظر سرکار فیض آثار را به هیچوجه من الوجوه در وقف مزبوره در مصرف رسانیدن حاصل آن تمکین نمایند.

مزرعه محمد آباد بسطام مشتمله بر چهار رشته قنات یکی موسومه به کودینان و دیگری به کلوی و دیگری به دن زنو (؟) و دیگری به دو تپه محدوده شرقیا به ارضای قنات جاریه خوزیان که رودخانه از جانب شرقی قبرستان خوزیان کشیده و منتهی شده به سیاه آب رودخانه‌ی مزبوره واسطه میانه‌ی مزرعه‌ی مزبوره و اراضی خوزیان است و غربیا به اراضی موات متصله به شارع قریه‌ی ده ملا و شمالیا به جبل و جنوبیا به اراضی مزرعه بیجن آور و رودخانه سیاه آب با کافه‌ی ملحقات از اراضی دایره‌ی و بایره و مجاری و انهار و جدوال و شرب مشارب و اعیانات و مارات شش دانگ و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی دایره‌ی مشهوره به مزرعه تقی آباد واقعه در بلوک قهپایه ولایت بسطام با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و اوشات معموره و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی دایره‌ی مشهوره به مزرعه تقی آباد واقعه در بلوک قهپایه ولایت بسطام با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و اوشات معموره و غیر معموره و قنات و انهار و مجاری دایره و بایره و باغات و حصار و دهکده و جدران و اشجار و کروم و سایر ما یتعلق بها شرعا و قدیما و جدیدا داخلا و خارجا سمی ام لم یسم و ذکر فیه اولم یدکر؛ مزرعه مزبور، در آخر وقفنامجات اربعه نوشته شده لیکن چون موافق است با مزرعه محمدآباد در جمیع مصارف و قیود و خصوصیات، لهذا در این فهرست با وقف محمدآباد قلمی گردید.

دفعه‌ی دیگر که وقف است و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی آن ه نهجی است که در دفعه‌ی اولی و ثانیه نوشته شده و درباره‌ی متصدین چنین قرار داده که اگر در ایام حیات واقف، ایشان یا احدی از ایان را وفات رسد خود را از احوال اولاد ذکور ایشان استفسار نموده و با اتصاف به دیانت و امانت به او رجوع نماید و الا به هر کس دیگر که مناسب داند مفوض دارد و بعد از واقف ناظر به استصواب عالم، بعد از عرض به خدمت بندگان اعلیحضرت متولی به هر کس که متصف به امانت و دیانت و راستی و وقوف و کاردانی باشد به او رجوع نماید لکن باید که از اولاد ذکور متصدیون استفسار نماید و چنانچه اولاد ذکور ایشان قابلیت داشته باشند ایشان را مقدم دارد و متصدیون خدمات جزو خود را به هریک از عتقاء واقف که قابلیت داشته باشند رجوع نمایند و همچنین در متن عقد وقف قرار داده که نجابت و رفعت و معالی پناه حاجی محد رحیم ولد حاجی ابوالعلا به امر نویسندگی و سر رشته‌ی داد و ستد و جمع و خرج محصولات و اخراجات قنات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و عمارات این وقف و موقوفات سابقه و لاحقه‌ی مکتوبه در وقفنامجات متلاصقه مادام به وصف دیانت و امانت و راست قلمی متصف باشد قیام نماید و بعد از وفات او عالیجاه واقف مادام الحیات بدون مدخلیت غیر به هریک از اولاد و برادران و اولاد ایشان که متصف به صفات مذکوره باشند رجوع نماید، و اگر از ایشان چنین کسی نباشد به دیگری که متصف به صفات مذکوره باشد رجوع خواهد نمود و بعد از واقف، ناظر هر عصر به استصواب عالم آن عصر به اولاد و برادران حاجی رحیم مزبور و اولاد ایشان اگر متصف به صفات مزبوره باشند و الا هب هر کس که قابلیت داشته باشد بعد از عرض به خدمت اعلیحضرت متولی رجوع نمایند تا سر رشته بر داد و ستد و باقی و فاضل متصدیون و تحویلداران و حاصل و مداخل و مخارج موقوفات و سایر امور متعلقه به این وقف و موقوفات سابقه و الحقه که نویسندگی در کار داشته باشد به لوازم آن قیام نماید و مصارف این وقف را متن عقد وقف مزبور چنین قرار داده که هر ساله از حاصل آن اولاد اخراجات قنات و تعمیرات و عمارات و مؤنات زراعات این وقف که هر آینه در توفیر محصولات و تکثیر انتفاعات

مدخلیت داشته باشد کرده شود و اخراجات موقوفات سابقه و لاحقه اگر نعوذ بالله مداخل آنها وفا به مخارج آنها نکند و اخراجات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره هر گاه محتاج به تعمیر زیادی شود که از مداخل موقوفات سابقه تدارک آن حسب الواقع نشود بر سبیل تتمه از حاصل این وقف صرف آن شود و آنچه از اخراجات مزبوره باقی بماند یک عشر آن بحق التولیه مخصوص بندگان اعلیحضرت متولی و یک عشر دیگر را مادام الحیات، واقف در وجود خیرات و مبرات صرف نماید و بعد از واقف یک عشر مزبور به جهت ناظر و عالم بالمناصفه و یک عشر دیگر به حق التصدی متصدیون بالمساوات بوده باشد و از هفت عشر بقیه هر ساله دوازده تومان تبریزی موجب در وجه نویسنده‌ی سرکار این وقف و موقوفات سابقه و لاحقه رسانند و هر ساله شش هزار من غله بالمناصفه به وزن شاه در وجه مقرری رفعت و معالی پناهان امام قلی بیگ و حاجی محمد علی بیگ و الله و یرید بیگ بزرگ و علیرضا بیگ و محمد قلی بیگ کوچک و الله و یردی بیگ کوچک گرجی که سابقه گرگین نامد داشته عتقاء سته‌ی عالیجاه واقف هر یک یک هزار من داده شود و رسد هر یک از عتقاء سته بعد از فوت او فیما بین اولاد او و اولاد اولاد او و هکذا للذکر مثل حظ الأثین منقسم شود به شرط تقدم بطن سابق بر بطن لاحق و اگر ولدی نداشته باشد رسد او به سایر جماعت مزبوره که در آن مرتبه باشند به دستور مسطور داده شود و در ماده‌ی اولاد اناث ایشان چنین شرط نموده قرار داد که مادام به حباله‌ی زوجیت احدی در نیامده باشند یا آنکه شوهری از آن سلسله کرده باشند رسد به ایشان داده شود و اگر به غیر آن سلسله شوهر کنند از ایشان مقطوع و علاوه‌ی سایر آن سلسله که در آن مرتبه باشند نمایند و اگر شوهری که از غیر آن سلسله باشد فوت شود باز رسد به او داده شود و چون احدی از ایشان وفات یابد و فرزندى نداشته باشد رسد او علاوه‌ی سایر موجودین در آن مرتبه شود و اگر سلسله عتقای سته و اولاد ایشان منقرض شوند مجموع حصه‌ی ایشان منضم به سایر محصولات وقف مزبور و در سایر مصارف آن مصروف گردد. و هر ساله در روز عید مولود حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین دوازده قاب طعام به آنان و افشیره و غلیان و قهوه و لوازم آن در مدرسه‌ی مزبوره طبخ نمایند و عالم مشار الیه جمعی از علماء و فضلاء و اعیان و اکابر را که مناسب داند در ان روط حاضر ساخته مضمون وقفنامجات سابقه و حال و لاحقه رار در حضور ایشان خواد همگی را بر مضامین آنها مطلع سازد تا از حاضرین به غایبین رسیده دائما دارالسنة و افواه امر موقوفات مزبوره شایع و دایر و متواتر گردیده از شوایب تغییر و تبدیل و اندارس مصون و محروس باشد و بقیه را منضم به محصولات موقوفات سابقه در مصارف حق التدریس و وظیفه‌ی رئیس و سایر طلبه و خدام و مؤذن و وجه ختم کلام الله مجید ربانی و اخراجات تعزیه‌ی و اطعام مقرری و فروش و روشنایی مسجد مدرس و شبستان و متوضاها و پله کانه‌ها و چرخ و دلو ریسمان جهت آب کشیدن و سایر مصارف مدرسه‌ی مبارکه‌ی سلطان حسینیه‌ی مزبوره صرف نمایند و آنچه از آنها اضافه بماند بر ده سهم نموده سه سهم را به ادات و علویات و ایتم نجف اشرف و سه سهم را به سات و علویات و ایتمکربلای معلی و دو سهم به سادات و علویات و ایتم قصیه‌ی طیبیه‌ی کاظمین علیهما السلام به شرح و تفصیل و شروطی که در دفعه‌ی متقدمه ذکر شده و دو سهم را بقیه را به زوار عتباب عالیات منوط به رأی عالم و ناظر بدهند لکن باید به هرکس زیاده از یک تومان ندهند و ازین اضافه که برده سهم می‌شود حق التولیه و حق النظاره و حق التصدی اضاف نشود و مبلغ سیصد تومان تبریزی از حاصل مظفرآباد مزبور به موجب مزرعه مظفرآباد بر خوار اصفهان واقعه در دامنه کوه فلارته با کافه ملحقات شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و انهار و مجاری و باغات و دهکده و قلعه و عمارات و اشجار و غیر ذلک محدودده به اراضی دهنو و به اراضی محمود آباد و به اراضی نعمیم آباد و به اراضی عاشق آباد و به مزرعه کلنگان و به اراضی محمدآباد و به اراضی عشق آباد بالتمام. مزرعه‌ی بیجن آور که بیجن آباد نیز گفته می‌شود واقعه در خوزیان بسطام با اراضی و صحاری و قنوات و انهار و مجاری کلما یتعلق بها شرعا من القدم الی الان محدودده شرقیا به دو تپه و رودخانه و غریبا به راهجن و شمالیا به شارع عام عراق و خراسان و بعضی به دو تپه ملک خوزیان و جنوبیا به نهر سیاه آب بالتمام.

شرطی که در متن عقد وقف آن نموده بود به جهت کرایه‌ی نقل و حمل محصولات موقوفات حوالی و حواشی اصفهان به انبار

مذکور در دفعه‌ی اولی واقع در کنار زاینده‌رود اصفهان به جهت زیادی اخراجات تعمیرات و خرابی مدرسه‌ی مزبوره و عمارات موقوفات لاحق و قنوت آنها وضع و به تاجر معتبری به قرض داده و تمسک معتبر مشروعی گرفته و مباحه‌ی مشروعه بر آن قرار شده و چنین شرط نموده که دائما مبلغ مزبور به جهت مصرفین مزبورین در نزد تاجر معتبر بوده باشد و ناظر موقوفات عالیجاه مشار الیه در جمیع اعصار به استصواب عالم مذکور خاطر از اعتبار تجاری که مبلغ مزبور به ایشان داده می‌شود و از وثیقه و مرهونی که بر مبلغ مزبور قرار می‌دهند جمع نمایند و نویسنده‌ی سرکار موقوفات محاسبه‌ی نما و مباحه‌ی آن را دائما مشخص نموده سر رشته بر آن نگاه دارد و یکصد و پنجاه تومان از آن جمله به جهت احتیاط این معنی باشد که در رفع محصولات اگر زرنقد موجود از حاصل و مداخل موقوفات نبوده باشد و صرفه در فروختن حاصل در آن وقت نبوده باشد از یکصد و پنجاه تومان مزبور کرایه‌ی محصولات را داده محصولات را به انبار مذکور نقل و در آنجا منبر ساخته بعد از نوروز فیروز سلطانی که هنگام ارتفاع قیمت و نفع آن به مصارف وقف بیشتر است فروخته شود و وجه کرایه‌ی مزبوره را که از تاجر گرفته باشند از قیمت حاصل مزبوره و اگر وفا نکند از حاصل سال بعد باز به تاجر مزبور بدهند و هکذا یکصد و پنجاه تومان دیگر به جهت احتیاط این معنی بوده باشد که اگر العیاذ بالله خرابی زیادی در عمارات مدرسه‌ی مزبوره و عمارات سایر موقوفات و قنوت اصفهان و بسطام بهم رسد که در آن وقت زرنقدی از بابت حاصل و مداخل موقوفات موجود نباشد و صرفه در فروختن حاصل در آن وقت نباشد یا آنکه زرنقد موقوفات وفا به اخراجات مزبوره نکند از یکصد و پنجاه توما مزبوره تدارک اخراجات مزبوره شده بعد از آن عوض آن حاصل و مداخل موقوفات به تاجر مزبور داده شود و هکذا و چون از نماء سیصد تومان مزبور مبلغی بهم رسد که گنجایش داشته باشد که ملی یا مستغلی خریده شود اضافه را ملک یا مستغلی خریده و به شرایط مذکوره و در وقف مظفرآباد مزبور وقف نمایند و اصل سیصد تومان را به جهت مصرفین مزبورین باقی بگذارند و باید همیشه این قاعده مرعی و مستمر باشد که یکصد و پنجاه تومان در وقف احتیاج در مصرف کرایه‌ی نقل و حمل محصولات به انبار مزبور و یکصد و پنجاه تومان در مصرف اخراجات خرابی و تعمیرات زیاد مدرسه و عمارات و قنوت و موقوفات صرف شود و بعد از کار سازی عوض آن به تاجر داده شود و از نما و مباحه‌ی آن ملک یا مستغلی خریده و وقف شود و باید که مادام نما و مباحه‌ی از آن بهم رسد که ملک و مسغلی خریده نشده باشد آن نما را به علاوه‌ی اصل مورد معاملات شرعی ساخته از آن نیز تحصیل مباحه‌ی مشروعه نمایند و در داد و ستدی که به تاجر داده می‌شود رهن بگیرند و نهایت احتیاط نمایند که تلف نشود و چون وجهی که به جهت مصرفین مزبورین داده شود به تصدیق ناظر و عالم نوشته به مهر متصدیون بگیرند و جایز و روا نیست که از سیصد تومان مزبور در غیر این دو مصرف صرف نمایند فهرست مکتوب مذکور مجملی است از وقنامجات این بنده‌ی در گاه که در باب موقوفات خود و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی و جماعت موقوف علیهم و مصارف حاصل و نمای آنها و شروط و قیود آنها مرقوم شده و آنچه وقف نموده‌ام از مدرسه‌ی مبارکه موسومه به مدرسه‌ی سلطان حسینی و مساجد و حمامات و رباطات و باغات و داکین و بازارگاه و مستغلات و آب انبارها و عمارت انبار و قری و مزارع و لقاطات و غیر ذلک چون در مدت متمادی به مساعدت توفیقات الهی و برکات اعلیحضرت شاهنشاهی این غلام بهم رسانیده و وقف نموده امر ثواب آنها به روزگار فرخنده آثار آن اعلیحضرت عاید خواهد گردید و چون بر این موقوفات مجلات وقفنامجات شرعیه قلمی و به یکدیگر ملصق و در یک طومار مجتمع و به مهر آثار مبارک اشرف اقدس اعلی مزین و به خطوط و امهار اهالی شرع شریف و علمای اعلام و سادات ذوی الاحترام محلی شده و دو سواد معتبر که مطابقه آنها با اصل به امهار اهالی شرع شریف و سادات عظام کرام رسده و همگی آنها مضبوط گردیده در این وقت به جهت تذکره و مزید استحکام و به جهت باز یافت و استیفاء بعضی قیود و تفصیل موقوفات این فهرست قلمی شده و آن را نسخ متعدد نموده و خود مهر کرده و به امهار آن جماعت رسانیده‌ام و یک نسخه از آن جمله را به حضرت علامی فهامی مولانا محمد مؤمن مدرس مدرسه‌ی مزبوره و یک نسخه‌ی دیگر را به فضیلت و کمالات پناه شیخ جلال رئیس مدرسه‌ی مزبوره و یک نسخه‌ی دیگر را به عالیجاه مقرب الخاقین محمد

ابراهیم بیگ یوز باشی آقایان و یک نسخه را به حاجی محمد کبیر و یک نسخه‌ی دیگر را به حاجی مهدیخان بیگ و یک نسخه‌ی دیگر را به حسن بیگ و یک نسخه‌ی دیگر را به شخص که در بسطام متوجه نسق محمدآباد و تقی‌آباد و بیجن آور است سپرده و یک نسخه را به انباردار سپرده و یک نسخه را خود نگاه داشته‌ام و یک نسخه‌ی دیگر در خزانه‌ی عام مضبوطست تا دست بدست به اولاد مدرس و متصدیان و غیر هم عقبا تعقیب عقب رسیده از اختلال و اختلاف و اندارس مصون و محروس شود و در نظر دارم که انشاء الله تعالی ثبیت از فهرست مزبور به دفاتر سر کار ضابطه و به دفتر موقوفات ممالک محروسه سپرده شود که در طی ازمنه و ایامتمادیه که به آنها رجوع کنند موجب تذکر و مزید استحکام اوقاف مذکوره گردد و این بنده در گاه خلاق امیدگاه موقوفات مذکوره را موافق قانون شریعت مقدسه‌ی غرا وقف نموده و بر نهج شرایط مرقومه صیغ شرعیه بالعریبه و الفارسیه جاری ساخته‌ام و چون اعلیحضرت شاهنشاهی ظلل اللهی که متولی این اوقافند بالمشافهه العلیه العالیه نیابت تولیت خود را به این غلام شفقت فرموده‌اند و بر طبق آن رقم مبارک اشرف عز صدور یافته است این غلام به عنوان وقفیت و نیابت تولیت در جمیع آنها دخل و تصرف نموده و می‌نمایم و نجابت و رفعت و معالی پناه حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد کبیر تاجر اصفهانی را که یکی از متصدیانست و به دیانت و امانت و کاردانی موصفت و اطلاع تمام بر جزئیات موقوفات مزبور دارد به نیابت نظارت خود تعیین نموده‌ام که مادمت حیا باقی نیابت نظارت اوقاف مزبوره به او مفوض باشد و بعد از آنکه نوبت نظارت به ناظر بعد و علمای اعلام رسد هرگاه ایشان نیز مناسب دانند نیابت نظارت را به مشار الیه مرجوع خواهند فرمود که به استصواب عالم دینی عمل نماید والا به هر نحو که مصلحت حال موقوفات را دنن معمول خواهند داشت و بالجمله شرایط صحت و لزوم وقف در همگی موقوفات مزبوره تحقق و وقوع یافته و وقف لازم گردیده و من بعد هیچ احدی را جایز و سایغ و روانیست که تغییر و تبدیل آنها نماید و در ضمن صیغ همگی اوقاف شرط نموده‌ام که هیچ احدی تصرفات مالکان نماید و در معرض بیع لازم و بیع شرط و رهن و هبه غیر ذلک از تصرفات مالکان در نیاورند و به متغلبه اصلا و مطلقا به اجاره ندهند و به اجارات طویله خواه به عقد واحد و خواه به عقود متعدده ندهند و بر خلاف مصارف مرقومه صرف نمایند و در هیچ عصری از اعصار صدر عظام خاصه عام و نایبان ایشان در موقوفات مزبوره مدخل نمایند و به احدی از مستحقین به صیغه‌ی وظیفه و مدد معاش و ارتزاق چیزی از آن را ندهند مستوفیان ممالک محروسه و مباشرین موقوفات متفرقه اصلا و مطلقا دخلی در آنها نکنند و حواله و اطلاقی نمایند و اگر به خلاف ذکر صدور عظام یا نایبان ایشان یا احدی از مباشرین موقوفات در این موقوفات دخل نمایند مورد غضب الهیا و سخط حضرت رسالت پناهی و محل طعن ملائکه و پیغمبران و ائمه‌ی طاهرین و عباد الله صالحین باشند فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم و علیه لعنة الله و الملائکه و الناساجمیعین و حرر ذلک فی غرة شهر محرم الحرام السنه خمس و عشریه و مائه و الف من الهجرة المبارکه المصطفویه المحمديه علی مهاجرها و اله الاثمه البره الف الف آلف و سلامه و صلوته ثناء و تحیه. احکام و فرامین شاه در حاشیه‌ی وقفناه

شرح عریضه‌ی عالیجاه واقف موفق مشار الیه آنکه به عرض می‌رساند که این پیره غلام، قلیلی املاک و رقبات که به دولت ولی نعمت بهم رسانیده‌ام، همگی وقف و به تصرف داده، متولی شرعی آنها ولی نعمت‌اند؛ و چون بعضی از آن محتاج به تعمیرات و اجرای قنوات بود، روز اول، این غلام عرض نموده که بنده را مرخص فرمایند که نظم و نسق آنها بکنم؛ ولی نعمت مرخص فرمودند؛ بنابراین استدعا دارد که لی نعمت عالمیان در این باب رقم مبارک مرحمت و صادر شود که تا حیات مستعار باقی باشد از جانب ولی نعمت، مباشر نظمو نسق آنها شود؛ یا به خط مبارک بر حاشیه همین عریضه دو کلمه رقم فرماید که احتیاج به رقم مبارک علیحده نباشد که این غلام هر ساله حق التولیه را به نظ اقدس رسانم و مابقی را به مصارف وقف دهم؛ امره اعلی

شرح رقم مبارک نواب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی بر عنوان عریضه‌ی مزبوره - هو محل مهر به نظر رسد به نحو استدعاء، واقف را مرخص و مأذون فرمودیم که تعمیرات ضروریه و اجرای قنوات و نظم و نسق املاک و رقبات موقوفه را آنچه لازمه‌ی نظم

و نسق است کما ینبغی بجا آورده، آثار سعی خود را به روز به روز به ظهور رساند. تحریرا فی شهر شعبان المعظم ۱۱۲۵.

قد صرت فائزا بزیارة اصله الاشراف الاقدس الاعلی - محل مهر چون به موجب مبادی آداب عالیجاهی مستغنی اللقبی مقرب واقف موفق معظم الیه در ضمن عقد وقف مزبور متن قرار و شرط نموده بودند که مادام متصدیونمزبورون قابلیت و اهلیت داشته باشند به امر تصدی مزبور قیام نمایند و الا- اختیار عزل و تغییر ایشان با عالیجاه معظم الیه بوده باشد و عالیجاه واقف معظم الیه نمودند که مدت پنج سال قبل از این حاجی کبیر مذکور که احدیالمتصدین است عدم صلاحیت و اهلیت و دیانت به منصفه ظهور رسیده، در آن تاریخ او را از امر تصدی مزبور اخراج و بی دخل، و شیخ لطف الله را در عوض حاجی کبیر مذکور تعیین نموده‌اند که به امر تصدی نسلا بعد نسل قیام و اقدام نماید و تعویض امر مزبور به آنها که به زیور قابلیت و اهلیت و دیانت آراسته و پیراسته باشند؛

عاشر شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۳۳

چون وکلاء اجلاء ذوی الاعتداء عالی جاهی مستغنی اللقبی کل حصص مفصله مرقومه متن را به شرایط و ارکان مقرر آن وقف و تعیین اعلیحضرت متولی و ناظر و متصدیان جهت آنها و در متن عقد وقف مزبور شرط شرعی نموده بودند که متصدیان آن مادام به زیور اهلیت صلاحیت آراسته باشند به امر تصدی مزبور قیام و اختیار عزل و تغییر ایشان با عالیجاه واقف معظم الیه بوده باشد و عالیجاه معظم الیه نمودند که از حسن بیک مزبور متن که احد المتصدین است عدم صلاح و دیانت و اهلیت به ظهور رسیده، لهذا حسن بیک مزبور را از امر مذکور اخراج و تصدی و رسید حق التصدی او را ضمیمه و علاوه تصدی رفعت و معالی پناه حاجی مهدی خان بیک مزبور نموده که کما ینبغی و یلیق به امر تصدی مذکور قیام و اقدام و حسن سعی خود را به منصفه ظهور رساند، حق التصدی مزبور را اخذ و تصرف نماید. عاشر شهر ذی حجه سنه ۱۱۲۹.

حکم جهان مطاع شد آنکه رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی نظاما للرفعه و المعالی آقا کمال صاحب جمع خزانه عامره به عرض رسانید که املاک مفصله ضمن خود را قبل از این بر مدرسه که اراده ساختن آن نموده و سایر مصارف شرعیه وقف نموده و چون در این وقت به مرتبه‌ی صاحب جمعی مزبور سرافراز گشته خدمت مزبور تحویلدار است، امکان دارد که ارباب غرض سخن‌های خلاف واقع دربارهی مشار الیه به عرض اقدس رسانند. استدعا دارد که رقم اشرف در باب اینکه املاک مذکور، قبل از تعویض خدمت مزبور در تصرف مشار الیه بوده و بر مصارف وقف نمود صادر گردد بنابر شفقت شاهانه دربارهی مقرب الخاقان مشار الیه مقرر فرمودیم که املاک مزبوره به شروطی که وقف نموده کماکان وقف بوده، احدی به عنوان ملکیت دست تصرف بر آن دراز نکرده پیرامون نگردد و مدرسه ره به نحوی که در نظر دارد بنا نموده به اتمام رساند و در جمیع ابواب به توجهات گوناگون پادشاهی مستوثق و امیدوار بوده باشد که به هیچ وجه سخن ارباب غرض در پیشگاه خاطر اقدس فروغی ندارد؛ تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۱۰۷.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون از شرف خازنی نقد خالص عیار اخلاق و ایمان و سعادت جاودانی کمال خلوص عقیدت و ایقان این خاندان ولایت نشان بحکم «ان الله لا یضیع اجر المحسنین» توفیق مالک الملک یزدان و تأیید پادشاه علی الاطلاق مستعان دست قدرت سلطنت و خلافت و ید مقدرت بسالت این خانواده‌ی ولایت و امامت بالای دست سلاطین روی زمین و همدست کار گزاران قضا و قدر کردگار معین در ترویج دین مبین و تکثیر خیرات و مبرات سنن سید المرسلین و تحصیل رضای الهی و اجرای اوامر و نواهی و ید بیضا نماست «هذا من فضل ربی لیبونی، ااشکر أم اکفر و من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم» (۱۱) لا-جرم به شکرانه‌ی این موهبت عظمی در این ولایه که به رهنمایی هادی توفیق ذو الجلال و دلالت قاید تأیید ایزد متعال از کمال اخلاص و بندگی و نهایت عقیدت و صوفی گری رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی نظاما للرفعه و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره مظهره کریمه‌ی «الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب» گشته و سعادت دو جهان اندوخته مدرسه رفیعه‌ی در محله‌ی عباس آباد در دارالسلطنه اصفهان به نام نامی و اسم سامی نواب

همایون تا بر اوج گردون افراخته و مسمی به مدرسه‌ی سلطان حسینیه ساخته و املاک و مستغلات کتبی خود را به تفصیل ذیل (۱۲) جهت مدد معاش و وظیفه و مواجب مدرس و طلبه و مؤذن و خدمه و شیلان و آب اش و غیره مصارف بر وقف مؤبد و ثواب ان را به روح پر فتوح نواب خاقان طوبی آشیان قدس مکان و به روزگار نواب کامیاب همایون مؤبد قربت نموده بر ذمت بلند خسروانه و همت ارجمند پادشاهانه لازمه‌ی گشت به مؤدای صدق انتمای «و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى» او را مشمول عواطف خاقانی و منظور انظار سلطانی و بین الاماثل و الاقران به ارجاع دو منصب عظیم المرتبه بلند و دو خدمت جلیل المنزله ارجمند مباهی و ممتاز و مفتخر و سرافراز و بنابر توجه خاطر دریا مقاطر اشرف به ترویج امور خیرات و مبرات و کمال اهتمام در اشاعه‌ی علوم شرعیات و تحصیل رضای خالق البریات و شرکت تام در اجر جزیل ان ثنوبات تمام مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوان محال مفصله فوق را اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشند یا نود درآمد و ممیز ملاحظه و جمع آن را مشخص نکرده باشند از تاریخ دو ماهی توشیقان نیل در وجه سیور غال ابدی و معافی سرمدی سرکار وقف مزبور و داخل مداخل وقفی که مصارف مقرر مسطوره دروقفنامه‌ی که به خط مبارک شعاع کردار و مهر خورشید خیر مهر آثار نواب همایون ما مزین گشته صرف شود مقرر، و آنچه از مالوجهات و سایر جهات مزبوره به تیول و سیورغال و همه ساله مقرر بوده باشد از تاریخ مزبور قطع فرمودیم که به سیورغال و معافی مذکور منظور بوده به تیولداران و همه ساله داران عوض داده شود. مستوفیان عظام و حکام و وزراء کرام و عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و تیولداران و همه ساله داران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی محال عراق و فارس اصلا و مطلقا به هیچ وجه من الوجوه به خلاف حکم و حساب، مدخل در موقوفات مزبور ننمده قلم و قدم کوتا و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت اخراجات و استصوابیات و مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و عوارض مسدده‌ی الابواب از علفه و علوف و قتلغا (۱۳) و رسومات داروغگی و سایر اعتمال و توجیهات خلاف حساب و سرشمار و خانه‌شمار و سلامی و ساوزی و مهمانی و پیشکشی و عیدی نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تنفنگچ و چریک و مقطعی و بیگار و شکار و الام و الاغ و خرج (طرح) و دست انداز و یراق پوشی ایام عاشورا و سایر تکالیف ممنوعه و غیر ذلک به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر موقوفات مزبوره و رعایا و مستأجران و ضابطان آن نکرده اعزاز و احترام مباشرین و رعایت و مراقبت رعایا و متسأجرین موقوفات مزبوره را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند. کدخدیان و رعایا و زراعین و مسأجرین و ضابطان و دکانداران سال به سال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین ضبط و صرف موقوفات مزبوره واصل ساخته چیزی قاصر و منکسر نگردانند. مستوفیان و حکام کرام در دفاتر خلود رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده به تیولداران همه ساله داران و صاحبان سیورغال محال مزبوره عوض دهند و از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و در این باب قدغن دانسته هر ساله رقم مجدد طلب نمایند و در عهده دانند؛ تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه ۱۱۱۱.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون پیوسته از خزانه جود و عطای دادار بی‌همال بر وفق خواهش اولیای این دولت عدیم المثال به ضمیمه‌ی این خاندان مکرم و افضال در مرتبه‌ی اعلی و عین کمال مهیاست، ما نیز، در ازای آلاسی الهی نهمت فلک فرسای شاهنشاهی را مصروف به انتظام احوال علمای دیندار و فقهای حقانیت شعار و تنسیق اماکن و مدارس و توسع معایش و ملبس آن گروه دانش پژوه فرموده‌ایم تا از رهگذر نشر فضل و افضال و انشراح بال و... امانی و آمال آن قوم حمیده خصال صیت معدلت گستری و دین پروری این خاندان پیغمبری مرسله گوش مکتبان مکان امکان گردد و قبل از این که از کمال اخلاص و صوفی گری رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمی الشریفین نظاما للرفعه و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه عامره به سبب بنای مدرسه‌ای بنام نامی همایون در محله عباس آباد دارالسلطنه اصفهان گردن مباحات از همگان افروخته و در اندک زمانی پیرایه‌ی اتمام را زیب اندام آن بنای خجسته فرجام ساخته، قدری رقبات را که به سعی خویش تحصیل و

وقف مدرسه نموده و بدان جهت جالب اجر جزیل و طالب ثواب جمیل جهت ذات با برکات نواب همایون گردیده بود و حسب الاستدعای مقرب الخاقان مشار الیه مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی رقبات مزبوره را به موجب رقم قضا توأم علیحدہ به سیور غال ابدی مدرسه‌ی مزبوره مقرر فرموده بودیم و در این ولایه نیز معروض قوایم سریر عرش نظیر سلطانی و استدعا نمود که مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی بعضی رقبات که به تفصیل ذیل مزرعه فیض آباد مشهور به دهچی واقع در مورچه خورت.... بالتمام، مزرعه کمال آباد.... که از بایرات قدیم است بالتمام، مزرعه خیر آباد واقع در مورچه خورت از احدائی، مزرعه اشرف آباد واقع در مورچه خورت که پنج رشته قنات دارد تحصیل نموده به دستور سیورغال مدرسه‌ی مذکوره مقرر گردد بناء علیہ عنایت شاهانه را به استکمال آن امر خیر مآل نامزد فرموده از ابتداء ششماهه یونیت ٹیل کل مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی مزارع اربعه مذکوره را که بعضی ایتیاعی و بعضی احدائی مقرب الخاقان مشار الیه است اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشند یا نو درآمد و ممیز ملاحظه و جمیع آن را مشخص نکرده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه‌ی رفیعہ مزبوره مقرر فرمودیم. مستوفیان عظام و وزراء و حکام کرام عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره اصلا و مطلقا و به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات.... محال مزبوره نمو، پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال اربابی و رعیتی و اخراجات و استصویبایات و عوارضات مسدده الابواب از علفه و علوفه قنلغا و سیورسات و الام والاع و طرح و دست انداز و شکار و پیگار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدراہ و عشر و ده نیم و رسوم میرابی و رسوم سایر عمال و توجیہات خلاف حساب و سرشمار و

خانه شما و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله تفنگچی و چریک و مقطعی و یراق پوشی عاشورا و شاطر دوانی و وجوه محترفه و کندلک و مشتبق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاق بر محال مزبوره ننموده و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد محال مزبوره را از آن تکلیف نیز معاف و مسلم داشته، سیورغال مزبور را از سیورغالات مستثنی شمارند و اعزاز و احترام مباشرین و رعایت و مراقبت رعایا و مستاجران محال مزبوره را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایت که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند و صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ وقتی از اوقات، دخل در سیورغال مذکوره و محال مزبوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند.

کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره، سال به سال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین ضبط و صرف سیورغال مزبور و اصل ساخته، چیزی قاصر و منکسر نگردانند و گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود و قضایایی که سانح گردد، سوی خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری به متصدیان موقوفات مدرسه رفع نمایند. مستوفین عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خود ثبت نموده از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و در عهده دانند؛
تحریر فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۱۴.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پنا مقرب الخاقان حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعه و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیہ عالیہ و صاحب جمع خزانه عامره به عز عرض رسانند که بعضی رقبات و املاک ایتیاعی و احدائی خود را بدین موجب به شروطی که در تحت هر محلی نوشته شده فیض آباد مشهور به کشکول و قنات گرگاب و قنات باینچه و مزرعه رحمت آباد و رباط قریه خیر آباد وقفی مدرسه و مزرعه مسعود آباد و دور حجر طاحونه.... در صحرای مورچه خورت واقع است و رباط سنگ سفید واقع در گندمان که تمامی آنها را به این قید وقف نموده که حاصل و انتفاع و اجاره آنها را بعد از وضع اخراجات و تعمیرات مدرسه که به اسم نواب همایون در عباس آباد دارالسلطنه اصفهان احداث نموده شود و هرگاه

حاصل و انتفاع و اجاره آنها از اخراجات و تعمیرات مدسه مزبوره زیاد باشد زیادتى آن به سادات و صلحا و ارباب استحقاق اماکن منوره نجف اشرف و کرلاى معلی و کاظمین که در آنجا ساکن باشند داده شود رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه؛ مزرعه محمد آباد واقعه در بسطام که مشتمل است بر چهار رشته قنات را به این قید وقف نموده که حاصل آن بعد از وضع اخراجات و خرج قنات و تعمیرات آنچه باقی بماند صرف تعمیرات قبه مبارکه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی منوره‌ی متبرکه و درالحفاظ و سایر عمارات متصله به قبه مبارکه و فرش روضه‌ی مبارکه و درالحفاظ و سایر بیوتات متصل به آن نمایند، به موجب وقفنامه‌ی علیحده وقف نموده و استدعا نمود که مالوجهات و وجوهات دیوانی محال مزبوره به هراسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه مزبوره و سرکار فیض آثار مزبور عنایت و مقرر شود که بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال به هیچ وجه من الوجوه مدخل در موقوفات مذکوره نمایند. بناء علیه عنایت بی‌غایت شاهانه شامل حال و کافی امانی و آمال مقرب الخاقانی مشار الیه فرموده از ابدای شکوری نیل کل مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی مزارع و قنات مزبوره را که بعضی ابتیاعی و بعضی احدائی مقرب الخاقان مشار الیه است اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشد یا نو درآمد و ممیز ملاحظ و جمع آنرا مشخص نکرده باشد، سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه‌ی رفیعه‌ی مذکوره و سرکار فیض آثار مقرر فرمودیم، مستوفیان عظام و وزراء و حکام کرام و عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و متصدیان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره اصلا و مطلقه به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات دخل در مهمات محال مزبور ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دارند؛ و به علت مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال اربابی و رعیتی و استصوابیات و عوارضات مسدده‌ی الابواب از علفه و علوفه و قیلغا و سیورسات و الام و الاغ و طرح و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدراة و عشر و ده نیم و رسوم میرابی و رسوم سایر عال و توجیحات خلاف حساب و سرشکار و خانه شمار و سلامی و ساوری و میهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفتکچی و چریک و مقطعی و یراق پوشی ایام عاشورا و شاطر دوانی و وجوه محترفه و کندلک و مشتلق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال مذکوره ننموده و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد، محال مزبوره را از آن تکلیف نیز معاف و مسلم دانسته، سیورغال مزکور را از سایر سیورغالات مستثنی شمارند و اعزاز و احترام مباشران و رعایت و مراقبت رعایا و مستأجران محال مزبوره را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند.

صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و در هیچ قتی از اوقات دخل در سیورغال مذکور و محال مزبوره نکرده، اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره سال به سال مالوجهات و گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود قضایای که سانح گردد سوای قضیه خون که به دیوان اعلی متعلق است و هدر هر عصری به متصدیان موقوفات مدرسه مزبوره رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند؛ تحریر فی شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۱۸.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رعت و معالی پناه مقرب الخاقان حارج الحرمین الشریفین نظاما للرفع و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره، املاک و رقبات و مستغلات ملکی و مکتسبی خود را وقف بر روضه‌ی رضیه‌ی رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه، مطهره‌ی متبرکه سدره مرتبه عرش درجه، و مدرسه‌ی جدید موسومه به مدرسه‌ی سلطان حسینی که به نیابت نواب کامیاب همایون ما ساخته نموده و تولیت اوقاف مزبوره را به نواب همایون تفویض و نظارت آنها را به خود متعلق ساخته بود، در این وقت بنابر آنکه علمای امامیه احتیاط می‌نمایند که مادام که شرایط وقف منجز و موقوفات به تصرف واقف داده نشود وقف صحیح نخواهد بود، استدعای آن نمود که مقرب الخاقان و مشار الیه را مرخص فرماییم

که موقوفات مزبوره را به تصرف وقف دهد. بنا بر کمال شفقت و مرحمت پادشاهانه دربارهی مقرب الخاقان مشار الیه نیابت تولیت مزبور را به مقرب الخاقان مومی الیه مفوض و مرجوع، و مقرر فرمودیم که نظارت موقوفات مذکوره را به معتمدی که خاطر از امانت و دیانت او جمع داشته باشد مرجوع نموده به عنوان وقفیت مباشر امور نسق املاک و رقبات و مستغلات متعدد گشته حاصل آنها را به نیابت نواب همایون ما، به مصارفی که به موجب وقف نامچه قرار داده مصروف سازد و در ایصال منافع و حاصل املاک و رقبات و مستغلات مزبوره به مصارف مقررہ ساعی بوده اهتمام تمام در آن باب به عمل آورد؛ و در این باب قدغن دانسته هر ساله رقم مجد طلب نکنند. مستوفیان عظام حسب المسطور مقرر دانسته رقم مطاع را در دفاتر خلود ثبت نمایند و در عهده شناسند؛ تحریرا فی شهر ذی قعدۀ سنه ۱۱۲۰.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعه و العزه و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیہ و صاحب جمع خزانه‌ی عامره، مزارع مذکوره ذیل ملکی و مکتسبی خود را: مزارع بیج آباد و مزرعه‌ی تقی آباد واقعہ فیما بین مده ملا و شاهرود من محال بسطام، مزرعه‌ی سعدآباد و اعهد در کسر و طسوج دارالمؤمنین کاشان؛ مزرعه‌ی مظفرآباد واقعہ در محله‌ی ماربین اصفهان در دامن کوه ثلاثه، مزرعه‌ی فیض آباد مشهور به آقا نور وقف مدرسه خود مرسوم به مدرسه‌ی سلطان حسینیه واقعہ در عباس آباد دار السلطنه‌ی اصفهان نمود که حاصل آن به مصارفی که در قف نامچه آن تفصیل یافته مصروف گردد و نواب همایون ما نیز جهت تحصیل ثبوتات اخروی از ابتدای لوی نیل تمامی مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوان محال مزبوره فوق را خواه جمع دفتری داشته یا آنکه نو درآمد باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی اهل مدرسه‌ی مزبوره شفقت و مرحمت فرمودیم که هر ساله... حاصل موقوفات مزبوره صرف مصارف مدرسه مذکوره و غیره گردد. حکام و وزراء و کلانتران و داروغگان و میرابان و سایر عمال و مباشرین کل وجوه امور دیوانی دارالسلطنه مزبوره و بسطام و دارالمؤمنین کاشان حسب المسطور مقرر دانسته به هیچ وجه من الوجوه مدخل از موقوفات مزبوره ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و مزارع مذکور را از حشو اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت اخراجات و استصوابیات و مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و یراق یوشی ایام عاشورا و رسومات داروغگی و سایر عمال و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و پیکار و شکار و طرح و دست انداز و اقامه و سیورسات و مرد الاغ و پیشکش و سلامانه و غیره تکالیف دیوانی و سایر شلتقات مسدوده‌ی الابواب و امور خلاف حساب به هراسم و رسم و هر صیغه که بوده باشد حواله و اطلاقی بر موقوفات مزبوره و رعایا و مستأجران و ضابطان آنها نمایند و گذارند که ایشان مرفه الحال به رعیتی و دعا گوئی دوام دولت بی‌زوال اشتغال نمایند و اگر به عرض رسد که از فرمان مطاع تجاوز نموده‌اند باز خواست خواهد شد.

رعایا و مستأجران و ضابطان موقوفات مزبوره سال به سال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین موقوفات مزبوره واصل ساخته چیزی قاصر و منکسر نگردانند. مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوایب تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و چنانچه چیزی از مالوجهات و متوجهات محال مزبوره به تیول و سیورغال و همه ساله مقرر باشد از تاریخ مزبوره مقطوع دانسته به ایشان عوض دهند و در این باب قدغن لازم دانسته هر ساله رقم مجدد طب ندارند و از فرموده تخلف نوزند؛ تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه ۱۱۲۵.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعه و المعالی، آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیہ و صاحب جمع خزانه‌ی عامره به عرض اقدس رسانید که مزارع مذکور ذیل... (۱۴) واقعات در محال بیوه کوه و صحرا و مال خان میرزا را که بعضی دایر و بعضی بایر است ایتاع و بر زوار نجف اشرف و کربلای معلی و روضات مقدسات مرتبات عرض درجات ابا عبدالله الحسین علیه الصلوٰۃ و السلام و کاظمین و عسکرین صلوات الله الملک المشرقین، رضیه روضیه علی مشرفها الف سالم و تحیه و اخراجات مراسم تعزیه حضرت سید الشهداء و خامس آل عبا و سایر

مصارف خیر وقف نمود که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اشرف عاید گردد و استدعا نمود که مالوجهت و وجوهات و خارج المال و سایر متوجهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبوره به دستور محالی که بر روضه مقدسه منوره‌ی متبر که سدره مرتبه عرش درجه‌ی و مدرسه‌ی موسومه به سلطان حسینی وقف نمود به سیورغال مقرر کرده و بنابراین شمه از شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه شامل حال مقرب الخاقان مشارالیه فرموده از ابتداء ششماهه لوی نیل کل مالوجهت و وجوها و خارج المال اربابی و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حق دیوانی موقوفات مزبور اعم از آنکه جمع داشته باشد یا نداشته‌اشد و به هر اسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی زوار عتبات عالیات و سایر مصارف واقف مزبور مرحمت فرمودیم. بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال و داروغگان و کلانتران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و کدخدایان و ریش سفیدان و غیره، مباشرین جزو و کل امور دیوان‌الگه کوه کیلویه و محال خان میرزا حسب المسطور مقرر دانسته من بعد اصلا و مطلقا و به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات، دخل در محال مزبوره ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و محال مذکوره را از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهت و وجوهات حکمی و غیر حکمی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی و اخراجات و استصوابیات و عوارض مسدده‌الابواب از علف و علوفه و قلیغا و سیورسات و الام و الاغ و طرح و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدارة و عشر و ده نیم و سوم هوایی و رسوم عمالی و توجیحات خلاف حساب و سرشکار و خانه شمار و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و کندلک و مشتلق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال مذکوره نمایند و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد، محال مزبوره را از آن تکالیف نیز معاف و مسلم دانسته، سیورغال مذکوره را از سایر سیورغالات مستثنی دانند و اعزاز و احترام و مباشرین و رعایت و مراقبت مستأجرین محال مزبور را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند. صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و در هیچ وقتی از اوقات دخل در سیورغال و محال مذکوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستاجران محال مزبوره سال به سال متوجهات خود را مهمسازی متصدیان موقوفات مزبوره نموده گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود و قضایایی که سانح گردد سوای قضیه‌ی خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری که بوده باشد به متصدیان و موقوفات مذکور رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند؛ جمادی الثانیه ۱۱۲۶.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعه و العز و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره به عرض اقدس رسید که قرای مذکوره ذیل (۱۵) واقعات در مال بیوه کوه و صحرا من محال خان میرزای کو کیلویه و... قریه دو مکان (حومکان) مشهور به شاکریه نبار و توابع بالتمام، قریه شاکریه چنار و توابع بالتمام؛ قریه تحت بوستان بالتمام، قریه فیض آباد مشهور به هوایی بالتمام و قریه ولی قان به سمیرم فارس با مزارع... اتباع و به زوار نجف اشرف و عتبات عالیات و سایر مشاهده مشرفه و مدرسه موسومه به سلطان حسینی و سایر مصارف خیر وقف نموده که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اشرف عاید شود و استدعا نموده مالوجهت نقدی و جنسی اربابی و رعیتی و ماشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی املاک مزبور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی وقف مرحمت شود. بنابراین شمه از شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه شامل حال مقرب الخاقان مشارالیه فرموده از ابتدای تخاقوی نیل کل مالوجهت و وجوهات و خارج المال نقدی و جنسی ارباب و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبور را اعم از آنکه جمع داشته باشد یا نداشته باشد و به هراسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان

سرمدی زوار نجف اشرف و عتبات عالیات و سایر مشاهد مشرفه و مدرسه‌ی مذکور و غیره مصارف وقف مزبور عنایت و مرحمت فرمودیم. بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال و داروگان و کلانتران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و کدخدایان و ریش سفیدان و غیره، مباشرین جزو و کل امور دیوانی الگای کوه کیلویه و خان میرزا و سمیرم، حسب المسطور مقرر دانسته من بعد اصلا و مطلقا و به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات دخل در مال وقفی مزبور را ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و محال مذکور را از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال و اربابی و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی و اخراجات و استصوابیات و عوارضات مسدوده‌ی الابواب از علفه و علوفه و قیلغا و سیورسات و الام و الاغ و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدارة و عشر و ده و نیم و رسوم هوایی و رسوم عمال و توجیهات خلافی و سر شممار و خانه شممار و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکشی و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و کندلکار و مشتلق و اسب چپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال وقفی مزبور ننمایند و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گرد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد محال مزبوره را از آن تکالیف نیز معاف و مسلم دانسته سیورغال مذکور را از سایر سیورغالات مستثنی دانند و اعزاز و احترام مباشرین و رعایت و مراقبت مستأجرین محال مزبور را لازم و واجب شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند؛ صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و هیچ وقتی از اوقات دخل در سیورغال مزبور و محال مذکوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره سال به سال متوجهات خود را مهمسازی متصدیان موقوفات مزبوره نموده گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود و قضایایی که سانح گردد سوای قضیه خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری که بوده باشد به متصدیان موقوفات مذکور رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند. شهر جمادی الثانیه سنه ۱۱۲۹. گواهی علما بر وقف نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله كما ينبغي بجلاله و يليق بكماله و الصلوه و السلام على اشرف المرسلين محمد و المعصومين من عترته و اله و بعد فان هذا الكتاب الصواب و الخطاب المستطاب طوبى للواقف فيه و حسن ما ب قد انطوى على خلاصه ما ادرج فيالوقفية الرفيعة المنيعه الجليله الموشحة بالتوقيع الارفع الاقدس و الختم الاشرف الاعلى المحلاة بخطوط اعلام العلماء و ارقام الفضلاء المختومه بختم الداعي لا بود الدولة القاهرة الكبرى المستدعى لخلود السلطنة الزاهرة العظمى قد لا- حظته مع نسخه الرفيع الاعلى و صنوه المنيع المطاع فالفيته محتويا على جملة ما سطر في تلك الوقفية الرفيعة الموشحة بالتوقيعات العلية العاليه مشتمله على رمة ما زبر في الوثيقة الانيقة المحلاة بالسجلات الساميه و الارقام النامية و سمعت الاقرار عن عاليحضرت الواقف المؤيد المسدد الفايز بمحرمة سرادق السلطنة الباهرة لا زالت عارجا معارج الرفعة و الكمال مرتقيا مدارج الدولة و الاقبال بما رقم و ذكر في هذا الكتاب المقترن بالصدق و الصواب فصرت بمضمونه شاهدا و بمفهومه عارفا و رقمت فيه على الاجمال ما اشهدني سابقا و لاحقا رعاية لمقتضى الحال فى الثانى و العشرين فى شهر جمادى الاخرة لسنة ۱۱۲۵ داعبا ابود الدولة القاهرة الباهرة الزاهرة العلية العلية الكبرى؛ محل مهر...

لقد اشهدني عاليجاه الواقف المعظم الراجى للمراحم الكريمة السبحانية اسوة المعتمدين على سرادات العتبة العليا العلوية الخاقانية قدوة المؤمنين على خزائن الدولة السنية السمية السلطانية ما برح موردا للعواطف الالهية العوارف الشاهية على ما انطوى عليه هذا الكتاب المستطاب و هو واحدة من عشر نسخ متابقه اجمل فيها ما فصله فى الطومار الرفيع الاسنى الذى وعت اذنى ما حواه مفصلا و كان هذا فى فواتح شهر رجب افرد من سنة خمس و عشرين بعد مائة و الف من الهجرة المباركة كتبه بيمنه الداثره الخاسرة اقل العباد

عملا و اکثر هم زللا محمد حسین شاه محمد التبریزی عفی عنهما - محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد صرت شاهدا بما وفق له الواقف المويد المسدد زاده الله تعالى توفيقا و تعاطيا لا حضعاف ما تيسر له من صنوف الخيرات و ضروب المبرات و سمعت من جانبه بصريح الاقرار و واضح الاعتراف بجمع ما اندرج في هذا الكتاب كما سمعت به ما يطابقه و يشهد من الطومار الوثيقة الانيقة المنيعه و جرى عليهما خاتمی و رسمی و كان ذلك في ۱۲ شهر الله الاصب رجب المرجب من شهر ۱۱۲۵ و كتب بيمنه الدائرة الداعي لدوام الدولة القاهرة الباهرة الزاهرة الظاهرة الابدية؛ حسين بن حسن الجيلاني. محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و كفى و سلامه على عباده الذين اصطفى؛ لقد اشهدني عاليجاه المقرب الخاقان المؤمن السلطان العارج معارج العز و الكمال المرتقى مدارج الرفعة و الاقبال على ما حواه الكتاب من المبدء الى المآب و كتب الداعي لدوام الدولة القاهرة الحسينية الكبرى محمد باقر ابن المرحوم المغفور... المشكور محمد اسماعيل الحسيني عفى الله عنهما بالنبي و الوصي و آلهما، عاليجاه واقف موفق مسدد مشار اليه بعد از آنکه اخبار نمود به آنکه آنچه به موجب و قفنامجات معتبره متلاصقه عليه و به تواريخ متفرقه و اوضاع مختلف وقف فرموده بود شرائط و ارکان آنها بتمامها در آن اوقات به عمل نيامده بود اقرار نمود که در تاريخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۱۲۴ که به موجب و قفنامچه ديگر ملصق به آنها وقف جديدی از او صادر شده و خلاصه‌ی مجموع اوقاف سابقه و لاحقہ در اين کتاب مشتمل بر بيست و هفت ورق مختومه به ختم داعی که بر ده نسخه شده است ذکر شده جميع شرائط لزوم موقوفات سابقه و لاحقہ متحقق شده است

محمد باقر الحسيني

بسم الله الرحمن الرحيم

اشهدني عمدة المعتمدين في الدولة الباهرة القاهرة السلطانية و زبده المقربين الى سرير السلطنة العظمى الخاقانية الخازن للخزانة العامة الواقف الموفق المؤيد آقا كمال على ما نسب اليه في هذا الكتاب من وقف الاعيان المحدودة حسب الاصول المعدودة على الشرايط و القيود المذكوره في كل باب رزقه الله تعالى ثواب اعماله يوم يقوم الحساب و اشهدني سابقا على ما في الصحيفة الاخرى و كتب شهادتي فيها موافقا لا- قراره في المرة الاولى و اعترف بتحقيق ما هو معتبر و شرط في لزوم الوقف و ثبوته بحيث لا يقبل النقص و التبدیل. كتبه الداعي لدوام الدولة القاهرة محمد شفيح الخراساني في شهر رجب سنة ۱۱۲۵ - محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

اشهدني عاليحضرت الواقف الموفق المؤيد لا زالت اغصان آماله و اعماله الصالحة مورقة و شمس عزه و اقباله من افق التوفيق مشرقه على مضمون هذا الكتاب كما اشهدني سابقا معترفا بجمع ما سطر فيه من اوله الى اخره، فصرت شاهدا عليه في ۲۹ من شهر جمادى الثانية سنة ۱۱۲۵ و كتب الداعي لدوام الدولة القاهرة زين الدين العاملي فهرست چند کتاب وقفی مدرسه تفصيل كتب مذكوره ذيل كه.... حاجي مهدي خان بيك متصدي شرعي مدرسه مباركه... الشهير به مدرسه مرحمت و غفران پناه آقا كمال بر طلب.... مذکور وقف در اين وقت واقف مشار اليه به اذن.... معلى القاب شهابا الانامى علامى فهامى ملا عبد الله... موقوف عليه داده تسليم اهل طلبه نموده تحريراً في.... كتاب تهذيب، كتاب ارشاد، كتاب حاشيه بر مطول، كتاب احقاق الحق، كتاب كليني، كتاب شفا، كتاب مجمع البيان، كتاب استيصار، كتاب من لا يحضر، كتاب شهر مواقف، كتاب منطق تجريد، كتاب تمهيد القواعد، كتاب مسالك، كتاب شرح قواعد، كتاب تهذيب الاصول....

.... فضيلت و کمالات پناه ملا شيخ جلال الدين محمد رئيس مدرسه‌ی رفيعه سلطان حسينيه که به سرکار خير مدار و کلاء عاليجاهی

مستغنی الالقاب و الاوصافی واقف معظم الیه سپرده و کتب مفصله ذیل را اخذ نموده؛ آنکه مجلدات کتاب بحار الانوار که سرکار نواب عالیجاهی آقائی مدظله العالی خریداری و وقف مدرسه‌ی مبارکه سلطان حسینیّه نموده‌اند، بدین موجب است: جلد اول، سیم، (چهارم ندارد) پنجم، ششم، هفتم، نهم ایضا نهم، دهم، سیزدهم، هیجدهم، آنچه از سرکار عالیجاه آقائی مدظله العالی خریداری و وقف مدرسه مبارکه مزبوره نموده‌اند: کتاب نهج البلاغه یک جلد، کتاب دروس تمام درسه جلد، کتاب کفعمی یک جلد، کتاب وافی تمام در پنج جلد، و سائل الشیعه در شش جلد؛ کتب مذکورات فوق به مدرسه‌ی مبارکه مزبوره آورده شده و در نزد داعی جلال الدین محمد است. پی نوشت: ۱- نک: سیاحتنامه‌ی شاردن ج ۶ صص ۴۰۴-۴۰۰، سازمان اداری حکومت صفوی، مینورسکی ص ۱۰۷.

- ۲- تذکره الملوک ص ۲۹ درباره خزانه شاه، کیفیت گردآوری اموال و خزانه دار شاه سلیمان که آقا کافور نام داشته نک: سیاحتنامه شاردن ج ۶ صص ۳۱۰-۳۰۸.
- ۳- تذکره الملوک ص ۲۹.
- ۴- سازمان اداری حکومت صفوی ص ۱۰۷.
- ۵- این چکامه همراه مقالات دیگر با عنوان «علل بر افتادن صفویان در مکافات نامه» در حال انتشار است.
- ۶- گنجینه آثار تاریخی اصفهان صص ۸۰۴-۸۰۳.
- ۷- وقایع السنین و الاعوام ص ۵۵۷.
- ۸- گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان ص ۶۹۴.
- ۹- کمال آباد مساوی ۱۱۱۹؛ نک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص ۶۹۵.
- ۱۰- گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان ص ۷۱۱.
- ۱۱- نمل / ۴۰.
- ۱۲- در اینجا نام برخی از محلات و دکاکین برده شده که در فهرست رقبات موقوفه در داخل متن آمده است.
- ۱۳- یا قلیغا یا قنغلا: نوعی مالیات که برای پذیرایی عمال حکومت و دیگران و صوف می شود (معین).
- ۱۴- در اینجا نام چند مزرعه آمده که به سختی خواننده می شود.
- ۱۵- این قسمت مطالب صفحه نخست و قفنامه است بر اساس آنچه در عکس نسخه آشکار است که از اطراف خوردگی داشته و افتادگی هایی دارد که بجای آنها نقطه چین گذاشته شده است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

بصروی، حاج محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسجد بصروی

مسجد بصروی کلکته تنها مسجدی بوده که به دست ایرانیان در سال ۱۸۳۰ در منطقه‌ی امام‌باره کلکته ساخته شده است. این مسجد حدود ۴۵ مغازه دارد و مساحت کل آن ۵,۰۰۰ فوت مربع است. این مجموعه موقوفه‌ی مرحوم حاج محمود بصروی یکی از ایرانیان آن زمان بوده و براساس وقف‌نامه، متولیان آن سلسله‌ی نسلهای آینده‌ی آن مرحوم می‌باشد و در حال حاضر متولی این موقوفه میرزا علی عقیل بصروی است

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

بلیانی، شیخ امین الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ امین الدین محمد بلیانی، برجسته‌ترین شخصیت سلسله «بلیانیه» است. خانواده و اجدادش همه از علمای دین و مشایخ عرفان بودند. نسب او تا شیخ ابوعلی دقاق نیشابوری؛ عارف بزرگ قرن چهارم چنین است:

شیخ امین الدین محمد بن زین الدین علی بن ضیاء الدین مسعود بن نجم الدین محمد بن علی بن احمد بن عمر بن اسماعیل بن ابی علی الدقاق (م. ۴۰۵ ه.ق. نیشابور)

شیخ امین الدین در حیات خود مورد توجه خاص سلاطین آل اینجو بود و بزرگانی چون خواجوی کرمانی، حافظ و زرکوب شیرازی - مؤلف شیرازنامه - مریدوار او را ستوده‌اند. یکی از مریدان شیخ محمود بن عثمان؛ نویسنده کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه است که در مقامات شیخ ابواسحاق کازرونی، نوشته شده است.

دو سال پس از مرگ شیخ امین الدین (م. ۷۴۵ ه.ق) محمود بن عثمان، کتابی در حالات و مقامات او تألیف می‌کند و نام جواهر الامینیه بر آن می‌نهد. متأسفانه از این کتاب که اساسی‌ترین منبع در شناخت او و دیگر مشایخ بلیانی است، خبری نداریم؛ و فقط گزیده‌ای از این کتاب که به دست مؤلف انجام گرفته با نام «مفتاح الهدایه و مصباح العنایه» در کتابخانه اسعد افندی ترکیه موجود است (این کتاب به زودی به کوشش نگارنده به چاپ می‌رسد).

در مفتاح الهدایه به احداث چندین بنا؛ چون مسجد، خانقاه، دارالحدیث و دارالشفای مرشدی، سقایه و چشمه بمشق به دست شیخ اشاره رفته است.

سند حاضر که به وقفنامه «چشمه بمشق» و «قنات قرچه» موسوم است، از جمله پنج وقفنامه مربوط به شیخ امین الدین است که در اداره اوقاف شهرستان کازرون نگهداری می‌شود. شیخ پس از احداث چشمه و قنات مذکور، هر دو را بر مردم کازرون و خانقاه خود وقف کرده و فرزندش محب الدین محمد را به تولیت آن برمی‌گزیند.

تاریخ تنظیم اصل وقفنامه، سوم محرم الحرام سال ۷۱۵ هجری قمری است و سند حاضر در واقع رونوشتی است که بر مبنای نسخه اصل در قرن سیزدهم بر کاغذ فرنگی و به خط رقاع نوشته شده است.

اندازه سند ۳۲ در ۹۵ سانتی متر می‌باشد. نکات قابل تذکری در پنج وقفنامه مربوط به شیخ امین الدین وجود دارد که پس از معرفی بقیه اسناد به آن خواهیم پرداخت. در اینجا متن کامل سند را بازنویسی می‌کنیم و شماره هر سطر را در ابتدای جملات ذکر می‌نمائیم تا خوانندگان گرامی در صورت تمایل بتوانند آن را با متن اصلی مطابقت دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - الحمد لله الواقف على السراير و التيات الذى يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقات و وقف على عباده انواع نعمائه و افاض عليهم اصناف آلائه و فوّض امر توليته الى نفسه الازليه.

(يك سطر ناخوانا است)

۲ - و دوام سلطانه تعالى ان يجرى فى ملكه شىء لا يشاء و تقدس فى ان يأمر بالمنكر و البغى و الفحشاء و الصلوة و السلام على شمس سماء الرساله و بدر فلک الجلاله سيد الانبياء و سندا لاصفياء المبعوث على العرب و العجم بالشريعه.

- ۳- السمحاء ابی القاسم محمد المصطفی الذی شهد علی رسالته من کفی به واشهد له الذی اختارهم لتبلیغ امره و نهیه و جعلهم خزنة علمه لاسیما اخیه واحبهم الیه و وزیره و وصیه و خلیفته من بعده.
- ۴- سیدالوصیین و نظام‌الدین ابی الائمه و سراج‌الائمه ذی الفضائل و المناقب و المعصوم من المعایب و المثالب امام المشارق و المغرب امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب مخ المکارم و اسّ المفاخر- صلوات‌الله و سلامه.
- ۵- علیه و علیهم اجمعین ما تقارب الماء و الطین و تقارن الشک و الیقین و بعد الحمد و الصلوة.
- مطلب از تحریر این کلمات شرایع قواعد ارشاد و مقصد اسی از تسطیر حقیقه این بنیان کافی بدایه تهذیب ترجمان که
- ۶- تفسیر الفاظ و معانی بیان آن کشف مفصّلات دین مبین و تأویل حروف و تبیان آن، حلال مشکلات شریعت سیدالمرسلین است، ذکر و بیان آن است که چون بر ضمایر اکسیر مآثر مهتدیان طرق نجات از عباد ابرار
- ۷- واضح و لایح است که دار دنیا محلّ حوادث و آفات، به عرصه انهدام لذات و شهوات و درصدد فنا و فوات است؛ بجز آنکه بر مضمون حقیقت مشحون «الدنیا مزرعه الاخره» پیوسته در آن تخم امل از حسن عمل
- ۸- بکارند، چاره. و به غیر آنکه بر مفهوم حدیث صحیح «مالک عن مالک الا ما اکتل فاقیت و لبست فابلیت او تصدقت فابقیته» و مصداق «اذامات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلث: صدقه جاریه و علم ینفع
- ۹- به و ولد صالح یتغفرله» به ایصال مال و نعیم دنیوی که معرض زوال، بل عین فتنه و وبال است؛ حیث قال «انما اموالکم و اولادکم فتنه» و صرف آن در مصارف خیرات و مبرات، ابواب سعادت دنیا و عقبی بر روی
- ۱۰- خویش گشاده دارند تا در «یوم لا- ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم» از گرداب مخوفات و عثرات رحمت دایمه یزدانی و مکرمت شامله ربّانی، مصون و محفوظ مانند، گریزی نه.
- بناءً علی هذه
- ۱۱- المقدمات، از جمله مرتقیان معارج توفیق، جناب قطب الاولیاء و المحققین، برهان الاصفیاء و المدققین، معبرالخلایق الی طریق الحق و ارشاد، محرم کعبه التوحید، سرالله الملک المجید، سبح
- ۱۲- بحرالولایه و سیاح بیداء الهدایه، کهف العاملین، السیدالاید الجید الموبد الموبد من عندالله الملک الملک الولی. حاجی سید امین الحق و الشریعه و الحقیقه، ناصح فیما بین المسلمین محمد
- ۱۳- البلیانی الخراسانی - ادام الله بقائه - که هر یک از فقرات حقیقت بینات را نصب العین خود ساخته، قبل از وقوع واقعه ضروریّه در تهیه اسباب سفر معاد پرداخته بر معارج
- ۱۴- خیرات و مدارج مبرات غبّ حضور و رضا بما سیأتی؛ وقف صحیح مؤید شرعی و حبس صریح مخلّد ملی گردانید، موازی یک رشته قنات موسومه به قرچه و چشمه بمشق مشهوره
- ۱۵- به وادی که بهر دو احدائی خود می‌باشد. قنات موسومه به قرچه را وقف عام بعباره اُخری وقف بلده طیبه کازرون و چشمه بمشق را وقف خاص اعنی بر بقعه علیه و روضه حلیه خود - صینت عن حوادث الدهر
- ۱۶- و مکاره القرون - که نخرند و نفروشدند و نبخشند و به میراث برنگیرند و مرهون نسازند و عقد صلح بر آن جاری نسازند و از حاصل آن با غیر مصالحه نکنند و در ابقاء آن کوشیده؛ تغیر
- ۱۷- و تبدیل به قواعد آنها راه ندهند؛ الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.
- و جناب سید جلیل القدر معظم الیه بعد از وقف و حبس آنها تخلیه ید نمود و از تصرف خود اخراج کرد. و تولیت وقف موصوف.
- ۱۸- مفوّض و مرجوع ساخت به اولاد ذکور خود اعنی حضرت سیادت و نجابت پناه نقابت و هدایت دستگاه، شمساً للسیاده و النجابه و المعالی، اعلم العلماء و المحدثین، امام المله «محب الدین محمد» و هکذا ما تعاقبوا

۱۹- و تناسلوا و ان فقد الذکور کلاً تولیت متعلق است به ذکور انانث، هلم جزا. و اگر نعوذ بالله. اولاد ذکور انانث انقطاع یابد، متعلق است به انانث انانث. و بر تقدیر انقراض اولاد متولی - نعوذ بالله من ذلك -

۲۰- تولیت متعلق است به اصلح اولاد ذکور قطب ربانی و عارف صمدانی جناب مرتضوی انتساب عموی ام سید عبدالله بلیانی - قدس الله سره - به همان نهج مذکور و دستور مسطور. و اگر عوذا بالله آن هم

۲۱- منقرض شود، مفوض است به عالمی از علمای ملت ناجیه امامیه از علمای بلده طیبه کازرون و جناب واقف موفق، صیغه شرعیه در وقف مزبوره منعقد گردانید و به قبول من جازله القبول فی مثله مقرون ساخت.

۲۲- و به قبض من یعتبر قبضه فی نحو ذلك، شرعا داد. وقفی صحیح مخلص شرعی قوی البیان و حبسی صریح مؤید دین قویم الارکان و لیس لاحد من خلق الله من یؤمن به و بآياته، تبدیل مارقم.

۲۳- فی هذه النمیقه. فان غیر احد و سعی فی التبدیل، او اشاد الیه او اعان المغیر فیهِ، فعلیه لعان الله و الملائکه والناس اجمعین. لا یقبل منه صلوة ولا صوم ولا فرض ولا نقل. فمن بدله بعد.

۲۴- ما سمعه فائما اثمه علی الذین یبدلونه. ان الله سمیع علیم و حرر ذلك فی ثالث شهر محرم الحرام من شهور سنه خمسہ عشر و سبع مائه من الهجرة النبویة المرتضویة المصطفویة علیه الاف السلام والتحیة. سجلات وقفنامه

الف: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على ما فى البال و الكبير المتعال و الصلوة و السلام على خير من نطق بالصواب و، وصی بحسن الاصال و بعد قد اعترف الواقف المعظم النبیل الموق بتوفیقات، ربّه الجلیل بصحّة ما سطر فى هذه الورقه و رقم فى هذه النمیقه من الوقف الصحیح، الشرعی و الحبس المؤبد الملى و تعیین المتولی لدى الجانى.

ب: بسم الله الواقف على السراير والضماير

الحمد لله الذى من اوليائه بالصدقة المدائمه بالخلد و الجنان و رضى عنهم و وعدهم بالنعيم المؤبد و السعادة، المؤبد. السیرمد من فرط اللطف و الاحسان و الصلوة و السلام على من شرّفه الله على كافّة من الرسل، بالانس و الجان بمحمد و اله المعصومين الذین تشرفت بهم بنوعدانان و بعد فقد جرى الاعتراف، الشرعی و الاقرار المرعى عن الواقف الموق المعظم الیه - كرم الله له بالقبول و الرضوان بما نسب الیه، لا- يعتریه شك و لاریب و لا نقصان، كتبت فى شهر محرم الحرام من سنه المذكور فى المتن الراضى الى ملك الغفور.

ج - هو

الحمد لله الذى ذرف بلطفه عيون المعارف من قلوب العارفين على بلد تمحى اطلالها من غوايه، الغاوين. فتردى بها عطاشها الى يوم الدين و الصلوة و السلام على امين الدين محمد المصطفى المجتبى، الامين و على على اعلى معارج العز و العلى، غياث الدين و مقصود اهل اليقين و امام، الدين امير المؤمنين على بن ابى طالب و آله و اولاده المعصومين و عترته الطاهرين، و بعد لا- يخفى على ذوى الدراية و البهى قد صدر الاعتراف عن الواقف الموق، الجليل النبیل. الواقف باحوال يوم المواقف بما نسب من لزوم الوقف و تفويض التولية، و بعد اطلاق على ما سطر، كتبت المحلّة الشرعيه الداله هذه متنا لحقيه المتولى فيه و خلى، يده عن التصرف و اخرج عن ملكه خاليا من التعسف، لدى الفانى الزاجى.

د - بسم الله الواقف على السراير والضماير

الحمد لواقف لا يقف على كنه ذاته سواه و الشكر لموق لا يصل عبد الى طريق الحق الابدهاء، و الصلوة على رسوله الهادى الى منهج الصواب دينه القويم محمد الداعى الى ما فيه الخير و الثواب، [شرعه المستقيم، حبيب الله المبعوث بالخلق العظيم و على آله العظام و عترته حفظه مراسم دينه]، الى يوم القيام. فقد وقف الواقف الخیر الخبير. الموق للخير. ضاعف الله توفيقه ما، وفق به وقف لها وقف

علی ما وقف حسبما رقم فيه لدى. شاهدان نسخه اصل

- ۱- شهدت بذلك من الوقفية والتولية. ابن علی
- ۲- شهدت علی ذلك من الوقفية والتولية... الله دانیال بلمینی
- ۳- بشهادة العبد الاقل من الوقفية والتولية، العبد محمد علی ولد جمال بلیانی
- ۴- شهد بما زبر فيه علی شاه بن محمد بلمینی
- ۵- شهدت بمضمونه من الوقف والتولية حسین علی ولد جعفر بلیانی.
- ۶- شهد بمضمونه من الوقف والتولية العبد الجانی عبدالملک بیضایی
- ۷- شهد بما رقم فيه العبد الاقل حاجی ابراهیم اصفهانی.
- ۸- شهدت علی ذلك العبد الاقل شاه کرم ولد جعفر بیضایی
- ۹- شهد بذلك من الوقفية والتولية العبد الاقل عبدالکریم بن محمود شاه خراسانی
- ۱۰- مسکینان کترین فخرالدین ملک احمد و جمال الدین ملک حسین و شرف الدین حسن سامغانی از واقف خیر واقف - زید عمره و درجاته - اقرار به وقفیه و تولیت و تصرف متولی استماع نمودیم.
- ۱۱- شهدت بما رقم فيه من الوقف والتولية العبد ابراهیم بن خلیل بوانی.
- ۱۲- بشهادة العبد الاقل من الوقفية والتولية جمال ولد علی بیضایی.
- ۱۳- انا من الشاهدين بمضمونه علی بن عاصم.
- ۱۴- شهد بذلك من الوقفية والتولية والتصرف ملک حسین بن محمد شاه بوانی.
- ۱۵- اقر الواقف - زید درجاته - بصحة ما رقم فيه حرره الخاطی ابن عبدالکریم، هادی.
- ۱۶- جناب عظیم الشأن واقف خیر واقف به آنچه مرقوم شده، از وقفیت و تولیت و تصرف متولی نزد افقر عباد اعتراف نمود. اقل خلق الله محمد حسین.
- ۱۷- سمعت و شهدت علی ذلك محمد تقی الحسینی.
- ۱۸- جناب واقف معظم الیه نزد کترین بندگان اقرار به وقفیت و تولیت و تصرف متولی نمود. العبد الجانی ابن مقصود.
- ۱۹- بشهادة العبد الاقل محمود موسوی.
- ۲۰- قد وقف الواقف. الواقف باهوال يوم المواقف الموفق بتوفیق الواقف علی السراير و الضماير الموقوف المسطور علی نهج المسفور و خلی یده منه بمحضری.
- ۲۱- شهد بما زبر فيه محمد مرودشتی
- ۲۲- بشهادة العبد الاقل محمد هاشم مرودشتی.
- ۲۳- واقف خیر موقوف کترین بندگان از این بزرگوار سماع و استماع نمودیم. العبد الجانی.
- ۲۴- شهدت علی ذلك منصور فیروز آبادی.
- ۲۵- وقع الواقف الجلیل للوقف الماء ان و قبض بالتخلیه واعترف بصحته عندی.
- ۲۶- ما ذکر فيه واضح عندی. العبد الاقل جمشید فیروز آبادی.
- ۲۷- كتب العبد الاقل شهدت علی الوقفية والتولية والتصرف، العبد الاقل ابن محمود شاه.
- ۲۸- مارقم فی هذه النمیقه واضح عندی. الاقل خلیفه ابن علی نقی الحسینی.
- ۲۹- قد اعترف - زیدت مرتبته و توفیقاته بالتوفیق و ما يتوقف علیه لزومه علی وقف... كما زبر فيه متنا - مهر

۳۰- شهدت على ذلك العبد الخاطى محمد...الطباطبايى.

۳۱- الحمد لله الواقف على الضماير، والصلوة على من لانبى بعده محمد واله الاطهار و بعد فقد اعترف الواقف الموفق بما جرى منه لدى.

۳۲- قد اقر الواقف المعزز - حفظه الله تعالى - بما اقم فى هذه لدى الجانى -

۳۳- قد اعترف الواقف الجليل النبيل - ادام الله عمره - .. بما زبر فيه لدى الجانب -

۳۴- قد اعترف الواقف المحترم الموفق بما سطر فيه من الوقف الصحيح و حبس الصريح والتولى والتصرف لدى الجانى الخاطى...

۳۵- قد اعترف الواقف المكرم بصفحة ما رقم فى الكتاب المستطاب من المبدأ و المآب لدى الجانى - ابن على نقى.

۳۶- قد اعترف الواقف المعظم - سلمه الله تعالى - لدى الجانى - محمد خان افشار. شاهدان و تأييد کنندگان نسخه بردارى

۱- بعد از مقابله و ملاحظه اصل و فرع، فرع مطابق اصل ديدم و خلافى ندارد. العبد المجرى - مهر (عبد محمد بن حسين...)

۲- وضح لى وضح عندى ان الفرع هذا مطابق لاصله. حرره الشاهد العبد الفانى - مهر (... بن عبد الله سهاء الدينى).

۳- لاحظت هذا الفرع مساو لاصله ولا ريب فيه العبد العاصى. مهر (العبد المذنب قاسم).

۴- طوبق ذا واصله فوجدناهما سياتان ولا ريب فيه. العبد - مهر (العبد محب الدين هاشم)

۵- بعد از مقابله و ملاحظه اصل و فرع، فرع را مطابق اصل ديدم و خلاف ندارد العبد المذنب - مهر.

۶- غب... من... صح لى و... الفرع...

۷- طابقت هذا الفرع مساو مع اصله ولا ريب فيه العبد الراجى. مهر (عبد الراجى محب الدين عبدالسلام)

۸- سواد و اصل مساوى مى باشد و خلافى در آن نيست. حرره الراجى - مهر (يا امام حسين)

۹- بعد رعايت المقدمات من المقابلة هذا... هذا مع اصله مطابق - مهر (العبد المذنب حسين...)

۱۰- وضح لى...

۱۱- كذلك نحن شاهدين. الراجيون مهر (...فخرالدين...)

۱۲- بعد از مقابله [فرع و اصل] وقفنامه معتبره، سواد را مطابق اصل يافتيم و خلافى در ميان... حرره الجانيون. دو مهر

۱۳- طوبقنا و قوبلنا ذامع اصله فوجدناهما مساويان حرره العاصيون الراجيون شش مهر (مهدي بن محمد...) (...على...)

(...نجم الدين شاه...). بر گرفته از كتاب: پايگاه راسخون

منابع زندگينامه: ميراث جاويدان

بی بی شهر بانو

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حسینیه شیرازی

این حسینیه به مساحت ۳۵۰ متر مربع در منطقه‌ی ریچ من تون بنگلور قرار دارد و زمین آن ۱۱۰ سال پیش از جانب همسر مرحوم

حاج میرزا علی عسگر شیرازی به نام مرحومه بی بی شهربانو وقف حسینیه شد.

متولی فعلی حسینیه حاج میرزا محمد مهدی است. بر گرفته از کتاب: پايگاه راسخون

بی بی فضل النساء

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

موقوفه‌ی مرحومه بی بی فضل النساء حسینی‌ی بی بی انارو

حسینی‌ی بی بی انارو به مساحت ۷۵ هزار فوت مربع موقوفه‌ی مرحومه بی بی فضل النساء است. این حسینی‌ی در سال ۱۸۳۳ میلادی در میدان پارک شهر کلکته تأسیس شده است. مرحومه بی بی فضل النساء از شیعیان ایرانی الاصل بود. اعضای تولیت حسینی‌ی بی بی انارو عبارتند از ۱- حاج محسن علی شیرازی و ۲- حاج فاضل اما رضوی. این حسینی‌ی ملحقاتی ندارد و هزینه‌های آن از سوی مردم تأمین می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

بیگلریگی، حاجی عیسی خان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجموعه سید اسماعیل شامل امام زاده، آب انبار، بازار و میدان سید اسماعیل و مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله است. هسته اصلی و مرکزی این مجموعه، آرامگاه امام زاده سید اسماعیل، منسوب به اولاد امام علی النقی (ع)، می‌باشد. کاشی‌های زرین فام روی مرقف و وضع اسقرار مرقف در گنبد خانه کنونی - که نسبت به مرکز تقارن بقعه فعلی جا به جاست - بر وجود عناصر ساختمانی قرون هفتم و هشتم هجری بنای امام زاده سید اسماعیل دلالت می‌کند هم چنین کتیبه روی در منبت کاری شده‌ی بنا نشان می‌دهد که ساخت در مزبور، در تاریخ غره جمادی الاول سال ۸۸۶ ق به اتمام رسیده و این تاریخ، قدیم ترین تاریخی است که درباره ابنیه قدیمی داخل شهر تهران سراغ می‌رود. به همین دلیل بنای امام زاده سید اسماعیل برای شهر تهران واجد امتیاز مخصوصی است عناصر ساختمانی گنبد خانه فعلی امام زاده سید اسماعیل را می‌توان به تغییرات و تحولات ساختمانی بنا در دوره صفوی نسبت داد که براساس آن گنبد خانه کنونی در محل بقعه قبلی با وسعت بیشتری برپا شده است کتیبه ایوان و در منبت کاری قدیمی امام زاده از آخرین تحولات مهم ساختمانی این بنا به وسیله حاجی عیسی خان بیگلریگی، حام دار الخلافه تهران، یاد می‌کنند. وی در سال ۱۲۶۲ ق ضمن مرمت و تجدید بنای گنبد خانه، صحن، گل دسته‌ها، رواق و ایوان آن را احداث می‌کند. حاجی عیسی خان بیگلریگی در سال ۱۲۶۱ ق، به میرزا موسی وزیر اجازه می‌دهد تا در ملک شخصی خود - که شامل زمینی به مساحت هزار و شش صد متر بوده - آب انبار عظیمی را بنا کند. (متن وقف نامه آب انبار سید اسماعیل) این آب انبار به سبب هم جواری با بقعه زیارتی سید اسماعیل از همان ابتدای ساخت به نام آب انبار سید اسماعیل مشهور می‌شود.

پیش از ساخت آب انبار مذکور و تحولات عمده ساختمانی بنای امام زاده سید اسماعیل در دوره حکومت محمد شاه قاجار، بیشتر اراضی محله چال میدان را گورستان و چاله‌ها - از چاله‌ها به عنوان زباله دانی استفاده می‌شد - تشکیل می‌داد. شکل گیری آب انبار و تحولات ساختمانی بنای امام زاده باعث از بین رفتن گورستان و چاله‌ها و ساخت راسته بازار سید اسماعیل و دکان‌های اطراف میدان کاه فروش‌ها (سید اسماعیل امروزی) و دو دالان منتهی به امام زاده به جای آنها شد. یاد آور می‌شود که وجود تعداد زیادی از این مغازه‌ها و واحدهای تجاری را باید مرهون علت پر اهمیتی تحت عنوان وقف هم دانست؛ چرا که بسیاری از این

دکان‌ها احداث شدند تا از محل درآمد آنها مخارج ضروری امامزاده و آب انبار تأمین شود. بدین ترتیب تاریخ ساخت بازار سید اسماعیل مربوط به اواخر دهه ۱۲۵۰ ق یعنی، تقریباً هم زمان با آخرین مرحله تحولات عمده ساختمانی امام زاده و ساخت آب انبار سید اسماعیل می‌باشد. هم چنین وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل در سال ۱۲۵۹ ق از این بازار تحت عنوان «بازارچه جدید الاحداث موسوم به سید اسماعیل» یاد می‌کند. با احداث این بازار و به وجود آمدن یک مجموعه با سه قطب قدرتمند مذهبی، تجاری و اجتماعی ضرورت ایجاد یک مرکز آموزشی و فرهنگی نیز احساس می‌شد و همین امر فیلسوف الدوله را در سال ۱۳۲۲ ق به ساخت مدرسه علمیه‌ای در یگانه فضای خالی مجموعه، یعنی قبرستان ضلع جنوبی امام زاده ترغیب کرد. بنابراین آخرین عنصر کارآمد مجموعه، مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله، نیز بر پیکره آن افزوده شد.

براساس وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل حاجی عیسی خان بیگلریگی در ماه ربیع الاول سال ۱۲۵۹ ق همگی ملک متصرفی همسرش، عفت الملوک، را - که شامل کاروان سرایی در میدان گاه فروش‌ها و تعدادی مغازه در میدان مذکور و بازار سید اسماعیل و هم چنین چندین قطعه زمین واقع در کوچه سید اسماعیل و خیابان مصطفی خمینی (سیروس سابق) بوده است - در ازای پرداخت چهارصد و پنجاه تومان از وی خرید. حاجی عیسی خان در همان

تاریخی تمامی املاک خریداری شده را بدین صورت وقف می‌کند که درآمد و منافع حاصل از آنها به وسیله متولی زمان صرف برگزاری مراسم عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) در تکیه امام زاده سید اسماعیل شود. واقف تولیت موقوفات یاد شده را به فرزند ذکور ارشد خود، محمد جعفر خان، و پس از او به محمد یوسف خان، فرزند محمد جعفر خان، واگذار می‌نماید که به همین ترتیب تولیت به فرزند ذکور ارشد هر متولی متوفی از نسل واقف می‌رسد. اگر متولی متوفی فرزند ذکور ارشد نداشت و یا فرزندان همگی اناث بودند، تولیت با برادر وی به شرط ارشدیت می‌باشد. حاجی عیسی خان بیگلریگی برادر زاده‌اش، سلیمان خان، را نیز به عنوان ناظر مخصوص بر امور فوق انتخاب می‌نماید که پس از وی این منصب متعلق به فرزندان شخص نام برده خواهد بود. (متن وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل).

سرای حاج هادی، یگانه‌سرای بازار سید اسماعیل، در اصل کاروان سرایی متعلق به دوران قاجار بوده با کاربری ترخیص بار که دور تا دور صحن آن حجره‌ها، طویله و بهاربند جای داشته است. در ماه ربیع الثانی سال ۱۲۶۴ ق، شخصی به نام حاج علی اصغر تهرانی، فرزند حاج هادی، تمامی ابنیه و حجره‌های کاروان سرای مزبور را وقف کرده است. به استناد وقف‌نامه این کاروان سرا ضروری است که بخشی از منافع و درآمد املاک فوق صرف مخارج ضروری خود آنها شود و ما بقی نیز در راه کمک به افراد تهی دست، برگزاری مراسم تعزیه خوانی و انجام کارهای خیر صرف شود. حاج علی اصغر تهرانی تولیت موقوفات یاد شده را به فرزند ذکورش واگذار نموده که به همین ترتیب تولیت به فرزند ذکور هر متولی به شرط رسیدن به بلوغ و داشتن بصیرت می‌رسد. اگر متولی متوفی صاحب چند فرزند ذکور بالغ باشد، تولیت بین آنها تقسیم می‌شود؛ چنانچه فرزندان متولی متوفی همگی اناث بودند، تولیت با اولاد ذکور از اناث می‌باشد. در صورت انقراض نسل واقف، تولیت به حاکم شرع جامع شرایط می‌رسد. هم چنین حاج علی اصغر تهرانی امام جماعت وقت دار الخلافه تهران، شیخ محمد سلمه، را به عنوان ناظر بر امور فوق انتخاب می‌نماید که پس از وی این منصب متعلق به اولاد ذکور شخص نام برده خواهد بود. (متن وقف نامه سرای حاج هادی).

امروزه این کاروان سرا نیز همانند سایر کاروان سراهای درون بازار هویت اصلی خود را از دست داده و به مکانی برای فروش کالا تبدیل شده است؛ به طوری که به مرور زمان تمامی عناصر اصلی و قدیمی سازنده صحن آن تخریب و در عوض مغازه‌هایی جدید در دو طبقه بدون هیچ گونه ارزش معماری احداث شده است. خوشبختانه در سال ۱۳۸۲ ش دالان سرای حاج هادی و مغازه‌های اطراف آن به همان صورت اصلی و قدیمی‌شان مرمت و تعمیر شده و بدین صورت قسمت مذکور از مهلکه بی‌اصالت شدن نجات یافته است.

گفتنی است که تعمیرات و تغییرات انجام شده در راسته بازار سید اسماعیل در عصر حاضر - به غیر از تعمیرات داخل حجره‌ها - به این شرح است:

۱ - تخریب نیمی از سقف قدیمی راسته بازار فوق و پوشاندن آن با شیروانی و ساخت طبقه‌ای جدید بر روی مغازه‌های این قسمت در اواخر دهه ۱۳۵۰ ش؛

۲ - مرمت پوشش طاقی و قدیمی راسته بازار سید اسماعیل در دهه ۱۳۶۰ ش؛

۳ - ساخت بازارچه سید اسماعیل در ضلع جنوبی بازار سید اسماعیل در دهه ۱۳۵۰ ش؛ برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

ترکان خاتون

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

اوقاف قراختیایان کرمان

دولت قراختیایان کرمان - از حکومت‌های محلی ایران در قرن هفتم هجری - در حدود سال ۶۲۰ ه ق به وسیله‌ی براق حاجب از وابستگان و پیوستگان دربار خوارزمشاهیان تأسیس شد. از آنجا که براق اصلاً از اتباع قراختیایان حاکم بر ماوراءالنهر و ترکستان بود دولتی که او در کرمان تأسیس کرد به قراختیایان کرمان موسوم شده است.

هنگامی که براق با برادرش خمیتور و جمعی از اطرافیان قراختیایی خود، دولتش را در کرمان بنیاد می‌نهاد، اوضاع ایران به دلیل حملات سهمگین مغولان به فرماندهی چنگیزخان سخت نابسامان بود. فرزندان سلطان محمد خوارزم شاه چون غیاث‌الدین و جلال‌الدین نیز سخت در تکاپوی کسب مجدد قدرت و حفظ سلطنت خویش بودند. در این حال براق حاجب کوشید از این شرایط به نفع خویش برای تأسیس دولتی مستقل در کرمان بهره ببرد. تا سال ۶۲۸ ه ق که سلطان جلال‌الدین خوارزم شاه بر سریر قدرت بود و خوارزمشاهیان تکاپویی داشتند، براق حاجب به ملاحظه‌ی قدرت آنان، طریق مماشات را در بین آنان و مغول‌ها در پیش گرفت. سپس از سال ۶۲۸ تا ۶۳۲ ه ق که دور جدید حملات مغول به ایران به فرماندهی اگتسای قاآن بود براق به زد و بند میان مغولان و عباسیان مشغول شد. به طوری که از خان مغول لقب قتلغ خان دریافت کرد و از جانب خلیفه‌ی بغداد صاحب لقب نصرت‌الدین گردید. با این حال و در پایان این دوران براق حاجب سرانجام به اطاعت از مغولان گردن نهاد. این امر زمانی صورت گرفت که حکومت و حیات او در سال ۶۳۲ ه ق به آخر رسید.

اینکه براق حاجب علی‌رغم تمایل به تأسیس حکومتی مستقل، همواره متکی به قدرتی خارج از کرمان می‌شد بدین دلیل بود که حاکمیت او در آن خطه با هیچ یک از معیارهای سیاسی مورد قبول آن عصر برای تأسیس یک دولت انطباق نداشت. کرمان در اوایل قرن هفتم هجری توسط خوارزمشاهیان تصرف شد و غیاث‌الدین پیرشاه فرزند سلطان محمد خوارزم‌شاه حاکم و مالک آن ایالت گردید. براق که از جانب غیاث‌الدین اداره‌ی کرمان را در دست داشت، در حقیقت با کفران نعمت، غاصبانه کرمان را زیر سلطه‌ی خود گرفت. او برای کوتاه ساختن دست غیاث‌الدین از کرمان زمانی متوسل به جلال‌الدین خوارزم‌شاه شد و حتی برای کشتن غیاث‌الدین تلاش کرد اما نتیجه‌ای از این اقدامات نگرفت، راه عصیان و طغیان در پیش گرفت و به گونه‌ای خیانت‌بار در جدال جلال‌الدین با مغولان جانب مغولان را گرفت. تماس محدود براق - که شخصی تازه مسلمان به شمار می‌آمد - با خلافت عباسیان نیز در حدی نبود که مقبولیتی در جامعه‌ی مسلمانان برایش به وجود آورد و منابع نیز در این باره ساکت‌اند جبران این نقص

را در زمان حکومت پسر و جانشین او رکن‌الدین خواجه جوق می‌توان دید. توضیح آنکه پس از مرگ براق برادرزاده‌ی او، قطب‌الدین، قدرت را در دست گرفت. آن هنگام رکن‌الدین پسر براق در راه عزیمت به دربار اگتای قاآن بود. او در برگشت از مغولستان فرمان حکومت کرمان را برای خود به همراه داشت. لذا حکومت قطب‌الدین فقط یک سال دوام یافت. رکن‌الدین از سال ۶۳۳ تا ۶۵۰ هـ ق بر کرمان حکم راند. قطب‌الدین نیز به فرمان خان مغول احضار شد و حدود هفده سال به همراه همسر خود ترکان خاتون در ماوراءالنهر به سر برد.

رکن‌الدین خواجه جوق در مدت هفده سال حکومت خود بر کرمان، جانب رعایای آن سامان را گرفت. عمال دیوانی کرمان را با خود همراه ساخت و در همان حال درویشان و عالمان و زاهدان آن خطه را از خود خشنود کرد. او برای این منظور درآمد دیوانی کرمان را به خدمت گرفت و از اعمال فشار برای گرفتن مالیات از مردم خودداری ورزید. او هرچند از جانب مغولان حمایت می‌شد اما با خلافت بغداد نیز مناسباتی داشت. مجموعه‌ی این اقدامات، کمبودها و نقایص حکومت براق را از دیدگاه جامعه‌ی مسلمانان جبران می‌کرد. اما این روش تا آن هنگام ادامه یافت که مغولان از حکومت کرمان توقعات مالی نداشتند و نسبت به خلافت عباسیان با مدارا و مماشات رفتار می‌کردند. لذا در حدود سال ۶۵۰ هـ ق در ایام حکومت منگوقاآن سیاست امپراتوری مغول در مورد ایالت‌های ایران و خلافت عباسیان وارد مرحله‌ی جدیدی شد، رکن‌الدین مغضوب شد و سرانجام به جرم تماس با بغداد به قتل رسید، در چنین شرایطی قطب‌الدین با همراهی مؤثر با سیاست‌های جدید امپراتوری مغول که مهمترین نمود آن مشارکت در لشکرکشی هولاکو علیه اسماعیلیان و عباسیان بود به مغولان تقرب جست و در کرمان به قدرت رسید. به قدرت رسیدن قطب‌الدین که همراه با اطاعت تمام عیار از مغولان بود، در کرمان با مشکلاتی روبه‌رو بود که نمود آن را در تصفیه‌ی شدید عمال دیوانی و کشتن بسیاری از آنها می‌توان دید. حتی از جانب شیوخ و متصوفه و اهل دیانت کرمان اقداماتی در مخالفت با قطب‌الدین و به طور کلی مغولان بروز کرد که با آنها نیز مقابله شد. در چنین شرایطی حکومت قراختیایان کرمان انجام امور خیریه و بنیاد موقوفات را وجه همت خود ساخت که در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت.

دوره‌ی دوم حکومت قطب‌الدین از سال ۶۵۰ هـ ق تا ۶۵۵ هـ ق به طول انجامید. در این مرحله او احداث مدرسه‌ی موقوفه‌ای را آغاز کرد تا ضمن آنکه محلی برای تعلیم و تربیت باشد، از آن مطابق رسم آن زمان به عنوان مقبره نیز استفاده شود. بنای این مدرسه هنوز به پایان نرسیده بود که قطب‌الدین در سال ۶۵۵ هـ ق درگذشت. به دلیل کم سن و سال بودن فرزندان قطب‌الدین، هلاکوخان حکومت کرمان را به همسرش ترکان خاتون تفویض کرد از آن پس تا حدود سی سال بعد از این زن در تاریخ کرمان و برپایی موقوفات قراختیایان نقش اصلی را داشت. ترکان خاتون در اصل اسیری از مردمان قراختیایی بود که در سال‌های فتوحات خوارزمشاهیان در ترکستان به دست تاجری اصفهانی افتاد مؤلف ناشناس تاریخ شاهی قراختیایان کرمان که کتاب خود را برای ثبت و ضبط موقوفات ترکان خاتون تألیف کرده مدعی است که از همان سال‌های اسارت نام وی حلال خاتون بوده است که درست به نظر نمی‌آید. زیرا قراختیایان اصلاً بودایی بوده‌اند و نیز خوارزمشاهیان مسلمان نمی‌توانستند زن مسلمانی را برده سازند. به هر حال این زن که از جمال و کمال بهره داشت سرانجام به همسری غیاث‌الدین خوارزمشاه درآمد و چون غیاث‌الدین به دست براق حاجب کشته شد، براق که در همان حال اطاعت از مغولان را پیشه‌ی خود ساخته بود با این ادعا که طبق یاسای مغول همه‌ی دارایی و میراث غیاث‌الدین به او می‌رسد ترکان خاتون را هم تصاحب کرد. زندگی مشترک براق با ترکان خاتون دیری نپایید و پس از مرگ براق در سال ۶۳۲ هـ ق قطب‌الدین که حکومت کرمان را به دست گرفته بود. به نحوی ابهام‌انگیز با ترکان خاتون ازدواج کرد.

پس از مرگ قطب‌الدین، ترکان خاتون عملاً فرمانروای کرمان شد. در حالی که هم در خاندان قراختیایی کرمان مخالفانی داشت و هم در میان بزرگان کشوری و لشکری آن سامان. او در اولین اقدام خویش مدعی ده هزار دینار از میراث قطب‌الدین شد و آن را

مهریه‌ی خود عنوان کرد و چون بدان دست یافت، این پول را صرف ادامه‌ی ساختمان و تکمیل مدرسه‌ی موقوفه‌ی قطب‌الدین ساخت. مؤلف تاریخ‌شاهی می‌نویسد که چگونگی ترکان خاتون در اتمام بنای این مدرسه کوشیده است چنانکه «در هفته سه روز به زیارت مدرسه می‌آمد و از حال عمارت تفحص به جهد می‌فرمود» و حتی تا آن درجه در این کار تعجیل کرد که تزیینات مدرسه را با گچ به انجام رسانید که پس از مدتی خراب شد و سپس امر به کاشی‌کاری آن کرد و سرانجام آنچه را که «از جهت صدق به وی منتقل شده بود بر گنبد و مرقد وقف فرمود و قضات به تسجیل و وثایق مکتوبات آن قیام نمودند» در وقف‌نامه‌ای که برای این مدرسه نوشته شد مقرر گردید سهامی از روستاهای شاه‌یجان، نهر ملکی تروره، خانوک، جناح جم، چترود و چند روستای دیگر را بدان اختصاص دهند و نیز چهار مدرس، امام و مؤذن و قیامی برای مدرسه منصوب شدند.

در سال ۶۷۴ ه ق نیز ترکان خاتون اقدامات وقفی جدیدی برای مدرسه و مقبره انجام داد. از جمله آنکه باغ فیروزی در دشت حرکویه و کاریز دیه فرمتین را بر موقوفات آن افزود.

او تمامی درآمدهای این رقبات را صرف روشنایی و خدمه، مشایخ و صوفیه‌ی ساکن در مدرسه و مقبره کرد به علاوه او تعدادی از غلامان و کنیزکان خاص خود را در مدرسه و مقبره ساکن کرد و برای آنان مقری خاصی قرار داد. طبق این وقف‌نامه به غلامان سالانه ۷۲۰ من گندم و به هریک از کنیزان ۵۰۰ من گندم اختصاص داده شد.

این مدرسه که در کتاب تاریخ‌شاهی از آن با عنوان «مدرسه‌ی مقدسه» نام برده شده ابتدا به نام سلطان قطب‌الدین به مدرسه‌ی قطیبه موسوم بود و سپس به نام ترکان خاتون که لقب عصمت‌الدین داشت به مدرسه‌ی عصمیت معروف شد. محل این مدرسه در ابتدا خواجه خضر نام داشته و چون آرامگاه قراختیایان کرمان شد، قبه‌ی سبز نامیده شد. از آنجا که مقبره‌ی این مدرسه تاریخ ۶۴۰ ه ق را دارد، باید مقبره را به دوره‌ی رکن‌الدین و مدرسه را احداث شده توسط قطب‌الدین به شمار آورد. استاد باستانی پاریزی بنای آرامگاه و مدرسه را مربوط به دوره‌ی براق حاجب می‌داند و کاشی‌کاری سردر و تکمیل مدرسه را به زمان ترکان خاتون نسبت می‌دهد که شاید دلیل ایشان به خاک سپرده شدن براق حاجب در آنجا بوده است.

از آن پس مقام مدرسی و تولیت این مدرسه یکی از مسائل مهم حکومت وقت قراختیایان گردید و به همان اندازه که برای آنان مقبولیت و مشروعیتی پدید آورد اسباب دردسر نیز شد. به دستور ترکان خاتون تاج المله‌ و والدین سدید زوزنی در مدرسه قطیبه به تدریس مشغول شد و چون در گذشت مولانا شهاب‌الدین فرزند وی بر جایش نشست. اما شهاب‌الدین تهمتی که مستوجب تعزیر بود بر ترکان خاتون زد که موجب زندانی شدنش در چاه گردید ولی بعداً بخشیده شد و در همان مدرسه مسند تدریس صفه‌ی کتابخانه به او داده شد. اما او پس از مرگ ترکان خاتون باز هم موجب دردسرهایی شد. در سال ۶۷۵ ه ق که نفسی از علمای بزرگ ماوراءالنهر به کرمان آمد ترکان خاتون مقام مدرسی این مدرسه را به او داد و تولیت مدرسه را به امام تاج الشریعه تفویض کرد اما نابسامانی در ملک و دولت قراختیایان در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم موجب اختلال در کار مدرسه شد و بعدها زلزله و تصرف این و آن موجب خرابی کامل مدرسه و مقبره شد و اکنون جز اندکی از آن باقی نمانده است.

از دیگر موقوفات ترکان خاتون در دارالاماره‌ی کرمان دارالشفا بود. مؤلف تاریخ‌شاهی در این باره می‌نویسد که عمارت دارالشفا را در سال ۶۵۹ ه ق به آخر رسانده و در سال ۶۶۰ ه ق موقوفاتی را بر آن مقرر کرده است. از آن جمله تمامی درآمد قریه‌ی ورک، شورآباد، زرنده و نه پاره بستان نخلستان از بساتین عبدالابد خبیص و دانگی از دیه مویدی بر آن وقف کرد. نیز مقرر شد طیبی حاذق در دارالشفا به کار مشغول شود و سالانه پنج هزار من گندم تحویل بگیرد و مشرفی که به امور آنجا رسیدگی کند و سالی دو هزار من گندم تحویل بگیرد. همچنین استاد عطار داروشناسی سالانه یک هزار من گندم دریافت کند و سرانجام سه نفر خادم که سالانه هفت صد من گندم به آنها داده شود.

سال ۶۷۳ ه ق را باید سال اقدامات وقفی ترکان خاتون نامید زیرا در این سال موقوفات متعددی تأسیس کرد، از جمله مسجد جامع

درب نو را بنا نهاد و دو دانگ از دیه رادان و دو دانگ از دیه کسری آباد با اسبان اصطبل‌ی که در آن بود بر مسجد وقف کرد و مقرر ساخت که هر ساله از درآمد این دیه‌ها پس از جدا ساختن مصارف مربوط به عمارت و تعمیرات مسجد، سه هزار من غله، دو ثلث گندم و یک ثلث جو به خطیب مسجد دهند، هزار و پانصد من گندم به امام جماعت، هفت صد من گندم به قاریان و

سیصد و شصت من گندم به نقیب جهت دعاگویی روز جمعه بدهند. همچنین هر سال سی و شش من روغن چراغ و هزار من غله جهت عمارت و فرش و طرح مسجد پردازند و تولیت آن را به پادشاه کرمان سپرد.

ترکان خاتون در اطراف کرمان نیز عمارات و موقوفاتی برپا کرد که کاربرد اصلی آنها در تجارت و مسافرت بود. در دوران فرمانروایی او تجارت کرمان روز به روز رونق بیشتری یافت. این امر دلایل متعددی داشت که از جمله انتقال مرکز تجارت خلیج فارس از کیش به هرمز بود که سر بندر کرمان محسوب می‌شد. از آنجا که در قرن هفتم هجری تهاجمات مغولان صفحات شمالی آسیا از چین تا ایران و شام را در نوردید و نیز جدال‌های طولانی میان جانشینان چنگیز خان در آسیای مرکزی، قفقاز و شمال چین رخ داد تجارت جهانی از طریق اقیانوس هند و خلیج فارس گسترش بیش از اندازه‌ای یافت. برای تجارت در خلیج فارس دو ایالت فارس و کرمان سخت رقابت بودند و برای یک دوره که ترکان خاتون فرمانروای کرمان را بر عهده داشت آن ایالت برتری خاصی در امر تجارت به دست آورد. کرمان از یک سو با یزد و اصفهان تجارت می‌کرد و از سوی دیگر با خراسان و هند و اینها همگی با تجارت دریایی کرمان مرتبط بودند.

رونق تجارت موجب توسعه‌ی استخراج معادن در کرمان شد و نیز صنعت پارچه بافی آن ایالت توسعه‌ی چشمگیری یافت ترکان خاتون و دربار قراختایان کرمان خود این تجارت پر رونق را در دست داشتند. به واسطه‌ی امنیت و آسایشی که او برقرار کرده بود حتی تجار نواحی اطراف نیز به کرمان روی آوردند. این رونق تجارت، احداث ابنیه و عمارت خیریه‌ی وقفی برای سهولت مسافرت تجار کاروانیان و رفاه حال آنان را طلب می‌کرد. بدین منظور ترکان خاتون رباطهایی احداث و بر آنها املاک و درآمدهایی وقف کرد. در آن زمان رباطها که نقش کاروانسرا داشتند نقش مهمی در تسهیل ارتباطات تجاری ایفا می‌کردند. سلاطین سلغری فارس نیز که با کرمان برای تجارت در خلیج فارس رقابت داشتند در این دوران رباطهای متعددی ساختند و موقوفاتی بر آنها مقرر کردند. از جمله رباطهایی که ترکان خاتون برپا داشت در فهرج باغین بود. این روستا در مسیر کرمان به فارس قرار داشت. به دستور ترکان خاتون تمامی درآمد آن روستا وقف رباط شد. همچنین سهم قابل توجهی از درآمد روستای کائوبه از قرای رودان و نیز سهامی از قریه رقاباد را که آن هم از قرای رودان بود بدان وقف گردید. برای اداره‌ی این رباط امام ضیاءالدین حسن را که به صلاح و عفاف معروف بود در فهرج ساکن گردانید تا به مسافران خدمت کند و امام مسجد آن رباط باشد. برای این کار سالانه دو هزار من گندم و دوازده دینار زر رکنی نیز برایش

مقرر شد. برای مؤذن آن مسجد نیز هر سال پانصد من گندم اختصاص داده شد. جهت عمران و آبادی رباط مستخدمی که موظف به پاک کردن پشت بام از برف و بستن و گشادن درب و آگاهی از خراب و آباد رباط اختیار شد و نیز شخصی برای اداره‌ی حمای که در آن روستا برای رفاه حال صادر و وارد بنا شده بود به خدمت گرفته شد و مقرر گردید برای هر یک سالانه پانصد من گندم به عنوان مزد از محل موقوفه پرداخت شود.

ترکان خاتون بر رباط خضرآباد کوبنات نیز موقوفاتی مقرر کرد و بر رباط کهتاب نیز مجموع سهام قریه‌ی راور را وقف گردانید. آخرین موقوفه‌ی ترکان خاتون که در تاریخ شاهی قراختایان ذکر شده مربوط به رباطی است موسوم به رباط کنار خندق. این رباط که در کنار خندق دروازه‌ی خیص شهر گواشیر و بر طریق محله شاه‌یجان واقع بود سهامی از دیه جنابه بدان وقف شد تا

صرف معیشت شیخ ساکن در آن و امام و مؤذن و دیگر خدم آنجا شود و از صادر و وارد ابنای سبیل پذیرایی گردد. تاریخ این موقوفه سال ۶۵ ه ق بوده است.

در سال ۶۷۳ ه ق ترکان خاتون موقوفاتی برای تأمین امنیت راه‌ها برقرار ساخت بدین معنی که تمامی دیه کرمانشاهان بر راه کرمان به یزد و قسمتی از سهام دیه کاتوک رودان و نیز دیه صوفیان از همان ناحیه را وقف بر به کارگیری یک نفر سپاهی با سی نفر زیردست جهت تأمین راه قافله‌ها کرد. در وقف‌نامه‌ای که برای این منظور تنظیم شد مقرر گردید تولیت با پادشاه کرمان باشد و سر کرده‌ی سی نفر سپاهی سالانه پنج هزار من غله به عنوان موجب دریافت کند و به هر یک از مستحفظان سی گانه دو هزار من گندم داده شود.

از موقوفات قابل توجه ترکان خاتون وقف درآمد بعضی از املاک بر غلامان و کنیزان خویش بوده است. در سال ۶۶۹ ه ق حدود نیمی از دیه فهورج و تمامی دیه عصمت‌آباد را بر حدود ۲۹ نفر از غلامان و حدود ۳۵ نفر از کنیزان وقف نمود و مقرر داشت سالانه به هر یک از غلامان هفتصد و بیست من گندم و پانزده دینار زر و به هر یک از کنیزان سالانه پانصد و چهل من گندم و ده دینار زر بدهند. به علاوه طبق وقف‌نامه‌ای که تنظیم شد، مسجل گردید این مقرری پس از مرگ ایشان به فرزندانشان پرداخت شود.

در سال ۶۷۶ ه ق ترکان خاتون سه دیه آمش و بهر سلیمانی و صعجوجه را که از توابع رودبار و جیرفت بودند وقف بر زنان بیوه و افراد یتیم و معلمان قرآن کرد و تولیت آنرا به پادشاه خاتون دختر خویش که به همسری اباقاخان درآمد بود تفویض کرد ترکان خاتون بر مشایخ بزرگ صوفیه نیز موقوفاتی مقرر کرد. چنانکه در سال ۶۷۳ ه ق دیه شهرآباد عصمتی را به طور کامل بر سیف‌الدین باخرزی (متوفای ۶۲۹ ه ق) و دیه ترکان آباد را بر شیخ محقق صلاح‌الدین حسن بلغاری وقف کرد تا مادام که در حیات باشد صرف معیشت وی شود. سیف‌الدین باخرزی از مشایخ معتبر صوفیه و از طریقه‌ی کبرویه بود که در بخارا دفن شد و طرفداران بسیار داشت. شیخ حسن بلغاری نیز در عصر ترکان خاتون به کرمان آمد و مردمان سخت به وی روی آوردند.

از دیگر موقوفات ترکان خاتون که از آن مطلع هستیم آسیاب بهرام‌مرد است. ترکان خاتون این آسیاب و آب آن را از صاحبانش خرید تا درآمد آن برای امام جماعت، مؤذن، مسافران و میهمانان به صورت موقوفه صرف شود.

از آنجا که متن کتاب تاریخ شاهی قراختاییان به عنوان مهمترین منبع ذکر اخبار موقوفات ترکان خاتون، ناقص به دست ما رسیده بدون شک می‌توان گفت که او موقوفات دیگری هم داشته است که از آن اطلاعی نداریم.

پس از مرگ ترکان خاتون در سال ۶۸۱ ه ق اوضاع کرمان سخت آشفته شد. تا آنکه دخترش پادشاه خاتون برای مدتی به حکومت کرمان رسید. این زن نیز در برپایی موقوفات اقداماتی انجام داده است. اما مهمترین اقدامات او را تولیت موقوفات ترکان خاتون و حل مشکلات اداره‌ی آنها باید دانست. زیرا پس از مرگ ترکان خاتون مولانا شهاب‌الدین که از مدرسان مدرسه‌ی عصمتیه بود طی فتوایی کلیه‌ی موقوفات ترکان خاتون را باطل اعلام کرد و از جمله فرمان تخریب مسجد درب نو را صادر کرد. پادشاه خاتون بلافاصله با عزل شهاب‌الدین و نصب برهان‌الدین برهان شاه به مقام مدرسی مدرسه‌ی عصمتیه مانع از اقدامات وی شد.

بی‌بی ترکان، خواهر پادشاه خاتون نیز موقوفاتی داشت

که از جمله‌ی آنها وقف قرآنی سی‌پاره بر مقبره‌ی قراختاییان کرمان است. وقف‌نامه‌ی این قرآن که پشت یکی از جرووات آن به زبان عربی آورده شده است تاریخ ۶۸۷ ه ق را دارد.

از اواخر قرن هفتم هجری دولت قراختاییان بر اثر کشمکش‌های درونی و مداخلات امرای مغول و ایلخانان سخت نابسامان شد و از

اقدامات وقفی قراختیایان کرمان نیز اخباری گزارش نشده است.

بدین ترتیب موقوفات قراختیایان کرمان اساساً مربوط به زنان این خاندان است و در فاصله‌ی سال‌های ۶۵۹ تا ۶۸۷ ه ق صورت گرفته است. با توجه به شرایط سیاسی کرمان و به طور کلی ایران آن زمان که نیمه‌ی نخست حکمرانی ایلخانان را تجربه می‌کرد، حکومت زنان خاندان قراختیایی با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود. زیرا از یک سو با رقیبانی سرسخت در کرمان و درون خاندان قراختیایی مواجه بودند. و از سوی دیگر جامعه‌ی مسلمان ایران در برابر حکومت مغولان که هنوز اسلام را نپذیرفته بودند و نیز حکومت‌های محلی متحد آنها ایستادگی نشان می‌دادند. دولت قراختیایان کرمان با اتکای به مغول‌ها شکل گرفت و زنانی که از آنان به فرمانروایی رسیدند اساساً محتاج و متکی به حمایت مغولان بودند. لذا کسب مشروعیت و مقبولیت برای این دولت مشکلی اساسی به شمار می‌آمد. تعدادی از فرمانروایان این سلسله مانند براق حاجب و ترکان خاتون و خمیتور از مسلمانانی بودند که هنوز به طور کامل با شرایط جامعه‌ی مسلمانان منطبق نشده بودند؛ هرچند برای نیل بدین منظور تلاش می‌کردند. برپایی مدرسه و مقبره و گماردن عده‌ای بر آن، انجام امور دینی در آنجا و نیز همراهی با مدرسان و فقها و تجلیل و تکریم از مشایخ صوفیه و اختصاص اوقافی برای این گونه امور می‌توانست در کسب مقبولیت برای آن دولت بسیار مفید باشد. وقف به عنوان اقدامی دینی که خیرخواهی و نوع دوستی در آن تبلور کامل دارد محبوبیت خاصی را برای ترکان خاتون که بیشترین موقوفات قراختیایان را به وجود آورد موجب شد. اما او هیچ‌گاه فرمانروای بلامنازع کرمان نشد. بلکه همواره شریک فرزند خود حجاج سلطان بود یا از جانب او که خاتون، جاری خویش، و فرزندش سلیمان شاه با رقابت و مخالفت روبه‌رو بود. مقبولیتی که برای او از رهگذر اقدامات وقفی به دست آمد در موفقیت وی نقش مهمی داشت. در همان حال دولت قراختیایان نیک دریافتی بود که اقدامات وقفی تا چه درجه در رونق و آبادی قلمروشان تأثیر دارد. پس از روزگار سلاجقه‌ی کرمان، این خطه همواره دستخوش ناآرامی و نابسامانی بود. در نتیجه برای سالیان دراز نه تنها قدمی برای عمران آن برداشته نشد که حتی بر ویرانی آن افزوده شد. ملک زوزن که از جانب خوارزمشاهیان در اوایل قرن هفتم کرمان را متصرف شد حتی املاک وقفی را نیز تصاحب کرد. اما با تأسیس دولت قراختیایان که روزگاری قدرتی به هم رساند فرصت لازم برای آبادی و عمران فراهم آمد. رونق کشاورزی که در پی امنیت و آرامش حاصل شد گسترش فعالیت‌های تجاری و صنعتی را به دنبال داشت. لذا موقوفاتی که بتوانند به توسعه‌ی امنیت راه‌ها و تسهیل حرکت کاروانیان کمک کند مدنظر قرار گرفت. در همان حال افزایش ثروت کرمان موجب رواج معاملات مربوط به اراضی شد. در چنین شرایطی اقدامات وقفی نقش مهمی در حفظ رونق اقتصادی و جلوگیری از دست شدن زمین‌ها ایفا کرد. این مسأله در رابطه‌ی کرمان با دولت مرکزی ایلخانان نیز دیده می‌شود. در فارس، ایالت مجاور کرمان، که آن هم طریق اطاعت از مغولان را در پیش گرفته بود املاک بتدریج به تصرف مغولان درآمد و سرانجام به عنوان املاک اینجو به تملک ایلخانان درآمد. تا جایی که سلسله‌ای به نام سلسله‌ی آل اینجو جای حکمرانان سلغری فارس را گرفتند. اما ترکان خاتون با زیرکی تمام از تبدیل شدن املاک کرمان به اینجو با این گونه اقدامات وقفی جلوگیری کرد. او نیک دریافتی بود که دولت مغولان ایران (ایلخانان) در حالی که هنوز اسلام را نپذیرفته بود در برابر نهاد وقف اقدام به دست‌درازی و تصرف نخواهد کرد. زیرا از همان سال ۶۵۶ ه ق به دستور هولاکوخان مؤسس سلسله‌ی ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی مأمور سر و سامان دادن به امور موقوفات شد. این امر در حفظ مدارس و مساجد و درس و نماز و دیگر امور عبادی و اجتماعی ایران در عصر هولناک مغولان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا کرد. این امر مورد توجه و تقلید ترکان خاتون نیز قرار گرفت. بدین ترتیب او از یک سو اقدامی دینی انجام می‌داد و از سوی دیگر رابطه با مغولان را حفظ می‌کرد.

ناگفته نماند اقدامات وقفی قراختیایان کرمان را می‌توان از دیدگاه تحلیلی یکی از پیچیده‌ترین ادوار و اقدامات مربوط به موقوفات به شمار آورد زیرا این اقدامات در زمانی صورت می‌گرفت که حکمرانان دولت مرکزی نه تنها مسلمان نبودند بلکه با مسلمانی سر

ستیز داشتند و حکمرانان دولت قراختایان نیز خود نو مسلمان محسوب می‌شدند. اما در همین دره و به وسیله‌ی همین دولت، وقف توانست نقش خود را در صیانت از نهادهای دینی و حفظ موقعیت مسلمانان، رونق اقتصادی و تداوم سنن دینی و اجتماعی ایفا کند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

جلالی، سید جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قبرستان رحمت آباد

این قبرستان به مساحت ۸,۰۰۰ متر مربع در جنوب شهر بمبئی قرار دارد و ۹۰ سال از سوی شهرداری بمبئی به لحاظ تکمیل شدن قبرستان کهنه جهت دفن اموات ایرانیان و شیعیان مقیم بمبئی اهدا شده است. حجت الاسلام و المسلمین رجبی یکی از روحانیون وقت در ۲۲ فوریه ۱۹۸۸ در آن قبرستان دفن شده است که اکثر ایرانیان به هنگام ورود به قبرستان از مقبره‌ی آن مرحوم دیدار می‌کنند و برای روح او فاتحه می‌خوانند و شدیداً مورد احترام ایرانیان مقیم بمبئی است.

اعضای تولیت قبرستان عبارتند از پروفسور حسینی، محمد آقا شیرازی، باقر شیرازی سید حسین سوداگران، مهدی مندیل و سید جلال جلالی.

شایان ذکر است جنب قبرستان رحمت آباد ایرانیان در بمبئی قبرستان اسرائیلی‌ها قرار دارد که متروکه است و قرار است شهرداری بمبئی آن را به پارک تبدیل کند و به لحاظ وسعت مناسب قبرستان ایرانیان احتمال استفاده‌ی شهرداری از بخشی از زمین قبرستان ایرانیان بعید به نظر نمی‌رسد. البته در این رابطه متولیان قبرستان پیش‌بینی لازم را انجام داده و اطراف قبرستان را دیوار و حصارکشی کرده‌اند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

جوادی آملی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالی‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعظام عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالی و معقول را در آن محضر شریف فرا گرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌الله شعرانی (ره) و آیت‌الله الهی قمشه‌ای (ره) فرا گرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر

کریمه‌ی اهل بیت، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌الله العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌الله محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالی‌هی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌الله جوادی آملی است که نامشان ما را از هر گونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکلی است عطارفشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف‌نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم الله الرحمن الرحیم و آیه نستعین الحمد لله الذی یأخذ الصدقات و یرببها و صلی الله علی رسولہ الذی یطهر نفوس المتصدّقین و یرزّیها بها، و علی اهل بیتہ الذین استنوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الذین نبذوها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثراً، فانی در ذات، صفت، فعل و اثر خداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شئون هستی به غیر خدا صحیحاً بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شئون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موخردان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لا املک لنفسی نفعاً ولا ضرّاً... لیس لك من الامر شیء... و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لا تملک نفس لنفس شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهدی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شئون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هر گونه تصرفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرف در شأنی از شئون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتماً به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبدالله واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولی، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد ابق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرفی شهر قم،

عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱- مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲- فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: *أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ*، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، *مَظْهَرِ أَخْذِ خِدا* خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه *خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا*، آن خواهد شد که، *وَمَا أَخَذْتَ إِذْ أَخَذْتَ*، *وَلَكِنَّ اللَّهَ أَخَذَ*. ۳- چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، *مُطَهَّرِ نَفْسٍ* از اوساخ، و *مُزَكِّيِ رُوحٍ* از ادناس و اقدار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از *دَرَنَ* و *رَيْنَ*، توانای ادراک صحیح و وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از *دَنْسِ مُلْكَ*، *مَسَّ* نمی‌کنند،... *لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ*. ۴- از آن جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار *گَرْدِ مَتِّ* و *اذِيتِ*، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، *إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ*، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى*. ۵- چون صدقه جاری همانند سنت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعين خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، *نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ*، و جزء اعمال بزرگ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کاملاً بیان شد،... *وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ... أَعْيَدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا... يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ* - *لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ، إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ، فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ، وَ سَنَةٌ هَدَى سَنَهَا، فَهِيَ يَعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ* - و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحان روح رائج الی الله خواهد بود. ۶- چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی الله، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده *أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ*، *أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* را، به، *رَبِّ ارْجِعُونِ... مَبْدَلِ سَاخْتِهِ*، و *تَمَنَّى كَذِبٌ* را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند: *... فَأَصْدَقُ وَأَكْنُ مِنَ الصَّالِحِينَ* - و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلین فرمود: *الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فِدْعَوْهُمَا لِيَوْمِهِمَا*. ۷- از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات الله علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: *تَصَدَّقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِأَمْوَالٍ جَعَلَهَا وَقْفًا، وَ كَانَ يُنْفِقُ مِنْهَا عَلَى أَضْيَافِهِ، وَ أَوْقَفَهَا عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ... وَ دَرَبَارَهُ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، آمَدَهُ اسْت: كَانَ عَبْدًا لِلَّهِ، قَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، عَمِدَ إِلَى مَالِهِ فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُولَةً تَجْرِي بَعْدَهُ لِلْفُقَرَاءِ وَ قَالَ: اللَّهُمَّ انْمَا جَعَلْتَ هَذَا لِتَصْرِفَ النَّارَ عَن وَجْهِی وَ لِتَصْرِفَ وَجْهَی عَن النَّارِ، وَ حَضْرَتِ صَدِيقِهِ كَبْرِي، فَاطِمَةَ زَهْرًا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا، أَمْوَالِي رَا وَقْفَ فَرَمُودَهُ وَ تَوَلِيَّتِ آن رَا بَه حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام، سپس به سید شهدا حضرت حسین بن علی علیهما السلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن*

حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸- چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس آتساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابه ذو مقدره الا وقف وقفا. ۹- همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، ردیلت وافر را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یثیع چنین فرمود:.... هی صدقه، بتة بتلاّ فی حجج بیت‌الله و عابری سیل، لا تباع و لا توهب و لا تورث فمن باعها او وهبها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین، لا یقبل الله منه صرفا و لا عدلا. ۱۰- شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامی چنین دینی، رحمه للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی - جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف - نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیه‌الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه‌الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث الله الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الهیوه، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توفی و ادراک لقاء الله، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواست، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربنا تقبل منا و خذ منا و طهرنا به والحمد لله رب العالمین، الذی یرث الارض و من علیها. منع: میراث جاویدان

برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

چقماق، امیر جلال‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسجد امیرچقماق یزد در سال ۸۴۱ هـ ق (یعنی بیش از ۵۷۰ سال قبل از این) توسط امیر جلال‌الدین چقماق شامی و همسرش بی‌بی فاطمه خاتون ساخته شد (۱) (عکسی از نمای ایوان این مسجد در همین شماره مجله میراث جاویدان چاپ شده است) طومار وقف‌نامه‌ای برای موقوفات این مسجد در دست است که در سال ۱۳۰۰ هـ ق از روی نسخه اصل رونویس شده است.

در اینجا بخشی از این وقف‌نامه را که مصارف موقوفات و اهداف واقف را بیان می‌کند و از جهات مختلف آموزنده و مفید است درج می‌کنیم:

واقف باید محصولات موقوفات محرره مزبوره را اولاً به عمارات رقبات معینه مذکوره صرف کند، به نوعی که غبطه مرعی باشد، و مستلزم ازدیاد محصولات و اجارات گردد.

و ثانیاً به تعمیر و ترمیم مبانی خیرات موقوف علیها الاهم فالاهم والاغبط فالاغبط.

و بعد از آن در انتظام مهام مسجد وظایف جد به جای آورد. امامی حسن الکلام را که در فنون قرائت و وقوف، صاحب وقوف، و در مقام رعایت شرایط و ارکان صلاة از تکبیرة الاحرام تا سلام، ثابت و راسخ الاقدام نصب فرماید که در لیالی و ایام به شغل شریف امامت از سر فراغ بال اشتغال نماید. و هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار آقچه نقره سره مسکوک رایج کپکی که هر دو دینار از آن به وزن یک مثقال و نیم‌دانگ باشد بدو رسانند، چنانچه هر روز یک دینار باشد.

و همچنین ده نفر حافظ کلام الله حسن الصوت که در تجوید و قرائت کلام مجید فرید باشند، که آناء اللیل و اطراف النهار سیما العشائین و الاسحار تلاوت نماید. و هر سال مبلغ دو هزار و یکصد و شصت دینار آقچه کپکی موصوف به ایشان رسانند، چنانچه مقتضی رأی متولی شرعی باشد.

و مصدری معین و مقرر فرماید که منصب صدارت حفاظ را بستگی داشته باشد، و در قرائت و تجوید و اصول، ماهر و باهر، هر یک از حفاظ اقتضاء به آثار مرضیه [و] سنن سنیه او نمایند. و مرسوم و مقرری او را هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار آقچه صوفه مذکوره کپکیه بدو رسانند. و اگر کسی که قابلیت صدارت داشته باشد مفقود و ناموجود، به دو نفر دیگر از حفاظ دهند، تا در امر خطیر تلاوت خیر بوده شروع نماید.

و ایضا مدرسی که به صیقل اذهان وافیه زنگ رنگ اعضا و اشکال از صفحات اوراق معقول زدوده، به زلال الهام صافیه نقوش شکوک و شبهات از الواح فروع و اصول مغسول فرموده تعیین نماید، تا در مسجد مذکور بسط بساط درس علوم دینیه و معارف یقینیه نموده، حقایق مسایل به وسایل بیان وافیه کامل، و لسان شافی شامل، بر چهره حال طلبه نگارد.

و مُعیدی با هشت نفر طالب علم نصب فرماید، که اگر اذهان و طباع طلبه کره واحده درک معضلات نتواند معید مذکور اعاده سبق نماید، تا اشکال ایشان انحلال یابد. و در ایام تحصیل در مسجد مذکور به وظایف مذاکره و مباحثه قیام نماید.

وظیفه مدرسی هر سال مبلغ یک هزار و دوست دینار آقچه فضی کپکی موصوف بدو رسانند.

و هر سال مبلغ نهصد و هشتاد دینار کپکی منوع و مقرر معید و طلبه، چنانچه رأی جناب متولی مذکور - لازالت امارته مرفوعه بین الجمهور - باشد، بدیشان رسانند.

و همچنین خطیبی که از شرایط و ارکان خطبه باخبر باشد نصب فرماید، تا در ایام جمعات خطبی به فصیح ترین عبارتی نماید، چنانچه مستمعان از آن محظوظ و بهره‌ور گردند. و هر سال مبلغ یکصد و بیست دینار آقچه فضی موصوف کپکی وظیفه به او رسانند.

و ایضا دو نفر مؤذن صیت عارف الوقت که قبل الفوت ایام و لیالی بامر تأذین و مناجات حضرت لایزالی اشتغال نمایند، و ارباب طاعات را هنگام اداء واجبات اعلام کند. و هر سال مقرری ایشان را مبلغ سیصد و شصت دینار آقچه موصوف به ایشان رسانند.

و ایضا واعظی که در تفسیر آیات قرآنی، و ترجمه احادیث نبوی گوی سبقت از خم چوگان بسی علما ربوده باشد، تعیین فرماید، تا در مسجد مذکور در دهور و شهور رنجوران امراض غفلت و جهالت را شربت خوشگوار نصیحت چشانند، و هر سال مقرری و وظیفه او مبلغ یکصد و پنجاه دینار به او رسانند، و جهت مقرری و وظیفه ماه رمضان مبلغ یکصد و سی دینار آقچه موصوف کپکی.

و دو نفر معاشر خوان تعیین فرموده که در ایام جمعات عهد عند صعود الخطیب الی المنبر به حدیث معهود خواندن قیام نماید. و هر سال مبلغ یکصد دینار آقچه کپکی منوعه، وظیفه به ایشان رسانند.

و هر سال مبلغ یکصد و بیست دینار آقچه فضی کپکی به معلمی که در مسجد مذکور اطفال مسلمانان را تعلیم قرآن قدیم و تنزیل

حکیم نماید، رسانند.

و هر سال مبلغ سه هزار آقچه کپکی موصوف در وجه سفره و آش خانقاه مذکور که به فقرا و مساکین و صادر و وارد رسانند، چنانچه مقتضی رأی منیر و فکر و تدبیر عالی جناب متولی باشد.

و هر سال یکصد دینار آقچه رایج کپکی موصوف در لیالی متبر که به وجه حلاوه و نقل صرف نموده به جماعتیان رسانند. و مبلغ یکصد و هشتاد دینار آقچه موصوف هر سال در وجه ثمن الدهن والبرز والشمع و غیره که موجب استضاءه مسجد و خانقاه باشد صرف گردانند، و قنادیل و سرج افروخته دارند.

رجاء صادق و امید واثق که حضرت خالق، چنانچه واقفان خیران والیان متزواجان مشارالیهما، توفیق اتفاق و ترصیص مبانی خیرات ارزانی فرموده، عالی جناب دولت مآب متولی مذکور - مدت ظلالة ما تعاقبت الاعوام والشهور - تأیید حکام احکام تأییدات محصل، و در فردوس اعلی ایشان را و ساعیان را مقام و مأوی دهد. والحمدلله اولاً و اخراً، والصلوة والسلام علی خیر من اوتی معجزا باهرا، و علی اولاده و اصحابه باطنا و ظاهرا.

و همچنین شرط فرمودند که اگر - عوذبالله تعالی - جناب دولت قباب متولی را نسل اولاد ذکور منقطع گردد، امور محرره مذکوره، از تولیت شرعیه، و اشراف، و نظارت از آن اناث اولاد او باشد، و اولاد اولاد همین طریق، ما تعاقبوا و تناسلوا، بطنا بعد بطن، و نسلأ بعد نسل.

و عقیب از آنکه در عالی مجلس شریف، و سامی دیوان دین حنیف، در ضمن مرافعه شرعیه، ثابت و مبین و واضح و مبرهن شد، نزد حضرت شریعت پناه تقوی شعار مخدوم مطاع، ناشر صحایف العلوم الدینیة والمعارف الیقینیة فی الارباع والاصقاع، اعنی حاکم عادل مرافع الیه، که صدر این کتاب به سجل شریف [او] مزین و محلی خواهد گشت، اعلی الله تعالی لانتصاب رایات الدرس والفتوی و رفع اعلام العلم والتقوی [تعالی] شأنه و رفع محله و مکانه، به شهادت مولانا و صاحب اعظم رکن الملة والیدین ضیاء الاسلام والمسلمین حسن بن مولانا اعظم اکمل اکرم اقدم، صفی الملة والیدین محمود بن مولانا اعظم سعید ملاذ القضاء والموالی المتأخرین ضیاء الحق والیدین محمد بن مخدوم مولانا. اعظم شهید ملجأ القضاء ذوی المراتب والمناصب والاحکام فی اوان حیاته الواصل الی رحمة الله فی روضات جنانه مجد الحق والشریعة والتقوی والیدین حسن الرضی اعلی الله شأنه فی ظل والده، و ابن عم پدرش مولانا و صاحب اعظم مجد الملة والیدین شرف الاسلام والمسلمین حسن بن مولانا اعظم سعید مؤید الاکابر والموالی شرف الملة والیدین حسین بن مخدوم سعید مجد الحق والیدین حسن المشارلیه، اعلی الله تعالی شأنه:

و کاتب این سطور و محرر این مزبور اصغر عبدالله ذی الفضل محمد بن مسعود بن محیی بن ابی ملقب به قطب الحجة، غفرالله ذنوبه، و ستر عیوبه، که جملگی حصص موقوفه مشروحه تا زمان صدور صیغ وقف حق و ملک متزواجان واقفان بود.

حکم شرع شریف به صحت این جمله واقع شد، و به اشهاد شرعی مقرون گشت، فی سلخ شهر ربیع الاول عمت میامنه لسنه تسع و اربعین و ثمانمائه. والسلام، والحمدلله وحده. پی نوشت: ۱ - جامع مفیدی ۱ / ۱۷۰ و ۳ / ۴۶۹ - تاریخ یزد، ص ۷۵ و ۷۹

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

حاجیه خدیجه

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

وقف نامه‌ای که در اینجا بدان اشاره خواهیم کرد، سندی است متعلق به سال ۱۲۷۰ هجری قمری که در کربلای معلی تهیه و تنظیم شده و بسیاری از علمای شیعه‌ی آن روزگار که در کربلا سکونت داشته‌اند آن را تصدیق کرده و بر پای این وقف نامه مهر و امضای خود را حک کرده‌اند.

واقف زنی شریف و علویه است به نام «حاجیه خدیجه» از اهالی بندر کنگان دختر سید قاسم الحسینی که به زیارت کربلای حسینی مشرف شده و در آن مکان مقدس و طاهر اموال و املاک خود و عواید آن را صرف تعزیه‌ی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) کرده است.

بر اساس این وقف نامه مقرر شده بود که منابع اعیان موقوفه صرف تعمیرات اعیان شود و بعد از تعمیرات خانه، باید جمع آوری شود و یک چهارم آن به عنوان حق الزحمه و حق نظارت به ناظر مربوط اختصاص یابد و سه چهارم دیگر صرف خرج تعزیه‌ی حضرت امام حسین (ع) شود.

هم چنین بر اساس این وقف نامه تولیت موقوفات مورد نظر بر عهده‌ی واقف بوده است، و پس از آن بر عهده‌ی حاج آقا سید میر علی اکبر و پس از فوت نامبرده بر عهده‌ی اولاد او نسل اندر نسل و در صورت انقراض به اولوالارحام سید مذکور و در صورت انقراض ولوالارحام سید مذکور تولیت و نظارت این موقوفات به سادات مؤمنین و متدینین از اهالی دشتی واگذار شده است.

اکنون به نقل متن وقف نامه مورد نظر می‌پردازیم:

الحمد لله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر و الصلوة علی نبینا محمد و آله سید الاوائل و الاواخر، صلوة دائمة الی یوم تبلی السرائر

اما بعد، بر ضمیر منیر خیریت تخمیر صافی‌ی زاکیه‌ی ارباب شعور و ادراک، ظاهر و هویدا باد که حاضر شد در محضر شرع انور و محفل حکم ازهر علیا جناب عفت و عصمت پناه سلاله السادات النجباء، السیده الشریفه العلویه الحاجیه خدیجه المعروفه لوالده میرزا علی بنت مرحوم مغفور السید قاسم الحسینی و موفقه به توفیقات سبحانی شده و مؤیده به تأییدات ربانی گردیده وقف مؤبد و حبس مخلد نمود جمیع و همگی و تمامی یک باب خانه‌ی معینه‌ی معلومه‌ی واقعه در بندر کنگان مع ما یتعلق بها و ینسب الیها شرعا و عرفا و لغة عموما و خصوصا من ابواب و اعتاب المحدود بحدود اربعة، قبله خانه‌ی ملا علی ملا حسین و شرقا خانه‌ی حاجی الاهلی و شمالا الی... المشهوره و جنوبا بیت یهودی و هم چنین وقف صحیح شرعی نمود دو بند نخل خرما که عدد نخل سی و شش دانه می‌باشد که معروف است به خسروی و محدود به حدود اربعة است، قبله زمین راشد محمد ابول و شرقا الی انبود ابن النجم و فسیل احمد ابن علی شعبان و شمالا زمین خلف قناص و زمین زیره‌زار و جنوبا زمین علی خمیس و باز وقف نمود ثلث اطویه با زمین‌هایی که متعلق به آنها می‌باشد محدود است شمالا الی المقبره و جنوبا تا زمین اولاد عبدالکریم و شرقا طریق شارع و قبله طریق المعروف به سرناخ و كذلك وقف نمود هانیتین زمین‌های متعلق به وی المشهوره با السده عبارة عن اربعین من اعنی یزرع فیها اربعون من دشتی جو و گندم و محدود است با این حدود، شمالا زمین کرده کنار و جنوبا زمینی که مشهور است بزمانی از مال حاجی علی خمیس و شرقا الی الجبل و قبله طریق معروف به سرناخ و كذلك زمینی که معروف است بالمحمدیه که قبله او متصل است به انبود ملا علی و مشرقی او راهی که معروف است به سرناخ و شمالی وی زمین الابرهمیه و جنوبی او زمین شیخ حجر پس مجموع املاک مزبوره وقف صحیح شرعی نمود که اولاً- منافع اعیان مرقومه صرف تعمیرات اعیان شود در صورت احتیاج به تعمیر که خراب شود و بعد از تعمیر آنچه منافع جمع آوری شود ربع محصول از منافع، حق التعب و نظارت ناظر باشد و سه ربع دیگر طرا و کلا صرف و خرج تعزیه جناب سید الشهداء اباعبدالله الحسین (ع) شود اما باید که در تعزیه خانه معلومه که منسوبه به خود واقفه می‌باشد صرف شود و نه در تعزیه خانه‌ی جاهای دیگر [خوانا نیست] و صیغه‌ی وقفیت جاری شد شرایط وقف و قبض و قباض حاصل شد و در ضمن... داد تولیت و نظارت اعیان موقوفه مادام الحیوة با خود واقف معلومه و بعد از خود به سلاله السادات العظام

آقا سید میر علی اکبر خلف و نوباوه آقا سید عبدالله و بعد از فوت مؤمی الیه با اولاد او نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن و در صورت انقراض با اولی الارحام سید مسطور و بعد به اولاد اولی الارحام سید مذکور بود اما بقاعده بعضهم اولی ببعض ای الاقرب فالاقرب اما بشرطی که جمیع طبقات مؤمن و متدین باشند و نعوذ بالله بعد از انقراض اولاد این نسل تولیت و نظارت در بحیث لا بیاع و لا یشتری و لا یوهب و لا یرهن (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبدلونہ) و کان ذالک فی یوم بیست و دوم ماه رمضان المبارک که در کربلائی معلی فی سنهی هزار [و] دویت و هفتاد من الهجره ۱۲۷۰.

۱. صح ما فیہ لدی خادم الشریعۃ المطهره / محمد حسین القزوینی الحائری [مهر چهار گوش / ثلث:] «... المذنب محمد...»

۲. بسم الله و الحمد لله

یشهد بایقاع وقف الوقوفات علی نهج المرقومات المسطور / المزبور و انا الراجی عفو ربہ / یسبحانی: ابو محمد عبدالحسین البحرانی. [مهر چهار گوش / نستعلیق:] «ابن عبدالحسین. محمد».

۳. [.....] [رقم فیہ لدی /] [.....] [.....] [.....] من [.....] الحائری [مهر بیضی / نستعلیق:] «الواثق؟ بالله؟ عبده: عبد الرحمن»

۴. ذلک كذلك و انا الاقل / جواد ابن اسدالله الحسینی [...] [مهر بیضی / نستعلیق:] «جواد الحسینی»

۵. یشهد العبد الاقل [...] / محمد بن عبد الجعفر الحسینی الهاشمی؟ [مهر چهار گوش / نستعلیق:] «محمد بن عبد الجعفر الحسینی»

۶. الجانی حسین بن محمد

۷. یشهد بشهادہ / الشهود اقل عبد الله حسن / بن عبدالحسین البحرانی [مهر هشت گوش / نستعلیق:] «حسن بن عبدالحسین»

۸. شہد بذلک علی بن قاسم یزد خواسی؟ [مهر بیضی / نستعلیق:] «عبده علی بن...» همان گونه که در متن وقف نامه آمده است عواید این موقوفات می بایست برای برگزاری تعزیه های حضرت امام حسین (ع) هزینه شود و این مطلب خود نشان دهنده ای این است که هنر تعزیه که اکنون در این استان سیر نزولی خود را طی می کند، در یک قرن پیش از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار بوده است و البته اختصاص موقوفات جهت تعزیه تنها به استان بوشهر اختصاص ندارد و در اکثر مناطق ایران زمین، شاهد چنین موقوفاتی هستیم. در اینجا باید این نکته را یادآوری کرد که تعزیه هنر وقفی است، زیرا هنر تعزیه تنها دارای بعد نمایش و آشکار ساختن یک مصیبت و یا تراژدی نیست، بلکه نوعی ستایش از کسانی است که حقارت را نپذیرفتند و نقد جان خود را وقف عدالت و حقیقت کردند. به قول استاد دکتر جابر عناصری تعزیه، شرح ماجرای «وقف خون» در یادلانی است که قبالی مهر الهی را با خون خود مهر کردند.

امروزه جای هزار افسوس و و دریغ است که نه فقط تعزیه خانه ای از تعزیه خانه های منطقه به جای نمانده، بلکه یاد و نام بانیان تعزیه خانه ها و واقفان آنها نیز در یادها نمانده است. نگارنده به سهم خود بر روان و روح حاجیه خانم خدیجه، واقف روشن ضمیر و هنرپرور که املاک و اموال خود را وقف بر پاداری تعزیه ی سید الشهداء (ع) این هنر وقفی ایران زمین نموده است، طلب مغفرت می کند.

سند دوم که جدیدترین سند وقفی استان و در واقع به اطلاع نگارنده آخرین سند وقفی استان است و اتفاقاً متعلق به یکی از زنان مؤمن و روشن ضمیر منطقه است که در سال ۱۳۶۹ شمسی تنظیم شده است .

این وقف نامه مربوط به موقوفه ای است که وقف بقعه ی مبارکه ی حضرت امام زاده عبدالمهمین بوشهر شده است. ذیلا متن وقف نامه را نقل می کنیم. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

حسن خلیلی رحمت آبادی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ساختمان مرحوم حسن خلیلی رحمت آبادی

مرحوم حسن خلیلی رحمت آبادی یکی از اعضای سابق انجمن ایرانیان مقیم پونا ساختمانی را به متراژ ۸۰۰ مترمربع بر حسینیه وقف کرده است. این ساختمان در جاده‌ی مهاتما گاندی قرار دارد و دو طبقه است و ۸ مستأجر دارد. کرایه‌ی آن توسط پسر مرحوم حسن خلیلی جمع‌آوری می‌شود ولی علی‌رغم وجود وقف‌نامه، خانواده‌ی آن مرحوم از تسلیم ساختمان به انجمن یا متولیان موقوفات خودداری کرده و تاکنون از تسلیم عواید ساختمان امتناع ورزیده‌اند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

دارانی، شیخ ابوسلیمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ ابوسلیمان دارانی در شهر داران مرکز شهرستان فریدن واقع است. شهرستان فریدن از جمله شهرستان‌های استان اصفهان است. این شهرستان از غرب با شهرستان فریدن شهر، از شمال با شهرستان خوانسار و گلپایگان و از جنوب با شهرستان‌های شهرکرد و تیران و کرون و از شرق با شهرستان خوانسار هم‌مرز است.

بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ سلیمان دارانی، یگانه مرکز مذهبی - زیارتی شهر داران در جنوب شهر واقع و اخیراً به وسیله‌ی اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی شهرستان فریدن در حال نوسازی است. کوشش نگارنده جهت یافتن شرحی از زندگانی و احوال صاحب بقعه تاکنون بی‌ثمر بوده و آنچه در تواریخ گذشته در شرح حال ابوسلیمان دارانی، عارف معروف قرن دوم قمری آمده است نیز ارتباطی با صاحب بقعه‌ی پیش گفته ندارد. توضیح آن که ابوسلیمان عبدالرحمن بن احمد بن عطیه عنسی، مذحجی، عارف و صوفی متولد در دارا در دمشق، متوفی در شام، به بغداد و شام سفر کرد و در هر یک از این مناطق مدتی سکونت گزید و مرشد صوفیان و پیر اهل طریقت بود. کراماتی نیز بدو منسوب است (۱). براساس اسناد خطی موجود، ابوسلیمان، ادعای دیدار و گفت‌وگو با فرشتگان را داشته و این دقیقاً همان است که به ابوسلیمان عبدالرحمن عارف قرن دوم و سوم قمری نسبت می‌دهند (۲).

به نظر می‌رسد آنچه در اسناد خطی به صورت کرامات و حالات خارق العاده به صاحب بقعه نسبت داده شده، به نقل از کتاب‌هایی است که در شرح حال ابوسلیمان دارانی (دمشقی) اشاراتی کرده‌اند. با این حال، صاحب بقعه نیز به همین نام «شیخ ابوسلیمان دارانی»، بین عوام شهرت یافته و اکنون گروه بسیاری از ساکنان شهر داران به شیخ سلیمانی دارانی مشهورند. بقعه‌ی پیش گفته، اخیر تخریب شده و در حال نوسازی است. شرحی که کارشناسان اداره‌ی کل فرهنگ و هنر استان اصفهان در سال ۳۶ [۲۵] از بقعه داده‌اند، چنین است:

داخل مقبره دارای پلان هشت گوش است که مقبره در وسط قرار دارد. گنبد بنا از نوع دو پوش گسسته است و پوشش خارجی گنبد از کاشی خشت بدون نقش به رنگ آبی آسمانی است و کلمه‌ی یا الله با خط بنایی و از کاشی سفید و لاجوردی تنها نقش روی گنبد بالای سر در ورودی قرار دارد. چندین ترک بر روی گنبد دیده می‌شود و کاشی‌ها در بعضی جاها یخ بر شده و مصالح بنا بیشتر از آجر است. ورودی مقبره را ایوان ساده‌ی کاهگلی تشکیل می‌دهد و در جبهه‌ی شمالی ورودی یک پله موزاییک پشت بام قرار دارد. بنا از قسمت شمال توسعه داشته و آثار باقیمانده‌ی آن موجود است. در صحن مقبره، تعدادی سنگ قبر دیده می‌شود و دیوار اطراف صحن و مقبره خشتی است (۳).

بقعه‌ی پیش گفته دارای موقوفات بسیاری بوده که در طول زمان به طور کامل به تصرف اشخاص درآمده و اکنون فاقد موقوفه است. براساس رونوشت وقف‌نامه‌ی خطی موجود، حدود ۳۶۰ جریب املاک و اراضی از نهر کردن شهر داران از جمله موقوفات بقعه بوده که هر بخشی از آن اکنون در تصرف اشخاص گوناگون قرار دارد و ملک شخصی افراد منظور شده است. امید است انتشار این اسناد در جهت شناسایی موقوفات بقعه مؤثر افتد و گامی در جهت احیای موقوفات بقعه متبرکه باشد؛ ان شاء الله. [شایان ذکر است کلیه‌ی اسناد خطی را که در این مقاله عنوان یا اشاراتی بدان شده، دادگستری فریدن رسماً تأیید کرده است] براساس وقف‌نامه‌ی خطی موجود که در سه برگ مجزا و به یکدیگر متصل شده‌اند چنین آمده است: متن وقف نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة على خاتم الانبياء سيد المرسلين محمد المحمود و صلى الله عليه و آله و سلم. فبعد بر ارباب ذكاوت (۴) مخفی و مستور نماناد که حضرت واجب التعظيم شاهزاده شيخ ابوسليمان كنيه که اسم آن جناب ريحانه القلوب است، در قریه‌ی داران من قراء فریدن مدفون است و ذو بقعه‌ی متبرکه و گنبد حایر و صغه و حجرات می‌باشد و این شیخ بزرگوار جلیل القدر همچو که از کتب تواریخ و رجال معلوم می‌شود و از قراطیس قدیم و تذکرات و سایر نوشتجات معلوم می‌شود که از اخیار و اوتاد و بنده‌ی خالص خداوند عالم بود و صاحب کشف و کرامات و سایر مقامات عالیه و خوارق عادات در این تذکره ذیل خوارقا کثیرا در زمان خود آن بزرگوار نوشته بودند و کاغذی که این کشف و کرامات را نوشته‌اند، اسقاط و مندرس شده بنا بر تاریخی که در تحت ذیل مرقوم است؛ لهذا فی الجملة از کشف و کرامات آن حضرت که از قراطیس مسقطه و مندرسه مضبوط گردیده و به نظر رسیده است، این است که حضرت شبی مشغول بودند به نماز از کثرت عبادت پشت مبارکش متوجه گردید بر سر سجاده عبادت نشستند خواب بر چشم‌های مبارکش غلبه کرد؛ حوریه یا ملکی آمد فریاد کرد: ای ابوسليمان! حجاب‌های آسمان‌ها برداشته شده و عبادات تو را ملکی چند بالا می‌برند و ملائکه‌ی بسیار سر از حجاب‌ها بیرون آورده‌اند و تماشای عبادت تو را می‌کنند و... و بعضی دیگر از معجزات و خارق عادات در همین تذکره قدیمی ذیل الکتاب مسطور است... سنه ۱۳۱۱ [متن پیشین، افزون بر اغلاط نگارشی فراوان، بخشی از آن از شرح حال ابوسليمان دارانی دمشقی اقتباس گردیده]. رونوشت وقف نامه

الحمد لله و سلام على عباد الله الذين اصطفى سيما محمد المصطفى واله نجوم الهدى وقف کرد حضرت رفعت، کیوان منزلت، خورشید جاه، سلیمان مکان، اتاییک نیک بخت، صاحب تاج و تخت و الدنيا والدین بر حضرت واجب التعظیم و الاحترام جهت معیشت مجاوران حضرت بر مذکور و تعمیرات بقعه و مساجد و حمام و مد و سفره‌ی درویشان به موجب ذیل وقف کرد تا صواب آن به روح همایون واصل گردد و الله يحب المحسنين و الله اعلم بالصواب.

مزرعه در حضرت شش جریب از دیم و فاریاب از سنگ تا کلوخ بری و بحری، شرقی و غربی آن چه از زمان قدیم بدو متعلق است به لعنت‌نامه مؤکد ساخت و ملک قاسم شیرازی و ملک فریدون دولت آبادی من محال اردستان چهار دانگ. مزرعه پای قلعه شش جریب از دیم و فاریاب از سنگ تا کلوخ شرقی و غربی آن چه از زمان قدیم بدو متعلق است و به لعنت‌نامه مؤکد است و شش دانگ آسیاب با حدودات چهار گانه و خرابه و ویرانه از زمان قدیم بدو متعلق است.

مزرعه جوغ (۵) کدران تمام و کمال از دیم و فاریاب از سنگ تا کلوخ بری و بحری، شرقی و غربی آن چه از زمان قدیم بدو متعلق است و بلعنت‌نامه‌ی مؤکد است نظر در آمد به قلم در آمد نسخه حضار مجلس ملک داور. جهت معیشت مجاوران آستانه و مشایخ وراثان و مد و سفره‌ی درویشان گردد تا ثواب آن به روح صاحب خیران واصل گردد و خورنده‌ی آن در هر دو جهان به لعنت یزدان‌ست تا به روز قیامت در سنه‌ی شش صد و پنجاه و یک بود و این نقل اصلح در سنه‌ی هفت صد و ده به قلم در آمد به خط یدالضعیف امیدوار به لطف و رحمت یزدانی حسن زاهد گیلانی غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه.

در حاشیه‌ی قسمت اول اوراق متصل به وقف‌نامه‌ی سنه‌ی ۱۳۱۱ و در ذیل وقف‌نامه‌ی سنه‌ی ۷۱۰ ذکر شده است همچنین در

حاشیه‌ی وقف‌نامه محل چند مهر وجود دارد و من جمله محل مهر شاهزاده سلیمان نور مرقد و محل مهر ملک اتابک اصل وقف نامه و ملحقات آن از نظر نگارش و خط با سه خط متفاوت نگاشته شده است اتصال این سه برگ به یکدیگر در هنگام انجام تعمیرات لازم در جهت جلوگیری از نابودی اوراق توسط اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه‌ی استان اصفهان صورت پذیرفته است. حدود هشتاد سال پیش املاک وقفی متعلق به بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ ابوسلیمان به تصرف اشخاص درآمده است؛ و از پرداخت عایدات املاک به تولیت آن خودداری کرده‌اند؛ به همین سبب، میر سید یوسف خوانساری (۶) امام جمعه‌ی داران جهت احیای موقوفات و بازگرداندن املاک وقفی، شرحی بدین مضمون به وزارت معارف و اوقاف وقت ارسال داشته است:

مقام منیع محترم وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف دام بقائها

دعاگوی میر سید یوسف امام جمعه و جماعت فریدن ملاحظه‌ی تصدیق امین اوقاف اصفهان را فرموده که در کمال دقت و تحقیقات کافیه از محل و رسیده‌ها در اداره‌ی محترمه از وقف‌نامه و فرامین و غیره که مرقوم فرموده‌اند چون غاصبین نهر «کدران» واقع در داران اشخاص قوی پنجه و صاحبان عده و نفر هستند، لهذا امین اوقاف شرحی به اداره‌ی قشونی لشکر جنوب مرقوم فرمودند ضبط و زرع این محل از بین نرود و توقیف نمایند و اداره‌ی محترمه متعرض به این که از جانب وزارتین جلیله‌ی معارف و اوقاف خطاب و حکمی به ما نشده، متمنی آن که حکمی تلگرافا به اداره‌ی محترمه قشونی لشکر جنوب بفرمایند که ملک را ضبط هذه السنه تا تفریط نشده یا تصرف داعی بدهند و یا توقیف بنمایند و اجرت المثل سنواتی را هم آن‌چه را در اوقاف اصفهان مدلل داشتیم، گرفته برسانند که به مصارف مقرر در وقف‌نامه برسد زیاده ایام سعادت مستدام باد و هر گاه مکتوبا مرقوم شود (آدرس منزل) خلف مسجد شاه خانه‌ی مرحوم حاجی ملاصادق خوانساری به داعی می‌رسانند [مراسله پیشین، تحت نمره‌ی ۴۳۰ در اداره‌ی اوقاف اصفهان ثبت شده است].

به دنبال پی‌گیری موضوع وقفیت نهر کدران از سوی میر سید یوسف خوانساری، امام جمعه‌ی فریدن و تقاضای تصرف املاک پیشین از وزارت معارف و اوقاف وقت اداره‌ی اوقاف اصفهان، مراسله‌ای تحت نمره‌ی ۴۳۰ ضمیمه‌ی ۲ در تاریخ ۲۰ برج اسد ۱۳۰۲ مطابق با ۱۷ شهر ذی‌حجه‌ی ۱۳۴۰ به وزارت معارف و اوقاف ارسال می‌دارد. مضمون مراسله‌ی پیشین چنین است:

مقام منیع وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف دامت شوکته

در تعقیق مراسله‌ی جوابیه تحت نمره‌ی ۲۲۱ راجع به نهر کدران فریدن که آقای سید یوسف امام جمعه‌ی خوانساری مدعی وقفیت آن بوده، لزوماً خاطر مبارک اولیای وزارت جلیله‌ی متبوعه را مستحضر می‌دارد: چون اوراق احضاریه‌ی دایره‌ی تحقیق تکمیل و تولیت مشار الیه تحت نمره‌ی ۳۱ صادر و به مدعی علیهم ابلاغ نمود و نیز بر حسب تقاضای مدعی شرحی به اداره‌ی ارکان حرب لشکر جنوب تحت نمره‌ی ۳۸۶ نوشته شد که مقرر دارند نظامیان فریدن محل مرقوم را توقیف نمایند که عواید آن محفوظ باشد و مدعی علیهم هم هر گاه اعتراض دارند در مدت معین اعتراضات خود را اظهار نمایند. لیک چون اداره‌ی مزبوره اقدام به امر توقیف نموده و منافع محل مرقوم در حرب هر چه زودتر اقدام به امر توقیف نمایند که عجالتا عواید محفوظ باشد و مدعی علیهم به طریق قانونی مشغول بر دفاعیات خود بشوند. سواد ورقه‌ی تصدیقه و امر مراسله که به اداره‌ی ارکان حرب نوشته شده، لذا تقدیم می‌دارد تا به نحو مقتضی به وسیله‌ی وزارت جنگ، احکام لازم به عنوان ریاست ارکان حرب لشکر جنوب در اسرع وقت در جواب درخواست فوق و سایر تقاضاهای قانونی این اداره صادر گردد.

رئیس اداره‌ی اوقاف امضاء مهر اداره‌ی اوقاف اصفهان

همچنین درخصوص لزوم تصرف املاک وقفی نهر کدران فریدن از سوی اداره‌ی اوقاف اصفهان، مراسله‌ای تحت نمره‌ی ۳۸۶ در تاریخ ۴ برج اسد ۱۳۰۱ به ریاست ارکان حرب جنوب ارسال شده است. سواد مراسله چنین است:

ریاست محترم ارکان حرب لشکر جنوب

نظر به این که آقای سید یوسف خوانساری راجع به وقفیت نهر کدران و املاک تابعه‌ی آن به طرفیت حضرات مرقومین ذیل در این اداره اقامه دعوا نمود و چون اوراق احضاریه به دایره‌ی تحقیق تکمیل شده، لذا دایره‌ی مزبوره بر حسب

جعفر قلی خان، احمد قلی خان، میرزا جلال

مقررات قانونی و تقاضای عارض غیابا رسیدگی در نتیجه تصدیق وقفیت آن را صادر نموده است و اینک به موجب ماده‌ی ۵ از موادی که در ظهر اوراق احضاریه مرقوم شده است، عارض تقاضای توقیف محل مرقوم و مقدار متصرفی معروضین را نموده علیهذا درخواست می‌شود مقرر فرمایید نظامیان فریدن عایدات مقدار متصرفی معروضین را که بر حسب اظهار عارض از قراری است که ذیلا مرقوم می‌شود، عینا و تماما توقیف نمایند تا هر گاه معروضین در موعد تعیین اعتراض داشته، اعتراضات خود را

جعفر قلی خان، ۸ ربیع

احمد قلی خان، ۹ ربیع

میرزا جلال، ۱۱ ربیع (۷) در این اداره اظهار دارند.

محل امضاء حاج میرزا محمد باقر سلطان زاده

رئیس اداره‌ی اوقاف اصفهان

مطابق با اصل است. الاحقر الحاج محمدباقر سلطانزاده محل مهر دفتر اوقاف اصفهان

در پاسخ به مراسله‌ی پیشین، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه چنین اظهار داشته است:

اداره‌ی اوقاف راپرت نمره‌ی ۴۳۰ و ضمایم آن در خصوص نهر کدران فریدن و تقاضای صدور توصیه از وزارت جلیله‌ی جنگ دایر بر مساعدت اداره‌ی قشونی به آن اداره رسید سابقا به طوری که بر حسب تقاضایی که کرده بودند توصیه صادر و ارسال شد؛ بنابراین برای هر کار جزئی حاجت به مراجعه نیست.

محل امضاء

پس از این امر، اراضی متعلق به بقعه‌ی شیخ سلیمان با دخالت نیروی نظامی به تصرف اوقاف درآمد و تولیت آن به سید یوسف خوانساری، امام جمعه‌ی داران واگذار شده است. سواد تصدیق وقفیت نهر کدران و تولیت آقا سید یوسف را اداره‌ی اوقاف اصفهان در مورخه‌ی ۳۰ برج اسد ۱۳۰۱ تحت نمره‌ی ۳۱ چنین ضبط کرده است:

در تاریخ ۸ شهر رجب ۱۳۴۰ آقای سید یوسف خوانساری مطابق عرض حال نمره‌ی ۴۲ به طرفیت اشخاص مرقومه‌ی ذیل

جعفر قلی خان ولد آجودان،

احمد قلی خان ولد سراب خان،

میرزا جلال ولد میرزا خسرو،

در اداره‌ی اوقاف اصفهان راجع به وقفیت نهر کدران فریدن و املاک تابعه‌ی آن که مقداری از آن‌ها متصرف معروضین است، اقامه‌ی دعوا نموده و برای مدرک عرض حالی خود سه ورقه تقدیم داشت که یکی سواد وقف نامچه است که مرحوم ملک اتابک نهر مرقوم و بعضی املاک را (که از نهر مرقوم مشروب می‌شود) بر مشایخ و مجاورین بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان وقف نموده، یکی دیگر سواد از آن همایونی است که در باب رقبات مرقومه‌ی مزبوره به حکومت سابق اصفهان مرحوم

ظل السلطان نوشته است که دیگران را از مداخله نمودن در مرقومه‌ی مزبوره ممنوع داشته و آقای آقا سید یوسف به عنوان تولیت مداخله نموده، منافع را به مصارف مقررهای مزبوره برساند. یکی دیگر سواد دستخط وزرای جلیله‌ی معارف و اوقاف است که در ذیل نمره‌ی ۲۲۶ سابق اصفهان دستور داده‌اند که نهر کدران و املاک آن را به تصرف آقا سید یوسف خوانساری بدهید و اجرت

سنواتی را گرفته به ایشان رد نمایند که به مصارف مقرر برسانند؛ علیهذا اداره‌ی اوقاف عرض حالی عارض را پذیرفته و قضیه را ارجاع به دایره‌ی تحقیق ورقه‌ی احضاریه نوبت اولی و احضاریه‌ی نوبت ثانی به عنوان معروضین ارسال شد و آن‌ها حاضر نشدند. اخیرا جعفرقلی خان (احمد معروضین) حاضر و آقا سید فخرالدین خوانساری را به عنوان وکالت از طرف خود معرفی نمود. وکیل مرقوم هم سلب مالکیت از موکل خود نمود و اظهار داشت آنچه که موکل متصرف است به عنوان استجاره از غیر می‌باشد. دایره‌ی تحقیق مطابق مقررات قانونی و تقاضای عارض نسبت به دو نفر دیگر از معروضین (احمد قلی خان و میرزا جلال) نظر به تکمیل احضاریه غیابا رسیدگی نموده و نتیجه به شرح ذیل اظهار عقیده نمایند نظر به مستندات مرقومه که عارض ابراز نموده و سواد آن‌ها نیز ضبط گردید و اقوا امان است برای صدق دعوای عارض و نظر به اینکه وکیل مدعی جعفرقلی خان سلب مالکیت از موکل خود نمود و سایرین هم دفاعی از مستندات عارض ننموده، لذا تصدیق می‌شود که نهر مزبور و املاک تابعه‌ی آن (که برحسب اظهار عارض، سیصد جریب ملک از ابتدای نهر تا انتهای آن می‌باشد و دوازده جریب آن را بعضی از اهالی آن حدود از طرف ایشان به عنوان وقفیت مداخله می‌نمایند و نیز برحسب عرض حال عارض، هشت ربع به تصرف جعفرقلی خان و نه ربع به تصرف احمد قلی خان و نیز ده ربع به تصرف میرزا جلال است) وقف و تولیت آن عجالتا با عارض می‌باشد که باید ایشان مداخله نموده و نیز به اقراری که به دفتر اوقاف سپرده‌اند، منافع آن‌ها را به مصارف متعرض واقف به اطلاع و نظارت اداره‌ی اوقاف اصفهان برسانند و حق النظاره‌ی دولتی آن را همه ساله به اداره‌ی اوقاف تسلیم نموده، قبض رسید دریافت نماید.

فی ۲۵ شهر ذی حجه ۱۳۴۰ توضیح آن که از تاریخ ابلاغ تا پانزده روز معترضین حق اعتراض دارند.

محل امضای آقای سلطانزاده رئیس اداره‌ی اوقاف

محل امضاء... محل امضاء... محمد آقا عضو دوم در تاریخ غره‌ی فی ذی حجه الحرام ۱۳۴۰ آن ورقه رؤیت شد و مطابق ماده‌ی ۵ مرقومه در ظهر احضاریه‌ها تقاضای تعیین محل مرقومه و زرع آن را از اداره‌ی جلیله دارم تا مطابق ماده‌ی ۷ از قانون ۸ B معروضین اعتراض دارند اظهار نمایند و اقامه‌ی حجت نمایند.

سید یوسف صحیح است. محل امضاء

ملک مرقوم راجع به عموم ساکنین و اهالی داران می‌باشد و خود این جانب هم شخصا مالک نیستم؛ ۵ شهر ذی حجه الحرام. جعفرقلی خان محل امضاء

این ادعا در صورتی که حقوقی است، باید عرض حالی به اداره‌ی جلیله‌ی عدلیه بدهند تا جواب

داده شود چنانچه راجع به اداره‌ی اوقاف است، خود ریاست محترم اوقاف تشریف دارند و در محل رسیدگی نمایند. این ملک مابین تمام نفرات داران و قدری هم متعلق به خوانین بختیاری است. خصوصی نیست. ۵ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۴۰.

محل مهر میرزا جلال

این ملک راجع به مالکین داران است؛ به تاریخ پنجم ذی حجه الحرام ۱۳۴۰.

محل امضای احمد قلی خان

حکم فوق توسط مأمور نظامی به جعفرقلی خان و احمدخان و میرزا جلال ابلاغ شد. برج اسد ۱۳۰۱.

محل امضاء اسدالله خان رئیس نظامیان فریدن

محل امضاء آقای محمدباقر سلطانزاده رئیس اوقاف [اصفهان]

سواد مطابق اصل است. محل مهر و امضای اداره‌ی اوقاف اصفهان

از اسناد مربوطه به بقعه‌ی پیش گفته، یکی نیز سواد رقبات مرقومه و نیز تولیت آقا سید یوسف امام جمعه است که از سوی ظل‌السلطان بدین شرح نوشته شده است:

نواب حال و استقبال فریدن سرافراز بوده بدانند چون به موجب وقف‌نامه‌ی شرعی‌ی معتبره قدری املاک و نهر کدران واقعه در داران وقف بر بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان است به مصارف برسد و موافق نوشتجات علمای عظام و مطابق مدلول قضاشمول فرمان جهان مطاع همایونی تولیت آن به جناب شریعت ماب آقا سید یوسف امام جمعه‌ی فریدن واگذار است و باید جناب مشارالیه در املاک و نهر کدران مداخله نماید و منافع آن را به مصارف خود برساند؛ لہذا به موجب این حکم مطاع امر مقرر می‌داریم باید از این تاریخ به بعد املاک مرقومه و نهر کدران را به تصرف جناب امام جمعه بدهید و ابدًا متصدی حق مداخله در آن ندارد. هر گاه کسی هم بخواهد متعرض شود، ممانعت نمایند. با کلی آسودگی منافع آن را ضبط نموده، به مصارفش برساند و به تکلیف شرعی خود رفتار نماید؛ [...] شهر شوال ۱۳۱۴.

در حاشیه چنین آمده است:

محل حاتم شریف مبارک حضرت ظل السلطان

و نیز السواد کالاصل خذو النعل و القذہ و حرره الداعی. مهر الراجی محمود بن العظیم (۸) شوال ۱۳۱۴.

به ظاهر، مدت کوتاهی، زمان تولیت آقا سید یوسف، امام جمعه، در صدی از درآمدهای موقوفات متعلق به بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان طبق رونوشت وقف‌نامه که ذکر آن گذشت، صرف می‌شده است و دوباره موقوفات عدوانا تصرف شده و امروزه متأسفانه هیچ‌گونه درآمدی از این موقوفات عاید بقعه و موارد مصرف مذکور در وقف‌نامه نمی‌شود.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

رضازاده، سید حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج سید حسین رضازاده در روز دوازدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سی و نه شمسی تولد یافت. در رؤیاهای پدر بزرگوارش، بزرگ مرد علم و عمل و حامی و دل‌باخته اهل البیت «علیهم السلام»، حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید فضل الله رضازاده (دام عزه) و مادر صالحه اش، حاجیه خانم دیانی جای نمی‌گرفت که سید حسین، روزی در گستره‌ی انسانهای شیفته اهل البیت «علیهم السلام» در سطح جهان مؤثر واقع شود. مهم آنست که دانش بطلبیم و مهمتر از آن نور دانش را در جهان نهادینه سازیم. وی با بهره‌گیری از فیوضات و کمالات روحی و اخلاقی و اعتقادی در محضر پدر دانشمند و شیرپاک مادری با ولایت و تربیت در دامان مطهر او، مراحل رشد و ترقی و انسانی و ایمانی را طی نمود. تحصیلاتش از مدرسه نور دانش آغاز شد. یعنی همان دومین مهد سید حسین، که با راهنمایی پدر، در آن زمزمه عشق را شنید و باور کرد و... عاشق شد. زمینه‌هایی که از نگرش متعالی به شناخت مسئولیت از طریق اجداد پاکش داشت، در خانه‌ی پدری در محله‌ی دردشت اصفهان در میان حرارت عشق علوی، حماسه حسینی و شور انتظار مهدی موعود «عجل الله تعالی فرجه الشریف» در روح و جسم او جوانه زد و ثمره اش، بالندگی او بود. در نوجوانی، هفده محله‌ی اصفهان را عرصه ابلاغ و گسترش معارف اهل البیت «علیهم السلام» نمود، تا زمینه رشد برای انجام این مهم در سراسر گیتی مهیا گردد. جوانان هدف اصلی این حرکت و پیام بودند. دلسوختگانی از مکتب اهل البیت «علیهم السلام»، همچون ریاست سابق حوزه علمیه اصفهان، مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) مدافع حریم پاک ولایت و امامت؛ مرحوم حضرت آیت الله حاج سیداحمد فقیه امامی (قدس سره) که روش و منش و راهنمایی‌های

پرجاذبه‌ی آن بزرگ مرد جهت دهنده افکار و احساسات سید حسین بود- و افتخار بزرگ حوزه علمیه و جامعه مذهبی اصفهان، حضرت آیت الله سید حسن فقیه امامی (دامت برکاته) پشتیبان علمی، معنوی و موجب دلگرمی او شدند. هرکاری را که میتوانست، خود انجام میداد؛ بوجه دیگری و نمی نهاد. و در این رهگذر چه بسیار اندیشید و دست و نیت خیرش را در امری نیکو و عظیم وارد نمود. شاهد صدق این ادعا، وجود فعال مؤسسات و مجامع خیریه زیر می باشد که از همت والا- و مساعدت های فکری- معنوی و مادی او بی بهره نمانده اند. مؤسسه خیریه امام حسین «علیه السلام»- مؤسسه خیریه امام جواد «علیه السلام»- مؤسسه خیریه حضرت ابوالفضل «علیه السلام»- مؤسسه خیریه حضرت ام البنین «سلام الله علیهما»- مؤسسه دارالشفای فاطمیه «سلام الله علیهما»- مجمع خیریه های درمانی استان اصفهان (ویژه بیماران خاص و صعب العلاج)- مجمع خیریه های استان اصفهان- صندوق قرض الحسنه حضرت ام البنین «سلام الله علیهما»- انجمن مددکاری امام زمان «عج»- انجمن بیماران M.S - فاطمیه- مهدیه- دارالقرآن الکریم- انجمن خیریه امداد و درمان حضرت ولی عصر «عج». جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فرصتی بود تا خود را بیازماید که چگونه در برابر دشمن بایستد. پشتیبانی وی از مقاومت دلیرانه مردم ایران موجب گردید؛ تا در این آزمون الهی نیز پیروز باشد. بلند همتی او باعث شد تا همه چیز را در نقطه اعلائی آن بخواهد. اجرای پروژه خوابگاه دانشجویان متأهل دانشگاه صنعتی اصفهان و مدیریت آن، که در قالب خیریه حضرت جواد «علیه السلام» انجام گرفت، نشان دهنده این اشتیاق و همت اوست. این مجموعه شامل ۱۲۰ واحد مسکونی و سالنهای چند منظوره می باشد که بعد از احداث در کاملترین شکل ممکن وقف گردید. اما آنچه ثمره پرورش، آموزش، تجارب و کسب معنویت های خلقی او میباشد، تأسیس مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل- البیت «علیهم السلام» است. امید اینکه این مهم به همان هدفی دست یابد که مولای او، مصلح جهانی- حضرت حجت بن الحسن العسگری- صاحب الزمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» به انتظار آن است... انشاء الله.

رضوی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفه شادروان عبدالله رضوی را می توان از بزرگترین و پربرترین موقوفات مشهد و خراسان شمرد. این موقوفه، شامل اراضی بسیار وسیعی در چندین نقطه شهرستان مشهد مانند اراضی سوران و بژمهن و حسین آباد کرمانی ها و همچنین مسافرخانه ها و مغازه ها، در داخل شهر مشهد و حتی دارای رقباتی در دیگر شهرهای ایران است.

این موقوفه از هر جهت بر بسیاری از موقوفات دیگر خراسان برتری دارد و موارد مصرف آن بسیار چشمگیر و قابل توجه بوده که از آن جمله موارد مصرف سه گانه آن شایان توجه است.

آقای عبدالله رضوی در سال ۱۳۴۳ برابر وقفنامه رسمی، تمامی شش دانگ مزرعه سوران و دو رشته قنات دایر و یک رشته قنات بایر و ثلث از کل فاضل آب رودخانه شانندیز و املاک دیگری را طبق اساسنامه برای انجام امور عام المنفعه وقف نمود و برای بهره برداری بهتر از این موقوفه بزرگ، برابر سند رسمی و اساسنامه موجود، شرایطی قرار داد که قابل توجه است از آن جمله یادآور شده است که:

«کلیه درآمد و عواید حاصله از موارد وقف از هر جهت و هر بابت را، متولیان مربوطه در هر زمان و هر موقع، بایستی جمع آوری و پس از وضع مخارجات قنات و اشجار و باغات به ده عشر تقسیم و به مصارف معینه ذیل برسد:

و نیز در اساسنامه مورخ ۱۳۵۷/ ۳/ ۶ آمده است: «... سه دهم (سی درصد) از درآمد موقوفه به مصرف پرورشگاه برسد» که جزئی

از «بنیاد نیکوکاری» عبدالله رضوی (میرزای ناظر) است. در ذیل این بند افزوده‌اند که بنای درمانگاه و ساختمان پرورشگاه را تکمیل و همچنین درمانگاه و پرورشگاه باید طبق شرایط مذکور در وقفنامه و این اساسنامه اداره شود. و نیز در سند وقفنامه آمده است که: «متولیان وقف موظف‌اند که روز عاشورا، هر ساله در مزرعه سوران اقامه عزای حضرت سیدالشهدا (ع) نموده و یک دهم را نیز

جهت روضه‌خوانی و اطعام اهالی و مستضعفین در این روز مصرف و خرج نمایند.»

به دنبال پایان یافتن جریانهای ثبتي اداري موقوفه، اداره کل اوقاف خراسان با پشتکار و دقت از محل عواید موقوفات به سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکتها و پی‌گیری امر احداث ساختمان برای دارالایتام و فعالیتهای کشاورزی پرداخت.

از آن جمله، در مزرعه سوران که بالغ بر شش هزار هکتار مساحت دارد علی‌رغم کمبود آب و وضع نامناسب زمین، نسبت به ایجاد و بازسازی باغهای قبلی که بر اثر بی‌توجهی و عدم رسیدگی رو به نابودی بود، اصلاحاتی صورت گرفت و باغهای جدید به مساحت ۲۸ هکتار، برابر روش جدید باغداری ایجاد گردید و از زمینهای دیگر که توانایی بازدهی گندم و یونجه داشت با آبیاری بارانی، برای تأمین آذوقه و علوفه بهره‌گیری شد. در حال حاضر میزان زمین زیر کشت یونجه این موقوفه، ۷۰ هکتار است.

همچنین جهت بهره‌گیری بهتر و بیشتر از زمینهای بایر موقوفه و در ضمن برای کمک به خودکفایی و ایجاد زمینه اشتغال برای مردم محل و جز آن در سال ۱۳۶۶ خورشیدی به تأسیس شرکت کشاورزی و دامپروری سوران، با سرمایه‌گذاری از وجوه مازاد موقوفات سراسر کشور مبادرت گردید و در اجرای اهداف آن مجتمعی شامل دو واحد گاوداری با زیربنایی به مساحت ۳۳ هزار مترمربع بنای مسقف و ۴۰ هزار مترمربع بهاربند در مدت کوتاهی ساخته شد و با مساعدت اولیای امور وزارت کشاورزی و سازمان دامپروری کشور فعالیت خود را با خرید دهها رأس گاو اصیل هلشتاین عملاً آغاز کرد و هم‌اکنون سالانه حدود ۲۰۰۰ تن شیر تولید می‌کند. می‌بینیم که این همه بازدهی، ره‌آوردی است که از برکت روح پاک واقفی خیراندیش و انسان‌دوست، به جامعه مصرف‌کننده شهری تحویل می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

زنگنه، شیخ علی خان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مسیر جاده همدان به کرمانشاه در توقيفی کوتاه در تفرجگاه و سراب بیستون آن گاه که انسان عظمت و سترگی کوه‌های بیستون با ستیغ‌های رعب‌انگیز آن را به نظاره می‌نشیند، ناخود آگاه توجه‌اش به نقوش و آثار تحسین برانگیز به جای مانده از سلسله اشکانیان و نقش و نوشته ناتمام و نیمه نمایان مربوط به گودرز پسر گیو معطوف می‌گردد. آنچه بیش از همه برای ما فارسی‌زبانان مطمح نظر و کنجکاو خواهد بود، کتیبه و طاق نمایی است مربوط به یکی از موقوفه‌های شایان توجه این مرز و بوم به ارتفاع ۳۶۴ سانتیمتر و به عرض ۲۷۶ سانتیمتر در ۱۵ سطر که با خط خوش ثلث، حجاری و به عنوان وقف نامه‌ای بی‌بدیل و خلل‌ناپذیر بر صخره‌های بیستون نقر شده است.

بلی، سخن از موقوفات وسیع و در خور بررسی یکی از بزرگان و رجال عهد صفوی، یعنی مرحوم شیخ علی خان زنگنه ملقب به اعتماد الدوله است. پیشینه حیات مادی و معنوی واقف آنگاه که شاهان صفوی از کارآمدی قزلباش‌ها و شاهسون‌ها مأیوس شدند، دست نیاز به حمایت و مشاوره کردان زنگنه دراز کردند. طایفه یا عشیره زنگنه از قدیمی‌ترین و شجاع‌ترین طوایف عشایری ایران بزرگ بودند که یکی از ایلات نژاد کرد محسوب می‌شده‌اند.

بنابر آنچه در آثار مکتوب داخلی و خارجی آمده است، برابر تقسیمات کشوری زمان شاه عباس اول در سال ۱۰۰۶ هجری قمری، ایران به چهار ایالت والی نشین و ۳۶ بیگ‌ریگی تقسیم می‌شده که در سال‌های بعد فرزند میر آخور شاه (شاه عباس دوم) به نام شیخ علی خان زنگنه ابتدا به بیگ‌ریگی و سپس به عنوان والی ولایت مرزی غرب کشور تا بغداد منصوب شد و به دلیل بروز لیاقت و مقاومت‌های مدبرانه در مقابل دست اندازی‌ها و تجاوزات نیروهای ترک عثمانی، این سردار این زنگنه بیش از پیش مورد توجه دو تن از شاهان صفوی و مخصوصاً شاه صفی یا همان شاه سلیمان صفوی قرار گرفت و در نهایت مقام وزرات و جبه و قلمدان مرصع صدرات صفویان به جناب ایشان تفویض گردید. (۱).

به علت عدم توجه و تسلط شاه سلیمان به اداره امور کشور، دولت صفوی دچار ضعف و انحطاط شد. شیخ علی خان زنگنه صدر اعظم با تدبیر و کاردان او که باید او را امیر کبیر عصر صفوی دانست، انتظامی کامل در ممالک محروسه‌ی شاهی برقرار کرد. گویند شاه سلیمان ثبات اندیشه و سیاست مقبوله در عرصه‌های حکومتی و اجتماعی را به تدریج از کف داد و به دلیل شارب الخمر بودن و بعضاً در حالت مستی مبادرت به بذل و بخشش‌های بی حد و حصر می‌کرد؛ مثلاً فلان بندر مهم را به رقاصه‌ای می‌بخشید و این گونه افراد موقعی که جهت استیفای حکم مربوط به صدر اعظم (شیخ علی خان) مراجعه می‌کردند، اعتماد الدوله با دادن هدایای دیگری به افراد ذینفع و بالاخره با راضی کردن آنان، از به یغما رفتن بنادر و شهرها پیشگیری می‌کرد و به همین جهت ضرب المثل «شاه بخشید، شیخ علی خان نمی‌بخشد» در بین درباریان و محافل و اجتماعات مردمی منقول و مرسوم شد.

در کتاب ارزشمند سیاست و اقتصاد عصر صفوی نوشته‌ی دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی ذیل مبحث «وزیر کوشا» پیرامون شخصیت افعال و اعمال شیخ علی خان زنگنه آمده است: «در زمان شاه سلیمان برای مدت محدودی از سال ۱۰۸۶ تا ۱۱۰۱ هجری قمری یک وزیر نسبتاً پر کار بر سر کار آمد؛ ولی با توجه به اینکه دستگاه‌ها اصولاً فرسوده شده و زنگ خورده بود، این کوشش‌ها بی نتیجه می‌ماند. این شخص شیخ علی خان زنگنه بود که کوشش داشت همیشه شخصیت و استقلال خود را در برابر شاه حفظ کند. او شب‌ها با لباس مبدل در محلات گردش می‌کرد و از اوضاع مملکت خبردار می‌گردید و به فقرا و ضعفا و طلاب علوم دینی و ایتم، بذل و بخشش می‌کرد. حمامات نیکو و رباطات در شهرها و عرض راه اعتبار مقدسه بنا کرده است.

هرگز با وجود اصرار شاه لب به مشروب نمی‌زد و می‌گفت: «شاه بر جان من حق دارد؛ اما بر دین من حق ندارد.» (۲)... این وزیر با قناعت و با کیاست املاک و اقطاع و دهکده‌های متعددی در ایالت کرمانشاه و همدان داشت که تعدادی از آنها را به عنوان موقوفه عام به قبض وقف سپرد و شرح قسمتی از آنها در وقف نامه‌های وزین آن مرحوم درج شده است. این واقف پاک نهاد بالاخره در سال ۱۱۰۱ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. وقف نامه‌ها با امعان نظر به اینکه از آن مرحوم دو فقره وقف نامه تحریر شده در دو زمان جداگانه (هر یک مربوط به استان‌های کرمانشاه و همدان) بر جای مانده و وقف نامه مربوط به استان کرمانشاه که نسخه‌ای از آن در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه و مشابه آن (و در واقع نسخه‌ی بی بدیل آن) در کتیبه سنگی سراب بیستون (کنار نقش و فرمان ناتمام گودرز پسر گیو از پادشاهان اشکانی) حجازی و نقر شده مقدم بر دیگری است، ابتدا شرح مختصری بر آن می‌آوریم.

وقف نامه‌ی سنه ۱۰۹۳ هجری قمری

این وقف نامه معتبر و مسجل در دوران صدرات آن وزیر بادرایت در اصفهان کتابت و تحریر یافته که به قلم و مهر اعلم علمای آن روزگار، چون: علامه ملا محمد باقر مجلسی، ملا میرزای شیرازی و آقا جمال‌الدین خوانساری و... مسجل و ممضی شده است.

آنچه به عنوان موقوفات شیخ علی خان زنگنه شناخته شده و در متن وقف نامه درج شده از حیث متصرفی و غیر متصرفی عبارتند از:

۱. ششدانگ مزرعه بن عدی (یا بند عبیدی)؛

۲. ششدانگ مزرعه چم بطان؛

۳. ششدانگ قریه قراولی؛

۴. ششدانگ قریه فراش؛

که تولیت همه این مزارع و قرای موقوفه که از رودخانه معروف گاماسیاب نهانند مشروب می‌شوند، مادام الحیات برای شخص واقف در نظر گرفته شده و بعد از فوت وی نسلا بعد نسل با اکبر و ارشد اولاد ذکور او می‌باشد.

عواید حاصله از ایجاد اراضی و مزارع موصوف باید به ترتیب به میزان دو سوم به سادات فاطمی‌اثنی عشری پرداخت شود و مقدار یک سوم باقی مانده به مصرف عمران و آبادانی عمارت کاروانسرای واقعه در بیستون (مسیر عبور و بیتوته زوار عتبات عالیات) که آن نیز موقوفه مرحوم شیخ علی خان زنگنه می‌باشد، برسد.

ناصرالدین شاه قاجار که در سال ۱۲۸۷ هجری قمری جهت تشریف به کربلای معلی و نجف اشرف به کرمانشاه سفر کرده است در سفرنامه خود می‌نویسد:

«برای ملاحظه آثار بیستون رفتم اثرها که مشاهده شد به این تفضیل است:

اول نزدیک زمین یعنی به ارتفاع چند ذرع، صفحه بزرگی از سنگ تسطیح کرده اشکال بزرگ نقش کرده بودند که حالا اثری نمانده است. در همان صفحه شیخ علی خان زنگنه وقف نامه دو ده را که برای کاروانسرا وقف کرده است حجاری کرده، این کاروانسرای بیستون را هم شیخ علی خان بنا کرده است. اسم دو ده موقوفه که آن طرف رودخانه گاماسیاب در دامنه کوه ملاحظه شده بود: قراولی و چم بطل است.... (۳)

وقف نامه‌ی سنه‌ی ۱۱۰۰ هجری قمری

این وقف نامه وزین در قالب نثر مصنوع با خط زیبای ثلث و تعلیق (عربی و فارسی) که عباراتی مشحون از الفاظ و کنایات و تشبیهات منقح و با مضامین ادبی - عرفان و مواعظ اسلامی - انسانی دارد توسط کاتب و خطاطی چیره دست و اهل فضل در آخرین سال صدارت بر وزیر اعظم (۳۲۶ سال قبل)، در اصفهان به سلک تحریر در آمده که رونوشت مصدقی از آن هم اکنون در بایگانی اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه استان همدان و همچنین در دفتر تولیت موقوفات زنگنه (نزد آقای مرتضی متولی زنگنه) موجود است.

این سند وقف که به تأیید و تسجیل اعلم امام علما و مراجع عظام شیعه در آن روزگار از جمله: علامه شهیر مرحوم محمد باقر مجلسی (فرزند محمد تقی) و علامه سید بحر العلماء و آقا جمال الدین خوانساری و... رسیده، در صفحه طوماری به طول سه متر نگاشته شده است، و به شیوه‌ای مطمئن با کلاسه پوشت چرمی تجلید شده و رونویس خوانایی از روی نسخه اصلی به شیوه و سیاق نستعلیق و به خط مرحوم استاد غلامحسین همایونی همدانی (تحریر شده به سال ۱۳۵۷ شمسی) دارد.

موقوفات آن مرحوم برابر نص صریح وقف نامه به شرح ذیل است که ضمن العقد تولیت موقوفات را متعلق به نفس نفیس خود و بعد از خود به اکبر و اولاد ذکور خود به شرط اجتناب از فسوق و فجور قرار داده و همچنین اعلم علمای شهر همدان در هر زمان را به عنوان ناظر شرعی موقوفه تعیین کرده است.

در اینجا قسمتی از متن آن به نثر مصنوع عینا نقل می‌شود: «و چون به توفیق و عنایت بی غایت ربانی و تأیید و شفقت بی نهایت سبحانی پرتو علو رتبه این معنی در جام جهان نمای ذهن مبین و ضمیر مستنیر نواب مستطاب معلی القاب قدسی جناب قدوسی انتساب وزارت و شوکت و اقبال پناه عظمت و حشمت و اجلال انتباه: مناعت و متانت و ابهت دستگاه الدستور الاعظم و صاحب المکرم المعظم و الاعالی و قدره ارباب المآثر و المعالی اعتماد الدوله العلیه العالیه الخاقانیه و اعتضاد السلطنه القاهر السلیمانیه المستغنی لعلو الشان و ارتفاع المکان عن نثر المآخر نشر المآثر خانی عظیم الشانی منیع المکانی دستور اعظم وزرای ایرانیان مداری شیخ علی خان مد الله تعالی علی مفارق الانام ظلال اجلاله و امدهم علی مر الدهور و عواطف افضاله لا مع و تابان گردیده تقربا الی

الله و ابتغاء لمرضاته. وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد دینی نمود همگی و تمامی حصص مفصله ذیل الکتاب را با جمیع توابع شرعی و لواحق دینی و منضمات و منسوبات از ممار و مداخل و شرب و مشارب و اراضی و صحاری و جداول و انهار و مراعی و اشجار و غیر ذلک به تفصیلی که در تحت اسم هر یک مرقوم می‌گردد و بر مصالح مفصله آتیه ساکنین مدرسه مستحدثه نواب مستطاب عالی شأن در بلده طیبه همدان و غیر ایشان علی التفصیل الاتی و تولیت موقوفات معینه آتیه را متعلق ساخته فی متن العقد به نفس نفیس خود طال الله بقائه مادام حیا باقیا و بعد از ارتحال به عالم بقاء به اکبر ذکور اولاد بشرط الاجتناب از فسوق ظاهره مثل شرب خمر و باخت قمار و استماع مناهی و ملاحی و غنا و نحو ذلک.»

از نکات جالبی که بیانگر دقت نظر و نشانگر ژرف اندیشی وی بوده، آن است که قید فرموده است:

«در هر حجره مدرسه دو تن از طلاب بایستی سکنی بگزینند و زیاده بر دو تن موقوف بر رضا و اجازه صاحبان حجرات است.» و نیز به متولی: امر و تکلیف کرده است که: «از مؤذنی رفیع الصوت من دون غنا برای اعلام اوقات صلوة دعوت به همکاری نماید بدون آنکه وی را اجیر سازد. و همچنین وظیفه طلبه را بالسویه من دون المزیة بر رؤوس، نه بر حجرات تقسیم نماید.» موقوفات مدرسه علمیه و مسجد شیخ علی خان اعتماد الدوله تویسرکان

عرصه و اعیان این مدرسه با مسجد میانی آن (که به صورت وقف انتفاع است). به انضمام ۱۵ باب دکاکین بیرونی تحت پلاک ثبتی ۸۵۱ الی ۸۶۳ ناحیه یک در مرکز شهر تاریخی تویسرکان واقع شده و هم اکنون تعداد ۱۳۰ نفر از طلاب محترم علوم دینی در آن به درس و بحث مشغول هستند و عواید حاصله از ایجاد دکاکین مزبور به مصرف حوزه علمیه مذکور می‌رسد.

مدرسه علمیه بزرگ شیخ علی خان زنگنه

عرصه و اعیان این مدرسه موسع و مجهز که به مدرسه بزرگ معروف است به نحو انتفاع وقف شده و دقیقا در مرکز شهر و قلب بازار قدیمی همدان، یعنی ابتدای خیابان دکتر شریعتی کوچه آرامگاه استر و مردخای (از بزرگان و امرای قوم یهود) می‌باشد که ظاهرا بنای آن توسط شخص واقف احداث شده و پس از گذشت دوران متمادی نهایتا در سال ۱۳۶۸ شمسی توسط متولی قبلی موقوفه، تخریب و پس از آزاد سازی عرصه آن به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع، برابر ضوابط و اسلوب جدید شهرسازی و معماری اسلامی - سنتی در سه طبقه (مجموعا ۵۵۰۰ متر مربع) احداث شده که شامل حجرات درس طلاب، اطاقها و حجرات فوقانی و کتابخانه و مسجد و سلف سرویس و تعداد ۳۵ باب مغازه

بیرونی فوقانی و تحتانی تحت پلاک ثبتی ۲۹۲۰ اصلی بخش ۳ همدان (دارای نقشه و صورت مجلس تفکیکی از اداره ثبت اسناد و املاک) می‌باشد که هم اکنون تعداد ۱۷۰ نفر از طلاب محترم تحت تدریس مدرسان و فضلالی عالی قدر به کسب معارف و علوم مشغول هستند که کلیه هزینه‌های جاریه اعم از پرداخت شهریه و حق الزحمه طلاب و مدرسان، تأمین و تهیه غذا و لوازم و ملزومات بیتوته و غیره از محل عواید موقوفات تجاری و مزروعی آن واقف خیر اندیش توسط متولی موقوفه (آقای مرتضی زنگنه) و اداره کل اوقاف و امور خیریه و با نظارت ناظر شرعی موقوفه (آیت الله غیاث الدین محمدی - نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان) محقق می‌گردد.

عرصه و اعیان دکاکین و رقبات تجاری

به تعداد ۱۵۰ فقره به نحو مشاع و شش دانگ واقعات در راسته‌ها و نقاط متعددی از بازار قدیمی و سنتی همدان به شرح راسته بازارهای موسوم به: نخود بریزها، چلنگرها، قنادخانه، پالان دوزها، فلسطین (یهودی‌های سابق) مظفریه، زنگنه، پاره دوزها، سبزه میدان و سرگذر (میدان شاه سابق) است که همگی در اجاره اشخاص و صاحبان سر قفلی می‌باشد.

اراضی مزروعی و عرصه رقبات صنعتی و مسکونی

تعداد ۳۰۰ فقره واقع در قراء و مزارع تابعه شهرستان بهار که به این شرح است:

- الف. ۳/۴۵۱ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ قریه هارون آباد تحت پلاک ثبتی ۱۵۸ اصلی؛
 ب. مقدار ۷۶ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ قریه خوشاب سفلی پلاک ۱۵۹؛
 ج. مقدار ۲۴ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ قریه خوشاب علیا پلاک ۱۶۰؛
 د. مقدار ۲۴ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ قریه حسن قشلاق پلاک ۱۷۶؛
 ه. مقدار ۶۸ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ مزرعه چملو پلاک ۱۷۷؛
 و. مقدار ۵۶ شعر مشاع از ۹۶ شعر شش دانگ مزرعه ملاقیدی پلاک ۱۷۸ همگی در بخش چهار همدان.

کلیه اراضی ذکر شده در اجرای قانون اصلاحات ارضی رژیم گذشته به سال ۱۳۵۱ به زارعان صاحب نسق واگذار شد که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و برابر فرمان شرعی حضرت امام خمینی (ره) در اجرای ماده واحد قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه به وقف اعاده و با زارعان و متصرفان و سایر افراد حقیقی و حقوقی سند اجاره تنظیم شده است.

با امعان نظر به مختصر تخصص اینجانب به عنوان کارشناس رسمی دادگستری در امور ثبتی و با عطف توجه به بررسی‌های انجام یافته، خوشبختانه کلیه موقوفات و رقبات مرحوم زنگنه در سطح شهرهای بیستون، تویسرکان و همدان و نیز قراء و مزارع اطراف بهار همزمان با آغاز عملیات اجرایی قانون ثبت عادی و عمومی اسناد و املاک، در دفاتر توزیع اظهار نامه به عنوان وقف معرفی و برابر مندرجات دفاتر آمار (احصاء) و حکایت محتویات پرونده‌های ثبتی، همگی اظهار نامه ثبتی دارند و اکثریت قریب به اتفاق آنها دارای اسناد مالکیت صادره به نام موقوفه شیخ علی خان زنگنه تحت تولیت متولی منصوص می‌باشد و نهایتاً تعداد قلیلی نیز به عنوان به اصطلاح پرونده‌های جاری در مراحل نشر آگهی نوبتی یا تحدید حدود مسکوت مانده یا تعطیل شده است و نیاز قطعی به پیگیری و برداشت نقشه رقبات علی‌الخصوص محدوده کل روستای فاقد سند مالکیت با قید متراژ حدود و تعیین مساحت می‌باشد.

پی نوشت: ۱- =زندگان عرصه عشق، اردشیر کشاورز، ج ۱، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان، چ ۱۳۸۲، ۱.

۲- سیاست و اقتصاد عصر صفوی، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، چ ۳، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران، ۱۳۶۲.

۳- سفرنامه کربلا و نجف، ناصرالدین شاه قاجار.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

سروقدی، میرزا محمد جعفر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

به سال ۱۰۷۹ ه. ق شادروان میرزا محمد جعفر سروقدی وقف‌نامه تنظیم و تحریر می‌کند که در خاندان و فرزندان او اکنون به وقف‌نامه اولادی معروف است. اصل این وقف‌نامه به همراه چند سواد دیگر که با اندکی تحریف در سنوات پسین سوادبرداری شده در مرکز اسناد اوقاف خراسان و نیز در مرکز خراسان‌شناسی و نزد چند تن از اولاد موجود است در مقدمه‌ی وقف‌نامه می‌خوانیم:

«روایت ثنا و سپاس و وظایف محامد بی‌حد و قیاس حضرت واقف السر والخفیات و واهب البر والعطیات را سزااست که مشهد مقدس دل کامل که سلطان ممالک رضاست، مطاف اشراف عاکفان حریم الطاف بی‌پایان اوست. پادشاهی که خوان سالار فضل عمیمش موائد فوائد و فی السماء از حاکم جهت اطعام مستحقان آماده گردانیده و سفره‌ی نوال بی‌زوال و مامن دابه فی الارض الا

علی الله رزقها...» و اندکی سپس تر واقف چنین می‌نگارد: «... بناء علی هذا المقدمات، در این وقت شمه‌ای توفیقات ربانی و شرمه‌ای از تأییدات سبحانی شامل حال و کافل امانی و آمال عالی حضرت متعالی منزلت، ستوده مرتبت، خجسته خصلت، پسندیده سیرت، حمیده طویت، و مرضیه رتبت، راسخه العقیدت... میرزا محمد جعفر، خلف الصدق مرحمت پناه، مغفرت دستگاه مبروری... میرزا محمد تقی مشهدی گردیده... وقف مخلد و حبس مؤبد نمود بر اولاد ذکور خود بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل و - عیاذ بالله - اگر اولاد ذکور و اناث اولاد ذکور واقف مذکور بطنا بعد بطن منقرض گردند، بر ذکور اولاد اناث مشارالیه بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل بر این موجب، وقفا صحیحا شرعا و حبسا صریحا دینیا اسلامیا.»

املاک موجود در وقف‌نامه مزبور را می‌توان در سه مجموعه دسته‌بندی کرد: املاک مشهد مقدس ۱. املاک مشهد مقدس ۱۴ ملک و مزرعه‌ی کوچک و بزرگ است که در گستره‌ی وسیع بلوک تبادکان به شرح ذیل پراکنده‌اند:

- مزرعه‌ی خارستانک، بلوک درزاب معه ملحقات، دو ربع (در سواد)؛

- مزرعه‌ی باغوچه، بلوک تبادکان و ملحقات، از جمله‌ی هشت سهم پنج سهم و از طاحونه‌ی واقعه در او نصف که مدار او بر دو سنگ؛

- مزرعه‌ی کالاکان (مساوی است با کلاکوب) بلوک تبادکان معه ملحقات و باغات نصفه کاری و خاصگی بالتمام؛

- مزرعه‌ی سرتش (مساوی است با سرطیوش) بلوک تبادکان معه ملحقات و با میرات و باغات نصفه کاری مالدهی بالتمام؛

- مزرعه‌ی غیاث‌آباد، بلوک ایضا، معه ملحقات و باغات نصفه کاری و مالدهی بالتمام؛

- مزرعه‌ی خرم‌آباد بلوک ایضا، معه ملحقات و باغات بالتمام؛

- مزرعه‌ی چهار کواره که در زیر مزرعه‌ی مهنار و گراب واقع است، بالتمام؛

- مزرعه‌ی نضرآباد، مشهور به حصر سنگ بلوک شهر، معه ملحقات و باغات، کلها، س ربع، و دو یخدان که زیر باغ عمارت واقع است.

- مزرعه‌ی نظریه بلوک تبادکان معه ملحقات، از جمله بیست و چهار سهم نوزده سهم؛

- مزرعه‌ی محمدآباد، بلوک تبادکان، دو شبانه‌روز آب، معه اراضی شقا چهارده جریب و دو قطعه باغ؛

- مزرعه‌ی برج‌آباد بلوک تبادکان، سه ربع معه ملحقات و باغات.

- مزرعه‌ی دهرود بلوک شهر، معه باغات و ملحقات، بالتمام. (وقف سقاخانه نجف اشرف) طاحونه‌ی واقع در مزرعه‌ی دهرود که بر دو حجر دایر است، بالتمام.

۲. باغات و غیره

- باغات مکروم مشجر واقع در قریه‌ی ویرانی معه آب کاریز که متعلق به باغات مذکوره است و دو آلاز آب کوه و اراضی که در قریه‌ی مذکور واقع است.

- خان و دکاکین واقع در بازارچه‌ی عید‌گاه،... نصف.

- منزل مهمانخانه با باغچه: مطبخ و سایر متعلقات و حرمسرا و حمام واقع در کوچه‌ی مسجد شهره. املاک نیشابور - مزرعه‌ی داشخانه و میاه کارشک بر هشت زوج عوامل دایر است.

- مزرعه‌ی اردوغشن، حصار سرو، دریا صفی و اراضی آبکوه و طاحونه با ملحقات بالتمام.

- مزرعه‌ی فخرآباد، بلوک اردوغشن، بالتمام. املاک سرجام - مزرعه‌ی جنابد بلوک پساکوه جام معه متعلقات و باغات از جمله بیست سهم، نه سهم؛

- مزرعه‌ی معاد سرجام بلوک سرجام، معه ملحقات و قنوات و چشمه‌ی آب، بالتمام سپس در وقف‌نامه می‌خوانیم: «... که حاصل

محال موقوفه را بعد از اخراج بذر و نفقه القنات و زکوة و اخراجات ضروریه شرعیه و عرفیه به هر اسم و رسم که بوده باشد، مساوی علی رؤوس الاولاد که در مشهد مقدس متوطن باشند، قسمت نمایند...».

در وقف‌نامه‌ی مورد بحث رقباتی وقف اولاد اناث وجود دارد، که راقم این سطور هیچ‌گاه، از بزرگان و صاحبان اطلاع اولاد خبری در این خصوص نشنیده است، از سرنوشت و بده بستان‌هایی که در طول سه قرن اتفاق افتاده است، در حافظه‌ی فردی و جمعی خاندان مورد بحث، جایی ندارد. اولاد دختر واقف متأسفانه در حال حاضر هیچ حصه و سهمی در اختیار ندارند! در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- چاه آب بلوک جاغرق با باغات و ملحقات بالتمام؛

- مزرعه چمیزدر، سفید کمر، همت‌آباد بلوک تبادکان با باغات و قنوت و ملحقات؛

- مزرعه قاسم‌آباد بلوک تبادکان، بالتمام؛

- مزرعه پاژ (مساوی است با فاز مساوی است با باز) و ملحقات از مدار معینه کل مزرعه مذکوره یک فرد.

واقف، میرزا جعفر، در خصوص تولیت املاک و اراضی در وقف‌نامه مشهور به اولادی، می‌نویسد: «... و شرط نمود ضمن العقد تولیت را به جهت خود مادام الحیاء و بعد از خود در هر مرتبه‌ای از مراتب هر کس باشد از روی فهمیدگی به شرایط مزبوره قیام نماید... و ایضا شرط نمود که در هیچ مرتبه‌ای از مراتب محال موقوفه را نفروشد و رهن نمایند و به صدق و هبه ندهند... و به ارباب منصب و عمال دیوانی متقلبه... و جمعی که انتزاع از ایشان متعذر باشد به هیچ وجه ندهند... و هر گاه متولی شرعی هر زمان از ازمه و ایام خلاف شرعی از او صادر شد و توبه نماید، باز سایر اولاد او را متولی شرعی دانند...».

و نیز در خصوص املاک وقفی اولاد دختر خود می‌نویسد:

«... و ایضا ضمن العقد، تولیت را شرط نمود واقف مشارالیه از برای خود فی قید الحیات و بعد از خود از جهت اسن اولاد اناث خود ذکورا و اناثا بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل و واقف...».

از برخی نسخ سوادبرداری شده از اصل وقف‌نامه، که اندکی در آن تصرف شده است، و تغییرات عمدی در آنها راه یافته است، چندین برمی‌آید که بعد از فوت میرزا محمد جعفر سروقدی بین ورثه‌ی نسل اول او منازعه و اختلاف پیش می‌آید، و تعدادی از آنها مدعی می‌شوند که املاک یاد شده از زمره‌ی وقفیات نبوده است، و کوشش نموده‌اند که املاک مزبور را به صورت ملکی به تصرف خویش درآورند. از این میان تعدادی هم اقرار به وقف املاک داشته‌اند، دعوا بالا می‌گیرد، از کسانی که در زمان حیات از جریان امر مطلع بوده‌اند در یک جا جمع می‌شوند، و ضمن سوادبرداری مجدد و یحتمل دخل و تصرف در اصل وقف‌نامه، به صحت وقف‌نامه شهادت می‌دهند. در انتهای یکی از نسخ می‌خوانیم: «... بعد از آن که فی مابین ورثه مرحمت‌پناه جنت آرامگاه منازعه بود، در باب لزوم وقفیت و عدم لزوم آن و رجوع واقف از وقفیت آن و عدم رجوع آن و تصرف واقف در بعضی از اعیان موقوفه به بیع و اجاره زائد بر مدت مشروطه و غیر ذالک من المقدمات و جمیع فضلا و سادات که در حضور ایشان این گفتگو مذکور شده اداء شهادت نمودند، بدین مضمون که واقف مرحوم در حضور ایشان به لزوم وقفیت و اقباض آن نموده، بنابراین رجوع لغو و تصرفات منافیه باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود، و علی ذالک وقوع الاشهاد و کان ذالک فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۰۸۵».

در این مجمع ۵۰ نفر از بزرگان و علما و سادات مورد وثوق مردم شهر مقدس مشهد اقرار و اعتراف به وقفیت می‌نمایند.

یک بار دیگر، در دوره‌ی پهلوی‌ها، مرحوم میرزا محمد باقر رضوی، متولی وقت، چشم طمع بر املاک می‌دوزد، و تلاش می‌کند تمامی املاک اولادی را به نام خود به ثبت برساند که دعوایی چندین ساله در محاکم آن دوره طرح و نهایتا صلح‌نامه‌ای رسمی در

سال ۱۳۲۷ شمسی به طرفیت میرزا محمد باقر رضوی و ۳۰ نفر از رؤوس اولاد منعقد می‌شود که همین صلح‌نامه پایه عملکرد موقوف علیهم قرار می‌گیرد. در پایان سخن لازم است یادآور شد که موقوفات میرزا جعفر بویژه املاک آن در اصلاحات ارضی شاه ساخته مورد تعرض قرار می‌گیرد و بار دیگر به طور رسمی موقوفات دچار تحدیدهای ظاهرا قانونی می‌گردد. برگرفته از کتاب پایگاه راسخون

سروقدی، میرزا محمد طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمد طاهر سروقدی مشهور به وزیر خان ساکن هند، به برادر خود در مشهد یعنی میرزا جعفر سروقدی نیابت می‌دهد تا رقباتی را از ولایت مشهد خریداری و وقف سقاخانه نجف اشرف نماید. میرزا جعفر، مزرعه دهرود را در کنار کشف رود از بلوک شهر (اکنون در مسیر جاده سیمان) و یک باب کاروانسرا در (میدان... مشهد) جمعا به بهای حدود ۵۵۰ تومان تبریزی خریده، وقف می‌نماید.

میرزا جعفر یا کاتب وقف‌نامه، میرزا محمد طاهر را با این القاب معرفی کرده است: «... عمده اعظام الاشراف والوزراء الکرام... اعنی صاحب السیف والقلم و منبع الجود و البر و النعم جناب آقای حضرت العظیم الشأن الرفیع اسکان میرزا محمد طاهر الشریف المخاطب وزیرخان...» و سپس می‌افزاید: «نامزد بنده داعی و مخلص بی وداعی المتشرف بالاخوة نسبا و المعترف بالعبودیة فضلا و حسبا محمد جعفر بن محمد تقی المرحوم گردیده بود مشتمل بر این مضمون خیر... که از جمله رقبات و املاکی که در مشهد مقدس معلی جهت سرکار خیر آثار آن نیکو اطوار از عین المال ایشان و کاله ابتیاع نموده‌ام. قدری که به حسب قیمت وقت مساوی مبلغ پانصد تومان (۵۰۰) تبریزی نصفه تأکیداً مبلغ دویست و پنجاه تومان موصوف بوده باشد. به صیغهی وقف شرعی و تولیت این داعی و اولاد این داعی به قیدی چند که مسطور می‌گردد، حاصل و منافع آن سال به سال صرف سقاخانه‌ی نجف اشرف علی مشرفه... شود.»

میرزا جعفر می‌افزاید: «وقف صحیح صریح معتبر شرعی نمودم و انا العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الملک الغنی محمد جعفر بن محمد تقی الشریف مشهدی، و کاله عن نواب اخی و مخدومی السابق بعض القابه الشریفه مجموع محلین مفصلین زیرا را: همگی و تمامی کل مزرعه... موسوعه به دهرود بلوک شهر من بلوکات مشهد مقدس معلی... محدود به اراضی مزرعه سیس آباد و به اراضی مزرعه‌ی کبود و به مزرعه‌ی زیرکن و قرامحمد و به حریم رودخانه‌ی کشف رود باکلی توابع شرعی و لواحق ملیه خصوصا دو قطعه مکروم و یک قطعه دالستان که به نصف کاری است. کل مزرعه مزبوره که مدار آن بر شش زوج عوامل (است)، که هر زوجی هر سال مقدار شش خروار گندم و جو بذر می‌شود، دایر است. از عین‌المال نواب منظم‌الیه و کاله عنه دامت دولته و حشمته به مبلغ چهارصد تومان تبریزی ابتیاع نموده‌ام. مع همگی و تمامی کل یک باب کاروانسرای معین معلوم واقع در بازار جدید راه میدان مشهد مقدس به موضع سرجه (...، شهرة، محدود به کاروانسرای شیخ حسن داوود و به خانه‌ی امناء کله پز و تیمچه‌ی غایب خانه‌ی محمد حسین خارحسی فروش و به شارع بازار باکل توابع شرعیه خصوصا دکاکین متصله به آن که منحصر است بر پنج باب دکان از دو جانب در کاروانسرای مزبور، باهمه‌ی توابع و لواحق به مبلغ یکصد و پنجاه تومان تبریزی از خالص مال نواب معظم‌الیه و کاله عنه دام عزه و عظمه، ابتیاع نموده‌ام...».

در باب تولیت آن هم گفته شده است: «... که متولی شرعی وقف مزبور... سال به سال منافع محلین مزبورین را نقد نموده بعد از

اخراجات و برداشتن عشر به صیغه‌ی حق التولیه بقیه‌ی آنچه ماند مصحوف امانا نموده روانه نجف اشرف سازد... و متولی محلین مزبورین به اذن نواب سابق الالقاب گردانیدم خود را مادام که حیات مستعار باقی بوده باشد و بعد از خود از هر طبقه از طبقات اولاد ذکور از روی فهمیدگی به شرایط مزبور قیام نماید و هیچ حصه‌ای از حصص آنها را به احدی از اهل امارت و فرمانروایی و کلاسی ایشان و جماعتی که دست از دامن قدرت و مکتب ایشان کوتاه بوده... به اجاره و مصالحه و هیچ یک از عقود شرعیه ندهد، و با هیچ کس زیاده بر سه سال مدت تصرف در محلین مزبورین مقرر نسازد و دست تصرف صدور و حکام و عمال متصدیان مباشرین موقوفات را به قدر مقدور از مدخل داشتن در وقف مزبور کشیده و کوتاه داشته باشد در منع ایشان بذل مجهود بنماید... مورخا به تاریخ شهر ربیع‌الاول من شهور سنه ثمان و سبعین بعد الف من الهجرة النبویه (۱۰۷۸)

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

سیدعلی خان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینی‌ی گل گوتی

۱۵۰ سال پیش مرحوم سیدعلی خان ایرانی مقیم کلکته، ملکی را در منطقه‌ی گل تولای به عنوان حسینیه وقف کرد. این ملک ۵۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای ۱۰ مغازه می‌باشد. عایدات مغازه‌ها که به علت قدمت اشتغال مستأجرین بسیار کم و ارزش سرقفلی پیدا کرده است به هر حال صرف امور خیریه و حسینیه می‌شود. متولی فعلی آن محمد عقیل حسین شیعه هندی می‌باشد. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شاه سلطان حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفه‌ی شاه سلطان حسین

نویسنده: رسول جعفریان برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین در کاخ فرح آباد مقدمه حرکت وقف در دوره‌ی شاه سلطان حسین صفوی، پرشتاب‌تر از آنچه در دوره‌ی سلطنت شاهان پیش از او بود، به پیش رفت؛ چرا که وی علاقه‌ی زیادی به وقف داشت و نه تنها خود، که بسیار از درباریان و نیز آغایان حرم، یعنی خواجگان دربارش، به کار وقف می‌پرداختند، در دفتر هفتم این مجموعه، وقف‌نامه‌ی نظر آقا را که یکی از همین خواجگان بود، به چاپ رساندیم. همچنین، وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی سلطان حسینیه را که از آقا کمال از خواجگان حرم و مسؤول امور مالی دربار شاه سلطان حسین بود، در دفتر نخست میراث اسلامی ایران به چاپ رساندیم.

در اینجا وقف‌نامه‌ی دیگری را ارائه می‌کنیم که پیش از این در کتاب تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان (۱) به چاپ رسیده است؛ اما مع الاسف، به قدری متن چاپ شده پر اشتباه است که چاره‌ای جز طبع مجدد آن ندیدیم؛ به ویژه نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی آیة‌الله العظمی مرعشی به شماره‌ی ۵۴۵۸ یافت شد و امکان مقابله‌ی متن چاپی با نسخه‌ی مرعشی فراهم گردید. در مقابله روشن شد که

در این چند صفحه، افزون بر مواردی که خواننده نشده و برخی از آنها مانند نام یکی از روستاهای وقف شده بسیار اهمیت دارد، موارد زیادی به خطا خوانده شده است. در اینجا از ذکر این خطاها صرف نظر می‌کنیم. آنچه مهم است اراده‌ی متنی کم غلطتر است که ما برای ارائه‌ی آن کوشش خود را کرده‌ایم. افزون بر متن وقف‌نامه، ضمن مقدمه‌ای، شرحی کوتاه درباره‌ی این وقف‌نامه، روستاهای وقف شده و جهت وقف داریم که به هیچ کدام از این نکات، در کتاب یاد شده، پرداخته نشده است.

آنچه شایسته یادآوری است این است که اصولاً از روی هر وقف‌نامه‌ای چندین نسخه با خط خوش نوشته می‌شده است. در این باره، کاتب تلاش می‌کرده است تا نسخه‌ها را دقیقاً مانند هم بنگارد. به نظر می‌رسد این نکته درباره‌ی وقف‌نامه‌ی ما نیز صدق کند، زیرا خط‌هایی که در متن چاپی سپنتا راه یافته، به درستی نشان می‌دهد که آن نسخه نیز دقیقاً شبیه این نسخه کتابت شده بوده است. گفتنی است که تاریخ تنظیم این وقف‌نامه، ۲۰ محرم سال ۱۱۲۸ هجری است. روستاهای وقف شده

اولین مورد وقف سیزده جبه و دو دانگ از یک جبهی دیگر، از مجموع ۷۲ جبهی روستای جشیر یا جی شیر یا به اصطلاح محلی گشیر است. این محل که در حاشیه‌ی زاینده رود در کنار محله‌ی سلیمی، و حاشیه‌ی بیمارستان چمران قرار گرفته و سه تا چهار کیلومتر از سمت جاده‌ی مشتاق دوم تا خیابان بزرگمهر فاصله دارد، دارای زمین‌هایی است که از رودخانه زاینده رود مشروب شده و همه‌ی اطراف آن آباد می‌باشد. بدین ترتیب، روستای یاد شده در خاور اصفهان قرار داشته و زاینده رود از جنوب آن می‌گذرد. در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۳۰ از یکی از اهالی روستا درباره‌ی وضعیت ملکی زمین‌های روستا پرسیدم؛ وی گفت: شنید است که این روستا تا پیش از آن که بخش عمده‌ی آن به ملکیت برخی از افراد خاندان نجفی درآید - چهار دانگ آن متعلق به این افراد بوده - شاهی یعهی خاصه و متعلق به دربار بوده است. اما ایشان از این که در گذشته، در آنجا ملک وقفی وجود داشته باشد، آگاهی خاصی نداشت (۲) تنها حدس می‌زد که اگر چیزی هم به این عنوان بوده است، باید مربوط به گوشه‌ای از زمین‌های روستا باشد که به نام قالی وردی شهرت دارد.

مورد دوم وقف، قریه‌ی دستجرد مهرداداران است که در فرهنگ جغرافیایی ارتش، از آن با عنوان دستگرد مهرآوران یاد شده است. این روستا از روستاهای فلاورجان است و در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان و در ۱۶ کیلومتری جاده‌ی آسفالته اصفهان - فلاورجان قرار داشته، زاینده رود از غرب آن می‌گذرد (۳).

سومین مورد وقف، باغ شمس الدین است که بنده از محل دقیق فعلی آن آگاهی ندارم. اما از متنی که درباره‌ی تقسیم آب زاینده رود در دست است، چنین به دست می‌آید که در نزدیکی فخرآباد یکی از روستاهای منطقه‌ی لنجان که در همسایگی دستجرد مهرداداران است، قرار دارد. (۴) در این متن آمده است که: مادی دستجرد - یعنی همان دستجرد مورد نظر ما - شش سهم می‌شود: دستجرد: سه سهم. نارجان: یک سهم و نیم. فخرآباد: یک سهم، باغ شمس الدین: نیم سهم (۵). جهت وقف

موردی که برای مصرف این موقوفات تعیین شده است، در مرحله‌ی نخست، مانند همه‌ی وقف‌نامه‌ها، سهم متولی و ناظر است که هر کدام یک عشر از درآمد را خواهند داشت. متولی شخص شاه و پس از درگذشت وی، شاه بعدی خواهد بود. پیش از آن که سهم متولی و ناظر داده شود، می‌بایست آنچه که برای بقای این موقوفه لازم است، از درآمد آن جدا شده و صرف آبادی آن شود. پس از آن، به عنوان مصرف اصلی درآمد موقوفه، می‌بایست هشت عشر باقی مانده، صرف برپایی مراسم روضه خوانی در کاخ فرح آباد شاه سلطان حسین شود. این روضه خوانی می‌بایست در شب عاشورا، شب اربعین و شب بیست و یکم ماه رمضان برگزار گردد. بخشی از پول برای روضه خوان و بخش دیگر برای طبخ حلیم و پذیرایی از

حاضران است. شاه در این وقف‌نامه تصریح کرده است که حق التولیه را که او تعلق دارد، در امور خیر مصرف کنند. نیاز به توضیح نیست که اساساً یکی از موارد وقف که در دوره‌ی صفوی به آن توجه زیادی وجود داشت، وقف برای روضه خوانی

بود که به صورت سنتی پایدار در ایران به ویژه شهر اصفهان درآمد. واقفین، افزون بر توجه به روضه خوانی، برای مسافران کربلا نیز موقوفات فراوانی را معین می‌کردند. یک نمونه از این قبیل موقوفات، وقف روستای خاوه از روستاهای قم و چندین روستای دیگر در اصفهان، از طرف یک شاهزاده خانم صفوی است (۶).

اما کاخ فرح آباد کاخی سست بنیاد و از خشت خام بوده است که شاه سلطان حسین آن را دامنه‌ی کوه صفا اصفهان ساخته و تابستان‌ها را در آن سپری می‌کرده است. کاخ یاد شده پس از حمله‌ی افغان‌ها، به دلیل آن که نخستین منطقه‌ای بود که به دست آنان افتاد، در اختیار آنان قرار گرفت و شاه سلطان حسین، در همانجا نزد محمود افغان رفت. پس از آمدن افغان‌ها به شهر و استقرار در کاخ‌های اصفهان، به مرور، فرح آباد رو به ویرانی رفت، به طوری که ویرانه‌های آن تا اواخر دوره‌ی قاجاریه وجود داشته و پس از آن هم، منطقه‌ی یاد شده، به پادگان نظامی تبدیل شد. به نوشته‌ی خاتون‌آبادی در وقایع الاعوام و السنین، شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۳ به فرح آباد رفت و دستور بنای عماراتی را در محل آن باغ داده؛ سپس از اعیان و علما نیز خواست تا هر کدام زمینی را در اطراف آن گرفته، عمارتی در آن بسازند (۷). گواهان وقف‌نامه

طبق معمول، هر وقف‌نامه، توسط شماری از بزرگان، از علما و کارگزاران دولتی، گواهی می‌شده است تا موقعیت آن تثبیت شود. شاه وقف‌نامه را تنظیم کرده و آن را برای افراد مورد نظر فرستاده است تا آن را امضا کنند. در این وقف‌نامه، نام این افراد به چشم می‌خورد:

۱ - فتحلی خان اعتماد الدوله‌ی شاه سلطان حسین که در نهایت به دستور شاه نایینا

شد. (۸) به رغم دفاعی برخی از منابع از وی، شاعر مکافات نامه او را متهم کرده است که شاه را به کاخ فرح آباد می‌فرستاد و خود اختیار همه‌ی امور را دست داشت:

بده اختیاری که کل جهان

مرا بنده باشند از مال و جان

به تعمیر باغ فرح روز و شب

به اقبال مشغول شو بی تعب (۹).

۲ - سید مرتضی بن سید علی الحسینی، از چنین شخصی در طبقات اعلام الشیعه قرن دوازدهم در میان «مرتضی‌ها» یاد شده است. (۱۰) به احتمال این شخص از جمله صدور زمان سلطان حسین بوده است.

۳ - محمد باقر بن سید حسن حسینی، این شخص، محمد باقر بن میرزا حسن - از خاندان خلیفه سلطان - صدر خاصه‌ی شاه سلطان حسین است که در حدود سال ۱۱۴۸ در گذشته است. (۱۱) مهر وی به عنوان صدر خاصه در گواهی برخی از وقف‌نامه‌های دیگر شاه سلطان حسین دیده می‌شود (۱۲).

۴ - محمد حسین بن شاه محمد، وی دومین ملاباشی و آخرین ملاباشی عصر صفوی است. منصب ملاباشی با محمد باقر خاتون‌آبادی در سال ۱۱۲۲ آغاز شد و پس از درگذشت وی در سال ۱۱۲۷، محمد حسین تبریزی فرزند شاه محمد به این منصب تعیین گردید (۱۳).

۵ - محمد بن حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی. وی یکی از فقهای برجسته‌ی دوره‌ی اخیر صفوی و نویسنده‌ی کتاب ارجمند کشف اللثام است که بنا به آنچه بر روی سنگ قبر وی آمده، در سال ۱۱۳۷ در گذشته است (۱۴). متن وقف‌نامه

هو الواقف علی الضمائر

بسم الله الرحمن الرحيم

نهال بی‌همال حمدی که در بساتین فرح آباد صدور مؤمنین نشو و نما یافته، در جنات نعیم مثمر رضوان حضرت منان کریم گردد؛

و ریاحین گوناگون شکری که در گلستان جنت نشان قلوب مقربین، به استشمام فوایح روایح عواطف، مشام جان را فرخندگی و شکفتگی بخشد، شایسته‌ی حدایق جلال ایزد متعال و کریم بی‌مثال، واقف آشکار و نهان و باسط کون و مکان است جل جلاله و عم نواله که بوستان آرای قدرت کامله‌اش در گلستان کاینات، اقسام مخلوقات را، هر یک به رنگی آراسته و جلوه‌گر ساخته تا مظهر ازهار فواید و مثمر اثمار عواید شوند. فحمد الله ثم حمدا لله.

و گلدسته‌های صلوات بلانهایات که از فیض رنگ و بو، دیده و مشام انام را صاحب نصیب و کامل نصاب، و میوه‌های نورس تسلیمات که از شهد آبدار کام مرام (۱۵) خواص و عوام را لذت یاب سازند، تحفه‌ی بارگاه رسول لازم الاتباعی است که هر کس ساز مصباح هدایت او اقباس نور معرفت نمود، پرتو عنایت ازل، چون خورشید و ماه بر ساحت احوال او تافت؛ و هر که مزرع دل و بوستان جان را وقف اطاعت و انقیاد امر و نهی نمود، ملخ خسران ون کرم زیان به فضای مزروعات و عرصه‌ی مغروساتش راه نیافته؛ اعنی سید انبیاء و مظهر الطاف بی‌منتها فاتحه‌ی کتاب ایجاد، حضرت عزت و جلالت خاتمه‌ی رساله‌ی نبوت و رسالت؛ و بر آل و عترت او که به طهارت ازلی مخصوص و در صفوف امامت و ولایت به سرفرازی منصوص‌اند، صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین.

اما بعد، غرض از ارتسام این سطور حقیقت انجام، و ترقیم این حروف شرعی‌المبدأ و الختام، آن است که چو خاطر عاطر دریا مقاطر بندگان اعلی حضرت، آسمان رفعت، خورشید اضاءت، مشتری سعادت، والا جاه جهانیان پناه، پادشاه نامدار کامکار، شهنشاه معدلت شعار آفتاب اشتهار، زینت بخش متکای عظمت و اقبال، سایه نشین

شاخسار مرحمت ذی‌الجلال، مقنن قوانین عدالت، مؤسس اساس جلالت، مالک خصال حمیده ملکی، مورد آثار پسندیده فلکی، مظهر عوارف کردگار، مشمول مراحم آفریدگار، رونق افزای بساتین جلالت، زینت بخش بساط ابهت و نبالت، متوکل بر عنایت جناب پروردگار، متوسل به ولایت ائمه‌ی اطهار، ذو‌الهیة القاهرة و الصولة الباهرة و العظمة الظاهرة، السلطان بن السلطان بن الخاقان به الخاقان بن الخاقان، کلب آستان امیرالمؤمنین بتأییدات الملک الغنی المغنی، ابوالمظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادرخان - ادام الله ظل جلاله مدی اللیالی و الایام و افاض شایب بره عدله و انعامه علی مفارق الأنام - متعلق بود که: رقبات وقفی

هر ساله در شهر مبارک فرح آباد جمعی به تعزیه‌ی حضرت سید الشهداء اشتغال و از ثواب آن بهره‌مند گردند، لهذا - قربه‌ی الی الله و طلبا لمرضاته - وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد دینی فرمودند:

تمامت سیزده حبه و دو دانگ از حبه‌ی دیگر تام مشاع از کل هفتاد و دو حبه‌ی قریه‌ی معینه‌ی جشیر (۱۶) شهرستان جی من بلوکات تسعه‌ی دارالسلطنه اصفهان با کافه‌ی ملحقات و منضمات اسلامیة از اراضی و صحاری و انهار و غیره من شرب و مشارب و غیر ذلک.

و قاطبت قریه‌ی معینه‌ی دستجرد مهرداداران و باغ شمس الدین واقع در لنجان من بلوکات تسعه‌ی دارالسلطنه‌ی اصفهان با جمیع توابع شرعی‌ی دینیه که به موجب قبالات اسلامیة به عنوان عقود لازمه و شروطه مبسوطه در آنها به سرکار عظمت آثار خاصه‌ی شریفه انتقال و به ملکیت سرکار عظیم الاقتدار اختصاص یافته بود، و به شرح ارقام مطاعه‌ی لازم الاطاعه از مالیات دیوانی معاف و از اصل بنچه‌ی دارالسلطنه‌ی مزبوره موضوع فرموده بودند، به این نحو که آب تابع دستجرد مهرداداران و باغ شمس الدین را در وقت زراعت صیفی، هر گاه در باغ مبارک شهر فرح آباد بهشت بنیاد احتیاج به آب باشد، به باغ مزبور جاری و اراضی باغ مزبور را شرب و آب شتوی را در محلین مزبورین شرب و زراعت نمایند و بعد از آن که به میامن الطاف ابی عبدالله الحسین، (۱۷) به جهت باغ مبارک مسطور به

نحو دیگر آب تدارک شود و احتیاج به آب صیفی محلین مزبورین نباشد، به دستور شتوی نیز در محلین مزبورین شرب و زراعت

کنند. مورد مصرف

و آنچه به هر جهت از محصولات محال ثلاثه‌ی مزبوره به فضل حضرت و اهب بی ضنت به عمل آید، بعد از وضع مؤنات زراعت و آنچه به هر جهت، سبب تمییه و بقای عین حصص موقوفه بوده باشد، تتمه را به ده عشر متساوی الاجزاء منقسم ساخته، یک عشر آن را به متولی شرعی هر عصر به صیغه‌ی حق التولیه و حق السعی خود متصرف شود و یک عشر دیگر را به صیغه‌ی حق النظاره در وجه هر کس که فراشباشی و سرایدار باشی عمارات باغ مبارک فرح آباد بوده باشد، مقرر دارند که نهایت سعی و اهتمام نماید که کارکنان وقف مزبور، در نظم و نسق و تکثیر زراعت و تمییه‌ی حاصل وقف مزبور نهایت اهتمام نموده، تکاهل و تسامح ننمایند و تغلبی واقع نشود.

و وزرات وقف مزبور به دستور سایر موقوفات بندگان ثریا مکان نواب اشرف اقدس - لا زالت أغصان شوکتها زاهرة الی ظهور صاحب الزمان و خلیفه الرحمان - با وزیر جلیل القدر آن سرکار است که در تشخیص محاسبه و تحقیق حاصل هر سال و قلمی نمودن نسخه‌ی منقحه‌ی وقف مزبور نهایت اهتمام نماید.

و هشت عشر بقیه‌ی حاصل موقوفات مزبوره را، هر سال در دهه‌ی ایام عاشورا و روز بیست و یک شهر رمضان المبارک و روز اربعین، صرف اخراجات تعزیه‌ی حضرت سید الشهداء، ثالث ائمه‌ی هدی، در صدق امکان، گوشواره‌ی عرش رحمن، به این نحو نمایند که طالب علم عارف به احادیث ائمه‌ی طاهرین، سلام الله علیهم اجمعین، احادیثی که در باب تعزیه‌ی آن امام معصوم شهید مظلوم واقع شده و مرثی‌های آن امام عالی مقام علیه الفضل الصلاة والسلام را در شهر مبارک فرح آباد بیان کند و روضه بخواند و جمعی از مؤمنین و مؤمنات که در آن مجمع حاضر باشند، به تعزیه مشغول گردند و قدری که مناسب دانند، به آن طالب علم دهند، و تتمه را با طبخ حلیم در شب عاشورا و در ایام مزبوره و نان گندم و سایر مأكولاتی که ضرور باشد و قدری که مناسب دانند، به جهت جمعی که در آن مجمع به خدمات مشغول باشند، صرف نمایند و چیزهای شیرین از طبخ حلوا و غیره نسازند و در آن مجمع نیاورند.

و ثواب آن را به ارواح مقدسه‌ی حضرات عالیات سدره مرتبات عرش درجات چهارده معصوم - صلوات الله علیهم - هدیه فرمودند. و تولیت شرعیه‌ی وقف مزبور را تفویض فرمودند به نفس انفس و وجود اقدس خود - ما دامت الدنيا عامرة بفیض جود وجوده الأقدس - و بعد از خود به هر کس که پادشاه و فرمانفرمای ممالک فسیح الممالک ایران باشد. و شرط فرمودند که حق التولیه را - ما دامت الارض عامرة بوجوده الاقدس - در جوه خیرات و مبرات که مصلحت دانند صرف نمایند.

و نیز شرط فرمودند که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشدند و مرهون نسازند و تصرفات مالکانه نکنند. و به صیغه‌ی وقف عربی و فارسی تلفظ فرمودند و موقوفات مزبوره را از ید ملکیت اخراج و به ید تولیت اخذ و تصرف فرمودند: فصارت الحصص المزبورة وقفا بتا بتلا لازما جازما أن یرث الله الارض و من علیها.

و كان ذلك الوقف فی عشرين شهر محرم الحرام من شهر سنة ثمان و عشرين و مائة بعد الألف [۱۱۲۸] من الهجرة المباركة النبوية علی مهاجرها الف آلاف سلام و تحية.

هو

به نحوی که در متن قلمی شده وقف فرمودیم.

کلب آستان علی بن ابی طالب حسین الموسوی. گواهان

هو الله تعالی شأنه

به فرمان قضا جریان قدر توأمان خدیو جهان و قبله‌ی عالمیان که جان همگی غلامان فدای غبار قدم همایونش باد، بنده‌ی خاص و

بنده زاده با اخلاص آستان خلافت نشان، بر مضامین بلاغت آیین این کتابت مستطاب شاهد گردید.

فتح علی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى احكم بحكمته الظاهرة نظام عوالم الامكان، و اتقن بقدرته الزاهرة ثبات الكون و المكان [و] سخر بسلطنته القاهرة محروسه ممالك الوجود و عمر بمملكته الباهرة المعموره اقاليم العدل و الجود، الذى دار مدار الخلافة الالهيه و أضواء ضياء الهدايه الربانيه على حمله عرش العلوم الملكوتيه و مطالع انوار الكمالات الناسوتيه و ختمهم بمحمد صلى الله عليه و اله صفوه النبوه الصفيه و اله و اولاد الذين هم خير البريه.

و بعد الصلوه عليه و عليهم صلوه يعادل الثقلين و سلام يقابل العالمين، فقد شرفنى الامر الاعلى المطاع، النافذ فى الاصقاع و الارباع برسم الشهاده و درك السعاده بهذا الكتاب المستطاب المتزين بالختم الاشرف الاعلى و المتحلى بالصدق من المبدأ الى المنتهى. فأطعت أمره الامثل ممتلا و شهدت حكمه الاجل متبجلا لازال سفان النجاه جواز فى بحث فيضه العامر بشرع الشرايع و الاحكام و فلك الامن و الامان مستويه على جودى جوده الذى وقف عليه العدل و الاحسان.

و كتب عبده الذى صنع أياديه و رقه الذى طوع اوامره و نواهيه

سيد مرتضى بن سيد على الحسينى

بسم الله خير الاسماء

الحمد لله الذى جلت سرادقات كبريائه و سلطانه من أن تناله افكار العقلاء و المتألهين و ارتفعت ساحه فضله و امتنانه عن أن يبلغ اليها أنظار العلماء المتبحرين، الذى جعل قلوب عباده معموره بنور المعرفه و اليقين، و أعد لاصفيائه جنات تجرى من تحتها الأنهار أنزلهم منزلا مباركا فى دارالقرار و هو خير المنزلين. و الصلوه و السلام على الرسول المؤيد من عنده بلطف متظاهر جلى و المسدد من لدنه بفيض متظافر على، صدر مداين العز و العلى، و بدر عوالم الفضل و البهاء، محمد المصطفى خير اولى النهى، و آله و اولاده ائمه الهدى، سيما وارث علمه و وزيره على المرتضى.

و بعد لقد القى الى هذا الكتاب المستطاب الذى لا يحوم حوله شك و لا ارتياب - طوبى لواقفه و حسن مآب - مختوما بالختم الأشرف الأجل الأرفع السلطاني، مقرونا بالأمر الأقدس العلى الأعلى الخاقانى فجعلته مرآه لمثال الامتثال، و كتبت فيه ما صدر به الأمر الأشرف الأعلى على الاجمال و رسمت ما تعلق به الفرمان الأقدس الأسنى على وجه تحكى عن صورة الحال، أحسن الله اليه فى المآب و المآل، لا زال شمسا للخافقين و بدرا للمشرقين و مروجا لشريعه اجداده المصطفين.

و أنا الداعلى لا بود دولته القاهرة الباهرة الزاهرة العليه العاليه الكبرى و المستدعى لخلود سلطنته السنيه البهيئه الزكيه العظمى.

محمد باقر بن سيد حسن حسيني عفى عنهما.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى البلاد و أنار سبل الرشاد و أبار ارومه الفساد بارتفاع لواء دوله كريمه قويمه صفيه صفويه خضعت لها الرقاب و خفقت اليها أفئده اولى الالباب. و صلى الله على النبى الكريم ذى الخلق العظيم و المجد الجسيم، سيد المرسلين، المبعوث رحمه للعالمين. و على آله الغر الميامين بروج فلك الهدى و السعاده و الدين، سيما مركز دائرة الهدايه و ضضىء معدن الفصاحه، ذروه سنام السماحه و شاهق طود البساله، دوحه العباده و الزهاده، صنو النبى و خليفته بالنص الجلى صلوه دائمه ما مادامت اغصان الارقان مورقه و احداق الطعان مونقه.

و بعد فقد صدر الأمر الأشرف المطاع - ما برح نافذا - فى الرباع و الأصقاع بأن احيط خبرا بفحاوى هذا الكتاب الكريم، المختوم بالختم القويم و أكون شاهدا على ما حواه من الخطب المبارك الجسيم، فأتمثل أمره الأقدس قن أياديه العظيمه و المشمول بعواطفه

القدیمة، المستدعی ابود دولته العلیة و دوام سلطنته الجلیلة الجلیة، الفقیر الی الله الصمد،

محمد حسین بن شاه محمد، حامدا مصلیا.

بسم الله الرحمن الرحیم

وقف علی ولی الحمد و الثناء، معترفا بالقصور عن الاحصاء، و حبست الصلوة علی سید الأنبیاء و آله الأئمة الأصفیاء.

و بعد وصل (۱۸) الی الرقیم الکریم المتضمن للوقف القویم، اصحاب کهف ملوک

السبعة الاقالیم، سلالة آل طه و یس، خلاصة مکور الماء و الطین - ادام الله ظلال رأفته علی أفارق العالمین - لا ختم علیه و أضم شهادتی الیه. فقبلته و تقبلته و تسلمته و تلمته و توسمته و وسمته.

و کتب المبتهل الی ربه فی خلود هذه الدولة القاهرة الصفیة الموسویة - انار الله برهانها و شدد أركانها و أمد أزمانها - محمد بن الحسن الاصفهانی المعروف بالبهاء حشرهما الله فی زمرة أصحاب العباء المتحملین فی دینه للعباء... (۱۹). پی نوشت: ۱- عبد الحسین سپنتا، اصفهان، ۱۳۴۶.

۲- از ایشان درباره‌ی دو امامزاده اول ده که در کنار کانال آب است پرسیدم؛ گفت که تا حدود سی چهل سال پیش اینجا توتستان بوده و هیچ آثار قبری وجود نداشت؛ چنان که مردم نیز هیچ چیزی درباره‌ی وجود قبری در آنجا نمی‌گفتند و نمی‌دانستند. شخصی بر اساس خوابی که دیده بود، به آنجا رفته و صورت قبری با گل درست کرد. بعدها دیواری هم اطراف آن کشیدند که اکنون به نام طفلان معروف و به عنوان دو برادر با نام ابراهیم و اسماعیل شهرت دارد.

۳- فرهنگ جغرافیایی ارتش ش ۷۱ اصفهان، ص ۱۱۷ چندین دستگرد دیگر نیز در اطراف اصفهان وجود دارد که البته ربطی به آنچه در متن آمده است، ندارد. مانند دستگرد برخوار، دستگرد مار در برآن شمالی و دستگرد قداده از دهستان ماریین اصفهان. و چندین دستگرد دیگر: بنگرید: تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان، فهرست جای‌ها، ص ۵۲۷.

۴- فرهنگ جغرافیایی ارتش، ش ۷۱ اصفهان، ص ۱۷۸. کوه قلعه بزی در غرب فخرآباد و در شمال غرب دستگرد مهرداداران قرار دارد.

۵- تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان انصاری، به کوشش جمشید مظاهری، ص ۴۲۶ و نیز بنگرید: ۴۳۲.

۶- میراث اسلامی ایران، دفتر ششم، صص ۳۵۸ - ۳۴۱.

۷- بنگرید: گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، اصفهان، ۱۳۵۰، صص ۷۲۵ - ۷۲۲.

۸- درباره‌ی وی بنگرید: علل برافتادن صفویان، صص ۱۲۵، ۵۳، ۳۳.

۹- علل برافتادن صفویان، ص ۱۲۶.

۱۰- بنگرید: صص ۷۲۲ - ۷۱۹.

۱۱- طبقات اعلام الشیعة، قرن دوازدهم، ص ۸۹.

۱۲- بنگرید: تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان، صص ۲۸۳، ۱۷۹، ۱۳۹.

۱۳- درباره‌ی وی بنگرید: علل برافتادن صفویان، ص ۲۹۸.

۱۴- درباره او بنگرید: احوال و آثار بهاءالدین محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی، قم، انصاریان، ۱۳۷۴. بخش شرح حال وی در مقالات تاریخی، دفتر سوم، به چاپ رسیده است.

۱۵- در اینجا به معنای مراد، مطلب، آرزو و مقصود.

۱۶- در متن چاپی سپنتا، به جای نام جی شیر نقطه چین شده است.

۱۷- ابی عبدالله الحسین در حاشیه آمده و در متن چاپی سپنتا اصلا نیامده است.

۱۸- در اصل: سید. به نظر می‌رسد کاتب کلمه‌ی سطر بالا «سید الانبیاء...» را در اینجا مکرر نوشته است.

۱۹- بقیه سفید است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شاهرخ بهادر خان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اوقاف مربوط به امامزاده‌ها و اصناف از امور بسیار شایع در طول تاریخ ایران دوره اسلامی به ویژه از روزگار صفوی به بعد بود. اما چنین اسنادی از دوره‌های پیشتر از جمله تیموریان کمتر در دسترس است. آنچه در نوشتار مورد بحث مطرح می‌شود، معرفی وقفنامه سنگی سلطان شاهرخ بهادر در دروازه ضریح امامزاده جعفر بن علی بن حسین (ع) است که یکی از بناهای چهارگانه همجوار در میانه شهر دامغان است. مجموعه مذکور گرچه آثار تاریخی دوره‌های متنوعی از عهد سلاجقه به بعد را داراست. اما خانقاه شاهرخ بهادر خان سلطان تیموری و کتیبه کاشی معرق آن و به ویژه وقفنامه‌های سنگی امامزاده جعفر حاوی اطلاعات مهمی درباره نسب امامزاده مذکور، حکام محلی و نفوذ سادات در دامغان، نکاتی درباره تاریخ اجتماعی و اقتصادی دامغان و تخفیف مالیات مربوط به صابون پزان و وقف نمودن اوقافی برای خانقاه برای پذیرایی از فقرا و مسافران است. با توجه به آنکه دکتر لیزا کلمبک و دکتر دونالد ویلبر در اثر ماندگار معماری تیموری در ایران و تیمور چند سطر را به بناهای مذکور اختصاص داده‌اند، و درباره تاریخ نگارش کتیبه‌ها دچار اشتباه شده‌اند، مساله تحقیق حاضر علاوه بر تحلیل اطلاعات متنوع مندرج در وقفنامه‌های مذکور تعیین و تبیین تاریخ وقفنامه مذکور است که به گونه‌ای حیات اجتماعی شهر دامغان را در برهه‌ای از عهد تیموریان به تصویر می‌کشد.

کلمات کلیدی

وقفنامه، سلطان شاهرخ بهادر، تیموریان، امامزاده جعفر بن علی، دامغان.

مدخل: درباره ویژگی‌های زبانی و رسم الخطی متن وقفنامه

برای بازخوانی متن وقفنامه‌های زیر از برخی ویژگی‌های رسم الخط فارسی عهد تیموریان صرف‌نظر شد. چنانکه برخی موارد همچون به کارگیری حرف ج به جای چ در واژه «چون» و نیز حرف ک به جای گ در کلمه «دروازگانی» به شیوه معمول در رسم الخط فارسی امروز عمل شد.

در آغاز بسیاری سطور وقفنامه‌های مذکور به شیوه نوشته‌های مغولی از کلمات مقدس، نامهای مورد احترام یا خوش یمن استفاده می‌شد. چنین رسمی را مغولان به احتمال بسیار از دیوانسالاری درخشان و پرسابقه چین آموختند. و تیموریان آن را تداوم بخشیدند. معرفی ابنیه و کتیبه وقفنامه

بنای خانقاه شاهرخ یکی از چهار بنائی است که مجموعه امامزاده جعفر را تشکیل می‌دهد. و به ضلع شمال غربی امامزاده اتصال دارد. بناهای دیگر عبارتند از برج آرامگاهی سلجوقی معروف به چهل دختران و بنای بدون تاریخ امامزاده محمد. در میان مردم دامغان خانقاه شاهرخ به قبر شاهرخ معروف است. و به نظر ویلبر و کلمبک این شاهرخ همان نوه نادرشاه است که در سال ۱۲۱۱ه.ق/۱۷۹۶ در دامغان درگذشته است.

بنای خانقاه از جنس آجر است طرح آن مربع است و هر ضلع آن ۸۰/۵ متر طول دارد. گنبد منفرد آن از روی قوسهای فیلیوشی ساده برخاسته است. بنا به طرز روشنی از دوره سلجوقیان است. و یکی از دیوارهای خارجی آن نشانه‌های یک کتیبه کوفی را با آجری

که از نوع معمول همراه با تزئینات آن دوره است، ارائه می دهد. که به تزئینات دیوارهای داخلی شبستانهای سلجوقی مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان شباهت بسیار دارد.

تعمیرات و الحاقات دوره تیموری نسبتاً برجسته و نمایان است. دیوارهای داخلی با ازاره ای از کاشی لعابی مستور گردیده است. بخشی از آن با کاشی های شش ضلعی سبز تیره در بالا- و پائین حاشیه ای از جنس کاشی مستطیل سبز روشن دارد. در دیوارهای خارجی مربعهایی از نوع سفال آبی روشن نصب گردیده است، سر در ورودی با کاشی به اصطلاح هفت رنگی در پنج رنگ تزئین گردیده است.

کاشی های با اشکال گل و گیاه استیلزه مشابه پیرامون کتیبه ای را با حروف ثلث برنگ سفید بر روی زمینه های آبی سیر فرا گرفته است. این کتیبه از سه کاشی بزرگ و یک کاشی کوچکتر از جنس کاشی چند رنگ زیرلعاب تشکیل یافته است. عبارت کتیبه چنین است: «بناء هذه العماره فی ایام دوله السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملکه» (۱).

شهریار عدل معتقد است که کارهای دوره تیموری زمانی که شاهرخ بهادر حکومت خود را بر دامغان استوار می ساخت (۸۱۰ ق. / ۱۴۰۸ م.) و در سال ۸۱۵ ق. / ۱۴۱۲ م. زمانی که یک سنگ حجاری شده حاوی وقفنامه در امامزاده جعفر (همان وقفنامه علی بن سراج الدین کیا رستم) به الحاق بنائی به اسم خانقاه اشاره می کند انجام پذیرفته است.

زیارتگاه امامزاده جعفر متصل به خانقاه شاهرخ است و دارای نشانه هایی از ساختمان دوره سلجوقی و قسمتهایی مربوط به دوره تیموری ارائه می دهد. نمای ورودی اخیراً کاملاً بازسازی شده است. دو کتیبه شاهرخ بهادر و علی بن سراج الدین کیا رستم در این بنا به چشم می خورند که بر اساس گزارشی قدیمی، در طرف راست درگاه ورودی یک لوحه نصب شده بود که شامل متن فرمانی از شاهرخ را مربوط به سال ۸۵۱ ه. ق نشان می داده است. به موجب این فرمان چنانکه خواهد آمد، پنج درصد از ۷۰ درصد وجهی که بابت صابون در دامغان و نواحی اطراف آن گرفته می شد، تخفیف داده شده است. ویلبر و کلمبک بر این باورند که خانیکف که شرح بالا- را داده برای ذکر سال وقفنامه مذکور به جای ۸۱۵ اشتباها ۸۵۱ درج گرد است. استدلال آنان بر پایه این واقعیت است که سلطان شاهرخ در سال ۸۵۰ ه. ق در گذشته بود. نوشته های خانیکف ذکر می کند که در کتیبه ای آمده است که این عمارت به فرمان شاهرخ بهادر «حفظ الله سلطنته» (۲) ساخته شده است. مشکواتی یک از محققین ایرانی اظهار می دارد که تاریخ های ۸۱۵ و ۸۱۶ ه. ق بر روی کاشیها و سنگ های واقع در ایوان ورودی دیده می شوند. وی کتیبه ای را که خانیکوف ذکر کرد به امامزاده محمد نسبت می دهد که به بنای امامزاده جعفر متصل است. که این دو گفته از نظر کلمبک و ویلبر نادرست است. زیرا از نظر آنان کتیبه روی بنای امامزاده جعفر قرار دارد (۳). متن وقفنامه سلطان شاهرخ بهادر

۱- ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

۲- لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله وصی رسول الله

۳- قال النبی صلی الله علیه و سلم من سنَّ سنَّه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها

۴- الی یوم القیامه [باعث تقریر این کتاب آنک چون بتاریخ شهر محرم الحرام احد و خمسین و ثمانمائه

۵- ولایه دامغان و توابع آنرا پادشاه اسلام (۴) برسم سیورغال (۵) و حکومت (۶) بحضرت با رفعت رضی اعظم العلما

۶- الطروش (۷) خلاصه اولاد سید المرسلین رضی الحق و المله و الدین علی الحسینی (۸) ادام الله تعالی ایام

۷- حکومت و معدلته تفویض فرموده بودند و چون آن حضرت را در ولایه (۹) مذکور نزول افتاد و بواک /لواس

۸- حضرات ایشان از مال و جهات ولایه مذکوره استفسار می نمودند، و بعرض می رسانیدند چون حکایت بمال سباحه شمعا

۹- و صابونخانه و درواز گانی (۹) رسید. برای شریف آن حضرت اقتضا کرد که این چنین زحمتی و نقصانی

۱۰- که از جهات مذکوره بر فقرا و رعایا واقع است جهت دستگیر آخرت و امید شفاعت حضرت رساله

- ۱۱- علیه السلام دفع کند تا ثواب آن بروزگار ایشان در رسد بنابراین مقرر فرمودند که من بعد
- ۱۲- تمغا نساخته (۱۰) و صابونخانه و دروازگانی قطعا اصلا و ابدا از هیچ آفریده در ولایه مذکوره
- ۱۳- نگیرند و باجارت ندهند و نستانند و داخل مال تمغا نکنند و هر که خواهد به جهت خود صابون برد
- ۱۴- و فروشد و از تمغا دار الحریر که سابقا هر یکصد دینار را هفت دینار می ستانده اند، الیوم ۱۴- پنج دینار زیادت نستانند و صابون که از اطراف و جوانب ولایه مذکوره آورند و فروشد یکصد من
- ۱۵- را پنج من زیادت نستانند (۱۱) و هیچ آفریده را روا نباشد که تغییر و تبدیل بقواعد این فواید اخروی
- ۱۶- راه دهد و بر حکام و والی و ولایه واجب و لازم باشد که اگر مفسدی در ابطال این
- ۱۷- خیر کوشد، بمنع و زجر جزیل [نویل؟] او بدانچه ممکن باشد مشغول شوند تا موجب رستگاری
- ۱۸- آن صاحب دولتان گردد و هر که خلاف این معنی ورزد در لعنت و سخط حضرت باری
- ۱۹- تعالی و تقدس و جمیع ملائکه باشد فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ صدق الله» حاشیه متن:

«اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی فاطمه الزهرا و صل علی حسن الرضا و صل علی الحسین الشهید بکربلا و صلی علی زین العابدین و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی الکاظم و صل علی علی بن موسی الرضا و صل علی محمد التقی و صل علی علی النقی و صل علی الحسن العسکری و صل علی محمد المهدی صاحب المان و قاطع البرهان و خلیفه الرحمن». جاده ابریشم

ماکسیم سیرو در توصیف جاده ابریشم می نویسد که دو شاهراه بزرگ از سراسر قاره آسیا می گذشتند: یکی از این دو مخصوص حمل کالاهای تجارت خانه های شهرهای ژن (جنوا) و نیز بود که از شبه جزیره کریمه شروع می شد. دیگری راهی بود که از سراسر خاک ایران می گذشت و به دو راه فرعی تقسیم می شد: یکی به بندر طرابوزان و آسیای صغیر متصل می شد و دیگری از بندر لائزآزو (بندر ایاس در ارمنستان صغیر) به تبریز می رفت و با راه قبلی متصل می شد. در تبریز کالاها جا به جا می شدند و کاروان ها راه قزوین را در پیش می گرفتند و از ری، مرو و سمرقند به شاش (تاشکند) می رفتند یا از مرو راه کج کرده به بلخ، بدخشان، لبنور (لوپ نور) می رفتند (۱۲).

مسیر عراق به حجاز از طریق نجف، بیابان نجد به مکه و مدینه، و مسیر ساحلی کرمان، مکران سند به گجرات از دیگر مسیرهای مهم تجاری ایران بوده اند. بسیاری از این راه ها در زمان غازان خان و اولجایتو تعمیر و توسعه یافت. مستوفی می نویسد که در زمان اولجایتو در هر فرسنگ که شامل ۸۰۰۰ گز خیاطی (هشت کیلومتر) بود؛ یک میل راهداری بنا شد (۱۳). جاده ابریشم در ایران منازل و مراحل جاده ابریشم در ایران به قول حمدالله مستوفی «شاهراه شرقی» (خراسان تا آذربایجان) و ادامه مسیر فوق موسوم به «شاه راه غربی» (مسیر آذربایجان به آناتولی) چنین است:

۱- (مسیر اور گنج- مرو): اور گنج- نوزوا- اندراستان- رخشمیس- دیه ازرق- هزار اسب- سدور- رود جیحون- کوهستان- دهان شیر- درغان- جقربند- رباط طاهری- (بیابانهای ریگ روان) سکاباد- رباط نوشاگرد- چاه هارون- چاه صاحبی- رباط سوران- دیه ابدان گنج- دیه سفری- مرو (خوارزم- مرو ۱۲۴ فرسنگ)- طوس- بسطام.

۲- مسیر دیگر جاده ابریشم در شرق ایران بود که از طریق خوارزم و جرجان به خراسان (بسطام) می رسید: اور گنج- حلم نو- خوارزم نو- رباط مریم- مشک مبنی- سایل بلی- مناره گاه- رباط سرهنگ- کاروانگاه- رباط طمغاج- خوشاب دان- رباط خشت پخته- شهر فراوه- رباط ابن طاهر- رباط ابوالعباس- رباط گزینی- عبور مسیر از ناحیه دهستان در بیابان- دیه محمد آباد- بازرود- جرجان- دیه موسی آباد- دیه میلآباد- گریوهزند بان- دیه کنج- بسطام.

۳- مسیر دیگری در موازات مسیر فوق از طریق جیحون و بلخ و سرخس به خراسان می رفت (۳۴۷ فرسنگ): جیحون- ترمذ- سیاه کوه-

بلخ-پل جمو خیابان-دیه پاره-دستگرد-رباط علوی-دیه سلباران-شبرقان-رباط کعب-فاریاب-آستانه-مسجد رازان-کیوترخانه-کوجاباد-رباط سلطان-مرورود-دزهند-بیابان و ریگستان-آب شور-رباط ابونعیم-رباط جعفری-سرخس-طوس-نیشابور.مسیر نیشابور به دامغان (۷۸ فرسنگ):نیشابور-احمدآباد-رباط بوزنگان-طاقان-نوده-برزاتاباد-بحرآباد-دیه خواراشاه-آزادوار-جاجرم-رباط سونج-دیه سلطان-مغز-حداده(مهمان دوست)(۱۴) یا از راه سبزوار به-دامغان.(مسیر دامغان-ورامین ۵۴ فرسنگ):رباط هرمز معروف به جرم جوی-رباط آهوان-سمنان-دیه سرخ-راس الکلب-دیه نمک-خوار ری(محلله باغ)-رباط خمارتکین-ورامین-ری.(مسیر ری-سلطانیه، ۵۰ فرسنگ): ری-مشهد-دیه خاتون-سنقرآباد-دهند-دیه مارین-سومیقان(آق خواجه)-سگزاباد-سنقرآباد-قزوین-فارسجین-ابهر-دیه قهود(صاین قلعه)-سلطانیه.

(مسیر سلطانیه-قونیه:۳۰۱ فرسنگ):زنجان-رباط نیکپی(نیکبای، بنا توسط خواجه تاج الدین علیشاه)-رباط سرچم(بنا توسط وزیر خواجه غیاث الدین محمد رشیدی)-رباط خواجه جلال الدین رشیدی-میانج(میانه)-دیه ترکمان-دیر خران-سنکلاباد اوجان-سعیدآباد-تبریز-مرند-خوی-شکماباد-نوشهر-بند ماهی-ارجیش-ملازجرد-خنوس-آق آفتن-بسین-ارزن الروم-اسجه-وسیرجان-خومان قلع-ارزنجان-دیه خواجه احمد-ارزنجک-آقشهر-اکرسوک-زاره-رباط خواجه احمد-سیواس-قونیه-قیصریه-بندر ایاس(لایاتزو در ارمنستان صغیر)(۱۵).

هیات سفیران همراه روی گزاله کلاویخو که از سوی پادشاه اسپانیا برای دیدار با امیر تیمور گورکانی می رفت پس از عبور از تبریز و دیدار با میرانشاه در سلطانیه، بر طبق فرمان مخصوص تیمور از ری، راه کوهستان البرز را در پیش گرفتند و از دره لار در دامنه های جنوبی البرز و بسیاری گذرگاههای کوهستانی، به قلعه فیروزکوه و از آنجا به دشتهای دامغان و مشهد سرازیر شدند. در بازگشت از سمرقند نیز کمابیش همان راه را در پیش گرفت.(۱۶) مشاهدات نگارنده طی پیمایش میدانی مسیر مذکور از ری، سمنان، دامغان، بسطام به سمت دهکده ابر و گردنه النگ در مسیر شاهرود به سمت گنبد کاووس و گرگان نشان داد که مسیر مذکور مناسب ترین راه برای سفر در مسیر شرقی غربی بوده است. زیرا راه مذکور در دامنه های جنوبی البرز از منابع آب، علوفه، سایه و منابع چوب و هیزم مورد نیاز کاروان ها و لشکرها برخوردار بوده است(۱۷).

گذشته از جاده بین المللی ابریشم، جاده زیارتی آذربایجان و عراق عجم به خراسان که زائران امام رضا را به آن سوی می کشید دست کم از اواخر عهد ایلخانان و به ویژه در عهد سلطان شاهرخ تیموری رواج ویژه ای یافت. چنانکه امیر شاهی شاعر سربدار در مسمطی می سراید:

ای که به حج رفتت آمد هوس

روضه سلطان خراسانت بس(۱۸).

به نظر می رسد که رواج یافتن زیارت امام رضا(ع) صرف نظر از سفرهای زیارتی سالانه سلطان شاهرخ که زیارت حرم رضوی را تشویق می کرد، ناشی از آشفستگی راههای غرب و جنوب ایران(راه های حج و عتبات) در آن روزگار بود که عرصه تجزیه قلمرو امیر تیمور و کشاکش میان شاهزادگان تیموری، جانشینان میرانشاه و قراقویونلوها و در فواصلی دورتر عثمانیان و آق قویونلوها بود. جغرافیای تاریخی دامغان

دامغان بزرگترین شهر قومس، شهری گرم و کم آب، اما پر نعمت و میوه بود که به محصولاتش چون انواع میوه و پسته ای که امروزه هنوز به مرغوبیت شهره است.(۱۹) از دیگر محصولاتش سیب سرخ مشهور به «القومسی» بود که به عراق صادر می شد. معادن زاج، املاح(نمک)، کبریت(گوگرد)، طلای ناب نیز در آنجا استخراج می شد. دامغان از ایستگاههای مهم جاده ابریشم در حاشیه شمالی کویر لوت واقع در دامنه های جنوبی البرز به شمار می رفت. در زمان حمدالله مستوفی دور حصار شهر ۸۰۰۰ گام بود.(۲۰) دامغان دارای چشمه ای به نام «بادخانی» یا «چاه گنده آب»، که آب را از طریق ۱۲۰ نهر مساوی به نواحی اطراف می

رساند. وزش باد شدید مداوم در تنگه های کوههای بین سمنان و دامغان مسافران را دچار مشکل می کرد. با این وجود رفت و آمدها چندان بود که گاه قافله هایی با ۲۰۰ انسان و شتر از آن مسیر می گذشتند. غنجان روستای شترداران (قریه الجمالین) یکی از توابع دامغان بود. یاقوت در ۶۱۳ ه. ق از آنجا گذشته بود. (۲۱) کلاویخو که در زمان امیر تیمور گورکانی از دامغان دیدار کرده است می نویسد که از راه دهکده آهوان که رباط آهوان در عهد صفوی در آنجا بنا شد، به دامغان وارد شد. وی می نویسد که شهر دامغان در دشتی در میان حصاری قرار داشت. و آخرین شهر عمده غرب ایران به شمار می رفت. و تحت تاثیر بیابانهای مجاور گاه باد مهلکی در اطراف آن می وزید. (۲۲) اما چنانکه امروزه نیز قابل مشاهده است. دشتهای اطراف دامغان برای دامداری مساعد بوده، و در کنار محصولات کشاورزی، محصولات دامی قابل توجهی در آنجا تولید می شود که، از آن جمله بود پیه گوسفند که برای صابون سازی و برخی دیگر کاربردها همچون روغن گیری استفاده می شد. در بازار سنتی دامغان امروزه انواع محصولات دامی به عنوان دومین محصول شاخص ناحیه پس از پسته به چشم می خورند. اوضاع اصناف

مشاهدات این تحقیق حاکی از آن است که با توجه به قدمت و وسعت بازار سنتی دامغان که بقایای معماری صفوی و پیش از آن در دامغان به چشم می خورد، به ویژه به قرائنی چون منار آجرکاری غزنوی (مربوط به اوائل قرن پنجم) در مسجد جامع به این امر اشاره دارند. (۲۳) دامغان همانند سایر شهرهای آباد جاده ابریشم از تنوع و رونق صنفی در بازار برخوردار بود. شهر آشوب های عهد تیموری از رواج پیشه ها و حرف گوناگونی در شهرهای مذکور سخن رانده اند که ذکر نام آنها در ترسیم فضای شهر در عهد تیموریان سودمند است: زورگری، درودگری، گلکاری، دندان کشی، عطاری، سالو فروشی، نژادی، شطرنجی، جمه بافی، فوطه فروشی، حلوا کری فقاعی، آهنگری، موزه فروشی، رنگ فروشی، خیمه دوزی، سوهانگری، علافی، تنورگری، والابافی، بره دوزی، قنادی، رنگریزی، خطاطی، ماهی پزی، خزانه داری، نانوائی، کباب پزی، گلاب فروشی، مجلیدی، کمانگری، موّله ای، طاقیه دوزی، قصه خوانی، پیراهن فروشی، آبدارگری، پولانی پزی، هریسه پزی، کشتی گیری، عسسی، بوریاگری، نمک فروشی، کفش دوزی، مقریگری، بزازی، فراشی، چنبه کری، ریخته گری، ترازو داری، ماهیچه گری، قصابی، سلاخی، پیکی، شماعی، کاشی تراشی، انگشت فروشی، کخالی، نقش کوبی، تیرگری، زرگری، صرافی، میخه گری، ابریشم فروشی، زعفران فروشی، شربت داری، دهقانی، موی تابی، دروازه بانی، ترکش دوزی، سوزنگری، چنگی گری، خشمالی، سازندگی، چوگان بازی، خوانندگی، سرکایی، بلبانی، و... (۲۴) لطایف الطوائف که از منابع تاریخ اجتماعی عهد تیموریان است؛ ضمن اشاره به حرفه صابون پزی، از بکارگیری صابون در حمام ها و گازرگاهها (رختشوی خانه ها) سخن گفته است. (۲۵) در فتوت نامه ها که به مثابه دستور العمل و قانون نامه هایی بود که صوفیان و روسای هر صنف در آن شیوه و آداب درست مربوط به هر حرفه را مشخص می کردند، به حرفه دلاکی اشاره شده است. و به منظور ارتقای پایگاه اجتماعی این صنف در فتوت نامه ها آمده است که «دلاکی و سر تراشیدن از جبرائیل علیه السلام مانده است و در زمان حضرت رسول (ص) دلاکی را سلمان فارسی می کرد». همچنین منصور بن قاسم بغدادی صوفی را پیشوای حمامیان معرفی می کردند. در فتوت نامه های مذکور جایگاه نشستن هر صنف در مجالس گوناگون مشخص شده است چنانکه استاد حمامی زیر دست چاووش و بالا دست کفشدوز می نشست (۲۶).

گازران از دیگر مصرف کنندگان صابون بودند که در کتب شهر آشوب از قبیل معالم القربه فی احکام الحسبه اثر ابن اخوه به آنان اشاره شده است. آنان لباس های مردم را برای شستن به امانت می گرفتند اما گاه با کمک مطرزان (کسانیکه جامه ها را به خطوط و نقش و نگار بیاراید مانند قلابدوز) زیورآلات لباسها را دست کاری می کردند. و محتسب بایستی همواره مراقب آنان می بود تا پارچه های مردم را نذزدند، خود یا کارگزارانشان آنها را نپوشند، و به عاریت ندهند و بر هر پارچه ای نام صاحبش را بنویسند تا با هم مخلوط نشوند. وی می نویسد که در حمام ها برای خوشبو ماندن فضا بخور هایی چون کندر، مصطکی و لادن دود می شد. و نیز برای شستن سر و بدن از سدر و دلوک (نوعی ماده خوشبو) استفاده می شد. البته برخی سدر فروشان به جای آنکه سدر تابستانی را

با سدر زمستانی با هم در آمیزند تا ترکیبی مرغوب به دست آید، گاه برگ بید، توت، آرد لویای گرگی یا باقلا و جز آن در آن می آمیختند؛ که با آب مخلوط کرده و با کف آن سر را می شستند (۲۷).

انصاری دمشقی از ساختن صابون به وسیله روغن زیتون در نابلس، و صدور آن به مصر و شام و جزایر دریای روم (مدیترانه) و نجد توسط تاجران اعرابی سخن گفته است. بنا به نوشته او سالانه ۶۰۰۰ قنطار مصری زیتون در مسجد جامع اموی در دمشق گرد آورده می شد که برای ساخت صابونهای قلیایی و پیه دار به کار می رفت. (۲۸) پگولوتی ضمن توصیف واردات قسطنطنیه از بسته های چوبی صابون آپولیایی، ونیزی، آنکونایی، رودسی و قبرسی سخن گفته است (۲۹). تاریخ محلی دامغان در اواخر قرن هشتم و نیمه قرن نهم هجری

در زمان خواجه وجیه الدین مسعود سربدار (مقتول در آخر ربیع الاول ۵۷۴۵.ق) که اکثر بلاد خراسان و فیروزکوه و رستمدر را در تصرف داشت، دامغان در قلمرو سربداران به شمار می رفت. چنانکه دولتشاه حدود قلمرو او را از جام تا دامغان و از خوشان (قوچان کنونی) تا ترشیز (کاشمر) دانسته است. پس از آن نیز دامغان تا زمان یحیی کرابی (۵۷۵۹.ق) و خواجه علی مؤید (مقتول در ۵۷۸۸.ق) معاصر و ملازم امیر تیمور گورکانی در دست سربداران بود (۳۰).

در زمان سربداران میان دامغان و مشهد رابطه نزدیکی وجود داشت. به ویژه در زمانی که پهلوان حسن دامغانی که پیروان و هواداران وی غالباً از اصناف و عیاران دامغان بودند، بر درویش عزیز مجدی رهبر درویش طریقت سربداریه که در مشهد معتکف بود، شورش کرد و پس از تصرف مشهد، درویش را با اهدای دو خروار ابریشم به اصفهان تبعید کرد (۳۱).

در زمان کلاویخو در بیرون دامغان دو برج کله مناره از مجموعه های انسان ساخته شده بود که به نوشته کلاویخو از تاتاران آق قویونلو (به عبارت درست تر قرا قویونلو ها) بودند که امیر تیمور آنان را در آسیای صغیر به اسارت گرفته و به دامغان تبعید کرده بود. آنان در حوالی دامغان زندگی چادر نشینی خود را از سر گرفتند. سپس آرزوی بازگشت به میهن خود را یافتند. ابتدا دست به غارت و تهاجم به آبادیهای اطراف زدند و از دامغان به سمت غرب و مرزهای سوره و آسیای صغیر به راه افتادند. تیمور در راه به آنان برخورد و آنان را سرکوب و کشتار کرد. کلاویخو عده مقتولین را ۶۰۰۰۰ تن نوشته است (۳۲).

پس از سلطه امیر تیمور بر سراسر ایران و سرکوب سربداران، آشفتگی خراسان و قومس را در بر گرفت. سلطان شاهرخ بهادر در ترمیم ویرانی ها بسیار کوشید. و برای نظارت بر اوضاع دائما سالانه دست کم یک بار در خراسان سفر می کرد. حافظ ابرو در زبده التواریخ می نویسد که وی در زمستان سال ۸۱۰.ق در شرایطی که برف بیابان را دربر گرفته بود، طی ماجرای شورش پیر پادشاه در مازندران و رقابت های جانشینی امیرزاده پیرمحمد و امیرزاده اسکندر، از مسیر کوسویه به سمت زاوه (تربت حیدیه کنونی) و محولات (از توابع زاوه) و نیز از مسیر جام به مشهد سفر کرد. و پس از زیارت در آنجا برای سرکوب پیرپادشاه به سمت رادکان و خوشان (قوچان)، خواجه قمبر و بادغیس لشکر برد. و تا تصرف مازندران و استرآباد پیش رفت. وی در آن سال از حوالی گنبد قابوس تا جلگه مازندران را به عنوان قشلاق قشون خود تعیین کرد. برقراری ثبات در مازندران موجب شد که بسیاری مهاجران به وطن خود بازگردند. از میان سران و بزرگانی که با وی دیدار کردند، سید عزالدین نامی بود که از هزار جریب و سمنان بود که پس از عرض حال نزد سلطان شاهرخ ولایت دامغان را به عنوان سیورغال دریافت کرد. سادات ساری نیز نمایندگان اعزام کردند و هریک به فراخور حال از عطایاس سلطان بهره مند شدند. سپس فرزند خود الغ بیگ را حکومت مازندران داده به خراسان بازگشت (۳۳).

سید عزالدین مذکور به احتمال بسیار از خویشاوندان «کیا اعظم سیف الدین علی بن المرحوم سراج الدوله و الدین کیا رستم بن المغفور کیا ابراهیم الحاجی الهزار جریبی» مذکور در کتیبه دوم امامزاده جعفر که مربوط به آل کیا است.

سلطان شاهرخ بهادر در بهار سال ۸۱۵.ق عزم زیارت روضه رضوی کرد. و روز دوشنبه نهم ذی القعدة از هرات به آن سو حرکت

کرد؛ تا در روز عید اضحی (قربان) در آنجا حضور یابد. شاید تاکید وی برای حضور در آن هنگام در حرم رضوی رقابت سیاسی و مذهبی وی که عنوان پادشاه اسلام به خود می داد، با ممالیک برجی بود که داعیه خدمت در حرمین شریفین و امور حج را داشتند. به ویژه که حافظ ابرو مورخ سنی دربار سلطان شاهرخ راجع به اجر زیارت امام رضا می نویسد: «اهل تحقیق آن را با حج اکبر مساوی داشته اند». وی طی نامه های خود به الملک الظاهر چقماق بیگ سلطان مملوک برجی مصر بر اهمیت این مساله تاکید می ورزید. همچنین در حرمین شریفین بقاع خیری بنا کرده بود که در آمد اوقاف مربوط به آن را سالانه به نمایندگان شیخ عبدالوهاب نامی می پرداخت (۳۴).

وی پس از سرکوب مودود گرمسیری در راه خود در میانه هرات و غور، به زیارت امام رضا (ع) رفت. در آن احوال به نوشته حافظ ابرو «مرتضی اعظم سید عزالدین» حاکم ولایت قومس برای ادای احترام نزد شاهرخ بار یافت. و در زمره بزرگان و امرا و ملوک و اکابر سادات قرار گرفت. نمایندگان از سوی سید علی از ساری و امیر حسن کیا از فیروزکوه به دربار شاهرخ بار یافتند. و امیر عزالدین در سفر بازگشت شاهرخ از راه بادغیس تا هرات در رکاب سلطان همراهی کرد. (۳۵) لقب مرتضی اعظم برای بسیاری سادات به کار می رفت. همچنین لقب «کیای اعظم» برای سیف الدین علی هزار جریبی مذکور در کتیبه دوم امامزاده جعفر دامغان به کار رفته است.

در سال ۸۲۳ ه. ق که قرا یوسف قراقویونلو در آذربایجان و عراق ادعای استقلال می کرد، سلطان شاهرخ را بر آن داشت که پس از تثبیت احوال داخلی قلمرو خود به آن سو لشکر کشد. الغ بگ را به محافظت مرزهای ترکستان و سیورغتمیش را به فتح و ضبط بلاد گرمسیر و قندهار و غزنین و کابل تا حدود هندوستان فرستاد. و امیر سید احمد ترخان را به حفظ مرزهای خراسان گماشت. و روز دوشنبه ۱۵ شعبان ۸۲۳ ه. ق از هرات به سمت آذربایجان به راه افتاد. و از بوی (ده بران یا دمران) کوسویه، چخچران، ساری قمش، تربت جام و زیارت شیخ احمد جام، مرغزار خرگرد، انداد، مخالف سرا، فرهاد جرد، شوراب، دزباد، نیشابور و شکار در جلگه نیشابور، پنج گرد، اندلان، جهان، اریمیان، قریه رونیز، قاسمی، گردیزه، قریه بحر آباد و زیارت شیخ سعدالدین حموی از پیروان شیخ نجم الدین کبری، خوراشاه، نرقسان، جاجرم، سرچشمه، بر نو آباد، قریه مفر، مرغزار خرقان و زیارت شیخ ابوالحسن خرقانی، بسطام و زیارت سلطان العارفین ابویزید بسطامی، خوریان، مهمان دوست، در اوایل به دامغان رسید. در دامغان چند زنجیر فیل که پیشتر به مازندران فرستاده بود، با لشکر های مازندران به اردوی وی ملحق شدند. سلطان شاهرخ در ۱۱ شوال دامغان را به سمندان، سرخه، آب باریک، ده نمک، عرادان، محله باغ، دره نمک، ری، ورامین، ترک کرد و با گذشتن از مسیر قزوین به آذربایجان رفت. (۳۶) از این اشاره آشکار می شود که دامغان یکی از گذرگاههایی بوده است که دامنه ها و دره های عمیق کوهستانهای البرز شمالی را به جنوبی متصل و ایالات ساحلی دریای مازندران را به حاشیه کویر مرکزی ایران می پیوست. نتیجه

وقفنامه های امامزاده جعفر دامغان برای محققین تاریخ اقتصادی به ویژه در مباحثی چون مالیات و اصنافی چون صابون پزان و حمامیان؛ و نیز برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی جهت بررسی احوال سادات و حتی محققین تاریخ زبان فارسی را از نظر دربرداشتن اصطلاحات بدیعی چون «دروازگانی و تمغا ساختن» منابعی سودمند تواند بود.

متن حاشیه وقفنامه سلطان شاهرخ که برای یکی از نقیبان سادات نوشته شده است، دارای ادعیه ای با مضمون آشکار شیعی است. که به احتمال بسیار اشاره به نفوذ چشمگیر سادات شیعی در منطقه دامغان دارد. با توجه به سوابق تبلیغ تشیع اثنی عشری در روزگار سلطان محمد خدابنده (۳۷) و امرا و صوفیان سریدار (۳۸) رواج تشیع در آن نواحی چندان بعید به نظر نمی رسد. زیرا چنانکه پیشتر آمد سریداران شیعی در حدود دامغان قدرت داشتند.

از این گذشته سادات آل کیای گیلان از جمله سید قاسم کیا که بر نواحی توالش و اطراف گیلان مستولی بود مردم را به تشیع زیدی دعوت می کرد. (۳۹) اما جالب است که کتیبه مورد بحث امامان شیعی اثنی عشری را نزد یکی از سادات زیدی (آل کیا) می

ستاید. شاید اشاره به تغییر گرایش از زبیدیه به تشیع اثنی عشری در میان برخی خانواده های آل کیای مهاجر از گیلان به دامغان را نشان می دهد.

در متن وقفنامه علی بن سراج الدین کیا رستم در مزار «جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن حسین بن علی بن ابی طالب» (امامزاده جعفر دامغان) که به تاریخ «غره محرم الحرام سنه خمس عشر و ثمانمائه الهلالیه» نگاشته شده آمده است که «بر قضاة عصر واجب است که هر ده سال این وقفیه (۴۰) را مجدد گردانند». متن این وقفنامه درباره وقف کردن قنات و محصول گندم قریه دهم به امامزاده مذکور و خادمان و فقرا و مجاوران و ابناء السبیل آن است. وقفنامه مذکور روبروی وقفنامه سلطان شاهرخ در ورودی بنای امامزاده جعفر دامغان نصب شده است. قریه مذکور نشان می دهد که به احتمال در همان سال (۸۱۵.ق) که سلطان شاهرخ به دامغان سفر کرده بود، کتیبه وقفنامه خود را نگاشته، و حاکمان محلی دامغان که از اعقاب سید عز الدین (۴۱) و از ارادتمندان دربار شاهرخی بودند؛ به اقتباس از رسم تجدید وقفنامه ها که در کتیبه وقفنامه علی بن سراج الدین کیارستم به تاریخ ابتدای محرم ۸۱۵.ق مسطور است، کتیبه وقفنامه را پس از مرگ او تجدید کرده اند. استدلال های کمک کننده به این فرضیه علاوه بر درگذشت سلطان شاهرخ در سال ۸۵۰.ق، فقدان اطلاعات در منابع عهد تیموری درباره احتمال توقف سلطان شاهرخ در دامغان در طی سفر به عراق و آذربایجان که در اواخر حیات خود (۸۵۰.ق) برای سرکوب سلطان محمد شاهزاده تیموری رفته بود، (۴۲) جدید بودن و بسیار سالم ماندن سنگ کتیبه وقفنامه منسوب به سلطان شاهرخ است. بنابراین به احتمال پس از انتشار خیر درگذشت سلطان شاهرخ سادات مذکور هم برای نشان دادن ارادت خود به وی و هم به سبب آشفتگی اوضاع پس از مرگ شاهرخ می خواستند که املاک وقفی مذکور در وقفنامه ها تباه یا غصب نشود.

از سوی دیگر در منابع تیموری معاصر با شاهرخ و پس از او از جمله مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی گرچه به کشاکش و آمد و شدهای میرزایان تیموری در مسیر مشهد به هرات سخن گفته اند اما هیچ جا نه برای میرزا علاء الدوله جانشین و نواده سلطان شاهرخ و نه برای الغ بیگ و یا پسرش عبداللطیف لقب «پادشاه اسلام» به کار برده نشده است. (۴۳) زیرا که آنان که سلطنتی کوتاه داشتند یا چندان فرصتی بای کسب افتخارات و القاب نیافتند، و یا همچون الغ بیگ بیشتر به آداب و سنن مغولی علاقمند بودند تا رسوم مذهبی اسلام و عناوین برخاسته از آن. از این رو به احتمال بسیار فرض انتساب انحصاری لقب «پادشاه اسلام» به سلطان شاهرخ تیموری تعلق داشته است. گرچه در منابع اشاره مستقیمی به آن یافت نشد.

بنابراین تحقیق حاضر بر آن است که کتیبه مورد بحث نسخه ای بازنویسی شده از کتیبه سلطان شاهرخ است. که گرچه اصل آن به روزگار وی باز می گردد، اما تاریخ مندرج در آن با تاریخ بازنویسی آن مطابقت داده شده است.

پی نوشت: ۱- ترجمه: بنای این عمارت در روزگار حکومت سلطان اعظم شاهرخ بهادر صورت گرفت که خداوند سلطنت را جاوید بدارد.

۲- عبارت دقیق در متن کتیبه به این صورت آمده است: «بناء هذه العماره فی ایام دوله السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملکه».

۳- دونالد ویلبر و لیزا کلمبک، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۱-۵۳۰.

۴- در بسیاری منابع تیموری از سلطان شاهرخ با عنوان سلطنت شعاری (سلطان الاعظم) (ر.ک: عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۳، تصحیح کمال حاج سید جوادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴ و بسیاری صفحات دیگر) «سلطان آفاق» پس از مرگش «خاقان سعید مغفور» (ر.ک: کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۲ (دفتر اول)، تهران: پژوهشگاه، ۱۳۸۳، صص ۵۸۵ و ۵۹۳. و بر سکه های وی عبارت «السلطان الاعظم شاه رخ

بهادر» غالباً به تاریخ ۵۸۳۰ ق. ضرب شده است. ر.ک (عرفان توختی، سیاست مالی و پولی تیمور و خاندان او و سکه های آنها، به کوشش بهمن اکبری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ص ۱۳۷۷، صص ۷-۱۰۳). اما در منابع اطلاعاتی از انتساب لقب «پادشاه اسلام» به وی یافت نشد. اما به نظر صائب برخی محققین شاهرخ در اوایل حکومت خود اعلام کرد که برگرداننده عظمت شریعت و خلافت است. ر.ک: ب.س. مورتی «مذهب در دوره تیموریان» تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۹.

۵- سیورغال Spyurghal واژه ای ترکی برگرفته از واژه مغولی سیورغالی به معنی زمینی بود که پادشاه به کسی می بخشید. ر.ک: شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، صص ۱۵۵-۶.

۶- به نظر نگارنده اصطلاحات حکومت و حاکم از عهد ایلخانان معادلی برای اصطلاح کهن تر اقطاع شد. و غالباً در منابع ایلخانان به معنی مالکیت زمینی از سوی حکومت به شرط استیفای مالیات برای اردوی مغول بود. در متن حاضر در جمله پس از این نیز به حکومت به معنی رسیدگی به امور یک ولایت اطلاق شده است. در منابع دوره مغول شبیه ترین قرینه برای این اصطلاح «حکومت اوقاف» بود که به معنی ریاست دیوان وقف و کسی بود که از جانب خان مغول به امور وقف رسیدگی می کرد. شمیسی شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوره مغول، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۲۵.

۷- سادات کیای گیلان که حاکم نواحی اطراف سفید رود بودند، مدعی انتساب به امام ناصر حسن اطروش علوی بودند. چنانکه قاشانی در تاریخ اولجایتو می نویسد: «ابتدای اول ملک گیلان که دوازده هزار است، بعد از آن کوچیان پس کلاچه کوه که اکنون پسر حیدر کیا متصرفست بر شرقی سفید رود که مدعی ایشان است و به جای امام ناصر که حسن علوی بود». ر.ک: ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۶۰.

۸- عبد الرزاق سمرقندی ضمن بیان وقایع سال ۷۸۷ ه. ق. و بازگشت امیر تیمور گورکان از فتح مازندان و قشلاق ری در راه بازگشت به توران نام سید علی نامی را ذکر کرده است که از بزرگان شهر یارک در نزدیکی سلطانیه بود. که انتساب شخص مذکور به وی ممکن می نماید. سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۱ (دفتر دوم)، صص ۵۷۰-۵۷۲.

۹- ولایت از اصطلاحات حساس مربوط به جغرافیای تاریخی است که در برخی منابع معتبر عهد ایلخانان و تیموریان از قبیل نزه القلوب حمد الله مستوفی به معنای بلوک و به قول امروزیان شهرستان بود که همان بخشها مختلف یک ایالت (معادل یک استان امروزی) را تشکیل می داد. البته این اصطلاح در نزه القلوب مغشوش است چنانکه در یک جا از ولایات هند و دهلی و قنوج و سومنات یاد کرده (ص ۴۶) و در جای دیگر آن را بر سند و کابل و صغانیان اطلاق کرده و معادل استان آورده است (ص ۴۸). اما در وصف جغرافیای ایران غالباً استان ها را با بلاد و ممالک و ایالات نام برده یا از آنها با تعبیر جمعی ولایات معادل شهرستان آورده است. منبع: حمد الله مستوفی قزوینی، نزه القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱، ص ۲۷ و ۸۹ و ۱۴۴ و ۱۶۶ و ۱۹۸ و ۲۰۶ و ۲۲۶ و ۱۴۶ و ۲۲۹.

۹- به احتمال بسیار اصطلاح دروازگانی نوعی مالیات به معنی حق عبور از دروازه شهر بود. در کنار دروازه های شهرها دست کم از عهد غازان خان کاروانسراهایی با حمام ها ساخته شد که تازه واردان در فضایی شبیه به قرنطینه های امروزی تحت مراقبت و معالجه قرار می گرفتند. و به این ترتیب از انتشار بیماری های مُسری جلوگیری می شد. چنانکه غازان خان در محله شم (شعب غازان) نیز شهری بزرگتر از محوطه قدیم تبریز واقع در غرب آنجا، موسوم به غازانیه بنا کرد. و دستور داد تا تاجران که معمولاً از روم و فرنگ (اروپا) می آمدند، کالاهای خود را در بارانداز آنجا عرضه کنند. اما برای رفع اختلافات احتمالی، تمغای آنجا و تبریز تحت نظارت یک نفر قرار داد. در کنار هریک از دروازه های حصار جدید تبریز کاروانسراهایی بزرگ، اصطبل، حمام، چهار بازار، و «کارخانه ها» (کارگاههای پیشه وران) ساخت. هر قومی از هرجهتی که به تبریز وارد می شدند در کاروانسرای منتسب به

جهت جغرافیایی یا وطن خود اسکان داده می شدند. تمغاجی قماشهای آنان را برای آنان نگهداری می کرد. و تازه واردان احتمالاً برای اعمالی شبیه به قرنطینه های بهداشتی به حمام های مجاور کاروانسرا اعزام می شدند. خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۲، تهران: البرز، ۱۳۷۳، صص ۵-۱۳۷۲.

۱۰- تمغا Tamgha کلمه ای مغولی است که احتمالاً از ریشه Dam به معنی پیوند دادن و عبور دادن و اشتقاق است. ر.ک:

Fredinand D. Lessing, Mongolian-English dictionary, Bloomington: Indiana University, ۱۹۹۵.

p. ۲۲۷. این واژه در منابع فارسی به شکل تمغاء، تمغه، تمغه، تمغه، طمغه، و طمغا به کار رفته است. ر.ک: شریک امین، پیشین، ص ۹۶ و اثر ترکی-مغولی تمغا معانی بسیار متنوعی از مهر و نشان و مالیات بر دام گرفته تا مالیات ویژه اصناف را شامل می شد که در متن حاضر به معنی اخیر است؛ که با فعل ساختن ترکیب بدیعی به معنی وضع کرن مالیات را پدید آورده است که از نمونه های نثر قرن نهم است. شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، صص ۱۰۰-۹۶.

۱۱- گویی رابطه پنج درصدی مذکور برای اخذ مالیات بر واردات صابون شباهت و یا حتی ارتباطی با مالیات اسلامی خمس داشته است. به ویژه که سلطان شاهرخ تیموری که خود را پادشاه اسلام می نامید در پی آن بود که به سلطنت خود رنگ و بویی دینی و اسلامی ببخشد. این امر در تباین با با گرایش های برخی دیگر از شاهزادگان تیموری همچون الغ بیگ بود که به سنن جغتائیان دل بستگی بیشتر داشت.

۱۲- ماکسیم سیرو، کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راه ها، ترجمه عیسی بهنام، سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران، بی تا، ص ۲۳.

۱۳- حمد الله مستوفی قزوینی، نزه القلوب، به تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صص ۱۶۶-۱۸۹.

۱۴- امروزه هنوز برجی از عهد ایلخانان در مهماندوست دامغان در اوایل جاده فعلی سمنان به شاهرود و بسطام به چشم می خورد که کتیبه آجر کاری زیبایی دارد. پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ ۵/۶/۱۳۸۶.

۱۵- حمد الله مستوفی، نزه القلوب، به تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲، صص ۱۷۸ تا ۱۷۳ و صص ۱۸۴-۱۸۲ مارکوپولو، سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیون، ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو، تهران، ۱۳۶۳، صص ۷-۲۶۶.

۱۶- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، صص ۶-۲۵ و ۲-۳۰۱.

۱۷- هنوز عشایر بسیاری خانه ها و آغل هایی در گردنه النگ برای خود و دامهای خود دارند و نیز راه ها چنان مهم بوده است که به گفته معمرین تا این اواخر راهزنی و نا امنی در آنجا شایع بوده است. پیمایش میدانی مسیری، سمنان، دامغان، بسطام، دهکده ابر و گردنه النگ در مسیر شاهرود به سمت گنبد کاووس و گرگان (۳ تا ۶/۶/۱۳۷۶).

۱۸- امیر شاهی سبزواری، دیوان امیر شاهی سبزواری، تصحیح سعید حمیدیان، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸، ص ۱۰۶.

۱۹- بسیاری کاروانسراها از عهد صفوی در طول جاده ابریشم باقی است که به نظر این تحقیق شالوده آنها در عهد ایلخانان و پیش از آن نهاده شده است. و از آن جمله است رباط آهوان، رباط الوسجرد، کاروانسرای ده نمک، پل گرمسار و... پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ ۵/۶/۱۳۸۶.

۲۰- یاقوت الحموی، معجم البلدان، جزء الاول، تحقیق عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دارالحياء التراث العربی و موسسه التاريخ العربی، بی تا، صص ۱۵۴، ۱۱۲، ۴۰. محمد بن نجیب بکران، جهان نامه، به کوشش محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲، صص ۶۸ و ۷۷ و ۱۶ و ۷۶، مستوفی، نزه القلوب صص ۲۱۱-۲۱۳. اسماعیل بن علی ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبد المحمد آیتی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۵۲۱. زکریا قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ج ۲، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهرادی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صص ۲۷۷ و ۱۱۶.

- ۲۱- ابی الفداء، پیشین، ص ۵۰۵ و مستوفی، نزهه القلوب، ص ۲۲۸ و ابن بکران، پیشین، ص ۵۲ و وزکریای قزوینی، پیشین، ج ۱۲۱، ص ۶ و ۲۴۵ یاقوت الحموی، المصدر السابق، الجزء الثاني، ۲۸۴ و مجهول المؤلف، هفت کشور یا صور اقالیم، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۸۸.
- ۲۲- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ص ۲-۱۸۰.
- ۲۳- پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۵.
- ۲۴- عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامات جامی، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱، ص ۳.
- ۲۵- فخرالدین علی صفی، لطائف الطوائف، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، ۱۴۵۲، صص ۷۰-۳۶۴.
- ۲۶- مجهول المؤلف «رساله بیست و نهم: رساله ای دیگر درباره اصناف»، فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، تصحیح مهران افشاری، تهران: پژوهشگاه، ۱۳۸۲، ص ۲۲۹ و مجهول المؤلف «رساله سی ام: وسیله النجاه» در همان، صص ۹-۲۵۸ و ص ۲۲۴.
- ۲۷- ابن اخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه: آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، صص ۴۰-۱۳۸ و ۱۶۱.
- ۲۸- محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی، نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر، ترجمه حمید طیبیان، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵.
- ۲۹- francis balducci Pegolotti. "Notice of the route to Chatay and of Asiatic trade in the fourteenth century" Chathy and the way thither, ed. Henry Yule vol. ۳, New Delhi (Munshiram Manoharal ۱۹۹۸ pp. ۱۶۵-۶).
- ۳۰- دولت‌شاه بن بختی‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، تصحیح فاطمه علاقه، تهران: پژوهشگاه، ۱۳۸۵، صص ۴۹۳ و ۴۹۷ و ۵۰۶.
- ۳۱- دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۵۰۱.
- ۳۲- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ص ۲-۱۸۰.
- ۳۳- حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۳، صص ۲۰۳-۱۹۴.
- ۳۴- کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۲ (دفتر اول)، تهران: پژوهشگاه، ۱۳۸۳، صص ۱-۵۹۰.
- ۳۵- حافظ ابرو، پیشین، ج ۳، صص ۴۵۶-۴۵۰.
- ۳۶- همان، ج ۴، صص ۷۲۰-۷۱۱.
- ۳۷- سلطان محمد خدابنده در سفری به عراق عرب پس از تبلیغات شیعی سید تاج الدین آوجی و ابن مطهر حلّی به دنبال رویایی که از حضرت علی (ع) دید، «به زیارت مشهد امیر المومنین علی علیه السلام رسید و تغییر خطبه و سکه فرمود کردن» (۷-۵۹ ق) و سپس به شیوه پدرش غازان خان به بنای دار السیاده هایی در هر جا از جمله در تبریز، شنب غازان، تبریز، روم، بغداد، کرمان و شیراز پرداخت. که هریک دارای وقفیات بسیاری از «املاک و قری و ضیاع و عقار» بود که سالانه ۱۰۰۰۰ دینار درآمد آن به مرتزقه (مستخدمان آنجا) می رسید. ر.ک: قاشانی، تاریخ اولجایتو، صص ۹۰-۴ و ۹۳-۱۰۰ و ۹۹.
- ۳۸- بسیاری از سربداران بر مذهب تشیع بودن اند. امیر شاهی (متوفی ۵۸۵۷ ق) از امرا و شعرای سربداران در سبزواری نیز بر این مذهب بود و در دیوان خود به این امر اشارتی دارد از جمله: «روز ازل خامه صورت گشا بهر علی زد رقم انما... مهر تقی در دل و جان منست حب نقی قوت روان منست». ر.ک: سبزواری، دیوان امیر شاهی سبزواری، صص سه و ۱۰۶؛ ای.پ. پطرو شفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز، چاپ سوم، تهران: شاهرضا، ۱۳۵۱، صص ۱۸-۱۳.
- ۳۹- قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۶۹.

۴۰- به معنی وقفنامه است چنانکه پیش از آن در عهد ایلخانان نام وقفنامه ربع رشیدی با عنوان الوقفیه الرشیدییه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف ثبت شده بود. ر.ک: رشید الدین فضل الله همدانی، وقفنامه ربع رشیدی (الوقفیه الرشیدییه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف)، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶، ص بیست و نه (مقدمه).

۴۱- حاکم دامغان که آنجا را به عنوان سیورغال از شاهرخ دریافت کرد.

۴۲- سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۲ (دفتر اول)، صص ۵۹۴-۵۸۴.

۴۳- همان، ج ۲ (دفتر دوم)، صص ۶۰۴-۱۴.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شیرازی، حاج علی رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفه‌ی مرحوم حاج علی رضا شیرازی

این موقوفه عبارت است از یک مجتمع که زمین آن ۹,۵۰۰ متر مربع می‌باشد در منطقه‌ی ریچ من تون بنگلور قرار دارد. حدود ۵۰ سال پیش مرحوم حاج علی رضا شیرازی فرزند مرحوم حاج عبدالحسین شیرازی وقف شیعیان و ایرانیان مقیم بنگلور کرده است. این مجتمع شامل مدرسه، آپارتمانهای متعدد و محوطه بسیار بزرگی می‌باشد. اعضای تولیت آن ۵ نفر هستند که دو نفر آن به ترتیب حاج میرزا محمدمهدی و حاج حبیب شیرازی هستند. این ملک نیز مشکل وقف‌نامه دارد و اماکن مسکونی آن با اجاره بسیار کم در اجاره‌ی افراد می‌باشد و به لحاظ مشکل بین وراثت و متولیان در اداره‌ی این موقوفه، مستأجرین نیز از این فرصت سوء استفاده کرده و تقریباً به صورت رایگان در آن سکونت دارند. اعضای تولیت که دو تن از آنان همان افراد اعضای تولیت هتل وینسرمیز هستند اظهار داشتند آمادگی کامل وجود دارد مشکل این

مجتمع و هتل، هر دو با هم ان شاء الله از سوی نماینده‌ی مقام معظم رهبری بررسی و حکم شرعی جهت اجرا و اداره‌ی موقوفات صادر شود تا بیش از این بلا تکلیف نماند زیرا این احتمال وجود دارد اوقاف بنگلور از این فرصت استفاده کرده و هر دو موقوفه را از دست متولیان یا وارثین خارج کند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شیرازی، حاج محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفات حاج محمد حسن شیرازی

موقوفه‌ی یاد شده توسط مرحوم حاج محمد حسن شیرازی وقف شده و دارای عماراتی به این شرح است:

۱- عمارت مسجد ایرانیان و مستغلات آنها (معروف به مغول مسجد) با دو مجموعه‌ی تجاری و مسکونی.

این مسجد که تنها مسجد ایرانیان در بمبئی است و در منطقه‌ی امام باره قرار دارد بسیار دیدنی است و با کاشی‌کاری اصفهان جدیداً بازسازی شده است و ۸ باب مغازه و ۱۰ اتاق ملحق به آن دارد که مغازه‌ها و اتاقها در اجاره مستأجرین است و به علت قدمت اقامت آنان اجاره‌ی کمی دریافت می‌شود.

۲- مجموعه‌ی ساختمانی سهراب و کریم؛ این مجموعه ۱ قطعه زمین و ۲ عمارت واقع در منطقه‌ی گراندروود بمبئی دارد و مساحت آن ۷۷۱ یارد مربع بوده و در اجاره‌ی مستأجرین است.

۳- قطعه زمینی به نام مونت پروپرتی به مساحت ۲۲,۴۰۲ یارد مربع با دو واحد ساختمانی موجود در آن که کلا- در اختیار مستأجرین قرار دارد که این مجموعه نیز به علت قدمت اقامت مستأجرین از اجاره‌بهای کمی برخوردار است.

اعضای تولیت موقوفات حاج محمد حسن شیرازی عبارتند از خانم پروین نمازی، آقای رضا صابونچی و خانم فریده جیشی. بنا به اظهار متولیان کلیه‌ی عایدات اماکن مسکونی - تجاری موقوفه‌ی تحت نظارت، صرف امور خیریه و مسجد می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شیرازی، حاج میرزا علی عسگر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هتل وینسرمیز

مرحوم حاج میرزا علی عسگر شیرازی مجتبع بزرگی را که در آن زمان به عنوان میهمانسرای شیعیان استفاده می‌شد برای استفاده‌ی عموم وقف و درآمد آن صرف امور خیریه و حسینی‌های ایرانیان می‌کند. این مجتبع در منطقه‌ی شانکی‌رود بنگلور قرار دارد. ولی به دلیل بروز اختلاف بین بازماندگان مرحوم و متولیان موقوفات آن مرحوم بر سر اجرای وقف‌نامه متأسفانه وراثت مرحوم چندین سال قبل ساختمان را به فردی هتل‌دار به مدت ۹۰ سال ماهیانه ۴,۰۰۰ روپیه (معادل ۱۰۰ دلار) اجاره می‌دهند. در صورتی که حداقل اجاره ماهیانه این هتل در حال حاضر ۲۰,۰۰۰ دلار است. مساحت زمین ۱۶,۵۰۰ متر مربع و دارای فضای بسیار وسیع، ساختمانهای چند طبقه با اتاقهای متعدد که در حال حاضر به عنوان هتل پنج ستاره استفاده می‌شود.

موضوع اختلاف و نحوه‌ی اجرای وقف‌نامه در مورد تولیت و عایدات هتل با شکایت عده‌ای از شیعیان و معتمدین بنگلور در دادگاه مطرح شده ولی بنا به اظهار آقای حاج میرزا محمد مهدی به دلیل عدم آشنایی مراجع قضایی بنگلور با مسائل وقف شیعیان، مورد اختلاف حل نشده و حتی مراتب این اختلاف به دفتر مقام معظم رهبری اعلام و استفسار شده است ولی تاکنون همچنان موضوع لاینحل مانده است. با آقای حاج حبیب شیرازی نوه‌ی واقف مذاکره شد ایشان اظهار داشتند وقف‌نامه مبهم است. بازماندگان استنباط می‌کنند که موقوفات مرحوم حاج میرزا علی عسگر شیرازی و فرزند وی باید توسط وارثین اداره شود ولی متولیان و معتمدین موقوفات معتقدند بایستی توسط آنان اداره شوند. ایشان اضافه کردند مخالفتی با حل موضوع نیست مشروط بر اینکه نماینده‌ای تام‌الاختیار از سوی مقام معظم رهبری در بنگلور حضور داشته باشند و مشکل شرعی موقوفه را حل کنند. هر حکمی ایشان بدهند لازم‌الاجرا خواهد بود.

توضیح اینکه موضوع از سوی دفتر مقام معظم رهبری در حال رسیدگی و پیگیری است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

شیرازی، حاجی زین‌العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفات حاجی زین العابدین شیرازی

این موقوفه در سال ۱۹۱۴ میلادی توسط مرحوم حاجی زین العابدین شیرازی وقف امور خیریه به منظور کمک به ایرانیان و برگزاری مراسم مذهبی شد و در سوم اکتبر ۱۹۵۲ در اداره‌ی اوقاف شهر بمبئی تحت شماره B.۶۸۱ به ثبت رسیده است. موقوفه‌ی یاد شده دارای چهار مجموعه‌ی عرصه و اعیان مسکونی و تجاری جمعاً به مساحت ۲۲۴۹۳ یارد مربع شامل حسینیه و مدرسه و مستغلات تجاری و مسکونی بوده که توسط متولیان آن اداره می‌شود.

مجموعه‌ی موقوفات مرحوم زین العابدین شیرازی به این شرح است:

۱- مدرسه و حسینیه‌ی امین در منطقه‌ی دونگری (معروف به منطقه‌ی امام باره). این حسینیه دو طبقه است و ۵۰۰ متر مربع مساحت دارد.

۲- مستغلات تجاری و مسکونی شامل پنج طبقه و دارای ۳۰ واحد آپارتمان و ۱۲ باب مغازه واقع در خیابان ابراهیم رحمه الله که همه‌ی آنها در اجاره‌ی افراد و خانواده‌ها قرار دارد و به علت اقامت طولانی آنان و همچنین سابقه‌ی طولانی مستأجرین مغازه‌ها، ماهیانه مبلغ بسیار ناچیزی دریافت می‌شود. تمثال مبارک حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در داخل و دفتر حسینیه نصب شده بود.

۳- مستغلات تجاری واقع در خیابان ابراهیم رحمه الله با ۱۲ باب مغازه در اجاره افراد قرار دارد که آن هم به علت قدمت اشتغال جنبه‌ی سرفقلی پیدا کرده و اجاره‌ی بسیار کمی دریافت می‌شود.

۴- یک مجتمع مسکونی در منطقه‌ی بایکلا به مساحت ۸۰۰۰ متر مربع دارای چندین واحد آپارتمان به صورت سوئیت با اجاره‌ی بسیار کم در اختیار خانواده‌های مختلف هندی اعم از مسلمان و غیر مسلمان قرار داد. این موقوفات تحت نظارت اعضای تولیت اداره می‌شود.

اعضای تولیت عبارتند از دکتر زمانی، سید جلال جلالی و سید مهدی جلالی.

بنا به اظهار اعضای تولیت، عایدات موقوفات همان‌طور که اشاره شد به علت اقامت طولانی و اشتغال به کار بسیار ناچیز است ولی در عین حال درآمد آن صرف امور خیریه، حسینیه و مدرسه‌ی علوم دینی موقوفه‌ی تحت نظارت می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

صمصام شیرازی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینیه‌ی حضرت ابوالفضل العباس

این حسینیه در منطقه‌ی گالی خبر حیدر آباد واقع و موقوفه‌ی مرحوم صمصام شیرازی صاحب امتیازی روزنامه‌ی شیراز - که در آن زمان به زبان اردو و فارسی در حیدر آباد منتشر می‌شد - است. مساحت آن ۱۵۰ متر مربع و متولی فعلی آن محمد جمال درویش می‌باشد.

شایان ذکر است همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایرانیان از ۵۰۰ سال قبل از زمان قطب شاهیان و آصف حاجیان تا ۹۰ سال پیش (پایان حکومت میر عثمان علی) دارای اموال و املاک موقوفات زیادی بودند که به مرور زمان از دست ایرانیان خارج شده و به تسلط حکومت هند یا به تصرف هندی‌های شیعه و غیر شیعه در آمده است. بر گرفته از کتاب: پایگاه راسخون

عابد یزدی، حاج غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مستغلات مرحوم حاج غلامرضا عابد یزدی

این مستغلات در سال ۱۹۹۰ از سوی مرحوم حاج غلامرضا عابد یزدی به حسینیه وقف شده است. مستغلات یاد شده در منطقه‌ی وان‌دری پونا قرار دارد و متراژ آن ۲۰۰ مترمربع است و کل ساختمان در اجاره‌ی مستأجرین قرار دارد. بر گرفته از کتاب: پایگاه راسخون

غیاث‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از نفایس آرشیو سازمان مرکزی اوقاف و امور خیریه، یک جزو قرآن خطی متعلق به قرن نهم هجری است. این قرآن که به قطع رحلی کوچک و جلد تیماج ضربی با رنگ قهوه‌ای سوخته است، جزو هفدهم از جامع قرآنی است که غیاث‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن در سال ۸۵۶ هجری بر مسجد جامع کبیر سمنان وقف کرده است (۱).

در صفحه اول این جزو قرآن، وقفنامه‌ای وجود دارد که متن آن به عربی است. از شروط مندرج در وقفنامه آن است که این جامع نباید از مسجد بزرگ سمنان خارج گردد؛ مگر برای مجالس خیر و به شرط برگرداندن آن؛ اما اگر جنگی رخ دهد و یا حادثه‌ای پیش آید که خطر نابودی قرآن برود، جایز است که آن را به برج احرار واقع در روستای صوفی آباد منتقل کنند و بر متولی مسجد واجب است، پس از رفع فتنه و خطر، قرآن را به مسجد برگرداند (۲).

این قرآن با خطوط نسخ، محقق و ثلث بر کاغذ سمرقندی آهار مهره کتابت شده و مجموعاً دارای دو سر سوره با نقش گل و بوته ساده است و در متن آن با خط طلایی، نام سوره و تعداد آیات ذکر شده است. همه صفحات دارای جدولهایی به قلمهای آب‌طلا و مشکی است و در بین سطرها در کنار صفحات، تزئینات و علایمی با آب طلا دیده می‌شود. هر صفحه دارای نه سطر است؛ سطر اول و آخر به قلم محقق و سطر میانی به قلم ثلث و بین این دو، به خط نسخ کتابت شده است. در صفحه پایانی، هشت یادداشت وفات شخصیت‌های سمنان وجود دارد که همه مربوط به قرن چهاردهم هجری است.

کاتب این نسخه محمد بن جنید بن محمدالحافظ الاصفهانی، از خطاطان مشهور این دوره است و نسخه خطی چند قصیده عربی و ترجمه آن (۳) به خط ثلث و نستعلیق او شناخته شده است.

واقف قرآن، وزیر بابرخان تیموری (۴) است که از سال ۸۵۳ هـ. ق حاکم خراسان بوده است. نام واقف با اندکی اختلاف در کتیبه‌ای متعلق به حمام پهنه در شهر سمنان دیده می‌شود «امر ببناء هذا الحمام المبارك فی زمان دولت سلطان الاعظم... ابوالقاسم

بابرخان... دستور الوزراء الاعظم، خواجه غیاث‌الدین محمد بن المرحوم خواجه تاج‌الدین بهرام السمنانی فی شوال سنه ست و خمسين و ثمانمائه. «تاریخ کتیبه نیز چنان که دیده می‌شود، همان تاریخ وقف قرآن بر مسجد جامع است. متن وقفنامه وقف هذا الجزء المجلد مع تسع و عشرين جزء مجلدا بهذا القطع کلها تمام کتاب الله الکریم و کلامه القدیم، الدستور الاعظم، ملک اعظم الوزراء فی العجم، الّذی هو غیاث المساکین و غوث لمصالح المسلمین، من هو لفرق الاماره تاج و لبيت الوزارة سراج، المقبول مبراته بقبول حسن، المصون دولته عن الفتن والمحن المؤید بعنایه الملك الصیدم غیاث الحق والدنیا والدین محمد بن الدستور الاعظم السعید الفائز برحمه الله الملك المجید الخواجه تاج الدوله والدین حسن - اعلى الله تعالى فی الخافقین شأنه - علی الجامع الکبیر بمدينه سمنان لانزال محمدیه عن نواب الزمان و شرط ان لاينقل منه الی مکان آخر اللمجلس عقد فی البلده علی الخیر والصیلاح بشرط ردّها بعد الفراغ الی المسجد الموقوف هو علیه من غیر تسویف و اهمال، و الا عند هجوم فتنه یخاف فیها من فواتها فانه عند ذلك یجوز ان ینقل الی برج الاحرار بصوفی آباذ لازالت محروسه عن الفتنه والفساد و اذا امنت الولایه عن مظنه الفساد فعلى المتولی المسجد ان یردّها الیه بلا تراخ و اهمال علیه. فی شهر جمادی الاول سنه ست و خمسين و ثمان مائه. [کتبه] العبد الفقیر، اضعف عبادالله، محمد بن جنیدالحافظ الاصفهانی. حامدا لله تعالى و مصلیا علی نبیه. پی نوشت: ۱- این مسجد از بناهای تیموری است که در سال ۸۲۸ هجری در زمان شاهرخ بن تیمور ساخته شده و بانی آن معزالدین ملک حسین بن خواجه عزالدین محمد بالیجه سمنانی است. [مطلع الشمس، ج ۳، ص ۳۲۲].

۲- برج احرار صوفی آباد همان مقبره علاءالدوله سمنانی است که در حبیب‌السیر آمده است. [خواند میر به تصحیح دکتر دبیر سیاقی ج ۳، ۲۲۰].

۳- احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، ج ۴، شماره ۴۰۷.

۴- سلسله‌های اسلامی، برسورث، ص ۲۴۶. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون
منابع زندگینامه: میراث جاویدان

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین میرزا فرمانفرما فرزند میرزا نصرت الدوله - شانزدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه - و حاجیه هما خانم دختر بهمن میرزا بهاء الدوله - فرزند فتح علی شاه - به سال ۱۲۷۴ ق در تهران متولد شد. پس از به پایان بردن آموزش ابتدایی، برای فراگیری فنون نظامی در مدرسه‌ی اتریشی‌ها به تحصیل پرداخت. وی از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۸ ق عهده‌دار مشاغل متعدد لشکری و کشوری بود که از آن جمله است: ریاست افواج کرمان (۱۲۹۹ ق)، ریاست قشون آذربایجان (۱۳۰۸ ق)، حکومت کرمان (۱۰۳۹ ق)، حکومت تهران (۱۳۱۴ ق)، وزارت جنگ (۱۳۱۴ ق)، حکومت فارس (۱۳۱۳ ق)، حکومت کرمانشاهان (۱۳۲۱ ق)، حکومت کرمان (۱۳۲۴ ق)، وزارت عدلیه (۱۳۲۵ ق)، حکومت آذربایجان (۱۳۲۵ ق)، وزارت عدلیه (۱۳۲۷ ق)، وزارت جنگ (۱۳۲۸ ق)، حکومت کرمانشاهان (۱۳۳۰ ق)، وزارت داخله (۱۳۳۳ ق)، صدارت اعظم و وزارت داخله (۱۳۳۴ ق)، و حکومت فارس (۱۳۳۴ ق).

عبدالحسین میرزا فرمانفرما پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا زمان وفاتش به سال ۱۳۱۸، عهده‌دار هیچ شغل دولتی نبود و بیشتر وقت او به تربیت فرزندان و اداره‌ی املاکش سپری گردید. هدف از تألیف این مقاله پرداختن به زندگی سیاسی فرمانفرما نیست که این مهم مجال دیگری می‌طلبد در اینجا تنها به ذکر موقوفات و بخشی از خدمات فرهنگ دوستانه‌ی وی پرداخته می‌شود؛ موضوعی

که در بررسی زندگانی رجال عصر قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اولین وقف‌نامه‌ی به جای مانده از فرمانفرما متعلق به پنجم ربیع الاول ۱۳۴۱ (آبان ۱۳۰۲) است که طی آن وی شش دانگ کاروان سرای ملکی خود را در تهران با هدف ایجاد محل «تدریس و مدرس و تعلیم و تعلم... علوم دینی‌ی شرعی‌ی اسلامی» وقف کرد. از آنجا که کاروان سرای یاد شده

در جنب مسجد قرار داشت، واقف پیش بینی کرد «در صورتی که برای مسجد مزبور در ایام عزاداری حضرت سید الشهداء - ارواح العالمین له الفداء - و یا در لیالی قدر و در امور خیریه از قبیل اقامه‌ی مجلس ترحیم راجع به هر کس باشد، حاجت به استفاده از فضای این کاروان سرا که فعلا- عنوان مدرسه‌ی اطفال دارد به هم رسد...مانعی از برای این گونه مداخلات و استفادات موقتی نخواهد بود»

آن گونه که اشاره شد، فرمانفرما طی سال‌های ۱۳۳۸ - ۱۳۳۴ ق والی فارس بود. او در ذی الحجه‌ی ۱۳۳۷ زمینی را واقع در خارج دروازه‌ی باغ شاه شیراز از حاج غلام حسین اعتماد التجار خرید و آن را در رمضان ۱۳۴۲ (اردیبهشت ۱۳۰۳) با هدف تأسیس مریض‌خانه‌ی عمومی وقف کرد. فرمانفرما تولیت این موقوفه را به «دکتر کار و بعد از ایشان در هر عصر با رییس و متصدی کل امور مریض‌خانه‌ی مزبوره» واگذار کرد.

این بیمارستان با نظارت و مدیریت پزشکان انگلیسی به انجام خدمات خود ادامه داد تا اینکه در دوران نخست وزیری دکتر مصدق، سرپرستی و اداره‌ی آن به وزارت بهداری واگذار شد. امکانات و فعالیت‌های فعلی بیمارستان به این شرح است:

مساحت عرصه: ۲۲۴۰۰ متر مربع.

مساحت اعیان: ۴۰۰۰ متر مربع.

خدمات مورد ارائه: اورژانس، زنان و زایمان، اطفال، جراحی قلب و سایر بیمارهای عمومی.

این مرکز درمانی یک بار نیز در زمان جنگ مورد هجوم جنگنده‌های عراقی قرار گرفت که منجر به تخریب قسمتی از بیمارستان و شهادت تعدادی دیگر گردید. این مرکز درمانی هم اکنون به وسیله‌ی سپاه پاسداران اداره و جهت مداوای کلیه‌ی پرسنل سپاه و دیگر مراجعین فعال می‌باشد.

دیگر موقوفه‌ی فرمانفرما که آن نیز به سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۳ ش) وقف شد و در ارتباط با امور صحتی و بهداشتی محسوب می‌شد زمینی به مساحت یک هکتار از باغی مشهور به اطلس بود که جزو اراضی منازل مسکونی وی در تهران بود. در مقدمه‌ی وقف‌نامه آمده است: با توجه به مشکلات ناشی از «امراض مسریه‌ی مزمنه» که «در خطه‌ی ایران خاصه طهران شیوع یافته» که مداوای آن نیازمند «تزیق و برای مواد تزریقیه محتاج به خارج و شدت احتیاج به آن اهالی را دچار مشکلات کرده» است، هدف از وقف این زمین تأسیس مرکزی است که «مواد تزریقیه و اسباب و لوازم تلقیحیه‌ی امراض متنوعه از قبیل آبله و طاعون و وبا و دیفتری و گزیده‌ی مار و سفلیس و سوزاک و امثال آنها در آن محل تهیه و تدارک شود... و یک مریض‌خانه که بیست مریض را در آنجا بتوانند پذیرند در آنجا تهیه و تدارک شود و مرضای آنان در مریض‌خانه‌ی آنجا معالجه گردند». برای تأمین آب این محل، واقف معین نمود: «از آب مجرای دو ساعت مزبور هم محل مزبور و ساکنین در آن از طیب و جراح و اجزا و مستخدمین و مرضی مشروب و سقایت شوند». همچنین برای ساخت و ایجاد بناهای مورد نیاز در

آن محل، مبلغ ده هزار تومان اختصاص داد. هیأت دولت نیز به منظور کمک به تأسیس موسسه‌ی پاستور ایران، مبلغ پانزده هزار تومان به آن اضافه کرد.

پیشینه‌ی آشنایی و برقراری ارتباط دولت ایران با انستیتو پاستور پاریس به سال ۱۳۳۸ ق (۱۲۹۸ ش) بازمی‌گردد. در این سال نصرت الدوله فیروز (وزیر امور خارجه و فرزند ارشد فرمانفرما) برای شرکت در کنفرانس صلح پاریس، عازم فرانسه شد. او در این سفر سه

تن از پزشکان متبحر ایرانی را نیز با خود همراه نمود. این هیأت در طی چندین جلسه در انستیتو پاستور پاریس با پرفسور امیل رو که در آن زمان ریاست این انستیتو را بر عهده داشت مذاکراتی به عمل آوردند و در نتیجه‌ی آن برای تأسیس انستیتو پاستور ایران به تفاهم رسیدند. سه ماه پس از این مذاکرات، موافقت‌نامه‌ای به امضای نصرت الدوله فیروز و پرفسور رنه‌لگرو و رییس دروس عالی انستیتو پاستور پاریس به امضا رسید که سرمشتق همکاری فنی ایران و فرانسه برای تأسیس انستیتو پاستور ایران شد. پس از آن در رجب ۱۳۳۸ (فروردین ۱۲۹۹) قرارداد استخدام دکتر ژوزف منار به عنوان نخستین رییس انستیتو پاستور ایران به امضای نصرت الدوله فیروز رسید. دکتر منار در پی امضای استخدامش به ایران آمد و چون تا آن زمان هنوز هیچ گونه بنایی برای فعالیت انستیتو پاستور در تهران ساخته نشده بود، وی خانه‌ای را در خیابان استخر اجاره نمود و در همان جا فعالیت خود را آغاز کرد. وقتی فرمانفرما از شرایط نامساعد دکتر منار و همکاران ایرانی او آگاهی یافت، از آنجایی که خواهان موفقیت ایشان بود، خود دست به کار شد و با وقف نمودن زمین، ابنیه و آب آشامیدنی مورد نیاز و همچنین اختصاص بودجه‌ای قابل توجه به یاری آنان برخاست.

از دیگر اقدامات فرمانفرما برای یاری رساندن به مراکز درمانی، اختصاص نیمی از درآمد حاصله از سه روستای اسدآباد همدان به نام‌های «سرچشمه، گنبد و نجف آباد» به بیمارستان فیروزآبادی بود. این بیمارستان به همت شادروان آیت اله سید رضا فیروزآبادی در شهر ری بنیان نهاده شده بود. فرمانفرما در وصیت‌نامه‌ی مورخ ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۴۵ ش آورده است: «پنج عشر دیگر از عواید املاک مرقومه را در مریض خانه‌ی فیروزآبادی واقع در حضرت عبدالعظیم (ع) در تحت نظریه‌ی صحیه کل مملکتی و خود فیروزآبادی، او یقوم مقامه، به مصرف برسانند و بعد از انقضای مدت سی سال از تاریخ فوت موصی، هم سه عشر از مخارج مقبره را ضمیمه‌ی پنج عشر مخارج مریض خانه نموده و به مصرف مریض خانه برسانند» مفاد وصیت مذکور تا سال ۱۳۵۲ به اجرا درمی‌آمد. در این سال این روستاها مشمول اصلاحات ارضی شد. اما خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب و با تلاش مسئولین بیمارستان مفاد سند مجدداً به اجرا درآمد که تا زمان حاضر نیز به قوت خود باقی است.

چند سال بعد (رمضان ۱۳۴۷ / اسفند ۱۳۰۷) فرمانفرما قطعه زمینی را که در محله‌ی سنگلج تهران داشت، برای «مسجد سبزی کار معروف به همت آباد» وقف نمود. با مطالعه‌ی این وقف‌نامه پی می‌بریم که او پیش از این «پانصد ذرع» زمین دیگر «مطابق وقف‌نامه‌ی معتبره» برای همین

مسجد وقف کرده بود متأسفانه با وجود جستجوی فراوان متن آن یافت نشد.

در بین اسناد یافت شده در موضوع موقوفات فرمانفرما، مجموعه اسنادی متعلق به سال ۱۳۲۳ ش در بایگانی سازمان اسناد ملی ایران موجود است. در تیرماه این سال نامه‌ای از سوی «اتحادیه‌ی محلی شمال غرب تهران» خطاب به وزیر فرهنگ (دکتر قاسم غنی) ارسال شد که در آن پس از اظهار اینکه «از طرف مرحوم عبدالحسین فرمانفرمایان قطعه زمینی به مساحت هفت صد متر مربع در خیابان نشاط... برای بنیاد دبستان وقف گردیده است» عنوان شد که تا حال هیچ ساختمانی در آن احداث نشده و در حال حاضر به «محل ریختن زباله و کثافات و شن‌های ساختمانی» تبدیل شده است. در ادامه‌ی نامه درخواست شده بود با توجه به این مطلب که «در نزدیکی همین زمین سه باب دبستان... واقع است که زمین ورزش ندارند و معلمین ورزش وقت خود را بیهوده می‌گذرانند... دستور فرمایند... زمین مرقوم را محصور نمایند تا با مساعدت انجمن تربیت بدنی برای باغ ورزش کودکان این محل آماده شود...».

رسیدگی به درخواست مندرج در این نامه به رییس اداره‌ی تربیت بدنی (صدری) ارجاع گردید. او نیز در تاریخ ۸ / ۴ / ۱۳۲۳ در نامه‌ای به ریاست کل اوقاف که رونوشت نامه‌ی «اتحادیه محلی شمال غرب تهران» را هم به پیوست خود داشت، از وضعیت زمین مورد بحث استعلام نمود که «اولاً تعیین نمایند... جزو موقوفات است یا خیر و در ثانی چنانچه وقف باشد، نظر آن اداره را نسبت به تقاضای ساکنین شمال غرب تهران مرقوم دارند...» از مطالعه‌ی گزارش مورخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۲۳ که از سوی بازرس اداره‌ی کل اوقاف تهیه شده بود، چنین برمی‌آید که تلاش آن اداره‌ی کل در شناسایی و یافتن زمین مورد بحث بی‌سرانجام بوده است. در نتیجه در

نامه‌ای به اداره‌ی تربیت بدنی (به تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۲۳) خواستار ارائه‌ی نشانی دقیق‌تری از این زمین شد. دو هفته بعد، در تاریخ ۱۴ / ۶ / ۱۳۲۳، رییس اداره‌ی تربیت بدنی (صدری) در پاسخ به استعلام پیش گفته «نقشه‌ی زمین منظور را به پیوست» به اداره‌ی کل اوقاف ارسال داشت. اما مکاتبات بعدی نیز به نتیجه نرسید و متأسفانه مجموعه اسناد موجود در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران که تاریخ آخرین سند آن ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۲۳ می‌باشد و از رییس کل اوقاف (محمد ملک‌زاده) به اداره‌ی فرهنگ تهران و توابع ارسال شده است، روشن‌گر نتیجه‌ی نهایی اقدام به عمل آمده به منظور بهینه‌سازی بازدهی زمین وقفی مذکور نیست. تلاش راقم این سطور نیز برای یافتن وقف‌نامه‌ی زمین مورد بحث تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

از دیگر اقدامات فرمانفرما در راه تأسیس مراکز آموزشی که به علت شرایط نامساعد زمانه به نتیجه مورد نظر منتهی نشد، اقدام برای تأسیس «دارالفنون» در تبریز بود. فرمانفرما با سمت «ایالت کل و سرداری آذربایجان» در ۱۲ رجب وارد تبریز شد. یک ماه بعد (۱۲ شعبان) در روزنامه‌ی انجمن تبریز مقاله‌ای به امضای حاج محمود کاشانی (از اعضای انجمن تبریز) منتشر شد که در آن از نیت خیر فرمانفرما برای اختصاص ساختمان و بودجه‌ی مستمر به منظور تأسیس دارالفنون حکایت می‌کرد. بخشی از مقاله مذکور چنین بود: «حضرت معظم له دو روز قبل که در تلگراف خانه‌ی مبارکه تشریف داشتند خطاب به بعضی از آقایان هیأت انجمن مقدس نموده و فرمودند که از روز ورود به تبریز، من شب و روز در فکر تأسیس یک مدرسه‌ی دارالفنون هستم که جامع هر گونه علوم و صنایع باشد از قبیل طبابت و مهندسی و علم حقوق و غیره که امروز محتاج علیه عامه است از اولاد وطن عزیز خودم به عمل آورده این خاک پاک آذربایجان را

به کلی از خارج بی‌نیاز نمایم و این بنا از من به یادگار بماند. برای محل دارالفنون هم خانه‌ی ملکی خودم را معین کرده‌ام که عبارت از صد خروار زمین و عمارت جامع و خوش نقشه است و در چندین سال قبل زمین آن را به بیست و پنج هزار تومان خریده‌ام. به علاوه‌ی این خانه و باغچه، یک قطعه از املاک خودم را هم تقریباً سالی شش صد تومان منافع آن باشد وقف این دارالفنون خواهم کرد مشروط بر اینکه چند نفر از اهالی با ثروت وطن پرست این مملکت هم در این امر با من همراهی و اتفاق بکنند که اقل سالی پنج هزار تومان عایدی داشته و کفایت مخارج سالیانه‌ی آن را بنمایند و بعد از تأسیس دارالفنون، زحمات من مثل سایر اقدامات ضایع و هدر نشود. مسلم است چنین مدرسه‌ی عالی که دارای چندین معلم و مدرس و استاد خواهد بود، سرمایه‌ی معتبر و ترتیبات صحیح می‌خواهد که بدواً تدارک اساسیه‌ی آن را دیده و از ولایات خارج معلمین آن را فراهم بیاوریم. اگر دخل آن همه ساله موافق خرج برسد، سال به سال ترقی و دوام خواهد کرد و الا دو سال اول بساط آن بر هم خورده و تمام زحمات به هدر خواهد رفت بلکه‌ی مایه‌ی پشیمانی خواهد شد. حالا از من اقدام و از شما همت.

نویسنده‌ی مقاله پس از نقل اظهارات فرمانفرما اظهار امیدواری کرد:

اکنون چشم امید و روی انتظار ما به سوی بزرگان با همت و ملت خواهان با ثروت است. حالا که می‌خواهد این باب سعادت به روی اولاد وطن باز شود، نگذارند مسدود گردد. دامن همت را از این بنای خیر عقب نکشند و پای مردی را از این طریق ترقی پس نگذارند... حیف است، خجالت است، ننگ است در یک محله‌ی تبریز که سکنه‌ی آن مغایرت مذهبی با ما دارند چندین باب مکاتب منظم داشته باشند و با سرعت تمام تحصیل علوم و فنون نمایند و روز به روز بر ترقیات علمی و ادبی خودشان بیفزایند اما اطفال اسلام و اولاد بنی‌فاطمه با حال پریشان در کوچه و بازار روی خاک نشسته و دست تکدی به این و آن دراز کنند....

اما مشروح مذاکرات مورد اشاره‌ی آن مقاله، در ۱۵ شعبان در روزنامه‌ی انجمن منتشر گردید که البته در نقل بعضی اظهارات با مقاله‌ی پیش گفته تفاوت داشت. ان بخش از مذاکرات که به موضوع تأسیس «دارالفنون» ارتباط داشت، چنین بود:

حضرت حکمران [فرمانفرما] -مطلب دوم اینکه چند روز قبل به آقا میرزا آقا گفتم که من از روز ورود به تبریز درصدد این هستم که در این مملکت یک دارالفنون تأسیس کنیم که رفع احتیاجات ما را از خارجه بکند. مثلاً از این دارالفنون طبیب بیرون بیاید.

همچنین معمار و مهندس برای ساختن راه شوسه و هندسه کوچه‌ها و غیره و برای محل این دارالفنون من خودم شخصا حاضر شده‌ام بر اینکه یا خانه‌ی ملکی خودم را که تقریباً پانزده هزار تومان ارزش دارد وقف نمایم یا اینکه ده هزار تومان وجه نقد بدهم که هر جا را برای دارالفنون مناسب می‌دانند، اتباع کنند مشروط بر اینکه سایر آقایان هم با من همراهی بکنند و این را هم نخواهم گفت که فلان شخص حکما ده هزار

تومان بدهد. هر کس به صرافت طبع و همت خود در این امر خیر شریک بشود، مختار است. آقا میرزا آقا هم کتابچه‌ی ترتیبات آن را نوشته و ارائه خواهد داد.

جناب حاجی نظام الدوله - پنج هزار تومان هم بنده برای تأسیس این امر می‌دهم .

چندی بعد (۹ رمضان) در مقاله‌ای که در موضوع تشریح راه‌های گوناگون برای خدمت به وطن تألیف شده بود، از نیت «حکمران مهربان» آذربایجان (فرمانفرما) تقدیر به عمل آمد .

در ۱۱ شوال نیز روزنامه‌ی انجمن به انتشار «لایحه‌ی چند نفر از هموطنان غیرتمند» اقدام کرد. در این «لایحه» آمده بود: با توجه به فقدان «دارالفنون» در کشور، افرادی که از مدارس فارغ التحصیلان می‌شوند، برای تکمیل تحصیلات خود مجبورند «جلای وطن کرده و به ولایات آمریکا و اروپا منتشر شوند...» و آن قدر در خاک اجانب غربت اختیار کنند که بالکلیه از حس ایرانیت عاری و به احتیاجات آتیه‌ی ما غیر نافع شوند». بنابراین لزوم تأسیس «دارالفنون» آشکار می‌شود «و در این امر آنچه لازمه‌ی همت و وظیفه‌ی ایرانیت است، حضرت والا- شاهزاده فرمانفرما - دامت شوکت - و آقای حاجی نظام الدوله به جا آورده و چنانچه وعده و نوید داده‌اند ان شاء الله این ملت سیاه بخت را از بی‌راهه‌ی جهالت به جاده‌ی هدایت خواهند آورد». در ادامه نیز «از سایر ممولین مملکت» خواسته شده بود تا ضمن رفع نواقص مدارس، به انجام مقصود فرمانفرما یاری رسانند .

اما محتوای مقاله‌ای که از طرف «جریده‌ی انجمن» بلافاصله پس از «لایحه‌ی» مذکور به چاپ رسید، بیانگر بی‌اعتمادی نویسنده به وعده‌های فرمانفرما بود. در آغاز مقاله پس از اشاره به اظهارات فرمانفرما در موضوع تأسیس «دارالفنون» نوشته بود: «ولی این قول صورت فعلیت پیدا نکرده و ما را نیز از انتشار آن همه ثنا و ستایش در نزد ملت منفعیل ساخت و هر که رسید زبان و به ملامت و تویخ گشود که ای نگارنده‌ی ساده لوح، خیال موهوم را نباید ما حاضر عموم کرد...» در دنباله با لحنی کنایه‌آمیز پیشنهاد کرد به «مسیو کارینکی که یکی از دولتمندان با همت نوع پرست آمریکا است... که در دهات امریکا مدارس افتتاح کرده و در شهرها قرائت‌خانه‌ها و مریض‌خانه‌ها تأسیس نموده» نامه‌ای نوشته و از او درخواست کمک کنند. همچنین در تفسیر عقاید و آرای «مسیو کارینکی» افزود:

باید حصه‌ی بزرگی از دولت آنها (ممولین) نصیب افراد ملت باشد یعنی دولتمندان صرف کنند یک قسمت عمده‌ی مکنت خود را در تأسیس مدارس و مکاتب و مریض‌خانه و قرائت‌خانه و کارخانه و کشف معادن و امتیاز راه آهن و شرکت بانک ملی که فایده و منافع آن به عموم قوم می‌رسد و مایه‌ی ترقی ملک و ملک می‌گردد نه اینکه یک دیگ شله‌زرد یا آش ابوهریرا بپزد به همسایه‌ها قسمت کند و فقیر دم در را با فحش براند و مرغ پلو را نوش جان کرده با شوق و ذوق در رختخواب نرم بخوابد که من امشب احسان کرده قوم را احیا نمودم....

خرده‌گیری و انتقاد به فرمانفرما در موضوع عدم انجام وعده‌اش در تأسیس «دارالفنون» ادامه داشت. از جمله روزنامه‌ی مجلس در ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۵ مقاله‌ای با عنوان «مکتوب تغلیس، قابل اعتنای وزارت معارف» با امضای عبدالکریم طباطبایی منتشر کرد. نویسنده این «مکتوب» پس از انتقاد از وزارت معارف که هنوز نتوانسته «پروگرام منظمی» برای مدارس کشور تهیه و اجرا کند به انتقاد از «طبقه‌ی اغنیا» پرداخت که در حمایت از توسعه و گسترش مدارس اقدامی به عمل نمی‌آورند و صرفاً «موافق مقتضیات وقت سخن» می‌گویند تا «اسم خود را در جراید منتشر کنند». سپس برای اثبات این ادعا از فرمانفرما مثال آورد که «در بدو ورود خود به

تبریز در انجمن ایالتی اظهار کرده بودند که اول خدمتی که در راه وطن خیال دارم بکنم و وجود آن را از هر اقدام لازم‌تر می‌دانم، احداث مدرسه‌ی دارالفنون در تبریز است که برای پیشرفت تمدن، اولین وسیله است. ولی متأسفانه نمی‌دانم چرا تا حال اثری از این فرمایش حضرت والا ظاهر نشده، آن هم مانند سایر اصلاحات جزء هوا شد. و در خاتمه تأکید کرد:

اول درجه‌ی تمدن، ایجاد مدارس به رسم جدید می‌باشد و تا کارخانه‌ی آدم سازی دایر نشود، سایر کارخانجات مملکت رونق نخواهد گرفت.

هر چند در این فرصت قصد آن نیست که به اوضاع و شرایط بحرانی آذربایجان در دوران مأموریت فرمانفرما به آن سامان پرداخته شود، اما اشاره‌ای مختصر، ضروری به نظر می‌رسد. اعزاز فرمانفرما به آذربایجان در دورانی صورت گرفت که در اقصی نقاط این ایالت مهم (حتی در تبریز) نشانی از انتظام و امنیت به چشم نمی‌خورد. ناامنی‌های حاصل از دسته بندی موافقان و مخالفان انقلاب مشروطه، غارت گری ایلات و طوایف مختلف، نفوذ همه جانبه‌ی روسیه، کمبود شدید نان و ارزاق عمومی در شهرها، سرکشی و نافرمانی رعایا از پرداخت سهم مالکان، فقدان بودجه و نیروی لازم برای تأمین امنیت و جلوگیری از هرج مرج،.... تنها بخشی از مشکلات موجود در راه اداره‌ی آذربایجان بود. در عین حال تهاجم نیروهای عثمانی به فرماندهی فریق پاشا به منطقه‌ی ساوجبلاغ (مهاباد امروزی) فرمانفرما را بر آن داشت تا به اتفاق نیروهای اندکش سراسیمه به آن منطقه بشتابد. او در سوم ذی حجه وارد ساوجبلاغ شد و در آنجا به محاصره‌ی ارتش عثمانی درآمد که شرح جزئیات آن در تواریخ انقلاب مشروطه آمده است و از حوصله این صفحات خارج است. به نظر می‌رسد که با توجه به این معضلات بود که فرمانفرما در مدت محدود مأموریتش فرصت به انجام رساندن وعده‌ی خود را نیافت؛ کما اینکه محتشم السلطنه (از رجال مشروطه خواه) در تلگراف حضوری‌اش از تبریز به تهران، خطاب به سید حسن تقی‌زاده (نماینده‌ی تبریز) نوشت: «حضرت والا فرمانفرما جان می‌کند، زحمت می‌کشد. باید با ایشان همراهی کرد، کمک کرد، تقویت کرد، کار خواست» از سوی دیگر در اسناد به جای مانده از فرمانفرما دو نامه به تاریخ‌های ۸ و ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۷ موجود است که بیانگر قصد فرمانفرما برای اهدای «عمارت» مورد بحث به منظور تأسیس «دارالفنون» است. نامه‌ی اول از بهجت السلطنه (از مباشران فرمانفرما در آذربایجان) است. در این نامه می‌خوانیم:

به تاریخ ۸ شهر ذی قعدة‌ی ۱۳۲۷

اگر چه دستخط مبارک [را] در باب عمارت زیارت نکرده که کجا را به دارالفنون مرحمت فرموده‌اند؛ حضرت علیه نزهت الدوله در باب آن اراضی محرمانه از چاکر جویا شده بودند که: در باب آن اراضی که خواسته بودم، حضرت اقدس والا چیزی نوشته بودند؟ جواب عرض کردم: در این باب و عمارت، دستخطی زیارت نکرده‌ام. می‌فرمایند تحقیق نمایم؟ فرموده بودند به اسم خودت بنویس.

و اما متن نامه‌ی دوم که از سوی نزهت الدوله خطاب به فرمانفرما نوشته شد، به این شرح است:

به تاریخ ۱۵ ذی قعدة‌ی ۱۳۲۷

قربانت شوم! بعد از ادای مراسم شکر گزاری از صحت و سلامتی وجود مسعود مبارک حضرت مستطاب اشرف اعظم اقدس والا، به مقام مبادرت و جسارت برآمده، عرض می‌نماید: سابق، از قراری که مذکور شد، حضرت اشرف اقدس والا عمارت بیرونی را به مدرسه‌ی دارالفنون واگذار فرموده‌اند. اگر چنانکه در واقع این اقدام را فرموده‌اند، بهتر از این، اسباب نیک نامی در انظار عموم ملت چه خواهد بود؟ ولی آن زمینی که متصل به عمارت اندرونی است، به کمینه مرحمت فرموده‌اند. قاطر خانه‌ای که در اتصال طولی‌ی جناب اجل آقای حاجی نظام الدوله دارند، در صورتی که بیرونی را به مدرسه واگذار فرمایند، آن قاطر خانه چون جزء بیرونی است، جزء مدرسه خواهد بود و همان قاطرخانه، مابین باغچه‌ی اندرونی بنده و و طولی‌ی جناب آقای حاجی نظام الدوله واقع شده [است]. بعد از آنکه آنجا به مدرسه واگذار شد، دور نیست بعضی تصرفات نمایند، اسباب زحمت می‌شود. اگر چنان که

فی الواقع عمارت بیرونی را به مدرسه واگذار فرموده‌اید، دیگر آن مختصر قاطر خانه به چه کار خواهد آمد؟ با اینکه آنجا با این زیادی مکان،

هیچ وقت به جناب آقای حاجی نظام الدوله و بنده لازم نخواهد شد، به ملاحظه‌ی همین نکات که عاقبت اسباب دردسر می‌شود، به مقام جسارت برآمد. هر گاه آنجا را برای خودتان نگاه خواهید داشت، هیچ عرضی ندارد. اگر چنان که جزو مدرسه یا علی حده به کسی خواهید بخشید، مخصوصاً متمنی هستم که دو کلمه به جناب بهجت السلطنه دستخط فرمایند آنجا را بدهد قیمت نمایند، قباله داده قیمت آن هر چه باشد، تقدیم شود. اگر چه دستگاه خالی است، برای یک شاهی معطلی است، به همین ملاحظات که عاقبت اسباب دردسر بر هم نیاید، ناچار هستم که قیمت آن هر چه باشد جابه‌جا کرده، تقدیم نمایم.

از سوی دیگر نامه‌ای از فرمانفرما به نظام الدوله به تاریخ ۵ ذی حجه‌ی ۱۳۲۸ موجود است که نشان دهنده‌ی امکان تأسیس «مدرسه‌ی سعادت ملی» به جای «دارالفنون» در محل مورد اشاره است. در این نامه فرمانفرما به نظام الدوله نوشت:

... سابقاً به جهت تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون در تبریز قول داده بودم حیاط بیرونی آنجا را واگذار نمایم. این اوقات جناب فتوح السلطنه تلگرافی مخابره نموده‌اند که اجازه بدهید خانه را برای مدرسه‌ی سعادت ملی واگذار نمایند... حالا اطلاعی به حضرت عالی تصدیق می‌دهم که بنده به قول خود وفا خواهم کرد ولی بنا بود که حیاط را به عنوان مدرسه‌ی دارالفنون بدهم. حالا چه شده که تبدیل به مدرسه‌ی سعادت ملی می‌نمایند... در هر حال، تفصیل را به موقر خلوت حالی کرده و به جناب حاجی علی کمپانی هم که در این روزها عازم تبریز است گفته‌ام بعد از ورود با اطلاع و تصویب حضرت عالی اقدام در واگذاری حیاط بیرونی به جهت مدرسه‌ی ملی بشود (۳۴).

اما چنین برمی‌آید که سرانجام «عمارت» مورد بحث به عنوان تأسیس «مدرسه‌ی دارالفنون» اهدا گردید چرا که بهجت السلطنه در نامه‌اش به فرمانفرما (۲ صفر ۱۳۲۹) نوشت:

در خصوص عمارت که حضرت اقدس والا به مدرسه‌ی دارالفنون مرحمت فرموده‌اند، در این باب دستخطی به چاکر نفرموده‌اند کجا را بدهم و کجا را ندهم. این است که جسارت می‌کند این مسأله را مشروحا دستخط فرمایند چاکر تکلیف خود را بدانم که کجا را خواهم داد.

شیوه‌ی دیگر کمک فرمانفرما در حمایت از مدارس و نشر معارف، اعطای کمک مالی به آن مراکز بود. هر چند در این زمینه مدارک متعددی یافت شد، ولی به منظور پرهیز از اطاله‌ی کلام در اینجا تنها به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

نمونه اول که به هشتم ذی قعدة‌ی ۱۳۲۷ بازمی‌گردد، حاکی از کمک مستمر «پنجاه تومانی» فرمانفرما به «دبستان سالار ملی» در تبریز است که مباشر وی (بهجت السلطنه) برای فراهم آوردن آن با مشکل مالی مواجه شده بود.

دومین نمونه که مربوط به سال ۱۳۲۸ ق است، نشانگر مطالبه‌ی کمک «جمعیت نشر معارف آذربایجان» از فرمانفرما برای تهیه‌ی وسایل مورد نیاز «جمعیت» است. نامه‌ی فرمانفرما به مباشر خود که حاوی ارائه‌ی طریق برای چگونگی کمک به «جمعیت» یاد شده است، روشن‌گر روحیات شخصی او است که از سویی خواهان اهدای وسایلی است «که به درد... کار معارف بخورد» و از دیگر سو با اهدای وسایلی که به کار «معارف» نیاید «مانند چهل چراغ» موافق نیست. برای روشن تر شدن مطلب، نامه‌ی فرمانفرما در این باره را در پی می‌آوریم.

۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۸

جناب بهجت السلطنه، روحی فداک! «جمعیت نشر معارف تبریز» قدری اسباب، از قبیل صندلی و میز و نیمکت از من خواسته‌اند. کاغذی در این خصوص به شما نوشته و به توسط خود آنها فرستاده‌ام. این مختصر را هم مستقیماً می‌نویسم که معادل ۲۳ صندلی حصیری و پنج و شش میز با سه چهار نیمکت که روی آنها قالی باشد، به آنها بدهید و به اندازه‌ای که اگر یکی از بچه‌ها به تبریز

آمد بتواند در آنجا زندگی کرده و از حیث مبل محتاج باشد. نگاه دارید. آن نیمکت‌ها را که رویه‌اش قالی یا پارچه‌ی قیمتی باشد بردارید، که [اگر] خودشان آمدند سوا کنند جلو چشم نباشد. دیگر خودتان بهتر می‌دانید که [به] چه ترتیب، هم آنها را راضی کرده و هم چیزی قیمتی از دست ندهید. زیاده است. فرمانفرما.

اینکه این طور نوشته است، نه قصدم این است آنچه را آنها لازم داشته باشد ندهید ولی مثلاً: «انجمن نشر معارف» ما می‌دانیم چهل چراغ لازم ندارد. نیمکت و صندلی به اندازه‌ای که لازم دارند و شما دارید، بدهید. فرمانفرما. چیزهایی که بخواهند اخاذی بکنند، نباید داد. چیزهایی که به درد آن کار معارف بخورد، باید از جان و دل داد. عبدالحسین فرمانفرما.

«جمعیت» نیز پس از تحویل اثاثیه‌ی مورد نیاز خود از بهجت السلطنه، در نامه‌ی جداگانه‌ای از فرمانفرما قدردانی کرد و در صفحه‌ی پیوست آن، فهرست اثاثیه‌ی تحویلی را اعلام نمود.

نوع دیگر از اقدامات فرمانفرما که جنبه‌ی عام المنفعه داشت و در ارتقای سطح فرهنگ عمومی تأثیر مثبت به جا می‌گذاشت، چاپ و انتشار مطالب مورد نیاز مردم بود. چاپ ۲۱۰۰ مجلد قرآن مجید و اهدای آن به سال ۱۳۱۱ ق اولین خبر از این نوع اقدامات او است که از آن اطلاع حاصل شد. خبر این اقدام در روزنامه‌ی «مدرسه‌ی مبارکه‌ی دارالفنون تبریز موسوم و مفتخر به مدرسه‌ی مظفریه» چنین آمده است:

نواب مستطاب اشرف امجد والا-شاهزاده اکرم فرمانفرما - دامت شوکته - که همیشه دست گیر فقرا و ضعفا و طالب ثواب دنیا و عقبی بوده، با کمال حسن خط و مواظبت در صحت، دو هزار و یک صد جلد کلام الله مجید به طبع رسانده و همه را به نام مجانی نه به صورت وقف به مستحقان و تالیان قرآن هدیه و ایثار کرد که در حال تنگ دستی و احتیاج به دیگری هدیه نیز توانند کرد.... اقدام دیگر او به دوران وزارتش بر عدلیه (در کابینه‌ی وزیر افخم) بازمی‌گردد. در این دوره او کوشید شرایط مناسبی فراهم آورد تا روزنامه‌ای با هدف «درج اخبار محاکمات وزارت عدلیه» انتشار یابد. انگیزه‌ی وی از انجام این مهم به میدان کشیدن افکار عمومی در ارتباط با کارکرد وزارت عدلیه بود. سرانجام در ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ اولین شماره‌ی این روزنامه که محاکمات نام گرفته بود در تهران و با مدیریت مجد الاسلام کرمانی منتشر شد که در ابتدا هفته‌ای یک شماره و پس از مدتی، یک روز در میان انتشار می‌یافت و بعداً به روزنامه‌ی رسمی وزارت عدلیه تبدیل شد.

همان گونه که اشاره شد، با توجه به اوضاع بحرانی آذربایجان در رجب ۱۳۲۵ فرمانفرما به آن ایالت اعزام گردید. یکی از مسائل مورد بحث در این دوره لزوم تسریع در انجام انتخابات - در عین رعایت قوانین حاکم بر آن - بود اما از آنجایی که اکثریت مردم آگاهی چندانی از این قوانین نداشتند، فرمانفرما به چاپ و انتشار «کتابچه‌ی قانون انتخابات» در میان مردم همت گماشت. او در توضیح دلایل انجام این مهم خطاب به اعضای انجمن تبریز اظهار داشت:

این را بدانید که اولین مرحله‌ی انتظام مشروطیت بسته به انتخاب و کلاست و این کتابچه‌ی قانون انتخابات را که چاپ کرده و منتشر نمودم محض این بود که هر کس حق انتخاب خود را بداند و هر کس مشروطه می‌خواهد باید آن قواعد را رعایت کند و هر گاه کسی خارج از اصول نظام نامه در این امر مهم رفتار نماید ناچار قانون او را برمی‌گرداند و این کتابچه‌ی نظام نامه می‌فهماند به تمام شماها، گفته‌ی مرا ببینید اگر موافق اصول مشروطه است قبول کنید و زود شرع نمایید به امر انتخابات.

در شوال همین سال نیز به چاپ و توزیع «قانون اساسی و متمم آن» در بین مردم اقدام نمود و در نامه‌ای به تقی‌زاده انگیزه‌ی خود را از انجام آن این گونه توضیح داد:

... چون نشر و انتشار قانون اساسی بر ذمه‌ی آحاد و افراد ملت فرض و لازم است که از تکالیف خودشان آگاه و دارا باشند، این بنده به ملاحظه‌ی اینکه نسخه‌ی قانون اساسی در آذربایجان نادر و کمیاب است خواستم خدمتی به عالم تمدن کرده باشم؛ قانون

اساسی را با متمم آن توأم نموده در آذربایجان دادم چاپ کردند تا فیضش عام بوده، آحاد و افراد ملت بتوانند از مفاد آن بهره‌مند بشوند و برای اینکه وضع و اسلوب آن را ببینند، پنج نسخه هم با پست خدمت جناب عالی فرستادم. غرض نقشی است که ما بازماند . برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

فیروز، حاجیه ملک تاج خانم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

وقفنامه‌ی بیمارستان نجمیه:

در وقفنامه‌ی بیمارستان نجمیه که توسط حاجیه ملک تاج خانم فیروز ملقب به نجم السلطنه (مادر دکتر مصدق) در سال ۱۳۰۵ وقف شده است، تولیت موقوفه در زمان حیات به واقف و بعد از آن به فرزندش محمد خان مصدق و بعد از او به ابوالحسن خان دیبا سپرده شده است. نظارت را نیز به دختران خود و ارشد اولاد آنها نسل اندر نسل سپرده است (رضایی، ۱۳۷۸، ص ۴۴). در این موقوفه، نقش اولاد و سلسله نسبی در نظارت و حسابرسی، مورد تاکید قرار گرفته است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

قزوینی، حاج ملا عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اولین متولی موقوفات مسجدالنبی قزوین

چندی پیش دوست دانشمندی از شیراز نسخه کتابی را که به تازگی از چاپ برآورده بود در اختیارم نهاد. از مندرجات آن پیشتر آگاهم ساخته بود، اما آنچه بین الدفتین با حروفچینی شکل و عکسها و تصویرهای دیدنی و فصلبندیهای جالب دیدم لطفی دیگر داشت و موجب توجه به اندیشه‌ای باریکتر و لطیفتر گشت. محتوای کتاب شرح تاریخی انجمنهای ادبی شیراز از حدود چهارصد سال پیش تاکنون بود و به مناسبت در آن از پایه گذاران و اعضای آن انجمنها در این مدّت نسبتاً دراز شعرها و تصویرها و عکسهای بسیار نقل شده بود.

آنچه جز مجموع مطالب کتاب و منضمّات آن ذهن مرا مشغول ساخت، این اندیشه بود که دریافتم شیراز را که شهر شاعران و شهر سعدی و حافظ یا شهر گل و بلبل نام نهاده‌اند، می‌توان شهر انجمنهای ادبی نیز نامید و از همین دید شهرهای دیگر ایران را با خصوصیتی جز آنچه متداول و بر سر زبانهاست مورد توجه قرار داد؛ مثلاً یزد را گذشته از شهر بادگیرها، شهر قناتها نیز گفت، چه مردم کوشا و دلسوز آن در جاری ساختن آبهای زیرزمینی از دوردستها برای سیراب ساختن مزارع و باغات رنج بسیار کشیده‌اند. یا اصفهان را گذشته از داشتن عنوان دارالسلطنه، شهر شاهکارهای معماری و پلسازی و کاشیکاری بی نظیر لقب داد، و به همین ترتیب برای شهرهای دیگر خصوصیات دیگر جز آنچه در افواه است یافت. در این توجه به زادگاه خود قزوین رسیدم و متوجه گشتم که آنجا را نیز به جز دارالسلطنه گفتن و «بابُ الجَنّه» نامیدن یا شهر محصور میان باغهای وسیع پسته و انگور و بادام و زردآلودانستن، شهر عالمان دینی و حافظان سِنین و آداب ملّی و قومی نیز توان گفت؛ زیرا به شهادت مورخان و خاطره‌نویسان و سیاحان و ارباب

تذکره، از خصوصیات این شهر یکی هم کثرتِ علما و فضلا و

دانشمندان و اربابِ حرفت و صنعت و حافظانِ سنتهاست که از اینجا برخاسته‌اند و در میانشان نامورانی با آثار پُرارج و مؤثر در تربیت و هدایتِ اجتماع کم نبوده است. با نگاهی به کتاب المآثر والآثار اعتمادالسلطنه و مجلده دوم کتاب مینودر مرحوم گلریز و کتابهای رجال و غیره بر صحت این مدعا می‌توان دلیل آورد. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده می‌نویسد: «دیانتِ اهلِ قزوین در مرتبه‌ای عالی بود و اکثر آن قوم لقمه بی‌شبهه خوردندی و مُستجاب‌الدَّعوه بودند و بدین مناسبت هیچ حاکم برایشان تطاول نتوانستی کرد.» (۱).

این خصوصیت را مرهونِ دو امر باید دانست؛ یکی استعداد ذاتی افراد و درستی اعتقاد که ریشه در تربیت خانوادگی و پابندی خانواده به حفظِ اصول دارد و دیگر مراقبتهای دقیق و تعالیم مفید علما و دانایانِ دینی؛ تا کسی از جاده مستقیم خرد و معتقداتِ درست دور نیفتد. بسیاری عالمان و کثرتِ فقیهان این شهر در طولِ قرون، خود حجّتی است بر اهلیتِ مردم و تعلیم‌پذیری آنان و توجه به مقامِ علم و عمل. حمدالله مستوفی هم در این خصوص می‌نویسد:

علماء قزوین بیشتر صاحبِ علوم تفسیر و حدیث و فقه بوده‌اند و در طاعت و عبادت درجاتِ عالی داشته و در علومی که دین را از آن خللی باشد شروع کمتر نموده و در کارِ دین و تقویتِ مذهبِ خود به غایتِ صُلب بوده و اکابر آنجا مرتبه و جاه و عظیم یافته‌اند و بعضی به وزارت رسیده (۲)

و درباره سادات که آنان را شریفترین قبایلِ جهان می‌داند نوشته است:

سادات قزوین به زهد و ورع و تقوا و علم و ادب و قطع طمع مُتَحَلّی بودند و درویش و توانگر ایشان از طمع به دیگران مُحترز باشند و رسمِ سؤال در میانِ ایشان نیست و از کسبِ خود خورند و ساداتِ بزرگِ مستجاب‌الدَّعوه در ایشان بوده‌اند چون... (۳).

در مجموعه یادداشتهای ارزنده شادروان قهرمان میرزا عین‌السلطنه فرزند شاهزاده عزالدوله فرزند محمدشاه قاجار نامه‌ای به خط محمدشاه ضبط است که به یکی از روحانیان قزوین نوشته شده است که گویایِ درجه احترام مقام عالی مملکتی به علما و مجتهدان این شهر است. عکس نامه مذکور را که مُهر شاه با سجع «طراز افسرِ شاهی محمد» بر پشت آن زده شده است و به لطف آقای مسعود سالور فرزند مرحوم عین‌السلطنه در اختیار این جانب قرار گرفت. در همین صفحه ملاحظه می‌فرمایید.

سخن درباره ناموران قزوین در علوم و فنونِ نیازمند تدوینِ کتابهاست و از آنان هستند کسانی که کار و کردار و آثارشان در حدّ کتابی مستقل تواند بود. اینجا دامنه بحث را با شرح زندگانی و آثار یکی از این فرزانه مردانِ نیک‌اندیش که بلندمقامیش ثبت کتابها و آثار خیرش هنوز برجاست فرامی‌چینیم:

عالمی که بیانِ احوال او و نشان دادنِ یادگارهای خیر او موضوع سخن ماست، مجتهد عالی مقام حاج ملاعبدالوهاب شریف قزوینی اعلی‌الله مقامه است، اولین متولّی مسجدالنبی (مسجد سلطانی) قزوین از جانب فتحعلی شاه و از بزرگانِ علمای شیعه در قرن سیزدهم هجری.

بنای مسجدالنبی به حکایتِ کتیبه‌های موجود از فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هـ) است و در سالهای ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ هجری انجام گرفته است. (۴) اما به نوشته شاردن - جهانگرد فرانسوی که در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هـ) دوبار به ایران آمده است - این مسجد را در همین محل شاه اسماعیل صفوی (۹۱۵ تا ۹۳۰ هـ) بنیاد نهاده و فرزندش شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۷۰ هـ) به پایان رسانده است. (۵) در جمع میان نوشته شاردن با مندرجات و تاریخ کتیبه‌ها می‌توان احتمال داد که بنای صفوی به عللی بعدها رو به ویرانی نهاده و شاه قاجار به بازسازی و تکمیل آن مُبادرت ورزیده است. اینکه گفته‌اند تولیتِ مسجد را محمدشاه قاجار (۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ هـ) هنگامی که با تشریفاتی به قزوین وارد شده و در اجتماعی که در همین مسجد تشکیل یافته به مرحوم حاج ملاعبدالوهاب، که از مجتهدانِ بزرگ زمان بوده و اگذار و عصائی با یک رشته تسبیح مروارید به ایشان اهدا کرده است نه

فتحعلی‌شاه، قولی است که در نوشته یکی از افراد خاندان شفائی (نواده صاحب ترجمه) دیده‌ام و محتاج تأیید است؛ خاصه که تولیت دیگری از جانب فتحعلی‌شاه درباره قنات شاه‌طهماسبی و حاج رضائی و اراضی ده آک (در شمال غربی شهر و شمال ده حسین‌آباد) طی فرمانی که عکس آن را ملاحظه می‌فرمائید در محرم سال ۱۲۴۷ هجری به ایشان داده شده است، بنابراین ممکن است، عمل محمدشاه تنفیذی باشد در حکم تولیت نیای خود فتحعلی‌شاه.

در کتاب گرانقدر مینودر تألیف مرحوم گلریز، درباره مسجدالنبی شرح جامعی با عکسهای جالب توجه آمده است و کتیبه‌های متعدد آن نقل گردیده (۶)، اما مؤلف مرحوم در تصحیح تاریخ بنای مسجد از ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ به ۱۲۰۱ هجری دچار اشتباه شده است، زیرا فتحعلی‌شاه در ۱۲۰۱ سلطنت نداشته است. آغاز پادشاهی او ۱۲۱۲ هجری است و نیز در نقل متن کتیبه‌ها (یا به هنگام چاپ آنها) اشتباهاتی رخ داده است که باید با مراجعه مجدد به خود کتیبه‌ها و نیز به متن آیات منقول از قرآن کریم و روایات اصلاح شود.

باری شرح احوال و آثار خیر و تألیفات این عالم جلیل و فقیه نبیه را در کتابهایی چون طبقات اعلام الشیعه، کرام البرره (۷) از شیخ آقابزرگ طهرانی و الذریعه هم او (ذیل نام تألیفات وی) و مکارم الآثار (۸) از معلم حبیب‌آبادی فوائد الرضویه (۹) و معجم رجال الفكر والأحوال (۱۱) از مرحوم گلریز و قصص العلماء (۱۲) از میرزا محمد تنکابنی و برگی از تاریخ قزوین (۱۳) از مدرسی طباطبائی و غیره می‌توان دید که لب مطالب آنها را متعاقبا نقل خواهیم کرد:

مرحوم حاج ملاعبدالوهاب - رضوان‌الله علیه - فرزند محمدعلی است و چون در رساله «حُجَّیَةُ الاجماع» اشاره به رأی جدّ خود در مسأله اجماع کرده است و باز به قرینه اینکه نام یکی از برادرانش عبدالکریم است، لذا به زعم مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی (۱۴) جدّ ایشان که از علما بوده باید همان مولانا عبدالکریم صاحب کتاب نظم العُزْر فرزند مولانا محمدیحیی صاحب کتاب ترجمان اللغات باشد.

مادر صاحب ترجمه دختر آیت‌الله سیدحسین قزوینی مشهور به آقا میرحسینا (متوفی به سال ۱۲۰۸هـ) جدّ افراد خاندان حاج سیدجوادیهای قزوین و استاد مرحوم سیدمهدی بحرالعلوم است که در وثاقت و زهد و علم و تقوا وحید عصر بوده است و به سبب شرافت سیادت مادر است که مرحوم حاج عبدالوهاب را «شریف» گفته‌اند.

این عالم بزرگوار و مجتهد پرهیزکار و نیکو کردار سه برادر داشته است: مرحوم علیمردان مانند خود وی به تحصیل علوم دینی پرداخته، اما دو برادر دیگر مرحومان حاج‌رضا و حاج‌کریم (عبدالکریم، معروف به حاج‌آقا) به بازرگانی روی آورده‌اند و از اولی سرای معروف حاج‌رضا در قزوین که از بناهای معتبر است باقی مانده که دو دانگ آنجا وقف و چهار دانگ دیگر ملک است. مقبره معروف خاندان حاج سیدجوادیها را نیز این شخص برای جدّ مادریش مرحوم آقا میرحسینا بنا کرده است. و از دومی حَمّامی در محله سکه شریحان به نام حمام حاج‌کریم پی‌افکنده شده است که هنوز برجاست.

سال تولد مرحوم حاج ملاعبدالوهاب را ذکر نکرده‌اند، اما با توجه به سنین تحصیلی او در ایران و در نجف اشرف و با توجه به تاریخ اجازه روایت او و نیز با ملاحظه سال درگذشت برخی از مجتهدان عالی‌مقام که نامبرده محضر درس ایشان را درک کرده است، باید یکی از سالهای دهه آخر قرن دوازدهم هجری باشد.

فقید سعید بنا به نوشته مرحوم سیدابوطالب زنجانی مقدمات علوم را در قزوین همراه مرحوم میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی از تلامذه مرحوم حجت‌الاسلام شفتی و مرحوم مولا محمدتقی برغاتی شهید ثالث تلمذ کرده و سپس عازم نجف اشرف گردیده و آنجا از محضر درس استادانی بلند پایگاه چون مرحوم شیخ جعفر بن شیخ خضر کاشف الغطاء معروف به شیخ اکبر (متوفی به سال ۱۲۲۷ یا ۱۲۲۸هـ) و مرحوم سیدمحمد طباطبائی معروف به مجاهد از مشاهیر علمای امامیه (متوفی به سال ۱۲۴۲هـ) و مرحوم سیدمحمد مهدی بحرالعلوم، جامع معقول و منقول (متوفی به سال ۱۲۱۲هـ) و مرحوم شیخ موسی فرزند شیخ‌اکبر (متوفی به سال

۱۲۴۲ یا ۱۲۴۳ هـ) و شیخ احمد احسائی بحرانی صاحب تألیفات کثیره (متوفی به سال ۱۲۴۱ هـ) و مرحوم سیدعبدالله شبر از بزرگان فقهای امامیه و از ثقات محدثین اثنی عشریه (متوفی به سال ۱۲۴۲ هـ) و مرحوم شریف العلماء آملی مازندرانی از اعظام فقها و اصولیین اواسط قرن سیزدهم (متوفی به سال ۱۲۴۵ هـ) و مرحوم شیخ اسدالله کاظمی توستری دزفولی داماد شیخ اکبر، صاحب کشف القناع و مقایس الأنوار (متوفی به سال ۱۲۳۴ هـ) و مرحوم سیدجواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه از اعظام فقهای عصر در نجف و کربلا و کاظمین بهره جسته و از بیش از چهل مجتهد عالی قدر روایت دارد، که از فحول آنان مشایخ مذکور و نیز نبیه جلیل مرحوم آقاباقر بهبهانی و به استناد آنچه مرحوم سیدحسن صدر در تکمله آورده، علامه جلیل القدر میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین و نیز به گفته میرزا ابوطالب زنجانی موسوی در کفایة الدراية شادروان سیدعلی طباطبائی صاحب ریاض و نیز علامه مفضل مرحوم سیدمحمدباقر حجت الاسلام اصفهانی است، و مرحوم موسوی زنجانی تصریح کرده است که روایت وی از صاحب ریاض و از مرحوم کاشف الغطاء بدون واسطه است.

این اجازات به‌تمامه در مجموعه‌ای است که آن را مرحوم سیدجواد بن سید زین العابدین خونساری در ۱۲۴۸ هجری جمع و تدوین کرده است و شادروان شیخ آقابزرگ طهرانی

صاحب طبقات اعلام الشیعه و کرام البررة، نسخه آن را در کتابخانه مرحوم سید محمد محیط طباطبائی در تهران دیده است. تاریخ اجازه مرحوم سیدجواد عاملی چنان که مرحوم آقا سیدمحسن امین در آخر کتاب «متاجر» از مفتاح الکرامه تذکر داده‌اند ربیع‌الاول سال ۱۲۲۵ هجری است. اما تاریخ اجازه‌ای که مرحوم سید محمدباقر حجت الاسلام اصفهانی داده چهارم شعبان ۱۲۵۴ هجری می‌باشد که مربوط است به پس از رسیدن صاحب ترجمه به مرتبه اجتهاد و یافتن درجات علمی رفیع و سالهای اخیر عمر شریفش. ایشان پس از ذکر عبارت «مَنْ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى اهالی قزوین» (مَنْت نهاد خدای بلند و بزرگ مرتبه بر مردم قزوین) از وی با صفات عالم عامل فاضل کامل بارع باذل، جامع فنون فضائل، حائز صنوف فواضل، عاصم عبادالله از خباث و رذائل، زبده الفقهاء العظام، عمده العلماء الفخام... الخ یاد کرده است.

مرحوم حاج ملاعبدالوهاب پس از طی مدارج علمی و کسب درجات عالی روحانی به قزوین بازگشته و در سال ۱۲۳۰ هجری عازم زیارت بیت‌الله الحرام شده است و پس از ادای مراسم حج از راه دریای قُلزم به مصر رفته و در قاهره به کتاب الصواعق المحرقة از ابن حجر عسقلانی (۹۰۹ تا ۹۷۴ هـ) برخورد و فصل دوم آن را که در بیان فضایل مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام است، مبنای تألیف کتابی ساخته است که ضمن برشمردن تألیفات ایشان بدان اشاره خواهیم کرد.

بنابر نوشته سپهر در ناسخ التواریخ (۱۵) در اجتماعی که مجتهدان و علمای بزرگ مانند مرحوم آقا سیدمحمد مجاهد و مرحوم حاج محمدجعفر استرآبادی و مرحوم آقا سیدنصرالله استرآبادی و شادروان حاج سیدمحمدتقی قزوینی و مرحوم سید عزیزالله طالشی و نیز شادروان حاج ملااحمد نراقی و پسر ایشان مرحوم حاج ملامحمد، در سلطانیه به سال ۱۲۴۱ هجری در حضور فتحعلی‌شاه قاجار در باب جهاد با روسیه داشته‌اند، چون مرحوم مجاهد در قزوین به خانه مرحوم حاج ملاعبدالوهاب وارد شده بوده است، ایشان مرحوم سید را همراهی و در آن اجتماع شرکت کرده‌اند.

صاحب ترجمه سفری نیز در ۱۲۶۰ هجری به شهر قم رفته و در این سفر تکمله‌ای بر کتاب سابق‌الذکر خود که در بعضی از مباحث امامت است افزوده که بدان نیز اشاره خواهد شد.

مرحوم حاج ملاعبدالوهاب در پایان عمر به نجف اشرف مشرف گشت و آنجا ساکن گردید و به سال ۱۲۶۴ هجری درگذشت. شرح ارتحال عجیب این عالم ربانی را که تنکابنی در قصص العلماء و به نقل از آن مأخذ صاحب کرام البررة آورده است، خواهیم آورد. آن مرحوم را در مقبره مخصوص که در قسمت تحتانی حیاط بیرونی منزل خود مهیا کرده بود دفن کردند در حالی که در قزوین نیز مقبره‌ای برای خود و خاندانش پیشتر بنا کرده بود با سنگ قبری.

به شهادت کسانی که از این فقیه عالم سخن گفته‌اند و اسناد موجود، وی رئیس علمای قزوین و مردی پارسا و مُراعی احکام شرع و حافظ موازین شریعت و آمر به معروف و ناهی از منکر بوده است و استنباط صحیح از فروع احکام داشته و در حلّ مُعضلات مسائل مرجع و ملجائی موثق به حساب می‌آمده و به نظر صائب و بی‌نظری مطلق وی در امور از عالی و دانی اعتقاد داشته‌اند. واگذاری تولیت مسجدالنبی و نیز تولیت آب چند قنات و اراضی ده آک از جانب سلطان وقت فتحعلی‌شاه و تنفیذ آن از جانب سلطان بعدی محمدشاه قاجار و نیز سند شماره ۷۳ از اسناد مربوط به آستانه حضرت شهزاده حسین (۱۶) (فرمان فتحعلی‌شاه به فرزند خود - امام ویردی - حاکم قزوین - بالای عریضه میرزا نعمت‌الله ناظر آستانه شهزاده حسین که مستمری او را با اطلاع حاج ملاعبدهالوهاب مجتهد به وی عاید سازد) و محضر و استشهادی که ناظر مذکور به مهر علمای قزوین و از جمله صاحب ترجمه از این بابت در دست داشته و نیز فتوائی که به نقل تنکابنی در قصص العلماء درباره جواز بذل ولی مدّت انقطاع را، برخلاف نظر مرحوم شهید ثالث داده و علمای قزوین جز مرحوم حاج ملاصالح برادر شهید ثالث و علمای دیگر بلاد متابعت از آن فتوا کرده‌اند، همه دلیل بر جامعیت و قدرت استنباط اوست و سزاوارش به ریاست علمای شهر، آثار خیر وی که ذکر خواهیم کرد نیز حکایت از فطرت پاک و نیکی اعتقاد و بخشندگی وی دارد.

تألیفات آن مرحوم به شرح زیر است (به نقل از کرام البرهه) (۱۷)

۱- «رساله فی صلاة الجمعة» - نسخه این رساله که خط مؤلف را در حواشی دارد منضم به مجموعه اجازات در کتابخانه مرحوم سیدمحمد محیط طباطبائی است.

۲- «هدایه المسترشدين» - این رساله را که برادر و شاگردش عبدالکریم ملقب به حاج آقا استنساخ کرده است و در جمادی‌الثانیه ۱۲۴۲ هجری به پایان برده، مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی ضمن مجموعه‌ای از رسائل صاحب ترجمه که برخی از آنها به خط برادر دیگرش علیمردان بن محمدعلی بوده و تاریخ کتابت ۱۲۴۰ هجری داشته در کتابخانه شیخ قاسم محیی‌الدین در نجف دیده است. در آغاز این رساله گوید که او رساله‌ای به فارسی و رساله دیگری به عربی نوشت در مسائل تقلید و آن را در ردّ رساله حجت الاسلام اصفهانی نگاشت، هنگامی که در رساله مرحوم اصفهانی عدم جواز تقلید میت و وجوب عدول به زنده را در آن تألیف دید.

۳ تا ۸- مجموعه دیگری از تصانیف صاحب ترجمه در کتابخانه شیخ قاسم مذکور است که در آن رسائل اصولی است، از جمله: «حُجَّیةُ الْمَظَنَّةِ فِي حَالِ اِنْسَادٍ»؛ «عَدَمُ الْحُجَّیَّةِ فِي حَالِ الْاِنْفِتَاحِ»؛ «حُجَّیةُ الْاِجْمَاعِ»؛ «عَدَمُ اجْتِمَاعِ الْاَمْرِ وَالنَّهْيِ»؛ «الْعَدَالَةُ وَالْتَّحَرُّی» و «اصْبِلُ الْاَبْرَاءِ». رساله آخر به خط برادرش علیمردان بن محمدعلی است با تاریخ کتابت ۱۲۴۰ هجری. در رساله «حُجَّیةُ الْاِجْمَاعِ» رای جدّ خود را در اجماع بیان کرده است و نشان می‌دهد که جدّ ایشان چنان که ذکر شد (ظاهراً مولانا عبدالکریم بن مولانا محمدیحیی) نیز در عداد علما بوده است.

۹ و ۱۰- در کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع) مجموعه‌ای است که در آن دو کتاب از تألیفات مرحوم حاج ملاعبدهالوهاب است؛ یکی خُلَاصَةُ الرُّشَادِ در شرح حدیث نبوی مشتمل بر چهل مسأله که حضرت امیر (ع) از پیغامبر اکرم (ص) سؤال کرده است و مؤلف هر فقره را در بابی شرح نموده. هر باب آن مشتمل بر فصلهاست، اما آنچه در آن مجموعه موجود است تا باب پنجم در حدیث پنجم در حجّ است و کاتب در پشت نسخه، مؤلف را نیک ستوده است.

در پایان باب اول در ایمان به خداوند، همه اصول پنجگانه را درج کرده است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد و در باب معاد جسمانی آنچه را شفاهی از آقامیرزا محمد مهدی (شهید در سال ۱۲۱۸هـ) شنیده و نیز آنچه را شیخ احمد احسائی در جواب سؤال او از معاد ذکر کرده، نقل نموده است و آن دو تن را به نیکی ستوده و بر آنان دعای خیر کرده است و از اینجا برمی‌آید که این رساله را پس از سال درگذشت شیخ احمد احسائی (۱۲۴۱هـ) تألیف کرده است.

اما کتاب دوم مندرج در آن مجموعه «شرح حدیث المنزله» است. متن حدیث را ابن حجر عسقلانی در الصواعق المحرقة آورده و آن نخستین از احادیث چهلگانه مستخرج در فصل دوم صواعق است و چنان که اشاره شد مرحوم حاج ملا عبدالوهاب در قاهره به کتاب صواعق برخورد و فصل دوم آن را که در بیان فضائل حضرت مولاست و در آن چهل حدیث، که نخستین آن حدیث المنزله است، درج کرده و آغاز کرده است به بعضی از مباحث امامت: امامت چیست؛ آیا وجود امام واجب و لازم است؛ چرا واجب است؛ چگونه او امام است؟ امام چه کسی است؟ پس شروع کرده است به دلالت حدیث بر این نکات و دقایق و ردّ تأویلات ابن حجر و در خلال تألیف گفته است که سال تألیف آن ۱۲۳۱ هجری است. تکمله‌ای هم در سفر قم (۱۲۶۰ هجری) بدان الحاق کرده و آنجا تصریح نموده است که آغاز تألیف ۱۲۳۰ هجری بوده است. نسخه هر دو کتاب به خط محمدصادق یزدی است و در ذی‌الحجه ۱۲۶۰ هجری در حیات مؤلف تحریر شده است.

شادروان شیخ آقابزرگ طهرانی در نجف نسخه‌ای از کتاب المعبر (فی شرح مختصر شرایع الاسلام نجم‌الدین ابوالقاسم شیخ جعفر بن حسن محقق اول حلّی) را نزد سیدمحمدرضا تبریزی دیده است که آن را صاحب ترجمه در ۱۲۴۱ هجری وقف کرده است. اما ابنیه خیری که از آن مرحوم به جای مانده است بدین شرح است:

۱- گذشته از مساعی جمیل که در تکمیل مسجدالنبی و رفع نقائص آن به حدّ امکان داشته است با امکانات خود در قطعه زمینی واقع در مجاورت مسجد، شمال‌سرای و زیر و شرق مسجد سردابی وسیع برای اقامه نماز جماعت و تشکیل مجالس روضه‌خوانی و وعظ احداث نموده است که در تابستانها فضائی خنک دارد و در زمستانها گرم، و مدخل آن از داخل مسجد در ضلع شرقی و جنوب مدخل شرقی مسجد است.

۲- چهار آب‌انبار در نقاط زیر از بناهای عام‌المنفعه اوست:

یک - آب‌انباری مجاور سرداب و زیرزمین مورد اشاره به نام «یوسفیه» به مناسبت آنکه بنای آن مصادف با تولد یکی از پسرانش - با نام یوسف - شده است.

دو - آب‌انباری در غرب مسجد و در زاویه جنوب شرقی محوطه جلو سر در غربی، معروف به سر در زنانه بازار که بسیار وسیع و عمیق و مورد استفاده اهالی محل و مخصوصاً کسبه بازار بوده است و بر دیوار مجاور راه شیر پله‌پله آن و سه شیر فاصله به فاصله نصب بوده و به تدریج که سطح آب پایین می‌رفته، از شیر پایینتر استفاده می‌شده است.

سه - آب‌انباری در جنوب شهر قزوین مقابل مُصلای جنوب شهر که در تابستانها برای باغبانان و آنان که در باغهای انگور مجاور کار می‌کرده‌اند فوق‌العاده مفید و مغتنم بوده است. (۱۸)

چهار - آب‌انبار واقع در محله دارالشفاء، مجاور حسینیه و منزل آن مرحوم.

۳- مقبره خانوادگی در بیرونِ صحنِ شمالی شهزاده حسین و در شمال شرقی آن، مشتمل بر یک مسجد و دو ایوان و راهرو و مقبره‌ای کوچک در انتهای بنا که قسمت تحتانی آن محل دفن اموات و در نمای مقبره کتیبه‌ای کاشی نصب بوده است که بعدها تعدادی از خشتهای کاشی آن افتاده است. مقبره وسیع است و با آجر ساخته شده و مسقف به طاق آجری است و با کاشی تزیین گردیده است. جز مسجد و راهرو و دو مقبره خاصه در دو طرف، بقیه وقف کسانی بوده است که آنجا را برای آرامگاه خود انتخاب کنند. این بنا فعلاً تحت اداره میراث فرهنگی است و اوقاف، و در اراضی مقبره از طرف متولّی فعلی (آقای دکتر محسن شفائی) چند حجره جهت مقبره احداث گردیده است که سه باب آنها به فروش رسیده و در اختیار خانواده‌های سررشته‌داری و گلچین و پرهیزگار است.

کتیبه بالای سردر به خط نستعلیق و به رنگ سفید در کاشی لاجوردی است با این شرح: «بَعْدَ الْحَمْدِ وَالصَّلَاةِ قَدْ وَقَفَ هَذِهِ الْبُقْعَةَ

الشَّرِيفَةُ وَتَوَابِعُهَا خَادِمُ الشَّرِيعَةِ الْعَرَاءُ وَالْمِلَّةُ الْبَيْضَاءُ نِقَاوَةُ الْمُجْتَهِدِينَ الْأَنْجَابِ الْحَاجِّ مُلَاعِبِ الْوَهَّابِ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَالْحَقُّهُ بِمُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ الْأَطْيَابِ عَلَى أَنْ يَكُونَ وَسَيْطُهَا مَسْجِدًا تَحْتَهَا مَقْبَرَةٌ خَاصَّةٌ وَطَرَفَيْهَا سَيِّكَنَا لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَذَكَّرَ لِلْمُوتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ وَالرُّجُوعِ
إِلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ. ختم بالخير ۱۲۰۵ [ظ: ۱۲۵۰ هجری]. (۱۹).

در داخل مسجد قطعه سنگی حجاری شده به دیوار نصب است که بر رو و کناره آن عبارات و اشعار زیر نقر شده است: «هذه
المَرْقَدَةُ الْمُطَهَّرَةُ الْمُنَوَّرَةُ فِي (؟) الْعَالَمِ الْفَاضِلِ التَّحْرِيرِ حُجَّةِ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ جَامِعِ الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ حَاوِي الْفُرُوعِ وَالْأَصُولِ الْوَحِيدِ
فِي الْعَصْرِ مُجْتَهِدِ الزَّمَانِي الْحَاجِّ مُلَاعِبِ الْوَهَّابِ. فِي هَفْتَمِ شَهْرِ مُحَرَّمِ الْحَرَامِ مِنْ شَهْرِ ۱۲۰۶ [ظ: ۱۲۶۴]. (۲۰).

جناب حاجی ملاعبدالوهاب آن که مدام

بُدی معین ضعیفان و ملجأ فقرا

بجست سال وفاتش خرد در این مصراع

مقام کرد به جنات آفقه الفقه

اگر به حکم قضا همجو لؤلؤ لالا

نهان به خاک نجف گشت افضل الفضلا

چه نیک خفته فرحناک در زمین جنان

کسی که بود در آفاق أسعد السعدا

در پایان منقولات «تکمله» و «قصص العلماء» را درباره آن مرحوم حسن ختام این مقال قرار می‌دهیم:

سیدحسن صدرعاملی (متوفی به سال ۱۳۵۴هـ) در تکمله امل‌الآمل آورده است که صاحب ترجمه در فقه طویل‌الباع و در فروع
کثیرالاستحضار بود و کوشا در بر آوردن نیازمندیهای مردمان، مروج دانش و دانشی مردان، آمر به معروف و ناهی از منکر و با نفوذ
کلمه... و سپس برخی از مشایخ او را نام برده و اینکه از چهل مجتهد اجازه روایت داشته است. (۲۱).

میرزا محمد تنکابنی در قصص العلماء در احوال شهید ثالث نوشته است: (۲۲).

... شهید ثالث کز تا ثانی تا به زیارت عتبات عالیات مشرف شد و از استاد عالی‌مقدارش آقا سیدعلی اجازه گرفت و ایران آمد و نیقاری
میان ایشان و فتحعلی‌شاه واقع شد. پس به دارالسلطنه قزوین نزول اجلال فرمود و مرحوم حاج ملاعبدالوهاب قزوینی که از علمای
آن دیار است و شهره امصار و از رؤسای آن اعصار در مقام کفالت و رواج اشتها شهید ثالث از هر جهت برآمد. (۲۳).

و از جمله مناظرات شهید ثالث آنکه در دارالسلطنه قزوین شخصی صاحب ثروت وفات یافت و دولت وافر برگذاشت. وارث او
منحصر به دختری کبیره بود. شخصی دیگر برای طمع در آن مال، آن دختر را ولایتا برای پسر صغیر خود به عقد انقطاع درآورد.
چون مدتی گذشت دختر به جهت کبر و صغر پسر صبر نتوانست نمود. مبلغی جزیل بذل می‌نمود که مدت انقطاع او را بذل نمایند
و او به دیگری ازدواج کند. شهید ثالث فرمود که بذل ولی مدت انقطاع را جایز نیست، بلکه لازم است که صبر نماید تا زوج او به
بلوغ برسد. آن دختر مبلغ چهارصد

تومان به ملایی بذل می‌نمود که فتوا دهد بر جواز بذل و اجل متعه را. مرحوم حاجی ملاعبدالوهاب فتوا بر جواز داد و علمای قزوین
او را متابعت نمودند، مگر حاجی ملاصالح که متابعت برادرش می‌نمود. به دفعات مجالس مناظره آراستند و علما را خواستند و با
شهید در مقام مکافحه و مجادله و مقابله و مناظره و مشاجره و مباحثه برآمدند و علمای آن دیار قوه مقاومت و مغالبه بر شهید ثالث
نداشتند، کار به طول انجامید، تا اینکه به علمای امصار استفتا نمودند و همه با حاجی ملاعبدالوهاب موافقت کردند، و از مرحوم
حجت‌الاسلام حاجی سیدمحمدباقر در اصفهان استفتا کردند، آن جناب نیز بر جواز فتوا داد.

باز تنکابنی در دنبال احوال شهید ثالث آورده است (۲۴)

... سید سند و مجد مُمَجَّد آقا سیدمحمد خلف آقا سیدعلی صاحب ریاض بن سیدمحمدعلی طباطبائی... به سفر جهاد به قزوین وارد شد. از او سؤال کردند که حاجی ملامحمدصالح بَرغانی مجتهد است یا نه؟ سید تصریح و تنصیص به اجتهاد او فرمودند و جناب حاجی ملامحمدصالح از تلامذه آقاسید محمد بوده و آخر آقا سیدعلی را هم درک کرده و به درس او حاضر می‌شده، پس از آقا سیدمحمد پرسیدند که حاجی ملامحمدتقی مجتهد است یا نه؟ آن جناب فرمودند که مرد فاضلی است و تعریف و توصیف فضیلتش فرمودند، و این سائل چنان شهرت داد که سید تصریح بر اجتهاد شهید ثالث نمود. چون این خبر به حاج ملاءبدالوهاب رسید و سید سند (یعنی حاج سیدمحمد مجاهد) در خانه او منزل داشتند، پس حاج ملاءبدالوهاب آن سائل را طلبید و او را تعزیر کرد که تو چرا افترا بسته‌ای، او که تصریح بر اجتهاد شهید ثالث نموده - و میان حاجی ملاءبدالوهاب و حاجی ملامحمدتقی نقاری هم بود (۲۵) - پس چون خبر تعزیر انتشار یافت همهمه آن در قزوین انتشار یافت، جناب شهید ثالث فرمودند که احترام آقا سیدمحمد آن است که پسر استاد ماست نه از جهت دیگر. بالجمله چون انکسار خاطر شهید ثالث مشهود رأی جناب آقا سیدمحمد افتاد یک روز نهار را خانه حاجی ملامحمدتقی صرف نمود و اظهار التفات به او نمود و اجازه او را نوشت و در همان روز به مسجد شهید ثالث رفت و بعد از نماز بر پله منبر نشست و نهایت توصیف از فضیلت او نمود و تصریح به اجتهاد او نمود و مردم را از این قضیه اعلام فرمود...

باز مرحوم تنکابنی نوشته‌اند (۲۶)

... ملاءسماعیل ارشد تلامذه آخوند ملاءعلی بود و او را حواشی بر کتاب شوارق اوست و از آخوند ملاء آقای حکیم قزوینی که او نیز از مشاهیر تلامذه آخوندی ملاءعلی و با والد مؤلف کتاب (یعنی تنکابنی) رفیق صدیق بوده، از ایشان شنیدم که گفت شیخ احمد احسائی وقتی به قزوین آمد در خانه حاجی ملاءبدالوهاب منزل کرد و روزها در مجلس خاص درس می‌گفت که هر کس مأذون در حضور آن مجلس نبودند. پس از حاج ملاءبدالوهاب توسط رخصت در حضور آن مجلس را خواستم. حاجی به شیخ گفتند که آخوند (یعنی ملاءآقا) بیگانه نیست. بعد از حضور شیخ در مسأله علم تدریس می‌کرد. من در مسأله علم ایرادی بر شیخ کردم. بعد از حضور شیخ جوابی گفت که من آن جواب را چند حمل کردم.

و نیز آورده است (۲۷)

... شیخ احمد احسائی در هر بَلَد مُطَاع و مُمَجَّد و سلطان عصر مرحوم فتحعلی شاه را با او نهایت خصوصیت... و به هر بلد که وارد می‌شد علماء آن بَلَد نهایت احترام و با او نماز جماعت می‌نمودند، تا در دفعه آخر وارد قزوین شد و در خانه مرحوم حاج ملاءبدالوهاب اقامت فرمودند و روزها در مسجد جمعه نماز می‌کردند و علماء قزوین همه

حاضر می‌شدند و اقتدا می‌نمودند و حاجی ملاءبدالوهاب از مریدان شیخ بود. به اعتقاد قوه غور در حقیقت اعتقادات شیخ نداشت. (۲۸) روزی به بازدید شهید ثالث حاج ملامحمدتقی رفتند. پس از طی تعارفات مرسومه، شهید از شیخ سؤال کرد که در معاد مذهب شما و ملاءصدرا در معاد یکی است. شیخ گفت چنین نیست و مذهب من و رآی مذهب ملاءصدراست. شهید به برادرش حاج محمدعلی گفت: برو کتاب شواهد الربوبیه ملاءصدرا را از کتابخانه بیاور. حاج ملامحمدعلی که از تلامذه شیخ احمد بود مسامحه و مسالعه و مصارحه در احضار شواهد الربوبیه نمود. شهید گفت: پس می‌گویید مذهب شما در معاد چیست؟ شیخ گفت: من معاد را جسم هورقلیائی می‌دانم... پس از آنجا برخاستند و اجتماع مبدل به افتراق و وفاق مبدل به نفاق شد. در آن روز چون شیخ به مسجد برای نماز جماعت رفت، از علما کسی همراه او نرفت و در مسجدش حضور به هم نرسانید مگر حاج ملاءبدالوهاب. پس حاجی ملاءبدالوهاب از شیخ احمد خواهش کرد رساله‌ای در معاد و اعاده بدن عنصری تألیف نمایند تا رفع شبهه شود. شیخ رساله‌ای نوشت، ثمری نبخشید و همهمه تکفیر شیخ در قزوین شیوع یافت... دعوت حاکم قزوین شاهزاده رکن الدوله علینقی میرزا و ترتیب مجلس ضیافتی از علما و شیخ احمد و شهید ثالث برای رفع نفاق نیز به جایی نرسید...

مرحوم تنکابنی در شرح حال شیخ اکبر کاشف‌الغطاء استاد حاجی ملاعبدالوهاب آورده است (۲۹)

در وقتی از اوقات شیخ وارد قزوین شد و در خانه حاج ملاعبدالوهاب منزل کرد. پس تجار کاروانسرای شاه استدعا نمودند که جناب شیخ به بازدید تجار رفته باشد. پس حاج ملاعبدالوهاب شیخ را برداشته که به بازدید ایشان بروند. شیخ با اصحاب و علماء اطیاب روانه شدند چون به بازار رسیدند تجار کاروانسرای شاه به استقبال شیخ شتافتند. چون به کاروانسرا رسید، در سبقت ورود شیخ به حجرات تجار نزاع در میان تجار شد و هر کس را تمنای آن بود که شیخ اول به منزل او رفته باشد. پس حاج عبدالوهاب منازعه را معروض جناب شیخ داشتند. شیخ در همان‌جا نشست و گفت: هر که بیشتر تنخواه می‌دهد شیخ اول به منزل او می‌رود. پس بعضی از تجار ظرفی را پر از درهم و دینار ساختند و به خدمت آن بزرگوار آوردند. آن جناب اول فقرا را خواست و آن‌وجه را در میان ایشان تقسیم نمود و از آن پس به منزل ایشان رفت و ایشان را بازدید نمود.

ایضا در سالی که شیخ (کاشف‌الغطاء) به قزوین آمدند، به مسجد رفتند. مردم خواهش موعظه نمودند شیخ در مسجد در بالای منبر رفت و فرمود که ایها الناس شما مگر شیعه نیستید، چرا عقد انقطاع در میان شما متداول نیست؟ پس فرمود که تقصیر با علماء بلد است و چون حاج ملاعبدالوهاب رئیس علماء قزوین در آن عهد بود شیخ به او خطاب فرمود که چرا دختر خود را به عقد انقطاع نمی‌دهی تا مردم رغبت در عقد انقطاع کنند و به تو متابعت نمایند؟

در وفات حاج ملاعبدالوهاب نوشته است: (۳۰) (۳۱)

مرحوم حاج ملاعبدالوهاب قزوینی را وفاتی عجیب دست داد. به زیارت نجف رفت و مریض شد، در زمان احتضار گفت: مرا در جنازه بگذارید و به مرقد مطهر حضرت امام علی علیه‌السلام برید و پس از طواف در مقابل ضریح آن حضرت بگذارید. بر طبق نظر و دستور او را در جنازه نهادند و به حرم بردند و طواف دادند و برابر ضریح گذاشتند در همان‌جا وفات یافت. و او بسیار ساعی در ترویج علما و آمر به معروف و به غایت عابد بود و از چهل مجتهد اجازه داشت ولیکن به نظر این قاصر اجتهاد او محل تأمل بود، بلکه میباید عدم بود (۳۲) اما رؤوس مسائل فقهیه را خوب ضبط داشت. وقتی روز عید به دیدن او رفتم آن مجلس مملو از علما بود. سؤال کردم که حکمت در زنده‌بودن حضرت عیسی (ع) و نزول و اقتدانمودن او حضرت امام عصر (ع) را چیست؟ کسی جواب نگفت. پس گفتم که شاید حکمت لطف باشد، چه حق تعالی می‌دانست که اُمت حضرت عیسی (ع) اکثر خلق روی زمین می‌باشند، چه هفت شمس فرنگ از نمسه (= اُطریش) و فرانسه و انگلیس و پروس بلکه روس از ملت و اُمت عیسی می‌باشند و اگرچه دین آن حضرت را تغییر داده‌اند، پس از ظهور صاحب الامر (ع) عیسی (ع) نزول می‌کند «وَأَنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهِ» و آن جناب را می‌شناسند و به واسطه او به حضرت صاحب‌الامر ایمان می‌آورند، اگر چنین نمی‌شد انکار می‌کردند و از تیغ امام عصر (ع) هلاک می‌شدند. حاجی مزبور تصدیق کرد و گفت شیخ احمد

[احسائی] نیز چنین گفته.

مرحوم شیخ آقابرگ پهرانی در کرام البرهه از مرحوم حاج ملاعبدالوهاب و درجه علمی و تألیفات و استادان و آثار خیر او به نحو مستوفی سخن گفته است که ترجمه نوشته ایشان را به تفاریق طی این مقاله نقل کردیم. اینجا فقط بخشی را که در رد نظر مرحوم تنکابنی درباره فقاہت صاحب ترجمه آورده است نقل می‌کنیم: (۳۳)

میرزا محمد تنکابنی در قصص العلماء (ص ۶۴ از طبع سال ۱۳۰۴ هجری) ذکر او به عباراتی غیر مناسب مقام او و با تناقضی غریب کرده است، چه او بر علم وی و عبادت او و استحضارش بر مسائل و ترویجش از علما ثنا گفته و سپس در ترجمت حالش آورده که اجتهادش نزد من غیر ثابت بلکه ثابت‌العدم است و بر تأیید گفته خود قصه‌ای آورده که اگر صحیح باشد آن قصه گویای چیزی بر اثبات ادعای او نیست و چنان که گذشت او از چهل مجتهد از فحول مجتهدان عصر و کبار فقهای زمان اجازه دارد و همگی آنان او را ستوده‌اند و گفته که او اهلیت دارد و به اجتهادش تصریح کرده‌اند و لذا گفته تنکابنی چیزی از او کم نمی‌کند و زیانی

نمی‌رساند.

مرحوم حاج ملاعبدالوهاب پنج پسر و پنج دختر داشته است. پسران وی: آقامیرزا ابوالقاسم ملاًباشی، آقامیرزا باقر، آقامیرزا هادی، آقامیرزا محمدعلی و حاج میرزا یوسف است. مرحوم ملاًباشی و آقامیرزا باقر و حاج میرزا یوسف وصی او بوده‌اند. و تولیت مسجدالنبی پس از وی به حاج میرزا یوسف رسیده و سپس به فرزندش آقامیرزا ابوتراب متولّی و پس از وی به فرزند او مرحوم یوسف آقا و سپس به نواده مرحوم آقامیرزا باقر دکتر محسن شفاهی.

منزل مرحوم صاحب ترجمه که در آن به روی واردین از علما و مجتهدان و مؤمنان باز بوده در محله دارالشفاست واقع در مشرق مسجدالنبی و مغرب خیابان پیغمبریه و فرزندان و خاندان وی نیز در همان محله اقامت داشته‌اند جز مرحوم ملاًباشی که مقيم تهران بوده است. باغ دارالشفاست که تا سالهای اخیر با درختان میوه‌اش برجا بود در مجاورت خانه‌های خاندان آن مرحوم قرار داشت. فرزندان حاج ملاعبدالوهاب گروهی نام خانوادگی «دارالشفائی» و «شفائی» و گروهی عبدالوهابی و فرزندان ملاًباشی به مناسبت شغل استیفاء پسر آن مرحوم، میرزا آقاخان مستوفی «مستوفی‌زاده» را برگزیده‌اند. پی نوشت:

- ۱- تاریخ گزیده، به تصحیح دکتر نوائی، ص ۷۹۵.
- ۲- همان، ص ۷۹۸.
- ۳- همان، صص ۷۹۷ و ۷۹۸.
- ۴- مینودر، ج ۱، ص ۵۳۹ تا ۵۴۸.
- ۵- سفرنامه شاردن ترجمه عباسی، ج ۳ صص ۳۵ و ۳۶ و نیز مینودر، ص ۵۳۹.
- ۶- مینودر، ج ۱ ص ۵۳۹ تا ۵۴۸.
- ۷- کرام البرره، جزء دوم از قسم دو؛ طبقات اعلام الشیعه، ص ۸۰۹ تا ۸۱۳.
- ۸- مکارم الآثار، ۵/ ص ۱۷۳۶ تا ۱۷۴۱.
- ۹- فوائد الرضویه، ص ۲۶۱.
- ۱۰- معجم رجال الفکر والادب ص ۳۴۸.
- ۱۱- دَب فی النجف (۱۰) از محمدهادی امینی و مینودر مینودر، ج ۱ صص ۳۴۵، ۴۶۷، ۴۷۱، ۶۳۵، ۶۸۱، ۶۸۲.
- ۱۲- قصص العلماء، چاپ اسلامیة، تهران، ص ۹۰ و ۹۳ و ۱۱۳ و ۱۹۴.
- ۱۳- برگی از تاریخ قزوین، ص ۱۰۴، ۲۸۳ و ۳۰۰.
- ۱۴- کرام البرره، ص ۲۸۱۱.
- ۱۵- ناسخ التواریخ، بخش قاجاریه، به اهتمام قائم مقامی، تهران ۱۳۳۷ شمسی، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.
- ۱۶- منقول در کتاب برگی از تاریخ قزوین، ص ۲۸۳ و عکس فرمان و محضر در پایان کتاب، و نیز سند شماره ۸۴ در همان کتاب.
- ۱۷- کرام البرره، ص ۸۱۰ تا ۸۱۲.
- ۱۸- در محوطه شمال دیوار مصلا روز پنجاهم هر سال (۲۰ اردیبهشت) مردم شهر اجتماع می‌کرده‌اند، گاه برای استمطار و بارانخواهی و گاه طبق سنتی قدیم برای گردش. این مصلا هنگام احداث خط آهن از میان رفت و احتمالاً آب انبار مورد اشاره هم از میان رفته باشد.
- ۱۹- چون نام مرحوم با کلمه حاج آمده و ایشان در سال ۱۲۳۰ هجری به حج رفته‌اند بنابراین سالهای ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ درست نمی‌تواند باشد.
- ۲۰- چون نام مرحوم با کلمه حاج آمده و ایشان در سال ۱۲۳۰ هجری به حج رفته‌اند بنابراین سالهای ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ درست

نمی‌تواند باشد.

۲۱- کرام البررة، ص ۸۱۰.

۲۲- قصص العلماء، چاپ اسلامیة، ص ۲۲ و ۲۳.

۲۳- مرحوم حاج ملاعبدالوهاب با خانواده برغانیها وصلت نیز کرده، دختر حاج ملاصالح برادر شهید ثالث مرضیه‌خانم را به عقد ازدواج آمیرزا محمدعلی پسر خود - درآورده است.

۲۴- قصص العلماء ص ۲۴ .

۲۵- این نقار ظاهرا منبعث از رفتار شهید ثالث با شیخ احمد احسائی بوده است که نقل خواهد شد.

۲۶- قصص العلماء ص ۳۵ و ۴۲ .

۲۷- قصص العلماء ص ۳۵ و ۴۲ .

۲۸- از این جمله و یکی دو جمله دیگر استنباط می‌شود که نظر مرحوم تنکابنی با صاحب ترجمه گاه از حد انصاف فراتر است و به همین مناسبت مرحوم شیخ آقابزرگ موردی را مطرح و رد کرده است که بدان اشاره خواهد شد.

۲۹- قصص العلماء، ص ۱۹۴ .

۳۰- همان، ص ۱۹۰ .

۳۱- همان، ص ۹۳ .

۳۲- رجوع شود به پاسخ شیخ آقابزرگ طهرانی به این نظر در دنبال همین شرح.

۳۳- کرام البررة، ص ۸۱۰ . برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

قمی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلده طیبه قم و از تلامذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهایت وثوق را به او داشتند چنانکه بسیاری از حکومتات شرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمند و متمول بود که بسیاری از ارامل و ایتمام و بینویان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمند به آب بودند آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه بنا نمود و بعد از حیوة خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال ۱۲۴۹ وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.

مرحوم میرزا علی اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی الاصل است فضلی باهر و قدسی متکافر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سید حسین متولی‌باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیهاالسلام) از همان صبیبه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.

(وف ۱۲۴۹ ق)، عالم امامی. اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریهای شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایتمام و بینویان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میدان کهنه بنا نهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کنند. وی

در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[۱]

ایشان مالک سه روستای اطراف قم بنام های زنبیل آباد، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سید الشهداء، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف) وقف نموده است. زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شهید صدوقی حدود ۵۰۰ قطعه منزل و مغازه گردیده است و حاجی آباد هم بنام شهر قنات حدود ۷۰ هکتار اراضی کشاورزی و مسکونی وقف می باشد علی آباد جنب مبارک آباد نیز حدود ۱۶ و نیم هکتار از اراضی کشاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می باشد.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹ / ۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۰ / ۱).

کاشانی، حاج محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قبرستان جنت آباد

مساحت این قبرستان ۲۲۰ / ۰۰۰ فوت مربع است. در سال ۱۹۰۹ مرحوم حاج محمد حسن کاشانی ۴۰ / ۰۰۰ فوت مربع زمین به عنوان قبرستان ایرانیان خریداری و وقف دفن اموات ایرانیان مقیم پونا کرده و به شماره‌ی ثبت ۲۱۱-F در سال ۱۹۵۲ در دفتر اوقاف شهر پونا ثبت شده است. ۴۵ سال پیش انجمن ایرانیان مقیم پونا با جمع‌آوری کمک مالی از ایرانیان ۱۸۰ / ۰۰۰ فوت مربع زمین کنار قبرستان را از دولت مهاراجه‌ی وقت پونا خریداری و به قبرستان اضافه می کنند. قبرستان محصور در پادگان ارتش پونا است و با دو قبرستان دیگر یکی قبرستان مسیحیان و دیگری قبرستان بهائیان به ترتیب همجوار است. این قبرستان در جاده‌ی شولا-پور (جاده‌ی حیدر آباد) که یکی از مناطق معروف شهر پونا است قرار دارد. حدود ۴۰ سال پیش ارتش هند به بهانه‌ی گسترش پادگان درخواست خرید قسمتی از قبرستان را برای الحاق به پادگان کرد که انجمن موافقت نکرد و ارتش به دادگستری پونا شکایت کرد که در نتیجه‌ی فعالیت انجمن و به همت مؤمنین اهل تسنن پونا دادگاه به نفع انجمن رأی داد.

سال گذشته عده‌ای هندی به پشتیبانی یکی از سرکرده‌های پونا خواستند قسمتی از زمین قبرستان را تصرف کنند و همزمان این کار را در مورد قبرستان مسیحیان نیز انجام دادند که با تلاش انجمن و شکایت به دادگاه پونا رأی به خلع ید از متصرفین صادر شد و دادگاه آنان را محکوم کرد ولی بخشی از زمین قبرستان مسیحیان به دلیل عدم مقابله و پیگیری از سوی متولیان آن قبرستان به تصرف گروهی از هندویان در آمد. سال گذشته انجمن ایرانیان مقیم پونا اقدام به حصارکشی کامل اطراف قبرستان کردند.

شایان ذکر است قبرستان مسیحیان پونا که در کنار قبرستان ایرانیان قرار دارد حدود ۲۰۰ سال قدمت تاریخی دارد.

ضمناً آرامگاه فرزندان مرحوم کاشانی و همسر ایشان در قبرستان جنت آباد پونا قرار دارد. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

کاظمی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

انجمن اتحاد ایرانیان مقیم حیدر آباد

این انجمن ۵۰ سال پیش به منظور حفظ سنتها و ارزشهای ایرانی و کمک به ایرانیان مقیم حیدر آباد تأسیس شد و هر سه سال یکبار انتخابات آن انجام می‌گیرد.

اعضای این انجمن عبارتند از محمدرضا کاظمی، غلامعلی رشتی و محمد باقر دهقانی.

انجمن اتحاد ایرانیان مقیم حیدر آباد ۴۳ سال پیش هزار مترمربع زمین (با جمع‌آوری پول از ایرانیان مقیم) خریداری و یک حسینیه و کتابخانه به نام حسینیه‌ی ایرانیان مقیم حیدر آباد احداث کردند و سند آن به نام حسینیه ثبت شد و ۱۸ سال پیش نیز ۷۰۰ مترمربع زمین جنب حسینیه را خریدند و به حسینیه ملحق کردند و در آن ۸ واحد مسکونی ساختند و اجاره دادند و عایدات آن را صرف امور خیریه و حسینیه می‌کنند. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

کربلایی محمدخان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینیه‌ی کربلایی محمدخان

حسینیه کربلایی محمدخان بزرگترین حسینیه‌ی کلکته است. این حسینیه در منطقه‌ی گل تولا (امام‌باره) واقع است و ۱۵۰ سال پیش توسط مرحوم حاج کربلایی محمدخان یکی از شیرازی‌های مقیم کلکته به عنوان حسینیه وقف ایرانیان شده است. مساحت آن حدود ۱,۵۰۰ متر مربع و دارای ۵۰ باب مغازه است که در دست مستأجرین قدیمی قرار دارد و بدین جهت اجاره‌ی بسیار کمی دریافت می‌شود. در حال حاضر متولی این موقوفه حاج حسن شیرازی است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

مافی، حسین قلی خان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جورج پ. چرچیل در کتاب فرهنگ رجال قاجار، نظام السلطنه مافی را این گونه معرفی می‌کند: «حسین قلی خان مافی در سال ۱۸۳۳ میلادی برابر با ۱۲۱۲ ه. ش متولد شد، وی فرزند شریف خان قزوینی بود. حسین قلی خان در جوانی به دستگاه مراد میرزا حسام السلطنه پیوست و در مقام منشی خصوصی والی فارس همراه او به شیراز رفت. وی در سال ۱۸۷۵ میلادی (برابر ۱۲۳۶ ه. ش) از طرف حسام السلطنه به حکومت بنادر خلیج فارس و عربستان منصوب شد و سه سال بعد در معیت شاهزاده به خراسان رفت. حسین قلی خان در سال ۱۸۹۲ میلادی که نصرت الدین شاه میرزا سالار السلطنه از طرف ناصرالدین شاه به حکومت فارس منصوب شد، در مقام پیشکار وی، مجدداً به فارس رفت و پس از برقراری امنیت در آن خطه موفق به کسب لقب «نظام السلطنه» گردید و لقب قبلی وی یعنی «سعدالملک» به برادر کهنترش محمدحسن خان اعطا شد.

حسین قلی خان در سال ۱۸۹۴ میلادی به حکومت عربستان و لرستان منصوب گردید. وی مدتی بعد به علت بی‌احترامی به سرپرستی سایکس نماینده‌ی سیاسی دولت پادشاه انگلیس از سمت خود برکنار گردید و دولت ایران متعهد شد که مدت پنج سال از انتخاب نظام السلطنه به مشاغل رسمی در سراسر قلمرو ایران خودداری ورزد، لیکن به علت نیاز مظفرالدین شاه به خدمت وی و

درخواست حکومت ایران، دولت پادشاه انگلیس با بازگشت به خدمات نظام‌السلطنه به شرط عدم اعزام وی به جنوب یا هر ناحیه‌ای از خاک ایران که بتواند به امر تجارت انگلیس لطمه وارد سازد، موافقت نمود. در نتیجه پس از موافقت دولت ایران با شرط مذکور، نظام‌السلطنه به سمت وزیر عدلیه و تجارت منصوب و در تهران مشغول به کار شد. وی در سال ۱۸۹۹ میلادی به جای حسن علی خان امیر نظام گروسی به سمت پیشکار محمد علی میرزا ولیعهد در تبریز منصوب گردید و تا سال ۱۹۰۱ عهده دار آن مقام بود.

نظام‌السلطنه در ماه مارس ۱۹۰۷ میلادی یعنی زمانی که به حکومت اصفهان منصوب شد در تهران بود و در ماه مه همان سال جهت برقراری نظم و آرامش به فارس اعزام گردید. وی در دسامبر ۱۹۰۷ میلادی به تهران بازگشت و در بیستم ماه مذکور به وزارت مالیه منصوب شد.

همچنین در کتاب تاریخ معاصر ایران نشر وزارت آموزش و پرورش این گونه از نظام‌السلطنه مافی یاد می‌شود: «در آغاز جنگ جهانی اول و برای مقاومت در برابر اشغالگران، جناح‌هایی از رهبران سیاسی - مذهبی که روسیه و انگلستان را دشمن اصلی مردم می‌دانستند، با تبلیغاتی که از ناحیه‌ی عثمانی برای اتحاد دنیای اسلام در این زمان انجام می‌گرفت؛ از تهران به سوی قم و سپس کرمانشاه حرکت کردند و در آنجا دولتی موقت به رهبری نظام‌السلطنه مافی تشکیل دادند، اما نتوانستند کاری از پیش ببرند.

حسینقلی خان نظام‌السلطنه در وصیت‌نامه‌ی خود درباره‌ی وقف اراضی جراحی می‌گوید:

«... سه دانگ اراضی جراحی واقع در محال عربستان را به موجب ورقه‌ی حبس‌نامه‌ی جداگانه... حبس شرعی فرموده‌اند تا به مصارف خیرات و مبرات مقرر به شرحی که در ورقه‌ی حبس‌نامه مسطور شده، منظور شود.»

چنین به نظر می‌رسد که انجام مابقی امور وقف به دختر وی و متولیه‌ی وقف واگذار شده و بتول مافی‌السلطنه وقف‌نامه را تنظیم کرده است.

همچنین در تولیت‌نامه که به تأیید چند شاهد به نام‌های محمدحسن الطهرانی،

محمدحسین تربیت، محمدحسین و یک نفر دیگر که دقیقاً مشخص نیست، مهور به مهر شده است و وضعیت وقف توضیح داده شده است.

همچنین متن مصالح به این شرح است:

«براساس مصالحه‌ی مورخ ۳ شوال المکرم ۱۳۲۱

جنوبی به فلاحیه

شمالی به رامهرمز

غربی به اهواز

شرقی به اهواز و هندیجان

چون ناحیه‌ی جراحی واقع در عربستان که محدود است به حدود اربعه‌ی مسطوره‌ی ذیل از جمله خالصجات دیوان اعلی بوده است که به شرح فرمان مهر ملعال مبارک به عنوان به ملکیت ابدی واگذار و مرحمت شده بود به حضرت مستطاب اسعد اشرف افخم اعظم آقای حسین قلی خان نظام‌السلطنه دام اقباله‌ی العالی و حضرت مستطاب معظم مالک و متصرف بوده‌اند، به ملاحظه‌ی کمال احتیاط و دینداری و این که خواستند رفع شبهه نموده واقعه تحصیل فرموده باشد، درصدد برآمدند که از طرف اولیای شریعت مقدسه که در زمان غیبت ولی الله اعظم صلوات الله علیه و ارواح العالمین له الفداء نواب آن حضرت می‌باشند، انتقالی شرعی شود به ایشان که ملک مباح شرعی ایشان باشد. از داعی خواستار شدند لهذا داعی اجابه... و با اجماع کافه‌ی شرایط صحت و شریعت

مصالحه‌ی صحیحه‌ی اسلامیة نمودم با حضرت مستطاب اجل معظم دام اقباله العالی تمامه ناحیه‌ی مسطوره را توابع شریعه و لواحقه العرفیه به همان قسم که مالک و متصرف بوده‌اند، من غیر اخراج شیء... که تماما و کمالا اخذ و قبض گردیده است و صیغه‌ی مصالحه صحیحه‌ی شریعه کما هو المقرر جاری شد و شرایط صحت و شریعت در آن مرعی گردید علیهذا... ناحیه مسطوره بتوابعها الشرعیة و لواحقها العرفیه حق صد و ملک طلق مباح شرعی حضرت مستطاب معظم ادام الله اقباله العالی و له التصرف فیها علی طبق... و کان وقوع ذلك فی تاریخ ۳ شهر شوال المکرم ۱۳۲۱ یوشاقان ایل»

همچنین وصیت‌نامه‌ی اصلی به صورت کتابچه است که در دسترس نیست و قسمتی از وصیت‌نامه به این شرح است: «... فقط چیزی که مستثنی می‌شود، سه دانگ بلوک جراحی واقع در عربستان و نیم دانگ قریه و جرنیق واقعه در قزوین است؛ به این معنا که سه دانگ جراحی را برای مصارف خیرات و میراث خودم معین کردم و مصارف آن را هم به این ترتیب معمول دادند، مادامی که راه حجاز تمام نشده است، تمام عایدات که مال الاجاره جراحی در... است و این وجه را جناب معزالسلطنه در ماءخذ سالی هزار و چهارصد تومان قهرا نمی‌افزاید اگر خداوند تفضل می‌فرمود تمام حاصل و عایدات آن را بعد از وضع سالی دویت تومان حق تولیت سال به سال مرتبا برسانند که به مصرف راه حجاز برسانند و هر وقتی هم که راه حجاز به اتمام رسید، عایدات آن را به چهار قسمت منقسم دارند بدین شرح که یک قسمت صرف مخارج اطفال و ایتم بی کفیل شود که در مدارس تحصیل بنمایند، مشروط بر آن که علوم و... جدید را نیز متصدی تحصیل باشند و قسمت دیگر صرف مرضای مسلمین بشود که در مریضخانه باشند و سهم دیگر بالمناصفه صرف تعمیر پل‌هایی که بانی و مالک معلومی ندارد و تسطیح طرق و شوارع صرف شود، در هر نقطه و به هر ترتیبی که اوصیای متن صلاح بدانند و راحت عمومی فراهم شود و هر گاه در یک وقتی که از ارقاب و ارحام من به واسطه‌ی علت مزاج که قادر به کسب معاش نمی‌شوند و مبتلا به فقر و فاقه باشند، آن دو قسمتی که برای تعمیر پل‌ها و تسطیح راه معین می‌شود، به آن‌ها برسانند که معاش نمایند و...». برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

مشیر، میرزا احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از میرزا احمد مشیر یکی از رجال دولت قاجاریه موقوفات زیادی برجای مانده است. وی در دولت قاجاریه مناصب متعددی داشته و وزیر خزانه مظفرالدین شاه بوده است. سرگذشت و یا مناصب وی در بسیاری از آثار دوران قاجار از جمله المآثر و الآثار دیده می‌شود. مرحوم حسین محبوبی اردکانی در تعلیقات المآثر و الآثار درباره وی نوشته است: (۱) مشیرالسلطنه، میرزا احمد، برادر میرزا محمودخان مازندرانی مدیرالدوله، که به سعی برادر در ۱۲۷۵ وارد دستگاه عزیزخان مکرری شد و چون خوشنویس بود، منشی‌باشی وی گشت. در ۱۲۸۴ که سردار کل، یعنی عزیزخان مکرری، به طهران احضار شد، میرزا احمد که با میرزا رضای صدیق‌الدوله... همشهری و دوست بود به وسیله او منشی‌باشی ولیعهد شد... در اواسط ۱۲۹۷ پیشکار ولیعهد شد؛ ولی با ایجاد غائله شیخ عبدالله که او را هم در آن مسؤولیتی بود، مغضوب شد. دوران مغضوبیت او چندان طولی نکشید؛ زیرا داماد میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله شد به خواهر او، و قوام‌الدوله پشتیبان وی گشت و لقب مشیرالسلطنه برای او گرفت و او را حکمران گیلان کرد؛ چه، از وضع آنجا اطلاع داشت و یک سال پیش به ممیزی مالیات بدانجا رفته بود.

دستگاه حاکمه قاجار او را محترم می‌داشتند و پس از مشروطیت هم چهار بار رئیس‌الوزراء و وزیر داخله شد و در کابینه دوم او بود که محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست...

در ۱۳۲۹ که سوار کالسکه از سنگلج می‌گذشت، چند تن از مجاهدین تیری به سوی او انداختند و او مجروح شد و اندکی بعد درگذشت.

وی مردی بود خوش‌خط، ساده‌دل، نسبتاً آرام و خیر. مدرسه‌ای در طهران ساخته است با مسجدی. و کتبی به خرج خود نیز چاپ کرده است. یکی از موقوفات او که معرف خوش سلیقگی اوست، موقوفه «عزب عرب» است که از حاصل آن، همه ساله عده‌ای از جوانان بی‌زن عرب نخواستند را زن بدهند.

ملک موقوفه او، قریه‌ای است در شهریار، و صدراعظم وقت را متولی قرار داده است. (خاطرات و خطرات، چاپ دوم، ص ۳۷۵) (۲). البته در وقف‌نامه‌هایی که در پی می‌آید، سخنی از موقوفه عزب عرب به منظور تزویج جوانان عرب نخواستند نیست.

آنچه هست اینکه یک سهم از عواید موقوفه را «به سادات حسینی ساکن مدینه طیبه که معروف به نخواستند بدهند». به هر حال، وی اموال زیادی وقف کرده و در سال ۱۳۱۸ قمری وقف‌نامه آنها نوشته شده و یکی از علمای بزرگ تهران در آن روزگار، به سال ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ قمری گواهی به صحت وقف داده و آن را تأیید کرده است. آن‌گاه وقف‌نامه همه موقوفات وی تا آن تاریخ را یحیی بن محمد باقر تفرشی مقب به کاتب همایون استنساخ کرده و در حدود سال ۱۳۲۰ ق در پایان کتاب المعبر تألیف محقق حلی (قدس سره) (م ۶۷۶) چاپ سنگی شده است. آنچه در پی می‌آید مشروح موقوفات وی تا تاریخ یاد شده است و دانسته نیست که آیا پس از این هنگام هم وی، مالی را وقف کرده است یا نه؟

مشروح موقوفات میرزا احمد مشیر

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

الحمد لله الواقف على السرائر والضمانر و صلى الله على محمد و آله الأطهار.

اما بعد، چون جناب مستطاب شمس فلک جلال، و بدر آسمان رفعت و عظمت و نبالت، الأجل الأمد الأرفع الأفخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (دام مجده العالی) از قدیم و حدیث به شرحی که مسطور می‌شود در محضر مبارک امناء شرع مطاع، چند فقره - به وجه شرعی قریباً الی الله و طلباً لمرضاته - املاک ایتاعی متصرفی خود را بر مصارف مقرر و وقف فرموده بوده، محض نشر و جامعیت تمام امر فرمودند که تمام وقف‌نامه‌ها در یک کتابچه تحریر شود که جامع همه نسخ وقف باشد و به این واسطه موقوفات مسطور محفوظ و در یک مجلد به طور سهل منظور باشد (حسب الأمر اطاعت شد).

صورت وقف سابق به شرح پنج نسخه مسجله به سجالات شریف اجلاء علماء اعلام دارالخلافة طهران (أدام الله ظلهم العالی)

هو الواقف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين حمدا لا ینبغی الا لرضاه، والصلاة والسلام على خیر خلقه و أشرف بریته محمد (صلى الله عليه و آله اجمعين) أئمة الهدی و سادات الوری و شفعاء یوم الجزاء.

فبعد، بر الواح صافیه عارجین معارج تحقیق و اعتبار، هویدا و آشکار است که نظر به مضمون بلاغت مشحون «الدنيا مزرعة الآخرة» بر هر مکلفی لازم و متحتم است که به مفاد تبیان معجز بیان آیه وافی هدایت (و ما تقدموا لأنفسكم من خیر تجدوه عند الله هو خیرا و أعظم أجرا) (۳) برای رستگاری یوم محشر و فزع اکبر از اعمال صالحات ذخیره در نزد پروردگار داشته باشد و بعد از اداء فرائض، وقف املاک و مستغلات از جمله خیرات جاریه و اشرف طاعات است.

لهذا جناب جلال مآب، شوکت و جلال نصاب، قواما للمجد و العز و الاقبال، و شمسا لسماء الرفعة و الاجلال، الأجل الأفخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (دام مجده العالی قریباً الی الله و طلباً لمرضاته) وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مخلد شرعی اسلامی فرمودند تمامی و همگی کل شش دانگ یک کاروان‌سرای متصرفی خود را و تمام شش دانگ یک باب حمام ملکی مخصوص

جدیدالبناء خود را به انضمام یک قطعه زمین که تماما متصلند به یکدیگر واقعه در شهر جدید ناصره در خیابان دروازه‌ی گمرک که محدودند به حدود رابعه ذیل، و فی محله در کمال اشتهاست، با جمیع ملحقات و منضعات و متفرعات شرعیه آن: حد شرقا به باغچه و خانه استاد اسمعیل مقنی باشی؛ حد غربا به چالحوض حمام بزرگ خود واقف معظم؛ حد جنوبا به خانه آقا سید علی قناد؛ حد شمالا به خانه میرزا محمدعلی نوکر درب اندرون شاه مرحوم.

از حجرات و فضا و طویله و بهاربند و سایر مایتعلق به کاروان‌سرای مزبور و هکذا از بینه و حیاط کرم و تون و مدفع هرز آب و سایر ما یتعلق بها و ینسب الیها آنچه را به املاک مزبوره خواننده و شناسند عرصه و اعیانا بدون استثناء شیئی از آنها مما یمسی تابعا و ملحقا، تمامی را بر مصارف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا (ارواحنا فداه) و سایر ائمه هدی و اولاد و اصحاب ایشان و ذکر مناقب انبیاء خاصه ختم پیغمبران صلی الله علیه و آله و مثالب اعدای ایشان به این طریق که همه ساله آنچه از منابع موقوفه عاید شود اولاً تعمیرات عین موقوفه را مقدم دارند که اصلاً عین موقوفه مندرس و ضایع و معطل نماند و همیشه دائر و آباد نگاه دارند و آنچه باقی می ماند یک عشر حق متولی و ناظر است بالمناصفه بعد از زمان تولیت خود جناب واقف معزی الیه (اطال الله بقاه) و در زمان تولیت خود واقف فقط همان مخارج تعمیرات لازمه عین موقوفه باید اخراج شود لا-غیر. و آنچه باقی می ماند صرف مطلق مصارف تعزیه‌داری به هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند در هر زمان و هر مکان و هر قسم که به نظر خوش آید و اقرب به ثواب و رضای خداوند متعال باشد از اطعام مجلس تعزیه و چای و غلیان و تدارک آلات و ادوات تعزیه‌داری از پوش (۴) و تجیر (۵) و پرده و غلیان و فرش و چراغ و هر نحو که مصلحت اقتضا کند و هکذا اجرت روضه‌خوان و انعام به مباشرین و خدام مجلس تعزیه و غیر ما ذکر که صلاح دانند صرف نمایند.

و تولیت، مادام حیات جناب واقف معزی الیه (أدام الله عمره و شوکته) با خود ایشان است و ناظری در زمان تولیت خود ایشان معین نشده، و بعد از ایشان در صورتی که اولادی از ایشان موجود شده باشد، تولیت عین موقوفه با اکبر ارشد ایشان خواهد بود ذکورا أم اناثا با تقدم ذکور بر اناث؛ اگر چه ذکور از اناث باشد، و تقدم بطن اول بر ثانی نسلا بعد نسل و بطن بعد بطن، با نظارت و صواب دید مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة، و با تعدد مراعات اعلم و اورع نمایند و بدون استحضار و صواب دید ناظر در هر زمان حق مداخله از برای متولی نمی باشد.

والعیاذ بالله در صورت فقدان اولاد و انقراض ایشان مطلقاً، تولیت مفوض است به شخص اول وزیر اعظم دولت علیه ایران، و در صورتی که وزراء متعدد و لقب صدرات در اشخاص دولت نباشد، هر کس اقرب به سلطان - و مجاری کلیه امور به دست [با] کفایت [او] - و محل مراحم خاصه شاهنشاهی است، او متولی خواهد بود.

و نظارت مفوض است به عالم مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة طهران دائماً و یک عشر حق التولیة و حق النظارة حق متولی و ناظر است بالمناصفه.

و صیغه وقف جاری و اقباض تولیتی و حکومتی در آن مرعی گردید: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ) (۶).

فی ۲۵ شهر جمادی الآخرة سنة ۱۳۱۸.

توضیحا مسطور می شود که در سابق پنج نسخه وقف‌نامه مزبوره صحیحه به اوراق متعدده مسطوره شده و اجلاء علماء اعلام دارالخلافة که این صحیفه صحیحه را نیز مزین می فرمایند مزین فرموده‌اند.

محض انتشار و قفیت و تکرار نسخه و در یک کتابچه جمع شدن جمیع اوقاف و خیرات جناب مستطاب معظم نسخه‌ی ششم وقف‌نامه مزبوره مسطور شد.

صورت التزاماتی که جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای مشیرالسلطنه و وزیر خزانه (دام مجده العالی) به نذور و عهد و یمین در تاریخ ۲۵ شهر جمادی الآخرة سنة ۱۳۱۸ در محضر اجلاء علماء اعلام فرموده‌اند و بر خودشان واجب نمودند که عمل فرمایند:

هو الله سبحانه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله (الذي خلق الموت والحيوة ليلوكم أيكم أحسن عملا) (۷).

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين المعصومين الأنجيين المكرمين

فبعد، چون جناب جلالت مآب عمده الأئمء العظام، قواما للمجد و العز و الاقبال، شمسا لسماء الرفعة و الاجلال، الأجل الأمجد آقا میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (دام اقباله العالی) به توسط استعداد ذاتی تحصیل مقامات عالیه حق شناسی فرموده‌اند و عیش ابدی سرمدی ما لا- عین رأی و لا- اذن سمعت را نصب العین فرموده و به مفاد آیه کریمه (و سارعوا الی مغفرة من ربکم) (۸) گوی مساعدت و مسابقت و مسارعت از همگنان ربوده و همواره در مورد توسل به اهل بیت طهارت (علیهم صلوات الله و سلامه) بذل جهد نموده و پیوسته به میامن مراحم داور و برکات انتساب به خاندان حضرت خیرالبشر (علیه صلوات الملك الاکبر) مؤید به تأییدات و موفق به توفیقات خداوندی گردیده و به شرح نسخ متعدده که مسجله به سجل و مختومه به خاتم شریف علماء اعلام می‌باشد، تمامی کل شش دانگ کاروان سرای ملکی خودش و شش دانگ حمام جدیدالبنای ملکی متصرفی خودشان را با قطعه زمینی که متصل است به آنها در خیابان دروازه گمرک دارالخلافة طهران بر مصارف تعزیه‌داری حضرت مولی الکونین ابی عبدالله الحسین و اولاد طاهرين و اصحاب او (علیه و علیهم الصلوة و السلام) وقف فرموده‌اند، در این اوقاف نیز خواستند که بر وجه اتم و اکمل در مقام خیرات جاریات که افضل طاعات و عبادات است برآیند تا برکات مستمرا جاری و ساری بوده، در (یوم لا ینفع مال و لا بنون) (۹)، ذخیره

روز در ماندگی باشد. تمهیدا لهذا المقال با حضور ائماء شرع مطاع، بالاراده و الاختیار به نذر و عهد و یمین به وجه شرعی بر خود واجب و لازم فرمودند که معادل مبلغ سی هزار تومان وجه ریال جدیدالضرب یک مثقال وزن، از مال خودشان را ملکی بخرند، یا در املاک متصرفی خودشان معادل وجه را به تصدیق اهل خبرت معین نموده و قیمت کرده، بر مصارف مقرر ذیل به وجه شرعی وقف مؤبد و حبس مخلد فرمایند، و تولیت را با نفس شریف خود قرار دهند و در زمان حیات خود که متولی می‌باشند، محتاج به نظر ناظری نمی‌باشد و بعد از ارتحال خودشان (أطال الله عمره و شوکته) تولیت را تفویض به شخص اول و وزیر اعظم که اقرب به سلطان ایران و مجاری کلیه امور دولت علیه ایران در کف کفایت او باشد نمایند، و نظارت را به عالم و مجتهد جامع الشرائط دارالخلافة مفوض فرمایند.

و بعد از وضع مخارج لازم عین موقوفه، به شرح ذیل، یک عشر از منافع را حق التولیة و النظارة قرار بدهند و در صورتی که خودشان اقدام به این عمل نفرمایند، مختارند که وصی تعیین نموده تا اقدام به این عمل کند و تعیین ملکی که معادل با مبلغ مزبور باشد نماید و وقف کند بر مصارف مقرر ذیل، و تولیت را با شخص اول و نظارت را با عالم مجتهد دارالخلافة به ترتیب مزبور فوق قرار بدهد و همه ساله آنچه از منافع عین موقوفه عاید شود اولاً، مخارج تعمیرات لازم عین موقوفه را مقدم داشته که همیشه املاک موقوفه دائر و آباد باشد و ثانیاً، یک عشر از بقیه منافع را حق التولیة و النظارة منظور نموده که بالمناصفه حق متولی و ناظر باشد و مابقی آنچه می‌شود بیست سهم نموده بالسویة: چهار سهم آن باید در مصارف تعزیه‌داری سیدالشهدا و ائمه هدی و اولاد و اصحاب ایشان و انبیا و اولیا (صلوات الله و سلامه علیهم) و مناقب ایشان و مثالب اعدای ایشان صرف شود؛ به هر نحو و هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند. در هر زمان و هر مکان به نوع اطلاق که اقرب به صواب و تقرب به ارواح مطهره ائمه أنام (ارواح العالمین لهم الفدا) بوده باشد و شانزده سهم دیگر را به مصارف دوازده قلم ذیل علی حسب تسهیمهم صرف نمایند. و این سهام به همین قسم که نوشته می‌شود، الی‌الابد باید صرف شود و در صورتی که بعضی از این مصارف که مخارج آنها به تدریج بی‌فایده و محتاج کلی باشد [کذا]، از قبیل تعمیر قنوات بایره و مساجد و پل‌ها و طبع کتب علمیه، متولی و ناظر مختار می‌باشند، که این نوع از مصارف را

مقدم دارند بر سایر مصارف؛ غیر سهم تعزیه‌داری که همه ساله باید صرف شود و به طور اتم و اکمل صرف در آن مصرف نموده، و مصارف دیگر را تعطیل نمایند و ملاحظه سهام بقیه مصارف را نموده، در سنوات بعد تدارک نمایند تا تعدیل شود و صیغه وقف املاک را در محضر اماناء شرع جاری نموده:

دو سهم، در صورتی که در ارحام جناب جلالت‌مآب معزی الیه فقیر و مستحق باشد، به ایشان؛ و الا به مطلق مستحقین داده شود؛
 یک سهم، به مصارف روشنایی بقاع ائمه هدی (سلام الله علیهم) صرف نمایند؛ به هر نحو که صلاح دانند؛
 یک سهم، مصارف تجهیز اموات مسلمین صرف نمایند؛ به هر طریق که متولی و ناظر هر زمان صلاح دانند؛
 یک سهم، به جهت روشنایی و فرش مساجد صرف نمایند؛ در هر محل و هر قسم صلاح دانند؛
 یک سهم، به فقراء زوار قبور ائمه انام (سلام الله علیهم) بدهند؛ به هر نحو صلاح دانند؛
 یک سهم، به سادات حسینی ساکن مدینه طیبه که معروف به نخاوله‌اند بدهند؛
 دو سهم، کتب علمیه از فقه و اصول و تفسیر و حدیث خریده یا اینکه کتاب کثیرالمنفعه به طبع رسانیده، مجاناً به اهل علم بدهند؛
 سه سهم، در تعمیر پل‌های خراب و مساجد و مدارس که موقوفه ندارند و کاروان‌سراها که در محل عبور مسلمین است یا قنوات وقفی که متولی ندارد صرف نمایند؛

یک سهم، به فقراء سادات بدهند، به هر نحو و هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند؛
 یک سهم، به فقراء غیر سادات از اهل علم بدهند، به هر نحو صلاح دانند؛
 یک سهم، در ماه مبارک رمضان به جهت قرائت قرآن به قاری از اهل علم بدهند، به جهت اموات؛
 یک سهم، در ماه مبارک رمضان خاصه در لیالی قدر، صرف افطار و اطعام فقراء و محتاجین نمایند؛
 به نسخ متعدده نویسانیده که در نهایت وضوح و اشتهار باشد و جناب جلالت‌مآب آقای معزی الیه (آدام الله عمره) تمامی مراتب مزبوره را به صیغه عهد و نذر و یمین بر خود واجب نموده، به ترتیب شریعت مقدسه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که عمل نمایند (وقفه الله لتحصیل مرضاته و التجنب من موجبات سخطه بمحمد و آله الأطهار).

وقع و جری ذلک فی ۲۵ شهر جمادی الآخرة سنه ۱۳۱۸.

بسم الله خیر الأسماء

بحمدالله و حسن توفیقه حال تحریر، که یوم چهاردهم شهر صفر الخیر ۱۳۱۸ می‌باشد، با کمال شوکت و جلالت و رفعت و صحت و سلامت مزاج با اعتقاد راسخ، در محضر مبارک اماناء شرع، در مقام اتیان به عمل واجب خود به نذر و عهد و یمین برآمدند و تمامی شش دانگ مجاری المیاه دو رشته قنات و شش دانگ اراضی صحرا و تمام باغات و مختصی اربابی و طاحونه‌ی جدید البنای ملکی خودشان را در قریه‌ی وجه‌آباد که از قراء معروفه شهریار است و در سه فرسخ و نیم دارالخلافه تقریباً واقع است و متصرفی خودشان است و فعلاً به تصدیق جمعی از اهل خیرت قیمت حالیه قریه مزبوره زیاده از سی هزار تومان وجه عهد و نذر است، به همان ترتیب که به شرح قبالات معتبره ابتیاع نموده‌اند و چند سال است که در قنوات و آبادی قریه مزبوره و کثرت زراعت و رعیت قریه مزبوره سعی وافی نموده و مخارج کلی متحمل شده‌اند و فعلاً در کمال آبادی و از غایت اشتهار مستغنی از تحدید و توصیف می‌باشد، به همان ترتیب که فعلاً مالک بودند و متصرف، تمامی را بدون استثناء شیئی از آنها قربه‌الی الله و طلباً لمرضاته از بابت وجهی که به نذر و عهد یمین بر ایشان واجب شده بود، وقف مؤید صحیح شرعی و حبس مخلد اسلامی نمودند بر مصارف مقرره مفصله در نوشته نذر و عهد که در ورق قبل مسطور شده، که بعد از وضع مصارف لازمه، در زمان تولیت خود جناب واقف معظم (أطال الله بقاه) و در زمان تولیت متولی‌های بعد که در ذیل مسطور می‌شود و مفصلاً در نوشته نذر نیز مسطور شده، بعد از مصارف لازمه‌ی عین موقوفه و اخراج یک عشر حق التولیة و حق النظارة، بقیه‌ی عایدی باید به بیست سهم مساوی قسمت شود و

چهار سهم صرف تعزیه‌داری به شرحی که مسطور شده همه ساله باید صرف شود. و شانزده سهم باقی، به همان تفصیل که در ذیل - که در ده قلم در ورق سابق - مسطور شده، صرف نمایند به همان ترتیب و تفصیل که در ورق قبل مسطور شده، و بر طبق آن به نذر و عهد شرعی بر خود واجب نموده بودند، و صیغه وقف جامعه لجمیع شرائط الصحه و الشرعیه جاری، و شرائط صحت و شرعیات از قبض و اقباض تولی و حکومتی در آن مرعی گردید. و حسب المسطور مادام عمره (أطال الله بقاءه)، تولیت وقف مسطور با خود جناب واقف معظم، و در زمان تولیت خودشان ناظری مقرر نشده، و بعد تولیت وقف راجع است به شخص اول و وزیر اعظم که از همه کس اقرب به اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران باشد، و در هر زمان به شرح سابق نظارت با مجتهد مسلم دارالخلافة، و در زمان تولیت و نظارت ایشان یک عشر حق التولیة مقرر است؛ لکن در زمان تولیت خود واقف معظم حق التولیة مقرر نمی‌باشد.

فصارت القریة المزبوره وقفا صحیحا دائما و حبسا مخلدا أبديا الی أن یرث الله الارض و من علیها.

توضیحا لما رقم اینکه موقوفه مزبوره از حال تحریر لغایت پانزده سال تمام هلالی متوالی مسلوب المنفعه وقف شده و حین وقوع الوقف جناب مستطاب واقف معظم مالک منافع قریه مزبوره در مدت پانزده سال مزبور نبودند. و بعد وقوع الوقف بترتیب [بالترتیب] المسطور مجددا لغرض الصحیح الشرعی منافع پانزده ساله قریه مزبوره به وجه شرعی منتقل شد از مالک منفعت به خود جناب واقف معظم (دام اقباله). بنابراین منافع قریه مزبوره در مدت پانزده سال شمسی که عبارت از برداشت پانزده محصول تمام شتوی و صیفی که از جمله پانزده سال است محصول شتوی و صیفی عایدی هذه السنه (سیچقان نیل خیریت تحویل).

اگرچه جناب معظم در هر سالی زیاده از عاید قریه مزبوره در مصارف خیریه صرف می‌نمایند، منافع پانزده ساله مختص خودشان شد؛ به این ترتیب که به هر نحو بخواهند صرف نمایند، و بالاراده و الاختیار به وجه شرعی انشاء وصیت فرمودند. جناب واقف معظم، که چنان که خدا نخواست ار تحال ایشان قبل از پانزده سال بشود، وصی شرعی ایشان منافع بقیه مدت پانزده سال قریه مزبوره را از بابت ثلث استیفا نموده و به همان ترتیب بیست سهم مقرر در وقف همه ساله صرف نماید. و ثواب آن عاید روزگار واقف موصی معظم باشد و بعد از انقضاء مدت پانزده سال جناب واقف معظم بتا باید به وقف مسطور عمل نماید. و بعد از عمر طبیعی ایشان متولی‌های ایشان در زمان بعد به استصواب ناظر باید به وقفیت عمل کنند: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلون) (۱۰) و کان وقوع ذلک فی ۱۴ شهر صفر الخیر سنه ۱۳۱۸ مطابق سیچقان نیل خیریت تحویل.

توضیح ثانی آنکه دو قنات مختصی به خود جناب مستطاب معظم (دام اقباله) در وقف نامه مسطور شده از بابت عدم اطلاع محرر این اوراق بوده مخفی نماند که قنات قریه مزبوره پنج رشته است که دو رشته قنات مختص به جناب مستطاب واقف معظم می‌باشد و سه رشته قنات به شرح نوشتجات و اسناد و قبالات معتبره فیما بین ایشان و رعایای وجه آباد مشترک و آنچه را که جناب مستطاب معظم مختصا و مشترکا در قریه مزبوره مالک و متصرف بوده‌اند، به وجه شرعی وقف نموده‌اند. بنابراین مجاری المیاه دو رشته قنات مختصی و سهام متصرفی ایشان در سه رشته دیگر تماما وقف است وقفا صحیحا شرعیا بتاریخ فوق.

توضیحا مسطور می‌شود که منافع پانزده ساله موقوفه مسطوره به شرحی که در متن مسطور شده دخلی به وقف ندارد، مختص به خود جناب مستطاب واقف معظم است.

بسم الله الرحمن الرحيم

حبذا، کسانی که به مفاد آیه کریمه (مثل الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله کمثل حبء انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبء والله یضاعف لمن یشاء) (۱۱) اموال خود را با کمال رضا و رغبت در راه خداوند سبحان (جلت عظمته) انفاق نمودند و گوی مسابقت ربودند، از یکی از امناء سلاطین راضیه حکایت کنند که آنچه در سال به دست آوردی، در راه خدا به فقراء و مساکین انفاق نمودی. بعضی در نزد شاه او را متلف قلمداد نمودند. روزی سلطان به او فرمودند که اگر آنچه داشتی از برای خود نگاه می‌داشتی

بہتر بود، دیگر تو مال را دوست نمی‌داری. عرض نمود: ای پادشاه به حق ذات اقدس خداوند سبحان (جل جلاله) که هیچ کس را حریص تر از خود در محبت مال نمی‌دانم و همین محبت است که می‌خواهم آنچه دارم با خود ببرم، نه از برای دیگران بگذارم و با حسرت و ندامت بگذرم. در خبر است که یکی از ازواج پیغمبر خاتم صلی الله علیه و سلم گوسفندی ذبح نموده و به امر آن حضرت در راه خدا انفاق نمود و از برای قوت خودشان یک کتف

گوسفند را نگاه داشت خدمت ذی‌سعادت آن حضرت صلی الله علیه و آله عرض نمود: «یا رسول الله باقی نماند از گوسفند نزد من به جز کتف». حضرت فرمود: «نه چنین است تمام از برای ما باقیست به جز کتف».

چون جناب مستطاب اجل اکرم اسعد افخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (دام اقباله العالی) استماع فرمودند که جمعی از فقرا و ضعفا و ارامل و ایتم شیعہ اثناعشری در اطراف ایران هجرت نمودند در کربلای معلی و نجف اشرف توطن نموده و شبانه روز خود را به زیارت آن قباب مطهره مشغول و مصروف داشته، و در کمال عسرت و تنگدستی می‌گذرانند و متوسلند به آن قباب مطهره و سر رضا و تسلیم بر آستان مقدس نهاده و به جز جان دادن و خاک شدن در آن خاک منظوری ندارند، فتوت و جوانمردی جناب مستطاب معظم رضا نداد که این مردم آزاده و از نعم دنیا چشم پوشیده، به عسرت باشند و خواستند که قربۃ الی الله و طلبا لمرضاتہ این صنف از مجاورین شیعہ از سادات و غیر سادات، عالم باشند یا غیر عالم الی الابد در مال خود بهره و نصیبی از برای ایشان مقرر فرماید که به استمرار همه ساله مدد معاش ایشان برسد و در (یوم لا ینفع مال و لا بنون) (۱۲) از برای ایشان ذخیره باشد، و همچنین از برای مقبره‌ی خودشان در محلی که معین فرمایند و تدارک کنند تهیه روشنایی و اجرت قاری و خادم و سایر مصارف تعیین فرمایند. لہذا تمامی شش دانگ قریه‌ی الورد را که از قراء معروفہی بلوک شہریار من بلوکات دارالخلافہ طهران و از غایت شہرت مستغنی از تحدید و توصیف است و ابتیاعی و متصرفی ایشان است با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیہ از مجاری المیاء قنوات و روداب و اراضی و صحاری و باغات و انہار و اشجار و قلعه و بیوتات و طواحن و مزارع و مراتع و مراہض و سایر ما یتعلق بہا و ینسب الیہا را شرعا محل این دو مصرف قرار دادند. و چون بعضی از منظورات، از قبیل تتمیم آبادی و امثال ذلک داشتند، اولاً به وجہ شرعی، منافع عینیہ و حکمیہی پانزدہ سالہ قریہی مزبورہ را بہ غیر منتقل فرمودند و بعد نیم دانگ مشاع از شش دانگ قریہ مزبورہ را بتوابعہا الرعیہ بقدر الحصہ الشائعۃ الشرعیۃ بہ عقد مصالحہ لازمہ شرعیہ رعایۃ للمسألۃ و احتیاطاً واگذار فرمودند بہ حضرت مستطاب شریعت مدار، علامۃ العلماء العالمین حجۃ الاسلام و المسلمین رئیس الملۃ والددین آقای آقا شیخ فضل الله النوری (آدام الله ظلہ العالی) بہ عوض معین، و ایشان در همان مجلس قربۃ الی الله و طلبا لمرضاتہ وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند تمامی نیم دانگ از قریہی مزبورہ را بتوابعہا الشرعیۃ بر مصارف مقبرہی جناب مستطاب معظم (اطال الله بقاہ) از اجرت خادم و قاری و روشنایی مقبرہ و سایر ملزومات مقبرہ بہ ہر نوع کہ متولی ہر زمان صلاح بداند، در صورتی کہ محل دفن ایشان در یکی از مشاہد مشرفہ یا بلاد شیعہ باشد؛ و در صورتی [کہ] مدفن العیاذ باللہ در محلی باشد کہ صلاحیت این مصارف در آن نباشد و ممکن نشود بر مصارف معینہ کہ در قف پنج دانگ و نیم بقیہ در ذیل مسطور می‌شود، بہ همان ترتیب صرف نمایند و حسب المقرر منافع این نیم دانگ ہمہ سالہ بعد از وضع یک عشر حق التولیۃ و حق النظارۃ بعد از وضع مصارف لازمہ عین موقوفہ، باید صرف شود در مقبرہی مسطورہ در صورتی کہ مسطور شد؛ و در صورتی کہ مدفن در محلی باشد کہ صلاحیت مقبرہ نباشد، باید در مصارف فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتم ساکنین نجف اشرف و کربلای معلی بالمناصفۃ صرف شود بہ همان ترتیبی کہ در وقف پنج دانگ و نیم باقی مقرر است. و تولیت و نظارت الی الابد با متولی و ناظر پنج دانگ و نیم مقرر شد. بہ شرحی کہ در ذیل مسطور می‌شود، و تا زمان حیات خود جناب مستطاب معظم کہ واقف پنج دانگ و نیم متولی وقف می‌باشند تولیت این نیم دانگ ہم با ایشان است و ناظری در زمان حیات ایشان مقرر نیست. و بعد از ایشان تولیت و نظارت با اشخاصیست کہ متولی و ناظر می‌باشند در پنج دانگ و نیم. و بعد ذلک جناب مستطاب اجل اکرم معظم (دام

مجده العالی) قربه الی الله و طلبا لمرضاته با تحقق کافه‌ی شرایط صحت و شریعت، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس صریح مخلد اسلامی نمود تمامی پنج دانگ و نیم قریه‌ی مسطوره «الورد» ملکی متصرفی خود را با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه آن به شرحی که مسطور شد بر مصارف عموم فقرا و ضعفا و ارامل و ایتم ساکنین نجف اشرف و کربلای معلی اعم از اینکه اهل علم باشند یا عامی، از سادات باشند یا غیر سادات؛ همین قدر که شیعه اثنی عشری و فقیر و مجاور باشد موقوف علیهم که محل مصرف خواهند بود؛ به این ترتیب که همه ساله آنچه از موقوفه مسطوره عاید شود اولاً، مصارف و تعمیرات لازمه‌ی عین موقوفه را مقدم دارند که همیشه عین موقوفه دائر و آباد باشد، و بعد از آن یک عشر حق التولیه و النظاره باید اخراج شود از برای متولی و ناظر که بعد از خود واقف معین می‌شود و در زمان تولیت ایشان ناظری مقرر نشده و حق التولیه نیز ندارند. و این یک عشر در طبقات تولیت و نظارت بعد از ایشان بالمناصفه از برای متولی و ناظر که در ذیل معین شده مقرر است. بقیه را آنچه بشود همه ساله متولی و ناظر هر زمان به توسط و صواب‌دید یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف و یک نفر از مجتهدین کربلای معلی بالمناصفه در مصارف فقراء و ضعفاء مجاورین نجف اشرف و کربلای معلی که حالات و صفات ایشان معین باشد صرف نمایند.

عبارة اخری، عایدی موقوفه مزبوره را - بعد از وضع مصارف لازمه در زمان حیات واقف، و بعد از مصارف لازمه و اخراج یک عشر حق التولیه و حق النظاره در زمان تولیت بعد از ایشان - دو سهم نموده نصف را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف به فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتم نجف اشرف بدهند و نصف دیگر را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام کربلای معلی به فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتم مجاورین کربلای معلی بدهند و در مقدار بسط و کم و کیف در صرف متولی و ناظر هر زمان مختار خواهند بود و با ملاحظه‌ی رعایت الأحوج فالأحوج.

و تولیت وقف مادام حیات واقف با خود ایشان و در زمان حیات ایشان ناظری معین نشده و حق التولیه نیز مقرر نشده است. و بعد از ایشان تولیت وقف راجع است به شخص اول و وزیر اعظم که از همه کس اقرب به اعلی حضرت اقدس شاهنشاه ایران باشد و نظارت با یک نفر از مجتهدین مسلم دارالخلافة طهران و یک عشر عایدی موقوفه بعد از مصارف لازمه‌ی عین موقوفه حق این طبقات و متولی و ناظر است. و صیغه وقف جامعه لجمیع شرائط الصحه و حاویه لجمیع مراتب الشرعیه جاری، و شرائط صحت و شریعت در آن مرعی گردید و قبض و اقباض تولیتی و حکومتی حاصل شد. فصار وقفا صحیحاً شرعياً و حبساً دائماً ملئاً الی أن یرث الله الأرض و من علیها: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یریدونه) (۱۳) و کان ذلك الوقف فی ۱۴ شهر صفر الخیر سنه ۱۳۱۸، مطابق سیچقان‌نیل.

توضیحا مسطور می‌شود چون به شرح مسطور که به آن اولاً اشاره شد به واسطه‌ی اغراض صحیح شرعی، قبل از وقف منافع پانزده ساله‌ی قریه‌ی مزبوره - که محصول و عایدی هذه السنه سیچقان‌نیل از جمله پانزده سال است - به غیر منتقل شد به وجه شرعی، و بعد از وقوع وقف مجدداً منافع پانزده ساله قریه‌ی مزبوره به خود جناب مستطاب اجل اکرم معظم منتقل شد و حسب المسطور، منافع از اول سنبله سنه تنکوزنیل ماضیه تا پانزده سال شمسی که برداشت پانزده محصول تمام باشد و حق خودشان [است] و دخلی به وقف ندارد، به هر مصرف که خودشان بخواهند باید صرف نمایند و بالاراده و الاختیار به وجه شرعی انشاء وصیت فرمودند جناب واقف معظم که چنانچه خدای نخواستار ارتحال و فوت ایشان قبل از پانزده سال مزبور واقع شود، وصی شرعی ایشان منافع بقیه پانزده سال مسطور، آنچه بشود از بابت ثلث ایشان استیفا نموده و به همان ترتیب که در مصارف وقف مقرر شده همه ساله منافع موقوفه را بعد از تعمیرات لازمه دو سهم مساوی نموده، یک سهم را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف به مجاورین فقیر و ارامل و ایتم و علوی [ظ: علویون] و علویات

نجف اشرف، و سهم دیگر را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام کربلای معلی به مجارین مفصله مسطور کربلای معلی بدهند.

امیدوار به فضل خداوند سبحان (جلت عظمته) می‌باشم که همواره واقف معظم در صحت و سلامت و شوکت و جلالت باقی بماند و سال‌های دراز بعد از پانزده سال مسطور خودشان با کمال شوکت منافع موقوفه را به شرح مسطور صرف وقف فرمایند. اللهم آمین آمین آمین یا رب العالمین.

و كان تلك المسطورات في الرابع عشر شهر صفر الخير سنة ۱۳۱۸ مطابق سيحقان نيل. كتبه يوسف الحسيني النيريزي.

هو الله و سبحانه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

الحمد لله الواقف على ضمائر العباد، الموفق للخيرات الجاريات ليوم المعاد، و المفيض للبركات التامات الى يوم الميعاد، و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله شفعاء الخلق (يوم يناد المناد).

جواهر زواهر حمد و ستایش بی‌حد و عد که واقفان ملأ اعلی، و ساکنان مساکن بالا از احصاء آن عاجز آیند، نثار بارگاه حضرت حکیمی است (جلت عظمته) که به حکمت کامله‌اش در مدرس تعلیم (و علم ادم الاسماء کلها) (۱۴) ملائکه را کتاب علوم شناسان حقایق اشیا بر دامن نهاد و زبان گویای نفس ناطقه را مفتاح ابواب دانش و هوش مقرر فرمود، تا متعلمین علوم ربانی به مقصد واصلین و مقامات عارفین شتابند و به توسط استعداد تحصیل حق شناس و تمهید قواعد بندگی نموده، فواید جلیله و مراتب جمیله علم و عمل را دریابند.

و صلوات زاکیات و تحف تحیات نثار روضه بهیه محبوب حضرت رب العالمین ثمره پیشرس حدیقه‌ی «کنت نبیا و الادم بین الماء و الطین» زبده و خلاصه عالم، مغیث الخلق و غیاث الأمم، سید الرسل و ایضاح السبل، محمد مصطفی (علیه من الصلوات از کاهها و من التحيات أنماها، مادام البحر محيطا و الأرض بسيطا) و نفایس فنون تسلیمات زاکیات بر والی ولایت «من کنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» الوصی المطهر، الامام المظفر، قسیم الجنة و السقر، الوارد فی شأنه الشريف «على خير البشر» و بر آل و اولاد امجاد آن حضرت، که شموع خاندان خیر البشر و مدرس بدیعه [کذا] کلامشان در تنقیح احکام شرایع اسلام نور ساطع، و کتابخانه ایجاد را نسخه‌ی حادی عشر، جوامع آثار رحمت ذوالجلالیه، و فصوص دعائم ارکان دین (علیهم من الصلوة أتخفها مادامت ثواقب النجوم متتالية و عداة الشهور و متوالية و لمعات الشمس لامعة).

فبعد، غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آن است که جناب مستطاب، شمس فلک جلالت و بدر آسمان نبالت، الأجل الأفخم الأمد آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (أدام الله ظله العالی) بعد از آن که به شرح این دفتر میمون مبلغی خطیر از مال خود را محض رضای خداوند سبحان و توسل به حضرت خاتم الانبیاء و ائمه‌ی هدی (صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین) در امور خیریه تعزیه‌داری و وجوه بر و صدقات وقف نموده‌اند به ملاحظه این حدیث شریف، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «من بنى مسجدا فى الدنيا اعطاه الله بكل ذراع منه مسيرة أربعين ألف عام مدينة فى الجنة من ذهب و فضة و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ» (۱۵) و قال الصادق صلوة الله علیه: «من بنى مسجدا كمفحص [؟] قطة بنى الله له بيتا فى الجنة» (۱۶) در جنب خیابان دروازه گمرک دارالخلافة طهران بنای

مسجد و مدرسه رفیعی فرمودند، و در اندک زمانی به توفیق ربانی و تأیید سبحانی، و عزمی راسخ و همتی عالی آن مکان شریف را روضه رضوان فرمودند. و بعد از انجام و اتمام، جمعی از اجلاء علماء اعلام را در آن مکان رفیع دعوت فرمودند به شرحی که در ذیل مفصلا مسطور می‌شود با تحقق کافه شرایط صحت و شرعیات، اجرای صیغه‌ی وقف فرمودند، و بعد به ترتیبی که مسطور می‌شود رقبات مستغلات مشروحه را نیز از برای مصارف لازمه این بنای شریف و طلاب و سکنه‌ی آن بر وجه صحیح شرعی وقف فرمودند.

ای خداوند قادر رؤف [رئوف] عطوف، که به رحمت و اسعوات در سن شیخوخیت و ضعف، حضرت اسحاق علیه‌السلام را به

حضرت خلیل عطا فرمودی، و بعد از وهن عظیم و اشتعال رأس از پیری، چون زکریا مسألت نمود که (فهب لی من لدنک ولیا - یرثنی و یرث من ال یعقوب و اجعله رب رضیا) (۱۷) مسألت آن حضرت را اجابت فرمودی و حضرت یحیی علیه السلام را به او کرامت فرمودی از قدرت شاملهات مسألت داریم که ولی و وارث ذکور عالم و متقی به این بنده مطیع جواد خود عطا فرمایی و چشم او را به آن ولد روشن کنی، تا ولی و وارث او باشد و به امورات خیرات و صدقات او بعد از او رسیدگی بنماید! آمین یا رب العالمین بمنه سبحانه و تعالی. به تاریخ یوم هفتم شهر شوال المکرم ۱۳۱۸ یکهزار و سیصد و هیجده هجری مطابق سیچقان‌نیل ترکی...

به مبارکی و میمنت، علماء اعلام (أدام الله ظلهم العالی) در مسجد و مدرسه میمونه مبارکه که مسمی به «مسجد اقصی» فرموده‌اند بعد از اتمام بنای مسجد و مدرسه با ملاحظه‌ی کمال صحت و احتیاطات شرعی، وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صریح مخلد فرمودند به وکالت شفاهیه حضوریه از جانب جناب واقف معظم (أطال الله بقائه) قربۀ الی الله سبحانه تمامی مسجد و مدرسه مبارکه مستغلات مسطوریه مفصله را، شرح وقف مسجد و مدرسه و مستغلات و تقسیم منافع بر موقوفه موقوف علیهم و شرح تولیت در ضمن چهارده فصل مسطور می‌شود. ان شاء الله تعالی.

فصل اول: مسجد معین است در شبستان، و ماهتابی روی مسجد و کفش کن‌های شبستان و ماهتابی و طاقچه‌ها که به جهت کفش و غیره معین شده، خارج از عنوان مسجدیت می‌باشد در عقد علی حده وقف شد که هر نوع تصرف در آنها بشود محذورات مسجدی در آنها نباشد؛ فقط همان شبستان و ماهتابی مسجد است و همچنین کتابخانه مدرسه که در فوقانی شبستان واقع است، وقفیت آن جزء مدرسه و خارج از احکام مسجد می‌باشد.

فصل دوم: مدرسه مشتمل است بر نه حجره و یک کتابخانه، که در فوقانی شبستان بنا شده، فضا و حوض وسط و ایوان‌ها و حجرات و دالان و حیاط متصله به مدرسه که به جهت مدرس بنا شده، بالوعه و سایر مضافات و مرافق مدرسه تمام آنها وقف شده بر وجه صحیح شرعی به عنوان مدرسه به شرایطی که در ضمن فصول آتیه مسطور می‌شود.

فصل سیم: شرایط سکون طلاب. در مدرسه حجره که جنب ایوان و طرف دیگرش سرپوشیده است باید مدرس و یک نفر طلبه که با مدرس مأنوس باشد در آنجا بیشتر منزل ندهند و در هر اطاق دو نفر طلبه که اقل مقام علمی ایشان درس مطول و معالم باشد، به تعیین متولی و ناظر باید ساکن باشند؛ و چنانچه طلبه‌ی فاضل محترمی باشد که شأن او اقتضا کند که مخصوصاً یک حجره‌ی مختصی داشته باشد، متولی و ناظر حق دارند که به او یک حجره بدهند و در هر حجره مقرر شد در وقف که زیاده از یک شاگرد نگاه ندارند.

فصل چهارم: در شرایط سکون طلاب در مدرسه مبارکه که طلبه باید متقی و طالب علم و مشغول به تحصیل علوم حقه شرعیه و بالغ و عاقل باشد و جمعی که خود را به شکل طلاب می‌نمایند و شغلشان تعلیم در خانه‌های مردم یا روضه‌خوانی یا وکالت است و غالباً اوقاف خود را به رفتن مجالس فاتحه و یا روضه و عروسی خانه‌ها و جمع کتب فارسی از شعر و لہو و لعب و هرزگی مصروف می‌دارند و غالباً مصدر شرور و مفسده می‌باشند؛ سکون امثال این جماعت در مدرسه میمونه حرام و خلاف شرع مقدس است و در صورتی که اشتباها از این قبیل مردم را به مدرسه منزل داده باشند بعد از تبیین احوال، متولی و ناظر حق دارند که او را معجلاً از مدرسه اخراج نمایند که سکون حرام است.

فصل پنجم: در شرط تعطیل. طلبه تا چهل روز در ایام سال حق تعطیل دارد از برای رفتن به وطن و دیدن ارحام و ارقاب و گردش به اذن متولی و ناظر، مگر در سفر حج و زیارات مراقد منوره ائمه انام علیهم السلام در عراق عرب و ارض اقدس که در این صورت به اذن متولی و ناظر بعد از معاودت از سفر، حق عود به حجره‌ی خود دارد و زمان غیبت او نایبی در حجره به جای او باید تعیین شود که حق تحصیل در مدرسه تعطیل نشود. و در صورتی که چهل روز بگذرد و طلبه‌ای که حق تعطیل او چهل روز بوده، معاودت

نموده باشد، سکون او باید در مدرسه به اذن جدید متولی و ناظر باشد.

فصل ششم: در تکلیف ساکنین مدرسه. هر طلبه که در مدرسه ساکن است در هر شبانه روزی حسب الشرط فی صحه سکونه باید یک حزب از قرآن مجید تلاوت نموده، ثواب آن را هدیه نماید از برای واقف معظم و والدین او، و همچنین امام مسجد و مدرس حسب الشرط در هر شبانه روزی یک حزب قرآن را تلاوت نموده، ثواب آن را از برای واقف و والدین او هدیه نمایند.

فصل هفتم: در امتحان طلاب. متولی و ناظر حق دارند که در هر سال یک مرتبه با حضور متعلمین و رؤسای هر علمی طلاب مدرسه را امتحان نمایند و ترقی ایشان را در علوم مدونه در مدرسه بسنجند. بعد از رسیدگی، در صورتی متولی و ناظر که مورت تشویق دیگران باشد و به شرحی که در فصل سیزدهم مسطور می‌شود، سهمی از برای عطایا در موقوفه معین شده و قدر آن به نظر متولی و ناظر است نسبت به اشخاص و ترقیات ایشان در علم، و بدیهی است که کسی که یک سال تحصیل نماید و ترقی نکرده باشد، موقوفه مدرسه بر او حرام و باید از مدرسه اخراج شود؛ چه خوش گفته افصح الشعراء سعیدی که «بیت المال حق مساکین است، نه لقمه‌ی اخوان شیاطین».

فصل هشتم: در تکالیف مدرس است. مدرس که متولی و ناظر معین می‌فرمایند اولاً، باید در خانه‌ای که در جنب مدرسه بنا شده، ساکن باشد و همه روزه سوای پنجشنبه و جمعه و اعیاد و ایام قتل، به طوری که معمول است، دو مجلس درس به جهت طلاب داشته باشد؛ و با کمال خوش‌حوالی و خوش‌سلوکی با طلاب اظهار مهربانی نماید که مورت تشویق ایشان باشد؛ و در صورتی که اظهار اشتباه خود کنند، رفع اشتباه ایشان نماید و به شرح مسطور در فصل ششم در هر شبانه روزی باید یک حزب قرآن تلاوت نماید.

فصل نهم: در تکالیف امام جماعت است. در مسجد، امام جماعتی را که متولی و ناظر معین می‌فرمایند، باید در تمام فصول سه وقت را در هر شبانه روز در مسجد حاضر باشد و ساعی باشد که نماز در زمان فضیلت کرده شود که مورت خیر دنیا و آخرت و رضای شارع مقدس صلوات الله علیه است. و به شرح مذکور در فصل ششم در هر شبانه روز در مسجد باید یک حزب قرآن تلاوت نموده، ثواب آن را برای واقف و والدین او هدیه نماید.

فصل دهم: در تکالیف مؤذن است. شرط در مؤذن، خوشی و صافی صوت و جهر در اذان و مناجات است. بعد از آنکه متولی به این وصف تعیین مؤذن نموده، باید مؤذن نیم ساعت قبل از صبح در مسجد حاضر باشد و به صوت اعلامی قدری مناجات نموده بعد از دخول وقت اذان بگوید. و همچنین اول ظهر و مغرب اذان بگوید و مواظب جماعت و رفاه حال و قضاء حوائج مؤمنین باشد؛ از قبیل آب دادن به ایشان و مهر دادن و صفوف را مستقیم نمودن و امثال ذلک.

فصل یازدهم: در تکالیف خادم است. خادم که تعیین می‌شود باید همواره مواظب نظافت و پاکیزگی مسجد باشد و امین و متدین و پرهیزگار و مسأله‌دان باشد و چراغ‌های مسجد و مدرسه را همیشه پاک و تمیز نگاه دارد و تمیز نگاه داشتن چراغ در حجرات دخلی به او ندارد با خود طلاب است؛ لکن چراغ‌های شبستان و ماهتابی و حیاط مدرسه و دالان و بالوعه، با خادم است. و در غیر اوقات جماعت مسجد را از دخول مجانبین و اطفال غیر ممیز و مردمان مغشوش حفظ کند، و کمال مواظبت از مؤمنین و خدمات ایشان و حفظ اسباب که با خود داشته باشند و کفش آنها بنماید.

فصل دوازدهم: در ذکر املاک و مستغلاتی است که به وجه شرعی وقف شده و منافع آنها، به ترتیب فصل سیزدهم که مسطور می‌شود، باید همه ساله صرف شود و در مسجد و مدرسه بعد از آنچه استثنای می‌شود از آنها.

همگی و تمامی بیست و دو باب دکان واقع در دارالمرز رشت مقابل دارالحکومه، به انضمام شش بالاخانه که روی دکان بنا شده، با جمیع ملحقات شرعی آنها عرصه و اعیاناً تماماً، وقف شد به وجه شرعی؛ به این ترتیب که همه ساله متولی و ناظر موقوفه باید اولاً، از منافع موقوفه دویم تومان استیفا نمایند و یکصد تومان آن را در مسجد مرحوم خلد مقام ملاذالاسلام حاج ملا رفیع

شریعتمدار (أعلى الله مقامه) که در رشت معروف است صرف تعزیه‌داری نمایند، به هر نحو که صلاح دانند و یکصد تومان دیگر را در نزد امینی در دارالمرز رشت حبس نمایند از برای تعمیرات لازمه از قبیل حرق و خرابی دکاکین که این وجه موجود باشد. چنانچه خدا نخواستہ احتراقی یا خرابی روی دهد وجه موجود از برای تعمیر باشد

که معجلاً تعمیر نمایند و امر موقوفه تعطیل نشود؛ و در صورتی که وجه مزبور کفایت نکند، متولی و ناظر حق دارند از خارج قرض نموده به قدر تعمیر. بعد اصل و فرع وجه استقراضی را در سنوات بعد از این یکصد تومان بدهند و آنچه بعد از دویت تومان باقی می‌ماند، جزء موقوفه مسجد و مدرسه می‌مونه است که در فصول آتیه مسطور می‌شود منضمماً با عایدی سایر موقوفه بعد از وضع موضوعات.

تمامی و همگی کل شش دانگ کاروان‌سرا و دو باب حمام مردانه و زنانه و قطعه زمین متصله به آنها که حمام‌ها را خود واقف معظم بنا نموده و شرح وقف آن در اول این کتاب در صفحه‌ی دویم [دوم] و سویم [سوم] و چهارم مسطور شده که منافع همه ساله‌ی آنها باید ضمیمه‌ی موقوفه مسجد و مدرسه و در همین مکان شریف صرف تعزیه‌داری شود، بعد از وضع حق التولیه و حق النظاره و تعمیرات لازمه، به شرحی که در صفحات ثلاثه اول کتاب مسطور شد.

تمامی شش دانگ نه باب دکان و یک باب قهوه‌خانه و باغچه متصله به قهوه‌خانه که متصله به مسجد و مدرسه است و غرباً متصله به باغچه کربلایی علی محمد گروسی، و جهت جنوبی آنها خیابان دولتی دروازه گمرک دارالخلافت است، و حد شمالی به کارخانه‌ی بلورسازی، و سمت شرقی مسجد و مدرسه است، با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه آنها عرصه و اعیاناً من المرر و المدخل و المجرى بدون استثناء شیء از آنها که تماماً وقف شد بر مصارف مسجد و مدرسه می‌مونه‌ی مزبوره بعد از وضع حق التولیه و حق النظاره و تعمیرات لازمه به شرح فصول آتیه.

فصل سیزدهم: در وضع تقسیم منافع موقوفه مسطوره است. حسب‌المقرر آنچه در سال از منافع موقوفه عاید شود اولاً، باید یک عشر حق التولیة و حق النظاره اخراج شود که بالمناصفه بین متولی و ناظر تقسیم شود، و خود جناب واقف معظم را در زمان تولیت حقی در عایدی موقوفه نمی‌باشد و در زمان ناظری معین نشده، امر با خودشان می‌باشد. بعد از وضع عشر، تعمیرات لازمه مقدم است که باید عین موقوفه همیشه دائر و آباد باشد و ازاله برف مسجد و مدرسه جزء تعمیرات است و تعمیرات لازمه مستغلات دارالمرز رشت جزء همان یکصد تومانی است که در هر سال از بابت تعمیر موضوع می‌شود و همان کفایت می‌کند که از برای تعمیرات به ترتیبی که مسطور شد. بعد از مصارف تعمیرات لازمه، عایدی موقوفه آنچه باقی می‌ماند حسب‌المقرر فی الوقف باید یکصد سهم مساوی شود، و حقوق هریک از موقوف علیم به ترتیبی که مسطور می‌شود [از] این یکصد سهم توزیع و تقسیم می‌شود در آن مصارف، که بدون تعطیل باید داده و صرف شود و دفتری باید مهیا شود و مباشر موقوفه همه ساله جمع و خرج موقوفه را بنویسد: اولاً عشر حق التولیة و النظاره را از جمع عایدی موضوع نماید. بعد مصارف تعمیرات لازمه را معین نموده، اخراج کند. و باقی را یکصد سهم نموده، به شرح مسطور بین موقوف علیهم تقسیم و صرف نمایند و خداوند سبحان (جلت عظمته) را حاضر و ناظر دانسته از قرارداد واقف تخلف ننماید.

صورت تقسیم یکصد سهم منافع مسطوره به ترتیب شرح ذیل است:

سی و هشت سهم، در نه حجره موجوده در مدرسه هر حجره چهار سهم و نیم حق دو نفر طلبه‌ی ساکن در آن حجره است که حق هر طلبه دو سهم و ربع می‌شود، مگر مدرس که همان فقط حق یک نفر طلبه که با مدرس هم حجره است باید دو سهم و ربع از اطاق به جهت حق آن طلبه داده شود و حق مدرس علی حده منظور می‌شود.

سه سهم، حق چهارده چراغ مدرسه که در هر حجره و کتابخانه یک چراغ، و در صحن مدرسه دو چراغ، و در مطبخ یک چراغ و در بالوعه یک چراغ، و از بابت قیمت جاروب و پارو به جهت مدرسه.

هفت سهم و نیم، حق الامامه؛

هفت سهم و نیم، حق التدریس؛

چهار سهم، حق کتابدار که حجره‌اش بالای شبستانست؛

دو سهم و نیم، حق خادم مسجد؛

دو سهم و نیم، حق خادم مدرسه؛

دو سهم، به جهت حصیر و چراغ مسجد؛

سه سهم، از برای خریدن کتب علمیه و تعمیرات کتب مدرسه که موقوفه باشد و وظیفه کتابدار آن است که باید مهر نشانی داشته باشد که کتب موقوفه را مهر نماید و دفتری داشته باشد که کتب موقوفه را با آنچه در هر سال زیاد می‌شود، ثبت و ضبط نماید در آن دفتر که کتب موقوفه از میان نرود و حفظ و حراست نماید؛

هفت سهم، حق واعظ ماه مبارک رمضان و اجرت راثی در محرم؛

سه سهم، اجرت رخت‌شویی طلاب و صرف دوا و غذای طلاب؛

دو سهم، از برای عطایای متولی و ناظر به طلاب کارکن با ترقی بعد از امتحان دادن به جهت تشویق به اختیار متولی و ناظر در کم و کیف و مقدار؛

هیجده سهم، از برای اطعام مجلس روضه‌خوانی در ده شب در ایام محرم و صفر هر دهه که متولی و ناظر صلاح دانند و تعیین فرمایند و چای و قهوه و غلیان و چراغ و اجرت راثی و امثال ذلک به نظر متولی و ناظر.

فصل چهاردهم: در تعیین متولی و ناظر است. تولیت موقوفه مزبوره در زمان حیات واقف معظم (أطال الله بقاه) با خودشان، و در زمان تولیت خودشان ناظری مقرر نشده و حق التولیه نیز مقرر نمی‌باشد. و بعد از ایشان در صورتی که اولادی با تقدم بطن اول بر بطن ثانی و نظارت با مجتهد جامع‌الشرایط دارالخلافة است با مراعات اعلم و اورع، و با فقدان اولاد مطلقاً، تولیت مفوض است به شخص اول و وزیر اعظم دولت علیه ایران. و در صورتی که وزراء متعدد باشند و لقب صدارت در اشخاص دولت نباشد، هریک از وزراء که اقرب به سلطان، و مجاری کلیه امور به دست او باشد، و محل مراحم مخصوصه پادشاه باشد تولیت موقوفه مزبوره با ایشان، و نظارت مفوض است به عالم مجتهد دارالخلافة، و یک عشر عایدی موقوفه حق التولیه و حق النظاره است که فیما بین متولی و ناظر بالمناصفه باید تقسیم شود. و صیغه وقف جامعاً لجميع شرایط الصحه جاری شد، و قبض و اقباض و تسلیم و تسلّم در آن مرعی گردید و بعد از اجرای صیغه شرعی به مبارکی و میمنت به عنوان مسجدیت در مسجد میمونه‌ی اقصی به جماعت نماز گزارده شد. امید است که خیر دنیا و آخرت از برای جناب متولی معظم (دام اقباله العالی) حاصل باشد.

توضیحا مرقوم می‌شود که دو باب حمام مردانه و زنانه و کاروان‌سرا و قطعه زمینی متصله به آنها که در قرب مدرسه واقع است به شرحی که در اول این کتاب مستطاب مسطور شده، سابقاً وقف شده بود بر مطلق تعزیه‌داری در هر جا و هر محل و هر زمان که متولی صلاح بدانند. چون مسجد و مدرسه میمونه بعد بنا شده و مقرر شد که در این محل تعزیه‌داری بشود، هیجده سهم از یکصد سهم از برای مصارف طعام و غیره مقرر شد، و هفت سهم از برای اجرت واعظ ماه مبارک رمضان و اجرت روضه‌خوان‌ها مقرر شد که جمعاً بیست و پنج سهم که ربع یکصد سهم است باید صرف تعزیه‌داری بشود. جناب مستطاب اجل عالی متولی معظم حسب التولیه الشرعی مقرر فرموده که عایدی کاروان‌سرا و حمام‌ها و قطعه زمینی که وقف فرموده بودند سابقاً بر تعزیه‌داری، در

جزء این بیست و پنج سهم صرف شود، و با وجود آنکه فعلاً عایدی آنها مقابلی ندارد تا نصف بیست و پنج سهم بقیه را با بیست و پنج سهم آنچه باقی دارد، از مستغلات موقوفه اضافه نمایند که بیست و پنج سهم کامل شود. و محل تعزیه‌داری در مدرسه مزبوره باشد. چون تعیین محل تعزیه‌داری با متولی بود، محل تعزیه‌داری در این محل مزبوره میمونه مقرر فرمودند که به طور اکمل و اوفی

تعزیه‌داری در مدرسه مبارکه همه ساله مقرر باشد.

و کان وقوع ذلک فی هفتم شهر شوال المکرم من شهر سنه هزار و سیصد و هیجده ۱۳۱۸ (غشیح) مطابق با سال سیچقان ترکی.

تمت بالخیر تقبل الله السميع العليم.

کتابه العبد المذنب العاصی یحیی بن محمد بن محمد باقر التفرشی الملقب بکاتب همایون.

الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً فی شهر ذیحجه سنه ۱۳۱۸. پی نوشت: ۱- نویسنده محترم جهت سهولت در خواندن وقف‌نامه، برخی واژه‌ها مثل بخاندان، اینطریق را به شکل به خاندان، این طریق، آورده است و متن را آزادانه نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی کرده است.

۲- چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار. به کوشش ایرج افشار، ج اول، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸ ش.

۳- مزمل (۷۳)، آیه ۲۰.

۴- پوش: خیمه، چادر، خرگاه... (فرهنگ معین).

۵- تجیر: حصیر نی که دور محوطه نصب کنند. (فرهنگ معین).

۶- بقره (۲)، آیه ۱۸۱.

۷- ملک (۶۷)، آیه ۲.

۸- آل عمران (۳)، آیه ۱۳۳.

۹- شعراء (۲۶)، آیه ۸۸.

۱۰- بقره (۲)، آیه ۱۸۱.

۱۱- بقره (۲)، آیه ۲۶۱.

۱۲- شعراء (۲۶)، آیه ۸۸.

۱۳- بقره (۲)، آیه ۱۸۱.

۱۴- بقره (۲)، آیه ۳۱.

۱۵- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۶۸، از ثواب اعمال، ص ۲۵۸.

۱۶- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۱، از محاسن برقی.

۱۷- مریم (۱۹)، ۵ و ۶.

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

منابع زندگینامه: میراث جاویدان

معمار، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آپارتمان دویکا

این آپارتمان در سال ۱۹۹۸ از سوی مرحوم محمد کاظم معمار وقف حسینیه شده است مساحت این آپارتمان ۷۰ مترمربع واقع در

منطقه‌ی دویکای شهر پونا بوده و در حال حاضر در اجاره‌ی مستأجرین است و درآمد آن، که باز به علت قدمت سکونت مستأجرین اجاره‌ی ناچیزی دارد صرف امور خیریه‌ی حسینی می‌شود. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

مؤمن استرآبادی، حاج میر محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قبرستان ایرانیان

این قبرستان در منطقه‌ی سلطان شاهی حیدرآباد قرار دارد ۴۰۰ سال پیش از طرف مرحوم حاج میر محمد مؤمن استرآبادی وقف شده است. به هنگام وقف، قبرستان وسعت بسیار زیادی داشت ولی به مرور زمان هندوها زمینهای آن را تصرف کردند و به نحوی که در حال حاضر ۲۰,۰۰۰ متر مربع باقی مانده است.

اعضای تولیت این قبرستان عبارتند از سید رضا حسن آزاد، سید علی موسوی، میر عنایت باقری و سید حامد حسینی جعفری. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

میرزا عماد الدوله، امامقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

وقف نامه مسجد و مدرسه علمیه امام صادق کرمانشاه (عماد الدوله سابق) درآمد مسجد و مدرسه امام صادق (ع) از بناهای دوران قاجاریه به دستور عماد الدوله و الی کرمانشاه در مرکز شهر و در نزدیکی مسجد جامع کرمانشاه ساخته شده و پیش از این باه نام مسجد و مدرسه‌ی عماد الدوله معروف بوده است. مدرسه دارای دو صحن می‌باشد، در صحن بزرگ، مسجد و حجرات مدرسه که تعداد آنها ده حجره است قرار دارد. اتاقهای دیگری به دفتر مدرسه، دفتر امور وقفی مدرسه و... اختصاص داده شده است. محل کتابخانه، و مدرسه هر کدام جای ویژه دارند. در صحن بزرگ که مساحتی حدود ۱۶۰۰ متر رار دارا می‌باشد بعد از جنگ تحمیلی پناهگاهی ساخته شده است.

اما صحن کوچک که مساحتی بیش از ۱۵۰ متر مربع دارد، دارای تعدادی اتاق است که با نظر مساعد مسؤول امور وقفی مدرسه، امام جماعت مسجد و برخی دیگر همراه خانواده در آنجا اسکان یافته‌اند.

در حال حاضر یک درب چوبی بزرگ دو لنگه‌ای بر درب مدرسه قرار دارد که بنابر مشهور، متعلق به بارگاه حضرت علی (ع) بوده که در آن زمان به توجه ساختن دربی دیگر این درب را از نجف به کرمانشاه منتقل کنند؛ و این شعر که بر ایوان مسجد نگاشته شده دلالت بر این مطلب دارد.

«در گه شاه نجف کش از شرف»

آسمان بر آستان آرد نماز

امروزه این درب محلی برای زیارت بسیاری از اهالی کرمانشاه درآمده به گونه‌ای که برای رفع حوائج خویش بعضا قفلهایی را بر درب گذاشته و پس از بر آمدن حاجت آن را می‌گشایند و در آنجا شمع روشن می‌سازند!

نکته دیگر در باب مدرسه سات بزرگی است که بر روی تنها گلدسته صحن بزرگ قرار دارد. این ساعت که در گذشته سالم بوده، با توجه به صدای پاندول و در بلندی قرار گرفتن آن و نزدیکی به مسجد جامع شهر اهمتی ویژه‌ای داشته و مردم شهر بدین‌طریق از اوقات شرعی آگاه می‌شده‌اند. عماد الدوله

امامقلی میرزا عماد الدوله پسر ششم محمد علی میرزای دولت شاه، پسر فتحعلی شاه در حدود سال ۱۲۳۰ ه. ق متولد شد. در سال ۱۲۶۸ ه. ق بحکومت کرمانشاه منصوب و در سال ۱۲۶۹ ه. ق ملقب به عماد الدوله شد. در سال ۱۲۷۵ ه. ق که حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه شد، به عماد الدوله واگذار گردید. در سال ۱۲۷۶ ه. ق حکومت لرستان ضمیمه خوزستان شد، ولی بار دیگر در سال ۱۲۸۰ ه. ق حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه نهادند شده و به عماد الدوله واگذار گردید.

عماد الدوله در سال ۱۲۹۰ ه. ق در سفر اول ناصر الدین شاه به اروپا از همراهان شاه بود. ناصر الیدن شاه در همین سال بعد از سفر اروپا عماد الدوله را به وزارت دادگستری برگزید و تا اوایل سا ۱۲۹۱ ه. ق در سمت مزبور

باقی بود. در این سال به سمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب گردید و در این سمت، خودش در کرمانشاه اقامت داشت تا اینکه سرانجام در سال ۱۲۹۲ ه. ق در گذشت (۱).

شعری که بر ایوان مسجد نصب گردیده چنین است:

در زمان خسرو گیتی ستان

داور دین پرور دشمن گداز

ناصر الدین شه که صیت (۲) عدل او

شهره آمد در حجاز و در تراز (۳).

آنکه در درگاه جمشیدش غلام

آنکه در خرگاه محمودش ایاز

ظلم در زندان قهرش پایبند

عدل در دوران مهرش سرافراز

در همه شهری ز فیض عدل او

گلشن شرع نبی در اهتزاز

وز عماد الدوله کرمانشاه را

شد ز هر شهری فزونتر امتیاز

بس بنای خیر از او بر جای ماند

پایدارش باد بخت و عمر ساز

در گه شاه نجف کش از شرف

آسمان بر آستان آرد نماز

شد عبادتخانه اهل زمین

سوده در سریر در گهش اهل نیاز

چون بنا کرد این عبادتخانه را

تا شود راه حقیقت از مجاز

خامه‌ی بیدل بتاریخش نگاشت

وز تکلیف جسته وی در احتراز

در هزار و دو صد و هشتاد و پنج (۱۲۸۵)

این در رحمت به عالم گشت باز متن وقفنامه بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وقف كل حامد موقف العجز عن اداء تحميده و كل لسان كل شاكر عن الاتيان بشكر احسانه و تمجيده؛ نحمده على ما أيدنا بازاعه أنواع الخيرات و نشكر على ما وفقنا باشاعة أقسام المبرات و نصلی و نسلم على من خلق لوجوده الأرضين و السموات و آله الذين هم وسایل النجات في مواقف العرصات بعد الحمد و الصلوة.

غرض از تحریر مشك تأثیر بصارت تفسیر این کلمات شرعیة الدلالات نتیجه المبانی و باعث بر تزیین این فقرات واضحہ البینات صحیحہ الالفاظ و المعانی آن است که چون در این سراچه‌ی فانی که در حقیقت خوانی است مشتمل بر دو باب و دخول از بابی را مستلزم است خروج از دیگر باب. پس بر هر ماده بصیر لازم است زمان قلیل توقف در آن را غنیمت دانسته بمقتضای «و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله» (۴) از مزارع و منافع آن منتفع گردد؛ لذا برخی از توفیقات حضرت سبحانی و بعضی از تأییدات نامتاهی یزدانی شامل حال نیکو منوال ناب مستطاب جناب سپهر رکاب عظمت و حشمت جلالت انتساب فروزان اختر برج دولت و جهان داری و درخشان گوهر درج شوکت و کامکاری، سلاله‌ی دودمان سلطنت و تاجداری و نقاوه خاندان خلافت و شهریاری، صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم، منبع الجود و المجد و الفضل و الکر، شاهزاده و الاتبار کامکار گردون وقار با اقتدار، سر کار عماد الدوله امامقلی میرزا دامت شوکة الوالا در حالت صحت بدن در کمال شعور و عقل و اختیار من غیر شائبة الاکراه و الاجبار، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمودند همگی و تمامی اعیان مملوکه کل ششدانگ کاروانسرایبزرگ احداثی خود و کل ششدانگ بازار و دکاکین قیصریه‌ی ایضا احداثی خود و کل ششدانگ تیمچه واقعه در چهار سوق ایضا احداث خود و کل ششدانگ دکاکین واقعه در دو دالان جنب مسجد احداثی خود را که آنها از حیث اشتهار مستغنی از تحدید و توصیف است و اعیان مملوکه کل ششدانگ الاین و حجرات و دکغاکین متعلقه آنها را بلااستثناء شیء منها و آلات و ادوات قدیمه و جدیده و چشمه‌ی طاهر در آنها و کامنه مخفیہ در اساس و بنیان آنها را کائنتا من کانت و هکذا حب شرعی و اسلامی ساختند محل آنها را و سایر متعلقات آنها را از مخارج و مداخل و مجاری میاه و سایر اراضی متعلقه بآنها و اعیان وقفیه‌ی مال الاصل آنها را در مدت اجاره که نواب واقف و حابس معظم الیه قه عقد شرعی اجاره نموده از قرار اجاره‌نامه علی حده شرعیہ از وکیل متولی موقوفات دار الدوله و مستحق استیفای منافع آنها شده‌اند بر جهات و مصارف مقدره که بعد قلیم مفصلا می‌شود که متولی و ناظر آتی ذکرهما منافع عایده از آنها و غبطه مترتبه بر آنها را بنفسهما او و کیلهما به حیطة ضبط و حوزه‌ی جمع در آورد.

در هر ماه یا هر سه ماه یا هر ششماه یا آخر سال؛ اولاً مخارج تعمیرات کلیه و اصلاح معایت و تعمیرات مسجد و درسه و حجرات مدرسه و اعیان موقوفه آنها مقدم داشته و هکذا در ثورت تطرق و هدم و حرمان را بر بعضی از ابنیه او اغلبها را مقدم داشته و هکذا تقدم مخارج دیوانی و عوارض آنها را در صورت عوارض و مطالبه دیوانیان منظور داشته و هکذا مال الاجاره اراضی و اعیان موقوفه اعیان وقفیه مسجد و مدرسه را نیز مقدم مدانسته که وکیل متولی موقوفات داده که به نجف اشرف برساند؛ و بعد از اخراج کل ذلک، بقیه منافع عاید را متولی و ناظر آتی ذکرهما منقسم و منسهم به یک هزار سهم قسمت نموده و به هریک از موقوف علیهم مفصله در ذیل از قرار تفصیل ذیل برسانند، الی ان یرث الله الارض و من علیها و الله خیر الوارثین.

تولیت وقف و حبس مزبورین را متولی حاکم عدالت شعار بلد یکصد و پنجاه سهم

ناظر اکبر اولاد ذکور دویست سهم

امام جماعت مسجد هفتاد سهم

مدرس مدرسه شصت سهم

طلاب ده حجر مدرسه هر حجره پانزده سهم، یکصد و پنجاه سهم

روضه خوان مسجد سی سهم

مؤذن مسجد بیست سهم

فراش مسجد پانزده سهم

خادم مسجد بیست سهم

چراغ مسجد بیست و لولین بیست و پنج سهم

خرج تعمیرات مسجد و حصیر و ساعت سی سهم

خرج مقبره‌ی کربلای معلا که خود احداث کرده‌اند یکصد و پنجاه سهم

خرج تعزیه داری ماه محرم و ماه صفر پنجاه سهم

روضه خوان عتبات که معروف بهتر باشد هفته‌ای یکروز بخواند در ایوان یا صحن سی سهم و معین نمودند بنفس نفیس خود مادام که حاکم عدالت شعار دار الدوله می‌باشد و امر حکام عدالت شعار دار الدوله کرمانشاهان در عهدی و عصری که شیوه مرضیه عدالت هم شایسته ایشان باشد و ناظر وقف و حبس مزبورین را قرار داد اکبر اولاد ذکور که از نسل خود باشد نسلاً بعد نسل و طبقاً بعد طبق و عقباً عقب و با وجود ذکور در طبقه اولی اکبر ذکور در طبقه‌ی بعد ناظر نیست مگر آنکه طبقه اقرب ذکور نداشته باشند آن وقت طبقه بعد هر کس ذکور اکبر باشد ناظر است و در صورت انقراض ذکور - العیاذ بالله - چه در طبقه اولی یا در طبقات بعد آن وقت، ناظره کبیره اناث از نسل ایشان است و همچنین در صورت انقراض ذکور اناث از نسل العیاذ بالله - آن وقت ناظر ذکور از بطن اناث از نسل ایشان است. و در صورت فقدان او هم - العیاذ بالله - آن وقت ناظر اناث کبیره از بطن اناث از نسل ایشان است. و در صورت انقراض کل - العیاذ بالله - آنوقت ناظر عالم عادل امامی مسلم العداله و العلم و الدیانه دار الدوله است. و در صورت فقدان ناظر عالم امام مسجد مزبور است.

صیغه وقف و حبس مرقومین کما هو المقرر فی شرح سید المرسلین واقع و جاری شد مشروط به شرائط عدیده که بعد ذکر می‌شود و حصول قبض از برای نواب واقف و حابس متولی بعمل آمد و شرایط وقف و حبس مزبورین آنکه هرگاه امام مسجد مدرس باشد یا مدرس مدرسه امام مسجد باشد سهم هر دو به امام مدرس یا مدرس امام باید برسد و در صورت تعدد سهم هر کس نصیب هر کدام خواهد بود و دیگر آنکه موقوف علیهم در حجرات مدرسه که هر حجره پانزده سهم نصیب آنها است طلاب علوم دینیه و محصلان و معارف یقینیه‌اند از هر محقه حقه اثنی عشریه که به زیور صلاح تقوی آراسته متجاهر به فسق و فجور نباشد و در مراتب تحصیل منتهی یا متوسط که لااقل به مباحثه کبری و صمدیه و آنچه در این مراتب یا بیشتر مشغول بوده و ایام تحصیل در حجرات بیتوته نمایند و طلایب غربا را که در این بلد محل سکنی نداشته باشند مقدم بر متوطن این بلد خواهند بود و عند الحاجة ساکن حجره مانع نشود از تشرف یکنفر و دیگر بیش از یکنفر موقوف به رضای صاحب حجره است و در صورت فقدان متصفین بصفات مزبوره از سکنای فاقدش مضایقه نیست و همچنین مدرس باید در مدرسه که به جهه او معین شده ساکن شود و در همان جا مشغول تدریس شود.

هرگاه غریب بیخانه باشد بیتوته در مدرس بعمل آورده و الا بیتوته در خانه و جای دیگر نیز در حق او مضایقه نیست.

و نیز شرط شد چه کاروانسرا و تیمچه و بازار قیصریه و دکاکین دو دالان مسجد را و چه هر یک از دکاکین و حجرات موقوفه متعلقه به آنها را زیاد بر مدت یکسال اجاره ندهند نه به شخص واحد و نه به اشخاص متعدد و نه به صیغه واحده و نه به بصیغ متعدده و نه در مجلس واحد و نه در مجالس متعدد و به عبارت اخری تا اجاره یکسال منقضی نشود اجاره دیگر واقع نسازند.

متولی و ناظر اصلا و همچنین مال الاجاره آنها را پیش نگیرند بلکه باید در آخر هر ماه، هر سه ماه، هر ششماه، هر یکسال از مستأجرین آنها اخذ نمایند. و شرط شد که متولی و ناظر در حین انقضای اجاره موقوفاتی مسجد و مدرسه و حجرات و محل آنها و کاروانسرا و تیمچه قیصریه و دکاکین دو دالان جنین مسجد از متولی موقوفات دارالدوله اراضی محل آنها و اعیان وقفیه مال الاصل آنها را اجاره نمایند و بعد باز حبس نمایند «فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم» (۵). و کان ذلک فی سادس شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۹ مطابق بیچی ٹیل. پی نوشت: ۱- نک: شرح حال ایران، مهدی بامداد، ج ۱، ص ۱۶۲، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۵۷ ه. ش.

۲- آوازه.

۳- شهری است در ترکستان که منسوب است بخوبان. (دهخدا).

۴- بقره / ۱۱۰ و مزمل / ۲۰، ترجمه «و ه آنچه از طاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می‌فرستید پاداش نیکو در نزد خدا خواهید یافت».

۵- بقره / ۱۸۱، ترجمه «پس هر گاه کسی پس از شنیدن وصیت آنرا تغییر دهد و بر خلاف حقیقت رفتار کند گاه این کاربر آنها است که عمل بخلاف وصیت کنند و خداوند به هر چیز که خلق گویند و کنند شنوا و داناست».

برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

نظام مافی فرمانفرمائیان، زهرا سلطان

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا سلطان عزت السلطنه، دختر رضا قلی خان نظام السلطنه و خدیجه سلطان خانم دختر میرزا رضا آشتیانی به سال ۱۳۱۲ ه. ق متولد شد. وی در سال ۱۳۲۹ ه. ق با پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما یعنی عباس میرزا سالار لشکر از بطن عزت الدوله دختر مظفرالدین شاه پیمان زناشویی بست و یک سال بعد صاحب اولین فرزند خود هما خانم شد. تاج الملوک دومین دختر وی در ۱۳۳۲ ه. ق زمانی که عباس میرزا سالار لشکر صاحب حکومت همدان بود متولد شد و پس از دو سال هم‌زمان با جنگ جهانی اول زهرا سلطان به همراه سایر اعضای خانواده راهی کرمانشاه شد. مقارن تشکیل حکومت موقت توسط رضا قلی خان نظام السلطنه در شهر کرمانشاه و پس از شکست

عثمانی، به استانبول مهاجرت کردند در حالی که عباس میرزا سالار لشکر همراه مهاجرین نرفته، به تهران بازگشت. عزت السلطنه نیز تا پایان جنگ جهانی اول با پدر و مادر و سایر افراد فامیل در استانبول ماند. در پایان جنگ به جز رضا قلی خان نظام السلطنه که به اروپا تبعید شد، همگی به تهران بازگشتند.

در سال ۱۳۳۹ ه. ق عزت الملوک (۱) دختر سوم زهرا سلطان به دنیا آمد، پس از کودتای ۱۲۹۹ ه. ش نیز که سردار سپه عده‌ای از رجال مملکتی از جمله نصرت الدوله فیروز را زندانی کرده بود، عباس میرزا سالار لشکر برادر نصرت الدوله را هم برای حدود سه ماه در بند کرد. یک سال بعد، سالار لشکر به عنوان حاکم همدان منصوب و به همراه خانواده راهی آن دیار شد، و چون احمد شاه در همان روزها قصد سفر به اروپا را داشت بر سر راه خود و به همراه سردار سپه مهمان سالار لشکر شد. سال بعد نیز حاکم بروجرد و لرستان شد. در طی این دوران زهرا سلطان، دختر چهارم و نخستین پسر خود یعنی مهری دخت و بهرام را صاحب شد. البته چون در سال ۱۳۰۳ ه. ش سالار لشکر به عنوان نماینده‌ی مردم مراغه در مجلس شورای ملی برگزیده شده بود، خانوادگی او نیز در شهر

مراغه اقامت گزیده بودند. در این اوان ماجرای الغای سلطنت خاندان قاجار و اعلام سلطنت رضاخان به وجود آمد که چون سالار لشکر و برادرش نصرت‌الدوله از جمله مخالفان این طرح بودند به این حکم رأی ندادند، طرد شده، از عرصه‌ی کارهای حکومتی خارج شدند. از آن پس تا سال ۱۳۱۴ ه.ش که سالار لشکر پس از تحمل مدتی بیماری در گذشت زهراسلطان با شش کودک روزگار می‌گذراند در حالی که شوهر بیمارش در برلین در گذشته بود.

آن چه که پس از مرگ شوهر بر زهراسلطان گذشت، زندگی آشفته و پررنجی بود که بخشی به واسطه‌ی قهر روزگار و بخشی نیز به واسطه‌ی ظلم رضاشاهی بر وی و فرزندانش رفت. منزل اولیه‌ی آنها در منطقه‌ی سالاریه (پاستور کنونی) توسط رضاشاه مصادره شد. خانه‌ی دومشان نیز مجدداً به دستور شاه توقیف شد. در ضمن بروز جنگ جهانی دوم درآمد خانواده که تا آن روز از املاک روستایی واقع در آذربایجان تأمین می‌شد، با پیش آمد شرایط نامساعد جنگ، قطع شد و دیگر چیزی به عنوان عایدات از آذربایجان به دست زهراسلطان نرسید. مزید بر این اوضاع، غضب رضاشاه هم شرایط نامطلوبی را برای زهراسلطان به وجود آورد. با این وجود از آن روز که این زن نیکوکار در ادامه‌ی کارهای انسان دوستانه‌ی خود از زندگی مرفه خود جدا ماند، با جدیت و انگیزه‌ای قوی‌تر به افراد دردمند و بی‌سرپرست توجه کرد. وی در طول سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۹ ه.ش که در گذشت، عده‌ی زیادی از اطفال مستمند و بی‌سرپرست و بی‌خانمان را تحت تکفل خود گرفت. بدین صورت که پسرهایی را که قبول حضانت نموده بود پس از رسیدن به سن بلوغ و فراگرفتن کارهای فنی در بازار کار به شغلی واداشت. دختران را هم تشویق به یادگیری فنون خانه‌داری کرده، پس از تهیه‌ی جهیزیه‌ای آبرومندانه راهی خانه‌ی بخت کرد. اغلب این کودکان کسانی بودند که بر اساس وقوع زلزله‌ی خانمان‌سوز بوئین زهرا بی‌یاور مانده بودند - هر چند تعدادی از آنها با مادرانشان نزد وی زندگی می‌کردند - تحت سرپرستی و مراقبت زهراسلطان قرار گرفتند.

علاوه بر نگهداری ایتم و بی‌سرپرستان، آنچه که نام زهراسلطان نظام‌مافی را بلندآوازه کرد، اهتمام وی به ساختن مسجد، کتابخانه و مدارس مختلف در شهرهای متعدد، علی‌الخصوص ایجاد آموزشگاه‌های حرفه‌ای بود، که از محل درآمد املاک موروثی شخصی‌اش، و با وجود سطح پایین اقتصاد خانوادگی، ایجاد کرد، ضمن آنکه موقوفاتی را نیز بر آنها قرار داد.

از جمله می‌توان به این موارد که اسناد هر یک نیز منضم (۲) است اشاره کرد:

۱. احداث و اهدای یک باب دبستان در قریه‌ی قره‌ورن شهرستان میاندوآب به سال ۱۳۳۲ ه.ش که توسط محمدعلی معتمدیان پیشکار وی، این ساختمان به صورت بلاعوض و با مصالحه به اداره‌ی فرهنگ وقت آن شهرستان هدیه شد (۳).

۲. اهدای کمک‌های مالی به منظور ساخت بیمارستان عباسی در شهرستان میاندوآب به سال ۱۳۳۳ ه.ش که فرزندش بهمن میرزا فرمانفرمایان به عنوان بانی آن کار اهدای مبلغ مذکور به جمعیت شیر و خورشید سرخ میاندوآب را بر عهده داشت (۴) در این مرکز حتی محل اسکان پزشکان هم پیش‌بینی شده بود و به مرور که سازمان‌های دولتی متوجه تجهیزات بالای این بیمارستان شدند، آنها نیز علاقه‌مند به اعطای کمک‌های مختلف به بیمارستان شده، به تدریج اختیار سرپرستی آن به دست شیر و خورشید سرخ آن شهرستان افتاد. با این وجود کماکان زهراسلطان به کمک‌های مالی سالانه‌ی خود ادامه می‌داد (۵) امروزه نیز هلال احمر اداره‌ی این بیمارستان را بر عهده دارد.

۳. واگذاری پنج هزار متر مربع و دو میلیون ریال وجه نقد به وزارت فرهنگ وقت به سرپرستی دکتر مهران، به منظور تأسیس مؤسسه‌ای تعلیماتی در سال ۱۳۳۸ ه.ش در قریه‌ی مهرآباد تهران (۶) امروزه در این مؤسسه دبیرستانی به نام ۱۵ خرداد دایر است.

۴. احداث و وقف دبیرستان زهرا نظام‌مافی و تکمیل کلاس‌های آن در سال ۱۳۴۰ ه.ش در ناحیه‌ی ۱۱ تهران (۷).

۵. تأسیس و وقف ورزشگاه ویژه‌ی معلولین و بانوان کشور با مساحتی بالغ بر چهار هزار و هشتصد و بیست و سه متر مربع در سال

۱۳۴۴ ه.ش در شهر تهران که به سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران صلح شد. رونوشت وقف‌نامه‌ی مذکور که به پیوست ضمیمه است، به شرایط واقف مفصلاً اشاره کرده است. ورزشگاه مذکور که در منطقه‌ی ۹ شهری که سابقاً «غار» خوانده می‌شد و از دهستان‌های منطقه‌ی مهرآباد محسوب می‌شد امروزه در خیابان شمشیری، خیابان شهید علی‌اکبر رعنائی در جنوب فرودگاه مهرآباد واقع شده و تحت نام ورزشگاه ورزش‌آموز خوانده می‌شود. این در حالی است که در شرایط فیما بین طرفین مصالحه که بر اساس سند تنظیم شده به همین منظور که در هشتم اسفند سال ۱۳۴۴ ه.ش در دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی ۹۸ حوزه‌ی ثبت تهران به ثبت رسمی رسیده است تصریح شده که نام ورزشگاه مذکور تحت عنوان «استودیوم ورزشی نظام‌مافی ویژه‌ی معلولان و بانوان کشور» خوانده شود (۸).

۶. تأسیس و وقف مسجد امیرالمؤمنین (ع) در زمینی به مساحت بالغ بر هزار و دویست و پنجاه و شش متر مربع همراه با یک باب خانه برای سکونت پیش‌نماز مسجد و فهرست طویلی از موقوفات مربوط به مسجد که در سال ۱۳۴۵ ه.ش به ثبت اداره‌ی اوقاف رسیده است (۹) این مسجد در منطقه‌ی ۹ شهرداری خیابان شهید عبدالله صفری نبش خیابان شهید محسن نجفی پلاک ۱۴ در جنوب فرودگاه مهرآباد قرار دارد.

۷. تأسیس و وقف مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه به سال ۱۳۴۶ ه.ش در خیابان مهرآباد تهران که در آن زمان خارج از حوزه‌ی مرکزی شهر قرار داشت و جزو املاک خانوادگی زهراسلطان محسوب می‌شد. در وقف‌نامه‌ی مربوطه آمده است که صرفاً زمین مورد مصالحه باید برای احداث مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه با نام «مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه‌ی نظام‌مافی» مورد استفاده قرار گیرد. ضمناً تصریح شده بود که مدت این صلح‌نامه ۹۹ سال خواهد بود و وزارت آموزش و پرورش جز به این نیت و این نام، حق هیچ‌گونه دخل و تصرف دیگری در این مدرسه ندارد (۱۰).

مدرسه‌ی مزبور که اینک تحت نام عروء‌الوثقی خوانده می‌شود در همان خیابان استودیوم ورزشی واقع است که در زمان احداث به دلیل دوری از مرکز شهر، عملاً از شاگرد در آن خبری نبود. به گونه‌ای که تعداد پرسنل مدرسه بیش از تعداد دانش‌آموزان بود. در نتیجه به امر فرح پهلوی، از یکی از پرورشگاه‌ها تعدادی

دختر جهت فراگیری فنون خانه‌داری، گل‌آرایی، آشپزی و... به این مدرسه انتقال یافتند. اما چون دختران یاد شده در محیطی رشد یافته بودند که تعالیمی چون پیانو، رقص و آواز را آموخته بودند، از یادگیری آشپزی و بافتنی و... دل‌خور شده دست به اعتصاب زدند. مآلاً به واسطه‌ی بروز پاره‌ای مسائل سیاسی و در جهت حفظ مصالح مملکتی ناشی از پیامدهای منفی اعتصاب دختران، دختران به محل قبلی بازگردانده شدند. به مرور و طی سال‌های بعد در نتیجه‌ی گسترش شهر تهران، مدرسه مورد استفاده قرار گرفت. سند ذیل وقف‌نامه‌ی بانی مدرسه و شرایط ضمن عقد مصالح آن را تشکیل می‌دهد.

۸. وقف آموزشگاه حرفه‌ای مخصوص ناشنوایان و لال‌ها در زمینی به مساحت ۳,۰۳۱ متر مربع و اختصاص موقوفاتی به آن به شرط آنکه در آن صرفاً آموزشگاه و یا آسایشگاه احداث شود که به سال ۱۳۴۷ ه.ش در تهران و در منطقه‌ی مهرآباد آموزشگاه حرفه‌ای احداث شد (۱۱) در طول تمام سال‌های بعد نیز کلیه‌ی امور مربوط به نقاشی، تعمیرات، تکمیل و تأسیس مستغلات جنبی این مرکز نیز بر عهده‌ی خود زهراسلطان قرار داشت.

۹. ایجاد و وقف مرکز بهداشتی و درمانی زهرا نظام‌مافی واقع در خیابان پادگان - خیابان شمشیری - کوچه‌ی شهید محمودعلی کرمی در جنوب فرودگاه مهرآباد نیز یکی دیگر از اقدامات نیکوکارانه‌ی آن بانوی بزرگوار به شمار می‌آید که امروزه از سوی بیماران و مراجعان متعدد این مرکز که روزانه به بیمارستان مراجعه می‌کنند، اهمیت فداکاری و امور عام‌المنفعه‌ی زهراسلطان را متناوباً فریاد آورده در هر زمانی به روح پرفتوح وی درود فرستاده، در آرزوی ادامه‌ی فعالیت کارهای خیر این زن فداکار هستند. پی نوشت: ۱- مطالب این مقاله با مساعدت‌های سرکار خانم عزت‌الملوک فرمانفرمائیان (پیرنیا) گردآوری شده است. در ضمن،

- تمام اسناد این مقاله متعلق به خانم فرمانفرمائیان است. خداوند به وی جزای خیر دهد.
- ۲- اسناد مورد استفاده در این مقاله تماما از اسناد خانوادگی خانم فرمانفرمائیان می‌باشد.
- ۳- سند ضمیمه ۱. (اسناد خانوادگی).
- ۴- سند ضمیمه ۲. (اسناد خانوادگی).
- ۵- سند ضمیمه ۳. (اسناد خانوادگی).
- ۶- سند ضمیمه ۴. (اسناد خانوادگی).
- ۷- سند ضمیمه ۵. (اسناد خانوادگی).
- ۸- سند ضمیمه ۶. (اسناد خانوادگی).
- ۹- سند ضمیمه ۷. (اسناد خانوادگی).

۱۰- سند ضمیمه ۸. (اسناد خانوادگی). نکته‌ی قابل توجه این که با وجود تصریح و اصرار واقف بر نام انتخابی بر موقوفه در حال حاضر این مدرسه، به نام دیگری خوانده می‌شود.!

۱۱- سند ضمیمه ۹. (اسناد خانوادگی). بر گرفته از کتاب: پایگاه راسخون
منابع زندگینامه: میراث جاویدان

همدانی، رشید الدین فضل الله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موقوفه ربع رشیدی

ربع رشیدی یکی از مراکز علمی بزرگ در تاریخ تمدن اسلامی است که رشیدالدین فضل الله... همدانی آن را به وجود آورد. تا زمان حیات وی مدیریت و تولید این مرکز با خود او بود و بعد از او به یک هیئت سه نفری که در رأس آن متولی قرار داشت واگذار گردید. این هیئت سه نفره از شخص متولی، مشرف و ناظر تشکیل می شدند. اعضای این هیئت را شخص واقف از ارشد اولاد و نوادگانش که لایق‌ترین و مؤمن‌ترین آنها نیز بودند در زمان حیات خود انتخاب و مشخص نموده بود. این هیئت باید به تأیید قاضی القضاة تبریز نیز می‌رسید.

هیئت سه نفره باید در ربع رشیدی حضور می‌داشت و بر کارها نظارت مستقیم اعمال می‌کرد و حتی در زمان غیبت خود موظف بود برای خود قائم مقام تعیین کند.

متولی مسئول مستقیم ربع رشیدی بوده و موظف بود در هر کار اساسی و تصمیمات مهم، به خصوص در امور مالی با دو مقام دیگر - یعنی مشرف و ناظر- مشورت کند و سپس اقدام نماید. ناظر نیز در همه‌ی امور نایب متولی محسوب می‌شد.

متولی مسئول امور مالی، استخدام، عزل، آموزش، ساختمان، گزینش طلاب و مدرسان، گزینش کارمندان ربع و کارگران و غلامان موقوفات و همه‌ی امور مربوط به ربع - با مشورت با دو مقام دیگر- بود (امیدیانی، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

با وجود اینکه موقوفه ربع رشیدی، از موقوفات بزرگ تاریخ اسلام به شمار می‌رود، نکات موجود در خصوص نحوه نظارت مالی بر آن قابل توجه است. نکته اول اینکه با وجود قابلیت اعتماد بالای متولی - اینکه از مومنین و موثقین انتخاب می‌شد و مورد تأیید قاضی القضاة قرار می‌گرفت- شخصی نیز به عنوان ناظر، در هیات سه نفره مدیریتی حضور دارد. نکته دوم اینکه با وجود تسلط

کامل متولی بر امور اجرایی، لازم است با شخص ناظر هماهنگ باشد و موارد تصرفی را به اطلاع وی برساند. بدین ترتیب ناظر مذکور، دارای ماهیت هر سه نوع حسابرس - داخلی، خارجی و دولتی - را داراست. یعنی علاوه بر اینکه مورد تایید دستگاه قضایی است - یعنی قاضی القضاة - شخصیتی مستقل از مدیر - یعنی متولی - دارد و از کارکنان زیرمجموعه وی به حساب نمی آید - تعریف حسابرس خارجی. از سوی دیگر، حضور دائمی وی در موسسه، منجر می شود همانند حسابرس داخلی، اشراف کافی بر امور مالی و مبادلات اقتصادی موسسه داشته باشد. بدین جهت، کارآترین نوع حسابرسی در این موقوفه اعمال می شده است. برگرفته از کتاب: پایگاه راسخون

جامعه شناسی

اصلاح عربانی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم اصلاح عربانی یکی از محققان معاصر استان گیلان است. او مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد. مهمترین اقدام علمی و فرهنگی ایشان، انتشار نشریات و کتب متعددی است که در حیطه ایران شناسی مورد نظر می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم اصلاح عربانی تحصیلات حویش را در ناحیه عربان صومته سرا آغاز کرد. سپس برای ادامه تحصیل به رشت و تهران عزیمت کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ابراهیم اصلاح عربانی اصلاح عربانی، مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: ابراهیم اصلاح عربانی ضمن فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی و علاقه به کارهای فرهنگی فعالیت مطبوعاتی در روزنامه ها را آغاز نمود. سپس سازمان کوچکی را با نام «فار» به وجود آورد و در این سازمان نشریه ای را با همین نام منتشر کرده است. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ابراهیم اصلاح عربانی علاوه بر سازمان فار، سازمان نیز تحت عنوان گروه پژوهشگران ایران تاسیس کرد که به کارهای تحقیقاتی در زمینه ایران شناسی می پردازد. همفکران فرد: استادان و دانشمندان همچون دکتر محمد حسن گنجی، دکتر حسن حاج سید جوادی، دکتر فرج الله محمودی، دکتر ایرانپور جزنی، دکتر حبیب الله زنجانی، دکتر عباس سعیدی، دکتر محمد طاهر نظامی از جمله همفکران ابراهیم اصلاح عربانی هستند که در امور پژوهشی و تحقیقاتی از افکار یکدیگر بهره می برند. آثار: راهنمای شهرستانهای ایران ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۴۶ شمسی در ۶۴۵ صفحه منتشر گردیده است. انتشار این کتاب که حاوی اطلاعات ارزنده ای در مورد تمام شهرستانهای ایران می باشد مورد استقبال قرار گرفته است. ۲. فرهنگ استان بنادر ویژگی اثر: انتشار این فرهنگ مورد توجه کارشناسان طرح و برنامه ریزی وزارت کشور قرار گرفته و تصویب گردید که برای هراستانی کتابی بی نظیر فرهنگ استان بنادر تهیه می شود. ۳. کتاب گیلان ویژگی اثر: این کتاب از مجموعه کتابهای همه جای ایران می باشد که در آن هزاران عکس نقشه، نمودار و مقاله در مورد استانهای مختلف کشور گرد آوری شده است.

آزاد ارمکی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر تقی آزاد ارمکی در سال ۱۳۳۶ در شهر ارمک، بدنیا آمد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۹)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۲) و مدرک دکتری را در رشته جامعه‌شناسی (گرایش اصلی: جامعه‌شناسی نظری - گرایش فرعی: جامعه‌شناسی توسعه) از دانشگاه مری‌لند آمریکا (۱۳۷۱) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی گرایش: جامعه‌شناسی نظریتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رسانید و در ۱۳۵۴ خورشیدی به عنوان دانشجوی رشته تعاون و سپس جامعه‌شناسی در مقطع لیسانس در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۶۰ در اولین دوره پذیرش دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشجوی در رشته جامعه‌شناسی مشغول تحصیل شده و در سال ۱۳۶۴ این دوره را با عنوان اولین فارغ التحصیل رشته فوق با راهنمایی استاد دکتر غلامعباس توسلی به پایان رسانید. در سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل با بورسیه دانشگاه تهران به دانشگاه مریلند آمریکا رفته و در سال ۱۳۷۱ به دریافت مدرک دکتری با گرایش اصلی جامعه‌شناسی نظری و گرایش فرعی جامعه‌شناسی توسعه با درجه افتخاری نائل شد. عنوان رساله وی در دوره دکتری «بررسی ریشه‌های نظریه ابن‌خلدون: تحلیل متاتئوریک» است. وقایع میانسالی: دکتر آزاد از سال ۱۳۶۴ به عنوان مربی در گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شده و مشغول تدریس و تحقیق گردید و تا سال ۱۳۶۷ به تدریس دروس مبانی جامعه‌شناسی، تاریخ اندیشه اجتماعی متفکران در اسلام پرداخت. در این دوران با جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و جهاد ساندرگی در انجام طرح‌های پژوهشی و آموزشی همکاری داشت‌مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص خدمات علمی اجرایی آقای دکتر آزاد می‌توان مواردی همچون «ریاست دانشکده علوم اجتماعی»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی»، «عضو هیئت مشاوران ماهنامه گزارش گفتگو»، «مدیر پژوهشی»، «مدیریت گروه جامعه‌شناسی»، «مدیر مسئول مجله نامه علوم اجتماعی»، «نماینده دانشکده در هیئت ممیزه دانشگاه»، «عضو کمیته ویژه علوم اجتماعی شورای انتشارات دانشگاه تهران»، «عضو کمیسیون تخصصی برنامه ریزی راهبردی شورای برنامه ریزی دانشگاه تهران»، «همکاری در تشکیل انجمن انسان‌شناسی»، «مدیر مسئول مجله پژوهش زنان»، «عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات ملی»، «عضو کمیته فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «مدیر گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آمریکای شمالی و اروپا»، «مسئول کمیته جامعه‌شناسی توسعه»، «رئیس کارگروه آینده پژوهی آسییهای اجتماعی شورای اجتماعی کشور»، «عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه نسل نامه»، «عضو کمیته علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات جشنواره بین‌المللی خوارزمی» و ... را نام برد. فعالیت‌های آموزشی: دکتر آزاد ارمکی پس از دریافت مدرک دکتری با راهنمایی جورج ریتزر، از جامعه‌شناسان برجسته آمریکایی، جهت همکاری به دانشکده برگشته و مشغول تدریس دروسی چون تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام و نظریه‌های جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی توسعه پرداخت. موارد تدریس دکتر آزاد: «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی)، «اندیشه متفکرین مسلمان»، «بینش‌های جامعه‌شناسی»، «سمینار جامعه‌شناسی شهری»، «چارچوب نظری در تحلیل مسائل»، «جامعه‌شناسی تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «نظریه‌های توسعه»، «بینش‌های جامعه‌شناسی ۱»، «تحول فرهنگی ایران»، «تغییرات فرهنگی»، «طرح تحقیق»، «نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتب «نظریه در جامعه‌شناسی»، «مجموعه مقالات گزارش دبیر سمینار»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون»، «بنیان‌های جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی»، «زن در رسانه‌ها»، «بنیان‌های جامعه‌شناسی: ایده‌های اساسی جامعه‌شناسی»، «نظریه در جامعه‌شناسی»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی ابن‌خلدون»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»

شناسی»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از خواجه نظام الملک تا...»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «کتاب و جامعه کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «جامعه شناسی در ایران»، «جامعه مدنی (اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی ایران)»، «جامعه مدنی اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی»، «جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران»، «بررسی کتب مبانی جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «ابن خلدون و جامعه شناسی»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی توسعه»، «جامعه شناسی جامعه شناسان ایران»، «جلد دوم اندیشه اجتماعی متفکران»، «زن در رسانه ها»، «کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «اندیشه نوسازی در ایران»، «درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی»، «پست مدرنیسم و توسعه جامعه شناسی معاصر»، «مدرنیته ایرانی روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «ترجمه کتاب جامعه شناسی»، «اذیت و آزار بدنی فرزندان در خانواده تهرانی»، «بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی زنان شاغل در مشهد»، «جامعه شناسی آینده»، «جامعه شناسی در کانادا»، «جامعه شناسی معماری شهر تهران»، «جنبش اجتماعی»، «خلاصه مقاله فرهنگ عمومی و ضرورت های توسعه»، «رابطه نسلها از طریق خانواده»، «روشنفکری ایرانی و هویت»، «مصادیق اثر تغییر نگرش در توسعه»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، «تغییرات اجتماعی در ایران»، «پاتوق و مدرنیته ایرانی»، «روشنفکری در گذر اندیشه ها»، «علم و مدرنیته ایرانی»، «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن»، «جامعه شناسی توسعه اصول و نظریه ها»، «جامعه شناسی خانواده ایرانی»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر»، «Making Civil»، «Hand book of world families»، «logue Among vilizations Societies Work Zivilgesellschaft und gesellschaftliche Praxis»، «uluslararasi oryantalizm sempozyumu»، «making civil societies work- zivilgesellschaft und gesellschaftliche praxis»، «the cultures of economic migration» و مقالات متعددی از جمله «انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «مقدمه ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، «پارادایم و جامعه شناسی»، «جامعه شناسی در ایران»، «ظهور جامعه شناسی در ایران»، «دولت و تحول»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «شریعتی و مارکسیسم»، «تاملی جامعه شناختی در بررسی ویژگیهای فرهنگ بسیجی»، «نگرش مردم تهران در مورد سلامت جامعه»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «آسیب شناسی اجتماعی و بسیج»، «اختلال فرهنگی و زمینه ایجاد آن»، «سنت نوگرایی توسعه»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «عقلانیت در جامعه شناسی / جامعه شناسی عقلانیت»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی ساکنان تهران»، «بررسی وضعیت خشونت در جامعه تهران»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «دیدگاه حضرت امام ره درباره توسعه اقتصادی»، «کتاب و جامعه»، «گزیده مقالات سمینار توسعه فرهنگی و اولویت های پژوهشی تلقی تحصیلکردگان در مورد پژوهشهای فرهنگی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «جامعه شناسی آینده راهی برای بررسی علمی آینده»، «سهم جلال آل احمد در شکل گیری پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی ایران (پژوهشی در جامعه شناسی و مردم شناسی ادبیات)»، «پیشینه نظری دیدگاه جامعه شناسی دکتر علی شریعتی: نسبت شریعتی با مارکسیسم»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «الگوی تحلیل و برابرابرابطه دین و توسعه»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی: معرفی و نقد تئوری دولت و انقلاب اجتماعی خانم ندا اسکاچیل، براساس واقعیت انقلاب اسلامی ایران»، «بررسی امکان وجود بحران در جامعه شناسی ایران»، «بررسی بحرانهای اجتماعی و تحلیلی از دیدگاههای صاحب نظران ایرانی»، «بررسی جامعه شناسی انتخابات مجلس»، «بررسی فرهنگ پارتمان نشینی با توجه به مشکلات آن»، «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیر گرایی فرهنگی در ایران»، «بسیج

شناسی در جامعه‌شناسی اجتماعی»، «تئوری جامعه‌شناختی دفاع از حقوق زنان»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر مآهوره»، «تحلیل جامعه‌شناسی رابطه باغرب»، «تحلیلی جامعه‌شناختی از: راه‌های نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، «تحول‌پذیری فرهنگی»، «تلقی از جهان و تغییرات فرهنگی ناشی از آن»، «تلویزیون در ایران- ابزار توسعه یا نمادسازی»، «جایگاه بسیج‌شناسی اجتماعی در جامعه‌شناسی»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «خشونت در شهر تهران»، «نگرش ایرانیان نسبت به غرب، بررسی تجربی در ایران»، «نظریه وابستگی»، «نقش آموزش در ارتقاء صنعت فرش در ایران»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی ساکنان ایران»، «نقش روزنامه‌های داخلی در وحدت ملی»، «نقش صدا و سیما در کتابخوانی»، «نیروی مقاومت رفتار و الگو»، «یادداشت سردبیر»، «تلویزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادسازی»، «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، «تغییرات فرهنگی در استان مازندران (آزمون تجربی نظریه اینگلههارت)»، «روند جهانی جامعه‌شناسی: تحلیلی از اجتماع علمی»، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، «جامعه‌شناسی در کانادا: مسأله‌شناسی بومی و شکل‌گیری بومی‌گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی»، «فوتبال: پارادکس نوسازی»، «مدرنیته یا تغییر فرهنگی از مدرنیته مورد تجربی ایران»، «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، «جامعه‌شناسی کانادا: آثاز معرفت‌شناسی مسأله‌شناسی بومی بر شکل‌گیری بومی‌گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی، شکل‌گیری حوزه‌های خاص در جامعه‌شناسی کانادا»، «بدن به مثابه رسانه هویت»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «هرمنوتیک: بازسازی یا گفتگو»، «ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «جوانان و مناسبات نسلی»، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)»، «رادیو پیام رسانه‌ای در نوسازی شهری»، «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، «اعتماد، اجتماع و جنسیت»، «بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرهنگ و اندیشه»، «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران»، «اعتماد اجتماع و جنسیت، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، «شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی»، «ابعاد و عوامل گسست و پیوند نسله‌ها»، «هویت‌سازی و بحران هویت در ایران»، «مناطق فرهنگی: تنوع الگوی تغییرات فرهنگی یا یکسانی»، «ارزش‌های فرهنگی (ارزشی) و تغییرات اجتماعی»، «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی»، «سازمان سنتی: ارزش‌های خانوادگی و آموزش توسعه‌ای»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ»، «جامعه ایران و مکانیسم‌های تغییرات در آن»، «جایگاه بسیج‌شناسی اجتماعی در جامعه‌شناسی»، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، «آموزش جامعه‌شناسی در ایران، مشکلات و فرصتها»، «نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی در ایران»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ»، «زنان و سریال‌های تلویزیونی»، «زنان و سریال‌های تلویزیونی (مطالعه‌ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن)»، «نراقی و جامعه‌شناسی در ایران»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان» و ... است. جوایز و نشانها: از جمله جوایز و تقدیرنامه‌های وی «کسب رتبه دوم طرح پژوهشی برگزیده در نخستین جشنواره آثار مطالعات فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، «نویسنده کتاب قابل تقدیر در رشته علوم انسانی»، «پژوهشگر نمونه»، «نویسنده کتاب سال برای کتاب جامعه‌شناسی در ایران» است. آثار: جامعه‌شناسی ابن‌خلدون و ویژگی اثر: نویسندگان: تالیف تقی آزاد ارمکی سال نشر: ۱۳۷۶ موضوعات: ابن‌خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ ق. -- نقد و تفسیر ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ ق. -- معلومات -- جامعه‌شناسی تاریخ نویسان اسلامی جامعه‌شناسان اسلامی محل نشر: تهران ناشر: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان سرشناسه‌های فارسی: آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۳۶ -

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس باقری نزدیک به چهل عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی ترجمه و منتشر کرده است. او آثار دیگری نیز در دست انتشار دارد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی آرا و گرایشهای خاص: عباس باقری که درباره اندیشیدن نظرات جالبی ارائه کرده است بر این عقیده است که لازمه این که انسان بد را از خوب تشخیص بدهد اندیشیدن است. باقری معتقد است لزومی ندارد که مترجم هم عقیده با کسی که آثارش را ترجمه می کند باشد. او توصیه می کند که همیشه شهادت خواندن آثاری را داشته باش که مخالف نظرات تو است. باقری معتقد است که در کار ترجمه هدفش بر این است که منابع اطلاعاتی مختلف را در اختیار نسل امروز مملکت قرار دهد. آثار: ترجمه اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی ویژگی اثر: این اثر تالیف ناآرنت است ۲ ترجمه انسان پاره پاره ویژگی اثر: این اثر تالیف نیکولا گریمالدی است ۳ ترجمه پشت و رو ویژگی اثر: این اثر تالیف آلبر کامو است ۴ ترجمه جهان گرایش ها ویژگی اثر: این اثر تالیف کارل پوپر است ۵ ترجمه حقیقت و آزادی ویژگی اثر: این اثر تالیف رمون پولن است ۶ ترجمه سرچشمه های دانایی و نادانی ویژگی اثر: این اثر تالیف کارل پوپر است ۷ ترجمه فرهنگ فرد و فرهنگ توده ویژگی اثر: این اثر تالیف لویی دولو می باشد ۸ ترجمه فیلسوفان بزرگ یونان باستان ویژگی اثر: این اثر تالیف لوچائو می باشد ۹ ترجمه قدرت و حاکمیت ویژگی اثر: این اثر تالیف سلین اسپکتور است

بنی فاطمه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین بنی فاطمه در سال ۱۳۳۱ در مشکین شهر بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۶۱ مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان - آمریکا با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۶ به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت شد. نامبرده هم اکنون با رتبه استادی در دانشکده مذکور در دانشگاه تبریز به فعالیت می پردازد. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین بنی فاطمه تحصیلات ابتدایی را در دبستان قصابه به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۹ از دبیرستان دهخدا اخذ کرده اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ایالتی میشیگان - آمریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۱ مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان - آمریکا با موفقیت اخذ کرده اند.

عنوان پایاننامه: دکتری: **The Transitional Adjustment phase in Rural- urban Migration: comparative study**

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: قبلی: مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز فعلی: رئیس موسسه تحقیقات اجتماعی فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: روشهای تحلیل جمعیت - جامعه شناسی ۲، متون جامعه شناسی ۱ و ۲، جامعه شناسی شهری ۲- تحصیلات تکمیلی: روشهای تحقیق - متون جامعه شناسی ۱ و ۲، سمینار شهری جوائز و نشانها: جوایز و نشانها دریافتی حسین بنی فاطمه در سطح ملی: ۱- فرهیخته ممتاز ۲- محقق برتر در انجام تحقیق علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۳ مورد تعداد

کتابهای ترجمه شده : ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۱۵ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۶ مورد

تکمیل همایون، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۱۵ در قزوین متولد شد. وی در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد. آنچه وی را از دیگر پژوهشگران اجتماعی - فرهنگی ایران به صورتی ویژه متمایز می کند، تحصیل و تسلط بر تاریخ ایران (خصوصا ابعاد اجتماعی تاریخ ایران) در گذشته و حال، در کنار تحصیل دانشگاهی جامعه شناسی است. در صورتی که بتوان برای شناخت صحیح فرهنگها خصوصاً فرهنگ ایرانی، آگاهی از تاریخ و خصوصاً تاریخ اجتماعی را لازم دانست، دکتر تکمیل همایون به خوبی از عهده این مهم بر آمده است. گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ناصر تکمیل همایون در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناصر تکمیل همایون استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی علاوه بر موقعیت دانشگاهی، سرپرستی بخش «فرهنگ و تاریخ» در موسسه تحقیقی - انتشاراتی «دفتر پژوهشهای فرهنگی» را بر عهده دارد. وی در این موسسه به طور ویژه اشراف علمی انتشار مجموعه کتابهایی موجز و دقیق درباره ابعاد گوناگون تاریخ و فرهنگ را بر عهده گرفته است. فعالیتهای آموزشی : ناصر تکمیل همایون علاوه بر پژوهش و تالیف، سالها به تدریس تاریخ و علوم اجتماعی در برخی دانشگاهها و خصوصاً پژوهشگاه علوم انسانی مشغول بوده، به نحوی که مقام دانشگاهی استادی رادر اختیار دارد. چگونگی عرضه آثار : ناصر تکمیل همایون راهنمای بخشی از پایان نامه های دانشجویی هم بوده است. وی ۱۴۲ مقاله فارسی و ۴ مقاله انگلیسی هم در آثار خود نهاده است. تکمیل همایون تاکنون بیش از ده عنوان کتاب از مجموعه «از ایران چه می دانم؟» را به نگارش درآورده است. تاکنون حدود ۷۵ مجلد از این مجموعه به چاپ رسیده و بیش از ده مجلد دیگر نیز در شرف انتشار است. این مجموعه کتابها، از آنجا که توسط متخصصین هر موضوع به نگارش درآمده و اشراف علمی دقیقی بر آنها واقع شده، مورد اقبال و استقبال فراوان مخاطبان قرار گرفته است. آثار ایشان و نتایجی که وی از خلال بحثهای تاریخی - اجتماعی درباره عناصر فرهنگی - اجتماعی ایران، با بهره مندی از نوعی نگاه تاریخی، ارائه می کند، سندی مهم از اهمیت دانش تاریخی در بررسی اجتماعی ایران است. گرچه محدوده موضوعات آثار او آنچنان وسیع است که نوعی فقدان مرکزیت در تولیدات ایشان را به ذهن متبادر می کند، تحلیل آماری موضوعات آثار ایشان نشان می دهد که وی بیش از همه درباره ابعاد گوناگون شهر تهران در دوره های جدید، تاریخ اجتماعی ایران، عناصر مدرن تاریخ ایران (مرزبندی ها، نیروهای نظامی، تعلیم و تربیت)، استانهای جنوبی ایران، خلیج فارس و دریاهاى ایرانی و نیز معماری ایرانی به تحقیق و پژوهش دست زده است. آثار : تالیف کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ۳ جلد، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۷ چاپ دوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۲ چاپ سوم ۱۳۸۴، تالیف کتاب تاریخ تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۶، تالیف کتاب تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۲، تالیف کتاب دانشگاه گندی شاپور، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۴، تالیف کتاب کتابشناسی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹، تالیف کتاب میهن دوستی در ایران، استقلال، ۱۳۵۹، تالیف کتاب نقش علمی و فرهنگی یونسکو در

پژوهش راههای تاریخی ابریشم، سروش، ۱۳۷۶، تالیف کتاب آبسکون یا جزیره آشوراده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، زیر چاپ ۱۳۸۴، تالیف کتاب استان هرمزگان، (اجرای طرح با دانشگاه هرمزگان)، تالیف کتاب خلیج فارس، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ چهارم ۱۳۸۳، تالیف کتاب خوارزم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۳، تالیف کتاب رویدادها و یادمانهای تاریخی تهران، جلد اول (از چهار جلد)، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۴ (زیر چاپ). تالیف کتاب سرگذشت دریای مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ سوم ۱۳۸۳، تالیف کتاب گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ دوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد دوم زیر چاپ ۱۳۸۴، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد اول ۱۳۸۳، تالیف کتاب مکتبخانه (آموزش کودکان و نوجوانان)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زیر چاپ، تالیف کتاب نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲

توکل کوثری، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمدعلی توکل کوثری دانشیار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران (۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان (۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمبریج انگلستان اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکترسیدمحمدعلی توکل کوثری مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران (۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتری از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان (۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمبریج انگلستان اخذ نمودند. عنوان رساله وی و دوره دکتری «جامعه شناسی معرفتی تطبیقی- انتقادی» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: خدمات علمی اجرایی دکتر توکلی کوثری به قرار زیر است: • دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو- وزارت علوم • معاون پژوهشی وزارت علوم، وزارت علوم • ۸ مشاور وزیر و رئیس موسسه پژوهش آموزش عالی، موسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی -- وزارت علوم • مدیر گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس دکتر توکل «جامعه شناسی پزشکی»، «زبان تخصصی ۲» (در مقطع کارشناسی)، «زبان تخصصی ۲»، «جامعه شناسی تکنولوژی و توسعه»، «جامعه شناسی معرفت»، «جامعه شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. جوایز و نشانها: پایان نامه برگزیده کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پایان نامه برگزیده دکتری سال، دانشگاه تهران، پایان نامه برگزیده سال، دانشگاه تهران، آثار: اصطلاحنامه فرهنگی فارسی ویژگی اثر: بررسی و نقد کتاب، سازمان مدارک فرهنگی، ۲ تقریظ بر کتاب جامعه شناسی بیماری و پزشکی ویژگی اثر: بررسی و نقد کتاب، باورداران، ۳ جامعه شناسی پزشکی ویژگی اثر: تالیف و تصنیف، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۴ جامعه شناسی معرفت ویژگی اثر: تالیف ۵

جامعه‌شناسی معرفت و علم ویژگی اثر: تألیف ۶ جامعه‌شناسی (بررسی و معرفی کتاب گیدنز در مجله نامه علوم اجتماعی) ویژگی اثر: و بررسی و نقد کتاب، نشر نی، ۷ دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی ویژگی اثر: ترجمه - ترجمه، شورای عالی اطلاع رسانی و کمیسیون ملی یونسکو، ۸ رویکرد تأویلی در مسیحیت و اسلام ویژگی اثر: تألیف ۹ مأخذشناسی توسعه ویژگی اثر: تألیف - ویرایش علمی کتاب، موسسه پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۰ مقدمه ای بر جامعه‌شناسی علم ویژگی اثر: تألیف و تصنیف، انتشارات صدوق، ۱۱ موانع توسعه در سه کشور ویژگی اثر: تألیف ۱۲ موانع توسعه: مطالعه مقایسه ای ایران با ترکمنستان و مراکش ویژگی اثر: تألیف ۱۳ یادنامه آیت الله خاتمی - فصل (مقاله) رویکرد تأویلی ویژگی اثر: تألیف و تصنیف، موسسه معارف اسلامی امام رضا

ثلاثی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن ثلاثی، جامعه‌شناس و مترجم، متولد ۱۳۲۴ بابل است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان می‌برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می‌شود. ثلاثی در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده و بر مبنای این گرایش تحصیلی و علاقه شخصی، سال هاست که به ترجمه متون جدی و مرجع در این حوزه پرداخته و آثار گرانقدری را برای جامعه دانشگاهی و محققان علوم اجتماعی به فارسی برگردانده است. ثلاثی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسی فعالیتهای آموزشی: محسن ثلاثی علاوه بر آن که ترجمه متون جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی را با جدیت دنبال می‌کند، از تدریس در این حوزه نیز غافل نمانده و در دانشگاه تهران و در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه، سال هاست که به تدریس اشتغال دارد. آرا و گرایشهای خاص: محسن ثلاثی درباره نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقویت و تشدید رویکرد جهانگرایی می‌گوید: «شعر فارسی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین و کارسازترین عناصر فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. شعر فارسی چنان بر عرصه‌های دیگر تولید فرهنگی تسلط پیدا کرد که به راستی می‌توان گفت که آئینه به نسبت تمام نمای فرهنگ ایرانی شده است؛ از همین روی، هرگونه بررسی در تحلیل تحول و فرهنگ ایرانی به بررسی شعر فارسی نیازمند است. اعراب به دلیل فقدان دستمایه‌های هنری پس از تسخیر ایران حساسیت چندانی نسبت به مضامین و نقش مایه‌های هنر ساسانی از خود نشان ندادند. او با اشاره به این که کتاب‌های رشته مردم‌شناسی در سال‌های پس از انقلاب و با فعال شدن این رشته، منتشر شده است، می‌گوید: «قبل از انقلاب کتابی در زمینه مردم‌شناسی نداشتیم. گذشته از کتاب‌های درسی، تحقیق‌های مردم‌شناسی که با پیشنهاد، درخواست و تأمین اعتبار یک سازمان خاص انجام می‌شوند، با نظر همان سازمان سفارش دهنده، منتشر می‌شوند که البته تعداد این گونه سازمان‌ها در ایران کم است.» «ثلاثی» در این باره که وزارت علوم در زمینه تقویت رشته مردم‌شناسی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد، معتقد است: «در دنیا رسم است که چنین رشته‌هایی از طریق افراد متخصص در آنها، تقویت می‌شوند و با صدور بخشنامه‌های دولتی نمی‌توان برای آنها کاری کرد. در ایران فارغ‌التحصیلان رشته مردم‌شناسی کم هستند و افرادی هم که در خارج تحصیل کرده‌اند، به سادگی جذب دانشگاه‌های ما نمی‌شوند. چون امکانات، منابع مالی و تحقیقاتی ما برای جذب آنها کافی نیست. البته استادهای رشته مردم‌شناسی در سال‌های اخیر، فعال‌تر شده‌اند و این رشته هم قابلیت گسترش دارد؛ چرا که هنوز بسیاری از حوزه‌های زیرمجموعه آن در ایران ایجاد نشده است.» او رشته مردم‌شناسی را برای جوامع متنوعی مانند ایران، بسیار جذاب و مناسب می‌داند و می‌گوید: «جامعه ایران از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع و متکثر است و این

مسأله، موضوع مناسبی برای رشته مردم‌شناسی است. شاید در هیچ کجای دنیا به این اندازه تنوع موضوعی برای تحقیق مردم‌شناسان وجود نداشته باشد. ضمن آن که شناخت فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها و اقوام مختلف ایران برای حل بسیاری از مسائل فرهنگی و رفع تنش‌های فرهنگی میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد همدلی و تفاهم در میان آنها بسیار مهم است که این کار در حوزه انسان‌شناسی می‌گنجد. متأسفانه تاکنون اهمیت چندانی برای چنین تحقیق‌هایی قائل نشده‌اند. جوایز و نشانها: محسن ثلاثی از جمله پژوهشگران معاصر مورد تقدیر سازمان میراث فرهنگی نیز هست. به طوری که در هفته کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و در بیست و دومین دوره کتاب سال، از او در کنار جمعی دیگر در حوزه ترجمه تقدیر شد. چگونگی عرضه آثار: محسن ثلاثی در رشته علوم اجتماعی، نامی در کنار بسیاری از کتب مرجع است، جامعه‌شناسی آگاه و مترجمی زبده که به توسعه علوم اجتماعی در ایران می‌اندیشد. وی آثار زیادی را در این زمینه ترجمه کرده است. در طول این سال‌ها بسیاری از آثار ترجمه شده ثلاثی به عنوان منابع کنکور کارشناسی ارشد در چند رشته جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی معرفی شده است. از آن جمله است کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی نوشته بروس کوئن. محسن ثلاثی علاوه بر حسن انتخابی که در متون ترجمه‌اش دارد، در برگردان آن به فارسی نیز نهایت دقت نظر و هماهنگی آن با زبان اصلی را به کار می‌بندد و برای واژه‌های ناآشنا در زبان فارسی نیز معادل‌هایی پیشنهاد می‌کند. به طور مثال برای واژه پارادایم معادل‌های فارسی گوناگونی به کار رفته که یکی از آنها «نمونه» است. احمد آرام در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» - نوشته کوهن - واژه «نمونه» را به جای «پارادایم» قرار داده است. علی‌اسدی در ترجمه کتاب «شناخت شناخت» نوشته ادگار مورن به جای آن، از ترکیب «چارچوب ادراکی» استفاده کرده است و اما محسن ثلاثی در ترجمه کتاب «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر» - نوشته جورج ریترز، کلمه «انگاره» را به جای آن قرار داده است. آثار: اسلام و سرمایه‌داری و ویژگی اثر: نوشته ماکسیم رودنسون، در حوزه اسلام‌شناسی، ثلاثی کتاب «اسلام و سرمایه‌داری» نوشته ماکسیم رودنسون را ترجمه کرده و با این که سال‌هاست نایاب شده، ولی تجدید چاپ نشده است. ۲ انسان‌شناسی فرهنگی و ویژگی اثر: بیتس؛ دانیل، ۳ انقلاب فرانسه و رژیم‌های پیش از آن و ویژگی اثر: الکسی دتوکویل؛ انتشارات زرین. ۴ پیامدهای مدرنیته و ویژگی اثر: یکی دیگر از کتب ترجمه شده آنتونی گیدنز توسط ثلاثی «پیامدهای مدرنیته» است. «مدرنیته» به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وجود آمد و به تدریج ابعاد جهانی پیدا کرد. این تعریف، مدرنیته را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می‌سازد، در حالی که عمده شاخصه‌های آن را سربسته باقی می‌گذارد. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس نامی معاصر، در کتاب «پیامدهای مدرنیته» به تحلیلی فرهنگی و معرفت‌شناختی از مدرنیته می‌پردازد و تعبیری جدید و تأمل‌برانگیز از تحولات نهادی همراه با مدرنیته عرضه می‌کند. گیدنز معتقد است که ما هنوز پا به دوران پسامدرن نگذاشته‌ایم، بلکه دوران متأخر مدرنیته را سپری می‌کنیم که در آن پیامدهای مدرنیته فراگیرتر و ریشه‌ای‌تر و بنیادین‌تر شده است. عواملی چون تباهی محیط زیست، تهدیدهای قدرت نظامی و تسلیحاتی، رشد و بسط توتالیتراریسم و حقیر شدن کار صنعتی و ... که گیدنز این‌ها را از پیامدهای مدرنیته برمی‌شمارد و بر این باور است که برای فرارفتن از این‌ها و گذار به عصر پسامدرن می‌بایست در ساختار سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی مسلط عصر مدرن دگرگونی اساسی ایجاد کرد. این کتاب در؟ فصل تدوین و تنظیم شده و به مباحثی چون: انقطاع‌های مدرنیته، جامعه‌شناسی و مدرنیته، بازاندیشی در مدرنیته، ابعاد نهادی مدرنیته، اعتماد و مدرنیته، دوره پیش از مدرن و دوره مدرن، مخاطره و خطر در جهان مدرن، پدیده‌شناسی مدرنیته، آیا مدرنیته یک طرح غربی است؟ و ... می‌پردازد. ۵ جاده ابریشم و ویژگی اثر: چاپ اول، نشر سروش، تهران، ۶ جامعه باستان و ویژگی اثر: لوئیس هنری مورگان؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۷ جامعه‌شناسی دین و ویژگی اثر: ملک‌همیلتون؛ نشر تبیان، چاپ اول، ۸ جامعه نو نوشته ای.اچ. کار، جهان ایرانی و ایران جهانی و ویژگی اثر: یکی از مهم‌ترین کتب ثلاثی که بر خلاف غالب آثار او تألیف شده است، کتاب جهان ایرانی و ایران جهانی است که نشر مرکز آن را منتشر کرده

است. کتابی که در دهمین دوره کتاب برتر دانشگاهی در رشته علوم اجتماعی، به عنوان کتاب برتر شناخته شد. درباره این کتاب به همان اندازه که در محافل دانشگاهی و مجامع فرهنگی تهران باعث ایجاد بحث‌ها و نظرات متفاوتی گردید، در شهرهای دیگر نیز موجبات برگزاری جلسات نقد و بررسی آن فراهم شد. جلسه نقد و بررسی کتاب در امور کتابخانه‌های عمومی استان زنجان که در سالن آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی این شهر برگزار شد از آن جمله بود. میر معزی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی درباره این کتاب می‌گوید: «پژوهش نظریه پایه‌ای خود را از انسان‌شناسی فرهنگی گرفته است. این همان نظریه پراک‌گرایی یا اشاعه‌گرایی است که به آن (diffusion) می‌گویند. این نظریه می‌گوید، اقوام و اجتماع فرهنگی انسانی در جهان منزوی نیستند و روابطی با فرهنگ‌های همسایگان‌شان دارند که تقلید و مهاجرت را از فرهنگ‌های دیگر می‌گیرند. ایرانیان در گذشته و تا چند سده پیش از این، با فرهنگ‌های پیشرفته جهان در شرق و غرب جهان ارتباط مستقیم و بی‌واسطه داشتند. ولی دشمنی ایران شیعی با عثمانی سنی راه ارتباط بی‌واسطه ایران را با اروپا تا حدودی سد کرد و در نتیجه فرهنگ ایرانی دیگر نتوانست به آسانی دوران گذشته، با فرهنگ نوینی که در اروپای غربی به سرعت و بیش از پیش پیشرفت داشت و می‌رفت که سرنوشت جهان را در سده‌های آینده رقم زند، ارتباط سازنده‌ای برقرار سازد.» ۱۰ خرد و انقلاب و ویژگی اثر: نشر نقره، کتاب «خرد و انقلاب» هربرت مارکوزه نیز به وسیله ثلاثی به فارسی برگردانده شده و نخستین بار به وسیله سازمان انتشارات جاویدان منتشر شده و بعدها در سال ۱۱ درآمدی بر جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: بروس کوئن ۱۲ درآمدی به انسان‌شناسی و ویژگی اثر: از سایمون کولمن و هلن واتسون ۱۳ روش تحقیق در انسان‌شناسی، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: سیلورمن (دیوید)؛ انتشارات تبیان، ۱۵ روش‌های تحقیق کیفی و ویژگی اثر: از سیلورمن؛ ۱۶ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: ثلاثی، از میان آثاری که تاکنون ترجمه و منتشر کرده، به «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی» علاقه بیش‌تری دارد. او در این باره می‌گوید: «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناس» را بیشتر دوست دارم، به خاطر اینکه مقام جامعه‌شناسان را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مورد بررسی قرارداد و نشان می‌دهد که نظریات و افکار این افراد در چه شرایطی، پرورش پیدا کرده و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است. این کتاب فصل بندی بسیار جذابی دارد و در واقع کتاب جامعه‌شناسی جامعه‌شناسان است!» عنوان اصلی این کتاب *ideas in historical Masters of Sociological thought* است. که واژه نامه و کتابنامه آن را ثلاثی به صورت زیرنویس تنظیم کرده و چاپ اول آن را در سال به انتشارات علمی سپرده است. ۱۷ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی و ویژگی اثر: ساموئل هانتینگتون؛ نشر علم، ۱۸ فراسوی چپ و راست و ویژگی اثر: چاپ انتشارات علمی، ثلاثی به آثار آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس معاصر و نظریه پرداز عصر جدید، توجه ویژه‌ای دارد و اسباب آشنایی مخاطب فارسی زبان را با ترجمه برخی از آثار مهم او فراهم کرده است. از آن جمله اثر «فراسوی چپ و راست» را می‌توان نام برد. گیدنز در این اثر به این نکته اشاره می‌کند که به دلیل گسترش مدرنیته و درگیری همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها در ساختن جهان کنونی، هم‌اکنون مرزبندی‌های رایج اعم از شمال و جنوب، مرکز و پیرامون و نیز تقابل میان چپ و راست سیاسی از میان رفته است. ۱۹ فلسفه و اندیشه سیاسی سبزه‌ها و ویژگی اثر: اندرو دابسون ۲۰ کالبد شکافی چهار انقلاب و ویژگی اثر: کرین بریتون؛ انتشارات نشر نو. ۲۱ کالبدشکافی چهار انقلاب از بریتون، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر و ویژگی اثر: توتالیتاریسم از هانا آرنت؛ جاویدان، اسفند ۲۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر و ویژگی اثر: جرج ریتزر، تهران، انتشارات علمی

منابع زندگینامه: منابع: روزنامه ایران صفحه مهرگان ۱-۱۲-۱۳۸۵

جلالوند، علی کرم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کرم جلالوند

محل تولد: نهاوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرم جلالوند در سال ۱۳۴۴ در روستای درّه ابراهیم از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمده ام. تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم به اتمام رساندم و سپس دوره راهنمائی و دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان بردم. و در سال ۶۲ مؤفق به اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی شدم. پائیز همان سال وارد حوزه علمیه نهاوند شدم، یک سال بعد وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) که مدرسه ای تازه تأسیس بود، مشغول ادامه تحصیل شدم دروس مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم. اساتید در این مقطع حجج الاسلام آقایان: احدی، مظهر علی، طالقانی و نقوی و... بودند. دروس شرح لمعه و اصول فقه را نزد آیت الله اشتهاردی، حجت الاسلام خاتمی و علیدوست و... تلمذ کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد آیت الله استادی، حجت الاسلام محمدی، حسینی بوشهری و حسینی شاهرودی و... فرا گرفتم. در سال ۶۸ همزمان با تحصیل دروس حوزوی در کنکور سراسری شرکت کردم و وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۷۲ مؤفق به اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی در گرایش پژوهشگری شدم. در این سال که برای اولین بار نوشتن پایان نامه جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی شده بود اینجانب موضوع پایان نامه خود را (بررسی مسائل جامعه شناختی فرقه گنابادیه) قرار دادم. از سال ۷۰-۷۱ به تناسب همکاریهایی که با سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) داشتم در تألیف و آماده سازی کتب بسیاری از جمله مجموعه دیدار با ابرار، گلشن ابرار، بانوان نمونه و مجموعه فقه و زندگی به عنوان ویراستار، ارزیاب و... سهیم بودم. به موازات این همکاریها کتاب و مقالاتی نیز تألیف کردم.

جمشیدیها، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامرضا جمشیدیهها دانشیار گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسیگرایش: جامعه‌شناسی تاریختحویلات رسمی و حرفه ای: غلامرضا جمشیدیهها مدرک کارشناسی را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات

علمی و اجرایی آقای دکتر غلامرضا جمشیدیها می توان مواردی همچون «مشاور معاون آموزشی»، «استاد راهنمای دانشجویان شاهد»، «معاون اداری و مالی»، «مشاور رئیس و مسئول اداره ارزشیابی و رسیدگی به شکایات دانشگاه»، «مدیر کل دفتر ریاست دانشگاه»، «معاون پژوهشی دانشکده» و «نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه» را نام برد. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس غلامرضا جمشیدیها «اندیشه های متفکران مسلمان»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام»، «جامعه شناسی انقلاب»، «زبان تخصصی»، «نظریه های جامعه شناسی ۱» و «نظریه های جامعه شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اندیشه های متفکران مسلمان»، «اندیشه متفکرین مسلمان ۱»، «زبان تخصصی ۲»، «نظریه های جامعه شناسی ۱» و «جامعه شناسی تاریخی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) می باشد. آثار: «پیدایش نظریه های جامعه شناسی (سال دوم)» (۱۳۸۳)، «تاریخ و نظریه اجتماعی (سال سوم)» (۱۳۸۳)، «زبان تخصصی علوم اجتماعی» (۱۳۸۵)، جامعه، دولت و شهر نشینی: تفکر جامعه شناختی ابن خلدون (سال دوم) (۱۳۸۳)، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی ویژگی اثر: (۱۳۷۹)

جهانگیر، عیسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد: عجب شیر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم - تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند. در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل چراغی کوتیانی

محل تولد : دزفول

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۴/۲/۲

زندگینامه علمی

در دومین روز از بهار سال ۱۳۵۴، در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال ۱۳۷۷ درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چین درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی (مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی (دامت افاضاتهم)، آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی، در سال ۱۳۸۲ در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال ۱۳۸۶ با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده) موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چلبی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی، تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد. او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد: آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمان رساله دکترا: توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی: یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی - امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسعود چلبی، عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه شناسی ایران، سردبیر پیشین مجله جامعه شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی: آمار در علوم اجتماعی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، مبانی جامعه شناسی، جامعه شناسی توسعه، روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی، نظریه های جامعه شناسی (کلاسیک ها)، نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری: نظریه های روش شناختی، مسائل

اختصاصی روش تحقیق، روش تحقیق کمی، جامعه‌شناسی نظم، نظریه‌های جامعه‌شناسی، روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی مسعود چلبی: ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه‌شناختی ۳- جامعه‌شناسی تطبیقی ۴- روش‌شناسی آثار: بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران ویژگی اثر: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران. ۱۳۸۱۲
تحلیل اجتماعی در فضای کنش ویژگی اثر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۵۳ جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر: نشر نی. تهران، (۱۳۷۵) چاپ چهارم ۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر: انتشارات طرح‌های ملی، تهران، ۱۳۸۳

چلبی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی، تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد. او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه‌شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم‌اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکترا: جامعه‌شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد: آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمان رساله دکترا: توسعه نیافتگی و سرمایه‌داری دولتی: یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی - امتحانات جامع جامعه‌شناسی تطبیقی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسعود چلبی، عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد. وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می‌باشد. فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی: آمار در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی توسعه، روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی، نظریه‌های جامعه‌شناسی (کلاسیک‌ها)، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکترا: نظریه‌های روش‌شناختی، مسائل اختصاصی روش تحقیق، روش تحقیق کمی، جامعه‌شناسی نظم، نظریه‌های جامعه‌شناسی، روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی مسعود چلبی: ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه‌شناختی ۳- جامعه‌شناسی تطبیقی ۴- روش‌شناسی آثار: بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران ویژگی اثر: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران. ۱۳۸۱۲
تحلیل اجتماعی در فضای کنش ویژگی اثر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۵۳ جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر: نشر نی. تهران، (۱۳۷۵) چاپ چهارم ۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر: انتشارات طرح‌های ملی، تهران، ۱۳۸۳

حزیری اکبری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد حریری اکبری در سال ۱۳۲۲ در تبریز بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده (در سال ۱۳۶۲) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم اجتماعی- دانشگاه تبریز می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات محمد حریری اکبری: -۱۳۴۳: اخذ دیپلم دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی- تبریز. -۱۳۴۸: اخذ درجه لیسانس در علوم اقتصادی و سیاسی از دانشگاه ملی ایران-تهران. -۱۳۵۰: اخذ درجه فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران - تهران. -۱۳۵۸: اخذ درجه فوق لیسانس در حکومت مقایسه ای از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. -۱۳۶۲. Maxwell School of Syracuse University, USA: اخذ درجه دکترای در رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی محمد حریری اکبری بهرقرار زیر است: -۱۳۵۰: تدریس اقتصاد و بازرگانی بین المللی در انستیتو تکنولوژی بازرگانی تبریز -۱۳۵۱: تدریس علوم سیاسی و اداری در مدرسه عالی غزالی، قزوین. -۱۳۵۲: تدریس علوم سیاسی و اجتماعی در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی، قزوین و تدریس علوم سیاسی در مدرسه عالی کمپیوتر، تهران. -۱۳۵۳: تدریس اقتصاد ایران در مدرسه عالی علوم بازرگانی، تهران و تدریس علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۴-۱۳۵۷: اشتغال تمام وقت به تدریس و مدیریت در پستهای گونه گونه در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۷-۱۳۶۲: اعزام به آمریکا با ماموریت مطالعاتی دانشگاه تبریز جهت اخذ درجه دکترای. -۱۳۶۲-۱۳۸۰: تدریس تمام وقت در دانشگاه تبریز و در مرکز مدیریت دولتی (تهران، تبریز و ارومیه) و در سازمان برنامه و بودجه کشور. -۱۳۸۰-۱۳۸۱: گذراندن دوره تخصصی در برنامه "خزر شناسی" مدرسه (دانشکده) علوم سیاسی جان.اف. کندی، دانشگاه هاروارد، بوستون، ماساچوست، آمریکا. Caspian Studies Program in J.F.Kennedy School of Government, at Harvard University. -۱۳۸۰ تا کنون: تدریس و تحقیق تمام وقت در دانشگاه تبریز و در سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شهر تبریز. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: خدمات علمی و فرهنگی محمد حریری اکبری: -عضویت در هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. -عضویت در هیات تحریریه نامه علوم اجتماعی، نشریه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش زنان، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دانشگاه تهران، -عضویت در هیات امنای کتابخانه مرکزی تبریز. -برگزاری افرون بر ده کارگاه آموزشی در زمینه سازمان و مدیریت. -شرکت در بیست کنفرانس، سمینار و سمپوزیوم ملی و بین المللی که اغلب آنها با عرضه مقاله بوده است. -انجام بیش از ده مصاحبه مفصل با روزنامه ها و مجلات داخلی. -همکاری با روزنامه ها و مجلات گونه گونه با تهیه مطالب کوتاه و بلند در باره امور و مسائل اجتماعی. چگونگی عرضه آثار: مقالات تهیه و تدوین شده: مقالات بزبان فارسی: ۱۹ مورد مقالات بزبان خارجی: ۵ مورد آثار: افسانه های فولکلوریک قفقاز و ویژگی اثر: ۱۳۵۰: پروفیسور پومراتسوا، (تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۰)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۲ برگزیده آثار، و ویژگی اثر: ۱۳۵۲: نریمان نریمانوف، (تبریز: نشر این سینا، ۱۳۵۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از ترکی آذربایجانی به فارسی). ۳ جامعه شناسی سیاسی و ویژگی اثر: ۱۳۸۰: تام باتومور، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۴ حکومت فدرال هندوستان و ویژگی اثر: ۱۳۴۹: کریشنا سوامی، تهران: موسسه بهار ایران، ۱۳۴۹)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۵ خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته های اخیر یورگن هابرماس و ویژگی اثر:

۱۳۸۰: استیون وایت، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۶ دبستان فرانکفورت
 ویژگی اثر: ۱۳۷۲: تام باتومور، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۷
 ریشه های فعالیت‌های سیاسی دانشجویان ویژگی اثر: ۱۳۵۱: محمدحریری اکبری، (تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۱). ۸ کتاب دده
 قورقود ویژگی اثر: ۱۳۵۳: جفری لويس، (تبریز: نشر ابن سینا، ۱۳۵۳)، ترجمه: فریبا عزبدفتری و محمد حریری اکبری، (از انگلیسی
 به فارسی). ۹ مدیریت توسعه ویژگی اثر: ۱۳۷۸: محمد حریری اکبری، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸).

حسامی، فاضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل حسامی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۸/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد ۱۳۴۱ آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگوارى چون حضرات
 حجج اسلام آقایان اسلامی. نواب، خسرو شاهی، رجائی، موسوی تهرانی، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی
 فخر (ره) پایانی، ستوده، بهبودی، مومن، مظاهری، مکارم شیرازی و خاتم یزدی. تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از
 سال ۱۳۶۵ تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و
 پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) نام داشت، پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی
 ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم. به دلیل علایق حوزوی، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه
 شناسی دین به خود گرفت. همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت
 تحصیلات تکمیلی، دبیری گروه جامعه شناسی، مدیریت مالی، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان
 موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین (ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دوره سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف - از جمله امام خمینی (ره) - نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی (ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضایی بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیت‌های بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی (ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران - در فروردین ۱۳۵۸ - به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگره مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی (ره) و نخستین کنگره دایرة المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضایی حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهره درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و اداره مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرة المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیت‌های سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال

۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسئولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلات جامعۀ روحانیت مبارز و مجلس اعلاای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادله استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود و در این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسئولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعه قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

خان محمدی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم خان محمدی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب کریم خان محمدی در سال ۶۱ پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم. در سال ۶۷ پس از اتمام پایه ۶ (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم. تا سال ۷۰ ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم. از سال ۷۰ به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال ۷۰ در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه‌شناسی مشغول گشتم و در سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم. در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می‌کردم. دروس آیت‌الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم. از سال ۷۸ پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از ۲۰ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده‌ام. در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم. طرح پژوهشی (مفهوم‌شناسی جامعه‌شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است. علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه‌های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست‌آوردهای جدید علمی است. کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است.

خائفی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید. و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید. سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادى منصوب شد. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر به خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی والدین و انساب: پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف، شاعر معروف و عالم متبحر شیراز، که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود. وی با شوریده شیرازی معاصر بود و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس از دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید، آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید. فعالیتهای ضمن تحصیل: پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادى گردید. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود و اکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. فعالیتهای آموزشی: پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت. بعدها وی در دانشگاه های آزاد، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است. آثار: از لحظه تا یقین (شعر)، این خاک طربناک (شعر)، باز آسمان آبی است (شعر)، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی، پند سعدی، حافظ در اوج، حصار (شعر)، مقاله ها و مقابله ها، نگاهی به غزل حافظ

خیری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن خیری

محل تولد: وزوان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ در شهر وزوان از توابع اصفهان در خانواده‌ای کشاورز و متدین به دنیا آمدم. دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم گذراندم. علاقه وافر به مذهب و روحانیت موجب شد که به همراه شهید احمد خوش کثیر به عنوان اولین طلبه‌های شهرمان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شوم. دوره سطح را در ظرف شش سال به پایان رسانده و برای تحصیل دروس خارج فقه و اصول در درس آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سبحانی، مکارم حضور یافتیم.

به علاوه از سال ۶۴ در موسسه در راه حق به تحصیل پرداخته و پس از اتمام دروس عمومی از سال ۶۹ تا ۷۶ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی را گذراندم و نیز موفق به گذراندن دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد شدم. دوره تحصیلات را با ورود به دوره دکتری جامعه‌شناسی در سال ۱۳۸۲ ادامه داده و موفق به اخذ مدرک دکتری PH.D جامعه‌شناسی در سال ۱۳۸۶ شدم. هم‌اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توفیق همکاری را دارم.

خیری، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف خیری

محل تولد: میاندوآب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۹ وارد حوزه بناب شدم در سال ۷۳ شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ‌التصیل شدم و تا سال ۷۵ سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم. همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال ۸۶) از رشته جامعه‌شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ‌التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۸۷ وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه نوشتم. در سال ۸۴ پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم. ضمناً فعلاً در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

داوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد داوری

محل تولد: رودان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهرستان رودان متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم. در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان ۲ سال آخر دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم سپری کردم. ادبیات را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خواندم و سپس به تحصیل در دروس سطح عالی حوزه و خارج فقه و اصول مشغول شدم. همزمان با تحصیل در حوزه از سال ۱۳۷۱ وارد «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» شدم و تحصیل در رشته جامعه‌شناسی را شروع کردم و پس از چهارسال در این پژوهشگاه مشغول به تحقیق و پژوهش شدم. علاوه بر آن به مدت سه سال با مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان در خصوص شناسایی جانبازان صدر اسلام و تنظیم زندگینامه برای آنان همکاری داشتم. همچنین به صورت پاره وقت از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران همکاری داشته‌ام و در این دانشگاه دروس معارف را تدریس کرده‌ام.

دوران، بهزاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهزاد دوران تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان کرج آغاز نمود و با قبولی در رشته پالایشگاه شیمی وارد دانشگاه شیراز شد. ایشان با تغییر رشته خود به جامعه‌شناسی کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته جامعه‌شناسی کسب نمود. وی با تدریس در دانشگاه‌های آزاد و دولتی فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد و به عنوان رئیس پژوهشکده علم سنجی و تحلیل اطلاعات و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌اطلاعاتی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. ایشان مقالات زیادی در سمینارها و مجلات و میزگردها به چاپ رسانیده است و مولف ۲ کتاب درسی می‌باشد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بهزاد دوران دوره ابتدایی خود را در مدرسه خندان در کرج به سال ۱۳۵۷ دوره راهنمایی را در مجتمع آموزشی قلم در سال ۱۳۶۰ در کرج کارشناسی مهندسی شیمی (صنایع پایشگاه نفت) در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۹ کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۵ مقطع دکترا در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۱ مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: بهزاد دوران در گروه پژوهشی جامعه‌اطلاعاتی فعالیت می‌کند. - مدیر گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات - دبیر شورای پژوهش - عضو شورای

نظارت و ارزیابی - عضو شورای برنامه ریزی استراتژیک فعالیتهای آموزشی: بهزاد دوران در دانشگاه های دولتی و آزاد تهران و شهرستانها به تدریس دروس مختلف فعالیت داشته است. همچنین: - به عنوان مدیر گروه پژوهشی فناوری اطلاعات با رویکرد اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۲-۸۴ - عضو گروه پژوهشی کالاهای فرهنگی غیر مجاز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۳ - عضو گروه پژوهشی رسانه های دیداری - شنیداری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۲ - کارشناسی ارزیابی طرح های پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۸۱-۱۳۷۶ - عضو شورای برنامه ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش)، از خرداد ۸۲ عضو شورای برنامه ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۲. - عضو گروه علوم انسانی پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۳. - عضو شورای سردبیری کتاب ماه علوم اجتماعی. از دی ماه ۱۳۸۱. - عضو انجمن انسان شناسی ایران. از آبان ماه ۱۳۸۳. - عضو انجمن جامعه شناسی ایران. از آذر ماه ۱۳۸۱. - عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران. از اردیبهشت ماه ۱۳۸۰. - دبیر هم اندیشی «رسانه ها، فناوری اطلاعات و جهانی شدن». موسسه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند (سازمان ملی جوانان). دی ماه ۱۳۸۲. - مشاور علمی ویژه نامه جامعه اطلاعاتی، نمایه پژوهش، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۷۹. - مشاور کمیته حقوقی صدا و سیما ج.ا.ا. ۱۳۷۸. - کارشناس پژوهش اجتماعی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۷۵-۱۳۷۴. - مشاور کمیته اجتماعی، معاونت آب وزارت نیرو. ۱۳۷۵. - منشی کمیسیون اطلاع رسانی شورای تحقیقات علمی کشور. ۱۳۷۴. - دبیرنامه (خبرنامه دبیرخانه شورای پژوهش). مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۷۹-۱۳۷۸. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: بهزاد دوران به عنوان داور و ناظر پایان نامه های دوره (کارشناسی ارشد و کارشناسی و دکترا) می باشد و با طرحهای تحقیقی و پژوهشی سازمانها و پژوهشگاهها فعالیت دارد. جوایز و نشانها: ۱- لوح تقدیر از رئیس جمهوری آقای محمد خاتمی برای برگزیده شدن رساله دکترا به عنوان پژوهش برگزیده در هشتمین دوره پژوهش فرهنگی سال ۸۲-۱۳۸۱. آذر ۱۳۸۲. ۲- لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای احمد مسجد جامعی به عنوان پژوهشگر برگزیده. بهمن ۱۳۸۲. ۳- لوح سپاس از رئیس سازمان ملی جوانان آقای رحیم عبادی به عنوان برگزیده نخستین فراخوان آثار پژوهشی. اسفند ۱۳۸۲. چگونگی عرضه آثار: از آثار بهزاد دوران انتشار ۲۴ مقاله در مجلات، ۱۰ مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی و همچنین انتشار مقاله در ۲ میزگرد تخصصی می باشد. آثار: پالایش نفت و ویژگی اثر: تهران: انتشارات کاوش قلم، ۱۳۸۰۲ علوم اجتماعی و ویژگی اثر: در مورد جامعه شناسی نظام جهانی، دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی، با همکاری احمد رجب زاده، تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۴

راود راد، اعظم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر اعظم راود راد دانشیار گروه علوم ارتباطات و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۶۹) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا (۱۳۷۵) اخذ نمودند. گروه: علوم

انسان‌پرستانه : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اعظم راود راد مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۶۹) و مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا (۱۳۷۵) اخذ نمودند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی دکتر راود راد می توان به مواردی همچون معاون پژوهشی، دانشکده علوم اجتماعی در سال ۱۳۸۶، نماینده تام‌الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران، کمیسیون بانوان استان تهران (۱۳۸۱، ۱۳۷۹)، عضو کمیسیون علوم اجتماعی پژوهش‌های کاربردی، دانشگاه تهران، سرپرست بخش تحقیقات زنان موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده، سرپرست تحصیلات تکمیلی، مدیر گروه ارتباطات، مدیر گروه ارتباطات، نماینده تام‌الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش زنان، معاون تحصیلات تکمیلی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، عضو هیأت مؤسس، ۱۳۸۰، عضو انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۷۵ و سردبیر فصلنامه پژوهش زنان اشاره نمود. فعالیت‌های آموزشی : موارد تدریس وی «ارتباطات تصویری»، «ارتباطات جمعی»، «تجزیه و تحلیل برنامه های رادیو و تلویزیون»، «جامعه شناسی ارتباطات اجتماعی»، «جامعه شناسی هنر»، «جامعه شناسی هنر و ادبیات»، «مبانی ارتباطات جمعی»، «مطالعات رادیویی» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی هنر»، «جامعه‌شناسی هنر»، «روشن‌شناسی هنر»، «زبان تخصصی ۱»، «زبان تخصصی ۲»، «جامعه شناسی سینما»، «سینما و مطالعات فرهنگی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. وی مولف کتاب‌های «نظریه های جامعه شناسی هنر و ادبیات» (۱۳۸۳)، «دین و رسانه» (۱۳۸۶) و مقالات «تبیین فیلم و جامعه»، «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال»، «جامعه شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه شناسی معاصر»، «نقد کتاب رسانه ها و نمادها»، «نقدی بر دیدگاه کارال مانهم در جامعه شناسی هنر»، «ارتباط کلی سینما و جامعه شناسی با جامعه شناسی سینما»، «نقدی بر جبریت اجتماعی هنر»، «تحلیل جامعه شناسی فیلم‌های قرمز و دو زن»، «تحلیل برنامه های فرهنگی رادیو و تلویزیون»، «سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مشارت زنان در رادیو و تلویزیون»، «سینما رسانه فراموش شده»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مقایسه نقش شغلی زنان و مردان متخصص»، «جامعه هنرمند و هنرمند جامعه: تحلیل جامعه شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی»، «جایگاه اقتصاد در جامعه شناسی هنر»، «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، «نقدی بر نظریه انتقادی و سینمای آلمان»، «تصویر زن در آثار سینمایی رخشان بنی اعتماد»، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری سینمای زن در ایران»، «توصیف وضعیت پژوهش های فرهنگی - اجتماعی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، «جامعه شناسی اثر هنری»، «تحلیل جنسیتی نقش های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده»، «Sustainable Development: Role of Art in Local and Global Society» است. آرا و گرایش‌های خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه : جامعه شناسی سینما، جامعه شناسی هنر، دین و رسانه، رسانه های سمعی و بصری: رادیو- تلویزیون- سینما، زنان و رسانه ها، چگونگی عرضه آثار : دکتر راود راد همچنین مقالاتی را همچون آموزش جامعه شناسی هنر در دانشگاه، گزارش تحقیقی " تحلیل و تفسیر فعالیت‌های فرهنگی کشور، " معرفی جامعه شناسی هنر، آزار و تعقیب زنان در اینترنت، تعریف هنر از دیدگاه جامعه شناسی، سینما و انقلاب دیجیتال، عوامل موثر بر مصرف رسانه ای زنان، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، سینما و ارتباطات دینی، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، نقاشی ایرانی در دوران سنت و تجد، جامعه شناسی اثر هنری، A study of social factors influencing people to become artists در سمینارها و همایش‌های مختلف ارائه داده اند. تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۱۳ مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی: ۵ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۲۹ مورد تعداد همایش‌ها داخلی: ۱۶ مورد تعداد همایش‌ها خارجی : ۳ مورد آثار: دین و رسانه و ویژگی اثر : تالیف و تصنیف، دفتر پژوهش های رادیو، ۲ مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران و ویژگی اثر : تالیف و تصنیف، جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۳ نظریه های جامعه شناسی هنر و ادبیات و ویژگی

اثر : تالیف و تصنیف، انتشارات دانشگاه تهران

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد : اصفهان

شهرت : ربانی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی (ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیه الله فاضل لنکرانی، مرحوم تبریزی، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

رجبی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رجبی

محل تولد : جاسب

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجۀ الاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش

بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد. او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیة‌الله العظمی گلپایگانی (ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجسته آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیة‌الله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته (ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیة‌الله امینیان و حجة‌الاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیة‌الله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیة‌الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیة‌الله طاهری خرم آبادی و آیة‌الله مؤمن و در درس مکاسب آیة‌الله ستوده، آیة‌الله مصلحی اراکی و آیة‌الله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایة‌الاصول نیز به درس آیة‌الله سلطانی طباطبایی (ره) و آیة‌الله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیة‌الله حاج شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیة‌الله حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیة‌الله العظمی وحید خراسانی، آیة‌الله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیة‌الله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر را نزد آیة‌الله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیة‌الله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلاء بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی (ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» - که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد - را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نیز بر عهده دارد. او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می‌پردازد.

رضای الهی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فضل الله رضای الهی در سال ۱۳۰۲ در شهر اصفهان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی از کشور فرانسه است. استاد هم‌اکنون پس از تدریس در دانشگاه‌های مختلف ایران و بازنشستگی مدت ۱۴ سال است که با دانشگاه آزاد اسلامی همکاری دارند. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فضل الله رضای الهی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا اخذ دیپلم ادبی در اصفهان سپری نمودند در سال ۱۳۳۳ موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته ادبیات از دانشگاه تهران شد. ایشان چندین سال در کسوت معلمی به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال داشتند. شوق تحصیل دسترسی بمدارج بالا تر موجب شد که در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمودند و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی گردید. دکتر رضای الهی مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی را از کشور فرانسه دریافت کرده است. همسر و فرزندان: فضل الله رضای الهی متاهل و دارای سه فرزند می‌باشد. وقایع میان‌سال: فضل الله رضا الهی پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) مشغول به تدریس و تحقیق شدند. و پس از اخذ درجه دکتری رشته فوق از کشور فرانسه به ایران بازگشتند و همچنان در دانشگاه‌های مختلف به تدریس و تحقیق مشغول می‌باشند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: فضل الله رضای الهی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می‌باشد.

رضوی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدر و اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «درباره ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس از تحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتاح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مانوس

و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتاح تحریر و به چاپ می‌رسانند. استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶ و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم گیر ایشان در مرحله دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنا بر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت، مبنی بر اینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحله دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفیع پور، فرامرز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال ۱۳۴۰، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۴۲، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۵۲، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال ۱۳۵۲، دریافت درجه پروفیسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر

ارزشها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش تحقیق، نیازسنجی.

وقایع میان‌سالی: دکتر فرامرز رفیع پور در سال ۱۳۵۳ به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در نتیجه تلاش روزافزون در سال ۱۳۶۵ به درجهٔ profesوری از دانشگاه هوهن هایم مفتخر شد. از دیگر وقایع رخ داده برای دکتر رفیع پور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) تحقیق دربارهٔ سنجش نیازهای روستائیان یزدی - ۶۳ - ۱۳۶۱ (۸۴ - ۱۹۸۲) دعوت به دانشگاه هوهن هایم به هزینه مرکز تحقیقات آلمان (۱۹۸۶ - ۱۳۶۵ - DFG) اخذ Habilitation (رساله profesوری) و *venia legendi* (اجازه تدریس در دانشگاه‌های آلمان به عنوان profesور از دانشگاه هوهن هایم - اشتوتگارت بر اساس رساله ارائه شده درباره "پویائی نیاز در برنامه ریزی رشد. - " ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) چاپ رساله Habilitation در آلمان. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) استادیار گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی - رئیس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی - ۶۸ - ۱۳۶۷ (۸۹ - ۱۹۸۸) استاد مدعو دانشگاه ویسکانزین - مدیسون عضویت ها • استاد دانشگاه هوهن هایم - اشتوتگارت، آلمان تا سال ۲۰۰۵ • عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران • عضو شورای دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۴ • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۲ • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • عضو هیات امناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی • سرپرست کمیته علوم اجتماعی شورایی عالی برنامه ریزی تا سال ۱۳۸۶ • عضو کمیسیون علوم انسانی شورای پژوهش‌های کشور تا ۱۳۷۹ • رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۵ سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رفیع پور در کنار مسئولیت‌های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشگاه هوهن هایم به عنوان profesوری به کار تحقیق و تدریس اشتغال دارد. جوایز و نشانها: - استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ - برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» - استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۱ - دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهای ۱۹۶۵-۶۸ چگونگی عرضه آثار: «جامعه روستایی و نیازهای آن» عنوان پژوهشی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روستای استان یزد انجام داده است و آن را به صورت کتاب روانه بازار نشر کرده است. مطالعه حاضر که می‌تواند به عنوان سرمشقی برای مطالعات روستایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روستائیان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه‌بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیده است و نه تنها کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ شناخته شده، بلکه روشهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد استقبال محافل علمی آلمان نیز قرار گرفته است. کتاب مذکور از مهمترین کتابهای پژوهشی است که در دوره معاصر در عرصه جامعه‌شناسی

روستایی نوشته شده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشی دکتر رفیع پور به قرار زیر است: - تعداد مقالات: ۱۲ مورد - تعداد گزارش های علمی: ۳ مورد - تعداد سخنرانی ها: المان: ۴ مورد، در آکادمی علوم اتریش: یک مورد، در امریکا: دو مورد، در ایران: ۱۳ مورد - راهنمایی پایان نامه های دکتری: ۲ مورد - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۲۸ مورد آثار: ۱ Rafipoor, Faramarz ۱۹۷۴: Das " Extension and Development Corps " im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Saarbruecken: SSIP, ۱۹۷۴ ۲ Rafipoor, Faramarz ۱۹۸۹ Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, ۱۹۸۹

تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۸ چاپ چهارم ۱۳۸۵.۴ آنومی یا آشفتگی های اجتماعی و ویژگی اثر: پژوهشی درباره پتانسیل آنومی در تهران. شرکت سروش ۱۳۷۸.۵ تکنیک های خاص در علوم اجتماعی و ویژگی اثر: تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۲ چاپ چهارم ۱۳۸۵.۶ توسعه و تضاد ویژگی اثر: رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است: - کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۴.۷ جامعه روستایی و نیازهای آن ۱۳۶۴ ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریک پیدایش و پرورش نیازها در جوامع مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کار آیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکار گرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیرها، اهمیت، کیفیت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها - چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. - تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ سوم ۱۳۷۰، (۱۳۶۴). ۸. جامعه، احساس، موسیقی و ویژگی اثر: تالیف ۹ سرطان اجتماعی فساد و ویژگی اثر: تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال ۱۳۸۶۱۰ سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن ویژگی اثر: پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران: مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲۱۱ علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون ویژگی اثر: ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار ۱۳۸۳۱۲ کارائی بیمارستانها و ویژگی اثر: مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران: بشیر ۱۳۷۸.۱۳ کندوکاوها و پنداشته ها و ویژگی اثر: «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرفردارترین کتابهای رفیع پور در میان

دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. -تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم ۱۳۸۶، (۱۳۶۰). ۱۴. موانع رشد علمی در ایران ویژگی اثر: تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ چاپ دوم ۱۳۸۳.۱۵. وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی ویژگی اثر: پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمایی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۵ و چاپ دوم تهران: نشر فر ۱۳۷۸.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع فر، جلال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جلال الدین رفیع فر در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و در رشته باستان شناسی شروع کرد و جهت ادامه تحصیلات در زمینه انسان شناسی به فرانسه رفت. در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: انسان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: جلال الدین رفیع فر دکتر جلال الدین رفیع فر، استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی دارای دو مدرک کارشناسی باستان شناسی و مردم شناسی از دانشگاه نانترباریس است. کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی خود را در رشته های مردم شناسی و انسان شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است. (در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد.) عنوان رساله دکتری اش «مطالعه انسان شناختی فرهنگ و تکنولوژی» در عصر نئولیتیک در ایران می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسئولیتها و مشاغل اداری و مدیریتی جلال الدین رفیع فر به قرار زیر است: ۱- رئیس انجمن انسان شناسی ایرانی (۱۳۸۷-۱۳۸۰) ۲- مدیر گروه آموزشی انسان شناسی دانشگاه تهران (۱۳۸۳-۱۳۷۸) ۳- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۷-۱۳۸۴) ۴- مدیر مسئول و سردبیر مجله علمی - پژوهشی «نامه انسان شناسی» ۵- عضو پیوسته مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) از سال ۱۹۹۲ فعالیتهای آموزشی: دروسی که تدریس کرده اند عبارتند از: کارشناسی • انسان شناسی شناخت عشایر ایران • اصول و مبانی انسان شناسی • باستان شناسی انسان شناختی • بررسی آثار پیش از تاریخ ایران • جامعه شناسی ایلات عشایر ایران • مبانی باستان شناسی • مردم شناسی ماقبل تاریخ • مقدمات انسان شناسی • مقدمات مردم شناسی عشایری کارشناسی ارشد • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق ۱ • فرهنگ و تکنولوژی • پایان نامه • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق در مردم شناسی • طرح تحقیق • فرهنگ و تکنولوژی مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: از جمله فعالیت های جلال الدین رفیع فر بنیان گذاری انجمن انسان شناسی ایران در سال ۱۳۷۹ و به ثبت رساندن آن در سال ۱۳۸۰ است. آرا و گرایشهای خاص: حوزه های مطالعاتی جلال الدین رفیع فر: تمایل و علاقه ایشان قبل از هر چیز به مطالعه خاستگاه پدیده های مهم فرهنگی- اجتماعی و سیر تحول آنهاست که در این راستا بخش مهمی از انتشارات ایشان به این موضوعات اختصاص یافته است. از جمله: انسان، جامعه، هنر، زبان، تکنولوژی، دین و سایر پدیده های فرهنگی. در همین راستا مطالعه انسان شناسی جوامع پیش از تاریخ و انسان شناسی و جامعه شناسی جوامع عشایری، انسان شناسی هنر و ... در درجه اول الویت بوده اند. چگونگی عرضه آثار: انجام ده ها طرح پژوهشی، ارائه ده ها مقاله علمی و ایراد سخنرانی در سمینارها و

کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف و ترجمه چهار جلد کتاب ثمره ۱۶ سال کار او در دانشگاه است. - سخنرانی و شرکت در مجامع علمی بین‌المللی: دکتر رفیع فر تا کنون و در نزدیک به ۲۰ کنفرانس بین‌المللی با ارائه مقاله و سخنرانی شرکت داشته است. (فرانسه - آلمان - لهستان - روسیه - ایتالیا - اسلونی - گرجستان - پاکستان و ...) - تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد - تعداد طرح‌های تحقیقاتی: بیش از ۴ مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۳۲ مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۶ مورد آثار: ۱) (Remarques Sur L' Industrie Lithioue Neolithique De Gebel. In : Neolithic chipped Stone Industries of the Fertile Crescent. And Their Contemporaries In Ad jacent Regions. Edited by: Stefan Karol Kozlowski and Hans Gorge,k. Studies In Early Near Eastern Production , Subsistence , and Enwronment ۳ .pp.۴۰۵-۴۲۱.۱۹۹۶۲ Le Probleme De L' Obsidienne et sa Circulation En Iran In: Proceeding of ۱۲ th Congres National Des Societ Historiques Et Prehistorique Francais . France. Nice.۱۹۹۷۳ The Anthpological Approaches In Neolithic ۷th Neolithic Seminar. The Processes of Neolithisation In Eurasia : Studies In Iran In : Man And Ljobjana.May ۲۰۰۰,Slovenia۴ The Obsidian Route in Ancient Iran Flint Edited By: Romuafd Schild And Zofia Solgostowska Institute Of Archeologyand Ethnology Polish Academy of Sciences Warszawa. PP ۲۹۵- ۲۹۷۵ نقش آن در توسعه فرهنگی و ویژگی اثر: مقاله‌ای است که در نشریه نامه پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ در تهران انتشار یافت. ۶ انسان‌شناسی هنر ۷ اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان‌شناسی و ویژگی اثر: ترجمه‌ای است از اثر دیدیه گزینیدو که در شماره ۷، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد. ۸ باستان‌شناسی و ویژگی اثر: مقاله‌ای است که برای دانشنامه جهان اسلام تهیه گردید و توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد. ۹ بردابالکا و ویژگی اثر: مقاله‌ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. ۱۰ بررسی پدیده فرهنگی نئولیتیک در ایلام و ویژگی اثر: عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه ایلام در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۱۱ بررسی مجموعه نقوش دست در غار کرکس و ویژگی اثر: ترجمه‌ای است از اثر آندره لورواگون، که در شماره ۱۶ نشریه میراث فرهنگی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. ۱۲ پال انتروپولوژی - کوارترنر - ایران و ویژگی اثر: در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین‌المللی کوارترنر، توسط دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. ۱۳ تاملی بر خاستگاه جامعه روستایی و ویژگی اثر: عنوان مقاله‌ای است که در نشریه باستان‌شناسی و تاریخ، با شماره پیاپی ۱۹ منتشر شد. ۱۴ تاملی بر هنر غارها و ویژگی اثر: ترجمه‌ای است از اثر آندره لورواگوران که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۱۵ تاملی دوباره بر صنایع دهلران و ویژگی اثر: عنوان مقاله‌ای است که در نشریه باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۳۷۲ در شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴ منتشر شد. ۱۶ ترجمه کتاب عشایر فارس و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه تهران این اثر را در سال ۱۳۷۵ منتشر کرد. ۱۷ ترجمه کتاب منشاء - عالم انسان و زبان و ویژگی اثر: پدیدآورنده: هوبرت ریوز، جلال‌الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: آگه - ۱۵ دی، ۱۳۸۶ ۱۸ شکل‌های سنتی در عشایر بویر احمد و ویژگی اثر: طرح پژوهشی که در سال ۱۳۷۴ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت. ۱۹ تکنولوژی: علم انسان و ویژگی اثر: ترجمه اثر آندره هودری کور که در شماره ۱۳ و ۱۴ فصلنامه نمایه پژوهش منتشر شد. ۲۰ تل بکون و ویژگی اثر: مقاله‌ای است که در جلد سوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد. ۲۱ رواج افسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی - تکنولوژیکی آن در ایران و ویژگی

اثر: عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، در سال ۱۳۷۱ در شماره پیاپی ۱۰ منتشر شد. ۲۲ روستای هوفل ویزگی اثر: این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره ۳ سال ۱۳۶۸ منتشر شد. ۲۳ زنان ایل بهمئی: جامعه شناسی و مردم شناسی خویشاوندی در عشایر ویزگی اثر: پدیدآورنده: الویا رستریو، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: خجسته - ۰۵ مرداد، ۱۳۸۷ ۲۴ سنگ نگاره های ارسباران: پژوهش در مردم شناسی و باستان شناسی هنر ویزگی اثر: پژوهشی که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه تهران انجام شد. پدیدآورنده: جلال الدین رفیع فر ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور - ۲۹ آذر، ۱۳۸۵ ۲۵ علوم انسانی گستره شناخت ها ویزگی اثر: پدیدآورنده: ژان فرانسوا دورتیه، ناصر فکوهی (مترجم)، مرتضی کتبی (مترجم)، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: نشر نی - ۲۰ آذر، ۱۳۸۶ ۲۶ فرهنگ برادوستی ویزگی اثر: مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. ۲۷ کوهنباں پیش از تاریخ ویزگی اثر: مقاله ای است که در نشریه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان که در سال ۱۳۷۲ در شماره ۲ آن منتشر شد. ۲۸ مطالعه صنایع افسیدین اهر نجان ویزگی اثر: پژوهشی است که در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه تهران صورت گرفت. ۲۹ من و او سعی کردیم کار مشابهی انجام دهیم ویزگی اثر: ترجمه ای است از اثر کلودلوی استروس که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۳۰ نظری بر کتاب موزه هایی در باد ویزگی اثر: نقدی است که در شماره ۱۵ نشریه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۳۱ نظری بر کتاب دوره پارینه سنگی در ایران ویزگی اثر: نقدی است که در شماره پیاپی ۶ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۸ منتشر شد.

رمضان نرگسی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا رمضان نرگسی

محل تولد: نرگستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۴

زندگینامه علمی

بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال ۱۳۴۷ در روستای نرگستان (۱۱ کیلومتری شهرستان صومعه سرا و ۲۲ کیلومتری شهرستان رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال ۱۳۶۲ (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم (البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیایند) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیار خوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال ۶۶ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالم و لمعه می خواندم. در سال ۶۷ در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز

اساتید از قم اعزام می‌شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی (اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می‌باشند و استاد ایوب باغبانی بودند. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می‌گذرانیدیم. در سال ۶۹ به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می‌گذاشتم. در سال ۷۲ سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال ۷۳ با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه ۳ من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد محمد علی و... از سال ۷۲ در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال ۷۵ در دروس خارج مکارم و سبحانی شرکت می‌کردم. همچنین در سال ۷۵ با فارغ‌التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی را شروع کردم و در سال ۸۰ فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۸۱ زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون ۳۷ مقاله و ۳ کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می‌باشم.

روح الامینی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود روح الامینی در ۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کوهبنان از توابع کرمان چشم به جهان گشود. وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد. او لیسانس ادبیات فارسی را در سال ۱۳۳۴ از دانشکده ادبیات تهران گرفت. روح الامینی برای اخذ مدرک فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد و بعد از آن جهت دریافت مدرک دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد. از وی آثار زیادی همچون نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی و آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز به جا مانده است. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: مردم‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهبنان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال ۱۳۳۸ در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت، به سوی مطالعات مردم‌شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان «تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لورو گوران به درجه دکتری نائل آمد. استادان و مربیان: محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود، پرویز ناتل خانلری، احسان یارشاطر، عبدالعظیم قریب، لطفعلی صورتگر، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم فرانسه شد نزد افراد صاحب‌نامی چون ژرژ گوروویچ، کلود لوی استروس، آندره لورو گوران و دیگران بهره برد. فعالیت‌های آموزشی: محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم‌شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد. آثار: آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، به شاخ نباتت قسم، زمینه فرهنگ‌شناسی، گرد شهر به چراغ، نموده‌های

اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

زاهدی اصل، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۲۴ در روستای نیار اردبیل متولد شد. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت امور فرهنگی در تهران گذراند و دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷ در ترکیه اخذ کرد. وی یکی از مددکاران با تجربه‌ای است که اسلوب، دانش و تکنیک این حرفه را در کلاسهای درس آموزشگاه خدمات اجتماعی آموخته و پس از آن سالهای طولانی تلاش و تحقیق و تدریس و تالیف را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر وی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و امام حسین (ع) به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و ... در مقاطع مختلف می‌پردازد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: مدیریت اجتماعی خطرات کودکی: محمد زاهدی اصل در روایت از آن سالهای دور و سخت روستای «نیار» از رنج و خاطره کودکی ۶ ساله می‌گوید که هر صبح و عصر با همراهی دوستان همکلاسی‌اش، صدای گام‌ها و آندوه غمها و اولین تلاشهای بی‌ادعای خود را، در فاصله نیار تا اردبیل، با پای پیاده بر راه‌ها و خاک‌ها به یادگار می‌گذاشتند و در مبارزه و ستیز با سرمای استخوان‌سوز و زیر صفر درجه به بهانه کورسوی امیدی که در دل داشتند استواری و صبوری را سرمشق می‌کردند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد زاهدی اصل در آخرین روزهای سرد سال ۱۳۲۴ ه.ش در روستای «نیار» از توابع استان اردبیل متولد شد. شرایط خانوادگی وی با مشکلات خاص روستا مواجه بود. وی می‌گوید: «مشابه بسیاری از خانواده‌های آن زمان خانواده ما نیز کثیر الاولاد بود که در نهایت غیر از اولین فرزند فوت شده، شش خواهر و سه برادر بودیم. معمولاً دختران را در سنین پایین شوهر می‌دادند و من شاهد ازدواج دو خواهر بزرگترم بودم. در سایه تلاشهای پدر وضعیت اقتصادی خانواده بهتر شد و به تدریج به دنبال کشاورزی توأم با کاسبی در مغازه وضعیت مطلوبتری حاصل شد و این تلاش پدر تا زمان فوت و سن ۸۰ سالگی ادامه داشت.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد زاهدی اصل پس از دریافت مدرک دیپلم تجربی در سال ۱۳۴۴، در اردبیل، مدرک کارشناسی خدمات اجتماعی یعنی «مددکاری اجتماعی» را در سال ۱۳۵۰ در تهران و مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت امور فرهنگی در سال ۱۳۵۰ را نیز در تهران و مدرک دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷ - با هزینه شخصی - از دانشگاه استانبول ترکیه اخذ کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: از خاطرات دوران ابتدایی و متوسطه محمد زاهدی اصل جز سختی راه و سرمای زمستان و کتک خوردن از همشاگردیها در راه مدرسه و تشویق و تمجید معلم‌ها و نیز در دوران دانشجویی زندگی با هم‌دوره‌ای‌ها در یک اتاق اجاره‌ای چیز خاصی نبوده است. وی در سال ۱۳۵۰ به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. پس از آن زاهدی اصل فراز و نشیب‌های زیادی را در زمینه تحصیل، تحقیق و خدمت پشت سر گذاشت، در حالی مدرک کارشناسی ارشد در تهران و دکترای خود را در رشته مدیریت اجتماعی در ترکیه اخذ کرد که با وجود همراهی همسر و پنج فرزند خردسال، و به عهده گرفتن هزینه تحصیل به علت مخالفت معاون وقت وزیر علوم با بورس تحصیلی رنج‌ها و مرارت‌های بسیاری بر خانواده زاهدی اصل تحمیل شد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: سال ۱۳۵۰ هجری شمسی محمد زاهدی اصل دیگر یک کارشناس مددکاری اجتماعی بود که به اصرار فرمانفرمائیان در آغازین سالهای خدمت، به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. استادان و مربیان: از استادان محمد زاهدی اصل می‌توان به «ستاره فرمانفرمائیان» اشاره کرد که زاهدی اصل در کلاسهای

درس ایشان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در مقطع کارشناسی شرکت می‌کرد. هم دوره ای‌ها و همکاران: محمد زاهدی اصل از هم دوره‌ای‌های خود به صمیمی‌ترین دوستان در دوره کارشناسی به شهید عباس ارشاد اشاره می‌کند که در هفتم تیر شهید شد. همسر و فرزندان: محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۴۹ با دختردایی خود ازدواج نمود که حاصل آن پنج فرزند، سه پسر و دو دختر می‌باشد. پسرها بعد از فراغت از تحصیل مشغول کارند و دختر بزرگتر با اخذ مدک کارشناسی ارشد به تدریس زبان خارجه مشغول و دکتر کوچکترشان دانشجوی هنر دانشگاه الزهرا است. وقایع میانسالی: انفجار مواد منفجره در دوران خدمت و سوختگی چشم و صورت ناشی از آن، فوت دومین فرزندم در پنج ماهگی به علت نارسایی قلبی و غده تیروئید، شهادت نزدیک‌ترین دوست در حادثه ۷ تیر، جنگ تحمیلی و صحنه‌های پر مخاطره در خوزستان، و روزهای انقلاب از جمله جلسات مخفیانه انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی و عضویت در کمیته استقبال امام و گروه محافظان ایشان در بهشت زهرا و ... از وقایع آن دوران محمد زاهدی اصل است که به آن اشاره می‌کند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمد زاهدی اصل عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۴) است. وی سمت‌ها و منصبهای متعددی را در اختیار داشته و دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: - مددکاری اجتماعی و کارشناس امور دانشجویی در دانشگاه تهران ۵۷-۱۳۵۰، - ریاست دانشکده خدمات اجتماعی و سرپرستی آموزشگاه عالی آموزشاری ۶۲-۱۳۶۰، - معاونت اداری و مالی و جانشین معاونت دانشجویی دانشگاه الزهراء ۶۳-۱۳۶۲، - مدیر گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۶۹-۱۳۶۷، - سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۶۸، - ریاست مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ۶۹-۱۳۶۸، - مدیریت گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد ۱۳۶۹، - مدیر گروه خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۷۵-۱۳۷۱ و ... - عضو شورای دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲-۱۳۷۶، - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲-۱۳۷۸، - عضو شورای سیاست‌گذاری سازمان بهزیستی کشور، - ریاست انجمن مددکاری اجتماعی ایران، - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، ۷۹-۱۳۷۲، - معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶. فعالیتهای آموزشی: محمد زاهدی اصل فعالیتهای آموزشی خود را از سال ۱۳۵۴ بصورت حق التدریس با دانشگاه خدمات اجتماعی سابق شروع کرد و بعد از انقلاب به ریاست دانشکده مذکور در سال ۱۳۶۰ در آمد. وی استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۴ بوده است. در حال حاضر محمد زاهدی اصل در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و دانشگاه امام حسین (ع)، به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای در دوره کارشناسی و مدیریت منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت، سمینار سازمان‌ها و مسائل رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در دوره کارشناسی ارشد می‌پردازد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: محمد زاهدی اصل مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۷۱ بوده است. از دیگر تلاشهای او در سالهای اخیر، طراحی، تهیه و تنظیم برنامه دوره رشته مددکاری اجتماعی بوده که در حال حاضر مراحل تصویب در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را طی می‌کند. - دفتر آموزش سازمان بهزیستی کشور که بعداً تبدیل به دانشگاه علوم بهزیستی شد، - دانشگاه شاهد از بدو تاسیس و همچنین مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی آن، - هیئت مؤسس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و ریاست آن در حال حاضر. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: علاوه بر اینکه محمد زاهدی اصل از چهره‌های شناخته شده در عرصه مددکاری اجتماعی است، مطالعات زیادی در مباحث تاریخی خصوصاً تاریخ معاصر دارد، به طوری که در این حوزه نیز نظرات کارشناسی و علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. از فعالیتهای علمی و پژوهشی زاهدی اصل می‌توان به برنامه‌ریزی امور فرهنگی، چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران، اهمیت ضرورت سیاست‌گذاری در اوقات فراغت، بررسی وضعیت امور رفاهی کارکنان سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگی، نیازها و مسائل بازماندگان سازمان تامین اجتماعی و ... اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص: محمد زاهدی اصل از ایمان، اخلاص، وفای به عهد، صداقت و صبر به عنوان اصول و شرایط خدمات اجتماعی نام می‌برد و می‌نویسد:

«صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد. مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده‌رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاحظت و خوش خلقی اهمیت بسزایی دارد و از مؤثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل شود.» یکی از مباحث عمده و مهم مددکاری اجتماعی، بحث اصول و ارزشهاست. اصول عمومی مددکاری اجتماعی عبارتند از: پذیرش، فردیت، رابطه حرفه‌ای، مشارکت، رازداری حرفه‌ای و خودآگاهی. زاهدی اصل در بین کلیه اصول مددکاری اجتماعی، اصل خودآگاهی مددکار را مهمترین اصل می‌داند. «به دلیل اینکه اگر مددکار اجتماعی در تحقق این اصل ناکام بماند قطعاً در تحقق و رعایت تمامی اصول و حتی ارزش‌های مددکاری اجتماعی ناموفق خواهد بود. در سایه خودآگاهی است که مددکار اجتماعی می‌تواند به دور از هرگونه تعصبات، لغزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، هر نوع پیشداوری، در خدمت مراجعان قرار گیرد و در زندگی و حل مشکلات آنها اثرگذار باشد. «چه نتوانی بدانی کیستی / جهد کن چندانکه دانی کیستی» خودآگاهی مترادف با خودشناسی و خودشناسی مقدمه و لازمه خودسازی است. در واقع می‌توان گفت که در دنیا یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی خود است و حتی می‌توان خودسازی را شرط عدالت‌خواهی دانست. عمده‌ترین مسائلی که مددکاران اجتماعی با آن درگیر هستند را می‌توان در رابطه با مسائل مختلف مربوط به محیط جستجو کرد. «خانواده، مدرسه، محل کار، خویشاوندان، دوستان و ... از عوامل محیطی تلقی می‌شوند. در بسیاری از اوقات، تلاش انسان برای ایجاد تغییر در برخی از شرایط محیط اطرافش به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد و به ناچار، او از بخشی از آرمان‌های خویش صرف‌نظر می‌کند و به طور نسبی وضعیت موجود را می‌پذیرد و با آن کنار می‌آید. پس می‌توان گفت که هم ایجاد تغییر در شرایط محیط انسانی امری نسبی است و هم تطابق و سازگاری با آن، آنچه در مددکاری مهم است آنکه مددجو این شرایط را در حد درک و فهم خود و با راهنمایی مددکار بشناسد، امکانات اجتماعی موجود برای ایجاد تغییر در این شرایط را بشناسد و حداکثر مساعی خود را برای ایجاد تغییر به کار گیرد و نتیجه کار را به عنوان یک واقعیت بپذیرد.» یکی از نگرانی‌های محمد زاهدی اصل بروز آسیب در اجتماع و آثار و تبعات آن است. «آسیب‌های متعددی را می‌توان در جامعه مشاهده کرد، مثلاً اکنون پدیده اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک آسیب جدی در کشور مطرح است. تکدی و فرار دختران از منزل هم نمونه‌های بارز دیگری از آسیب‌های اجتماعی هستند. البته موضوع فرار دختران از منزل، خود ممکن است پیامدهای دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. بی‌شک آسیب به هر اندازه و در هر سطحی نگران‌کننده است. وقتی ما صحبت از جامعه اسلامی می‌کنیم انتظار نداریم که برخی آسیب‌ها بیش از حد معمول در جامعه مشاهده شوند.» از دیگر دغدغه‌های محمد زاهدی اصل موضوع رفاه اجتماعی است. «در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید در خصوص رفاه اجتماعی مؤثر بوده است، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود، به طوری که در عصر حاضر پدیده «امنیت» به عنوان یکی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می‌دهد.» جوایز و نشانها: پژوهشگر برتر دانشگاه علامه سال ۱۳۷۹، دو نوبت پژوهشگر نمونه دانشکده علوم اجتماعی، استاد نمونه دانشگاه علامه در سال ۱۳۷۶. آثار: مبانی رفاه اجتماعی و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱۲ مبانی مددکاری اجتماعی و ویژگی اثر: چاپ ۱۳۷۷ و چاپ دوم ۱۳۸۲ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ۳ مجموعه مقالات جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات نقش مددکاری اجتماعی در کنترل آسیب‌های اجتماعی و ... مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام و ویژگی اثر: بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شد و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است.

«مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» عنوان کتابی است که تألیف کرد. در این کتاب به بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شده و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. محمد زاهدی اصل معتقد است خدمات اجتماعی موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی شده، تزکیه نفس و آمرزش معصیت را در پی دارد. قوت قلب و اطمینان از آینده را باعث می شود، به افزایش روزی کمک می کند، روح اخوت و تفاهم میان امت اسلامی را ترویج می نماید و به تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه منجر می شود.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی در سال ۱۳۲۲ در ساری بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی - توسعه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی والدین و انساب: پدر محمد جواد زاهدی مازندرانی، هاشم نام دارد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی محمد جواد زاهدی مازندرانی به قرار زیر است: کارشناسی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکتری تخصصی جامعه شناسی - توسعه از دانشگاه تهران ۱۳۷۷ همسر و فرزندان: محمد جواد زاهدی مازندرانی متاهل و دارای دو فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۹-۸۳ - مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۸۳ - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور - عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه شناسی ایران - عضو فعال شورای علمی مجله جامعه شناسی ایران - عضو هیئت تحریریه نشریه تخصصی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز فعالیتهای آموزشی: - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - تدریس در دانشگاههای الزهرا و علامه طباطبایی چگونگی عرضه آثار: - ۳۵ مقاله چاپ شده که حدود ۱۲ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی چاپ شده است. - تعداد ۶۰ طرح تحقیقاتی جامعه روستایی ایران آثار: توسعه و نابرابری و ویژگی اثر: تألیف: محمدجواد زاهدی مازندرانی ناشر: مازیار - ۰۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ فرهنگ علوم اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه و سرویاستار-دید آورنده: ویلیام کولب، جولوس گولد، باقر پرهام (مترجم)، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) ناشر: مازیار - ۰۳ اسفند، ۱۳۸۴ ۳ قرن بیست و یکم ویژگی اثر: عضو گروه مترجمین ۴ مجموعه مقالات فقر و آسیب پذیری روستایی ویژگی اثر: تألیف ۵ مدخل های دایره المهارف و اندیشه های نو ویژگی اثر: مشارکت در ترجمه

زمانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدرضا زمانی ده یعقوبی

محل تولد: قم

شهرت: زمانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی ۶۱ - ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معالم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هر سال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال ۱۳۷۰ که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی هایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال ۱۳۷۲ بطور خصوصی با چند نفر از طلاب خارج فقه آیت الله خاتم یزدی را نیز شرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد

لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی ۶۵ - ۶۶ در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمون دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شدم تا سال ۶۹ دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی پذیرفته و به تحصیل مشغول شدم که در سال ۷۷ با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهای دینی با تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.

از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال ۱۳۷۵ اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی ۷۵ - ۷۶ ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم ، با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشدن از امر آموزش از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران چند واحد درس گرفتم و در سالهای بعد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال ۱۳۸۰ به صورت پاره وقت در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به تدریس دروس : جامعه شناسی خانواده ، جامعه شناسی آموزش و پرورش ، جامعه شناسی سازمانها ، جامعه شناسی کار و مشاغل و جامعه شناسی صنعتی پرداختم که هر کدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام ، در سالهای ۷۹ - ۸۱ در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی ، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.

از سالهای ۸۲ به بعد در مرکز حقوقی و قضائی حوزه علمیه قم و از سال ۸۴ در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس درس مبانی

جامعه‌شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام. در ارتباط با راهنمایی، مشاوره و داوری پایان‌نامه از سال ۸۰ تا ۸۵ در دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۲ مورد استاد راهنما، ۷ مورد مشاوره و بیش از ۱۲ مورد داوری پایان‌نامه‌های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته‌ام، علاوه بر آن ۴ مورد مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده‌ام.

زنجانی زاده، هما

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

هما زنجانی زاده در سال ۱۳۲۱ در مشهد چشم به جهان گشود. تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه‌ی دکترای جامعه‌شناسی به پایان رسانید و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می‌باشد. دکتر زنجانی زاده در نشریات مختلفی به ارائه مقاله پرداخته است. وی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی شرکت نموده، و به ایراد سخنرانی پرداخته است. و همچنین دارای آثاری اعم از تالیف و ترجمه می‌باشد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی و موضوع اجتماعی و شرایط زندگی: تولد هما زنجانی زاده، معاصر بود با نخستین سال سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و سالهای پس از جنگ جهانی دوم در ایران که تا سالها نفوذ روسها در شمال و شمال شرقی ایران (خراسان) مشهور بود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: هما زنجانی زاده تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه‌ی دکترای به پایان رسانید. وقایع میانسالی: هما زنجانی زاده پس از فارغ‌التحصیلی بازگشت از فرانسه، بعنوان استاد جامعه‌شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: هما زنجانی زاده هم‌اکنون استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مشهد می‌باشد. فعالیتهای آموزشی: هما زنجانی زاده هم‌اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می‌باشد. سایر فعالیتهای و برنامه‌های روزمره: هما زنجانی زاده تاکنون گفتارهایی چند در نشریات مختلف اعم از تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده؛ وی همچنین مقالاتی را در زمینه جامعه‌شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی ارائه داده است، و به ایراد سخنرانی پرداخته است. چگونگی عرضه آثار: هما زنجانی زاده آثار را از طریق انتشاراتی از قبیل نیکا، سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانده است. آثار: جنبش اجتماعی زنان و ویژگی اثر: ترجمه - نیکا - ۱۳۷۲۲ درباره جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، سازمان اجتماعی، کنش اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه - دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۶۷۵ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سازمان اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - ۱۳۷۵

منابع زندگینامه: ورن فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، ج اول، ص ۹۸۴

زنجانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب‌الله زنجانی متولد ۱۳۱۸ خلخال است. وی دارای دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه پاریس و عضو عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ بوده است. وی از جمعیت‌شناسان شناخته شده و صاحب‌نظر کشور است، از معلمی و تحصیل در

رشته ادبیات به سمت و سوی جمعیت‌شناسی کشیده شد، در دهه ۱۳۶۰ بر ضرورت کنترل جمعیت کشور تأکید کرد و هم‌اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی می‌باشد. گروه علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: جمعیت‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر زنجانی از دوره تحصیل دبیرستان به مطالعه کتاب‌های تاریخی و خصوصاً تاریخ اجتماعی ایران گرایش داشته است و در بین داوطلبان استان‌های غربی کشور که مایل به تحصیل در دانشسرای مقدماتی بوده‌اند مقام نخست کسب می‌کند. و بعد از چند سال تدریس ب عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران، علاقه به ادامه تحصیل باعث می‌شود که در کنکور و آزمون ورودی دانشگاه تبریز شرکت کند. بنابراین در سال ۱۳۴۵ در رشته ادبیات دانشگاه مذکور پذیرفته و به مدت یک سال به تحصیل می‌پردازد. در سال ۱۳۴۶ بعد از دایر شدن رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز و کسب موفقیت در آزمون ورودی، تحصیل در این رشته را آغاز می‌کند. - اخذ مدرک لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۱. - اخذ مدرک دکترای جمعیت‌شناسی از دانشگاه پاریس، ۱۹۷۴. فعالیتهای ضمن تحصیل: زنجانی در دوران دبیرستان و دانشسرا به کار در زمینه تهیه روزنامه دیواری تمایل نشان می‌دهد و در دوره دانشسرا هم در تهیه مجله «معلم» نقش داشته است. از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۸ به عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران به تدریس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان روی می‌آورد و در مقاطعی هم مدیر یا معاون مدرسه بوده است. استادان و مربیان: از استادان شاخص او این افراد را به یاد می‌آورد، فرهنگ (استاد ریاضی)، عبدالعلی کارنگ (استاد ادبیات)، صباح (استاد علوم تربیتی و روانشناسی) و علی اکبر شعاری نژاد (علوم تربیتی و روانشناسی). از جمله استادانی که از آنها به نیکی یاد می‌کند دکتر فرید (استاد جغرافیای انسانی)، دکتر ترابی (استاد جامعه‌شناسی)، مرحوم شکوهی (استاد درس برنامه ریزی)، و رحیمی موقر (استاد جامعه‌شناس و مدیر گروه) هستند و در دوره فوق لیسانس هم استادانی برجسته از جمله دکتر غلامحسین صدیقی (مدیر گروه جامعه‌شناسی)، دکتر امانی (استاد جمعیت‌شناسی)، دکتر فیروز توفیق (استاد روشهای تحقیق و پیشنهادی جامعه‌شناسی)، دکتر نظامی (استاد جامعه‌شناسی معرفتی) و دکتر روح الامینی (استاد مردم‌شناسی) داشته است که هر یک در حوزه‌های علوم اجتماعی صاحب آوازه و اعتبار بوده و یا همچنان هستند. همسر و فرزندان: حبیب‌الله زنجانی متأهل و دارای دو فرزند. وقایع میانسالی: دکتر زنجانی در سال ۱۳۶۷ در جمعیت «کازرونی» وزیر مسکن وقت در جلسه هیأت دولت حضور پیدامی‌کند و توضیح می‌دهد اگر کنترل موالید در ایران به اجرا درنیاورد جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید و در آن حالت کیفیت و سطح زندگی افراد کاهش خواهد داشت و اگر کنترل موالیدی پویا صورت بگیرد جمعیت کشور در حد ۱۰۰ میلیون نفر یا کمتر خواهد شد. او با توجه به زاد و ولد ۱۶ میلیون نفر در سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه‌گیری رسیده بود و بعد از این توصیه‌ها برنامه کنترل جمعیت در کشور ما به اجرا درآمد. او معتقد است در حال حاضر در برخی از استان‌های کشور همچنان باید سیاست کنترل موالید با جدیت دنبال شود ولی در ۱۶ استان کشور با توجه به تعمیم سواد و ارتقای سطح سواد زنان و ارتقای آگاهی افراد و خصوصاً زنان دیگر نیازی به تداوم سختگیرانه آن سیاست‌ها نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: زنجانی بعد از بازگشت به کشور، مدتی مدیربخش مطالعات جمعیت و معاون و سپس سرپرست مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران می‌شود، مدتی هم به عنوان مدیر گروه آموزش جمعیت‌شناسی، معاون دانشکده و سرپرست دانشکده علوم اجتماعی تهران فعالیت‌های علمی و آکادمیک‌اش را تداوم می‌بخشد. در سال ۱۳۶۴ بازنشسته می‌شود و هم‌اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه‌های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می‌کنند. - عضو انجمن بین‌المللی مطالعات علمی جمعیت از ۱۹۷۶ تاکنون. - عضو انجمن بین‌المللی جمعیت‌شناسان فرانسوی زبان. - عضو انجمن جمعیت‌شناسی ایران. - سردبیر نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. - عضو هیأت تحریریه نشریه اقتصاد ایران. فعالیتهای آموزشی: دکتر حبیب‌الله زنجانی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴

نیز بوده است و به تدریس پرداخته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر زنجانی هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. از جمله طرح فرادست می باشد که جایگاه تهران به عنوان شهری جهانی را بررسی کرده و به بررسی مشکلات اساسی موجود در آن و از جمله اشتغال می پردازد که یافته های آن در تهیه طرح جامع مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در طرح مطالعاتی منطقه البرز جنوبی هم قصد دارد مطالعه جمعیت شناسی ۶ استان تهران، سمنان، قم، قزوین، زنجان و مرکزی را بررسی نماید و تحولات جمعیتی این مناطق را تا سال ۱۴۰۰ شمسی معین سازد. زنجانی در نظریه جدید تحلیل مهاجرت داخلی، به تحلیل جمعیت شناختی و مهاجرت پرداخته و تأکید بر تعلیق فرد به نسل، زمان وقوع واقعه یعنی مهاجرت، تغییر و تحول سنی و جنسی را به صورت مدل در آورده و ارائه کرده است. تخصص و مهارت او در حوزه های مسکن، مهاجرت و تحلیل جمعیت ایران است. آرا و گرایشهای خاص : از دید زنجانی، مهاجرت به خارج از کشور الزاماً پدیده ای مخرب و زیانبار نیست. چون این نوع مهاجرت می تواند سطح دانش و آگاهی ایرانیان را ارتقا دهد ولی باید سازوکاری فراهم آورد که امکان بازگشت مهاجران به داخل ایران را عملی سازد و آنها از نیروی خود در جهت بهروزی و توسعه کشور استفاده کنند. به اعتقاد زنجانی، جمعیت شناسی دانشی نو بر پایه اندیشه های کهن است و به مطالعه جمعیت انسانی می پردازد. این مطالعه در سرزمین اصلی تعداد جمعیت، ساخت و توزیع جمعیت و تغییر و تحول آن دنبال می شود و سرانجام در برنامه های اقتصادی و اجتماعی از این دانش کاربردی استفاده به عمل می آید. از دید او، شناخت جمعیت مهمترین ابزار برنامه ریزی است و بدون این ابزار برنامه های توسعه موفقیت لازم را نخواهند داشت. جمعیت شناسی دارای رویکردهای «محض»، «کاربردی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است که در همه این رویکردها از دیدگاه جمعیت شناسی به موضوعات اقتصادی، مهاجرت، تأهل و مسائلی از این قبیل می پردازند. جوایز و نشانها : دکتر زنجانی محقق نمونه وزارت مسکن در سال ۱۳۸۳ شناخته شد. چگونگی عرضه آثار : دکتر زنجانی قبل از عزیمت به پاریس در مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان پژوهشگر به کار می پردازد و در زمینه «مسکن»، «مهاجرت های داخلی در ایران»، «سالخوردگی جمعیت» و «جمعیت شناسی تطبیقی در ایران و جهان» تحقیقاتی به انجام می رساند. یکی از فعالیت هایی که در این زمینه پیگیری می کند مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت است. «مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت از روزی آغاز می شود که موالید را کنترل کنیم. با چنین کنترلی، سالخوردگی شروع می شود و نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت افزایش پیدامی کند.» تز دکترایش را نیز در مورد سالخوردگی جمعیت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در ایران می نویسد. و از آثار وی میتوان به تالیف ۷ جلد کتاب اشاره داشت و نیز عضو هیأت مدیره و مشارکت در تهیه کتاب «گیلان» و مشارکت در تدوین «لغت نامه جمعیت شناسی» از فعالیت های وی است. آثار : تجلیل جمعیت شناختی، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران، جمعیت و توسعه، جمعیت و شهرنشینی در ایران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، گزیده مطالعات جمعیت مجموعه شهری تهران، لغت نامه جمعیت شناسی ویژگی اثر : مشارکت در تدوین ۸ مهاجرت

ساروخانی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال ۱۳۴۵، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۸ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سام آرام، عزت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزت الله سام آرام در فروردین ماه ۱۳۲۳ در شهرستان آجاری از توابع بهبهان بدنیا آمد ایشانشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد پایه ۲۷ رشته جامعه‌شناسی (گروه تعاون و رفاه اجتماعی) می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی گرایش: رفاه اجتماعی والدین و انساب: پدر عزت الله سام آرام مرحوم حاج مظاهر سام آرام از اهالی سمیرم بود که در سال ۱۳۰۰ به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. مادرش خانم آغا احمدیان از اهالی باغبادران هستند که در سال ۱۳۰۵ همراه خانواده‌اش به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. ازدواج پدر و مادر دکتر سام آرام در سال ۱۳۰۷ شمسی در اهواز به وقوع پیوست که حاصل آن هشت فرزند است. پنج پسر و سه دختر که هفت نفر آنها در قید حیات هستند و عمدتاً در تهران ساکن شده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات

ابتدایی و متوسطه عزت الله سام آرام در آغاگری و اهواز گذشت و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در تهران. ترتیب مدارک تحصیلی دکتر سام آرام به قرار زیر است: کارشناسی خدمات اجتماعی (مددکاری اجتماعی)، سال دریافت ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، سال دریافت ۱۳۵۶ دکترای تخصصی رشته جامعه‌شناسی، سال دریافت: ۱۳۷۱. دوره تخصصی مددکاری جامعه‌ای (Community Action) در امریکا، ۱۹۷۳-۱۹۷۲ به مدت ۱۲ ماه کار جامعه‌ای در بین اقلیت‌های امریکا در اداره فرصت‌های اقتصاد O.E.O. دوره تخصصی روابط کار و مسائل کارگران، دانشگاه میسوری، کانزاس سیتی امریکا، ۱۹۷۳. دوره تخصصی مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس "بوس یونسکو"، ۱۹۷۷. دوره تخصصی روش‌شناسی تحقیق (یونسکو) در سال ۱۳۷۳ در تهران. دوره تخصصی "روش‌شناسی کار شایسته" در ژنو در سال ۲۰۰۵ همسر و فرزندان: عزت الله سام آرام در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرده‌است که حاصل آن سه فرزند می‌باشد. دو دختر و یک پسر و کماکان ساکن تهران است. وقایع میانسالی: عزت الله سام آرام از اول تیرماه ۱۳۵۰ به عنوان مربی آموزشیار در دانشکده خدمات اجتماعی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۶ مربی، در سال ۱۳۷۱ استادیار، در سال ۱۳۷۸ دانشیار و سال ۱۳۸۶ به درجه استادی رسیدند. از سال ۱۳۵۱ تاکنون چند دوره تخصصی در رابطه با تحصیلاتش را گذرانده‌است. از جمله مددکاری جامعه‌ای در آمریکا، مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس و روش‌شناسی تحقیق اجتماعی در یونسکو و در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی شرکت داشته‌است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عزت الله سام آرام عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است. فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس عزت الله سام آرام: از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۴. ۱. مددکاری اجتماعی - (عمومی، روش فردی، روش گروهی، روش جامعه‌ای) - ۳ سال، ۶ ترم تحصیلی ۲. روش‌شناسی تحقیق در علوم اجتماعی (کارشناسی ارشد) - ۴ سال، ۴ ترم تحصیلی ۳. جامعه‌شناسی روستایی - ۱۴ سال، ۲۸ ترم تحصیلی ۴. اصول آموزشی و ترویج تعاونی - ۱۴ سال، ۲۸ ترم تحصیلی ۵. سمینار مسائل تعاونی - ۱۲ سال، ۲۴ ترم تحصیلی ۶. مسائل اجتماعی ایران (اعتیاد، طلاق، مهاجرت) - ۶ سال، ۱۲ ترم تحصیلی ۷. جامعه‌شناسی ایران (جمعیت، آسیب‌های اجتماعی) - ۱۰ سال، ۲۰ ترم تحصیلی جمعیت و رفاه اجتماعی (کارشناسی ارشد) - ۳ سال، ۳ ترم تحصیلی ۸. سرپرستی کارورزی دانشجویان - (در فیلدهای مختلف روستایی و مراکز بازپروری اعتیاد) - ۳۰ سال، ۶۰ ترم تحصیلی چگونگی عرضه آثار: - چاپ بیش از پنجاه مقاله در نشریات علمی - شرکت در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی - هفت کتاب تالیفی - مقالات پژوهش (۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴)، ۲۱ مورد - مقالات علمی منتشر شده در مجلات و همایش‌های علمی از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ (۳۷ مورد) - کارشناسی ارشد، راهنمای پایان‌نامه: ۲۱ مورد - دکتری، راهنمایی پایان‌نامه: ۳ مورد - دکتری، مشاوره پایان‌نامه: ۷ مورد آثار: ۱. راهنمای مددکاران اجتماعی و ویژگی اثر:، ترجمه مشترک، انتشارات رشد، ۱۳۷۱۲ روش‌شناسی تحقیق کیفی در مساله اعتیاد و ویژگی اثر:، تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۴ ۳ روش‌های تسهیل کار گروهی (برای مدیریت NGO ها) و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات موسسه توان‌بخشی و بهبود زندگی زنان، ۱۳۸۲۴ فقر عاطفی در خانواده و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵۵ مددکاری اجتماعی و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۶ مددکاری اجتماعی با تاکید بر محیط‌های کارگری و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۷ مددکاری اجتماعی در کارگاه و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۸۰ ۸ مددکاری اجتماعی (کار با جامعه) و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۴۹ مددکاری اجتماعی (کار با فرد) و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات رشد، چاپ اول ۱۳۶۸، دوم ۱۳۶۹، سوم ۱۳۷۱۰ مددکاری اجتماعی (کار با گروه) و ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۳

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر عزت الله سام آرام بنا به درخواست بنیاد ایران‌شناسی - بهار ۱۳۸۶

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن سرایی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (۱۹۷۵) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد. کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسن سرایی دوره تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دوره لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامه تحصیلات عالی دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (۱۹۷۵) نایل آمد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسن سرایی همزمان با تحصیل در دانشگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حسن سرایی پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی در آن دانشگاه است. جوایز و نشانها: کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری و ویژگی اثر: ترجمه- این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید میرزایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمد سید میرزایی، پس از اخذ دیپلم ادبی، از تهران، در رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۵۰ به پایان رسانید. وی تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ آغاز کرد و تا دوره دکترا در همان رشته در دانشگاه مذکور پیشرفت و در سال ۱۳۵۶ دکترای خود را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی: جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی سید محمد سید میرزایی به ترتیب زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۲۶ / تهران کارشناسی: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۰ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۲ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ دکترا: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۶ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریتی سید محمد سید میرزایی به قرار زیر است: - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی سال ۵۸ - معاون آموزشی دانشگاه الزهرا سال ۶۳ - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۲ تا ۶۶ - معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۸ تا ۶۹ - معاون آموزشی دانشگاه یزد از سال ۷۰ تا ۷۹ - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۴ - رییس دانشکده ادبیات و

علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۹ تا ۸۳- رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۸۵ تاکنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی - مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی - پژوهشی) از سال ۷۹ تا ۸۳- مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی - پژوهشی) از سال ۸۵ تاکنون - نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران سال ۸۰ تاکنون - مجله علوم انسانی دانشگاه مشهد از سال ۷۹ تا ۸۰ فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس: از سال ۵۶ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی آرا و گرایش‌های خاص: علائق پژوهشی سید محمد سید میرزایی: حوزه‌های مورد علاقه تحقیق: جمعیت‌شناسی / جامعه‌شناسی شهری زمینه تخصصی: جمعیت‌شناسی چگونگی عرضه آثار: فعالیت‌های پژوهشی سید محمد سید میرزایی: تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی: ۱۳ مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و زمان اجرایی آن - تحولات جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن طی ۳۰ سال گذشته تعداد راهنمایی رساله‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری: ۷ مورد آثار: جمعیت جهان (۲ جلد) ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۱۲ جمعیت جهان در سال ۲۰۰۲ ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۴۳ جمعیت‌شناسی آماری ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۷۰۴ جمعیت‌شناسی عمومی ویژگی اثر: تالیف، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲۵ شهر امروز (حوزه جامعه‌شناسی شهری) ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲

سیدعلوی، میر ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شده ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش‌های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدوداً در سال‌های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ ش وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمناً دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می‌خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتاح

و غیرهم. و تقریباً پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتاح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفتم. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتاح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتاب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اکبر سیدی نیا

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال ۱۳۷۰ به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال ۱۳۷۴ با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال ۱۳۷۷ در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال ۱۳۷۸ در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال ۱۳۸۳ نیز عهده دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش ها در زمینه جامعه شناسی، انسان شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۷۷ در درس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندارنی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده ام. در کنار درس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

شادی طلب، زاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر ژاله شادی طلب دانشیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای دکتری رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در آمریکا می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ژاله شادی طلب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۴۷)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی بال ایندیانا در آمریکا و (۱۹۴۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در آمریکا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص سابقه خدمات علمی اجرایی خانم دکتر شادی طلب می‌توان مواردی همچون «معاون برنامه ریزی بخش کشاورزی و عمران روستائی» و «ریاست مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشکده علوم اجتماعی» را نام برد. ایشان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس ژاله شادی طلب به قرار زیر است: «اصول آموزش و ترویج تعاونی»، «اقتصاد ایران» و «سازماندهی و مدیریت در تعاونی» (در مقطع کارشناسی) و «اصول و سیاستهای توسعه صنعتی روس»، «برنامه ریزی روستائی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «جنسیت و توسعه» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار: ژاله شادی طلب مولف کتاب «جامعه‌شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) و مقالات «تجربه‌ای نو در برنامه ریزی توسعه روستائی برنامه ریزی چند سطحی»، «زن در توسعه»، «عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه»، «آسیب پذیری شهر تهران»، «ابعاد اجتماعی-اقتصادی تجربه سیل گنبد و گرگان»، «بررسی زمینه‌های اجتماعی تجربه زلزله منجیل»، «تعدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی»، «جامعه‌شناسی کاربردی و نقش جامعه‌شناس»، «زنان روستائی گروه‌های حاشیه‌ای در توسعه»، «مدیریت بحران برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله»، «مدیریت فاجعه: عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «مدیریت فاجعه-درس‌هایی از هشدارهای زلزله»، «مدیریت فاجعه: سازمان هماهنگی ملی»، «مسائل سیستم اعتبار کشاورزی در ایران (عدم باز پرداخت)»، «بازسازی و توسعه اولین قدم از یک تجربه»، «جامعه‌شناسی فاجعه: تجربه زلزله رودبار-منجیل»، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، «الگوی پس‌انداز در جامعه روستایی ایران»، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، «ضرورت تحقیقات بین‌بخشی و مشکلات جامعه‌شناسی»، «فرآیند توسعه و عقب‌ماندگی زنان ایران»، «مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت»، «حرفهای دامداران را هم بشنویم»، «سازمانهای غیر دولتی زنان راهی برای مشارکت در جامعه مدنی»، «مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع»، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه توسعه»، «برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیتها»، «زنان ایرانی انتظارات ارتقاء یافته»، «زنان: بسته‌ترین حلقه زنجیر فقر»، «سیاستهای اجتماعی در مدیریت جنگل»، «مشارکت اجتماعی زنان»، «فقر زنان سرپرست خانوار»، «The Iranian Women: Rising Expectations»، «Rural women's Bank of Middle Eastern Women Phenomenology of an Experience...» و «on the Move» است. ایشان مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، «رایزنی و ترویج»، «بررسی ابعاد اقتصادی-اجتماعی مهاجرت روستایی در شهرستان گچساران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵» (مطالعه موردی: دهستان بابویی) (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر پذیرش آبگرمکن خورشیدی خانگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرستان بردسکن» (۱۳۸۶)، «پیامدهای توسعه مشارکت زنان»، «زنان و توسعه: چالشها و چشم‌اندازهای توسعه ایران»، «ابعاد جنسیتی الگوها و ویژگیهای فقر در ایران»، «ابعاد جنسیتی بازار کار و ویژگیهای اشتغال در ایران» و «سیاست‌ها و برنامه‌های دولت برای ایجاد اشتغال» را نیز برعهده داشتند. گزارشهای علمی با عناوین زیر از دیگر فعالیتهای علمی ایشان است: «پس‌انداز زنان روستائی»، «بازتاب تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی در جامعه زنان روستائی»، «بررسی آسیب‌پذیری شهر تهران

در برابر زلزله: ابعاد اجتماعی - اقتصادی»، «جامعه‌شناسی یک رفتار اقتصادی»، «جنگلداری و اجتماع»، «زنان روستائی ایران»، «مروری بر مهاجرت از روستا به شهر» و «مسائل سیستم اعتباری کشاورزی در ایران: عدم بازپرداخت». آثار: «جامعه‌شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) و اثر: «ویژگی اثر: تالیف»

شارع پور، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود شارع پور متولد سال ۱۳۴۵ است. وی تحصیلات دانشگاه خود را دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری در دانشگاه تهران آغاز و در سال ۱۳۶۶ به پایان رسانید. ایشان مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ و دکترا جامعه‌شناسی را از دانشگاه ملی استرالیا در سال ۱۳۷۶ دریافت کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه مازندران می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و دانشگاهی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: لیسانس علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۶ فوق لیسانس جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ دکترا جامعه‌شناسی دانشگاه ملی استرالیا در سال ۱۳۷۶ دوره فرصت مطالعاتی (روشهای سنجش سرمایه اجتماعی) تحقیقات اجتماعی دانشگاه تورنتو کانادا ۱۳۸۵-۱۳۸۴ همسر و فرزندان: محمود شارع پور متأهل و دارای یک فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی محمود شارع پور به قرار زیر است: عضویت در انجمن جامعه‌شناسی استرالیا از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷. عضویت در انجمن روانشناسی اجتماعی استرالیا از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷. عضویت در انجمن جهانی جامعه‌شناسی ورزش از سال ۲۰۰۳ تاکنون. عضویت در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا و همچنین عضویت در بخشهای روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در آن انجمن از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸. عضویت در انجمن جامعه‌شناسی ایران از سال ۱۳۷۶ تاکنون. عضویت در انجمن آموزش عالی ایران از سال ۱۳۸۲ تاکنون. عضویت در گروه پژوهشی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش - پژوهشکده تعلیم و تربیت - وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه مازندران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ و از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹. عضویت در کمیته تحقیقات اداره کل تعاون استان مازندران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. عضویت در کمیته کتاب و انتشارات دانشگاه مازندران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷. عضویت در انجمن بین المللی جامعه‌شناسی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲. عضویت در انجمن بین المللی جامعه‌شناسی ورزش از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مازندران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴. عضو کمیته علمی همایش جوان و جامعه - دانشگاه آزاد اسلامی قائم شهر - اسفند ۱۳۷۷. مروج پژوهشی در سطح کشوری - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دی ۱۳۸۰. مدیر اجرایی دوره مددکاری اجتماعی برای نیروهای انتظامی سراسر کشور - تیر ۱۳۷۹. عضو کمیته علمی همایش توسعه فرهنگی - دانشگاه شمال، اردیبهشت ۱۳۸۳. مدیر گروه علوم اجتماعی در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران - از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰. برگزاری برنامه نودوستانه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان - دانشگاه مازندران، مهر ۱۳۷۷. دبیر اجرایی هفتمین همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران - آذر ۱۳۷۷. عضویت در هیأت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰. رئیس مرکز کامپیوتر دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، دی ۷۸. خزانه دار انجمن جامعه‌شناسی ایران، از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. بازرس انجمن جامعه‌شناسی ایران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. برگزاری جشنواره غذاهای محلی - دانشگاه مازندران،

آبان ۱۳۸۰. برگزاری جشن اهدای کتاب - دانشگاه مازندران، آذر ۱۳۸۰. مدیر پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. دبیر علمی همایش: جایگاه گفت و گوی فرهنگها در بین قشرهای مختلف جامعه - دانشگاه مازندران و مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنها - هفتم اسفند ۱۳۸۰. دبیر علمی همایش: دانشگاه و گفت و گوی تمدنها - دانشگاه مازندران و معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم - خرداد ۱۳۸۱. عضو هیات مدیره انجمن آموزش عالی ایران - از خرداد ۱۳۸۴. عضو هیات تحریریه مجله علمی-پژوهشی انجمن جامعه شناسی ایران عضو هیات تحریریه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران مدیر دفتر انجمن جامعه شناسی ایران در استان مازندران از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عضو کمیسیون عمرانی شورای شهر بابلسر از مرداد ۱۳۸۶ عضو کمیته ارتقای دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از مهر ۱۳۸۵ تا مهر ۱۳۸۷. عضو کمیته علمی همایش آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت - مهر ۱۳۸۶. فعالیتهای آموزشی: سوابق آموزشی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: تدریس دروس زیر در دانشگاه مازندران در سالهای مختلف در مقطع کارشناسی: مبانی جامعه شناسی - روان شناسی اجتماعی - جامعه شناسی آموزش و پرورش - کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی زبان تخصصی علوم اجتماعی. تدریس درس روش تحقیق در دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی راهنمایی و مشاوره چند رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه مازندران و مرکز آموزش مدیریت دولتی. همکاری با دانشگاه پیام نور در ارائه دروس: زبان تخصصی و جامعه شناسی آموزش و پرورش جوائز و نشانها: پژوهشگر نمونه استان مازندران در هفته پژوهش - آذر ۱۳۸۰. چگونگی عرضه آثار: تعداد شرکت و ارائه مقاله در سمینارها، کنفرانسها و همایش ها: ۳۶ مورد تعداد مقالات منتشر شده: ۲۵ مورد تعداد طرحهای پژوهشی: ۲۲ مورد آثار: ارتباط بین فرهنگها (ترجمه) و ویژگی اثر: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها در دست اقدام ۲ بررسی مسائل اجتماعی ایران (مشارکت در تالیف) و ویژگی اثر: دانشگاه پیام نور ۱۳۸۳ ۳ توسعه فرهنگی و محیط زیست (ترجمه) و ویژگی اثر: مرکز بازشناسی اسلام و ایران ۱۳۸۰ ۴ جامعه شناسی آموزش و پرورش (تألیف) - چاپ سوم و ویژگی اثر: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) ۱۳۸۳ ۵ جامعه شناسی شهری و ویژگی اثر: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) در دست اقدام ۶ سرمایه اجتماعی و ویژگی اثر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۵

شجیعی، زهرا

قرن: ۱۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا شجیعی در مشهد ولادت یافت. وی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود. کتاب نخبگان سیاسی ایران محصول تلاش ۲۰ ساله ایشان در این مؤسسه تحقیقی است. کتاب مذکور تالیف شجیعی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: زهرا شجیعی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر، به تهران آمد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجه کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی همان دانشگاه در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: زهرا شجیعی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود. جوائز و نشانها:

کتاب "نخبگان سیاسی ایران" تألیف زهرا شجیعی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: ترکیب گروهها و منشا اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی از بدو مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ترکیب گروهها و منشا اجتماعی وزیران و نخست وزیران عصر مشروطیت، نخبگان سیاسی ایران ویژگی اثر: تألیف، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «نخبگان سیاسی ایران»: نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ زهرا شجیعی؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۲. ۴ ج. در بررسی برگزیدگان سیاسی، هدف اصلی و اساسی، شناخت جامع سیاسی ایران از طریق روشن کردن احوال و مشخصات و منشأ اجتماعی گروه واجد قدرت سیاسی در ایران از سوئی و تأثیر ویژگیهای جامعه و تحول آن در ترکیب گروه برگزیده سیاسی و متقابلاً اثر آنان در تحولات جامع عصر خود از سوی دیگر است. مطالعه در گروه نخبه، وسیله ای برای تعمق در قشربندی و نظام طبقاتی یک جامعه و مبین این است که تا چه حد تحرک ارتقائی یا نزولی در جامعه وجود دارد و یا جامعه دارای نظامی متحجر است و قطب بندی جامعه به صورت دو طبقه، یکی صدرگزين و دیگری ذیل نشین، تثبیت شده است. مؤلف در این تحقیق به بیان کلی تطور سازمانهای دولتی اکتفا ننموده بلکه بحثی مفصل را به تشریح دگرگونی تشکیلات و وظایف هر وزارتخانه خاصی از آغاز مشروطیت تا کنون اختصاص داده است. کتاب از حیث روش تحقیق و ارائی اطلاعات در زمین تاریخ تحولات سیاسی ایران کم نظیر است و بویژه عرضه مطالب در قالب جداول مفصل از امتیازات آن به شمار می رود. ۴ هیأت وزیران و نقش آنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران وزارت و تطور آن در ایران

شرف الدین، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شرف الدین

محل تولد: ایذه خوزستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

۱۳۴۰ تولد، ۱۳۵۹ پایان دوره متوسطه، ۱۳۶۱ پایان دوره نظام وظیفه، ۱۳۶۲ ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، ۱۳۶۵ ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، ۱۳۶۹ اتمام دوره سطح (پایه دوم) ۱۳۶۹ شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۶ شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. ۱۳۷۶ اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره. ۱۳۷۷ پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (۶ سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت ۴ سال و حدود ۱۴۰ واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.

شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی. تدریس: از سال ۱۳۶۷-۱۳۷۲ در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از ۱۳۷۲-۱۳۷۹ در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از ۱۳۷۲ تا کنون تدریس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشر بندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال ۱۳۸۳ تا کنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

صادق نیا، مهرباب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهرباب صادق نیا

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک سپری کرد. در سال ۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح در سال ۶۹ وارد درس خارج شد. از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی (ره)، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی (ره) بهره برده است. علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال ۷۲ در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود. در سال ۷۶ و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد (مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است. تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال ۷۹ با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال ۸۱ با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد. در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سر گذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای از مراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیت های نامبرده در شمار است.

صدر نبوی، رامپور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رامپور صدر نبوی در سال ۱۳۱۶ در شهر کاشمر دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ می باشد. وی پس از بازگشت به ایران در دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار گردید و پس از طی مراتب و مدارج علمی از استادیاری به دانشیاری و استادی و در سال ۱۳۸۵ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: اقتصاد والدین و انساب: پدر رامپور صدر نبوی حاج سید مهدی فخر العلماء است که به سبب ملاحظاتی نام خود را به توصیه و ابلاغ مرحوم احمد قوام السلطنه به صدر العلماء تغییر دادند. ایشان بشغل کشاورزی و تجارت اشتغال داشتند که بعثت گرایش شدید فلسفی و عرفانی تاجر خوبی نشدند. ایشان از اولاد سید امیر استحق هستند که شجره آنها به سادات قائن جمله احمدی ها، مصطفوی ها، مجتهدی ها، مرحوم دکتر مجتهد زاده (استاد معارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سی و ششم تا امام زین العابدین (ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشهد با گرایشهای مشروطه خواهی بوده اند. مادر دکتر صدری نبوی به همراه برادران و پسر عموهایش به شهرت باقرف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعالیت اقتصادی و سیاسی مشغول بوده ند. پدر بزرگ دکتر صدر نبوی، حاج رستم باقرف به سبب وقایع ۱۹۱۷ روسیه به ایران پناهنده شد و با تابعیت ایران در مشهد زندگی کرد. خاطرات کودکی: رامپور صدر نبوی از خاطرت دوران کودکی خود چنین می گوید: "مادر بزرگ پدرم نا بینا شده بود و ما در سایه وجود ایشان در یک خانواده شش نفره زندگی می کردیم. پدرم و مادرم احترام ایشان را به نهایت داشتند. روزی قرار بود برادرم رضا که هم اکنون استاد روان پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد- دست مادر بزرگم را گرفته و ایشان را به خانه عمو جانم که دیوار به دیوار منزل ما بود ببرد. منزل عمو جان و پدرم بزرگم بودو درخت فراوان داشت. برادرم که بچه بازیگوش و سر به هوایی بودایشان را در میان درختان رها کرده و خود بدنبال بچه گنجشکی که از آشیانه زود پریده بودرفته بود. پدرم در همین احوال سر رسیده و مادر بزرگم را سرگشته در میان درختان دیده بود. یادم هست دست مادر بزرگم در دست پدرم بود در حالیکه از شدن غضب و عصبانیت فریاد میزد " این رضای پدر سوخته کجاست " وقتی برادرم را پیدا کردند او را به فلک کشده و تنبیه مفصلی شد از آنجایی که برادرم فریاد مکشید مادر بزرگم با داد و فریاد و گریه متوقف شدن تنبیه را از پدرم خواست با این کار مادر بزرگم یک سکوت عمیقی بر محیط خانواده حاکم شد". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر و مادر رامپور صدر نبوی هر دو دارای گرایش های سنتی، اخلاقی و مذهبی نسبتا محکمی داشتند. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و گاه و بیگاه به تجارت نیز می پرداخت. ولی بعثت عقاید و باورهای مذهبی و مطالعات فلسفی توفیق چندانی در این حرفه بدست نیاورد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: رامپور صدر نبوی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در کاشمر گذرانید. او برای ادامه تحصیل در سیک دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراند و دیپلم را در دبیرستان بامداد تهران اخذ کرد. ایشان پس از اخذ دیپلم به المان رفت و در رشته اقتصاد و جامعه شناسی به تحصیل پرداخت و پس از ده سال و اندی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشتند. خاطرات و وقایع تحصیل: یکی از خاطرات مهم دوران تحصیل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود که در گنگره جامعه شناسان که در شهر هادلبرگ بین پوپرو هربرت مارکوزه درباره دیاللیک اتفاق افتاد. فعالیتهای ضمن تحصیل: رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت. استادان و مربیان:

پرفسور رولف واگن فور، پروفیسور هانس هالر، پروفیسور هانس هالر، پروفیسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر جواد شیخ الاسلامی، هلموت کل، دکتر علی شریعتی، دکتر حاتری، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر سیروس سهامی، دکتر برادران رفیعی، دکتر منوچهر بیات مختاری، دکتر منوچهر آشیانی غیره از همدوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند. همسر و فرزندان: رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی)، فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی) می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند. وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات می باشد. فعالیتهای آموزشی: رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاههای ایران و آلمان را دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: رامپور صدر نبوی از پایه گذاران رشته جامعه شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی: ۳۰ مقاله - تعداد پایان نامه کارشناسی راهنمایی شده: ۱۱۱ رساله - تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده: ۳۱ رساله آثار: انسان شناسی فلسفی و ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۵۰۲ بزرگان جامعه شناسی و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۴۳ تاریخ جامعه شناسی و ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۵۲۴ جامعه شناسی حق طبیعی و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۴۵ جامعه شناسی کار و مشاغل و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۷۱۶ جامعه و تمدن و ویژگی اثر: ترجمه و نگارش - ۱۳۵۱۷ فرد و جامعه و ویژگی اثر: ترجمه و تالیف - ۱۳۷۰۸ کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان، گفتارهایی در علوم اجتماعی و ویژگی اثر: کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه شناسی کار، شغل و جامعه شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر نظریات نام آوران این رشته در نظریه های جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه های جامعه شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات ۵۹ به چاپ رسیده است - ۱۳۸۵

صدیق سروستانی، رحمت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رحمت اله صدیق سروستانی استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی - گرایش جامعه شناسی روستایی - در دانشگاه شیراز گذرانده اند. در سال ۱۹۷۹ م در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴ م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: جامعه شناسی شهری تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر رحمت اله صدیق سروستانی دوره

کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی - گرایش جامعه‌شناسی روستایی - در دانشگاه شیراز گذرانده‌اند. عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان «بررسی ارتباط بین قشر بندی اجتماعی و آرزوهای شغلی دانشجویان دانشگاه پهلوی» بوده است (سال ۱۳۵۴). در سال ۱۹۷۹ م. با دفاع از پایان‌نامه‌شان با عنوان «بررسی تأثیر همسایگی بر نگرش نسبت به ناآرامی‌های مدنی» در رشته جامعه‌شناسی - گرایش جامعه‌شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴ م. به اخذ درجه دکتری جامعه‌شناسی نائل شدند. عنوان پایان‌نامه دوره دکتری ایشان «بررسی نگرش دانشجویان آمریکایی نسبت به مسلمین بوده است.» وقایع میان‌سال: دکتر صدیق سروستانی از سال ۱۳۶۳ تاکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند و از سال ۱۳۸۳ به درجه استادی رسیده‌اند مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: رحمت‌اله صدیق سروستانی در حوزه خدمات علمی و اجرایی نیز دارای مسئولیت‌های متعدد بوده‌اند از جمله: - عضو شورای ارزشیابی وزارت علوم (۱۳۶۶-۱۳۶۴ و ۱۳۷۴-۱۳۷۰) - عضو کمیسیون ارزشیابی وزارت علوم (۱۳۶۴ تاکنون) - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵-۱۳۶۴) - عضو شورای عالی پژوهش کمیته ملی المپیک (۱۳۷۲ تاکنون) - عضو گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱-۱۳۶۶) - عضو دایره المعارف بزرگ فارسی (۱۳۷۵-۱۳۷۲) - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۷۷-۱۳۷۵) - سرپرست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۷۷-۱۳۷۵ و ۱۳۶۵-۱۳۶۴) - عضو کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳ تاکنون) - رئیس کمیته داوری معاونت فرهنگی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. عضویت‌ها: - انجمن جامعه‌شناسی ایران (ISA) - انجمن جامعه‌شناسی آمریکا (ASA) - انجمن جمعیت‌شناسی ایران - انجمن ایرانی تعلیم و تربیت آرا و گرایش‌های خاص: زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه رحمت‌اله صدیق سروستانی: جامعه‌شناسی، بررسی مسائل اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی صنعتی، قشر بندی و نابرابری اجتماعی، جامعه‌شناسی صنعتی، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی. آثار: ۱. **The Status of Girls and Women in Kurdistan** ویژگی اثر: ترجمه، یونیسف ۱۳۷۲ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر: تالیف، آن ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ تاریخچه جامعه‌شناسی ویژگی اثر: تالیف، سمت ۱۳۸۷۳ آسیب‌شناسی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر: تالیف، آن ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ تاریخچه جامعه‌شناسی ویژگی اثر: تالیف، سمت ۱۳۷۳۵ راهنمای مدیریت ورزشی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۸۰۶ روش تحقیق در تربیت بدنی ویژگی اثر: ترجمه، سمت ۱۳۸۶۷ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه، دانشگاه تهران ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ فراتر از پیروزی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵۹ ما و دختران امروز (رویکردی جامعه‌شناختی ویژگی اثر: تالیف، آموزش و پرورش ۱۳۸۳۱۰ مبانی جامعه‌شناسی ویژگی اثر: تالیف، سمت ۱۳۷۳۱۱ مدیریت و رهبری در ورزش ویژگی اثر: تالیف، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶۱۲ نیازها، نظرها و آرمان‌های جوانان ویژگی اثر: تالیف، شهرداری تهران ۱۳۷۴۱۳ واژه‌نامه علوم ورزشی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۶

صفی نژاد، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد صفی نژاد در نهم شهریور ۱۳۰۸ شمسی در شهر ری متولد شد. او در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از

آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلاً^{۱۱} پایه گذاری کردند. استاد صفی نژاد در سال های اولیه دهه اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمد. گروه : علوم انسانی رسته : علوم اجتماعیهوالدین و انساب : نیاکان جواد صفی نژاد از لرهای بختیاری بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد صفی نژاد در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. از سال ۱۳۳۷ همکاری خود را با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت. قایع میانسالی : جواد صفی نژاد در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلاً^{۱۱} پایه گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن ها و سپس مناطق عشایرنشین شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد صفی نژاد در قلمرو کهگیلویه و به خصوص بویراحمد آغاز گردید که تا به امروز ادامه دارد. ایشان در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ/ آلمان در بخش ایران شناسی پرداخت و در دانشگاه مونیخ تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری آقای کامران هاشمی که مجموعه ای از ۶۰ سند تاریخی از کشاورزی سنتی ایران را شامل می شود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های حرفه ای جواد صفی نژاد به قرار زیر است: ۱۳۳۷: همکاری با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی ۱۳۴۵: همکاری در تاسیس و عضو کادر موسسه مطالعات و تحقیقات عشایری همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ در بخش ایران شناسی ۱۳۷۳-۴: همکاری با پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۳-۳: همکاری با سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری با گروه انسان شناسی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی چون مبانی جغرافیای انسانی ، جامعه شناسی ایلات و عشایر ، مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ، زمینه ها و شیوه های همیاری، مسائل کوچ نشینی ، انسان و محیط، منابع و ماخذ جغرافیا و نظام های آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس پرداخته است. از فعالیت های پژوهشی استاد صفی نژاد در طی این سال ها می توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن ها و شاهسون ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی کاری و سبزی کاران شهری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام منوگرافی متعدد، کار بر روی موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام های زراعی، نظام های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. ایشان در زمینه های فوق جز متخصصین منحصر به فرد به شمار می رود. آرا و گرایشهای خاص : جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می گوید: « همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰٪ از آثار متعلق به پژوهش های ملی است. اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده می روم آن را تهیه می کنم. این قدر علاقه مندم که کتابهای مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم»

چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی: ۳۸ مورد - تعداد طرح‌های تحقیقاتی: ۱۳ مورد - نگارش مقدمه: ۴ مورد - راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه دانشجویان: ۲۱ مورد آثار: پهنه جهان: [تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده‌ای ناشناخته] ویژگی اثر: تالیف قرن چهارم هجری، زیر نظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، مصور، جدول، نمونه این کتاب در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. ۲ آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان، آبیاری سنتی در کاشان، گل و گلاب در کاشان ویژگی اثر: به همراه حسین دستمالچی، مسعود مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، ۱۳۶۸، ۱۰۴ صفحه، تصویر، جدول، نمودار، نقشه، کتابنامه ۳ اسناد بنه‌ها ویژگی اثر: تهران، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، [۱۳۵۶]، جدول جلد اول این کتاب اسناد بنه‌های شهری (غار و فشاپویه) را مورد بررسی قرار می‌دهد. ۴ اطلس ایلات کهگیلویه برای سازمان عمران کهگیلویه ویژگی اثر: تهران: دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، شهریور ۱۳۴۷، هفت + ۲۲۳ ص. مجدول. نمودارها. نقشه‌ها. - (با نادر افشار نادری، عزیز رخس خورشید، حسن پارسا، هوشنگ کشاورز) ۵ بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویر احمد ویژگی اثر: (از مجموعه مونوگرافی‌های کهگیلویه)، گزارش شماره ۱۲، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، ۱۲۰ ص، شهریور ۱۳۴۷ ۶ بنه ویژگی اثر: [تهران]: دانشگاه تهران - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - بخش تحقیقات انسان‌شناسی، [۱۳۵۱]، ۱۵۵ ص، نقشه‌ها، مجدول، نمودار؛ ویرایش جدیدی از این کتاب در سال ۱۳۵۳ با نام «بنه: نظام‌های تولید زراعی جمعی، قبل و بعد از اصلاحات ارضی» در تهران توسط انتشارات توس در دوازده + ۲۷۲ + ۳ ص. و همراه با جدول، نمودار و نقشه به چاپ رسید. این کتاب بار دیگر در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات امیرکبیر در ۵۸۴ صفحه با عنوان «بنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران» به چاپ رسید. ۷ تحلیل و تفسیر طومار و آبیاری قرن هشتم شهر قزوین ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو: موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، نقشه، جدول ۸ تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران (متنی در شناخت روستاها و مزارع) ویژگی اثر: تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهش‌های مردم‌شناسی: آتیه، جلد. (بیست و پنج، ص) مصور، نقشه، جدول، نمودار. - جلد اول این کتاب شامل دو کتاب است: کتاب اول: ولایت تربیت حیدریه (ه.ق -) کتاب دوم: سرشماری ولایت طبس (ه.ق). ص. جلد دوم کتاب نیز دارای دو کتاب است: کتاب سوم: طومار دشمن زیاری. ص. کتاب چهارم: اسناد زراعی ورامین. ص تعاونی‌های عشایری سررود بویراحمد علیا ویژگی اثر: تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه تحقیقات عشایری، ۱۵۷ ص، اردیبهشت ۱۳۶۳ - (با شاهرخ ترغیبی و هیبت الله غفاری) ۱۰ جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه ویژگی اثر: (بخش بویراحمد علیا، سفلی و گرلیه) مشخصات کتابشناختی این اثر به دست نیامد) ۱۱ جهان‌نامه ویژگی اثر: - این کتاب بازنویسی کتاب جهان‌نامه اثر محمد بن نجیب بکران می‌باشد. کتاب حاضر در ماه تاریخ و جغرافیا، ش، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. ۱۲ خان‌نامه ویژگی اثر: تحقیق در عشایر کهگیلویه و بویراحمد (در دوره خان‌خانی)، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال اول، شماره ۲، ۱۳۵۵ ۱۳ سد زیرزمینی قنات و زوان - میمه اصفهان، به همراه بیژن دادرسی ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص، مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمودار، نمونه. این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید و در کتاب ماه هنر، شماره، خرداد و تیر، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. ۱۴ سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج فارس تا چین ویژگی اثر: تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۳۰ ص. مصور، نقشه ۱۵ سوق طیبی از مجموعه مونوگرافی‌های کهگیلویه ویژگی اثر: تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، ۱۳۴۷، ۵۶ ص - (با نادر افشار نادری، و هوشنگ کشاورز) ۱۶ شناسنامه جامعه عشایری ویژگی اثر: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جزوه درسی مربوط به درس مردم‌شناسی عشایر ایران، ۹۴ ص، ۱۳۶۱۱۷

عشایر مرکزی ایران ویژگی اثر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، بیست و سه + ۳۶ ص.، مصور، نقشه، جدول، عکس - این کتاب در فصلنامه مطالعات ملی: عشایر و هویت ایرانی، ۸ مورد بررسی قرار گرفته است ۱۸ غارت ویژگی اثر: درآمد مستمر خان در دوره خان خانی، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۵۵ ۱۹ کشاورزی سنتی ایران براساس اسناد جنوب تهران (دروان قاجاریه) ویژگی اثر: تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص. نقشه، جدول، نمودار - (با ابرهارد کروگر) ۲۰ کهن شهرها [تلخیص و بازنویسی کتاب مسالک الممالک اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری] ویژگی اثر: به کوشش جواد صفی نژاد؛ زیر نظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۱ کوششی در آموزش خط سیاق ویژگی اثر: تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بنیاد ایران‌شناسی، ص. ۲۲ گاو چاههای فارس با تکیه بر گاو چاههای جهرم ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، جدول، عکس (رنگی) ۲۳ لرهای ایران لر بزرگ، لر کوچک ویژگی اثر: تهران: آتیه، مصور، جدول، نمودار ۲۴ مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر: تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، بیست و یک ص. مصور، نقشه، جدول. (چاپ اول این کتاب سال‌ها قبل منتشر شده بود) ۲۵ مجموعه تفضیلی مآخذ عشایر ایران ویژگی اثر: تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ - (با شاهرخ ترغیبی و علی پاینده) ۲۶ مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ویژگی اثر: جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، جدول، نقشه، نمودار، ۲۴۲ ص، ۱۳۶۴ ۲۷ مقدمه‌ای بر دو روزنامه شرف و شرافت ویژگی اثر: نگارش جواد صفی نژاد؛ به خط غلامحسین امیرخانی، فرهنگسرا: (یساولی)، ۲۸ مونوگرافی ده طالب آباد ویژگی اثر: تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، یازده ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۹ نان سنگک: مطالعه‌ای مردم‌شناختی، مولف داود روغنی ویژگی اثر: به گردآوری جواد صفی نژاد، تهران: اختران، ۱۳۸۵، ۲۱۶ ص، مصور (رنگی)، نقشه این کتاب در مقاله‌ای با عنوان «سفر ساله کتاب نان سنگک: نگاهی به کتاب خاطرات شاطر داوود روغنی» نوشته غلامرضا معصومی منتشره در روزنامه جام جم، اردیبهشت، مورد بررسی قرار گرفت. ۳۰ نظام سنتی آبیاری در نائین ویژگی اثر: تهران، کمیته ملی آبیاری و زه‌کشی، ۵۹۴ ص، ۱۳۸۴ این کتاب در مصاحبه امیر هوشنگ انوری با نولف تحت عنوان «آبناامها راز قنات‌ها را فاش می‌کنند: گفتگو با دکتر جواد صفی نژاد درباره کتاب نظام‌های آبیاری در نائین،» منتشره در کتاب هفته، دوره جدید، شماره، مهر: مورد بررسی قرار گرفته است. ۳۱ نظام‌های آبیاری سنتی در ایران ویژگی اثر: تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۳۵۹ ص، ۱، ۲۸۲ ص. مصور، جدول، عکس، نمودار. این کتاب در سال ۱۳۶۸ با تغییراتی در دو جلد در مشهد توسط موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، به چاپ رسید. ۳۲ واحدهای اندازه‌گیری در روستاهای ایران ویژگی اثر: همراه با حسین ملک، تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۹، ۹۵ صفحه، جدول، نقشه ۳۳ واژه‌نامه قنات، همراه با عبدالوحد آغاسی ویژگی اثر: : شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد ص. مصور، جدول این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید. کتاب حاضر در کتاب ماه هنر، شماره خرداد و تیر مورد بررسی قرار گرفت. ۳۴ وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی ویژگی اثر: همراه با محمدحسن گنجی، محمدباقر وثوقی و با همکاری فاطمه فریدی مجید امیر هوشنگ انوری؛ مقدمه، تدوین و بازبینی نهایی حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

طالب، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مهدی طالب استاد و مدیر گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مهدی طالب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه - میرال تولوز فرانسه و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی مقایسه‌ای منابع معیشت در سه روستای ایرانی با خصوصیات طبیعی مختلف» و در دوره دکتری بوده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص سوابق خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر طالب می‌توان مواردی همچون «معاون آموزشی دانشکده»، «مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی»، «رئیس توسعه تحقیقات تعاونی» و «سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده» را نام برد. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس مهدی طالب «اصول اندیشه‌های تعاونی»، «تامین اجتماعی»، «تامین و رفاه اجتماعی» و «زمینه‌ها و شیوه‌های همکاری درجا» (در مقطع کارشناسی) و «رهبری و مدیریت»، «روش تحقیق در توسعه و رفاه اجتماعی»، «مدیریت روستائی»، «تحولات جامعه روستایی ایران»، «روش تحقیق در توسعه»، «سازمان‌های مشارکتی روستائی»، «سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت»، «طرح تحقیق»، «مدیریت روستائی» و «مطالعه تطبیقی تجارب توسعه در کشور» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار: مهدی طالب مولف کتب «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹)، «روش تحقیق در علوم اجتماعی» (۱۳۷۰)، «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۱)، «جامعه‌شناسی اعتبارات روستائی در ایران» (۱۳۷۳)، «اصول و اندیشه‌های تعاونی» (۱۳۷۶)، «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۶)، «کتاب تامین اجتماعی» (۱۳۷۸)، «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)» (۱۳۸۰) و «جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» (۱۳۸۴) و مقالات «مسائل و موانع جامعه‌شناختی توسعه روستایی در ایران»، «عوامل موثر در تقطیع اراضی زراعی»، «شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران»، «واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی»، «اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در علوم اجتماعی»، «عوامل اجتماعی مهاجرتهای روستایی»، «نقش واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی در توسعه کشاورزی»، «مسائل و مشکلات توسعه در ایران»، «طرحی برای مدیریت روستائی در ایران»، «فرهنگ شورائی و تاملاتی در مدیریت شهری»، «شوراهای اسلامی روستائی»، «فلسفه تعاونیهای مصرف»، «فلسفه قیمت‌گذاری در تعاونی مصرف»، «همیاری در ازدواج در ایران»، «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، «دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، «جایگاه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی» و «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین‌رشته‌ای در مطالعه جوامع روستایی با تاکید بر ایران» است. علاوه بر این، مقالاتی نیز با موضوعات «مقاله ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی»، «نقش تعاونی‌ها در صنعت روستا»، «عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت در ایران»، «شیوه‌های همیاری در جامعه روستائی ایران»، «علوم اجتماعی در کتب درسی»، «ترویج و واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی»، «جنبه‌های جامعه‌شناختی ترویج»، «لزوم تشکیل مشاع‌ها در کشور وزارت کشاورزی»، «نقش واحد‌های بهره‌برداری در توسعه کشاورزی»، «استراتژی توسعه در فقر زدائی»، «نقش تعاونی‌ها در توزیع در ایران»، «مسائل و مشکلات تحقیقاتی اجتماعی در ایران»، «نگاهی دیگر به مقوله مسکن در ایران»، «بحران در خانواده»، «بررسی جامعه‌شناختی موانع بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی»، «اولویت‌های پژوهش فرهنگی در جامعه مدنی»، «نقش اعتبارات خرد در تامین عدالت اجتماعی»، «چالش‌های اساسی بازتولید سرمایه اجتماعی»، «اسلام و تکنولوژی سیردگرگونی‌های اجتماعی و الزامات تکنولوژیک»، «اعتیاد و خانواده»، «Rural people participation in reconstruction of the quake struck region»، و ... را در سمینارها و همایش‌های مختلف ارائه نموده‌اند. مسئولیت طرح‌های تحقیقاتی مختلفی از جمله «نقش اعتماد اجتماعی در میزان کارآیی شوراهای اسلامی» (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل

موثر بر توسعه توریسم (مطالعه موردی: روستاهای بخش سامان از توابع شهرستان کرد)» (۱۳۸۵)، «بررسی مدل‌های توسعه در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای مجلس: مطالعه موردی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران» (۱۳۸۶)، «انجام مطالعات اقتصادی اجتماعی در زمینه شیلات کشور و تعاونیهای صیادی»، «سرپرست بخش آموزش کمیته فرعی مقابله با حوادث طبیعی (زلزله) و انجام پروژه های مطالعاتی»، «طرح بسیج توان فنی کشور برای مقابله با زلزله با مشارکت UNDP در ایران»، «مدیریت بخش تحقیقات اجتماعی و اقتصادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مدیریت پروژه مطالعاتی مدیریت روستایی در ایران»، «مسئول شورای پژوهشی وزارت مسکن و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه مسکن و شهرسازی»، «مسئول شورای بررسی اقتصادی و اجتماعی وزارت مسکن و شهرسازی به مدت ۴ سال و انجام مطالعات در زمینه مسکن و مسائل شهرسازی»، «مسئول شورای علمی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری و بررسی پروژه در دست اجرای مرکز مزبور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای مشهد»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای ایلام»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای سبزوار»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای نیشابور»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای قاین»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای اراک»، «تک نگاری میکائیل آباد خلخال»، «تک نگاری (مونوگرافی) ده نو اراک»، «تک نگاری (مونوگرافی) ابراهیم آباد نیشابور با همکاری پروفیسور موریو انو استاد ژاپنی»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای خلخال»، «بررسی تعاونیهای روستایی تهرانی»، «تک نگاری ساعتو ارومیه (رضائیه) با همکاری پروفیسور موریوانو»، «بررسی تعاونیهای تولید کنندگان مرکبات شمال»، «بررسی تعاونیهای ساوه»، «بررسی تعاونی تولید کنندگان پسته رفسنجان»، «بررسی تعاونی اعتبار کارگری اصفهان»، «بررسی ادغام خدمات روستایی در سه ده»، «بررسی تعاونیهای صنایع دستی اصفهان»، «بررسی تعاونیهای مسکن استان تهران»، «مشارکت در انجام طرح سطح بندی روستاهای کشور یکی از محققان»، «طرح جامع شیلات در ایران توسط موسسه مطالعاتی Cofrapeche»، «تراکم جمعیتی در شهرهای کشور» و «ساماندهی نظام آبیاری در ساوه و گرمسار» را نیز بر عهده داشته‌اند. آثار: ۱ «اصول و اندیشه های تعاونی» (۱۳۷۶) و ویژگی اثر: ۲ «جامعه شناسی اعتبارات روستایی در ایران» (۱۳۷۳) و ویژگی اثر: ۳ «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» (۱۳۸۴) و ویژگی اثر: ۴ «روش تحقیق در علوم اجتماعی» (۱۳۷۰) و ویژگی اثر: ۵ «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)» (۱۳۸۰) و ویژگی اثر: ۶ «کتاب تامین اجتماعی» (۱۳۷۸) و ویژگی اثر: ۷ «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۱) و ویژگی اثر: ۸ «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۶) و ویژگی اثر: ۹ «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹) و ویژگی اثر: تالیف

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عاملی رنانی، سعیدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سعیدرضا عاملی رنانی دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway (۱۳۸۰) University of London) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه شناسیگرایش: ارتباطاتتحصیلات رسمی و

حرفه ای: دکتر سعیدرضا عاملی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (۱۳۸۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «ارتباط بین تلویزیون و باورها و رسومات مذهبی» و رساله دوره دکترا «تاثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیا» می باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریت سعیدرضا عاملی رنانی به قرار زیر است: • موسس و عضو هیئت امنای کالج اسلامی مطالعات پیشرفته - لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • موسس و رئیس موسسه ی مطالعات اسلامی - لندن ۱۹۹۷-۱۹۹۹ • موسس و عضو هیئت امنای موسسه ی اسلامی حقوق بشر - لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • عضو کمیته ی بین المللی مطالعات جهانی - لندن از ۲۰۰۲ تا به حال • عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران - گروه ارتباطات از ۲۰۰۱ تا به حال • موسس و رئیس موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپا از مهرماه ۱۳۸۳ تا کنون • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ی علوم اجتماعی - دانشگاه تهران • عضو هیات تحریریه "دانشنامه علوم اجتماعی"، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۳ • عضو هیات تحریریه "پژوهشنامه جهانی شدن"، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن ۱۳۸۶ • معاون طرح و برنامه دانشگاه تهران، سازمان مرکزی دانشگاه تهران دفتر طرح و برنامه ۱۳۸۷ • سرپرست دانشکده مطالعات جهان، دانشکده مطالعات جهان فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس سعیدرضا عاملی رنانی: ارتباطات و فرهنگ، جهانی شدن ارتباطات، سمینار مسائل سیاسی و استراتژی معاصر، فلسفه رسانه های جمعی، مطالعات فضای مجازی، نقد و تفسیر و مقاله در مطبوعات (مقطع کارشناسی). سمینار، قوم شناسی و ساختار حکومتی و قانون اساسی، ارتباطات و فرهنگ، جامعه شناسی جهانی شدن، جهانی شدن و فرهنگ، جامعه شناسی ارتباطات بین فرهنگی، جهانی شدن و فرهنگ، مسائل رسانه ای ایران و جهان، مطالعات فضای مجازی، مقدمه ای بر مطالعات آمریکای شمالی (مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. چگونگی عرضه آثار: تعداد راهنمایی پایان نامه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۱ و ۲۴ تعداد طرحهای تحقیقاتی: ۱۴ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۳ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۷ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در ایران: ۱۹ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در خارج از کشور: ۴۱ مورد آثار nbsp Dual Citizenship: British, Islamic or Both: Obligation, Recognition, Respect and Belonging, London, IHRC, – co- authors, Saied R. Ameli Arzu Mirali ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۴۲ Globalization, Americanization and British Muslim Identity, London, ICAS Press ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۲۳ Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?, London, IHRC, Co-authors, Saied R. Ameli, Alya Azam, Arzu Mirali ویزگی اثر: بزبان خارجی - ۲۰۰۵۴ Social Discrimination: Across the Muslim Divide, London, IHRC, Saied R. Ameli, Manzur Elahi Arzu Merali ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۴۵ ارزیابی فضای مجازی ایرانی ویزگی اثر: تالیف- ۱۳۸۶۶ دین و رسانه ویزگی اثر: تالیف- ۱۳۸۵

عبداللهیان، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حمید عبداللهیان در سال ۱۳۳۶ در شهرستان شاهرود متولد شد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی تاریخی و

ارتباطات از دانشگاه کارلتون - کانادا در سال ۱۳۷۵ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد. گروه: علوم انسانی رسته: جامعه شناسی گرایش: جامعه شناسی تاریخی و ارتباطاتوالدین و انساب: پدر حمید عبداللہیان علی اصغر عبداللہیان کارمند اداره ثبت احوال شاهرود و نام مادر محترمشان خانم طاهره قریشی خانه دار است. خاطرات کودکی: دوران کودکی حمید عبداللہیان در میان طبیعت شهر شاهرود سپری شد او در دوران نوجوانی به فوتبال علاقه مند بود. از بدترین خاطره ایشان از دست دادن پدرش در سن هشت سالگی اش بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر حمید عبداللہیان کارمند اداره ثبت احوال بود و بعد از فوت ایشان وضعیت مالی خانواده حمید عبداللہیان مناسب نبود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی حمید عبداللہیان به ترتیب زیر است: - دوران ابتدایی را در دبستان خاقانی - در سال ۱۳۵۵ دوره متوسطه را در دبیرستان شاپور (دکتر شریعتی فعلی) - مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۶۳، دانشجوی کارشناسی در دانشگاه تهران (پژوهشگری) - بهمن ۱۳۶۳ تا بهمن ۱۳۶۶، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران - ژانویه ۱۹۹۰ تا آبان ۱۹۹۶، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون کانادا - ژانویه ۲۰۰۳ تا ژانویه ۲۰۰۴، فرصت مطالعاتی و استاد مهمان در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون در اتاوا، کانادا. عنوان پایان‌نامه دکتر عبداللہیان: موانع تاریخی در راه توسعه تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی پیش از سرمایه‌داری در ایران؛ مطالعه موردی مالکیت گیاهی. استاد راهنما: پروفیسور بروس مک فارلین، دانشگاه کارلتون، اتاوا، کانادا. وقایع تحصیل: در دوران دانشجویی حمید عبداللہیان در دانشگاه تهران درگیر جنبش دانشجویی بود و در سال ۱۳۵۷ نیز وقایع انقلاب اسلامی را تجربه کرد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حمید عبداللہیان در کنار تحصیل به فعالیت‌های سیاسی می پرداختند و در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده و اولین فرزندش در سن ۲۲ سالگی وی بدنیا آمد. استادان و مربیان: دکتر توسلی، دکتر ساروخانی، دکتر عسگری، دکتر محمد میرزایی، دکتر انصاری، دکتر وثوقی، دکتر ازکیا، دکتر طالب، دکتر بورس مک فارلین، دکتر ژاک شوالیه، دکتر مجید الجح، دکتر یادوگفسکی، دکتر جان میلز، دکتر یوسفی زاده، جواد صفی نژاد و آلن استیوز از اساتید دکتر عبداللہیان می باشند. هم دوره ای‌ها و همکاران: دکتر دهقان، دکتر آزاد ارمکی، دکتر اباذری، دکتر حسینی زاده، دکتر ناهید مطیع، دکتر پریچه ابراهیمی و دکتر یحی علی بابایی از هم‌دوره‌ای‌ها و همکاران حمید عبداللہیان می باشند. همسر و فرزندان: حمید عبداللہیان دارای همسر و سه فرزند می باشد. همسرش سرکار خانم فاطمه محبی نژاد خانه دار و فرزندانش بنام‌های علیرضا (دانشجویی عمران در کشور کانادا) محمد که در سن ۱۸ سالگی بعلت مبتلا به تومور مغزی در سال ۱۳۸۱ فوت کرد و آرش (دانش آموز مقطع متوسطه) عبداللہیان می باشد. وقایع میان‌سالی: از وقایع تلخ دوره میان‌سالی حمید عبداللہیان فوت پسر دومش بعلت مبتلا به تومور مغزی بود که در سال ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - اردیبهشت ۱۳۶۴ تا آذر ۱۳۶۸ مدیر دفتر پیمایش افکار عمومی، مؤسسه روزنامه کیهان، تهران، ایران. - اسفند ۱۳۷۷ تا آبان ۱۳۷۸ معاون آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی - آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران - دانشگاه تهران - ایران. - خرداد ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو کمیته ارزیابی برای برنامه‌های دوره دکتری - دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - اردیبهشت ۱۳۸۳ تا اردیبهشت ۱۳۸۵ مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جامعه‌شناسی ایرانی. - ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جمعیت شناسی ایران - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۸، سردبیر مجله جهانی رسانه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - ۱۳۸۴، سردبیر نشریه جهانی رسانه، دانشکده علوم اجتماعیه فعالیت‌های آموزشی: عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حمید عبداللہیان به قرار زیر است: - فوریه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۶ دستیار استاد در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در دروسهای قدرت (یک ترم)، تئوریهای کلاسیک جامعه‌شناسی (یک ترم)، دیدگاه‌های مقایسه‌ای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (۵ ترم). - مهر ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۷۸ تدریس روش

تحقیق (در دو بخش عملی و نظری)، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۸ تا خرداد ۱۳۷۹

تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۰ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و درس جامعه‌شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه‌شناسی - مهر ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۸۱ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و تدریس جامعه‌شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه‌شناسی و روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۱ تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد ارتباطات و جامعه‌شناسی تاریخی در سطح دکترا. - بهمن ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۲ فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون، کانادا. - بهمن ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. و تدریس روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد و دو درس جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین فرهنگی در سطح دکترا. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق در کارشناسی ارشد ارتباطات و روش تحقیق کیفی در کارشناسی ارشد مطالعات زنان. و تدریس سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد. - مهر ۱۳۸۴ تا بهمن ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق (نظری و عملی)، نظریه‌های علوم اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی و دروس روش تحقیق در ارتباطات و روش تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه و سمینار کارشناسی ارشد در سطح کارشناسی ارشد. - بهمن ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ تدریس نظریه‌های علوم اجتماعی، رسانه‌ها و حوزه عمومی، روش تحقیق در سطح کارشناسی تدریس قدرت و فرهنگ، سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: - ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ مؤسس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، این انجمن در آبان ۱۳۸۳ تأسیس شد. - بانی مجله جهانی رسانه - راه اندازی دوره کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه - راه اندازی دوره دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شاگردان: دکتر لاجوردی، دکتر عباس کاظمی، خانم زهرا اجاق، خانم مریم اصغری، آقای اباذر توکلی و دکتر عبدالهی از دانشجویان و دانش‌آموختگان حمید عبداللہیان می‌باشند. همفکران فرد: حمید عبداللہیان با دکتر دهقان، دکتر جوادی یگانه و دکتر سعیدی دارای همفکری نزدیکی است. آرا و گرایشهای خاص: زمینه و گرایشهای خاص حمید عبداللہیان به قرار زیر است: - روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی - جامعه‌شناسی تاریخی، روانشناسی - روش تحقیق در ارتباطات و مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناسی چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۰ مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۶ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: ۵ مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در همایشها: ۱۱ مقاله - تعداد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده: ۶ طرح - تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی شده کارشناسی: ۲ رساله - تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی شده کارشناسی ارشد: ۸ رساله - تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی شده دکتری: ۲ رساله آثار: ۱ Conceptualization of reality in Historical Sociology; Narrating Absentee Landlordism ویرژگی اثر: تهران: انتشارات سایه روشن - تابستان ۲۰۰۴ جزوه: نظریه تضاد ویرژگی اثر: محل انتشار: دانشکده علوم اجتماعی تاریخ انتشار: ۳۱/۰۱/۱۳۸۵ تاریخ تجدید نظر: ۱۵/۰۷/۱۳۸۶ عنوان درس: نظریه‌های علوم اجتماعی ملاحظات: این جزوه در واقع ترجمه بخشی از کتاب دن مارتیندیل است ۳ دین و رسانه ویرژگی اثر: تالیف کتاب و چاپ توسط سایر مراکز نشر - ناشر: دفتر پژوهشهای رادیو تاریخ انتشار: ۲۲/۰۷/۱۳۸۶ محل انتشار: تهران - ایران ملاحظات: این کتاب مجموعه‌ای از مقالات را چاپ کرده است و ما دو نفر علاوه بر اینکه مقاله داریم کار ویرایش و آماده‌سازی و چاپ آنرا به عهده داشته ایم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علینی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علینی در سال ۱۳۴۳ در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم. از سال ۱۳۷۰ به جهت علاقه به کار با کودک و نوجوان که به نظر من زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.

بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف، روان شناسی، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.

همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال ۱۳۷۶ همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۸۵ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

عنصری، جابر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جابر عنصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: تعزیه‌خاطرات کودکی: علی عنصری (پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: جابر عنصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد. و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: جابر عنصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد. در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند. خاطرات و وقایع تحصیل: جابر عنصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود. فعالیت های ضمن تحصیل: جابر عنصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عنصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردم شناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهش های قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت. استادان و مربیان: جابر عنصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت. اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عنصری بود. همسر و فرزندان: همسر جابر عنصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی، وی را یاری می نمایند. وقایع میانسالی: جابر عنصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عنصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند. دکتر عنصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشرور بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عنصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: جابر عنصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک (از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر (۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند. فعالیت های آموزشی: جابر عنصری از بیست و یک سالگی در

دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد (۱۳۵۶ ه.ش). وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود. [دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد. همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو (نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا (نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت (گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد-احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد. آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعیت می داند. جوایز و نشانها : تک نگاری درباره روستای جبین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد (۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت. آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد ۲] ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸ . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ، ۱۳۷۰. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی (۱۳۷۲) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان (۱۳۷۰) و ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش، ۱۳۷۰، صص فهرست] ۷ مراسم آیینی و تئاتر (۱۳۵۸) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری (۱۳۶۶) و ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست] ۹ نسیم خاطرات [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] و ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه : جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد ۲ دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹] ۳ صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰ و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز

هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب [کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه ۱، شماره ۴۰-۳۹] آذر و دی (۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۳-۴۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲

غفاری فر، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن غفاری فر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن غفاری فر در سال ۱۳۶۱ دیپلم را اخذ و در سال ۶۱-۶۲ وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم. ابتدا مدت کوتاهی را در تهران، سپس در بابل و نهایتاً در سال ۶۷-۶۸ برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم، تقریباً در همان سال تحصیلی، دروس سطح را به اتمام رساندم، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید. از سال تحصیلی ۶۷-۶۸ تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم، قابل ذکر است تقریباً از سال ۷۸ به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می‌کنم. از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال ۷۵-۷۶ به اتمام رساندم، سپس از سال ۷۶-۷۷ وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن ۸۰ واحد پیش نیاز و بیش از ۳۰ واحد اصلی و دفاع از پایان نامه) در سال تحصیل ۸۰-۸۱ به اتمام رساندم.

قریب به پنج سال در موسسه فقه اهل بیت (ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای ۷۵-۸۰ همکاری پژوهشی داشتم و قریب به ۶ ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال داشتم.

به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم، همکاریهای نظارتی بر کتابها می‌نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم، قریب به ۶ ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از ۱۰ عنوان در حوزه های تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ تشیع، مهدویت، جامعه شناسی، عقاید، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامرضا غفاری دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی والدین و انساب: نام پدر: امرالله تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر غلامرضا غفاری مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی پیوند بین فعالیت‌های علمی و تکنولوژیکی با نیازهای اجتماعی اقتصادی» و دوره دکتری «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته روستاییان» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر غفاری می‌توان مواردی همچون «ریاست موسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی» (۱۳۸۱)، «مسئولیت اداره خدمات آموزشی دانشکده علوم اجتماعی»، «معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی»، «معاون دانشجویی و فرهنگی» (۱۳۸۲) و «بازرس چهارمین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس غلامرضا غفاری، «تغییرات اجتماعی»، «روش تحقیق عملی»، «روش تحقیق نظری»، «سیاست اجتماعی»، «فنون برنامه‌ریزی اجتماعی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی) است و «روش تحقیق در رفاه اجتماعی» و «روش‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی رفاه» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص: از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات «سرمایه اجتماعی»، «توسعه اجتماعی» و «تحولات اجتماعی» اشاره نمود. وی مسئولیت طرح‌های تحقیقاتی مختلفی از جمله «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» را نیز بر عهده داشتند. چگونگی عرضه آثار: تعداد راهنمایی پایان‌نامه‌ها: الف-پایان‌نامه‌های کارشناسی: ۱-مورد ب-پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۱۷-مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۸-مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۱-مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: ۶-مورد آثار: اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: پیوتر زتومکا، غلامرضا غفاری (مترجم) ناشر: شیرازه - ۱۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲-توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران ویژگی اثر: پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: نشر نی - ۲۶ خرداد، ۱۳۸۶ ۳-جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: عادل ابراهیمی لویه، غلامرضا غفاری ناشر: آگرا - ۲۳ آبان، ۱۳۸۴ ۴-جامعه‌شناسی توسعه ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، مصطفی ازکیا (مترجم) ناشر: کلمه - ۱۳۸۱ ۵-جامعه‌شناسی توسعه ویژگی اثر: پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: کیهان - ۰۷ مهر، ۱۳۸۷ ۶-جامعه‌شناسی مشارکت ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، محسن نیازی ناشر: نزدیک - ۲۲ خرداد، ۱۳۸۶ ۷-جامعه‌شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، تقی آزادارمکی (مترجم) ناشر: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی - ۱۳۸۳ ۸-جامعه‌شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر: پدیدآورنده: تقی آزادارمکی، غلامرضا غفاری ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۶ ۹-سرمایه اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: جان فیلد، غلامرضا غفاری (مترجم)، حسین رضوانی (مترجم) ناشر: کویر - ۳۰ آبان، ۱۳۸۶

فخر زارع، حسین

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین فخر زارع

محل تولد: ورزنه اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۶/۸

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تکمیل مرحله ابتدایی و اول راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. پس از یک سال تحصیلی راهی قم شدم و در دروسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال ۱۳۶۵ به جبهه اعزام و تا سال ۱۳۶۷ بطور متناوب بمدت ۵/۱۰ ماه در جبهه ها و چند عملیات حضور داشتم که در عملیات کربلای ۵ از ناحیه کتف معجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیه الله سید احمد امامی، آیه الله سید حسن امامی، آیه الله شیخ علی اکبر فقیه، آیه الله کلباسی و ... شرکت کردم. سال ۱۳۷۱ همزمان با تشکیل خانواده به قم مشرف شدم. و تا سال ۱۳۷۳ در دروس سطح حضرات آقایان: پایانی، استادی، دوزدوزانی، عندلیب، محمدی و ... حضور یافتم. از سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۹ همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال ۱۳۸۳ در رشته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال ۸۵ (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فرهادی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مرتضی فرهادی در سال ۱۳۲۳ در ملایر دیده به جهان گشود. ایشان دارای دکتری رشته جامعه شناسی می باشد. فرهادی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی می باشد. نامبرده از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامه «علوم اجتماعی» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی را به عهده دارد. کتابهای "فرهنگ یاریگری در ایران" و "واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف وی، به ترتیب در دوره های سیزدهم و بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای: مرتضی فرهادی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در رشته روان شناسی، فوق لیسانس در رشته ارتباطات اجتماعی و دکترای در رشته جامعه شناسی به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرتضی فرهادی از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری

فصلنامه «علوم اجتماعی» دانشکده علوم اجتماعی می باشد. فعالیتهای آموزشی: مرتضی فرهادی از کمی قبل از انقلاب اسلامی تا کنون، در دانشکده‌های مختلف به تدریس دروسی نظیر مبانی مردم‌شناسی، مردم‌شناسی روستایی، مردم‌شناسی ایران، مردم‌شناسی هنر، مردم‌شناسی فرهنگی، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، جامعه‌شناسی روستایی، تعاونی‌های سنتی، نظریه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، روان‌شناسی اجتماعی و ... پرداخته است. نخستین پژوهش میدانی و مردم‌شناسی وی در سال ۱۳۴۷ انجام و در سال ۱۳۴۸، در نخستین ویژه‌نامه روستایی ایران به نام کتاب روستا به چاپ رسیده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است. جوایز و نشانها: کتاب موزه‌های درباد ایشان کتاب برجسته هشتمین دوره معرفی کتاب‌های برگزیده دانشگاه تهران و پژوهش برگزیده فرهنگی سال ۱۳۷۵ در زمینه مردم‌شناسی و تاریخ هنر بوده است. کتاب "فرهنگ یاریگری در ایران" وی نیز برنده جایزه نخست نهمین جشنواره روستایی وزارت جهاد سازندگی، کتاب برجسته هفتمین دوره معرفی کتاب‌های دانشگاهی دانشگاه تهران و کتاب برگزیده سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینه علوم اجتماعی شده است. همچنین کتاب "واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف وی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: مرتضی فرهادی در حوزه مردم‌شناسی و توابع آن، رکورددار چاپ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی بوده و تا کنون بیش از ۱۰۵ مقاله چاپ اول در سالنامه‌ها، فصلنامه‌ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌های علمی - تخصصی به چاپ رسانده است. از سال ۱۳۵۷ تا کنون از ایشان هفت جلد کتاب و پژوهشنامه و یک جلد کتاب شعر به چاپ رسیده است. همچنین افزون بر چهل مقاله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در مجلات و نشریات گوناگون از ایشان به چاپ رسیده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. «گونه‌شناسی یآوری‌ها و یریری‌های سنتی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۱ (پاییز ۱۳۶۷)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ و کیهان فرهنگی، سال ۲، شماره ۱۰ (دی‌ماه ۱۳۶۴) ۲. «آیا کشاورزان ایرانی تکرر هستند؟»، فصلنامه تعاون روستایی و کشاورزی، ش ۳ و ۴ (زمستان ۶۷ و بهار ۱۳۶۸). سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. ۳. «سابقه تاریخی و معناشناسی نام خمین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۶ (نیمسال اول ۱۳۶۸)، مرکز نشر دانشگاهی. ۴. «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانه عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فصلنامه هنر، ش ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۵. «دگریری و خودیاری در جشن میان بهار در اسک لاریجان آمل»، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، ش ۳ (بهار ۱۳۶۹) دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان، همچنین، ده کتاب آماده چاپ دارند که در آینده نزدیک، منتشر خواهد شد. آثار: ۱ در فصل‌های خنده دشوار و ویژگی اثر: (مجموعه شعر) ۲ فرهنگ یاریگری در ایران و ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ یاریگری در ایران»: فرهنگ یاریگری در ایران؛ مرتضی فرهادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، شناخت یاریگریهای سنتی و گونه‌شناسی آنها و معرفی بهترین مصادیق یاریگری در دو زمین؟ آبیاری و کشاورزی (کشتکاری و باغداری) است. مؤلف لزوم بهره‌گیری از تجربیات تعاونیها و یاریگریهای سنتی در تعاونیهای جدید و همچنین بسیج گسترد؟ مردم به منظور مشارکت در امر توسعه را از مهمترین انگیزه‌های خود برای تألیف کتاب بیان کرده است. اطلاعات ارائه شده در کتاب، بخشی از طریق مسافرتهاى مؤلف به نقاط مختلف ایران و تحقیقات میدانی و مصاحبه و بخشی دیگر نیز با استفاده از منابعی که در کتاب هم ذکر شده به دست آمده است. «فرهنگ یاریگری در ایران» می‌تواند به عنوان یک الگوی پژوهشی، علمی و آموزشی در زمین؟ مردم‌شناسی کاربردی، جامعه‌شناسی، جغرافیای انسانی، تعاون و ... به شمار رود. همچنین توضیح شیوه‌های مدیریت سنتی و دسته‌جمعی بر منابع طبیعی و فعالیتهای تولیدی سنتی در ایران بیان تعاریف مشخص و دقیق برای هر یک از موضوعات مطروحه را می‌توان از دیگر ویژگیهای کتاب برشمرد. کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و سه بخش و هشت

فصل تدوین شده است ۳ موزه‌های بازیافته ۴ نام؟ کمره ویژگی اثر: دو جلد ۵ نگاهی به اهمیت و پیشینه کبوترخانه‌های ایران ۶ واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: واره واره: نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران؛ در آمدی به مردم شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی نوشته مرتضی فرهادی؛ ویراسته غلامحسین صالح‌نسب. - تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰.۶۳۰ ص.: مصور، نوشته، جدول، نمودار. واژه‌نامه. «واره» نوعی سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن، با محور اصلی هم‌یاری از نوع تجمیعی (همگرا) است. در «واره» اعضا بیشتر به یک کاسه کردن تولیدات شیری خود توجه دارند؛ اما در کنار آن، هم به انواع دیگر یاریگری و هم به انواع دیگر مبادله، روی می‌آورند. سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، آموزشی و تفریحی است و به جهت کارکردهای مهم آن، هزاران سال است که در جامعه سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود دارد. اثر پژوهشی حاضر که به همت و پشتوانه سه دهه تلاش محقق ارجند سامان پذیرفته است، یکی از بهترین نمونه‌های پژوهش در زمینه دانش بومی در ایران است. نویسنده با به تصویر کشیدن کلیه خطوط و زوایای پنهان یک سازمان اجتماعی پیچیده در بین زنان روستایی ایران، به خوبی نشان داده است که دانش بومی ما، در عین پیچیدگی، خود، یک ثروت عظیم فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب، حاصل کندوکاوی عمیق برای شناساندن ابعاد نا شناخته و ارزشمند دانش بومی و برخی شیوه‌های مشارکتی زنان روستایی این مرز و بوم است. اهتمام مؤلف محترم در تدوین این کتاب که حاصل پژوهش‌های گسترده و مستمر خود اوست، جای تقدیر و ستایش دارد. غالب منابع و ارجاعات، دست اول است. کتاب از آن روی که مبتنی بر یک سلسله تحقیقات روشمند و مستند و دقیق و بدیع است، یکی از آثار ارزشمند در حوزه‌های پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی به شمار می‌رود. کتاب شناسی مفصل (شامل کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقی و ...) و فهارس نه گانه (نام اشخاص، نام طوایف و عشایر و اقوام، نام جای‌ها، فهرست اصطلاحات و واژگان محلی و ...) بر مزیت آن افزوده است.

فکوهی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر فکوهی در سال ۱۳۳۵ در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای در کشور فرانسه در شهر پاریس به پایان رسانید. او همکاری حرفه ای خود را با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی آغاز کرد و هم اکنون مشغول تدریس در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. حضور وی در همایش‌های داخلی و بین المللی و ارائه مقاله در این همایش‌ها و میزگرد‌ها از جمله فعالیت‌های وی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: کارشناسی جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۵۹ کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۶۱ دکترای جدید (nouveau regime) جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۷۳ عنوان رساله دکترای: مفهوم سیاست در مزدیسنا ساسانی، مصوب ۹ ماه مه ۱۹۹۴، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن ۱۳۷۳: دکترای در جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی پایان‌نامه دکترای برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۷ همسر و فرزندان: ناصر فکوهی متاهل است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مدیر گروه انسان شناسی، دانشکده

علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ تا امروز استادیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ سردبیر مجله انجمن انسان‌شناسی ایران، نامه انسان‌شناسی، ۱۳۸۱ - ۱۳۸۴ مدیر آگاهسازی و پروژه‌های فرهنگی، معاونت امور انرژی وزارت نیرو، ۷۹-۱۳۷۴ همکاری حرفه‌ای با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد و توسعه، ۱۳۷۴ تا امروز عضو هیات علمی گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز عضو پیوسته گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو مؤسس، عضو هیات مدیره و رئیس انجمن انسان‌شناسی ایران ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ (دوره ریاست ۱۳۸۴-۱۳۸۵) عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۷۹ تا امروز عضو هیئت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۵ تا امروز عضو انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عضو شورای علمی و مسئول بخش انسان‌شناسی در گروه علوم اجتماعی مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۸۱-۱۳۷۹ عضو شورای علمی پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو رئیس کمیسیون پژوهش‌های کاربردی، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ عضو شورای علمی تحصیلات تکمیلی، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۴ تا امروز عضو شورای علمی مجله "فرهنگ و معماری"، ۱۳۸۴ تا امروز دبیری علمی همایش‌های داخلی ۱- همایش فرهنگ‌گر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ۲- نخستین همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۵ ۳- نخستین هم‌اندیشی انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، بهمن ۱۳۸۵. ۴- دومین همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، بهمن ۱۳۸۶ ۵- دومین هم‌اندیشی انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۶. ۱۳۸۶ سردبیری ویژه‌نامه‌های علمی ۱- نشریه "خیال"، شماره ویژه انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، زمستان ۱۳۸۴ ۲- نشریه "فرهنگ مردم"، شماره ویژه اسطوره‌ها و فلکلور شهری، زمستان ۱۳۸۴ ۳- نشریه "اندیشه ایران‌شهر"، شماره ویژه انسان‌شناسی شهری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، گروه شهرشناسی، زمستان ۱۳۸۶ فعالیتهای آموزشی: تدریس در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا را در دانشگاه‌های همچون دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه امام صادق را عهده دار بود. - دروس ارائه شده در دانشگاه‌ها دوره کارشناسی ۱- مبانی جامعه‌شناسی، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ۲- جامعه‌شناسی کار و شغل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۷۸-۱۳۷۴ ۳- جامعه‌شناسی جهان سوم، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۷۸-۱۳۷۴ ۴- مبانی انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز ۵- انسان‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز ۶- انسان‌شناسی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۷- فرهنگ و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۸- نظریه‌های انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ تا امروز ۹- تاریخ انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ تا امروز ۱۰- اصول علم سیاست، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۷۹ ۱۱- فرهنگ و ارتباطات، دانشکده فرهنگ، ارتباطات و معارف اسلامی. دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ تا امروز دوره کارشناسی ارشد ۱- جامعه‌شناسی انقلابات، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۷۸-۱۳۷۴ ۲- انسان‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۷۸ ۳- انسان‌شناسی سیاسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ تا امروز ۴- نظریه‌های کلاسیک انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ ۵- نظریه‌های جدید انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۶- ارتباطات بین فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۷- سمینار مردم‌شناسی (درس مشترک)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۸- برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳ ۹-

انسان‌شناسی شهری ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ تا امروز ۱۰- مباحث ویژه فرهنگی، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۴ تا امروز دوره دکترا ۱- انسان‌شناسی فرهنگی (پیش‌نیاز دکترا)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳. مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: ناصر فکوهی موسس انجمن انسان‌شناسی ایران در سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: از دیگر فعالیت‌های ناصر فکوهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۲۶ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۷ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های سایر دانشگاه‌ها ۸ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فعالیت در ۱۴ کارگاه آموزشی دبیری علمی ۵ همایش‌های داخلی سردبیری ۳ ویژه‌نامه‌های علم‌جوئز و نشانه: پایان‌نامه دکترا برنده جایزه پژوهش بین‌المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. از دیگر افتخارات ایشان می‌توان به انتخاب کتاب "گستره علوم انسانی" به عنوان کتاب برگزیده سال در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد. چگونگی عرضه آثار: از آثار ناصر فکوهی و فعالیت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حضور در ۴۴ سخنرانی علمی ترجمه ۱۳ اثر به صورت انفرادی ترجمه ۳ اثر به صورت دست‌جمعی (سرپرستی ویرایش و ویرایش‌های علمی) ۱۷ مقاله در خصوص مقالات علمی-پژوهشی ۱۹ مقالات به زبان‌های انگلیسی و فرانسه ۱۳ طرح‌های پژوهشی ۲۸ مقاله در همایش‌های داخلی ۲۷ مقاله در همایش‌های بین‌المللی ۱۳ نقد کتاب ۶۸ مقاله در زمینه مسائل اجتماعی-فرهنگی توسعه و اقتصاد ۵۳ مصاحبه‌های اختصاصی با مطبوعات ۸ گفت‌وگو ناصر فکوهی با اندیشمندان ۲۹ ترجمه مقالات و گفتگوها ۱۴ میزگرد ۱۰۲ مقاله در زمینه انسان‌شناسی، هنر و فرهنگ‌آثار: از فرهنگ تا توسعه، مسائل توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، ویژگی اثر: تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸۲ اسطوره‌شناسی سیاسی، ویژگی اثر: تهران، انتشارات فردوس ۳ افسانه‌های شرقی، ویژگی اثر: ترجمه، مارگارت یورسنار، (چاپ نشده) ۴ امپراتوری نشانه‌ها، ویژگی اثر: ترجمه، رولان بارت، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ ۵ انسان‌شناسی سیاسی، ویژگی اثر: ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲۶ انسان‌شناسی شهری، ویژگی اثر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.۷ پاره‌های انسان‌شناسی، ویژگی اثر: نشر نی، ۱۳۸۵۸ تاریخ اندیشه و نظریات انسان‌شناسی، ویژگی اثر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۱۹ توسعه سیاسی، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۹۱۰ جامعه مدنی و جوانان ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۱ حاکمان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۱۲ خاطرات جوانی، ویژگی اثر: ترجمه، رومن رولان، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۹۱۳ خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۴ خط قرمز، آزادی و حدود آن، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۵ در آمدی بر انسان‌شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک ویژگی اثر: ترجمه، تهران نشر نی، (در دست چاپ) ۱۶ در هزارتوهای نظم جهانی، ویژگی اثر: گفتارهایی در مسائل توسعه فرهنگی و اقتصادی، نشر نی، ۱۳۸۴۱۷ در آمدی بر انسان‌شناسی، ویژگی اثر: ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹ ۱۸ زن و فرهنگ، ویژگی اثر: در بزرگداشت مارگارت مید، تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳۱۹ زندگانی تولستوی، ویژگی اثر: ترجمه، رومن رولان، مشهد، انتشارات دانش، ۱۳۶۴ ۲۰ سال‌های گورباچف، مؤخره ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم بر ترجمه فارسی حاکمان و محکومان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۱ فرهنگ انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی، ویژگی اثر: ترجمه، سرویراستار و مترجم همراه گروه مترجمان، تهران، نشر نی (در دست چاپ) ۲۲ فرهنگ و انسان‌شناسی (در دست چاپ) قرن روشنفکران، ویژگی اثر: تهران، هرمس، ۱۳۷۹۲۴ قوم‌شناسی سیاسی، ویژگی اثر: ترجمه، رولان برتون، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ ۲۵ گستره اسطوره، ویژگی اثر: تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۲ ۲۶ گستره علوم انسانی، ترجمه به همراه جلال‌الدین رفیع فر و مرتضی کتبی، ویژگی اثر: ترجمه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ (برنده کتاب سال دانشگاه تهران، ۱۳۸۳). ۲۷ گفتمان انسان‌شناسی (در دست چاپ)، محکومان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۹ مفهوم سیاست در مزدیسنا ساسانی، ویژگی اثر: مصوب ۹ ماه مه ۱۹۹۴، ارزشیابی وزارت علوم

و فناوری به تاریخ بهمن ۱۳۷۳: دکتر در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی سیاسی ۳۰ موندو و داستان‌های دیگر، ویژگی اثر: ترجمه، ج. لاکلیو، (چاپ نشده) ۳۱ نشانه‌شناسی سیاسی مزدیسنا ساسانی، تهران، نشر نی، (در دست چاپ)، همسازی و تعارض هویتی (در دست چاپ)، هنر و تاریخ، مقالاتی در زیباشناسی، ویژگی اثر: ترجمه، اوکتاویو پاز، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴ ۳۴ یک نظریه علمی درباره فرهنگ، برونیسلاو مالینوفسکی، ویژگی اثر: ترجمه، ویرایش و مقابله علمی و نگارش مقدمه، تهران، انتشارات آوا، ۱۳۸۰

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه توسط دکتر ناصر فکوهی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی-زمستان ۱۳۸۴

فولادی وندا، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فولادی وندا

محل تولد: گچساران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۶/۲

زندگینامه علمی

در دوم شهریور سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی و ساده روستایی در شهرستان گچساران چشم به جهان گشودم. پس از طی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تحصیلات متوسطه را در هنرستان فنی طالقانی گچساران آغاز نمودم. در این هنرستان و همزمان با فعالیت گروه‌های سیاسی در اوائل پیروزی انقلاب، به اتفاق یکی از هم‌کلاسیها، اقدام به تشکیل و راه‌اندازی انجمن اسلامی نمودیم. این انجمن، از معدود انجمنهای فعال در مبارزه با گروهکهای سیاسی آن روزگاران بود. با آغاز جنگ تحمیلی و در کنار تحصیل، بارها و بارها توفیق حضور در جبهه‌های نور را یافتم. سرانجام، در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ علی‌رغم حضور سه ماه مستمر در جبهه در ایام تحصیل، به عنوان شاگرد ممتاز موفق به اخذ دیپلم گردیدم. به دلیل ارتباط منظم با روحانیت و دعوت مستمر از آنان در انجمن اسلامی و اردوهای دانش‌آموزی، در شهریور همان سال، در حوزه علمیه قم پذیرش و در مدرسه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم. به دلیل آشنایی قبلی با مجموعه استادان و طلاب فرهیخته مؤسسه در راه حق، توفیق یافتم که در نزدیکی بارگاه ملکوتی آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با این عزیزان هم‌حجره باشم. ارتباط با این مجموعه، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده زندگی من داشت. دروس سطح و خارج را نزد استادان گرانسنگ و بزرگوار هم‌چون، اعتمادی، وجدانی، سبحانی، مکارم شیرازی و... سپری نمودم. علاوه بر آن، دوره عمومی مؤسسه در راه حق، و دوره تخصصی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) و سپس مؤسسه امام خمینی (ره) را در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، با دفاع اولین رساله این رشته در حوزه جامعه‌شناسی در این مؤسسه در سال ۱۳۷۵، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی شدم.

فولادی، حفیظ الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حفیظ الله فولادی

محل تولد: -

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دیپلم خود را در سال ۱۳۶۲ در رشته برق اخذ نموده و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذو الفقار) شدم و بعد از حدوداً ۴ ماه در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم (مدرسه رضویه) مشرف شدم و تا کنون این توفیق نصیب اینجانب بوده است. در سال ۱۳۶۶ وارد مؤسسه در راه حق شده و به استفاده از اساتید معزز آن مجموعه پرداختم. در سال ۱۳۷۰ در مجموعه گروههایی که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جهت آموزشهای تخصصی در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی شکل گرفته بود، وارد گروه جامعه‌شناسی شدم و پس از طی این دوره‌ها در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۷۴ تا کنون در زمینه‌های مختلف این رشته به تحقیق و پژوهش مشغول هستم. خداوند این توفیق را به بنده داد که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ در اکثر قریب به اتفاق پالایشگاههای کشور در خدمت مهندسین و مدیران و نیز پرسنل مجموعه صنعت نفت به تدریس در زمینه علوم اسلامی، مدیریت اسلامی و ... پرداختم.

فیوضات، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید ابراهیم فیوضیات در سال ۱۳۱۲ در شهر کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را بعد از رفتن به مکتب خانه در زادگاهش سپری کرد. وی تحصیلات دوره متوسطه و دبیرستان را در آبادان به صورت متفرقه گذراند زیرا روزها به کار کردن مشغول بود. در سال ۱۳۴۶ بعد از قبولی در کنکور دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زبان انگلیسی به پایان برد. در همه این سالها کار کردن در شرکتهای مختلف را رها نکرد. وی ابتدا با قبولی در بورسیه به انگلیس سفر کرد و پس از یک وقفه یکساله و برگشت به ایران به دانشگاه پاریس رفت و در سال ۱۳۵۷ موفق به دریافت دکترای تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی گردید. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسیگرایش: جامعه‌شناسی سیاسیوالدین و انساب: وی فرزند سید اسماعیل فیوضات از خاندان سادات حسینی است. سید ابراهیم ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را که بازرگانی ساده بود از دست داد. مادرش همسر دوم پدر، کم سواد اما شجاع و پرهیزگار و اهل منطقه دوان بود. بیست ساله بود که مادر نیز از دنیا رفت، پدرش از همسر اول نیز دو پسر به

نامهای سید محمد و سید محمد علی و دختری به نام بیگم دارد. خاطرات کودکی: سید ابراهیم فیوضات ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را از دست داد و در همان ایام مادرش او را به مکتب خانه‌ها برای کسب سواد فرستاد وی از آن دوران خاطرات جالب و شنیدنی دارد: "برای اینکه مشغولیتی داشته باشم، مادرم مرا از سه سالگی به مکتب خانه شاباجی خانم برد که سواد بیاموزم. پس از مدتی هم به مکتب خانه حاجی رضا رفتم که ملایی آن را اداره میکرد دست آخر هم از مکتب خانه شیخ عبدالرحیم سر در آوردم. فضای آموزشی بنا به عرف رایج آن زمان خشن و خشک بود، و ما به خاطر هر اشتباه کوچکی فلک میشدیم به خاطر دارم یک بار ۵۶ چوب به کف پایم زدند که اثرات منفی این رفتارها را پس از گذشت سالیان دراز هم هنوز با خود دارم. در آن موقع برایم دشوار بود که تصور کنم میتوانم روزی با سواد شوم". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید ابراهیم به علت اینکه پدر را در کودکی از دست داده بود مجبور بود برای امرار معاش خود و خانواده کار کند. وی در سن ۱۳ سالگی به علت مشکلات اجتماعی آن دوران به آبادان رفت و استخدام شرکت نفت در آمد و به کارآموزی و کارگری مشغول بود. هم زمان با دوره تحصیلی به ویژه در ایام تعطیل و تابستان زمانی را صرف یادگیری و تهیه گیوه که تنها پای افزار آن دوران بود میکرد. او در این باره می گوید: "استاد پینه دوز در عوض کار وجهی کم (توجیبی) میداد زمانی هم در حجره تاجری به نام زهرایی چای به مشتری ها میدادم و گاهی هم در مغازه آقای سید احمد حسینی شاگردی میکردم". تحصیلات رسمی و حرفه ای: اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۳۸ به صورت متفرقه و قبولی در دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی و کسب مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۴ سپس کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران و اخذ مدرک دکترای جامعه شناسی از دانشگاه پاریس ۸ واکل پراتیک فرانسه در سال ۱۳۵۷. خاطرات و وقایع تحصیل: در اوایل سال ۱۳۵۰ در یک دوره (بورسیه) سه ماهه سازمان مذکور برای انگلستان شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن راهی دانشگاه اکسفورد انگلیس شد و به علت استخدام در سازمان اموراداری و استخدامی کشور در خواست مرخصی وی قبول نشد به ناچار از سازمان استعفا داد و مجدداً به انگلیس برگشت و در نهایت به این نتیجه رسید که تحصیلات خود را در فرانسه ادامه دهد. فعالیتهای ضمن تحصیل: فیوضات در دوره کارشناسی با انجام شش ساعت کار روزانه در امور حسابداری در شرکت فنی برودت (یخچالسازی) به تحصیل پرداخت سپس حدود یکسال را با کار در شرکت ایتالیایی سد سازی در هفت تپه خوزستان گذرانید و سال بعد در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شد بعد از آن در سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کارشناس تشکیلات به کار مشغول شد. استادان و مربیان: از استادان دکتر فیوضات در دوره های مختلف میتوان به دکتر سید صادق گوهرین و دکتر آداکلیان در دوره کارشناسی دکتر غلام حسینی صدیقی، دکتر صناعی، دکتر کاروان، دکتر بهنام و ... در دوره کارشناسی ارشد و در دوره های بهد دکتر صدیقی و مهندس مدتی اشاره کرد. هم دوره ای ها و همکاران: از هم دوره ایهای دکتر فیوضات، نادر ابراهیمی و آقای سپانلو در دوره کارشناسی و دکتر هما زنجانی زاده، آقای نقی اصفهانی و دکتر منچهر محسنی در دوره کارشناسی ارشد. سیروس پرهام و میرصادقی در حال حاضر دکتر سعید میرزایی، خانم ممتاز، دکتر تولایی و ... اشاره داشت. همسر و فرزندان: همسر دکتر فیوضات، سرکار خانم پروین وثوقی است که به شغل پرستاری مشغول است. و فرزند وی پیمان فیوضات علاقه مند به موسیقی و نوازندگی پیانو و دانشجوی رشته مهندسی برق است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر سید ابراهیم فیوضات در مسئولیت های زیر فعالیت داشته است: مسئول فروش (تهران) شرکت کف دارو گر ۴۵-۱۳۴۳. کارشناس امور اداری طبقه بندی مشاغل و سازماندهی ۴۹-۱۳۴۵. مدیر گروه علمی جامعه شناسی دانشگاه تهران ۷۴-۱۳۷۰. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی ۷۰-۱۳۶۹. عضو انجمن جامعه شناسی ایران ۷۹-۱۳۷۷. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش اقتصاد اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۳۷۸. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. عضو کارگروه برنامه ریزی دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱. مشغول بخش صنعت در انجمن جامعه شناسی ایران از ۱۳۸۲ تا کنون. عضو هیئت تحریریه مجله تربیت معلم ۱۳۸۴ و مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. فعالیتهای

آموزشی: دکتر فیوضات تدریس در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد واحد کرج به مدت ۲ سال را در دروس مختلف جامعه‌شناسی و اقتصاد ایران در کارنامه دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: دکتر فیوضات در تاسیس گروه جامعه‌شناسی صنعتی (انجمن جامعه‌شناسی ایران) همکاری داشته است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: دکتر سید ابراهیم فیوضات غیر از فعایت‌های آموزشی به طرحهای پژوهشی نیز پرداخته است: - بررسی اجتماعی و اقتصادی شهرستان‌های دزفول و اندیمشک در خوزستان و کرمانشاه شرکت ایران آمایش سال ۶۲-۱۳۶۰ - بررسی توسعه شهری و روان بخش روستایی شهرهای میناب، رودان، سیریک، جاسک، و حاجی آباد هرمزگان، سال ۶۳-۱۳۶۲ - بررسی اقتصادی - اجتماعی استان آذربایجان شرقی برای طرح توسعه ۲۰ ساله دانشگاه تبریز (مجتمع مهندسی مشاور ایران آرک سال ۶۴-۱۳۶۳ - پروژه تحقیقات آموزشی نیروی انسانی در وزارت صنایع سال ۱۳۶۵ - نقش کار در ادب فارسی شعر و از طریق طنز سال ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار: دکتر سید ابراهیم فیوضات آثارش در قالب تالیفات، مقالات و ارائه سخنرانی در سمینارهای مختلف میتوان تقسیم کرد. وی بیش از ۳۰ مقاله در مجلات گوناگون به چاپ رسانده است. آثار: اخلاق کار و نخبه‌گرایی در ایران و ویژگی اثر: نشر شادگان، تهران، ۱۳۸۳۲ اصلاح‌گری و انقلاب ویژگی اثر: ۱۳۸۴۳ بازتاب نقش کار در ادب منظومه ایرانی و ویژگی اثر: در دست چاپ ۴ بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران و ویژگی اثر: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲۵ توسعه صنعتی و موانع آن در ایران و ویژگی اثر: مجموعه مقالات، چاپخش تهران، ۱۳۷۴۶ جامعه‌شناسی صنعتی و ویژگی اثر: انتشارات سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۶۷ دولت در عصر پهلوی و ویژگی اثر: چاپخش، تهران، ۱۳۷۵۸ گسست‌های فرهنگی و تاریخی ایران و ویژگی اثر: در دست چاپ منابع: ۱ تکمیل پرسشنامه توسط دکتر فیوضات بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵۲ کتاب گفت و گو با چهره‌ها، گفتگو با دکتر ابراهیم فیوضات - به کوشش عمادالدین شیخ‌الحکمایی انتشارات کازرونیه ۱۳۸۳

قاضی طباطبایی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود قاضی طباطبایی دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران (۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی آمریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا (۱۳۶) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمود قاضی طباطبایی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران (۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی آمریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا (۱۳۶) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «شخصیت سیاسی محصول زمان یا خصوصیات فردی» و دوره دکتری «تطابق محیطی بزهکاری: آزمون طولی ثوری» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر قاضی طباطبایی می‌توان مواردی همچون «معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۷۸-۱۳۸۴) را نام برد. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس وی «آمار در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی)، «آمار پیشرفته»، «تکنیک‌های تحقیق»، «روش تحقیق» و «روش‌های تحقیق پیشرفته» و «روش تحقیق پیشرفته» و «روش‌های تحلیل آمار پیشرفته» و «نرم افزار» (در مقطع دکتری) است. آثار: ۱ بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: از جلد ۲ تا جلد ۱۷ و از جلد ۱۹ تا جلد ۲۸ و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۸۳۲ روشهای پیشرفته آماری و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۸۵

قانعی راد، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمد امین قانعی راد متولد سال ۱۳۲۴ در شهر ری، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی والدین و انساب: دکتر سید محمد امین قانعی راد از جمله سادات صحیح و نسب شهر ری می‌باشد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر محمدامین قانعی راد دارای مدرک لیسانس پژوهشگری اجتماعی، در سال ۱۳۶۴ فوق لیسانس جامعه‌شناسی ۱۳۶۸ و دکتری همین رشته از دانشگاه تهران می‌باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری در رشته جامعه‌شناسی از وقایع مهم در زندگی علمی دکتر سید محمد امین قانعی راد می‌باشد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر سید محمدامین قانعی راد در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون رابطه جامعه‌شناسی و علم در ایران می‌پرداخت. آرا و گرایش‌های خاص: دکتر سید محمدامین قانعی راد از جمله جامعه‌شناسانی است که به رابطه‌ی علم و جامعه‌شناسی و نیز به جامعه‌شناسی به دیده تخصصی می‌نگرد. آثار: تبارشناسی عقلانیت مدرن، تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی، جامعه‌شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران، جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران، گلیس فرهنگی صنعت، ناهمزمانی دانش

قیاسی، جلال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال الدین قیاسی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

با گرفتن دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه داد. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و در سال ۱۳۶۰ جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی ۸ سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال ۱۳۶۸ در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۸ مجدداً به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دریافت کردم. از سال ۱۳۷۳ به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز

آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

کافی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید کافی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید کافی در سال ۱۳۴۴ در اصفهان متولد شدم و در سال ۶۸ موفق به اخذ دیپلم تجربی گردیدم. از سال ۶۱ تا سال ۶۸ در حوزه اصفهان مشغول تحصیل بودم و از سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۷۰ جذب دوره «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» شدم و تا هم اکنون، افزون بر تحصیل علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق)، مشغول به تحقیق می باشم. همچنین از سال ۷۴ تاکنون در دانشگاه های تهران: (علامه طباطبایی و تهران)، مشغول تدریس دروس معارف اسلامی هستم. از سال ۷۹ نیز در مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه امام خمینی ره) به تدریس دروس جامعه شناسی اشتغال دارم.

کلوری، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدرضا کلوری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۹ پس از فارغ التحصیلی از «هنرستان رشته هنر و گرافیک» در تهران، وارد حوزه علمیه «مجد» شدم که از

مدارس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن در زیر مجموعه مدارس «مروی» تهران و در نهایت در مدرسه «مروی» به مدت ۷ سال در تهران به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم. در این زمان با قبولی در «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به قم عزیمت کردم و به تحصیلات حوزوی در قم ادامه دادم. در موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد، رشته (جامعه‌شناسی) را به اتمام رسانده‌ام و به تدوین پایان‌نامه اشتغال دارم. مقالاتی از بنده به چاپ رسیده است و مقاله‌ای و کتابی نیز قرار است چاپ شود.

در ابتدای دروس خارج به محضر اساتید حضرات آیات: «مکارم شیرازی» و «آیت الله سبحانی» حضور یافتیم. اما پس از یکسال و اندی و با آشنائی با جناب استاد «آیت الله هادوی تهرانی» از کلاس خارج فقه و اصول ایشان بهره‌مند شدم و تا این سال یعنی ۱۳۸۵، حدود پنج سال است که از محضر وی بهره‌مندی می‌برم.

لهستانی زاده، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۳، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.

مرتبه علمی:

استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۳، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

متقی زاده، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله متقی زاده

محل تولد: سربند اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.

تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود ۱۶ مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضاً به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود ۱ سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود ۱۲ سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود ۵ سال عهده دار بوده ام و حدود ۷ سال در صدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

محسنی تبریزی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناس خود را از دانشگاه ملی ایران، فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه میشیگان غربی و دکترای خود را از همان دانشگاه (۱۳۶۴) اخذ کرد و فوق تخصص روان شناسی را نیز از دانشگاه میشیگان (۱۳۶۵) کسب کرد. او از معدود جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی امروز ایران است که با درک درست از خواسته ها و نیازهای جامعه پیرامون، به بهتر زیستن می اندیشد و با این آرمان است که نگاهی عمیق به موانع تحقق آن دوخته است. گروه: علوم انسانی رشته:

علوم اجتماعی گرایش: روان‌شناسی اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۲ دریافت کرد و بلافاصله بعد از این دوره برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. محسنی فوق لیسانس جامعه‌شناسی اش را از دانشگاه میشیگان غربی در سال ۱۳۵۷ اخذ کرد. و این رشته را تا دریافت دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه میشیگان ادامه داد (۱۳۶۴). همانندی‌های فراوان دو رشته روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی محسنی تبریزی را که سری پرشور در تحصیل و آموختن داشت، ترغیب به ادامه تحصیل در رشته روان‌شناسی اجتماعی کرد. او موفق به اخذ فوق تخصص روان‌شناسی اجتماعی از همان دانشگاه در سال ۱۳۶۵ شد. در خلال این سالها محسنی تبریزی دیپلم عالی زبان انگلیسی اش را نیز از دانشگاه میشیگان آمریکا دریافت کرد و در کنار تحصیل، پژوهش و حضور در عرصه‌های علمی مرتبط با رشته اش را به جدیت به پیش برد. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «نخبگان و فرایند استخدام سیاسی» و در دوره دکتری تخصصی، «بیگانگی فعال و بیگانگی منغل» می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - عضو انجمن جامعه‌شناسی - عضو انجمن جامعه‌شناسی کلمبیا - آمریکا تا اکنون - عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی علوم انسانی عضو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان‌شناسی اجتماعی ایران - سرپرست حوزه معاونت پژوهشی - سرپرست مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران (۱۳۷۰ - ۱۳۷۵) (۱۳۷۸ - ۱۳۷۹) - رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵) - سرپرست بخش تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵) فعالیتهای آموزشی: علیرضا محسنی تبریزی بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و بلافاصله در مراکز آکادمیک و علمی رشته تحصیلی اش مشغول به کار شد. او که سابقه تدریس مبانی جامعه‌شناسی را از دانشگاه میشیگان با خود به ایران آورده بود، در دانشگاه تهران به عنوان مدرس جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مشغول به کار شد و به تدریس روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم و نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی در مقطع لیسانس و فوق لیسانس پرداخت. او در کنار اشتغال تمام وقت در این دانشگاه، در دانشگاه علامه، دانشگاه اصفهان، دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی، دانشگاه آزاد و... به تدریس دروس مرتبط با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. و نیز - تدریس در دانشگاه تهران، علامه، دانشگاه اصفهان، دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی، دانشگاه آزاد و... در کارنامه دارد. موارد تدریس وی «اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم»، «روانشناسی اجتماعی»، «روانشناسی اجتماعی کاربردی» و «سنجش و اندازه‌گیری» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه‌شناسی بالینی»، «جامعه‌شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات» و «نظریه‌های روانشناسی اجتماعی» (در مقطع کارشناسی ارشد)، «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی»، «جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، «جامعه‌شناسی فرهنگی» و «مسائل اساسی نظری روانشناسی اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: علیرضا محسنی تبریزی علاوه بر اینها در مجامع علمی، سمینارها، کنگره‌ها و سمپوزیوم‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز حضور مستمر داشته و عضو انجمن جامعه‌شناسی، انجمن جامعه‌شناسی کلمبیا و هیأت مدیره انجمن ایرانی روان‌شناسی اجتماعی ایران نیز هست. در کنار این همه حضور اما چهره حقیقی محسنی را باید از لابه‌لای متن‌های تحقیقی و پژوهش‌های کاربردی اش جست‌وجو کرد. طرح بررسی عوارض روانی جنگ، طرح بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان در نظام ترویج، بررسی عوارض روانی - اجتماعی زلزله خرداد ۶۸ گیلان، بررسی عملکرد آموزشیاران و معلمان آموزش و پرورش همکار با نهضت سوادآموزی و... آرا و گرایشهای خاص: از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات مشارکت اجتماعی - سیاسی؛ مسائل اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و انحرافات اشاره نمود چگونگی عرضه آثار: علیرضا محسنی تبریزی درباره محدوده و دامنه وندالیسم در اجتماع امروز نظریات جالبی دارد: «امروزه وندالیسم خصوصاً برای کسانی که در شهرهای بزرگ و پرجمعیت زندگی می‌کنند پدیده‌ای ملموس و مشهود و واقعیتی تلخ و در عین حال گریزناپذیر است که بعنوان

یکی از نمودهای زندگی اجتماعی جامعه مدرن و ماشینی بروز و حضور دارد. در همه شهرهای بزرگ همه روزه ما شاهد ویرانگری عمدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی و ندال‌هایی هستیم که عمداً کمر به تخریب و نابودی هر آنچه زیباست و هر آنچه متعلق به همگان است بسته‌اند. نقاشی‌های به نمایش درآمده در گالری‌ها، آثار باستانی و عتیقه‌های موجود در موزه‌ها، ابنیه تاریخی، مجسمه‌های نصب شده در میادین، پارک‌ها و اماکن عمومی، منازل خالی از سکنه، پارک‌ها و فضاهای سبز عمومی، چراغ‌های معابر، صندلی‌های اتوبوس و مترو، کتابهای کتابخانه‌ها، تلفن‌های عمومی و ده‌ها موضوع مورد تخریب دیگر از جمله موضوعاتی هستند که در اثر وندالیسم متحمل خسارات و صدمات گردیده و مورد تخریب قرار می‌گیرند. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم بصورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد، بلکه هزینه‌های مالی گزافی را بر مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها تحمیل می‌کند. برخلاف بسیاری از جرایم و انحرافات، آثار وندالیسم مشهود و پیداست. براساس گزارشهای ارائه شده و آمارهای مربوط به موضوعات وندالیسم در برخی کشورها نظیر آمریکا، کانادا، روسیه، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مدرسه، علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی، شکستن شیشه اماکن خالی از سکنه، شکستن لامپ خیابان‌ها و پارک‌ها، تخریب کیوسک تلفن و شکستن دستگاه تلفن عمومی، قطع سیم برق و تلفن، شکستن درختان خیابان‌ها و پارک‌ها، تخریب مجسمه‌های میادین، تخریب اموال پارک‌ها و اماکن عمومی، پاره کردن صندلی سینماها، تئاترها و اتوبوس‌های شهری، تخریب اموال کتابخانه‌ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیل‌های پارک شده در خیابان‌ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن‌های زیرزمینی، تخریب ریل‌های راه آهن، تخریب اموال بیمارستان‌ها، کارخانه‌ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی در جنگل‌ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، تخریب اموال عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج‌ترین صور رفتار بزهکارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید بوجود آمده تمامی شئون و جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته و در دنیای امروز روابط انسان‌ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده‌تر شدن دائم و مستمر قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود توسعه شهرهای صنعتی ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پرتجمل و پیچیده، تغییر زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی به یک زندگی مبتنی بر روابط رسمی و بی‌روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه و عقل‌گرایی، درآمیختگی سنت‌های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساسات درماندگی، سرخوردگی، ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پیامد دیگری نیز داشته و آن عصبانی شدن روزافزون انسانها بخصوص نسل جوان در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوب‌گر بیرونی است. به ویژه سرپیچی و عدم متابعت از قواعد و سنجه‌های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه و واکنش به محرک‌های بیرونی در فرم عکس‌العمل‌های منفی یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین واکنش‌های رفتاری برخی از گروه‌ها و افراد در جامعه امروز است.»

آثار: بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان و ویژگی اثر: تالیف، در ۲۸ جلد (۱۳۸۳) ۲ بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال و ویژگی اثر: از جمله پژوهش‌های کاربردی علیرضا محسنی تبریزی برای نهادها و سازمان‌های مرتبط است. یکی از پژوهش‌ها که دامنه وسیع‌تری دارد را نیز با هم مرور می‌کنیم؛ «بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال»: این مقوله در بین مباحث و مقوله‌هایی که در جامعه‌شناسی ورزش قابل بحث و تأمل هستند. خشونت تماشاگران رویدادهای ورزشی به ویژه رقابت‌های فوتبال همواره به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم مورد توجه قرار داشته است. در پژوهش محسنی تبریزی افزون بر بررسی تئوری‌های تبیین‌کننده خشونت و پرخاشگری بین تماشاگران مسابقات فوتبال، رفتارهای پرخاشجویانه و گاه خشونت‌آمیز تماشاگران

مورد مطالعه جامعه شناختی قرار گرفته است. هدف این مطالعه به طور عمده پرداختن به سبب شناسی پدیده خشونت و پرخاشگری در بین تماشاگران ورزش فوتبال است که مشخص می‌سازد اختلال در کدام یک از عناصر این ساختار سبب بروز «سوء کارکرد» در آن می‌شود و این سوء کارکرد تحت تأثیر چه متغیرهای اجتماعی قرار دارد. در این پژوهش از دو روش تحلیل تاریخی و پیمایشی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و در نهایت آنالیز داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای اهمیت و حساسیت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیم‌های مورد علاقه در رده بندی مسابقات قهرمانی، حرکات و اعمال خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران تیم‌های مورد بررسی تأثیر می‌گذارد. متغیرهای سن، میزان کنترل و نظارت خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیم‌های فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز دارند و متغیرهای سابقه نزاع، سابقه رفتار مجرمانه، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت‌های تحصیلی و آموزشی، مصرف سیگار، سابقه تنش در محیط خانواده و عدم سازگاری انتظارات ورزشی و وسایل تحقق آنها دارای تأثیر مستقیم بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ورزشی هستند. این طرح در چند زمینه کاربرد دارد -؟: شناسایی و آگاهی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز -؟ یافته‌های این پژوهش می‌تواند به مسئولان امور ورزشی و برگزارکنندگان مسابقات فوتبال کمک کند تا با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و آگاهانه‌تر از بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز در بین تماشاگران فوتبال جلوگیری به عمل آورند. ۳ روان‌شناسی اجتماعی کاربردی ۴ علل و ندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان ویژگی اثر: «علل و ندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از علیرضا محسنی تبریزی است. این تحقیق در صورتی قابل‌توجه‌تر با عنوان و ندالیسم در قالب کتاب انتشار یافت و به سرعت به منابع دانشگاهی رشته روان‌شناسی اجتماعی بدل گشت. کتاب حاضر در هفت فصل فراهم آمده است: فصل اول تحت عنوان کلیات پس از ارائه تاریخچه‌ای از مفهوم و وجه تسمیه آن در ادبیات آسیب‌شناسی اجتماعی به تعریف و معنی و ندالیسم می‌پردازد و با طرح و ندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به عنوان یک رفتار نابهنجار و به عنوان یک معضل اجتماعی، می‌کوشد جایگاه آن را به عنوان یکی از صور کژرفتاری‌ها و انحرافات در طبقه بندی انواع جرایم و نابهنجاریها مشخص نماید. در فصل دوم مبانی نظری و ندالیسم با استعانت از یک رویکرد تلفیقی به تفصیل مطرح شده است. در این فصل ابتدا آن دسته از نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات که با مباحث روان‌شناختی اجتماعی و ندالیسم خصوصاً اتیولوژی آن بعنوان یکی از صور بزهکاریها و کجروی‌های اجتماعی قرابت و انتساب بیشتری دارند مطرح می‌شوند. سپس تئوریهای روانشناسی و روانکاوی انحرافات بخصوص آن دسته از نظریه‌های روان‌شناسی مرتبط با رفتار و ندالیستی مرور و بررسی می‌گردند. بالاخره در قسمت پایانی این فصل نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی انحرافات که بطور اخص بر و ندالیسم و ویرانگری تأکید دارند مطرح می‌شوند. فصل سوم تحت عنوان خشونت و و ندالیسم در ورزش فوتبال ناظر بر بررسی خشونت و ویرانگری در ورزش فوتبال است. در این فصل ضمن گونه‌شناسی خشونت و پرخاشگری، خاستگاه و مبانی نظری خشونت در ورزش براساس پارادایم‌های زیست‌شناسی، روانکاوی و روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تبیین می‌شوند و بالاخره پژوهش‌های انجام شده در باب و ندالیسم و خشونت در ورزش فوتبال در چند کشور مطرح و نتایج حاصله که مبین اتیولوژی و اپیدمیولوژی خشونت و و ندالیسم در محیط‌های ورزشی است تشریح می‌گردند. فصل چهارم زیر عنوان اتیولوژی و ندالیسم ناظر بر علل و انگیزه‌های رفتار و ندالیستی است و می‌کوشد در پرتو مبانی و یافته‌های تجربی به سبب‌شناسی و ندالیسم بپردازد. در فصل پنجم اپیدمیولوژی و همه‌گیرشناسی و ندالیسم مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به استناد اطلاعات تجربی در چند کشور نظیر ایالات متحده آمریکا، هلند، آلمان، فرانسه و نظایر آن وسعت و گستره و ندالیسم بررسی می‌شود. فصل ششم

یافته های دو پژوهش تجربی را در باب وندالیسم در ایران مطرح می سازد. پژوهش اول مروری است بر یافته های تحقق «وندالیسم در تهران بزرگ» که عمدتاً ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است. تحقیق دوم عوامل جامعه شناسی خشونت تماشاگران فوتبال را در تهران تبیین می کند. فصل هفتم زیر عنوان پیشنهادات و توصیه های کاربردی، کلیه سیاست ها و استراتژیهای اجرایی را در شکل طرح های مداخلات اجتماعی، آگاه سازی، پیشگیری و درمان وندالیسم مطرح می سازد. ۵ مبنای و کلیات روان شناسی اجتماعی، نظریه های روان شناسی اجتماعی وندالیسم: مبنای روانشناسی اجتماعی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی و ویژگی اثر: تالیف، ۱۳۸۳

محسنی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: منوچهر محسنی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در سال ۱۳۴۰ ه.ش وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در دو رشته علوم اجتماعی و علوم اداری به تحصیل پرداخت. وی دوره کارشناسی ارشد را در موسسه تحقیقات اجتماعی، که زیر مجموعه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، طی نمود و برای تحصیلات تکمیلی عازم فرانسه عزیزت شد. محسنی در سال ۱۳۵۱ با درجه دکترا، تحصیلات خود را در پاریس به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر محسنی در سال های ۱۳۴۴ - ۱۳۴۳ به عنوان پرسشگر و مصاحبه کننده در سطح تهران فعالیت خود را آغاز نمود. پس از مدتی وارد گروه تحقیقات روستایی موسسه تحقیقات اجتماعی شد و فعالیت خود را در این موسسه ادامه داد. او در سال ۱۳۵۳ و به دنبال آن در سال ۱۳۵۸ با موسسه پژوهش در علوم اجتماعی و توسعه ایران، پی گیری و پژوهش در طرح پیمایش ملی را به عهده گرفت چنانکه در سال ۱۳۷۳ مسئولیت این طرح به صورت مستقیم به ایشان واگذار شد. از دیگر مشاغل وی معاونت دانشکده بهداشت دانشگاه تهران و بعد از آن مدیریت مرکز نوآوری جامعه پزشکی بوده است. در حال حاضر استاد طرحی به نام «جامعه شناسی فرهنگی ایران» را زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) دنبال می نماید. فعالیتهای آموزشی: منوچهر محسنی همکاری با مراکز آموزشی و دانشگاهی را در سال ۱۳۵۲، با عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس حوزه فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه های شهید بهشتی، تربیت مدرس، امام صادق (ع)، علوم بهزیستی و علوم پزشکی ایران گسترش داد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فعالیت های منوچهر محسنی عموماً با انجام امور علمی و تحقیقاتی سپری شده است. وی به طور کلی بیشتر اوقات خود را با مطالعه، آموزش، تحقیق و حضور در کنگره ها و سمینارهای ملی و بین المللی می گذراند. سابقه همکاری او با نشریات و مجلات علمی را نیز می توان با ارائه ۱۸ مقاله در مجلات بین المللی و ۳۲ مقاله در مجلات دانشگاهی ایران مورد نظر و توجه قرار داد. آثار: جامعه شناسی اطلاعاتی و ویژگی اثر: این کتاب در هفت فصل و با عناوین شناخت جامعه اطلاعاتی، تکنولوژی اطلاعاتی، اینترنت و جامعه اطلاعاتی، ارتباطات علوم رسانی الکترونیک، جامعه اطلاعاتی و زمینه های اجتماعی و فرهنگی، جامعه اطلاعاتی ساختار سیاسی و اقتصادی و بالاخره سازماندهی و مدیریت اطلاعات نوشته شده است. مولف در پیشگفتار کتاب نوشته است: «اصطلاح جامع اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است.» ۲ جامعه شناسی پزشکی، جامعه شناسی علم، جامعه شناسی عمومی، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی و ویژگی اثر: این اثر با همکاری دکتر باقر ساروخانی صورت گرفته شده است. ۶ جمعیت شناسی، مقدمات جامعه شناسی

محمودی بختیاری، علیقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیقلی محمودی بختیاری، در هفتم آذرماه سال ۱۳۱۱ شمسی چشم به جهان گشود. پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند، در سال ۱۳۳۲ برای ادامه‌ی تحصیل راهی تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی، به دانشکده‌های حقوق و ادبیات راه یافت؛ اما رشته‌ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ‌التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره‌ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره‌ی دکترای رشته‌ی زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه‌ی دکترای توفیق یافت. وی از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره‌ی تألیف و ترجمه‌ی اداره‌ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب‌های درسی را به عهده داشت. در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی، به این دانشگاه رفت. دکتر محمودی، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید. او در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار گردید. آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره‌ی زبان‌شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا، سفری دو ماهه به آمریکا رفت. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: زبان‌شناسی والدین و انساب: علیقلی محمودی بختیاری، فرزند مهرباب، نوه‌ی حاج عبدالله خان بهداروند و نبیره‌ی محمودخان، رئیس و سردودمان ایل بختیاروند هفت لنگ بختیاری می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علیقلی محمودی بختیاری، تحصیلات مقدماتی را در مکتب سنتی گذراند، سپس به دبستان رفت و با امتحان ورودی به کلاس چهارم راه یافت. آنگاه دوره‌ی اول و دوم متوسطه را در خرم‌آباد و سال سوم را در الیگودرز و سال‌های چهارم و پنجم را در بروجرد به انجام رسانید. وی در سال ۱۳۳۲ برای ادامه‌ی تحصیل راهی تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی، در کنکور دانشگاه شرکت جست و به دانشکده‌های حقوق و ادبیات راه یافت؛ اما رشته‌ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ‌التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره‌ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره‌ی دکترای رشته‌ی زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه‌ی دکترای توفیق یافت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره‌ی تألیف و ترجمه‌ی اداره‌ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب‌های درسی را به عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید و در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار بود. فعالیت‌های آموزشی: علیقلی محمودی بختیاری در دبیرستان‌های فیروزبهرام، رازی، ادیب و چند دبیرستان دیگر تدریس نمود. سپس در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس ادبیات فارسی و رشته‌ی مترجمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت به کار شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی، برای تدریس ادبیات معاصر و فن‌نویسندگی فراخوانده شد. وی از سال ۱۳۳۸ با تصویب شورای علمی دانشکده به عنوان استاد تمام وقت مشغول به کار شد و علاوه بر تدریس ادبیات معاصر و آیین نگارش، درس‌های

ادبیات کلاسیک « فرهنگ و تمدن ایران » نیز به او واگذار گردید. دکتر محمودی، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا، سفری دوماهه به آمریکا رفت. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۴ با همکاری دوستانش « انجمن ادبی دانشکده » را بنیاد نهاد، که یکی از انجمن های فعال و پربار آن روزگار بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علیقلی محمودی بختیاری از دوران کودکی آغاز به سرودن شعر کرد و در دوران دانشجویی رسماً کار شعر و شاعری را شروع نمود و در آغاز شعرهای فارسی سره می سرود، اما وی هیچ وقت به شعر و شاعری متظاهر نبود. در سال ۱۳۵۱ در پایان کتاب « شکرستان »، نمونه های شعر خود را به چاپ رسانید و در سال ۱۳۵۷ نیز در آخر کتاب « گنج راز » به عنوان نمونه، اشعاری ارائه کرد. از فعالیت های دکتر محمودی در زمان معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی، ایجاد بخش دانشجویان خارجی بود و در کنار آن، طرح بازآموزی زبان و فرهنگ ایرانی را به استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های هند و پاکستان به تصویب رسانید. وی در سال ۱۳۵۶ خود سفری به پاکستان کرد و با دیدار از دانشگاه های سراسر آن کشور، زمینه ی مساعدی را برای فراخوانی همه ی استادان زبان و ادبیات فارسی سراسر شبه قاره هند و پاکستان فراهم نمود. او در سال ۱۳۵۷ به مصر سفر نمود و ضمن دیدار از دانشگاه های قاهره و اسکندریه، در دانشگاه عین الشمس قاهره سخنرانی کرد و طرح گسترش زبان فارسی در آن دانشگاه را با توجه به کثرت داوطلب پی ریزی نمود. جوایز و نشانها: در سال ۱۳۵۶، کتاب « زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران » علیقلی محمودی بختیاری به عنوان کتاب درسی در بخش خاورشناسی دانشگاه یوتا انتخاب شد. آثار: او - تو - من ویژگی اثر: عرفان از دیدگاه حافظ. ۲. بابل دل ایرانشهر، چرا حافظ؟، خاقانی در ایوان مدائن، دفتر دوم فرهنگ و تمدن ایران، دفتر دوم گنج گهر، راهی به مکتب حافظ، زایش دوباره در آفرینش و عشق از دیدگاه مولانا جلال الدین بلخی، زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران، شکرستان، فراز و نشیب سیاست و شیوه ی کشورداری ایران، کمینگاه دشمن، کوروش در بابل، گنج راز، گنج گهر ویژگی اثر: نمونه های نثر و نظم. ۱۶. هفت نگار در هفت تالار ویژگی اثر: تحلیلی اجتماعی از هفت پیکر نظامی. ۱۷. ویرایش و آرایش دفتر یکم سبک شناسی (تاریخ تطور شعر فارسی) ویژگی اثر: تألیف: ملک الشعرا بهار.

محمودیان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین محمودیان دانشیار و مدیر گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر حسین محمودیان مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (سال؟)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر محمودیان می توان مواردی همچون «معاونت اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی» و سمت «مشاور پژوهشی استانداری سمنان» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس دکتر محمودیان «آمار مقدماتی»، «آمار در جمعیت شناسی»، «جمعیت و تنظیم خانواده»، «جامعه شناسی روستائی»، «روش تحقیق»، «روش تحلیل

جمعیت شناسی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، «مبانی جامعه شناسی» و «مبانی جمعیت شناسی» (در مقطع کارشناسی) و «باروری»، «جمعیت و جامعه»، «طرح تحقیق» و «مقدمات آمار» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. چگونگی عرضه آثار: مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «کاهش باروری و تغییر در موقعیت زنان در ایران، ۱۳۸۴»، «بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر سلامت کودکان زیر ۵ سال در ایران، ۱۳۸۶»، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانهای کشور در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵» و «بررسی ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی سالمندان: گذشته، حال و آینده» را نیز بر عهده داشتند آثار: ۱ بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرحهای عمرانی و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۷۱۲ دانش خانواده و ویژگی اثر: پدیدآورنده: احمد احمدی، محمدرضا شرفی، حسین محمودیان، سهیلا خوش بین ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۶ شهریور، ۱۳۸۷۳ در آمدی بر مطالعات جمعیتی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسین محمودیان (مترجم)، دیوید لوکاس (گردآورنده)، پل مایر (گردآورنده) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۱ بهمن، ۱۳۸۴۴ فرهنگ ده های ایران- استان همدان و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۶۹

مریجی، شمس الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شمس الله مریجی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق پس از اخذ دیپلم تجربی و اتمام نظام وظیفه سال ۱۳۶۶ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم پذیرفته شده و وارد مدرسه امام علی علیه السلام شدم مقدمات را نزد اساتید بزرگوار چون حجج اسلام مرتضی آقا تهرانی، محسن غرویانی، حسینی، متقی و طالقانی تلمذ نمودم و سال ۱۳۷۸ لمعه را نزد اساتید بزرگوار اشتهاردی، طالقانی، سعیدی، و اصول فقه را نزد حجه الاسلام حسینی بوشهری خواندم و پس از سه سال سطح را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات طاهری خرم آبادی، نکونام، بوشهری، اعتمادی، مرحوم پایانی و ستوده و... به اتمام رسانده و از سال ۱۳۷۱ در درس خارج اصول به مدت ۷ سال (یک دوره کامل) از محضر آیت الله سبحانی کسب فیض نمودم و پنج سال در خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) تلمذ نمودم و پس از آن در حال حاضر بمدت هفت سال نیز از محضر آیت الله جوادی آملی بهره می گیرم.

همزمان با تحصیل در علوم حوزوی، از سال ۱۳۷۰ وارد موسسه در راه حق شده و از علوم جدید نیز بهره گرفتم و تا سال ۱۳۸۰ دو دوره کارشناسی ارشد در رشته معارف و جامعه شناسی گذراندم و در حال حاضر نیز دوره دکتری یا سطح ۴ اندیشه معاصر مسلمین در موسسه باقر العلوم (ع) مشغول می باشم.

از سال ۱۳۷۶ وارد عرصه تدریس در دانشگاه های دولتی و آزاد در تهران و قم شدم. علاوه بر تدریس در دانشگاه ها، در مراکز تخصصی حوزه نیز تدریس داشته و دارم که برخی از آنها عبارتند از موسسه امام خمینی (ره) که هم اکنون نیز مشغولم، موسسه باقر

العلوم علیه السلام، تخصصی تبلیغ، تاریخ و مرکز جهانی.

عناوینی که تدریس کرده و می‌کنم:

در رشته جامعه‌شناسی: مبانی جامعه‌شناسی، تغییرات اجتماعی، جامعه‌شناسی تبلیغ، جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌شناسی انقلاب، جامعه‌شناسی تاریخی.

در رشته معارف: معارف اسلامی ۱ و ۲، کلام قدیم، شبهات کلامی.

همچنین در دوره‌های طرح ولایت دانشجویی که در تابستان‌ها تشکیل می‌گردد تدریس می‌کنم.

مشیر فراهی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر مشیر فراهی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۳۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر مشیر فراهی فرزند سید حسن در تاریخ ۱/۳۱/۴۰ ه. ش مطابق با ۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۸۰ ه. ق در شهر مقدس مشهد متولد شدم. در ۵ ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود، از دست دادم. در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم. از سال ۵۶ تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب، شرکت فعالانه داشتم. در سال ۶۰ به خدمت سربازی رفته و پس از ۵/۸ ماه از خدمت معاف شدم. حدود ۷ ماه در جبهه‌ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال ۶۱ وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم (۳ سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی، فقیه سبزواری، واعظی، مرتضوی، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح (لمعه) هستم. در سال ۶۳ وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال ۷۱ وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (۱۳۷۹) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه‌شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم.

معلی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد معلی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تا اول دیبرستان در تهران بوم سپس به مدرسه شهیدین رفت. مقدمات و سطح رادر شهیدین خواندم در حال حاضر در جامعه شناسی موسسه امام خمینی (ره) هستم. در زمینه کامپیوتر حدود چند سالی کار برنامه نویسی برای موسسات مختلف می‌کردم. در یکی دو سال اخیر در زمینه طراحی سایت و ساخت cd های مولتی مدیا بیلدر و تالیف ۷ کتاب کامپیوتر فعالیت داشته ام.

معیدفر، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید معید فر در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس میشود و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانی رسته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر سعید معیدفر مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۹)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۴) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی ساختار اقتصادی اجتماعی روستا و مهاجرت از روستا (در استان اصفهان)» و دوره دکتری «بررسی مهاجرت‌های روستایی استان همدان» است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر معیدفر می توان مواردی همچون سردبیر نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۴-۱۳۸۷)، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۳-۱۳۸۷)، رئیس پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰-۱۳۸۲)، عضو شورای انتشارات دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۷۹)، عضو شورای پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۸۲)، دبیر سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، مشاور مدیر کل پژوهش‌های کاربردی دانشگاه تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، عضو کمیسیون پژوهشی فرهنگی دانشگاه، معاونت پژوهشی دانشگاه (۱۳۷۵-۱۳۷۶)، دبیری سمینار توسعه فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، معاون اداری مالی، دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۳-۱۳۷۶) و مدیر کل پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۱-۱۳۷۲) را نام برد. «در دفتر انجمن، هر روز شاهد پیوستن افرادی به عنوان اعضای جدید هستیم و خانواده جامعه شناسی در حال بزرگ و بزرگتر شدن است. امسال با هدف سر و سامان دادن به عضویت‌ها، اعضای انجمن را به تجدید عضویت فرا خواندیم و بسیاری با انجمن تجدید عهد و پیمان کردند و خواستار تداوم ارتباط و فعالیت خود در انجمن شدند. تمایل روزافزون جامعه شناسان برای تقویت تعاملات انجمنی و داوطلبانه در حال گسترش است و به نظر میرسد بدین ترتیب یکی از بنیانهای مهم رشد جامعه شناسی، در ایران در حال تکوین است و اجتماع علمی جامعه

شناسان به بلوغ خود نزدیک شده است» فعالیت‌های آموزشی: دکتر معید فر سالهاست که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز می‌باشد. موارد تدریس وی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه‌شناسی انقلاب»، «مبانی تاریخ اجتماعی» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اقشار و گروه‌های آسیب پذیر»، «بینش‌های جامعه‌شناسی ۲»، «جامعه‌شناسی انقلاب»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه‌شناسی تاریخی»، «اقشار و گروه‌های آسیب پذیر»، «تغییرات فرهنگی»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: معید فر علاوه بر تدریس و پژوهش همایش‌های متعددی در حوزه علوم اجتماعی، را از جمله همایش توسعه فرهنگی، همایش توسعه و امنیت اجتماعی، همایش دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و... دبیری کرده است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر معید فر می‌گوید: «یکی از مناقشات مهم میان جامعه‌شناسان، این بوده است که آیا آنان در کنار وظایف علمی و آکادمیک، رسالت‌های اجتماعی نیز دارند یا نه؟ در این باره نظرات متعددی وجود داشته است. پارتو معتقد است جامعه‌شناسی در پی حقیقت رفتارهاست و نباید در جست‌وجوی فایده رفتارها باشد، بنابراین جامعه‌شناس مسئولیتی در برابر اجتماع ندارد. در حالی که دورکیم معتقد است جامعه‌شناسی اگر رسالت اجتماعی به عهده نداشته باشد و به درد بهبود حال جامعه نخورد ارزش یک ساعت کار کردن را هم ندارد. این مناقشه مستقیم یا غیر مستقیم در میان جامعه‌شناسان تداوم داشته است. حتی حوزه‌های فکری جامعه‌شناسی نیز اغلب متأثر از این دو رویکرد مخالف است. برای مثال در جامعه‌شناسی انگلستان به فایده این علم توجه شده است. به همین دلیل در آن کشور جامعه‌شناسی نقشی فعال در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، اجتماعی به عهده گرفته و اکثر آثار منتشر شده و حتی بزرگان جامعه‌شناس این کشور، ارتباط نزدیکی با حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی دارند. در کتابفروشی‌ها دیده می‌شود که بخش اعظم کتاب‌های جامعه‌شناسی، تحت عنوان سیاست اجتماعی طبقه بندی شده است. در کشورهای دیگری مانند فرانسه و آلمان، جامعه‌شناسی بیش‌تر وظایف معرفت‌شناختی به عهده گرفته و کم‌تر در صدد مداخله و سیاست‌گذاری مستقیم بوده است. اما در این کشورها نیز جامعه‌شناسان بزرگ در نقش رهبران فکری و روشنفکران ظاهر شده‌اند و رسالت‌های اجتماعی کلانی را در تغییر و تحولات اجتماعی عهده دار شده‌اند. در آمریکا نیز ترکیبی از این دو رویکرد وجود داشته است. همین‌طور که می‌دانیم به‌طور کلی جامعه‌شناسی که با نام سن سیمون و آگوست کنت کار خود را شروع کرد نیز در واکنش نسبت به تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب‌های اجتماعی و برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه خود ضرورت پیدا کرد و هر دوی این بنیانگذاران نیز خود را در برابر حوادث اجتماعی مسئول و رسالتی بر دوش می‌دانستند. به هر حال، جامعه‌شناسان به ویژه در عصر تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، در سطح خرد (کاربرد دانش اجتماعی در حل معضلات اجتماعی) یا کلان (رهبری فکری مبتنی بر یافته‌های علمی) مداخله فعال در سیاست‌گذاری اجتماعی را وظیفه خود دانسته‌اند. البته در اینجا شائبه سیاسی شدن دانش جامعه‌شناسی نیز وجود داشته و از جهات متعدد موجب نگرانی‌های به حقی بوده است. سیاست‌زدگی که آفتی حتی برای احزاب و گروه‌های سیاسی است و در جامعه ما نیز پیامدهای بسیار زشت آن را به ویژه در سال‌های اخیر و در عمل گروه‌های سیاسی شاهد بوده‌ایم، خطری است که از سوی دیگر باید متوجه آن بود. این همان افراط و تفریطی است که در هر نوع اعتقاد، نگرش یا رفتاری امکان بروز و ظهور دارد و باید از آن احتراز کرد. نمی‌توان به بهانه مداخله و سیاست‌گذاری در ورطه سیاست‌زدگی افتاد و نباید از ترس سیاست‌زدگی، به عالم انتزاع وانزوا فرو رفت و از هر نوع ایفای نقش فعال در صحنه اجتماعی اجتناب ورزید. به نظر می‌رسد که کار دشواری است. هم باید کاری کرد که معیارهای علمی و اصالت جامعه‌شناسی محفوظ بماند و هم باید با مداخله فعال در روند تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود و گرنه دیر یا زود اندیشه بی‌خاصیت بودن جامعه‌شناسی فراگیر خواهد شد. در واقع هر یک از جامعه‌شناسان به ویژه آنان که با علاقه و اشتیاق به سراغ این حوزه از دانش روی آورده‌اند، تحت تأثیر بزرگان و کنش‌گران فعال جامعه‌شناسی قرار داشته‌اند که در جامعه خود نقش آفرین بوده‌اند» چگونگی عرضه آثار: اما معیدفر علاوه بر

همه مشغله‌های مدیریتی و کارهای اجرایی از تحقیق و پژوهش در عرصه کاری اش بازنمانده و تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای متعددی را به انجام و سرانجام رسانده است. از آن جمله بررسی مهاجرت‌های روستایی استان همدان، بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی دانشجویان، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران، بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاهای کشور، میزان بهره‌مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان، نقش دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها، بررسی پدیده استفاده اعتیادی از اینترنت و پیامدهای آن در میان نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران و... و همچنین از جمله تحقیقات غنی و جذاب معیدفر درباره اخلاق کار در جامعه ایرانی بوده است. وی نگارش مقالات متعددی در نشریات تخصصی جامعه‌شناختی پرداخته است. از آن جمله است: جامعه‌شناسی معرفت، ۱۳۷۳، نامه علوم اجتماعی شماره ۷ ترجمه از لوئیس کوزر، مسأله اجتماعی و مسأله دینی خرداد، ۸۰، نشریه علوم سیاسی، معرفی و نقد کتاب روشه، گی: جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر شهریور، ۷۷، نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)، معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان تألیف غلامرضا صدیق اورعی مرداد، ۷۹، نشریه: پژوهش، ... آثار: بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن و ویژگی اثر: نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وی در این خصوص می‌گوید: «من در سال تحقیقی را در مورد «اخلاق کار» در واحدهای تولیدی و صنعتی انجام دادم و نیز در همین زمینه، تحقیقی در واحدهای دولتی انجام دادم و در هر دو تحقیق، تحصیلات یکی از پارامترهای بسیار مهمی بود که می‌توانست میزان اخلاق کار را در میان دو گروه جمعیتی تحصیلکردگان دانشگاهی و غیرتحصیلکردگان دانشگاهی تغییر بدهد. در آن دو تحقیق مشخص شد، میزان اخلاق کار تحصیلکردگان دانشگاهی یا کسانی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند، به طرز معناداری کمتر از کسانی بود که تحصیلات دانشگاهی نداشتند. یعنی برخلاف انتظار، کسانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند از اخلاق کاری بالاتری برخوردار بودند. فرض کنید اگر متوسط اخلاق کار در کل جمعیت از می شد وقتی که جمعیت را به دو بخش تحصیلکردگان بالای دیپلم و کسانی که در حد دیپلم و زیر دیپلم سواد داشتند تقسیم کردیم، مشاهده شد که برای مثال اخلاق کاری تحصیلکردگان حدود و اخلاق کاری دیپلمه‌ها و زیردیپلم حدود ۱/۲؟ به دست می‌آمد و هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رفت این کاهش اخلاق کار هم بیش‌تر می‌شد. برای سنجش اخلاق کار، ابتدا معیار و شاخصی را با عنوان شاخص سنجش میزان اخلاق کار (I.E.W.O) بومی کردیم و اعتبار و روایی آن را سنجیده و در واقع آن را بومی کردیم. برای مثال پاسخ‌ها در؟ گزینه آمده بود و ما این گزینه‌ها را مطابق اوضاع اخلاق کار در کشور، به؟ گزینه تقلیل دادیم تا اخلاق کار و ابعاد مختلف آن را در ایران بسنجیم. تا پیش از آن تصور می‌شد، اخلاق کار در جامعه ایران به نسبت جوامع توسعه یافته بسیار پایین است و به فرض گفته می‌شد که اخلاق کار ضعیف است. اما تحقیقات به عمل آمده نشان داد که اخلاق کار در ایران به طور تقریبی متوسط روبه بالا است و قابل قبول ارزیابی شد و فاصله بسیار زیادی با میزان اخلاق کار در کشورهای توسعه یافته ندارد.» ۲ بنیادهای نظریه اجتماعی؛ ترجمه منوچهر صبوری کاشانی ویژگی اثر: (۱۳۷۸) ۳ تفکر نظری در جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: (۱۳۷۵) ۴ جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر ویژگی اثر: (۱۳۷۷) ۵ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران و ویژگی اثر: (۱۳۸۵) ۶ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران و ویژگی اثر: نشر سرزمین ما، ۷ جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران و ویژگی اثر: (۱۳۷۹) ۸ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی و ویژگی اثر: (۱۳۸۳) ۹ فرهنگ کار نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و ویژگی اثر: ۱۳۸۰۱۰ نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: اثر پیترو ورسلی؛ کتاب نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی اثر پیترو ورسلی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و کتاب فرهنگ کار اشاره کرد. ۱۱ نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی و ویژگی اثر: اثر دانیلین لوزیک؛ مؤسسه

انتشارات امیرکبیر، تحلیل مسائل اجتماعی نوشته دانیلین لوزیکنیز نیز از سوی معیدفر ترجمه شده است. در این کتاب با طرح عمده ترین مباحث نظری در جامعه شناسی مسائل اجتماعی، چندین مسأله کلان اجتماعی ایران به عنوان کشوری در حال گذار با رویکردی کارکردگرا و انتقادی و تأکید بر عوامل عینی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

منابع زندگینامه: روزنامه ایران صبحه مهرگان ۱۴-۱۲-۱۳۸۵

مقدس جعفری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن مقدس جعفری در سال ۱۳۲۹ در شهر بروجرد به دنیا آمد. دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند وی تحصیلاتش را در رشته فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد و دوره کارشناسی ارشد و دکترای جامعه شناسی را در کشور هندوستان گذراند و در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه پونا این کشور مدرک دکترای خود را اخذ کرد وی عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان بوده است و هم اکنون حکم بازنشستگی خود را با درجه دانشیاری در سال ۱۳۸۵ دریافت کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسیگرایش: جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغوالدین و انساب: جد بزرگ مقدس جعفری، حاج ملارضا پنج نسل قبل از شهر محلات جهت حوزه علمیه بروجرد به این شهر مهاجرت کرده اند. و نسلهای بعد هم همگی از تحصیلات حوزوی برخوردار بودند. خاطرات کودکی: دکتر مقدس جعفری دوران کودکی خود را مانند هم نسلهای خود به درس و مشق و مدرسه مربوط میشود و تفاوتهای نوع زندگی کودکان و نوجوانان عصر حاضر و آن زمان را از خاطرات خود عنوان میکند و قابل توجه که از همین رو وی قصد دارد تا این خاطرات و وقایع را برای نسلهای جدید مدون کند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر مقدس جعفری می گوید: «در خانواده متوسط پایین با چهار برادر زندگی و رشد کرده ام. پدرم از صداقت ویژه ای برخوردار بود و به واقع نام صادق داشت زندگی اش سرشار از صداقت سادگی و ایمان و انساندوستی بود. مادر نیز مهربان و عطوفت را با تمام وجود به سویم کوچاند. خدایشان رحمت کند. برادر دوم که انسان وارسته ای است الگوی مناسب رفتاری و تحصیلی برای من بود و در زندگی بسیار مدیون او هستم.» تحصیلات رسمی و حرفه ای: دیپلم متوسطه رشته ادبی دبیرستان مهرگان بروجرد خرداد ۱۳۴۸ کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهمن ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه اسلامی علیگره هندوستان ۱۳۵۵ دکترای جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغ دانشگاه پونای هندوستان ۱۳۶۶ فعالیتهای ضمن تحصیل: کار برای امرار معایش در حین تحصیل، ورزش، مطالعه از فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است. استادان و مربیان: از دوران دبیرستان دکتر مقدس جعفری به برخی از نامها مانند: مرحوم مومنی، بهرامی، فدایی، ناظمی، و آقایان سیف باجلان فرخی، بهمن رازانی، همتی هوشنگ و... اشاره میکنند و از آنها تاثیرات فراوان گرفته است و از استادان مرحوم دکتر مشکوه الدینی، استاد جلال الدین آشتیانی، دکتر مجتهد زاده، دکتر علی شریعتی، دکتر زامیاری و آقایان دکتر ابراهیمی دینایی دکتر مهدوی دامغانی، دکتر صدر نبوی، پروفیسور عسگری، پروفیسور داملی، پروفیسور ساکسینا را میتوان نام برد. همسر و فرزندان: همسر دکتر مقدس جعفری دبیر دبیرستان است و دارای سه فرزند دو دختر و یک پسر هستند. که همگی مشغول تحصیل هستند. وقایع میانسالی: وی از وقایع این دوران را بیماریهای زودرس عنوان کرده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - رئیس دانشگاه ابوریحان بیرونی منطقه لرستان و خوزستان سال ۱۳۵۹ - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۷۴-۱۳۶۷ - سه دوره معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به

مدت ۹ سال ۸۴-۱۳۷۴ فعالیت‌های آموزشی: دکتر مقدس جعفری بیش از ۳۰ سال تدریس در مقاطع مختلف به ویژه مقاطع دانشگاهی را در دانشگاه مختلف کشور در کارنامه دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: - راه اندازی گروه علوم اجتماعی و مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید باهنر کرمان - راه اندازی گروه علوم اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره: - عضو هیئت تحریریه چند مجله علمی و دانشگاهی در سطح کشور - عضو در چند انجمن علمی و ادبی - عضویت در هیئت ممیزه دانشگاهی جنوبشرق گروه علوم انسانی از بدو تاسیس تا به حال و نیز مطالعه و پیاده روی از دیگر فعالیت‌های دکتر مقدس جعفری است. آرا و گرایشهای خاص: وی علاقه زیاد و ویژه ای به ایران و فرهنگ آن از جمله تاریخ، شعر، ادبیات، موسیقی و فلسفه و جامعه شناسی دارد. جوایز و نشانها: ۱- پژوهشگر نمونه دانشگاه کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲- پژوهشگر نمونه استان کرمان در سال ۱۳۷۷ ۳- دارای طرح نمونه پژوهشی فرهنگی استان در سال ۱۳۸۲ (ارشاد اسلامی کرمان) ۴- دارای طرح نمونه پژوهشی در خصوص فرهنگ و آموزشی عشایر در سطح ملی و کشور چگونگی عرضه آثار: دکتر مقدس جعفری دارای نزدیک به ۷۰ مقاله چاپ شده در مجلات علمی و ارائه شده در همایشهای علمی خارج و داخل کشور و نیز تعدادی نیز کارهای ژورنالیستی و رسانه ای در سطح روزنامه های محلی و ملی به چاپ رسانده است آثار: ۱ پوشش ایرانیان و ویژگی اثر: در این پژوهش عمدتاً به مساله پوشش ایرانیان از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است ۲ سلیمانها و ویژگی اثر: دانشگاه کرمان ۱۳۷۹، این اثر نتیجه دو سال مطالعه بر روی عشایر سلیمانی استان کرمان است که یکی از بزرگترین عشایر منطقه محسوب میشود. ۳. میمند میراث گرانقدر فرهنگی و ویژگی اثر: مقاله در باره روستای میند از توابع شهر بابک، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر مقدس جعفری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - خرداد ۱۳۸۶

مقدم، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن مقدم در سال ۱۲۸۷، در تهران به دنیا آمد. از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امور خارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود را به نام «جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان «مکتوب از امروز تا قاهره» در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. حسن مقدم سرانجام در سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فرو بست. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی والدین و انساب: حسن مقدم مشهور به علی نوروز، فرزند محمد تقی احتساب الملک، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن مقدم از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. زمان و علت فوت: حسن مقدم در سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فرو بست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امور خارجه

در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن مقدم در سال ۱۳۳۹ ق در استانبول با لاهوتی مجله ادبی «پارس» را در دو بخش فارسی و فرانسه منتشر کرد که سر دبیر و نویسنده بخش فرانسه آن نیز بود. وی تقریباً سراسر اروپا و قسمتی از آسیا و آفریقا را سیاحت کرد و آنچه را که در این مسافرت ها دید و دریافت در دفتر خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت نمود. مقدم در سوئیس به عضویت انجمن ادبی «بل لتر» در آمد و در آن انجمن با بسیاری از دانشمندان زمان ، مثل آندره ژید و استراوینسکی همکاری داشت. او آثار خود را به زبان های فارسی و فرانسه می نگاشت و با نام های مستعار و بیشتر به امضای علی نوروزی انتشار می داد. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود را به نام «جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان «مکتوب از امروز تا قاهره» در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. آثار : ایرانی بازی

میر شمس شهشهرانی، سهیلا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر سهیلا میرشمس شهشهرانی ، متولد ۱۳۲۷ ه.ش در تهران، دارای دکتری انسان شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۹۸۱ م و عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۷۰ می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعوالدین و انساب : سهیلا میرشمس شهشهرانی دارای دو برادر است که آنها ریاضیدان هستندخاطرات کودکی : سهیلا میرشمس شهشهرانی قبل از رفتن به آمریکا چنین می گوید: فکر می کردم روانشناسی بخوانم. تصورم این بود که رشته روانشناسی، یک رشته خیلی جذاب است ولی وقتی در بهار سال ۱۹۵۶ به خارج رفتم، کم کم علایقم تغییر کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم: ۱۳۴۵ / آمریکا. کارشناسی: فلسفه / ۱۳۴۸ / دانشگاه کالیفرنیا، برکلی. کارشناسی ارشد: انسان شناسی / ۱۳۵۲ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ. دکتری: انسان شناسی / ۱۳۶۰ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ است. خاطرات و وقایع تحصیل : سهیلا میرشمس شهشهرانی در باره تعیین رشته خود چنین میگوید: قبل از رفتن به آمریکا، عمدتاً با روانکاوی آشنا بودم و فکر می کردم که روانکاو خواهم شد. من از طریق برخی مقالات و دایره المعارف فهمیده بودم که روانکاوی چه هست ولی وقتی که در آمریکا، آثاری بیش تر را مطالعه کردم، دیدم روانکاوی آن طور که دوست داشتم، جذاب نیست. در دانشگاه هم وارد رشته فلسفه شدم. در ترم اول که ترم تابستانه بود، فقط یک درس را گرفتم و آن هم کتاب جمهوری افلاطون بود. بعد از اخذ مدرک لیسانس فلسفه، به نیویورک رفتم و در کلاس یکی از معروف ترین استادان انسان شناسی شرکت و به این رشته علاقه پیدا کردم. البته دپارتمان انسان شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، بسیار معروف بود ولی من در دوره لیسانس به انسان شناسی علاقه نداشتم. وقایع میانسالی : سهیلا میرشمس شهشهرانی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه علوم اجتماعی پذیرفته شد و وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری دارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهیلا میرشمس شهشهرانی عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر مجله انسان شناسی، و سردبیر مجله فرهنگ انسان و معاون کنونی مجمع بین المللی علوم انسان شناسی و قوم شناسی می باشد. آرا و گرایشهای خاص : سهیلا میرشمس شهشهرانی معتقد است: انسان شناسی نسبت به یک جامعه شناخت می دهد. ممکن است توانمندی های جامعه موضوع تحقیق باشد و یا این که کسی بخواهد ضعف ها را نشان دهد.

میرزایی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد میرزایی

محل تولد: میاندوآب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۵/۱۰

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری ۱۳۷۴ در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه ۱۳۷۴). در مدت ۵ سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۹ عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال ۱۳۸۳ دوره لیسانس را همزمان با اتمام پایه ۱۰ به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه ۳ سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

نورانی، امیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر نورانی مکرم دوست

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای امیر نورانی مکرم دوست در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت

«علیهم السلام» در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد.

از سوی دیگر به شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل‌البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی»، «آیت الله استاد پایانی»، «استاد آل‌غفور»، «استاد حسینی خراسانی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل‌نماند و در رشته «جامعه‌شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و با موفقیت از پایان‌نامه خویش با عنوان: «بررسی باورهای دینی در ارتباط نوسازی» دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم‌اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه گیلان، نیز در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد.

نیک‌گهر، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین نیک‌گهر، استاد دانشگاه، جامعه‌شناس و مترجم، به سال ۱۳۱۶ در شهر تالش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۲ به خاطر شغل پدر ساکن رشت شد و دبستان و دبیرستان را در بهترین مدارس رشت گذراند. بعد از پایان دوره دبیرستان بی‌درنگ در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و توانست در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی اش را دریافت کند. در سال ۱۳۳۹ به خاطر موفقیت و کسب رتبه اول به فرانسه اعزام شد. از همراهان او می‌توان به دکتر علی شریعتی اشاره کرد. در سال ۱۳۴۳ مدرک دکترای جامعه‌شناسی اش را از دانشگاه سوربن کسب کرد. بعد از بازگشت از فرانسه مدتی در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه‌شناسی تدریس می‌کرد و مدتی بعد به دانشگاه تهران منتقل شد. و در امتحان استادیاری آن دانشگاه که در سال ۱۳۴۷ برگزار شد شرکت کرد و توانست در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شود. در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه-انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام او توانست مدرک دکترای دولتی جامعه‌شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. عبدالحسین وی اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. نیک‌گهر با پشتکار خود تاکنون توانسته یک‌تنه آثار بسیاری در زمینه تألیف و ترجمه از خود به جا بگذارد به طوری که همه کتاب‌هایش مورد استقبال و توجه بسیاری از اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار گرفته است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در رشت، دیپلم ششم ادبی دبیرستان مروی تهران ۱۳۳۵ - لیسانس فلسفه و علوم تربیتی، دانشجوی رتبه اول از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ و اعزام به فرانسه - دکترای جامعه‌شناسی دانشگاهی از سوربن ۱۳۴۳ - اعزام به فرانسه و اخذ دکترای دولتی جامعه‌شناسی از سوربن ۱۳۵۴ خاطرات و وقایع تحصیل: در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه-انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل

تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام نیک گهر توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. هم دوره ای ها و همکاران: نیک گهر، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده است و از دوستان او می توان مرحوم دکتر احمد تفضلی، بهمن سرکاراتی زبان شناس نام برد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نیک گهر در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵ رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ مدیر گروه آموزشی جامعه شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۸ رئیس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران بوده است. اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. فعالیتهای آموزشی: دکتر نیک گهر تدریس در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ را در کارنامه خود دارد و همچنین وی استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۰، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ و راهنمایی ده ها پایان نامه در دوره کارشناسی ارشد و دکتری بوده است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: سابر فعالیتهای دکتر نیک گهر علاوه بر تالیف و ترجمه، طرح و اجرای بیش از یکصد طرح پژوهشی در مؤسسات تحقیقاتی؛ موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی ۱۳۷۰-۱۳۷۹، پژوهشگاه نیرو ۱۳۸۲-۱۳۸۳ و مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی از ۱۳۷۵ تا امروز است. آرا و گرایشهای خاص: نیک گهر معتقد است: «هرشری را می توان به خیری تبدیل کرد». عبدالحسین نیک گهر معتقد است: «جهانی سازی اگر آگاهانه صورت نگیرد، فرهنگ ها را در مقابل هم قرار می دهد. تنها با داشتن علم اطلاعات نمی توانیم با همدیگر رابطه برقرار کنیم. انسان ها نیاز به شناسایی فرهنگ های مختلف دارند. با شناختن فرهنگ یکدیگر می توانیم به همدیگر ارزش قائل شویم و از باید و نباید های یکدیگری آگاه شویم. اگر پیام از شمال می آید مردمان سرزمین جنوبی قادر به درک آن پیام نیستند. زیرا فضا و مکان و زمان فرستنده پیام با فضا، مکان و زمان گیرنده پیام یکسان نیست که واکنش های تأسف باری به وجود می آورد. در واقع یازده سپتامبر یک هشدار است که تنها اطلاعات شبکه ای نمی تواند دنیا را به هم وصل کند و آنها را نزدیک گرداند و به یک سو که همان صلح جهانی است هدایت کند. صلح جهانی و تفاهم جهانی آرزویی که با این روش هیچگاه محقق نمی شود. در این راستا، باید با برنامه ریزی فرهنگی و طرح های فرهنگی انسان ها را به سمت ارتقای فرهنگی هدایت کرد و گرنه گسیختگی فرهنگی نتایج ناگوار و سختی به بار می آورد.» چگونگی عرضه آثار: او با آن که در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شده اما با ارائه طرح های تحقیقاتی و داشتن بیش از سی جلد تألیف و ترجمه توانسته است در حوزه کاری اش مؤثر باشد. او تألیفات و ترجمه هایش را به منظور پر کردن فضاها و خلأهای کتب درسی مورد تدوین و تألیف قرار داده و در این زمینه نیز بسیار موفق بوده است. زیرا تألیفات و ترجمه هایش چندین چاپ به خود دیده اند و این مسأله خود گواه همین امر است. آثار: آینده آزادی و ویژگی اثر: ترجمه، ژان ماری گنو، ۲ پایان دموکراسی و ویژگی اثر: ماری گنو، ۱۳۸۱۳ تکاپوی جهانی و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژان - ژاک سروان شرایبر (چاپ هفتم) ۴ جامعه شناسی تالکوت پارسونز و ویژگی اثر: ترجمه، اثر گی روشه ۵ جامعه شناسی شهر و ویژگی اثر: ترجمه، اثر یانکل فیالکوف انتشارات آگه. کتاب «جامعه شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه مندان قرار گرفته است. این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش هایی که در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می شود. اهل حرفه، جامعه شناسان، جغرافی دانان، انسان شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش های شان به مرور زمان به عمق اندیشه ما درباره شهر افزوده اند. این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی. عبدالحسین نیک گهر با روحیه بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار

عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می‌کند. «جامعه‌شناسی ورزش» اثر ژاک دو فرانس نیز عنوان دیگری از ترجمه‌های عبدالحسین نیک گهر است که توسط نشر توتیا به بازار کتاب آمده است. نیک گهر معتقد است: «جامعه‌شناسی ورزش رشته‌ای نوپا و در حال بالندگی است. جامعه‌شناسان به اهمیت بازی‌ها و ورزش‌ها، به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی پی برده‌اند و به ورزش به عنوان رفتار و «عادت واره‌ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می‌دهد، توجه نشان می‌دهند. این کتاب نیز همچون دیگر ترجمه‌های نیک گهر مورد استقبال و توجه اساتید و دانشجویان علاقه‌مند به عرصه‌های جدید پژوهشی در جامعه‌شناسی قرار گرفته است. ۶ جامعه‌شناسی ماکس وبر ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژولین فروند (چاپ سوم ۷ جامعه‌شناسی هنر و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ناتالی هینیک انتشارات آگه. «جامعه‌شناسی هنر» اثر ناتالی هینیک نیز یکی دیگر از تألیفات نیک گهر است. جامعه‌شناسی هنر، دانشی میان رشته‌ای است که با تاریخ فرهنگی، زیبایی‌شناسی، تاریخ هنر، انسان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انتقادی، جامعه‌شناسی پیمایشی و... مرزهای مشترک و نامشخص دارد. این کتاب، نخستین درسنامه جامعه‌شناسی هنر به زبان فارسی است که درونمایه آن را نه «هنر و جامعه»، نه «هنر در جامعه»، بلکه «هنر به مثابه جامعه» تشکیل می‌دهد. در این کتاب مؤلف از مرور رویکردهای متفاوت به موضوع هنر، از جمله رویکرد زیباشناختی، تاریخی و انتقادی و بیان دستاوردهای هر یک از آنها و نقد عالمانه مدل‌های تحلیلی گذشته که بر خلاف متعارف «شفافیت‌شان با بهره‌وری واقعی‌شان نسبت معکوس دارد»، رویکردهای امروزی را که کمتر بار ایدئولوژیکی دارند و نیز کمتر معرف حضور متخصصان هستند، معرفی می‌کند. نیک گهر با ترجمه سه‌گانه جامعه‌شناسی هنر، جامعه‌شناسی ورزش و جامعه‌شناسی شهر در راستای تازه و نو کردن فضای آموزش عالی حوزه‌های جامعه‌شناسی گام مهمی برداشته است که خدمتی بسیار ارزنده و قابل تقدیر است. ۸ جامعه‌شناسی ورزش و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژاک دو فرانس انتشارات آگه ۹ خاطرات ریمون آرون و ویژگی اثر: ترجمه، (جلد، صفحه)، ۱۰ روش تحقیق در علوم اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون کیوی و... (چاپ چهاردهم انتشارات توتیا. یکی از ترجمه‌های بسیار روان عبدالحسین نیک گهر «روش تحقیق در علوم اجتماعی» اثر ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود است. این کتاب ترجمه یکی از جدیدترین کتاب‌های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی است. مؤلفان کتاب، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود از استادان دانشگاه و محققان سرشناس بلژیکی هستند که علاوه بر تدریس نظری و تحقیق کاربردی، عمری را در مؤسسات تحقیقات دانشگاهی صرف تربیت محققان اجتماعی کرده‌اند و این کتاب حاصل تجربه‌های چندین ساله این استادان است که در این سالیان به دست آمده است. البته گفتنی است که ترجمه ساده و روان نیک گهر موجب شده این اثر با استقبال ویژه‌ای روبرو شود. ۱۱ شوربختی روس و ویژگی اثر: ترجمه، هلن کارردانکوس، ۱۲ فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو چاپ اول فرهنگ معاصر. «جامعه‌شناسی ماکس وبر» اثر ژولین فروند را می‌توان نام برد. «فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی» اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، از تازه‌ترین آثار ترجمه عبدالحسین نیک گهر است که به تازگی توسط فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است. این فرهنگ مدخل است که موضوع‌های آن در گروه خانگی زیر دسته بندی شده است -? :طبقات بزرگ پدیده‌های اجتماعی (مانند تعارض‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و...?) انواع وجوه اصلی سازمان اجتماعی (مانند دیوانسالاری، سرمایه‌داری و...?) مفاهیم عمده خاص جامعه‌شناسی (نابسامانی اجتماعی، کاریزما و...?) مفاهیم متداول و مشترک چندرسانه (ساخت، نظام -?) پارادایم‌ها و نظریه‌ها (ساخت‌گرایی، کارکردگرایی، فرهنگ‌گرایی و...?) مسائل نظری عمده اجتماعی (نظارت اجتماعی، قدرت، اقتدار و...?) مسائل عمده معرفت‌شناسی (عینیت، پیش‌بینی، نظریه و...?) بنیانگذاران عمده جامعه‌شناسی (دورکیم، ماکس وبر، اسپنسر، زیمل و...?) نیک گهر ترجمه این کتاب را شروع می‌کند و با وسواس علمی و دقت آن را به پایان می‌رساند. او در این مدت با همت و حوصله و رویکردی متفاوت ترجمه این اثر ارزنده را به علاقه‌مندان علوم اجتماعی و محققان ارائه کرده است و تلاش او بسیار ستودنی است.

نیک گهر معتقد است: «ما تولید فرهنگی نداریم، اما تولید مادی داریم» و از نظر او تولید مادی چاپ کتاب و خوانده شدن کتاب تولید فرهنگی است. او با امید ایجاد شرایطی برای تولید فرهنگی با پشتکار و همتی متعالی دست به تألیف و ترجمه کتاب‌های بسیار مفید زده و می‌زند. ۱۳ فرهنگ علوم اقتصادی - بازرگانی، اداری و ویژگی اثر: تألیف ۱۴ مبانی جامعه‌شناسی ویژگی اثر: تألیف چاپ پنجم ۱۵ منطق کنش اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون بودون

وثوقی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منصور وثوقی در سال ۱۳۲۰ در برازجان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴ می‌باشد. نامبرده هم‌اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی منصور وثوقی به قرار زیر است: - دیپلم متوسطه طبیعی در سال ۱۳۳۹ - کارشناسی رشته علوم اجتماعی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ - کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ - دکترای رشته جامعه‌شناسی دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴ همسر و فرزندان: منصور وثوقی متاهل و دارای ۳ فرزند می‌باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق شغلی و مدیریتی دکتر منصور وثوقی به قرار زیر است: - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران" از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶ - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران" از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ - سرپرست بخش تحقیقات روستایی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۱ - استادیار گروه آموزشی جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۹ - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ - معاون اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ - معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا کنون - مدیر گروه توسعه روستایی دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۱ تا کنون - عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسه زبان (A.I.S.L.F) - عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو انجمن انسان‌شناسی ایران فعالیت‌های آموزشی: موارد مورد تدریس در دانشگاه: مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی روستایی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تغییرات اجتماعی، مسائل اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی تاریخی ایران در مقطع کارشناسی ارشد: سمینار جامعه‌شناسی روستایی، اندیشه‌های اجتماعی معاصر، بینش‌های جامعه‌شناسی، نظام‌های بهره‌برداری در مقطع دکترا: جامعه‌شناسی ایران، سمینار مسائل توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران چگونگی عرضه آثار: - تألیف ۵ عنوان کتاب - تألیف حدود ۱۰ مقاله بزبانهای فارسی و انگلیسی - همکاری در انجام بیش از ۱۰ طرح پژوهشی، انجام حدود ۱۰ طرح پژوهشی آثار: ۱ تعاونی‌های روستائی منطقه تهران ویژگی اثر: موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی ۱۳۴۸۲ تغییرات اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: گی‌روشه، منصور وثوقی (مترجم) ناشر: نشر نی - ۱۵ مرداد، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۶۶، چاپ هفدهم ۱۳۸۴ انتشارات نی ۳ جامعه‌شناسی روستایی ویژگی اثر: چاپ اول ۱۳۶۶، چاپ دهم ۱۳۸۲ - انتشارات کیهان ۴ جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهرداد رزاقی، منصور وثوقی (مترجم)، حسن ملک (مترجم) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۵ مبانی جامعه‌شناسی ویژگی اثر: پدیدآورنده: منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق ناشر: بهینه - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۷۰، چاپ بیست و دوم (ویرایش جدید) ۱۳۸۳ - انتشارات بهینه ۶ مبانی جامعه‌شناسی

۱، رشته علوم اجتماعی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: منصور وثوقی ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۲ ۷ مفاهیم اساسی توسعه ویژگی اثر: در دست چاپ

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه توسط دکتر منصور وثوقی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی زمستان ۱۳۸۴

یعقوبی، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد: بروجن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصرأ در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد: بروجن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خاهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

جغرافیا، باستان شناسی

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم عبیدالله، اصلاً ایرانی بود، و در علم جغرافیا مهارت داشت (ف. ۳۰۰ ه.ق.). کتاب معروف او المسالك والممالك (ه.م.) در جغرافیاست.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۰۰ / ۲۸۰ - ۲۰۵ ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدربزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالك والممالك» یا «تاریخ ابن خردادبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد.

این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن فقیه، مقدسی، ابن حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللہو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهره انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۲۹-۲۸)، الاعلام (۴/ ۳۴۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۰-۳۴۹/ ۱)، تاریخ گزیده (۶۹۷)، تاریخ موسیقی (۵۵۷/ ۲، ۱۳۱، ۷۳، ۵۸/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۲۷/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۹-۵۲۸/ ۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۷/ ۱)، دائرةالمعارف فارسی (۱۸/ ۱)، ذیل تاریخ بغداد (۱۳-۱۱/ ۱۷)، ریحانه (۴۹۸-۴۹۷/ ۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۹/ ۱)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۲۴۵)، کارنامه بزرگان (۳۱-۳۰)، کشف الظنون (۱۶۶۵، ۲۷۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابن خرداذبه)، معجم المؤلفین (۲۳۶/ ۶)، هدیه العارفين (۶۴۵/ ۱).

ابن رُسته، ابوعلی احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ح ۳۰۰-۲۹۰ ق)، دانشمند و جغرافیدان. درباره‌ی زندگینامه‌ی وی فقط از روی تنها اثرش اطلاعاتی به دست آمده است. در اصفهان متولد شد. در ۲۹۰ ق به مکه رفت و در همان جا میان سالهای ۲۹۰ تا ۳۰۰ ق دانشنامه‌ی جغرافیایی گسترده‌ای به نام «العلاق النفیسه» نوشت که تنها جلد هفتم آن باقی مانده است. در نوشتن این دانشنامه از اقوال دانشمندانی چون احمد بن کثیر فرغانی، احمد بن طیب سرخسی و کتابهای ابو عبدالله جیهانی و ابن خرداذبه سود جسته است. ابن رسته از جغرافی‌نویسان مکتب عراق است و برای تأیید نظریات نجومی خود مکرراً به آیات قرآنی استشهاد کرده وی جغرافیای توصیفی خود را از مکه و مدینه به شیوه‌ای بسیار منظم و علمی آغاز کرده است. کتاب با جغرافیای ریاضی (کیهان نگاری) آغاز می‌شود و در آن به وضع زمین در جهان و شکل و اندازه و کرویت آن اشاره شده است. ابوعلی در جغرافیای سرزمینها از سرزمینهای اسلامی فراتر رفته و درباره‌ی سرزمین خزرها، بلغارها، اسلاوها و روسها نیز بحث کرده است و حتی روایت محمد بن اسحاق را از کشور خمرها (کامبوج کنونی) آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ اصفهان (۹)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۲۹-۲۲۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۵-۵۷۴/ ۴)، لغت‌نامه (ذیل / ابن رسته)، معجم المؤلفین (۳۱/ ۲)، مقدمه بر تاریخ علم (۷۳۴/ ۱).

ابن سراویون، سهراب

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، جغرافی‌نویس. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. تنها اثر بازم آمده از وی کتاب «عجائب الاقالیم

السبعه» است که میان سالهای ۲۸۹ تا ۳۳۴ ق نوشته است. چنان که خود می‌گوید، بیش از همه از کتاب «صورة الارض» خوارزمی سود جسته است. گستردگی دانش وی درباره‌ی بغداد، رودها و جویبارهای آنجا نشان از آن دارد که وی مدتهای مدیدی در بغداد اقامت داشته است. اطلاعات وی درباره‌ی کوهها، رودها، راههای زمینی و دریایی چنان دقیق است که لسترنج از روی آنها نقشه‌ی بغداد را در قرون وسطی تهیه کرده است. ابن سراپیون روش نقشه‌کشی را با تصویر استوانه‌ای شرح داده است. از بسیاری جاها، مانند بعلبک و کشمیر برای نخستین بار در کتابش سخن رفته است. کتابهای ابن سراپیون و خوارزمی مکمل یکدیگرند، چنانکه یکی از استادان دانشگاه علیگره نقشه‌ی مفصل دنیا را بدان‌گونه که ایشان وصف کرده‌اند ترسیم کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۲۵-۶۲۴/۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۱/۷۳۳).

ابن فقیه همدانی، ابوبکر، ابو عبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۳۴۰ ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان» [۱].

ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جغرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال ۲۹۰ ه. ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن فقیه از جیهانی گرفته است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احسن التقاسیم (۷-۶/۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱/۱۳۸)، ریحانه (۱۴۱-۱۴۰/۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵ و ۷۶۷-۷۶۶/۶)، مقدمه بر تاریخ علم (۱/۷۳۴).

اصطخری فارسی، ابواسحاق ابراهیم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۴۶ ق)، جغرافیدان. معروف به کرخی. در استخر فارس متولد شد و پس از تحصیل فنون مختلف به تحصیل دانش جغرافی پرداخت و امام جغرافیدانان عرب شد. ابواسحاق بیشتر سرزمین‌های اسلامی و کشورهای مجاور آن را سیاحت کرد و اوضاع و احوال اکتشافی خود را ضبط نمود و در کتابی به نام «صور الاقالیم» به رشته تحریر درآورد. از دیگر آثار وی: «المسالک و الممالک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۵۸)، ایضاح المکنون (۲/۴۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۳۵۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۱)، دائرةالمعارف البستانی (۷۴۵-۷۴۴/۳)، الذریعه (۲۰/۳۷۷)، ریحانه (۱۴۲-۱۴۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل / اصطخری)، معجم المؤلفین (۱/۱۰۴)، هدیه

العارفین (۶/۱).

افشین، یدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله افشین در سال ۱۳۲۳ در شهر مرزی ماکو به دنیا آمد. ایشان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۷ با اخذ لیسانس و درجه ستوان دومی فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۶۵ به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود. نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل ۱۴ سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد. کتاب مذکور، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای: یدالله افشین تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده افسری شد و در سال ۱۳۴۷ با اخذ لیسانس و درجه ستواندومی فارغ التحصیل گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: یدالله افشین در سال ۱۳۶۵ به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود. نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل ۱۴ سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد. جوایز و نشانها: کتاب "رودخانه های ایران" تألیف، یدالله افشین، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: ۱ رودخانه های ایران ویژگی اثر: تألیف، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «رودخانه های ایران»: رودخانه های ایران؛ یدالله افشین؛ تهران: وزارت نیرو، ۱۳۷۳. افزایش سریع جمعیت کشور، وضع نابسامان عرضه موارد غذایی در بازارهای جهانی و بهره گیری قدرتهای بزرگ از غذا به عنوان حربه سیاسی، خودکفایی مملکت را در این زمینه به منظور حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی گریزناپذیر ساخته است و در این راستا، استحصال و تأمین آب کافی برای توسعه کشاورزی و صنعت و مصارف روستایی و شهری را در رأس برنامه ها قرار داده است. نگاهی به کتاب «رودخانه های ایران»، نشان می دهد چه حجم عظیمی از آبهای با ارزش رودخانه ها از کشور خارج می شود و به ممالک همجوار یا دریاها می ریزد و یا در دل کویرها و دشتها و باتلاقها فرو می رود و استفاده از این آبهای به هدر رفته، چه امکانات گسترده ای برای گسترش کشاورزی و صنعت فراهم می کند. کتاب حاضر حاوی شرح مشخصات، ویژگیها و امکانات بالقو؟ نزدیک به ۳۵۰۰ رودخان؟ بزرگ و کوچک ایران از سرچشمه تا مصب است. مطالب کتاب با نگاهی به ۴ حوزه آبگیر اصلی ایران، براساس ۱۲ حوزه کوچک و بزرگ تقسیم و عرضه شده و حوزه ها و رودهای هر حوزه و شاخه های هر رودخانه به صورت الفبایی تنظیم گردیده است. این کتاب در ۲ مجلد با مقدمه کامل و فهرست راهنمای الفبایی نام رودخانه ها و منابع و مآخذ، همراه با تعدادی عکس و نقشه جغرافیایی چاپ و منتشر شده است

امیرلو، عنایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنایت الله امیرلو در سال ۱۳۲۳، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۵ به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان شناسی دوره سنگ پی گرفت. عنایت الله امیرلو از سال ۱۳۴۷ به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: عنایت الله امیرلو پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۵ به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان شناسی دوره سنگ پی گرفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عنایت الله امیرلو از سال ۱۳۴۷ به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: عنایت الله امیرلو در تاسیس گنجینه اشیاء و ذخایر باز یافته موجود در میراث فرهنگی استان و تهیه برای اشیاء مکشوفه قاچاقچیان همکاری داشته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عنایت الله امیرلو پس از اتمام تحصیلات خود، در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و فعالیت علمی خود را دنبال نمود. وی در دوران حیات خود فعالیت های ذیل را به انجام رسانده است: - شرکت در کاوش های تپه قطریه تهران - شرکت در کاوش های معبد آناهیتا کنگاور - شرکت در کاوش های شهر ساسانی - اسلامی سیراف بوشهر - شرکت در کاوش های تپه سه گابی، تویسرکان - بررسی شهرستان دماوند (کشف محوطه ای از دوره پارینه سنگی در روستای قلعه عسگر دماوند)، سه فصل - بررسی منطقه قاضی میرجعفر یزد - کاوش در فهرج یزد آثار: باستان شناسی اسرائیل، به مثابه ابزاری در خدمت صهیونیسم ویژگی اثر: با همکاری مصطفی تنها، موزه، ش ۳۲ و ۴ سالیابی محوطه های باستانی ایران به روش کربن ۱۴ ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - سال دوم، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۳ قلعه عسگر دماوند تهران ویژگی اثر: راهنمای نمایشگاه دومین گردهمایی باستان شناسی ایران - تهران ۱۳۷۶ کاربرد ریاضیات در پژوهشهای باستان شناسی ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - سال هفتم ش ۱ و ۲، یادنامه هلن کنتور ۵ مقدمه ای بر مطالعات دروان سنگ و ویژگی اثر: فروهر (نشریه سازمان فروهر)، ش ۴، شهر یور ۱۳۶۳ نگاهی به فرهنگهای کهن سنگی ایران ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۵

منابع زندگینامه: نشریه باستان پژوهان، «ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران»، زمستان ۱۳۷۹

آذرنوش، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود آذرنوش در سال ۱۳۲۴ در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی در دانشگاه

تهران گذراند و برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود و در آنجا موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه کالیفرنیا شد. رساله دکترای آذرنوش در خصوص هنر ساسانی در شرق فارس و منطقه حاجی آباد بوده است. ایشان علاوه بر سوابق پژوهشی میدانی و تدریس در دانشگاه‌های تهران از تالیفات متعددی به زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه برخوردار است از جمله سوابق اداری ایشان می‌توان به مسئولیت معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی اشاره نمود. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی والدین و انساب: مسعود آذرنوش در ۵ فروردین ۱۳۲۴ در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مسعود آذرنوش پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، مشغول به تحصیل در رشته باستان‌شناسی پرداخت، و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران شد. وی پس از خدمت وظیفه مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی شد و در سال ۱۳۵۳ پایان‌نامه خود را با عنوان (تمدن و هنر هیئت) موفق به دریافت درجه کارشناسی ارشد شد. در سالهای پس از انقلاب برای تحصیل به اروپا و سپس آمریکا عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۶ رساله دکترای خود را با عنوان: هنر ساسانی در شرق فارس» کوشهای حاجی آباد در نزدیکی داراب، ایران» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا ارائه داد. زمان و علت فوت: مسعود آذرنوش زمانی که از مأموریت اداری از هگمتانه همدان به تهران بازگشته بود، در اثر سکته قلبی در هفتم آذر ماه ۱۳۸۷ دارفانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اجرایی و اداری مسعود آذرنوش از سال ۱۳۴۹-۱۳۷۵ به شرح زیر می‌باشد: - سرپرست هیئت‌های کاوش و بررسی، مرکز باستان‌شناسی ایران ۱۳۴۹-۵۹ - استادیار موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از ۱۳۷۵. - عضو انجمن ایران‌شناسی اروپا. - مشاور مجله باستان‌شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی. همکار مجله کتابشناسی انتقادی چکیده‌های ایران‌شناسی (Abstracta iranica) مدیر گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران. بورس تحقیقاتی از موسسه باستان‌شناسی آلمان، برلن، ۱۳۶۵. بورس تحقیقاتی از موزه پلیتن، نیویورک ۶۷-۱۳۶۶. انجمن حفظ آثار باستانی و بناهای تاریخی ایالت بروکسل، بلژیک، ۷۴-۱۳۷۳. فعالیتهای آموزشی: مسعود آذرنوش در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی تهران دروس زیر را تدریس کرده است: باستان‌شناسی اشکانی، باستان‌شناسی ساسانی، باستان‌شناسی یونان و روم، روش کاوش و بررسی (نظری و عملی) و تاریخچه باستان‌شناسی. سایر فعالیتهای و برنامه‌های روزمره: مسعود آذرنوش در سالهای ۱۳۴۵-۵۷ حضور فعالی در کاوشها و بررسی میدانی ایران داشت چنانکه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت‌الله نگهبان، ۱۳۴۶. - استان خراسان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت‌الله نگهبان، ۱۳۴۷. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی سیف‌اله کامبخش فرد، ۱۳۴۷. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت‌الله نگهبان، ۱۳۴۸. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه دانشجو - کار آموز، به سرپرستی سیف‌الله کامبخش فرد، ۱۳۵۱. - کاوشهای مسجد سلیمان، نماینده مرکز باستان‌شناسی ایران، به سرپرستی ر.گیرشمن، ۱۳۵۲. - شرکت در کاوشهای کنگاور، مسوول کارگاه، به سرپرستی سیف‌الله کامبخش فرد، ۱۳۵۲. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، معاون هیئت، به سرپرستی عزت‌الله نگهبان، ۱۳۵۳. - کاوش کردار تپه، نماینده مرکز باستان‌شناسی ایران، به سرپرستی ک. کرمر، ۱۳۵۳. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه، مسئول کارگاه، به سرپرستی سیف‌اله کامبخش فرد، ۱۳۵۳. - شرکت در کاوشهای شوش مسوول کارگاه شاتور، به سرپرستی ژ.پر، ۱۳۵۵. - کاوشهای گورستان محوطه سنگ شیر و تپه هگمتانه همدان، سرپرست هیئت، ۱۳۵۵ - کاوشهای کنگاور و در چال، سرپرست هیئت، ۱۳۵۶. - بررسی‌های حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۵۴. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۵۷. - کاوشهای کنگاور کرمانشاه، سرپرست هیئت، ۱۳۵۷. - کاوشهای حاجی آباد (میل نقاره و چهار ستون) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۷۶. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۷۷. - کاوشهای ابراهیم آباد قزوین (کاوش آموزشی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)، سرپرست

هیئت، ۱۳۷۹. چگونگی عرضه آثار: مسعود آذر نوش نتایج مطالعات و پژوهشی های باستان شناسی خود را در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی عرضه نموده است، از جمله این همایش ها عبارتند از: - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران (مونخ، آلمان) - سمپوزیوم های چند گانه باستان شناسی و هنر ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب (تهران)؛ - موزه مترو پلین (نیویورک، آلمان) - کلوپ باستان شناسی دانشگاه کلمبیا (نیویورک، آمریکا) - موزه های سکالر و فریر (واشنگتن، آمریکا). - همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو (پاریس، فرانسه) - همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو و پژوهشگاه علوم انسانی (تهران) - نخستین (تورین، ایتالیا)؛ دومین (بامبرگ، آلمان) و چهارمین (پاریس، فرانسه) کنفرانس اروپایی پیرامون پژوهش های ایران شناسی. آثار: A New sasanian temple in eastern Iranica antiqua ۱۹۸۴۲ : اثر و پژوهشی اثر : In the akten des VII. Internationalen kongresses fur iranische kunst and archaeologie , munchen publish ۱۹۷۹۳ Excavations at hagiabad first preliminary report, Iranica Antiqua ۱۹۸۳۴ : اثر و پژوهشی اثر : Excavations at kangavar Archaeologische mitteilungen aus iran ۱۹۸۱۵ From : اثر و پژوهشی اثر : persepolis to al - fustat: continuation of achaemenid architectural concepts in the proceedings of the second european conference of iranian studies , bamberg , ۳۰th september to ۴th october , ۱۹۹۱, Publish in ۱۹۹۵۶ hagi abad residence sassanide dans le dossier de l'archeologie empires perses , d alexandre aux sassanides : اثر و پژوهشی اثر : Hamedan, survey of Excavations in iran ۱۹۷۳-۷۴ Kangavar, iran, ۱۹۷۵۸ : اثر و پژوهشی اثر : kngavar un temple seleucide d anahita devient un monument dans le dossier de l'archeologie empires perses d alexandre aux sassanides : اثر و پژوهشی اثر : la more de gulien I apostat selon les sources iraniennes internationale des etudes byzantines ۱۹۹۲۱۱ les fouilles de hagi abad orientale , mesopotamie et iran meridional de l age du fer au debut de la period islamique Mil-e naqarah hanah , complex of two cahar taps in eastern fars Archeologia iranica et orientalis miscellanea in honorem louis vanden berghe ۱۹۸۹۱۳ Parthian and sassanian stucco In the splendor of iran ۱۴ sapur II ardashir II, ans : اثر و پژوهشی اثر : Another Perspective sapur III : Archaeologische mitteilungen aus iran ۱۹۸۶۱۵ sassanian architecture In the splendor of iran ۱۶ sassanian Art in Eastern fars : the : اثر و پژوهشی اثر : Excavation of a manorhouse at hagi abad darab , iran in dissertation Abstracts : اثر و پژوهشی اثر : Seleucid and parthian architecture In the splendor of : اثر و پژوهشی اثر : Stucco , III, history and uses , I ancient in the dictionary of art (london : اثر و پژوهشی اثر : The manor house of hagi abad and the chronology of the sassanian Gavernose of kusansar : اثر و پژوهشی اثر : preslamique ecarites et documents archeologiques ۲۰ : اثر و پژوهشی اثر : Zetan ۱۳۷۵۲۱ Fire temple and anahita temple A discussion on some iranian palaces of some

iranianpalaces of worship ویرگی اثر : ۱۹۸۷۲۲ mesopotamia بخش دوران تاریخی در چکیده های باستان شناسی ویرگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران ۲۳ به مناسبت سفر گرجستان ویرگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ۱۳۷۸.۲۴ چشم انداز کرد لر در هزاره ی یکم پیش از میلاد. ویرگی اثر : نشریه ی انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۵۳.۲۵ خلیج فارس ، خلیج یتیم ویرگی اثر : نگاه نو ۱۳۷۲۲۶ فصل دوم کاوشهای محوطه ی باستانی سنگ شیر در همدان . ویرگی اثر : گزارش های چهارمین مجمع سالانه ی کاوشهای و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ، تهران ، ۱۳۵۵.۲۷ کاوشهای گورستان محوطه ی سنگ شیر . ویرگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه ی کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران ، تهران ، ۱۳۵۴.۲۸ کهن ترین پایپروس عربی ویرگی اثر : ترجمه از یوسف راغب که وقف میراث جاویدان می باشد ۱۳۷۹.۲۹ نگاهی دیگر به شاهپور دوم ، اردشیر دوم و شاهپور سوم: پیشنهادی برای باز نویسی بخشی از تاریخ دوره ی ساسانیان ویرگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ۱۳۷۵.۳۰ هنر ایران در دوره ی اشکانیان ویرگی اثر : دائر المعارف بزرگ اسلامی ۳۱ هنر ایران در دوره ی ساسانیان ویرگی اثر : دائر المعارف بزرگ اسلامی ۳۲ ورتاجیکان ویرگی اثر : معارف دوره دوازدهم ۱۳۷۴.

آسایش، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین آسایش در سال ۱۳۱۱ در شهر تبریز بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۶ در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز را گذراند. وی به علت شاگرد اولی از بورسیه دولتی استفاده کرده و عازم فرانسه شد و تا مقطع دکتری رشته جغرافیا، گرایش روستاشناسی در دانشگاه سوربن تحصیل کرد. ایشان پس از مراجعت به ایران در دانشگاه تبریز با مرتبه استادیاری مشغول به فعالیت شد و تا سال ۱۳۶۴ در این دانشگاه بودند که به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر آسایش فعالیت علمی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ادامه داد و تاکنون با رتبه علمی دانشیاری انجام وظیفه می کند. گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای روستاییوالدین و انساب : پدر حسین آسایش، خیاط بود و امور خیاطی استاد محمدحسین شهریار را بر عهده داشت. پدر بزرگش به حرفه علافی مشغول بود که در زمان خود شغلی مهم بوده است. مادر ایشان نیز خانه دار بوده است. خاطرات کودکی : حسین آسایش از دوران کودکی خود خاطرات زیادی بیاد دارد که از آن جمله اند: تشکیل حکومت ملی دموکرات در آذربایجان به دست جعفر پیشه‌وری، قطع رابطه با حکومت مرکزی به مدت دو سال، چاپ اسکناسهایی به زبان ترکی، مکاتبات اداری به زبان آذری، تدریس در دانشگاهها و مدارس به زبان آذری (کتابهای موجود هم به زبان ترکی چاپ شده بودند)، تاسیس اولین دانشگاه در تبریز، انتصاب آقای بی‌ریا به سمت ریاست فرهنگ و ... اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین آسایش در خانواده ای از نظر شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد. او به همراه خانواده (هفت خواهر و برادر) در خانه ۲۵۰ متری در تبریز در کنار پدری خیاط زندگی می کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین آسایش پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در تبریز، در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ از همان دانشگاه فارغ التحصیل گردید. وی به علت شاگرد اولی از طرف دولت در سال ۱۳۳۹ به فرانسه عزیمت کرد و در دانشگاه سوربون پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی را با درجه عالی از انستیتو جغرافیای دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد. خاطرات و وقایع تحصیل : حسین آسایش از تحصیل در مدارس به زبان آذری خاطراتی به یاد دارد. وی از مدیر مدرسه خود چنین نقل می کند: مدیر مدرسه ما فرد خوبی بود که به گفته خودش چندین بار مدرسه اش را به خاطر اینکه سواد

آموزی گناه است به آتش کشیده بودند و بعدها معلوم گردید که فرزندان آنها در انگلستان مشغول به تحصیل بودند. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسین آسایش در کنار تحصیل به آموزش حرفه خیاطی نزد پدر می پرداخت و همچنین در مقاطع ابتدایی و متوسطه به تدریس مشغول بود. استادان و مربیان: حسین آسایش از دوران تحصیل خود اساتید و مربیانی داشته است که در زندگی علمی وی تاثیر بسزایی داشتند که از آنجمله می توان به چند تن اشاره کرد: آقای میرزا عبدالله ساویز (مدیر مدرسه ابتدایی و متوسطه)، آقای دربندی (معلم کلاس سوم ابتدایی)، آقایان دکتر تاجبخش، دکتر صوفی املشی، دکتر ودیعی (اساتید دوره کارشناسی)، پروفیسور ژرژ (استاد معروف دانشگاه سوربن دوره دکتری). هم دوره ای ها و همکاران: مرحوم دکتر فرید، دکتر محمود پور، دکتر سید رحیم مشیری، دکتر عزت الله عزتی، دکتر پرویز کردوانی و ... از همکاران و هم دوره‌ای‌های حسین آسایش می‌باشند. همسر و فرزندان: حسین آسایش متاهل است. وی دارای سه فرزند پسر است. فرزند ارشد در آمریکا بسر می برد و یک کمپانی در رابطه با هوا و فضا و ناسا دارد. دیگر فرزندان شغل پدر را ادامه نداده و وارد بازار کار شدند و هم اکنون از تاجران بنام بازار می‌باشند. وقایع میانسالی: دکتر حسین آسایش پس از بازنشستگی به تهران منتقل شد و دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس کرد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حسین آسایش پس از اخذ مدرک دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی از پاریس، به ایران مراجعت کرد و در دانشگاه تبریز با مرتبه علمی استادیاری استخدام شد. وی تا سال ۱۳۶۴ (تا زمان بازنشستگی) در همان دانشگاه بود. ایشان پس از بازنشستگی به تهران منتقل و در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی خود را مجدد شروع کرد و در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۷۰ به بعد (تاکنون) به تدریس پرداخت. ایشان در کنار تدریس و تحقیق، دارای سمت‌هایی بوده‌اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات) - موسس و رئیس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) - موسس و رئیس دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل بودجه و تشکیلات دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل خدمات دانشگاه تبریز - مشاور وزارت جهاد کشاورزی در سازمان امور اراضی در تهیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - عضو کمیته شورای برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران - عضو انجمن جغرافیایی فرانسهمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: حسین آسایش دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تهران راه اندازی کرده است. وی همچنین موسس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) و دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز می‌باشد. شاگردان: حسین آسایش درباره شاگردان خود چنین می گوید: شاگردانم که در موقعیت بسیار مهم و کلیدی مشغول به فعالیت هستند، خیلی زیاد است، از جمله چند نفر وکیل مجلس شورای اسلامی، دو نفر در سازمان ملل در کمیته بحران جمعیت و دهها استاد و روسای دانشگاهها. دکتر قالیباف و سرلشکر مصطفوی هم از دانش آموختگان دکتر آسایش می‌باشند. آرا و گرایشهای خاص: حسین آسایش در زمینه های پیرامون مسائل روستا در ایران و جهان به تحقیق و مطالعه می پردازد. جوایز و نشانها: - اخذ مدال درجه اول فرهنگ به مناسبت شاگرد اولی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۳۷ - دریافت لوح تقدیر سپاس از دست آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان استاد برگزیده جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران - اخذ لوح تقدیر از دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران در سال ۱۳۸۶ - و چندین لوح تقدیر دیگر و از دیگر سران عالی رتبه کشور چگونگی عرضه آثار: - انتشار ۱۷ جلد کتاب دانشگاه مربوط به مسائل و مشکلات و برنامه ریزی روستایی توسط دانشگاههای کشور - مدیریت و اجرای ۱۱ طرح تحقیقاتی روستایی منطقه ای و ناحیه ای در ایران - مدیریت و اجرای ۳ طرح بین المللی مربوط به مسائل روستایی ایران - انتشار ۲۰ مقاله در نشریات مختلف داخلی و خارجی مربوط به مسائل روستایی آثار: ۱ اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا) و ویژگی اثر: پدیدآورنده:

حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۱ آذر، ۱۳۷۴ ۲ اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (رشته جغرافیا) ویژگی اثر :
 پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۲۸ شهریور، ۱۳۷۵ ۳ اقتصاد روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر :
 پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۸ بهمن، ۱۳۷۴ ۴ برنامه ریزی روستایی در ایران ویژگی اثر : تالیف،
 انتشارات دانشگاه پیام نور ۱۳۷۵۵ برنامه ریزی روستایی در ایران، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر:
 دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۶ جغرافیای اقتصادی ایران ۲، صنعت، حمل و نقل، انرژی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین
 آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۷ جغرافیای صنعتی ایران (بخش صنایع سنگین و نیمه سنگین) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات
 دانشگاه تبریز، شماره ۱۷۳-۱۳۵۴۸ جمعیت و مسائل روستایی آذربایجان شرقی ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و
 علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۷۹ راهنمای تحقیق روستاهای ایران ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی
 دانشگاه تبریز ۱۳۴۵۱۰ روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده:
 حسین آسایش، سیدرحیم مشیری ناشر: قومس - ۱۶ فروردین، ۱۳۸۱ ۱۱ روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (مدلها و روشها و فنون)
 ویژگی اثر : تالیف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری ۱۳۸۳۱۲ کارگاه برنامه ریزی روستایی، رشته جغرافیا ویژگی اثر :
 پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۷۳ ۱۳ مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد
 اسلامی واحد کرمانشاه سال ۱۳۸۵

بختیاری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کارتوگراف.

تولد: ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت: ۱۵ آبان ۱۳۶۲، تهران.

عبدالله بختیاری دوران تحصیلی و شغلی خود را در تهران به پایان رسانید و به اخذ دیپلم نایل گشت. در سال ۱۳۲۷ در اداره‌ی فرهنگ وقت رسماً به سمت آموزگاری استخدام گشت و پس از گذشت سی سال خدمات آموزشی در آن اداره به درجه‌ی بازنشستگی نایل آمد.

عبدالله بختیاری در نوروز سال ۱۳۵۲ که سالهای پایانی خدمات آموزشی را سپری می کرد اقدام به تأسیس و بنیانگذاری سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی جهان (گیتاشناسی) نمود. محل تأسیس ابتدا در محل مسکونی وی در خیابان ایرانی کنونی بود. وی ابتدا به تهیه و انتشار اولین نقشه از شهر تهران به متن انگلیسی نمود زیرا تعداد هتلها و جهانگردان آن زمان قابل توجه بود و هر تازه واردی که به تهران وارد می شد اقدام به خرید یک نقشه می نمود. وی در آنها با علاقه‌ی خاصی اقدام به تهیه وسایل نقشه کشی به صورت سنتی و دستی می نمود.

دومین اثر بختیاری ترجمه‌ی نقشه‌ی انگلیسی به فارسی بود که با نام مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی جهان منتشر گشت (برای ثبت نام مؤسسه‌ی جهان اقداماتی انجام شد که به علت مغایرت و تکرار آن جهان موفق نگشت) و نام آن به سازمان گیتاشناسی از تاریخ سال ۱۳۵۶ به صورت رسمی تغییر یافت.

عبدالله بختیاری در سالهای نخست فعالیت خود بیست و یک نقشه را زیر نظر و با کوشش و راهنمایی‌های همیشگی خویش نسبت

به فرزندان خود تهیه و منتشر نمود. در سال ۱۳۵۵ اطلس آموزشی کامل گیتاشناسی را آغاز نمود و پس دو سال تلاش مستمر و هزینه گزاف در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ اولین اطلس آموزشی منتشر گشت. جایگاه اطلس فوق تاکنون در محافل علمی و آموزشی کشور از نظر کیفیت و دقت تهیه حفظ شده است. اطلس فوق سرآغازی برای فعالیتهای بیشتر و تدوین کتاب علمی و نقشه‌ها گشت. در همین زمان بود که کتابی دیگر تحت عنوان گیتاشناسی کشورها به چاپ رسید که نقطع عطفی در تاریخ فعالیت‌های فرهنگی این مؤسسه به شمار می‌رفت.

از مهمترین اقدامات دیگر عبدالله بختیاری در سال ۱۳۵۹ بود که برای اولین بار همکاری مشترکی با یک شرکت دانمارکی صورت پذیرفت. این اقدام شامل تهیه و ترجمه کرده‌های جغرافیایی به خط فارسی بود که شامل یک سری کره (طبیعی - سیاسی) در اندازه‌های مختلف با انواع پایه‌ها ساخته شد که به سرعت تعدادی محدود از آنها وارد شد و توزیع گشت.

در ابتدای سال ۱۳۶۲ بود قصد داشت که «نقشه‌ی تهران بزرگ» در مقیاس ۱، ۱۰، ۱۰۰ در پانزده شیت چاپ نماید که متأسفانه بر اثر سکتی مغزی در گذشت.

سازمان گیتاشناسی هم اکنون به دست فرزندان ایشان هدایت می‌شود. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بخشده نصرت، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بدری فر، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای ناحیه‌ای، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام نور
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران، دکترای جغرافیای ناحیه‌ای از دانشگاه آنکارا.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق در شاخه جغرافیای ناحیه‌ای که در مورد مطالعات ناحیه‌ای و عناصر بوجود آورنده آن از قبیل شهر و روستا و بالاخره

فعالیت‌های اقتصادی و هر نوع فعالیتی که از انسان سر بزند در ارتباط با شرایط محیطی و برقراری رابطه بین آنها و تعیین جایگاه هر عنصر در ناحیه یا یک نظام زیست محیطی است، انجام طرح‌های جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی (مطالعات ژئوپولتیکی)، بررسی مشکلات آموزشی دانشجویان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

مبانی جغرافیای منطقه‌ای مناطق طبیعی، جغرافیای اقتصادی عمومی در بخش‌های کشاورزی، دامپروری، صنعتی و حمل و نقل.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جغرافیا و آموزش از راه دور، جغرافیا و کاربری زمین، مطالعات روستایی، پراکنندگی فعالیت‌های آموزش باز به عنوان یک نوآوری در فرآیند آموزش در فضاهای جغرافیایی ایران، آموزش از راه دور مفاهیم و تعاریف، مطالعه تطبیقی نظام آموزش باز و آموزش سنتی، جایگاه مربیان آموزش در نظام آموزش باز.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بدیعی، ربیع

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، جغرافیدان.

تولد: ۱۳۰۰.

درگذشت: ۲۷ دی ۱۳۷۱.

ربیع بدیعی پس از دریافت لیسانس تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران به فرانسه رفت و در رشته‌ی جغرافیا درجه دکتری گرفت. پس از بازگشت به تدریس پرداخت. وی مدت‌ها مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه تهران را بر عهده داشت. از تألیفات وی جغرافیای مفصل ایران به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بغایری، عبدالرزاق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲-۱۲۸۶ ق)، جغرافیدان و نویسنده. در سبزوار متولد شد، نخست به همراه خانواده‌اش به اصفهان رفت و پس از آن به تهران

آمد. تحصیلات اولیه را نزد پدر آموخت و آنگاه وارد دارالفنون شد و پس از شش سال در رشته‌ی مهندسی فارغ‌التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیل، به تدریس ریاضیات و جغرافیا اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۶ ق مدرسه‌ی خود را در تهران تأسیس کرد و ضمناً در مدرسه‌ی علوم سیاسی وزارت خارجه نیز تدریس می‌کرد. در تحدید حدود و نقشه‌برداری از مرزهای کشور مأموریت داشته است. از کارهای او «ترسیم نقشه‌ی ایران»، «تعیین انحراف قبله»، «تهیه نقشه‌ی پنج قاره‌ی عالم» و «نقشه تهران» می‌باشد. وی در تهران درگذشت. از تألیفات اوست: «اصول علم جغرافیا»، «معرفة القبلة»، «ما مهندس داریم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رچال و مشاهیر (۷۱-۶۹/۲)، شرح حال رجال (۱۴۱-۱۴۰/۶)، گلزار معانی (۱۴۰-۱۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۸-۸۳۷/۳).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو‌نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»، «البلدان الصغیر»، «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»، «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرة المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶-۲۷۵/۱)، سیر النبلاء (۱۶۳-۱۶۲/۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲، ۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳-۹۲/۲)، لسان المیزان (۴۹۰-۴۸۹/۱)، معجم الادباء (۱۰۲-۸۹/۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲-۲۰۱/۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱-۲۳۹/۸).

بلخی ابوزید، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۲-۲۳۵ ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستیان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابو محمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام

می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعليم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرایع الادیان»؛ «رسالة حدود فلسفه»؛ «فضیله علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء».[۱]

احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. ۳۲۲ ه.ق.). گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فلسفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفه، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صور الاقالیم در جغرافیا. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱/ ۱۳۱)، اعیان الشیعه (۲۱۹- ۳/ ۲۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۱۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۸- ۶۵)، تاریخنگاران ایران (۴۴- ۱/ ۴۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۴۴- ۸/ ۱۰۴۳)، الذریعه (۱۸/ ۳۳۰، ۲۵۵- ۴/ ۲۵۳)،روضات الجنات (۴/ ۴۹- ۵۰)، ریحانه (۷/ ۱۲۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۲۹- ۲۲۸)، کشف الظنون (۱۰۸۴، ۶۰۲، ۲۲۷)، الکنی و الالقاب (۱/ ۸۱)، لسان المیزان (۱/ ۲۷۷)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزید)، معجم الادیاب (۸۶- ۳/ ۶۴)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۴۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۴۱۳- ۶/ ۴۰۹)، هدیه العارفین (۱/ ۵۹).

بهرامی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی بهرامی در سال ۱۲۸۴ در تهران در یک خانواده نامدار ایرانی متولد شد. وی تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع دکتری ادامه داد. ایشان اولین تحصیل کرده ایرانی در رشته باستان شناسی و هنر در دانشگاه پاریس بود. وی فعالیت های پژوهشی و تخصصی خود را در حین تحصیل با شرکت در کنگره ملی باستان شناسی و هنر ایران آغاز کرد و در بازگشت به ایران با فعالیت های آموزشی در دانشگاه تهران ادامه داد. وی دیدگاه های تازه ای از تاریخ، باستان شناسی، تزیینات کتیبه شناسی و بخصوص سفالگری را مطرح ساخت. وی در سال ۱۳۳۰ شمسی در سن ۴۶ سالگی وفات یافت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی والدین و انساب: مهدی بهرامی در سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۲۸۴ ه ش) در تهران در یک خانواده نامدار ایرانی متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهدی بهرامی پس از اتمام تحصیل در دوره دبیرستان، مدتی در دستگاه قضایی دولت کار می کرد. مدتی بعد در بوسيله دولت ایران جهت ادامه تحصیل به اورپا فرستاده شد. در سال ۱۹۳۴ بعنوان اولین تحصیلکرده ایرانی در رشته باستان شناسی و هنر در دانشگاه پاریس. موفق به اخذ درجه دکتری شد. زمان و علت فوت: مهدی بهرامی در اکتبر ۱۹۵۱ (۱۳۳۰ شمسی) در سن ۴۶ سالگی در حالی جهان را وداع گفت، که بسیاری از آرزوهایش ناکام ماند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهدی بهرامی در سال ۱۹۳۴ به بخش اسلامی موزه دولتی برلین پیوست و تا سال ۱۹۳۵ در آنجا باقی ماند. در سپتامبر همان سال، از طرف بخش اسلامی موزه برلین در سومین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران که در لنینگراد و مسکو برگزار شد، شرکت کرد. در سال ۱۹۳۶ به تهران بازگشت و در موزه باستان شناسی، مسوولیت بخش اسلامی این موزه را بعهده گرفت. همزمان با این کار، به تدریس باستان شناسی و هنر، بویژه هنر دوره اسلامی، در دانشگاه تهران، مشغول شد. در سال ۱۹۳۶ به تهران بازگشت و در موزه باستان شناسی، مسوولیت بخش اسلامی این موزه را بعهده گرفت. همزمان با این کار، به تدریس باستان شناسی و هنر، بویژه هنر دوره اسلامی، در دانشگاه تهران، مشغول شد. [باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان

شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹ [فعالیت‌های آموزشی : مهدی بهرامی در سال ۱۹۳۴ به بخش اسلامی موزه دولتی برلین پیوست و تا سال ۱۹۳۵ در آنجا باقی ماند. در سپتامبر همان سال، از طرف بخش اسلامی موزه برلین در لنینگراد و مسکو برگزار شد، شرکت کرد. چگونگی عرضه آثار : در سال ۱۹۴۸، به عنوان یکی از اعضای فعالی بود که موفق شدند نا نمایشگاهی از آثار هنر ایران را در موزه سرنوچی cernuchi پاریس برگزار کنند. در پاییز ۱۹۴۹، مهدی بهرامی توانست، مجموعه ارزشمندی از آثار ایرانی را در موزه متروپولیتن آمریکا به نمایش بگذارد که مدتی بعد موفق شد همین آثار را در نمایشگاه بوستون نیز به نمایش بگذارد. در این نمایشگاه نیز همانند نمایشگاه پاریس، کاتالوگ راهنمای ارزشمندی از آثار ایران ارائه شد و تاثیر مثبتی در زمینه شناخت هر چه بهتر هنر ایران به دیگر ممالک داشت. در آگوست ۱۹۵۱، دکتر بهرامی در کنگره خاور شناسان در استانبول شرکت کرد و توانست مباحث جدیدی از سفالگری ایرانی را طرح کند. بیشتر آثار او در مورد کاشیهای لعاب‌دلر دامغان و کتیبه‌های منظوم بدست آمده از آنجا و سایر کاشی‌ها، بدنبال یک کار مطالعاتی دقیق و علمی که او بر روی سفالینه‌های لعاب‌دار گرگان انجام داد، شکل گرفت. کار ارزشمند و دقیقی که او بر روی سفال‌های گرگان انجام داد، پژوهشگران را بار دیدگاه‌های تازه‌ای از تاریخ، باستان‌شناسی، تریینات و کتیبه‌شناسی آشنا کرد. بطور کلی، اکثر کتالعات و کتر بهرامی در زمینه باستان‌شناسی و هنر ایران بخصوص سفالگری می باشد. آثار : ۱ A master potter of ۲ A gole medal in the in the freer gallery of art ۳ kashan contribution a letude de la ceramique musulmane de L Iran ۴ courier d art de tehran a . Encensior se bronze de l epoque parthe ۵ epoque musulmane ۶ further dated examples of persion wares ۷ Gurgan faiences iranien art ۸ la reconstruction des carreaux de damghan d apres leurs inscriptions ۹ leprobleme des atelieras d etoiles des lustree ۱۰ Lexposition d art iranien aaa paris(epoque archaïque) ۱۱ Liran a paris ۱۲ portrait painting during the last centuries ۱۳ Recherhes sur les carreaux de revetement lustre dans la ceramique persane du XIIIau Xisiecle ۱۴ some examples of il -khanid art bull ۱۵ some obogects recently discovered in iran ۱۶ the arts of iran pottery vessels (in iran) g ۱۷ the collection of chinese procelain from thr ardabil shrine ۱۸ works of iranien art from american collectiones ۱۹ آثار پیش از تاریخ در کوهستان قم ویژگی اثر : آموزش و پرورش سال ۱۳۱۹۲۱ آثار تاریخی تفرش ویژگی اثر : آموزش و پرورش سال ۱۳۱۹۲۲ تصویر لطفعلی خان زند ویژگی اثر : یادگار سال ۱۳۲۳۲۳ خوابگاه الجالیوسلطان در سلطانیه ویژگی اثر : آینده سال ۱۳۰۵۲۴ روابط صنعتی ایران با اروپا در ایران باستان ویژگی اثر : آموزش و پرورش ۱۳۲۳۲۵ شبیه سازی ویژگی اثر : ایران سال ۱۳۲۰۲۶ شبیه سازی ویژگی اثر : ایران سال ۱۳۲۰۲۷ صنایع ایران و ظروف سفالین ویژگی اثر : تهران ۱۳۲۷۲۸ ظروف سیمین ساسانی در موزه ملی تهران ویژگی اثر : یادگار سال ۱۳۲۳۲۹ ظروف لعابی گرگان ویژگی اثر : کلک سال ۱۳۷۰۳۰ علیرضا عباسی و رضا عباسی ویژگی اثر : یادگار سال ۱۳۲۵۳۱ قالی بافی ایران در دوران باستان ویژگی اثر : ایران سال ۱۳۱۹۳۲ قالی‌های بافت تبریز در سده دهم هجری ویژگی اثر : ایران سال ۱۳۲۰۳۳ کاسه سفالین زرین فام ویژگی اثر : یادگار سال ۱۳۲۳۳۴ گنبد سلطان محمد خدابنده یا ابواب البر ویژگی اثر : آینده ۱۳۰۶۳۵ گنجینه زرین هخامنشی در پاریس ویژگی اثر : اطلاعات ماهانه ۳۶ گنجینه مازندران ویژگی اثر : آموزش و پرورش سال ۱۳۲۸۳۷ مهمترین جامع التواریخ ویژگی اثر : یادگار سال ۱۳۲۴۳۸ همیاری در جهت مطالعه سرامیک ایران در دوران اسلامی ویژگی اثر : آثار ایران سال ۱۳۶۵۳۹ هنرهای زیبای ایران در دوره اسلام ویژگی اثر : ایران سال ۱۳۱۹

منابع زندگینامه : باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان‌شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

بیرام شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۶۶ ش)، مورخ، نویسنده و باستان‌شناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله‌ی مطالعه کتابهای تاریخ- جغرافی و باستان‌شناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می‌داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۶- ۵۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۳/۲).

بیگزاده شکوئی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جغرافیای شهری.

مرتبه علمی:

استاد نمونه دانشگاهها در سال ۱۳۷۲، برنده جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۶۵ و برنده مدال درجه یک علمی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح آلونک‌نشینی و پایگاه علمی جغرافیا در ایران (با همکاران)، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۹

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای شهری و فلسفه جغرافیا.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۶، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

مسائل جغرافیائی، مسائل شهری، فلسفه جغرافیا.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پوراحمد، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر احمد پور احمد در سال ۱۳۳۷ در کرمان متولد شد. ایشان دارای دکتری رشته جغرافیای انسانی با تخصص برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه تربیت مدرس (در سال ۱۳۷۳) می باشد. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی در آمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت. کتاب "قلمرو فلسفه جغرافیا" تألیف ایشان، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: برنامه‌ریزی شهرتخصصیات رسمی و حرفه ای: احمد پوراحمدپس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۷، در دوره دکترای همان دانشگاه پذیرفته و سرانجام در سال ۱۳۷۳ دکترای جغرافیای انسانی با تخصص در برنامه‌ریزی شهری را با درجه عالی دریافت کرد. وقایع میانسالی: احمد پوراحمد پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی در آمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمد پوراحمد تاکنون سمت‌هایی از جمله معاونت آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۷۶-۱۳۷۴)، مدیر کل امور پژوهش دانشگاه (۱۳۸۵-۱۳۷۶)، عضویت در هیات ممیزه مرکزی جهاد دانشگاهی، عضویت در شورای مرکزی انجمن جغرافیایی ایران و در حال حاضر ریاست دانشکده جغرافیا و مشاور معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه را برعهده دارد و در سال ۱۳۸۵ به عنوان مدیر نمونه دانشگاه تهران مورد تشویق قرار گرفته است. فعالیت‌های آموزشی: دکتر احمد پوراحمد رسماً از سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را در گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرده و بیش از ۱۰ درس مختلف در رشته‌های مربوط به جغرافیا را در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند. جوایز و نشانها: دو عنوان از کتاب‌های احمد پور احمد موفق به کسب جایزه از جشنواره فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۹ و کتاب سال دانشجویی کشور در سال ۱۳۸۱ شده‌اند. همچنین کتاب "قلمرو فلسفه جغرافیا" تألیف ایشان، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. دکتر احمد پوراحمد در سال ۱۳۸۳ به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران برگزیده شد و همچنین در سال ۱۳۸۵ به عنوان پژوهشگر برگزیده دانشگاه، نشان پژوهش دانشگاه تهران را کسب کرد. دو عنوان از طرح‌های ایشان به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۷۳ رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که ۳ عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲ مورد دیگر به عنوان پایان‌نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور

انتخاب و تشویق شده‌اند. چگونگی عرضه آثار: دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که ۳ عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۲ مورد دیگر به عنوان پایان‌نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور انتخاب و تشویق شده‌اند. وی همچنین، بیش از ۱۵ طرح پژوهشی را اجرا کرده که دو عنوان از طرح‌های مذکور به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۷۳ رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون بیش از ۶۰ مقاله علمی پژوهشی در مجله‌های معتبر دارای ایندکس داخلی و خارجی به چاپ رسانیده یا در کنفرانس‌های علمی داخل و خارج از کشور ارائه کرده است. *** آثار: ۱. برنامه‌ریزی، بهسازی و نوسازی شهری و ویژگی اثر: ۲. تحولات کارکردی بازار کرمان و ویژگی اثر: ۳. توسعه کالبدی فضایی شهر سنندج با استفاده از GIS و ویژگی اثر: ۴. جغرافیا و بهسازی و بازسازی شهری و ویژگی اثر: ۵. جغرافیا و ساخت شهر کرمان و ویژگی اثر: ۶. جغرافیای عملیات ماندگار جنگ ایران و عراق و ویژگی اثر: ۷. جغرافیای جهانی شدن و شهر و ویژگی اثر: ۸. روش تحقیق کیفی در جغرافیای انسانی و قلمرو و فلسفه جغرافیا و ویژگی اثر: ۹. روش‌های کیفی تحقیق در علوم اجتماعی و ویژگی اثر: ۱۰. شهرها و فرهنگ‌ها و ویژگی اثر: ۱۱. فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها و ویژگی اثر: ۱۲. قلمرو فلسفه جغرافیا و ویژگی اثر: ۱۳. جغرافیای احمد پوراحمد. - تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۸۵. ۳۷۶ ص. نقشه. جدول. عکس. این کتاب در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است ۱۳ مبنای جغرافیایی زلزله و آتشفشان و ویژگی اثر: ترجمه

ترابی طباطبایی، جمال الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جمال الدین ترابی طباطبایی - سکه شناس برجسته معاصر در ششم جمادی الاول ۱۳۴۴ هجری قمری مطابق با پنجم اردیبهشت ۱۳۰۴ خورشیدی در محله مهاده مهین تبریز متولد شد. شهرت جهانی استاد ترابی در مورد علم سکه شناسی را نامه‌هایی که از دانشمندان و موزه‌های معتبر جهان نظیر دکتر جرج مایلز ریاست موزه نیویورک، والتر هینتس، برت فراگنر، اینگر کریر، هاری فلدمن و گوتفريد هرمان از سکه شناسان معروف جهان به وی نوشته و درخواست کمک برای خواندن و مشخص نمودن زمان برخی سکه‌های ایرانی و اسلامی را نموده و یا از وی کتاب و تحقیقاتش را خواسته‌اند، تأیید می‌کند. کتاب سکه‌های آق‌قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران چاپ ۱۳۵۵ وی به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی گرایش: سکه شناسی والدین و انساب: سید جمال الدین ترابی طباطبایی اولاد میرزا محمدرضی الحسنی الحسینی است که ریشه و اصل کمالات استاد، برگرفته از خاندان پاک نبوی است که نسبت طاهرشان با سی و سه پشت به کریم اهل بیت - حضرت امام حسن مجتبی (ع) - می‌رسد و بدیهی است که نشوونما در محیطی پاک و در دامان سلاله پیامبر، دوران کودکی و نوجوانی و جوانی ایشان را مشحون از سیادت و متانت و معنویت ساخته است و با همین پرورش مفید و روحیه ای شاداب بود که در شوق تحصیل و تدریس، روی به مدرسه و دانشگاه نهاد تا هرچه بیشتر بر اطلاعات خود بیفزاید و خود را برای فعالیت‌های سترگ در جهت خدمت به ایران و جهان آماده نماید. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی را در دبستان تمدن و متوسطه را در دبیرستان‌های رشديه و فردوس تبریز به پایان برد و سپس در رشته

تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشسرای عالی تهران مشغول به تحصیل شد و همزمان با رتبه یک دبیری به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش) درآمد. استادان و مربیان: ترابی طباطبایی در شاخه های مختلف درخت پر بار علم از محضر اساتیدی خوشه چینی کرده که هر کدام مانند ستاره درخشانی در آسمان علم و فرهنگ می درخشند که از جمله این اساتید عباس اقبال آشتیانی، نصرالله فلسفی، علی اکبر بینا، وحیدالملک شیبانی، مجیر شیبانی، احمد مستوفی، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، مسعود خان کیهان و محمدباقر هوشیار را می توان نام برد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ترابی طباطبایی در سال ۱۳۳۷ مأمور تشکیل و تدوین موزه آذربایجان شد و تا سال ۱۳۴۰ به عنوان رئیس موزه مشغول به خدمت بود. از آن سال در دانشسرای مقدماتی پسران و دختران و دبیرستان دهخدا و ایراندخت تبریز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۶ به وزارت فرهنگ و هنر منتقل و تصدی موزه آذربایجان را به عهده گرفت. تا سال ۱۳۵۲ رئیس موزه بود و از آن سال تا ۱۳۵۷ ریاست اداره باستان شناسی و فرهنگ عامه آذربایجان شرقی را بر عهده داشت و در این سال با شغل سازمانی کارشناس آثار باستانی و فرهنگ عامه بازنشسته شد. فعالیتهای آموزشی: ترابی طباطبایی بعد از اتمام تحصیل در ساوه و دامغان مشغول تدریس گردید. سپس به تبریز منتقل و به تدریس علوم اجتماعی و تعلیم رسم فنی، زبان فرانسه و کارهای دستی پرداخت. از سال ۱۳۴۰ در دانشسرای مقدماتی پسران و دختران و دبیرستان دهخدا و ایراندخت تبریز به تدریس پرداخت. استاد ترابی که در گروه تاریخ دانشگاه تبریز چند سالی سکه شناسی تدریس کرده، در مورد انتقال تجربه های ارزشمند خود در باب سکه شناسی، خط شناسی و کتیبه خوانی می گوید: «عقیده بر این دارم که اندوخته علمی و معنوی را نیاستی به گور برد.» وی همواره می نویسد و همیشه به دنبال مطلب و مأخذ و هدفی است و تا به نتیجه نرسیده، دست از تحقیق و پژوهش بر نمی دارد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دوره بازنشستگی استاد ترابی طباطبایی به منزله شروع کار بیشتر برای وی تلقی شده و بعد از بازنشستگی اقدام به جمع آوری و تدوین آثار علمی و تحقیقاتی خود و چاپ آنها به صورت کتب و مقالات متعدد نموده است. جوایز و نشانها: کتاب سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران چاپ ۱۳۵۵ وی به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است. آثار: آثار باستانی آذربایجان و ویژگی اثر: چاپ ۲ رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی و ویژگی اثر: چاپ ۱۳۵۱۳ سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران و ویژگی اثر: چاپ، این کتاب به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است. ۴ سکه های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی و ویژگی اثر: چاپ ۵ سکه های شاهان اسلامی ایران و ویژگی اثر: چاپ ۱۳۵۰۶ سکه های ماشینی ایران و مقدمه ای بر سکه شناسی و ویژگی اثر: چاپ ۷ سکه های ماشینی و سیری بر سکه شناسی و ویژگی اثر: چاپ دوم با تکمله ۸ کلیر (سرزمین دژهای تسخیرناپذیر) مسجد صفوی خسروشهر و ویژگی اثر: چاپ ۱۰ مسجد کبود تبریز و ویژگی اثر: چاپ دوم با تکمله ۱۱ نسب نامه شاخه ای از طباطبایی های تبریز و ویژگی اثر: چاپ ۱۲ نقشها و نگاشته های مسجد کبود تبریز و ویژگی اثر: چاپ ۱۳۴۹

جداری عیوضی، جمشید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۵ و دکترای جغرافیای طبیعی (ژئومرفولوژی) از دانشگاه استانبول ترکیه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ژئومرفولوژی، بررسی ژئومرفولوژی کمی حوضه رود سمنان، تدریس دروس ژئومرفولوژی ایران، جغرافیای آبها، نقشه‌خوانی، تهیه و تفسیر نقشه‌های مرفولوژی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای آبها.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

کویرکبودان، شمال غرب ایران یک واحد بزرگ فرمولوژیکی، فرآیندهای بیرونی تشکیل دهنده ناهمواری در کف دریای خزر. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفرپور، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس، جغرافیادان.

تولد: ۱۳۱۷.

درگذشت: ۸ آبان ۱۳۶۸، تهران.

ابراهیم جعفرپور، فرزند قهرمان، فارغ‌التحصیل دانشگاه تبریز در رشته‌ی جغرافیا بود. وی از دانشگاه استانبول (۱۹۷۱) در همین رشته فارغ‌التحصیل شد و سپس به عنوان استاد میهمان از دانشگاه تهران به دانشگاه دورهام در انگلستان رفت.

ابراهیم جعفرپور دارای تخصص جغرافیای طبیعی (اقلیم‌شناسی) بود. از سال ۱۳۵۲ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و دروس مختلفی از جمله هواشناسی، اقلیم‌شناسی، اقالیم ایران، کاربرد اقلیم‌شناسی در برنامه‌ی ناحیه‌ای، روش‌های اقلیم‌شناسی، جغرافیای کشورهای همجوار، جغرافیای زیستی، شناخت و فلسفه جغرافیا را درس می‌داد.

دکتر جعفرپور در همایش‌های داخلی و بین‌المللی جغرافیا نیز شرکت داشته است: یازدهمین جلسه گروه کارشناسان سازمان ملل متحد برای نام‌های جغرافیای (مهر ۱۳۶۳، ژنو)؛ سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران (۱۶ الی ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴، تهران). پنجمین کنگره‌ی جغرافیادانان ایران.

وی همچنین در سال ۱۳۶۰ به عنوان عضو هیئت رئیسه‌ی انجمن جغرافیدانان ایران تعیین شد.

از جمله تألیفات ابراهیم جعفرپور می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: جغرافیای قدرت‌های بزرگ اقتصادی (آلمان فدرال و فرانسه) و پژوهش‌های اقلیمی در غرب ایران. وی همچنین مقاله‌هایی به زبان فارسی و انگلیسی در «مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی»، «مجله‌ی جغرافیا»، «نشریه‌ی مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران» و «نشریه‌ی انجمن جغرافیدانان ایران» به رشته‌ی تحریر درآورد.

ابراهیم جعفرپور به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جمالی، فیروز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر فیروز جمالی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان مراغه بدنیا آمد. وی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام - انگلستان با موفقیت اخذ کرد. دکتر جمالی از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای: فیروز جمالی تحصیلات ابتدایی را در دبستان بدر به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۴ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را در سال ۱۳۵۱ از دانشگاه تهران دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام - انگلستان با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: جغرافیای فقر آمریکا - دکتری: مهاجرت‌های بین استانی ایران با تاکید بر استان آذربایجان شقی وقایع میانسالی: فیروز جمالی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام - انگلستان با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سمت‌های اجرایی و مدیریتی فیروز جمالی به قرار زیر است: قبلی: مدیریت گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، سرپرست مرکز پژوهش‌های جغرافیای دانشگاه تبریز فعلی: عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی فیروز جمالی به قرار زیر است: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: جغرافیای جمعیت - فلسفه جغرافیا - اکولوژی شهری، جغرافیای جمعیت و مهاجرت‌های داخلی ایران، ۲- تحصیلات تکمیلی: مکتب‌های جغرافیایی، تحلیل‌های جمعیتی در برنامه ریزی شهری، فلسفه‌های سیاسی، جغرافیا و محیط و شهرنشینی در جهان سوم چگونگی عرضه آثار: فعالیت‌های پژوهشی دکتر جمالی به ترتیب زیر است: تعداد مقاله‌های منتشر شده: ۱۶ مورد تعداد مقاله‌های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۸ مورد تعداد کتاب‌های ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه‌های کارشناسی ارشد: ۱۰ مورد تعداد طرح‌های تحقیقاتی مصوب: ۵ مورد آثار: ۱ مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت و ویژگی اثر: پدیدآورنده: ویلبر زلینسکی، فیروز جمالی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۰ خرداد، ۱۳۸۶

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سعید جهانبخش در سال ۱۳۳۲ در تبریز، دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن (در سال ۱۳۶۶) می‌باشد. وی پس از اخذ دکتری رشته فوق از سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شدند. نامبرده هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به همکاری خود با دانشگاه مذکور ادامه می‌دهد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: هیدروکلیماتولوژی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سعید جهانبخش تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۳ از دبیرستان منصور اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای محیطی را در سال ۱۳۶۲ از دانشگاه هیروشیما - ژاپن دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۶۶ مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: برآورد تبخیر و تعرق از گیاهان بر مبنای بیلان آب و بیلان حرارت ب - دکتری: مطالعات بنیادی تبخیر و تعرق از شالیزارها و قایع میانسالی: دکتر جهانبخش در سال ۱۳۶۶ مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر سعید جهانبخش می‌توان به موارد زیر اشارت کرد: قبلی: ریاست دانشکده - معاونت دانشکده - مدیریت گروه - معاونت گروه فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی سعید جهانبخش به ترتیب زیر است: الف: تدریس ۱- دوره کارشناسی: هوا و اقلیم شناسی - آگروکلیماتولوژی ۲- تحصیلات تکمیلی: میکرو کلیماتولوژی - ژئوهیدرولوژی - هیدرومتئورولوژی کمی - زبان خارجه تخصصی ب - برگزاری کارگاه ها: کارگاه آموزشی آب و هواشناسی کاربردی - بهمن ۸۰ دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی دکتر جهانبخش به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده: ۲۴ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۵ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۴ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب: ۴ مورد

جهانی، ابو عبدالله احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۵ ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابو عبدالله کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل». [۱]

ابو عبدالله احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب و سیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال ۳۶۵ ه. ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در ۳۶۷ از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالک والممالک» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات ایران (۳۵۱/۱)، ریحانه (۴۴۸/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۲۰/۱)، الفهرست ابن ندیم ترجمه (۲۲۸)، کشف الظنون (۱۶۶۴)، لغت نامه (ذیل / احمد)، المسالک والممالک (۳۰۴)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۲).

چوبک، حمیده

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

حمیده چوبک در سال ۱۳۳۱ در بوشهر متولد شد. دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی را در سال ۱۳۶۲ در دانشگاه تهران با رساله «افکار شناسی سفالینه های اسلامی» به اتمام رسانید. سپس برای گذراندن دوره دکتری در رشته باستان شناسی گرایش اسلامی وارد دانشگاه تربیت مدرس شد. وی علاوه بر تالیفات متعدد، پروژه های بسیار مهمی در زمینه باستان شناسی با انجام رساله است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: دوران اسلامی والدین و انساب: حمیده چوبک در سال ۱۳۳۱ در شهر بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حمیده چوبک پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته باستان شناسی مشغول تحصیل شد. دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان شناسی را در دانشگاه تهران با دفاع از رساله «افکار شناسی سفالینه های اسلامی» به اتمام رساند. سپس دکتری خود را در رشته باستان شناسی گرایش اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرد. استادان و مربیان: استاد راهنمای حمیده چوبک در تدوین رساله فوق لیسانس خانم دکتر سیمین دانشور بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اداری و اجرایی حمیده چوبک از سال ۱۳۷۷-۱۳۵۴ به شرح زیر می باشد: - کارشناس باستان شناسی مرکز باستان شناسی ۵۶-۱۳۵۴. - موزه دار موزه آبگینه و سفالینه های ایران ۶۲-۱۳۵۶. - موزه دار مجموعه کاخ موزه های ایران ۷۲-۱۳۶۲. - کارشناس باستان شناسی مرکز میراث فرهنگی استان تهران، ۷۶-۱۳۷۲. - عضو علمی پژوهشکده باستان شناسی، گروه اسلامی، ۱۳۷۷. فعالیتهای آموزشی: فعالیت آموزشی حمیده چوبک به شرح زیر می باشد: راهنمایی و مشاوره پایان نامه های مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. تدریس درس (سفالگری و طراحی) مقطع کارشناسی ارشد باستان شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشی میدانی حمیده چوبک از سال ۱۳۷۹-۱۳۶۷ به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای ری باستان، عضو هیات، ۷۴-۱۳۶۷. شرکت در کاوشهای تپه حصار، عضو هیات، ۱۳۷۴. شرکت در کاوشهای قلعه پرتقالیهای جزیره هرمز، معاون هیات، ۱۳۷۲. شرکت در کاوشهای ربع رشیدی تبریز، معاون هیات، ۱۳۷۳. شرکت در کاوشهای دره شهر ایلام، عضو هیات، ۱۳۷۳. شرکت در کاوشهای تپه واوان (شهرک واوان)، معاون هیات، ۱۳۷۴. شرکت در کاوشهای چاهان، جازموریان کرمان، سرپرست کاوش، ۱۳۷۷. شرکت در کاوشهای جازموریان کرمان، سرپرست کاوش، ۱۳۷۷. شرکت در کاوشهای تپه میل ورامین، معاون هیات، ۱۳۷۸. شرکت در کاوشهای شهر قدیم کیش، معاون هیات، ۷۸-۱۳۷۷. مدیر پروژه آثار فرهنگی - تاریخی الموت، ۱۳۷۹. مسوول هیات ایرانی در پروژه مشترک با کشور ایتالیا در مسجد جامع اصفهان، ۱۳۷۹. آثار: ۱. choubak H. Vne etonnante cermique Dans vne necro pole parthe dans;aregion ۱ de kerman ویژگی اثر: - ۱۹۹۲ dossoers Archeologie تالیف سفالینه اسلامی کاشان ترجمه سفالینه اشکانی ویژگی اثر: اثر ای. هرینک. سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶۴. گزینه سفالینه اسلامی پوئینک و ویژگی اثر: گزارش های باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی، شماره اول-۱۳۷۶۵. مروری بر ویژگیهای معماری و شهر سازی شوش در سده های نخستین اسلامی ویژگی اثر: تالیف و ترجمه کاوش های فرانسویان در شوش، تاریخ معماری و شهر سازی ایران، سازمان میراث فرهنگی، جلد ۵،

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقیق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار اخی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل کرت»؛ «تاریخ طغاتی‌مور»؛ «تاریخ سرداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال ۸۳۰ ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی» و «زبدۀ التواریخ». [۱]

شهاب‌الدین عبدالله بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. ۸۳۴ ه. ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصا از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالبا جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافیا (۸۱۷)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۹-۴۸۶/۴)، تاریخ در ایران (۹۴-۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸-۲۳۷)، حبیب السیر (۸/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۷/۱) الذریعه (۲۳/۱۲، ۴۹/۱۰، ۱۱۵/۵)، ریحانه (۱۰-۹/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۶-۲۹۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۸/۹)، کشف الظنون (۹۵۱)، الکنی والالقباب (۱۶۶/۲)، گلستان هنر (۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / حافظ ابرو)، هدیه الاحباب (۱۲۲-۱۲۱).

حافظ نیا، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا حافظ نیا در سال ۱۳۳۴ ه. ش در روستای خُراشاد بیرجند و در خانواده ای کشاورز متولد شد. او تحصیلات ابتدائی و تحصیلات متوسطه خود را در شهر بیرجند به اتمام رسانید و در رشته جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی (که دو سال بعد به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام یافت) پذیرفته شد. او دوره لیسانس (کارشناسی) را در رشته جغرافیای طبیعی (علمی) و در جریان انقلاب

اسلامی به زندان افتاد. با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان رهایی یافت و بمدت ۴ سال مسئولیتهای سیاسی به عهده داشت و سپس در سال ۱۳۶۳ ه.ش از سیاست کناره گیری کرد و به فعالیتهای آموزشی و علمی رو آورد. او در سال ۱۳۶۴ ه.ش در کنکور فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و تحصیلات خود را در رشته جغرافیای انسانی ادامه داد و در سال ۱۳۶۶ ه.ش از این مقطع فارغ التحصیل شد و بلافاصله در اولین کنکور دکتری جغرافیای انسانی (گرایش سیاسی) همین دانشگاه شرکت نمود و به عنوان اولین و تنها دانشجوی دکتری پذیرفته شد. سپس او به همراه دانشجویان پذیرفته شده در دومین کنکور دکتری که در ترم بعد برگزار شد تحصیلات خود را ادامه داد و آنرا در بهمن ماه ۱۳۶۹ با درجه ممتاز به پایان رسانید. دکتر حافظ نیا در سال ۱۳۶۷ ه.ش به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس به کار مشغول شد و در سال ۱۳۷۰ به رتبه استادیاری و در سال ۱۳۷۸ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی ارتقاء یافت. او پس از سالها تدریس و تحقیق هم اکنون (۱۳۸۵ ه.ش) به عنوان استاد تمام پایه ۲۵ در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای سیاسی والدین و انساب: - پدر محمدرضا حافظ نیا مرحوم رجب حافظ نیا، متولد سال ۱۳۰۴ ه.ش در روستای خراشاد از توابع بیرجند می باشد. او در شهریور ماه ۱۳۴۰ ه.ش در اثر بیماری یرقان و در سن ۳۶ سالگی فوت نمود. شغل اصلی او کشاورزی و دارای استعداد و ذوق شاعری بود. تعدادی از اشعار او هم اکنون در دسترس قرار دارد. - مادر او خانم خدیجه خراشادی زاده، متولد سال ۱۳۰۷ ه.ش در روستای خراشاد می باشد. خاطرات کودکی: محمدرضا حافظ نیا از حیات پدرش چیزی را به خاطر نمی آورد. تنها صحنه ای که به یاد دارد احتمالاً مربوط به آخرین سال حیاتش است و آن اینکه در حیاط خانه اش در روستا او را مشغول انجام کارهای روزمره دیده بود. - خاطره دیگر اینکه در شهریور ماه ۱۳۴۰ در منزل خود شاهد ازدحام جمعیت بود و نمی دانست موضوع چیست و با بچه های هم سن و سال خود مشغول بازی بود. در حالیکه ازدحام مزبور مربوط به مراسم فوت پدرش بوده است! تحصیلات رسمی و حرفه ای: ۱- اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان شوکتی بیرجند در سال ۱۳۵۲ ه.ش ۲- اخذ لیسانس در جغرافیای طبیعی (علمی) از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۵۶ ه.ش ۳- اخذ فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) در جغرافیای انسانی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۶ ه.ش ۴- اخذ دکتری (PhD) در جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۹ ه.ش ۵- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "مدیریت عمومی" در سال ۱۳۶۵ ه.ش ۶- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "کامپیوتر" در سال ۱۳۶۶ ه.ش ۷- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "مدیریت آموزشی" در سال ۱۳۶۷ ه.ش ۸- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "روش تحقیق" تحت نظر کالج کلمبو در سال ۱۳۶۷ ه.ش ۹- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "تقویت مهارتهای آموزشی" در سال ۱۳۸۱ ه.ش ۱۰- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "تقویت مهارتهای پژوهشی" در سال ۱۳۸۱ ه.ش ۱۱- طی دوره فرصت مطالعاتی در کشورهای فرانسه و آلمان در سال ۸۵-۱۳۸۴ ه.ش. خاطرات و وقایع تحصیل: در دوره ابتدائی، محمدرضا حافظ نیا از کتابهای پدرش دو کتاب را به یاد دارد. یکی کتاب "نسیم شمال" بود که گاهی اوقات او اشعار نسیم شمال را با حرارت قرائت می کرد و برخی از بزرگترها به او می گفتند این کتاب ممنوع است و اگر بفهمند تو را مجازات می کنند. او در عالم کودکی این مطلب را متوجه نمی شد! کتاب دیگر "بهارستان" مرحوم آیتی بود که آقای غنی معلم کلاس سوم آنرا از او گرفت و علی رغم پیگیریهای فراوان هیچگاه آنرا پس نداد. او بخاطر این کتاب توسط مادرش تنبیه شد. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمدرضا حافظ نیا در کنار تحصیل برای کمک به خانواده کار کشاورزی و نساجی و خوابار فروشی را در دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه داشت و در دوره لیسانس در رستوران و سپس کار دانشجویی در سلف سرویس و تکثیر دانشگاه در تهران همچنین در دوره دکترای استفاده از مأموریت تحصیلی بویژه در تهران از جمله فعالیتهای وی می باشد. استادان و مربیان: - در دوره ابتدائی، آقایان: رضوانی، شوکت آبادی، غنی و نیکخواه - در دوره متوسطه، آقایان: وریدی، صباغ، آرنی، حسنپور، حنفیها، احمدی و جاجوئی - در دوره لیسانس، آقایان: دکتر امین سبحانی، دکتر جعفرپور، دکتر کلاهی، دکتر دیانتزاد و

خانمها: دکتر یحوی و دکتر فشارکی - در دوره فوق لیسانس و دکتری، آقایان: دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی، دکتر سعید سمنانیان، دکتر احمد احمدی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر مسعود مهدوی، دکتر مهدی طالب، دکتر بهلول علیجانی، دکتر مصطفی مومنی، دکتر شاپور گودرزی نژاد و دکتر سید غلامرضا شیرازیان و نیز خانمها: دکتر دره میرحیدر و دکتر فاطمه بهفروز. در بین این بزرگان، نقش دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی و دکتر دره میرحیدر بارزتر بوده است. هم دوره ای ها و همکاران: - در دوره ابتدائی، آقایان: محمدعلی معروفیان، ابراهیم خراشادیزاده، حسن نداف، حسرنضا سهیل، عباس خراشادیزاده و محمد کفکیژاد - در دوره متوسطه، آقایان: احسانی، گنجی، دکتر مهدی قندهاری (در حال حاضر استاد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران)، عباس خراشادیزاده، پرویز فروزانفر و حسن رضا خراشادیزاده - در دوره لیسانس، آقایان: یدالله کریمیپور، عباس فخاری، محمدعلی رومی، محمدعلی معروفیان، سید علیرضا خراشادیزاده، سید علی اولیائی، علیرضا چاچی، محمدعلی خراشادیزاده، اسدالله جامعی، محمد بیکزاده، علی وزیری و علی رادی راز - در دوره کارشناسی ارشد و دکتری: دکتر یدالله کریمیپور، دکتر عبدالرضا رحمانی فضللی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر احمد پور احمد، دکتر محمد سلیمانی، دکتر محمد سلمانی، دکتر حسین نگارش، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر زهرا حجازی زاده و دکتر حسن کامران دکتر حسین شکوئی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر پیروز مجتهدزاده، دکتر زهرا احمدیپور، دکتر اکبر پرهیزکار، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر منوچهر فرج زاده، دکتر مهدی طاهرخانی و دکتر سیاوش شایان همکار بوده و با آقای دکتر عزت الله عزتی و دکتر دره میرحیدر دوستی دارد که آنها بر او سمت استادی داشته اند. همسر و فرزندان: خانم سکینه خراشادیزاده دختر عموی محمدرضا حافظ نیا است که به عنوان همسر ایشان در کنارشان بوده است. ۱- یاسر حافظنیا، فارغ التحصیل مهندسی معدن - اکتشاف، از دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۲- حمیدرضا حافظنیا، فارغ التحصیل مهندسی صنایع، از دانشگاه صنعتی شریف ۳- حامد حافظنیا، دانش آموز سال سوم ریاضی - فیزیک دبیرستان تزکیه منطقه ۲ تهران (شاگرد اول) ۴- بهزاد حافظنیا، دانش آموز سال اول دبیرستان مطهری در منطقه ۲ تهران وقایع میانسالی: محمدرضا حافظ نیا زمانیکه افسر وظیفه بود به دنبال اقدام شجاعانه خود در دفاع از مردم انقلابی ایران، در مرداد ماه ۱۳۵۷ ه.ش که فرمانده لشکر ۷۷ خراسان را مورد هدف قرار داد تا اعتراض و سرپیچی خود را از دستور ارتش برای سرکوب تظاهرات مردم مشهد اعلام نماید، دستگیر و به زندان افتاد. مقاصد اصلی او از این اقدام عبارت بود از: ۱- الگوسازی برای افسران و سربازان ارتش شاه برای سرپیچی از دستورات فرماندهان خود در مخالفت با سرکوب تظاهرات مردم و انقلابیون ایران ۲- گشودن راه تخریب ارتش از درون که مهمترین تکیهگاه قدرت رژیم شاهنشاهی در جریان سرکوب تظاهرات انقلاب اسلامی تلقی می شد ۳- تضعیف روحیه سران رژیم شاه از سوئی و نیز تقویت روحیه مردم ایران در تداوم نهضت انقلابی از سوئی دیگر. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ۱- دبیر و رئیس دبیرستان دولت آباد زاوه در شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۵۸ ه.ش ۲- فرماندار شهرستان بجنورد در سال ۱۳۵۹ ه.ش ۳- فرماندار شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۶۱ ه.ش ۴- معاون سیاسی و اداری استانداری ایلام در سال ۱۳۶۲ ه.ش ۵- مشاور نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۳ ه.ش ۶- مشاور و مدیر کل آموزش ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۴ ه.ش و پایهگذار طرح ادامه تحصیل معلمان و فرهنگیان کشور ۷- معاون پژوهشی سازمان مطالعه و تدوین سمت در سال ۱۳۶۷ ه.ش ۸- معاون پژوهشی دانشکده علوم انسانی و مشاور پژوهشی رئیس دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۰ ه.ش ۹- وابسته فرهنگی ایران در لاهور پاکستان در سال ۱۳۷۲ ه.ش ۱۰- مدیر کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۷۷ ه.ش ۱۱- رئیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۸ ه.ش فعالیتهای آموزشی: محمدرضا حافظ نیا در سال ۱۳۵۸ ه.ش به عنوان دبیر دبیرستان در شهرستان تربت حیدریه به استخدام آموزش و پرورش در آمد. سپس در سال ۱۳۵۹ ه.ش برای مدت ۴ سال به وزارت کشور مأمور شد و در سال ۱۳۶۳ به وزارت آموزش و پرورش برگشت و در کنار مسئولیتهای اجرائی به تدریس در

دبیرستان و مراکز تربیت معلم مشغول گردید. او پس از اخذ درجه کارشناسی ارشد، در سال ۱۳۶۷ ه.ش به دانشگاه تربیت مدرس منتقل و به عنوان مربی مشغول به کار شد و در سال ۱۳۷۰ به رتبه استادیاری ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۷۸ به درجه دانشیاری و در سال ۱۳۸۲ به درجه استادی ارتقاء پیدا کرد و هم اکنون در دانشگاه تربیت مدرس مشغول انجام خدمت است. دکتر حافظیا در دانشگاه تربیت مدرس و سایر دانشگاهها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید. مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ۱- راه اندازی طرح ادامه تحصیل معلمان کشور در سال ۱۳۶۴ ه.ش که منجر به تأسیس مراکز آموزش عالی فرهنگیان گردید ۲- تأسیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۸ ه.ش ۳- تأسیس انجمن ژئوپلیتیک ایران با همکاری تعدادی از اساتید جغرافیای سیاسی در سال ۱۳۸۱ ه.ش ۴- تأسیس فصلنامه بین المللی «ژئوپلیتیک» با درجه علمی- پژوهشی در سال ۱۳۸۴ ه.ش سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدرضا حافظ نیا همچنین تا کنون طرح های تحقیقاتی زیر را به انجام رسانده است: ۱- عضو و رئیس کمیسیون علوم انسانی هیأت ممیزه به مدت ۸ سال ۲- عضو هیأت ممیزه دانشگاه تربیت مدرس ۳- عضو شورای دانشگاه تربیت مدرس در سالهای ۷۱-۷۰ و ۸۳-۸۴ و ۱۳۸۰-۴- عضو شورای تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم انسانی ۵- مدیر گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس در سالهای ۷۷-۱۳۷۵ ۶- دبیر ۱۰ مورد از همایشهای داخلی و بین المللی ۷- سردبیر مجلات علمی-پژوهشی: فصلنامه مطالعات ملی، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک و فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات دفاعی ۸- عضو هیأت تحریریه فصلنامه های علمی- پژوهشی: تحقیقات جغرافیایی، پژوهشهای جغرافیایی، مدرس علوم انسانی، پژوهش علوم انسانی، مطالعات جغرافیایی، Journal of Applied Sciences, Research Journal of Environmental Sciences, Trends in Applied Sciences Research, Research Journal of Social Sciences. ۹- ارائه طرحهای: «تأسیس دانشگاه تربیت مدرس برای کشور» و «رشد پلکانی مدیران در سازمانهای حکومتی ایران» در سال ۱۳۶۳ ه.ش به ریاست جمهوری با هدف تخصصی کردن و بهینه سازی اداره امور کشور و انتصاب مدیران سطوح مختلف سازمانهای اجتماعی و حکومتی ۱۰- ارائه طرحهای: «موسسه جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۷۰ ه.ش و نیز «اتحادیه آسیائی» در سال ۱۳۷۲ ه.ش به ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۱- پیشنهاد تأسیس دانشگاه فراگیر آموزش از راه دور برای معلمان و فرهنگیان کشور در سال ۱۳۶۶ ه.ش ۱۲- عضو و نایب رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران ۱۳- عضو انجمن جغرافیایی ایران ۱۴- عضو انجمن جغرافیادانان انگلستان (۱۵) RGS & IBG- عضو انجمن جغرافیایی هندوستان (۱۶) GSI- عضو انجمن بین المللی جامعه شناسی ادیان ۱۷- عضو کمیته علمی سمپوزیوم بین المللی «آینده حیات و تمدن بشری» دانشگاه فرانکفورت آلمان سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵ ۱۸- عضو کمیته برنامه ریزی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲-۱۳۷۰ ه.ش) ۱۹- عضو و رئیس کمیته پژوهشی جغرافیا در وزارت علوم (۷۲-۱۳۶۷ ه.ش) ۲۰- عضو کمیته تدوین کتب دانشگاهی رشته جغرافیا در سمت (۷۲-۱۳۶۸ ه.ش) ۲۱- رئیس کمیته علوم انسانی جشنواره جوان خوارزمی (سالهای ۸۱ و ۸۲ ه.ش) ۲۲- داور طرحهای پژوهشی جشنواره خوارزمی (سالهای ۷۱، ۸۲ و ۱۳۸۳ ه.ش) ۲۳- بنیانگذار و سردبیر فصلنامه ایرانشناسی به زبانهای انگلیسی و اردو در پاکستان در سال ۱۳۷۳ ه.ش شاگردان: محمدرضا حافظ نیا ضمن تدریس در دانشگاه، راهنمایی و مشاوره دانشجویان خود را نیز به عهده داشته است چنانکه می توان به افراد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱) رضا پرواز، بررسی عوامل تداوم بحران در افغانستان (۱۳۷۹) ۲) مهدی نیکبخت، بحران آب و تنشهای سیاسی اجتماعی در گناباد (۱۳۷۹) ۳) حسن کاویانی راد، نقش اقلیت بلوچ در وحدت ملی (۱۳۷۹) ۴) ناصر شمس خامنه، ژئوپلیتیک آب (هیرمند) (۱۳۷۶) ب- دکتری ۱) محمدحسین افشردی، تحلیل ژئوپلیتیک سیاست خارجی ایران در قفقاز (۱۳۷۹) ۲) محمداقرا قالیباف، تحلیل دولت ملی در ایران (۱۳۷۹) ۳) عباس مهري، موانع همگرایی ایران و ج. آذربایجان (۱۳۷۷) عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف) کارشناسی ارشد ۱) محمدمهدی هوشیار، تحلیل الگوی تقسیمات کشوری در شمال خراسان (۱۳۷۹) ۲) حسینعلی برزگران، تحلیل

عملکرد فضائی - مکانی شهر بیرجند (۱۳۷۲) (۳) سیدحسین قالیباف، بررسی راههای توسعه شهرهای بیرجند (۱۳۷۲) (۴) علی سعادت بخش، بررسی اختلاف ایران و عراق بر سر اروندرود (۱۳۷۹) (۵) حجت اله شرفی، تحلیل عملکرد کمیته امداد امام ... (۱۳۷۹) (ب) دکتری (۱) محمد اخباری، نقش هیدروژئوپلیتیکی ایران (۱۳۷۷) (۲) حمیدرضا محمدی، تحلیل ژئوپلیتیکی بحران کردستان (۱۳۷۸) (۳) علی حاجی نژاد، تحلیل نقش و جایگاه سازمانهای عمران منطقه ای در کوله روستای سیسان (۱۳۷۹) (۴) خانم مرجان بدیعی، تحلیل خلاء استراتژی ژئوپلیتیکی مثلث ایران، افغانستان و پاکستان (۱۳۷۹) آرا و گرایشهای خاص: محمدرضا حافظ نیا طرفدار فلسفه انسانگرایی است و دارای تفکر و نگرش انسانگرایانه و بشردوستانه میباشد. او بر این باور است که فلسفه زندگی را کمال یابی مستمر بشریت، عشق به خدا و خالق جهان، تأمین مطلوب نیازهای مادی و معنوی انسانها، نوع دوستی و احترام به آزادی و حقوق انسانها و سایر مخلوقات، رفاه و آسایش، آرامش و امنیت، عدالت جغرافیایی و اجتماعی و همزیستی با طبیعت تشکیل میدهد. بر این اساس معتقد است که سازندهای فلسفی، مذهبی، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نظامی، امنیتی، آموزشی، درمانی و غیره باید بر مدار خدمت به انسانها تعریف و ساماندهی شوند. دکتر حافظنیا همچنین به ترویج مکتب جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انسانگرا اهتمام میورزد. او بر این باور است که موثرترین عوامل تولید رنج برای بشریت، سیاستمداران جاهطلب، رهبران دینی انحصارطلب و مدیران و فعالین اقتصادی زیادهطلب میباشد. جوایز و نشانها: ۱- دریافت لوح به مناسبت انتخاب شدن به عنوان "استاد نمونه" در ایران در سال ۱۳۸۵. ش ۲- دریافت لوح به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشگر برتر ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی ۳- دریافت لوح به مناسبت انتخاب کتاب "جغرافیای سیاسی ایران" به عنوان کتاب سال دانشگاهی ایران در سال ۱۳۸۲. ش ۴- دریافت لوح به مناسبت انتخاب کتاب "جغرافیای سیاسی ایران" به عنوان کتاب قابل تقدیر در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳. ش چگونگی عرضه آثار: محمدرضا حافظ نیا علاوه بر عضویت در انجمن جغرافیدانان ایران، دستی بر قلم نیز داشته و ضمن تالیف آثار متعدد، با نشریات مختلف همکاری داشته است. ۱- تدوین و انتشار ۱۳ جلد کتاب (دو مورد به زبان انگلیسی) ۲- اجرای ۹ طرح تحقیقاتی و پژوهشی ۳- چاپ و نشر ۶۰ مقاله علمی-پژوهشی در مجلات علمی معتبر داخل و خارج از کشور ۴- ارائه ۵۰ مقاله علمی در همایشها و کنفرانسهای علمی داخلی و بین المللی ۵- چاپ و نشر حدود ۱۳۰ مقاله متنوع در فصلنامهها، ماهنامهها و نشریات مختلف آثار: ۱ Educational System in Iran., Iran Shenasi, Lahore No.۴, ۱۹۹۵. Family Planing in Iran, ۲۹ th International Geographical Congtess, Seoul South Korea, August ۲۰۰۰ ۳ Geopolitical Analysis of the Kashmit Crisis, South Asian Studies, Vol, ۱, ۱۹۹۴, Punjabun University. ۴ Indo - Iran Cultural Relations, befor the Islamic Period; The first Seminar on Indo - Iran relation, University of Mumbai - India, March ۲۰۰۰ ۵ Islamic Revolutions Foundations, Iran Shenasi, No.۳/۱, ۱۹۹۶. ۶ Population Policies of the Islamic Republic of Iran, Iran Shenasi @ uarterly; No.۱۳,۱۴,۱۹۹۶. آراء ابن خلدون در زمینه آثار عوامل جغرافیائی بر انسان، فصلنامه مدرس، شماره اول، ۱۳۷۵. اجتماع تبلیغی در رایانه، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، سال ششم، ۱۳۷۵. الگوی مناسب نظام بین الملل، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، سال هفتم، شماره ۲۵، پائیز ۱۳۷۸. الگوی نظام مشارکت بین المللی و تنش زدائی در روابط ملتها، همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا با دانشگاه مشهد، ۱۳۷۹. تحولات اکولوژیکی در بخش مرکزی شهر تهران، محمدرضا حافظ نیا- عبدالرضا رحمانی فضلی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی - شماره ۴، سال دوم، ۱۳۶۷، تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلیتیک خزر، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷، ۱۳۷۸. تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلیتیک خزر، هفتمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، ۱۳۷۸. تنگه هرمز و اقتصاد منطقه ای خلیج فارس،

کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹. تنگه هرمز و الگوی حمل کالا- و نفت در خلیج فارس، مسائل حمل و نقل ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۹. چالشهای ژئوپلیتیکی اقتصاد ایران در دهه آینده، همایش چالشهای انسانی اقتصاد ایران در دهه ۸۰، پژوهشکده اقتصاد. تهران، ۱۳۷۹. راه حل مهاجرت‌های روستائی در ایران، تحلیل مهاجرت‌های روستائی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۶۵. روابط فرهنگی ایران و هند قبل از اسلام، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، سال چهاردهم شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۷۸. رویکرد جدید سیاست خارجی و تحوّل موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، دهمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸. ژئواستراتژی ایران در جنگ دوم جهانی، هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۱. ژئوپلیتیک ایران پس از جنگ سرد، سمینار جغرافیا و کاربردهای آمیختی و دفاعی آن، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۷. ۲۲ ژئوپلیتیک تنگه هرمز، سمینار سازمان جغرافیائی، تهران، ۱۳۷۰. علل فقر خانواده های تحت پوشش کمیته امداد در ایران، سمینار دست آوردهای تحقیقاتی کمیته امداد امام خمینی (ره)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. قدرت و بسط فرهنگی در شبه قاره هند، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، شماره ۱۷، سال پنجم، ۱۳۷۶. قدرتهای جهانی و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس، سمینار جغرافیائی جهان بینی، سیاست و محیط، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۱. لزوم بازنگری فرآیند آموزش جغرافیا در ایران، سمینار آموزش جغرافیا در ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۷۲. لزوم تفسیم استان خراسان، همایش علمی بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار، ۱۳۷۶. موقعیت اجتماعی و اقتصادی پنجاب در پاکستان فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره ۴۰، سال یازدهم، ۱۳۷۵. ناامنی طبیعی و بازدارندگی توسعه: مورد ایران، سمینار جغرافیا در عرصه سازندگی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶. نظام آموزشی در ایران، سمینار ایرانشناسی (۱)، پاکستان، لاهور، ۱۹۹۵. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، سمینار بین المللی ایران و جنگ جهانی دوم، تهران، ۱۳۷۸. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، کنفرانس شهرپور ۲۰، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰. نگاهی اجمالی به وضعیت جغرافیائی پاکستان، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره ۳۹، سال دهم، ۱۳۷۴. نهادهای انقلاب اسلامی، سمینار ایرانشناسی (۲)، پاکستان، لاهور، ۱۹۹۶. همگرایی و موانع فراوری آن در خلیج فارس، سمینار بین المللی رویکردهای درون منطقه ای خلیج فارس، تهران، ۱۳۷۶. وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه خلیج فارس، سمینار بین المللی مسائل جغرافیائی جهان اسلام، دانشگاه امام حسین (ره)، تهران، ۱۳۷۱. ۳۷ ویژگیهای ژئوپلیتیکی منطقه خزر، همایش تحولات ژئوپلیتیکی حوزه خزر، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۷۹

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط آقای دکتر محمدرضا حافظ نیا بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی

حاکمی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حاکمی در سال ۱۲۹۶ در شهر رشت به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی و معماری در مقطع کارشناسی دانشگاه تهران گذراند. فعالیت‌های وی در موزه ایران باستان و شورای عالی باستان شناسی و عضویت در نمایشگاه های آثار ایرانی در برخی از کشورهای خارجی از عمده فعالیت‌های اداری و عرضه تالیفات متعدد از عمده فعالیت‌های وی پس از اتمام تحصیلات رسمی اوست. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی حاکمی تحصیلات ابتدایی را در رشت به پایان رساند. در سال ۱۳۱۳ در دانشکده ادبیات دانشسرای عالی در رشته باستان شناسی به تحصیل مشغول و نیز در سال ۱۳۱۷ موفق به اخذ لیسانس شد. با اجازه از وزارت فرهنگ در سال ۱۳۳۲ شمسی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته

معماری نام نویسی کرد و پس از چندی با درجه لیسانس معماری تحصیلات خود را با اتمام رساند. استادان و مربیان: علی حاکمی در اداره کل باستان شناسی زیر نظر استادانی چون دکتر مهدی بهرامی و دکتر عیسی بهنام به کار تحقیق و مطالعه آثار دوران اسلامی و نیز اشیاء دوران تاریخی ایران پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی حاکمی در سال ۱۳۱۸ در اداره کل باستان شناسی که تازه دایر شده بود و از دو قسمت موزه ایران باستان و تعمیر و مرمت بناهای تاریخی تشکیل می شد استخدام شد. او مدت سه سال در بخش اسلامی موزه ایران باستان زیر نظر مرحوم دکتر مهدی بهرامی به مطالعه آثار دوران اسلامی پرداخت. پس از مدتی از آنجا به بخش تاریخی موزه ایران باستان منتقل گردید و مدت چند سال زیر نظر دکتر عیسی بهنام به کار تحقیق و مطالعه اشیاء دوران تاریخی ایران اشتغال داشت. تا آنکه در سال ۱۳۳۴ شمسی ریاست بخش تاریخی موزه ایران باستان را بر عهده گرفت و پس از آن به مدیریت موزه ایران باستان ارتقاء یافت. وی در این مدت به عضویت شورای عالی باستان شناسی و شورای مرمت آثار باستانی و بناهای تاریخی و چند کمیسیون دیگر درآمد. آخرین پست وی ریاست بخش کاوشهای علمی اداره کل باستان شناسی بود. سوابق اجرایی و اداری علی حاکمی از سال ۱۳۴۲-۱۳۱۸ به شرح زیر می باشد: - کارشناس اداره باستان شناسی سه سال در بخش اسلامی موزه ایران باستان و چند سال در بخش تاریخی این موزه از سال ۳۴-۱۳۱۸. - مدیر موزه ملی ایران ۱۳۳۴. - عضو شورای عالی باستان شناسی. - عضو شورای مرمت آثار باستانی و بناهای تاریخی. - ریاست بخش کاوشهای علمی اداره کل باستان شناسی. - عضویت در نمایشگاه آثار ایران در توکیو، ژاپن ۱۳۳۷. - عضویت در نمایشگاه آثار هفت هزار ساله ایران در لاهه، هلند، ۱۳۴۰. - عضویت در نمایشگاه آثار هفت هزار ساله ایران در میلان، ایتالیا، ۱۳۴۲. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشهای میدانی علی حاکمی از سال ۵۶-۱۳۱۸ به شرح زیر می باشد: کاوش در تپه خوروین در ساوجبلاغ کرج ۱۳۲۸. کاوش در تپه حسنلو رضاییه ۱۳۲۹. کاوش در خوروه محلات ۱۳۳۴. کاوش در علی آباد فرشگان ۱۳۳۶. کاوش در اسماعیل آباد ساوجبلاغ ۳۸-۱۳۳۷. کاوش در منطقه گیلان ۱۳۴۲. کاوش در قریه نسفی در رود بار گیلان ۱۳۴۳. کاوش در جوبن و کلورز در رود بار گیلان ۳۸-۱۳۳۷. کاوش در ناوه، سیاه دره، لیلی جان و سیاه دشت بن از توابع عمار لو ۱۳۴۵. کاوش در کلورز در رودبار گیلان ۱۳۴۶. کاوش در کلورز در رود بار گیلان ۱۳۴۷. کاوشهای حاشیه دشت لوت و حاشیه شرقی شهداد (حیص) ۱۳۵۵. کاوش در ملایر ۱۳۵۲. کاوش و تهیه نقشه تخت جمشید و کاوش در پاسارگارد و مشهد مرغاب و تهیه بنای تپه میل و همچنین گمانه زنی در چند نقطه اطراف بنا و تعمیر بنای تپه میل و همچنین گمانه زنی در چند نقاط بنا و کاوش و گمانه زنی در باغ قدیمی چهل ستون ۱۳۵۶. چگونگی عرضه آثار: علی حاکمی نتایج مطالعات و پژوهشهای باستان شناسی خود را در قالب سخنرانی با شرکت در همایشهای داخلی و خارج از کشور ارائه نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره می شود: سخنرانی با عنوان اشیاء در کلورز (رود بار گیلان)، موزه ایران باستان، ۱۳۴۹. سخنرانی به عنوان کاوش شهداد، کنگره باستان شناسی ایران، دانشگاه آکسفورد، ۱۳۵۰. سخنرانی با عنوان خطوط نشانه ای مکشوفه در کاوشهای شهداد، دانشگاه مونیخ (کنگره هفتم باستان شناسی ایران ۱۳۵۴. کاوشهای کلورز (رودبار)، چند سخنرانی در انجمن ایران باستان. ظروف و ماکت های سنگ صابون، سمینار و نیز، ۱۹۸۷. مجله صنعتگران ذوب مس در شهداد دوران برنز، سمینار، پاریس، ۱۹۸۹. آثار: آب تخت جمشید در زمان هخامنشیان ویژگی اثر: نشریه بررسیهای تاریخی. جلد ۵، شماره ۲. ۱۳۴۹۲ آشنایی بایک مجسمه و نقش یک مهر ویژگی اثر: نشریه پژوهشهای باستان شناسی ۱۳۵۴۳ اشیاء فلزی مکشوفه در کلورز گیلان ویژگی اثر: یادنامه پنجمین کنگره باستان شناسی ۱۳۵۱۴ بررسیهای باستان شناسی حاشیه دشت لوت ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران، جلد اول شماره ۲ - ۱۳۴۸۵ بشقاب نقره منحصر به فرد ساسانی (مکشوفه در حوالی ساری) ویژگی اثر: نشریه گزارشهای باستان شناسی، جلد ۳، ۱۳۳۴۶ چگونگی کاوشهای مختصر گنج تپه و تپه های اطراف خوروین و آجین دوجین ویژگی اثر: گزارشهای باستان شناسی، جلد اول ۷ حفاری در تپه موشلان (ساوجبلاغ) ویژگی اثر: سالنامه کشور ایران، شماره ۱۴۸ روابط بومیان سرزمین هایی که بعد ها نام ایران و هند گرفت ویژگی اثر: نشریه انجمن

فرهنگ ایران باستان، شماره ۲۰، فروردین ۱۳۵۸۹ سنگ نبشته مربوط به زمان مردوک آپال ایدین مکشوف در سر پل ذهاب ویژگی اثر: نشریه باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۱، ۱۳۴۷۱۰ شرح و نتیجه کاوشهای علمی حسنلو (سلدوز) ویژگی اثر: با همکاری محمود راد، گزارشهای باستان شناسی ۱۳۵۱۱۱ طاق بستان ویژگی اثر: نشریه بررسیهای تاریخی، شماره ۴۱۲ قدیمی ترین مهر انگشتی داریوش بزرگ ویژگی اثر: نشریه گزارشهای باستانی ۱۳۳۴۱۳ کاوش خورده محلات ویژگی اثر: در مجله ESMEO East & West ۱۹۹۰۱۴ کاوشهای حاشیه دشت لوت (خبیص / شهداد) ویژگی اثر: نشریه هنر و مردم، شماره ۱۲۶، ۱۳۵۲۱۵ کاوشهای رود بار گیلان شامل: نسفی، جوین، کلورز و نیز سیاه دره و ناوه در عمارلو ۱۶ کتاب کاوشهای شهداد ویژگی اثر: موسسه شرق شناسی ایتالیا ESMEO۱۷ کتیبه بزرگ نهاوند ویژگی اثر: نشریه باستان شناسی، اداره کل باستان شناسی کشور. شماره ۲/۱، ۱۳۳۸۱۸ کشف یک بنای دوره ساسانی (نزدیک ری) ویژگی اثر: گزارش یونسکو جلد ۸، شماره ۱/۲۱۹ کلورز ویژگی اثر: نشریه وحید، شماره ۶- ۱۳۴۸۲۰ مجسمه هرکول در بیستون ویژگی اثر: نشریه باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۳/۴، ۱۳۳۸

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹۲ کتاب گیلان، گروه پژوهشگران، جلد دوم، تهران: نشر گروه پژوهشگران، ص ۶۹۹

خلیلیان، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی محمد خلیلیان در دوم اردیبهشت سال ۱۳۲۸ در روستای رستم آباد از توابع شهرستان مهران به دنیا آمد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی والدین و انساب: علی محمد خلیلیان در ۲ اردیبهشت سال ۱۳۲۸ در روستای رستم آباد از توابع شهرستان مهران به دنیا آمد. نام پدر علی محمد نور علی بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهمترین اقدامات انجام شده در زمان تصدی علی محمد خلیلیان به شرح زیر می باشد: - تلاش در جهت تحویل گرفتن موزه های استانی در تهران که پس از مدت کوتاهی از زمان تصدی مدیریت موزه های رضا عباسی و آبگینه تحویل مدیریت میراث فرهنگی استان تهران گردید. - تلاش در جهت تحقق شناسایی اموال فرهنگی عبوری موجود در استان تهران و انتقال آنها به موزه های سراسر کشور تا خدمتدورات و امکانات موجود - پیشنهاد تشکیلات جدید سازمانی و جایگاه مسئولیت های موجود پس از دوره مدیریت گذشته و ایجاد پستهای کارشناسی مسئول در رده های مختلف - تحویل و تحول واحد هنرهای سنتی به معاونت پژوهشی سازمان به صورت یکجاسایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق اجرایی و علمی علی محمد خلیلیان به شرح زیر است: - کارشناس اموال عتیقه و حفاظت بین الملل اموال فرهنگی - ریاست اداره بازرسی و امور حفاظت بین المللی اموال فرهنگی و تاریخی - مدیریت میراث فرهنگی استان تهران - رئیس انجمن باستان شناسی کشور - رئیس گروه اموال فرهنگی و تاریخی پژوهشکده باستان شناسی کشور - عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور و استاد مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی آثار: آیین سنتی چمر در ایلام ویژگی اثر: ویژه نامه نخستین گردهمایی مردم شناسی کشور و مجله فرهنگ ایلام شماره ۱ بهار ۱۳۷۱۲ اموال تاریخی و فرهنگی در گستره تاریخ ایران ویژگی اثر: مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۶، پاییز زمستان ۷۵۳ بحثی پیرامون مقاله مقبره ای از دوران عیلام جدید در ارگان ویژگی اثر: اثر شماره ۱۴-۱۳-۱۲ اسفندماه ۱۳۶۴۴ چگا خلامان محوطه ای از دوره آغاز نوسنگی در امیر آباد، مهران ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران، یاد نامه دکتر نگهبان به سال ۱۳۷۸۵ سراب قوه دانه کوزوان زیست بومی مناسب برای استقرار انسان عصر نوسنگی در

بهداشت جلگه کرمانشاه و غرب ایران ویژگی اثر: مجله کردی آدینه شماره ۳۴-۳۵ سال ۱۳۷۶۶ گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان ویژگی اثر: مجله اثر شماره ۹-۸-۷ بهمن ماه ۱۳۶۱

خیام، مقصود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی رشته جغرافیا از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، تحصیلات عالی در انستیتو جغرافیای آلپی دانشگاه علمی و پزشکی گرنوبل فرانسه، دکترای سیکل سوم با تخصص ژئومورفولوژی با درجه بسیار عالی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹ و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس اصول و مبانی ژئومورفولوژی، طرح در زمینه هیدرولوژی، پژوهش و تحقیق ژئومورفولوژی ایران در آذربایجان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مبانی و اصول ژئومورفولوژی، ژئومورفولوژی اقلیمی و دینامیک خارجی، اصطلاحات مصور ژئومورفولوژی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

مسائل مختلف ژئومورفولوژی با تأکید بر ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

درویش صفت، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر درویش صفت سال ۱۳۳۲ در چالوس به دنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه

زوربخ سويس (در سال ۱۳۷۳) می باشد. دکتر درویش صفت از سال ۱۳۶۴ از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی از سال ۱۳۸۰ به عنوان دانشیار دانشگاه تهران فعالیت‌های خود را ادامه داده است. کتاب "اطلس مناطق حفاظت شده ایران" تألیف علی اصغر درویش صفت، در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جغرافیاگرایش: سنجش از دورتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی اصغر درویش صفت دیپلمش را سال ۱۳۵۰ در چالوس گرفت و در سال ۱۳۵۵ کارشناسی خود را در رشته منابع طبیعی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۴ در رشته جنگل‌داری از همان دانشگاه اخذ کرد. وی در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ دکتری در رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه زوربخ سويس شد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: دکتر درویش صفت از سال ۱۳۶۴ از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی مسوولیت‌هایی را در زمینه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود برعهده داشته که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارشناس: ۱۳۶۴-۱۳۵۷، کارشناس جنگل در «جنگل آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران» عضویت در هیات علمی: از سال ۱۳۶۴ به عنوان مربی آموزشی، از سال ۱۳۷۳ به عنوان استادیار و از سال ۱۳۸۰ به عنوان دانشیار دانشگاه تهران زمینه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی: سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی علی اصغر درویش زاده به قرار زیر است: تدریس: دروس مرتبط با سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی برای رشته‌های منابع طبیعی، محیط زیست و کشاورزی پژوهش: اجرای شش طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه تهران و چهار طرح پژوهشی کاربردی در ارتباط با سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور فرصت مطالعاتی: طی دوره شش ماهه در سال ۱۳۷۸ در شاخه نوین سنجش از دور به نام سنجش از دور ابر طیفی در دانشگاه زوربخ سويس سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: علی اصغر درویش صفت در کنار مطالعه کتب تخصصی به اشعار شاعران ایرانی مثل حافظ، سعدی و... علاقه دارد. جوایز و نشانها: دکتر درویش صفت جوایزی را برای فعالیت‌های خود دریافت کرده است. جوایز: - دریافت لوح تقدیر برای ارایه مقاله برتر در بخش فنی کنفرانس بین‌المللی سنجش از دور در کشور مالزی در سال ۲۰۰۵ - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان دومین اطلس برتر جهان در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۶ از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی از بین تمامی کشورهای عضو (۸۶ کشور) و برای اولین بار در خاورمیانه - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان کتاب برتر دانشگاهی در جشنواره پژوهشی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ - دریافت پایه تشویقی در دانشگاه تهران به دلیل میزان فعالیت‌های پژوهشی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۳ - اطلس مناطق حفاظت شده ایران در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی نقشه و اطلس (۴-۱۰ August, ۲۰۰۷, Moseow) که از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی برگزار شد، به عنوان دومین اطلس برتر جهان انتخاب شد. - چگونگی عرضه آثار: راهنمایی رساله: راهنمایی سه رساله دکتری و نوزده رساله کارشناسی ارشد مقاله: ارایه بیش از پانزده مقاله در مجلات علمی و پژوهشی بین‌المللی و همچنین بیش از سی مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی آثار: ۱ اطلس مناطق حفاظت شده ایران ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران. این کتاب در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. ۲ کتاب ارزیابی و برنامه‌ریزی محیط زیست با سامانه اطلاعات جغرافیایی ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ (به اتفاق آقای دکتر مجید مخدوم)

رامشت، محمدحسین

قرن: ۲۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد حسین رامشت متولد سال ۱۳۳۴ و دارای مدرک دکتری رشته جغرافی شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ است. ایشان هم اکنون دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای: کارشناسی جغرافیا - ۱۳۵۷ - دانشگاه اصفهان - ایران کارشناسی ارشد جغرافیا - ۱۳۶۴ - دانشگاه شهید بهشتی تهران - ایران دکترای جغرافیا ژئومرفولوژی - ۱۳۷۱ - دانشگاه تربیت مدرس تهران - ایران همسر و فرزندان: محمد حسین رامشت متاهل و دارای دو فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد حسین رامشت عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد. از دیگر سمتهای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: - رئیس دانشگاه اصفهان - رئیس دانشکده جغرافیا از سال ۱۳۷۱-۱۳۷۷ - ویرایشگر و استاد دانشکده علوم انسانی (پژوهشگر) از سال ۱۳۷۸ فعالیت‌های آموزشی: عنوان دروسی که توسط محمد حسین رامشت ارائه می شود به قرار زیر است: جغرافی شناسی ایران- جغرافی شناسی کاربردی - روشها و تکنیکهایی در جغرافی شناسی- جغرافی شناسی در مدیریت محیط- رساله شناسی در جغرافیا- جغرافیا شناسی پویا- جغرافیای خاکآرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه محمد حسین رامشت به قرار زیر است: ژئومرفولوژی و دیدگاه فلسفی در جغرافیا چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات بزبان فارسی: ۵۶ مورد - تعداد مقالات منتشر در مجلات بزبان انگلیسی: ۳ مورد - طرح های پژوهشی محمد حسین رامشت: ۱. اقلیم و معدن بازفت، جهادسازندگی، ۱۳۷۳. ۲. مطالعات خاک و معدن دورکی باب، جهادسازندگی، ۱۳۷۴. ۳. مطالعات خاک دو معدن بوشکان، جهادسازندگی، ۱۳۷۴. ۴. مولفه های جغرافیایی کیش، منطقه آزاد کیش، ۱۳۷۷. ۵. آثار یخچالی در زفره اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱. ۶. رسوبات پاراکلیشال و کیاس تئوری، ۱۳۸۰. ۷. اندیشه های نظری در ژئومرفولوژی، آثار: ۱ جغرافیای خاکها و ویژگی اثر: دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹ و ۲ جغرافیای طبیعی خلیج فارس و ویژگی اثر: دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۷. ۳ جغرافیای طبیعی هورالعظیم و ویژگی اثر: دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۶. ۴ ژئومرفولوژی کاربردی و ویژگی اثر: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴. ۵ کاربرد ژئومرفولوژی در برنامه ریزی و ویژگی اثر: دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵. ۶ نقشه های ژئومرفولوژی و ویژگی اثر: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ چاپ دوم

ربیع نوری، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، جغرافیدان. از آثار وی: «اطلس ربیعی».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱/۱۷۰).

رجائل اصل، عبدالحمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دوره‌های تخصصی کلیماتولوژی و نقشه‌های ژئومورفولوژی، دکترای تخصصی در ژئومورفولوژی طی چهار سال از دانشگاه کلرمون فران فرانسه در سال ۱۳۵۱.

مرتب علمی:

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه تبریز در سال ۱۳۶۶.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

ژئومورفولوژی، کلیماتولوژی، هیدروگرافی، کاربرد ژئومورفولوژی و کلیماتولوژی در عمران ناحیه‌ای، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

آب و هواشناسی، اسناد و مدارک برای تفسیر نقشه‌های جغرافیائی و زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی کاربردی (روش و مفاهیم) و کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

استفاده از نقشه‌های ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی‌های عمرانی، فرسایش در نواحی آتشفشانی اطراف کرمان، اهمیت پژوهش‌های جغرافیای طبیعی در عمران ناحیه‌ای و نقش ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی‌ها.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رزم آرا، حسینعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سرهنگ حاج محمد، در ۱۲۷۲ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس رشدی، اقدسیه، الیانس فرانسه و مدرسه‌ی قزاقخانه به اتمام رسانید و به درجه‌ی افسری رسید. چندی هم در فرانسه علوم جغرافیای نظامی را تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در قزاقخانه مشغول خدمت شد و در درجه سلطانی از احمدشاه لقب «افتخار نظام» گرفت. پس از کودتا در ۱۳۰۰ امتیاز مجله‌ی قشون را دریافت کرد و دو سالی آن مجله را انتشار می‌داد که حاوی اخبار نظامی و تعلیمات قشونی بود.

در ۱۳۰۲ مجله‌ی قشون را به فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) واگذار کرد و خود امتیاز مجله‌ی پهلوی را گرفت که هر دو هفته یکبار انتشار می‌داد. این نشریه نیز مانند مجله‌ی قشون، مجله‌ی خبری و تعلیماتی بود و مجموعاً ۱۱۸ شماره منتشر شد.

رزم آرا تدریجاً مدارج نظامی را در طول زمان طی کرد و بعد از شهریور ۱۳۲۰ درجه سرتیپی گرفت و به ریاست اداره جغرافیایی

ارتش منصوب شد. از اهم مشاغل وی در ارتش می‌توان ریاست ستاد و معاونت و استادی دانشگاه جنگ را نام برد. وی مدتی هم ریاست ستاد لشکر خراسان را عهده‌دار بود. وی در رشته‌ی تخصصی خود (جغرافیای نظامی) بسیار مطلع بود و تالیفات زیادی از خود باقی گذارد. از جمله ده جلد فرهنگ جغرافیائی ایران، راهنمای ایران، راهنمای تهران، طریقه‌ی زندگی در جامعه را می‌توان نام برد. وی صاحب اختراعاتی نیز بود مانند قبله‌نما، سمت‌نمای نابینایان که مورد توجه علمای کشورهای خارج قرار گرفت. رزم‌آرا چندی عضو فرهنگستان ایران بود و در بسیاری از موسسات تحقیقاتی و علمی جهان مشارکت داشت.

(تو ۱۲۷۲ ش)، نویسنده. ملقب به افتخار نظام. از آثار وی: «بوصله القبلة، فتاوی و تفاریظ»؛ «راهنمای ایران»؛ «فرهنگ جغرافیای ایران»، به همکاری چند نفر از افسران ارتش؛ «قبله‌نما»، «مرآت البلدان یا تشریح طبی»؛ «نجوم برای همه». [۱]
مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۷۲.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۴.

حسینعلی رزم‌آرا، فرزند محمد، تحصیلات خود را در دبستانهای رشیده، اقدسیه، الیانس فرانسه و دبیرستان نظام تهران گذراند. سپس از دانشکده‌ی علوم جغرافیایی فرانسه و دانشگاه جنگ تهران فارغ‌التحصیل شد. وی به زبان فرانسوی و انگلیسی و روسی آشنایی داشت.

حسینعلی رزم‌آرا از آبان ۱۳۲۷ تا مهر ۱۳۳۲ رییس دایره‌ی جغرافیایی ارتش بود. از جمله فعالیت‌های وی در دوره‌ی ریاست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: چاپ و انتشار راهنمای ایران (۱۳۳۰) راهنمای تهران (۱۳۳۲) و راهنمای همدان، نقشه‌برداری از شهر ری به مقیاس ۱:۲۰۰۰ و شهر رشت، عکس‌برداری هوایی و تهیه‌ی نقشه از منطقه‌ی جنگی لاجیم و بستر زاینده رود، تهیه‌ی نقشه‌های برجسته از ایران و آذربایجان و فلات ایران و تهران و دماوند و منجیل و قافلان کوه و همدان و الوند. و از همه‌ی اینها مهمتر در زمینه‌ی جغرافیا تهیه و چاپ فرهنگ جغرافیایی ایران در یازده جلد (یک جلد برای استان مرکزی و ده جلد برای ده استان آن روز کشور).

رزم‌آرا که قدیمی‌ترین افسر نقشه‌بردار ایران به شمار می‌رفت، با وجود آن که نقشه‌برداری را با روش‌های قدیمی از وت، معلم آلمانی دارالفنون آموخته بود، در سال ۱۳۲۶ به مدت دو سال به اروپا رفت و در مؤسسه‌ی جغرافیای ملی فرانسه به نوآموزی پرداخت و سخت تحت تأثیر روش‌های جدید فوتوگرافی (تبدیل عکس هوایی به نقشه) واقع شد به طوری که پنج افسر نقشه‌بردار مجرب را برای نوآموزی به همان مؤسسه‌ی فرستاد. او همچنین دو افسر دیگر را هم فرستاد که در برگشت به دایره‌ی جغرافیایی از لحاظ آموزش‌های لازم به کارمندان فنی کمک برسانند. در نتیجه تلاشهای مستمر ایشان بود که بالاخره در سال ۱۳۳۱ دو دستگاه مولتی پلکس و یک دستگاه چاپ نقشه در دایره‌ی جغرافیایی ارتش به کار افتاد و تبدیل عکس به نقشه که جهشی بزرگ در امر نقشه‌برداری به شمار می‌رفت عملاً امکان‌پذیر شد.

حسینعلی رزم‌آرا همچنین در دانشکده‌ی افسری آن زمان به تدریس نقشه‌برداری پرداخت. وی در سال ۱۳۵۲ در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران حضور داشت.

از جمله تألیفات حسینعلی رزم‌آرا می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: مرآة البدن یا تشریح طبی (۱۳۲۸)؛ نقشه‌برداری، فرهنگ جغرافیایی ایران (با همکاری چند نفر، ده جلد، ۱۳۳۲)؛ راهنمای ایران (۱۳۳۰)؛ بوصلة القبلة، فتاوی و تفاریظ (۱۳۳۴)؛ بوصلة القبلة (فارسی و عربی، ترجمه‌ی سید کاظم آذری به زبان عربی، ۱۳۳۵)؛ راهنمای شهر تهران (با همکاری چند نفر، ۱۳۳۱)؛ طریقه‌ی زندگی در جامعه؛ فهرست نشریات دایره‌ی جغرافیایی ارتش (۱۳۳۸)؛ قبله‌نما (عربی، ترجمه‌ی دکتر موسی حکمت به زبان عربی، ۱۳۳۲) قبله‌نما (۱۳۳۲)؛ متد رزم‌آرا (۱۳۲۸)؛ نجوم برای همه (ماکسول راید، ۱۳۳۵).

اختراعات وی به این شرح هستند: دستگاه آموزش عملیات نقشه برداری؛ قبله‌نمای رزم‌آرا؛ سمت‌نمای نابینایان. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر منابع زندگینامه: [۱] مؤلفین کتب چاپی (۹۳۱-۹۳۰/۲).

روایانی طبرستانی، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تالیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۲/۳)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۸۴/۲)، کشف الظنون (۲۹۷).

رهبر، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی رهبر در سال ۱۳۱۶ شمسی در سمنان بدنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در سمنان گذراند و جهت ادامه تحصیل وارد دانشسرای کشاورزی ساری شد. طولی نکشید مسیر تحصیلی خود را به سمت باستان‌شناسی بسط داد و وفق به اخذ رتبه اول این رشته شد. و توانست با بورس تحصیلی که دولت یونان در اختیار دانشگاه قرار داده بود به آتن سفر نماید. مهدی رهبر مدت سه سال در دانشگاه آتن به تحصیل پرداخت. در دانشگاه آتن، بنا به مقررات دانشگاه‌های یونان موضوع «آکروتروهای معابد یونانی در دوره کلاسیک و هلنستیک» را انتخاب کرد. وی پیش از اتمام تحصیل ضرورتاً به ایران بازگشت ولی دیگر فرصتی برای بازگشت و اتمام تحصیل برای ایشان پیش نیامد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مهدی رهبر تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در سمنان گذراند و پس از آن در دانشسرای کشاورزی ساری تحصیلات خود را پی گرفت. وی در سال ۱۳۳۶ با احراز رتبه اول از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد. با وجود آن که در آن زمان شاگردان اول با هزینه دولت ادامه تحصیل می‌دادند به عللی موفق به ادامه تحصیل نشد. در سال ۱۳۴۴ وارد دانشگاه تهران شد و در رشته باستان‌شناسی به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۴۸ با احراز رتبه اول از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و با بورسی که دولت یونان در اختیار دانشگاه قرار داده بود، به آتن سفر کرد. مدت سه سال در دانشگاه آتن به تحصیل پرداخت. او در این دانشگاه، بنا به مقررات دانشگاه‌های یونان موضوع «آکروتروهای معابد یونانی در دوره کلاسیک و هلنستیک» را انتخاب کرد. وی پیش از اتمام تحصیل مجبور به بازگشت به ایران شد ولی دیگر فرصتی برای بازگشت و اتمام تحصیل برای ایشان پیش نیامد. استادان و مربیان: مهدی رهبر مدت سه سال در آتن زیر نظر پرفسور کندولتن تحصیل کرده است. فعالیت‌های آموزشی: - تدریس «هنر و باستان‌شناسی» مقطع کارشناسی، دانشگاه تهران، (۶۸-۱۳۶۲) - تدریس «مبانی باستان‌شناسی» مقطع کاردانی، دانشکده میراث فرهنگی - «مرمت تابوت لعابدار اشکانی» دانشکده پردیس، استاد راهنما، دوره کارشناسی - «حفاظت و مرمت آثار و تزیینات گچی در

کاوش های باستان شناسی بند در گز « دانشکده پردیس ،استاد مشاور ،دوره کارشناسی ارشد - «ریتون بررسی فنی و هنری و سیر تحول آن در ایران از آغاز تا اسلام» دانشکده هنر ، دوره کارشناسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق میدانی مهدی رهبر به شرح زیر می باشد : - بررسی باستان شناسی منطقه کنگاور ،به سرپرستی کایلر یانگ ،۱۳۵۳ . - کاوش در قلعه یزد گرد کرمانشاه (دو فصل) ،به سرپرستی ادوارد کیل ،۵۴-۱۳۵۳ - کاوش در محوطه سنگ چخماق سمنان ، به اتفاق پرفسور ماسودا ، ۱۳۵۴ - کاوش در شوش (سه فصل) ،به سرپرستی ژان پرو ،ارایه گزارش ، ۵۶-۵۵-۱۳۵۳ - کاوش در جزیره هرمز ،به اتفاق حسین بختیاری ، ۱۳۵۵ - کاوش در بیستون کرمانشاه (سه فصل) ، سرپرست هیات ،ارایه گزارش ، ۵۶-۵۵-۱۳۵۳ - کاوش در خورده استان مرکزی ،(دوفصل) سرپرست هیات ۷۵-۱۳۵۵ - بررسی و گمانه زنی در خورده استان مرکزی ،سرپرست هیات ، ۱۳۷۵ - گمانه زنی در چشمه غلام ویس در استان کرمانشاه ،سرپرست هیات ، ۱۳۵۴ - گمانه زنی در محوطه باستانی کنار و دراسفند قد کرمان ، سرپرست هیات ، ۱۳۶۱ - کاوش در آرامگاههای الیمایی گلاک شوشتر (چهار فصل) سرپرست هیات ، ۷۷-۶۹-۶۶-۱۳۶۵ - بررسی و گمانه زنی در مسیر جاده شوشتر به مسجد سلیمان ،سرپرست هیات ، ۱۳۶۸ - بررسی و گمانه زنی میان آب شوشتر ،سرپرست هیات ، ۱۳۶۹ - گمانه زنی در حسین آباد شوش ، سرپرست هیات ، ۱۳۶۴ - گمانه زنی در محوطه باستانی علی آباد کتول ، در استان گلستان ،سرپرست هیات ، ۱۳۶۰ - تعیین حریم محوطه باستانی شوش ،سرپرست هیات ، ارایه گزارش ، ۱۳۶۶ - تعیین حریم و گمانه زنی تپه پشت پمپ بنزین شوش ،سرپرست هیات ، ۱۳۶۹ - گمانه زنی در گورستان هخامنشی دوسران زنجان ، سرپرست هیات ، ۱۳۶۶ - گمانه زنی در تپه بکندی قزوین ،سرپرست هیات ، ۱۳۶۲ - گمانه زنی و بررسی غار اولین آوا در لرستان ، سرپرست هیات ، ۱۳۶۸ - گمانه زنی در برد سیر کرمان ، سرپرست هیات ، ۱۳۶۰ - گمانه زنی و کاوش در شغاب بوشهر ،سرپرست هیات ، ۱۳۷۷ - گمانه زنی و تعیین حریم چغاز زنبیل ،سرپرست هیات ، ۱۳۷۵ - کاوش در بندیان در گز ، سرپرست هیات ، ۷۹-۱۳۷۷ - تعیین حریم و گمانه زنی جاده کمربندی اندیمشک در خوزستان ،سرپرست هیات ۱۳۶۷ - کاوش در محوطه باستانی آتشکوه در استان مرکزی ،سرپرست هیات ۱۳۷۹ - کاوش در محوطه باستانی صالح داود خوزستان ،سرپرست هیات ۱۳۷۸ - مدیر پروژه بزرگ شوش - هفت تپه - چغاززنبیل ، طی سالهای ۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۱۳۷۳ - بررسی و گمانه زنی تپه گتوند ،سرپرست هیات ۱۳۶۷ چگونگی عرضه آثار : مهدی رهبر در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی برای عرضه نتایج مطالعات و پژوهشهای باستان شناسی خود شرکت نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره می شود: - پنجمین سمپوزیوم باستان شناسی ایران ۱۳۵۵ - ششمین سمپوزیوم باستان شناسی ایران ۱۳۵۶ - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی ایران ،مونخ ، ۱۹۷۶ - اولین گردهمایی باستان شناسی ایران بعد از انقلاب شوش ۱۳۷۳ - اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ، کرمان ۱۳۷۴ - دومین گردهمایی باستان شناسی ایران بعد از انقلاب تهران ۱۳۷۶ - دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران ، کرمان ۱۳۷۷ - انجمن ایران و فرانسه ۱۳۷۶ - سمینار بین المللی باستان شناسی در مسیر جاده ابریشم تهران ۱۳۷۶ - دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۷ - برای استادان و دانشجویان رشته تاریخ دانشگاه بجنورد ۱۳۷۹ ویژگی اثر : iran ۱۹۹۶۲ decouverte de panneaux de stics sassanides و ویژگی اثر : dossier archologie ۱۹۹۹۳ decouverte dun monument depouue sassanide a bandian و ویژگی اثر : studia iranica ۱۹۹۸۴ dowsaran و ویژگی اثر : iran ۱۹۹۶۵ gelalak و ویژگی اثر : iran ۱۹۹۸۶ khorheh -une residence parthe sur le plateau iranine و ویژگی اثر : ۱۹۹۹ dossier archeologia و ویژگی اثر : dossier archeologiev tombeaux d epooue parthe de gelalak و ویژگی اثر : - ۹۰-۹۳۸ tombeaux el ymeen de gelalak pres de shushtar و ویژگی اثر : archeologia ۱۹۹۷۱۰ cino metres de stucs depouue sassanide archeologia آرامگاه دوره اشکانی « الیمایی » شوشتر و ویژگی اثر : سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۵۱۱ بررسی آرامگاه منسوب به پیر شمس الدین سمنان و ویژگی اثر : آرشیو سازمان

میراث فرهنگی ۱۳۷۴۱۲ بررسی تپه کینده اصفهان ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۲۱۳ بررسی گورستان خضر خرم آباد ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۲۱۴ بررسی منطقه کنگاور ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۳۱۵ بررسی و گمانه زنی ارک بردسیر کرمان ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۰۱۶ بررسی و گمانه زنی تپه بکندی ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۲۱۷ بررسی و گمانه زنی کنارو - قره قطویه ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۸ بررسی و گمانه زنی میان آب شوستر ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۹۱۹ پژوهشی درباره یک مجسمه مرمری یونانی مکشوفه از برازجان ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۷۸۲۰ چند پیکره کوچک مفرغی دوران سلوکی در موزه ایران باستان، سفال نخودی رنگ و گسترش آن در جهان باستان ویژگی اثر: ۱۳۶۲۲۲ شناسایی و بررسی میان آب شوستر ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۸۲۳ شناسایی و بررسی آب شوستر به مسجد سلیمان ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۷۲۴ علائم حجاران ساسانی در بیستون ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۷۲۵ فصل اول کاوشهای باستان شناسی صالح داود خوزستان ویژگی اثر: ۱۳۷۹۲۶ فصلی جدید در کاوش های باستان شناسی بیستون ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۸۲۷ کاوش آرامگاههای الیمایی گلاک ویژگی اثر: میراث فرهنگی، یادنامه گردهمایی باستان شناسی ۱۳۷۳۲۸، کاوش های باستان شناسی بندیان ویژگی اثر: گزارشهای باستان شناسی، ش ۱، ۱۳۷۳۲۹، کاوش های باستان شناسی شوش ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۶۳۰ کاوش های باستان شناسی شوش ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۳۳۱ کاوش های فصل اول و دوم بندیان ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۴-۱۳۷۳۳۲ کاوش های فصل سوم بندیان ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۵۳۳ کاوشهای باستان شناسی بندیان ویژگی اثر: سیمای میراث فرهنگی خراسان ۱۳۷۸۳۴ کاوشهای باستان شناسی تپه سنگ چخماق ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۴۳۵ کنارو در پیوند با تمدنهای جنوب شرقی ایران ویژگی اثر: میراث فرهنگی، ش ۳، ۴، ۱۳۷۰۳۶ گزارش سامان دهی و مرمت بناهای تاریخی شوش، هفت تپه و چغازنبیل ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۳۳۷ گزارش کوتاه از سرماج ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۶۳۸ گزارش مقدماتی کاوش در محوطه آرامگاههای الیمایی گلاک ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۹۳۹ گزارشی از کمرد جاجرود چهل گیسو ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۸۴۰ گزیرش بررسی و گمانه زنی تپه گتوند ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۷۴۱ گمانه زنی عباس آباد کتول ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۰۴۲ گمانه زنی و تعیین خریم تپه پشت پمپ بنزین شوش ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۵۴۳ گمانه زنی و حفاری در گورستان شغاب ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۷۴۴ گورستان دوره هخامنشی در دوسران - زنجان ویژگی اثر: میراث فرهنگی، ش ۱۷، ۱۳۷۶۴۵ مرمت قلعه شوش ویژگی اثر: میراث فرهنگی ۱۳۷۳۴۶ معرفی نیایشگاه بندیان و مشکلات معماری آن ویژگی اثر: مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهر سازی ایران ۱۳۷۸۴۷ نمونه هایی از مظاهر اسارت ویژگی اثر: بررسی های تاریخی، ش ۱۱، ۱۳۵۵۴۸ نیایشگاه صائبین در کنارو گرگر ویژگی اثر: مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران ۱۳۷۴۴۹ هویت نیزه شکسته اهدایی به موزه نظامی ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۴۵۰ یک بنای سلوکی - اشکانی در خورده ویژگی اثر: آرشیو سازمان میراث فرهنگی ۱۳۵۶۵۱ یک کلاه خودمادی ویژگی اثر: بررسی های تاریخی، ش ۶، سال نهم ۱۳۵۳

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خسرو زال پور

محل تولد: کازرون

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۵/۹

زندگینامه علمی

آقای خسرو زال پور در نهم مرداد سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم گردید و در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نظام بین الملل و امنیت جمهوری اسلامی ایران" دفاع کرد.

استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل "پیرامون انقلاب و امام خمینی" و "پیرامون سازمان ملل و ساختار آن" مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است. وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه می باشد.

زاهدی، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید زاهدی در سال ۱۳۲۶ در شهر تبریز به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و بعد از کسب دیپلم رشته طبیعی در رشته جغرافیا شروع به تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیا را در گرایش هیدرولوژی و کیلی تولوژی از کشور فرانسه اخذ کرد وی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز در گروه جغرافیا است. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: هیدرولوژی و کیلی تولوژی والدین و انساب: پدر مجید زاهدی حسین زاهدی است و جدشان محمد باقر زاهدی. نام مادر محترمشان حلیم خاتون خاطرات کودکی: مجید زاهدی آن دوران را اینگونه توصیف میکند: «دوران کودکی دوره

معصومیت و سادگی بود ولی با درسهایی که به اجبار باید حفظ میکردیم و دلیل آنهمه زحمت را نیز نمی دانستیم از یک طرف و صادقانه بگویم بد اخلاقی و خشونت بعضی و یا بهتر بگویم بیشتر معلمان، دوره کودکی را که از هر نظر مهم و با ارزش بود، برایمان تلخ کردند. «اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مجید زاهدی میگوید: «خانواده متوسطی داشتم و پدرم لباس و لوازم خانگی می فروخت و من و برادرانم در اوقات بیکاری و فراغت به او کمک میکردیم.» تحصیلات رسمی و حرفه ای: مجید زاهدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان سعدی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۸ از هنرستان کشاورزی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای طبیعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را در سال ۱۳۵۵ از دانشگاه گرنوبل - فرانسه دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۵۸ مدرک دکتری در رشته جغرافیای طبیعی را از دانشگاه گرنوبل - فرانسه با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: هیدرولوژی حوضه آبریز قزل اوزن (ایران) ب - دکتری: مطالعات کلیماتولوژیکی و هیدرولوژی سلسله جبال بلدون و گراندروس (آلپ فرانسه) مخاطرات و وقایع تحصیل: از خاطرات دوران کارشناسی مجید زاهدی به حادثه ای اشاره میکنند که در یک سفر ۱۵ روزه و گردش علمی از طرف دانشگاه، در هنگام استراحت در مسیر برای شنا وارد رودخانه ای میشود و به علت سرعت بالای آب و یک بی احتیاطی در داخل رودخانه گرفتار میشود و چندین کیلومتر آب او را با خود میبرد و شناکردن وی نیز اثری نداشته، بعد از طی مسافت طولانی و رفتن به زیر آب و بیرون آمدن و خستگی زیاد به جریان آرام آب میرسد که با کمک عده ای محلی که کنار رودخانه بودند وی نجات پیدا میکند. فعالیتهای ضمن تحصیل: در دوران تحصیل پیش دانشگاه مجید زاهدی کمک به پدر، کارهای مکانیکی اتومبیل و بالاخره به عنوان تکسین به کارهای دندانسازی و تهیه پروتز می پرداخته وی از دوران دانشجویی میگوید: « دوره دانشجویی در فرانسه به همکاری دوستانم در کنار دریاچه ویزل قایق پارویی اجاره میدادیم که کار مشغول و پر درآمدی بود.» استادان و مربیان: دکتر حبیب زاهدی، دکتر مقصود خیام، دکتر عبدالحمید رجایی، پروفیسور ژان لو، پروفیسور شارل فلیپ پگی از استادان مجید زاهدی میتوان نام برد. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر ستار صدر موسوی، دکتر سعید جهانبخش، دکتر بهروز ساری صراف، یوسف مسعودی فر، بهمن هادیلی، دکتر کریم چمن زاده دلیر، دکتر فیروز جمالی، خانم دکتر معصومه رجبی، خانم دکتر ملکه عزیزی، دکتر حسین شکوئی، دکتر قائمی از هم دوره ایهای مجید زاهدی هستند. همسر و فرزندان: همسر مجید زاهدی سرکار خانم فیروزه معینی یکی از ناشران کتاب کودک هستند. وی دارای دو فرزند پسر به نامهای پلاد زاهدی دانشجوی کامپیوتر، الیاد زاهدی دانشجوی مکانیک است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مدیر گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز، معاون آموزش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، معاون پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، مدیر مسئول و سر دبیر نیازمندیهای تبریز و نیز عضویت در کمیته سدهای بزرگ ایران و مشاور سازمان آب منطقه ای آذربایجان شرقی و اردبیل از فعالیتهای مجید زاهدی است. فعالیتهای آموزشی: تدریس مجید زاهدی در دانشگاه تبریز و دروس هیدرولوژی آبهای سطحی، هیدرولوژی شهری، آمار و احتمالات در جغرافیا و کارتوگرافی از فعالیتهای آموزشی وی است. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: سایر فعالیتهای مجید زاهدی: انتشار نشریه نیازمندیهای تبریز - انتشار نقشه اتوبوس رانی تبریز و نقشه قدیم تبریز چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی دکتر مجید زاهدی به قرار زیر است: تعداد مقاله های منتشر شده: ۹ مورد تعداد مقاله های ارائه شده در کنفرانسها: ۴ مورد تعداد کتابهای تالیف شده: ۱ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۱۴ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۳ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب: ۷ مورد آثار: ۱ پیش بینی هوا به زبان ساده ویژگی اثر: ترجمه ۲ کارتوگرافی ویژگی اثر: تالیف، انتشارات سمت، برای دانشجویان جغرافیا و نقشه برداری ۳ هیدرولوژی ویژگی اثر: در دست چاپ ۴ هیدرولوژی آبهای سطحی ویژگی اثر: ترجمه نوشته پروفیسور ژان لو، برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های جغرافیای طبیعی و هیدرولوژی

زمانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس زمانی در سال ۱۲۹۷ در گناباد خراسان دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی خود را در گناباد و دیپلم ادبی خود را در مشهد سال ۱۳۳۳ گرفت. ایشان موفق به اخذ مدرک لیسانس باستان‌شناسی با رتبه اول در دانشگاه تهران شد و چهار سال از طرف دولت بورس کشور فرانسه گردید و دوره دکترای خود را در ظرف مدت دو سال و نیم از مدرسه لوور فرانسه گرفت و به ایران بازگشت. دکتر زمانی تالیفات متعددی در خصوص بناهای تاریخی و تاریخ هنر ایران منتشر کرده است. وی در سال ۱۳۵۲ بر اثر سانحه رانندگی بدرود حیات گفت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی والدین و انساب: عباس زمانی در سال ۱۲۹۷ در گناباد خراسان دیده به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عباس زمانی در سال ۱۳۱۵ گواهینامه شش کلاسه ابتدایی را در گناباد دریافت کرد. وی در سال ۱۳۳۳ به مشهد آمد و موفق به اخذ درجه دیپلم ادبی شد. سال بعد در کنکور دانشگاه شرکت نمود و در رشته حقوق پذیرفته شد. کمتر از یک سال حقوق خواند و سپس رشته‌اش را عوض کرده به دانشکده ادبیات رفت. این تغییر رشته به خاطر علاقه شدید وی به رشته باستان‌شناسی بود. در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول در دانشکده ادبیات لیسانس باستان‌شناسی خود را دریافت کرد. از طرف دولت یک بورس چهار ساله در اختیارش گذاشته شد تا برای ادامه تحصیل به فرانسه برود. راهی فرانسه شد و با پشتکار، علاقه و استعداد فوق‌العاده که داشت دوره چهار ساله دکترای خود را در مدت دو سال و نیم گذراند و به ایران بازگشت. طی دوره دکترای خود در مدرسه لوور، دوره زبان فرانسه را نیز گذراند و حتی در میان فارغ‌التحصیلان رشته زبان فرانسوی عنوان شاگرد اول را کسب کرد. همسر و فرزندان: عباس زمانی در سال ۱۳۲۷ با خانم فخرالدین مطلبی ازدواج کرد و حاصل ازدواج آنها دو دختر فرشته و فریور و یک پسر بنام فرهاد بود. زمان و علت فوت: عباس زمانی در آخرین سفر خود در راه تهران - مشهد دچار سانحه رانندگی شد. نزدیک ظهر ۲۸ تیر ماه ۱۳۵۲ در حالی که بیست و دو کیلومتر از قوچان رد شده بودند که ناگهان اتومبیلی که از روبروی آید، هنگام سبقت گرفتن از یک اتوبوس. با اتومبیل حامل دکتر و خانواده‌اش به شدت تصادف کرد. خطر متوجه دیگران نبود. دکتر را به مشهد و سپس به تهران منتقل کردند. هفت روز مقاومت کرد لیکن درست یک هفته پس از تصادف در روز پنج‌شنبه چهارم مرداد ماه ساعت ۸/۳۰ صبح زندگی را بدرود گفت. فعالیت‌های آموزشی: عباس زمانی در سال ۱۳۱۵ با تصدیق ششم ابتدایی در اداره معارف آن زمان مشغول کار شد. تا سال ۱۳۲۳ به تدریس پرداخت و از آن سال به ریاست کارگزینی اداره فرهنگ سابق گناباد منصوب و مشغول کار شد و همزمان تدریس را ادامه داد. شادروان زمانی پس از بازگشت به وطن، در دانشکده‌های الهیات، ادبیات، هنرهای زیبا و هنرهای دراماتیک به تدریس پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تدریس در دانشگاه ادامه داد. آثار: آثار تاریخی مهم گناباد ویژگی اثر: نخستین کنگره تحقیقات ایرانی ۱۳۵۲۲ اشیاء تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۰۳ پیچ تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۴ پیچ تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۹۵ خط کوفی تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۶ خط کوفی تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۲۷ در مساجد ایران نقشه سبک بدوی عرب وجود ندارد ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۸ در مساجد ایران نقشه سبک بدوی عرب وجود ندارد ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱۹ درباره تحولات درفش ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۸۱۰ دو اثر تاریخی در پسرکولت گناباد ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۲۱۱ سه اثر تاریخی در زبید گناباد ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۱۱۲ شباهت تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر

صفوی ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۱۳ شباهتهای تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۰۱۴ شیار تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۲۱۵ طاقنما و نغول تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران، طاقنما و نغول تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۲۱۷ طرح آربسک و اسلیمی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۲۱۸ طرح آربسک و اسلیمی در آثار تاریخی اسلامی ۱۹ قدمت و تمدن نه هزار ساله دشت قزوین ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱۲۰ قلعه دختر شوراب گناباد ویژگی اثر: بررسیهای تاریخی ۱۳۵۰۲۱ قلعه دختر مزار بجنستان گناباد ویژگی اثر: بررسیهای تاریخی ۱۲۵۲۲۲ قلعه فرود گناباد برکی مشهور از یک داستان باستانی ویژگی اثر: بررسیهای تاریخی ۱۳۵۲۲۳ گنبد دو پوش تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۲۲۴ گوشوار و گوشواره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۰۲۵ مزار سلطان محمد عابد ویژگی اثر: تهران ۱۳۶۳۲۶ مزار سلطان محمد عابد کاخک گناباد ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱۲۷ مزار سلطان محمدی معروف به کاخک گناباد ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱۲۸ مسجد جامع گناباد ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۲۹ مسجد جامع گناباد ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۰۳۳ منار و مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۳۴ منار و مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱۳۵ هنر سفالسازی در مند گناباد ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۱

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

سحاب، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۹ - ۱۳۰۰ ش)، محقق و جغرافیدان. مشهور به پدر کارتوگرافی ایران. وی را پدر جغرافیا و نقشه کشی ایران می‌دانند. در روستای فم از توابع تفرش، به دنیا آمد. پس از تحصیل در مکتب خانه، به همراه پدر به تهران آمد و وارد مدرسه کمالیه شد و دوره‌ی متوسطه را در مدارس ابن سینا و علمیه گذراند و در همین زمان استعداد و علاقه او به جغرافیا آشکار گردید. پدرش که به دلیل هزینه‌ی سنگین ترسیم نقشه‌های کتاب «جغرافیای آسیا» کارپتر انگلیسی، با مشکل مواجه بود، فرزندش را به هنگام انجام تکالیف مدرسه به تهیه نقشه تشویق می‌کرد. همین موضوع زمینه‌های تأسیس مؤسسه جغرافیای و کارتوگرافی ایران را در ۱۳۱۵ ش فراهم آورد و وی به همراه پدرش، استاد ابوالقاسم سحاب، این مؤسسه را تأسیس نمود. مهندس سحاب در همان ایام به تهیه نقشه فرانسه و سپس نقشه اروپا اقدام کرد که مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت. شهرت وی در آن دوران به جهت پیشرفتهای روزافزونی در امور تهیه نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی بود. او سپس تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران ادامه داد و بعد از مدتی نقشه تهران را تهیه کرد. وی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ ش پس از مطالعه و بررسی و سفر به سی هزار روستا و شهر در سراسر کشور نقشه‌های متعددی ترسیم کرد که بر آثار تاریخی و فرمهای سنتی استوار است، از جمله نقشه‌های استان اصفهان، استان آذربایجان شرقی، استان مازندران، مشهد، بندرعباس و شیراز می‌باشند. او همچنین در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ ش نقشه‌های کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکیه، کویت، عراق، عربستان، هندوستان و اندونزی را با سبک خاص رسم تصاویر و تذهیب حاشیه ترسیم کرد. استاد سحاب در ۱۳۳۹ ش با تحمل مشکلات فراوان اولین دوره‌ی نقشه‌های آموزشی را برای مدارس در هشت

قطعه (شامل نقشه‌های ایران، جهان‌نما و یکایک قاره‌ها) ترسیم نمود. او همچنین با همکاری مؤسسه‌ی کلمبوس آلمان اولین کره‌ی جغرافیایی را با خط فارسی در جهان تولید نمود. سرانجام مهندس سحاب، به علت بیماری قلب، در بیمارستان شهید مدرس تهران درگذشت. از دیگر آثار وی: تهیه‌ی اولین دوره‌ی نقشه‌های توریستی و ایرانگردی استانهای ایران؛ «اطلس مصور ایران و جهان»؛ «تاریخ شصت سال کارتوگرافی ایران».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اطلاعات (ش ۲۲۰۶۹، ص ۴)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دانشمند فقید استاد عباس سحاب، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۳۲۶۰).

سرائی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و استادیار پایه ۱۷ دانشگاه یزد و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تفت است. گروه: علوم انسانیرشته: جغرافیاگرایش: جغرافیا و برنامه‌ریزی شهریتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد. - موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «بازار یزد، پیدایش، پویا و کارکردهای آن» - موضوع پایان نامه دکتری «فرایند عرضه زمین و تأثیر آن بر کیفیت گسترش شهرها، مورد شهر یزد» مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای مدیریتی و اجرایی دکتر محمدحسین سرائی به قرار زیر است: - مسئول روابط عمومی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از یک سال، - مدیر گروه علوم انسانی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از دو سال، - معاون گروه جغرافیای دانشگاه یزد، قریب پنج سال، - معاون مدیر کل دانشجویی دانشگاه یزد از ۱۳۸۶/۶/۲۴ تا کنون، - نماینده تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیا در مجتمع علوم انسانی از ۱۳۸۶/۱/۶ تا ایجاد دانشکده علوم انسانی، - نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم انسانی در مجتمع علوم انسانی از ۱۳۸۶/۱۱/۶ تا انحلال مجتمع علوم انسانی، - نماینده مجتمع علوم انسانی در شورای طرحهای عمرانی جهت پیگیری ساختمان مجتمع علوم انسانی، - عضو پیوسته انجمن بین‌المللی همکاری‌های علمی ایران شناسی، - عضو پیوسته انجمن جغرافیدانان ایران. چگونگی عرضه آثار: - راهنمای یازده پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - مشاوره هفت پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - داوری ده‌ها پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - داوری ده‌ها مقاله علمی- پژوهشی با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - تعداد مجری طرحهای پژوهشی: بیش از سه مورد - تعداد مقالات علمی- پژوهشی ارائه شده توسط ایشان: بیش از ۱۰ مورد - تعداد مقاله پذیرفته شده جهت سخنرانی و چاپ: بیش از ۸ مورد

سعیدی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عباس سعیدی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. ایشان پس اخذ دیپلم طبیعی در رشته جغرافیا به تحصیل پرداخت

و مدرک کارشناسی جغرافیا و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را از دانشگاه ملی تهران بترتیب در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ اخذ کرد. و مدرک دکتری رشته علوم طبیعی را از دانشگاه فیلیپس واقع در شهر ماربورگ آلمان در سال ۱۳۶۳ دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۱۸ گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۴ می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: علوم طبیعتحصیلات رسمی و حرفه ای: اخذ دیپلم متوسطه رشته علوم طبیعی از دبیرستان ادیب، تهران در سال ۱۳۴۹ اخذ مدرک لیسانس رشته جغرافیا از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۳ اخذ مدرک فوق لیسانس رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه ملی ایران، در سال ۱۳۵۵ اخذ مدرک دکتری رشته علوم طبیعی از دانشگاه فیلیپس، آلمان/ماربورگ در سال ۱۳۶۳ پس از دکتری رشته آموزش دانشگاهی و توسعه بین الملل از دانشگاه کاسل آلمان/ کاسل، در سال ۱۳۶۴ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شغل و همکاری علمی - تحقیقاتی عباس سعیدی: - عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۶۴ (رتبه علمی: دانشیار پایه ۱۸)؛ - همکاری با مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (از سال ۱۳۶۵)؛ در حال حاضر: مدیر گروه جغرافیای دانشنامه فارسی و عضو شورای عالی مرکز؛ همچنین مولف و ویراستار؛ - همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۹ به عنوان مشاور عالی اجتماعی - اقتصادی؛ - عضو هیأت رئیسه انجمن جغرافیایی ایران از آغاز فعالیت پس از انقلاب (دو دوره دبیر انجمن) تاکنون (۱۳۸۲)؛ چگونگی عرضه آثار: عباس سعیدی آثار خود را بصورت تالیف کتب (شامل سه کتاب است) و ترجمه یک کتاب ارائه می کند. ایشان همچنین مقالاتی در دایره المعارف بزرگ اسلامی در یازده جلد دارد. - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی: ۳۰ پایان نامه - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۴۷ پایان نامه - راهنمایی پایان نامه های دکتری: ۳ پایان نامه طرح پژوهشی دکتر سعیدی به قرار زیر است: سطح بندی روستاهای کشور (با همکاری مهدی طالب، صدیقه حسینی و...)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۳ جلد، ۱۳۷۱-۱۳۷۷؛ استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویر احمد (با همکاری مهدی طالب، جواد صفی نژاد)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳؛ گونه شناسی معماری و سازه های مسکن روستایی استان سمنان، ۳ جلد، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی / بنیاد مسکن، ۱۳۷۶؛ ساماندهی روستاهای پراکنده شهرستان ایذه، بنیاد مسکن... استان خوزستان، ۳ جلد، ۱۳۷۷-۱۳۷۸؛ کیش: مروارید خلیج فارس، سازمان منطقه آزاد کیش، ۱۳۷۹. مکان گزینی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱؛ امکانات و تنگناهای منابع آب کشور از دیدگاه جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰-۱۳۸۱؛ آثار: ۱ ایران: شهر - روستا - عشایر (اکارت اهلرس) و ویژگی اثر: ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰۲ شیوه های سکونت گزینی و گونه های مسکن روستایی، بنیاد مسکن / برنامه توسعه سازمان ملل و ویژگی اثر: تهران، ۱۳۷۵۳ مبانی جغرافیای روستایی و ویژگی اثر: انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ (چاپ چهارم، ۱۳۸۱) ۴ مبانی دانش جغرافیا، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، وزارت آموزش و پرورش، و ویژگی اثر: چاپ اول، ۱۳۷۴ (چاپ هشتم، ۱۳۸۱)

سمسار، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن سمسار متولد سال ۱۳۱۳ شیراز دارای دکتری تاریخ از دانشگاه تهران، عضو هیئت علمی و مدیر بخش معماری و هنر دایره المعارف بزرگ اسلامی از سال ۱۳۶۵ می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمدحسن سمسار در سال ۱۳۱۳ ه.ش در اواسط سلطنت رضا شاه پهلوی چشم به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای:

محمدحسن سمسار دارای لیسان باستان شناسی و تاریخ هنر از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، لیسانس تاریخ در سال ۱۳۴۲، لیسانس مطالعات تاریخی و تحقیقات تاریخ از دانشگاه تهران و دکتری تاریخ از همان دانشگاه است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری در رشته تاریخ و تحصیلات در رشته ی باستان شناسی از مقاطع مهم زندگی محمدحسن سمسار بوده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمدحسن سمسار در حین تحصیل تاریخ به مطالعات و تحقیقات باستان شناختی علاقه بسیار داشته است. وقایع میانسالی: محمدحسن سمسار مدتی سرپرست موزه ها کارشناس آثار هنری و نسخ خطی وزارت فرهنگ و هنر و استاد مدعو دانشگاه مدرس و عضو هیئت علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عضو هیئت علمی و مدیر بخش معماری و هنر دایره المعارف بزرگ اسلامی از سال ۱۳۶۵ ه.ش، موزه دارد و رئیس موزه های هنرهای تزئینی و سرپرست کل اداره موزه ها از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ و کارشناس نسخ خطی وزارت فرهنگ و هنر، مدرس تاریخ هنر در گروه باستان شناسی و استاد مدعو دانشگاه تهران و تربیت مدرس بوده است. فعالیت‌های آموزشی: محمدحسن سمسار سالهاست که به تدریس باستان شناسی و حفاظت نسخ خطی در دانشگاه تهران و تربیت مدرس بوده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدحسن سمسار در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موزه داری در ایران پرداخته است. آرا و گرایشهای خاص: محمدحسن سمسار از جمله باستان شناسانی است که به حفاظت مکتوب و موزه داری علاقمند است. آثار: جغرافیای تاریخی سیراف، گزینه ای در شاهکاری نگارگری و خوشنویسی تهران، گنجینه کتب و نقاشی خطی، موزه های ایران، هنر ایران

منابع زندگینامه: (موزه های ایرانی) ایران، (۲۹ آذر ۸۴) ص ۱۱

سید سجادی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید منصور سید سجادی متولد سال ۱۳۴۷ شهر کرج است. وی پس از گذراندن دوره دبیرستان در رشته ادبیات و علوم انسانی به عنوان دانشجوی رشته ادبیات وارد دانشگاه تهران شد. وی بر حسب اتفاق به دلیل بدست نیابردن نمرات کافی بناچار وارد رشته باستانشناسی گردید و پس از چند دوره حفاری در نقاط مختلف ایران و همکاری با باستانشناسان برجسته جهان، از آن رشته فارغ التحصیلی گردید و راهی خدمت سربازی شد. سپس به استخدام مرکز باستانشناسی ایران درآمد و بعد از همکاری با آن مرکز با بورس تحصیلی وارد کشور ایتالیا و دانشگاه شرق شناسی ناپل شد و در سال ۱۳۶۸ موفق به دریافت دکترای ایرانشناسی از آن دانشگاه گردید. وی پس ۱۸ سال دوری از ایران در سال ۱۳۷۶ به ایران بازگشت و با مطالعات چند ساله خود را در زمینه شهر سوخته در موسسه شرق شناسی ایزمئو با حفاری در محوطه باستانی شهر سوخته از سر گرفت کا تا کنون ادامه دارد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: ایرانشناسی خاطرات کودکی: شاید آن کودک ۱۱ ساله که نخستین مطالعه جدی خود را با رمان بینوایان و ویکتور هوگو؛ که از دایمی خود هدیه گرفته بود آغاز کرد، هرگز باور نمی کرد روزی سرپرست هیأت باستان شناسی محوطه ای شود که یکی از کهن ترین و بزرگترین تمدن های شرق فلات ایران است. ادبیات، تاریخ و جغرافیا موضوع هایی بودند که به شکلی غریزی سید منصور سید سجادی را مجذوب خود می کردند. علاقه بیش از حد سجادی به این موضوع ها باعث می شد تا در دوره دبستان و دبیرستان نیز او این قبیل موضوع ها را دنبال کند و نمرات خوبی از آن ها بگیرد. در کلاس ششم نقش انسان های ماقبل تاریخ و جانوران عظیم الجثه روی کتاب تاریخ و جغرافیای آن دوران توجه سجادی نوجوان را به خود جلب کرده بود و خودش می گوید، این نخستین تماس وی با عالم باستان شناسی بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: - تحصیلات ابتدایی و

دبیرستانی در کرج مدرسه دکتر مرادیان، دبیرستان های فارابی و دهخدا - دیپلم رشته ادبی (تهران) ۱۳۴۷ - لیسانس در رشته باستان شناسی و هنر از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۵۱ - درجه دوتوره (dottoire) در رشته خاورشناسی از دانشگاه شرق شناسی ناپل ۱۳۵۷ با درجه عالی - دکتری در ایران شناسی از دانشگاه شرق شناسی ناپل ۱۳۶۸ خاطرات و وقایع تحصیل: سید منصور سید سجادی جوان پس از ورود به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، روانشناسی و ادبیات انگلیسی و فارسی و برخی دروس عمومی نخستین تماس او با این رشته بودند، اما زندگی سجادی از زمانی مسیر خود را تغییر داد که او موفق نشد نمرات کافی برای رفتن به رشته جامعه شناسی و روانشناسی را که در آن زمان، تحصیل در این رشتهها میان دانشجویان ادبیات «مد» شده بود را پیدا کند. البته سجادی شیفته تاریخ و جغرافیا بود و شاید با رفتن به رشته جامعه شناسی و روانشناسی خیلی دوام نمی آورد و دوباره به سوی علایق خود می رفت. سجادی تا آن زمان نمی دانست در دانشگاه رشته ای به نام باستان شناسی هم وجود دارد. او در سال ۱۳۴۷ برای تعیین رشته خود با این نام آشنا شد و از میان رشته های روزنامه نگاری و باستان شناسی، به گفته خودش خیلی تصادفی وارد رشته باستان شناسی شد. «در آن زمان دانشجویانی که نمرات کافی از دروس عمومی نمی گرفتند برای ادامه تحصیل و داشتن مدرک لیسانس به رشته باستان شناسی می آمدند. البته در این میان بودند کسانی مثل من که بر حسب علاقه این رشته را انتخاب می کردند. در میان دانشجویان این رشته بودند کسانی که در سنین بالاتری بودند و برای ارتقای شغلی و مقامی، رشته باستان شناسی را انتخاب می کردند تا با گرفتن لیسانس به اهداف خود برسند. خلاصه رشته باستان شناسی در آن زمان چنین وضعی داشت.» وی از دوران مرمت و آماده سازی کاروانسرای سگزآباد تخاطره جالبی دارد: سجادی می گوید: «کار عبثی بود. خاکی که روی سر در را گرفته به صد سال اخیر مربوط می شد و باید آن را تا رسیدن به کف دوره صفوی برمی داشتیم. اما از خوش روزگار یک سکه دوره صفوی در سردر پیدا کردم و همین باعث شد تصویر و نام من در کتاب ۵۰ سال باستان شناسی ایران دکتر نگهبان برود. در آن کتاب نگهبان از من به عنوان دانشجوی سابقه دار یاد کرده است.» توزی از سوی مؤسسه شرق شناسی ایزمئو مأمور کاوش های باستان شناسی در شهر سوخته شده بود. آمدن توزی به حسن لو باعث آشنایی سجادی با شهر سوخته و دعوت از وی شد. سجادی پذیرفت و سال بعد با توزی راهی شهر سوخته شد همکاری با توزی نخستین گام های سجادی در آشنایی با شهر سوخته بود. از خاطرات آن زمان کشف کتیبه شهر سوخته از همه برای سجادی شیرین تر است. فعالیتهای ضمن تحصیل: تا پیش از سال ۱۳۴۸ دانشجویان رشته باستان شناسی به حفاری اجباری نمی رفتند به همین دلیل لیسانس گرفتن در این رشته آسان تر از دیگر رشته ها بود. اما ورود سجادی به رشته باستان شناسی همزمان با آمدن دکتر یوسف مجیدزاده از آمریکا به ایران شد و از سر اتفاق پس از ملاقات با سجادی جوان که تازه باستان شناسی را در دانشگاه آغاز کرده بود، او را با خود به تپه «چغامیش» در خوزستان برد. این نخستین باری بود که سجادی یک سایت باستانی را از نزدیک می دید و روی آن حفاری باستان شناسی انجام می داد. سال ۱۳۴۹ نخستین سال حفاری اجباری برای باستان شناسان بود و به همین دلیل مورد اعتراض برخی از دانشجویانی قرار گرفت که تنها برای گرفتن لیسانس به دانشگاه آمده بودند. اعتراض آنان به جایی نرسید و نگهبان همه را برای حفاری اجباری به تپه قبرستان سگزآباد قزوین برد. این نخستین حفاری سجادی بود و وی در حفاری تمام نمرات خود را الف گرفت برگشت سجادی به دانشگاه پس از یک دوره حفاری درست زمانی بود که گذراندن ۲۰ واحد درسی به صورت حفاری از سوی دانشکده برای دانشجویان رشته باستان شناسی اجباری شد. این ایده دکتر نگهبان بود که در آن زمان رئیس گروه باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. پیش از این دکتر نگهبان کاروانسرای سگزآباد را از ژاندارمری گرفته بود و به همراه دانشجویان رشته باستان شناسی به مرمت و آماده سازی این کاروانسرا پرداخت. هیچ یک از باستان شناسان نمی دانستند آماده سازی این کاروانسرا به منظور آماده سازی محلی برای سپری کردن حفاری اجباری است. در آن زمان نگهبان سجادی را مأمور کاوش در محل سردر کاروانسرا کرد. استادان و مربیان: از استادان سید منصور سید سجادی میتوان به دکتر یوسف

مجیدزاده اشاره کرد که ملاقات اتفاقی این دو باعث شد آنها برای حفاری به تپه چغامیش بروند. هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران سید منصور سید سجادی در حفاریهای باستانشناسی در تپه چغامیش میتوان به دکتر مجید زاده و خانم کن تور و آقای دلوگاس دو باستانشناس مطرح آمریکایی در حفاریهای تپه چغامیش در ابتدای دوره تحصیلی باستانشناسی وی اشاره کرد او می گوید: «حفاری با کن تور و دلوگاس که هر دو استادان رشته باستان شناسی در دانشگاه شیکاگو بودند شانس بزرگی بود. در آن حفاری تازه فهمیدم هر آنچه در دانشگاه خوانده ام تنها تئوری بوده و دنیای باستان شناسی جای دیگری است.» و نیز همکاری با دایسون باستانشناس آمریکایی، نخستین مأموریت اداری او به عنوان نماینده دولت به همراه هیأت باستان شناسی آمریکایی به سرپرستی «دایسون» در تپه حسن لو آذربایجان غربی بود. «من باستان شناس خوش شناسی بودم. در طول فعالیتیم در مرکز باستان شناسی با بهترین باستان شناسان خارجی همکاری کردم. بودن در هیأت دایسون به من چیزهای تازه ای آموخت. او یکی از بهترین باستان شناسان دنیا بود. مدت یک سال و نیم در هیأت دایسون بودم تا این که «مائوریتسیو توزی» برای مطالعات گیاه باستان شناسی به تپه حسن لو آمد.» توزی از سوی مؤسسه شرق شناسی ایزمئو مأمور کاوش های باستان شناسی در شهر سوخته شده بود. آمدن توزی به حسن لو باعث آشنایی سجادی با شهر سوخته و دعوت از وی شد. سجادی پذیرفت و سال بعد با توزی راهی شهر سوخته شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - عضو گروه های بررسی و کاوش در: تپه قبرستان قزوین، چغامیش خوزستان، حسنلو آذربایجان غربی، ماهیدشت کرمانشاه، ایذه بختیاری، غبیرا کرمان، شهر سوخته، بررسی سیستان، - عضو و معاونت گروه باستان شناسی در: سیراف (بندر طاهری) خلیج فارس، بررسی بروجرد، بررسی ایذه و بختیاری. فعالیتهای آموزشی : سید منصور سید سجادی تا کنون در کنار فعالیت های خود به تعلیم کار میدانی به بیش از ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های سیستان و بلوچستان و دانشگاه زابل که تعداد قابل توجهی از آنان اکنون در رده های نسبتاً بالای سازمان میراث فرهنگی کار می کنند و یا در دانشگاهها مشغول تدریس هستند، پرداخته است. آموزش حفاری دانشجویان دانشگاه زابل بعد از بازگشت به ایران به درخواست هیئت علمی آن دانشگاه سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از انقلاب فعالیت های باستان شناسی شهر سوخته متوقف شد، اما سید منصور سید سجادی در مؤسسه ایزمئو و در سالن شهر سوخته به مدت ۱۸ سال مشغول مطالعه روی یافته های باستان شناسی این محوطه باستانی شد. پس از این دوران سجادی دوباره به ایران بازگشت و در سال ۱۳۷۶ خواستار ادامه کاوش های باستان شناسی در شهر سوخته شد. در آن زمان کسی را در ایران نمی شناخت و بر حسب اتفاق با چند اسم از طریق دوستان سابق خود آشنا شد. یکی از آن اسامی «ضروری» بود که اکنون به مدت ده سال است با سجادی در گورستان شهر سوخته فعالیت می کند و اکنون سرپرست گورستان این محوطه باستانی است. یکی دیگر از اسامی فروزانفر بود. او از ابتدا با سجادی در شهر سوخته بود و در تمامی مطالعات انسان شناسی به هیأت سجادی یاری رساند. سال ۱۳۷۶ بررسی منطقه با هیأتی که تشکیل شده بود فصل جدیدی از کاوش های شهر سوخته آغاز شد. در همان آغاز سجادی در یک برنامه ریزی از قبل تعیین شده در کنار بخش های دیگر محوطه تصمیم به حفاری بخش گورستانی شهر سوخته کرد. برای این منظور یک زمان ۱۰ ساله در نظر گرفته شد. کاوشها در گورستان شهر سوخته اطلاعات ارزشمندی را برای باستان شناسان به ارمغان آورد. پیش از این دکتر سجادی برای نخستین بار در باستان شناسی ایران لزوم کاربرد علوم دیگر در باستان شناسی را در سال ۱۳۶۵ در مقاله ای مطرح کرد. این کار را در گروه باستان شناسی شهر سوخته که امروزه مهمترین و کاملترین گروه باستان شناسی کشور هست انجام گرفت و سجادی مجموعه ای از علوم میان رشته ای باستان شناسی از قبیل انسان شناسی استخوانی، گیاه باستان شناسی، مطالعات باستان شناسی روی سنگ های قیمتی و... را در شهر سوخته راه انداخت. این مطالعات اکنون در بیشتر هیأت های باستان شناسی ایران انجام می شود. نهادهای جدیدی در مطالعات زیست شناسی، گیاه شناسی و بویژه انسان شناسی به طوری دنبال شد که در حال حاضر شهر سوخته دارای بزرگترین مجموعه انسانی در سرتاسر ایران است. سفال منقوش به بز شهر سوخته از جمله اشیایی بود که به وسیله ایتالیایی ها در شهر سوخته کشف شد. این نقش بزی را نشان

می دهد که در پنج حرکت در حال خوردن برگی از درخت است. این سفال نخستین انیمیشن جهان شناخته شده است. سجادی پس از انقلاب نخستین بار مسأله انیمیشن شهر سوخته را مطرح کرد. از دیگر یافته های باستان شناسی شهر سوخته کشف مجموعه ای متعلق به دختری ۱۳ ساله بود که در ۴۵۰۰ سال قبل مورد جراحی قرار گرفته بود. نخستین بار مسأله جراحی مجموعه سر در شهر سوخته و به وسیله سجادی عنوان شد. از جمله مهمترین یافته های باستان شناسی در شهر سوخته کشف طبخ غذا در این محوطه باستانی است. باستان شناسان تا کنون با بررسی های علمی روی اشیای به دست آمده و دانه های گیاهی و بقایای جانوری دستور تهیه بیش از ۵ نوع غذای باستانی که در زمان مردم شهر سوخته رایج بوده است را کشف کرده اند. سجادی امروز یکی از شناخته ترین باستان شناسان جهان است. او تا کنون علاوه بر فعالیت های باستان شناسی در ایران تعدادی محوطه های باستان شناسی را در ایتالیا و دیگر کشورهای جهان را نیز حفاری کرده است. غبیرا (کرمان)، بردسیر (کرمان)، جیرفت و هلیل رود (کرمان)، نور آباد در لرستان، شهر سوخته، کوه خواجه، دهانه غلامان، تپه طالب خان و تپه بمپور در سیستان و بلوچستان و همچنین حفاری و بررسی در محوطه های دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخی در ایتالیا، و ترکمنستان و گرجستان و مجارستان از جمله این فعالیت ها است. چگونگی عرضه آثار: - سخنرانی های متعدد در باره تاریخ و فرهنگ ایران، بویژه شهر سوخته در همایش های ملی و بین المللی در ایران و سایر کشورها - طرح لزوم کاربرد علوم دیگر در باستان شناسی در سال ۱۳۶۵ برای نخستین بار - انجام مطالعات زیست شناسی، گیاه شناسی و بویژه انسان شناسی به طوری که در حال حاضر شهر سوخته دارای بزرگترین مجموعه انسانی در سرتاسر ایران است - طرح مسأله انیمیشن شهر سوخته برای نخستین بار - طرح مسأله جراحی مجموعه سر برای نخستین بار فهرست کتاب ها و مقاله های وی: ۲۷ مقاله به فارسی، ۶ کتاب به فارسی، ۱۲، تک نگاری به فارسی ۲، کتاب ترجمه از انگلیسی و ایتالیایی ۲ مقاله از انگلیسی و ایتالیایی ۲۱، مقاله به انگلیسی ۱، کتاب به ایتالیایی درباره قنات ۱، کتاب به انگلیسی. (تنظیم و ترجمه و ویرایش و چاپ کتاب کاوش های شهادت مرحوم علی حاکمی به انگلیسی) ۶، مقاله به ایتالیایی، دو مقاله به فرانسه، دو مقاله به روسی، یک مقاله به آلمانی ۴، تک نگاری به انگلیسی آثار: آرمان ایران. گفتاری درباره ریشه ها و اصل نام ایران ویژگی اثر: ترجمه، نوشته گرادو نیولی (از انگلیسی ۲ کتاب تحقیقات تاریخی در باره سیستان باستان ویژگی اثر: ترجمه، نوشته گرادو نیولی (از ایتالیایی) ۳ مقالات: - «باستان شناسی بلوچستان»: دایرة المعارف بزرگ اسلامی - یک مقاله در باره شهر سوخته در یک مجموعه کتاب در باره این شهر (انگلیسی) - یک مقاله در باره منابع سنگ لاجورد جیرفت (انگلیسی) از مهمترین کار های در دست تألیف یک دوره کتاب در باره کاوش های شهر سوخته: مقاله های فارسی «بررسی های باستان شناسی در شمال خوزستان» در: *Archaeological investigations in Northern Xuzestan* ۱۹۷۶ H.T. - Ann Arbore, ۱۹۷۹, PP ۱ (ed.) Wright ۱۳۶۲ «نگاهی به فرهنگهای ناشناخته نیمه شرقی فلات ایران: شهر سوخته» در: فروهر

سیفی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، جغرافیدان و مورخ. کتابی در جغرافیای شهر و تاریخ آستان قدس و رویداد حجاب دارد به نام «تاریخچه‌ی خراسان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای چاپی (۱/۱۷۸).

شاپور شهبازی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا شاپور شهبازی در خانواده ای اصیل در شیراز متولد شد و یکی از مفاخر بزرگ ایران محسوب میشوند. او جزء بهترین هخامنشی شناسان جهان بود که در راه شناخت این دوره از تاریخ ایران زحمات فراوانی کشید. وی در اینباره صدها مقاله به چاپ رساند و نشریات فراوانی را پایه گذاری کرد. شهبازی یکی از دانشمندان تاریخ ایران بود و او را به عنوان یکی از بزرگترین هخامنشی شناسان جهان می شناختند. شاپور شهبازی نه تنها در دوره هخامنشی؛ بلکه در دوره های ساسانی و اسلامی نیز یکی از صاحب نظران ایرانی محسوب می شدند. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: هخامنش شناس تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا شاپور شهبازی در رشته باستان شناسی و زبانهای باستانی دکتری داشتند. زمان و علت فوت: علیرضا شاپور شهبازی از ۹ ماه قبل برای درمان بیماری سرطان عازم آمریکا شد و در این مدت تحت معالجه قرار گرفت اما سرانجام ۲۵ تیر ماه ۱۳۸۵ دارفانی را وداع گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علیرضا شاپور شهبازی مدتها به عنوان مشاور عالی با بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد همکاری میکردند. در این راه شاگردان فراوانی را تربیت کرده اند و در کارهای بنیاد نظارت علمی داشتند. از جمله مهمترین فعالیت های مرحوم شهبازی در بنیاد پارسه پاسارگاد یاری رساندن در ترسیم استراتژی پژوهشی بنیاد بود. از دیگر فعالیتهای دکتر شهبازی میتوان به همکاری تنگاتنگ وی با فرهنگستان علوم اشاره کرد که تدوین بخش هخامنشی دایره المعارف بزرگ اسلامی نیز توسط وی انجام گرفته است. چگونگی عرضه آثار: علیرضا شاپور شهبازی کتابهای زیادی درباره تاریخ و تمدن ایران نوشته اند. او کتابهای زیادی در دست انتشار دارد که برخی از آنها توسط بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد منتشر می شود. آثار: تدوین بخش هخامنشی دایره المعارف بزرگ اسلامی و ویژگی اثر: در اثر همکاری وی با فرهنگستان علوم ۲ تهیه راهنمای گردشگری و ویژگی اثر: تدوین بخش هخامنشی دایره المعارف بزرگ اسلامی ۳ راهنمای مستند و علمی تخت جمشید و ویژگی اثر: راهنمای مستند و علمی تخت جمشید که امروزه به عنوان یکی از مراجع محققین مورد استفاده قرار می گیرد اشاره کرد.

شایان، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیاوش شایان در سال ۱۳۳۳ به دنیا آمد. او در رشته جغرافیای طبیعی تحصیلات آکادمیک را دنبال کرد و با اخذ دکترای ژئومرفولوژی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی از سال ۱۳۷۰ با تربیت معلم تهران و از سال ۱۳۷۵ همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد و هم اکنون نیز عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. او ضمن ارائه مقالات تخصصی در همایشها و سمینارهای مختلف، آثاری نیز به رشته تحریر در آورده و با توجه به همکاری نزدیکی که با نشریات تخصصی داشته برخی مقالات خود را در این نشریات به رشته تحریر در آورده است. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیاوش شایان پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه تبریز شد و در سال ۱۳۵۸ لیسانس جغرافیای طبیعی را به اتمام رساند. پس از آن مقطع کارشناسی ارشد را در رشته جغرافیای طبیعی با گرایش اقلیم شناسی در

دانشگاه تهران دنبال کرد و تا سال ۱۳۶۶ تحصیلات این مقطع ادامه یافت. او سرانجام در سال ۱۳۷۹ به اخذ درجه دکترای جغرافیای طبیعی با گرایش ژئومورفولوژی نائل آمد. هم دوره ای ها و همکاران: سیاوش شایان با دکتر حسین شکویی، استاد گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر فرج... محمودی. استاد ژئومورفولوژی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران و دکتر عبدالرضا افتخاری، استادیار جغرافیای روستایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس همکاری نزدیکی دارد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیاوش شایان به عنوان کارشناس برنامه ریزی و تالیف کتابهای درسی جغرافیا با سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی همکاری دارد. او همچنین از سال ۱۳۷۵ به عنوان مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا همکاری خود را آغاز و تاکنون ادامه دارد. فعالیتهای آموزشی: سیاوش شایان عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. علاوه بر آن وی از سال ۱۳۷۰ با تربیت معلم تهران و از سال ۱۳۷۵ همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد. او تاکنون تدریس دروس زیر را به عهده داشته است: نام درس دوره ۱- جغرافیای ناحیه ای ایران (کوهستانی) کارشناسی ۲- ژئومورفولوژی شهری کارشناسی ۳- کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی شهری و روستایی کارشناسی ۴- جغرافیای طبیعی شهر (ژئومورفولوژی) کارشناسی ارشد ۵- اکوسیستم های محیطی کارشناسی ارشد ۶- مطالعات محیطی در برنامه ریزی روستایی کارشناسی ارشد ۷- مدیریت زیست محیطی دکتر ۸- ژئومورفولوژی و مدیریت محیطی دکتر ۹- برنامه ریزی محیطی کارشناسی ارشد ۱۰- واحدهای ژئومورفولوژی ایران کارشناسی ارشد ۱۱- متون جغرافیایی (شهری- روستایی- طبیعی و انسانی) کارشناسی و کارشناسی ارشد سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سیاوش شایان با فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی (موسسه جغرافیا دانشگاه تهران)، فصلنامه فرهنگان (موسسه فرهنگی علمیرادیان)، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. او از داوران جشنواره خوارزمی به شمار می آید. از جمله فعالیتهای دیگر دکتر شایان عبارتند از: ۱- عضویت و شرکت در کمیته آموزشی، کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی، وزارت کشور، ۷۵-۱۳۷۴ ۲- عضویت و شرکت در کمیته آموزشی زلزله، کمیته ملی سازمان پژوهشهای علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۵ ۳- شرکت در کارگاه برنامه ریزی درسی و آموزش جغرافیا، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۴ ۴- شرکت در کارگاه روشهای تدریس، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۹ ۵- عضویت و شرکت در کمیته برنامه ریزی درسی جغرافیا، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۶۴ تا کنون ۶- عضویت در کمیته ایرانشناسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۷۸ تا کنون ۷- عضویت در هیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا، ۱۳۶۵ تا کنون ۸- عضویت در هیئت تحریریه فصلنامه فرهنگان، ۱۳۷۸ تا کنون ۹- عضویت در انجمن جغرافیایی ایران ۱۳۸۱ آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی سیاوش شایان عبارتند از: ۱- ژئومورفولوژی کاربردی (در برنامه ریزی های محیطی) ۲- اکوسیستم های کوهستانی و تغییر در مورفولوژی نواحی کوهستانی ۳- هیدرولوژی جریان (رودخانه ای) و اشکال حاصل از جریان و تحولات ژئومورفولوژیکی حاصل از آن ۴- کاربردهای علم سنجش از دور در مطالعات ژئومورفولوژیکی ۵- تحولات ژئومورفولوژی ایران طی کوآترنر ۶- فرسایش آنتروپوژنیک (حاصل فعالیت انسان) و نتایج آن در تحولات آب، خاک، گیاه ۷- مبنای ژئومورفولوژیکی در ارزیابی های زیست محیطی

شفقی، سیروس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته جغرافیا، تاریخ و علوم تربیتی در سال ۱۳۳۷، دکترا در رشته جغرافیای شهری و زمین‌شناسی و مردم‌شناسی از دانشگاه کلن آلمان در سال ۱۳۴۴.

مرتبه علمی:

آسیستان علمی دانشگاه کلن آلمان به مدت ۲۰ ماه، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعه و تحقیق در زمینه جغرافیای اصفهان، تأثیر جغرافیائی وقف در اصفهان و مطالعات طرح تغییر محور مجتمع فولاد مبارکه، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای شهری، مبانی کوچ‌نشینی و مسائل کشاورزی ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مسائل جغرافیائی ایران، مسائل جغرافیای شهری ایران و مسائل کوچ‌نشینی در ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صالحی، محمد صالح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صالح صالحی در سال ۱۳۲۴ روز ۲۰ تیر ماه در شهر اردبیل دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی خود را تا ششم ریاضی در مدارس اردبیل گرفت و برای تحصیل در رشته باستان‌شناسی وارد دانشگاه تهران شد. پس از دریافت لیسانس باستان‌شناسی با کسب بورس عازم کشور فرانسه شد. صالحی فوق لیسانس و دکتری خود را از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد. دکتر صالحی در تابستان ۱۳۷۴ وقتی که به همراه دانشجویان برای کاوش‌های آموزشی باستان‌شناسی به قزوین عزیمت کرده بود در یک سانحه رانندگی به دیار باقی شتافت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی والدین و انساب: محمد صالح صالحی در ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۴ در شهر اردبیل متولد شد. طبق رسوم خانوادگی در مراسم نامگذاری، نام پدر بزرگ را (محمد صالح) برای او انتخاب کردند ولی در بین خانواده و دوستان (سالار) نامیده می‌شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد صالح صالحی تحصیلات ابتدایی

و متوسطه را تا ششم ریاضی با رتبه ممتاز در مدارس اردبیل گذراند و پس از اخذ دیپلم ریاضی برای تحصیل در رشته باستان شناسی وارد دانشگاه تهران شد. وی از این دانشگاه موفق به اخذ رتبه لیسانس گردید. پس از آن با کسب بورس از دانشگاه سوربن فرانسه، عازم آن کشور گردید و مدارج فوق لیسانس و دکترای خود را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. زمان و علت فوت: محمد صالح صالحی در تابستان ۱۳۷۴ وقتی که به همراه دانشجویان برای کاوش های آموزشی باستان شناسی به قزوین عزیمت کرده بود در یک سانحه رانندگی به دیار باقی شتافت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اجرایی و اداری محمد صالح صالحی به شرح زیر می باشد: عضو هیات گروه باستان شناسی دانشگاه تهران. عضو هیات علمی موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران. رییس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشی میدانی محمد صالح صالحی به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای دشت قزوین.

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

صدیقی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جغرافیدان، استاد.

تولد: ۱۳۱۳.

درگذشت: ۱۳۶۱، پاریس.

مهدی صدیقی فارغ‌التحصیل جغرافیا از دانشگاه سربن (پاریس) است. از سال ۱۳۴۸ خدمت دانشگاهی خود را آغاز کرد، و به تدریس دروسی مانند جغرافیای ریاضی، جغرافیای انسانی، هوا شناسی، زمین شناسی ژئومورفولوژی، و تفسیر عکس پرداخت. وی بعدها به مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه مشهد رسید. از جمله تألیفات وی می توان به این کتاب اشاره کرد: فوتوگرامتری و عکس های هوایی (۱۳۵۲). دکتر مهدی صدیقی همچنین مقالاتی برای مجله «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» نوشت. دکتر مهدی صدیقی در سال ۱۳۶۱ در پاریس درگذشت و پیکر وی به مشهد منتقل شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صراف، محمدرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحیم صراف در ۲۳ آبان ۱۳۱۸ در شهر خوی بدینا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع فوق لیسانس در دانشگاه تهران گذراند و دکترای این رشته از موسسه باستان شناسی آسیای نزدیک وابسته به دانشگاه مونیخ آلمان دریافت کرد. دکتر صراف فعالیت‌های تخصصی خود را در ایران پس از اتمام تحصیل، با تصدی مشاغل اداری در مرکز باستان شناسی ایران و معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی و همچنین تدریس در دانشگاه های تهران، تربیت مدرس و ازاد اسلامی و تالیف و ترجمه آثار متعدد آغاز کرده و ادامه داده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی والدین و انساب: محمد رحیم صراف در ۲۳

آبان ۱۳۱۸ در خوی متولد شده است. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد رحیم صراف ، پس از تولد در شهرستان خوی به همراه خانواده‌اش به تبریز مهاجرت نمود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رحیم صراف تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سعدی تبریز آغاز کرد لیکن ادامه تحصیلات وی در مدرسه حافظ و دبیرستان دارالفنون تهران سپری شد. در سال ۱۳۳۹ پس از اخذ دیپلم ، در آزمون رشته باستان شناسی پذیرفته شد و سال ۱۳۴۲ لیسانس باستان شناسی را دریافت کرد. سپس به تحصیل در مقطع فوق لیسانس باستان شناسی (در سالهای ۴۷-۱۳۴۵) پرداخت . در سال ۱۳۵۰ از طرف دولت ایران برای گذراندن تحصیلات عالی به آلمان اعزام شد و طی سالهای ۵۶-۱۳۵۱ موفق به اخذ درجه Ph.D از دانشگاه مونیخ آلمان در موسسه باستان شناسی آسیای نزدیک شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رحیم صراف پس از اخذ لیسانس از دانشگاه تهران، و انجام خدمت سربازی پرداخت، (در سال ۱۳۴۴) به عنوان کارشناس باستان شناسی در اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه سابق استخدام شد. دکتر صراف پس از بازگشت به ایران و اتمام تحصیل در آلمان، تحقیقات تخصصی را در مرکز باستان شناسی دنبال کرد و با تشکیل سازمان میراث فرهنگی به عنوان عضو هیئت علمی معاونت پژوهشی آن سازمان به فعالیت های پژوهشی اشتغال یافت. سوابق اجرایی و اداری دکتر محمد رحیم صراف از سال ۶۷-۱۳۴۴ به شرح زیر می باشد: - کارشناس باستان شناسی ، اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه ۱۳۴۴. - کارشناس مرکز باستان شناسی ایران ۱۳۵۶. - استاد یار پژوهشی ، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۷. فعالیتهای آموزشی : محمد رحیم صراف در زمینه باستان شناسی ایران و بین النهرین در دانشگاه های زیر تدریس کرده است: گروه باستان شناسی دانشگاه تهران . گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس . گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی میدانی محمد رحیم صراف به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای بمپور ، تل ابلیس ، هفت تپه ، بیشابور . سرپرستی کاوشهای تپه هگمتانه . سرپرستی کاوشهای تپه چشمه علی ری . آثار : ۱

Exploration of Excavation area B With Joseph R. Caldwell. Investigations at Tal – i Iblis , No۹, Illionis ۱۹۶۷۲ Keramik von Tal – i Iblis und ihre zeitliche und raumliche Beziehungen zu den anderen iranischen und mesopotamischen kulturen in, AMI, ۱۹۸۰۳ Tal- I Iblis in Reallexikon der Astrologie und vorderasiatischen archaologie, Berlin ۱۹۸۰۳ Tal- I Iblis in Reallexikon der Astrologie und vorderasiatischen archaologie, Berlin

شوش، ۱۳۷۳۵ تل ابلیس و ویژگی اثر : مجموعه مفاصلت کرمان شناسی، مرکز کرمان شناسی. ۱۳۶۹۶ جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان بهبهان و ویژگی اثر : نشریه اثر، شماره ۱۷، بهار ۱۳۶۹۷ حلقه سیمین قدرت اوتناش گال - پادشاهی از سلسله ایکهالکی (۱۲۷۵-۱۲۴۰) و ویژگی اثر : نشریه اثر، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۷۵۸ دوراوتناش یاشهر اوتناش گال ایلامی (چغازنبیل) و ویژگی اثر : میراث فرهنگی: یاد نامه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران، شماره ۱۲، ۱۳۷۳۹ شناخت و حفظ میراث های فرهنگی یک مسئولیت ملی است و ویژگی اثر : نشریه پیام آبادگران ، شماره ۹۵، ۱۳۷۲۱۰ شهر بیضا و ویژگی اثر : ترجمه اثر دیتیش هوف، منتشر شده در مجموعه شهر های ایرانی، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد ۴، ۱۳۷۰۱۱ شهر های ساسانی و ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر دیتیش هوف، منتشر شده در مجموعه نظری بر شهر نشینی و شهر سازی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد اول، ۱۳۵۶۱۲ کشفیات جدید از شهر باستانی هگمتانه و ویژگی اثر : نشریه میراث فرهنگی، شماره ۱۴، ۱۳۷۴۱۳ مراسم تطهیر مذهبی ایلامی و ویژگی اثر : ترجمه اثر گ. گروپ، میراث فرهنگی ، شماره ۸-۹، ۱۳۷۲۱۴ نقوش برجسته ایلامی و ویژگی اثر : انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲۱۵ نقوش حکاکی شده دره دیویت الوند همدان و ویژگی اثر : گزارشهای باستان شناسی (۱)، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۶۱۶ نو یافته های معماری و شهر سازی در تپه هگمتانه و ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران جلد دوم، ۱۳۷۴۱۷ هفتمین فصل کاوش در تپه هگمتانه و ویژگی اثر : اولین گردهمایی باستان شناسی

ایران - تهران، ۱۳۷۶۱۸ هگمتانه ویژگی اثر: مجموعه شهرهای ایران که به کوشش محمد یوسف کیانی در سال ۱۳۶۸ توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد.

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

صفاران، الیاس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

الیاس صفاران در سال ۱۳۳۹، در شهر قزوین به دنیا آمد. وی از جمله اساتید بزرگ باستان شناسی در ایران و تحصیلات خود را تا مقطع فوق دکترا در این زمینه ادامه داده است. علاوه بر قرار گرفتن در سمت های مهم اداری، به امر تدریس و فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی اشتغال دارد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: الیاس صفاران از جمله اساتید بزرگ باستان شناسی در ایران است. وی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه، تحصیلات خود را در مقاطع مختلف به شرح ذیل به انجام رساند: - کارشناسی مرمت آثار و ابنیه تاریخی، دانشگاه هنر، تهران ۱۳۶۷. - کارشناسی ارشد علوم باستانی (گرایش هنر، باستان شناسی و مرمت)، دانشگاه لیموژ فرانسه، ۱۹۹۲ میلادی. - دکترای علوم باستانی (گرایش هنر، باستان شناسی و مرمت)، دانشگاه لیموژ فرانسه، ۱۹۹۶ میلادی (عنوان رساله دکترا: ایران و یونان باستان: عناصر هنری و فرهنگی ایرانیان - تغییرات و روابط متقابل با یونان، حفظ و مرمت. - فوق دکترای تاریخ هنر و باستان شناسی اسلامی، موزه، انسان شناسی دانشگاه پاریس - فرانسه (عنوان رساله فوق دکترا: راهکارهای نوین باستان شناسی تاریخ هنر، باستان شناسی و میراث فرهنگی - دوران مختلف اسلامی). مشاغل و سمتهای مورد تصدی: الیاس صفاران پس از پایان تحصیلات خود، به ایران بازگشت و سمت های اجرایی و اداری متعددی را پذیرفت، که مهمترین آن به شرح ذیل می باشد: - رییس جهاد دانشگاهی واحد هنر، پردیس ۷۰-۱۳۶۳. - پژوهشگر و مسئول بخش تحقیقات جهاد دانشگاهی واحد هنر، ۷۰-۱۳۶۳. - مسئول دفتر فنی دانشگاه هنر، ۷۰-۱۳۶۶. - عضویت در (A.R.C.O.M) وزارت فرهنگ فرانسه، از سال ۱۹۹۲. - عضویت در (C.R.N.S-A.R.S.A.G) وزارت آموزش عالی و تحقیقات فرانسه، از ۱۹۹۲. - عضویت در مرکز آفریقا شناسی - عضویت در شورای بین المللی زیست محیطی - عضو حفاظت گران و مرمت گران آثار تاریخی - فرهنگی ایران - عضو و دبیر شورای تخصصی - علمی گروه باستان شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۶۷. - نماینده گروه باستان شناسی برای شورای پژوهشی دانشکده از ۱۹ آبان ۷۷ تا ۱۶ آبان ۷۸. - نماینده تام الاختیار جهاد هنر در خصوص تالیف کتب دانشگاهی در سازمان سمت، از ۱۳۷۷. - مسئول سازمان راه اندازی طرح کار دانش جهاد هنر، از ۱۳۷۶. - مسئول راه اندازی پژوهشکده هنر و علوم باستانی جهاد هنر، از ۱۳۷۷. - مشاور گروه پژوهشی باستان شناسی سازمان سمت، از ۱۳۷۷. - عضو گروه تاریخ و باستان شناسی شورای بررسی متون و کتب دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - داوری کتب گروه باستان شناسی و مرمت سازمان سمت [نشریه باستان پژوهان، «ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران»، زمستان ۱۳۷۹] فعالیت های آموزشی: الیاس صفاران علاوه بر قرار گرفتن در سمت های مهم اداری، به امر تدریس نیز اشتغال داشت. از جمله فعالیت های آموزشی وی به شرح ذیل می باشد: - مدرس و مدیر گروه مرمت آثار و ابنیه تاریخی دانشگاه هنر. - استادیار دانشگاه تربیت مدرس (از سال ۱۳۷۶). آثار: تکنیک مجسمه سازی با خمیر نان ویژگی اثر: انتشارات رنزو زانویی، میکائیل، ۱۳۷۸.۲ شهر بارزش دندانها ویژگی اثر: نوشته

C.I.V، امید دانش، تهران: ۱۳۷۸

منابع زندگینامه: نشریه باستان پژوهان، «ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران»، زمستان ۱۳۷۹

صمدی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، باستان‌شناس و نویسنده. در ۱۳۱۹ ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی باستان‌شناسی شد و پس از آن در موزه ایران باستان اشتغال یافت و در ضمن کار، به تألیف کتابهایی در زمینه‌ی کار خود می‌پرداخت. از آثار وی: «راهنمای موزه‌ی آستان قدس رضوی»؛ «ویرانه‌های شوش».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۶، ۱۶۶۰ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۶ / ۲).

ضیاء توانا، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم زمین، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیا با رتبه اول از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، دکترای علوم طبیعی با امتیاز بسیار خوب از دانشگاه ماربورگ آلمان غربی.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه شهید بهشتی تا سال ۱۳۷۰، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تحقیق و پژوهش در زمینه بررسی جایگاه جغرافی دانان در بازسازی آلمان، جغرافیای شهری ایران، تدریس دروس جغرافیای اقتصادی، جغرافیای انسانی، جغرافیای روستایی، جغرافیای ناحیه‌ای، روش تحقیق، جغرافیای کاربردی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، راهنمایی مشاوره و نظارت بر ۹ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای اقتصادی (کشاورزی- روستائی).

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای روستایی ایران، جغرافیا و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، جغرافیای شهری.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طلایی مغانجوقی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن طلایی مغانجوقی دارای مدرک طبیعت و باستان‌شناسی از دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۶۳ است. وی هم‌اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار - گروه باستان‌شناسی و هنر - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی گرایش: طبیعت و باستان‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسن طلایی مغانجوقی کارشناسی باستان‌شناسی را در دانشگاه تهران و تحصیلات تکمیل خود را در دانشگاه منچستر انگلستان در سال ۱۳۶۳ با رساله‌ای در مورد "عصر آهن ایران بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی محوطه باستانی هفتوان تزه در شمال غرب ایران" گذرانده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسن طلایی مغانجوقی در کنار تحصیل به یادگیری زبانهای فرانسه و انگلیسی می‌پرداختند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: خدمات علمی و اجرایی حسن طلایی مغانجوقی به قرار زیر است: • دانشیار - گروه باستان‌شناسی و هنر - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران • ۱۳۷۸، سمت سرپرست مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران • ۱۳۷۴، سمت سرپرست مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران • ۱۳۷۱، سمت استادیار، دانشگاه تهران • ۱۳۷۰، سمت استادیار، دانشگاه تبریز • ۱۳۵۴، سمت کارشناس، مرکز باستان‌شناسی ایران (سابق) فعالیت‌های آموزشی: عنوانین دروس آموزشی ارائه شده توسط حسن طلایی مغانجوقی در دانشگاه‌های مختلف به قرار زیر است: دانشگاه تهران: کارشناسی: پیش از تاریخ بین‌النهرین - استخوان‌شناسی - ایران در آغاز شهرنشینی ۱ - باستان‌شناسی ایران در هزاره ۱ - شناخت تابلت و مهرها - طبقه بندی سفال کارشناسی ارشد: باستان‌شناسی ماقبل تاریخ بین‌النهری دکتری: گاهنگاری دوران پیش از تاریخ - بررسی باستان‌شناسی پیش از تاریخ دانشگاه تبریز: دروس مربوط به پیش از اسلام ایران دانشگاه تربیت مدرس: باستان‌شناسی و هنر هزاره اول پ.م ایران - هنر و تکنیک سفالگری پیش از تاریخ سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: بیش از ۹ مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: بیش از ۷ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: بیش از ۹ مورد - تعداد سخنرانی‌ها در کنگره‌های داخلی و خارجی: ۱۰ مورد طرح‌های تحقیقاتی به پایان رسیده حسن طلایی مغانجوقی به قرار زیر است: • ۱۳۸۶-۱۳۸۶، مطالعه بررسی و معرفی اشیاء فلزی سرخدم لری • ۱۳۸۳-۱۳۸۴، تحلیل ساختار نقوش سفالهای چشمه علی وسیلک III گزارش‌های علمی طرح‌های تحقیقاتی: - ساخت معبد منقوش زاغه (محل اجرا مؤسسه باستان‌شناسی) - بانک سفال ایران (طرح ملی) محل اجرا مؤسسه باستان‌شناسی آثار: باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م و ویژگی اثر: انتشارات سازمان تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۸۵ (چاپ پنجم) ۲ عصر مفرغ ایران ویژگی اثر: انتشارات سازمان تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۸۵ (چاپ اول) ۳ هشت هزار سال سفال ایران ویژگی اثر: در دست تالیف

علیجانی، بهلول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر بهلول علیجانی در سال ۱۳۲۵ در تبریز متولد شد. تحصیلاتش را در رشته جغرافیا آغاز کرد از آنجایی که او دانشجوی مستعدی بود برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت کرد و موفق شد دوره فوق لیسانس رشته جغرافیای طبیعی و دوره دکترا رشته آب و هواشناسی سینوپتیک را در دانشگاه ایالتی میشیگان به پایان برساند او در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت و همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسرای عالی یزد مشغول تدریس شد. کتاب "مبانی آب و هواشناسی" تالیف بهلول علیجانی، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: رشته آب و هواشناسی سینوپتیک تحصیلات رسمی و حرفه ای: بهلول علیجانی در مهر سال ۱۳۴۸ در رشته جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۲ مدرک لیسانس جغرافیا را دریافت کرد. پس از دو سال تدریس در دبیرستان های فیروزکوه، در سال ۱۳۵۴ در امتحان اعزام دانشسرای عالی تهران قبول شد و در خرداد ۱۳۵۵ جهت ادامه تحصیل در دانشگاه ایالتی میشیگان به آمریکا رهسپار شد. دوره فوق لیسانس را در جغرافیای طبیعی و دوره دکترا را در آب و هواشناسی سینوپتیک به پایان رسانید و در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: بهلول علیجانی پس از اخذ مدرک دکتری آب و هواشناسی سینوپتیک، از آمریکا در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت. همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسرای عالی یزد مشغول تدریس شد. مشاغل ایشان در طی این مدت، عبارت بوده است از: تدریس در دانشگاه یزد، معاونت دانشسرای عالی یزد، مدیریت گروه جغرافیا در دانشگاه یزد، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، تدریس در دانشگاه تربیت معلم، معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات، عضویت در هیئت تحریریه مجله و فصلنامه تحقیقات جغرافیائی آستان قدس رضوی و مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم، دبیر اجرائی اولین سمینار بررسی مسائل آموزش جغرافیا در ایران (سال ۱۳۷۲)؛ عضویت در کمیته جغرافیای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، عضویت در کمیته برنامه ریزی جغرافیای شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی. جوایز و نشانها: کتاب "مبانی آب و هواشناسی" تالیف بهلول علیجانی، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: ایشان علاوه بر این تألیفات و اجرای چندین طرح تحقیقاتی - همچون طرح تحقیقی مطالعه اقلیم نوار مرزی با گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین و طرح پژوهشی نقش ارتفاعات البرز در توزیع بارندگی - مقالاتی نیز نوشته و انتشار داده اند که به قرار ذیل است: (بیش از ۱۰ مورد) - علیجانی، ب، ۱۳۷۱، عوامل سینوپتیک، بارش های ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران. - علیجانی، ب، ۱۳۶۶، رابطه پراکندگی مسیرهای سیکلونی خاورمیانه با سیستمهای هوایی سطح بالا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴. - علیجانی، ب، ۱۳۶۷، آب و هوا و برنامه ریزی فعالیتهای نظامی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱۰. - علیجانی، ب، ۱۳۶۹، چگونگی تشکیل فرابار سیبری و اثر آن بر اقلیم شرق ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۷. دکتر علیجانی بیش از ۷ مقاله را در سمینارهای داخلی و خارجی ارائه کرده است. وی همچنین دارای دو طرح تحقیقاتی می باشد.

آثار: آب و هوای کر؟ زمین و ویژگی اثر: جلد دوم، منطق؟ برون حاره (ترجمه)؛ سمت (زیر چاپ). ۲. اصول عکس های هوایی و ویژگی اثر: (تألیف)؛ انتشارات دانشگاه پیام نور ۳ در آمدی بر روش ها و فنون میدانی جغرافیا و ویژگی اثر: (ترجمه)؛ انتشارات وزارت کشاورزی. ۴. مبانی آب و هواشناسی و ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جغرافیای طبیعی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰، دکترای هیدرومتدآورولوژی از دانشگاه سباسکس انگلستان در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

استادیار در سال ۱۳۵۶، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۷۰.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

هماهنگ کننده گروه‌های مطالعاتی طرح تغییر محور فولاد مبارکه در سال ۱۳۶۳، هیدرولوژی، ژئومورفولوژی، هیدرواقلیم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه دکترای و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: -

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

هیدرومتدآورولوژی، هیدرولوژی، ژئومورفولوژی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فرج زاده، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر فرج زاده اصل در سال ۱۳۴۴، در مراغه به دنیا آمد. او پس از اتمام دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی از دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۷۴ به اخذ درجه دکترای نائل آمد و در همین سال به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او ضمن فعالیت آموزشی در انجام طرح‌های تحقیقاتی، تالیف و چاپ مقالات تخصصی اهتمام زیادی ورزیده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جغرافیای تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر فرج زاده پس از اتمام دوره دبیرستان، کارشناسی جغرافیای طبیعی را در سال ۱۳۶۶ و کارشناسی ارشد همین رشته را از دانشگاه تبریز اخذ نمود. او سرانجام در سال ۱۳۷۴ به دریافت درجه دکترای از دانشگاه تربیت مدرس نائل آمد. هم دوره ای‌ها و همکاران: دکتر فرج زاده با دکتر شکویی، دکتر افتخاری و

دکتر پرهیزکار که از اعضا گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس می باشند، همکار می باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: از جمله فعالیت‌های که دکتر فرج زاده تاکنون تصدی آنها را داشته است عبارتند از: - عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۴ تاکنون. - عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۴ تاکنون. - مدیر بخش GIS موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله در سال ۱۳۷۵. - معاون اداری و مالی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ - مدیر گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۷۵ تا کنون. او همچنین عضو انجمن جغرافیدانان ایران، عضو انجمن و نایب رئیس انجمن سنجش از دور و GIS ایران و عضو انجمن بین‌المللی هیدرولوژی می باشد. دکتر فرج زاده علاوه بر فعالیت های یاد شده، سهم قابل توجه ای در اجرای پروژه های زیر داشته است: ۱- مسئول مطالعات اقلیم‌شناسی طرح لایروبی رودخانه بهمنشیر (۷۰-۱۳۶۹)، شرکت مهندسی مشاور سازپردازی ایران ۲- مسئول مطالعات اقلیمی شناسی و هیدرولوژی طرح لایروبی خور جاسک (۱۳۷۰)، شرکت مهندسی مشاور سازپردازی ایران ۳- مسئول مطالعات اقلیم‌شناسی طرح احداث موجشکن بندر صلخ (۷۱-۱۳۷۰)، شرکت مهندسی مشاور سازپردازی ایران ۴- مسئول مطالعات منابع پایه در طرح پهنبندی روانگرایی ایران (۷۱-۱۳۷۰) پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله ۵- مسئول تلفیق اطلاعات طرح پهنبندی لغزه منطقه جاجرود با استفاده از GIS (۱۳۷۳) پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله ۶- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاه‌های پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۷۴) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۷- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاه‌های پراکنده استان قزوین (۱۳۷۴) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۸- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان تکاب (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۹- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان پیرانشهر (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۱۰- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی بخش پیشین (۱۳۷۵) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۱۱- مشاور عالی طرح حادثه‌خیزی استان کرمانشاه (۱۳۷۶) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه ۱۲- مشاور عالی طرح ساماندهی روستایی پاوه و پیرانشهر (۱۳۷۶) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه ۱۳- مسئول مطالعات منابع پایه و عضو کمیته راهبری طرح توسعه اقتصادی و اجتماعی استان هرمزگان (۱۳۷۷) استانداری هرمزگان ۱۴- مسئول مطالعات اقلیم شناسی طرح پهنبندی خشکسالی در کشور (۱۳۸۱) مرکز تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری ۱۵- مسئول مطالعات اقلیم‌شناسی طرح تهیه نقشه دمای دریای خزر با استفاده از تصاویر ماهواره نوا مرکز سنجش از دور ایران ۱۶- مدیر علمی و تلفیق برنامه اقدام ملی بیابانزدایی و تعدیل اثرهای خشکسالی در کشور (۸۲-۸۰) سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور ۱۷- مسئول تلفیق مطالعات مکانیابی تأسیسات کنار راه بزرگراه شهید کلاتری (ارومیه تا تبریز)، ۱۳۸۲ ۱۸- قائم مقام مطالعات طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور، (ادامه دارد) شرکت مهندسی مشاور سازپردازی ایران فعالیت‌های آموزشی: دکتر فرج زاده اصل از سال ۱۳۷۴ تاکنون به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امر تدریس فعالیت داشته است. او آمار، اصول و کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی، هیدرولوژی آب‌های سطحی را در مقطع کارشناسی و مدیریت زیست محیطی و مبانی کامپیوتر و برنامه نویسی را در مقطع دکتری تدریس می کند. سایر فعالیت‌ها و برنامه های روزمره: دکتر فرج زاده ضمن ارائه مقالات متعدد در نشریات تخصصی و کنفرانس‌های علمی، داوری مجلاتی چون مجله مدرس علوم انسانی، جشنواره خوارزمی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی، پژوهش و سازندگی و مجله علمی ترویجی رشد آموزش جغرافیا را عهده داشته است. او همچنین راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه های بسیاری را به عهده داشته که از جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد: عناوین پایان نامه های کارشناسی ارشد راهنمایی شده ۱- نقش کاربری اراضی در ایجاد و تشدید حرکات توده ای جنگل واز (۱۳۷۴) ۲- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روش‌های کنترل و مدیریت سیلاب

(۱۳۷۴) ۲- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روشهای کنترل و مدیریت سیلاب

(۱۳۷۴) ۳- تجزیه و تحلیل قابلیت رسوبدهی حوضه آبریز آق لاقان چای با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی

(۱۳۷۷) ۴- تحلیل هیدروژئولوژیکی دشت دهلران با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۵- مدل‌سازی هیدروژئولوژیکی دشت مهران با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. ۶- تحلیل چند متغیره وقوع زمین لغزه با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۷- کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در مطالعات باستانشناسی در منطقه شوش ۸- رسوب سنجی و رسوب شناسی مخزن سد اکباتان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۹- مکان گزینی یک لشکر نمونه در عملیات آفندی با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۸) ۱۰- ارزیابی و تحلیل اثرات ایجاد سد در تغییر پوشش اراضی با استفاده از سنجش از دور و GIS (مطالعه موردی: شهرستان، اهر، سد ستارخان) (۱۳۸۲) ۱۱- ارزیابی اثرات هیدروژئولوژیکی تغییرات کاربری اراضی بر رژیم سیل حوزه‌های شرقی دامنه شمالی البرز با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۲) ۱۲- مدیریت و مکانیابی فضاهای آموزشی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مدارس راهنمایی منطقه ۷ تهران (۱۳۸۱) ۱۳- ارزیابی و تحلیل توزیع فضایی کتابخانه‌های عمومی در شهر تهران (۱۳۸۲) ۱۴- ارزیابی ایمنی جاده‌های با رویکرد مخاطرات محیطی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: مسیر سندج، مریوان) (۱۳۸۱) ۱۵- تحلیل تصادفات جاده‌های با رویکرد اقلیمی با استفاده از GIS، مطالعه موردی، محور فیروزکوه، ساری (۱۳۸۱) ۱۶- کاربرد سنجش از دور و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی در تهیه نقشه سایت‌های باستانی منطقه میاناب شوشتر، جنوب تهران (۱۳۸۲) ۱۷- کاربرد تصاویر سنجنده AVHRR در تهیه نقشه دمای سطح دریا (SST) در منطقه خلیج فارس (۱۳۷۹) ۱۸- پهنبندی خطر زلزله با بکارگیری سنجش از دور و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی در شهرستان تبریز (۱۳۷۹) ۱۹- مکان گزینی یک لشکر نمونه در یک عملیات آفندی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور (مطالعه موردی منطقه زاویه) (۱۳۷۷) ۲۰- پهنبندی قابلیت سیلخیزی حوزه آبخیز رودخانه گاورد در جنوب استان کردستان با استفاده از GIS و RS (۱۳۷۸) ۲۱- کاربرد مدل ریاضی و تکنیک ساج (GIS) در ترسیم و تحلیل خطوط همبارش، با تاکید بر داده‌های فضایی و مکانی (مطالعه موردی منطقه نهاوند) (۱۳۷۷) ۲۲- مدل‌سازی بهینه کاربری اراضی در منطقه خرم‌آباد با استفاده از سنجش از دور (۱۳۷۸) ۲۳- بررسی عناصر اقلیمی و تاثیر آن بر پرورش زنبور عسل در شهرستان سلماس (۱۳۷۸) ۲۴- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی CN با استفاده از GIS (۱۳۷۷) ۲۵- ارزیابی و مدل‌سازی روند تغییرات کاربری با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای چند زمانه و GIS (مطالعه موردی منطقه مراغه) (۱۳۷۸) ۲۶- مدل‌سازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیم‌شناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (۱۳۷۸) ۲۷- امکان‌سنجی کاربرد عکس‌های هوایی در مطالعات باستانشناسی مطالعه موردی: گنبد قابوس (۱۳۷۸) ۲۸- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی (CN) با استفاده از GIS (۱۳۷۷) ۲۹- ناحیه‌بندی آگروکلیمایی (اقلیم‌شناسی کشاورزی) استان همدان با استفاده از تکنیک سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم (۱۳۷۷) عناوین رساله‌های دکترای راهنمایی شده ۱- مدل‌سازی برنامه محیطی با استفاده از سیستم‌های جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (۱۳۸۱) ۲- تحلیل و الگویی مکانی و زمانی نظام بارش در ایران (۱۳۸۲) عناوین مشاوره‌های پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ۱- تحلیلی بر تاثیر رشته کوه زاگرس روی سیستم‌های سینوپتیکی موثر بر اقلیم ایران مرکزی (۱۳۷۸) ۲- برنامه‌ریزی توسعه فضایی شهرستان بناب (۱۳۸۲) ۳- تحلیل الگوی توزیع مکانی حرارت در شهر تهران با استفاده از داده‌های سنجش از راه دور (۱۳۸۰) ۴- تجزیه و تحلیل خطر خشکسالی با استفاده از داده‌های سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در استان خراسان (۱۳۸۰) ۵- تهیه نقشه پوشش برف با استفاده از تصاویر NOAA/AVHRR و تکنیک‌های GIS (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانه کرج (۱۳۸۰) ۶- بررسی روند تغییرات دما، بارش و ساعات آفتابی در تهران (۱۳۷۹) ۷- مدل‌سازی خطر شیوع بیماری مالاریا در

شهرستان کهنوج با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای (۱۳۷۹) ۸- تعیین شدت سیلخیزی زیر حوضه‌ها و بررسی عوامل موثر بر آن در حوضه آبخیز دمانوند ۹- مدل‌سازی برنامه‌ریزی محیطی با استفاده از سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (۱۳۷۸) ۱۰- بررسی امکان استفاده از شاخصهای پوشش گیاهی حاصل از تصاویر چه زمانهای ماهواره‌ای در طبقه بندی و مطالعه تغییرات زمانی پوشش گیاهی مطالعه موردی: استان اردبیل (۱۳۷۷) ۱۱- کاربردهای نظامی مدل ارتفاعی زمین DTM و تعیین آن در روند عملیات (مطالعه موردی منطقه شرق تهران) (۱۳۷۷) ۱۲- مدل‌سازی روند تغییرات کاربری اراضی با استفاده از داده‌های سنجش از دور و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (۱۳۷۷) ۱۳- تعیین بارش موثر کشاورزی در منطقه خرم آباد (۱۳۷۸) ۱۴- تعیین الگوی توزیع زمانی و مکانی بارشهای کوتاه مدت در استان تهران (۱۳۷۸) ۱۵- بررسی سینوپتیکی پدیده نینو و تاثیر آن بر روی ناهنجاری بارشهای جنوب و جنوب غرب ایران (۱۳۷۸) ۱۶- مدل‌سازی میزان عملکرد محصول گندم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (۱۳۷۸) ۱۷- نینو و رابطه آن با بارشهای ایران ۱۸- طراحی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی ۱۹- مکانیابی مراکز خدمات‌رسانی با استفاده از GIS مطالعه موردی: مدارس متوسطه شهر نفت (۱۳۷۹) ۲۰- بحران آب و تنشهای اجتماعی، سیاسی، مطالعه موردی گناباد (۱۳۷۸) عناوین مشاوره‌های رساله‌های دکترای ۱- تحلیل ابعاد فضایی رفاه اجتماعی روستایی و ارایه الگوی بهینه آن، مورد استان مرکزی (۱۳۸۰) ۲- تحلیل سینوپتیکی تاوه قطبی و اثرها آن در اقلیم ایران (۱۳۷۷) ۳- نظیرسازی هیدروکلیماتولوژیکی مدل‌های بارش - رواناب در حوضه‌های آبریز جنوب‌غربی ایران (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانه‌های خرما‌باد و کشکان در استان لرستان) (۱۳۷۷) ۴- توسعه پایدار شهری با تاکید بر توانهای محیطی (مورد شهر کاشمر) (۱۳۷۷) ۵- بررسی کارایی استفاده از واحدهای ژئومرفولوژی در ارزیابی فرسایش و رسوب (مطالعه موردی حوضه آبخیز بوخان) (۱۳۷۸) ۶- ارزیابی قابلیت‌های محیط طبیعی، کشت، گندم، دیم با تاکید بر اقلیم‌شناسی کشاورزی مورد: کرمانشاه (۱۳۷۷) ۷- نقش هیدروژئوپولیتیکی ایران (محدوده مورد مطالعه: غرب، جنوب غرب) (۱۳۷۷) ۸- تحول کارست و نقش آن در شناسایی منابع طبیعی با تکیه بر آب‌های زیرزمینی (مطالعه موردی ناهمواریهای بیستون) (۱۳۷۸) ۹- تحلیل و ارائه الگوهای سینوپتیکی حاکم بر بارشهای شدید و فراگیر فصل تابستان ایران (۱۳۷۷) ۱۰- امکان سنجی باروری ابرها در ارتفاعات جنوبی کرمان (۱۳۷۷) آثار: ۱. ۸ th. Lake management using geographic information system, conference of lake management . ۱۹۹۹ ۲ Liquefaction susceptibility macrozonation of Iran. ۵th the conference of Zonation. France. ۱۹۹۷. ۳ The estimate of soil erosion with MPSIAC model using remote sensing and geographic information system in Aglaganchi basin - northwest of Iran. ۲۷ th . conference of remote sensing . ۱۹۹۸ ۴ زیرزمینی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (منطقه مورد مطالعه: دشت دهلران)، مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس - شماره ۴ - زمستان ۱۳۷۸ - ص ۳۹ تا ۵۵، الگوهای فضایی و زمانی بارش در کشور، مجله مدرس علوم انسانی، برآورد دبی سیلاب در حوضه‌های آبریز بر مبنای ویژگی‌های فیزیوگرافیک (مطالعه موردی: حوضه‌های آبریز زهره و خیرآباد)، پهنه بندی زمین لغزه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۳، پهنه بندی فرسایش خاک با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. چهارمین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۶، پهنه‌بندی قابلیت و سایش خاک با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی - مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس - ص ۱۵۰ تا ۱۶۸ - دوره دوم - شماره هشتم - پاییز ۱۳۷۷، پیشبینی احتمالاتی خشکسالی در ایران - مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۵۵ تا ۶۸ دوره دوم - شماره چهارم - پاییز ۱۳۷۶، تحول ژئومورفولوژی ولکانو سدیماترهای سهند. هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران. دانشگاه اصفهان.

۱۳۷۳، تغییرات زمانی و مکانی خشکسالی در ایران. اولین کنفرانس منطقه ای تغییر اقلیم. ۱۳۷۴، تغییرات کاربری اراضی در حوضه آبریز واز و نقش آن در وقوع حرکات توده ای. مجموعه مقالات دومین کنفرانس زمین لغزه و کاهش خسارت‌های آن در ایران. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. ۱۳۷۶، چشمانداز خطر بیابانزایی و تأثیر آن بر روند توسعه کشور - مجله جنگل و مرتع - انتشارات سازمان جنگلها و مراتع کشور - بهار ۱۳۸۱، چگونگی استفاده از روش تحلیل عاملی در ناحیه بندی فیزیوگرافیک حوضه های آبریز - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - دوره جدید سال هشتم - شماره ۳۰ و ۳۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۹ ص ۵۵ تا ۶۹، خشکسالی در ایران - مجله دانش کشاورزی دانشگاه تبریز، جلد ۵ - ص ۳۱ تا ۵۳ - شماره های ۱ و ۲ سال ۱۳۷۴، خشکسالی و روشهای مطالعه آن مجله جنگل و مرتع، انتشارات سازمان جنگلها و مراتع کشور - ۱۳۷۵ - ص ۲۲ تا ۲۹، خشکسالی، از مفهوم تا راهکار (زیر چاپ)، زمین لغزه در ایران، گستردگی و اهمیت اقتصادی آن. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. ۱۳۷۴، سیستم اطلاعات جغرافیائی - فصلنامه دانشگاه انقلاب - ص ۱۱۵ تا ۱۲۹ - شماره ۱۱۱ - بهار ۱۳۷۷، سیستمهای اطلاعات جغرافیایی و کاربردهای آن در مسایل زلزله - پژوهشنامه موسسه بینالمللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله - سال چهارم - شماره ششم و هفتم - ۱۳۷۴، کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در توریسم (تحت تألیف)، کلان پهنه بندی قابلیت روانگرایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. ۱۳۷۳، کلان پهنه بندی قابلیت و احتمال روانگرایی ایران. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. ۱۳۷۴، مدل سازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیم شناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی - مجله مدرس علوم انسانی، ناحیه بندی اگروکلیمایی استان همدان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم + نشریه پژوهشهای جغرافیایی - انتشارات دانشگاه تهران - ص ۹۳ تا ۱۰۵ - شماره ۴۱ - سال ۳۳ - اسفند ۸۰

فرید، یدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یدالله فرید در سال ۱۳۰۸ شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد. ایشان تحصیلات عالی (دوره دکترا) را در دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی ۱۹۵۸ آغاز کرد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند و معتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ از رساله خود دفاع کرد و با درجه ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد. ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز بودند که در سال ۱۳۵۸ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. بعد از بازگشایی دانشگاهها و لزوم ایجاد دوره های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ ۱/۸/۶۹ برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ ۱/۱/۷۸ تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) در آمد و در یکی از محروم ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است. کتاب "شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی" تألیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای انسانی با گرایش شهرت تحصیلات رسمی و حرفه ای: یدالله فرید تحصیلات ابتدایی، دبیرستانی و دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۲۶ به اخذ دیپلم ششم ادبی نائل شد. ضمن خدمت، در آموزش و

پرورش در سال ۱۳۲۶ در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ثبت نام کرد و بعد از سه سال تحصیل دانشگاهی، در سال ۱۳۲۹ موفق به اخذ لیسانس تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی شد و در رشته علوم تربیتی رتبه اول آن سال بود. تحصیلات عالی (دوره دکترا) در دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی ۱۹۵۸ آغاز شد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند و معتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ از رساله خود دفاع کرد و با درجه ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر فرید در جریان تحصیل، به منظور ژرفا بخشیدن به تحقیقات خود، به مدت یک سال در انستیتوی ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه درباره مسایل جمعیتی به تحقیق پرداخت و در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۰ موفق به اخذ گواهی از آن انستیتو شد. استادان و مربیان: پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند و معتبر فرانسه، استاد دوره دکتری، دکتر فرید بوده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: یدالله فرید بعد از پایان تحصیلات در مردادماه سال ۱۳۴۰ به ایران مراجعت کرد. در سال ۱۳۴۳ بعد از انجام امتحان استادیاری در دانشگاه تهران و پذیرش در آن به طور رسمی به خدمت دانشگاه تبریز درآمد و تا سال ۱۳۵۸، علاوه بر تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تدریس جمعیت‌شناسی برای دو ترم در برنامه بهداشت سال پنجم پزشکی در سمت‌های مدیریت گروه آموزشی جغرافیا، معاونت و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیریت بخش شهرشناسی و جمعیت‌شناسی مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز انجام وظیفه کرد و در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و لزوم ایجاد دوره‌های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ ۱/۸/۶۹ برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ ۱/۱/۷۸ تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) درآمد و در یکی از محروم‌ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: یدالله فرید، علاوه بر تألیفات در زمینه رشته تخصصی خود، چند طرح تحقیقاتی درباره مسائل جمعیتی و تنظیم خانواده، و افزون بر بیست مقاله در زمینه‌های جمعیت و رشد جغرافیایی دارد که حکایت از فعالیت و پشتکار بسیار او دارد. جوایز و نشانها: کتاب "شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی" تألیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: ۱. بریتانیا و بازار مشترک از دیدگاه جغرافیایی و ویژگی اثر: (تألیف/انتشارات چهار، ۱۳۴۸) ۲. جغرافیا و شهرشناسی و ویژگی اثر: (تألیف/انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸)؛ (کتاب تشویقی کتاب سال ۱۳۶۹) ۳. جغرافیای تغذیه و ویژگی اثر: (تألیف/انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۵۱۴) جغرافیای جمعیت و ویژگی اثر: (تألیف/انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶)؛ چاپ چهارم، با تجدید نظر کلی در سال ۱۳۸۱)؛ ۵. سه جلد تاریخ اتحاد برای دور؟ اول دبیرستان‌ها و ویژگی اثر: با همکاری مؤلفان (تألیف/ناشر: کتابفروشی حقیقت، سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۸) ۶. سه جلد جغرافیای اتحاد برای دوره اول دبیرستان‌ها و ویژگی اثر: با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ناشر: کتابفروشی حقیقت، ۱۳۳۷) ۷. سه جلد علوم اجتماعی اتحاد برای دوره اول دبیرستان‌ها و ویژگی اثر: با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ناشر: کتابفروشی حقیقت، ۱۳۳۶-۱۳۳۸) ۸. سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی و ویژگی اثر: (تألیف/انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: ۱۳۵۷، چاپ پنجم: ۱۳۸۰)؛ ۹. شناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی و ویژگی اثر: تألیف، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: شناخت-شناسی و مبانی جغرافیای انسانی/تألیف یدالله فرید. - اهر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، ۱۳۷۹. هفت، ۵۵۶ ص.:: مصور، جدول، نمودار، نقشه. کتابنامه به صورت زیر نویس. اثر حاضر نخستین کتاب جامع و مفصلی است

که درباره مبانی نظری جغرافیای انسانی به زبان فارسی تدوین شده است. مؤلف ارجمد که سالیان متمادی در این رشته تخصصی مشغول تحقیق و تدریس و تألیف است، به منظور رفع کمبود منبع درس جغرافیای انسانی در دانشگاه‌ها، به تألیف این کتاب اهتمام ورزیده است. این کتاب در دو بخش و سیزده فصل تنظیم شده است. بخش اول، طی سه فصل، به تعاریف و مفاهیم و شناخت-شناسی و شناخت شناسی جغرافیای انسانی و جغرافیای کورماتیک، به عنوان نوآوری دیگر شناخت شناسی و روش-شناسی جغرافیای انسانی می‌پردازد. در فصل نخستین بخش دوم کتاب، تعاریف، مفاهیم و گرایش‌های نو در قلمرو جغرافیای انسانی مطرح شده است و از تحولات اندیشه‌های جغرافیای انسانی ثلث آخر قرن بیستم در کشورهای فرانسه زبان و سوئد، به عنوان پیشتاز نظریه‌های نوین سخن رفته و جغرافیای انسانی نسبت به علوم دیگر به عنوان دانش ترکیب فضایی و روابط همزیستی انسان‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در فصول دوم تا پنجم به مبانی فیزیکی، اکولوژیکی، بیولوژیکی و اجتماعی جغرافیای انسانی پرداخته و در فصول ششم تا نهم، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی مورد بررسی واقع شده است و در فصل دهم این بخش، از ناحیه به عنوان مناسب‌ترین محدوده فضایی برای تحقیقات جغرافیایی بحث شده است. مؤلف ارجمند در تنظیم مطالب، از آرا و نظریات جغرافی دانان معتبر صاحب مکتب خارجی، به ویژه از کشورهای فرانسه زبان، به طور وسیع استفاده کرده و همچنین از افکار و اندیشه‌ها و کارهای ارزشمند جغرافی دانان کشورمان نیز سود جسته است. استناد به منابع معتبر و دست اول، تحلیل مطالب جدید در حوزه جغرافیای انسانی، همبستگی و انسجام مطالب، تبیین مفاهیم و نظریه‌های دشوار به زبان ساده و رسا و مناسب با موضوع، از ویژگی‌های اثر حاضر است. ۱۰ کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا ویژگی اثر: (تألیف/ انتشارات دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: ۱۳۷۱، چاپ سوم: ۱۳۸۰) ۱۱ مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران ویژگی اثر: (تألیف/ انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹)

قرخلو، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی قرخلو به سال ۱۳۳۰ در شهر نور آباد ممسنی استان فارس در یک خانواده کشاورز و عشیره به دنیا آمد. دوران ابتدایی وی، در مدارس عشایر زیر چادر سپری شد که از این حیث قابل توجه است. دوره دبیرستان را در رشته ریاضی بطور مستم آزاد بدون اینکه در کلاسی شرکت کند به پایان برد. او کارشناسی جغرافیای اقتصادی را از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را از دانشگاه تهران کسب کرد. و دست آخر دکترای جغرافیای شهری را از دانشگاه اوتاوا کانادا در سال ۱۳۷۵ اخذ کرد. گروه: علوم انسانیرشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای شهریوالدین و انساب: پدر دکتر قرخلو در استان اصفهان زندگی میکند و مادر وی به رحمت ایزدی رفته است. خاطرات کودکی: قرخلو به دلیل اینکه زندگی کوچ نشینی داشتند و از ییلاق به قشلاق دائما در حرکت بودند تحصیلات ابتدایی خود را در همان مدارس عشایر که زیر چادر برگزار میشد ادامه داد. او از آن دوران خاطرات فراوانی در ذهن دارد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر قرخلو در یک خانواده کشاورز پرورش یافت او می گوید: "شرایط زندگی مناسبی در دوران کودکی نداشتیم چون زندگی عشایری داشتیم از سال ۱۳۴۵ ساکن شدیم و به کشاورزی می پرداختیم که در آن دوره شرایط خانوادگی در حد متوسط بود. خانواده ای پر جمعیت بودیم در مجموع ۱۵ برادر و خواهر هستیم و اکثر فرزندان خانواده تحصیل کرده هستند" تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهدی قرخلو دوران ابتدایی را در چادرهای آموزشی عشایر و دبیرستان را متفرقه و غیر حضوری در رشته ریاضی در سال ۱۳۵۵ به اتمام رساند. دوره کارشناسی را در دانشگاه اصفهان در رشته

جغرافیای اقتصادی سال ۱۳۶۵ و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی در سال ۱۳۶۸، و مدرک دکترای جغرافیای انسانی را از دانشگاه اوتاوا کانادا سال ۱۳۷۵ اخذ کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع این دوران دکتر قرخلو سفر به شیراز و اصفهان برای تحصیل و مهاجرت به کانادا و تحصیل در این کشور اشاره میکند. فعالیتهای ضمن تحصیل: از فعالیت های ضمن تحصیل قرخلو بعد از اتمام دوره دانشسرای عشایری در شیراز روی آوردن به شغل مقدس آموزگاری است که تا اینک در درجه استادی ادامه دارد. وی همچنین در دانشگاه اوتاوا کانادا مسئولیت آزمایشگاه GIS را بر عهده داشته است. استادان و مربیان: از استادان وی دکتر شاپور گودرزی، دکتر رهنمایی، دکتر مشیری، دکتر کردوانی، و از استادان دانشگاه اوتاوا پروفیسور میشل فیلیپ و پروفیسور آندره لانگلو آ میتوان نام برد. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر مهدی قرخلو از هم دوره ایهای خود به دکتر عظیمی استاد دانشگاه گیلان، دکتر جانی استاد دانشگاه مشهد، دکتر خورشیدوست از دانشگاه تبریز و دکتر قدیر استاد دانشگاه تهران اشاره کرد. همسر و فرزندان: دکتر مهدی قرخلو دارای همسر و چهار فرزند ۳ دختر و یک پسر میباشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر قرخلو در فعالیت های اجرایی خود معاونت تحصیلات تکمیلی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در گذشته و معاونت مالی و پشتیبانی دانشکده جغرافیا را نیز در حال حاضر بر عهده دارد. فعالیتهای آموزشی: علاوه بر آموزگاری در دوران تحصیل دکتر قرخلو سابقه ۱۰ سال تدریس در دانشگاه تهران دانشکده جغرافیا را در زمینه GIS و دیگر رشته ها در کارنامه دارد و به آن مشغول است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر مهدی قرخلو در توسعه آزمایشگاه GIS دانشکده جغرافیا از سال ۱۳۷۶ به بعد همکاری داشته است. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: دکتر قرخلو علاوه بر شرکت در کنفرانس های بین المللی و چاپ مقاله های علمی به اجرای پروژه های تحقیق داخلی و خارجی نیز میپردازد. همفکران فرد: دکتر قرخلو از همفکران خود اساتید برجسته دانشکده جغرافیا؛ دکتر رهنما، دکتر فرهودی، دکتر پور احمد، دکتر حاتمی نژاد و دکتر زبیدی و ... نام میرد. چگونگی عرضه آثار: بیشتر آثار دکتر قرخلو؛ ترجمه و تالیف و ارائه مقاله در سمینارهای مختلف در زمینه جغرافیا و GIS میباشد. آثار: جغرافیای جهانگردی و برنامه ریزی اوقات فراغت و ویژگی اثر: تالیف، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶۲ جغرافیای فرهنگی و ویژگی اثر: ترجمه، نشر سمت، ۱۳۸۳۳ کاربرد اینترنت در جغرافیا و علوم انسانی و ویژگی اثر: تالیف، ۱۳۸۵۴ کاربرد کامپیوتر در جغرافیا و ویژگی اثر: تالیف، ۱۳۸۳۵ مهاجرت و اسکان عشایر و ویژگی اثر: تالیف، نشر میان، ۱۳۸۲

قره نژاداشکن، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۳ و دکترای تخصصی جغرافیای صنعتی از دانشگاه آنکارا در سال ۱۳۵۰.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۷.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

صنایع غذایی شهر اراک، کارخانه کک سازی ذوب آهن، کارخانجات سنگبری اصفهان، کارگاههای بافندگی اصفهان، تأثیر

ذوب آهن اصفهان بر روی فعالیتهای زراعی منطقه لنجان، تدریس دروس مکان‌یابی صنعت، جغرافیای صنعتی ایران، جغرافیای اقتصادی و روشهای برنامه‌ریزی در دانشگاه اصفهان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه دکترا. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای گیاهی، جغرافیای صنعتی و جغرافیای طبیعی اروپا، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی چاپ دوم با تجدید نظر کلی تعیین محل صنایع با توجه به مواد اولیه و جغرافیای صنعتی ایران و مسائل و مشکلات. مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۷، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

اقتصاد صنعتی ایران بعد از جنگ دوم جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نقش ژئوپولیتیک در تشکیل دولتها، تأسیس صنایع اتوماتیک مشکل‌یکاری را حل نمی‌کند، بررسی پارچه‌های قلمکار اصفهان و تعیین حمل کارخانه غلظک‌سازی در نورد و مبارکه و فعالیتهای صنعتی، مسائل و مشکلات و راه‌حلاها. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قزوینی، عمادالدین، ابو عبدالله زکریا

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲ - ۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود. در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخبار العباد»، در جغرافی، که ظاهراً در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دایره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸۰ / ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱ - ۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵، ۷ / ۱)، روضات الجنات (۳۷۳ / ۳)، ریحانه (۴۵۳ / ۴)، کشف الظنون (۱۱۲۸ - ۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الالقاب (۶۲ - ۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳ / ۴)، مینودر (۸۳۷، ۵ - ۳ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۳۷۳ / ۱).

کابلی، میر عابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر عابدین کابلی در سال ۱۳۲۲ در شهرستان بابل متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان‌شناسی تا مقطع لیسانس در دانشگاه تهران ادامه داد و مقطع کارشناسی ارشد را بدلالی در همان دانشگاه ناتمام رها کرد. کابلی فعالیت خود را در اداره کل باستان‌شناسی پس از انجام خدمت سربازی آغاز کرد و از آن زمان در بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی با مسئولیت‌های مختلف شرکت کرده است. این کاوش‌ها به دوران مختلف تاریخی مربوط می‌شوند. وی در خصوص مطالعات و پژوهش‌های انجام شده صاحب تالیفات متعددی است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی والدین و انساب: میر عابدین کابلی در ۹ شهریور ۱۳۲۲ در بابل مازندران به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: میر عابدین کابلی تحصیلات خود را در دبستان بدر و دبیرستان قناد و دبیرستان فردوسی سپری نمود و در سال ۱۳۴۳ موفق به دریافت دیپلم شد. در همان سال وارد دانشگاه شده و در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر مشغول تحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۷ از مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل گردید و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد را ادامه داد. لیکن در سال ۱۳۴۹ بدلالی چند انصراف داده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: میر عابدین کابلی در سالهای ۵۰-۱۳۴۸ خدمت نظام وظیفه را در قصر شیرین، مرز خسروی و کرمانشاه به انجام رساند. وی از ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ به خدمت اداری مشغول شد. کابلی ابتدا در اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه و از ۱۹ آذر ۱۳۵۱ در مرکز باستان‌شناسی ایران و سرانجام در آذر ۱۳۶۷ در سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به فعالیت شد. کابلی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ معاون قسمت پژوهش اداره کل باستان‌شناسی بود. و از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ به ریاست بخش کاوش اداره کل باستان‌شناسی منصوب شد. وی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ نیز معاون پژوهشی اداره میراث فرهنگی استان تهران بوده است. فعالیت‌های آموزشی: از فعالیت‌های آموزشی میر عابدین کابلی می‌توان به تدریس «باستان‌شناسی کشورهای همجوار» در مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و همچنین تدریس «آشنایی با میراث فرهنگی» و «آشنایی با فرش» و «صنایع مستظرفه» در دانشکده امور اقتصادی اشاره کرد. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: یکی از عمده فعالیت‌های میر عابدین کابلی، شرکت در پژوهش‌های میدانی است که بشرح زیر می‌باشد: - شرکت در کاوش‌های هفت تپه خوزستان (دوره: ایلامی میانه) در سال ۱۳۴۵، به مدت ۲۰ روز - شرکت در کاوش‌های ابوفندوا در خوزستان (دوره: پیش از تاریخ)، در سال ۱۳۴۵ ب مدت ۲۰ روز - شرکت در بررسی‌های محوطه باستانی شمال خراسان (عمومی) در سال ۱۳۴۶ ب مدت ۳۰ روز - شرکت در کاوش‌های شهداد کرمان، در سال‌های ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۰، هر سال ب مدت ۷۵ روز و به عنوان باستان‌شناس و معاون هیات و ارائه گزارش، مقاله و سخنرانی - شرکت در بررسی‌های هلیلان در ایلام، به عنوان سرپرست مشترک هیات در سال ۱۳۵۳ و ب مدت ۶۵ روز و ارائه گزارش - شرکت در کاوش‌های شوش خوزستان (پیش از تاریخ)، به عنوان باستان‌شناس در سال ۱۳۵۳ و ب مدت ۶۰ روز - شرکت در کاوش‌های تپه یحیی کرمان (پیش از تاریخ)، به عنوان نماینده مرکز باستان‌شناسی در سال ۱۳۵۴ و ب مدت ۶۰ روز - شرکت در کاوش‌های تپه حصار دامغان (پیش از تاریخ)، به عنوان باستان‌شناس و ب مدت ۲۰ روز در سال ۱۳۵۵ - شرکت در کاوش‌های شوش خوزستان (پیش از تاریخ) به عنوان نماینده مرکز باستان‌شناسی ب مدت ۹۵ روز در سال ۱۳۵۵-۱۳۵۴ - شرکت در کاوش‌های شهداد کرمان (پیش از تاریخ)، در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ در هر سال ب مدت ۶۰ روز و به عنوان معاون هیات و سرپرست هیات - شرکت در کاوش‌های سنگ سیاه برازجان (هخامنشی) به عنوان باستان‌شناس و نقشه بردار، در سال ۱۳۵۷ ب مدت ۵۵ روز - شرکت در کاوش‌های تپه جلدو خرم

آباد لرستان (پیش از تاریخ، ایلامی، ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۵۹ - شرکت در کاوش های ارجان بهبهان (ایلامی نو) به عنوان باستان شناس بمدت ۲۵ روز و در سال ۱۳۶۰ - شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی، پارتی، اسلام) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بمدت ۳۰ روز - شرکت در کاوش های تپه ماسور خرم آباد (اسلامی، تاریخی، پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز - شرکت در کاوش های ویژه در بند مهران (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۷ - بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز - تعیین حریم محوطه باستانی شهداد کرمان (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۸ - شرکت در کاوش های ارجان خوزستان (ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات و بمدت ۳۰ روز در سال ۱۳۶۸ - بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت ۲۰ تا ۲۵ روز در سال های ۱۳۷۱، ۱۳۷۰، ۱۳۶۹ - شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۳ - شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۳ - شرکت در کاوش های شوش - خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات در سال ۱۳۷۴ - شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۴ - شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۴ - شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات و در سال ۱۳۷۵. چگونگی عرضه آثار: میر عابدین کابلی نتایج مطالعات و پژوهش های خود را در کنگره ها و همایش های ملی و بین المللی تخصصی ارائه داده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: - دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران. موزه ایران باستان، تهران ۱۳۵۲ - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و تاریخ هنر ایران، مونیخ ۱۳۵۴ - نخستین گردهمایی مردم شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۶۹ - نخستین گردهمایی باستان شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شوش ۱۳۷۳ - نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در ایران، بم (کرمان) در سال ۱۳۷۴ آثار: ۱ آب و آبیاری در شهداد هزاره سوم ویژگی اثر: منتشر شده در شماره ۱ نشریه فروهر در سال ۱۳۶۲ باستان شناسی به روایت مردم ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه نامه فرهنگ ایران، شماره ۱۲ سال ۱۳۶۴ مربوط به بنیاد نیشابور ۳ بررسی آثار بعد از اسلام در مجموعه باز یافته ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره پنجم سال ۱۳۷۱۴ بررسی آثار پیش از اسلام در مجموعه باز یافته ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره چهارم در سال ۱۳۷۰۵ بررسیهای باستان شناسی در قمرود ویژگی اثر: این کتاب شامل متن، نقشه، طرح، عکس و جدول است. ۶. درباره دومین فصل کائش در قره تپه قمرود ویژگی اثر: منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱۷ دره ماژین و آثار باستانی کول کئی در پیش کوه لرستان ویژگی اثر: ارائه شده در: **Akten Des VII Internationalen Kongresses Fur Iranische Kunst und Archaologia Munchen . DIETRICH REIMER VERLAG I BERLIN** ۱۹۷۹.۸ روابط فرهنگی و بازرگانی شهداد و منطقه ترکستان در هزاره سوم ویژگی اثر: منتشر شده در مجموعه مقالات کرمان شناسی در سال ۱۳۶۹۹ شهداد ویژگی اثر: منتشر شده در جلد سوم مجموعه شهرهای ایران به کوشش دکتر محمد یوسف کیانی که در سال ۱۳۶۸ توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد. ۱۰ شهداد تجلی گاه فرهنگ ایران در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره ۱۶ سال ۱۳۵۳۱۱ شهداد در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر: منتشر شده در گزارش های دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران - ۱۳۵۳، زیر نظر فیروز باقرزاده ۱۲ شهداد مرکز ایالت آراتا ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ سال ۱، شماره پیاپی ۱۸ در سال ۱۳۶۵۱۳ شوش و میراث باستانی دشت شوشان ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره ۱۲ سال ۱۳۷۳۱۴ گزارش دهمین فصل کاوش گروه باستان شناسی دشت لوت در محوطه باستانی شهداد ویژگی اثر: منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱ سال

۱۳۷۶۱۵ گزارش دومین فصل کاوش جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش و طرح مرمت و بازسازی دیوار تختگاه - بهار ۱۳۷۴ ویرگی اثر: منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره ۱ سال ۱۳۷۶۱۶ گزارش کاوش های تپه جلدو خرم آباد - ۱۳۶۰ ، گزارش کاوش های تپه ماسور خرم آباد- ۱۳۶۳ ، گزارش کاوش های کاخ هدیش در آپادانای شوش- ۱۳۵۵ ، گزارش کاوش های گورستان هزاره سومی کان گنبد ایلام- ۱۳۶۷ ، گزارش کاوش های محوطه باستانی ویغ ویز در بند مهران- ایلام- ۱۳۶۹ ، گزارش کاوش های نخستین فصل کاوش در جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش- ۱۳۶۴ ، گزارش های محوطه ایلامی ارجان- ۱۳۶۹ ، گزارش های یازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد ویرگی اثر: شامل متن ، نقشه ، طرح و عکس در سال ۱۳۷۴۲۴ مساکن شهر شهداد و مقایسه آن با سکونتگاههای جنوب شرق ایران در چهارهزار سال پیش ویرگی اثر: منتشر شده در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ، جلد سوم ، ۱۳۷۵۲۵ نمود پاره ای از سنتهای پیش از تاریخی در دوران معاصر ویرگی اثر: منتشر شده در مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم شناسی در سال ۱۳۷۱ منابع زندگینامه : استان پژوهی ، زمستان ۱۳۷۹ ، ویژه نامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران

کامبخش فرد، سیف الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیف الله کامبخش فرد در سال ۱۳۰۸ در تهران دیده به جهان گشود. وی تحصیلات عالی دانشگاهی خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران سپری کرد. فعالیت های تخصصی وی پس از اتمام تحصیلات در موزه ایران باستان، معاونت و دستیاری دکتر نگهبان در پایه گذاری و اداره موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران و مسئولیت های مختلف در مراکز باستان شناسی بوده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیف الله کامبخش فرد تحصیلات ابتدایی را در دبستان ادیب و متوسطه را در دارالفنون گذراند. سپس در رشته باستان شناسی ادامه تحصیل داده و موفق به دریافت درجه کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان شناسی در سال ۴۳-۱۳۴۲ از دانشگاه تهران شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اجرای و اداری سیف الله کامبخش از سال ۱۳۶۵-۱۳۳۹ به شرح زیر می باشد: عضو بخش پیش از تاریخ موزه ایران باستان ۱۳۳۹. -معاونت و دستیاری دکتر نگهبان در پایه گذاری و اداره موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۵-۱۳۳۸. -رییس آرشیو فنی موزه ایران باستان ۱۳۴۴. -رییس موزه ایران باستان ۱۳۵۸. -کارشناس ارشد و مسوول کاوشهای باستان شناسی در مرکز باستان شناسی ایران ۱۳۶۵-۱۳۵۹. کامبخش در سال ۱۳۶۵ از مشاغل اداری بازنشسته شد. فعالیتهای آموزشی: فعالیت آموزشی سیف الله کامبخش به خدمتش به عنوان معلم و دبیر وزارت فرهنگ پیش از عضویت در موزه ایران باستان بازمی گردد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشی میدانی سیف الله کامبخش فرد از سال ۱۳۷۷-۱۳۳۹ به شرح زیر می باشد: عضو هیات کاوشهای باستان شناسی مهران آباد ساوه به سرپرستی مشترک دکتر نگهبان و دکتر کایلریا نگ از کانادا گزارش این کاوش هرگز منتشر نگردید ، ۱۳۳۹. -عضو فعال اولین هیات باستان شناسان ایرانی در کوهپایه های گیلان شرقی (املش) به ریاست دکتر محسن مقدم که گزارش کوتاهی از آن در دو صفحه در یادنامه پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران چاپ گردید ، تابستان ۱۳۴۰. -سرپرست هیات بررسیهای باستان شناسی دره های سیاهرود و سفید رود دحمت آباد رودبار (رشی چلگاسر دشت ویل سندس - دفراف و چراغعلی تپه (مارلیک) ، پاییز سال ۱۳۴۰. -کاوشگر ارشد و معاون هیات کاوشهای مارلیک به سرپرستی دکتر نگهبان ، ۱۳۴۰. -کاوشگر ارشد و معاون دکتر نگهبان در فعالیتهای باستان شناسی پیلاعه زینب بیجار - رود بیجار - علی کرم باغ کلایه

رحمت آباد رود بار گیلان، ۴۲-۱۳۴۱. -سرپرست هیات علمی کاوشهای باستان شناسی نیشابور (کوره های سفالگری دوره سلجوقی) ۱۳۴۳. -سرپرست هیات علمی کاوشهای هفت تپه خوزستان به سرپرستی دکتر نگهبان، ۱۳۴۴. -سرپرست هیات بررسیهای باستان شناسی در گرمغان، ۱۳۴۴. -سرپرست هیات کاوشهای باستان شناسی در تپه های قیطریه، ۱۳۴۷. -سرپرست هیات کاوشهای باستان شناسی در تپه های قیطریه، ۱۳۴۸. -سرپرست کاوشهای باستان شناسیدر قصبه و محوطه معروف به آناهیتا کنگاور (کاوش آرفالیش) ۱۳۴۷. -سرپرست و مجری طرح کاوشهای باستان شناسی و بازسازی معبد آناهیتا کنگاور ۵۶-۱۳۴۸. -سرپرست کاوش در گور خمرهای کوهپایه های پرو ۱۳۴۸. -سرپرست هیات کاوش و بازسازی تاق گر ۵۵-۱۳۵۲. -به طور همزمان سرپرست بررسی و چگونگی حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی منطقه غرب ایران (بیستون تاق بستان) ۵۶-۱۳۵۲. -سرپرست بررسی، شناسایی، نقشه برداری، تعیین حریم و گلخانه زنی در دره شهر ایلام. -۱۳۶۴ سرپرست کاوش در کوره های ۳۲۰۰ ساله سفالهای خاکستری رنگ تپه های کهریزک ری، ۱۳۶۲. -بررسیهای باستان شناسی (مجموعاً طی بیست روز) در جزیره قشم با هماهنگی میراث فرهنگی و منطقه آزاد قشم (۷۷-۱۳۷۶. آثار: ۱ آثار تاریخی ایران ویژگی اثر: انتشار ۱۳۷۹۲ آثار و بقایای دهکده های پارتی (اشکانی) ویژگی اثر: نشریه بررسی های تاریخی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۴۶۳ بررسیهای باستان شناسی در آذر شهر مراغه ویژگی اثر: میراث فرهنگی ۱۳۷۳۴ بررسیهای باستان شناسی در دره ایلام شهر ویژگی اثر: شهر های ایران ۱۳۶۸۵ پدیده فرهنگی سفال خاکستری رنگ ویژگی اثر: یاد نامه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران -شوش ۱۳۷۳۶ تاق گر ویژگی اثر: تاریخ معماری و شهر سازی ایران ۱۳۷۸۷ تحولات کالبدی و کاربردی غارها در روند معماری مذهبی ایران ویژگی اثر: معماری مساجد -گذشته، حال و آینده ۱۳۷۶۸ تهران سه هزار و دو بیست ساله بر اساس یافته های باستان شناسی ویژگی اثر: فضا ۱۳۷۰۹ روایتی از کاوشهای باستان شناسی در کوهپایه های گیلان شرقی (املش) ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ ۱۰ سخنی درباره پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۷۱۱ سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر ویژگی اثر: انتشار ۱۳۷۹۱۲ سفالگری نیشابور در سده های پنجم و ششم هجری ویژگی اثر: وزارت فرهنگ و هنر مردم ۱۳۴۸۱۳ سفالگری نیشابور در عهد سلجوقیان ویژگی اثر: بررسیهای تاریخی ۱۳۴۶۱۴ سنگ نبشته هایی در اطراف سبلان ویژگی اثر: یاد نامه پنجمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران، جلد اول، ۱۳۴۷۱۵ سنگ نبشته های اورارتویی و پهلوی ساسانی در آذربایجان ویژگی اثر: گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۴۷۱۶ سنگ نبشته هایی در آذر بایجان شرقی و اطراف سبلان ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۴۷.۱۷ سنگ نبشته هایی در اطراف سبلان ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۴۷۱۸ سنگ نگاره های بیستون تاق بستان و کاوشهای علمی در کنگاور ویژگی اثر: یادنامه سمپوزیوم باستان شناسی ایران ۱۳۴۸۱۹ شکل گیری معماری معبد ناهید کنگاور در تاریخ ویژگی اثر: تاریخ معماری و شهر سازی ایران ۲۰ فلز کاری و زرگری در مارلیک ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ ۲۱ قلعه جمهور (دژ بد) جایگاه بابک خرم دین ویژگی اثر: نشریه بررسیهای تاریخی، سال یکم، شماره ۴، ۱۳۴۵۲۲ قلعه جمهور (دژ بد) جایگاه بابک خرم دین ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۵۲۳ قیطریه مرکز تمدن سه هزار ساله ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۴۸۲۴ کاوش در معبد آناهیتا کنگاور ویژگی اثر: نشریه بررسیهای تاریخی، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۴۷.۲۵ کاوش و بازسازی معبد کنگاور ویژگی اثر: فرهنگ و معماری ایران ۱۳۵۵۲۶ کاوش و بازسازی تاق گرا ویژگی اثر: فرهنگ و معماری ایران ۱۳۵۵۲۷ کاوشهای باستان شناسی و بازسازی در کنگاور ویژگی اثر: شهر های ایران کاوشهای علمی در کنگاور -معبد آناهیتا ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۱۳۵۰۲۹ کاوشهای علمی در کنگاور -معبد آناهیتا ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران ۳۰ کاوشهای کنگاور ویژگی اثر: مجله انگلیسی ۱۹۷۳۳۱ کتیبه ای از شاپور دوم شاهنشاه ساسانی درمشکین شهر ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۶۳۲ کشف کتیبه پهلوی ساسانی (آذر نار سه شاهپور دوم) در مشکین شهر ویژگی اثر: نشریه هنر و مردم، شماره ۶۱-۶۲، ۱۳۴۶.۳۳ معبد آناهیتا -

کاوشها و بازسازی ها و ویژگی اثر : گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در هفتمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران - آلمان ۱۳۵۵۳۴ معبد آناهیتا - کاوشها و بازسازیها و ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ۱۳۵۴۳۵ معبد آناهیتا - کاوشهای و بازسازیها و ویژگی اثر : گزارش های دومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ۱۳۵۲۳۶ معبد آناهیتا - کنگاور و ویژگی اثر : گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در ششمین کنگره ارگ بم - کرمان ۱۳۷۸۳۷ معبد آناهیتا - کنگاور (کاوشها و بازسازیها در معبد ناهید و تاق در) و ویژگی اثر : سازمان میراث فرهنگی ۱۳۴۷۳۸ معبد آناهیتا و تاق گرا - کاوشها و بازسازی ها و ویژگی اثر : گزارشهای چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ۱۳۵۵

منابع زندگینامه : باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

کردوانی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز کردوانی در سال ۱۳۱۰ در گرمسار بدنیا آمد. وی از جمله استادان رشته جغرافیا است که در زمینه « توسعه پایدار محیط زیست » تحقیقات زیادی را به انجام رسانده و در قالب مقالات و سخنرانی های متعدد بازتاب پیدا نموده است. او مدت زیادی را در خارج از کشور به سر برده و از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و در دانشگاه ارومیه مشغول به کار شد. استاد در سال ۱۳۴۶ رهسپار تهران شد و تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد. پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است. گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیا گرایش : کویر شناسیوالدین و انساب : پرویز کردوانی فرزند حسین علی کردوانی ملقب به بلوکباشی می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز کردوانی تحصیلات ابتدائی را تا کلاس نهم در گرمسار خواند و دیپلم متوسطه را در مدرسه فرانسویها (دیرستان رازی) در تهران گذراند. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان ادامه داد و موفق شد دکتری خود را در باره " تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" به پایان برساند. خاطرات و وقایع تحصیل : پرویز کردوانی برای تهیه پایان نامه خود درباره " تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" مجبور شد ، یک تن از خاک کویرها (نمکزارها)ی ایران را به آلمان منتقل کند. هم دوره ای ها و همکاران : دکتر ستونی و مجید رهنما از جمله دوستان و همکاران پرویز کردوانی هستند که در دانشگاه تهران و در تحقیقات کویر شناسی به اتفاق هم کار می کنند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز کردوانی از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و به عنوان اولین عضو هیأت علمی در دانشکده جدیدالتأسیس کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه مشغول شد. او در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۴۷ به گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران منتقل گردید. استاد در سال ۱۳۴۶ تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد که ۵ سال به طول انجامیده و تا سال ۱۳۵۱ در بیابان لوت بودند. تا اینکه بالاخره ثابت کردند که لوت گرمترین نقطه کره زمین است. سمت ها با حفظ وظایف آموزشی: استاد دانشگاه تهران، مدیر کل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران ۵۴-۱۳۴۸، رئیس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران ۵۸-۱۳۵۴. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز کردوانی درباره برنامه زندگی روزمره خود نقل کرده که « من

ساعت ۱۱-۱۱/۳۰ شب می خوابیم ، ساعت ۲/۳۰ دقیقه صبح بیدار می شوم و تا ساعت ۳/۳۰ ورزش می کنم ... از ۳/۳۰ تا ۴ صبح هم صبحانه می خورم تا ساعت ۶ صبح مطالعه می کنم و بعد برای اینکه توی ترافیک نمانم همان ساعت می روم دانشگاه . تا ساعت ۹ شب یا در حال کار هستم یا مطالعه . ۹ به بعد دیگر مطالعه نمی کنم چون شب دچار بی خوابی می شوم... « کردوانی معتقد است که هیچ تفریحی جز کار و مطالعه ندارد . او قبلا که حیاط داشت به باغبانی می پرداخت ولی الان از ساعت ۹ تا ۱۱ شب به قدم زدن و پیاده روی می پردازد. وی بیشترین تفریح خود را بیرون رفتن ، نوشتن و خواندن می داند. پرویز کردوانی بیست جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است. که آخرین آن « خشکسالی و راههای مقابله با آن » می باشد. البته یکی دو کتاب دیگر نیز در دست تهیه دارد که هنوز ناتمام است. اولین آثار خود را حاصل تجربیاتی می داند که وی در طی سفر به دور دنیا کسب کرده است. شاگردان : دکتر ناصر کرمی ، یکی از شاگردان پرویز کردوانی است. رساله دکترای ناصر کرمی که با عنوان « امکان سنجی و ظرفیت سازی هنجارهای توسعه پایدار در مناطق خشک » با درجه عالی زیر نظر پرویز کردوانی تدوین شده است ، در حال حاضر تنها مرجع در این زمینه در کشور ما به شمار می آید. آرا و گرایشهای خاص : عقیده پرویز کردوانی برای توسعه پایدار و حفظ محیط زیست که در قالب مقالات و سخنرانی های او بازتاب پیدا می کند. اصولا دکتر کردوانی به اهمیت جلب توجه مردم به هنجارهای توسعه پایدار اعتقادی ویژه دارد و شاید به همین خاطر هم باشد که در بسیاری از کتاب ها و مقالاتش ، مخاطبان او به واقع نه دانشمندان همکار ، و بلکه عموم مردم هستند. مردمی که در نهایت مجری هر طرح توسعه محسوب می شوند و هیچ برنامه جامعی بدون مشارکت جدی و آگاهانه آنها هرگز تحقق نمی یابد. شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت کردوانی ویژگی های اخلاقی جذاب او باشد، از جمله جوش و خروش زیاد در سن بالای هفتاد سال ، کار مداوم و همیشگی ، و سخنرانی های مشهورش ، از جمله دیدگاه های همیشگی دکتر کردوانی می توان از « ضرورت احیای فناوری های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در ایران » نام برد. او حفظ ، احیاء و گسترش فناوری قنات را ضروری می داند. طوری که این نظر او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سالیان اخیر به شدت مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و بویژه « ضرورت حیاتی جلوگیری از فرسایش خاک » نیز از جمله دغدغه های همیشگی دکتر کردوانی بوده است. جوایز و نشانها : پرویز کردوانی در سال ۱۳۸۱ ه .ش برنده جایزه مهرگان علم شد. او این جایزه را به خاطر تالیف کتاب « خشکسالی و راههای مقابله با آن » دریافت کرده است. وی جایزه خود را که شامل یک تندیس به اضافه مبلغ یک میلیون تومان بود را به جوانان گرمسار اهداء کرد تا برایشان کتاب خریداری شود. دیگر افتخارات کسب شده استاد کردوانی به قرار زیر است: - احراز رتبه اول در بین تمامی دانشجویان رشته کشاورزی در آلمان در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) و دریافت جوایز به همین مناسبت از مقامات مربوط در آلمان و ایران - ۵ سال تحقیق در بیابان لوت ایران ۵۱-۱۳۴۷ و کشف جدید و منحصر به فرد در جهان در آن (گرمترین نقطه کره زمین به عبارت دیگر خیلی گرم تر از دیگر بیابانهای جهان، مانند کلوتها عارضه منحصر به فرد در جهان و دیگر ویژگی ها)، احراز رتبه سوم در طرح کارائی علمی در بین تمامی ۱۳۶۷ نفر اعضاء هیأت علمی دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته در سال تحصیلی ۷۶-۷۳. - انتخاب به عنوان شخصیت برجسته و مفاخر فرهنگی استان سمنان (زادگاه خود) در سال ۱۳۷۷ - احراز سه پایه ترفیع استادی در یک سال (دو پایه تشویقی به منظور قدردانی از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی) در سال ۱۳۷۹ - دریافت جایزه کتاب برتر استان زادگان (سمنان)، آبان ۱۳۸۰، برنده جایزه "مهرگان علم" به خاطر تألیف بهترین کتاب سال ۱۳۸۰ از بین ۱۵۷ کتاب در زمینه محیط زیست - انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ - دریافت لوح تقدیر به خاطر " اهداء کننده نمونه کتاب "در سطح استان زادگان، ۱۳۸۱ - انتخاب به عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه، ۱۳۸۱ - احراز رتبه ۲۹ استادی در سال ۸۲ و بازنشسته شدن در شهریور همین سال. - انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در سال ۸۴ - تجلیل و قدردانی به مناسبت های مختلف توسط سازمانهای مختلف (بعد از بازنشستگی) چگونگی عرضه آثار

: تألیفات و مقالات علمی - پژوهشی دکتر پرویز کردوانی : ۲۱ جلد کتاب، ده ها مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده به زبان فارسی - آلمانی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی، بیش از یکصد فقره سخنرانی در مجامع علمی داخلی و خارجی، عضویت در چندین مجامع علمی داخلی و بین المللی مانند: شبکه آب خاورمیانه، بنیاد مطالعات آسیائی، عضو هیأت امناء صلح سبز (جبهه سبز)، رئیس کمیته بیابان زدائی انجمن متخصصان محیط زیست ایران، انجمن جغرافیایی ایران، عضو هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی - پژوهشی، اجرای چندین طرح تحقیقاتی درباره مناطق مختلف ایران به ویژه نواحی بیابانی و کویری، داوری ده ها کتاب و صدها مقاله علمی و طرحهای تحقیقاتی، راهنمائی بیش از دویست فقره پایان نامه فوق لیسانس و ده فقره رساله دکتری دانشجویان دانشگاه ها، راهنمائی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور عزیزمان و ۲۰ کشور خارجی، صدها فقره مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی، ماهواره ای و رادیویی داخلی و خارجی. آثار: اثر انسان و عوامل طبیعی در پیشرو بیابان لوت (ایران) و ویژگی اثر: انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶۲ اکوسیستم های آبی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: علم - ۱۳۸۳ ۱۳ اکوسیستم های طبیعی، عمومی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: قومس - ۱۳۸۲ ۴ بررسی مسائل اقتصاد روستائی بیابانی شرق کاشان (روستاهای منطقه ایوزید آباد) و ویژگی اثر: انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶ (مشترک با آقای ذبیح اله کرمی خواجه) ۵ جغرافیای خاکها و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۲ ۶ حفاظت خاک و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۷ خاک و محیط زیست و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه آزاد ایران ۱۳۵۷۸ خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران: آب: در کشاورزی، صنعت و شهر و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۳۰ آبان، ۱۳۸۶ ۹ خشکسالی و راههای مقابله با آن، ژئوهیدرولوژی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۱ شهادت تا ده سلم (خاک آب پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی) و ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا - دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۵۰ کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن (مسائل، توانمندی ها و راههای بهره برداری) و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۳ مراتع، مسائل و راه حلهای آن در ایران و ویژگی اثر: انتشارات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۱۱۴ مراتع ایران و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۱۵ منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۶ مناطق خشک جلد دوم، خاکها (طبقه بندی جغرافیایی و مسائل بهره برداری از آنها) احیاء اصلاح و آباد کردن و ویژگی اثر: انتشارات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - چاپ سوم ۱۳۷۱۱۷ مناطق خشک: ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب و غیره و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۵ ۱۸ نمونه هایی از خاک های بخش شهادت کرمان و ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران تیر ماه ۱۳۵۰ ۱۹ نمونه هایی از خاکهای لوت زنگی احمد (بیابان لوت) و ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۴۹

کردوانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود کردوانی در سال ۱۳۰۳ در بوشهر متولد شد. وی در طول تحصیل دوره دبیرستان به شوش رفته و کار کاوشگران فرانسوی

را از نزدیک مشاهده نمود. همین امر زمینه ساز علاقه شدید وی به باستان شناسی گردید و ادامه تحصیل در دانشگاه تهران شد. پس از اتمام تحصیل در اداره کل باستان شناسی به خدمت گمارده شد و در حفاری‌های شوش با هیئت فرانسوی همکاری داشت. وی در سال‌های ۵۸-۱۳۵۶ مدیریت اداره کل فرهنگ و هنر بوشهر را برعهده داشت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمود کردوانی در سال ۱۳۲۵ در شهر اهواز دوره پنجم متوسطه را به پایان رسانید و دیپلم کامل متوسطه را در تهران اخذ کرد. در سال ۱۳۳۷ در رشته باستان شناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل لیسانس باستان شناسی شد. خاطرات و وقایع تحصیل: سالهای تحصیلی محمود کردوانی (۱۳۳۷-۱۳۷۵) شرایط تحصیل در اهواز با یک دبیرستان و یک دانشسرای مقدماتی فراهم بود و در تحصیلات عالی در تهران دنبال می‌شد. به همین جهت تحصیل دانشگاهی برای تمام قشرهای اجتماعی امکان پذیر نبود. به خصوص در خوزستان خانواده‌ها نسبت به تحصیلات عالی رغبتی نداشتند زیرا در آن زمان شرکت نفت جوانان دیپلمه را با حقوق ماهانه ۶۰۰ تومان استخدام می‌کرد در حالی که حقوق یک دبیر لیسانس در این زمان کمتر از ۳۰۰ تومان بود. این عامل باعث می‌شد که جوانان پس از اخذ دیپلم فوراً در شرکت نفت استخدام شوند. وقایع میانسالی: محمود کردوانی در سال ۱۳۵۶ به مدیریت کل فرهنگ و هنر استان بوشهر منصوب شد و خدمت او در آن اداره ۲ سال بطول انجامید. در آن سال به واسطه بارندگی شدید یک کاخ هخامنشی در روستای نظرآباد (بین بوشهر و برازجان) پیدا شد که فرصت کاوش را برای ایشان در منطقه فراهم ساخت. در نتیجه این کاوش‌ها از سه کاخ هخامنشی دیگر خاکبرداری شد. کردوانی ضمن این کاوش‌ها متوجه زیارتگاهی موسوم به «پیر پارسه» که مقبره هخامنشی است می‌شود. ظاهر زیارتگاه، اتاقی مربع شکل بود که با سنگ سیاه ساخته شده و توسط اهالی روی بدنه دیوارها از درون و بیرون گچ اندود شده بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمود کردوانی پس از اخذ دیپلم بطور موقت در آموزش و پرورش مشغول به خدمت شد و بنا به تعهدی که داشت چند سالی در خوزستان، گیلان و قزوین تدریس نمود. سوابق اجرایی و اداری محمود کردوانی از سال ۵۸-۱۳۳۷ به شرح زیر می‌باشد: کارشناس باستان شناسی، اداره کل باستان شناسی ۱۳۳۷. مدیر کل فرهنگ و هنر استان بوشهر ۵۸-۱۳۵۶. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشی محمود کردوانی به شرح زیر می‌باشد: - شرکت در کاوش حلوان و فرهیگان فارس، به سرپرستی مهندس حاکمی ۱۳۳۷. - شرکت در کاوشهای تپه حسنلو، عضو هیات و بازرس فنی. به سرپرستی هیات دانشگاه پنسلوانیا ۱۳۳۸. - شرکت در کاوشهای شوش به سرپرستی رمن گیرشمن شرکت در کاوشهای شوش به سرپرستی ژان پرو. - شرکت در کاوشهای تپه یحیی کرمان عضو هیات به سرپرستی کارلوفسکی. - شرکت در کاوشهای هفتان تپه سلماس عضو هیات به سرپرستی چالزبرنی. - شرکت در کاوشهای املش (عمام و سمام) عضو هیات به سرپرستی دکتر مقدم. - شرکت در کاوشهای تپه مارلیک رودبار عضو هیات به سرپرستی دکتر نگهبان. - کاوش در هشت بهشت اصفهان سرپرست هیات. - کاوش در تپه چغا گاوانه اسلام آباد کرمانشاه سرپرست هیات. - بررسی باستان شناسی در استان کرمانشاه سرپرست هیات. - شرکت در کاوشهای جوبن و رستم آباد رودبار به سرپرستی مهندس حاکمی. - شرکت در کاوشهای نصفی رود بار به سرپرستی مهندس حاکمی. - کاوش در ایلام، سرپرست هیات. - شرکت در کاوشهای تخت جمشید ۱۳۴۷. - کاوش در تپه سبز مرودشت، سرپرست هیات. - حفاری نجارتی در رودبار گیلان سرپرست هیات. - حفاری تجارتنی در اشکور گیلان سرپرست هیات. آثار: کاخ هخامنشی شائور ویژگی اثر: کاوشهای ۷۲-۱۹۷۱ در شوش. نگارنده با همکاری مرکز باستان شناسی ایران ۱۳۵۶۲ کاوشهای علمی تپه چغاگاوانه شاه آباد غرب ویژگی اثر: باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۷ و ۸، تابستان و پاییز ۱۳۵۰

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یدالله کریمی پور در سال ۱۳۳۵ در شهرستان بهبهان بدنیا آمد. تحصیلات اش را در رشته جغرافیای طبیعی شروع کرد و تا مقطع دکترا پیش رفت و موفق به اخذ دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (در سال ۱۳۷۱) گردید. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای سیاسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر یدالله کریمی نژاد به قرار زیر است: کارشناسی رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۶۱ کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۷ دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۱ همسر و فرزندان: یدالله کریمی نژاد متاهل و دارای ۴ فرزند می باشد. فعالیتهای آموزشی: یدالله کریمی نژاد عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد. ایشان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت معلم، تربیت مدرس و شهید بهشتی به امر تدریس اشتغال دارد. چگونگی عرضه آثار: یدالله کریمی نژاد دارای بیش از ۱۲ مقاله چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی، و ۱۲۳ مقاله منتشر شده در مطبوعات و جراید می باشد. ایشان همچنین ۱۱ طرح پژوهشی و سه طرح ملی را در کارنامه فعالیت های پژوهشی خود دارد. آثار: مقدمه ای بر ایران و همسایگان و ویژگی اثر: موضوع: علوم سیاسی نویسنده: یدالله کریمی پور سال انتشار: ۱۳۸۰ نوبت چاپ: اول تعداد صفحات: ۲۴۳ ناشر: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم ۲ مقدمه ای بر تقسیمات کشوری ایران و ویژگی اثر: تالیف، در دو جلد

کلاهی، رسول

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول کلاهی در سال ۱۳۱۱ در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جغرافیا با گرایش جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه سوربن پاریس است. دکتر کلاهی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای انسانی و اقتصادی تحصیلات رسمی و حرفه ای: رسول کلاهی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تدین شهر اردبیل و متوسطه را در دبیرستان صفوی به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۷ وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد و در سال ۱۳۲۹ موفق به اخذ دیپلم گردید. استاد در سال ۱۳۳۰ جهت تکمیل تحصیلات وارد دانشسرای عالی تهران شد و در سال ۱۳۳۳ رشته تخصصی خود را با موفقیت کامل به پایان رسانید و رتبه اول را در امتحانات بدست آورد. طبق قانون شاگرد اولی به فرانسه اعزام شد. استاد کلاهی سالها در دپارتمان جغرافیای دانشگاه معروف سوربن پاریس تحصیل نمود و از رساله خود تحت عنوان بررسی تطبیقی دو شهر روستایی در ایران و فرانسه (اردبیل و اتامپ) که زیر نظر پروفیسور پیر ژرژ تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد و ضمن دریافت چندین شهادتنامه علمی در رشته های اقتصاد و تجارت جهانی و ارتباطات و انرژی به اخذ درجه دکتری جغرافیا با تخصص در جغرافیای انسانی و اقتصادی نائل آمد. وقایع میانسالی: دکتر گنجی در صفحه ۱۲۴ کتاب "جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی" در باره رسول کلاهی چنین می نویسد ... "در سال ۱۳۴۹ دکتر رسول کلاهی که سال قبل از دانشگاه شیراز به دانشسرای عالی تهران منتقل شده بود به مدیریت گروه آموزشی جغرافیا برگزیده شد و با تجربه ای که در دوران ۸ ساله خدمت خود در شیراز کسب کرده بود توام با تدبیر ذاتی خود موفق شد و گروه آموزشی را در دشوارترین

سالها بخوبی اداره کند و استحکام بخشید. در دوره مدیریت دکتر کلاهی جغرافیا در دانشسرای عالی توسعه فراوان یافت زیرا از طرفی ایجاد دوره شبانه وظایف عادی او را دو بر ساخته بود و از طرف دیگر اداره تدریس جغرافیا در زاهدان و یزد که در آنجا دانشسرای عالی شعبه‌هایی دایر کرده بود هم بر عهده گروه تهران بود و استادان جغرافیای دانشسرای عالی ناگزیر بودند مکرر به یزد و زاهدان مسافرت کرده و به پیشرفت برنامه‌های درسی آنجا کمک کنند "مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - عضو انجمن بین‌المللی جغرافیدانان جهان - عضو انجمن جغرافیدانان ایران - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۱-۱۳۴۷ - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشسرای عالی تهران از سال ۱۳۴۹-۱۳۵۱ - ارزیاب رشته‌های تحصیلی کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ۱۳۷۰ - ارزیاب رشته‌های تحصیلی دکتری جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دوره تحقیقات عالی ۱۳۷۰ - ارزیاب رشته‌های کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ۱۳۷۰ - ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری در سال ۱۳۷۲ - ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات ۱۳۷۲ - مسئول هماهنگ کننده دروس توسعه اقتصادی و برنامه ریزی مالی عمومی و خط مشی دولت ها فراگرد تنظیم کنترل و بودجه دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد تهران شمال ۱۳۷۸ - مسئول کنکور شبانه دانشگاه تربیت معلم تهران - مشاور برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۸ - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای تالیف و ترجمه دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای تدارکات دانشگاه تربیت معلم - رئیس کمیته هماهنگی و همکاری در آموزش و پژوهش جغرافیا در نخستین در نخستین کنگره جغرافیدانان، تهران ۱۳۵۲ - دبیر انجمن پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران دانشگاه تربیت معلم، تهران ۱۳۵۶ - عضو اصلی هیئت اجرایی انجمن جغرافی دانان ایران - رئیس شورای عمومی و اجرایی گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه شیراز دانشسرای عالی تهران، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل - رئیس دانشسرای عالی استان یزد ۱۳۵۸ - رئیس دانشسرای عالی استان سیستان و بلوچستان ۱۳۵۸ فعالیتهای آموزشی: سوابق آموزشی رسول کلاهی به قرار زیر است: - آموزگار دبستان دولتی انوری اردبیل نیمه اول سال تحصیلی ۱۳۲۸-۱۳۲۹ - دبیر دبیرستان های صفوی اردبیل، دبیر دبیرستانهای شیراز (۱۳۳۴) - دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۱-۱۳۴۷ - دانشسرای عالی تهران ۱۳۴۷-۱۳۵۲ - دانشگاه تربیت معلم تهران ۱۳۵۳-۱۳۵۹ - دانشگاه شهید بهشتی حدود ۷ سال - دانشسرای عالی زاهدان - دانشگاه آزاد اسلامی واحد لار - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری - عضو هیئت علمی رسمی تمام وقت دانشگاه آزاد واحد تهران شمال بمدت ۱۰ سال - دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب حدود ۴ سال عنوان دروسی که توسط رسول کلاهی ارائه شده به قرار زیر است: ژئومورفولوژی، کلیما تولوژی، کارتوگرافی، هیدروگرافی، بیوژئوگرافی کلیات طبیعی و انسانی و اقتصاد ایران و کشورها و مخصوصا جغرافیا جهان سوم، روابط بین الملل، محیط شناسی انسانی جغرافیای سیاسی، مبانی محیط زیست، مبانی علم جغرافیا، و ... و در حال حاضر جغرافیای شهری و روستای کلیات علم اقتصادی و برنامه ریزی و ... مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: - تاسیس و راه اندازی گروه آموزش جغرافیا و تجهیز کامل آزمایشگاه جغرافیا در دانشگاه شیراز از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۷ - تاسیس و راه اندازی گروه آموزشی جغرافیا طبیعی و تجهیز آزمایشگاه‌های متعدد آن در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹ - تاسیس و راه اندازی کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی در دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل از سال ۱۳۷۹ - گسترش روز افزون و مداوم گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه تربیت معلم تهران و زاهدان و یزد با سمت مدیر گروه‌های فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رسول کلاهی در کنار تدریس و تحقیق با مجلات علمی جغرافیا (انجمن جغرافیدانان)، مجله زمین و زمان و چند ماهنامه و مجله دیگر همکاری داشته و دارد. آرا و گرایشهای خاص: جوایز و نشانها: فهرست جوایز علمی، نشان و مدالهای

دریافتی: - مدال درجه اول علمی بعثت احراز مقام اول در رشته های جغرافیا و تاریخ و علوم تربیتی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی، سال ۱۳۳۳ استاد به موجب قانون برای ادامه تحصیل به کشورهای بلژیک و سویس و فرانسه اعزام گردیدند. - استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۴ - استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۵ - استاد نمونه در سطح واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۶ - لوح سپاس و افتخار بمناسبت روز معلم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۶۹ - لوح سپاس بمناسبت روز معلم واحد تهران شمال ۱۳۷۰ - لوح سپاس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۴ - لوح سپاس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۵ - لوح سپاس بمناسبت روز معلم واحد تهران شمال ۱۳۷۶ - لوح سپاس و قدردانی دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دی ماه ۱۳۷۸ - دریافت ۳ سکه بهار آزادی بمناسبت تلاش در تربیت نسل جوان در دانشکده ها، واحد تهران شمال ۳ سال متوالی - لوح سپاس و قدردانی بمناسبت قبولی فارغ التحصیلان اردبیل در مقطع کارشناسی ارشد در تهران تعداد قبولیها ۶۰ نفر - لوح قدردانی بمناسبت ارائه مقاله تحقیقاتی در کنفرانس سراسری محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل خرداد ۱۳۷۸ - لوح قدردانی مدیر گروه آموزشی مدیریت دانشگاه آزاد واحد تهران شمال ۱۳۷۶ - لوح تقدیر مدیر گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ۱۳۷۶ و لوح تاییدیه و نشان از دانشگاه لوس آنجلس آمریکا - کالیفرنیا سال ۱۹۷۷ میلادی و تشویق نامه های متعدد دیگر. چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی: بیش از ۵۸ مورد - تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها و کنفرانسهای علمی: بیش از ۱۵ مورد - استاد راهنمای بیش از ۱۰۰۰ پایان نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری آثار: اقتصاد ژاپن، اهمیت جغرافیا در جهان امروز ویژگی اثر: علی کاردان جهرمی، زیر نظر استاد کلاهی - چاپ شیراز ۳ توسعه اقتصادی ویژگی اثر: جلد اول انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال ۱۳۷۸۴ جغرافیای جهان سوم ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه شیراز ۱۳۴۹۵ سوره مبارکه یس به زبان آذری، مجموعه سخنرانی ها در پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران ویژگی اثر: دانشگاه تربیت معلم تهران - ۱۳۵۷ بکوشش استاد کلاهی دبیر اجرایی کنگره ۷ مجموعه مقدمات و بررسی ۲۰ کتاب تاریخی و جغرافیایی، نمودارهای جغرافیایی ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه شیراز ۱۳۴۳ - با مقدمه پروفیسور والتر کروزر عضو هیئت علمی دانشگاه هاروارد

منابع زندگینامه: سید محمد تقی ملیح، شرح حال استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تابستان ۱۳۸۰ صص ۱۰۳-۱۱۶

کیانی، محمد یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد یوسف کیانی در سال ۱۳۱۷ در بابل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی از دانشگاه لندن ۱۳۴۹ - (۱۹۷۰) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ادبیات گروه باستان شناسی و تاریخ دانشگاه تهران می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر محمد یوسف به قرار زیر است: کارشناسی باستان شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۲ - کارشناسی تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۴۳ - کارشناسی ارشد باستان شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران ۱۳۴۴ - دکترای باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی دانشگاه لندن ۱۳۴۹ - (۱۹۷۰) مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمت های سابق محمد یوسف کیانی: کارشناس امور

باستان شناسی ۱۳۴۳ - رئیس موزه های ایران ۱۳۵۴ - رئیس موزه ایران باستان ۱۳۵۵ - مدیریت هیأت بررسی و تحقیقات باستان شناسی دشت گرگان ۱۳۵۷ - ۱۳۴۹ - عضو هیأت علمی دانشگاه تهران سمت فعلی دکتر کیانی: دانشیار دانشکده ادبیات در گروه باستان شناسی و تاریخسایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مسئولیت نمایشگاه های بین المللی محمد یوسف کیانی به قرار زیر است: هنرهای جهان اسلام لندن ۱۹۷۳ هنرهای ایران توکیو ۱۹۷۶ هنرهای ایران عهد ساسانی نیویورک ۱۹۷۷ چگونگی عرضه آثار: - تعداد عنوان رساله های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی: ۱۵ مورد - تعداد مقالات بزبان فارسی: بیش از ۱۳ مورد - تعداد مقالات بزبان خارجی: بیش از ۹ مورد - شرکت در کنفرانس های بین المللی: هنر عهد سلجوقیان دانشگاه لندن ۱۹۷۳ هنر نقاشی لاک دانشگاه لندن ۱۹۸۱ هنر معماری اشکانی دانشگاه هیروشیما ۱۹۷۶ حفاظت آثار باستانی دانشگاه دهلی ۱۹۷۲ مدینه در جهان اسلام دانشگاه توکیو ۱۹۸۹ هنر کلاسیک دانشگاه برلین ۱۹۸۷ کاروانسراهای جاده ابریشم دانشگاه پکن ۱۹۹۳ هنرهای ایلخانی ادینبورواسکاتلند ۱۹۹۵ کاروانسراهای ایران کویت ۱۹۹۹ آثار: ۱ استان سمنان ویژگی اثر: انتشارات صناعی ۱۹۸۴ ۲ پایتخت های ایران ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - میراث فرهنگ - ۱۳۷۵ ۳ تاریخ هنر معماری ایران ویژگی اثر: فارسی - (سمت) وزارت علوم - ۱۳۷۴ ۴ تاریخ هنر معماری ایران ویژگی اثر: سمت - فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۷۵ ۵ تزئینات وابسته به معماری ایران ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - ۱۳۷۴ ۶ سفال ایرانی ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - نخست وزیری - جهاد - ۱۳۵۷۷ شهرهای ایران (جلد اول) ویژگی اثر: فارسی - جهاد دانشگاهی - ۱۳۶۷ ۸ شهرهای ایران (جلد چهارم) ویژگی اثر: فارسی - جهاد دانشگاهی - ۱۳۷۰ ۹ شهرهای ایران (جلد دوم) ویژگی اثر: فارسی - جهاد دانشگاهی - ۱۳۷۰ ۱۱ عاقبت خاک گل کوزه گران خواهیم شد ویژگی اثر: ۱۳۷۹۱۲ کاروانسراهای ایران (جلد اول) ویژگی اثر: فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۲ ۱۳ کاروانسراهای ایران (جلد دوم) ویژگی اثر: فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۹ ۱۴ کاروانسراهای ایران (جلد سوم) ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۷۵ ۱۵ معماری ایران دوره اسلامی ویژگی اثر: سمت - فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۷۹ ۱۶ معماری ایران دوره اسلامی جلد ۱ و ۲ ویژگی اثر: فارسی جهاد دانشگاهی - ۱۳۶۶-۹ ۱۷ معماری تیموری در ایران و توران ویژگی اثر: دونالد ویلبر - لیزا گلیمبک (ترجمه) - ۱۳۷۶ ۱۸ معماری و شهرسازی ایران به روایت تصویر ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - ۱۳۷۴۱۹ مقدمه ای بر هنر کاشیکاری ایران ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - موزه رضا عباسی ایران - ۱۳۶۳ ۲۰ نظر اجمالی بر شهر نشینی و شهرسازی در ایران ویژگی اثر: فارسی - جهاد دانشگاهی - ۱۳۶۵ ۲۱ هنر اسلامی ایران ویژگی اثر: فارسی - انگلیسی - موزه رضا عباسی - ۱۳۶۲ ۲۲ هنر سفالگری ایران عهد اسلامی ویژگی اثر: فارسی - وزارت و آموزش عالی - ۱۳۶۵ ۲۳ یادگارهای رباط شرف ویژگی اثر: فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - ۱۳۶۰ ۲۴ یادنامه کنگره پنجم باستان شناسی ایران - انگلیسی - فارسی ویژگی اثر: مرکز باستان شناسی ایران - ۱۳۵۰ ۲۵ یادنامه کنگره ششم باستان شناسی ایران - انگلیسی - فارسی ویژگی اثر: مرکز باستان شناسی ایران - ۱۳۵۲

کیهان، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۶ - ۱۲۶۹ ش)، جغرافیدان و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پدرش از نقاشان بزرگ و زبردست بود. کیهان تحصیلات مقدماتی را در خانه‌ی پدر به پایان رساند و سپس به مدرسه‌ی علمیه‌ی تهران رفت و نزد استادانی چون عبدالعظیم خان قریب، میرزا

علی خان ناظم العلوم و آقا شیخ حمزه تحصیلات ابتدایی را تکمیل نمود. در ۱۲۸۴ ش به فرانسه رفت و در مدارس متوسطه‌ی آنجا به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن امتحانات ورودی وارد مدرسه‌ی سن سیر شد و به اخذ درجه‌ی افسری نایل گردید. در ۱۲۹۵ ش به ایران بازگشت و در شیراز موفق به پایه‌ریزی صحیح و جدید تشکیلات پلیس شد. وی جزو افسران کودتای ۱۲۹۹ ش بود و در کابینه‌ی سید ضیاء مدتی کوتاه وزیر جنگ شد ولی به دلایلی بعد از مدتی استعفا کرد. در ۱۳۰۳ ش وارد وزارت معارف شد و در مدارس دارالفنون، علوم سیاسی، تجارت، حقوق و دانشسرای عالی و سرانجام در ۱۳۱۳ ش با سمت استادی در دانشگاه به تدریس پرداخت. وی همچنین در ۱۳۲۹ ش در کابینه‌ی علی منصور به وزارت فرهنگ منصوب شد و پس از آن مدتی نیز معاون دانشگاه بود. لازم به ذکر است احمد عبدالله پور، مؤلف «وزرای معارف ایران» تاریخ تولد کیهان را ۱۲۷۶ ش ذکر کرده است. از آثار وی: «پیدایش فلات ایران»؛ «جغرافیای مفصل ایران»، در سه مجلد، در زمینه‌های طبیعی و سیاسی و اقتصادی. [۱]

معروفه به ماژور مسعودخان، در ۱۲۶۹ تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی در ۱۲۹۰ از طرف دولت به اروپا اعزام شد و دانشکده‌ی افسری ژاندارمری فرانسه را پایان داد. وقتی به ایران آمد، وارد ژاندارمری شد و غالباً در مدارس افسری تدریس می‌کرد. به دنبال انعقاد قرار داد ۱۹۱۹ سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، تمام هم خود را مصروف نمود تا در بین افسران جوان و تحصیلکرده قزاقخانه و ژاندارمری دوستان و هم‌پیمانی برای خود فراهم کند. یکی از کسانی که خیلی زود با سید ضیاء دوست و مأنوس شد، همین مسعود کیهان بود که در آن تاریخ درجه‌ی ماژوری یعنی سرگردی داشت. بدون شک سید ضیاء و مسعود خان از همان روزهای اول به فکر کودتا افتادند. تمام برنامه‌ها را با هم تنظیم می‌کردند و سرانجام کودتا انجام گرفت و سید ضیاءالدین فرمان نخست‌وزیری دریافت نمود و کابینه‌ای تشکیل داد. در آن کابینه مسعود کیهان به مقام وزارت جنگ رسید. دو ماهی در وزارت جنگ استقرار داشت تا بین او و رضاخان سردار سپه رئیس دیویزیون قزاق که قدرت اجرائی و نظامی داشت، اختلاف حاصل شد در نتیجه کابینه ترمیم گردید. سردار سپه به وزارت جنگ و ماژور مسعودخان به وزیر مشاور تعیین گردید. پس از سقوط سید ضیاءالدین، کیهان بیکار شد. در تشکیلات جدید ارتش نه تنها دعوتی از او نشد، بلکه او را کنار گذاشتند. چندی به تدریس در مدارس تهران پرداخت تا این که در ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تأسیس یافت، او را برای تدریس دعوت کردند. کرسی جغرافیای انسانی را به او دادند، بعد به عضویت فرهنگستان رسید. در ۱۳۲۵ به جای مرحوم غلامحسین رهنما معاون دانشگاه تهران شد. در ۱۳۲۹ در کابینه‌ی علی منصور که سه ماه بیشتر دوام نکرد، وزیر فرهنگ شد. مدتی نیز نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار بود. همسر وی دختر عبدالله و ثوق (معمداً السلطنه) بود. در ۱۳۴۵ در تهران وفات یافت.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۵/۱۱۶)، روزشمار تاریخ (۳۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۲۱-۳۱۹/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۳۹، ۶۳۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۷-۱۸۶/۶)، وزرای معارف ایران (۱۶۸-۱۶۶)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (۴۲۲-۴۱۹)، نخبگان سیاسی ایران (۲۴۸/۳).

گنجی، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن گنجی، در ۲۱ خرداد ۱۲۹۱ شمسی در بیرجند به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی در مدرسه شوکتیه بیرجند، وارد دارالمعلمین عالی تهران شد و در رشته تاریخ و جغرافیا به اخذ درجه لیسانس نائل گردید. در شهریور ماه همان سال به عنوان

دانشجوی برگزیده رهسپار اروپا شد. وی در رشته جغرافیا در دانشگاه ویکتوریای منچستر انگلستان ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۱۷ درجه لیسانس تخصصی جغرافیا را احراز نمود. دکتر گنجی بار دیگر با استفاده از دو بورس تحصیلی در سال ۱۳۳۱ به منظور تکمیل تحصیلات خود عازم آمریکا شد و در دانشگاه کلارک آمریکا به اخذ درجه دکترای جغرافیا توفیق یافت. دکتر گنجی پس از پشت سر نهادن رتبه های علمی و مسئولیتهای دانشیاری، استادی، مدیریت گروه جغرافیا، ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و معاونت دانشگاه تهران، بازنشسته گردید. با وجود این استاد هیچگاه دست از کار نکشید و از سال ۱۳۶۴ با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی همکاری خود را آغاز کرد. دکتر گنجی از سال ۱۳۷۰ به عنوان مشاور رئیس دانشکده علوم زمین با دانشگاه شهید بهشتی همکاری دارد. از جمله سمت‌های دیگر وی، ریاست اداره کل هواشناسی ایران، ریاست هواشناسی منطقه آسیا و عضو کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهان است. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می‌باشد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جغرافیای گرایش: اقلیم شناسی والدین و انساب: نام پدر محمد حسن گنجی، ابوتراب است. افراد خانواده او بیشتر در خدمت امرای قاینات (بیرجند) یعنی خاندان علم بودند و پدرش مدتها نایب الحکومه شهر قاین بود. او سه برادر و دو خواهر داشت که چهار نفر آنها بعد از اتمام مدارس ابتدایی یا متوسطه بیرجند در مدارس محلی به تدریس اشتغال داشتند. در حال حاضر همه آنها به غیر از دو نفرشان از دنیا رفته‌اند. خاطرات کودکی: محمد حسن گنجی در ۲۱ خرداد ۱۲۹۱ خورشیدی برابر با ۱۱ ژوئن ۱۹۱۲ میلادی در شهر کوچک و دورافتاده بیرجند در مرکز قائنات (قهبستان) به دنیا آمد. سرزمین قهبستان مانند جزیره‌ای در دریای شن بود و ورود به آن از هر سو نیازمند گذشتن از فرسنگ‌ها کویر بی آب و علف بود. اکثریت ساکنان آن و به ویژه اهالی بیرجند از ریشه ایرانیان قدیمی با رگه‌هایی از دیگر اقوام تشکیل می‌شد که بیشتر از راه کشاورزی همراه با دامداری روزگار می‌گذراندند. خانواده گنجی نیز از همین مردمان بودند. شش ساله بود که وارد مدرسه شوکتیه در بیرجند شد. بیشتر دوران تحصیل مقدماتی او در دهه نخست ۱۳۰۰ خورشیدی با تحولات سیاسی، اجتماعی گسترده کشور و پایان سلطنت دویست ساله قاجار و آغاز دوران پهلوی همراه شد. بیرجند که تا آن زمان روستای دورافتاده‌ای با جمعیتی حدود ۹۰۰۰ نفر به شمار می‌رفت، کم کم به عنوان یک منطقه استراتژیک مطرح شد و مرکز فرماندهی تیپ نظامی قائنات و سیستان و بلوچستان لقب گرفت. در مدرسه شوکتیه رسم بر این بود که به شاگرد نخست، دوم و سوم به ترتیب مدال طلا، نقره و یک کتاب نفیس هدیه می‌دادند و گنجی در طول شش سال تحصیل چهار مدال طلا و دو نقره، به دست آورد و در جشن پایان دوره که آن مدال‌ها را به سینه زده بود چنان احساس سربلندی می‌کرد که به بیان خودش گویی قلعه خیبر را فتح کرده بود. وی همچنین به شکار کبک و تیهو که در آن زمان در کوهپایه‌های اطراف روستا زیاد دیده می‌شدند می‌پرداخت. اغلب خویشاوندان ایشان در روستا چهارپایانی مثل اسب، قاطر و الاغ داشتند و سوارکاری با حیوانات از سرگرمی‌های آن دوران به شمار می‌رفت. دو رویداد مهم در آن سال‌ها رخ داد که اثر عمیقی بر گنجی گذاشت: یکی خشکسالی شدیدی که تأثیرات انسانی دردناکی برجای گذاشت. پس از سه چهار سال همه قنات‌های بیرجند خشکید، محصولات کشاورزی از میان رفت و بسیاری از روستاییان به شهرهای دیگر کوچ کردند. خانواده گنجی در آن سال‌ها بسیار سختی کشیدند و حتی آب آشامیدنی را از جاهای دیگر فراهم می‌کردند. دومین رویداد هنگامی رخ داد که او کلاس چهارم یا پنجم دبستان بود. زمستان ۱۳۴۳ هجری قمری بود که پس از چند روز بارش پیوسته باران، سیلی بزرگ رخ داد و همه قنات‌ها را نابود کرد و آسیب زیادی به بار آورد. خاطره تلخ آن دو رویداد هواشناختی همچنان در ذهن گنجی ماند و حتی در انتخاب روش زندگی و روی آوردن او به دانش جغرافیا و هواشناسی تأثیر زیادی گذاشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمدحسن گنجی در خانواده‌ای که در آن اصول و اعتقادات دینی و مذهبی کاملاً رعایت می‌شد و از نظر مالی هم در شرایط متوسطی بود دنیا آمد و بزرگ شد. پدرش به شغل کشاورزی و دامپروری اشتغال داشت. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدحسن گنجی پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در زادگاه خود یعنی بیرجند در مهرماه ۱۳۰۹ خورشیدی به تهران آمد تا حقوق بخواند. ولی در

تهران متوجه شد که بیشتر استادان مدرسه عالی حقوق آن زمان، فرانسوی هستند و چون زبان فرانسوی نمی‌دانست به دارالمعلمین عالی رفت که نخستین بنیاد آموزش عالی آن زمان بود. دارالمعلمین عالی، که در ۱۳۰۷ بنیان‌گذاری شده بود، دو گروه «فلسفه و ادبیات» و «تاریخ و جغرافیا» داشت. گنجی در رشته تاریخ و جغرافیا نام نویسی کرد و پس از سه سال در ۱۳۱۲ لیسانس آن رشته را دریافت کرد. از آنجا که گنجی در کنکور اعزام به خارج در بخش معلمی تاریخ و جغرافیا مقام اول را به دست آورده بود، در ۲۵ شهریور ۱۳۱۲ همراه با حدود ۹۰ نفر دیگر که ۲۰ نفر از آنان از دانش‌آموختگان دانشسرای عالی بودند، به فرانسه فرستاده شد. چون در دبیرستان شوکتیه بیرجند تا اندازه‌ای با زبان انگلیسی آشنا شده بود، او را با ۱۲ نفر دیگر از دانشجویان که به زبان انگلیسی آشنایی داشتند، پس از چند روز ماندن در پاریس به لندن فرستادند. در آن روزها معمول بود که دانشجویان فرستاده شده به انگلستان را برای یکسال به زندگی در یک خانواده انگلیسی وا می‌داشتند تا زبان و آداب انگلیسی را فراگیرند. اما چون گنجی زبان انگلیسی را به اندازه نیاز می‌دانست، او را بی‌درنگ پس از ورود به انگلستان به دانشگاه ویکتوریا در منچستر معرفی کردند که در آن زمان یکی از پنج دانشگاه معتبر پس از آکسفورد و کمبریج به شمار می‌آمد. در سال دوم در انگلستان بود که پس از یک سال مطالعه و بررسی رشته‌های گوناگون، تصمیم خود را گرفت که در زمینه جغرافیا کار کند و از آن زمان تاریخ برای او در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. او در آن سال در گروه تخصصی جغرافیا در دانشگاه منچستر نام‌نویسی کرد و پس از چهار سال توانست لیسانس تخصصی و ممتاز در جغرافیا (B.A.Honours) را به دست آورد که برابر کارشناسی ارشد به شمار می‌آید. او دلیل گرایش خود را به جغرافیا و به ویژه هواشناسی، دو رویداد خشکسالی و سیلی می‌داند که در روزگار کودکی و نوجوانی در زادگاهش رخ داد و باعث آسیب زیادی به روستاییان شده بود. همچنین، در روزگاری که در خارج تحصیل می‌کرد، بحث‌های داغی پیرامون نظریه تکامل در جریان بود و از آنجا که بارها شنیده بود که پاسخ جانداران به دگرگونی آب و هوا، نقش مهمی در تکامل جانداران دارد، به موضوع‌های مربوط به آب و هوا و محیط بسیار گرایش پیدا کرده بود. گنجی در مهرماه ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و با عنوان دبیر (امروزه در رتبه‌بندی علمی دانشگاهی به آن مربی می‌گویند) در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. دوره خدمت دبیری او ۱۴ سال به طول انجامید و چون با مقررات آن روز هرگز نمی‌توانست بدون درجه دکترا، استاد دانشگاه شود، با استفاده از فرصت مطالعاتی در شهریور ۱۳۳۱ به آمریکا رفت. او پس از دو سال تحصیل در دانشگاه کلارک (در شهر ورستر ایالت ماساچوست) که از مراکز بسیار معتبر آموزش و پژوهش جغرافیا بود، درجه دکترا در جغرافیا را به دست آورد. خاطرات و وقایع تحصیل: محمدحسن گنجی، در تمام دوره متوسطه همواره شاگرد اول یا دوم کلاس خود بود. در مدرسه شوکتیه بیرجند، چنین مرسوم بود که در پایان سال تحصیلی به منظور تشویق دانش‌آموزان، به نفر اول در امتحانات پایان سال یک مدال طلا و به نفر دوم یک مدال نقره جایزه می‌دادند و دکتر گنجی در شش سال دوره متوسطه ۴ مدال طلا و ۲ مدال نقره کسب نمود. دوران تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسطه دکتر گنجی با تغییرات و تحولات مملکت همزمان بود به این صورت که یک سلسله ارامنه و بیگانگان می‌رفتند و یک سلسله از آنها برمی‌گشتند. شهر چهره نظامی با نیروهای بیگانه به خود گرفته بود. از خاطرات دیگر ایشان می‌توان به صف‌آرایی دانش‌آموزان و مشارکت دادن آنها در تظاهرات سیاسی و همچنین دیدار آنها با افسرهای غیر بومی به صورت معلمین مدرسه اشاره کرد که برای دکتر گنجی خاطره انگیز بوده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمدحسن گنجی از دوران تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه خود چنین به یاد می‌آورد: «در ایام تعطیل (تابستان) بسیاری از ما را به یادگیری حرفه‌های سنتی وا می‌داشتند و دانش‌آموزانی که پدرانی با حرفه بازاری داشتند در خلال تحصیل به پدر خود کمک می‌کردند. در زمان تحصیلات ابتدایی من پیش‌آهنگی در مدارس متداول شده بود و بسیاری از حرفه‌ها را از طریق پیش‌آهنگ به ما یاد می‌دادند.» دکتر گنجی، در ضمن تحصیل در انگلستان چندین مسافرت علمی همراه گروه‌های دانشگاهی به نواحی داخلی انگلستان و اسکاتلند و همچنین به شبه جزیره ایبری (سپانیا و پرتغال) و اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد و فنلاند) و ممالک

دیگر اروپایی انجام داد. استادان و مربیان: مربیان و استادان محمدحسن گنجی طی دوران تحصیل عبارت بودند از: میرزا احمد نراقی، شیخ احمد سلیمانی نراقی، کنل علینقی وزیری مفیدالملک، سیدرضی حسین (ناظم هندی)، عباس اقبال آشتیانی، ماژور مسعودخان کیهان، بدیع الزمان فروزانفر، سیدمحمد کاظم عصار، دکتر صادق رضازاده شفق، عبدالحسین شیبانی وحیدالملک، دکتر عیسی صدیق، دکتر اسدالله بیژن و ... هم دوره ای ها و همکاران: آقایان احمد مستوفی، احمد سعادت عداله فریار، صورتگر، حسین علی سلطان زاده پسیان، احمد بهفروز، بهادر عامری (دندانپزشک)، جواد بیرجندی، حسام‌الدین ضیائی، علیقلی حکیم نژاد (صاحب کارخانه آبسال)، محمد تقی سیاه‌پوش و ابراهیم صفوی از هم‌دوره‌ای‌های محمدحسن گنجی بشمار می‌روند. همسر و فرزندان: محمدحسن گنجی در ۲۴ دیماه ۱۳۲۰ با سرکار خانم لطیفه جوادزاده (از ایرانیان مقیم ارمنستان) ازدواج کردند. وقایع میانسالی: محمدحسن گنجی از وقایع میانسالی خود چنین می‌گوید: من با دبیری در دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از ۱۳ سال استادیار این دانشگاه شدم، اولین کسی بودم که با تحصیلات عالیه جغرافیا به ایران برگشتم و در سال دوم تأسیس دانشگاه تهران به همراه دو نفر از همکارانم رشته جغرافیا را پایه‌گذاری کردیم. بعد از ما شش نسل جغرافیدان در ایران تربیت شده است که من به نوعی خود را پدر بزرگ این جریان احساس می‌کنم. مدتی رئیس دانشکده و معاون دانشگاه تهران بودم. در دوران بازنشستگی هم دانشگاه بیرجند را تأسیس کردم. قبل از انقلاب مدتی معاون پارلمانی وزارت راه بودم. پس از انقلاب در دوران جنگ ایران و عراق مشاور وزیر دفاع بودم حالا هم در این دانشگاه (شهید بهشتی) مشاور دانشکده علوم زمین هستم و دو دانشجوی دکتری دارم، بیش از صد مقاله به فارسی و انگلیسی نوشته‌ام و چهارده کتاب درسی به چاپ رسانده‌ام، مهمتر از همه اینها انتشار کتابی با عنوان «جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی» که داستان علم جغرافیا در کشور است. پانزده سال است که با دائره‌المعارف اسلامی همکاری می‌کنم و این اواخر با مرکز گفتگوی تمدن‌ها ارتباط نزدیک دارم و قرار است اطلس جغرافیایی تمدن‌ها را تهیه کنم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدحسن گنجی در کنار فعالیت خود در دانشگاه تهران، از مهرماه ۱۳۳۵ تا مهرماه ۱۳۴۷ ریاست اداره کل هواشناسی ایران را نیز عهده‌دار بود. در این مدت، وی نماینده ثابت دولت ایران در سازمان هواشناسی جهانی، به مدت ۵ سال ریاست هواشناسی منطقه آسیا (به مدت ۵ سال) و عضویت کمیته اجرایی سازمان مزبور را برعهده داشت. دکتر گنجی از اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ تا مهرماه ۱۳۴۷ معاونت پارلمانی وزارت راه و در زمان ریاست دانشگاهی پروفیسور رضا، از سال ۱۳۴۷ به مدت یک سال پست معاونت اداری و مالی دانشگاه تهران را عهده‌دار شد. آنگاه پس از چندین مشاور دانشگاه گردید و سپس از خردادماه ۱۳۵۳ عهده‌دار ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردید و تا پایان خدمت ۳۷ ساله دانشگاهی خود در این سمت باقی بود. وی در اول بهمن ماه ۱۳۵۴ به افتخار بازنشستگی نائل آمد و از مهرماه ۱۳۵۴ تا پایان سال ۱۳۵۷ ریاست مؤسسه آموزش عالی امیر شوکت‌الملک علم بیرجند را برعهده داشت. وی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مشاور رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (سازمان جغرافیای سابق) بود. و از سال ۱۳۷۳ نیز با سمت مشاور دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی در طراحی و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته است. همچنین از سال ۱۳۶۵ عضویت بخش جغرافیایی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) را دارا بوده و با بیشتر دانشگاه‌های تهران مخصوصاً دانشگاه تربیت مدرس در دوره‌های دکترای جغرافیا تدریس و همکاری داشته است. وی همچنین عضویت کمیته رهبری اطلس اقلیمی ایران را در سازمان هواشناسی برعهده داشته است. از دیگر مشاغل وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- عضو مادام‌العمر انجمن جغرافیایی انگلستان ۲- عضو سابق انجمن سلطنتی مردم‌شناسی انگلستان و ایرلند ۳- عضو شورای عالی آمار ۴- عضو هیئت تحریریه دائره‌المعارف بریتانیا ۵- عضو افتخاری انجمن آمریکایی پیشرفت علوم ۶- عضو شورای عالی مردم‌شناسی ۷- عضو انجمن جغرافیایی کشورهای آسیا و آفریقا ۸- عضو کمیته ملی آبشناسی (یونسکو) ۹- عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران ۱۰- عضو کمیسیون بورسهای دانشگاهی ۱۱- عضو کمیسیون همکاری فرهنگی ایران و فرانسه (دانشگاهی) ۱۲- عضو کمیته جغرافیایی فرهنگستان ایران ۱۳- عضو شورای عالی جغرافیایی وابسته به سازمان

جغرافیائی کشور ۱۴- عضو کمیته برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش ۱۵- عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت ۱۶- عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک ۱۷- عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی تهران ۱۸- عضو اتحادیه انجمن‌های علمی ۱۹- رئیس اولین کنگره جغرافیدانان ایران ۱۳۵۲ ۲۰- عضو شورای دانشگاه تهران ۲۱- اولین رئیس انجمن جغرافیدانان ایران ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ فعالیت‌های آموزشی: محمدحسن گنجی پس از اخذ درجه لیسانس از انگلستان (در سال ۱۳۱۷)، به ایران بازگشت و به مدت ۱۴ سال با سمت دبیری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. وی همچنین پس از اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۳۴ از آمریکا به ایران بازگشت و پس از طی ۵ سال دوره دانشجویی، در سال ۱۳۳۹ (با رتبه ۱۰) به عنوان استادی پاره‌وقت دانشگاه تهران ارتقاء یافت و متصدی کرسی جغرافیای انسانی شد. در مهرماه ۱۳۴۷ خدمت تمام وقت دانشگاه را پذیرفت و از سال ۱۳۴۸ در سمت استاد و مدیر گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه انجام وظیفه کرد. [گزارش گفتگو، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، سال اول، شماره ۱۲، نیمه اول مهر ۱۳۸۰، ص ۱۸ - اثر آفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، ج ۵، زیر نظر دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۸۱] مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: از جمله خدمات علمی محمدحسن گنجی می‌توان به تشکیل «انجمن جغرافی دانان ایران» و بنیان‌گذاری سازمان هواشناسی کشور اشاره نمود. وی در مهرماه ۱۳۵۴ به موجب ابلاغ وزیر علوم و آموزش عالی مأموریت یافت که مقدمات تهیه و تشکیل دانشگاهی را در بیرجند فراهم سازد و در تیرماه ۱۳۵۵، مؤسسه آموزش عالی امیرشوک الملک علم بیرجند را بنیاد نهاد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمدحسن گنجی در کنار تدریس و تحقیق در بسیاری از موسسات دولتی و خصوصی که با اموری در زمینه‌های جغرافیایی ارتباط داشته‌اند در مراحل برنامه‌ریزی و همچنین اجرایی مشارکت داشته است. شاگردان: بیشتر اساتید جغرافیای کنونی دانشگاه‌های ایران یا مستقیماً در زمره شاگردان محمدحسن گنجی بوده‌اند و یا بطور غیر مستقیم از شخصیت علمی و تالیفات وی بهره برده‌اند. از جمله شاگردان وی دکتر فاطمه بهروز استاد گروه جغرافیای دانشگاه تهران می‌باشد. دکتر پیروز مجتهدزاده که در دوره کارشناسی شاگرد دکتر گنجی بوده است، درباره استاد خود چنین گفته است: «با همه استادنم رابطه‌ای نزدیک و منطقی داشتم، به ویژه با دکتر گنجی که رابطه‌مان به شکل رابطه پدر و فرزندی در روابط اجتماعی و نیز در محیط دانشگاه بود. صرف نظر از پدر و مادر که نقش انکارناپذیری در شخصیت من داشته‌اند، سه نفر دیگر هم تاثیر ژرفی بر زندگی من ایجاد کرده‌اند. نخستین آنها دکتر گنجی است که نگاه اساسی‌ام را به علم و زندگی مدیون او هستم. در دوران دانشجویی‌ام به همه استادنم احترام می‌گذاشتم ولی دکتر گنجی به راستی با بقیه تفاوت داشت. او کسی بود که می‌توانست همه گونه پرسش را در مباحث جغرافیایی و به ویژه هواشناسی پاسخ دهد. با وجود این، هیچ ادعایی نداشت و احترام عمیق من به او به سبب همین بی‌ادعایی است. همیشه سعی می‌کرد در حال آموختن باشد. من همواره در برابر پرسش‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی مختلفی که برایم پیش می‌آمد نزد او می‌رفتم. گنجی شخصیتی استثنایی و ارزشمند است و من شخصیتی در شأن و پایه او ندیده‌ام. در واقع آموختن من از دکتر گنجی فقط به دوره های خاص دانشگاهی مانند لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکترا محدود نبود. من هنوز هم از او می‌آموزم.» همفکران فرد: علاوه بر عباس سحاب که بنیانگذار اولین مؤسسه کارتوگرافی بازرگانی ایران (مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب) است، مهندس عباس جعفری و سعید بختیاری از دوستانان نقشه و فعالان در انتشار مجموعه‌های اطلس و نقشه‌های جغرافیایی، پیروز مجتهدزاده، جواد صفی‌نژاد، مصطفی ارمی، محمدتقی رهنمائی، ابراهیم مقیمی، دره میر حیدر، حسن کامران، محمد سلیمانی، حسین شکوئی و فرج الله محمودی همفکری نزدیکی با دکتر محمدحسن گنجی دارند. آرا و گرایشهای خاص: محمدحسن گنجی همواره مفهوم علم جغرافیا را در چهارچوب شناخت روابط بین انسان و محیط زندگی وی (دیدگاه «انسان محیطی»)، یا در قالب شناسایی مشخصات ناحیه‌ای شامل پدیده های طبیعی و انسانی (دیدگاه ناحیه ای) و بالاخره در محدوده بررسی پراکنندگی مکانی هر پدیده جغرافیایی خاص (دیدگاه فضایی) مورد نظر قرار داده‌اند. این مطلب نشانه آن است که وی

همواره در پی جدیدترین اطلاعات بین‌المللی درباره جغرافیا بوده است. در ارتباط با دیدگاه‌های سازمان یافته جغرافیای (انسان محیطی، ناحیه‌ای و فضایی) دکتر گنجی مسائل علم جغرافیا را در دو بخش طبیعی و انسانی قابل مطالعه می‌داند، که می‌توانند در چهارچوب روش‌های عمومی و یا ناحیه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. و همگام با این توجیحات روش تحقیقی، استاد گنجی برای اصالت قوانین جغرافیایی در بررسی‌های ناحیه‌ای، اهمیت و اعتبار خاصی قائل می‌شوند. ایشان با استناد به منابع جدید و معتبر خارجی در این زمینه معتقد است که پدیده‌های انسانی اگرچه به اندازه پدیده‌های طبیعی تابع قوانین علمی نیستند، معهذاً با استفاده از اطلاعات آماری و روش‌های کمی می‌توان در مورد یک پدیده خاص انسانی مدل‌سازی و یا تیپ‌شناسی کرد که این روش گامی به سوی قانون‌گرایی خواهد بود. از این گذشته، دکتر گنجی کاربرد کامپیوتر را جهت تحلیل این داده‌های آماری ضروری می‌داند و این نوگرایی دکتر گنجی، با توجه به اینکه وی قدیمی‌ترین استاد جغرافیای ایران است، قابل ملاحظه می‌باشد. [بهوروز، دکتر گنجی و گسترش دانش جغرافیا در ایران، مجموعه مقالات جغرافیایی جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی، صص ۵-۲۴] جوایز و نشانها: محمدحسن گنجی، در سال ۱۳۵۴ به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران انتخاب شد. وی در بیست و نهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی در کره جنوبی در سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان یکی از ۱۵ جغرافیدان برجسته جهان شناخته شد و سازمان هواشناسی جهانی، جایزه علمی سال ۲۰۰۱ خود را به وی اعطا کرد. ایشان همچنین نشان درجه سه در خدمات دولتی را دریافت کرده است. دکتر گنجی از اوایل انقلاب تا اکنون بالغ بر ۶۳ لوح تقدیر از مراکز آثار و مفاخر علمی، چهره‌های ماندگار، انجمن‌های علمی جغرافیایی و دانشگاهها دریافت کرده است. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می‌باشد. چگونگی عرضه آثار: محمدحسن گنجی سفرهای علمی متعددی به کشورهای اسکاتلند، پرتغال، دانمارک، سوئد، فنلاند، پاکستان، هندوستان، ژاپن، اندونزی، مالزی، سنگاپور، هنگ‌کنگ، لبنان، اتریش، آلمان، هلند، بلژیک، اسپانیا، فرانسه، نروژ، شوروی (مسکو، کیو، ایروان و باکو)، استرالیا، کانادا، کشورهای متحده آمریکا و کلیه شیخ‌نشین‌های خلیج فارس نمود. وی عضو مادام‌العمر انجمن جغرافیایی انگلستان، عضو سابق انجمن سلطنتی مردم‌شناسی انگلستان و ایرلند، عضو شورای عالی آمار، عضو هیئت تحریریه دایره‌المعارف بریتانیا، عضو افتخاری انجمن آمریکایی پیشرفت علوم، عضو شورای عالی مردم‌شناسی، عضو انجمن جغرافیایی کشورهای آسیا و آفریقا، عضو کمیته ملی آشناسی یونسکو، عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران، عضو شورای دانشگاه تهران، عضو کمیسیون همکاری فرهنگی دانشگاهی ایران و فرانسه، عضو کمیته جغرافیایی فرهنگستان ایران، عضو شورای عالی جغرافیایی وابسته به سازمان جغرافیایی کشور، عضو کمیته برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت، عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک، عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی، عضو اتحادیه انجمن‌های علمی، رئیس اولین کنگره جغرافی دانان ایران (۱۳۵۲)، اولین رئیس انجمن جغرافی دانان ایران (۱۳۵۳-۱۳۶۲)، عضو سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت)، عضو محققین مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و عضو کمیته رهبری طرح اطلس اقلیمی ایران می‌باشد. دکتر گنجی در کنگره بین‌المللی جغرافیایی (آمستردام - ۱۹۳۸، واشینگتن - ۱۹۵۲، دهلی نو - ۱۹۶۸ و مونترال کانادا - ۱۹۷۲)، سمینار جغرافیایی کشورهای آسیایی و آفریقایی (علیکره هندوستان - ۱۹۵۶)، کمیسیون حل اختلاف آب هیرمند بین ایران و افغانستان (واشنگتن - ۱۹۵۶)، کمیته اجرایی طرح مناطق خشک یونسکو (کانبرا استرالیا - ۱۹۵۶)، کمیته منطقه‌ای سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی (رم - ۱۹۵۹)، کمیته هواشناسی سازمان پیمان مرکزی (آنکارا - ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳، لندن - ۱۹۶۰)، اجلاس هواشناسی منطقه آسیا (رنگون بیرمانی - ۱۹۵۹، بانکوک - ۱۹۶۲، تهران - ۱۹۶۶ و توکیو - ۱۹۷۰)، کمیسیون اقلیم‌شناسی سازمان هواشناسی جهانی (لندن - ۱۹۶۰ و استکهلم - ۱۹۶۵)، کنگره سازمان هواشناسی جهانی (ژنو - ۱۹۶۳، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱)، اجلاس کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهانی (ژنو - ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱)، کمیته ارتباطات سازمان عمران منطقه‌ای (اسلام‌آباد -

۱۹۶۶)، دومین کنگره سازمان ملل درباره یکنواخت ساختن اسامی (لندن - ۱۹۷۲)، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای شرقی و اقیانوسیه (سنگاپور - ۱۹۷۲)، دومین اجلاس هیئت گروه کارشناسان هواشناسی جهانی درباره کاربرد اقلیم شناسی در مسائل محیطی (ژنو - ۱۹۷۲)، دومین کمیته فنی اندازه گیری آلودگی هوا (هلسینکی - ۱۹۷۳)، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای جنوبی (دهلی نو - ۱۹۷۴)، هشتمین اجلاس هیئت گروه کارشناسان جغرافیای سازمان ملل (نیویورک - ۱۹۷۵)، سمپوزیوم هواشناسی در رابطه با آمایش زمین در اشویل (کارولینای شمالی - ۱۹۷۵)، بیست و سومین کنگره بین المللی جغرافیا (مسکو - ۱۹۷۶)، سومین کنگره سازمان ملل برای یکنواخت کردن اعلام جغرافیایی (آتن - ۱۳۵۶، مونترال - ۱۳۶۵ و ژنو - ۱۳۷۰)، سفر عتبات عالیات در گروه دانشگاه تهران (۱۳۵۶)، سفر چین در گروه دانشگاه تهران (۱۳۵۷)، یازدهمین اجلاس هیئت گروه کارشناسان ملل متحد (ژنو - ۱۳۶۳)، چهارمین اجلاس هیئت منطقه‌ای برای همسان سازی نام‌های جغرافیایی (تهران - ۱۳۶۹)، سمینار مرزهای ایران در مرکز ژئوپولیتیک و مرزهای بین المللی دانشگاه لندن (لندن - ۱۳۷۰)، سمینار هویت ایران در پایان قرن بیستم در دانشگاه لندن (لندن - ۱۳۷۷) شرکت فعال داشته است. دکتر گنجی، حدود ۱۰ درس جدید و مختلف را به تدریج وارد برنامه رشته جغرافیا نمود و همه را شخصاً به تناوب در سال‌های تحصیلی مختلف تدریس کرد. از آثار ایشان می‌توان به ۱ جزوه درسی، ۱۶ اثر تألیفی، ۶ نقد کتاب، ۱۲ مقدمه کتاب، ۸۰ مقاله علمی، ۱۹ سخنرانی و ۱۴ مقاله به زبان انگلیسی اشاره نمود. آثار: مقاله جغرافیایی و ویژگی اثر: مجموعه ای است از مقالات جغرافیایی و اقلیم شناسانه و چند مقاله تاریخی که عمدتاً درباره ایران می باشد، این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ توسط موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب به چاپ رسیده است. { گنجی، ۳۲ مقاله جغرافیایی، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۵۲، پنج { ۲ آب و هوای ایران (فصلی از تاریخ ایران کمبریج ۱۹۶۸) ، آب و هوای ایران (قاهره) ، آب و هوای کشورهای آسیای مرکزی ، آتشفشان سنت هلن، آثاری از دکتر گنجی که به انگلیسی منتشر نموده اند ، آمار بارندگی در ایران ، آمایش زمین بصورت یک منبع طبیعی (نمونه هایی از آسیا) ، آمریکا را بشناسید ، آموزش جغرافیا ، اطلس اقلیمی ایران ، اطلس کامل تهران ، اکولوژی و اقلیم شناسی ، انتشارات پنهانی (یادداشت) ، انحطاط جغرافیایی شهر بیرجند ، ایران (دایره المعارف و رلدمارک چاپ نیویورک) ، برتراند راسل و جغرافیا ، برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره ای از مشخصات و گرافیک آن ، بررسی اجمالی باران ۱۳ سال اخیر ایران ، بستر جغرافیایی تاریخ ایران ، به انگیزه اگر باران به کوهستان بیارد ، پاره ای جنبه های جغرافیایی ایران ، پیام آقای دکتر محمدحسن گنجی و ویژگی اثر: مجموعه سخنرانیهای چهارمین کنگره جغرافیادانان ایران (به اهتمام گروه آموزشی جغرافیا) ، دانشگاه فردوسی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، صفحات ۱۸-۷۰۲۴ پیشگفتار و نقد مقاله ها و ویژگی اثر: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، صفحات ۱۰-۵۰۲۵. تاثیر آب و هوا در زندگی بشر، تاریخ جغرافیای اسلامی، تاریخچه جغرافیا در اسلام، تاریخچه نهضت های پان، ترجمه بشر چیست؟ ویژگی اثر: تألیف: مارک تواین. ۳۰ تغییرات آب و هوا، تغییرات ناگهانی هوای ساحل جنوبی، تقسیمات اقلیمی ایران، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی و ویژگی اثر: کتابی است در شرح سیر تطور علم جغرافیا در ایران معاصر که در ۱۳۶۷ در انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسید. [جزئی « یادداشتهایی درباره مقام علمی دکتر گنجی، مجموعه مقالات جغرافیایی» (جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی)، ص ۱۲ { ۳۴ جغرافیا و آمار و ویژگی اثر: نشریه سالانه اداره کل آمار عمومی، تهران ۳۵ جغرافیای اقلیمی، جغرافیای ایران و ویژگی اثر: کتابی است درباره کلیات جغرافیای ایران و تقسیمات و فصل بندی مطالعات جغرافیایی در این باره، که در چهار فصل در جلد اول نشریه شماره ۲۲ ایرانشهر منتشر شده است. ۳۷ جغرافیای سال پنجم ابتدایی و ویژگی اثر: با همکاری دکتر لطف الله مفخم پایان و حسین خلیل فر. ۳۸ جغرافیای سال ششم ابتدایی و ویژگی اثر: با همکاری حسین خلیل فر. ۳۹ جنگ و جغرافیا یا روابط دول بزرگ در اقیانوسیه و ویژگی اثر: این کتاب در ۱۳۲۱ توسط کتابفروشی پروین به چاپ رسید، بحث های ژئوپولیتیکی جالبی درباره رقابت های استعمارگران در قاره اقیانوسیه را

در بر می گیرد. ۴۰ خاورمیانه کجا است، خشکسالی در قائنات، دون ژوان ایرانی، روند تحقیقات جغرافیایی در ایران، سازمان هواشناسی جهانی و هواشناسی ایران، سخنی چند درباره هواشناسی، شمه ای از خدمات جغرافیایی سازمان جغرافیایی و چندین مقاله جغرافیایی در دایره المعارف بزرگ اسلامی، فهرست مقالات جغرافیایی و ویژگی اثر: با همکاری جواد صفی نژاد. ۴۸ کتب جغرافیای دبیرستانی، کلیات جغرافیای طبیعی، کمک به اقلیم شناسی باستانی ایران، گزارش ششمین کنگره بین المللی جغرافیایی در لندن، گزارش کمیته هواشناسی مناطق خشک، گزارش کنفرانس یونسکو در استرالیا درباره آب و هوای مناطق خشک جهان، گزارش کنفرانس یونسکو درباره نحوه آموزش جغرافیا در جنوب خاوری آسیا، لزوم تهیه نقشه های جغرافیایی، مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، مطالعه اجمالی فرهنگ های جغرافیایی، مطالعه جغرافیای در خواص جمعیتی امت مسلمان در جهان، مفهوم جغرافیا و روش تدریس آن و ویژگی اثر: نشریه انجمن دبیران علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیا، شماره ۱، تهران. ۶۰ مفهوم واقعی نژاد، مقالاتی درباره جغرافیای ایران، مقدمه بر اصول جغرافیای انسانی و اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران، مقدمه بر اطلس افغانستان، مقدمه بر اطلس بزرگ جهان، مقدمه بر اطلس تاریخی ایران، مقدمه بر اطلس خلیج فارس، مقدمه بر اطلس عمومی جهان، مقدمه بر جغرافیای پزشکی و ویژگی اثر: تألیف: هوشورزدشت. ۶۹ مقدمه بر شهرستان نور و ویژگی اثر: تألیف: پیروز مجتهدزاده. ۷۰ مقدمه بر کلیات ژئومورفولوژی ایران و ویژگی اثر: تألیف: دکتر محمود حریریان. ۷۱ مقدمه بر گزیده ای از فرهنگ و اصطلاحات جغرافیایی و ویژگی اثر: تألیف: عاشوری. ۷۲ مقدمه بر گیتاشناسی کشورها، مقدمه بر متن انگلیسی مقاله دکتر مهدوی [جزئی، «یادداشت‌هایی درباره مقام علمی دکتر گنجی»، مجموعه مقالات جغرافیایی (جشن نامه دکتر محمد حسن گنجی)، صص ۱۹-۱۱}، ملاحظاتی درباره آلودگی هوا و باران در تهران، ملاحظاتی درباره باران چند سال اخیر ایران، ۶ ملاحظاتی درباره باران سال، ملاحظاتی درباره باران های تابستان ۱۹۵۴، ملاحظاتی درباره پزشکان ایران مقیم آلمان غربی، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن و ویژگی اثر: نشریه گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱، چاپ میهن، صفحات ج-۸۱. ملاحظاتی درباره سید محمد فرزاد، ملاحظاتی درباره نظرات و روشهای نو در جغرافیا و ویژگی اثر: نشریه انجمن دبیران جغرافیا و تاریخ و علوم اجتماعی، شماره ۱۰، تهران ۸۳ ملاحظاتی موقت راجع به تبخیر در ایران، نامه های قهستان، نظری به نشریات ادواری جغرافیایی، نقشه جغرافیا و سیاست، نگرشی مجدد بر سمینار بین المللی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران، هانینگتون و پارسیان هند، هوا آستانه فضا، هواشناسی در ایران، یادای از دکتر صدیق اعلم (مردان نامی ایران)

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] جشن نامه ی دکتر محمد حسن گنجی، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب (مقدمه)، چهره های آشنا (۵۰۷-۵۰۶)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر محمد حسن گنجی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲، ۲/۲۴۸۸، ۱۰۳۰، ۵۰۸، ۱/۵۱) مقاله جغرافیایی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۶۲۶).

پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر محمد حسن گنجی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار ۱۳۸۶ زندگینامه مشاهیر معاصر ایران، دبیرخانه همایش چهره های ماندگار، شبکه چهار سیما، مهر ۱۳۸۰، ص ۴۲- گزارش گفتگو، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، سال اول، شماره ۱۲، نیمه اول مهر ۱۳۸۰، ص ۱۸۵ گزارش گفتگو، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، سال اول، شماره ۱۲، نیمه اول مهر ۱۳۸۰، ص ۱۸۶ گنجی، اطلس کامل گیتا شناسی (مقدمه)، صفحات مقدمه

گودرزی نژاد، شاپور

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر شاپور گودرزی نژاد در سال ۱۳۰۳ در گرگان متولد شد. ایشان پس از اخذ کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تهران، فوق لیسانس و دوره آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را نیز از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژئومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد. نامبرده در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول به خدمت است. کتاب "جغرافیا، ترکیبی نو" ترجمه، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای: شاپور گودرزی نژاد پس از طی دوره های ابتدایی و متوسطه، لیسانس تاریخ و جغرافیا را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و لیسانس آموزش جغرافیا را از دانشسرای عالی دانشگاه تهران اخذ کرد. فوق لیسانس و دوره آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژئومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شاپور گودرزی نژاد از سال ۱۳۴۱ در دانشگاه تهران مشغول به کار شد و در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران به خدمت ادامه می دهد. دانشیاری مدعو در دانشگاه دورهام انگلستان (سال ۷۶-۷۵ م)، عضویت در شوراهای مختلف دانشگاه تهران و کمیته تخصصی جغرافیایی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و آزاد اسلامی نیز در شمار فعالیتهای آموزشی دکتر گودرزی نژاد قرار دارند. جوایز و نشانها: کتاب "جغرافیا، ترکیبی نو" ترجمه، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: جغرافیا، ترکیبی نو ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جغرافیا، ترکیبی نو»: جغرافیا، ترکیبی نو (دو جلد)؛ پروفیسور پیتراگت؛ ترجمه شاپور گودرزی نژاد؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۵. جغرافیا، ترکیبی نو اثری در زمینه ماهیت علم جغرافیا است که تمامی مفاهیم و قلمروهای جغرافیا را در یک چارچوب منطقی مورد بحث قرار می دهد. مطالب کتاب طوری تنظیم شده است تا هم از جنبه نظری و هم از جنبه کاربردی، افق دید دانشجویی را که آموزش قبلی جغرافی ندارد، به سرعت گسترش دهد و بر توان نتیجه گیری منطقی وی بیفزاید. پنج بخش این کتاب همچون زنجیره ای به یکدیگر متصل است و اصل بی طرفی و جامعیت درباره مطالب مورد بحث کاملاً رعایت شده است. سبک مقبول این کتاب به دانشجویان فرصت می دهد جغرافی را به طریق جامع بنگرند و طبقه بندی مرسوم و سنتی آن را، چه به صورت طبیعی یا انسانی و چه ناحیه ای یا سیستماتیک، رها کنند. یکی از امتیازات کتاب آن است که فهرست مراجع برای مطالعه بیشتر خوانندگان کتاب در انتهای هر فصل گنجانده شده است. کتاب از جهت رعایت نکات فنی، اصول ویرایش، ترسیم نقشه و نمودارها در ردیف آثار مطلوب جغرافیایی قرار دارد ۲ جغرافیای ایران (انسانی)، جغرافیای ترکیه، روستاهای اسدآباد، ژئومورفولوژی و مدیریت محیط (جلد ۱ و ۲)، سفرنامه پاتینجر

منابع زندگینامه: بنیاد ایرانشناسی

لاله، هایده

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

هایده لاله تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه سوربن پاریس تا مقطع دکتری ادامه داد. وی عضو هیات علمی دانشگاه تهران می‌باشد و در سمت‌های رییس موسسه باستان‌شناسی وابسته به این دانشگاه و همچنین مدیر گروه باستان‌شناسی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در داخل کشور داشته است. ایشان علاوه بر شرکت در کاوش‌های باستان‌شناسی داخل، تالیفات متعددی به زبان فارسی و فرانسه منتشر کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: هایده لاله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه سوربن - پاریس (IV) ادامه داد. وی در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ درجه لیسانس، در سال ۱۳۵۹ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی و تاریخ هنر و در سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک D.E.A از همان دانشگاه شد. همچنین دکترای خود را از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۶۸ دریافت کرد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق اجرایی و اداری هایده لاله از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۲ به شرح زیر می‌باشد: - همکاری با مجله چکیده‌های ایران‌شناسی Abstracta aronica از سال ۱۳۶۸ تا کنون. - همکاری در برنامه پژوهش بانک اطلاعاتی میراث جهان اسلام، مشرق مغرب، برنامه مشترک مرکز ملی تحقیقاتی علمی فرانسه CNRS، دانشگاه سوربن - پاریس IV و دانشگاه آلمان، از سال ۱۳۶۸ تا کنون. - عضو نا پیوسته واحد تحقیقاتی U.R.A ۱۰۷۷ مرکز تحقیقات علمی فرانسه CNRS، از سال ۱۳۶۸ تا کنون. - استاد یار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷۳-۱۳۷۲. - استاد یار و عضو هیات علمی موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از ۱۳۷۴ تا کنون. - عضو هیات مشاوران مجله باستان‌شناسی و تاریخ، مرکز تشر دانشگاهی، از سال ۱۳۷۶ تا کنون. - عضو هسته تخصصی باستان‌شناسی، موسسه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶. - مشاور ویژه نامه تاریخ علم، مجله وقف میراث جاویدان، ۱۳۷۵. - دبیر ویژه نامه تهران، مجله وقف میراث جاویدان، ۱۳۷۸. - رییس کمیسیون ادبیات و هنر امور پژوهش‌های کاربردی، موزه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران. - معاون موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از آغاز سال ۱۳۷۹. - رییس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، از آغاز سال ۱۳۸۲. فعالیت‌های آموزشی: هایده لاله فعالیت‌های آموزشی خود را از سال ۱۳۶۹ آغاز نمود که به شرح زیر می‌باشد: - دانشگاه سوربن - پاریس IV، فرانسه، هنر و معماری اسلامی کارشناسی، ۷۰-۱۳۶۹. - دانشگاه ورسای، فرانسه، هنر و معماری اسلامی، ۱۳۷۱. - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هنر و معماری اسلامی، کارشناسی ارشد، ۷۳-۱۳۷۲. - موسسه آموزش عالی سوره، هنر و معماری اسلامی، کاردانی، ۷۳-۱۳۷۰. - دانشگاه تهران، باستان‌شناسی و هنر اسلامی قرون ۵ تا ۹ ه ق، کارشناسی ارشد، ۷۷-۱۷۶ و ۷۶-۱۷۵. - موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، روش تحقیق در باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، کارشناسی ۷۷-۱۳۷۶. - دانشگاه تهران، باستان‌شناسی و هنر سرزمین‌های اسلامی، کارشناسی ۷۸-۱۳۷۷. - دانشگاه تهران، باستان‌شناسی و هنر اسلامی قرن ۱۰ تا عصر حاضر، کارشناسی ارشد، ۷۹-۱۳۷۸. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: هایده لاله طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۹ شرکت فعالی در کاوش‌ها و بررسی میدانی داشت: - سه فصل حفاری‌های مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) و Casa de velazquez: سنس، آندلس - اسپانیا. - یک فصل حفاری مرکز باستان‌شناسی شهر موری: موری، آندلس - اسپانیا. چگونگی عرضه آثار: هایده لاله در همایش‌ها و کنگره‌های ملی و بین‌المللی متعددی برای عرضه نتایج مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی خود شرکت نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود: دانشگاه بامبرگ آلمان، ۱۳۶۹. کنفرانس بین‌المللی بامبرگ آلمان سال ۱۳۷۰. کنفرانس بین‌المللی هنر اشکانی و ساسانی در انگلستان سال ۱۳۷۱. کنفرانس بین‌المللی در سال ۱۳۷۱. موزه لوور سال ۱۳۷۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ۱۳۷۲. انجمن حکمت و فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ۱۳۷۳. کنفرانس بین‌المللی سال ۱۳۷۴ (Edinburgh ۳ guly - ۲ agust) کنفرانس بین‌المللی ۱۳۷۴ (۱۱-۱۵) Cambridge ۱۹۹۵ (september) کنفرانس بین‌المللی ۱۳۷۵ (Bamberg, ۲۵-۲۷ guly ۱۹۹۶) سمینار بین‌المللی باستان‌شناسی در امتداد

جاده ابریشم. تهران، ۴ تا ۷ اردیبهشت ۱۳۷۶، یونسکو - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دارالافتاء الاسلامیه، کویت، ۱۳۷۷. همایش هویت فرهنگی، دانشگاه تهران، هفته پژوهش فرهنگی سال ۱۳۷۷. کنفرانس بین المللی ۱۳۷۸ (۱۰-۶ Paris, september) آثار: ۱) *Applied geometry in the islamic architecture of iran* اثر: *Journal of the islamic environmental design research center, como, italy* ۲) *Apropos du trati d architecture de qiyas al-din gamsid kasani* اثر: *In B.G. Fragner, c. frangner, G.Gnoli*. ۳) *proceedings of the second european conference of iranian studies* ۱۹۹۱ roma. Is M.E.O. ۱۹۹۵۳ *la maqsure minumentalede la mosquee du vendredi de qazvin a pepoque salgukide* اثر: *in B. Finster - ch.fragner-h*. ۴) *Rezeption in der islamischen kunst, beirutertexte und studen*, band ۶۱, beirut, ۱۹۹۹۴ *Les arcs brises persans remarques sur leurs particuliarites geometriques et techniques* اثر: *۱۱ ۱۹۹۰۵ Les muqarnes et leur repersentation dans les* ۵) *panneaux a décor geometrique de brique de la mosquee de haydariyya de qazwin* اثر: *in melvill, charles ed. Proceedings of the third european conference of iranian stuiies*: (combridge, ۱۹۹۵) ۶) *Moqaranse, remarques sur la conception geometrique et les orgines architecturales* اثر: *The art and archaeologi of ancient persia new light on the* ۷) *parthiar and sassanian empires*, ed V.sarkhosh cirtis R. hillenbrand, m. rogers, tauris, Splendor of iran. Boot - clibborn and iran: اثر: *۱۹۹۸۷ Mosque university prees, london* ۸) *The organization of the architectural space in iranian dome chambers* اثر: *۹) The art of the mongols. edinbough* بناهای سلسله مرشدیه در کازرون و ویژگی اثر: مجموعه مقالات کنگره معماری و شهر سازی ۱۰) پیشنهادی برای تنظیم علمی بایگانی میراث وقف در سازمان اوقاف و امور خیریه و ویژگی اثر: وقف میراث جاویدان ۱۱) ترجمه باستان شناسی و هنر اسلامی و ویژگی اثر: منتشر شده در شماره ۱۹-۱۷ سال ۹۶-۱۹۹۴ مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران - پاریس ۱۹۹۹۱۲ مسجد جامع اشترجان و ویژگی اثر: دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳) مسجد جامع اصفهان و ویژگی اثر: دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۴) معماران دوره اسلامی، دانش نظری و کادبردی علمی آن و ویژگی اثر: وقف میراث جاویدان ۱۳۷۵

منابع زندگینامه: نشریه باستان پژوهی، ویژه نامه نقش دانشگاه تهران در باستان شناسی ایران، زمستان ۱۳۷۹

مجتهدی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۴، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تبریز در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷، دکترای جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه آنکارا در سال ۱۳۵۳ و تکمیل معلومات در دانشگاه دورهام انگلستان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تغییر محور فولاد مبارکه، بررسی انواع معیشت و سکونت در مناطق کوهستانی اصفهان.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیا و مطالعات شهری و توسعه، توسعه کشت برنج در شمال ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

توسعه کشت برنج، تغذیه در ایران، کشاورزی در ایران و توسعه، معادن غیر نفتی ایران، محیط زیست در ایران، آبیاری در ایران،

انسان‌شناسی ایران، غارشناسی ایران، جغرافیای سکونت در ایران و محیط زیست پرندگان شمال ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجیدزاده، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف مجیدزاده (۱۳۱۵، تبریز) تحصیلاتش را تا مقطع لیسانس در تهران گذراند و دکترای خود را رشته باستان‌شناسی و گرایش پیش از تاریخ و تمدن بین‌النهرین از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت‌های مطالعاتی و پژوهشی خود را در قالب تألیف کتاب و مقاله به زبان فارسی و انگلیسی ارائه کرده است. کتاب "تاریخ و تمدن بین‌النهرین" تألیف یوسف مجیدزاده، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی گرایش: پیش از تاریخ ایران و بین‌النهرین والدین و انساب: یوسف مجیدزاده در سال ۱۳۱۵ شمسی در تبریز بدنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: یوسف مجیدزاده تحصیلاتش را تا پایان دوره لیسانس در تهران گذراند. در سال ۱۳۴۱ با رتبه اول در رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. پس از آن از سال ۱۳۴۴ با استفاده از بورس شاگردان اول در مدرسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در دوره فوق‌لیسانس مشغول تحصیل شد. یوسف مجیدزاده در سال ۱۳۵۵ در گرایش «باستان‌شناسی بین‌النهرین و ایران در پیش از تاریخ» به دریافت درجه دکتری نایل آمد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: یوسف مجیدزاده پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه شیکاگو (در سال ۱۳۵۵) به ایران

بازگشت و با درجه استادیاری در گروه باستان شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. در سال ۱۳۵۶ به درجه دانشیاری ارتقا یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ۳ سال به سمت مدیریت گروه باستان شناسی و تاریخ هنر و عضو شورای انتخابات و ترفیعات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منصوب شدند. دکتر مجید زاده در سال ۱۳۶۷ بازنشسته شدند. وی از سال ۱۳۶۶ عضو شورای علمی مجله باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی می‌باشند. فعالیتهای آموزشی: فعالیت آموزشی یوسف مجید زاده از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۷ در دانشگاه تهران صورت گرفت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: یوسف مجید زاده در سال ۱۳۵۹ مجله تخصصی کندکاو را بنیان نهاد و خود سردبیری آن را برعهده گرفت. از این نشریه فقط یک شماره به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. دکتر مجید زاده علاوه بر انجام کاوش های میدانی در تپه چغامیش خوزستان (سه فصل)، دشت قزوین و سرپرستی کاوش های تپه قبرستان در دشت قزوین (هشت فصل) و محوطه ازبکی در ساوجبلاغ استان تهران از سال ۱۳۷۷، به تالیف مقالات و تالیفات علمی نیز پرداخته است. جوایز و نشانها: کتاب "تاریخ و تمدن بین النهرین" تالیف یوسف مجید زاده، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: مقالات مختلفی به زبان انگلیسی در مجلات علمی و تخصصی بین المللی و به زبان فارسی در مجلات علمی و دایرةالمعارفهای ایرانی از یوسف مجید زاده به چاپ رسیده است. آثار: ۱. *An Early Industrial Proto-Urban* A. Leonard jr. and B.B. Center on the Central Iranian Plateau: Tepe Ghabristan Williams (eds), *Essays in Ancient Civilization Presented to Helene J. Kanior. The Oriental Institute of the University of Chicago (Studies in Ancient Civilization, No ۴۷, Chicago, University of Chicago Press.* ۱۹۸۹۲ *An Early prehistoric Coppersmith Workshop at Tepe Akten des VII Internationalen Kongress fur Iranische Kunst und Ghabrestan* ویزگی اثر: *Archologie.* ۱۹۷۹۳ *Correction of the Internal Cronology for the Sialk III period on the Basis Iran, ۱۶۴ Excavations at Tepe of the Pottery Sequence at Tepe Ghabristan* ویزگی اثر: ۱۹۵۵. *IsMEO Rome, ۲۰۰۵ Lapis Lazuli and the Great Khorasan Road* ویزگی اثر: *Iran paleorient ۸/۱. ۱۹۸۲۶ Sialk III and the Pottery Sequence at Tepe Ghabristan: The* ویزگی اثر: *Iran, ۱۹. ۱۹۸۱۷ The Arjan* ویزگی اثر: *Iran ۳۰, ۱۹۹۲۸ The Development of Pottery Kiln in Iran From Prehistoric to Bowl* ویزگی اثر: *Paleorient ۳. ۱۹۵۵-۷۷۹ The Excavation in Tepe Ghabristan The* ویزگی اثر: *Journal of Near First Two Seasons* ویزگی اثر: *The Land of Aratta* ۱۹۷۰-۷۱۱۰ *Marlik, ۲.* ویزگی اثر: *Eastern Studies ۳۵. No ۲. ۱۹۷۶۱۱ The Oldest Narrative Pictorial Phrase on a Pottery Vessel Iranian World . Essays on Iranian Art and Archalogy* ویزگی اثر: *form Tappeh Qabristan Presented to Ezat .O.Negahban, eds. A. Alizadeh, Y.Majidzadeh, S.Malek Shahmirzadi , Iran University Press. ۱۹۹۹۱۲ The Oldest Pictorial Phrase on the Pottery from tepe Ghabristan* ویزگی اثر: *Survey and Excavation* ۳. ۱۹۷۹۱۳ *Ghabristan* ویزگی اثر: *Survey and Excavation* ۳. ۱۹۷۹۱۳ *Ghabristan* ویزگی اثر: عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد. ۱۴ آشور ویزگی اثر: عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد. ۱۵ آغاز شهرنشینی در ایران ویزگی اثر: این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۸ منتشر گردید. ۱۶ اشمیت ویزگی اثر: عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد. ۱۷ ایران در آستانه شهرنشینی و دولت-شهرها ویزگی

اثر: عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد. ۱۸ ایران در هزاره های پنجم و چهارم ق. م ویژگی اثر: این مقاله برای اطلس تاریخ ایران که توسط سازمان نقشه برداری کشور در سال ۱۳۷۸ منتشر شد، تدوین گردید. ۱۹ باستان شناسی و تاریخ ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۱۳ نشریه نامه فرهنگ ایران در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. ۲۰ بررسی چند منبع تاریخی اسماعیلیه از دیدگاه باستان شناسی ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۴، سال دوم نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۷ منتشر شد. ۲۱ برگردان مجله پیام یونسکو ویژگی اثر: این ترجمه از انگلیسی به فارسی صورت گرفت و نشریه با عنوان فراعنه مصر شامل هشت مقاله در سال ۱۳۶۸ (شماره ۲۳۰) منتشر شد. ۲۲ پیشنهادهای موکد ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۱۰ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۲۳ پیکره ای سومری در خارک ویژگی اثر: مقاله ای است که در شماره های ۲۲، ۲۱، سال یازدهم در نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۷۷ منتشر شد. ۲۴ تاریخ گذاری سر سنجاقهای مفرغی لرستان ویژگی اثر: این مقاله در شماره اول، سال سوم نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۷ منتشر شد. ۲۵ تاریخ و تمدن ایلام ویژگی اثر: این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۰ منتشر گردید. ۲۶ تاریخ و تمدن ایلام، تاریخ و تمدن بین النهرین (تاریخ اجتماعی - فرهنگی) - جلد دوم ویژگی اثر: این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ منتشر گردید. ۲۸ تاریخ و تمدن بین النهرین (تاریخ سیاسی) - جلد اول ویژگی اثر: این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۶ منتشر گردید. این کتاب، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «تاریخ و تمدن بین النهرین» تاریخ و تمدن بین النهرین / تألیف یوسف مجیدزاده؛ ویراسته شهناز سلطانزاده، هایده عبدالحسین زاده؛ ویرایش زیر نظر احمد حب علی موجانی. - تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶-۱۳۸۰. کتابنامه. مندرجات: ج. ۱. تاریخ سیاسی. - ج. ۲. تاریخ فرهنگی - اجتماعی. ج. ۳. هنر و معماری. سالها بود که در مطالعات مربوط به ایران شناسی در زمین؟ دوره های پیش از تاریخ و تاریخی جای خالی پژوهش جامعی دربار؟ تاریخ و تمدن سرزمینهای همسایه، به ویژه در مورد سرزمینهای بین النهرین باستانی، به زبان فارسی احساس می شد. اثر حاضر، مشتمل بر سه مجلد، تحقیقی عالمانه و مستند است؛ حاصل جمع تازه ترین تحقیقاتی که دربار؟ این سرزمین کهن انجام گرفته است. نخستین مجلد به «تاریخ سیاسی» اختصاص دارد و مؤلف محترم به ترتیبی بسیار شایسته، پس از معرفی جغرافیای سرزمین بین النهرین، گام به گام از کهن ترین سلسله های قدیم آغاز کرده (سلسله اکد، سومریها، آموریها، حمورابی، آشور، پادشاهان شمال بین النهرین و سوریه، کاسیها، امپراتوریهای آشور و بابل، کلدانیان) و تا فروپاشی امپراتوری بابل پیش می آید. مجلد دوم با عنوان «تاریخ فرهنگی - اجتماعی» مطالب مربوط به مذهب، اساطیر، ادبیات، زندگی روزمره، قوانین حقوقی و اجتماعی، اقتصاد و سیاستهای اقتصادی، علوم، ریاضیات و نظام آموزشی را در برمی گیرد و با آرائی؟ متنهای متنوع، جنبه های تفکر آن دوران را به خوبی نمایانده است و در مجلد سوم با عنوان «هنر و معماری» مباحث مربوط به آثار و بقایای هنر مجسمه سازی، نقوش برجسته، مهر و نقوش مهر، نقاشی و معماری را شامل می شود. در متن کتاب از ثبت لاتین نامهای بیگانه یا باستانی به صورت پانوش خودداری شده و این کار در بخش فهرست راهنما انجام گرفته است تا به این ترتیب از یک سو از تعداد پانوشتها کاسته شود و از سوی دیگر ارجاع به آنها به آسانی صورت پذیرد. در بخش کتابشناسی سعی شده است عمد؟ کتابها و مقاله های مهم و معتبر در مطالعات مربوط به تاریخ بین النهرین گنجانده شود (نزدیک به هزار عنوان مأخذ به زبانهای اروپایی) و آن را به منبع جامع و باارزشی تبدیل کرده است. نبودن و تازگی مطالب برای پژوهشگران ایرانی و بهره گیری مؤلف محترم از غالب منابع دست اول و تحقیقی، چه در زمین؟ تاریخی و چه باستان شناسی به همراه استنتاجهای منطقی از امتیازات این اثر است. ۲۹ تاریخ و تمدن بین النهرین (هنر و معماری) - جلد سوم ویژگی اثر: این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ منتشر گردید. ۳۰ تپه قبرستان: یک مرکز صنعتی در آغاز شهر نشینی در فلات مرکزی ایران ویژگی اثر: این مقاله در شماره اول - سال چهارم، نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. ۳۱ ترجمه بازرگانان

شوشی و ویژگی اثر: اثر کایلر یانگ، که در شماره ۳ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. ۳۲ ترجمه بانجوریان و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۳ ترجمه بحرین و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۴ ترجمه بنده و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۵ ترجمه پادوسبانیان و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۶ ترجمه پالخاش و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۷ ترجمه پاونه و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۳۸ ترجمه پلاک عاج زیویه و ویژگی اثر: اثر مارفین چارلز ورت، که در شماره سوم نشریه کندوکاو در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. ۳۹ ترجمه تاریخ جلالی و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۴۰ ترجمه جانبان و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۴۱ ترجمه جودی و ویژگی اثر: این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دایره المعارف اسلامی صورت گرفت ۴۲ ترجمه سرچشمه تمدن ها و ویژگی اثر: اثر ژوزف کالدول، که در شماره سوم نشریه کندوکاو در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. ۴۳ ترجمه کاوش های چغامیش و ویژگی اثر: اثر هلن کنتور و پیر دلگاز، که در شماره های نهم و دهم زمستان ۱۳۵۵ نشریه باستان شناسی و هنر ایران منتشر شد. ۴۴ ترجمه کتاب هنر ایران باستان و ویژگی اثر: اثر ایدات پرادا که توسط دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ منتشر گردید. ۴۵ ترجمه مجله پیام یونسکو و ویژگی اثر: این ترجمه از انگلیسی به فارسی صورت گرفت و نشریه با عنوان باستان شناسی در زیر آب شامل دوازده مقاله در سال ۱۳۶۶ (شماره ۲۱۰) منتشر شد. ۴۶ تل ابلیس و ویژگی اثر: عنوان مقاله ای است که برای دایره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد. ۴۷ جام ارجان و ویژگی اثر: این مقاله در شماره پیاپی ۹۸ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. ۴۸ دوران مفرغ در ماوراء النهر باستان و ویژگی اثر: این مقاله در شماره دوم - سال سوم، نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. ۴۹ سفال برای باستان شناسی و ویژگی اثر: این مقاله در شماره سوم نشریه فروهر در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. ۵۰ سفال در باستان شناسی و ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۱۰ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۵۱ سلسله مقاله های روش کاوش در باستان شناسی و ویژگی اثر: این مقاله ها در نشریه باستان شناسی و تاریخ به ترتیب در شماره های پیاپی ۱۳ تا ۱۶ سال ۱۳۷۴ منتشر گردید. ۵۲ سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان و ویژگی اثر: این مقاله در شماره دوم نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. ۵۳ غارتگران آثار تاریخی و فرهنگی و ویژگی اثر: این مقاله در شماره اول - سال یازدهم نشریه نشر دانش در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. ۵۴ فلز و فلز گری در ایران باستان و ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۱۳ نشریه نامه فرهنگ ایران در سال ۱۳۶۶ منتشر شد. ۵۵ گزارش مقدماتی نخستین فصل حفريات باستان شناختی در محوطه ازبکی، شهرستان ساوجبلاغ - پاییز ۱۳۷۷ و ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۲۵ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۵۶ گوردن چایلد و باستان شناسی و ویژگی اثر: این مقاله در شماره دوم - سال دهم، نشریه نشر دانش در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. ۵۷ مقاله حفريات در تپه قبرستان - سگزآباد و ویژگی اثر: این مقاله در ضمیمه شماره دوم نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. ۵۸ مقاله سرزمین آران و ویژگی اثر: این مقاله در شماره سوم نشریه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران با نام کندوکاو در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. ۵۹ مقاله کهنترین بیان تصویری بر سفالی از تپه قبرستان و ویژگی اثر: این مقاله در شماره سوم نشریه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران با نام کندوکاو در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. ۶۰ نام خلیج فارس و باستان شناسان خارجی و ویژگی اثر: این مقاله در شماره ۶ - سال سیزدهم نشریه نشر دانش در سال ۱۳۷۲ منتشر شد.

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دریافت پایان‌نامه دکترای جغرافیای طبیعی با تشخیص ژئومرفولوژی در سال ۱۳۴۶ از کشور فرانسه و سپس تدریس دروس مختلف

جغرافیای طبیعی به ویژه زمینه‌های مختلف ژئومرفولوژی عمومی ایران در دانشگاه‌های مختلف.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

اجرای طرح‌های تحقیقاتی شامل تهیه اطلس‌های شیب در مقاطع ارتفاعی ایران و مطالعات موضوعی و موضعی پاره‌ای از عوارض

طبیعی و سفرهای علمی، مطالعات عمیق در زمینه‌های مختلف محیط طبیعی در سراسر ایران و آشنایی با توانهای مساعد و مشکلات

محیطی سرزمین ایران در زمینه مسائل طبیعی و نقش پدیده‌های محیطی در برنامه‌ریزیهای محلی و ناحیه‌ای و اجرای پروژه‌ها و

کارتوگرافی (اطلس)، شناسایی دشت لوت، ریگزارهای ایران، ژئومرفولوژی و سیلابهای زاهدان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۳

پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ۲ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

مسائل مختلف محیط طبیعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

ژئومرفولوژی، نواحی خشک (بیابانهای ایران)، سیمای طبیعی نواحی مختلف ایران.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشیری، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۹، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای جغرافیا.

مرتبہ علمی:

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

عضویت در کمیته برنامه‌ریزی جغرافیای فرهنگستان علوم از سال ۱۳۵۹ تاکنون، انجام یک پروژه تحقیقاتی در زمینه جغرافیا، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر بیش از ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران، کلیات قاره‌ها، جغرافیای کوچ‌نشینی و مبانی کوچ‌نشینی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹-۱۲۸۴ ش)، باستان‌شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره‌ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته‌ی باستان‌شناسی علاقه‌مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان‌شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان‌شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذراند و در حفاریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره‌ی ریاستش در اداره‌ی باستان‌شناسی اقدام به تأسیس نشریه‌ی علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان‌شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه‌ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرةالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» یا مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره‌ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»،

ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آئینه‌ی امروز»، در آثار باستانی. [۱]

باستان‌شناس، محقق.

تولد: ۱۲۸۴.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

سید محمدتقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.

از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۰۸ آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان‌شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد. وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (۱۳۱۸)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (۱۳۳۰)؛ الواح گلی تخت جمشید (۱۳۲۹)؛ امانت داری خاک (۱۳۵۶)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (۱۳۳۴)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، ۱۹۷۸)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، ۱۳۳۰)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، ۱۳۴۲)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (۱۳۴۴)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (۱۳۳۰)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، ۱۳۳۵-۱۳۲۹)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (۱۳۳۴)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (۱۳۴۶)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (۱۳۳۲).

فرزند سید محمود، در حدود سال ۱۲۸۵ متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغلی را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیر کل باستان‌شناسی.

مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذاشته است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است. از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آئینه (س ۶، ش ۵ و ۶، ص ۴۷۹، ش ۷ و ۸، ص ۶۱۲-۶۰۹)، چهره‌های آشنا (۵۴۶-۵۴۵)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۲۷۹۳)، الذریعه (۲۵/۲۳۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۰۹، ۲/۲۱۰۲، ۲، ۸۵۲، ۸۲۰، ۳۷۶، ۳۰۹، ۳۸، ۱/۱۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۳۶، ۳۳۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۷-۲/۲۵۶).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی در تاریخ دوازده اسفند ماه سال هزار و سیصد و بیست و پنج در استان گیلان، شهر لنگرود به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۰ به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیه ای از دانشگاه کان فرانسه نایل گردید. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای روستایی و ناحیه ایتحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد حسن مطیعی لنگرودی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان داریوش لنگرود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی، عازم تهران شد. در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای انسانی شده و پس از گذشت سه سال اشتغال در ایران، همراه همسر و فرزند عازم کشور فرانسه شد. در سال ۱۳۵۷ به دریافت مدرک فوق لیسانس و در سال ۱۳۶۰ به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیه‌های از دانشگاه کان فرانسه نایل گردید همسر و فرزندان: محمد حسن مطیعی لنگرودی متاهل است. وقایع میانسالی: محمد حسن مطیعی لنگرودی پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۶۳ در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه استادیاری پایه دو شروع به کار نمود. در سال ۱۳۷۱ به مرتبه دانشیاری، و در سال ۱۳۷۸ به مرتبه استادی پایه ۱۶ ارتقاء یافت. در سال ۱۳۸۲ به دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران منتقل شد، و در حال حاضر (شهریور ۱۳۸۴) استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل مورد تصدی محمد حسن مطیعی لنگرودی: مدیر گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به مدت ۶ سال (۶۹-۱۳۶۴)؛ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت ۵ سال (۸۰-۱۳۷۵)؛ عضو کمیته برنامه ریزی جغرافیا در وزارت علوم و آموزش عالی به مدت ۵ سال (۶۹-۱۳۶۵)؛ سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، به مدت ۲ سال (۷۷-۱۳۷۵)؛ عضو شورای دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت سه سال (۸۰-۱۳۷۸)؛ عضو شورای دانشگاه فردوسی مشهد به مدت سه سال (۸۰-۱۳۷۸)؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌های، دانشگاه فردوسی مشهد؛ عضو هیأت تحریریه مجله فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ عضو هیأت تحریریه مجله پژوهشهای جغرافیایی دانشگاه تهران؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ مدیر مسئول مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌های دانشگاه فردوسی مشهد، مدیر قطب علمی مطالعات و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران فعالیت‌های آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد و تهران. دروس تدریس شده در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری توسط محمد حسن مطیعی لنگرودی به قرار زیر است؛ برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، کشاورزی و توسعه پایدار، ۱ جغرافیای اقتصادی روستاهای ایران، برنامه ریزی صنایع روستایی، اقتصاد توسعه با تاکید بر ایران، انسان، محیط و ایدئولوژی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای روستایی چگونگی عرضه آثار: محمد حسن مطیعی لنگرودی در کنار تدریس به مطالعه و پژوهش می پردازد که به چند مورد از تحقیقات و پژوهشهایی که ایشان مجری آن بودند اشاره می شود: عملکرد اقتصادی- اجتماعی تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد؛ بررسی و شناخت توان اشغالزایی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد؛ بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی خدمات برق رسانی، در نواحی روستایی بجنورد؛ تنگناهای توسعه فضایی در روستاهای دره‌های؛ بررسی زندگی روستایی در ایالت کبک کانادا (سفر مطالعاتی سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰)؛ و طرحهای پژوهشی دیگر. دکتر محمد حسن لنگرودی مطیعی استاد راهنمای بیش از ۱۰۰،

پایاننامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است که به چند مورد از عنوان از آنها اشاره میکنیم: - رساله دکتری، بررسی تأثیر فعالیتهای عمرانی بر تثبیت جمعیت روستایی، آقای امامعلی عاشری؛ - رساله دکتری تحلیل توزیع فضایی صنایع در نواحی روستایی شهرستان مشهد، آقای حسنعلی فرجی سبکبار؛ - رساله دکتری آقای علیاکبر عنابستانی، پایدارسازی اقتصاد روستایی از طریق یکپارچه نمودن توانهای تولیدی کشاورزی؛ - رساله دکتری آقای محمود مرادی، با عنوان جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی بیرجند دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی دارای بیش از ۳۴ مقاله چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی و مجری بیش از ۱۰ طرح پژوهشی است. آثار: ۱ برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران و ویژگی اثر: تالیف- دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۸۲؛ ۲ جغرافیا در قرن بیست و یکم، ویژگی اثر: ویراستاری-انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۸؛ ۳ جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، ویژگی اثر: جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۸۴؛ ۴ جغرافیای اقتصادی ایران (صنعت) و ویژگی اثر: تالیف - جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۷۶۵ جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) و ویژگی اثر: تالیف- جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۷۴؛ ۶ جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) و ویژگی اثر: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، سال ۱۳۸۱؛ ۷ جغرافیای اقتصادی خراسان، ویژگی اثر: تالیف- آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۳۸ روش تحقیق در جغرافیا و ویژگی اثر: ترجمه - آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۱؛ ۹ سیمای اقتصادی جهان، ویژگی اثر: ترجمه - انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۷۰؛ ۱۰ مدل‌های فضایی پهنه بندی و مکانیکی و ویژگی اثر: مقاله -نویسنده: حسنعلی فرجی سبکبار، حسن مطیعی لنگرودی. ۱۱ مقاله‌های چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی: ۱- رشد جمعیت در هند، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۶۳؛ ۲- الگوی متدولوژیک در مطالعات روستایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۶۵؛ ۳- تحولاتی جدید در جمعیت جهان، مجله رشد آموزش جغرافیا، ۱۳۶۲؛ ۴- تراکم جمعیت در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۶؛ ۵- تحولات جمعیت در جهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۶؛ ۶- روشهای کمی در جغرافیای جمعیت، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۷؛ ۷- خودکفایی جهانی در تولید محصولات کشاورزی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۶۷؛ ۸- عملکرد نظامهای بهره‌برداري کشاورزی در ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۰؛ ۹- عملکرد تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۰؛ ۱۰- عمران فضای روستایی ایران، مجله موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲؛ ۱۱- نگرشی در کارکردهای جغرافیای اقتصادی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۲؛ ۱۲- روند رشد جمعیت و مشکلات تامین اشتغال در استان خراسان، مجموعه مقالات دانشگاه سبزوار، ۱۳۷۳؛ ۱۳- نگرشی جغرافیایی در اقتصاد تطبیقی روستاهای ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۲؛ ۱۴- اهداف جهانگردی در استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۷۶؛ ۱۵- توان اشتغالی بخش کشاورزی در سبزوار، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ۱۳۷۶؛ ۱۶- بررسی و شناخت توان اشتغالی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد ۱۳۷۷؛ ۱۷- ضرورت و اهمیت تقسیم استان خراسان و روند توسعه ناحیهای، مجموعه مقالات همایش بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار ۱۳۷۶؛ ۱۸- توریسم فرهنگی، بستری برای گفتگوی ملل، همایش رویکرد فرهنگی به جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹؛ ۱۹- راهبردهایی در ارتباط با توسعه و عدالت اجتماعی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰؛ ۲۰- لنگرود در گذر زمان، نشر سالی، ۱۳۸۰؛ ۲۱- روستا و روستانشینی در ایران، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۸۰؛ ۲۲- اثرات اقتصادی، اجتماعی شهرکهای صنعتی در نواحی روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۳۸۰؛ ۲۳- عوامل رکورد صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۳۸۰؛ ۲۴- روستا و توسعه، همایش توانمندیهای جغرافیا در برنامه‌ریزیهای توسعه، گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دیماه ۱۳۸۰؛ ۲۵- مدیریت جدید برای نوسازی روستایی- تجربه اروپا و شمال آمریکا، مجله جغرافیا و توسعه ناحیهای، سال ۱۳۸۲؛ ۲۶- نگرشی در تحولات اقتصاد روستایی، مطالعه روستاهای ایالت کبک کانادا، فصلنامه سرزمین، سال ۱۳۸۳؛ ۲۷- روند بهره‌برداري

Economic—۲۸؛ ۱۳۸۳؛ سال ۲۸—social effects of industrial town in rural development, International conference, Department of Geography, Aligarh Muslim University, Aligarh—۲۰۲۰۰۲—INDIA, ۳-۵ November ۲۰۰۱. ۲۹—The factors of handicraft stagnancy in rural region of Mashhad, International conference, Department of Geography, Banaras University, Varanasi, INDIA, ۱-۳ December ۲۰۰۱. و مقالات دیگر

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معصومی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا معصومی، پژوهشگر و کارشناس آثار تاریخی و باستانی ایران، فروردین ماه سال ۱۳۱۷ در شهرستان قروه متولد شد. دوران کودکی را تا ۶ سالگی در مکتبخانه به آموختن قرآن کریم صرف کرد، ضمن این که کتاب «نساب الصبیان» را خوانده و اشعار آن را حفظ کرده بود. او پس از این دوره وارد دبستان کمال شهر تاریخی همدان شد. سپس به مدرسه علمیه و دبیرستان سینا رفت و کلاس پنجم را در آنجا گذراند. مدرک دیپلم خود را در سال ۱۳۳۴ از دبیرستان دارالفنون تهران گرفت. بلافاصله در کنکور دانشگاه شرکت کرد و در رشته باستان شناسی، حقوق و زبان انگلیسی پذیرفته شد. به دلیل علاقه بسیار به آثار باستانی و بناهای تاریخی، رشته باستان شناسی را انتخاب کرد و مشغول تحصیل شد. او تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۳۸ به پایان رساند و در اداره هنرهای زیبای وقت استخدام شد و در این هنگام مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته باستان شناسی گرفت. در این اداره با سفر به مناطق مختلف ایران با تحقیق درباره فرهنگ ها و سنت های مردم هر منطقه، پژوهشی در حوزه مردم شناسی و فولکلور انجام داد. حاصل این فعالیت ها و سفرها چاپ مقاله هایی در این باره در مجله های دانشمند دنیای علم و بررسی های تاریخی بود، که بعدها در خارج از ایران این پژوهش ها را زیر نظر دکتر صادق کیا استاد زبان پهلوی دانشگاه تهران، درباره گویش های مردم کامل کرد. معصومی مدرک دکترای افتخاری خود را از یکی از دانشگاه های خارج از کشور دریافت کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی والدین و انساب: غلامرضا معصومی در ۹ فروردین ۱۳۱۷ در شهر جزین -همدان متولد شد. وی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامرضا معصومی تا ۶ سالگی در مکتب خانه به یاد گیری قرآن پرداخت. در این مدت کتاب «نساب الصبیان» را خواند و اشعار آن را حفظ نمود. پس از شش سالگی به دبستان کمال شهر همدان رفت و با قبولی در یک آزمون، در کلاس چهارم ثبت نام کرد. پس از دو سال به دبستان علمیه که تحت پوشش جامعه تعلیمات اسلامی به مدیریت حجت السلام شیخ علی زنجانی بود رفت. کلاس ششم را در آنجا گذراند. در سال ۱۳۳۴ در دبیرستان دارالفنون تهران دیپلم کامل را اخذ کرد، در کنکور دانشگاه شرکت کرد که از میان رشته های زبان انگلیسی، حقوق و باستان شناسی، به علت علاقه زیاد در رشته باستان شناسی ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۳۸ دوره لیسانس را به پایان رساند سپس در دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی مشغول تحصیل شد. وی همزمان با تحصیلات دانشگاهی در مدرسه مسجد مروی به تحصیل عربی و دروس حوزه پرداخت و آن را تا پایه سطح ادامه داد. معصومی در سال ۱۳۴۱ دوره کارشناسی ارشد را به پایان رساند و به خدمت سربازی مشغول شد. خاطرات و وقایع تحصیل: غلامرضا معصومی می گوید: «ضمن تحصیل در دانشگاه مجبور

بودم برای تأمین معیشت کار کنم. یک سال در دبستان مهد تربیت، آموزگار ریاضی کلاس ششم بودم و هفته ای چند روز به کلاس می رفتم. مدت چهار سال یا بیشتر در روزنامه اطلاعات مشغول به کار تصحیح و ترجمه بودم و شب‌ها یا هر وقت دیگر که می توانستم، برای کار به روزنامه می رفتم. فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامرضا معصومی ضمن تحصیل برای تأمین معیشت کار می کرد و یک سال در دبستان مهد تربیت آموزگار ریاضی کلاس ششم بود. مدت چهار سال در روزنامه اطلاعات به تصحیح و ترجمه اشتغال داشت. او تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۳۸ به پایان رساند و در اداره هنرهای زیبای وقت استخدام شد و در این هنگام مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته باستان‌شناسی گرفت. در این اداره با سفر به مناطق مختلف ایران با تحقیق درباره فرهنگ‌ها و سنت‌های مردم هر منطقه، پژوهشی در حوزه مردم‌شناسی و فولکلور انجام داد. وقایع میانسالی: غلامرضا معصومی پدر یک شهید است. در سال ۱۳۶۷ پسرش عباس، در جنگ ایران و عراق در شلمچه شهید و خودش شیمیایی و مجروح شد و یک چشم خود را از دست داد و به همین دلیل به خواست خود در سال ۱۳۶۸ پس از سی سال کار و انجام وظیفه بازنشسته شد. او میگوید: «از سال ۶۸ تاکنون مدت ۱۳ سال است که وقتم را تلف نکردم و دائم در مطالعه و تحقیق و نوشتن گذرانده‌ام.» مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مشاغل و مسئولیت‌های غلامرضا معصومی در سال ۱۳۶۷-۱۳۴۴ به شرح زیر می باشد: - استخدام در هنرهای زیبای کشور (۱۳۳۹) - کارشناس ارشد و رییس بخش تاریخی و لرستان و رییس هیات بررسی و حفاری - سرپرست موزه ایران باستان و مرکز باستان‌شناسی در زمان شادروان شهید رجایی فعالیت‌های آموزشی: غلامرضا معصومی فعالیت آموزشی و تدریس را ضمن تحصیل در دوره لیسانس بعنوان آموزگار ریاضی کلاس ششم در دبستان مهد تربیت شروع کرد. غلامرضا معصومی در مدرسه عالی جهانگردی، دفتر فرهنگ و هنر، دانشگاه ملی شهید بهشتی و دانشگاه آزاد واحد جنوب مشغول به تدریس درس ذیل شد: - معماری باستانی ایوان و هنرهای زیبا و تاریخ آنها (به مدت سه سال) - باستان‌شناسی و حفاریات در ایران (هشت دوره برای سپاهیان دفتر فرهنگ و هنر) - هنرهای سنتی و هنرهای زیبا (به مدت دو سال) - اخلاق و معارف اسلامی (به مدت سه سال) آرا و گرایش‌های خاص: غلامرضا معصومی با ابراز نگرانی از کارهای کلیشه‌ای در باستان‌شناسی و حفاریات در کشور می گوید: «باید کارهای علمی بیشتری صورت گیرد. باید از افراد با سابقه استفاده کنند. عده‌ای از باستان‌شناسان خوب قدیمی که رفته‌اند، اما عده‌ای دیگر در کشور خودمان هستند و از آنها هیچ همکاری خواسته نمی‌شود. درست است که پیر شده‌ایم، اما می‌توانیم ایده بدهیم. کارهای لازمه را می‌توانیم هدایت کنیم. آنچه در دانشگاه‌ها به عنوان واحد عملی حفاری تدریس می‌شود فقط یک تجربه است و برای باستان‌شناس قابل شدن، کافی نیست.» چگونگی عرضه آثار: معبد آناهیتای کنگاور، نخستین بنای مهم تاریخی است که در استان غلامرضا معصومی را به خوبی می‌شناسد. در زمان کار در اداره کل باستان‌شناسی او به اتفاق دکتر کامبخش فرد و چند دانشجوی همراه، معبد آناهیتا را از زیر خاک بیرون می‌آوردند. این صدف ۲۱۰ در ۲۰۸ متری، مدت ۳ سال پذیرای معصومی و همکارانش بود تا خود را به ایرانیان و جهانیان نشان دهد. او در کازرون و بیشاپور همراه دکتر سرفراز بود. مناطق کلورز، جوبن و مارلیک در شمال، حسنلو در آذربایجان، شوش، گنبد قابوس و امامزاده جرجان در مازندران به همراه دکتر کیانی نیز حفاری کرده است. اما از این میان، بندر سیراف را همگان همراه با نام غلامرضا معصومی می‌شناسند. می‌گوید: «سیراف کنار دریا بود و از این نظر بسیار زیبا. گرچه مربوط به دوران اسلامی است، اما دارای محل و موقعیت بسیار خوبی برای گردشگری است. قبور سنگی‌اش برایم بسیار جالب بود. با مسئولان هم درباره آن و این که قابلیت تبدیل به مرکزی سیاحتی را دارد، صحبت کرده‌ام.» کتاب «سیراف» او گزارش کامل از فعالیت‌ها، مکشوفات و نتایجی است که غلامرضا معصومی در یک فصل کاوش آنها را نگاشت و امروزه بدون کوچکترین تغییری به چاپ سوم رسیده است. نخستین بار سال ۵۲ و بعد در سال‌های ۷۴ و ۸۳ نیز این کتاب تجدید چاپ شد. او همچنین در هیأت‌های مشترک با کشورهای دیگر به عنوان بازرس ایرانی هیأت حضور داشته است. معصومی در دوره پیروزی انقلاب اسلامی، در فعالیت‌های سیاسی هم شرکت داشت. چنان که در

کمیته استقبال از امام (ره) بود. «فرهنگ و دایرة المعارف اساطیر و آئین‌های باستانی جهان» بخش کوچکی از فعالیت‌های او به شمار می‌روند. حدود ده سال است که بر روی آن متمرکز شده‌ام، اما پیش از آن تمام کارهایم و ذهنم در همین جهت بود. مشقت زیادی برای آن کشیدم. همه اروپا و آسیا و آمریکا را سفر کردم تا توانستم عکس‌هایی از آنها جمع‌آوری کنم. به همه کشورهای کهن و باستانی و آثار اساطیری آنها سر زدم. در حال حاضر حرف الف به دو جلد رسیده که همه عکسدار و مصور است. معصومی همچنین در کنگره‌ها و همایش‌های بسیاری در حوزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی در داخل و خارج از ایران شرکت داشته و به ایراد سخنرانی پرداخته است که از جمله آنها می‌توان شرکت در هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه ملی (شهید بهشتی، ۱۳۵۵)، کنگره تاریخ (۱۳۵۳) و کنگره پنجم هنر و باستان‌شناسی ایران (۱۳۴۷) اشاره کرد. او کار ناکرده‌ای دارد و آن تألیف کتاب «سرنوشت زن از آغاز تا امروز» است که با تهیه عکس‌های فراوان از محل‌های مختلف، سنگ‌نبشته‌ها و نقش برجسته‌ها، کتابی است تقریباً تمام شده که دلش می‌خواهد آن را دوباره روخوانی و مطالب‌جا افتاده را به آن اضافه کند. می‌خواهد ۱۶ جلد کتاب دایرة المعارف را هر چه زودتر به پایان برد تا به کارهای ناتمام‌اش برسد. آثار: اب دوره هخامنشی بر کانش لاجوردی دوره هخامنشی موجود در موزه ایران باستان ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۵۲ آتشدان مفرغی لرستان ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۴۳ باستان‌شناسی ایران از ۲۴۰۷ تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی ویژگی اثر: روابط عمومی ارتش ۱۳۵۵۴ برای تخریب آثار فرهنگی، ترفند دشمنان انقلاب ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۵ به مناسبت روز تاریخی ۱۷ شهریور پس از هفت سال موزه ایران باستان حرکت کرد ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۶ تخریب آثار فرهنگی، ترفند دشمنان انقلاب ۱ ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۷ تخریب آثار فرهنگی، ترفند دشمنان انقلاب ۲ ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۸ دهکده شیخ کلخوران و مقابر باستانی آن ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۳۹ رقص‌های محلی هندوستان و جشن هولی ویژگی اثر: سالنامه پیک شمال ۱۳۴۱۱۰ ساغر‌های مفرغی لرستان ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۴۸۱۱ سیراف یا بندر ظاهری ویژگی اثر: آثار ملی ۱۳۵۲۱۲ شاهکاری از ۲۹ قرن پیش ویژگی اثر: دانشمند ۱۳۵۵۱۳ شتر زین (افسانه‌های مربوط به کودکان) ویژگی اثر: راهنمای گرد آوران گویشها ۱۳۴۱۱۴ شمه‌ای از پیشینه باستان‌شناسی ایران از ۱۳۵ سال پیش تا کنون ۴ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۵۱۵ شمه‌ای از پیشینه باستان‌شناسی ایران از ۱۳۵ سال پیش تا کنون ۵ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۵۱۶ شمه‌ای از پیشینه باستان‌شناسی ایران از ۱۳۵ سال پیش تا کنون ۶ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۵۱۷ شمه‌ای از پیشینه باستان‌شناسی ایران از ۱۳۵ سال تا کنون ۳ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۵۱۸ شیشه و تاریخ شیشه در جهان و ایران ویژگی اثر: دنیای علم ۱۳۵۲۱۹ شیون در ایران باستان ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۳۲۰ عروس درایل کلهر ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۴۲۱ فال و فالگیری - دعا و جادو در دهات شاه آباد غرب کرمانشاه ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۴۶۲۲ گامی مثبت در حفظ آثار باستان‌شناسی ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۲۳ لوح حمورابی، نخستین قانون مدون دنیا ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۰۲۴ معرفی دهکده حسنلو و کاوش در تپه باستانی حسنلو ویژگی اثر: هنر و مردم ۱۳۵۵۲۵ معماری حسنلو ویژگی اثر: معماری ایران ۱۳۶۳۲۶ نسخه‌های خطی قرآن و خطوط اسلامی ویژگی اثر: روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۹۲۷ نظری به باستان‌شناسی پیش از انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی ایران ویژگی اثر: نشریه مجموعه مقالات و اشعار روزشمار انقلاب ۱۳۵۹ یادنامه دومین سالگرد انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸ نظری به باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران ویژگی اثر: جنگ سپاهان ۲۹ نقدی بر هنر (سلسله مقالات) ویژگی اثر: اقتصاد اسلامی ۱۳۶۴۳۰ نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران، نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران ۲ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۴۹۳۲ نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران ۱ ویژگی اثر: بررسی‌های تاریخی ۱۳۴۹۳۳ هرم سازی در مصر باستان - هرم پله پله جوزر و پیکره او ویژگی اثر: سالنامه پیک شمال ۱۳۴۲۳۴ وزارت ارشاد اسلامی باید مردم جهان ربا فرهنگ اسلام آشنا سازد ویژگی اثر: روزنامه

جمهوری اسلامی ۱۳۶۰

مفیدی، بهزاد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهزاد مفیدی نصرآبادی در شهریورماه ۱۳۳۹ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع فوق دیپلم در تهران گذراند. وی تحصیلات تکمیلی خود را تا سطح دکترا در آلمان و در رشته باستان‌شناسی با گرایش های شرق نزدیک و زبان‌شناسی شرق کهن و مردم‌شناسی ادامه داد. دکتر مفیدی رساله دکترای خود را با عنوان «مراسم تدفین در بین‌النهرین در نیمه اول از هزاره اول قبل از میلاد» در دانشگاه توپینگن دفاع کرد. دکتر مفیدی در سال ۱۳۷۸ در همکاری با سازمان میراث فرهنگی، تحقیقات باستان‌شناسی چغازنبیل را بر عهده گرفت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی گرایش: پیش از تاریخ والدین و انساب: بهزاد مفیدی نصرآبادی در ۱۸ شهریور ۱۳۳۹ در تهران بدنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بهزاد مفیدی نصرآبادی تحصیلات ابتدایی خود را در سال ۱۳۵۰ در تهران به پایان رساند. پس از آن به دبیرستان خوارزمی رفت و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۶ دریافت کرد. با اتمام تحصیلات متوسطه، به انستیتوی تکنولوژی تهران در رشته رنگرزی (صنایع شیمیایی) پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۹ فوق دیپلم خود را اخذ نمود و از آبان ماه ۱۳۵۹ تا آبان ۱۳۶۱ به انجام خدمت سربازی پرداخت. در سال ۱۳۶۲ برای ادامه تحصیل عازم کشور ایتالیا شد، بعد از یادگیری زبان ایتالیایی به کشور آلمان عزیمت کرد. در آلمان مفیدی به تعلیم زبان آلمانی پرداخت و در امتحانات ورود به دانشگاه شرکت کرد و در رشته باستان‌شناسی شرق نزدیک با رشته‌های فرعی زبان‌شناسی شرق کهن و مردم‌شناسی در شهر فرایبورگ آلمان مشغول تحصیل گردید. بهزاد مفیدی در سال ۱۹۹۴ موفق به اخذ درجه فوق لیسانس شد و وی برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به شهر توپینگن آلمان رفت و در ماه مه ۱۹۹۷ موفق به اخذ درجه دکترا شد. دکتر مفیدی نصرآبادی رساله دکتری خود را به عنوان جلد ۲۳ از سری **Baghdader Forschungen** انتشار داده است. [استادان و مریبان: از استادان راهنمای بهزاد مفیدی نصرآبادی در دانشگاه فرایبورگ آلمان پرفسور مارک آدولف براندس و پرفسور هورست اشتیلی بودند. وی نزد پرفسور بوکارت کیناست دروس اکدی را تعلیم گرفت. در دانشگاه توپینگن نیز رساله دکترا را تحت نظارت پرفسور ریکاردو ایشمن و پرفسور ولفگانگ رولینگ تدوین کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: بهزاد مفیدی نصرآبادی در سال ۱۹۹۸ در قسمت پژوهشی دانشگاه مایتر آلمان مشغول به کار شده و به تحقیق در باره تابوتهای منقوش به نقش برجسته انسانی در بین‌النهرین و ایلام پرداخت. نتایج این تحقیق در پاییز ۱۹۹۹ در انتشارات قسمت پژوهشی مربوط به چاپ رسید. دکتر مفیدی نصرآبادی از ۱۵ تیر ماه ۱۳۷۸ تحقیقات باستان‌شناسی پروژه چغازنبیل را بر عهده گرفت و گزارش‌های اولیه آن را به سازمان میراث فرهنگی ارائه کرد.

آثار: ۱. **Aspekte der koniglichen Bestattung** ۲. **Bemerkungen zu den Aufbau** ۳. **Jenseitsvorstellung im Alten Orient** ۴. **Ruzension zum Buch** ۵. **Tiekapelle** ۶. **Undersuchungen zu den bestattungssitten Mesoptamies in der ۱. Halfte des** ۷. اشاراتی بر شکل ساختمانی ذیقورات اتمن آنکی در بابل ۸. تدفین در تابوتهای منقوش به تصویر انسانی در بین‌النهرین و ایلام با توجه به عقاید مذهبی آن دوران ۹. تصویر گری حیوانات در حال انجام کارهای انسانی در شرق کهن ویژگی اثر: تز فوق لیسانس در دانشگاه فرایبورگ. ۱۰. مراسم تدفین در بین‌النهرین در نیمه اول از هزاره اول قبل از میلاد ویژگی اثر: تز دکترا در دانشگاه توپینگن. ۱۱. نقدی بر ۱۲. **Statische Wohnarchitektur** نکاتی درباره تدفین شاهان آشوری در دوران آشوری نو

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

مقدم، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن مقدم در سال ۱۲۷۹ در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تربیت آغاز کرده و در مدرسه صنعتی دولتی ایران و آلمان ادامه داده است و در یازده سالگی به سویس عزیمت نموده و مدت چهار سال در کولژ کلاسیک شهر لوزان تحصیل کرده و در جنگ جهانی اول به ایران بازگشته و در مدرسه صنایع مستظرفه به تحصیل نقاشی پرداخته و بعد از جنگ مزبور به ایتالیا رفته و در شهر فلورانس مدت سه سال به تحصیل نقاشی ادامه داده آن گاه چندی در آلمان در موزه ها به مطالعه پرداخته و مدت ده سال در پاریس در رشته نقاشی و باستان شناسی تحصیل کرده و سه سال آخر اقامت در پاریس با بورس دولتی در مدرسه لوور به تحصیل باستان شناسی ایران و موزه داری مبادرت نموده است. از مدارک تحصیلی می توان به موارد زیر اشاره کرد: لیسانس در باستان شناسی، دیپلم نقاشی، گواهینامه موزه داری. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تربیت آغاز کرده و بعداً در مدرسه صنعتی دولتی ایران و آلمان ادامه داده است و در یازده سالگی به سویس عزیمت نموده و مدت چهار سال در کولژ کلاسیک شهر لوزان تحصیل کرده و در جنگ جهانی اول به ایران بازگشته و در مدرسه صنایع مستظرفه به تحصیل نقاشی پرداخته و بعد از جنگ مزبور به ایتالیا رفته و در شهر فلورانس مدت سه سال به تحصیل نقاشی ادامه داده آن گاه چندی در آلمان در موزه ها به مطالعه پرداخته و مدت ده سال در پاریس در رشته نقاشی و باستان شناسی تحصیل کرده و سه سال آخر اقامت در پاریس با بورس دولتی در مدرسه لوور به تحصیل باستان شناسی ایران و موزه داری مبادرت نموده است. مدارک تحصیلی: لیسانس در باستان شناسی، دیپلم نقاشی، گواهینامه موزه داری. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: خدمات دانشگاهی: همکاری به آندره گدار (۱۸۸۱-۱۹۶۵) در بنیانگذاری دانشکده هنرهای زیبا، نمایندگی دانشکده هنرهای زیبا در شورای دانشگاه به مدت نوزده سال، مدیریت گروه فرهنگ هنر در دانشکده هنرهای زیبا، معاونت اداری و مالی دانشکده هنرهای زیبا، عضویت شورای مؤسسه باستان شناسی در دانشکده ادبیات، عضو علی البدل هیات رسیدگی انتظامی دانشگاه. بازرسی فنی اداره کل باستان شناسی، موزه داری موزه ایران باستان، ریاست هیات علمی اعزامی به گیلان و سرپرستی حفاریهای باستان شناسی در دیلمان، ریاست هیات فرهنگی ایران در چکوسلواکی و لهستان و ایتالیا در تشکیل نمایشگاهی مینیاتور ایران در کشورهای مذکور، مشاورت افتخاری وزارت کشور در امور پارکها. فعالیتهای آموزشی: خدمات آموزشی: تدریس تاریخ هنر در مدرسه صنایع مستظرفه تهران، تدریس تاریخ هنر در دانشکده هنرهای زیبا، ریاست کارگاه نقاشی در دانشکده هنرهای زیبا، کرسی استادی تاریخ عمومی هنر در دانشکده هنرهای زیبا، تدریس افتخاری در امور پارکها در وزارت کشور. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: خدمات فرهنگی: بنیانگذاری انجمن مطالعات راجع به ایران در پاریس و سردبیری آن. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ماموریتهای رسمی در خارج از کشور: نمایندگی رسمی ایران در جشن صد ساله ابنیه تاریخی فرانسه، نمایندگی رسمی ایران در کنگره بین المللی کتابداری در مادرید، نمایندگی رسمی ایران در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان، نمایندگی رسمی ایران در کنگره بین المللی هنر کلاسیک در پاریس، نمایندگی رسمی ایران در دومین کنگره بین المللی هنر ایران در لندن، نمایندگی رسمی ایران در چهارمین کنگره بین المللی هنر ایران در نیویورک. سخنرانیها: در تهران: دانشکده هنرهای زیبا، دانشکده ادبیات، موزه ایران باستان، مؤسسه فرهنگی فرانسه، مؤسسه فرهنگی ایتالیا. در

پاریس: دانشگاه سوربون، موزه گیمه، مؤسسه هنر و باستان شناسی. در ایتالیا: روم، فلورانس، میلان. در انگلستان: لندن، در شوروی: لنینگراد. در چکواسلواکی: پراگ، براتیسلاوا. در لهستان: ورشو، کراکوی.

منابع زندگینامه: فرهنگ جامع خاور شناسان، و مسافران به مشرق زمین، تالیف استاد نصر الله نیک بین، ج ۲، نشر آرون، ص ۱۰۷۵

مقیم، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ابراهیم مقیم در سال ۱۳۳۸ هجری خورشیدی در خوانسار متولد شد. وی در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد. ایشان در سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد. نامبرده در سال ۱۳۶۹ هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود. وی در سال ۱۳۷۸ هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیای حصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم مقیم در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۸ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد. ایشان در سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد. فعالیتهای آموزشی: دکتر ابراهیم مقیم در سال ۱۳۶۹ هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود. وی در سال ۱۳۷۸ هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال ۱۳۸۴ به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است. وی تا این تاریخ دروسی چون ژئومورفولوژی ایران، ژئومورفولوژی شهری، ژئومورفولوژی اقلیمی و کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی را در مقطع لیسانس ارائه کرده است. در مقطع فوق لیسانس دروس اکوسیستم های محیطی، تغییرات محیطی و واحدهای ژئومورفولوژی ایران، و در مقطع دکترا ژئومورفولوژی و مدیریت محیط را ارائه کرده است. وی در سال ۱۳۸۲ عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران شد. چگونگی عرضه آثار: ابراهیم مقیم دارای ۴۰ مقاله علمی-پژوهشی، علمی-ترویجی، مقاله کامل کنگره ها، سمینارها و خلاصه مقاله (داخلی و خارجی) است. آثار: برنامه ریزی مسکن و ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمدرضا پورمحمدی، ابراهیم مقیم (ویراستار) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۳۰ آذر، ۱۳۸۷۲ روش تحقیق در جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: فرج الله محمودی، ابراهیم مقیم ناشر: قومس - ۱۳۸۳۳ ژئومورفولوژی (اقلیم) و ویژگی اثر: ۱۳۷۹۴ ژئومورفولوژی (دیدگاهها) و ویژگی اثر: پدیدآورنده: ریچارد چورلی، استانی آلفرد شوم، دیوید ساگدن، احمد معتمد (مترجم)، ابراهیم مقیم (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۷ شهریور، ۱۳۸۴۵ ژئومورفولوژی (زمین شناسی) و ویژگی اثر: ۱۳۷۷۶ ژئومورفولوژی (فرایندها) و ویژگی اثر: ۱۳۷۹۷ ژئومورفولوژی شهری و ویژگی اثر: پدیدآورنده: ابراهیم مقیم، علیرضا استواری (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران - ۳۰ آذر، ۱۳۸۷۸ کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه

ریزی ویژگی اثر : ۱۳۷۸۹ مخاطرات محیطی ویژگی اثر : پدیدآورنده: شاپور گودرزی نژاد، کیت اسمیت، ابراهیم مقیمی (مترجم)
 ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۱۳۸۲

ملک شهبرزادی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق ملک شهبرزادی در سال ۱۳۲۲ شمسی در شهبرزاد سمنان بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در رشته باستان شناسی در تهران به انجام رساند. وی با عزیمت به آمریکا موفق به اخذ فوق لیسانس در گرایش باستان شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین از موسسه شرق شناسی شیکاگو شد و دکترای انسان شناسی خود را نیز با گرایش پیش از تاریخ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. دکتر شهبرزادی علاوه بر شرکت و سرپرستی کاوش های میدانی تالیفات متعددی نیز عرضه کرده است. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : پیش از تاریخ والدین و انساب : صادق ملک شهبرزادی در شهبرزاد سمنان متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : صادق ملک شهبرزادی پس از اخذ دیپلم صنعتی از دبیرستان علمیه تهران در خرداد ماه ۱۳۳۹، در رشته باستان شناسی به تحصیل پرداخت. او در سال ۱۳۴۳ لیسانس باستان شناسی را با پایان نامه ای تحت عنوان «بین النهرین و علل بنای زیگورات» از دانشگاه تهران دریافت نمود. سپس به ایالات متحده آمریکا رفت و درجه فوق لیسانس خود را با پایان نامه تحت عنوان « **Problem of the Gold and Silver Vessels of the Caspian Culture** » و همچنین موضوع « **Round Houses in the Ancient Near East** » در سال ۱۹۶۹ در رشته اصلی باستان شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین و رشته فرعی باستان شناسی و هنر مصر باستان را از موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو (خرداد ۱۳۴۸) اخذ کرد. پس از آن دکترای انسان شناسی در گرایش پیش از تاریخ را در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷م) از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا دریافت داشت. عنوان رساله دکترای او « **Tepe Zagheh : A sixth Millennium B.C. Village in the Qazvin Plan of central Iranian Plateau** » بود. بورس های تحصیلی که دکتر ملک شهبرزادی از آن بهره مند گشت به عبارت زیر است: - بورس تحصیلی چهار ساله برای ادامه تحصیل در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به آمریکا از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ که از طرف بنیاد فولبرایت اهدا گردید. - بورس ویژه تحصیلی یادنامه کارل ه. کرلینگ برای ادامه تحصیل در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به مدت یکسال از ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۸. - بورس تحصیلات تکمیلی اعضای هیات علمی دانشگاه های ایران برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا در بخش انسان شناسی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا، مشترکاً به وسیله وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاه تهران به مدت سه سال از شهریور ماه ۱۳۵۳ تا شهریورماه ۱۳۵۶. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صادق ملک شهبرزادی از سال ۱۳۶۵ مشاور مجله باستان شناسی و تاریخ در مرکز نشر دانشگاهی بود. همچنین از سال ۱۳۷۲ به عنوان عضو هیئت تحریریه مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه با آن مرکز همکاری کرد. در سال ۱۳۷۲ مسئولیت گروه فرهنگ باستان شناسی در طرح فرهنگهای تخصصی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی را بر عهده گرفت (این شورا فقط یک بار تشکیل گردید). دکتر ملک شهبرزادی از سال ۱۳۷۳ تا پایان آذر ماه سال ۱۳۷۴ به عضویت شورای تهیه مدخل های «دانشنامه تهران» وابسته به بنیاد بزرگ فارسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آمد. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران می باشد. وی از خرداد ماه ۱۳۷۴ به عنوان عضو شورای معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور، به مدت دو دوره دو ساله با آن شورا همکاری کرد. از ماه اکتبر ۱۹۷۱ (مهرماه ۱۳۵۰ تا کنون): **Member of the Scientific Bord of**

(خرداد ۱۳۷۰ تاکنون): *Journal of Centre (National de la Recherche Scientifique) (CNRS)* از ماه ژوئن ۱۹۹۱
Active Member of de la Recherche Scientifique (CNRS) از ماه نوامبر ۱۹۹۵ (آبان ماه ۱۳۷۴) به مدت سه سال:
the New York Academy of Sciences فعالیتهای آموزشی: در مدت سی سال خدمت آموزشی در گروه باستان
 شناسی دانشگاه تهران، تدریس دروس کاوش در محل، طبقه بندی سفال و اشیاء، طراحی فنی و نقشه برداری و عکاسی، بررسی
 آثار باستانی، سمینار و ترتیب نمایشگاه، تهیه گزارش مشروح، باستان شناسی و هنر مصر باستان، آشنایی با باستان شناسی، مبانی
 باستان شناسی فرهنگی، باستان شناسی پیش از تاریخ بین النهرین، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران، باستان شناسی آسیای غربی و
 مصر (این واحد درسی را در دانشگاه های خارج از کشور ارائه کردند)، باستان و فرهنگ ایران باستان (این عنوان درسی رادر
 دانشگاه هلسینکی ارائه کردند). سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: صادق ملک شه میرزادی در کاوش های متعددی در داخل و
 خارج از کشور فعالیت داشتند، از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در حفريات مارلیک، به سرپرستی دکتر عزت
 الله نگهبان در دوران دانشجویی، سال ۱۳۴۰ - شرکت در بررسی باستان شناسی کرمان، به سرپرستی دکتر ژوزف ر. کالدول،
 اسفند ۱۳۴۲ و فروردین ۱۳۴۳ - شرکت در سه فصل حفاری در دیکسون ماند واقع در ایالت ایلینوی آمریکا در سال های ۱۳۴۴
 (۱۹۶۵ م)، ۱۳۴۵ (۱۹۶۶ م)، ۱۳۴۶ (۱۹۶۷ م) در دوران دانشجویی و به سرپرستی دکتر ژوزف ر. کالدول. - شرکت در حفاری
 دکتور واقع در ایالت ایلینوی آمریکا در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) در دوران دانشجویی به سرپرستی دکتر رابرت ه. هال - شرکت در
 حفاری چغامیش خوزستان، پاییز ۱۳۴۸، روسای این هیات عبارت بودند از: پرفسور پینھاس دلوگاز و دکتر هلن کنتور که دکتر
 شه میرزادی به عنوان سرپرست بخشی از حفاری در این برنامه شرکت کرد. - شرکت در حفريات هفت تپه خوزستان ۱۳۴۹، ۱۳۵۰،
 ۱۳۵۱، ۱۳۵۲ چهار فصل به عنوان معاون هیات و به سرپرستی دکتر نگهبان. - سرپرست حفاری تپه سگرآباد واقع در دشت قزوین
 ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ (دو فصل) به ریاست دکتر نگهبان - سرپریت حفريات تپه زاغه واقع در دشت قزوین، در سال های ۱۳۵۱، ۱۳۵۲،
 ۱۳۵۳، ۱۳۵۸ (چهار فصل)، رئیس هیات در سه فصل اول دکتر نگهبان و در فصل آخر دکتر مجید زاده بود. - سرپرست هیات در
 حفاری آزمایشی تپه پوئینک ری، در سال ۱۳۷۴ - انجام بررسی باستان شناسی در منطقه سمنان در سال ۱۳۶۳ - بررسی منطقه
 «حوضه مسیله» واقع در جنوب تهران نزدیک ورامین آبان ۱۳۷۲ و اسفند ۱۳۷۳. - سرپرست حفاری در «آق تپه» گنبد کاووس از
 ۱۵ مهر تا ۳۰ آذر ۱۳۷۹. همچنین دکتر شه میرزادی از امتیازهای علمی زیر استفاده کرد: - بورس مسافرت و بازدید از موزه های
 اروپا و شرکت در یک فصل حفاری در چغامیش خوزستان از طرف بنیاد فورد تابستان و پاییز ۱۳۴۸ - بورس بنیاد ژاپن به منظور
 بازدید از موزه ها و مراکز فرهنگی شهرهای مختلف ژاپن به مدت دو هفته در تیرماه ۱۳۷۲ - بورس مشترک دفتر مطالعات سیاسی
 و بین المللی وزارت امور خارجه، سفارت جمهوری اسلامی ایران در فنلاند و دانشگاه هلسینکی فنلاند، به مدت سه هفته برای
 تدریس در دانشگاه هلسینکی. آثار: آثار دوران پارینه سنگی حوضه مسیله در جنوب تهران ویژگی اثر: منتشر شده در شماره اول
 خبرنامه مرکز تحقیقات و مطالعات ایرانگردی و جهانگردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آذر ۱۳۷۲.۲ اشاره ای مختصر به
 تحول باستان شناسی در ایران ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه اثر شماره های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ که توسط سازمان ملی حفاظت آثار
 باستانی ایران در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. ۳ اشاره ای بر پیش از تاریخ دامغان ویژگی اثر: منتشر شده در مجموعه بناها و شهر دامغان به
 کوشش م.م. فلامکی، نشر فضا، سال ۱۳۶۸۴ انتقال اندیشه: سوسک مصری در دشت قزوین ویژگی اثر: منتشر شده در شماره
 های پیاپی ۱۳ و ۱۴ نشریه باستان شناسی و تاریخ، اسفند ۱۳۷۲.۵ باستان شناسی چیست و باستان شناس کیست ویژگی اثر: منتشر
 شده در جلد دوم مجموعه مرز پر گهر، نامگانی استاد علی سامی، (۲۸ مقاله در زمینه های باستان شناسی، فرهنگ و ادب، تاریخ و
 هنر ایران)، به کوشش دکتر طاووسی، ۱۳۷۲۶ بافت روستای پیش از تاریخ زاغه ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه شماره ۶ ساختمان

آبان ماه ۱۳۶۷.۷ بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، بهار و تابستان ۱۳۶۷۸ بررسی مطالعات باستان شناسی در ایران و ویژگی اثر: منتشر شده در مجموعه مقالات نخستین انجمن واره بررسی مسایل ایران شناسی به کوشش علی موسوی گرمارودی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۶۹۹ پیشنهادی برای ترتیب آرشیوی از آثار غیر منقول فرهنگی و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، شماره دوم بهار و تابستان ۱۳۶۸۱۰ تاملی در علل جابه جایی استقرارهای پیش از تاریخ در حاشیه کویر در فلات مرکزی ایران و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، شماره پیاپی ۹ و ۸ اسفند ماه ۱۳۶۹.۱۱ تپه زاغه: تحلیلی اجمالی از منازل مسکونی و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، شماره اول و دوم آبان ماه ۱۳۷۱۱۲ تصویری از پوشش گیاهی و حیوانی حاشیه کویر در ۷۰۰۰ سال پیش و ویژگی اثر: منتشر شده در مجموعه مقالات سمینار مسایل مناطق بیابانی و کویری ایران، مرکز تحقیقات کویری و بیابانی ایران، در سال ۱۳۷۱۱۳ سفالهای هزاره پنجم قبل از میلاد میدان باستانی دلازیان سمنان و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه اثر شماره های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ که توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. ۱۴ شهر نشینی و شهر سازی از آغاز تا هزاره پنجم پیش از میلاد و ویژگی اثر: منتشر شده در مجموعه نظری اجمالی به شهر و شهر سازی در ایران به کوشش محمد یوسف کیانی در سال ۱۳۶۵۱۵ مروری بر تاریخچه مطالعات باستان شناسی در ایران و ویژگی اثر: منتشر شده در شماره دوم نشریه باستان شناسی و تاریخ، بهار و تابستان ۱۳۶۶۱۶ مسئله سفال خاکستری رنگ در ایران و ویژگی اثر: دیباچه ای بر کتاب تهران سه هزار و دویست ساله براساس کاوش های باستان شناسی. نشر فضا ۱۳۷۰۱۷ مقدمه ای بر شهرنشینی و ویژگی اثر: دیباچه ای بر کتاب نخستین شهر، تالیف روث وایت هاوس، ترجمه مهدی سبحانی، تهران ۱۳۶۹۱۸ نخستین مورخ و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه دانشنامه، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، سال اول. شماره ۱. ۱۳۶۹۱۹ نقش موزه ها در تعلیم و تربیت و ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی، شماره سوم و چهارم، پاییز ۱۳۷۰

منابع زندگینامه: باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

ملکزاده، ملکه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملکه ملکزاده (بیانی)، فرزند دکتر مهدی ملکزاده به سال ۱۲۸۹ شمسی در تهران متولد شد. وی تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم زبان فرانسه موفق به اخذ دیپلم زبان فرانسه از مدرسه ژاندارک ادامه داد. وجود زمینه ی هنری در او باعث گردید در کنار تحصیل، به هنر نقاشی به ویژه مینیاتور روی آورد و برای تکمیل آموخته های خود راهی فرانسه گردد. بیانی همزمان با تحصیل در دانشکده هنر های زیبای پاریس در دانشکده لوور، وابسته به دانشگاه سوربن پاریس نیز به تحصیل در رشته ی باستان شناسی پرداخت و به اخذ فوق لیسانس از آن دانشکده نائل آمد و در علم سکه شناسی سرآمد شد. او پس از چهار سال به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۷ در موزه ایران باستان که تازه تأسیس یافته بود، وارد خدمت شد. در سال ۱۳۴۷ با دعوت دانشگاه تهران به تدریس «سکه شناسی» و «مهر شناسی» در گروه باستانشناسی پرداخت، تا اینکه در سال ۱۳۵۷ بازنشسته گردید. بانو ملکه ملکزاده (بیانی) در تاریخ دوازدهم خرداد ماه سال ۱۳۷۸ دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی والدین و انساب: ملکه ملکزاده، فرزند دکتر مهدی ملکزاده و نواده ی ملک المتکلمین، شخصیت بزرگ و مشهور دوره ی مشروطیت ایران و از جانب مادر نواده ی میرزا سلیمان خان میکده، از رجال نیک نام دوره قاجار و از مشروطه خواهان معروف بود. تحصیلات رسمی و حرفه

ای: ملکه ملکزاده در شش سالگی در مدرسه ی " ناموس " به تحصیل اشتغال ورزید و همزمان در خانه به فراگرفتن زبان فرانسه پرداخت. از برای اخذ دیپلم این زبان یک سال در مدرسه ی " ژاندارک " به تحصیل پرداخت و موفق به اخذ دیپلم زبان فرانسه شد. و خود زمینه هنری در وی باعث گردید، همزمان در خانه به فراگیری نقاشی مشغول گردد و پس از مدتی میرزا هادی خان تجویدی، نزد استاد بزرگ و معروف مینیاتور ایران رفته، و به فراگرفتن مینیاتور اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۳ شمسی برای تحصیلات عالی به پاریس (فرانسه) عزیمت نمود و در دانشکده هنرهای زیبا که شهرت بین المللی دارد، فراگیری هنر نقاشی را ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم از آن دانشکده شد. همزمان، در دانشکده لوور، وابسته به دانشگاه سوربن پاریس به تحصیل در رشته ی باستان شناسی پرداخت و به اخذ درجه ی فوق لیسانس از آن دانشکده نائل آمد و در علم سکه شناسی سرآمد شد. استادان و مربیان: ملکه ملکزاده، هنر مینیاتور را نزد میرزا هادی خان تجویدی فراگرفت. همسر و فرزندان: ملکه دکتر ملکزاده بیانی با دکتر بیانی، استاد دانشگاه تهران ازدواج کرد و ثمره ازدواج ایشان دکتر شیرین بیانی (اسلامی ندوشن) و دکتر سوسن بیانی (سمعی) می باشد، که اولی استاد دانشگاه تهران به تدریس در رشته تاریخ و دومی استادیار دانشگاه تهران به تدریس رشته باستان شناسی اشتغال دارند. زمان و علت فوت: ملکه ملکزاده (بیانی) در تاریخ دوازدهم خرداد ماه سال ۱۳۷۸ دار فانی را وداع گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ملکه ملکزاده پس از چهار سال تحصیل در خارج از کشور به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۷ در موزه ایران باستان که تازه تأسیس یافته بود، وارد خدمت شد. در طول دوران خدمت تا زمان بازنشستگی با سمت «موزه داری» و «ریاست بخش سکه ها، مهرها و الواح» در آن موزه به کار اشتغال داشت. فعالیتهای آموزشی: ملکه ملکزاده در سال ۱۳۴۷ با دعوت دانشگاه تهران، در گروه باستان شناسی به تدریس سکه شناسی و مهرشناسی پرداخت. او در این زمینه تا سال ۱۳۵۷ به تدریس اشتغال داشت. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: از جمله اقدامات ملکه ملکزاده: ۱- تأسیس نمایشگاه هنری و تاریخی ایران و تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران - ایتالیا در ایتالیا ۲- برپایی و ریاست نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان (ایتالیا) ۳- تأسیس موزه سکه بانک سپه که یکی از معتبرترین موزه های سکه در ایران گردید. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ملکه ملکزاده در کنگره های بین المللی داخلی و خارجی متعددی شرکت کرد و سخنرانی هایی ایراد نمود از جمله: کنگره ایران شناسی دانشگاه آکسفورد انگلستان، کنگره ایران شناسی وزارت فرهنگ و هنر سابق در تهران، کنگره های باستان شناسی و ایران شناسی تهران، همدان و اصفهان، ایراد سخنرانی درباره ی فرهنگ و هنر ایران در رادیوی دولتی ایتالیا، ایراد سخنرانی در همین زمینه در تالار سلطنتی میلان (ایتالیا). از دیگر فعالیت های فرهنگی ایشان: ۱- عضویت در یونسکو (شعبه ایران) در اولین دوره ی تأسیس این مؤسسه ی علمی، فرهنگی در ایران ۲- قرار گرفتن در فهرست مشاهیر علم و فرهنگ جهان، کتابی که توسط دانشگاه کمبریج انگلستان مدون گردیده است. ۳- قرار گرفتن در فهرست بانوان مشهور جهان از جهت فرهنگی و هنری و علمی، کتابی که توسط دانشگاه کمبریج انگلستان مدون گردیده است. ۴- عضویت در انجمن بین المللی کارشناسان سکه که مرکز آن در فرانسه و سوئیس می باشد. از خانم ملکزاده در حدود پنجاه مقاله به زبان های فارسی و فرانسه، در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده که درباره ی سکه ها و مهرهای دوران باستان و سکه های دوره اسلامی ایران می باشد، و در مجموعه هایی به چاپ خواهد رسید. بانو ملکزاده همچنین برای انجام سفرهای علمی و تحقیقاتی مسافرت هایی به فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، سوئیس، بلژیک، هلند و عراق داشته است. آرا و گرایشهای خاص: از جمله فعالیت های دیگر ملکه ملکزاده در کنار کار باستان شناسی و سکه شناسی، پرداختن به هنر نقاشی بود که شاید بتوان او را در ردیف مشهورترین نقاشان معاصر ایران قرار داد. سبک وی "امپرسیونیسم" بود، ولی به سبک کلاسیک و مینیاتور نیز تسلط داشت. تابلوهای نقاشی وی جزء آثار هنری ایران به شمار می آیند. جوایز و نشانها: ملکه ملکزاده در طول تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای پاریس، در چند نمایشگاه داخلی همان دانشکده شرکت جست و دو بار جزء دانشجویان ممتاز به اخذ جایزه نائل آمد. آثار: تاریخ سکه، دوره ی پارتی، تاریخ سکه از قدیمی

ترین ازمه تا دوره ی اشکانیان ، تاریخ مهر در ایران ، سکه های ایران در دوره ی هخامنشی ، سیمای شاهان و نام آوران ایران باستان

موسوی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود موسوی در سال ۱۳۱۶ در خانواده ای قدیمی و سنتی به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران ادامه داد. وی پس از اتمام تحصیل در سازمان میراث فرهنگی به عنوان مدیر پژوهشی مشغول بکار شد و در سال ۱۳۷۳ به عنوان دبیر اجرایی نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی - شوش، را برگزار نمود. وی در کاوش های میدانی متعددی شرکت و یا سرپرستی کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی گرایش: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی رادر مدرسه توفیق زنجان به پایان برد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ناصر خسرو، مدرس و علمیه به اتمام رساند. در سال ۱۳۳۷ به دانشگاه راه یافت و در رشته باستان شناسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اجرایی و اداری محمود موسوی از سال ۷۳-۱۳۶۶ به شرح زیر می باشد: مدیریت پژوهشهای باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی ۱۳۶۶. دبیر اجرایی نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی - شوش ۱۳۷۳. فعالیتهای آموزشی: همزمان با تحصیل در دانشگاه به استخدام دولت در آمد. ابتدا با عنوان نقشه بردار و حفار معدن آن زمان سرگرم کار شد. در سال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عام منتقل و کار تخصصی خود را در محوطه های باستانی دنبال کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سوابق پژوهشی محمود موسوی به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای استان ایلام و پشتکوه لرستان، هیات باستان شناسان بلژیکی به سرپرستی لویی واندنبرگ. شرکت در بررسی های شناسی غارهای بین خوی و سرشت، هیات باستان شناسان دانشگاه آمریکا، به سرپرستی پروفیسور چارلز برنی. شرکت در کاوشهای تخت سلیمان تکاب در آذربایجان غربی. هیات باستان شناسان آلمانی به سرپرستی آندریاس لیپرت. شرکت در کاوشهای حلیمه جان رودبار گیلان، هیات باستان شناسان ژاپنی از دانشگاه توکیو به سرپرستی شینجی فوکایی. شرکت در کاوشهای کحوطه های باستانی زابل، هیات باستان شناسان ایتالیایی (از موسسه ایزمئو). مشارکت در بررسی های باستان شناسی منطقه آذربایجان شرقی به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد. مشارکت و عضویت و معاونت در کاوشهای تخت جمشید به سرپرستی اکبر تجویدی. مشارکت در کاوشهای هیات آموزشی دانشگاه تهران در سگزآباد قزوین (نماینده مرکز باستان شناسی ایران) به سرپرستی عزت الله نگهبان. سرپرستی بررسیهای باستان شناسی در اشکور گیلان، هیات اعزامی مرکز باستان شناسی ایران. سرپرستی کاوشهای مسجد جامع ابرقو. سرپرستی هیات بررسی و تعیین حریم تپه چغاگوانه شاه آباد غرب. سرپرستی هیات تجدید نظر در حریم تخت جمشید. سرپرستی هیات کاوشهای جزیره کیش. سرپرست هیات کاوشهای مسجد جمعه اردبیل. سرپرست هیات کاوشهای حریم مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی. آثار: آغاز دوره تاریخی در ایران شمالی بر اساس یافته های باستان شناسی و ویژگی اثر: میراث فرهنگی ۱۳۷۳۲ باستان شناسی ایران و ویژگی اثر: سیمای فرهنگی ایران ۱۳۷۷۳ باستان شناسی در پنجاه سالی که گذشت و ویژگی اثر: میراث فرهنگی ۱۳۶۹۴ باستان شناسی در جهان اسلام و ویژگی اثر: دانشنامه جهان اسلام ۱۳۷۵۵ باستان شناسی گیلان و ویژگی اثر: کتاب گیلان ۱۳۶۹۶ بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی و ویژگی اثر: دانشنامه جهان اسلام ۱۳۷۶۷ پی گردی و کاوش در مسجد جامع ساوه و ویژگی اثر: گزارش چهارمین مجمع سالانه

کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی در ایران ۱۳۵۵۸ تاریخچه باستان‌شناسی ایران و ویژگی اثر: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۸۹ توس شهر خفته در تاریخ، کاوش باستان‌شناسی در شهر تاریخ حریره جزیره کیش و ویژگی اثر: گزارشهای باستان‌شناسی ۱۳۷۶۱۱ کاوش در بخش غربی مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل و ویژگی اثر: مجموعه مقالات - دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران - ارگ بم ۱۲ مسجد جامع اردبیل و ویژگی اثر: مجموعه مقالات همایش معماری مسجد ۱۳۷۶۱۳ مقدمه ای بر باستان‌شناسی کرمان و ویژگی اثر: مجموعه مقالات کرمان‌شناسی، مرکز کرمان‌شناسی ۱۳۶۹۱۴ یادنامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران بعد از انقلاب و ویژگی اثر: سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۶۱۵ یادمان خشتی کوه خواجه زابل و (خلاصه ای از نتایج مطالعات و کاوشهای انجام شده در آن) و ویژگی اثر: مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ۱۶ یاد ای علی سامی و ویژگی اثر: مجله باستان‌شناسی و تاریخ ۱۳۶۸

منابع زندگینامه: باستان‌پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان‌شناسی کشور، زمستان ۱۳۷۹

مؤنی از ندریانی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۷ و دکترای جغرافیا از دانشگاه فیلپس ماربورگ آلمان غربی در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رابطه شهر و روستا و تشخیص مکانهای مرکزی در دشت گرمسار، تدریس دروس جغرافیای شهری ایران، جغرافیای شهری عمومی، جغرافیای جمعیت، جغرافیای شهری (برنامه‌ریزی اکولوژی شهری) در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

شهرستان تفت، بررسی مشخصات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهر و مناطق روستائی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فراز و فرود شهر هرمز، تعریف، مواضع، موضوعات، هدفها و کاربرد جغرافیا در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه وقف در ساختار

فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، ردیابی فرهنگ وحی در ساختار شهر دولت آباد ملایر، مآخذشناسی جغرافیای شهری ایران، موقوفات و توسعه شهری.
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میر حیدر مهاجرانی، دره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دره میرحیدر در سال ۱۳۱۳ در شهر کرمانشاه متولد گردید. وی دارای دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه ایندیانا ای آمریکا و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه جغرافیا با رتبه علمی استادی می باشد. نامبرده در سال ۱۳۸۲ به افتخار بازنشستگی نائل آمده است. ایشان عضو وابسته ی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران است. دکتر میرحیدری در نشریات فرهنگی ایران، مقالات متعددی را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است. کتاب "جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا" ترجمه دره میر حیدری، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای سیاسیوالدین و انساب: "قبل از هر چیزی باید سپاسگذار خداوند متعال باشم که مرا در یک خانواده با فضیلت، متدین و روشن بین به دنیا آورد که هر چه دارم از آنهاست. گرچه در کودکی پدرم را از دست دادم ولی نفس قدسی و خاطر نمازهای شب و راز و نیازهای او هنوز با من است و همین ها بوده که زندگی مرا تا کنون بیمه کرده است. پدرم در ساوه به دنیا آمده بود و تحت نظارت پدرش حاج سید عبدالکریم مقلب به حاج سید آقا تحصیلات ابتدایی را انجام داد و سپس در نوجوانی با همراهی ایشان برای تحصیلات بالاتر به تهران آمد و در حوزه علمیه مدرسه مروی به تحصیل الهیات و معارف اسلامی پرداخت. ایشان پس از تحصیلات خارج حوزه در تهران ماندگار شد. پدرم علاوه بر این با نام سید محمود الحسینی ساوجی از خوشنویسان بنام دوره ناصری بوده است و مجموعه بسیار ارزشمند خط از ایشان به یادگار مانده است. مادرم در یک خانواده متمکن و متدین در تهران بدنیا آمد. پدر وی سعید الملک اهل سیاست و طرفدار حکومت مشروطه بود. پدر بزرگ مادرم حاج حسینعلی خان نوری از فضلا و شعرای معروف عهد ناصری بوده و دیوان شعر او با تخلص وفا که کلا- در مدح اهل بیت امامت و طهارت می باشد چاپ و در اختیار علاقمندان به شعر و ادب قرار گرفته است. مادرم در چنین خانواده ای معلم سرخانه داشت و ضمن فراگیری فارسی و حساب قرائت قران نیز فرا می گرفت. پس از مدتی با استعداد سرشاری که داشت حافظ قرآن شد و اشعار دیوان حافظ و گلستان سعدی و بابا طاهر را هم از حفظ داشت و در محاوره به مناسبت از آنها استفاده می کرد. ایشان مادری کارآمد و دلسوز و پاک نیت بود و در نتیجه فرزندانان تحویل جامعه داد که همگی با داشتن تحصیلات عالی منشا خدمات علمی و فرهنگی مهمی برای مملکت شدند. پدر و مادرم در تهران با هم ازدواج کردند و چهار فرزند اول یعنی سه دختر و یک پسر را در تهران به نیا آوردند. بعدا پدرم ماموریتی در کرمانشاه پیدا کرد و پس از چندی خانواده را هم به آنجا منتقل نمود و من (۱۳۱۱) و برادر کوچکم در کرمانشاه بدنیا آمدیم "تحصیلات رسمی و حرفه ای: دره میرحیدر، تحصیلات ابتدایی و قسمتی از تحصیلات متوسطه ی خود را در شهر زادگاهش سپری نمود و سال های آخر تحصیلات متوسطه ی خود را در تهران گذرانده و به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شاهدخت نائل آمد. وی بلافاصله پس از اتمام دوره ی متوسطه، وارد دانشگاه گردید و پس از موفقیت در قسمت دبیری در رشته ی تاریخ و

جغرافیا در دانشکده ادبیات به تحصیل پرداخت، آنگاه از طرف دولت برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا اعزام شد. تحصیلات در آمریکا، نزدیک شش سال به طول انجامید و او در طی این مدت به اخذ درجات عالی‌ای چون: گواهینامه با درجه‌ی عالی در زبان انگلیسی از دانشگاه میشیگان در آناربر، درجه‌ی M.A از دانشگاه دولتی اوهایو در رشته‌ی جغرافیا و درجه‌ی Ph.D از دانشگاه دولتی ایندیانا در جغرافیای سیاسی نائل آمد. وی پایان‌نامه کارشناسی ارشدش را تحت عنوان مسایل راه‌های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفیسور رندال گذراند. تخصص اصلی و جغرافیای سیاسی و تخصص منطقه‌ای او، در زمینه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. «در آنجا گفتم به دلیل وضعیت دشوار جغرافیایی که ایران دارد و مناطق کوهستانی و بیابانی و خشک را در خود جای داده و به خاطر شکل خاص جغرافیایی کشور و فاصله زیاد بخش شمال غرب و جنوب شرقی کشور از یکدیگر، احداث راه‌های ارتباطی، هم هزینه بر است و هم نیاز به تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای دارد که از خارج وارد می‌شود.» عنوان تز دکترایش، «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص به ایران بازگشت. خاطرات و وقایع تحصیل: دکتر میرحیدر از خاطرات تحصیلش چنین یاد می‌کند: "من کلاس اول ابتدایی را در ۵ سالگی نزد مادرم در خانه خاندنم و در آخر سال امتحان دادم و رفتم کلاس دوم. در کلاس دوم و سوم یک شاگرد متوسط بودم ولی از کلاس چهارم تا تحصیلاتم در کرمانشاه شاگرد اول بودم و مورد تشویق اولیاء و مدرسه و اداره فرهنگ قرار می‌گرفتم. در کرمانشاه پس از دانشسرای مقدماتی کلاس بالاتری نبود و من با بورس تحصیلی که برای ادامه تحصیل داشتم باید به تهران می‌رفتم و خوشبختانه موجباتی فراهم شد که کل خانواده به تهران منتقل شدیم و در اینجا من کلاس ششم ادبی را در دبیرستان شاهداخت تهران خواندم." وی در هر سه سال مقطع لیسانس شاگرد اول شده و در نتیجه موفق به کسب مدال علمی و جایزه می‌شود. در سال ۱۳۳۲ تحصیلاتش را به اتمام می‌رساند و در سال ۱۳۳۵ مطابق مصوبه قانونی، به همراه تعداد دیگری از نفرات ممتاز سایر رشته‌ها و به عنوان بورسیه برای ادامه تحصیل به خارج عزیمت می‌کند و به آمریکا می‌رود. استادان و مربیان: دکتر میرحیدر از اساتید دوره خود چنین می‌گوید: "من باید به خود بیالم که در دوره‌ای درس می‌خواندم که بهترین استادان در دانشگاه بودند. در رشته تاریخ با استادان برجسته‌ای مثل نصرالله فلسفی، بیانی، مینوی، شیبانی، بهمنش، بینا درس داشتیم و در جغرافیا دکتر مسعود کیهان، دکتر احمد مستوفی، دکتر محمد حسن گنجی و دکتر احمد سعادت که هر کدام در رشته خود اسوه بودند. من چون تعهد دبیری داشتم درسهای فلسفه و منطق و روانشناسی هم در برنامه ام بود و استادانی مثل دکتر هوشیار، دکتر خوانساری، دکتر جلالی و دکتر کنی استادان درسهای مختلف ما بودند. تأثیری که استادان جغرافیا در من گذاشتند موجب شد که بعدا زمانی که به خارج رفتم در رشته جغرافیا ادامه تحصیل دهم" او پایان‌نامه کارشناسی ارشدش را در دانشگاه اوهایو آمریکا تحت عنوان مسایل راه‌های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفیسور رندال گذراند. وی به غیر از اساتید ایرانی از استادان غیر ایرانی مانند پروفیسور کیمبل و پروفیسور پاندز به نیکی یاد می‌کند. دکتر میرحیدر از مرحوم مستوفی و دکتر محمد حسن گنجی چنین می‌گوید: «بعد از این که از آمریکا برگشتم و به عنوان استادیار برگزیده شدم این دو را بیشتر شناختم و بخصوص اشراف آنها را به تمام مسائل جغرافیایی و نه فقط یک رشته خاص مطلع شدم و خیلی من را تحت تأثیر قرار دادند.» همسر و فرزندان: دکتر دره میرحیدر از ازدواج خود چنین می‌گوید: در طول این سالهای تدریس در دانشگاهها، ضمن همکاری با استادان سابق خودم فرصت آشنایی با استادان جدیدی هم برای تدریس به گروه جغرافیا پیوستند و شاخه‌های مختلف این گروه را به وجود آوردند به دست آمد. در این میان آشنایی من با آقای دکتر مصطفی مهاجرانی که از کارشناسان میرز سازمان برنامه بود و در عین حال ریاست بخش روستایی تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران را هم به عهده داشت و ضمنا برای تدریس در دوره فوق لیسانس دعوت شده بود عمیق تر شد و در نهایت به ازدواج منجر گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دره میرحیدر، پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۲ به عضویت هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه تهران در آمد و از آن تاریخ تا کنون در امر آموزش و تحقیق فعالیت داشته است. دره

میرحیدر، عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران است. یکی از موثرترین اقدام این استاد برجسته، نگارش مقدمه ای بر کتاب IRAN از سری کتاب های Countries of the World که در سال ۲۰۰۸ و از سوی موسسه نشنال جیا گرافیک منتشر شد، نوشته است. از دیگر مشاغل وی می توان به عضویت در انجمن جغرافی دانان آمریکا از سال ۱۹۶۲، عضویت در انجمن جغرافیایی ایران، عضو مؤسس و رئیس هیأت مدیره انجمن ژئوپولیتیک ایران (برای دو دوره)، عضویت در گروه جغرافیای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (برای دو دوره)، رئیس اولین و دومین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ و عضو کمیته برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، هسته گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه پیام نور اشاره کرد. دکتر میرحیدر در سال ۱۳۵۹ به افتخار بازنشستگی زودهنگام نائل آمد. دوران بازنشستگی زودرس برای من توفیقی شد تا دید خود را نسبت به مسائل سیاسی ایران و جهان وسعت دهم و به همکاری علمی و آموزشی با دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه و سایر مراکز علمی بپردازم. در همین دوران بود که کتاب جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا را ترجمه کردم "دکتر میرحیدر پس از بازنشستگی در سال ۱۳۷۰ از سوی دانشگاه آزاد اسلامی به خدمت گرفته شد و در سال ۱۳۷۳ مجدد برای تدریس و فعالیت های آموزشی به دانشگاه تهران خواسته شد او پس از یک سال تعلل به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد و در سال ۱۳۷۴ به مقام استادی نائل آمد. فعالیت های آموزشی: دره میرحیدر با ورود به دانشگاه تهران و به پیشنهادی که ارائه می دهد، برای اولین بار در ایران درس اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در برنامه دروس دوره لیسانس قرار می گیرد و اولین کتاب جغرافیای سیاسی مدون و نظام یافته را به نام «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی» در سال ۱۳۴۷ منتشر می کند. در سال ۱۳۴۳ هم با تأسیس دوره فوق لیسانس جغرافیای انسانی در دانشگاه تهران به ارائه دروس ژئوپولیتیک و مسائل جغرافیای سیاسی جهان می پردازد. در سال ۱۳۴۷ دانشیار می شود و به غیر از تدریس در دانشکده ادبیات، فعالیت در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشگاه پدافند ملی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روابط بین الملل، دانشکده افسری و بعد از انقلاب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه امام حسین (ع) را به دیگر فعالیت های آموزشی اش می افزاید. در سال ۱۳۵۸ با تکمیل مدارک مربوطه، مرحله به مرحله را می گذرانند تا به رتبه استادی نائل می شود ولی در مراحل پایانی، اعلامیه ای توسط وزارت علوم صادر می شود و هرگونه ارتقای علمی استادان ممنوع می شود. با آغاز انقلاب فرهنگی تعطیل شدن دانشگاه های کشور تقاضای بازنشستگی اش را به مقامات مسؤول ارائه می دهد و مورد پذیرش هم قرار می گیرد. از آن پس فعالیت های علمی اش را در مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ادامه می دهد و به تدریس در دانشگاه های دیگر هم گرایش پیدا می کند. در سال ۱۳۷۴ بنا به دعوت دانشگاه تهران و تصویب هیأت وزیران پس از گذشت ۱۴ سال مجدداً به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران در آمده و در همان سال هم به درجه استادی نائل می آید و بعد از چند سال تدریس و تحقیق مجدداً در سال ۱۳۸۲ بازنشسته می شود ولی همچنان تدریس در مقاطع فوق لیسانس و دکترای جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران را ادامه داده است. او بعد از بازگشت از آمریکا، جغرافیای سیاسی را براساس رویکرد کارکردگرایی جغرافیایدان مشهور آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ به نام «ریچارد هارتشون» آموزش می داد. در این رویکرد عوامل مرکز گرا و مرکز گریز که بر عملکرد حکومت تأثیر می گذارند مورد بررسی قرار می گیرد. او دعوت به تدریس دانشگاه ایندیانا را بعد از اتمام تحصیل رد می کند و به دلیل علاقه ای که به مملکت خود داشته و اینکه از تخصص خود برای پیشرفت ایران استفاده کند به سرعت به ایران برمی گردد. روش تدریس او به این صورت است که در ابتدای تدریس، سؤالی را مطرح می کند و می کوشد دانشجویان را به تفکر در مورد آن سؤال تشویق و علاقه مند کند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: او همچنین در تأسیس دوره های فوق لیسانس جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم نقش قابل توجهی داشته است. وی همچنین عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران (تأسیس در سال ۱۳۸۱) و فصلنامه علمی - پژوهشی

ژئوپلیتیک است. از دکتر میر حیدر به عنوان بنیانگذار جغرافیای سیاسی نظام مند یاد می شود سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دره میرحیدر در نشریات فرهنگی ایران، بیش از ۳۰ مقاله را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است. شاگردان : از جمله دانشجویان سرشناس دره میر حیدر که در مقطع کنونی هر یک جایگاهی کسب کرده اند که زمانی در زمینه جغرافیای سیاسی در محضر میرحیدر علم آموخته اند می توان به دکتر پیشگاهی فرد، دکتر مجتهدزاده، دکتر کریمی پور، دکتر قالیباف شهردار تهران و دکتر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص : عنوان تز دکترای دره میرحیدر با عنوان «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص وقتی به ایران برمی گردد برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است که بعد از گذشت بیش از چهل سال تدریس و تحقیق در این حوزه همچنان در دانشگاه مادر ایران حضور می یابد و به کارش تداوم می دهد. در ترش کوشیده نشان دهد تا چه حد عوامل جغرافیایی و به ویژه موقعیت ژئوپلیتیک ایران، منابع نفتی و معدنی و سایر ویژگی های جغرافیایی کشور در حیات سیاسی ایران و حکومت ها تأثیرگذار بوده اند. در آن سالها عمدتاً تأثیر جغرافیا بر سیاست مورد توجه بوده چه در قسمت ژئوپولیتیک و چه در جغرافیای سیاسی ولی هم اینک جغرافیای سیاسی بیشتر بر ایدئولوژی ها، سیاست های دولت ها و رهبران سیاسی و صاحبان اندیشه و احزاب و تأثیرات آنها بر چشم اندازهای جغرافیایی مورد ارزیابی قرار می گیرد. ضمن اینکه نمی شود وضعیت جغرافیایی را که بستر این فعالیت ها است نادیده گرفت. از دید میرحیدر، این تحول یک تحول مثبت است و واقع گرایی بیشتری را دنبال می کند. «در گذشته، عوامل جغرافیایی را تعیین کننده قلمداد می کردند ولی امروزه موقعیت جغرافیایی عامل اساسی و تعیین کننده به شمار نمی آید و بنابراین ما هم نمی توانیم بگوییم که کشور ما موقعیت جغرافیایی کم نظیری دارد و تصور کنیم منافع کشور به راحتی تأمین می شود. چون امروزه گاه ژئوپولیتیک جهانی مانع تأمین منافع ما می شود و لذا دیپلماسی و سیاست باید به عنوان مکمل موقعیت جغرافیایی مدنظر قرار گیرد و اگر دیپلماسی نباشد، موقعیت جغرافیایی ما هم چندان کارساز نیست.» او نسبت به رویکرد قبلی جغرافیایی سیاسی تعصب خاصی ندارد و به قول معروف خود را «به روز» نموده و به رویکرد جدیدی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد فراگیر شده روی می آورد. «وقتی آدم می بیند که نگرش جدید درست است آن را انتخاب می کند. نگرش قبلی به کلی عقب افتاده است و نقش عوامل جغرافیایی را در روابط بین الملل عاملی تعیین کننده نمی داند. الآن ما معتقدیم که عامل جغرافیایی، تأثیرگذار است و نه تعیین کننده. در مقابل قدرت و ژئوپولیتیک جهانی نقش تعیین کننده تری پیدا کرده است.» جوایز و نشانها : کتاب "جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا" ترجمه دره میر حیدری، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. دکتر میرحیدر از سال ۱۳۷۰ بهترین مترجم زن در دانشگاه الزهرا شناخته شد. وی همچنین جایزه کتاب برگزیده دانشگاهی را در سال ۱۳۸۰ دریافت نمود. در سال ۱۳۸۴ از وی به عنوان چهره ماندگار جغرافیا به انتخاب جامعه جغرافی دانان ایران تقدیر به عمل آمد. خلاصه ای از جوایز و لوحهای تقدیر دریافتی دره میر حیدر به قرار زیر است: مدال درجه اول فرهنگ برا احراز رتبه اول در دانشگاه تهران دریافت فلوشیپ (جایزه پژوهشی) از طرف دانشگاه ایندیانا برای تمام تحقیق درباره رساله دکتری اعزام به آمریکا برای گذراندن فرصت مطالعاتی (۱۳۵۶) دریافت جایزه و لوح تقدیر برای کتاب برگزیده دانشگاههای ۱۳۶۹ لوح تقدیر و جایزه با عنوان بهترین مترجم زن از طرف دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۶۹ لوح تقدیر و جایزه برا کتاب سال ج.ا.ا از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۰ اعزام به آمریکا برای ارائه سخنرانی در کنگره اتحادیه بین المللی جغرافیایی در واشنگتن در سال ۱۳۷۱ لوح تقدیر و جایزه برای کتاب برگزیده دانشگاهها در سال ۱۳۸۰ لوح تقدیر و جایزه تشویقی کتاب سال ج.ا.ا در سال ۱۳۸۱ لوح تقدیر و جایزه در

همایش تجلیل از پیشکسوتان دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ کسب تندیس و جایزه با عنوان قلم‌های ماندگار در همایش تجلیل از مولفان کتابهای درسی در سال ۱۳۸۴ کسب عنوان چهره‌های ماندگار جغرافیا در سال ۱۳۸۴ منتخب جامعه جغرافیادانان ایران در سال ۱۳۸۴ دریافت ۱۶ لوح تقدیر دیگر برای ارائه سخنرانی در همایش و مجامع علمی داخلی و خارج‌جغگونگی عرضه آثار: دره میرحیدر برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می‌دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است. وی با تألیف کتاب اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در سال ۱۳۴۷، اولین کتاب دانشگاهی و علمی را در این رشته ارائه نمود. از دیگر تألیفات وی مبانی جغرافیای سیاسی، جغرافیای سیاسی برای دانش‌آموزان دبیرستان سال سوم نظام جدید، مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی می‌باشد. میرحیدر ۵۲ عنوان مقاله به زبان فارسی و ۸ عنوان مقاله به زبان انگلیسی را به چاپ رسانده است. وی همچنین ۳۷ عنوان سخنرانی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی و بین‌المللی دارد. راهنمایی بیش از ۲۱ پایان‌نامه و رساله دکتری و کارشناسی ارشد را در فعالیت‌های پژوهشی خود دارد. آثار: اصول و مبانی جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: تألیف، مخصوص دانشجویان پیام‌نور، چاپ اول آزمایشی پاییز ۱۳۷۰، چاپ دوم ۱۳۷۱ انتشارات دانشگاه پیام‌نور ۲ اصول و مبانی جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: تألیف، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۴۷ چاپ دوم با تجدید نظر ۱۳۵۱، چاپ سوم با تجدید نظر ۱۳۵۴، چاپ چهارم ۱۳۵۸۳ ایران و ویژگی اثر: تألیف، علاوه بر دکتر میرحیدر ۲ نویسنده انگلیسی نیز در تألیف کتاب "ایران" نقش داشته‌اند و این کتاب در حال حاضر کتاب درسی دانش‌آموزان دبیرستانی آمریکا، انگلیس و کانادا است. ۴ جغرافیای سیاسی برای دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان، نظام جدید و ویژگی اثر: تألیف، چاپ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش، سال تحصیلی ۱۳۷۱-۷۲ با تجدید نظر در سالهای ۱۳۷۳-۷۴۵ جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا و ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: در بین جوامع دانشگاهی و دانشجویان جای کتابی که درباره جغرافیای سیاسی باشد، خالی و نیاز مبرم به آن محسوس بود، کتاب حاضر که اصل آن به زبان انگلیسی است و دو نفر متخصص فن آن را نگاه داشته‌اند تا حدود زیادی این خلاء را جبران کرده و احتیاج دانش‌پژوهان را پاسخ گفته است و از ویژگیهای ترجمه آن است که مترجم اشتباهات مولفان را در پابرگها یاد آور شده و نیز کلیه نامها که در اصل کتاب لاتین شده و در نقشه‌های موجود عربی است، معادل عربی آنها نوشته شده است. ترجمه و تحقیق نویسندگان آلاسدا در ایسدل و جرالداچ بلیک، ۶ جهان سوم و کشورهای پیشرفته و ویژگی اثر: ترجمه، نویسنده چتربی، انتشارات موسسه تحقیقات علوم اجتماعی ۱۳۴۹۷ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات سازمان جغرافیایی، بهمن ۱۳۷۹، این کتاب که با همکاری دکتر رحیم صفوی صورت گرفته کتاب برگزیده دانشگاه‌های ایران شد و سپس به عنوان کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد. ۸ گرایش تازه در جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: ترجمه، نویسنده پرسکات، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۸۹ مبانی جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: تألیف، انتشارات سازمان مطالعات و تدوین (سمت) تهران، چاپ اول ۱۳۷۱، چاپ سوم با تجدید نظر کامل در سال ۱۳۷۳، تجدید نظر کامل در سال ۱۳۸۰ و چاپ دوازدهم مفاهیم بنیادین در جغرافیای سیاسی و ویژگی اثر: انتشارات سازمان جغرافیایی ۱۳۸۶

نگهبان، عزت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزت الله نگهبان در سال ۱۳۰۴ در اهواز به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به تحصیل در رشته باستانشناسی، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته و در سال ۱۳۳۵ موفق به دریافت درجه دکترا گردید. پس از بازگشت از آمریکا در سال ۱۳۳۶ به سمت دانشیار رشته باستان شناسی، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۳۸ موفق به تاسیس موسسه باستان شناسی در دانشگاه تهران شد. نگهبان علاوه بر مشاغل دانشگاهی، به مشاغل دیگری نیز همچون معاون فنی اداره کل باستان شناسی، مشاور فنی وزارت فرهنگ ایران، مشاور عالی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و ... منصوب گردید. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی همسر و فرزندان: همسر

عزت الله نگهبان یک امریکایی بنام میریام لوئیس میلر **Miriam Lois Miller** دانشجوی کتابداری دانشگاه شیکاگو بود. وقایع میانسالی: عزت الله نگهبان در طول اقامت و تحصیل در شیکاگو در اینترناشینال هاوس در نزدیکی دانشگاه زندگی می کرد و در همین مکان با دختری به نام میریام لوئیس میلر (دانشجوی کتابداری)، آشنا شد و با وی ازدواج کرد. وی پس از بازگشت به ایران به استخدام دانشگاه تهران در آمد. و در سال ۱۳۴۵ با اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران به درجه استادی ارتقا یافت. او پس از سالها خدمت در ۱۳۵۷ بازنشسته شد و به فیلادلفیای امریکا عزیمت نمود و پس از آن به چاپ گزارشی نهایی فعالیت های باستان شناختی خود مشغول شد. البته وی از آن پس بعنوان راهنمای بخش موزه دانشگاه پنسیلوانیا مشغول می باشد. زمان و علت فوت: عزت الله نگهبان، پدر باستان شناسی مدرن ایران که به بیماری آلزایمر و پارکینسون نیز مبتلا بود، به گفته "بهن نگهبان" فرزندش، روز ۱۴ بهمن ۸۷ در آمریکا، بدرود حیات گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: استاد باستان شناسی دانشگاه تهران، مهندس حفار اصلی در تپه مارلیک در ۲-۱۹۶۱ م. / ۴۰-۱۳۳۹ هـ.ش مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تهران (۱۳۵۶-۱۳۴۶)، موسس و رئیس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران (۵۶-۱۳۳۶ هـ.ش)، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۵۷-۱۳۵۴)، مشاور فنی اداره باستان شناسی (۱۳۴۷) فعالیتهای آموزشی: عزت الله نگهبان پس از بازگشت از امریکا با درجه دانشیاری به استخدام دانشگاه تهران در آمد و با اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ به درجه استادی ارتقا یافت. وی از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تهران بود. مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می آید: عزت الله نگهبان در ۱۹۵۸ م. / ۱۳۳۶ هـ.ش موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران را بنیان گذاشت. وی با ایجاد کارگاه دائمی در دشت قزوین برای فعالیتهای دانشجویان گام موثری در روند پیشرفت آنها داشت. سایر فعالیتهای او برنامه های روزمره: عزت الله نگهبان همواره یکی از سرسخت ترین مدافعان برنامه های منظم کردن فعالیت های مربوط به باستان شناسی بود و برخی وی را دشمن بزرگ قاچاقچیان و دلالان عتیقه در ایران می دانستند. وی همواره در پی مبارزه علیه قاچاق میراث فرهنگی بود و در ۱۳۴۷ نقشی اساسی در تصویب قطعنامه ای در محکوم کردن قاچاق و فروش اشیای عتیقه داشت. شاگردان: شاگردان عزت الله نگهبان، امروز همگی از بزرگان باستان شناسی و هنر ایران بشمار می روند و عبارتند از: یوسف مجید زاده، محمد رحیم صراف، علی اکبر سرفراز، مهدی رهبر، صادق شه میرزادی، یوسف نقیب زاده، محمد یوسف کیانی، پرویز ورجاوند. همفکران فرد: رابرت بریدوود و همکارانش از جمله فرانک هول، کنت فلانری، پتی جودانسون و برروس هاو، در دهه ۱۹۶۰ به دعوت دکتر نگهبان به ایران آمده بودند تا درباره آغاز روستانشینی و توسعه اقتصاد معیشتی بر پایه کشاورزی در ایران تحقیق و حفاری کنند او در این راه با آنان شریک مساعی نمود. جوایز و نشانها: در ۲۳ ماه مه ۱۹۹۹ م. اردیبهشت ۱۳۷۷ دکتر نگهبان که مسئول گروه خاورمیانه ای موزه دانشگاه پنسیلوانیای امریکا بود، طی مراسم افتتاح نمایشگاه گنجینه مارلیک در موزه ملی ایران (موزه ایران باستان سابق) از سوی سازمان میراث فرهنگی ایران بزرگترین جایزه فرهنگی باستان شناسی را دریافت نمود. چگونگی عرضه آثار: عزت الله نگهبان آثار خود را در آغاز از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی و پس از عزیمت به امریکا توسط انتشارات موزه دانشگاه پنسیلوانیا (university Museum Publications) منتشر نمود. از وی چندین کتاب بیش از ۷۰ مقاله مهم علمی در زمینه باستان شناسی به چاپ رسیده است.

ویژگی اثر: حفاریهای دکتر نگهبان در مارلیک و هفت تپه بی سابقه بوده است و نخستین کاوشهایی که درباره تاریخ ایلام میانه و نیز تحقیقات وی درباره فرهنگ های هزاره اول شمال ایران (مارلیک) بی نظیر و گشاینده رشته جدیدی در تحقیقات باستان شناسی ایران است. ۲. A Brief Report on the Excavation of Marlik Tepe and Pileh Qaleh و ویژگی اثر: Iran (۲:۱۳-۱۹۳ A Brief Report on the Painted Building of Zaghe (Late ۷th-Early ۶th Millemium BC و ویژگی اثر: ۵:۲۳۹-۲۵۰.۴ A Guide of Haft Tepe Excavation and Museum. Paleorient و ویژگی اثر: Tehran: General Department of Museum. Ministry of Culture and Art. ۵. Archaeological A Survey of Persian Art ۱۴b:۲۹۳۰-۲۹۳۳. Arthur U. Pope و ویژگی اثر: ۱۹۳۵-۱۹۶۰. Activities in Iran, High Conclil of Culture و ویژگی اثر: (ed, Oxford: Oxford University Press.) ۶. Archaeology of Iran and Art Publications, Vol. ۱۸. Tehran Architecture of Haft Tepe and Art Publications, Vol. ۱۸. Tehran ۷. and ویژگی اثر: ۶:۹-۲۹.۸ Brief General Report on Third Season of Excavation of Haft Tepe Memoria Volume of the Vth International Congress on Art and: ویژگی اثر: ۱۱th-۱۸th of April, ۱۹۶۸. Special Publication of the Ministry Culture and Arts, Vol. ۱. ۱۵۳-۱۶۳. ۹ Brief Report on Haft Tepe Excavation, ۱۹۷۴ و ویژگی اثر: Proceedings of the ۳rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, : F.Bagherzadeh (ed). ۱۷۱-۱۷۸. Tehran: Center for Archaeological Research. ۱۰. Brief Report on the Excavation of Haft Tepe and Art Publications, Vol. ۱۱. ۱۷۵-۱۷۹. ۱۱ Clay Hman Figurines from Zaghe و ویژگی اثر: ۱۰:۱-۲۰. ۱۲ Die elamische Siedlung Hft Tepe و ویژگی اثر: Zeitschrift fur Archaeologie und Kulturgeschichte, Heft ۲:۴۲-۴۸. ۱۳ Excavation at Marlik and Art Publications, Vol. ۱۲. ۱۱۳-۱۱۷. ۱۴ Excavations at Haft Tepe, Iran و ویژگی اثر: Philadelphia: University: ۵:۲۲۰-۲۲۲. Prague. ۱۵ Further Finds from Marlik and Art Publications, Vol. ۱۳. ۱۱۱-۱۱۳. ۲۰ Marlik, A و ویژگی اثر: Museum of Archaeology and Anthropology. ۱۶ Haft Tepe Roundels, an Example of Middle American journal of Archaeolog ۸۸:۳-۱۰. ۱۷ Horse and Mule Figurines و ویژگی اثر: ۲۸۷-۳۰۹. ۱۸ Maceheads from Marlik and Art Publications, Vol. ۱۴. ۳۶۷-۳۷۸. ۱۹ Metal Vessels from Marlik. Prahistorische و ویژگی اثر: American Journal of Archaeology ۲(۳). Munich: Verlag C.H.Beck. ۲۰ Man and Beasts in Pottery from Rudbar, ۱۹۶۱-۶۲. و ویژگی اثر: Preliminary Report on Marlik Excavation, Gohar Rud Expedition and Art Publications, Vol. ۱۵. ۵۸-۷۹. ۲۲ Marlik: The Complete و ویژگی اثر: the Second Millennium Excavation Report و ویژگی اثر: ۲ Vols. Philadelphia: University of Pennsylvania [علیزاده، مجید زاده و ملک شه میرزادی، باستان شناسی و هنر ایران (۳۲ مقاله در بزرگداشت دکتر عزت ا.. نگهبان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

The UNESCO Courier, صص هفده- نوزده [۲۳ Masterpieces from a Forgotten Kingdom ویژگی اثر :
 In, Essays in : Jonne, pp. ۱۶-۲۱.۲۴ Mosaic, Glass and Frit Vessels from Marlik ویژگی اثر :
 Ancient Civilization Presented to Helene J.Kantor. Studies in Ancient Oriental Civilizations
 ۴۷: ۳۴-۳۷. Alan Leonard and Bruce Williams (eds). Chicago: Oriental Institute.۲۵ Mound of
 : Golden Eggs ویژگی اثر : Time Magazine, January ۱۲, p.۶۰.۲۶ Near Eastern Prehistory :
 with R. J. Braidwood and b.Howe) Schience ۱۳۱ (۳۴۱۲): ۱۵۳۶-۱۵۴۱.۲۷ Notes on some objects)
 Journal of Near Estern Studies ۲۴-(۴):۳۰۹-۳۲۷.)۲۸ Pendants from Marlik : ویژگی اثر :
 Expedition ۳۱ (۱): ۲۶-۳۹.۳۰ : Iranica Antiqua ۲۴: ۱۷۵-۲۰۸.۲۹ Persian Calligraphy : ویژگی اثر :
 Archaeologische Mitteilngen aus : ویژگی اثر : Pottery and Bronze Human Figures of Marlik
 : Iran ۱۲:۱۵۷-۱۷۳.۳۱ Preliminary Report of Qazvin Expedition: Excavations at Zaghe
 Qabrestan and Sagzabad, ۱۹۷۱-۷۲. Marlik ۲:۳۳-۵۲.۳۲ Preliminary Report of the Excavation of
 Memorial Volume of the VI th International Congress on Art and : ویژگی اثر :
 Sagzabad Archaeology, Tehran, ۱۹۷۶: ۲۴۷-۲۷۲.۳۳ Preliminary Report on the Excavation of Sagzabad,
 Marlik ۱:۱-۲۰ (Journal of the Institute and Department of : ویژگی اثر : ۱۹۷۰ Season
 Archaeology, Faculty of Letters and Human Sciences, University of Tehran).۳۴ Relative
 A Survey of persian Art ۱۴:۲۹۳۰-۲۹۳۳. : ویژگی اثر : Prehistoric Chronology of Iranian Plateau
 Arthur U. Pope (ed). Tehran: Soroush Press.۳۵ Report of the v th Congress of Iranian Art
 Acten des VII Internationalen Kongresses fur iranische Kunst : ویژگی اثر :
 und Archaologie, Munchen, ۷-۱۰ september ۱۹۷۶. Archaologische Mitteilungen aus Iran
 Ergänzungsband ۱۰:۶۴۵-۶۴۶.۳۶ Report of the Vith International Congress of Iranian Art and
 A Survey : ویژگی اثر : Marlik ۱:۳۳-۳۷.۳۷ Sagzabad Excavations, ۱۹۷۰-۱۹۷۱ : ویژگی اثر :
 Archaeology of Persian Art ۱۵:۳۴۱۳-۳۴۱۹. Arthur U. Pope (ed. .Tehran: Soroush Press).۳۸ Seal Impressions
 south Asian Archaeology studies. Grgory : ویژگی اثر : on a Jar-Stopper from Haft Tepe
 Marlik ۲:۱-۲۳.۴۰ Seals of Marlik : ویژگی اثر : Possehl (ed.): ۸۷-۹۹.. New Delhi.۳۹ Seals from Marlik
 Acten des VII Internationalen Kongresses fur iranische Kunst und Archaologie, : ویژگی اثر :
 Munchen , ۷-۱۰ September ۱۹۷۶. Archaologische Mitteilunen aus Iran Ergänzungsband ۱۰-
 Iranica : ویژگی اثر : ۱۰۸-۱۳۷.۴۱ Silver Vessel of Marlik with Gold Spout and Impressed Designs
 Varia, Papers in Honor of Professor Ehsan Yarshater. ۱۴۴.۱۵۱. Leiden: Brill.۴۲ The Artists of
 Viewpoint, October, pp.۲۱-۲۴.۴۳ The Gold Vase With the Story of Life : ویژگی اثر :
 Journal of the Faculty of Letters and Human Sciences ۲۳ (۱-۲) : ۴۲-۶۷. Tehran : اثر :
 Illustrated London News, May : ویژگی اثر : Universty.۴۴ The Goledn King of the Marlik Acroolis
 Contribuyion a L'histoire de l'Iran, : ویژگی اثر : ۸, pp. ۲۶-۲۷.۴۵ The Haft Tepe Bronze Plaque
 Melanges offerts a Jean Perrot:۱۳۷۱۴۲. Paris:Edition Recherche sur les Civilisations.۴۶ The

Horizon, November, pp.۱۰۰-۱۰۴.۴۷ The Seals of Marlik Tepe : ویژگی اثر :
 ویژگی اثر : Journal of Near Eastern Studies ۳۶(۲): ۸۱-۱۰۲.۴۸ The Treasures of Marlik :
 Bulletin of : Archaeology ۱۸ (۲):۱۰۹-۱۱۲.۴۹ The Wonderful Gold Treasures of Marlik
 the Anjoman Farhang Iran Bastan ۱:۳۱-۴۱.۵۰ Weapons from Marlik. Archaologische
 Mitteilungen aus Iran (Er. ۱۶. Berlin. ۵۱ الواح سومری (تالیف) ویژگی اثر : سخن، دوره سیزدهم، شماره ۳، ص
 ۳۷۳-۳۷۱.۵۲ تخت سلیمان (تالیف) ویژگی اثر : راهنمای کتاب، (نشریه انجمن کتاب ایران)، دوره پنجم، شماره ۱۲-۱۱. ص
 ۱۰۵۶-۱۰۵۴.۵۳ تمدنهای پیش از تاریخ ایران (تالیف) ویژگی اثر : سخن، دوره دوازدهم، شماره ۱۲-۱۱، ص ۱۲۶۰-۱۲۵۷۵۴ جام
 سه هزار ساله مارلیک با نقش اسب شاخدار (تالیف) ویژگی اثر : هفتاد مقاله: ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی،
 گردآورنده یحیی مهدوی، ایرج افشار، تهران: اساطیری، می ۳۲-۱۵.۵۵ جام طلای افسانه زندگی مکشوفه در حفاری مارلیک
 (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره پیاپی ۹۴-۹۳، ص ۶۷-۶۲.۵۶-۴۲ جام مارلیک:
 حیثیت هنر ایران (تالیف) ویژگی اثر : دستاورد (نشریه سازمان صنایع دستی ایران)، شماره ۱۰، ص ۳۵ و ۱۲-۷.۵۷ حفاری باستان
 شناسی (تالیف) ویژگی اثر : مجله تحولات و پیشرفتهای دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران)، ص ۲۹-۲۵.۵۸ حفاری در هفت تپه،
 دشت خوزستان (تالیف) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. [علیزاده، مجید زاده، ملک شه میرزادی، باستان شناسی
 و هنر ایران، صص هفده- نوزده] از این گذشته. پایان نامه‌ی فوق لیسانس دکتر نگهبان تحت عنوان «سیر سفال نخودی رنگ در
 خوزستان» زیر نظر دونالد دمک کان در ۱۳۳۳ در دانشگاه شیکاگو نگاشته دفاع شد. [باستان پژوهی (ویژه نامه‌ی سمینار نقش
 دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور)، زمستان ۱۳۷۹، ص ۳۱] ۵۹ حفاری دشت قزوین فصلهای ۱۳۵۱-۱۳۵۰.
 (تالیف) ویژگی اثر : مارلیک، شماره ۲، ص ۵۲-۳۳.۶۰ حفاظت و مرمت آثار باستانی و شهرهای تاریخی (تالیف) ویژگی اثر :
 مجله اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی (دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران)، ص ۹۵-۹۱.۶۱ حفاریات مارلیک
 (تالیف) ویژگی اثر : نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره ۱، ص ۴۱-۳۱.۶۲ راهنمای موزه و حفاری هفت تپه (تالیف) ویژگی
 اثر : انتشارات اداره کل موزه ها، وزارت فرهنگ و هنر. ۶۳ شهرسازی و شهرنشینی از هزاره چهارم تا هزاره اول قبل از میلاد
 (تالیف) ویژگی اثر : نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، ص ۵۱-۲۲.۶۴
 ظروف فلزی مارلیک، حفاری مارلیک سالهای ۴۱-۱۳۴۰ (تالیف) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ۶۵ کتیبه
 بزرگ سنگی هفت تپه: اهمیت حفاری هفت تپه در تاریخ گذشته ایران (تالیف) ویژگی اثر : هنر و مردم، شماره ۶۶، ص ۱۴-۸.۶۶
 کنگره تمدنهای باستانی دشت جنوب غربی ایران (تالیف) ویژگی اثر : آینده، دوره دوازدهم، شماره ۶-۴، ص ۲۴۸-۲۴۴.۶۷
 کنگره تمدنهای باستانی دشت جنوب غربی ایران (تالیف) ویژگی اثر : آینده، دوره دوازدهم، شماره ۶-۴، ص ۲۴۸-۲۴۴.۶۸
 گزارش دو ماهه عملیات حفاری منطقه سگز آباد (تالیف) ویژگی اثر : مارلیک (نشریه موسسه و گروه باستان شناسی دانشگاه
 تهران)، شماره ۱، ص ۲۵-۱.۶۹ گنجینه مارلیک (تالیف) ویژگی اثر : ماهنامه فرهنگ، شماره ۱، ص ۱۷-۱۲.۷۰ مارلیک . گنجینه
 ای از هنر ایران باستان (تالیف) ویژگی اثر : مهر، شماره ۴۸، ص ۵۷-۵۶، ۵۲، ۹-۸.۷۱ مارلیک: گزارش مقدماتی حفاریات چراغعلی
 تپه (تالیف) ویژگی اثر : هیئت حفاری رودبار، ۴۱-۱۳۴۰، انتشارات مخصوص وزارت فرهنگ، چاپ دوم ۱۳۵۶.۷۲ مختصری
 درباره حفاری مارلیک (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره ۲، ص ۲۳۵-۱۴۵.۷۳
 معماری هفت تپه (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره پیاپی ۹۸-۹۷، ص ۷۳-۱.۷۴
 مقدمه ای بر تمدن و تاریخ ایلام (تالیف) ویژگی اثر : تاریخ (نشریه گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
 تهران)، شماره ۲، ص ۱۵۸-۹۱.۷۵ نظری به کوششهای باستان شناسی در ایران (تالیف) ویژگی اثر : فرهنگ و زندگی (نشریه

دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر)، شماره ۶، ص ۹۶-۱۰۱.

کشاورزی

احمدی، رضانعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رضانعلی احمدی متولد سال ۱۳۱۸ ه.ش دارای دکتری رشته گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر افت سن بر جو و سرو مزارع گندم بهاره می باشد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکی-تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر رضانعلی احمدی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و کتری رشته گیاه پزشکی از دانشگاه کالیفرنیا می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر رضانعلی احمدی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر رضانعلی احمدی در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر رضانعلی احمدی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی درد انشگاه شیراز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر رضانعلی احمدی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه دامپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شیراز است. فعالیتهای آموزشی: دکتر رضانعلی احمدی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر رضانعلی احمدی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر رضانعلی احمدی از جمله گیاه پزشکیانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره تاثیر آفت سن بر جو و سرو مزارع گندم بهاره انجام داده است. آثار: تاثیر آفت سن بر جو و سرو مزارع گندم بهاره

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

ارشاد، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جعفر ارشاد در سال ۱۳۱۵ در گرگان دنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی از دانشگاه فنی برلین - آلمان در اواخر سال ۱۳۴۹ است. وی استاد پژوهش پایه ۳۱ موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور بود که در سال ۱۳۸۶ به درخواست شخصی به افتخار بازنشستگی نائل آمد. گروه: کشاورزپرشته: بیماری شناسی گیاهیگرایش: قارچ شناسیوالدین و انساب: پدر جعفر ارشاد حیدرقلی ارشاد و نام مادر محترمشان نرگس ترزئی بود. برادران و خواهران تنی و ناتنی ایشان به ترتیب زیر است:

برادران تنی : امین و حسین برادران ناتنی : زیدالله و محمد رضا خواهران ناتنی: جهان سلطان و منصوره خاطرات کودکی : جعفر ارشاد از دوران کودکی خود بجزء بازیها و سرگرمیهای کودکانه چیز زیادی به یاد ندارد. ایشان از خاطرات آن دوران چنین می گویند: "به یاد دارم در تابستان که هوا که گرم بود مادرم بعد از نهار ما (من و برادرم) را وادار به خواب و استراحت می کرد. ولی جذابیت بازیها مانع از خوابیدن می شد و بمحض خوابیدن مادر از درب و پنجره به بیرون می رفتیم ناگفته نماند که کهگاهی هم قبل از خروج از منزل گیر می افتادیم". از خاطرات تلخی که دکتر ارشاد بیاد دارد از دست دادن مادر خود در تابستان سال ۱۳۲۸ بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جعفر ارشاد در خانواده ای از نظر اقتصادی در وضع مطلوب نبود پدرش کشاورزی بود و در باغهای استیجاری به کار می پرداخت. تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ارشاد دوران ابتدایی را از سال ۱۳۲۳-۱۳۲۹ را در دبستان فردوسی گرگان سپری کرد. مقطع متوسطه را از سال ۱۳۲۹-۱۳۳۵ در دبیرستان ایرانشهر گرگان در رشته طبیعی گذراندند و دیپلم اش را گرفت. ایشان دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد از سال ۱۳۳۹-۱۳۳۵ در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در رشته دفع آفات (گیاه پزشکی) است. وی دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی گرایش قارچ شناسی خود را از سال ۱۳۴۵-۱۳۴۹ از دانشگاه برلین آلمان اخذ کردند. خاطرات و وقایع تحصیل : جعفر ارشاد از دوران تحصیل خود چندین خاطره را به یاد دارد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم : یکی از خاطرات دکتر ارشاد این بود که وی به همراه یکی از همکلاسیهایش تصمیم به وارد شدن به دانشسرای مقدماتی کردند . با آن که درس دکتر نسبت به همکسلایش خوب ولی به پیشنهاد وی از مطالعه زیادی جهت امتحان ورودی الزامی نبود غافل از این که او خودش سخت به مطالعه پرداخت و در امتحان ورودی قبول شد و دکتر ارشاد از راهیابی به دانشسرای مقدماتی باز ماند. از دیگر خاطرات دکتر ارشاد ،تصمیم وی برای ثبت نام در دبیرستان نظامی بود که با مخالفت پدر و مادر بزرگش مواجه شد و از این تصمیم خود منصرف شد. از دیگر خاطرات خوب اش قبولی در دانشکده کشاورزی تهران بود .فعالتهای ضمن تحصیل : جعفر ارشاد در کنار تحصیل تابستانها در کنار پدر به کشاورزی می پرداخت و گاهی اوقات به میوه فروشی روی می آورد بطوری که بی کاری برای ایشان مفهومی نداشت. در مقطع دکتری کارمند رسمی موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور بود. استادان و مربیان : دکتر حسن مهدوی اردبیلی ، دکتر منجمی (فیزیک)، دکتر حسن شیبانی (باغبانی)، مهندس مفیدی (گلکاری)، دکتر بحری (دامپروری)، مهندس انتظام (زمین شناسی) دکتر اسماعیل زاهدی (گیاه شناسی)، دکتر محمود شجاعی (جانور شناسی) و غیره در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و پروفیسور لیمبرگ، پروفیسور کریسچ ،پروفیسور فریدل و غیره از اساتید در مقطع دکتری جعفر ارشاد می باشند. هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر قوام الدین شریف ،مرحوم مهندس خلیل دهیار ،مهندس ناصر زالیپور ،مهندس بهمن امانی ،مهندس رحمانی ،دکتر فیروز ابراهیم نسبت ،مهندس پرویز طاهریان و غیره از همکاران جعفر ارشاد می باشند. همسر و فرزندان : جعفر ارشاد در سیزدهم آبان با سرکار خانم زبیده کلانتری از دواج کردند. ماحصل این ازدواج سه فرزند به اسامی ملاحظت ،مریم و لیلی است که همگی دارای تحصیلات دانشگاهی و متاهل هستند. وقایع میانسالی : از تلخ ترین وقایع بوقوع پیوسته برای جعفر ارشاد از دست دادن فرزند اولش (ملاحظت) در سال ۱۳۸۲ بود که تاثیر روحی بدی روی خانواده وی به همراه داشت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ارشاد کار خود را به عنوان محقق در موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور وابسته به جهاد کشاورزی از سال ۱۳۴۱ شروع کرد و تا زمان بازنشستگی (۱۳۸۶) به این کار ادامه داد. هنگام بازنشسته گی عضو هیئت علمی با مرتبه استاد پژوهش پایه ۳۱ بود. در سال ۱۳۵۸ رئیس بخش تحقیقات گیاه شناسی در موسسه ذکر شده بودند و تا تاریخ بازنشستگی در این پست اشتغال داشتند. در سال ۱۳۵۸ همچنین به سرپرستی موسسه تحقیقات گیاه پزشکی منصوب گشت و تا سال ۱۳۶۲ این سمت را هم دارا بود. در سال ۱۳۶۰ همزمان پست معاون تحقیقات در سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی را تا سال ۱۳۷۱ نیز بر عهده داشتند. از دیگر سمت های دکتر ارشاد می توان به چند مورد زیر نیز اشاره کرد: - مدیر مسئول نشریه بیماریهای گیاهی - سردبیر نشریه رستینها - عضو هیئت تحریریه نشر

علمی پژوهشی علوم کشاورزی - عضو کمیته فیتو فتورا - مربوط به اتحادیه بین المللی انجمن های بیماریهای گیاهی در دو دوره ۱۹۸۳-۱۹۸۸ و ۱۹۸۸-۱۹۹۲ - عضو کمیته آسیایی در اتحادیه بین المللی قارچ شناسی از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ - رئیس کنگره بین المللی قارچ شناسی آسیا ۲۰۰۱ فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس جعفر ارشاد به شرح زیر است: - چهارده نیم سال تحصیلی در رشته قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی در مقطع کارشناسی در دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی بین سالهای ۱۳۵۶-۱۳۶۲ - دو نیم سال تحصیلی در رشته قارچ شناسی در مقطع دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ - هشت نیم سال در مقطع کارشناسی ارشد و دو نیم سال در مقطع دکتری در رشته قارچ شناسی در واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جعفر ارشاد در اعتلای بخش تحقیقات رتینها در موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور سهم قابل توجه ای داشته است. وی همچنین عضو موسس و عضو انجمن بیماری شناسی گیاهی ایران می باشد. جوایز و نشانها : - تشویق کتبی از وزیر کشاورزی بدلیل انجام تحقیقات قارچشناسی و نگارش کتاب "قارچهای ایران" در سال ۱۳۵۶ - تشویق کتبی از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی بدلیل سعی در پیشبرد اهداف سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۶۴ - تشویق کتبی از رئیس موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی به مناسبت ارائه گزارش طرحهای تحقیقاتی در سال ۱۳۵۶ - لوح تقدیر از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات کشاورزی به مناسبت انتخاب شدن به عنوان محقق نمونه در سال ۱۳۷۴ - لوح تقدیر از وزیر کشاورزی به عنوان محقق نمونه وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۴ - تقدیر کتبی از وزیر کشاورزی به مناسبت تالیف کتاب "قارچهای ایران" در سال ۱۳۷۴ - لوح تقدیر از معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهشهای علمی کشور به مناسبت برگزیده شدن یکی از مقالات تحقیقاتی به عنوان مقاله تحقیقاتی نمونه سال ۱۳۷۴ - تقدیر کتبی از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به مناسبت مطلوب بودن نتایج تحقیقات در سال ۱۳۷۸ - لوح تقدیر از علوم تحقیقات و فناوری به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشگر نمونه سال ۱۳۸۰ وزارت جهاد کشاورزی - تقدیر نامه از معاون پژوهش و برنامه ریزی دفتر همکاریهای فناوری در نهاد ریاست جمهوری به مناسبت انتخاب پژوهشگر نمونه کشور در سال ۱۳۸۰ - لوح تقدیر از رئیس جمهور به مناسبت کسب رتبه دوم تحقیقات کاربردی در پانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۰ - لوح تقدیر از COMSTECH در فوریه ۲۰۰۲ - دریافت نشان درجه ۳ پژوهش کشور از ریاست جمهور در سال ۱۳۸۳ - لوح تقدیر از رئیس موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی به مناسبت تلاش در امر تحقیقات در سال ۱۳۸۳ - لوح تقدیر از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی به مناسبت تلاش در امر تحقیقات در سال ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار : - تعدا پایان نامه های کارشناسی ارشد راهنمایی شده توسط جعفر ارشاد : ۱۳ پایان نامه - تعدا پایان نامه های دکتری راهنمایی شده : ۱۸ پایان نامه - تعداد مقالات چاپ شده و ارائه شده : بیش از ۱۳۶ مقاله - معرفی و نام گذاری ۲۳ اریه قارچ برای اولین بار در سطح دنیا - معرفی حدود ۵۰۰ گونه قارچ برای اولین بار در ایران

آثار : قارچهای ایران ویژگی اثر : تالیف-چاپ دوم

استوان، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر هادی استوان در سال ۱۳۴۶ در شهرستان کازرون بدنیا آمد. وی دارای مدرک دکترای رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (در سال ۱۳۷۶) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس می باشد. گروه: کشاورزپرشته: حشره شناسیگرایش: کنه شناسی، حشرات آبی، IPM، والدین و انساب: نام پدر هادی استوان، علی و به حرفه کشاورزی مشغول است و مادر محترمشان بانو سکینه دهقانی نام دارد. ایشان پنج برادر و سه خواهر دارد. خاطرات کودکی: هادی استوان علاقه زیادی به طبیعت و موجودات پیرامون خود داشته و به شگفتیهای آفرینش و زندگی جانداران و گیاهان از همان دوران کودکی علاقه مند بوده است. این علاقه باعث شد وی به تحصیل در رشته حشره شناسی روی بیاورد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: به گفته خودشان، دارای همسری بی نظیر و وفادار است و به همراه دو فرزند خویش زندگی بسیار خوب و آرامی دارد. او بیشتر موفقیتش را مدیون حمایتهای معنوی پدر و مادر خود و حمایتهای معنوی و فداکاریها و از خودگذشتگیهای همسر مهربانش در تمام طول زندگی می داند. دعاها، خیر پدر و مادر همیشه راهگشای زندگیش بوده است. پدر و مادر مهربان همسرشان همواره در خوشیها و ناخوشیهای زندگی همراه و همگامش بوده اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر هادی استوان به قرار زیر است: - دیپلم رشته تحصیلی تجربی از دبیرستان بستانپور کازرون در سال ۱۳۶۴ - کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی گیاه پزشکی از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۶۹ - کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه تربیت مدرس تهران و بورسیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۳ و نیز دارای مدرک مدرسی - دکترای (Ph.D) رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و بورسیه همان دانشگاه در سال ۱۳۷۶ (و کسب رتبه اول میان فارغ التحصیلان دکترای حشره شناسی) خاطرات و وقایع تحصیل: هادی استوان از دوران تحصیل در مقطع کارشناسی که مصادف با جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران بود خاطرات زیادی به یاد دارد. وی از آن دوران چنین یاد می کند: "با تمام وجود مشکلات خاص خودش با توجه به سابقه طولانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران و اساتید بسیار خوب و مجربی که در این دانشکده وجود داشت، باعث گردید که از میان ۱۵ نفر اعلام شده برای ورود به دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی دانشگاههای دولتی از سراسر ایران، نه نفر از جمله اینجانب از این دانشگاه باشند." فعالیت‌های ضمن تحصیل: هادی استوان در ضمن تحصیل تمامی وقت خود را در آزمایشگاه و کتابخانه دانشگاه می گذراند و به تحقیق و تدریس علاقه خاصی داشت. او دوره های مختلف آموزشی را در زمینه های کامپیوتر، مقاله نویسی، مدیریت، روانشناسی و غیره را گذرانده است. استادان و مربیان: دکتر محمود شجاعی، دکتر کریم کمالی، مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی، دکتر سیاوش تیرگری، دکتر ابراهیم باقری زوز، دکتر قدیر نوری قنبلانی، دکتر عزیز اله علیزاده، دکتر واهه میناسیان، دکتر ابراهیم سلیمانزادیان، دکتر جمشید حیاتی، دکتر قربان نورمحمدی، دکتر محمد سعید مصدق، دکتر حسین حجت و سایر اساتید دانشگاههای تهران، تربیت مدرس، شهید چمران اهواز و علوم و تحقیقات تهران از اساتید هادی استوان بوده اند. هم دوره ای ها و همکاران: هم دوره ایها: دکتر یعقوب فتحی پور، دکتر علی درخشان شادمهری، مهندس شهرام میر فخرایی، دکتر مهرداد عباسی، دکتر مهران غزوی، دکتر محمد حاجیان شهری، دکتر علیرضا صبوری، دکتر حسین صائب، مرحوم دکتر سید مهدی حسینی، دکتر حمید بلقیس زاده، دکتر آوید رضوی نعمت الهی و غیره - همکاران: دکتر محمود شجاعی، دکتر کریم کمالی، دکتر سیاوش تیرگری، دکتر قدیر نوری قنبلانی، دکتر یعقوب فتحی پور، دکتر سهراب ایمانی، دکتر قربان نورمحمدی، دکتر علیرضا صبوری، دکتر علی اصغر طالبی، دکتر سعید محرمی پور، دکتر حمیدرضا زمانی زاده، دکتر حمید رضا مژدهی و اکثر اساتید دیگر دانشگاههای ایران همسر و فرزندان: همسر هادی استوان، سرکار خانم شیدا نیاکان (متولد ۱۳۵۲) نام دارد. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای شادی استوان (متولد ۱۳۷۱) و هستی استوان (متولد ۱۳۸۰) می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای اجرایی و مدیریتی هادی استوان به قرار زیر است: - عضو هیئت علمی، بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم

و تحقیقات از سال ۱۳۷۶-۱۳۸۶ - عضو هیئت علمی و استاد حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس از سال ۱۳۸۶ تا کنون - رئیس پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۷۷-۱۳۸۱ - نایب رئیس دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۵ - رئیس بخش گیاه پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۵ - رئیس بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال ۱۳۸۴-۱۳۸۶ - رئیس بخش حشره شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، واحد علوم و تحقیقات فارس از سال ۱۳۸۶ تا کنون - عضو انجمن حشره شناسان ایران از سال ۱۳۶۸ تا کنون - عضو انجمن محیط زیست ایران از سال ۱۳۷۵ تا کنون - مدیر گروه گیاه پزشکی - مدیر کل امور پژوهشی - معاونت دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی - مدیر گروه حشره شناسی فعالیت‌های آموزشی: تدریس دروس مختلف در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری کارشناسی: کنه شناسی، مدیریت کنترل آفات، حشره شناسی عمومی کارشناسی ارشد: کنه شناسی تکمیلی، مرفولوژی حشرات، سیستماتیک حشرات، ناقلین عوامل بیماری‌زای گیاهی، مدیریت کنترل آفات، اکولوژی حشرات، کنترل بیولوژیک آفات دکتری: رفتارشناسی حشرات، حشرات آبی، رده بندی گروه‌های خاص حشرات و سایر بن‌دپایان‌مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: مراکزی که دکتر هادی استوان یکی از بنیان آن بوده است به قرار زیر می‌باشد: - تمامی مجموعه پژوهشی واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم تحقیقات تهران - گروه گیاهپزشکی واحد علوم و تحقیقات تهران - مرکز تحقیقات حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس - آزمایشگاه و گروه حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس - مجله علمی پژوهشی علوم کشاورزی - مجله گیاهپزشکی - انجمن کنه شناسی ایران سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر هادی استوان در کنار تدریس و تحقیق، در چند طرح تحقیقاتی به عنوان همکار و یا مجری طرح همکاری می‌کند شاگردان: دکتر احمد عطامهر، دکتر هادی کیادلیری، دکتر مسیح رزمجو، دکتر رضا وفایی شوشتری، دکتر حمید ساکنین چلاو، دکتر مجید فلاح زاده، دکتر سید ابراهیم کمالی کیوی، دکتر مهدی غیبی، دکتر حسن قهاری آهنگری کلایی، دکتر علیرضا جلالی زند، دکتر داوود شیردل ترکمبور، دکتر رضا جعفری، دکتر شیلا گلدسته، مهندس شهرام حسامی، مهندس جواد سروش، مهندس نازیلا اسقایی، مهندس رضا دامغانی، مهندس هادی دیدی، مهندس محمود مهرانیان، مهندس مجید میری و غیره از شاگردان و دانش‌آموختگان دکتر هادی استوان می‌باشند. آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مطالعاتی و پژوهشی هادی استوان به قرار زیر است: حشرات آبی، کنه شناسی کشاورزی، مبارزه بیولوژیک و کشاورزی پایدار جوائز و نشانها: - هیئت علمی برتر سال ۱۳۸۵، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران - پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۶، واحد علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی - رتبه اول مقالات در همایش منطقه ای کاربرد فناوری های نوین در کشاورزی - رتبه سوم یازدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی (همکار طرح تحقیقاتی کنترل بیولوژیک) چگونگی عرضه آثار: - استاد راهنمای بیش از ۳۴ رساله در مقطع کارشناسی ارشد - استاد راهنمای ۹ رساله در مقطع دکتری تخصصی - استاد مشاور بیش از ۵۰ رساله کارشناسی ارشد و دکتری - ۹۸ مقاله ارائه شده و چاپ شده در کنفرانسهای علمی و بین المللی داخلی و خارجی (در کشورهای سوئیس، چین، مغرب، هلند، مالزی، بلژیک، کانادا، فنلاند و غیره) - ۱۰۰ مقاله کامل چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی (دارای رتبه ISI) همراه با کشف و توصیف گونه های جدید کنه ها برای دنیا آثار: فهرست کنه های ایران ویژگی اثر: مولفان: دکتر کریم کمالی، دکتر هادی استوان، مهندس احمد عطا مهر. این کتاب ۱۹۲ صفحه به زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۱ چاپ شده است و دارای خلاصه فارسی می باشد. در این کتاب ۱۰۴۰ گونه که همراه با گونه های جدید برای ایران معرفی شده اند و یکی از رفرنسهای اصلی برای محققان داخلی و خارجی برای اطلاع از فون کنه های ایران است.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی اسمعیلی دارای دکتری گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی است. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی‌مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مرتضی اسمعیلی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. فعالیت‌های آموزشی: عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط مرتضی اسمعیلی به قرار زیر است: کارشناسی ارشد • رفتارشناسی حشرات آثار: حشره شناسی کشاورزی و ویژگی اثر: ترجمه-دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ۲ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی • اسمعیلی مرتضی "، یک فرمون جلب کننده برای پروانه کرم خراط و مبارزه مستقیم با آن در باغهای میوه،"، ۲۰-۲۱، ۱۳۷۸، • اسمعیلی مرتضی "، زمستان گذرانی سنگ در شرایط آب و هوایی همدان،"، ۱۱، ۱۳۷۸،
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>**اشکان، محمد**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدمحمد اشکان در سال ۱۳۲۱ در یزد دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته گیاه پزشکی به صورت کارشناسی ارشد پیوسته در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال ۱۳۴۱ موفق به اخذ مدرک فوق شد. او در سال ۱۳۵۸ دکترای کشاورزی رشته بیماری‌شناسی گیاهی را از دانشگاه مذکور دریافت نمود. ایشان عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی دانشگاه ولی عصر رفسنجان بود که در اواخر سال ۱۳۷۵ بازنشسته شد. ولی استاد از فعالیت‌های خود دست برنداشت و همکاری خود را با دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سر گرفت که تا کنون نیز ادامه دارد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی‌گرایش: بیماری‌شناسی گیاهیوالدین و انساب: پدر سیدمحمد اشکان، سیدابراهیم زاده روستای غرآباد (واقع در شش فرسخی یزد) است. او نزد استاد علی‌اکبر (دایی او) به شاگردی بنایی و معماری پرداخت بطوری که خود استادکار و معمار ماهری در یزد بود و تا آخر عمر خود چندین آب انبار، حسینیه و مسجد را تجدید بنا و یا بازسازی کرده بود. مادر سیدمحمد، همروستایی پدرش و خانه‌دار است. خاطرات کودکی: «تحصیلات شش ساله ابتدایی در دبستان مدیر طاهری یزد در شرف اتمام بود، برای فراغت از مدرسه ابتدایی و صدور گواهینامه پایان تحصیلات ابتدایی نیاز به چند قطعه عکس بود، عکاس را با آن دوربین صندوقچه ای که پرده سیاه و سه پایه بلندی به همراه داشت به صحن مدرسه می‌آوردند و از دانش‌آموزان عکس می‌گرفتند. دستور این بود که عکس با کت گرفته شود، بیشتر بچه‌های کلاس کت نداشتند. من کت یکی از دانش‌آموزان همکلاسی را گرفتم و عکس انداختم. عکس بسیار شیکی شده بود. یک نسخه از آن عکس هنوز به تصدیق کلاس ششم ابتدایی من الصاق و به مهر اداره فرهنگ یزد و به ریاست مرحوم معصوم‌خانی مهور است.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سیدمحمد اشکان در خانواده‌ای با شرایط مالی متوسط دنیا آمد. پدر خانواده به شغل بنایی اشتغال داشت. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی سیدمحمد اشکان به ترتیب زیر است: - شش سال تحصیل مقطع ابتدایی در دبستان مدیر طاهری و پنج سال از

شش سال تحصیلات دوره متوسطه در یزد - سال ششم دبیرستان در دبیرستان دارالفنون تهران - کارشناسی ارشد پیوسته در رشته گیاه پزشکی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ - دیپلم زبان انگلیسی از کانون زبان ایران (انجمن ایران و آمریکای سابق) در سال ۱۳۴۵ - دیپلم زبان آلمانی از انستیتوی گوته، گرافینگ آلمان غربی در سال ۱۳۴۷ - دکترای کشاورزی در رشته بیماری شناسی گیاهی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸ دوره‌های تحصیلی و کارآموزی: - دوره بازآموزی در زمینه بیماریهای گیاهی و قارچ شناسی در BBA آلمان، بمدت یکسال در سال ۱۳۴۸ - دوره تخصصی در زمینه بیماریهای درختان میوه در انستیتوی تحقیقات بیماریهای درختان میوه هایدلبرگ آلمان غربی بمدت سه ماه در سال ۱۳۵۴ فعالیت‌های ضمن تحصیل: سیدمحمد اشکان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی در سال ۱۳۴۱، در موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی که اکنون به موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور تغییر نام داده است، تا اواخر سال ۱۳۷۲ به فعالیت پرداخت. او عضو انجمن اسلامی بود و به ورزش‌هایی همچون بدنسازی علاقمند بود. استادان و مربیان: سیدمحمد اشکان از دوران تحصیل در دارالفنون تهران سه دبیر خود را بیاد دارد، صدیق اسفندیاری (فارسی)، موسی آذر نوش (ریاضیات) و فریدون کوشا(شیمی). در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دکتر مهدوی اردبیلی، انتظام، عطایی، دواجی و منوچهری از جمله اساتید وی بودند که در زندگی علمی سیدمحمد اشکان تاثیر بسزایی داشته‌اند. همسر و فرزندان: سیدمحمد اشکان متاهل و دارای همسر و سه فرزند می‌باشد. فرزند اول، پریسا (کارشناسی ارشد مشاوره خانواده- خانه‌دار)، فرزند دوم، علی (کارشناسی رشته الکترونیک) و فرزند آخر، میترا، در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت سیستم و بهره‌وری می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق خدمت در زمینه تحقیق و تدریس سیدمحمد اشکان به قرار زیر است: - از بهمن ماه سال ۱۳۴۱ در معاونت وزارت کشاورزی، موسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی مشغول به کار شد. از آن تاریخ تا خرداد ماه سال ۱۳۷۴ در آن موسسه مشغول پژوهش بود، یکسال مسئولیت معاونت و یک و نیم سال هم ریاست آن موسسه را برعهده داشت. - از خرداد سال ۱۳۷۴ به دانشگاه ولی عصر رفسنجان وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتقل و به عنوان عضو هیئت علمی، رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی مشغول کار و اواخر سال ۱۳۷۵ بازنشسته شد. - از مهر ماه سال ۱۳۷۷ تا کنون عضو هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین است و از بهمن ماه سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی آن دانشگاه به وی تفویض شده است. - از سال ۱۳۷۲ تا کنون در اجرای طرحهای تحقیقاتی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. عضویت در انجمن‌های علمی و برنامه‌های انتشاراتی: - عضو و یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران - عضو و دبیر هیئت تحریریه نشریه بیماریهای گیاهی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۷ - سردبیر مجله علمی- پژوهشی «بیماریهای گیاهی» بمدت ۱۸ سال - عضو هیئت تحریریه نشریه سازمان حفظ نباتات از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ - عضو کمیته کشاورزی جهاد سازندگی شمیران از سال ۱۳۵۸ بمدت سه سال - عضو کمیته برنامه‌ریزی تحقیقات و آموزش کشاورزی در سال ۱۳۵۸ - عضو کمیته فنی و طرحهای تحقیقاتی موسسه بررسی آفات از سال ۱۳۶۰ بمدت ۶ سال - عضو شورای انتشارات موسسه بررسی آفات از سال ۱۳۶۰ بمدت ۴ سال - عضو کمیته مشورתי ارتقاء گروه محققان موسسه بررسی آفات در سال ۱۳۵۸ - عضو کمیته برنامه ریزی ۵ ساله تحقیقات کشاورزی در سال ۱۳۶۷ - عضو کمیته بررسی کنندگان مقالات هشتمین تا آخر سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران - عضو کمیته ارتقاء پایه و مرتبه علمی اعضای هیئت علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به مدت دو سال - عضو هیئت مدیره انجمن بیماری شناسی گیاهی ایران از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس و فعالیت‌های آموزشی سیدمحمد اشکان در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به قرار زیر است: - تدریس بیماری شناسی گیاهی و بیماریهای درختان میوه در دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۴-۱۳۵۳ - تدریس بیماری شناسی گیاهی در دانشکده کشاورزی زنجان در سال تحصیلی ۱۳۵۸-۱۳۵۹ - تدریس بیماریهای گیاهی، بیماریهای درختان میوه، قارچ شناسی و

قارچ کشها در دانشگاه ولی عصر رفسنجان در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ - تدریس بیماریهای درختان میوه برای کارشناسان باغبانی بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۵۸ - تدریس بیماریهای گیاهی و قارچ شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سال ۱۳۷۷ تا کنون - تدریس بیماریهای مهم درختان میوه در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سال ۱۳۷۸ تا کنون. مراکز دیگری که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سیدمحمد اشکان یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران است. از دیگر مراکز که وی از بانیان آن می باشد می توان به انجمن بیماری شناسی گیاهی ایران، آزمایشگاه بیماری های درختان میوه در موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، آزمایشگاه قارچ شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا اشاره کرد. جوایز و نشانها: تشویقات و تقدیرات سیدمحمد اشکان به سبب انجام وظایف تحقیقی و تخصصی: - تشویق بخاطر ابراز لیاقت در اجرای طرحهای تحقیقاتی به وسیله رئیس وقت موسسه در سال ۱۳۴۶ - تقدیر بخاطر ابراز علاقه و همکاری ارزنده در تهیه و تدوین طرح جامع تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وقت وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر یزدی صمدی در سال ۱۳۶۰ - تقدیر بخاطر تصدی سرپرستی موسسه بررسی آفات توسط وزیر کشاورزی در سال ۱۳۶۳ - تقدیر به دلیل فعالیتهای ثمربخش در کمیسیون هماهنگی توسط معاون وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر توفیقی سه مرتبه در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۸ - تقدیر به سبب کوشش یک دوره سه ساله در کمیته فنی موسسه به وسیله رئیس وقت موسسه در سال ۱۳۶۷ - تقدیر بخاطر همکاری در تهیه و تدوین برنامه پنج ساله تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وزیر در امور تحقیقات، آقای دکتر توفیقی و نیز وزیر کشاورزی در سال ۱۳۶۸ چگونگی عرضه آثار: - تعداد ۲۰ طرح پژوهشی به عنوان همکار و مجری - گزارش های علمی هفت فقره - خلاصه مقالات ارائه شده در کنگره ها، ۱۴ فقره - مقالات علمی، پژوهشی، ۲۶ فقره - جزوه های درسی، ۷ فقره - کتب علمی منتشر شده، ۷ عنوان تصحیح و ویراستاری کتاب، ۱۱ مورد آثار: بیماریهای تا ویژگی اثر: ترجمه، ۳۴۴ ص، مرکز نشر دانشگاهی - ۱۳۷۴۲ بیماریهای توت فرنگی و ویژگی اثر: ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، ۳۹۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۴۳ بیماریهای درختان سیب و گلابی و ویژگی اثر: ترجمه، ۳۹۲ ص، مرکز دانشگاهی ۱۳۷۸۴ بیماریهای درختان میوه هسته دار و ویژگی اثر: ترجمه، ۳۵۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۱۵ بیماریهای مرکبات و ویژگی اثر: ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، ۳۷۶ ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۶۶ بیماریهای مهم درختان میوه در ایران و ویژگی اثر: تالیف، ۴۷۲ ص، آبیژ در سال ۱۳۸۵۷ فرهنگ اصطلاحات آبیاری و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۸ فرهنگ اصطلاحات بیماری شناسی گیاهی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۹ فرهنگ اصطلاحات ترویج و آموزش کشاورزی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۰ فرهنگ اصطلاحات جنگل و محیط زیست و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۱۱۱ فرهنگ اصطلاحات حشره شناسی کشاورزی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۰۱۲ فرهنگ اصطلاحات زراعت و اصلاح نباتات و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۱۳ فرهنگ اصطلاحات علوم باغبانی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۸۱۴ فرهنگ اصطلاحات علوم دامی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۵ فرهنگ اصطلاحات علوم و صنایع غذایی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۶ فرهنگ اصطلاحات ماشینهای کشاورزی و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۷۹۱۷ فرهنگ اصطلاحات مرتع و آبخیزداری و ویژگی اثر: تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم ۱۳۸۰۱۸ قارچ شناسی مقدماتی و ویژگی اثر: تالیف، ۲۳۱ ص، آبیژ (کتایران) در سالهای ۱۳۸۳ و

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

افتخار شاهرودی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فریدون افتخار شاهرودی دارای دکتری دامپروری و عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده کشاورزی / گروه علوم دامی دانشگاه فردوسی مشهد است. گروه: کشاورزیرشته: دامپروری و قایع میانسالی: فریدون افتخار شاهرودی پس از کسب دکتری دامپروری به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فریدون افتخار شاهرودی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد است. وی همچنین از تاریخ ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ مدیر گروه دامپروری دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. فعالیتهای آموزشی: عنوان دروس تدریس شده توسط فریدون افتخار شاهرودی: طرح آزمایشهای دامپروری اصلاح دام تکمیلی ۱ روشهای پیشرفته آماری اصلاح دام تکمیلی ۲ سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: فریدون افتخار شاهرودی در کنار تدریس به تحقیق و تدوین مقاله در زمینه های بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای و ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال خراسان (با استفاده از الگوریتم $dfreml$ می پردازد. چگونگی عرضه آثار: فریدون افتخار شاهرودی آثار خود را در قالب تالیف مقالات و کتب در زمینه تخصصی خود در مجامع علمی، کنفرانسها و همایشها ارائه می کند. ایشان دارای تحقیقاتی در زمینه های اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات...، اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین و بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل است. آثار: اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین ویژگی اثر: (۲۰۰۰-۲۰۰۳-۲۰) مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات... ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۹-۲۳) مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان ۳ ارتباط طول دوره آبستنی با بعضی از صفات اقتصادی گاوهای شیری هلشتاین کانادایی ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۳-۲۱) مجله علوم و صنایع کشاورزی ۴ ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال خراسان (با استفاده از الگوریتم $dfreml$ ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی ۵ بررسی اثر عوامل محیطی بر تغییرات صفات و برآورد همبستگی های فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات تیپ در گاو های ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی ۶ بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی ۷ بررسی عوامل موثر بر میزان تولید شیر در نژاد هلشتاین گاوداری صنعتی پالاهنگ ویژگی اثر: (۲۰۰۱-۲۰۰۳-۲۱) مجله پژوهش و سازندگی ۸ مقالات علمی در همایش ها: ۰۶۲۴-۰۱-۱۰ اولین سمینار پژوهشی پوست، چرم و لیاف دامی کشور بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل the second international iran and russia conference abstracts Genetic and ۲۰۰۲-۰۲-۲۰۰۲ phenotypic factors affecting daily gain of karakul sheep ۲۰۰۱-۰۱-۲۰

ایران استفاده از روش های بیولوژیکی مولکولی در اصلاح دامهای اهلی

الهی نیا، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی الهی نیا دارای مدرک دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان در سال ۱۳۶۷ و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۳ دانشگاه گیلان می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: بیماری شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: دیپلم: کشاورزی در سال ۱۳۴۶ و دیپلم طبیعی ۱۳۴۷ کارشناس (لیسانس): تولید فرآورده های گیاهی (زراعت و باغبانی) سال ۱۳۵۲ دانشگاه شهید چمران اهواز دکتری: بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان سال ۱۳۶۷ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فعالتهای اجرائی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: سرپرست کتابخانه دانشکده علوم کشاورزی سرپرست واحد زنبورداری نماینده مرکز نشر ستاد انقلاب فرهنگی دردانشگاه گیلان معاون مالی و اداری دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان سرپرست آموزشکده کشاورزی صومعه سرا دردانشگاه گیلان رئیس دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان رئیس برگزاری یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه گیلان مدیر گروه گیاهپزشکی دانشگاه گیلان رئیس مؤسسه تحقیقات برنج کشور عضو شورای عالی تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی ایران عضو ستاد کل برنج کشور ریاست شورای برنامه ریزی تحقیقات برنج کشور مشاور و عضو گروه مشاوران تحقیقاتی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی ایران مشاور معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی عضو گروه اجرائی تحول بنیادی در ساختار تحقیقات کشاورزی کشور عضو کمیته علمی بررسی کنندگان مقالات یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران. عضو کمیته علمی بررسی کنندگان مقالات علمی پنجمین کنگره زراعت و اصلاح نباتات ایران آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه سید علی الهی نیا به ترتیب زیر است: بیماری شناسی گیاهی: بیماریهای قارچی: بیماریهای ویروسی چگونگی عرضه آثار: - تعداد تحقیقات: ۱۳ مورد - تعداد مقالات انگلیسی: ۸ مورد - تعداد مقالات فارسی: ۹ مورد آثار: بیماری شناسی گیاهی قارچشناسی و شناخت سایر عوامل بیماریزا در گیاهان و ویژگی اثر: تالیف. ۱۳۸۲. دانشگاه گیلان. ۲۰۰۰ نسخه ۲ بیماریهای درختان میوه و برخی از گیاهان باغی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر: زیر چاپ. دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه ۳ بیماریهای سبزی و صیفی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر: زیر چاپ. دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه ۴ بیماریهای گیاهان زراعی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر: زیر چاپ. دانشگاه گیلان. ۴۰۰۰ نسخه ۵ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر: تالیف. ۱۳۷۷. دانشگاه گیلان. چاپ دوم در ۳۰۰۰ نسخه ۶ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر: تالیف. ۱۳۷۷. دانشگاه گیلان. چاپ سوم در ۳۵۰۰ نسخه ۷ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی مقد ماتنی ویژگی اثر: تالیف. ۱۳۷۲. دانشگاه گیلان در ۳۰۰۰ نسخه

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>**امیدبگی، رضا**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا امید بیگی در سال ۱۳۳۶ در شهر تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته باغبانی گرایش تولید گیاهان دارویی از آکادمی علوم مجارستان است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیگرایش: تولید گیاهان داروییوالدین و انساب: پدر و مادر رضا امید بیگی هر دو دارفانی را وداع گفتند. ایشان جمعاً هفت برادر و خواهر هستند. خاطرات کودکی: رضا امید بیگی از آن دوران خود چنین می‌گوید: «پس از مرگ پدرم، مادرم از من خواست که درس را رها کرده و برای اینکه مغازه نانوائی پدرم به تعطیلی کشانده نشود به مغازه بروم. من هم امر مادر را البته به اجبار اطاعت کرده و مدت یک ماه به مغازه رفتم. اما این امر مرا عذاب می‌داد و دوست داشتم که درس بخوانم تا اینکه یک روز به پشت بام مغازه رفتم و شروع کردم به داد و فریاد کشیدن و خواسته‌ام را با فریاد به گوش همه رساندم که من می‌خواهم درس بخوانم. این جریان با وساطت خویشان و همسایگان و راضی شدن مادرم به ادامه تحصیل من خاتمه یافت.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: رضا امید بیگی در خانواده ای متوسط و مذهبی بدنیا آمد. وی پدرش را در نوجوانی در سن ۱۵ سالگی از دست داد بطوری که از پدر دو مغازه به ارث مانده بود و از آن طریق به امرار و معاش می‌پرداختند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: رضا امید بیگی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشته علوم طبیعی در تهران به پایان رساند و تحصیلات دانشگاهی را در رشته زیست‌شناسی گرایش علوم گیاهی در دانشگاه تهران به پایان برد و در این دانشکده در رشته مذکور شاگرد ممتاز شناخته شد، به همین دلیل به اخذ بورس تحصیلی نائل گردید. برای ادامه تحصیل به کشور مجارستان عزیمت کرد و کارشناسی ارشد رشته تولید گیاهان دارویی را از دانشگاه علوم باغبانی بوداپست دریافت کرد. ایشان دکتری رشته تولید گیاهان دارویی را از آکادمی علوم مجارستان و فوق دکتری در رشته علوم و تولید گیاهان دارویی از دانشگاه باری ایتالیا اخذ کرده است. خاطرات و وقایع تحصیل: از خاطرات رضا امید بیگی می‌توان به گذراندن یک دوره آموزشی و پژوهشی در یکی از مراکز تحقیقاتی در بوداپست اشاره کرد که بعلت خارجی بودن ایشان از انجام آن ممانعت می‌کردند تا اینکه دکتر امید بیگی پس از دو سال تلاش توانست این دوره را با موفقیت سپری کند. فعالیتهای ضمن تحصیل: رضا امید بیگی در کنار تحصیل به انجام کارآموزی‌های مختلف در مراکز تحقیقاتی تولیدی مختلف کشور مجارستان می‌پرداخت. استادان و مربیان: استاد دکتر سید محمد فخر طباطبائی (استاد دانشگاه تهران) و پروفیسور برنات (رئیس دپارتمان تولید گیاهان دارویی بوداپست) از استادان رضا امید بیگی بشمار می‌آیند. همسر و فرزندان: رضا امید بیگی متاهل و دارای همسری بنام سرکار خانم صدیقه تنها (دارای مدرک دیپلم و خانه‌دار) است. ایشان دارای سه فرزند می‌باشند: - محمدعلی امید بیگی، دانشجوی کارشناسی اشد رشته سازه های آبی - محمود امید بیگی، محصل کلاس سوم راهنمایی - غزال امید بیگی، محصل کلاس پنجم دبستانوقایع میانسالی: از مهمترین وقایع دوران میانسالی رضا امید بیگی به تولید انبوه رسیدن چند گیاه دارویی غیر بومی ایران بود که بذر آن را برای اولین بار به ایران آورده بود. فراوری مواد موثر این گیاه سبب اشتغال‌زایی و کارآفرینی صدها خانواده محروم در نقاط مختلف بویژه در استان کهگیلویه و بویراحمد شده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رضا امید بیگی پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تربیت مدرس در دانشکده کشاورزی گروه علوم باغبانی به کار مشغول شدند و پس از ۹ سال به درجه استادی نائل آمدند. از دیگر مشاغلی که مورد تصدی ایشان بوده یا است به شرح زیر است: - معاون پژوهشی دانشکده به مدت ۴ سال - رئیس گروه باغبانی - هم اکنون - مشاور گیاهان دارویی در وزارت کشاورزی به مدت ۵ سال - عضو کمیسیون ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی - هم اکنون - عضو گروه واژه‌گزینی تخصصی علوم کشاورزی شاخه باغبانی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی - عضویت هیئت تحریریه تعدادی از مجلات داخلی و خارجی فعالیتهای آموزشی: عنوان دروس ارائه شده توسط رضا امید بیگی به قرار زیر است: مباحث نوین در باغبانی، روشهای ویژه پرورش سبزی، تولید گیاهان دارویی و ادویه‌ای، اثر تنشهای محیطی بر گیاهان، اکوفیزیولوژی گیاهان، گیاهان دارویی سمی و سنتی،

پس از برداشت گیاهان دارویی، کشت و صنعت گیاهان دارویی‌مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: رضا امیدبیگی شرکتی تحت عنوان کشت و صنعت گیاهان دارویی را تاسیس کرده است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رضا امیدبیگی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در زمینه رشته تخصصی خود می‌پردازد. آرا و گرایشهای خاص: رضا امیدبیگی در این باره چنین می‌گوید: «علاقه شدید من به تولید مواد مختلف طبیعی که در صنایع مختلف کاربرد دارند باعث گردیده که داروهای را در این زمینه فرموله کنم که هم اکنون در بازار دارویی کشور موجود است. هم چنین مواد طبیعی مورد نیاز در صنایع غذایی، آرایشی بهداشتی، لبنیات، نوشابه‌سازی و دام و طیور توسط اینجانب تهیه و مورد استفاده مراکز فوق‌تر قرار می‌گیرد.» جوایز و نشانها: - استاد نمونه و تلاشگر دانشگاه در سال ۱۳۷۸ - عضو برجسته علمی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ - پژوهشگر برتر دانشگاه در سال ۱۳۷۹ - برنده جایزه علمی در بیستمین کنگره بین‌المللی گیاهان معطر و عصاره‌ها در وین کشور فرانسه در سال ۲۰۰۱ - پژوهشگر برتر دانشگاه از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار: رضا امیدبیگی دارای ۱۹ تالیف در زمینه تولید و فرآوری گیاهان دارویی است. وی دارای بیش از ۹۷ مقاله منتشر شده در ژورنالهای معتبر علمی و پژوهشی و بیش از ۹۴ مقاله ارائه شده در کنفرانسهای ملی و بین‌المللی است.

آثار: تولید و فرآوری گیاهان دارویی ویژگی اثر: جلدهای اول، دوم و سوم - اولین تالیف در کشور از این نوع منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

امین بخش، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد امین بخش متولد ۱۳۲۳ در تبریز است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته ژنتیک کمی و کاربردی از دانشگاه پاریس ۶ - فرانسه در سال ۱۳۵۲ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی علوم جانوری مرکز تحقیقات علوم پایه دانشگاه تبریز می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: ژنتیک گیاهیگرایش: ژنتیک کمی و کاربردی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد امین بخش، تحصیلات ابتدایی را در دبستان سردار ملی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۲ از دبیرستان تربیت اخذ کرده است ایشان مدرک کارشناسی رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد ژنتیک کمی را در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه پاریس ۶ - فرانسه دریافت نموده اند و در سال ۱۳۵۲ مدرک دکتری در رشته ژنتیک کمی و کاربردی را از دانشگاه پاریس ۶ - فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: برآورد ضریب وراثت پذیری فاکتورهای تولیدی در مرغ کوتوله و طبیعی ب - دکتری: مطالعه روی یک ژن نانیسم (کوتوله کننده) وابسته به جنس در مرغ وقایع میانسالی: محمد امین بخش از سال ۱۳۵۲ به عنوان عضو هیات علمی در گروه جانوری دانشکده علوم طبیعی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی محمد امین بخش به قرار زیر است: قبلی: نماینده دانشکده علوم طبیعی در شورای پژوهشی و تالیف و ترجمه - نماینده گروه در مرکز تحقیقات علوم پایه ایران - مدیریت گروه علوم جانوری فعلی: مدیریت گروه علوم زیستی جانوری - نماینده گروه در مرکز تحقیقات علوم پایه ایران - نماینده گروه علوم جانوری در قطب علمی زیست شناسی فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی محمد امین بخش به قرار زیر است: تدریس دروس در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی: ۱- دوره کارشناسی: مبانی ژنتیک - ژنتیک انسانی - زیست شناسی - ژنتیک پزشکی ۲- تحصیلات تکمیلی: ژنتیک انسانی - بیولوژی ملکولی و تکامل - ژنتیک ملکولی چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی محمد امین بخش به ترتیب زیر

است: تعداد مقاله های منتشرشده : ۶ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : ۲ مورد تعداد پایاننامه های دکتری : ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : ۱ مورد

انصاری، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید انصاری متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه امریکایی بیروت با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون چرخه عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها می باشد. گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجید انصاری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکترای گیاه پزشکی از دانشگاه امریکایی بیروت میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی مجید انصاری بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل : مجید انصاری در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی : مجید انصاری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه امریکایی بیروت درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجید انصاری عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه امریکایی بیروت است. فعالیتهای آموزشی : مجید انصاری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه امریکایی بیروت به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مجید انصاری در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص : مجید انصاری از جمله گیاه پزشکیانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها دارد. آثار : عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها

منابع زندگینامه : <http://www.iranologyfo.com>

ایران شهر، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر موسی ایران شهر در ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۲ هجری شمسی در شهر تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در محل زادگاهش فراگرفت و پس از طی تحصیلات عالی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، در سال ۱۹۷۷ دکتری خود را از دانشگاه وین دریافت کرد. کتاب «آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه شناسی آن» تالیف دکتر ایران شهر به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده است. گروه : کشاورزیرشته : مهندسی کشاورزی تحصیلات رسمی و حرفه ای : موسی ایران شهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در محل زادگاهش فراگرفت و پس از طی تحصیلات عالی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، در سال ۱۹۷۷ دکتری خود را از دانشگاه وین دریافت کرد. استادان و

مربیان: دکتر اسفندیاری از اساتید دکتر موسی ایرانشهر می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر ایرانشهر که در سال ۱۳۲۵ به استخدام وزارت کشاورزی درآمده بود، ابتدا در قسمت‌های دفتر فنی سازمان جنگل‌بانی و اداره آموزش مشغول انجام وظیفه شد ولی بعد، به خاطر علاقه خاصی که به رشته گیاه‌شناسی داشت در سال ۱۳۴۵ با پیوستن به استاد خویش دکتر اسفندیاری و دوست قدیمی‌اش، مهندس بهبودی در بخش تحقیقات گیاه‌شناسی، وارد موسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی شد و مدتی بعد مدیریت بخش «هرباریوم» را برعهده گرفت. فعالیتهای آموزشی: دکتر موسی ایرانشهر سه دوره تدریس زبان لاتینی در دوره دکتری گیاه‌شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران را در گروه زیست‌شناسی به عهده داشته‌اند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: دکتر ایرانشهر درباره برنامه روزنامه خود چنین می‌گوید: "کارم بیشتر نوشتن و تحقیق است. دائما روی گیاهان مطالعه دارم". آرا و گرایشهای خاص: ۶۰ سال سابقه تحقیق در گیاه‌شناسی ایران دارد. نام دکتر ایرانشهر نامی آشنا و شناخته شده در گیاه‌شناسی ایران و همچنین مجامع علم گیاه‌شناسی اروپا و جهان است. جوایز و نشانها: کتاب "آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه‌شناسی آن" تألیف موسی ایرانشهر به عنوان کتاب سال برگزیده سال ۱۳۸۶ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و تقدیر شده است. چگونگی عرضه آثار: دکتر ایرانشهر هیچگاه از تلاش خود در راه پیشرفت گیاه‌شناسی کشور و تکمیل «هرباریوم» ایران باز نایستاد، وی با پیمودن بیش از ۶۰۰۰۰ کیلومتر راه در شهرها، روستاها، کویرها، کوه‌ها و دشت‌های ایران زمین و به همراهی افرادی چون رشینگر، آلاوا، ریدل، رنس، لاموند، ارشاد، ترمه، موسوی و... نزدیک به ۵۰۰ روز از عمر تحقیقاتی خود را در راه دستیابی و گردآوری گیاهان کشور سپری کرد و نمونه‌های گیاهی بی‌شماری را از طبیعت کشورمان برای غنی ساختن «هرباریوم ایران» به ارمغان آورد. گونه‌های زیادی از گیاهان کشور به افتخار او نام‌گذاری و توصیف شده است، گرچه وی مولف حدود ۳۷ تاکسون جدید در جهان گیاه‌شناسی است. دکتر ایرانشهر که تاکنون ۲۲ فقره آثار علمی خود را در زمینه گیاه‌شناسی منتشر کرده است، ضمن همکاری با دیگر «هرباریوم‌های» کشور، کماکان به تحقیقات خود در امر شناسایی گیاهان و «هرباریوم» ایران ادامه داده و در خارج از کشور نیز از همکاران نزدیک پروفیسور رشینگر اتریشی، سردبیر مجموعه «فلور ایرانیکا» است و اولین گیاه‌شناس ایرانی است که در این منبع برجسته، آثارش به چاپ رسیده است.

آثار: آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه‌شناسی آن ویژگی اثر: تألیف موسی ایرانشهر - تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۸۵. ۲۵۳ صفحه در پی برگزیده شدن کتاب «آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه‌شناسی آن» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶، شده است.

ایزدپناه، کرامت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کرامت‌الله ایزدپناه دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز با درجه استادی می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه‌پزشکیو قایع میانسالی: کرامت‌الله ایزدپناه پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در آمد. وی هم‌اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کرامت‌الله ایزدپناه عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر مشاغل ایشان: رئیس مرکز تحقیقات ویروسی غلات شیراز رئیس بخش گیاهپزشکی در

دانشگاه شیراز عضو جدید ایرانی فرهنگستان علوم برای جهان سوم (TWAS) سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاگردان : چگونگی عرضه آثار : عنوان پایان نامه راهنمایی شده : شناسایی و فروانی نسبی ویروسهای مولد موزائیک لوبیا در استان فارسآثار : اتیولوژی ، انتقال و دامنه میزبانی عامل جاروئی یونجه در جنوب ایران ویژگی اثر : مقاله ۲ موزائیک مرغ در نقاط مختلف ایران ویژگی اثر : مقاله

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه : <http://www.iranologyfo.com>

آتش افروز، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین آتش افروز متولد ۱۳۲۲ ه.ش دارای دکترای دامپروری و عضو هیئت علمی دانشگاه اورسی پاریس با درجه دانشیاری می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ (گاو و گاو میش) می باشد. گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسین آتش افروز دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا و دکتری رشته دامپروری از دانشگاه یوتا می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر حسین آتش افروز میباشد. فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر حسین آتش افروز در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی : دکتر حسین آتش افروز پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر حسین آتش افروز عضو هیئت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی است. فعالیتهای آموزشی : دکتر حسین آتش افروز سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه دامپروری در دانشگاه اورسی به تدریس دروس تخصصی رشته دامپروری می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسین آتش افروز در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر حسین آتش افروز از جمله علمای دامپروری است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ (گاو و گاو میش) انجام داده است.

آرزم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد آرزم متولد ۱۳۲۴ ش دارای دکترای رشته اصلاح نباتات عضویت هیئت علمی دانشگاه شفیلد انگلستان با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون روشهای نوین شیمیایی و دفع آفات میوه ها می باشد. گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد آرزم دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا کارشناسی ارشد

رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا دکترای رشته باغبانی از دانشگاه شفیلد انگلستان میباید. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام و تحصیل در رشته اصلاح نباتات و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد آرزم بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر محمد آرزم در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر محمد آرزم پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمد آرزم عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان است. فعالیتهای آموزشی: دکتر محمد آرزم سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی دانشگاه شفیلد انگلستان می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر محمد آرزم در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آثار: روشهای نوین سمپاشی و دفع آفات میوه ها

آیاری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر هوشنگ آیاری، دانشیار گروه آموزشی زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۱۹ در تبریز دنیا آمد. وی در سال ۱۳۴۹ مدرک دکترای در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیگ - آلمان با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. این همکاری تا کنون ادامه دارد. گروه: کشاورزیرشته: مهندسی کشاورزی تحصیلات رسمی و حرفه ای: هوشنگ آیاری تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرهنگ به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۳۸ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی - تولیدات گیاهی را از دانشگاه لیگ - آلمان و کارشناسی ارشد کشاورزی - تولیدات گیاهی را در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه لیگ - آلمان دریافت نموده اند و در سال ۱۳۴۹ مدرک دکترای در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیگ - آلمان با موفقیت اخذ کرده اند.

عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: Die asiatische Getreide Wanze Studien ueber Wachstum, Entwicklung b - دکترای: Ertragsbildung und Naerstoffaufnahme der Baumwolle im aegaeischen Roum

وقایع میانسالی: هوشنگ آیاری در سال ۱۳۴۹ مدرک دکترای در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیگ - آلمان با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۵۱ به عنوان عضو هیات علمی در گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی و مدیریتی هوشنگ آیاری به قرار زیر است: قبلی: مدیر گروه زراعت و اصلاح نباتات - معاون گروه زراعت و اصلاح نباتات فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه تبریز عضو مرکز بین المللی تکنولوژی الیاف (آلمان - برمن) - عضو انجمن زراعت و اصلاح نباتات ایران فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی هوشنگ آیاری: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: زراعتهای خصوصی - زراعت گیاهان صنعتی - زراعت حبوبات و گیاهان منطقه ای - زراعت غلات ۲- تحصیلات تکمیلی: زراعت تکمیلی - زراعت گیاهان دارویی و ادویه ای - کشاورزی پایدار چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی: تعداد مقاله های منتشر شده: ۲۳ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۵ مورد تعداد کتابهای تالیف شده: ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۳۰ مورد

تعداد پایاننامه های دکتری: ۷ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب: ۱ مورد

آهون منش، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی آهون منش در سال ۱۳۲۲ در تهران متولد شد. وی پس از اخذ کارشناسی رشته گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز برای تکمیل معلومات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و تا مقطع دکتری به تحصیل پرداخت و موفق شد دکتری و فوق دکتری همان رشته را به ترتیب در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کند. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان می باشد. کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد" ترجمه، علی آهون منش (یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی آهون منش تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و اصفهان گذراند. در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ لیسانس گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز شد. آنگاه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و فوق لیسانس، دکترا و فوق دکتری خود را به ترتیب در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ از دانشگاه کالیفرنیا دریافت نمود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی آهون منش پس از بازگشت به ایران در کنار فعالیتهای آموزشی، معاونت امور تحقیقات و آموزش و ترویج وزارت کشاورزی و ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان را برعهده داشت و در حال حاضر در مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان به خدمت اشتغال دارد. جوایز و نشانها: کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد" ترجمه، علی آهون منش (یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: علی آهون منش علاوه بر تألیف و انتشار ۲۷ مقاله به زبانهای فارسی در مجلات علمی داخل کشور و ۷ مقاله به زبان انگلیسی در نشریات علمی خارج از کشور، کتابهای را نیز تألیف و ترجمه نموده است. آثار: عوامل آلوده کننده هوا و اثرات آن بر گیاهان زراعی کتاب روشهای مدیریت بیماریهای گیاهی تألیف فرای ویژگی اثر: ترجمه ۳ کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد»: کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد/ دی هورن بای؛ ترجمه؟ احمد علوی و علی آهون منش. - تهران: نشر آموزش کشاورزی: ۱۳۷۶. - ۲ ج. زمانی بود که بشر به کمک آفت کشهای شیمیایی می توانست به مقابله با عوامل بیماری زای گیاهی بپردازد و همزمان با استفاده از کودهای مصنوعی شاهد رشد و باردهی چشمگیر زراعی باشد. اما سالهاست که با پیشرفت علوم پزشکی ثابت شده است که بسیاری از سموم دفع آفات نباتی برای انسان سرطان زا هستند و غالب آفت کشها پدید؟ تخریب لای؟ اوزون را شدت می بخشند. بنابراین تدبیری باید اندیشید که در عین مقابله و پیشگیری از خسارات ناشی از عوامل بیماری زای گیاهی و حفظ روند تولید کشاورزی جهت تغذیه جمعیت روزافزون دنیا، محیط شکننده و حساس زمین بیش از این دستخوش آسیب نشود. بدین ترتیب گرایش به مبارزه؟ بیولوژیکی مورد توجه و علاقه؟ پژوهشگران قرار گرفت و تحقیق و تعمق در این حیطه ادامه یافت. کتاب کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای خاکزاد از جمله آخرین رساله هایی است که در این زمینه به چاپ رسیده و به علت غنای علمی و توجه به جنبه های مختلف مبارزه بیولوژیکی در ابعاد اجرایی وسیع، سخت مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان کتاب امید دارند که ترجمه؟ این کتاب، خلاء محسوسی را که در

این زمینه در منابع فارسی موجود است تا حدی جبران کند. کتاب فوق که از ترجمه ای دقیق و روان برخوردار است. در دو جلد و سی فصل توسط معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت کشاورزی منتشر شده است.

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

بابادوست کندری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بابا دوست کندری متولد ۱۳۳۰ ه.ش، دارای فوق دکتری گیاهپزشکی از دانشگاه ایالتی کلرودینای شمالی آمریکا سال ۱۳۶۲، عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشگاه تبریز می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی و وضع اجتماعی و شرایط زندگی: محمدبابا دوست کندری در سال ۱۳۳۰ ه.ش چشم به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدبابا دوست کندری دارای کارشناسی گیاهپزشکی از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۱، کارشناسی ارشد بیماری شناسی گیاهی از دانشگاه ایالتی واشنگتن در سال ۱۳۵۸، دکتری بیماری شناسی گیاهی در سال ۱۳۶۱ و فوق دکتری در رشته میکوتوکسینها از دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی در سال ۱۳۶۲ می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری و فوق دکتری گیاهپزشکی از آمریکا، از مقاطع مهم زندگی علمی بابا دوست کندری بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمدبابا دوست کندری ضمن تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حشره شناسی و بیماریهای گیاهی مشغول بوده است. وقایع میانسالی: محمد بابا دوست کندری پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز استخدام شد. وی هم اکنون با سمت دانشیار به فعالیت در آنجا مشغول است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدبابا دوست کندری عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز می باشد. فعالیتهای آموزشی: محمدبابا دوست کندری سالهاست که به تدریس دروس مربوط به گیاهپزشکی و حشره شناسی در دانشگاه تبریز مشغول به کار است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد بابا دوست کندری در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون کنترل بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها، حشره شناسی و ... مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: محمدبابا دوست کندری از جمله گیاهپزشکانی است که تحقیقاتی پیرامون بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها و حشره شناسی داشته است. آثار: حشره شناسی کنترل بیماریهای گیاهی میکروتوکسینها

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

بابالار، مصباح

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مصباح بابالار متولد ۱۳۳۰ خورشیدی زرنند ساوه میباشند. وی لیسانس خود را از مدرسه عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس ۷) دریافت نمود. دکتر بابالار در سال ۱۳۶۴ به استخدام دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت ۵ سال مأمور به خدمت در

دانشگاه رازی کرمانشاه شد. نامبرده هم اینک با رتبه علمی دانشیاری در دانشگاه تهران مشغول فعالیت است. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیگرایش: بیولوژی و فیزیولوژی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی و بخشی از تحصیلات متوسطه را در زرنند ساوه گذرانید. در ادامه تحصیل، دیپلم متوسطه تجربی را از دبیرستان هنر بخش تهران دریافت کرد. وی لیسانس خود را از مدرسه عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس ۷) دریافت نمود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر بابالار در سال ۱۳۶۴ به استخدام دانشگاه تهران و دانشکده کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت ۵ سال مأمور به خدمت در دانشگاه رازی کرمانشاه شد. از سال ۱۳۷۱ و بعد از خاتمه مأموریت به دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران بازگشت. وی هم اینک به عنوان دانشیار در دانشگاه تهران مشغول است. ایشان همچنین مدتی عهده دار سمت مدیر کل پژوهش های کاربردی دانشگاه تهران بوده است. فعالیتهای آموزشی: سوابق آموزشی و عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر بابالار: مدرس کارشناسی ارشد: * کشت بافت و سلول گیاهی * تغذیه و متابولیسم در گیاهان باغبانی * فیزیولوژی پس از برداشت تکمیلی دکتری: * بیوشیمی گیاهیچگونگی عرضه آثار: از دکتر مصباح بابالار تعدادی مقالات در نشریه های بین المللی و کنگره های جهانی و مجله های علمی پژوهشی داخلی چاپ شده است. نیز از ایشان تعدادی مقاله در سمینارها ارائه شده است. آثار: تغذیه درختان میوه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مصباح بابالار (مترجم)، محسن پیرمادیان (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۱۴ تیر، ۱۳۸۵۲ تغذیه معدنی گیاهان و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مه لقا قربانعلی، مصباح بابالار ناشر: دانشگاه تربیت معلم -

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

باقری زَنُوز، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ابراهیم باقری زَنُوز در سال ۱۳۱۱ در بخش زَنُوز از توابع آذربایجان شرقی به دنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۴۷ مدرک دکترارشته حشره شناسی را از دانشکده علوم دانشگاه پاریس اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی می باشد. کتاب "سخت بالپوشان زیان آور" ابراهیم باقری زَنُوز، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم باقری زَنُوز تحصیلات ابتدایی را در زَنُوز و تحصیلات دبیرستانی را در مرند و تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۲ وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۵ موفق به دریافت درجه مهندسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران گردید. در سال ۱۳۴۳ با استفاده از بورس تحصیلی دولت فرانسه، راهی آن کشور شد و در سال ۱۳۴۷ به اخذ درجه دکتر در رشته حشره شناسی از دانشکده علوم دانشگاه پاریس نایل آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر باقری زَنُوز پس از بازگشت به ایران در سمت استادیار تمام وقت در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران به کار تدریس و تحقیق پرداخت و بر اثر تلاشهای آموزشی و پژوهشی به مقام دانشیاری و پس از آن به رتبه علمی استادی ارتقا یافت. نامبرده در حال حاضر، سرپرستی گسترش موزه جانورشناسی و مدیریت گروه گیاه شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را عهده دار است. فعالیتهای آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ابراهیم باقری زَنُوز به قرار زیر است: کارشناسی • آفات انباری کارشناسی ارشد • چونندگان زیان آور محصولات

کشاورزی • سیستماتیک گروه‌های خاص حشرات بندپا • فیزیولوژی پیشرفته حشرات • فیزیولوژی حشرات • مرفولوژی حشرات
 جوائز و نشانها: کتاب "سخت بالپوشان زیان آور" ابراهیم باقری زنوز، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: ابراهیم باقری زنوز تاکنون دهها مقاله
 پژوهشی و گزارش علمی به زبانهای فارسی و خارجی در مجلات و نشریات مختلف از قبیل: نشری؟ دانشکده کشاورزی، مجله
 جامعه حشره‌شناسان ایران، نشریه انستیتو بررسی آفات و بیماریهای گیاهی، مجله سازمان حفظ نباتات و کتاب آفات انباری ایران به
 چاپ رسانید، همچنین مبادرت به تألیف ۲ جلد کتاب در زمینه اصول مبارزه با آفات محصولات انباری کرده است. - مقالات ارائه
 شده در همایشها: ۸ مورد - مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: بیش از یک مورد آثار: اصول مرفولوژی و فیزیولوژی حشرات
 ویژگی اثر: ترجمه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ۲ سخت بالپوشان زیان آور ویژگی اثر: این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری
 اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده است - آشنایی با کتاب: «سخت بالپوشان زیان آور» در این
 کتاب، سخت بالپوشان زیان آور که به محصولات غذایی و صنعتی در انبارها زیانهای فراوانی وارد می کنند مورد بررسی قرار
 گرفته‌اند و طرز شناسایی، نحو؟ زندگی، چگونگی خسارتها و زیانهای اقتصادی این آفات به بحث کشیده شده، راههای مبارزه با
 آنها به ویژه با استفاده از سموم گازی بیان شده است

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

بشیری، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیاوش بشیری متولد ۱۳۲۳ ه.ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه استکهلم با درجه دانشیار می باشد.
 وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون شناخت و درمان بیماریها و آفات میوه های سردسیری می باشد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه
 پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیاوش بشیری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز و دکتری رشته از دانشگاه
 استکهلم می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از
 مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش بشیری بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: سیاوش بشیری در کنار تحصیل به
 مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: سیاوش بشیری پس از اخذ
 مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استکهلم در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا
 مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیاوش بشیری عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی
 در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استکهلم است. فعالیتهای آموزشی: سیاوش بشیری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه
 گیاه پزشکی در دانشگاه استکهلم به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره:
 سیاوش بشیری در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تألیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و
 گرایشهای خاص: سیاوش بشیری از جمله گیاه پزشکیانی است که پژوهشهای و تلاشهای علمی وسیعی درباره شناخت و درمان
 بیماریها و آفات میوه های سردسیری انجام داده است.

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

بنی پور، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم بنی پور در سال ۱۳۴۶ در خانواده مذهبی و کشاورز در بخش کوی شرقی شهرستان گناباد به دنیا آمد مقطع ابتدایی و دوره متوسطه و دبیرستان را در زادگاهش گذراند و رشته دکتری عمومی و تخصصی دامپزشکی خود را از دانشگاه شیراز اخذ کرد و در حال حاضر به عنوان متخصص علوم آناتومی (شامل گرایش های آناتومی بافت شناسی و جنین شناسی) و با درجه علمی دانشیار به تدریس مشغول است. گروه: کشاورز پرشته: دامپرو ریگرایش: علوم آناتومیوالدین و انساب: پدر ابوالقاسم بنی پور محمد علی بنی پور (بنی عباس، نام سابق) و مادر محترمشان سر کاخانم معصومه حبیبی است. خاطرات کودکی: ابوالقاسم بنی پور اور طبیعت شهرستان زادگاهش و کمک پدر در انجام کارهای سخت کشاورزی بازی با هم سن و سالهایش در محیط سرسبز و پرطراوت زادگاهش از خاطرات فراموش نشدنی دوره کودکی ایشان است. این سبک زندگی که مختص زندگی در شهرستان هاست، ضمن ایجاد نشاط باعث برخورداری فرد از اراده قوی، پشتکار بالا و تحمل شرایط سخت میشود. همچنین بنی پور شرکت در مراسم مذهبی بویژه در ایام تاسوعا و عاشورا نیز از خاطرات خوب دوران کودکی خود نام میبرد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خانواده ابوالقاسم بنی پور خانواده ای مذهبی و کشاورز بودند که لازمه امرار معاش زندگی انجام کارهای سخت کشاورزی و تلاش مستمر را می طلبد و در عین حال که محیطی پر نشاط، پر صفا و صمیمیت همیشه در خانواده و اعضای آن حکم فرما بود وی در این خصوص می گوید: "من از این بابت همیشه دست پدرم را می بوسد". تحصیلات رسمی و حرفه ای: گذراندن دوره ابتدایی در دبستان مظفر گناباد دوره دبیرستان در مدارس خواجه نصیر و شهید بهشتی در رشته علوم تجربی در گناباد کسب دکترای حرفه ای در دانشگاه شیراز سال ۱۳۷۱ دکترای تخصصی دامپزشکی گرایش علوم آناتومی در دانشگاه شیراز سال ۱۳۷۵ خاطرات و وقایع تحصیل: ابوالقاسم بنی پور شهادت برادرش غلامحسین بنی پور در زمان تحصیل در مقطع متوسطه سال ۱۳۶۲ را از وقایع تلخ آن دوران ذکر میکنند وی در این باره میگوید: "او دلاورانه و قهرمانانه در راه دفاع از اسلام و میهن خود جنگید و به درجه رفیع شهادت نائل آمد". استادان و مربیان: از استادان ابوالقاسم بنی پور در دانشگاه شیراز میتوان به دکتر سید رضا قاضی و دکتر سید هادی منصوری اشاره کرد. همسر و فرزندان: همسر ابوالقاسم بنی پور سرکار خانم زهرا رحمانی است که در رشته پزشکی عمومی تحصیل کرده است و از این ازدواج وی دارای دو فرزند به نامهای رویا و علیرضا میباشد که در حال حاضر دختر وی در کلاس اول راهنمایی مشغول به تحصیل است و پسر کوچیکترش سه ساله است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - مدیر گروه علوم پایه دانشگاه دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو شورای پژوهشی دانشگاه دامپزشکی - عضو هسته کار آفرینی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو قطب علمی سقط جنین و مرگ و میر نوزادان نشخوارکنندگان - عضو هیئت تحریریه مجله علمی تحقیقاتی Journal of Applied Animal Reseach مجله گروه ISI - عضو انجمن دامپزشکی ایران از مسئولیت های دکتر بنی پور میباشد. فعالیتهای آموزشی: ابوالقاسم بنی پور در رشته های مختلف دامپزشکی در دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد و نیز چند مرکز دانشگاهی دیگر مشغول له تدریس است. جوایز و نشانها: - استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد - انتخاب طرح پژوهشی دکتر بنی پور تحت عنوان "مطالعه بافت شناسی هدایتی قلب در خو کچه هندی" به عنوان طرح برگزیده در جشنواره استانی فردوسی مشهد برگزیده شد.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع چوب، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دیپلم مهندسی در رشته جنگل و مرتع از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، کارشناسی ارشد بیولوژی گیاهی (چوب‌شناسی) از شهر نانس فرانسه در سال ۱۳۴۷ و دکترای مهندسی تکنولوژی چوب از فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹، دانشیار دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ و استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳، استاد نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱، استاد ممتاز دانشگاه‌های ایران در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

چوب‌شناسی، حفاظت چوب تکنولوژی چوب، استفاده از نی، نگهداری چوبهای واقع در آب، نگهداری تراورس چوبی، تیر چوبی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا و ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ابداع:

جایگزینی روش روپینگ بجای روش بتل در تأسیسات حفاظت چوب (روش حفاظت چوب).

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تکنولوژی چوب، چوب‌شناسی، اطلس چوب (تشریح میکروسکوپی چوب).

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۷

زمینه علمی مقالات:

چوب‌شناسی، حفاظت چوب و تکنولوژی چوب.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پرهام، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یوسف پرهام متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه لسینگ با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون شیوه‌های محافظت از مرکبات در کانتینرهای کشتی می باشد. گروه: کشاورزپرشته:

باغبانی‌تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر یوسف پرهام دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته باغبانی از دانشگاه لسینگ میباشد. خطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یوسف پرهام بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر یوسف پرهام در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر یوسف پرهام پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لسینگ در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر یوسف پرهام عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لسینگ است. فعالیتهای آموزشی: دکتر یوسف پرهام سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی لسینگ به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر یوسف پرهام در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر یوسف پرهام از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره شیوه های محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی انجام داده است. آثار: شیوههای محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

پورجم، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم پورجم در سال ۱۳۳۸، در آباده به دنیا آمد. او در سال ۱۳۶۳ لیسانس علوم زراعی را در دانشگاه شیراز به پایان رساند. پس آن از وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و کارشناسی ارشد را با گرایش بیماری شناسی گیاهی در سال ۱۳۶۷ و دوره دکتری را با گرایش نماتد شناسی در سال ۱۳۷۷ از این دانشگاه اخذ نمود. دکتر پورجم با اتمام تحصیلات خود، ضمن تدریس در دانشگاه، به گسترش فعالیت تحقیقاتی و پژوهشی پرداخت و با چاپ مقالات مختلف علمی و حضور در کنفرانسها و همایشهای تخصصی بر تجربیات خود افزود. گروه: کشاورزیرشته: بیماری شناسی گیاهیگرایش: بیماریهای گیاهی

آثار: Borhani, A. Kheiri, A., Okhovat, M., Eshtiaqi, H. and Pourjam, E. (۲۰۰۱). Effect of Fusarium Solani on Population of Pratylenchus Vulnus in Acer Seedlings. Proceeding of Asian International Mycological Congress, P. ۷۸ POURJAM, E. & TAHERI, A. (۲۰۰۱). Scanning Electron Microscopy Study of Aprutides Guidettii and Pratylenchus Vulnus (Nematoda: Tylenchida) from Iran. Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia, pp. ۳۳-۳۴ POURJAM, E., Bert, W. and Karimi, M. (۲۰۰۰). A new Anguinid from Iran. Proceeding of ۵۲nd International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. ۱۸۶ Pourjam, E., Geraert, E, and Alizadeh, A. (۲۰۰۰). Some Pratylenchids from Iran. International Nematology ۲: ۸۵۵ - ۸۶۹ ۵ POURJAM, E., GERAERT, E. and Alizadeh, A.

(۱۹۹۹). Some *Pratylenchides* from Iran. Proceeding of ۵۱st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. ۱۸۶ ۶ POURJAM, E., GERAERT, E. KHEIRI, A., and Alizadeh, A. (۱۹۹۹). The Genus *Pratylenchus* from Iran with notes on *Pratylenchus neglectus* and *P. thornei*. Proceeding of ۵۱st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. ۵۸ POURJAM, E., JAMALI, S., KHEIRI, A., DAMADZADEH M. & BERT, W. (۲۰۰۱). *Aphelenchoides* Species Associated with Cereals in Isfahan (Iran). Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia. pp. ۱۳۴-۱۳۵ ۸ POURJAM, E., JAMALI., KHEIRI, A., DAMADZADEH M. & BERT, W. (۲۰۰۱). *Tylenchs* (Nematoda: Tylenchina) Associated with Cereals in Center of Iran. Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia, pp. ۸۴-۸۵ POURJAM, E., KHEIRI, a., and GERAERT, E. (۱۹۹۷). The Genus *Pratylenchus Filip jev*, ۱۹۳۶ (Tylenchida: Pratylenchidae) from north of Iran - Mededelingen Faculteit Landbouwkundige en Toegepaste Biologische Wetenschappen, Universiteit Gent ۶۲/۳a: ۷۴۱-۷۵۶ POURJAM, E., KHEIRI, A., and GERAERT, E. (۱۹۹۷). The Genus *Pratylenchus Filip jev*, ۱۹۳۶ (Tylenchida: Pratylenchidae) from north of Iran. Proceeding of ۴۹th International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. ۱۴۶ POURJAM, E., Moens, M. Waeyenberge, L., and GERAERT, (۱۹۹۹). Morphological, Morphometrical and Mulecular Study of *Pratylenchus Coffeae* and *P. Loosi* (Nematoda: Pratylenchidae). Mededelingen Faculteit Landbouwkundige en Toegepaste Biologische Wetenschappen, Universiteit Gent ۶۴ (۳a): ۳۹۱- ۴۰۱ ۱۲ POURJAM, E., Moens. M. Waevenberge. L., and GERAERT, E. (۱۹۹۹). Morphological, Morphometrical and Mulecular Study of *Pratylenchus Coffeae* and *P. Loosi* (Nematoda: Pratylenchidae). Proceeding of ۵۱st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. ۱۸۶ ۱۳ POURJAM, E., Seraji, A. and Kheiri, A. (۲۰۰۰). Occurrence of Some tylenchds (Nematoda: Tylenchida) In Iran. Proceeding of Seventh Arab Congress of Plant Protection Amman, Gordan, P. ۳۷۱ برهانی، ع، خیری، ا، اخوت، م، پورجم ا و اشتیاقی ح (۱۳۷۹). اثرات متقابل نماتد مولد زخم *Pratylenchus Vulnus*، با قارچ *Fusarium oxysporum* در گیاه جنگلی افرا پلت. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۱۶۶ برهانی، ع، خیری، ا، اخوت، م، پورجم ا و اشتیاقی ح (۱۳۷۹). اثرات متقابل نماتد مولد زخم *Pratylenchus Vulnus*، با قارچ *Fusarium oxysporum* در گیاه جنگلی افرا پلت. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۱۶۶ برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (۱۳۷۹). تکثیر نماتد مولد زخم ریشه *Pratylenchus Vulnus*. در محیط کشت دیسک هویج و به منظور تهیه مایع تلقیح و استفاده از آن رای اثبات بیماریزائی در افراپلت. خلاصه مقالات اولین کنگره بیوتکنولوژی کاربردی ایران. صفحه ۱۰۴ برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (۱۳۷۹). تکثیر نماتد مولد زخم ریشه *Pratylenchus Vulnus*. در محیط کشت دیسک هویج و به منظور تهیه مایع تلقیح و استفاده از آن رای اثبات بیماریزائی در افراپلت. خلاصه مقالات اولین کنگره بیوتکنولوژی کاربردی ایران. صفحه ۱۰۴ برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا

(۱۳۷۹). افرا پلت و شیردار دو میزبان جدید برای نماتد مولد زخم *Pratylenchus Vulnus*. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران صفحه ۳۵۸. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (۱۳۷۹). افرا پلت و شیردار دو میزبان جدید برای نماتد مولد زخم *Pratylenchus Vulnus*. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران صفحه ۳۵۸. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (۱۳۷۹). بررسی علت ضعف و مرگ و میر نهالهای افراپلت و شیردار در نهالستان شرکت نکاچوب و روشهای کنترل آن. خلاصه مقالات دومین اجلاس بین المللی جنگل و صنعت. صفحه ۲۲. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (۱۳۷۹). بررسی علت ضعف و مرگ و میر نهالهای افراپلت و شیردار در نهالستان شرکت نکاچوب و روشهای کنترل آن. خلاصه مقالات دومین اجلاس بین المللی جنگل و صنعت. صفحه ۲۲. پدramفر، ح، خیری، الف و پورجم، الف (۱۳۷۷). پیدایش نماتد *Heterodera oryzae* در مزارع برنج استان گیلان و مطالعه خصوصیات ظاهری و مرفومتری آن. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۸۷ پورجم، ابراهیم (۱۳۶۸). پیدایش قارچ *Tilletia triticoides* در ایران. خلاصه مقالات نهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۱۲۶ پورجم، الف و محمدی، الف (۱۳۷۴). تاثیر درجه حرارت بر روی بیماریزایی و تولید مثل دو گونه نماتد قارچ خوار. خلاصه مقالات اولین سمپوریوم قارچ خوراکی ایران، صفحه ۱۰. پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۷) *Hirschmaniella anchoryzae* و *Aprotides guidettii* دو گزارش جدید برای ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۳۱۷. پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۷). پیدایش چند گونه *Pratylenchus* در ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۳۱۸ پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۷). تغییرات در دو گونه نماتد *Pratylenchus thornei* و *P. neglectus* جمع آوری شده از ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۳۱۶ پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۸). وجود تغییرات در دو گونه نماتد *Pratylenchus thornei* و *P. neglectus* جمع آوری شده از ایران. مجله بیماریهای گیاهی، ۳۵: ۴۷ - ۷۰ پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۸). وجود تغییرات در دو گونه نماتد *Pratylenchus thornei* و *P. neglectus* جمع آوری شده از ایران. مجله بیماریهای گیاهی، ۳۵: ۴۷ - ۷۰ پورجم، الف، خیری، الف، گرات، ای و علیزاده، ع (۱۳۷۸). *Serratula latifolia* یک میزبان جدید برای افراد خانواده *Anguinidae*. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۱۸۷. سراجی، ع، پورجم، ا و خیری، ا (۱۳۷۹). شناسایی نماتدهای انگل گیاهان مهم زراعی منطقه سیستان. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۳۸۹. قنبرنیا، خیری، الف و پورجم، الف (۱۳۷۹). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ۴: ۵۹ - ۷۱ قنبرنیا، خیری، الف و پورجم، الف (۱۳۷۹). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ۴: ۵۹ - ۷۱ قنبرنیا، ع، خیری، الف و پورجم، الف (۱۳۷۷). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان و ورامین. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۱۱۵ محمدی الف. و پورجم، الف. (۱۳۷۳). اصول پرورش قارچهای خوراکی. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (۱۳۸۰). اصول پرورش قارچهای خوراکی (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (۱۳۸۰). اصول پرورش قارچهای خوراکی (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (۱۳۷۴). بیماریهای غلات دانه ریز (ترجمه). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف، علیزاده، ع و پورجم، الف. (۱۳۷۴). بیماریهای غلات دانه ریز (ترجمه). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف، علیزاده، ع و پورجم، الف. (۱۳۷۴). بیماریهای غلات دانه ریز (ترجمه). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس ۴۱ محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۳). ارزش غذایی قارچ خوراکی. مجله پژوهش و سازندگی، ۲۲: ۵۵ - ۶۴. ۴۲ محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۳). ارزش غذایی قارچ خوراکی. مجله پژوهش و سازندگی، ۲۲: ۵۵ - ۶۴. محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۴). بیماری

سوختگی قارچ خوراکی دکمه ای (*Agaricus bisporus*) در ایران. خلاصه مقالات دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه ۳۸۹. محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۴). فرمولاسیون کمپوست برای تولید قارچ خوراکی دکمه ای (*Agaricus bisporus*) در سطح تجاری. خلاصه مقالات اولین سمپوریوم قارچ خوراکی ایران، صفحه ۱۲. محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۳). مقایسه عملکرد سویه های مختلف قارچ خوراکی دکمه ای برای کاشت در سطح تجاری. مجله پژوهش و سازندگی، ۲۴: ۶۰-۶۴ محمدی، الف و پورجم، الف (۱۳۷۳). مقایسه عملکرد سویه های مختلف قارچ خوراکی دکمه ای برای کاشت در سطح تجاری. مجله پژوهش و سازندگی، ۲۴: ۶۰-۶۴

پورمیرزا، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر پورمیرزا متولد تهران و دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی گرایش سم شناسی در سال ۱۳۶۸ از دانشگاه کاردیف انگلستان است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه می باشد. گروه: کشاورزپرشته: حشره شناسیگرایش: سم شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: مدارج علمی علی اصغر پورمیرزا به ترتیب زیر است: کارشناسی: حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۵۰ از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۵۳ از دانشگاه تهران دکتری: حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ ۱۳۶۸ از دانشگاه کاردیف انگلستان عنوان پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد: بررسی حساسیت لاروهای کرم غوزه در برابر سموم سوپراسیدواندوسولفان. عنوان پایان نامه در مقطع دکتری: STUDIES ON THE SUSCEPTIBILITY OF HELIOTHIS ARMIGERA TO BACILLUS THURINGIENSIS AND ALPHA CYPERMETHRIN AND THE EFFECT OF HOST PLANT ON THE SUSCEPTIBILITY مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اصغر پورمیرزا عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه است. ایشان هم اکنون مدیر گروه گیاهپزشکی و در گذشته: ریاست دانشکده، معاون آموزشی دانشکده - مدیر گروه گیاهپزشکی را برعهده داشتند. فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است: تدریس دروس کارشناسی: سم شناسی، آمار، طرح آزمایشات تدریس دروس کارشناسی ارشد یا دکتری حرفه ای: سم شناسی تکمیلی - آمار حیاتی - روش تحقیق تدریس دوره دکتری: به عنوان استاد مدعو سم شناسی تکمیلی - مدل سازی کامپیوتری در حشره شناسی در دانشگاههای تهران و تربیت مدرسآرا و گرایشهای خاص: زمینه های تحقیقاتی مورد علاقه علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است: ۱- فرمولاسیون سموم شیمیایی ۲- فرمولاسیون سموم میکروبی ۳- بررسی اثرات سموم از نظر کشندگیچگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی: ۷۶ مقاله - راهنمای پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی: ۱۸ پایان نامه طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا و پایان یافته دکتر پور میرزا به ترتیب زیر است: ۱- بررسی تولید نیمه صنعتی سوشهای بومی NPV موثر روی هیلوتیس و کارادرینا ۲- بررسی امکان فرموله کردن نماتدهای STEINERNEMATIDAE جهت مبارزه بیولوژیکی با آفات ۲- جمع آوری و شناسایی فون حشرات آذربایجانغربی ۳- بررسی مقایسه ای تاثیر نماتد STEINERNEMATIDAE و باکتری باسیلیوس تورنژینیس بر روی لارو پشه ها آثار: درمان مسمومیت های حاد ویرگی اثر: ۱۳۷۴ - ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه ۲ زراعت غلات ویرگی اثر: ۱۳۸۲، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه به طور مشترک با آقای دکتر مهدی تاجبخش ۳ سم شناسی ویرگی اثر: ناشر دانشگاه بوعلی سینا به طور مشترک با آقای دکتر محمدخانجانی ۴ طرح های آزمایشی در علوم کشاورزی

ویژگی اثر: ۱۳۷۳، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه

پیراسته، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر بهمن پیراسته دارای دکترای رشته ژنتیک گیاهی و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی فعالیت‌های ضمن تحصیل: استادان و مربیان: فعالیتهای آموزشی: سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: شاگردان: آثار: تولید سبزی ویژگی اثر: ور، جورج، دبلیو ۱۳۷۳ (ترجمه) مصطفی مبلی و بهمن پیراسته، انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

پیغامی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم پیغامی دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی و اجتماع و شرایط زندگی: وقایع میانسالی: ابراهیم پیغامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ابراهیم پیغامی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشگاه تبریز است. آثار: اصول قارچ شناسی ویژگی اثر: پدیدآورنده: کنستانتین جان آلكسوپولوس، چارلز میمس، مردیت بلک ول، ابراهیم پیغامی (مترجم)، حسین صارمی (مترجم)، مقصود پژوهنده (مترجم) ناشر: جهاد دانشگاهی (واحد مشهد) - ۲۳ بهمن، ۱۳۸۴۲ اصول مبارزه با بیماریهای گیاهی ویژگی اثر: مولف: ابراهیم پیغامی ۹۲ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۸ انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد ۳ بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر: مولف: ابراهیم پیغامی ۲۰۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۲ انتشارات عمیدی تبریز ۴ بیواکولوژی عوامل بیماریزای خاکزاد گیاهان ویژگی اثر: پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: دانیال - ۱۳۸۲۵ قارچ شناسی تکمیلی ویژگی اثر: پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: احرار - ۱۳۸۱۶ ویژه نامه ناظر شماره ۱ ویژگی اثر: تالیف

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

تفضلی، عنایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۴ است. وی هم‌اکنون با رتبه علمی استادی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز به تدریس و تحقیق مشغول است. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال ۱۳۵۴ است. خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته و سفر به کشورهای آمریکا و انگلستان از خاطرات و وقایع مهم زندگی علمی عنایت‌الله تفضلی بوده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: عنایت‌الله تفضلی در کنار تحصیل به یادگیری زبانهای انگلیسی و آلمانی می‌پرداخت. هم‌دوره‌ای‌ها و همکاران: وقایع میان‌سال: عنایت‌الله تفضلی پس از حراز دکتری باغبانی در دانشگاه شیراز مشغول به تدریس شد. وی پس از طی مراتب علمی استادیاری و دانشیاری به رتبه علمی استادی دانشگاه شیراز درآمد. وی در کنار تدریس به تحقیق در زمینه مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما و اثر تنظیم‌کننده‌های رشد در زمان گل‌انگیزی بر کیفیت و کیفیت انگور و غیره... می‌پردازد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عنایت‌الله تفضلی عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز است. فعالیت‌های آموزشی: عنایت‌الله تفضلی به تدریس دروس‌های مختلف زیردر دانشگاه شیراز می‌پردازد: تنظیم‌کننده‌های رشد، میوه‌های گرمسیری و نیمه‌گرمسیری، میوه‌های دانه‌ریز، اصول باغبانی، سبزی‌کارپجگونگی عرضه آثار: عنایت‌الله تفضلی آثار خود را در قالب تالیف و ترجمه کتب و مقاله و همچنین با انتشار آنها در مجلات معتبر علمی بین‌المللی ارائه می‌کند. ایشان بیش از ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. وی همچنین دارای چندین طرح تحقیقاتی پایان‌یافته است که در زیر به چند عنوان از آنها اشاره می‌شود: مقایسه اثرات و ساخت ایرانی CCC و مقایسه با مشابه خارجی - مجری مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما - مجری اثر تنظیم‌کننده‌های رشد در زمان گل‌انگیزی بر کمیت و کیفیت انگور - مجری آثار: ۱ اصول باغبانی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، ایرج روحانی، بیژن شیبانی، عنایت‌الله تفضلی ناشر: دانشگاه شیراز - ۱۳۸۳۲ انگور و ویژگی اثر: دانشگاه شیراز - فارسی ۱۳۷۱۳ فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی (شامل تعریف و معادل فارسی واژه‌های علمی): علوم باغبانی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، عنایت‌الله تفضلی، احمد خلیقی، وازگین گریگوریان، علیرضا سپاهی، محمدرضا داهی (ویراستار)، سیدمحمد اشکان (ویراستار)، غلامرضا ستوده (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

توسلی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود توسلی متولد ۱۳۱۸ هـ.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی آلاباما با درجه دانشیار می‌باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون آبیاری ترکیبی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالیفرنیا می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر محمود توسلی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکتری رشته باغبانی از دانشگاه ایالتی آلاباما می‌باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین‌کننده و زندگی

علمی دکتر محمود توسلی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر محمود توسلی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر محمود توسلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمود توسلی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما است. فعالیتهای آموزشی: دکتر محمود توسلی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه آلاباما به تدریس درونی تخصصی رشته ماشین آلات کشاورزی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر محمود توسلی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول بوده است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر محمود توسلی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری ترکیبی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالادونیا انجام داده است. آثار: ۱ آبیاری ترکیبی باران و زهکشی درختان چوب صنعتی کالادونیا

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

جلالی سندی، جلال

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جلال جلالی سندی در سال ۱۳۳۸ در فومن متولد شد. ایشان مدرک دکتری رشته حشره شناسی را از دانشگاه بنارس هندوستان در سال ۱۳۷۰ اخذ کرده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می باشد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسیگرایش: حشره شناسی کشاورزیوالدین و انساب: پدر جلال جلالی سندی مهدی جلالی سندی (معلم) و نام مادر محترمشان فاطمه صفوی است. ایشان نیز ۴ برادر و یک خواهر دارد. خاطرات کودکی: دوران کودکی جلال جلالی سندی در روستای سندی از توابع شهر فومن سپری شد. تا کلاس چهارم ابتدایی در فومن به تحصیل پرداخت و بعد از آن برای ادامه تحصیل به رشت عزیمت کرد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خانواده جلال جلالی سندی در خانواده ای مذهبی، فرهنگی و متوسط بدنیآ آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: جلال جلالی سندی تا چهارم ابتدایی را در شهر فومن گذراند و پس از آن تا دوره متوسطه در رشت به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی را از دبیرستان نوربخش رشت اخذ کرد. تحصیلات دانشگاهی ایشان در هندوستان بوده است. کارشناسی کشاورزی از دانشگاه بنگلور هندوستان در بین سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۲ کارشناسی ارشد گیاهپزشکی گرایش حشره شناسی از دانشگاه آترا هندوستان در بین سالهای ۱۳۶۲-۱۳۶۵ دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه بنارس هندوستان در بین سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۰ دوره میکروسکوپ الکترونی-دانشگاه بنارس هندوستان در سال ۱۹۸۹ دوره کاربرد الکترو فورز در کشاورزی- دانشگاه گیلان در سال ۱۳۷۸ همسر و فرزندان: جلال جلالی سندی متاهل و دارای همسر و یک فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای مورد تصدی جلال جلالی سندی به قرار زیر است: - سرپرست موزه جانورشناسی دانشکده علوم کشاورزی از سال ۱۳۷۲ الی ۱۳۸۲ - مدیر گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ - معاون آموزشی و دانشجویی دانشکده کشاورزی از سال ۱۳۸۰-۱۳۸۵ - عضو انجمن حشره شناسان ایران - شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده کشاورزی از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۵ - شورای آموزشی دانشگاه گیلان از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵ - شورای دانشگاه از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۵ فعالیتهای آموزشی: دروس ارائه شده توسط جلال جلالی سندی در

دانشگاه گیلان به شرح زیر است: الف) دوره کارشناسی زیست‌شناسی-جانور شناسی-حشره شناسی و دفع آفات-حشره شناسی تخصصی-نرم‌تنان و مهره داران زیان اور کشاورزی ب) دوره تحصیلات تکمیلی مرفولوژی حشرات-فیزیولوژی حشرات سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: جلال جلالی سندی در کنار تدریس به تحقیق و نقاشی می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه جلال جلالی سندی: فیزیولوژی تولید مثل در حشرات-استفاده از مواد گیاهی در کنترل حشرات چگونگی عرضه آثار: مقالات انگلیسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی: ۷ مقاله مقالات فارسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی: ۱۶ مقاله شرکت در کنفرانسها و مقالات ارائه شده: ۳۴ مقاله پروژه های تحقیقاتی انجام یافته: الف) پروژه های انجام شده در پنج سال اخیر ۱-بررسی تاثیر حشره کشی، عقیم زایی و هورمون جوانی از گیاهان هرز رو منطقه گیلان علیه حشرات باغی و زراعی. ۲-بررسی نوسانات فصلی تریپس توت در مزرعه تحقیقاتی مرکز تحقیقات کرم ابریشم ایران- پسیخان. ۳-فون حشرات پارازیت و پرداتور استان گیلان ۱۳۸۰ (همکارمجرى). Puricularia grisea۴-ارزیابی عصاره چند گونه از گیاهان بومی در جلوگیری از رشد قارچ عامل بیماری بلاست برنج. ۱۳۸۵. (مجرى) ب) پروژه های جاری (در دست اجرا) ۱-غربال چند گونه از گیاهان دارویی مهم ایران برای فعالیت ضد حشره ای علیه چهار گونه آفت انباری ۲- جمع آوری و شناسایی فون بال ریشکداران استان گیلان آثار: تنظیم کننده های رشد در حشرات ویژگی اثر: انتشارات حق شناس ۱۹۳ صفحه منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

جوکار، یعقوب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یعقوب جوکار متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه ماری با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر یعقوب جوکار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز و دکترای گیاه پزشکی از دانشگاه ماری فرانسه میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یعقوب جوکار بوده است. فعالیتهاى ضمن تحصیل: دکتر یعقوب جوکار در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر یعقوب جوکار پس از اخذ مدرک دکترای در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ماری درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر یعقوب جوکار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ماری است. فعالیتهاى آموزشی: دکتر یعقوب جوکار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه ماری به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر یعقوب جوکار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر یعقوب جوکار از جمله گیاه پزشکیان است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره شیوه های انتقال بیماری از گیاهان به انسان انجام داده است. آثار: شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان

منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

حجارود، قربانعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیک، سوئیس است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (کشاورزی) با درجه استاد است. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیک، سوئیس است. وقایع میانسالی: قربانعلی حجارود پس از احراز دکتری رشته گیاه پزشکی به عضویت دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: قربانعلی حجارود استاد و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران است. فعالیتهای آموزشی: عناوین دروس آموزشی ارائه شده قربانعلی حجارود به شرح زیر است: کارشناسی ارشد • قارچ شناسی تکمیلی • قارچ شناسی • قارچ شناسی تکمیلی چگونگی عرضه آثار: قربانعلی حجارود به موازات تدریس به تحقیق در زمینه های گونه جدیدی از قارچهای *Frysiphaceae* از ایران، مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندر قند بعد از برداشت در کرمانشاه، کمک به شناسائی گونه های *puccinia* در ایران و بررسی اثر آفتاگونست چند جدا شده *Triehoderma* روی *phytophthora erythro ptiea* عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی می پردازد. آثار: ۱ مقالات ارائه شده در همایشها • حجا رود قربانعلی، "بررسی مقاومت چند رقم برنج نسبت به بیماری کله قهوه ای،" دومین همایش ملی استفاده بهینه از کود و سم در کشاورزی، کرج/ایران، ۰۲-، بهمن، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی، "بیماریزائی یا سفیدشدن گیاهچه های مرکبات،" دومین کنگره علوم باغبانی ایران، کرج/ایران، ۰۲-، شهریور، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی، "تنوع شدت بیماریزائی جرایه های قارچ *Ascochyta rabia* جمع آوری شده از مناطق مختلف استان کرمانشاه بر روی ارقام نخود معمولی،" هشتمین کنفرانس سراسری زیست شناسی، دانشگاه رازی / ایران، ۰۹-، شهریور، ۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی، "معرفی دو قارچ جدید روی برگ زرشک در خراسان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "معرفی گونه های قارچی جدا شده به عنوان لکه قهوه ای ذرت در استان های مازندران و گیلان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "بیماریهای قارچی بعد از برداشت ریشه چغندر قند در استان خوزستان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "مطالعه فلور قارچهای کرج،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "چرخه زندگی بیماری پوسیدگی طوقه برنج ناشی از *giberella fijkuroi* در گیلان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "بررسی بیماری سفیدک داخل یونجه و شرایط اقلیمی مؤثر در بروز اپیدمی آن در استان همدان،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "مطالعه تابستانگذرانی و جستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "گونه جدیدی از قارچهای *erysiphacea* از ایران،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "بررسی اثر چند قارچکش و قارچ انتاگونست روی قارچ عامل بیماری پوسیدگی گل آذین خرما،" سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی، "بررسی مقاومت سه رقم پیاز ایرانی در برابر پوسیدگی سفید پیاز،" دومین سمینار تحقیقات سبزی و صیفی، کرج/ایران، ۲۱-، مرداد، ۱۳۷۴ •

حجا رود قربانعلی، "اولین گزارش از جداسازی و شناسایی قارچ *paecilomyces farinosu* از سیستمهای نماتد و بررسی یائزانتاگونستی آن روی تخمهای نماتد در ایران، "دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "بررسی شانکر سیتو سپورایی درختان سیب در استان همدان، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "شناسایی قارچ های خانواده *erisiphacea* در منطقه حفاظت شده گلستان، "دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "معرفی قارچ عامل پوسیدگی ساقه برنج در گیلان، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "معرفی *pestalotiopsis smilacis* به عنوان گونه جدید برای میکوفلور ایران، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "معرفی چندعامل قارچی بیماری پوسیدگی غلات برنج در گیلان، "دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "مطالعاتی در مورد زنگهای خانواده *cyperaceae* در ایران، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "گزارشی از وجود قارچ انگل نمادهای ماده در ایران، "دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "جداسازی *fusarium solani* از سیستمهای نماتد و بررسی اثر آنتاگونیستی آن روی تخم های نماتد، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • حجا رود قربانعلی، "بررسی میکوفلور زعفران، "دومین گرد همایی زعفران و زراعت گیاهان دارویی، گناباد / ایران، ۱۷-، آبان، ۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی، "بررسی اثر آنتاگونیسی جدا شده تریلودر ماروی قارچ *sclerotinia sclerotiorun* (Lib) de bary عامل اسکروتینیائی بادنجان، "یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، رشت / ایران، ۰۶-، شهریور، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی، "بررسی اثر چند قارچ کش در کنترل بی‌اری گموز پسته در اثر *phydophthora spp*، "یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، رشت / ایران، ۰۶-، شهریور، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی، "بررسی بیماری پوسیدگی سفید سیر در اثر قارچ *scl2* مقالات چاپ شده در مجلات خارجی • Hajarood: Ghorbanali, "aesedium scorzonrae lalifoliae sp nov. and puceinia dore matis ammoniaci sp. two new species of uredinales in iran", *lidia*, ۳, ۱۲۲-۱۱۹, ۲۶۱۵ • Hajarood Ghorbanali, "two taxa new to the iranian rust flora", *lidia*, ۳, ۷۶-۷۳, ۲۶۱۴ • Hajarood Ghorbanali, "la maladie des taches bumes du tournesol", *phytofathologie eatseherift*, ۷۸, ۲۷۷-۲۷۴, ۲۵۹۴ • Hajarood Ghorbanali, "etudes taxonomiques sur les phoatoloje miyake et leurs formes moisines", *sydowia*, ۲۲, ۱۰۷-۵۷, ۲۵۸۹ • Hajarood Ghorbanali, "Genetic structure of Iranian *Pyricularia grisea* populations based on rep-PCR fingerprinting.", *European Journal of Plant Pathology*, ۱۱۰, ۹۰۹-۹۱۹, ۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali, "Fertility status and distribution of mating type alleles of the Rice Blast Fungus, *Magnaporthe grisea* in northern Iran", *comm. APPI. Biol. Sci* Hajarood Ghorbanali, "Olive Verticillium wilt or • ۲۰۰۴, ۵۳۹-۴, ۵۳۷ شماره ۶۹ جلد ۶۹, *Comm. Appl. Biol* Hajarood Ghorbanali, "dieback olive in Iran.", *Comm. Appl. Biol* Hajarood Ghorbanali, "Evaluation of chickpea resistance against some isolates of *Ascochyta rabiei*, the causal agent of *Ascochyta blight*.", *Comm. Appl. Biol. Sci. Ghent Universit*, جلد ۶۹ شماره ۶۶۳-۴, ۶۶۵ • ۲۰۰۴ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی • حجا رود قربانعلی، "مطالعه اثر اسبیتزلار-اس-متیل در کنترل بیماری سفیدک پودری خیار، "مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۵ (۲)، ۲۹۲-۲۸۵، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "تاکسونومی *Puccinia*

coronata s. l. عامل زنگ تاجی در ایران، "رستنیها، ۵ (۱)، ۱۰۷، ۸۹ - ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی"، شناسائی نژادهای فیزیولوژیک قارچ عامل بیماری سفیدک داخلی آفتابگردان در استان مازندران و دشت گرگان، "مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۱ شماره ۱، ۸۵-۱، ۹۰، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"، اطلاعاتی جدید از فلورقارچهای میکرومیست ناحیه کرج (۱)، "رستنیها، جلد ۱۳۰، ۱۰۳-۱، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"، مطالعه رنگهای گیاهان تیره cyperaceae در ایران، "رستنیها، جلد ۱، ۴۱-۲۳، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"، تحقیقی در زمینه شناسائی قارچهای تیره Erysiphaceae در استان گیلان (۱)، "رستنیها، جلد ۱۴۹، ۱-۱۳۱، ۱۳۷۹ • حجا رود قربانعلی"، گونه جدیدی از قارچهای Frysiphaceae از ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۵ شماره ۴-۱، ۱۲۴-۱، ۱۲۲، ۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی"، اولین گزارش از تشکیل تلئومورف قارچ rhizocdonia solani جدایه چغندر قند در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۵ شماره ۴-۱، ۱۸۰-۱، ۱۷۹، ۱۳۷۸ • حجا رود قربانعلی"، بررسی پوسیدگی ساقه برنج در گیلان، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۴ شماره ۱، ۸۳-۲، ۷۶، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی"، مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندر قند بعد از برداشت در کرمانشاه، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۴ شماره ۱، ۹۱-۲، ۸۴، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی"، جداسازی قارچهای Fusarium solani و paecilomyces spp از Heterodera schacahtii و کارآئی آنها در کنترل بیولوژیکی تخم های نماقد در شرایط آزمایشگاه، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۴ شماره ۳، ۱۹۶-۴، ۱۸۶، ۱۳۷۷ • حجا رود قربانعلی"، بروز بی‌اری پوسیدگی سفید روی کلزا در استان گیلان، "آفات و بیماریهای گیاهی، جلد ۶۶ شماره ۱، ۱۴۳، ۲، ۱۳۷۶ • حجا رود قربانعلی"، کمک به شناسائی گونه های puccinia در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۲ شماره ۳، ۲۶۷-۴-۲۴۴، ۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"، پیدایش gibbere lla zede patch فرم جنسی عامل پوسیدگی غلاف برنج در گیلان، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۲ شماره ۳، ۲۹۲-۴، ۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"، بررسی اثر چند قارچکش در کنترل بیماری پوسیدگی طوقه برنج در گیلان، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۲ شماره ۳، ۲۷۷-۴، ۲۶۸، ۱۳۷۵ • حجا رود قربانعلی"، بررسی اثر آفتاگونست چند جدا شده Triehoderma روی phytophthora erythroise ptiea عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی، "مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۲۵ شماره ۲، ۷۲-۶۱، ۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی"، Pestalatiapsio mattrassii عامل بیماری سوختگی خاکستری برگ چای و یک نمونه جدید برای میکوفلور ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۳۰ شماره ۴-۱، ۸۰-۱، ۷۹، ۱۳۷۳ • حجا رود قربانعلی"، بررسی بیماریزائی برخی از گونه های بذر زاد روی گیاهچه پنبه، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ ش ۱، ۴۱-۲، ۳۵، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، مطالعه گونه های septoria در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ ش ۱، ۷۵-۵۳، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، بررسی میکوفلور بذر پنبه در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ شماره ۳، ۱۳۹-۴، ۱۳۲، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، معرفی یک قارچ جدید جدا شده از درختان سیب، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ شماره ۱، ۸۳-۲، ۷۷، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، کمک به شناسائی سیاهکهای ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ شماره ۱، ۱۰۶-۲، ۱۰۵، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، معرفی قارچ fusaiem solani به عنوان عامل پوسیدگی سیاه ریشه نخود ایرانی در ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۹ شماره ۳، ۱۴۸-۴، ۱۴۷، ۱۳۷۲ • حجا رود قربانعلی"، شناسائی و پراکندگی گونه های Tilletia روی گندم در غرب و شمالغرب ایران، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۸ شماره ۴-۱، ۹۶-۸۵، ۱۳۷۱ • حجا رود قربانعلی"، بررسی بیماری پوسیدگی طوقه وریشه (گموز) درختان پسته در منطقه رفسنجان، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۶ شماره ۴-۱، ۱۱-۱، ۱۳۶۹ • حجا رود قربانعلی"، بررسی اثر چند قارچکش در مبارزه با عوامل بیماری پوسیدگی طوقه وریشه پسته، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۶ شماره ۴-۱، ۵۶-۴۷، ۱۳۶۹ • حجا رود قربانعلی"، بررسی تأثیر عوامل جوی در اسپرزائی pyricularia orgzae، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۵ ش ۴-۱، ۵۸-۴۹، ۱۳۶۸ • حجا رود قربانعلی"، جداسازی phytophthora citrophthora از طوقه وریشه درختان پسته دامغان، "مجله بیماریهای گیاهی، جلد ۲۵ شماره ۴-۱، ۷۳-۱، ۱۳۶۸

• حجا رود قربانعلی، بررسی تاکسونومیک و پاتولوژیک در باره قارچهای شبه جنس *sytoporaehrb* و اشکال جنسی آنها روی درختان میوه ایران. قسم ۴ مقالات چاپ شده در همایشها • حجا رود قربانعلی، رده بندی عامل زنگ قهوه ای، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "جداسازی *Gaeumannomyces graminis var. graminis* از غلاف طوقه برنج در مازندران، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "مقاومت چند رقم نخود در برابر تعدادی از جدایه های قارچ *Ascochyta rabiei* در استان کرمانشاه، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "اثر عصاره برگ *Reynoutria sachalinensis* بر واکنش های دفاعی بوته خیار در جریان ابتلا- به بیماری سفیدک پودری، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "شناسایی دودمان کلونی در جمعیت قارچ *Magnaporthe grisea* و بررسی نحوه پراکنش آنها به کمک rep-PCR در گیلان، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "شناسایی گونه های جنس *Ganoderma Karst.* Basidiomycota در شمال ایران، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "گزارش *Gibberella zeae* تلومورف *Fusarium graminearum* از مازندران، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "کنترل بیولوژیکی قارچ *Sclerotinia sclerotiorum* عامل بیماری پوسیدگی ریشه آفتابگردان بوسیله سودوموناسهای فلورسنت، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "استخراج و شناسایی مواد ضد باکتری از کارپوفور (*Ganoderma applanatum* Basidiomycota) جمع آوری شده از شمال ایران، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "مطالعه برخی خصوصیات بیولوژیکی و کشت و پرورش مصنوعی گونه های *Ganoderma lucidum* و (*G. applanatum* Basidiomycota) جمع آوری شده از شمال ایران، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "نقش حرارت درمانی قلمه های زیتون در کاهش آلودگی آنها به بیماری پژمردگی ورتیسلیومی، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "بررسی اثر چند ترکیب شیمیایی در القاء مقاومت خیار علیه بیماری سفیدک پودری، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • حجا رود قربانعلی، "بررسی اثر چند آنتاگونیست بر *Phytophthora citrophthora* عامل بیماری گموز (پوسیدگی طوقه و ریشه) پسته، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • Hajarood Ghorbanali, "Olive Verticillium wilt or dieback of Olive in Iran", ۵۶th International Symposium on Crop Protection mating type alleles of the rice blast fungus, *Magnaporthe grisea* in northern Iran", ۵۶th International Symposium on Crop Protection may, ۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali, "Fertility status and distribution of, ۰۶-۰۵, بلژیک, Protection mating type alleles of the rice blast fungus, *Magnaporthe grisea* in northern Iran", ۵۶th International Symposium on Crop Protection may, ۲۰۰۴ • Hajarood Ghorbanali, "Seed born fungi of rice (*Oryza sativa*) in Mazandaran", ۵۶th International Symposium on Crop Protection of chickpea resistance against some isolates of *Ascochyta rabiei* blight", ۵۶th International Symposium on Crop Protection may, ۲۰۰۴, ۰۶-۰۵, بلژیک,

منابع زندگینامه <http://www.iranologyfo.com>:

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر میرجلیل حجازی، دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۳۴ در شهرستان مرند بدنیا آمد. نامبرده در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: میرجلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۲ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه دیویس - امریکا دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایان نامه: الف - کارشناسی ارشد: Weed control by tarping the soil with clear polyethylene plastic ب - دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham: life table studies and ovidal activity وقایع میانسالی: میرجلیل حجازی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی: عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی، مدیریت گروه گیاهپزشکی و معاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی میرجلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس ۱- دوره کارشناسی: سمشناسی - علفهای هرز و کنترل آنها ۲- تحصیلات تکمیلی: سمشناسی تکمیلی - مدیریت آفات - فیزیولوژی علفکشها - روش تحقیق و آفتکشها و محیط زیست چگونگی عرضه آثار: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۳ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۳ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: راهنمایی (۷ فقره پایان یافته - ۴ مورد در حال انجام) مشاوره: ۶ فقره پایان یافته - ۱ فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی (۱ فقره انجام یافته - ۲ فقره در حال انجام)

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

حجازی، میرجلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر میرجلیل حجازی، دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۳۴ در شهرستان مرند بدنیا آمد. نامبرده در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: میرجلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به

پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۵۲ از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه دیویس - امریکا دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد : Weed control by tarping the soil with clear polyethylene plastic ب - دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham: life table studies and ovicidal activity وقایع میانسالی: میر جلیل حجازی در سال ۱۳۶۴ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۴ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی: عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی، مدیریت گروه گیاهپزشکی و معاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی میر جلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس ۱- دوره کارشناسی: سمشناسی - علفهای هرز و کنترل آنها ۲- تحصیلات تکمیلی: سمشناسی تکمیلی - مدیریت آفات - فیزیولوژی علفکشها - روش تحقیق و آفتکشها و محیط زیست چگونگی عرضه آثار: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۳ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۲۳ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: راهنمایی (۷ فقره پایان یافته - ۴ مورد در حال انجام) مشاوره: ۶ فقره پایان یافته - ۱ فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی (۱ فقره انجام یافته - ۲ فقره در حال انجام)

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

حجت، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید حسین حجت در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی از کالج امپریال لندن - انگلستان در سال ۱۳۴۱ است. وی عضو هیئت علمی و استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: حشره شناسیوالدین و انساب: پدر سید حسین حجت فضل الله حجت است و مادر محترمشان پس از ازدواج با پدرش احترام السادات لقب گرفت. ایشان دارای سه خواهر بنامهای صدیقه (کارمند بازنشسته شهرداری)، فاطمه (فرهنگی بازنشسته در آمریکا) و خدیجه حجت (بازنشسته بانک کشاورزی) و یک برادر بنام سید محمد حسن حجت بازنشسته سازمان صنایع نظامی کشور می باشد. خاطرات کودکی: دوران کودکی سید حسین حجت همچون دوران کودکی دیگران به بازی و تفریح سپری شد. ایشان از خاطرات خود در این باره از فلک و تنبیه با ترکه یا چوب بدست زدن ترس داشت. او همچنین از دیو و جن و موجودات خیالی و داستانی هم می ترسید. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید حسین حجت در خانواده ای از نظر مالی متوسط بدنیا آمد. هر چند که در بعضی از دوره های زندگی با وجود کمبودهایی با مشکلاتی مواجه می شد ولی از آن دوران به نیکی یاد می کند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید حسین حجت تحصیلات ابتدایی را دبستان عنصری تهران در سال ۱۳۱۸ و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رسانده و در سال ۱۳۳۴ موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته علوم طبیعی گردید. دوره کارشناسی ارشد پیوسته را در دانشکده کشاورزی در رشته دفع آفات کشاورزی در سال ۱۳۳۸ و دوره دکتری را در

کالج امپریال لندن واقع در کشور انگلستان در رشته حشره شناسی در سال ۱۳۴۱ گذرانید. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان: اثرات تراکم جمعیت و مقایر کم سموم حشره کش بر سن پنبهخاطرات و وقایع تحصیل: سید حسین حجت از خاطرات خود در این دوران چنین می گوید: با وجود مخالفت پدرم علاقه زیادی به موسیقی به خصوص سنتور داشتم. ضمن تحصیل نواختن این ساز را بخوبی آموختم و در جشن های دانشکده کشاورزی در ارکستر می نواختم. دکتر حجت در دوران تحصیل در مقاطع دانش آموزی جزء دانش آموزان و شاگردان متوسط و خوبی بود. فعالیتهای ضمن تحصیل: سید حسین حجت در کنار تحصیل به آموختن موسیقی (سنتور) و شرکت در کلاسهای شبانه (مکانیکی اتومبیل) دانشکده فنی دانشگاه تهران می پرداخت. استادان و مربیان: آقای قریب (معلم ادبیات دبیرستان شرف) مرحوم عباس دوراچی، مرحوم دکتر جلال افشار، دکتر محمود شجاعی، پروفیسور ریچاردو و غیره از استادان دکتر حجت بودند. هم دوره ای ها و همکاران: مهندسین عبدالله ابراهیمی، ضیاء ابطحی، داریوش عطاء الله اشرافیان، عطاء الله سالور، محمود امین، رحیم بابا خانی، هوشنگ بردمند، محمد جوادی، جواد شاه حسنی، جمشید خیرابی، خسرو زاهدی، محمد رهقی، غلامرضا رجبی و غیره از هم دوره ایهای و همکاران سید حسین حجت بشمار می روند. همسر و فرزندان: سید حسین حجت متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم سودابه زعیمی و دو فرزند پسر بنامهای بابک و سیامک حجت (در آمریکا موسسه رایانه ای دارند) و یک فرزند دختر بنام سارا حجت دارای کارشناسی مترجمی انگلیسی می باشد. وقایع میانسالی: از وقایع میانسالی سید حسین حجت می توان به فرار از اهواز بعزت شرایط جنگی و ترک منزل سازمانی در دانشگاه شهید چمران اهواز و مسافرت بخاطر فرصت های مطالعاتی به آمریکا، سوئیس و انگلستان، اشاره کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید حسین حجت در اسفند ۱۳۴۲ با مرتبه استادیاری در دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به خدمت گردید در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ به مرتبه دانشیاری و در بهمن سال ۱۳۸۵ به مرتبه استادی ارتقاء پیدا کرد. از دیگر مشاغل مورد تصدی ایشان بدین قرار است: مدیر گروه گیاهپزشکی اهواز در دوره جنگ تحمیلی، مدیر کل پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز، عضو کمیته ترفیعات دانشگاه شهید چمران، سردبیری مجله علمی کشاورزی دانشگاه شهید چمران و عضو هیئت تحریریه مجله علمی کشاورزی. فعالیتهای آموزشی: سید حسین حجت در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس دروس حشره شناسی و دفع آفات و دروس وابسته می پردازد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سید حسین حجت از بانیان تاسیس گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: سید حسین حجت در کنار تدریس به تحقیق و پژوهش و تالیف مقالاتی در زمینه اثر استرس بر موجودات زنده، تئوری اثر استرس بر گیاهان و جانوران و غیره می پردازد. شاگردان: از شاگردان سید حسین حجت می توان به آقای سمیع و آقای دوستی اشاره کرد. جوایز و نشانها: سید حسین حجت در سال ۱۳۵۶ برنده جایزه نشان پژوهنده همراه با ۱۰ سکه طلا می باشد. چگونگی عرضه آثار: سید حسین حجت مولف ۵ کتاب فارسی چاپ شده و در حال حاضر مشغول تالیف یک جلد کتاب دیگر بزبان فارسی است. ایشان مترجم ۲ جلد کتاب چاپ شده و در حال ترجمه یک جلد کتاب دیگر می باشد. دکتر حجت مولف ۱۸ مقاله کامل چاپ شده بزبان فارسی در مجلات، یک مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه مقالات سمینارها، ۴ خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها، ۵ مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجلات، یک خلاصه مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها، یک مقاله ترجمه شده بزبان فارسی در مجلات، ۴ خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجلات و یک نشریه فنی ترویجی می باشد.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر کریم حدادایرانی نژاد، استاد گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۳۰ در تبریز دنیا آمد. نامبرده در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۸ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شد. این همکاری دکتر حدادایرانی نژاد تا کنون با دانشگاه مذکور ادامه دارد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: کریم حدادایرانی نژاد تحصیلات ابتدایی را در دبستان بدر به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۸ از دبیرستان منصور اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاهپزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حشره شناسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه مرلند - آمریکا دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: ارزیابی خسارت طبیعی و تقلیدی سوسک بر گخوار غلات *Oulema melanopus* در مراحل مختلف رشدی گندم و اریته پتوماک ب - دکتری: بررسی فون کنه های مزارع پنبه دشت مغان و ارزیابی اثرات صفات مرفولوژیکی ارقام مختلف پنبه در بیولوژی کنه دو نقطه ای *Tetranychus articae* وقایع میانسالی: کریم حدادایرانی نژاد در سال ۱۳۷۷ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۸ به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی دکتر حدادایرانی نژاد به ترتیب زیر است: قبلی: معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی - رئیس اداره آموزش دانشکده کشاورزی - معاون گروه گیاهپزشکی فعلی: ۱ - مدیر داخلی مجله دانش کشاورزی ۲ - عضویت در کمیته تحصیلات گروه ۳ - مسئول کمیته چاپ و انتشارات شانزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران ۴ - عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ۵ - ناظر طرح تحقیقاتی از صندوق حمایت از پژوهشگران جوان نهاد ریاست محترم جمهوری فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی کریم حدادایرانی نژاد به قرار زیر است: تدریس: ۱ - دوره کارشناسی: ۱ - آفات مهم درختان میوه ۲ - آفات مهم گیاهان زراعی ۳ - کنه شناسی مقدماتی ۲ - تحصیلات تکمیلی: ۱ - کنه شناسی تکمیلی ۲ - کنه شناسی پیشرفته ۳ - روشهای پژوهش در کشاورزی جوائز و نشانها: دریافت لوح تقدیر از دانشگاه تبریز به مناسبت انتخاب پژوهشگر دوم نمونه دانشکده کشاورزی چگونگی عرضه آثار: تعداد مقاله های منتشر شده: ۳۰ مورد داخلی - ۸ مورد خارجی تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۱۵ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۴ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب تمام شده: ۱ عدد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب در حال اجرا: ۱ عدد آثار: آفات سبزی و صیفی ایران ویژگی اثر: دیدآورنده: محمد خانجانی، علی اصغر پورمیرزا (ویراستار)، کریم حدادایرانی نژاد (ویراستار)، فرشاد دشتی (ویراستار) ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - ۲۳ مرداد، ۱۳۸۶ ۲ آفات گیاهان زراعی ایران ویژگی اثر: دیدآورنده: محمد خانجانی، یوسف آرام (ویراستار)، کریم حدادایرانی نژاد (ویراستار)، نسرین درویشی (ویراستار) ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - ۲۸ اسفند، ۱۳۸۴ ۳ کنه های زیان آور محصولات کشاورزی ایران ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمد خانجانی، کریم حدادایرانی نژاد ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - ۱۳ آذر، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

حسینی شاهرودی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ناصر حسینی شاهرودی متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه ردینگ انگلستان با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون دگرگونی ژنتیکی و رابطه آن با پیوند زدن در گیاهان می باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر ناصر حسینی شاهرودی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته باغبانی از دانشگاه لندن میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی ناصر حسینی شاهرودی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر ناصر حسینی شاهرودی در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر ناصر حسینی شاهرودی پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ردینگ انگلستان در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر ناصر حسینی شاهرودی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ردینگ انگلستان است. فعالیتهای آموزشی: دکتر ناصر حسینی شاهرودی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ردینگ انگلستان به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و کشاورزی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر ناصر حسینی شاهرودی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر ناصر حسینی شاهرودی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره دگرگونی ژنتیکی و رابطه آن با پیوند زدن در گیاهان انجام داده است. آثار: دگرگونی های ژنتیکی حاصل از پیوند زدن گیاهان

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

حلاجی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر موسی حلاجی متولد ۱۳۲۱ ه. ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت می باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر موسی حلاجی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان آمریکا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان و دکترای رشته باغبانی از دانشگاه شفلید انگلستان می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر موسی حلاجی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر موسی حلاجی در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر موسی حلاجی پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر موسی حلاجی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی، در دانشکده کشاورزی در دانشگاه فردوسی مشهد است. فعالیتهای آموزشی: دکتر موسی حلاجی سالهاست که به عنوان

عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر موسی حلاجی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر موسی حلاجی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی و سیعی درباره طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت انجام شده است. آثار: شهرکهای کشت و صنعت طراحی باغهای کشت صنعتی

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

خانجانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد خانجانی در سال ۱۳۴۱ در همدان متولد شد و آخرین مدرک تحصیلی خود را در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرده اند. وی در حال حاضر دارای مرتبه استادی و مؤلف ۸ عنوان کتاب در زمینه های آفات گیاهان زراعی و آفات سبزی صیفی، سم شناسی و کنه شناسی؛ ۳۲ مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی و ۶۲ مقاله چاپ شده در کنفرانسهای بین المللی و داخلی هستند. در بین کتابهای چاپ شده، مجموعه اطلس کامل آفات گیاهی ایران وجود دارد و به لحاظ اینکه اولین مجموعه کامل آفات ایران می باشد به عنوان مرجعی برای علاقمندان به آفات ایران در داخل و خارج از کشور می باشد. وی تا کنون بیش از ۴۰ گونه جدید جانوری را برای اولین بار برای فون جانوری جهان به عنوان گونه جدید کشف، توصیف و نامگذاری کرده است و همچنین تا کنون ۱۳ طرح پژوهشی مختلف در زمینه کشاورزی را انجام داده و بعضاً آنهايي که کاربردی بودند، راهگشای مسائل بخش کشاورزی بوده است. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسیوالدین و انساب: پدرمحمد خانجانی کشاورز بودند و در سن ۵۷ سالگی در سال ۱۳۶۷ این جهان را بدرود گفتند. وی سواد خوبی داشتند و تا چهارم ابتدایی زمان قدیم خوانده بودند. اینجانب آموزش قرآن کریم را نزد ایشان فرا گرفتم و در سن ۹ سالگی بطور کامل آن را فرا گرفتم. ایشان از بنیان گذاران هیأت مذهبی روستا بودند. مادرم نیز مسئولیت خانواده را به عهده داشتند و در امور کشاورزی به ویژه در برداشت محصول پدر را یاری می کردند. خاطرات کودکی: محمد خانجانی خاطرات کودکی خود را به زبان خودش اینجور نقل می کند: اولین روزی که به مدرسه رفتم، بعد که عصر برگشتم از عموی بزرگم که کدخدا بودند پرسیدم عمو من چه کاره شدم؟ ایشان برگشتند و گفتند شما لیسانس شدی. من آن موقع معنی و مفهوم پاسخ وی را نمی دانستم. بعد که مدارج دانشگاهی را به تدریج دریافتم متوجه شدم که عمو به تحصیل یک روزه من مدرک لیسانس داده است. در سال دوم ابتدایی دو نفر سپاهی دانش در روستای ما بودند تصادفاً معلم ما آقای مهندس رحیم مقدس زاده از تبریز بودند در کنار تابلو حروف الفبا زده بودند من کلماتی که نمی دانستم با آن حروف جور می کردم و می نوشتم. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد خانجانی در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شد امرار معاش خانواده وی از طریق کشاورزی تأمین می شد. تمام دوران کودکی را در روستای سرخ آباد همدان سپری کرد. همیشه محیط آرام و با نشاطی داشت. همه اعضای خانواده در پیشبرد امور زندگی خانواده نقش داشتند بطوریکه امور زندگی به خوبی پیش می رفت. کار کشاورزی که کار دقیقی است و هر کاری باید در زمان خودش انجام شود به خوبی صورت می گرفت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد خانجانی پس از دوران متوسطه خود موفق به قبولی در دانشگاه تهران در رشته مهندسی کشاورزی- گیاه پزشکی شد. ایشان مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه تهران کسب نمود. وی در سال ۱۳۶۹ موفق به کسب درجه کارشناسی

ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در رشته حشره شناسی - کشاورزی گردید. در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه تهران در رشته حشره شناسی - کشاورزی موفق به درجه دکترا گردید. خاطرات و وقایع تحصیل: محمد خانجانی همیشه دروس روز بعد را قبل مطالعه و با حضور ذهن در کلاس ظاهر می شد. در دوره ابتدایی معلم کلاس دوم سپاه دانش داشتند به نام مهندس رحیم مقدس زاده، ایشان اهل تبریز و مهندس الکترونیک بودند. با علاقه تدریس آنها را در دوزه ابتدایی انجام دادند با آنکه لیسانس بودند ولی بسیار به کار خود عشق می ورزیدند. وی او را بسیار به تحصیل علاقمند نمودند به گونه ای که موقعی که دوم ابتدایی بودم توانایی نوشتن و خواندن کلیه کلمات فارسی را فرا گرفته بود. وی بعد از ۱۸ سال برای تعویض گواهینامه خود به همدان آمده بود و به روستای محمد خانجانی و به خانه آنها آمد. محمد به وی گفت که در دوره دکتری تحصیل می کند و عضو هیات علمی دانشگاه شده است. وی بسیار خوشحال شد. این موضوع همچنین موجب شادی خانواده وی نیز گردید. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمد خانجانی در دوره تحصیلی راهنمایی و دبیرستان به پدر و مادر در امور کشاورزی کمک می کرد و در دوره لیسانس که در دانشگاه تهران بود در کارهای فوق برنامه دانشجویی، کمیته رفاهی دانشکده مشغول فعالیت بود. در دوره فوق لیسانس نیز علاوه بر تحصیل، در جاد سازندگی استان همدان مسئول واحد حفظ نباتات جهاد استان بود. تفکیک وظایف وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی که در سال ۱۳۶۹ انجام شد باعث شد امور زراعت در وزارت کشاورزی وقت متمرکز شود و اینجانب باید از جهاد کشاورزی می رفت. تصمیم گرفت به دانشگاه برود. در اسفند ۱۳۶۹ به دانشگاه رفته و تقاضای استخدام نمود و پذیرفته شد. استادان و مربیان: محمد خانجانی ۲ سال دوره ابتدایی را نزد مهندس رحیم مقدس زاده گذراند. یکی از معلمین راهنمایی آقای محمد علی جعفری بودند. بعد از گذشت ۲۵ سال هنوز ارتباط معلم - شاگردی را حفظ کرده است. از دبیرستان نیز با آقای جواد صدیق که معلم معارف اسلامی و همچنین آقای رضایی معلم ادبیات وی بودند روابط خود را حفظ کرد. با تمام اساتید دوره لیسانس خود در دانشگاه تهران آقایان دکتر باقری زوز، دکتر رسولیان، دکتر خیری و مرحوم دکتر اسماعیلی که هم استاد دوره لیسانی و فوق لیسانس بودند، دوره دکتری نیز آقای دکتر کریم کمالی که به حق تأثیر بسیار شگرفی در پیشرفت علمی و زندگی وی داشتند. هم دوره ای ها و همکاران: از همدوره ایهای محمد خانجانی می توان به موارد زیر اشاره نمود: دکتر علی اصغر طالبی، دکتر غلامحسین طهماسبی، دکتر سید ابراهیم صادقی، دکتر جلیل حاجی زاده، دکتر سید حسین گلدانساز همسر و فرزندان: محمد خانجانی در ۱۶ اسفند ۱۳۶۹ با سرکار خانم نسرین درویشی ازدواج کرد. این ازدواج در دوره دانشجویی دوره دکتری انجام شد. حاصل این ازدواج یک دختر به نام مریم که هم اکنون سال اول دبیرستان هستند و یک پسر بنام علی که هم اکنون دانش آموز مقطع ابتدایی (سوم) هستند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از مشاغل و مسئولیتهای محمد خانجانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- استاد گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۱ و از سال ۱۳۸۵ تا حال حاضر در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۲- دانشیار گروه گیاه پزشکی از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۵ در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۳- مدیر کل امور پژوهشی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۰ در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان ۴- عضو کمیته تخصصی آفات و بیماریهای جنگل و مرتع کشور از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۹ وزارت جهاد سازندگی ۵- عضو شورای پژوهشی محیط زیست از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰ سازمان محیط زیست در شهر همدان ۶- سرپرست و مسئول راه اندازی آزمایشگاه کنه شناسی از سال ۱۳۷۰ تا حال حاضر در دانشکده کشاورزی شهر همدان ۷- سرپرست و مسئول راه اندازی کلکسیون حشرات از سال ۱۳۶۷ تا حال حاضر در دانشکده کشاورزی در شهر همدان ۸- عضو شورای دانشگاه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ در دانشگاه بوعلی سینا شهر همدان ۹- عضو شورای پژوهشی سازمان کشاورزی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ در سازمان کشاورزی در شهر همدان ۱۰- مسوول واحد حفظ نباتات از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۶۹ در جهاد سازندگی در شهر همدان فعالیتهای آموزشی: محمد خانجانی در حال حاضر در دانشگاه پیام نور، مرکز آموزش شهید مدنی، در دوره آموزش ضمن خدمت وزارت جهاد کشاورزی (میان دو آب، بندرعباس، همدان) همکاری داشته است. همچنین با

دانشگاههای تهران (دانشکده کشاورزی)، دانشکده علوم دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس تبریز، اهواز همکاری داشته و از تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۶۹ نیز با دانشگاه بوعلی سینا به عنوان عضو رسمی هیأت علمی مشغول به کار شد و هم اکنون با درجه علمی استاد در آموزش دانشجویان رشته های مختلف کشاورزی به ویژه گیاهپزشکی همکاری دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: محمد خانجانی در شکل گیری دوره دکتری حشره شناسی کشاورزی دانشگاه ارومیه نقش داشته، همچنین در دوره لیسانی گیاهپزشکی و فوق لیسانس حشره شناسی کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا نقش داشته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد خانجانی علاوه بر فعالیت آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، با مراکز تحقیقاتی سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی همکاری مستمر دارد و تحقیقات متعددی را برای دستگاههای اجرایی کشور داشته است. همفکران فرد: همیشه دوستان و همکلاسی های محمد خانجانی فردی با پشتکار و جدی توصیف می نمودند به گونه ای که این وضعیت زبان زد تک تک آنها بود. به قول آنها روحیه همکاری جمعی خوبی داشت. به دانشگاه که آمده بود یکی از اساتید به او گفت: شما محقق خوبی هستی، اگر دنبال تحقیق را بگیری موقعیت شما بهتر از هر امر دیگری خواهد بود. جوایز و نشانها: از تقدیرهای محمد خانجانی موارد زیر است که به آن اشاره شده است: ۱- پژوهشگر برتر استان در سال ۱۳۷۹-۲ پژوهشگر سال ۱۳۷۹ دانشکده کشاورزی - اولین سال انتخاب پژوهشگر برتر در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ۳- پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۱ دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (سومین هفته پژوهش استان) ۴- پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (چهارمین هفته پژوهش استان) ۵- پژوهشگر نمونه گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲ (هفته پژوهش چهارم) ۶- پژوهشگر برتر در سطح کل دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۲-۷ پژوهشگر برتر انجام بهترین طرح کاربردی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۲-۸ پژوهشگر برتر سال ۱۳۸۲-۹ تقدیر به خاطر کشف گونه جدید جانوری در سطح جهان در سال ۱۳۸۲-۱۰ مقاله برتر اولین همایش تخصصی گردوی کشور در سال ۱۳۸۲-۱۱ تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه رازی به خاطر ویرایش علمی کتاب حشره شناسی کشاورزی ۱۲- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳ پژوهشگر برتر دانشگاه و استان در ششمین مراسم هفته پژوهش استان در سال ۱۳۸۴-۱۴ تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۴ از کتاب آفات گیاهان زراعی ایران ۱۵- تقدیر معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس ستاد برگزاری ششمین هفته پژوهش و فناوری کشور ۱۶- تقدیر و تشویق طرح پژوهشی مطالعه کنه های درختان میوه غرب ایران و دشمنان طبیعی آنها (به عنوان طرح برتر) ۱۷- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا به خاطر چاپ مقاله در مجلات بین المللی با نمایه ISI ۱۸- تقدیر استنادار به عنوان پژوهشگر برتر استان در سال ۱۳۸۴-۱۹ چاپ مقاله ISI در مجلات بین المللی در سال ۲۰۰۳-۲۰ پژوهشگر برتر دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۸۵ در هفتمین مراسم هفته پژوهش استان ۲۱- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۸۵-۲۲ دریافت لوح تقدیر جشنواره ملی کلزا در اردیبهشت ۱۳۸۵-۲۳ لوح تقدیر به خاطر ارائه مقاله روشهای کنترل تلفیقی آفات یونجه در سال ۱۳۸۵-۲۴ انتخاب عضو افتخاری موسسه بیوگرافی آمریکا، **Research Board of Advisors Leading-25** **Scientists of world** در سال ۲۰۰۵ میلادی ۲۶- انتخاب ۲۰۰۰ دانشمند برجسته بین المللی قرن ۲۱ در سال ۲۰۰۵-۲۷ عضو کمیته علمی - بین المللی کنفرانس بین المللی رهیافتهای بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال ۲۰۰۷ در کشور هندوستان ۲۸- انتخاب شدن بهترین مقاله کنفرانس بین المللی رهیافت بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال ۲۰۰۷ در کشور هندوستان ۲۹- شهروند برگزیده سال ۱۳۸۵ شهر همدان. چگونگی عرضه آثار: حدود ۱۶ عنوان طرح پژوهشی از محمد خانجانی در شهر همدان و در سازمانهای مختلف آن ارائه داده است. که از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشته است. حدود ۷۸ مقاله در زمینه های مختلف علمی وی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ در کشورهای مختلف ارائه داده است. آثار: آفات سبزی و صیفی ایران و ویژگی

اثر: دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۴-۱۳۸۶، در سه جلد ۲ آفات گیاهان زراعی ایران ویژگی اثر: دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۳-۱۳۸۴، در سه جلد ۳ اصول کنترل آفات (حشرات و کنه‌ها) ویژگی اثر: دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۵۴ انگور (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج، ۱۳۸۵۵ حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر: ویراستار، انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۳۶ راهنمای تشریح آزمایشگاه جانوری ویژگی اثر: ویراستار، انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۶۷ راهنمای رنگی مهار زیستی آفات در نگهداری گیاهان ویژگی اثر: ویراستار، انتشارات دانشگاه مازندران، ساری، ۱۳۸۵۸ سم شناسی ویژگی اثر: دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۴۹ کنه‌های زیان آور محصولات کشاورزی ایران ویژگی اثر: دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۸۵۱۰ گردو (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج، ۱۳۸۴۱۱ مدیریت کنترل تلفیقی آفات، بیماریها و علفهای هرز یونجه در ایران ویژگی اثر: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج، ۱۳۸۴ منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

خرمشاهی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد خرمشاهی دارای دکترای رشته دفع آفات و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز با درجه دانشیاری تمام وقت می باشد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکیگرایش: دفع آفاتوقایع میانسالی: احمد خرمشاهی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: احمد خرمشاهی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است. چگونگی عرضه آثار: احمد خرمشاهی استاد راهنمای پایان نامه: بررسی ترجیحات غذایی شپشه دندانه‌دار *Oryzaephilus (col./silvanidae) Surinamensis* L. روی بذور گندم - جو - برنج و ذرت آثار: دفع آفات نباتی شناختی بر مدیریت تلفیقی آفات ویژگی اثر: نویسنده: مری لؤیزفلینت - رابرت ون دن بوش مترجمان: پرویز طالبی چایچی - احمد خرمشاهی - انتشارات عمیدی - ۱۳۷۳۳ علفهای نوز

خسروشاهی، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر خسروشاهی اصل متولد سال ۱۳۳۲ در شهر مراغه است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه Reading انگلستان در سال ۱۳۶۷ است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه ارومیه است. گروه: کشاورزپرشته: صنایع غذاییگرایش: صنایع لبنیاتتحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی اصغر خسروشاهی اصل به ترتیب زیر است: کارشناسی: مهندسی کشاورزی گرایش صنایع کشاورزی، ۱۳۵۵ دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) با معدل ۵۳/۳ از ۴ (رتبه

اول دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران). کارشناسی ارشد: مهندسی کشاورزی گرایش صنایع کشاورزی، ۱۳۵۷ دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) با معدل ۴ از ۴ (رتبه اول دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران). دکتر: صنایع غذایی با گرایش صنایع لبنیات از دانشگاه Reading انگلستان، ۱۳۶۷. وقایع میانسالی: اصغر خسروشاهی اصل از سال ۱۳۵۷ به خدمت دانشگاه ارومیه درآمد و هم اکنون بعنوان استاد پایه ۳۰ در گروه آموزشی علوم و صنایع غذایی دانشگاه ارومیه مشغول به خدمت می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پست‌های مدیریتی اصغر خسروشاهی اصل به قرار زیر است: ۱- عضویت در کمیته سرپرستی دانشکده کشاورزی از سال ۱۳۵۸ بمدت ۱۲ ماه. ۲- مدیر گروه ترویج و آموزش کشاورزی از تاریخ ۱۴/۲/۵۹ بمدت ۲ سال. ۳- معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی از تاریخ ۴/۵/۵۹ بمدت ۱۸ ماه. ۴- معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی از تاریخ ۳۰/۸/۶۱ بمدت ۹ ماه. ۵- مدیر گروه علوم و صنایع غذایی از تاریخ ۱۵/۹/۶۹ بمدت ۵ سال. ۶- معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی از تاریخ ۲۹/۱۰/۶۹ بمدت ۲ سال. ۷- معاون آموزشی دانشکده کشاورزی از تاریخ ۱۲/۱۱/۷۱ بمدت ۱۱ ماه. ۸- معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی از تاریخ ۲۱/۵/۷۵ بمدت ۳ سال و ۴ ماه. ۹- مدیر گروه علوم و صنایع غذایی از تاریخ ۲۲/۱۰/۷۸ بمدت ۳ سال. ۱۰- رئیس دانشکده کشاورزی از تاریخ ۱۶/۷/۸۱ لغایت ۱۹/۳/۸۳ به مدت ۲۰ ماه. ۱۱- معاون پژوهشی دانشگاه از تاریخ ۸۳/۳/۱۲ لغایت ۱۱/۸/۸۳ به مدت ۵ ماه. ۱۲- مدیر گروه صنایع غذایی از تاریخ ۸۳/۹/۷ لغایت ۷/۱۱/۸۵ به مدت ۲۶ ماه عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی: ۱- عضویت در کمیته تخصصی علوم و صنایع غذایی شورای عالی برنامه ریزی. ۲- عضویت در کمیته امنیت غذا وابسته به کمیسیون پزشکی شورای پژوهشهای علمی کشور. ۳- عضویت در شورای استاندارد استان آذربایجان غربی. ۴- عضویت در کمیته استانی غذا استان آذربایجان غربی. ۵- عضویت در کمیته تخصصی گروه کشاورزی هیات ممیزه شمالغرب کشور. عضویت در انجمن های علمی: ۱- عضو هیات تحریریه مجله پژوهش در علوم کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه. ۲- عضو هیات تحریریه مجله پژوهشهای علوم و صنایع غذایی ایران، دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد. ۳- سردبیر مجله پژوهش در علوم کشاورزی از تاریخ ۸/۸۴/۱۸. فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریس اصغر خسروشاهی اصل: تدریس در دانشگاهها - صنایع لبنیات تکمیلی (کارشناسی ارشد) در دانشگاههای ارومیه و تبریز - توکسیکولوژی مواد غذایی (کارشناسی ارشد) در دانشگاه ارومیه - شیر و فرآورده های آن (دکترای تخصصی بهداشت مواد غذایی) در دانشکده دامپزشکی ارومیه - صنایع لبنی (۱) در دانشگاه ارومیه - صنایع لبنی (۲) در دانشگاه ارومیه - تجزیه مواد غذایی در دانشگاه ارومیه - کنترل شیمیایی مواد غذایی (دکتری حرفه ای) در دانشگاههای ارومیه و آزاد ارومیه - اصول تبدیل و نگهداری فرآورده های کشاورزی در دانشگاه ارومیه - سردخانه و انبار در دانشگاه ارومیه سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: اصغر خسروشاهی اصل به زبان انگلیسی کاملاً مسلط است. جوایز و نشانها: اصغر خسروشاهی اصل پژوهشگر نمونه دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۸۵ بوده است. چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۳ مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۱۰ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در کنگره ها، سمینارها و همایشها: ۱۷ مقاله - استاد راهنمای پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی: ۱۱ مورد - استاد مشاور پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی: ۹ مورد

آثار: تکنولوژی تولید بستنی و ویژگی اثر: (ترجمه). انتشارات انزلی. ارومیه-۱۳۷۴ ۲ شیمی تجزیه مواد غذایی و ویژگی اثر: (ترجمه). انتشارات دانشگاه ارومیه. ارومیه-۱۳۷۶

خلیلی، علی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی خلیلی دارای دکترای رشته هوا شناسی و عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است. گروه: کشاورزپرشته: هوا و اقلیم شناسیگرایش: هوا شناسیوقایع میانسالی: علی خلیلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته هوا شناسی به عضویت هیئت علمی گروه آبیاری و آبادانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی خلیلی عضو هیئت علمی و استاد گروه آبیاری و آبادانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. فعالیتهای آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط علی خلیلی به شرح زیر است: کارشناسی • ارزیابی طرحهای اقتصادی • اقتصاد کار و نیروی انسانی • تبخیر و تعرق • هوا و اقلیم شناسی کارشناسی ارشد • اقتصاد کلان ۲ • اقلیم شناسی در کشاورزی • اقلیم شناسی مناطق خشک • اقلیم شناسی در کشاورزی • اقلیم شناسی مناطق قخشک • اقلیم شناسی مناطق خشک (• بیومیکرو کلی) خرد اقلیم شناسی زیستی • مبانی هواشناسی • هیدرومتئورولوژی دکتری • میکروکلیماتولوژی • هیدرومتئورولوژی چگونگی عرضه آثار: علی خلیلی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق درباره تدوین یک سامانه جدید پهنه بندی اقلیمی از دیدگاه نیازهای گرمایش-سرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران، تحلیل روند تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایستگاه قدیمی ایران در یکصد و شانزده سال گذشته، تغییرات سه بعدی میانگین های سالانه دراز مدت دمای هوا در گستره ایران و پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر و غیره می پردازد. آثار: ارزیابی کارایی چند نمایه خشکسالی هواشناسی در نمونه های اقلیمی مختلف ایران و ویژگی اثر: نیوار- دوره: شماره: ۴۸-۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص. ۷۹ تا ۹۳.۲ پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر و ویژگی اثر: ۳۲، ۱۳۷۸۳ پیشنهاد روش برای پهنه بندی اقلیمی در محیط GIS مطالعه موردی شمال غرب ایران در سیستم سلینینوف و ویژگی اثر: بیابان، نهم- شماره ۲، ۲۲۷-۲۳۷، ۱۳۸۳۴ تحلیل روند تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایستگاه قدیمی ایران در یکصد و شانزده سال گذشته و ویژگی اثر: بیابان، جلد نهم- شماره ۱، ۲۵-۳۴، ۱۳۸۳ بیابان، جلد نهم- شماره ۱، ۲۵-۳۴، ۱۳۸۳ ۵ تدوین یک سامانه جدید پهنه بندی اقلیمی از دیدگاه نیازهای گرمایش-سرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران و ویژگی اثر: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴، ۵-۱۴، ۱۳۸۳۶ تغییرات سه بعدی میانگین های سالانه دراز مدت دمای هوا در گستره ایران و ویژگی اثر: ۳۲، ۱۳۷۸۷ خاکهای ایران و ویژگی اثر: تالیف، موسسه تحقیقات خاک و آب، ۱۳۸۳۸ شناخت اقلیمی و ویژگی اثر: ج ۱، ترجمه، وزارت نیرو، ۱۳۷۸ ۹ مطالعه بیوکلیماتولوژیک موریانه های ایران و ویژگی اثر: آفات و بیماریهای گیاهی، ۷۱-۱۲۱، ۲-۱۳۹، ۱۳۸۲

ذوالنون، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد ذوالنون متولد ۱۳۲۴ ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضویت هیئت علمی دانشگاه داکوتای شمالی با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون دفع آفات نباتی به روشهای بیولوژیک و کشت همسایه می باشد. گروه: کشاورزپرشته: صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر محمد ذوالنون دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه داکونای شمالی دکترای رشته اصلاح نباتات از دانشگاه داکوتای شمالی میباشدخاطرات و وقایع تحصیل: انجام و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین

کننده در زندگی علمی دکتر محمد ذوالنون بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر محمد ذوالنون در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمد ذوالنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه اصلاح نباتات در دانشکده کشاورزی در دانشگاه داکوتای شمالی است. فعالیتهای آموزشی: دکتر محمد ذوالنون سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه اصلاح نباتات به تدریس دروس تخصصی رشته اصلاح نباتات دانشگاه داکوتای شمالی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر محمد ذوالنون در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر محمد ذوالنون از جمله دانشمندان اصلاح نباتات است که پژوهشها و تحقیقات مفصل و عمیقی درباره دفع آفات نباتی به وسیله روشهای بیولوژیک و کشت همسایه انجام داده است.

رجایی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا رجایی متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه کلیرتون انگلستان با درجه استاد باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون آفت مارمادیای رونده در حبوبات میباشد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمد رضا رجایی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی محمد رضا رجایی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمد رضا رجایی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است. وقایع میانسالی: محمد رضا رجایی پس از اخذ مدرک دکترای در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد رضا رجایی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است. فعالیتهای آموزشی: محمد رضا رجایی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد رضا رجایی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: محمد رضا رجایی از جمله گیاه شناسان و گیاه شناسانی است که تحقیقات علمی و عمیق وسیعی درباره گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهان دارد. آثار: آفت مار ماریای رونده در حیویات گیاه پزشکی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

رحمتی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علیرضا رحمتی انزابی متولد ۱۳۱۸ هـ.ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضو هیئت علمی دانشگاه لانکاستر

انگلستان درجه دانشیار می باشد وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر حشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر علیرضا رحمتی انزابی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گشاه پزشکی از دانشگاه لانکستر می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم زندگی علمی دکتر علیرضا رحمتی انزابی بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل: دکتر علیرضا رحمتی انزابی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی: دکتر علیرضا رحمتی انزابی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی، به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه دانشگاه لانکستر در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر علیرضا انزابی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه لانکستر انگلستان است.فعالتهای آموزشی: دکتر علیرضا رحمتی انزابی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی دانشگاه لانکستر انگلیس به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر علیرضا رحمتی انزابی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص: دکتر علیرضا رحمتی انزابی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره تاثیر حشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی دارد. آثار: تاثیر حشرات در ایجاد غده در چوبهای صنعتی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

رزم دوست، فریبا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فریبا رزم دوست متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) با درجه دانشیاری باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون بررسی ویروسهای قارچ زدگی سیب زمینی میباشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای: فریبا رزم دوست دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه هاروارد میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی فریبا رزم دوست بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل: فریبا رزم دوست در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی: فریبا رزم دوست پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فریبا رزم دوست عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) است.فعالتهای آموزشی: فریبا رزم دوست سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل) به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فریبا رزم دوست در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص: فریبا رزم دوست از جمله گیاه پزشکانی و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیق درباره بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی دارد. آثار: بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی منابع

زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>**روزگار، طالب**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید طالب روزگار متولد ۱۳۲۲ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه تورنتوی کانادا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون کشت مرکبات مدیترانه‌ای در نواحی سردسیر می باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید طالب روزگار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز دکترای رشته باغبانی از دانشگاه واشنگتن میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سید طالب روزگار بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: سید طالب روزگار در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه‌های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: سید طالب روزگار پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تورنتوی کانادا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید طالب روزگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تورنتوی کانادا است. فعالیتهای آموزشی: سید طالب روزگار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی تورنتوی کانادا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و پرورش میوه می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه‌های روزمره: سید طالب روزگار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه‌های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: سید طالب روزگار از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره کشت مرکبات مدیترانه‌ای در نواحی سردسیر انجام داده است. آثار: کشت مرکبات مدیترانه‌ای در نواحی سردسیر کانادا

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

زاد، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید جواد زاد در سال ۱۳۱۹ در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان دکترای رشته گیاه پزشکی را در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه نانسئی فرانسه اخذ کرده است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: قارچ شناسی و بیماری شناسی گیاهیوالدین و انساب: پدر سید جواد زاد، مرحوم حاج سید علی زاد، شاغل در بازار و نام مادر محترمشان مرحومه حاجیه خانم زهرا زاد (دارای مدرک تحصیلات ششم ابتدایی - خانه‌دار) بود و پدر بزرگش مرحوم حاج عباس زاد، تاجر در سرای حاجب الدوله تهران بود. دکتر زاد نیز دو برادر و یک خواهر دارد. خاطرات کودکی: سید جواد زاد از سن ۵ سالگی برای فراگیری قرآن به مکتب علوم دینی رفت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید جواد زاد در خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمد. خانواده اش از نظر مالی در وضعیت متوسطی قرار داشت. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حرفه آموزی و

تحصیلات رسمی سید جواد زاد به ترتیب زیر است: - سال ۱۳۳۲-۱۳۲۶ دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه نشاط تهران - سال ۱۳۳۲-۱۳۳۹ دوره تحصیلات متوسطه در دبیرستان رهنمای تهران - سال ۱۳۳۹-۱۳۴۳ دوره مهندسی کشاورزی در دانشگاه تهران - سال ۱۳۴۸-۱۳۵۲ دوره کارشناسی ارشد گیاه پزشکی دانشگاه تهران - سال ۱۳۵۰-۱۳۵۲ دوره کارشناسی ارشد DEA دانشگاه نانس فرانسه - سال ۱۳۵۲-۱۳۵۴ دوره دکتری قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی نانس فرانسه خاخرات و وقایع تحصیل: سید جواد زاد از دوران تحصیل خود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ملی شدن صنعت نفت و همچنین وقوع زلزله بوئین زهرای قزوین را به یاد دارد. فعالیتهای ضمن تحصیل: سید جواد زاد در حین تحصیل به یاد گیری زبان انگلیسی و همچنین فعالیت های ورزشی می پرداخت. استادان و مربیان: مربیان و استادان سید جواد زاد در دوران متوسطه و دانشگاه به قرار زیر است: - دبیرستان: مرحوم محمد علی دفتری، مرحوم سید جواد - دانشگاه: مرحوم دکتر محمد حسن مهدوی، دکتر دواجی، دکتر منوچهری، دکتر خبیری، دکتر شببانی و دکتر شجاعیهم دوره ای ها و همکاران: دکتر حمید صاحب کشاف، دکتر عباسعلی زالی (وزیر اسبق کشاورزی)، دکتر حسین صدقی (استاد دانشگاه چمران اهواز)، دکتر غلامرضا سلطانی (استاد دانشگاه شیراز)، دکتر قربانعلی حجارود (استاد دانشگاه تهران) و دکتر محمود اخوت (استاد دانشگاه تهران) از هم دوره ای های سید جواد زاد می باشند. و از همکاران وی می توان به دکتر عباس شریفی، دکتر یزدی صمدی، دکتر علی خلیلی، دکتر علی محمد برقی، دکتر حسن رحیمی اشاره کرد. همسر و فرزندان: سید جواد زاد متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته سوداگر (دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی) می باشد. ایشان ۴ فرزند دارد: - دکتر محمد علی زاد دارای درجه دکتری پزشکی دانشگاه شهید بهشتی - خانم مهندس نازنین زاد دارای مدرک مهندس کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی - مهندس امیر علی زاد دارای درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه امیر کبیر تهران - خانم گلناز زاد دانشجوی رشته هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی قایع میانسالی: سید جواد زاد در سال ۱۳۴۳ به استخدام دانشگاه تهران در آمد، در سال ۱۳۵۰ برای اخذ درجه دکتری به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۵۲ ازدواج نمود. در سال ۱۳۶۸ به درجه استادی دانشگاه تهران مفتخر گردید و در سال ۱۳۸۳ برای استفاده از فرصت مطالعاتی به دانشگاه آدلاید استرالیا مسافرت نمود. در سال ۱۳۶۳ به ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران منصوب گردید و قریب به ۲۲-۲۳ سال در مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران خدمت کرده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید جواد زاد عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. از دیگر سوابق اجرایی و مدیریتی ایشان: - رئیس بخش بیماریهای گیاهی - ۱۳۶۱-۱۳۶۳ و ۱۳۶۷-۱۳۷۲ و ۱۳۷۴-۱۳۷۶ مدیر گروه، کشاورزی و منابع طبیعی مرکز نشر دانشگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۶۳-۱۳۶۷ رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران - ۱۳۷۶-۱۳۸۱ معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی - ۱۳۸۱-۱۳۸۳ معاون آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران - ۱۳۸۳-۱۳۸۵ معاون پشتیبانی دانشکده علوم باغبانی - گیاه پزشکی دانشگاه تهران فعالیت های آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی / گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران. عناوین درس آموزشی ارائه شده توسط سید جواد زاد: کارشناسی: - بیماریهای گیاهی - بیماریهای مهم درختان میوه - میکو توکسین ها کارشناسی ارشد: - بیماری شناسی بذر - بیولوژی و شناسائی علفهای هرز و انگلی - سلامت بذر - بیولوژی پاراتیسیم در بیماریها دکتری: - بیماری شناسی بذر وی همچنین تدریس درس بیولوژی پاراتیسیم در دانشگاه تربیت مدرس تهران را بر عهده دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سید جواد زاد آزمایشگاه بیماری شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را تاسیس کرده است. وی در احداث آزمایشگاه بیماریهای گیاهی - احداث هرباریوم همکاری داشته است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: آرا و گرایشهای خاص: زمینه های پژوهشی مورد علاقه سید جواد زاد تحقیق در زمینه بیماری شناسی گیاهی است. جوایز و نشانها: دریافت چندین جایزه و لوح تقدیر و لوح افتخار از طرف ریاست دانشگاه تهران، مدیریت دانشگاه تهران و مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، وزارت کشاورزی، وزارت ارشاد اسلامی و وزارت آموزش

و پرورش. چگونگی عرضه آثار: سید جواد زاد در چند طرح تحقیقاتی به عنوان مجری طرح بوده یا در طرح همکاری داشته است که به چند عنوان از آنها اشاره می‌شود: - طرح بررسی بیماریهای گیاهی ایران - مجری طرح - طرح بررسی بیماریهای دانه های روغنی - مجری طرح - طرح بررسی سفیدک داخلی آفتاب گردان - مجری طرح - طرح بررسی بیماریهای بوته میری زیره سبز - مجری طرح - طرح تکمیلی کلکسیون آزمایشگاه بیماریهای گیاهی - همکار طرح دکتر سید جواد زاد بیش از ۱۰۰ پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. ایشان همچنین دارای بیش از ۲۶ مقاله منتشر شده در مجلات بین المللی خارجی به زبانهای فرانسه و انگلیسی، بیش از ۳۲ مقاله به زبان فارسی چاپ رسیده در مجلات داخلی می باشد. مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۴ مورد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۵ مورد مقالات چاپ شده در همایشها: ۲۱ مورد مقالات ارائه شده در همایشها: ۱۶ مورد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده: ۴ مورد آثار: بیماری شناسی بذر ویژگی اثر: دانشگاه تهران - فارسی - آماده چاپ ۲ بیماری گیاهی ویژگی اثر: دانشگاه تهران - فارسی - آماده چاپ ۳ بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر: دانشگاه تهران - فارسی - زیر چاپ ۴ طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده •: بررسی شدت بیماریهای پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در ارتباط با نماتد مولد ریشه -۱۳۸۱ • شناسایی عوامل قارچی و باکتریایی موثر در مبارزه بیولوژیک گل جالیز - ۱۳۷۹ • بیماریهای نباتات زراعی و باغی - ۱۳۷۶ • ۱۳۸۳، مقایسه اثر عصاره باقلا و گوجه فرنگی و چند آنالوگ استریو گول بر جوانه زنی بذر گل جالیز قارچ شناسی و بیماریهای قارچی گیاهی ویژگی اثر: تالیف، آییز، ۱۳۸۴ ۶ قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی ویژگی اثر: تالیف - با همکاری دکتر اخوت منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

زارعی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین زارعی متولد ۱۳۱۸ ه.ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضو هیئت علمی دانشگاه کلیوتون انگلستان با درجه استاد می باشد. وی دارای تحقیقات بر آثاری پیرامون گیاه پزشکی و ژنتیک گیاهی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین زارعی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم زندگی علمی حسین زارعی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: حسین زارعی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است. وقایع میانسالی: حسین زارعی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه دانشگاه اوهایو درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین زارعی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است. فعالیتهای آموزشی: حسین زارعی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: حسین زارعی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: حسین زارعی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیق درباره گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهان دارد. آثار: بیماریهای گیاهان گیاهان پزشکی منابع زندگینامه

<http://iranologyfo.com>:

زهرائی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی زهرائی صالحی در سال ۱۳۴۳ در یکی از روستاهای شهرستان بوئین زهرا به نام خونان بدنیا آمد. بعد از پایان دوره متوسطه در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و دکترای دامپزشکی خود را در همان دانشگاه در سال ۱۳۶۸ اخذ کرد. در همان سال دوره تخصصی میکروبیولوژی پذیرفته و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل گردید و به عنوان استادیار و اینک به عنوان دانشیار در دانشکده دامپزشکی مشغول تدریس و پژوهش است. گروه: کشاورزیرشته: دامپرویرگرایش: باکتری شناسیوالدین و انساب: پدر تقی زهرائی صالحی، علی عسگر زهرایی صالحی فردی زحمت کش و کشاورز بوده است و در سال ۱۳۸۰ دار فانی را وداع گفت مادر وی طوبی خانم ۸۲ ساله و در قید حیات هستند. خاطرات کودکی: دوران کودکی تقی زهرائی صالحی در همان روستای خونان با حال و هوای شرایط روستا گذشت، بازیهای کودکانه، کار در مزرعه و کشاورزی و تحمل سختی های مخصوص روستا از خاطراتی است که زهرائی صالحی از آن دوران به یاد دارد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: به گفته تقی زهرائی صالحی شرایط خانوادگی ایشان از نظر مادی و چه از نظر معنوی خوب بود و پدرشان فردی زحمتکش و مادرشان هم خانه دار و پر تلاش بودند. و خانواده از محیطی آرام، سالم و عاطفی برخوردار بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: - دیپلم متوسطه سال ۱۳۶۲ - دکترای حرفه ای دامپزشکی سال ۱۳۶۸ - دکترای تخصصی میکروبیولوژی (Ph.D) سال ۱۳۷۳ - همچنین دکتر زهرائی در کلاسهایی که از طرف حوزه علمیه قم تشکیل میشد به مدت ۲ سال شرکت کرد و از محضر استادان فراوانی بهره برده است. خاطرات و وقایع تحصیل: همواره تقی زهرائی صالحی در تمام مقاطع تحصیلی مقام اول را از آن خود کرده است و این را از خاطرات خوب دوران تحصیل خود بیان میکند. استادان و مربیان: از مربیان تقی زهرائی صالحی میتوان به: اول دبستان آقای الله وردی، دوم دبستان سرکار خانم رنجبر، سوم دبستان خانم اعتمادی، چهارم دبستان سرکار خانم البسه، پنجم دبستان خانم ناهید عقدایی، اول و دوم راهنمایی خانم بابایی، سوم راهنمایی آقای محمد منافی، دبیرستان آقایان صفیعی، شکروی، جهانخانه، علوی و امامی اشاره کرد. همسر و فرزندان: همسر تقی زهرائی صالحی سرکار خانم پروانه میرزایی است که در رشته مهندسی الکترونیک تحصیل کرده اند و هم اکنون دبیر دبیرستان شهید صدوقی تهران هستند. حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر میباشد که الهام زهرائی صالحی هم اکنون کلاس اول دبیرستان و امیر محمد تنها یک ساله است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: تقی زهرائی صالحی مدیر گروه میکروبیولوژی از سال ۸۵-۱۳۸۰ بوده است و هم اکنون معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده دامپزشکی است. فعالیتهای آموزشی: تقی زهرائی صالحی هم اکنون به تدریس در دانشکده دامپزشکی مشغول است و سابقه تدریس در دانشگاههای کرمان، تهران، کرج، گرمسار، زابل، کازرون را نیز داراست. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: تقی زهرائی صالحی هم اکنون به مطالعه و تحقیق در زمینه باکتریها مشغول است و کارهای تحقیقاتی فراوانی نیز انجام داده است: - تحقیقات در مورد جنبه های مختلف سالموندهای بیماریزا در انسان و دام - بررسی جنبه های مختلف اسهال گوساله ها - بررسی عوامل مدت در اشريشا کل E.Coli - ارزیابی واکسن های E.Coli - ارزیابی روشهای نوین تشخیص همفکران فرد: دکتر محمد ربانی و دکتر محمد رضا فخرانیه از نامهایی است که تقی زهرائی صالحی از همکاران و همفکران خود نام برده است. جوایز و نشانها: - مجری طرح برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۲ - مجری طرح نمونه دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ - پژوهشگر برگزیده دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ و دریافت نشان درجه ۲ پژوهش

ستوده، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیاوش ستوده متولد ۱۳۲۳ هـ.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه روانشتاین با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون سازگاری میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم بزی می باشد. گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش ستوده دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و د کتر رشته باغبانی از دانشگاه روانشتاین می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش ستوده بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل : سیاوش ستوده در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سیاوش ستوده پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در انجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش ستوده عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین است.فعالتهای آموزشی : سیاوش ستوده سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه روانشتاین به تدریس دروس تخصص رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش ستوده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سیاوش ستوده از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم بزی انجام داده است.

آثار : سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم بزی

منابع زندگینامه : <http://iranologyfo.com>**ستغ، عبدالرضا**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرضا ستغ متولد ۱۳۲۴ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه پاریس (انستوی ژاک میسترال) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون سمپاشی دوره ای میوه های مدیترانه می باشد. گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرضا ستغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان و دکترای باغبانی از دانشگاه پاریس میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی عبدالرضا ستغ بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل : عبدالرضا ستغ در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : عبدالرضا ستغ پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه پاریس (انستوی ژاک میسترال) در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت

است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالرضا ستیغ عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه پاریس (انستوی ژاک میسترال) است. فعالیتهای آموزشی: عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه پاریس (انستوی ژاک میسترال) به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سمپاشی دوره ای باغبانی میوه های مدیترانه انجام داده است. آثار: آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید
منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

سحری، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی سحری در سال ۱۳۳۹ در شهر قم به دنیا آمد. وی دکترای رشته مهندسی صنایع غذایی در گرایش تکنولوژی مواد غذایی از دانشگاه ایالتی صنایع غذایی مسکو را در سال ۱۳۷۶ اخذ کرد. وی از سال ۱۳۷۰ عضو هیئت علمی در گروه صنایع غذایی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت بوده و ادامه دارد. گروه: کشاورزپرشته: صنایع غذاییگرایش: تکنولوژی مواد غذایی و اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد علی سحری در خانواده ای متوسط در کنار پدری با سواد درجه عالی (اجتهاد) و مادری با سواد پرورش یافت خانواده از لحاظ اقتصادی متوسط و مذهبی و نیز تحصیل کرده بوده است، حتی فردی بی سواد در آن دوران در خانواده وجود نداشت است. و به دلیل تلاش پدر و مادر در تربیت صحیح، جوی آرام و منطقی همیشه در زندگی برقرار بوده و تمامی هم والدین به تربیت و تحصیل فرزندان مصروف شده است. تحصیلات رسمی و حرفه ای: - دیپلم متوسطه از دبیرستان کامکار یا صدر سال ۱۳۵۷ - کارشناسی مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) در سال ۱۳۶۴ - کارشناسی ارشد مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۰ - دکترای مهندسی صنایع غذایی گرایش تکنولوژی مواد غذایی از دانشگاه ایالتی صنایع غذایی مسکو ۱۳۷۶ خاطرات و وقایع تحصیل: وقایع ۱۹ دی قم و تظاهرات مردمی و اعتصابات دانشگاه ها قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن وقوع انقلاب فرهنگی و دوباره تعطیلی دانشگاه ها و باز گشایی آنها در سال ۱۳۶۲ و در پی آن شروع جنگ تحمیلی از وقایعی است که محمد علی سحری از آن نامی برد. فعالیتهای ضمن تحصیل: فعالیتهای سیاسی در انجمن های اسلامی داخلی و در اروپا و تدریس از سال ۱۳۵۸ برای امرار معاش در دبیرستانهای تهران از فعالیتهای دوران تحصیل محمد علی سحری است. استادان و مربیان: محمد علی سحری اولین معلمان خود را پدر، مادر، پدر بزرگ و دایی بزرگوارشان نام میبرد و در ادامه به علت کسرت نامها در تمام مقاطع تحصیل معلمان خود را ارج مینهد و همیشه باری آنها دعای خیر آرزو دارد. همسر و فرزندان: محمد علی سحری در سال ۱۳۶۱ ازدواج کرده و دارای دو فرزند به نامهای مصطفی و نورا است و همگی مشغول تحصیل هستند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد علی سحری در کنار تدریس مدیر گروه، رئیس دانشکده و معاون پژوهشی، سردبیری مجله، عضو هیئت تحریریه مجلات، عضو فرهنگستان، عضو هیئت ممیزه دانشگاه، دبیر کنفرانس و ... مشغول به خدمت بوده است. فعالیتهای آموزشی: محمد علی سحری از سال ۱۳۵۸ به تدریس در مدارس تهران همراه با تحصیل را شروع کرد و سال ۱۳۶۵ در مراکز دانشگاهی مشغول شد و سال ۱۳۷۰ به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه تربیت مدرس انتخاب و تا به حال ادامه دارد. آرا و گرایشهای خاص: محمد علی سحری از فعالان انجمن های اسلامی در داخل و اروپا بوده و اعتقادات وی

ملهم از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) میباید. جوایز و نشانها: معرفی به عنوان دانشجوی نمونه خارج از کشور از طرف وزارت علوم در سال ۱۳۷۷ و دریافت جایزه از دست ریاست جمهوری وقت، استاد نمونه، پژوهشگر برتر دانشگاه (چند سال بصورت مستمر)، ثبت Patent در داخل و خارج کشور. چگونگی عرضه آثار: چاپ کتابهای تالیفی، مقالات متعدد در مجلات علمی - پژوهشی داخل و خارج و در کنفرانسهای علمی داخل و خارج از آثار محمد علی سحری است.

سرمدنیا، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامحسین سرمدنیا در سال ۱۳۲۷ خورشیدی دیده به جهان گشود. ایشان دارای مدرک دکتری مهندسی کشاورزی از دانشگاه آریزونا آمریکا (در سال ۱۳۵۹) می باشد. نامبرده پس از اتمام تحصیلات عالی به میهن بازگشت و از همان تاریخ در دانشگاه اصفهان به عنوان استادیار به تدریس و تحقیق مشغول شد. کتاب "جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم" تالیف غلامحسین سرمدنیا (با همکاری عوض کوچکی)، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزیرشته: مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامحسین سرمدنیا دوره تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۵۰ در شهر اصفهان پایان رساند، سپس وارد دانشگاه شیراز شد و در سال ۱۳۵۵ موفق به دریافت درجه مهندسی کشاورزی از آن دانشگاه گردید. وی در ادامه تحصیلات دانشگاهی راهی آمریکا شد و به ترتیب در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۹ به دریافت درجه فوق لیسانس و دکترای از دانشگاه آریزونا آمریکا نایل آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: غلامحسین سرمدنیا پس از اتمام تحصیلات عالی به میهن بازگشت و از همان تاریخ در دانشگاه اصفهان به عنوان استادیار به تدریس و تحقیق مشغول شد. جوایز و نشانها: کتاب "جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم" تالیف غلامحسین سرمدنیا (با همکاری عوض کوچکی)، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: غلامحسین سرمدنیا تا کنون چندین مقاله علمی در مجلات داخلی و خارجی بچاپ رسیده است. آثار: تولید محصولات زراعی و ویژگی اثر: تالیف ۲ جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم و ویژگی اثر: تالیف - با همکاری آقای دکتر عوض کوچکی - این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است ۳ فیزیولوژی گیاهان زراعی و ویژگی اثر: تالیف

سعیدی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عباس سعیدی، تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی کشاورزی رشته علوم زراعی در دانشگاه ایالتی سان لوئیس اویسپو کالیفرنیا - آمریکا به پایان برد وی تحصیلات تکمیلی خود را نیز در کشور آمریکا ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکتری و فوق دکتری به ترتیب در رشته ژنتیک و اصلاح نباتات و ژنتیک مولکولی گیاهی از دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه بیوتکنولوژی، دانشکده مهندسی انرژی و فناوری های نوین دانشگاه شهید بهشتی می

باشد. گروه: کشاورزیرشته: ژنتیک گیاهیگرایش: ژنتیک مولکولی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی دانشگاهی دکتر عباس سعیدی به ترتیب زیر است •: لیسانس کشاورزی رشته علوم زراعی (۱۳۶۵-۱۳۶۲) دانشگاه ایالتی سان لوئیس اویسپو کالیفرنیا - آمریکا • فوق لیسانس رشته اصلاح نباتات (۱۳۶۷-۱۳۶۵) دانشگاه ایالتی نیومکزیکو - آمریکا • دکترای رشته ژنتیک و اصلاح نباتات (۷۲-۱۳۶۷) دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا • فوق دکترای - ژنتیک مولکولی گیاهی ۱۳۷۲ لغایت ۱۳۷۳ دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و اجرایی عباس سعیدی به قرار زیر است: استادیار تحقیقاتی - دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا ۱۳۷۲ عضو هیأت علمی (دانشیار) - مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر ۱۳۸۵-۱۳۷۳ رییس بخش تحقیقات غلات - مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر ۱۳۸۱ - ۱۳۷۴ رییس مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر - وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۰-۱۳۷۸ رییس اولین کنگره منطقه‌ای زنگ زرد گندم برای مرکز، غرب آسیا و شمال آفریقا ۱۳۸۰ اولین عضو ایرانی در هیأت اجرایی کنگره بین‌المللی گندم ۱۳۸۴-۱۳۷۸ مشاور دفتر همکاریهای فن آوری نهاد محترم ریاست جمهوری (معاونت علوم زیستی) ۱۳۷۳ تاکنون رییس دانشکده و مدیر گروه بیوتکنولوژی - دانشکده مهندسی انرژی و فناوری های نوین - دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۵ تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی: بنیانگذار و عضو هیأت رئیسه انجمن متخصصین و دانشمندان رشته کشاورزی و علوم زیستی در آمریکای شمالی ۱۳۷۱ نماینده سازمان تحقیقات و آموزش جهاد کشاورزی در کمیته کارشناسی شورای عالی بیوتکنولوژی - دفتر همکاریهای فن آوری نهاد محترم ریاست جمهوری ۱۳۷۷-۱۳۷۴ عضو کمیسیون بیوتکنولوژی شورای پژوهشهای علمی کشور - ریاست جمهوری ۱۳۷۹-۱۳۷۶ عضو کمیته تخصصی کشاورزی کمیسیون بیوتکنولوژی - ریاست جمهوری ۱۳۷۹-۱۳۷۶ بنیانگذار و عضو انجمن بیوتکنولوژی کشور ۱۳۷۵ - تاکنون مدیر مسئول مجله نهال و بذر ۱۳۸۱-۱۳۷۸ مدیر مسئول مجله علوم زراعی ایران ۱۳۸۱-۱۳۷۹ عضو هیأت تحریریه مجله زیتون ۱۳۸۱ - ۱۳۷۷ عضو هیأت تحریریه بولتن بیوتکنولوژی ۱۳۸۰ - ۱۳۷۵ عضو هیأت تحریریه مجله علوم زراعی ۱۳۷۷ عضو هیأت تحریریه مجله نهال و بذر ۱۳۸۰-۱۳۷۶ رئیس و عضو هیأت مدیره انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران ۱۳۸۱-۱۳۷۹ فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی عباس سعیدی به ترتیب زیر است: تدریس ژنتیک مقطع فوق لیسانس دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا تدریس ژنتیک (آزمایشگاه) مقطع فوق لیسانس دانشگاه ایالتی کلرادو - آمریکا تدریس در زمینه اصلاح نباتات برای مقاومت به حشرات مقطع دکترا دانشگاه تبریز تدریس در زمینه اصلاح نباتات پیشرفته مقطع فوق لیسانس دانشگاه تربیت مدرس تدریس دوره آموزشی تراریخت مقطع فوق لیسانس - دکتری ایران تدریس دوره تکنولوژی زیستی مقطع فوق لیسانس - دکتری ایران تدریس معرفی گیاهان زراعی جدید (New Crops) و اثرات آنها بر تنوع زیستی کارگاه آموزشی تنوع زیستی مشهد ۱۳۸۱ ایران تدریس تأمین بذر سیب‌زمینی مورد نیاز کشور از طریق بیوتکنولوژی مرکز آموزش کشاورزی شهیدمدنی ۱۳۸۲ ایران استاد راهنما و استاد مشاور ۳۰ نفر دانشجویان مقطع فوق لیسانس و دکترا دانشگاه های مختلف کشور اجراء بیش از ۵۰ پروژه و طرح تحقیقاتی پایه‌ای و کاربردی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: بنیانگذار و عضو هیأت رئیسه انجمن متخصصین و دانشمندان رشته کشاورزی و علوم زیستی در آمریکای شمالی ۱۳۷۱ آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی عباس سعیدی: ژنتیک تنش های زنده (بیماری ها و آفات) و غیر زنده (خشکی و شوری) جوایز و نشانها: جوایز علمی دریافتی عباس سعیدی •: کسب رتبه سوم پژوهشگر نمونه سال ۱۳۸۰ - از طرف وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری • دریافت خوشه طلایی گندم به مناسب خودکفائی تولید گندم در کشور - آبان ۱۳۸۳ چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات علمی منتشر شده: بیش از ۷۰ مورد - اختراع و اکتشاف ثبت شده و آثار پژوهشی و فنی برگزیده در داخل یا خارج از کشور: کشف و شناسائی دو ژن جدید مقاومت به شته روسی گندم بنامهای Dn۲ و Dn۶، آمریکا، ۱۹۹۶ (۱۳۷۵)، Crop Science، سعیدی - کوئیک شناسائی و کشف دو مارکر RFLP برای دو ژن مقاومت به شته روسی گندم بنامهای Dn۲ و Dn۴، آمریکا، ۱۹۹۸ (۱۳۷۸)، ۳۰۳: ۴۱-۶، Genome، ما - سعیدی -

کوئیک و لاپتیان تهیه نقش ژنی و شناسایی مکان کروموزومی ژنهای مقاومت Dn۲ و Dn۴ به شته روسی در گندم، آمریکا، ۱۹۹۶ (۱۳۷۵)، Plant Genome، ما - سعیدی - کوئیک و لاپتیان معرفی نه رقم جدید گندم بنامهای: توس، پشتاز، شیراز، شهریار، دز، هامون، آرتا، مغان و دریا، ایران، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، ۱۳۸۳ معرفی سه رقم جدید گندم دوروم (صنایع ماکارونی) بنامهای: کرخه، آریا و سهند، ایران، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، ۱۳۸۳

سفیدبخت، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله سفید بخت متولد ۱۳۱۱ ش در شیراز است. وی دارای دکترای تخصصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال ۱۳۴۶ و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه استادی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای: نصرالله سفید بخت دارای دکترای تخصصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال ۱۳۴۶ است. وقایع میانسالی: نصرالله سفید بخت پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامی به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شیراز در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نصرالله سفید بخت عضو هیئت علمی و استاد گروه دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر سمت های مدیریتی و اجرای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: دبیر دبیرستان سعادت در بوشهر دبیر مرکز آموزش کشاورزی استان فارس عضو پیوسته و رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران. فعالیتهای آموزشی: نصرالله سفید بخت به تدریس دروس زیر در دانشگاه شیراز می پردازد: دامپروری عمومی، پرورش گوسفند و بز، فیزیولوژی تولید مثل، بهداشت و پرورش دام، آناتومی و فیزیولوژی دامی. جوایز و نشانها: دریافت لوح تقدیر استاد منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶، از رئیس جمهور وقت جناب آقای محمود احمدی نژاد چگونگی عرضه آثار: نصرالله سفید بخت دارای ۶ طرح تحقیقاتی و بیش از ۶ مقاله به زبان فارسی و بیش از ۱۲ مقاله به زبان خارجی دارد. آثار: صنایع پوست در دامهای بزرگ (گاو) مقایسه و مقاومت مولکول پوست طبیعی و چرم مصنوعی

سلطانی، غلامعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامعلی پیوست در سال ۱۳۲۵ در شهرستان لنگرود به دنیا آمد. وی دکتری باغبانی رشته سبزیکاری از دانشگاه بوستوس - لیبیک گیسن و مؤسسه تحقیقات کشاورزی اشپایر آلمان در سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۴ LUFA, Speyer اخذ کرد (رساله تحت عنوان: تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه) ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۸ دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان است. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیگرایش: سبزیکاریوالدین و انساب: پدر غلامعلی پیوست، غلامحسین پیوست و نام مادر محترمشان ملوک دباغزاده است. خاطرات کودکی: غلامعلی پیوست درباره دوران کودکی خود چنین یاد میکند: "در سن ۵

سالگی به دبستان رفته و تا سن هفده سالگی در شهرستان لنگرود زندگی کردم. داشتن دوستان و همشاگردان زیاد از بهترین خاطرات دوران کودکی من بود. طی دوران تحصیل به طبیعت سرسبز گیلان علاقه خاصی داشتم و همواره مطالعاتم را در دوران دبیرستان در پارکها و جنگلها انجام می‌دادم. بهمین علت انگیزه تحصیلات عالی در رشته باغبانی در من را بوجود آورد که خواسته مرا برآورده میکرد. "تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامعلی پیوست پس از اخذ دیپلم طبیعی از شهرستان لنگرود در دانشگاه یوستوس- لیبیگ (Justus-Liebig) گیسن آلمان به تحصیل کشاورزی پرداخت. وی از سال ۱۳۴۵-۱۳۵۰ مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند و در سال ۱۳۵۴ موفق به دریافت دکتری خود از همان دانشگاه در رشته سبزیکاری گردید. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد دکتر غلامعلی پیوست: انواع کودهای شیمیایی، نحوه کودپاشی و تاثیر آن بر روی زمین و گیاه عنوان پایان نامه دکتری دکتر غلامعلی پیوست: تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه خاطرات و وقایع تحصیل: غلامعلی پیوست در دوران تحصیل همواره شاگرد متوسطی بود. وی با دیدن یک فیلم خارجی در شهرستان لنگرود که خاطرات یک دانشجوی خارجی را در یک آمریکا تشریح می‌کرد، او را مصمم کرد برای ادامه تحصیل به خارج از کشور عزیمت کند. فعالیتهای ضمن تحصیل: غلامعلی پیوست در ضمن تحصیل در کشور آلمان همواره به کار دانشجویی مشغول بودند. استادان و مربیان: از اساتید غلامعلی پیوست می‌توان به پروفسور وها سیگل و دکتر هلمت راسپ اشاره کرد. همسر و فرزندان: غلامعلی پیوست در سال ۱۳۵۸ با سرکار خانم پروین رضوانی خرازی (مربی و فارغ التحصیل از دانشگاه یومسیت منچستر انگلیس در رشته پتروشیمی - ۱۵ سال پیش با دکتر پیوست همکار دانشگاهی بودند) ازدواج کرد و ماحصل این ازدواج دو فرزند دختر می‌باشد. فرزند ارشد دکتر پیوست ایران پیوست دارای مدرک کارشناسی رشته گرافیک (ارتباط تصویری) و دختر دیگرش نگین پیوست هم اکنون در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گرایش برق (نانو تکنولوژی) است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فعالیتهای اجرائی غلامعلی پیوست: ۱- عضو هیئت داوران کتب رشته باغبانی مرکز نشر دانشگاهی. تهران از سال ۱۳۶۳-۱۳۶۱، ۲- عضو کمیته پژوهشی دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان. از سال ۱۳۷۵، ۳- عضو هیئت رئیسه جلسات سخنرانی کنگره علوم باغبانی ایران. از سال ۱۳۷۵، ۴- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی طرحهای تحقیقاتی سازمان تات استانهای گیلان، مازندران و گرگان. از سال ۱۳۷۷-۱۳۷۵، ۵- مدیر گروه باغبانی از سال ۱۳۷۵-۱۳۷۱، ۶- سرپرست گلخانههای دانشکده علوم کشاورزی از سال ۱۳۸۱ تاکنون، ۷- عضو کمیته اجرایی سومین سمپوزیوم بین المللی Gian سال ۱۳۸۴ در دانشگاه گیلان، ۸- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات اولین همایش تکنولوژی گلخانه ای در استان گیلان (۱۳۸۴)، ۹- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران- مشهد (۱۳۸۴). ۱۰- عضو هیئت رئیسه جلسات سخنرانی چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران. ۱۳۸۴، ۱۱- عضو هیئت داوران دفاع از رساله دکتری رشته علوم باغبانی تحت عنوان: واکنشهای فیزیولوژیکی گوجه فرنگی گلخانه ای پیوندی و غیر پیوندی به شیوه محلول رسانی در سیستم هیدروپونیک. پردیس کشاورزی و منابع طبیعی - دانشکده علوم باغبانی و گیاهپزشکی دانشگاه تهران (۱۳۸۴). ۱۲- مدیر گروه علوم باغبانی از تاریخ ۲۷/۶/۸۵ تاکنون. ۱۳- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات پنجمین کنگره علوم باغبانی ایران- شیراز (۱۳۸۶). ۱۴- عضو ستاد باغبانی استان گیلان (۱۳۸۶). ۱۵- عضو ستاد گلخانه استان گیلان (۱۳۸۶). فعالیتهای آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان. عنوان دروس ارائه شده توسط غلامعلی پیوست: دوره کارشناسی: سبزیکاری عمومی، سبزیکاری خصوصی دوره کارشناسی ارشد: روش های ویژه پرورش سبزی، سبزیکاری تکمیلی، مدیریت گلخانه، مباحث نوین در باغبانی، فیزیولوژی سبزیها. دوره دکتری: فیزیولوژی سبزیها، پرورش قارچهای خوراکی تکمیلی، کشتهای بدون خاک، سمینار، مسئله مخصوص، مباحث نوین در سبزیکاری. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: غلامعلی پیوست در کنار تدریس و تحقیق به پیاده وری و جمع آوری قارچهای خوراکی از جنگل می‌پردازد. شاگردان:

غلامعلی پیوست در طول ۲۹ سال خدمت خود در دانشگاه گیلان بیش از ۵۰۰۰ دانشجوی را تعلیم داده است. همفکران فرد: از همفکران غلامعلی پیوست در زمینه باغبانی می‌توان به دکتر عبدالله حاتم زاده، دکتر رضا فتوحی قزوینی، دکتر حمید اوغلی، دکتر حسن پور، دکتر داود بخشی و دکتر محمود قاسم نژاد اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه غلامعلی پیوست: سبزیکاری: سبزیکاری فضای آزاد، سبزیکاری در گلخانه و تونلهای پلاستیکی، سبزیکاری در کشتهای بدون خاک، پرورش قارچهای خوراکی و دارویی، کار برد کمپوست زیاله در کشاورزی، زراعت مارچوبه و سایر سبزیهای لوکس، کشاورزی اورگانیک. چگونگی عرضه آثار: تعداد مقالات بزبان انگلیسی = ۱۲ مقاله تعداد مقاله های فارسی = ۵ مقاله تعداد خلاصه مقالات بزبان فارسی = ۱۹ مقاله تعداد خلاصه مقالات خارجی = ۶ مقاله پایان نامه های کارشناسی ارشد پایان یافته تحت راهنمایی و جاری = ۱۶ پایان نامه سمینارهای کارشناسی ارشد باغبانی تحت راهنمایی = ۱۰ سمینار شرکت در مجامع علمی = ۱۱ مورد سخنرانیها = ۱۱ مورد طرحهای تحقیقاتی پایان یافته دکتر پیوست: ۱- پیوست، غلامعلی. ۱۳۷۵. تعیین بهترین زمان آبیاری در زراعت بادام زمینی. سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران. ۲- رضانی خرازی، پروین. و. غلامعلی پیوست. ۱۳۸۳. اندازه گیری ترکیبات فنلی و پساب حاصل از کارخانجات روغن گیری زیتون. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. ۳- رضانی خرازی، پروین و غلامعلی پیوست. ۱۳۸۵. استخراج و تعیین نوع ترکیبات فنلی در پساب حاصل از کارخانجات روغن کشی زیتون. وزارت صنایع معادن. ۴- پیوست، غلامعلی. ۱۳۸۵. بررسی کاشت کاهو، ترب و سیر بعد از برداشت برنج در شالیزار استان گیلان. شورای عالی تحقیقات کشور. طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا دکتر پیوست: ۱- رضانی خرازی، پروین. و غلامعلی. پیوست. ۱۳۸۴. اندازه گیری ترکیبات فنلی و تعیین خواص شیمیایی سه رقم زیتون منطقه شمال کشور. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. ۲- نوری رودسری، ا. پیوست، غ.ع.، علی موسوی، ع.، رضانی خرازی، پ. و الفتی، ج.ع. ۱۳۸۶. امکان سنجی کاهش مصرف کودهای شیمیایی در تولید خیار گلخانه ای به روش کشت بدون خاک آثار: ۱ اطلس پرورش قارچهای خوراکی ویژگی اثر:، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۸۴)، چاپ دوم (۱۳۸۴۲) پرورش قارچ خوراکی شامپینیون ویژگی اثر:، انتشارات دانشگاه گیلان، چاپ اول (۱۳۷۵)، چاپ دوم (۱۳۸۱)، چاپ سوم (۱۳۸۶). ۳. سبزیکاری ویژگی اثر: انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۷۷)، چاپ دوم (۱۳۸۱)، چاپ سوم (۱۳۸۴)، چاپ چهارم (۱۳۸۵). ۴. سبزیکاری زیر پوشش پلاستیک ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان، چاپ اول (۱۳۶۹)، چاپ دوم (۱۳۷۵)، چاپ سوم (۱۳۸۱)، چاپ چهارم (۱۳۸۵). ۵. کشتهای گلخانهای خاکی و بدون خاک ویژگی اثر:، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (۱۳۸۴). چاپ دوم (۱۳۸۵)، چاپ سوم (۱۳۸۶).

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

سلیمانی، خشایار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر خشایار سلیمانی متولد ۱۳۲۲ ش یوتا دارای دکترای رشته دامپروری عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین می باشد.

گروه: کشاورزی

رشته: دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر خشایار سلیمانی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا کارشناسی ارشد رشته

کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا دکترای رشته دامپروری از دانشگاه یوتا میباشد
 خاطرات و وقایع تحصیل: انجام و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در
 زندگی علمی دکتر خشایار سلیمانی بوده است.
 فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر خشایار سلیمانی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد
 علاقه خود می پرداخت.
 وقایع میانسالی: دکتر خشایار سلیمانی پس از اخذ مدرک دکترای در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در
 دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.
 مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر خشایار سلیمانی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در
 دانشگاه یوتا است.
 فعالیتهای آموزشی: دکتر خشایار سلیمانی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه دامپروری به تدریس دروس تخصصی
 رشته کشاورزی و دامپروری دانشگاه یوتا می پردازد.
 سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر خشایار سلیمانی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های
 علمی مورد علاقه خود مشغول است.
 آرا و گرایشهای خاص: دکتر خشایار سلیمانی از جمله علمای دامپروری است که پژوهشها و تحقیقات مفصل و عمیقی درباره
 رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین انجام داده است.
 آثار:
 ۱ رژیم غذایی و رابطه آن با میزان چربی و شیر گاو و نژاد هلشتاین

سیدالاسلامی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین سیدالاسلامی متولد ۱۳۱۹ در اصفهان است. وی دکترای رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در سال
 ۱۳۵۷ است. ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان با درجه استادی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش:
 حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته کشاورزی و حفاظت گیاهان از دانشکده
 کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۴۴ کارشناسی ارشد و دکتری در رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در
 سال ۱۳۵۷ همسر و فرزندان: حسین سیدالاسلامی متاهل است. وی دارای یک فرزند است. وقایع میانسالی: حسین سیدالاسلامی
 پس از اخذ مدرک دکترای در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی
 اصفهان در آمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین سیدالاسلامی
 سلامی عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان است. از دیگر سمت های مورد
 تصدی ایشان: معاون پژوهشی در موسسه پژوهشی بیماریها و آفت نباتی در وزارت کشاورزی عضو سابق جامعه حشره شناسان
 آمریکا عضو جامعه حشره شناسان ایران داور مقالات برای ژورنالهای علمی رئیس بخش حفاظت گیاهان دانشگاه اصفهان نایب

رئیس دانشکده کشاورزی در امور پژوهشی دانشگاه اصفهان دارای ۴ ماه فرصت مطالعاتی در دانشگاه ماری - نیوزلند فعالیت‌های آموزشی: حسین سید الا سلامی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه اصفهان به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می‌پردازد. آرا و گرایشهای خاص: عنوان پروژه مورد علاقه حسین سید الا سلامی: مدیریت آفت حشره ای و کنترل اساس بیولوژی روی آفات درختان میوه بخصوص روی حشرات نیم بال. چگونگی عرضه آثار: مقالات منشر شده در ژورنالهای علمی: ۲۲ مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانسها: ۲۸ مقاله دکتر حسین سید الا سلامی استاد راهنمای ۴۱ پایان نامه بوده است. وی همچنین دارای ۳ طرح پژوهشی است. آثار: تغییرات ژنتیک در بوته های کویر مرکزی گیاه پزشکی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

شجاع غیاث، جلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جلیل شجاع غیاث، دانشیار گروه آموزشی علوم دامی در دانشگاه تبریز، در سال ۱۳۳۰ در تبریز، بدینا آمد. نامبرده در سال ۱۳۷۰ مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۰ به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. این همکاری تا کنون در دانشگاه مذکور ادامه دارد.

گروه: کشاورزی

رشته: دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای: جلیل شجاع غیاث تحصیلات ابتدایی را در دبستان سالاربه پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۹ از دبیرستان دهقان اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد دامپروری را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه لانک دک - فرانسه دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۷۰ مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: بررسی پارامترهای ژنتیکی تولیدات گوسفند ب - دکتری: بررسی رابطه ژنتیکی فاکتور IGF-1 با تولید شیر گاو هلشتاین

وقایع میانسالی: جلیل شجاع غیاث در سال ۱۳۷۰ مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال ۱۳۶۰ به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی و مدیریتی جلیل شجاع غیاث: قبلی: رئیس دانشکده کشاورزی فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی علوم دامی در دانشگاه تبریز

فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی دکتر جلیل شجاع غیاث به قرار زیر است: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: دروس اصلاح دام ۲۰۱. پرورش گاو شیری ۲- تحصیلات تکمیلی: دروس ژنتیک جمعیت، ژنتیک کمی و اصلاح تکمیلی دام چگونگی عرضه آثار: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۲ مورد تعداد مقاله های ارائه شده در کنفرانسها: ۱۵ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۲ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۲۵ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب: ۷ مورد

شجاعی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود شجاعی متولد سال ۱۳۰۶ ه.ش دارای مدرک دکترای تخصص در حشره شناسی و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک کشور بلژیک و عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی می باشد. گروه : کشاورز پرشته : حشره شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود شجاعی دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در حشره شناسی و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک بلژیک می باشد. فعالیت‌های ضمن تحصیل : محمود شجاعی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون گیاه پزشکی حشره شناسی ، جانورشناسی کشاورزی ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران به مطالعه پرداخته است. وقایع میانسالی : محمود شجاعی پس از اخذ مدرک دکترای تخصصی در حشره شناسی و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک بلژیک به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی استادی را کسب نمود. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : محمود شجاعی عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پس از طی کردن استادیاری و دانشیاری به درجه ی استادی در این دانشکده رسید. فعالیت‌های آموزشی : محمود شجاعی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس این رشته پرداخته و راهنمایی به مشاوره و نظارت بر بیش از ۵۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتر را بر عهده داشته است . ایشان به مطالعه ی فونستیک و بیواکولوژیک زنبورهای مفید تریکتوگراما در فلات ایران ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران ، بیولوژی و اکولوژی حشرات زیان آور و مفید ، فونستیک و بیواکولوژیک زنبورهای مفید تریکوگراما در فلات ایران و غیره .. پرداخته است. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمود شجاعی ۲ مورد ابداع در زمینه ی مبارزه بیولوژیک با حشرات زیان آور دارد. جوایز و نشانها : محمود شجاعی جایزه بهترین کتاب در سال ۱۳۴۶ را دریافت کرد. چگونگی عرضه آثار : محمود شجاعی به موازات تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف پیرامون حشره شناسی، مرفولوژی، فیزیولوژی، زمینه زیست محیطی حشرات زیان آور و مفید در اکوسیستم های زراعی و طبیعی فلات ایران، اتولوژی و بیولوژی پرداخته است. ایشان بیش از ۳۸ مقاله به زبان فارسی و بیش از ۱۸ مقاله به زبان خارجی در موضوعات فوق دارد. دکتر شجاعی همچنین ۳ تالیف در زمینه اتولوژی و اتورفی و دشمنان طبیعی و مبارزه بیولوژیک در زندگی اجتماعی حشرات نیز دارد. آثار : اتولوژی افتورفی حشره شناسی منابع زندگینامه : <http://iranologyfo.com>

شریف برهانزهی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد شریف برهانزهی متولد ۱۳۲۰ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه وست مینیستر با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون گیاه پزشکی و کشاورزی می باشد. گروه : کشاورز پرشته : گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد شریف برهانزهی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکترای گیاه پزشکی از دانشگاه کالیفرنیا می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد شریف برهانزهی بوده است. فعالیت‌های ضمن تحصیل : دکتر محمد شریف برهانزهی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی : دکتر محمد شریف برهانزهی پس از اخذ مدرک دکترای در

رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه وست مینیستر درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمد شریف برهانزهی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه وست مینیستر است. فعالیتهای آموزشی: دکتر محمد شریف برهانزهی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه وست مینیستر به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر محمد شریف برهانزهی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: دکتر محمد شریف برهانزهی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره گیاه پزشکی و کشاورزی علمی نوین دارد. آثار: گیاه پزشکی و کشاورزی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

شریفی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس شریفی تهرانی متولد بیستم دیماه ۱۳۱۶ از تهران می باشد. او دارای مدرک دکترای در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از دانشگاه فرانسه در سال ۱۳۴۹ است. وی عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی است. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی و وضعیت اجتماعی و شرایط زندگی: عباس شریفی تهرانی در سال ۱۳۱۶ ه.ش چشم به جهان گشود. وی مهمترین خاطرات آن زمان را ملی شدن صنعت نفت می داند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: عباس شریفی تهرانی دارای کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱، دیپلم تحصیلات عالی کشاورزی (D.E.A) در سال ۱۳۴۶ و دکتری در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از فرانسه در سال ۱۳۴۹ است. فعالیتهای ضمن تحصیل: عباس شریفی تهرانی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون روشهای مبارزه با عوامل بیماری زای قارچی گیاهان شامل مبارزه شیمیایی، مبارزه بیولوژیکی پرداخته است. وقایع میانسالی: عباس شریفی تهرانی پس از اخذ مدرک دکترای گیاهپزشکی به عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و هم اکنون با درجه استادی مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عباس شریفی تهرانی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ به عنوان و دانشیاری دانشگاه و سپس به مرحله ی علمی استادی این دانشکده در سال ۱۳۶۴ است. خدمات علمی و اجرایی عباس شریفی تهرانی به شرح زیر است:

- ۱۳۶۲ - ۱۳۸۱، آموزشی، پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۵۴ - ۱۳۶۲، آموزشی - پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۵۰ - ۱۳۵۴، آموزشی - پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۵۴ - ۱۳۶۲، آموزشی - پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران • ۱۳۴۲ - ۱۳۵۰، آموزش - پژوهشی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران
- تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط عباس شریفی تهرانی: کارشناسی • اصول مبارزه با آفات و بیماریها • بیماریهای فیزیولوژیک • سم شناسی کارشناسی ارشد • فیزیولوژی پاراتیسم در بیماریها • فیزیولوژی پارازیتیسم در بیماریهای • مدیریت مبارزه با بیماری گیاهی دکتری • شیمی و توکسیکولوژی قارچها • فیزیولوژی قارچها تکمیلی • مدیریت عوامل بیماریزای گیاهی تکمیل سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: جوایز و نشانها: دریافت لوح تقدیر به مناسبت اجرای طرح برجسته سال دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ استاد نمونه کشور و دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری سال ۱۳۷۷ پژوهشگر برجسته و دریافت لوح تقدیر در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ چهره ماندگار در سال ۱۳۸۲ دریافت لوح تقدیر از جشنواره

خوارزمی ۱۳۸۳ دریافت لوح تقدیر به مناسبت طرح نمونه کاربردی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۵ چگونگی عرضه آثار: عباس شریفی تهرانی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موضوعاتی چون کنترل بیماریهای گیاهی شامل: بررسی اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کش بر بیماریهای قارچی گیاهان، بررسی روش کنترل بیولوژیکی با بیماریهای قارچی گیاهان پرداخته است. ایشان دارای چند طرح تحقیقاتی را به پایان رسانیده است که عناوین آنها به شرح زیر است •: استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-۱۳۸۳، صندوق حمایت از پژوهشگران • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-۱۳۸۳، ساختمان معاونت پژوهشی دانشگاه تهران • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-۱۳۸۳ • ۱۳۸۵-۱۳۸۵، استفاده از فرمولاسیون پودری دو استرین از *Bacillus subtilis* در کنترل بوته میری کلزا در اثر ۱۳۸۴-۱۳۸۴ • *Rhizoctonia*، کنترل بیولوژیکی *Tiavosporella phaseolina* عامل پوسیدگی زغالی سویا

آثار: اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کشی روی عوال بیماری زای قارچی گیاهان ۲ فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی جلد دوم (بیماری شناسی گیاهان) ویژگی اثر: ترجمه، فرهنگستان علوم - دانشگاه تهران، ۱۳۷۸۳ کنترل بیولوژیکی بیماریهای قارچی گیاهان ۴ مدیریت بیماریهای گیاهی ۵ مقالات ارائه شده در همایشها (۱) •: شریفی تهرانی عباس، "بررسی اثر فرمولاسیون پودری دو جدایه از *Pseudomonas fluorescens* در کنترل *Rhizoctonia solani* عامل مرگ گیاهچه کلزا، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی توکسین تولید شده توسط جدایه های قارچ *Alternaria alternata f.sp.lycopersici* عامل شانکر ساقه گوجه فرنگی، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "کنترل بیولوژیکی مرگ گیاهچه لوبیا ناشی از قارچ *Rhizoctonia solani* با استفاده از باکتری *Burkholderia cepacia*، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر قارچ *Fusarium oxysporum* عامل پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در گلخانه و شرایط مزرعه، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های *Pseudomonas fluorescens* در کنترل بیولوژیک قارچ *Penicillium digitatum* عامل کپک سبز مرکبات، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "شناسایی ترکیبات اسانس گونه گیاهی *Artemisia khorasanica* و بررسی فعالیت ضد قارچی آن روی برخی از قارچ های خاکزی بیماریزای گیاهی، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی تاثیر برخی شرایط محیطی روی تولید آنتی بیوتیک دی استیل فلورو گلوکوسینول، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "تاثیر محیط کشت بر میزان رشد و خاصیت آنتاگونیستی چند جدایه از *Bacillus pseudomonas fluorescens* و *subtilis*، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی تاثیر نور؟ دما و رطوبت در تندش کنیدیوم های *Erysiphe betae* عامل بیماری سفیدک پودری چغندر قند، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی کارایی برخی روشهای سرولوژیکی و مولکولی در تشخیص و ردیابی باکتری *Erwinia amylovora* عامل آتشک درختان میوه دانه دار، "هفدهمین کنگره گیاه پزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی بیماریزایی چهار جدایه از *Erysiphe betae* روی پنج ژنوتیپ چغندر قند با استفاده از روش دیسکهای برگی، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس، "تاثیر محیط کشت و زمان انکوباسیون در میزان آنتی بیوتیکهای تولید شده از سودوموناسهای فلورسنت، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷،

۱۲، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس"، مقایسه فعالیت چند آنزیم به عنوان نشانگر مقاومت القایی در خیار علیه بیماری سفیدک پودری، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر نمکهای کربنات و بیکربنات به تنهایی و در تلفیق با باکتری *Pantoea agglomerans* در کنترل قارچ *Penicillium digitatum* عامل کپک سبز میوه مرکبات در شرایط آزمایشگاه و سردخانه، "هفدهمین کنگره گیاهپزشکی، ایران، ۱۲-۰۷، شهریور، ۱۳۸۵ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیستی بر *Phytophthora citrophthora* عامل بیماری گموزیسته، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس"، مقایسه فنوتیپی بیوشیمیایی و آنتی بیوگرام استرین های ایران باکتری *pseudomonas syringae pv. syringae* جدا سازی شده از میزبانهای مختلف، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های *Bacillus* و *Pseudomonas* روی قارچ *Verticillium* عامل پژمردگی ورتیسلیومی پنبه، "مقالات چهارمین کنگره گیاه پزشکی ایران، اصفهان/ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس"، مقایسه سرولوژیکی و ملکولی استرینهای *Pseudomonas syringae pv. syringae* جدا شده از درختان میوه هسته دار - گندم وجو، "مقالات چهارمین کنگره گیاه پزشکی ایران، اصفهان/ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس"، فعالیت القایی آنزیم کیتیناز در برگهای گندم مقاوم پس از مایه زنی با نژاد ناسازگار *Puccinia striiformis f.sp. tritici* عامل بیماری زنگ زرد، "مقالات چهارمین کنگره گیاه پزشکی ایران، اصفهان/ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • شریفی تهرانی عباس"، مقایسه ویژگیهای فیزیولوژیکی - بیوشیمیایی - دامنه میزبانی و آنتی بیوگرام جدایه های ایرانی عامل بیماری شانکر درختان میوه هسته دار با جدایه های *Pseudomonas syringae pv. syringae* عامل بیماری بلایت باکتریایی، "مقالات چهارمین کنگره گیاه ۶ مقالات ارائه شده در همایشها (۲) • شریفی تهرانی عباس"، فعالیت و نقش آنزیم اکسید کننده پراکسیداز در مکانیزم مقاومت گندم به بیماری فوزاریومی خوشه، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، تجزیه و تحلیل پیشرفت بیماری بلایت فوزاریومی خوشه گندم در سه رقم فلا-ح - گلستان و تجن در شرایط کنترل شده با استفاده از مدل‌های اپیدمیولوژیکی، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی حساسیت ۱۵ رقم یونجه به بیماری سفیدک داخل در شرایط آزمایشگاه و مزرعه، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر جدایه هایی از قارچهای *Paecilomyces spp.* و *Fusarium solani* در کنترل بیولوژیکی نماتد سیست چغندر قند در شرایط اطاقک رشد، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، شناسایی نژادهای فیزیولوژیک قارچ *Blumeria graminis f.sp. tritici* عامل بیماری سفیدک پودری گندم در سیستان، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، ارزیابی مقاومت و فعالیت آنزیمهای پلی فنل اکسیداز PPO و کاتالاز CAT در ارقام مختلف زرد آلو پس از تلقیح با عامل بیماری شانکر باکتریایی، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی عامل بیماری شانکر باکتریایی درختان هسته دار در منطقه کرج، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، شناسایی و بررسی خصوصیات فنوتیپی *Agrobacterium vitis* عامل باکتریایی بیماری سرطان طوقه مو در مناطق کرج و تاکستان، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر ۲ استرین از سودوموناسهای فلئورسانت روی قارچ *Pythium ultimum* عامل بیماری مرگ گیاهچه خار، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های تریکودرما

و گلیوکلادیوم روی قارچ *Phytophthora capsici* عامل بیماری بوته میری فیتوفترایی لفل، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، مطالعه و تعیین دامنه میزبانی سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، مطالعه تابستانگذرانی و جستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی اثر چند قارچکش روی بیماری سفیدک داخلی خیار در کشت زیر پوشش پلاستیکی در منطقه جیرفت، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، تعیین عوامل بیماریزای فوزاریومی نیشکر در استان خوزستان، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، بازیابی پیروکیلون در بوته برنج پس از گراندولپاشی در خاک و ارتباط آن با کنترل بیماری بلاست برنج، "مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۷ • شریفی تهرانی عباس"، جداسازی قارچ *Fusarium* از سیستمهای نماتد *Heterodera* و بررسی اثر آنتیگونیستی آن، "مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس"، اولین گزارش از جداسازی و شناسایی قارچ *Paecilomyces* از سیستمهای نماتد *Heterodera schachtii* و بررسی اثر آنتیگونیستی آن روی تخمهای نماتد در ایران، "مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی گلخانه‌ای اثر چند قارچکش و چند ایروله تریکودرما و گلیوکلادیوم روی *Dematophora necatrix*، "مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس"، انتقال بیماری بوته میری زیره سبز از طریق بذر، "دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس"، معرفی قارچ عامل بیماری پوسیدگی ساقه برنج در گیلان، "مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران، کرج/ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۴ • شریفی تهرانی عباس"، بررسی تاثیر قارچ آنتیگونیست تریکودرما روی عامل بیماری پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در شرایط آزمایشگاه ۷ مقالات ارائه شده در همایشها (۳) • Sharifi Tehrani Abbas, "Biochemical and serological comparison of Iranian strains of *Pseudomonas syringae* pv. the causal agent of stone fruit canker and cereal blight", The second International Iran and Russia Conferenc, Moscow/Russia, ۲۱-، march, ۲۶۲۲ • Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of *Batrytis cinerea* the causal agent of gray mold of strawberry by antagonistic fungi", ۵۲th International symposium on crop protection. Univ of Gent march, ۲۶۲۱ • Sharifi Tehrani Abbas, "Induced chitinase activity in Belgium resistant wheat leaves inoculated with an incompatible race of *Puccinia striiformis* f.sp. *Tritici*, the causal agent of yellow rust disease", ۵۲th International symposium of crop protection Univ. Gent. Belgium march, ۲۶۲۱ • Sharifi Tehrani Abbas, "۵۱th, protection of Belgium International symposium on crop protection Univ. of Gent in Belgium", Biocontrol of *Phytophthora capsici*, the causal agent of pepper damping-off by antagonistic bacteria, عدم اعلام، ۲۱-، march, ۲۶۲۰ • Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of *Fusarium crown* and root rot of Tomato by Fluorescent *Pseudomonads*", ۵۰th International symposium on crop protection Univ. of Gent Belgium, عدم اعلام، ۲۱-، march, ۲۶۱۹ • Sharifi Tehrani

Abbas, "Study on the changes in total phenol content in two wheat cultivars to yellow rust diseases and it's role in resistance", International conference on Integrated plant disease Management for Sustainable Agriculture, New Dehli/India, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۸ • Sharifi Tehrani Abbas, "Action de Quelques fongicides sur Fusarium Oxysporum F.sp.Lycopersici, agent du flétrissement de tomate", ۴۷th International symposium on Crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas, "The Effect of Trichoderma harzianum on Phytophthora drechsleri, the causal agent of cucumber damping-off", XIIIth International plant protection Congress, Hague/netherlands, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas, "Study of Corn leaf blight", ۴۷th International symposium on Crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۶ • Sharifi Tehrani Abbas, "Action de quelques fongicides sur Rosellinia necatrix agent du pourridie des racines", ۴۶th International symposium on crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۵ • Sharifi Tehrani Abbas, "Action de quelques fongicides sur les champignons provocants la gommose du pistachier", ۴۵th international symposium on crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Gestion chimique de l'oidium du concombre", ۴۴th International Congress of plant pathology, Montreal/Canada, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Activity of some fungicides on Ph.Drechsleri, the causal agent of the green blight of cucumber", ۴۳th International symposium on Crop Protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۳ • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action du Biloscazol et celle des Dichlofunid et Captan sur les taches brunes de l'amandier. Polystigma ochraceum", ۴۲th International symposium on Crop Protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۲ • Sharifi Tehrani Abbas, "L'action de quelques fungicides sur la carie du ble aux champs irrigues et non irrigues", XXXXII th International symposium on Crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۱۱ • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action de saufre et celle de benomy et Tridemorph sur l'oidium du concombre.", XXXXIXth International symposium on Crop Protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۰۸ • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action de quelques fungicides sur la tache brunes de l'amandier. Polystigma ochraceum", XXXVII th International symposium on crop protection Univ. of Gent, Belgium, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۰۶ • Sharifi Tehrani Abbas, "Influence de quelques fungicides sur la croissance du mycelium et le pouvoir pathogène d'Alternaria tenuis", ۲۸th congress of the Mediterranean phytopathologica, Oeiras/Portugal, ۲۱-۲۶, march, ۲۰۰۳ •

Sharifi Tehrani Abbas,"Action de fongicides sar la physiologie et la morphologie de march, ۲۵۹۱ •, -۲۱, عدم اعلام, Botrytis cinerea ", VIIth Internatinal congress of plant protection

Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of antifungal activity of carbonate and bicarbonate salts alone or in combination with biocontrol agents in control of citrus green mold", ۵۹th may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani, ۲۲-۲۲, بلژیکی, international symposium on crop protection

Abbas,"Biological control of sclerotinia sclerotiorum (LIB.) de bary, the causal agent of white mold , by pseudomonas species on canola petals", ۵۹th international symposium on may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"A study on antifungal, ۲۲-۲۲, بلژیکی, crop protection activity of some plant essences in control of Rhizopus stolonifer caused agent of -۲۲, بلژیکی, strawberry grey rot", ۵۹th international symposium on crop protection may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of timing of application pseudomonas, ۲۲ fluorescens in suppression sclerotinia sclerotiorum, the causal agent of white mold in may, ۲۰۰۷ • Sharifi, ۲۲-۲۲, بلژیکی, canola", ۵۹th international symposium on crop protection

Tehrani Abbas,"Evaluation of the effects of chemical versus biological control on botrytis cinera agent of gray mold disease of strawberry", ۵۹th international symposium on crop may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of phytophthora, ۲۲-۲۲, بلژیکی, protection cactorum the causal agent of root and crown rot on apple (malus domestica) by formulated pseudomonas floueresens", ۵۹th international symposium on crop may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of production of some, ۲۲-۲۲, بلژیکی, protection antifungal metabolites by fluorescent pseudomonads in vitro and their inhibitory effect on penicillium digitatum in semi commercial condition", ۵۹th international symposium on crop may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of carbon and nitrogen, ۲۲-۲۲, بلژیکی, protection sources on growth and biological efficacy of pseudomonas fluorescens Bacillus subtilis against rhizoctonia solani ,the causal agent of bean damping-off", ۵۹th international may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Detection of, ۲۲-۲۲, بلژیکی, symposium on crop protection PHLD gene in some fluorescent pseudomonads isolated from iran and its relative with -۲۲, بلژیکی, antifungal activities ", ۵۹th international symposium on crop protection may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Introduction of some important antagonistic bacteria, ۲۲ affecting on damping-off of canola in iran", ۵۹th international symposium on crop may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of some, ۲۲-۲۲, بلژیکی, protection pathogenic fungi by Bacillus subtilis", ۵۹th international symposium on crop may, ۲۰۰۷ • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of some antifungal, ۲۲-۲۲, بلژیکی, protection metabiolites of fluorescent pseudomonas on Rhizobacteria solani the causal agent of

- bean damping-off", 7th international workshop, netherlands, 28-30, may, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "study on some rhizobacteria against rhizobacteria solani on common bean", 7th international workshop on plant growth promoting rhizobacteria, netherlands, 28-30, may, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "powder formulations of two strains of bacillus subtilis for control of rape damping-off caused by Rhizoctonia solani", 58th international may, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "effect of, 26-30, بلژیکی, symposium on crop protection fluorescent pseudomonads and trichoderma sp., and their combination with two chemicals on penicillium digitatum caused agent of citrus green mold", 58th international may, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "chemical, 26-30, بلژیکی, symposium on crop protection Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of Botrytis cinerea : مقالات چاپ شده در مجلات خارجی • com9 the causal agent of Gray mold of Strawberry by antagonistic fungi", Med.Fac.Landbouww. Univ (in press), 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of Phytophthora capsici the causal agent of pepper damping - off by antagonistic bacteria", Med.Fac.Landbouww Univ, 3b, 419-423, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of Fusarium crown and root rot of tomato by fluorescent pseudomonads", Med.Fac.Landbouww. Univ, 3b, 425-429, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Biocontrol of soil borne fungal plant diseases by 2,4 - diacetylphloroglucinol - producing fluorescent pseudomonads with different profiles of amplif", European Journal of Plant Pathology, 104, 631-643, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action du Bitertanol et celle des Dichlofluanide et Captan sur les taches de l'amandier", Med.Fac.Landbouww.rijksuniv, 56-ab, 535-537, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "l'action de quelques fongicides sur La carie ble Tilletia Foetida (wALL) Liro aux champs irrigués et non - irrigés ", Med.Fac.Landbouww.rijksuniv, 55-3a, 1015-1018, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action du soufre et celle de Benomy l et Tridemorph sur l'oidium du concombre", Med.Fac.Landbouww. Rijksuniv, 52, 929-933, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action de quelques fongicides sur les taches rouges de l'amandier Polystiqma ochraceum (wahl)Sacc", Med. Fac.Landbouww. Rijksuniv, 50-3b, 1259-1262, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Etude comparee de l'action de quelques fongicides en plein champ sur l'oidium du concombre", Med.fac.Landbouww. Rijksuniv, 49.2a, 407-410, 2005 • Sharifi Tehrani Abbas, "Bekampfungsversuche mit vier neuen Fungiziden gegen Weizenflugrand {Ustilago Triici (pers)Rostr und Weizenstein brand Tilletia Tritici im Iran .Anz }", Pflanzenschutz, Umweltschutz, 48, 74-71, 2006 • Sharifi Tehrani Abbas, "Influence de quelques fongicides sur la croissance du mycellium et le pouvoir pathogene de Sclerotinia sclerotiorum (lib.)DeBy", Phytiatrie -

phytopharmacie, ۰, ۳۲, ۱۸۹-۱۹۲, ۲۵۹۵ • Sharifi Tehrani Abbas, "Influence de substituitions nitrees et aminees dans le noyau benzeniques sur le developpement de Botrytis cinerea pers", Phytiairie - phytopharmacie, ۰, ۱۹, ۲۷-۳۲, ۲۵۹۱ • Sharifi Tehrani Abbas, "Acion de quelque fongicides sur Botrytis cinerea", Phytiairie - Ohytopharmacie, ۰, ۴, ۳۱۱-۳۱۵, ۲۵۸۹ • Sharifi Tehrani Abbas, "Study on the overwintering of cleistothecia and conidia of Erysiphe betae causal agent of sugar beet powdery mildew in Iran.", Comm. Appl. Biol. Sci شماره ۷۰, ۳۳۳-۳, ۲۰۰۵, • Sharifi Tehrani Abbas, "Contribution of phla and some metabolites of fluorescent pseudomonads to antifungal activity.", Comm. Appl. Biol. Sci شماره ۷۰, ۱۵۱-۳, ۱۵۵ • Sharifi Tehrani Abbas, "Occurrence and physico-serological properties of potato virus PVS) in Iran", Comm. Appl. Biol. Sci شماره ۷۰, ۴۲۵-۳, ۴۲۳, ۲۰۰۵, • Sharifi Tehrani Abbas, "Biological control of Tiarosporella phaseolina the causal agent of charcoal rot of soybean.", Comm. Appl. Biol. Sci شماره ۷۰, ۱۹۲-۳, ۱۸۹, ۲۰۰۵, • Sharifi Tehrani Abbas, "Effect of Inoculum density and substrate type on phytophthora drechleri", comm. APPI. Biol. Sci شماره ۶۹, ۶۵۳-۴, ۶۵۶, ۲۰۰۴, • Sharifi Tehrani Abbas, "Antagonistic effect of several bacteria on Fusarium oxysporum F.sp. cepa", comm. APPI. Biol. Sci شماره ۶۹, ۶۶۱-۴, ۶۵۷, ۲۰۰۴, • Sharifi Tehrani Abbas, "Effect of Acibenzol S-methyl on the phenolic content in cucumber", comm. APPI. Biol. Sci شماره ۶۹, ۵۶۳-۴, ۵۵۵, ۲۰۰۴, • Sharifi Tehrani Abbas, "Biological control of Chickpea Fusarium Wilt", comm. APPI. Biol. Sci شماره ۶۹, ۶۵۱-۴, ۶۴۹, ۲۰۰۴, ۱۰ مقالات چاپ شده در مجلات داخلی •: زبرد عبد... , شریفی تهرانی عباس , حجارود قربانعلی , محمدی مجتبی , بررسی تاثیر باکتریهای آنتاگونیست بر کنترل بوته میری سویا در اثر *Phytophthora sojae*, "علوم کشاورزی ایران", شماره ۳۷, ۴, ۶۷۱, ۱۳۸۵, • صاحبانی نوزاله , زاد جواد , شریفی تهرانی عباس , خیری احمد , محمدی مجتبی , بررسی تغییرات کمی فنل کل ریشه گوجه فرنگی در تعامل بین نماتد مولد گره ریشه *Meloidogyne javanica* و قارچ عامل پژمردگی آوندی *Fusarium oxysporum f.sp. lycopersici*, "علوم کشاورزی ایران", شماره ۳۷, ۴, ۷۴۶, ۱۳۸۵, • شریفی تهرانی عباس, "اثر دما و رطوبت در جوانه زنی آسکوسپور و کنیدیوم *Uncinula necator* عامل بیماری سفیدک سطحی مو", "علوم کشاورزی ایران", جلد ۳۷, شماره ۳۷, ۴۸۷, ۱۳۸۵, • شریفی تهرانی عباس, "مطالعه تولید متابولیت‌های ضد قارچی باکتریهای *Bacillus subtilis* و *Streptomyces sp*", همایش بیوتکنولوژی کشاورزی, ۱۱, ۱۱, ۱۳۸۵, • شریفی تهرانی عباس, "بررسی اثر باکتری آنتاگونیست سودوموناس فلورسنت در افزایش رشد گیاه کلزا", همایش بیوتکنولوژی کشاورزی, ۱۱, ۱۱, ۱۳۸۵, • شریفی تهرانی عباس, "تاثیر محیط کشت و زمان در میزان آنتی بیوتیک‌های تولید شده از سودوموناس‌های فلورسنت", "مجله بیماری‌های گیاهی", شماره ۱, ۱۲۵, ۱۳۸۵, • شریفی تهرانی عباس, "بررسی تعامل جدایه ژنوتیپ بین *Erisiphe betae* و چغندر قند در شرایط گلخانه", "مجله چغندر قند", جلد ۲۱-۲, ۱۲۳, ۱۳۸۴, • شریفی تهرانی عباس, "بررسی تاثیر سودوموناس‌های فلورسنت روی قارچ *Sclerotinia sclerotiorum* (Lib.) de Bary عامل پوسیدگی ریشه آفتابگردان", "مجله علوم کشاورزی ایران", جلد ۳۶, شماره ۴, ۷۹۱, ۸۰۳, ۱۳۸۴, • شریفی تهرانی عباس, "بررسی تعامل جدایه - ژنوتیپ بین *Erysiphe betae* و چغندر قند در شرایط گلخانه", "چغندر قند", ۹(۴), ۱۲, ۱۳۸۴, • شریفی تهرانی عباس, "بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر *Fusarium oxysporum* عامل

پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در شرایط گلخانه، "مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۶ شماره ۳، ۷۱۱-۷۱۷، ۱۳۸۴ • شریفی
 تهرانی عباس، "بررسی پایداری قارچ *Erysiphe betae* عامای بیماری سفیدک پودری چغندر قند، "علوم کشاورزی ایران، شماره
 ۶ جلد ۳۶، ۱۳۵۵، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "اثرات آنتاگونیستی گونه‌های *Tricoderma spp* روی
 قارچ *Phytophthora capsici* عامل پوسیدگی ریشه و طوقه فلفل، "بیماریهای گیاهی، جلد ۴۱ شماره ۳، ۳۴۵، ۱۳۸۴ • شریفی
 تهرانی عباس، "بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گذرانی *Uncinula necator* (Schw.) Burr عامل بیماری سفیدک
 سطحی انگور در استان خراسان، "مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، شماره اول، ۲۲۵، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "اثر
 شرایط محیطی روی رها شدن کجوانه زنی و بیماری زایی آسکوسپوره‌های *Uncinula necator* عامل بیماری سفیدک سطحی
 انگور، "مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۶ شماره ۱، ۱۲۱-۱۲۸، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "مطالعه ارتباط بین مراحل مختلف
 بیولوژی نماتد مول گره و شدت بیماری فوزاریومی گوجه فرنگی و امکان سیستمیک شدن حساسیت ایجاد شده به وسیله نماتد در
 گیاه به قارچ، "مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۶ شماره ۱، ۱۹۹-۲۰۷، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی تعامل نماتد
 گالزای بذر گندم *Anguina tritici* و باکتری عامل بیماری خوشه صمغی گندم *Rathayibacter tritici*، "مجله علوم
 کشاورزی ایران، جلد ۳۶ شماره ۶، ۱۳۵۵، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی پایداری قارچ *Erisiphe betae* عامل بیماری
 سفیدک پودری چغندر قند در منطقه کرج و قزوین، "علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۶ شماره ۶، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی
 عباس، "بازیابی پیروکلین در بوته برنج پس از گرانول پاشی در خاک و ارتباط آنها با کنترل بلاست برنج، "علوم و فنون کشاورزی
 و منابع طبیعی، جلد ۸ شماره ۱، ۲۰۵-۲۱۲، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "مطالعه اثر اسینزولار - اس متیل در کنترل بیماری
 سفیدک پودری خیار، "علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵ شماره ۲، ۲۸۵-۲۹۲، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "مطالعه تولید برخی از
 متابولیت‌های ضد میکروبی بوسیله تعدادی از سودوموناس‌های فلئورسنت، "علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵ شماره ۳، ۷۳۱-۷۳۹، ۱۳۸۳
 • شریفی تهرانی عباس، "مطالعه بیماری شانکر ساقه گوجه فرنگی در استان بوشهر، "علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵ شماره ۱، ۲۴۵-
 ۲۵۲، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی تاثیر قارچهای آنتاگونیست، *trichoderma* علیه بیماریهای پژمردگی فوزاریومی
 گوجه فرنگی در اثر *Fusarium oxysporum f.s.lycopersici* در شرایط گلخانه، "مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۷-۱، ۳۲-
 ۱۳۷۹، • شریفی تهرانی عباس، "فعالیت آنزیم پراکسیداز در واکنشهای مقاومت و حساسی ۱۱ مقالات چاپ شده در همایشها (۱):
 شریفی تهرانی عباس، "The agonistic effect of antibiotic producing *Pseudomonas fluorescens*, isolates on mycelial growth of
phytophthora citrophthora, the causal agent of pistachio gummosis", "چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام، ایران، ۱-۰۴، خرداد، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس،
 "gommosis in rafsanjan and sirjan areas", "چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام، ایران، ۱-۰۴،
 ۰۴، خرداد، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "Appearance of *Phytophthora nicotiana* in Rafsanjan", "چهارمین
 سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام، ایران، ۱-۰۴، خرداد، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی عباس، "Study on biocontrol,
 mechanism of some antiagonistic bacteria *Phytophthora ciphithora*, the causal agent of
 pistachio gummosis", "چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام، ایران، ۱-۰۴، خرداد، ۱۳۸۴ • شریفی تهرانی
 عباس، "بررسی مکانیسم بیو کنترل چند باکتری آنتاگونیست روی قارچ *F.oxysporum* عامل پوسیدگی ریشه و طبق پیاز در
 آزمایشگاه، "شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "بررسی اثر چند باکتری
 آنتاگونیست روی قارچ *Fusarium oxysporum* عامل پوسیدگی ریشه و طبق پیاز در مزرعه، "شانزدهمین کنگره
 گیاهپزشکی ایران، ایران، ۱۲-۰۸، شهریور، ۱۳۸۳ • شریفی تهرانی عباس، "اثر عصاره برگ *Reynoutria sachlinensis* بر

- Abbas, "Biological control of *Tiarosporella phaseolina* the causal agent of charcoal rot of may, ۲۰۰۵ • Sharifi, ۱۲-۱۰, بلژیکی, soybean." ۵۷th International symposium on crop protection
- Tehrani Abbas, "Biological control of *Sclerotinia sclerotiorum* and *Sclerotinia minor*, the causal agents of sunflower root rot in Iran by fluorescent pseudomonads." ۵۷th may, ۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani, ۱۲-۱۰, بلژیکی, International symposium on crop protection
- Abbas, "Occurrence and physico-serological properties of potato virus (PVC) in Iran." ۵۷th may, ۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani, ۱۲-۱۰, بلژیکی, International symposium on crop protection
- Abbas, "Biochemical changes in tomato defence mechanisms by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode. Part I .effect on pal and oxidoreductase", ۵۷th may, ۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani, ۱۲-۱۰, بلژیکی, International symposium on crop protection
- Abbas, "Biochemical changes in tomato defense mechanisms by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode part II .Effect on total phenol." ۵۷th International may, ۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani Abbas, "Contribution, ۱۲-۱۰, بلژیکی, symposium on crop protection of Phla and some metabolites of fluorescent psedomonads to antifungal activity." ۵۷th may, ۲۰۰۵ • Sharifi Tehrani, ۱۲-۱۰, بلژیکی, International symposium on crop protection
- Abbas, "serological comparison of Iranian strains of *pseudomonas syringae* pv.*syringae* may, ۲۰۰۴, ۱۶-۱۱, چین, from various host plants " ۱۵th International plant protection congress • Sharifi Tehrani Abbas, "Biochemical phenotypical and antibiogram comparisons of Iranian strains of *pseudomonas syringae* pv.*syringae* isolated from various host plants may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani, ۱۶-۱۱, چین, " ۱۵th International plant protection congress
- Abbas, "Biological control of *Fusarium oxysporum* the causal agent of chickpea *Fusarium* -۱۱, چین, wilt by antagonistic Rhizobacteria", ۱۵th International plant protection congress may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Study on resistance of wheat cultivars to powdery, ۱۶ چین, mildew under Green House conditions." ۱۵th International plant protection congress may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Effect of tomato and board bean root extract, ۱۶-۱۱, چین, analogs on broomrape seed Germination", ۱۵th International plant protection congress may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Effect of Acibenzolar S-methyl on the phenotic, ۱۶-۱۱, content and specific activites of peroxidase, chitinase and phenylalanine ammonia lyase of host leaves in cucumber powdery mildew interaction ", ۵۶th International symposium on may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Effect inoculum density and, ۰۶-۰۵, بلژیکی, crop protection substrate type on saprophytic survival of *phytophthora drechsleri* the causal agent of Goummosis on pistachio in Rafsanjan, Iran " ۵۶th International symposium on crop may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani Abbas, "Changes in phenolic content and, ۰۶-۰۵, بلژیکی, protection

specific activities of peroxidase, phenylalanine Ammonia lyase and chitinase in cucumber leaves inoculated with *Podosphaera fusca*, the causal agent of powdery mildew", ۵۶th may, ۲۰۰۴ • Sharifi Tehrani, ۰۶-۰۵, بلژیک, International symposium on crop protection Abbas, "Phenotypical, serological and molecular comparisons of Iranian strains of *Pseudomonas syringae* : <http://iranologyfo.com>

شهبازی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل شهبازی در سال ۱۳۱۵ در شهرستان نهاوند دیده به جهان گشود. وی با قبولی در دانشسرای کشاورزی ورامین در روستای مامازن در حومه ی تهران تحصیلات متوسطه خود را آغاز نمود و در رشته ترویج فنون حرفه ای کشاورزی در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ مدرک فوق دیپلم، لیسانس خود در مهندسی صنایع کشاورزی را در سال ۱۳۴۹ و فوق لیسانس در رشته ی ترویج کشاورزی را در سال ۱۳۵۰ از دانشکده ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت دریافت داشت. در جریان تکمیل تحصیلات عالی ی این حرفه آموزی، دکترای مهندسی خود در تولیدات کشاورزی (آموزش ترویج و توسعه ی روستائی) را در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه ملی پلیتکنیک تولوز در فرانسه، دریافت نمود. وی فعالیت‌های خود را با سرپرست مرکز آموزش فنی و حرفه ای اسکان عشایر فارس آغاز نمود. از اسماعیل شهبازی در قسمت های مختلف کاری تقدیر به عمل آمده است و از ایشان به عنوان «چهره ماندگار ترویج کشاورزی علمی کشور» تقدیر به عمل آمد. گروه: کشاورزپرشته: آموزش و ترویج توسعه روستاییگرایش: اقتصاد کشاورزیوالدین و انساب: نام پدر اسماعیل شهبازی مرحوم حاج خلیل گوشه ای نهاوندی فرزند مرحوم محمدعلی و مادرش مرحومه حاجیه ربابه شهبازی فرزند مرحوم حاج هدا تاجر نهاوندی. خاطرات کودکی: اسماعیل شهبازی از خاطرات دوران کودکی خود اینطور بیان می کند: روزی که در سال ۱۳۲۹ و در گرماگرم جنبش های اولیه ی مردم شهرمان برای کسب آزادیهای مدنی، به عنوان یک دانش آموز دبیرستانی از سوی فرهنگیان جوان، در یکی از تجمعات مردمی شهر سخنرانی کردم و مورد تشویق پرشور مردم قرار گرفتم و از یکی از مشاهیر وقت، جایزه ی ارزنده ای دریافت داشتم. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: اسماعیل شهبازی می گوید: از همان اوان کودکی، به تبعیت از شرایط زندگی خانوادگی که حدود پنج ماه از سال (از خرداد تا مهر) را به باغ میوه ی ملکی خود در خارج از شهر نقل مکان می کردیم، به کار باغبانی و باغداری که توسط پدر و مادرم اداره میشد، توجه داشتم و غیر مسئولانه کارآموزی می کردم. پس از فوت پدر، کارآموزی غیر مسئولانه ای من تبدیل به کارورزی مسئولانه شد و عملاً، به خصوص بهره برداری از حقاچه گیری و آبیاری باغ از سال ۱۳۲۵، عامل اصلی و مباشر خانوار در امور باغ شدم. این عاملیت و مباشرت نه تنها در مورد باغ میوه ای که به ناحق، خیلی زود از تملک و تصرف خانواده ی ما خارج شد، بلکه در مورد یک باغ میوه و چندین فقره املاک زراعی و رقبات دیگر نیز تا سال ۱۳۳۳ ادامه داشت. تحصیلات رسمی و حرفه ای: اسماعیل شهبازی از سال ۱۳۳۳ که در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ورامین در روستای مامازن در حومه ی تهران پذیرفته شد، حرفه آموزی خود در زمینه های کشاورزی را به صورت علمی و آکادمیک آغاز کرد و در این مسیر، دیپلم کشاورزی خود از دانشسرای کشاورزی را در سال ۱۳۳۵، فوق دیپلم خود در ترویج فنون حرفه ای کشاورزی را در سال ۱۳۳۹، لیسانس خود در مهندسی صنایع کشاورزی را در سال ۱۳۴۹ و فوق لیسانس در رشته ی ترویج کشاورزی را در سال ۱۳۵۰ از دانشکده ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت

دریافت داشت. در جریان تکمیل تحصیلات عالی ی این حرفه آموزی، دکترای مهندسی خود در تولیدات کشاورزی (آموزش ترویج و توسعه ی روستائی) را در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه ملی پلیتکنیک تولوز در فرانسه، دریافت نمود. خطرات و وقایع تحصیل: هرج و مرجهای اجتماعی در دوران تحصیل در دبیرستان به سبب وجود احزاب و دستجات سیاسی مختلف در سطح جامعه و نفوذ یادی آنها به داخل مدارس و ایجاد چند دستگیهای ناسالم بین هم شاگردیها و معلمان و دبیران شاغل در هر واحد فرهنگی، بخصوص در طول سالهای ۱۳۳۰ تا مردادماه ۱۳۳۲ از اتفاقات دوران تحصیل اسماعیل شهبازی به شمار می آید. فعالیتهای ضمن تحصیل: اسماعیل شهبازی در در دوره ی تحصیل در دانشسرا نه تنها عضو انجمن اسلامی دانش آموزان بود بلکه با همکاری همکلاسی شفیق خود آقای عبدالرحیم اشراق، در مقام سر دبیر و مدیرمسئول، و تنی چند از دیگر دانش آموزان دانشسرا، روزنامه ی «آهنگ روستا» را ابتدا به صورت دیواری و سپس به شکل استنسیلی با شمارگان کمتر از ۱۰۰ نسخه تهیه و تنظیم و در سطح دانشسرا، منتشر کرد. از جمله ی دیگر فعالیتها اینکه، در اولین دوره ی تحصیلات دانشگاهی اش جذب تیم بسکتبال شده و مدتی نیز سمت کاپیتانی آن را بر عهده داشت. استادان و مربیان: اسماعیل شهبازی از مربی دوره ی دانشسرای کشاورزی مرحوم مهندس خسرو صدری، در دوره تحصیلات دانشگاهی در خارج از کشور از پیر استاد آمریکائی خود دکتر وارد (Dr.Ward) و دکتر فوزی الحاج لبنانی در دانشگاه آمریکائی بیروت و نیز از دکتر فلیپ ماسون فرانسوی در دانشگاه پلیتکنیک تولوز، همواره بیشترین بهره های معنوی را برده است. هم دوره ای ها و همکاران: اسماعیل شهبازی از هم دوره ای های دانشسرای و دانشگاهی خود از مهندس سید احمد منتظری متخصص باغبانی در کانادا، دکتر حمید سیادت استاد پژوهش در علوم آب و خاک، دکتر سید کاظم صدر و دکتر ابراهیم حسینی نسب به ترتیب استاد اقتصاد در دانشگاههای شهید بهشتی و تربیت مدرس، دکتر جلال جمالیان استاد صنایع غذایی و تغذیه در دانشگاه شیراز، دکتر حمید مهرآوران استاد گیاهپزشکی در دانشگاه ارومیه یاد می کند. و از همکاران خود در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و دانشگاهها و فرهنگستان علوم به دکتر جعفر ارشاد استاد پژوهش قارچ شناسی، دکتر ابراهیم پذیرا استاد پژوهش در علوم آب و خاک و دکتر آهنگ کوثر استاد پژوهش در منابع آب و آبخیزداری، دکتر محمدحسن روزی طلب استاد پژوهش در علوم آب و خاک، دکتر بهمن یزدی صمدی استاد دانشگاه تهران در علوم اصلاح نباتات و زراعت، دکتر نصراله سفیدبخت استاد علوم دامی در دانشگاه شیراز و... اشارت داشت. همسر و فرزندان: اسماعیل شهبازی در سال ۱۳۴۱ با علویّه خانم زهره حسینی علوی فرزند مرحوم آسید شهاب الدین (علیمحمد) نوه ی مرحوم امیرزا محسن حسینی علوی و نوه ی دختری مرحوم آیت الله آسید زین العابدین سجّادی (آقابزرگه ی نهانندی) است ازدواج کرد. و حاصل این ازدواج تنها فرزند پسری است به نام امیر ابراهیم شهبازی که فرهیخته ی سال ۱۳۷۶ دانشگاه شهید بهشتی تهران (دانشگاه ملی سابق) و فعلاً نیز به عنوان مهندس آرشیکت، در «مهندسین مشاور طرح آفرید» در بخش خصوصی مشغول به کار است. وقایع میانسالی: اسماعیل شهبازی از اتفاقات زندگی خود این طور بیان می کند: در تابستان ۱۳۸۱ مسافرتی شخصی به کشورکانادا داشتم که ضمن آن، از برنامه های آموزشی و پژوهشی دانشگاه گولف در زمینه های مطالعات توسعه ی روستائی آگاهی یافتم. نتیجتاً، مبادرت به تهیه ی یک گزارش جامع از تحولات علمی در زمینه های مطالعات توسعه ی روستائی در کانادا نمودم و به عنوان مسئول شاخه، نسخه ای از این گزارش را به گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ارائه دادم. نسخه ای دیگر از این گزارش را نیز به ریاست وقت دانشگاه شهید بهشتی (دکتر هادی ندیمی) تقدیم داشتم. خوشبختانه دانشگاه مذکور در آن ایام دست اندر کارتأسیس و توسعه ی اولین پارک علمی و تحقیقاتی خود در روستای کنیجکلا در حومه ی شهر زیراب از شهرستان سوادکوه بود و لذا، بر مبنای برنامه ی مصوّب و به همت ریاست دانشگاه و تلاش ریاست پژوهشکده ی علوم محیطی و حمایت بی دریغ پروفیسور عطاءاله قبادیان، از پائیز ۱۳۸۲، با پذیرش ۴۲ نفر داوطلب از طریق آزمون سراسری، اولین دوره ی کارشناسی آبادانی روستاها در قالب دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در پردیس زیراب آغاز به کار کرد. عنوان این رشته طبق مصوبه

شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در تاریخ ۸۶/۱۱/۶ به رشته‌ی کارشناسی مهندسی تکنولوژی آبادانی روستاها ارتقاء یافت. این رویداد میمون از همان سال ۸۲ موجب تحکیم اراده‌ی اینجانب برای ادامه‌ی استقرار در روستای شیرجیکلا (محل زندگی) و ادامه‌ی همکاری با گروه پژوهشی کشاورزی اکولوژیک و گروه آموزشی آبادانی روستاهای دانشگاه شهید بهشتی در روستای کینجکلا (محل کار) در ۲۵ کیلومتری شمال پردیس زیر آب شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مروج کشاورزی، سرپرست مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای اسکان عشایر فارس، کمک کارشناس ترویج، مربی بخش اقتصاد دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز و هم‌زمان، سرپرست ایستگاه تحقیقات دانشکده کشاورزی در کوشکک مروذشت فارس، شیراز کارشناس ستادی ترویج کشاورزی کشور، محقق بخش روستائی مؤسسه‌ی تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران، مدرّس و مدیر گروه ترویج مدرسه‌ی عالی کشاورزی همدان، کارشناس و معاون دفتر تمرکز تحقیقات کشاورزی، سرپرست مرکز اسناد و مدارک علمی کشاورزی، مدیر کل سازمان ترویج کشاورزی کشور، رئیس سازمان آموزش کشاورزی کشور، رئیس دفتر تحقیقات اقتصاد کشاورزی کشور، مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی علی مرادیان (نهاد شناسی)، مدیر گروه آموزشی آبادانی روستاها در دانشگاه شهید بهشتی. فعالیتهای آموزشی: (۱) مربی تمام وقت دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰. (۲) استاد مدعو دانشکده ادبیات و علوم انسانی (بخش عمران ملی) دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰. (۳) استاد پاره وقت و مدیر گروه ترویج و هم‌زمان، سرپرست امور پایان نامه‌های دوره‌ی لیسانس مهندسی کشاورزی در مدرسه‌ی عالی کشاورزی همدان و نیز مدیر جلسات دفاع از پایان نامه‌ها در ساله‌ای تحصیلی ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴. (۴) استاد مدعو دانشکده کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه در سال تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴. (۵) استاد مدعو واحد ترویج کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در کرج در سالهای تحصیلی ۵۴-۵۵ و ۵۵-۱۳۵۵. (۶) استاد مدعو دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی در سالهای تحصیلی ۱۳۵۸ تا ۵۹ و ۱۳۶۱ تا ۶۳، تهران. (۷) استاد مدعو گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در سالهای تحصیلی ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۴ (۸) استاد مدعو گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سالهای تحصیلی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ (۹) استاد مدعو بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ و ۱۳۸۳-۱۳۸۲. (۱۰) استاد مدعو گروه جغرافیای دانشکده‌ی علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸. (۱۱) دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در پردیس زیراب در سالهای تحصیلی ۱۳۸۲ تا کنون. مراکزى که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: (۱) کمک مؤسس و سرپرست مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشاورزی عشایر اسکان یافته‌ی قشقائی، پائیز و زمستان ۱۳۳۹، کازرون، استان فارس و بنادر و جزایر خلیج فارس. (۲) مؤسس و مدیر گروه آموزشی ترویج کشاورزی در مدرسه‌ی عالی کشاورزی همدان در سالهای تحصیلی ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴. (۳) کمک مؤسس سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی کشور به راهبری مهندس حسین میرحیدر و مدیریت دکتر محمّد رضانیا در طول سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶. (۴) مؤسس رشته‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری ترویج و آموزش کشاورزی در طول سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۷ در مقام رئیس کمیته‌ی برنامه ریزی ترویج و آموزش و عضو گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه ریزی آموزش عالی کشور به راهبری دکتر بهمن یزدی صمدی. (۵) مؤسس و اولین رئیس دفتر تحقیقات اقتصاد کشاورزی در سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی کشور از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲. (۶) عضو هیأت مؤسس و سه دوره رئیس هیأت مدیره انجمن علمی ترویج و آموزش کشاورزی کشور در طول سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰. (۷) عضو هیأت مؤسس و رئیس هیأت امناء و مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی علیمردیان (نهاد شناسی) از سال ۱۳۷۴. (۸) عضو هیأت مؤسس انجمن اقتصاد کشاورزی ایران از سال ۱۳۷۴. (۹) کمک مؤسس دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی شهرستان نهاوند به حمایت مهندس محمّد حسین علیمردیان و پیگیری آقایان خداداد (حسن) پاسیار و محمّد رضا امامی. (۸) عضو مؤسس و اولین سردبیر فصلنامه‌ی

علمی - آموزشی فرهنگیان از سال ۱۳۷۸. (۹) عضو هیأت مؤسس و هیأت امنای مؤسسه آموزش عالی آبادانی روستاها در استان همدان از سال ۱۳۷۵. (۱۰) عضو هیأت مؤسس و عضو افتخاری انجمن علمی کشاورزی بوم شناختی ایران از سال ۱۳۸۴. (۱۱) تدبیر و تبیین و ترویج نظریه‌ی ضرورت ملی - منطقه‌ای ایجاد مراکز تحقیقات تک محصولی در مراکز ثقل تولید محصولات و فعالیت‌های کشاورزی. (۱۲) تبیین نظام سئتی نسق بندی اراضی زراعی در روستاهای غرب کشور. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: (الف) تدریس هفتگی در گروه آبادانی روستاها در پردیس زیراب، دانشگاه شهید بهشتی، (ب) مشاوره و راهنمایی دانشجویان سال چهارم گروه آبادانی روستاها در جریان تهیه و تنظیم پایاننامه‌ی کارشناسی (پروژه) خود برای فارغ التحصیل شدن. (ج) مدیریت گروه آموزشی آبادانی روستاها در پردیس زیراب، دانشگاه شهید بهشتی، (ج) شرکت در جلسات آموزشی و پژوهشی و یا اجرائی در دانشگاه متبوع و دیگر نهاد های مربوط، (د) شرکت در گردهمایی‌های عمومی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و نیز، در جلسات ماهیانه‌ی شاخه‌ی اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی در فرهنگستان علوم در تهران. (ه) داوری رساله‌های دوره‌ی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی و کتابهای دانشگاهی، (و) شرکت در جلسات مربوط به عنوان عضو تحریریه و نیز، مطالعه و بررسی و داوری مقالات رسیده در زمینه‌های ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه و عمران روستائی به فصلنامه‌های علمی - پژوهشی. (ز) تهیه‌ی مقالات علمی برای بنیاد دانشنامه‌ی بزرگ فارسی ودائرة المعارف بزرگ اسلامی. (ح) تهیه‌ی مقالات تحقیقی و تحلیلی برای شرکت و ارائه در همایشها و یا درج در فصلنامه‌های علمی - پژوهشی و یا علمی - ترویجی. آرا و گرایشهای خاص: اسماعیل شهبازی معتقد به: * توسعه‌ی مرزهای دانش در زمینه‌های کشاورزی، * ارتقاء سطح دانشهای کاربردی و فرهنگی روستائیان، * شناخت مهارت و دانش بومی در زمینه‌های کشاورزی و زندگی روستائی به منظور احیای بخش‌ها و عناصر مناسب و کارآمد، * ضرورت بومی‌کردن فناوریهای نوین، و * خودکفائی در محصولات کشاورزی استراتژیک. جوایز و نشانها: * سه بار قرار گرفتن در لیست افتخار رئیس دانشکده (The Dean's Honor List) در دوره‌ی کارشناسی در دانشکده‌ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت (۱۳۴۷-۱۳۴۸)، (A.U.B. و ۱۳۴۸ لبنان). «ولی اسماعیل شهبازی این هدیه را دریافت نکرد» * دریافت جایزه‌ی بورسیه‌ی تحصیلی به مناسبت شاگرد دومی در دوره‌ی کارشناسی مهندسی (B.Sc). صنایع در دانشکده‌ی علوم کشاورزی در ۱۳۴۹، A.U.B. * دریافت جایزه‌ی بورسیه‌ی A.U.B. برای ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی دکترای ترویج در امریکا و مراجعت به A.U.B. برای اشتغال به عنوان عضو هیأت علمی به مناسبت فارغ التحصیل شدن در دوره‌ی کارشناسی ارشد (M.Sc). ترویج و آموزش کشاورزی با درجه‌ی عالی از دانشکده‌ی علوم کشاورزی - این جایزه‌ی پیشنهادی AUB را نپذیرفت و بلافاصله پس از اتمام دوره‌ی کارشناسی ارشد، از بیروت به ایران مراجعت و در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه شیراز مشغول به کار شد. * به مناسبت تهیه و نشر کتاب توسعه و ترویج روستائی، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲: * دریافت جایزه‌ی اول و لوح تقدیر ریاست جمهوری اسلامی ایران، در دوازدهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای ترجمه کتاب "توسعه و ترویج روستائی" طی مراسمی در روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۷۳، در تالار وحدت، تهران. * دریافت لوح تقدیر و جایزه‌ی پنجمین دوره‌ی برگزاری کتب برگزیده‌ی دانشگاهی ایران در سال ۱۳۷۲، طی مراسمی در دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۳، در تالار فردوسی دانشگاه تهران، تهران. * دریافت جایزه‌ی اول، تندیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین تألیف کتاب سال روستا در سال ۱۳۷۲، طی مراسمی در هشتمین جشنواره هنری، ادبی روستا در شهریورماه سال ۱۳۷۳، تاتر شهر، تهران. * دریافت لوح تقدیر ریاست جمهور و جوایز کتاب سال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۲ به مناسبت همکاری در تهیه و نشر مجموعه‌ی ۱۵ جلدی فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی، با همکاری اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱. * دریافت دیپلم افتخار و جایزه‌ی دوم بهترین ترجمه کتاب سال روستا در سال ۱۳۷۰، به مناسبت ترجمه کتاب مرجع ترویج کشاورزی به اتفاق مهندس احمد حجاران، از انتشارات سازمان ترویج

کشاورزی، طی مراسم در ششمین جشنواره هنری ادبی روستا، خردادماه ۱۳۷۱، تأثیرشهر، تهران. * - دریافت لوح افتخار جایزه ی ادبی سال ۲۰۰۷ میلادی خانه فرهنگ ناجی نعمان، نویسنده ی شهید لبنانی، به مناسبت تألیف کتاب جنبش چهارپایان - داستان گونه ای متمرکز بر حمایت از حقوق طبیعی و محیط زیست جانداران - از انتشارات مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۸۴، تهران. * - دریافت تندیس خدمت و لوح زرین به مناسبت انتخاب شدن به عنوان «چهره ماندگار ترویج کشاورزی علمی کشور» طی مراسمی به منظور معرفی نمونه های کشوری و بنا به اجتهار، پدر علم ترویج ایران در در هفته ی کشاورز و پنجاهمین سالگرد تأسیس رشته ی آموزشی ترویج کشاورزی در دانشگاه های ایران، دی ماه ۱۳۸۱، تالار هفت تیر، وزارت جهاد کشاورزی، تهران. چگونگی عرضه آثار: اسماعیل شهبازی در مکانهای ذکر شده آثاری را از خود به جا گذاشته است: * - مراکز کشاورزی و روستائی مانند مراکز خدمات ترویجی و آموزشی، شوراهای اسلامی روستاها، و... * - مجامع فنی سیاست گذاری و برنامه ریزی و ارزشیابی برنامه های توسعه ی کشاورزی و عمران روستائی مانند کارگروهها، شاخه ها، کمیسیونها، کمیته ها و شوراهای مربوط به نهادها و ارگانهای علمی و ارشادی و اجرائی کشور، * - محافل دانشگاهی و پژوهشگاهی و فرهنگستانی اعّم از کلاس ها و جلسه ها و گردهمائی ها و دیدارها و همایشها، و * - مجامع عمومی و جلسات تخصصی انجمن های علمی، هیأت تحریریه و امضاء و مؤسّس و مانند این ها. * در مورد سایر آثار بطور کلی، تألیف ۱۰ جلد کتاب، ترجمه ۴ جلد کتاب، تألیف و انتشار ۷ فقره گزارش نهایی طرحهای اجرا شده تحقیقاتی و ارائه و انتشار ۸۶ مقاله فنی و علمی و پژوهشی و ترویجی

آثار: آسیب شناسی توسعه و ترویج روستائی ۱ ویژگی اثر: آماده ی چاپ از سال ۱۳۸۴ دست نامه نوآورانه در ۱۸ مبحث و پنج پیوست در ۲۰۳ صفحه، که مبتنی بر چندین دهه کار و مطالعه در مجامع علمی سیاستگذاری و برنامه ریزی و ارزشیابی برنامه های توسعه ی کشاورزی و عمران روستائی و نیز، متکی برسال ها تجربه ی زندگی و اشتغال در مناطق روستائی و تعامل با روستائیان می باشد. ۲ توسعه و ترویج روستائی ۲ ویژگی اثر: از انتشارات مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۲، چاپ دوم ۱۳۷۵، چاپ سوم ۱۳۸۱، چاپ چهارم ۱۳۸۴ (با تجدید نظر و اضافات). کتابی درسی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد است که چاپ چهارم آن مشتمل بر هفده فصل و دوازده پیوست در ۸۰۴ صفحه می باشد. این کتاب به عبارتی، دایره المعارف و اولین مرجع فارسی در علم ترویج است ۳ رهنمودی بر رهیافت های بدیل ترویج ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «توسعه و ترویج روستائی»: توسعه و ترویج روستائی؛ دکتر اسماعیل شهبازی؛ تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۷۲. «توسعه و ترویج روستائی» محصول سی و شش سال خدمت مؤلف در ترویج، به عنوان مروج، مدرس و محقق در مواضع و مواقع مختلف است. بحث بنیادین این کتاب، بر اصول، اهداف، استراتژی ها و روشهای ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی برای روستائیان متمرکز است و پیام محوری آن نیز اصالتاً بر این موضع دلالت دارد که در فرآیند توسعه؟ روستائی، اساساً می باید ترویج را به عنوان عمده ترین استراتژی برای شروع و جریان آموزش در کار توسعه به خدمت گرفت. و به کلامی دیگر، راهبرد آموزش ترویجی در کار توسعه؟ روستائی، حکمی است که این کتاب ضمن توصیف اصول و اهداف و روشهای آن، سعی بر اثبات آن دارد. این کتاب، مشتمل بر یک مقدمه و ۱۶ فصل ظاهراً مستقل و معنأ مرتبط و پیوسته به همدیگر است. مؤلف در باب انگیزه های نگارش این کتاب، دو هدف عمده را بر شمرده است: یکی، کمک به غنای ادبیات ترویج به منظور ایجاد امکان برای دانشجویان، دانش پژوهان و علاقه مندان امر توسعه؟ به منظور آشنایی با بنیان مکتب آموزشی ترویج به عنوان یکی از اساسی ترین راهبردهای توسعه روستائی، بویژه در کشورهای جهان سوم؛ و دیگری دستیابی محققان و مدرسان به تجرب؟ مؤلف. مؤلف تا حدود بسیار زیادی به اهداف خود در این کتاب نائل آمده است. ۴ روستازادگان دانشمند ۳ ویژگی اثر: از انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری شقایق روستا، چاپ نوبت اول: ۱۳۸۱ زمان گونه ای در

بیست و پنج بخش و دو پیوست، مجموعاً در ۵۳۰ صفحه با دیدی جامعه‌شناسانه به بررسی زندگی ساده‌ی روستائیان گرفتار در چنبره‌ی نظام ارباب - رعیتی غالب در غرب کشورمان ایران پرداخته و در واقع، کار ایران‌شناسی را از روستاشناسی آغاز کرده است. در این کتاب، جریان عادی زندگی مشقت‌بار مردم روستائی توصیف گردیده است. همزمان، سعی شده است تا بازتابهای فطری روستائیان در برخورد با ناملازمات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در خلال آنها، با جریان طوفان زای اصلاحات ارضی از یک سوی و با مظاهر زندگی مدرن از سوی دیگر، برآورد و تبیین شود. جوانان روستائی «بی نام آباد» دیروز و «نامداران» امروز، دلشاد و مفتخر از پیروزی حق بر باطل، زمام امور توسعه و عمران و آبادانی روستای خود را در دست گرفتند. ولی کم کم، شواهد نشان میداد که این جوانان در معرض آسیبهای اجتماعی بیشماری قرار دارند. مدیریت امور مزرعه و ویژگی اثر: ترجمه ۶ مقدمه ای بر آموزش و ترویج و توسع؟ شیوه‌های نوین روستاها

شهیدی، فخری

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فخری شهیدی دارای مدرک دکتری رشته علوم و صنایع غذایی (گرایش میکروبیولوژی مواد غذایی) ازدانشگاه های مک گیل کانادا (دروس و بخشی از تز) و تهران (دنباله تز) در سال ۱۳۷۴ (با درجه عالی) می باشد. ایشان عضو هیأت علمی گروه علوم و صنایع غذایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد با درجه علمی دانشیاری می باشد. گروه: کشاورزیرشته: صنایع غذاییگرایش: صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی فخری شهیدی: ۱- اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان پروین تربت حیدریه، سال ۱۳۵۳ (با معدل ۱۷ از ۲۰) ۲- اخذ مدرک لیسانس در رشته مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۵۸ (رتبه اول با معدل ۳/۳۹ از ۴ نمره) ۳- اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته صنایع فرآورده‌های کشاورزی (صنایع غذایی) از دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال ۱۳۶۶ (رتبه اول با معدل ۳۹/۱۸) ۴- اخذ مدرک دکتری (Ph. D) در رشته علوم و صنایع غذایی (گرایش میکروبیولوژی مواد غذایی) ازدانشگاه های مک گیل کانادا (دروس و بخشی از تز) و تهران (دنباله تز) سال ۱۳۷۴ (با درجه عالی) عناوین پروژه، پایان‌نامه و تز مقاطع مختلف تحصیلی: ۱- پروژه لیسانس تحت عنوان «سیب و فرآورده‌های آن» (با نمره ۲۰) ۲- پایان‌نامه فوق لیسانس تحت عنوان «ارزیابی اثر عسل و پکتیناز بر شفاف کردن آب سیب» (با نمره ۲۰ و درجه ممتاز) ۳- تز دوره دکتری (PhD) تحت عنوان «نقش باکتری‌های اسید لاکتیک در کنترل آلودگی های باکتریایی گوشت» (با درجه عالی) مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و اجرایی فخری شهیدی به ترتیب زیر است: ۱- مسئول فنی کارخانه شهرداریان (کمپوت و کنسرو)، سال ۱۳۶۰-۱۳۵۹ ۲- کارشناس صنایع غذایی، بخش صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۶۶-۱۳۶۰ ۳- عضو هیأت علمی گروه علوم و صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۶ تا کنون ۴- همکاری با سازمانهای مختلف از جمله وزارت صنایع، جهاد سازندگی، وزارت کشاورزی، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی و غیره در زمینه آموزشی پژوهشی در طول زمان اشتغال در دانشگاه سوابق فعالیت های اجرایی ۱- همکاری در ایجاد و راه اندازی پایلوت صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۶۰-۱۳۶۳ ۲- ایجاد و راه اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی (شامل کمپوت و کنسرو، اصول تبدیل فرآورده‌های زراعی و باغی، صنایع گوشت، خشکبار صنایع تخمیری) در دانشکده کشاورزی، سال ۱۳۶۳-۱۳۶۰ ۳- مسئولیت پایلوت پلنت صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۶۳-۱۳۶۰ ۴- نماینده گروه علوم و صنایع غذایی در کتابخانه به مدت چهار سال متناوب. ۵- عضو شورای تحصیلات تکمیلی گروه علوم و صنایع غذایی از سال

۱۳۷۴ تا کنون ۶- معاون گروه صنایع غذایی، ۱۳۷۵ ۷-مدیریت گروه علوم و صنایع غذایی از تیر ماه ۱۳۷۵ تا مرداد ماه ۱۳۷۹ ۸- معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی از مرداد ماه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ ۹- ایجاد و راه‌اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی تکمیلی (صنایع فرآورده‌های کشاورزی تکمیلی)، سال ۱۳۷۵-۱۳۷۴ ۱۰- نماینده گروه علوم و صنایع غذایی در سازمان سنجش جهت طرح سئوالات کنکور کارشناسی ارشد در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۳، ۱۳۷۵ ۱۱- عضو شورای آموزشی، شورای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده از تیرماه ۱۳۷۵ تا کنون ۱۲- عضو کمیسیون‌های محیط زیست و توسعه پایدار، سال ۱۳۷۶-۱۳۷۹ ۱۳- عضو کمیسیون بیوتکنولوژی مواد غذایی زیر شاخه بیوتکنولوژی، از سال ۱۳۷۶ تا کنون ۱۴- عضو کمیسیون صنعت و معدن استان، از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۵- عضو هیأت مدیره مجتمع صنایع غذایی از ۱۳۷۵ تا مرداد ۱۳۷۹ ۱۶- عضو کمیته استانی هماهنگی و برنامه‌ریزی اجرای سیستم حصص از فروردین سال هشتاد تا کنون ۱۷- عضو کمیسیون بررسی طرح‌ها و برنامه‌های ردیف ۵۰۳۴۹۲، ۱۳۷۹ ۱۸- عضو کمیته تخصصی کشاورزی و دامپزشکی بررسی طرحها و برنامه‌های ردیف ۵۰۳۴۹۲، ۱۳۷۶ ۱۹- دبیر اجرایی سومین همایش ملی بیوتکنولوژی جمهوری اسلامی ایران از مرداد ۸۱ تا تیر ۸۲ ۲۰- عضو کمیته نظارت بر طرحهای تحقیقاتی مربوط به واحد‌های تولیدی به منظور تعیین معاونت ۲ در هزار ۱۳۸۱ تا کنون ۲۱- مدیر گروه علوم و صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ ۲۲- نماینده دانشکده کشاورزی در طرح تحقیقاتی اساسی وزارت صنایع و معادن ۲۳- عضو هیئت تحریریه مجله علوم و صنایع غذایی گروه فعالیتهای آموزشی: تدریس دروس مختلف تئوری و عملی صنایع غذایی شامل اصول تبدیل مواد غذایی، کمپوت و کنسرو، اصول نگهداری مواد غذایی، اصول حمل و نقل و نگهداری مواد غذایی در سردخانه و انبار، اصول تغذیه، صنایع تخمیری، صنایع غذایی ۱ و ۲، میکروبیولوژی مواد غذایی (مقطع کارشناسی)، صنایع غذایی تکمیلی (مقطع کارشناسی ارشد)، تکنولوژیهای پیشرفته در صنایع غذایی آنزیمولوژی مواد غذایی و اثر فرایند بر مواد غذایی (مقطع دکتری) در طول خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد و سایر مراکز از جمله آموزشگاه شهید هاشمی نژاد، جهاد سازندگی خراسان، مرکز دوره‌های بازآموزی، آموزش و پرورش استان خراسان از سال ۱۳۶۰ تا کنون مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: - همکاری در ایجاد و راه‌اندازی پایلوت صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۶۰-۱۳۶۳- ایجاد و راه‌اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی (شامل کمپوت و کنسرو، اصول تبدیل فرآورده‌های زراعی و باغی، صنایع گوشت، خشکبار صنایع تخمیری) در دانشکده کشاورزی، سال ۱۳۶۳ - ۱۳۶۰. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: سایر فعالیت‌های آموزشی - پژوهشی و اجرایی فخری شهیدی: ۱- عضو هیأت علمی و مشاور در سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی مرکز خراسان از سال ۱۳۶۶ لغایت ۱۳۶۹، از سال ۱۳۷۴ تا کنون ۲- مشاوره افتخاری اداره کل صنایع خراسان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹. ۳- تدریس دروس مختلف در آموزشگاه شهید هاشمی نژاد، کلاسهای آمادگی کنکور فوق لیسانس، وزارت کشاورزی سال ۱۳۷۳. ۴- همکاری با کمیته صنایع روستایی جهاد سازندگی و سپاه خراسان طی سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ ۵- همکاری با اداره استاندارد در تدوین استانداردها (۷ مورد) و آئین کارها (دو مورد) به عنوان رئیس جلسات. ۶- دوره فرصت مطالعاتی شش ماهه در گروه صنایع غذایی و تغذیه دانشگاه ایالتی آیووا آمریکا. مرداد ۸۲ لغایت بهمن ۸۲ چگونگی عرضه آثار: - تعداد سرپرستی یا مشاوره پایان‌نامه یا پروژه: ۳۰ رساله - تعداد طرحهای پژوهشی: ۲۱ طرح - تعداد مقالات ارائه شده علمی در مجلات معتبر: ۲۳ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی معتبر: ۴۲ مقاله

آثار: آنزیم‌ها در صنایع غذایی و ویژگی اثر: ترجمه - شهیدی، فخری و حسینی نژاد، مرضیه. ۱۳۸۲. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ۲ اصول عمل آوری خشکبار و ویژگی اثر: ویرایش علمی - دکتر مرتضوی و همکاران ۳ تخم مرغ و فرآورده‌های آن و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۸۲ ۴ تغذیه و بیوتکنولوژی تخم مرغ و ویژگی اثر: ترجمه - با همکاری "کرمانشاهی

حسن، هاشمی تبار غلامرضا، توکل افشاری جلیل، شهیدی فخری، قدوسی حمید بهادر. ۱۳۸۳. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ۵ سبب و فرآورده‌های آن ویژگی اثر: (کتابچه، تألیف)، جهاد سازندگی خراسان، ۱۳۶۰۶ فراوری فرآورده‌های جانبی مرکبات ویژگی اثر: - ویرایش علمی - (دکتر مرتضوی و همکاران) ۷ فرهنگ افزوده‌های غذایی ویژگی اثر: (ترجمه)، انتشارات آستان قدس. سال ۱۳۶۷، تجدید چاپ، انتشارات بارثاوا، سال ۱۳۷۳۸ کارخانه‌های مواد غذایی ویژگی اثر: (ترجمه)، انتشارات تیهو، ۱۳۷۸، تجدید چاپ انتشارات تیهو، ۱۳۹۰ ۹ ماکارونی و فرآورده‌های آن ویژگی اثر: (ترجمه)، وزارت صنایع، ۱۳۶۵۱۰ میکروبیولوژی و ایمونولوژی ویژگی اثر: ترجمه - با همکاری - شهیدی فخری، محبی محبت، عدالتیان محمد رضا. ۱۳۸۲. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد ۱۱ نگهداری بیولوژیکی گوشت ویژگی اثر: (تألیف)، انتشارات بارثاوا، ۱۳۷۵

شیشه بر، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر پرویز شیشه بر در سال ۱۳۳۷ در تهران دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اهواز، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی کشاورزی گیاهپزشکی، دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و تا مقطع کارشناسی ارشد رشته حشره‌شناسی گرایش کنه‌شناسی پیش رفت و در سال ۱۳۶۸ موفق به اخذ مدرک فوق شد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم ایرلند شد و در مقطع دکترا رشته حشره‌شناسی گرایش کنترل بولوژیکی - اکولوژی، در دانشگاه دوبلین، ایرلند به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل گردید. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید چمران می باشد. گروه : کشاورزی رشته : گیاه پزشکی گرایش : حشره شناسی (کنترل بولوژیکی) والدین و انساب : پدر بزرگ پرویز به شغل شیشه بری اشتغال داشت و پدرش هم همین کار پدر بزرگ را ادامه داد. بطوری که در موقع شناسنامه دار کردن افراد در زمان رضا شاه پهلوی فامیل آنها به شیشه بری انتخاب گردید. دکتر شیشه بر می گوید: " پدر پدر بزرگ من مسئول کاروان حاجیان از دزفول به مکه مکرمه بوده است. وی آدم دنیا دیده ای بوده است و به کشور های مختلفی مسافرت داشته بود، اصل و اصلیت من دزفولی است. مادرم خانه دار است " پرویز شیشه بر جمعا شش برادر و خواهر بودند (چهار برادر و دو خواهر) خاطرات کودکی : پرویز شیشه بر از خاطرات دوران کودکی خود چنین بیان می کند: " دوران کودکی من در یک خانواده متوسط سپری شد. مادر بزرگم یک تنور در خانه داشت و برای خودمان و همسایه ها نان می پخت. همیشه پدرم مرا تشویق به درس خواندن می کرد ". تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر پرویز شیشه گر به ترتیب زیر است: ابتدایی در مدرسه خرد در اهواز تحصیلات متوسطه در دبیرستانهای ملی مهر و بر گمهر در اهواز کارشناسی، مهندسی کشاورزی گیاهپزشکی، دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۶۴ کارشناسی ارشد، حشره‌شناسی گرایش کنه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱/۱/۱۳۶۸ دکترا، حشره‌شناسی گرایش کنترل بولوژیکی - اکولوژی، دانشگاه دوبلین، ایرلند در تاریخ ۱/۱/۱۳۷۴ خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پرویز شیشه بر مصادف با انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی و همچنین جنگ تحمیلی بر علیه ایران بود. لذا تحصیل وی به مدت نه سال به طول انجامید. ایشان در دوران تعطیلی دانشگاه به عنوان نویسنده در صدا و سیمای مرکز خوزستان در برنامه شاهد و کشاورزی مشغول به کار بود. فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر شیشه بر در زمان تعطیلی دانشگاه ها در مقطع کارشناسی، در مرکز صدا و سیمای خوزستان مشغول به کار گردید وی در دوران تحصیل در دوره دکتری در خارج از کشور (ایرلند) در یک پروژه تحقیقاتی مربوط به کشورهای اروپایی فعالیت داشت و از آن تجارب بسیار را کسب کرد. استادان و مربیان : دکتر کریم کمالی، دکتر محمد

سعید مصدق، دکتر سید حسین حجت، دکتر ابراهیم سلیمان نژادیان، دکتر عبدالکریم شایگان از اساتید و مربیان پرویز شیشه بر بودند. وی از آنها به عنوان الگوی های زندگی علمی خود یاد می کند و یاد آنها را گرامی می دارد. هم دوره ای ها و همکاران: مهندس محمد رضا اسکندری (وزیر فعلی کشاورزی)، دکتر صفدر حسینی (وزیر اسبق کار و اقتصادی) و دریا دار شمخانی از هم دوره ایهای دکتر پرویز شیشه بر بودند. همسر و فرزندان: دکتر شیشه بر در سال ۱۳۵۹ با همسر خود سرکار خانم فریده شیشه بر (ختر عمیش) ازدواج کرد. ایشان دارای دکتری رشته تغذیه می باشد و هم اکنون در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور به امر آموزش مشغول است. حاصل ازدواج دکتر شیشه بر دو فرزند، یک پسر و یک دختر می باشد. فرزند پسر هم اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آبیاری است و دخترش هم در رشته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبائی در حال تحصیل است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: معاونت آموزشی مجتمع عالی رامین، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین از تاریخ ۱/۱/۱۳۷۵ تا تاریخ ۲۹/۱۲/۱۳۷۷ معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی به مدت سه سال فعالیتهای آموزشی: عنوان دروس ارائه شده توسط پرویز شیشه بر به قرار زیر است: کنه شناسی تکمیلی (کارشناسی ارشد) کنه شناسی پیشرفته (دکتری) ناقلین عوامل بیماریزای گیاهی (کارشناسی ارشد) مرفولوژی حشرات (کارشناسی ارشد) آفات گیاهان جالیزی (کارشناسی) سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر شیشه بر در کنار فعالیت های آموزشی و پژوهشی، به مطالعه و کارهای اجرایی می پردازد. جوایز و نشانها: کسب مدال طلا به خاطر ارائه شش مقاله ممتاز در سطح ISI در کشور ایرلند (طبق نامه ارسالی در سال ۱۹۹۸)

آثار: سفید بالک ها (وضعیت آفتی و مدیریت آنها) ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز ۲ غذا، آفات گیاهی و محیط زیست ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز ۳ کنترل بیولوژیکی به وسیله دشمنان طبیعی ویژگی اثر: پائول دباک - دیوید رزن - پرویز شیشه بر - انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز - ۱۳۸۰ ۴ مدیریت حشرات آفت ویژگی اثر: دیوید دنت، پرویز شیشه بر (مترجم)، ولی الله ظفری (ویراستار)، کریم کمالی (ویراستار)، نشر: دانشگاه شهید چمران (اهواز) (۱۵ اسفند، ۱۳۸۵) ۵ نقش کنه ها در کنترل آفات ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز منابع زندگینامه <http://iranologyfo.com/>

صادقی، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیاوش صادقی متولد ۱۳۲۵ ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضویت هیئت علمی دانشگاه بوردوی فرانسه با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون استفاده از نگهدارنده های طبیعی برای بسته بندی غذا می باشد. گروه: کشاورزیرشته: صنایع غذایی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر سیاوش صادقی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس میباشد. خطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل و در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر سیاوش صادقی بوده است. فعالیتها و ضامن تحصیل: دکتر سیاوش صادقی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر سیاوش صادقی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به عضویت هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشکده کشاورزی در دانشگاه بوردوی فرانسه در آمد وی هم اکنون با

سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر سیاوش صادقی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه بوردوی فرانسه است. فعالیتهای آموزشی: دکتر سیاوش صادقی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشگاه بوردوی فرانسه به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر سیاوش صادقی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر سیاوش صادقی از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشهای علمی و وسیعی درباره استفاده از نگهدارنده های طبیعی برای بسته بندی غذا انجام داده است.

صبوری، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا صبوری در سال ۱۳۴۷ در شهر نوشهر روستای چیلک به دنیا آمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. و در سال ۱۳۷۰ در رشته گیاهپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ التحصیل گردید و دوران کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ به پایان برد. و به عنوان هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران مشغول به کار شد و موفق به کسب رتبه اول اولین دوره جشنواره جوان خوارزمی گردید. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسیگرایش: کنه شناسیوالدین و انساب: نام پدر علیرضا صبوری خلیل صبوری فرزند محمد حسین و نام مادر محترمشان زهرا فرزند محمد تقی میباشد. خاطرات کودکی: علیرضا صبوری از آن دوران میگوید: «چون کوچکترین عضو خانواده بودم مورد محبت سایر اعضای خانواده بویژه که از ضریب هوشی بالایی نیز برخوردار بودم. در همین دوران بود که شاهد پیروزی انقلاب اسلامی بودم.» اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: علیرضا صبوری در خانواده مذهبی پرورش یافت و پدرشان از بزرگان منطقه بود و مورد احترام شغل وی کشاورزی بود و از نظر مالی خانواده ای متوسط مانند سایر کشاورزان بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا صبوری دوران دبیرستان در دبیرستان میرزا کوچک خان نوشهر گذراند. اخذ مدرک کارشناسی گیاهشناسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز سال ۱۳۷۰، کارشناسی ارشد حشره شناسی در سال ۱۳۷۳ و دکترای حشره شناسی گرایش کنه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷. خاطرات و وقایع تحصیل: سال اول تحصیل علیرضا صبوری در دوره کارشناسی مصادف بود با سال آخر جنگ تحمیلی. «شهر اهواز هنوز چهره جنگی داشت و مردم به دیدن هواپیماهای عراقی عادت داشتند و هم چنین شلیک ضد هوایی، به همین دلیل کسی به پناهگاه نمیرفت.» استادان و مربیان: دوران ابتدایی: خانم شهری، خانم مهناز جهانشاهی، خانم هایده صمیمی. دوران راهنمایی و دبیرستان: بهرام خزایی، عزت... ازادیان، داراب امین زاده، آقای بابایی، اسفندیار جلالی. از معلمان و دبیران دکتر صبوری بودند. و در دانشگاه: دکتر کریم کمالی، ابراهیم باقری زنوز، دکتر محمود شجاعی، مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی، دکتر حسن ملکی میلانی، دکتر احمد صحرا گرد تمامی اعضای هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز سال های ۷۰-۱۳۶۶ بوده اند. هم دوره ای ها و همکاران: از همکاران علیرضا صبوری میتوان به اعضای هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران اشاره داشت. و از هم دوره ایهای دوره کارشناسی: شهریار حسابی، غلامرضا عباسپور، ناجی شهب زاده، فرشاد استانی، غلامرضا مقتدر و... دوره کارشناسی ارشد و دکترا: یعقوب فتحی پور، هادی استران، شهرام میر فخرایی، علی زرننگار، حمید رضا گودرزی، قربانعلی اسدی، علی درخشان شادمهری، کریم خداد ایرانی نژاد، مرتضی ابراهیمی، یونس کریم پور و جمشید اکبریان نام برد. همسر و فرزندان: همسر علیرضا صبوری سرکارخانم میترا بختیاری

مقدم و نام فرزندشان نیکو صبوری میباشد. وقایع میانسالی: علیرضا صبوری از وقایع آن دوران به ازدواجشان در سال ۱۳۷۴، تولد فرزند شان ۱۳۷۶، اخذ مدرک دکترا در سال ۱۳۷۷ و کسب رتبه دانشجویی در سال ۱۳۸۲ اشاره میکند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - معاون گروه گیاهپزشکی ۸۳-۱۳۸۱ - مدیر گروه گیاهپزشکی ۸۵-۱۳۸۳ - سرپرست موزه جانورشناسی از سال ۱۳۸۵ تا کنون فعالیتهای آموزشی: تدریس دروسهای مختلف کنه شناسی در دوره های مختلف تحصیلی در دانشگاه تهران و راهنمایی پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیتهای آموزشی علیرضا صبوری میباشد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: - گرایش بیوسینما تیک کنه ها در دوره دکتری رشته حشره شناسی در دانشگاه تهران، - انجمن کنه شناسی ایران (در حال تاسیس) از مراکزی است که علیرضا صبوری تاسیس کرده اند. شاگردان: از شاگردان علیرضا صبوری میتوان به: محمد علی اکرمی، آزاده زاهدی گلپایگانی، مرجان خلیلی مانی، مسعود حکیمی تبار، مرجان سیدی، مریم راشکی، مریم کشاورز، مجتبی حسینی اشاره کرد. همفکران فرد: علیرضا صبوری از همفکران خود به حسین الهیاری، جاماسب نوروزی و مهدی ساعی دهقان نام میرد. جوایز و نشانها: - رتبه اول اولین جشنواره جوان خوارزمی - دانشجوی پژوهشگر برگزیده دوره بیست ساله دانشگاه تربیت مدرس مجری طرح نمونه بنیادی دانشگاه تهران و پژوهشگر نمونه آن دانشگاه چگونگی عرضه آثار: ارائه ۷۰ مقاله بین المللی در کنفرانسهای مختلف داخلی و خارجی و چاپ در مجلات مختلف علمی و کتاب کنه های ایران از آثار علیرضا صبوری هستند. آثار

کنه های ایران منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

صفرعلیزاده، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن صفرعلیزاده، متولد ۱۳۲۱ ه.ش است. او دارای دکتری آسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی) از دانشگاه علوم و فنون مونیپلیه فرانسه است. او پس از اتمام تحصیلات از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت نامبرده هم اکنون با رتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق مشغول است. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدحسن صفرعلیزاده دارای کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، کارشناسی ارشد رشته آسیب شناسی حشرات از دانشگاه علوم و فنون مونیپلیه در سال ۱۳۵۸ و دکتری آسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی) از دانشگاه علوم و فنون مونیپلیه فرانسه است. وقایع میانسالی: محمدحسن صفرعلیزاده پس از اتمام تحصیلات از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق پیرامون بررسی مواد تولیدی باکتری B.TH سزوپیت ۱۴ بر روی لاروپشه ها و خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم و غیره .. می پردازد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدحسن صفرعلیزاده عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه است. عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی محمدحسن صفرعلیزاده به قرار زیر است: - نمایندگی تحصیلات تکمیلی در جلسات دفاع پایان نامه - عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی در سطح استان - عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی در سطح دانشگاه - نماینده گروه در شورای پژوهشی دانشکده و نماینده گروه در کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده و نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه فعالیتهای آموزشی: محمدحسن صفرعلیزاده پس از بازگشت به ایران تدریس را از

سال ۱۳۵۸ با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه بوعلی سینا همدان آغاز کرد. او همچنین در دانشگاه ارومیه با همین رتبه علمی (استادیار) به تدریس پرداخت و هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه ارومیه مشغول به تدریس و تحقیق است. تدریس دروس: حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس: مبارزه بیولوژیکی - مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ در دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تا ادامه دارد. تدریس دروس: حشره شناسی عمومی - جانور شناسی - آفات درختان میوه - اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس: مبارزه بیولوژیکی - کنه شناسی تکمیلی - سینماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۱ سوابق تدریس در در دانشگاهها: در دانشگاه همدان از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۷ تدریس دروس: حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس: مبارزه بیولوژیکی - مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ دانشگاه ارومیه از سال ۱۳۶۸ تا ادامه دارد. تدریس دروس: حشره شناسی عمومی - جانور شناسی - آفات درختان میوه - اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس: مبارزه بیولوژیکی - کنه شناسی تکمیلی - سینماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۱ چگونگی عرضه آثار: محمدحسن صفرعلیزاده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون اصول مبارزه با آفات و ... می پردازد. او همچنین استاد راهنمای بیش از ۲ پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است. ایشان دارای بیش از ۵ مقاله به زبان فارسی و خارجی پیرامون موضوعات حشره شناسی و دفع آفات بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی لیسه درختان میوه و بررسی تاثیر باکتری B.TH بر روی حشره برگخوار درختان بلوط دارد.

آثار: امکان مبارزه میکروبیولوژیکی با لیسه درختان بررسی تاثیر b.th بر روی حشره برگخوار درختان بلوط بررسی تاثیر تولیدی باکتری b.th سزویت ۱۴ بر روی لارو پشه ها بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>:

ضمیمه، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمدجواد ضمیری در سال ۱۳۲۷ در شهرستان نیریز فارس متولد شد. وی دارای دکترای رشته ی فیزیولوژی تولید مثل از دانشگاه کوئینزلند استرالیا (در سال ۱۳۵۸) است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز بامرتبه ی علمی دانشیاری می باشد. کتاب "تولید مثل در گاو" ترجمه، محمد جواد ضمیری، در دوره دوازدهم (در سال ۱۳۷۲) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: کشاورزی

رشته: دامپروری

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدجواد ضمیری پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در همان شهر در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شیراز شد و در رشته مهندسی کشاورزی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۹ در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل گردید سپس برای ادامه تحصیل به استرالیا رفت و در سال ۱۳۵۳ به اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه کوئینزلند در رشته تولید مثل و در سال ۱۳۵۸ به اخذ درجه دکتری از همان دانشگاه در رشته فیزیولوژی تولید مثل نائل آمد. و پس از آن نیز دوره فوق دکتری را

در دانشگاه یاد شده در ارتباط با هورمون شناسی ابتدای آبتنی باموفقیت گذراند.

خاطرات و وقایع تحصیل: محمدجواد ضمیری از سفر به کشور های استرالیا، آمریکا، هندوستان، مالزی، سنگاپور و تایلند خاطرات خوبی را به یاد دارد.

فعالتهای ضمن تحصیل: محمدجواد ضمیری در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی مبادرت می ورزید.

وقایع میانسالی: محمد جواد ضمیری پس از اتمام تحصیلات و بعد از احراز دکتری در رشته فیزیولوژی در دانشگاه شیراز به تدریس مشغول شد. ایشان هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به تدریس و تحقیق در زمینه های بررسی خصوصیات تولیدی مرغهای بومی استان فارس و بررسی تاثیر بتا آگونیستها ب ترکیب لاشه گوسفندان ایرانی و غیره .. می پردازد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد جواد ضمیری عضو هیئت علمی و دانشیار و رئیس بخش - معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است.

فعالتهای آموزشی: محمد جواد ضمیری به تدریس دروس تشریح و فیزیولوژی دام (کارشناسی)، فیزیولوژی تولید مثل (کارشناسی)، پرورش گاو شیری (کارشناسی)، هورمون شناسی (کارشناسی ارشد)، فیزیولوژی شیر دهی (کارشناسی ارشد) و تغذیه دام (کارشناسی) در دانشگاه شیراز می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محمد جواد بیش از ۲۰ پایان نامه دکتری و کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: - بررسی امکان افزایش دو یا چند قلو زایی با استفاده از hCG و فتوباریتال، کارشناسی ارشد ۱۳۷۰ - بررسی تغییرات غلظت ریوفلاوین در تخم مرغهای بومی و رابطه آن با بارداری، کارشناسی ارشد ۱۳۶۵ - بررسی تولید و ترکیب شیر در گوسفندان قزل، کارشناسی ارشد ۱۳۶۹ - بررسی تاثیر سالیوتامول بر ترکیب بدن خوکچه هندی، کارشناسی ارشد ۱۳۷۳ - بررسی تغییرات استروئید های جنسی پس از زایش در گاو میش، کارشناسی ارشد ۱۳۷۳ - بررسی اثر تداوم HCG بر چند قلو زایی در گوسفند، ۱۳۷۵

جوایز و نشانها: - کتاب "تولید مثل در گاو" ترجمه، محمد جواد ضمیری، در دوره دوازدهم (در سال ۱۳۷۲) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. - انتخاب دکتر محمد جواد ضمیری به عنوان پژوهشگر و مترجم نمونه دانشگاه. آثار:

۱ آنزیمهای گلایکولیز در رحم گوسفند

ویژگی اثر: biol.reprod انگلیسی ۱۹۷۹

۲ اثرات سلنیوم دوتیامین بر گوسفندان ایرانی

ویژگی اثر: hran.agric.res انگلیسی ۱۹۹۶

۳ بررسی خصوصیات شیر دهی گوسفندان قزل و مهربان

ویژگی اثر: Small.rum.res انگلیسی ۱۹۹۷

۴ پرورش گاو شیری

ویژگی اثر: گرد آوری و تدوین، دانشگاه شیراز فارسی ۱۳۷۵

۵ تاثیرات کمبود غذا بد تولید مثل موش

ویژگی اثر: Aust.j.biol.sic انگلیسی ۱۹۷۸

۶ تولید مثل در گاو

ویژگی اثر: ترجمه دانشگاه شیراز، انگلیسی ۱۳۷۲، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تولید مثل در گاو»: تولید مثل در گاو؛ آ. ر. پیترز- ب. جی. بال؛ ترجمه دکتر محمدجواد ضمیری؛ شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲. «تولید مثل در گاو» جنبه های فیزیولوژیکی و کاربردی تولید مثل در گاو را براساس پژوهشها و تجربه ها به گونه ای فشرده اما فراگیر و مفید بیان میکند. هدف این کتاب، نگرشی همه جانبه بر تولید مثل گاو است که همراه با تغییرات ناشی از به کارگیری روشهای فارماکولوژیکی، تکنولوژیکی و مدیریتی، با در نظر داشتن بازده تولید مثل، شرح داده می شود؛ بنابراین، کتاب برای افرادی نوشته شده است که نیازمند پیش دانشی پایه ای در زمینه های مختلف تولید مثل گاو هستند. استفاده از تحقیقات و اطلاعات علمی که حاصل سالها صرف وقت و سرمایه است مسلماً از یک طرف به افزایش سطح علم کارشناسان و از طرف دیگر به کارگیری نظارت آن در عمل به افزایش سطح تولید کمک می نماید. کتاب مشتمل بر پانزده بخش است. در انتهای مطالب، واژه نام فارسی - انگلیسی و نیز انگلیسی - فارسی گنجانیده شده است

۷ رابطه بین وزن و ابعاد دنبه در قزل و مهربان

ویژگی اثر: Small rum.res انگلیسی ۱۹۹۷

۸ فیزیولوژی گوارش در نشخوارکنندگان

ویژگی اثر: مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام، فارسی ۱۳۷۵

۹ مبانی هورمون شناسی پزشکی

ویژگی اثر: ترجمه، دانشگاه شیراز انگلیسی، زیر چاپ

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه: ۱. www.ketabesal.ir، تهران، محسن، شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، ج اول، دفتر شورای جذب نخبگان، تهران: ۱۳۷۳، صص ۵۹-۴۵۸۳، غریبی حسین، بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور شماره ۴ چاپ ۱۳۷۶ صص ۳۵۶-۳۵۷

طالبی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر طالبی در سال ۱۳۴۰ در شهر تفت - یزد بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی - تهران - گیاهپزشکی - ۱۳۶۷ کارشناسی ارشد - تربیت مدرس - حشره شناسی کشاورزی - ۱۳۷۱ دکتری - تربیت مدرس - حشره شناسی کشاورزی - ۱۳۷۷ همسر و فرزندان: دکتر علی اصغر طالبی متأهل است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای مورد تصدی علی اصغر طالبی به ترتیب زیر است: مربی - دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷) استادیار - دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳) دانشیار - دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال ۱۳۸۳ تا۱۳) عضو انجمن حشره شناسان ایران داوری مجلات علمی (۱) مجله انجمن حشره شناسی ایران (۲) مجله علمی کشاورزی (دانشگاه شهید چمران اهواز) (۳) مجله علوم و

فنون کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه صنعتی اصفهان) ۴) مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان) ۵- پژوهشنامه علوم کشاورزی (دانشگاه گیلان) ۶- آفات و بیماری‌های گیاهی (مؤسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی) ۷- مجله علوم کشاورزی ایران (دانشگاه تهران) ۸- دانش کشاورزی (دانشگاه تبریز) فعالیتهای آموزشی: دروس تدریس شده توسط علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی حشره شناسی تکمیلی، اصول رده بندی حشرات، کارشناسی ارشد مرفولوژی حشرات، سیستماتیک حشرات، مبارزه بیولوژیک با حشرات دکتری آتموفاژها، اصول و قوانین نامگذاری و رده بندی حشرات مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: علی اصغر طالبی موزه حشره شناسی در دانشکده کشاورزی را تاسیس کرده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سایر فعالیت های علی اصغر طالبی به شرح زیر است: - تهیه چهار فیلم علمی در مورد حشرات و پخش آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران - تدریس درس آفات گیاهان زینتی برای دانشجویان دانشگاه جامع علمی و کاربردی از طریق سیمای جمهوری اسلامی در ۳۴ برنامه (۱۳۸۲-۱۳۸۱) همفکران فرد: علی اصغر طالبی از همفکری نزدیکی با دکتر کریم کمالی، دکتر سعید محرمی پور، دکتر یعقوب فتحی پور برخوردار است. آرا و گرایشهای خاص: زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی علی اصغر طالبی: ۱) کنترل بیولوژیک آفات ۲) رده بندی حشرات ۳) گرده افشانی گیاهان توسط حشرات چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی: ۱۹ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی: ۵۲ مقاله - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی: ۶ پایان نامه - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت مشاوره: ۹ پایان نامه - تعداد پایان نامه های دکتری تحت مشاوره: ۲ پایان نامه آثار: کنترل بیولوژیک حشرات ویژگی اثر: در دست نوشتن ۲ مطالعه حشرات (راسته پروانه ها) ویژگی اثر: در دست نوشتن منابع زندگینامه

<http://iranologyfo.com:>

عبادی، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحیم عبادی متولد ۱۳۲۶ در اصفهان است. وی دارای مدرک دکترای حشره شناسی و جانورشناسی از دانشگاه دیوس دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۳۵۸ است. نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد. گروه: کشاورزیرشته: حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: رحیم عبادی دارای دکترای کشاورزی در رشته ی حشره شناسی و جانورشناسی است. همسر و فرزندان: رحیم عبادی متاهل و دارای یک فرزند دختر و یک فرزند پسر است. وقایع میانسالی: رحیم عبادی پس از اخذ مدرک دکترای کشاورزی در گرایش حشره شناسی به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان استخدام شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رحیم عبادی عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان پس از طی مرحله ی استادیاری به مرحله ی علمی دانشیاری این دانشکده رسید. از دیگر سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: سردبیر پورنال (علو و تکنولوژی در کشاورزی و منابع طبیعی از سال ۱۳۷۱ تا کنون رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشگاه صنعتی اصفهان (دانشکده کشاورزی) از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ قائم مقام پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ قائم مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ مسئول کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ فعالیتهای آموزشی: رحیم

عبادی در گروه کشاورزی دانشکده ی صنعتی اصفهان به تدریس دروس رشته کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره بر نظارت بر بیش از ۴ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتر را بر عهده داشته است. جوایز و نشانها: تقدیر نامه از ریاست جمهوری اسلامی ایران - دکتر احمدی نژاد در سال ۱۳۸۶ تقدیر نامه وزیر علوم و تحقیقات و فناوری تقدیر نامه از وزیر جهاد کشاورزی پیچگونگی عرضه آثار: رحیم عبادی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون بیماریها و آفات و شکارچی های زنبورهای عسل، پرورش زنبور عسل، یافته های ایمنولوژیک در درماتولوژی طب اطفال، کنترل کرم موم خوار و شناخت بیولوژی آن در ایران، پیاز جایگزینی شکر در تغذیه زنبور عسل با ترکیبات ارزان قیمت، مرفولوژیک توده های مختلف زنبور عسل ایران و مقایسه آن با یکدیگر می پردازد. ایشان دارای ۴۵ مقاله به زبانهای فارسی و خارجی است. آثار: امراض وانگلهای زنبور عسل و ویژگی اثر: انتشارات راه نجات - فارسی - اصفهان ۲ فرهنگ زنبور عسل و ویژگی اثر: انتشارات ارکان - فارسی - اصفهان ۳ لغت نامه برای اصلاحات نگهدارندگان زنبور و ویژگی اثر: وزارت جهاد سازندگی مرکز پژوهشی حیوانات منابع زندگینامه <http://iranologyfo.com>:

عباسی، فرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر فرخ عباسی متولد ۱۳۱۸ ش تهران دارای دکترای رشته گیاهپزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه اولترا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون تاثیر شته های مخرب بر ذرت علوفه ای میباشد. گروه: کشاورز پرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر فرخ عباسی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته گیاهپزشکی از دانشگاه کالیفرنیا میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیل در رشته گیاهپزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر فرخ عباسی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر فرخ عباسی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر فرخ عباسی پس از اخذ مدرک دکترای در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اولترا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر فرخ عباسی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اولترا است. فعالیتهای آموزشی: دکتر فرخ عباسی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشگاه اولترا به تدریس دروس تخصصی رشته گیاهپزشکی می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر فرخ عباسی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر فرخ عباسی از جمله گیاه پزشکی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره تاثیر شته های مخرب محیط زیست بر ذرت علوفه ای انجام داده است.

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>:

علاءالدین، سیامک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیامک علاءالدین متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتای امریکا با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید می باشد.

گروه : کشاورزی

رشته : باغبانی

تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر عبدالرضا ستیغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکترای باغبانی از دانشگاه یوتای امریکا میباشد

خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر عبدالرضا ستیغ بوده است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل : دکتر عبدالرضا ستیغ در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.

وقایع میانسالی : دکتر عبدالرضا ستیغ پس از اخذ مدرک دکترای در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتای امریکا درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : دکتر عبدالرضا ستیغ عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتای امریکا است.

فعالیت‌های آموزشی : دکتر عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه یوتای امریکا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و کشاورزی می پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.

آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید انجام داده است. آثار :

۱ تولید میوه های مقاوم برای یخچالهای کانتینری در کشتی های صادرات

منابع زندگینامه : <http://iranologyfo.com>

علوی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیداحمد علوی در سال ۱۳۲۶ در قم دیده به جهان گشود. وی پس از اخذ مدرک کشاورزی از دانشگاه تهران ، تحصیلات تکمیل خود را در انگلستان دنبال کرد و موفق شد تا مقطع دکتری پیش رود و دکتری رشته میکروبیولوژی را از دانشگاه لندن (در سال ۱۳۶۰) اخذ نماید. وی پس از مراجعت به ایران به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد که کماکان ادامه دارد.

کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد" ترجمه، سید احمد علوی (یکی از مترجمین)، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزپرشته: بیماری شناسی گیاهیگرایش: میکروبیولوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای: سید احمد علوی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم به انجام رساند. در سال ۱۳۴۰ به دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ مهندسی کشاورزی در رشته گیاه پزشکی شد. در سال ۱۳۵۵ برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد. ابتدا به مدت یک سال در کالج بین المللی زبان انگلیسی مدرک FCE و CPE و RSA (سطوح ۲ و ۳) را اخذ کرد و آنگاه در دانشگاه لندن تحصیل در رشته تخصصی خود را پی گرفت. نامبرده در سال ۱۳۶۰ موفق به دریافت درجه دکترای میکروبیولوژی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید احمد علوی پس از دریافت درجه دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه لندن انگلستان، به ایران بازگشت. وی به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی تهران مشغول خدمت شد که کماکان ادامه دارد. از سال ۱۳۶۷ تاکنون مشاور وزیر کشاورزی و سرپرست دفتر روابط بین الملل و از سال ۱۳۷۴ نیز سرپرستار و دبیر اجرایی دایره المعارف جامع علوم کشاورزی است. ضمناً مسؤولیتهای علمی و پژوهشی دیگری را نیز در این سالها عهده دار بوده است. جوایز و نشانها: کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد" ترجمه، سید احمد علوی (یکی از مترجمین)، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: دکتر علوی مقالات علمی و تحقیقاتی زیادی در زمینه بیماریهای گیاهی در مجلات علمی داخلی و خارجی منتشر کرده است

آثار: بررسی آثار ترجمه شده اسلامی خشخاش کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد ویژگی اثر: ترجمه، (یکی از مترجمان). این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد»: کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد/ دی هورن بای؛ ترجمه؟ احمد علوی و علی آهون منش. - تهران: نشر آموزش کشاورزی: ۱۳۷۶. - ۲ ج. زمانی بود که بشر به کمک آفت کشهای شیمیایی می توانست به مقابله با عوامل بیماری زای گیاهی پردازد و همزمان با استفاده از کودهای مصنوعی شاهد رشد و باردهی چشمگیر زراعی باشد. اما سالهاست که با پیشرفت علوم پزشکی ثابت شده است که بسیاری از سموم دفع آفات نباتی برای انسان سرطان زا هستند و غالب آفت کشها پدید؟ تخریب لای؟ اوزون را شدت می بخشند. بنابراین تدبیری باید اندیشید که در عین مقابله و پیشگیری از خسارات ناشی از عوامل بیماری زای گیاهی و حفظ روند تولید کشاورزی جهت تغذیه جمعیت روزافزون دنیا، محیط شکننده و حساس زمین بیش از این دستخوش آسیب نشود. بدین ترتیب گرایش به مبارز؟ بیولوژیکی مورد توجه و علاقه؟ پژوهشگران قرار گرفت و تحقیق و تعمق در این حیطه ادامه یافت. کتاب کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای خاکزاد از جمله آخرین رساله هایی است که در این زمینه به چاپ رسیده و به علت غنای علمی و توجه به جنبه های مختلف مبارزه بیولوژیکی در ابعاد اجرایی وسیع، سخت مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان کتاب امید دارند که ترجمه؟ این کتاب، حلاء محسوسی را که در این زمینه در منابع فارسی موجود است تا حدی جبران کند. کتاب فوق که از ترجمه ای دقیق و روان برخوردار است. در دو جلد و سی فصل توسط معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت کشاورزی منتشر شده است. ۴ نمادشناسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رضا فتوحی قزوینی در سال ۱۳۳۳ در قزوین بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته بیوتکنولوژی (میوه کاری) از دانشگاه سالفورد انگلستان در سال ۱۳۷۴ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه ۲۵ دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیکرایش: بیوتکنولوژی- میوه کاریوالدین و انساب: پدر رضا فتوحی قزوینی حاج غلامحسین فتوحی، کارمند سابق شرکت نفت قزوین بود. نام مادر محترمشان خانم عشرت توفیقی دارای سواد خواندن قرآنی بود. دکتر فتوحی قزوینی دارای سه خواهر و دو برادر است. خاطرات کودکی: رضا فتوحی قزوینی از دوران کودکی خود خاطراتی به یاد دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: - به لحاظ تشویق و ترغیب مادر و پدر در دوران ابتدایی قرآن و ادعیه را به خوبی با تجوید کامل فرا گرفتیم. - در دوره دبیرستان برخی از علوم دینی و کمی از دروس حوزوی را نزد آیت الله حاج شیخ هادی باریک‌بین و آقای حجت الاسلام حاج سید جلیل زرآبادی فرا گرفتیم. - در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در انجمن اسلامی ناشرین حق قزوین و سپس انجمن اسلامی دانشجویان فعال بودم. در سال ۱۳۴۹ مرحوم استاد مطهری به قزوین آمدند و در مسجد ستوده به سخنرانی پرداختند که من قبل از سخنرانی ایشان چند آیه قرآن تلاوت کردم. - زلزله مهیب بوئین زهرا و قزوین را به خوبی به یاد دارم و حدود ۱۵ روز همه مردم شبها در کنار خیابان می‌خوابیدند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: رضا فتوحی قزوینی در خانواده‌ای مذهبی و در شرایط وضعیت مالی متوسطی بزرگ شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: رضا فتوحی قزوینی دوران ابتدایی و متوسطه را در رشته طبیعی در قزوین گذراند. در دوران دبیرستان بخشی از علوم اسلامی و حوزوی را در مدرسه شیخ الاسلام به تحصیل پرداختند. تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی در رشته مهندسی باغبانی، دانشگاه جندی شاپور (۱۳۵۱-۱۳۵۵) - کارشناسی ارشد (مدرسی) در رشته باغبانی، دانشگاه تربیت مدرس و تهران، با ارائه رساله در ارتباط با مرکبات (۱۳۶۴-۱۳۶۲)، - دکترا (Ph.D): دانشگاه سالفورد انگلستان (۱۳۷۴-۱۳۷۱). رساله دکتری دکتر فتوحی: مقاومت به سرما در مرکبات بود که با روشهای بیوتکنولوژی انجام گرفت و حاصل این کار معرفی لاینهای مقاوم به سرما از رقم پرتقال والنسیا بود که تحویل مؤسسه مرکبات کشور شد. خاطرات و وقایع تحصیل: رضا فتوحی قزوینی از اعتصابهای دانشجویی در دوران تحصیل کارشناسی که معمولاً در آذر ماه اتفاق می‌افتاد چنین به یاد دارد: «به علت راه‌اندازی و شرکت در اعتصابها و توزیع آثار شخصیت‌های بزرگ مذهبی سیاسی مانند دکتر شریعتی و استاد مطهری یک نوبت در سال ۱۳۵۲ به مدت کوتاه باز داشت شدم» دکتر فتوحی همچنین از دوران کارشناسی ارشد که مسئولیت پیگیری و راه‌اندازی دوره‌های دکتری کشاورزی را طی حکمی که از طرف ریاست وقت دانشگاه (دکتر حبیبی) داشت خاطرات زیادی به یاد دارد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: رضا فتوحی قزوینی در دوره دکتری مسئول هسته تخصصی بیوتکنولوژی در دانشگاه انگلستان بود و در طی چهار سال اقامت در آنجا چهار سمینار علمی را برگزار کردند، در آخرین سمینار همه ایرانیان از سراسر انگلستان جمع شدند. استادان و مربیان: مربیان در دوران قبل از دانشگاه رضا فتوحی قزوینی به قرار زیر است: آقای حاج شیخ هادی باریک‌بین، حاج سید جلیل زرآبادی، آقایان نوری (دبیر فیزیک)، آقازاده (شیمی)، اسماعیلی (زیست‌شناسی) اساتید دوره کارشناسی: دکتر عظیمی، دکتر کمالی (حشره‌شناسی)، دکتر اهدایی (اصلاح نباتات). اساتید دوره کارشناسی ارشد: دکتر بهبودیان (فیزیولوژی)، دکتر صدیقی (اصلاح نباتات)، مهندس منیعی (میوه‌های آجیلی)، دکتر طلایی، مهندس یونس ابراهیمی و در انگلستان پروفیسور ویلیزر. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: هم دوره‌ای‌های رضا فتوحی قزوینی در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: کارشناسی: پروفیسور فلاحی (دانشگاه آیدا هو) کارشناسی ارشد: مرحوم دکتر علی وزوایی، دکتر منصور غلامی دکتری: دکتر محمود اثنی عشری، مرحوم دکتر رحمان دادمان و دکتر یوسف حمید اوغلی از همکاران دکتر

فتوحی می‌توان به دکتر نصرت الله ضرغامی، دکتر خوشخوی و دکتر روشن حیدری (دانشگاه لندن، امپریال کالج) اشاره کرد. همسر و فرزندان: همسر رضا فتوحی قزوینی، سرکار خانم مینا محمودی گیلانی است که دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم باغبانی از دانشگاه سالفورد انگلستان می‌باشد. ماحصل این ازدواج چهار فرزند به نامهای زیر است: - یک دختر (فرانک) که هم اکنون دانشجوی دکتری رشته مخابرات در دانشگاه براتفورد انگلستان و عضو هیئت علمی دانشگاه قم است. - محمدحسین فتوحی، متاهل و به همراه همسرش دانشجوی مقطع دکتری مخابرات هستند. - محمدعلی متاهل و دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی قدرت می‌باشد. - محمدجواد دانشجوی کارشناسی رشته برق در دانشگاه تهران است. وقایع میانسالی: توفیق در توسعه کمی و کیفی دانشگاه گیلان، خاطره تلخ درگذشت دوست ارجمندش دکتر دادمان (وزیر راه و ترابری) و درگذشت دوست دیگر دکتر علی وزوایی دانشیار دانشگاه تهران از وقایع و خاطرات رضا فتوحی قزوینی می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فعالیتهای اجرائی رضا فتوحی قزوینی به ترتیب زیر است: ۱- معاون امور جنگ دانشگاه گیلان (۱۳۶۴-۱۳۶۵) ۲- رئیس دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان (۱۳۶۵-۱۳۶۶) ۳- معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه گیلان (۱۳۶۶-۱۳۷۰ و ۱۳۷۶-۱۳۸۴) ۴- عضویت یا مسئولیت کمیته‌ها و شوراهای مختلف اداری، فرهنگی، اجرایی و علمی دانشگاه و یا استان ۵- عضو کمیسیون مشورתי بیوتکنولوژی (از خرداد ۱۳۷۶) شورای پژوهشهای علمی کشور ۶- عضو انجمن بیوتکنولوژی ایران ۷- عضو هیئت مدیره انجمن علوم باغبانی ایران ۸- دبیر هیئت ممیزه دانشگاه گیلان (۱۳۸۲-۱۳۸۴) ۹- عضو شورای دبیران پژوهشنامه کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان ۱۰- عضو شورای دبیران مجله علوم و فنون باغبانی ایران، انجمن علوم باغبانی از ۱۳۸۳ تا ۱۱- قائم مقام دبیر شورای عالی زیست فناوری ایران و رئیس گروه تخصصی توسعه سرمایه انسانی و مدیریت در دبیرخانه زیست فناوری تا سال ۱۳۸۵ فعالیتهای آموزشی: دروس ارائه شده توسط رضا فتوحی قزوینی در دانشگاه گیلان: دوره کارشناسی: ازدیاد نباتات میوه‌های گرمسیری میوه‌های دانه‌ریز دوره کارشناسی ارشد: فیزیولوژی درختان میوه مناطق معتدله اثر تنش‌های محیطی روی گیاهان کشت بافت و ریز ازدیادی دکتری: گلدهی و رشد و نمو میوه‌مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: رضا فتوحی قزوینی تقریباً تمام رشته‌های تحصیلی بویژه کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه گیلان را تا سال ۱۳۸۵ را راه‌اندازی کرده است. وی همچنین آزمایشگاه کشت بافت دانشگاه گیلان را تاسیس کرد و جهت ایجاد رشته موسیقی و گرافیک در دانشکده هنر و معماری و همچنین راه‌اندازی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه گیلان تلاشهای زیادی کشید. دکتر فتوحی در انگلستان جهت اتحاد و انسجام و هماهنگی در تحصیل و تحقیق در رشته بیوتکنولوژی هسته تخصصی بیوتکنولوژی را راه‌اندازی کردند. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: رضا فتوحی قزوینی در کنار تدریس به تالیف و تدوین کتب و مقالات علمی در زمینه رشته تخصصی خود می‌پردازد. شاگردان: دکتر کافی، آقایان عسگری و میغانی (دانشگاه کرمان)، رقامی (دانشگاه رفسنجان)، محمدجواد فتاحی و یحیی تاجور (موسسه مرکبات کشور) و خانم تاتاری (موسسه تحقیقات باغبانی کرج) از دانشجویان رضا فتوحی بودند. همفکران فرد: دکتر منصور غلامی، دکتر محمود اثنی عشری (دانشگاه بوعلی سینا)، دکتر علیرضا طلائی، دکتر ضرغام (دانشگاه تهران)، دکتر خوشخوی، دکتر راحمی، دکتر تفضلی (دانشگاه شیراز)، دکتر آرمین (دانشگاه کرمان)، دکتر یوسف حمید اوغلی، دکتر نادر نریمان‌زاده، دکتر مجید متقی طلب، دکتر علی‌اصغر ورسه‌ای، دکتر هفت چناری و دکتر صحراگرد (دانشگاه گیلان) از همفکران رضا فتوحی قزوینی می‌باشند. آرا و گرایشهای خاص: رضا فتوحی معتقد است که اعمال مدیریت علمی بر سرمایه‌های انسانی و طبیعی که ذخایر ارزشمند آن در کشور ما وجود دارد تنها راه پیشرفت است و توسعه رسانه‌های خصوصی، تحمل آراء و نظرات متفاوت و پرهیز از انحصارگرایی اعتبار و شان جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد. چگونگی عرضه آثار: رضا فتوحی قزوینی بیش از ۳۰ مقاله در مجلات علمی پژوهشی داخل و خارج به چاپ رسانده است و حدود ۷۰ مقاله در کنفرانس‌ها و سمینارهای داخل و خارج ارائه کرده است. آثار: پرورش مرکبات در ایران ویژگی اثر: تالیف- انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ اول ۱۳۷۸ و

چاپ دوم با اضافات ۲(۱۳۸۵) تحقیقات در کشورهای اسلامی و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه گیلان (۱۳۷۷) ۳ هوهویا در ایران برای بیابان زدایی، صنعتی و بهداشتی ویژگی اثر: تالیف- انتشارات نیلوفرانه
منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

فرجاد، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کتر علی فرجاد متولد ۱۳۲۴ هـ.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هیئت علمی دانشگاه کارکامون با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقا و آثاری پیرامون تهیه نگهدارنده های طبیعی برای مواد غذایی بسته تهیه شده می باشد. گروه: کشاورزیرشته: صنایع غذایی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر علی فرجام دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکتری آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علی فرجاد بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر علی فرجاد در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر فرجام عضو هیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشگاه کشاورزی در دانشگاه کارکاسون است. فعالیتهای آموزشی: دکتر علی فرجام سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس رشته صنایع غذایی می پردازد. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر علی فرجاد در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر علی فرجاد از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیع درباره تهیه نگهدارنده های طبیعی برای مواد غذایی بسته بندی شده انجام داده است.

فرهی آشتیانی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر صادق فرهی آشتیانی در سال ۱۳۱۲ در آشتیان بدنیا آمد. وی دارای دکتری گیاه و تغذیه خاک از دانشگاه جاستوس لیبنگ آلمان در سال ۱۳۴۳ و عضو هیئت علمی دانشکده گیاه دانشگاه تربیت مدرس با درجه استادی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: گیاه و تغذیه خاک تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر فرهی آشتیانی دارای کارشناسی ارشد رشته کشاورزی و دکتری رشته گیاه و تغذیه خاک از دانشگاه جاستوس لیبنگ به ترتیب در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۳ می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - استاد یار دانشگاه اصفهان و اهواز ۱۳۵۴-۴۹ - - استادیار دانشگاه اصفهان ۱۳۴۹-۵۹ - استاد تمام دانشگاه اصفهان ۱۳۵۶-۱۳۶۵ - استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۶۵ تا کنون - عضو انجمن گیاه فیزیولوژیستهای آمریکا - عضو انجمن زیست شناسان ایران فعالیتهای آموزشی: عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر فرهی آشتیانی: فیزیولوژی گیاه- رشد و نمو- گیاهان سبز-

حاصلخیزی خاک - متابولیسم گیاه - تغذیه معدنی گیاه - حرکت محلول سر گیاه - فتوسنتز - رشد و نمو پیشرفته - توسعه و تنظیم رشد - فیزیولوژی محصولات گیاه آرا و گرایشهای خاص: دکتر صادق فرهی آشتیان از جمله گیاه پزشکی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره فیزیولوژی گیاهی و گیاه پزشکی و تغییرات اقلیمی نیز انجام داده است. چگونگی عرضه آثار: عنوان پایان نامه راهنمایی شده توسط دکتر فرهی آشتیانی: بررسی تاثیر تنش آبی و کودنیترژنی بر میزان رشد، عناصر معدنی محتوی بافت و اسانس در گیاه زیره سبز (*Cuminum cyminum L*). مقالات ارائه شده در مجلات علمی: ۲۱ مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانس ها ک ۱۸ مقاله آثار: اثر رز بنگال بر تولید آستاگزانتین در جلبک سبز تک سلولی هماتوکوکوس پلوویالیس جداسازی شده از منطقه کوه صدف اصفهان ویژگی اثر: مقاله: ایرج نحوی، صادق فرهی آشتیانی، سعید افشارزاده و مجید مهدیه ۲ اثرات متقابل سدیم و پتاسیم بر میزان رشد و جوانه زنی دو رقم جو ویژگی اثر: مقاله ۳ تأثیر پایه بادام و هلو بر میزان رشد و جذب یون در درختان هلوی حساس به کلروز آهن ویژگی اثر: مقاله - نویسندگان: صادق فرهی آشتیانی و کارل هرمان نریمان ۴ تاثیر شکل ازت بر رشد و میزان آستاگزانتین محتوی جلبک سبز تک سلولی هماتوکوکوس پلوویالیس ویژگی اثر: مقاله - نویسنده: صادق فرهی آشتیانی، مجید مهدیه ۵ تجربیات در فیزیولوژی گیاهان ویژگی اثر: تالیف ۶ تغییرات اقلیمی و فیزیولوژی گیاهی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com/>

فلاحی، ماهرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر ماهرخ فلاحی رستگار دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیار مشغول به خدمت است. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی وقایع میانسالی: دکتر ماهرخ فلاحی رستگار پس از کسب دکترای گیاه پزشکی خود به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس و تحقیق در دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر فلاحی رستگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است. وی همچنین از سال ۱۳۷۹-۱۳۸۱ مدیر گروه گیاه پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد بود. فعالیتهای آموزشی: عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر فلاحی رستگار: مدیریت مبارزه با بیماریهای گیاهی قارچ شناسی گیاهی قارچ شناسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر فلاحی رستگار در کنار تدریس به تحقیقاتی در زمینه تخصصی خود می پردازد. به عنوان مثال عنوان طرح تحقیقاتی پایان یافته دکتر به شرح زیر است: پلاستینه کردن قارچهای ماکروسکپی (حفظ و نگهداری طولانی مدت) آثار: تشخیص بیماریهای گیاهی ویژگی اثر: مترجم: بهروز جعفرپور و ماهرخ فلاحی رستگار ۳۴۰ صفحه سال انتشار: ۱۳۷۱ انتشارات جهاد خلاصه: روشهای تشخیص بیماری از جمله روشهای ساده تر و کوتاهتر و روشهای ویژه تشخیص بیماریهای غیرپارازیتی و پارازیتی مانند باکتریائی، نامتدها، ویروسی، میکوپلاسمائی، قارچها و گروههای اصلی آنها از سر فصلهای کتاب می باشند. ۲ مقالات علمی در نشریه داخلی: مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان بررسی تفاوت بیماری زایی پاتوتیپ های ۶ و ۴ قارچ *a. rabiei* عامل بیماری برق زدگی نخود علوم و صنایع کشاورزی ارزیابی خواص قارچ کشی عصاره برخی از اندامهای گیاهی مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تشخیص نژادهای فیزیولوژیک *ascochyta rabiei* عامل بیماری برق زدگی نخود، در چند منطقه کشور مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تعیین تنوع قارچ عامل بیماری برق

زدگی نخود {*Ascochyta rabiei*(pass.) Lab} ایران با استفاده از مارکرهای مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان تعیین گروه بیماریزایی جدایه های قارچ *Ascochyta rabiei* در ایران مقالات کامل در گزارش همایشها: بیست و سومین دوره سمینار کارخانه های قند و شکر در استان خراسان روش کاربردی استخراج dna از قارچ بیماریزای *rhizoctonia solani* در چغندر قند و امکان بررسی تنوع بین ایز چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران کنترل بیولوژیکی پوسیدگی ریزوکتونیایی ریشه چغندر قند با قارچ های تریکودرما، گلیوکلادیوم و باکتری باسی چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران اتیولوژی پوسیدگی خشک سیب زمینی در استان خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران تعیین نژادهای فیزیولوژیک قارچ *tilletia laevis* عامل بیماری سیاهک پنهان معمولی گندم در خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران شیوع بیماری رایزومانیا در استان خراسان منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

کاشانیان، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر کاشانیان دارای کارشناسی کشاورزی و دکترای رشته دامپروری از مرکز تحقیقات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال ۱۳۳۹ است. ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی به تدریس و پژوهش پیرامون بررسی صفات کمی و کیفی پشم، پشم شناسی مشغول است.

گروه: کشاورزی

رشته: دامپروری خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی کشاورزی، دکترای دامپروری از مرکز تحقیقات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال ۱۳۳۹. مرتبه علمی:

استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.

وقایع میانسالی: دکتر ناصر کاشانیان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به انجام خدمت است. زمینه های علمی و تحقیقاتی:

طرح تجزیه شیمیایی و فیزیکی پشم، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲ پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد در زمینه توان تولید گوسفند بومی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

پشم شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

بررسی صفات کمی و کیفی پشم.

آثار:

۱ بررسی آثار آبستنی، شیردهی، شن و جنس بر کمیت و کیفیت پشم گوسفندان ورامین

ویژگی اثر: مقاله

۲ بررسی خصوصیات کمی و کیفی الیاف بز مرغز و اثر برخی عوامل بر آنها

ویژگی اثر: مقاله

۳ بررسی صفات کمی و کیفی پشم

۴ پشم شناسی

ویژگی اثر: تالیف-۱۳۵۱

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاشی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عبدالکریم کاشی متولد حدود دهه ی ۱۳۲۲ ه.ش دارای مدرک درجه دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷ و عضو هیئت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد. گروه: کشاورزیرشته: باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر عبدالکریم کاشی دارای مدرک تحصیلی و کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۹۶۴، درجه ی دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷ ه.ش بوده است. خطرات و وقایع تحصیل: اخذ مدرک دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷ ه.ش از مهمترین مقاطع علمی زندگی دکتر عبدالکریم کاشی بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر عبدالکریم کاشی در ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی و سیب زمینی و اکوفیزیولوژی و سیتولوژی سبزی ها، پرداخته است. وقایع میانسالی: دکتر عبدالکریم کاشی پس از اخذ مدرک علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر عبدالکریم کاشی عضو هیات علمی و استادیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۵ و دانشیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۵ تا کنون بوده است. فعالیتهای آموزشی: دکتر عبدالکریم کاشی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس رشته ی کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره و نظارت بر ۱۶ پایان نامه کارشناسی ارشد را بر عهده داشته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر عبدالکریم کاشی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثار پرورش توت فرنگی، به زراعی و به نژادی سبزی پرداخته است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر عبدالکریم کاشی از جمله متخصصان رشته ی کشاورزی می باشد که در اموری چون به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی و سیب زمینی دارای تخصص می باشد. آثار: به زراعی و به نژادی سبزی صیفی. سیب زمینی

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

لامع، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن لامع دارای دکترای رشته میکروبیولوژی مواد غذاییاز دانشگاه پاریس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است. گروه: کشاورزیرشته: صنایع غذاییگرایش: میکروبیولوژی مواد غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن لامع دارای کارشناسی کشاورزی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹ است. دیگر سوابق تحصیلی ایشان به شرح زیر است: طی دوره کامل انستیتو ناسیونال آگرونومیک پاریس (INA)، اخذ مدرک سیکل دوم بیوشیمی، میکروبیولوژی و فیزیولوژی گیاهی از دانشگاه علوم پاریس، دکتری میکروبیولوژی مواد غذایی از آزمایشگاه میکروبیولوژی (INA) پاریس، گذراندن یک دوره یکساله میکروبیولوژی شیر و یک دوره هفت ماهه میکروبیولوژی گوشت و فرآورده های گوشتی در CNRZ فرانسه بصورت کارورزی. وقایع میانسالی: حسن لامع پس از اخذ مدرک دکتری در رشته میکروبیولوژی مواد غذایی به عضویت هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن لامع عضو هیئت علمی و استاد گروه صنایع مواد غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. چگونگی عرضه آثار: حسن لامع دارای بیش از ۱۶ مقاله بزبان فارسی و بیش از ۱۱ مقاله بزبان خرجی و همچنین دارای ۲ تالیف است. ایشان بیش از ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی مشاوره و نظارت کرده است. دکتر لامع دارای تحقیقاتی در زمینه های میکروبیولوژی و تکنولوژی مواد غذایی است.

آثار: بیوتکنولوژی و ویژگی اثر: مقاله ۲ صنایع غذایی و ویژگی اثر: مقاله ۳ میکروبیولوژی مواد غذایی و ویژگی اثر: مقاله

محرمی پور، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید محرمی پور در سال ۱۳۳۹، در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره کارشناسی گیاهپزشکی در دانشگاه تهران و طی دوره کارشناسی ارشد حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس، دکترای حشره شناسی را در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه اوکایاما به پایان برد. پس از آن به امر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس مشغول گردید. دکتر محرمی پور ضمن تدریس و عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن، دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده و آثار نیز به چاپ رسانده است. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: سعید محرمی پور پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته گیاهپزشکی به تحصیل پرداخت او پس از اخذ لیسانس در سال ۱۳۶۴، تحصیلات خود را در رشته حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و در سال ۱۳۶۹ دوره کارشناسی ارشد را به پایان برد. وی سرانجام در سال ۱۳۷۶، با اخذ درجه دکترا از دانشگاه اوکایاما فارغ التحصیل شد. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر کریم کمالی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس و

دکتر علی اصغر طالبی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از جمله همکاران سعید محرمی پور به شمار می آیند. فعالیتهای آموزشی: سعید محرمی پور ابتدا از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس شروع به تدریس نمود. سپس از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ به عنوان استادیار به فعالیت خود ادامه داد. او دروسی چون آفات درختان میوه - آفات گیاهان زراعی، فیزیولوژی حشرات - روشها و وسایل تحقیق در حشره شناسی برنامه نویسی کامپیوتری و مقاومت گیاهان به آفات مدلسازی کامپیوتری در حشره شناسی را تاکنون تدریس نموده است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: سعید محرمی پور ضمن عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن، دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده است. شاگردان: سعید محرمی پور ضمن تدریس راهنمایی و مشاوره تعدادی از شاگردان خود را نیز به عهده داشته است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: ۱- ابراهیم گیلانیان - بررسی فول بال؟ گیاهان زینتی و زراعی گرگان و بیولوژی گونه غالب (۱۳۷۷) ۲- محمد خیراندیش - بررسی فول بال؟ گیاهان زینتی و زراعی در کرمان و مطالعه مقدماتی تراکم جمعیت گونه های فعال در گل رز (۱۳۷۷) عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف) کارشناسی ارشد ۱- علی جعفری ندوشن - بررسی کارائی بالتوری *chrysoperla carnea* در کنترل و سیل پسته (۱۳۷۷) ۲- محمد رحمانی مقدم - بررسی میزان حساسیت جمعیت های مختلف و سیل پسته به حشره کش فوزالول در باغات پسته استان کرمان (۱۳۷۷) ب) دکتری: ۱- احمد بغدادی: بررسی خصوصیات بیوشیمیائی پروتئین و بعضی از خواص فیزیولوژیک مقاومت سن گندم به سرما (۱۳۷۷) ۲- مهدی ضرابی: مطالعات مقدماتی بیولوژی و اکولوژی سرخرطومی چغندر قند با تاکید به ارزیابی خسارت حشرات کامل در ناحیه اصفهان (۱۳۷۸) آرا و گرایشهای خاص: زمینه تحقیقاتی و مطالعاتی سعید محرمی پور عموماً در زمینه مقاومت گیاهان به آفات و فیزیولوژی حشرات و... بوده است. آثار: مکانیسم مقاومت جو به رشته های غلات منابع زندگینامه <http://iranology.com>:

مرید، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سعید مرید در سال ۱۳۴۰ در شهر مرید دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته منابع آب مدیریت از انستیتو تکنولوژی هند، دهلی از سال ۱۳۸۰ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. گروه: کشاورزیرشته: ساختمانهای آبگرایش: منابع آب مدیریتتخصصیات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر مرید به ترتیب زیر است: کارشناسی - تهران - آبیاری - ۱۳۶۵ کارشناسی ارشد - تربیت مدرس هیدرولوژی - ۱۳۶۹ دکتری - انستیتو تکنولوژی هند، دهلی - منابع آب مدیریت - ۱۳۸۰ همسر و فرزندان: دکتر سعید مرید متأهل است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر سعید مرید به شرح زیر است: - کارشناس ارشد منابع آب، واحد مطالعات جهاد سازندگی استان تهران، از سال ۱۳۶۰ - مدیرعامل، مهندسین مشاور آبخاک تهران، از سال ۱۳۷۰ - عضو هیئت علمی (مربی)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال ۱۳۷۳ - عضو هیئت علمی (استادیار)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال ۱۳۸۰ - مدیر گروه منابع آب پژوهشکده مهندسی منابع آب، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲ - عضو هیئت علمی (دانشیار)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال ۱۳۸۴ عضویت در مجامع علمی: - عضو انجمن منابع آب ایران - عضو هیئت تحریریه مجله علمی پژوهشی تحقیقات فنی و مهندسی - عضو انجمن بین المللی

علوم هیدرولوژی - عضو کمیته تحقیقات منابع آب وزارت نیرو - عضو کمیته راهبردی طرح بین المللی چالش آب و غذا (وزارت جهاد کشاورزی) آرا و گرایشهای خاص: زمینها و علائق تحقیقاتی دکتر سعید مرید به قرار زری است: - خشکسالی و جنبه های مختلف آن - مدل‌های جامع سیستم‌های منابع آبی - پیش بینی سیل - سیستم اطلاعات جغرافیائی و سنجش دور - هیدرولوژی برف جوائز و نشانها: - بهترین مقاله در بخش کشاورزی در سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵، انتخاب شده توسط شوری پژوهشهای علمی کشور. - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۰ - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۴ - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۵ چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات علمی چاپ شده: ۲۳ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی: ۱۸ مقاله - تعداد طرحهای تحقیقاتی انجام شده و در دست اقدام: ۱۴ طرح

مصدق، محمدسعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمدسعید مصدق متولد ۱۳۱۹ در شهر اهواز است. وی دارای دکترای حشره شناسی از دانشگاه ردینگ انگلستان از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ است. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران به تدریس و تحقیق مشغول است. دکتر مصدق بانی و مؤسس اولین موزه جانور شناسی در دانشکده کشاورزی ملاتانی در سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۹ است. گروه: کشاورز پرشته: حشره شناسی گرایش: مبارزه بیولوژیک و زنبور عسل والدین و انساب: محمد سعید دارای چهار برادر و سه خواهر می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی محمدسعید مصدق به ترتیب زیر است: ابتدایی: دبستان خیام - اهواز - ایران مهرماه ۱۳۲۷ - خردادماه ۱۳۳۳ دبیرستان: شاپور - اهواز - ایران مهرماه ۱۳۳۳ - خردادماه ۱۳۳۹ - طبیعی کارشناسی ارشد: دانشکده کشاورزی - ملاتانی - ایران - مهرماه ۱۳۳۹ - دیماه ۱۳۴۳ - کشاورزی دکترای: دانشگاه ردینگ - انگلستان - مهرماه ۱۳۵۱ - تیرماه ۱۳۵۵ حشره شناسی • عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد: حفاظت منابع طبیعی: بررسی آبهای سطح الارضی (رودخانه های) خوزستان • عنوان پایان نامه دکترای: *The biology of Plodia interpunctella (Hubner) with particular reference To the role of the mandibular glands* اخذ مدرک دکترای در آن رشته از دانشگاه انگلستان از مقاطع مهم زندگی علمی محمد سعید مصدق بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: کار تابستانه ی دانشجویی و همکاری در امور زهکشی و ساختمانی دانشکده کشاورزی رامین (ملاتانی) و دانشکده شهید چمران (جندی شاپور) ۴۳ - ۱۳۴۰ همسر و فرزندان: دکتر محمد سعید مصدق متاهل و دارای سه فرزند (دو دختر و یک پسر) است. وقایع میانسالی: محمدسعید مصدق پس از اخذ مدرک دکترای در رشته حشره شناسی در دانشگاه شهید چمران به تدریس پرداخت. وی یک فرصت مطالعاتی در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی آمریکا از مهرماه ۱۳۶۳ لغایت مرداد ماه ۱۳۶۴ در زمینه مطالعه کنه تراشه ای (*Acarapis woodi R.*) و نقش زنبور عسل نر در انتقال آن بین کندوهای مجاور و زنبورستان های دیگر پرداخت. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس و تحقیق می پردازد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدسعید مصدق عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز است. از دیگر سمت های ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: ۱- عضو هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی - مهرماه ۱۳۶۵ لغایت ۴/۹/۷۰ - نماینده شورای پژوهشی دانشگاه در مجله علمی کشاورزی ۲۷/۱/۷۵ لغایت مهرماه ۳۷ - سردبیر مجله علمی کشاورزی - مهرماه ۱۳۷۷ لغایت خرداد ماه ۱۳۸۰ - نماینده دانشکده در شورای پژوهشی دانشگاه. ۵/۹/۷۰ لغایت ۲۷/۱۰/۷۲ و ۲۷/۱/۷۵ لغایت مهرماه ۱۳۷۷. ۵- عضو کمیته

تألیف و ترجمه دانشکده به مدت ۲ سال . ۶- دبیر کمیته تألیف و ترجمه دانشکده از ۵/۹/۷۰ لغایت ۲۷/۱۰/۷۲-۷ عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده کشاورزی از تاریخ ۱۰/۹/۸۱ به مدت ۲ سال ۸- عضو هیأت ممیزه دانشگاه از ۶/۹/۷۰ لغایت تیرماه ۱۳۸۳ . ۹- عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی از ۶/۹/۷۰ تاکنون و تا تاریخ ۱۵/۲/۸۴ ۱۰- دبیر کمیته تخصصی گروه کشاورزی از ۲/۱۲/۷۵ لغایت دیماه ۱۳۸۰ ۱۱- عضو هیأت ممیزه مرکزی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از آذر ماه ۱۳۸۰ لغایت دیماه ۱۳۸۲ . ۱۲- فرصت مطالعاتی: آمریکا-دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی از مهر ماه ۱۳۶۳ لغایت مرداد ماه ۱۳۶۴ - عضویت در انجمنهای علمی : ۱- عضو انجمن حشره شناسان ایران. ۱۳۵۵ تاکنون. ۲- عضو انجمن حشره شناسان انگلستان - ۱۳۵۴ تاکنون. ۳- عضو انجمن بین المللی تحقیقات زنبورداری (۱۳۵۵) - (I.B.R.A. تاکنون فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران. مرتبه دانشگاهی و تاریخ دریافت: ۱-مربی دیماه ۱۳۴۳ آبانماه ۱۳۵۵ ۲-استادیار آبانماه ۱۳۵۵ خرداد ماه ۱۳۶۳ ۳-دانشیار خرداد ماه ۱۳۶۳ خرداد ماه ۱۳۶۹ ۴-استاد خرداد ماه ۱۳۶۹ پایه ۳۵ دکتر مصدق به تدریس دروس های مختلف در مقاطع زیر می پردازد که به شرح زیر است: کارشناسی : (سم شناسی - زنبورعسل و حشرات گرده افشان - آفات انباری - تکنولوژی مبارزه شیمیایی) کارشناسی ارشد : (سم شناسی تکمیلی- مبارزه بیولوژیکی- فیزیولوژی حشرات) دکتری حشره شناسی (فیزیولوژی پیشرفته -حشرات صنعتی - حشرات اجتماعی - آفت کشتها و محیط زیست). دکتری دامپزشکی : (پرورش و بیماریهای زنبورعسل) دکتری تخصصی دامپزشکی : (بیولوژی و فیزیولوژی بندپایان) دکتری پزشکی : (حشرات ناقل از نظر پزشکی) تدریس شده یا می شود. مراکز که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدسعید مصدق بانی و موسس اولین موزه جانورشناسی در دانشکده کشاورزی (ملاثنای) دانشگاه در سال های ۱۳۵۰-۱۳۴۶ است. وی همچنین بنیان گذار اجرای طرح های مبارزه بیولوژیک به منظور کاهش مصرف سموم و جلوگیری از باقیمانده ی سموم روی محصولات کشاورزی و آلودگی محیط زیست، با اجرای طرح های مختلف و آموزش باغداران جهت شناسایی و کاربرد حشرات مفید در مبارزه آفات می باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ۱-تدریس ۲ -انجام پروژه های تحقیقاتی در دست اجرا ۳-شرکت در جلسات هیات ممیزه دانشگاه ، کمیته های منتخب و گروه تخصصی هیات ممیزه دانشگاه ، شورای گروه ، هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی، کمیته ی انتشارات دانشگاه و دفاعیه ی پایان نامه ها در طول هفته . ۴-کمک و رفع مشکلات مربوط به پروژه های پایان نامه نئ دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری. ۵-رفع اشکالات درسی دانشجویان ۶-رفع مشکلات شخصی و راهنمایی دانشجویان ۷- کتابخانه ، مطالعه نشریات علمی به روز در کتابخانه ۸-رفع مشکلات مراجعه کنندگان روزمره به دفتر کار (دانشجویان رشته های دیگر، سایر دانشکده ها، همکاران دانشگاهی و افراد غیر دانشگاهی) در مورد مبارزه بیولوژیک با آفات ، مبارزه با عقرب ، مبارزه با موریانه ، آفات کشاورزی و غیره. ۹-انجام امور روزمره در رابطه با مایحتاج و سایر نیاز های خانواده. آرا و گرایشهای خاص : دکتر مصدق همچنین تحقیقاتی در پیرامون زمینه های زیر دارد که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: بررسی فون کفشدوزکهای استان های خوزستان (۱۳۶۸) کرمان (۱۳۷۰) جنوب شرقی خراسان (۱۳۷۲) گلستان (۱۳۷۳) و چهارمحال و بختیاری (۱۳۷۴). بررسی کفشدوزکهای جنس *Stothorus spp*. مطالعه بیولوژی رژیم غذایی و تغییرات جمعیت گونه *S.gilvifrons (Mulsant)* در مزارع نیشکر استان خوزستان (۱۳۷۸). بررسی اثر دیازینون و پرمیکارب بر روی شته سبز هلو *(Myzus persicae (Sulzer)* و تعیین دز غیر کشنده روی کفشدوزک هفت نقطه ای *Coccinella septempunctata L.* (۱۳۸۱). بررسی دشمنان طبیعی شته خرزهره در دو استان فارس و خوزستان (۱۳۸۱). بررسی کفشدوزکهای مزارع یونجه و شته های مورد تغذیه آنها در خوزستان (۱۳۸۳). بیواکولوژی سرخرطومی شبدر *Apion aestivum Germar* در دزفول (۱۳۷۴). بررسی بیولوژی مینوزبرگ مرکبات *Phyllocnistis citrella Stainton* و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان (۱۳۷۷). مطالعه بیولوژی هلیوتیس گوجه فرنگی و دشمنان طبیعی آن در منطقه

جیرفت و امکان مبارزه بیولوژیک با آفت با استفاده از (۱۳۷۵) *Bacillus thuringiensis* (B.). فون بالتوریهای جنس *Chrysoperla spp*. و بررسی رژیم غذایی گونه غالب در استان خوزستان (۱۳۸۳). بیواکولوژی سفید بالک پنبه *Bemisia tabaci* (Genn) و کارایی پارازیتوئید های متداول آن در اهواز (۱۳۸۳). دشمنان طبیعی شته های گندم و جو در خوزستان (۱۳۸۳). بررسی کنه های *Eriophyidae* در خوزستان (۱۳۸۳). بررسی کنه های خاکری در اهواز (۱۳۸۳). فون کنه های خانواده *Laelapidae* در اهواز و حومه (۱۳۷۸). بررسی بیواکولوژی تریپس پیاز *Thrips tabaci* Lindeman و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان (۱۳۷۹). بررسی اثر *Bacillus thuringiensis* (B) در کنترل کرم برگخوار مصری پنبه *Spodoptera littoralis* در شرایط آزمایشگاهی (۱۳۷۹). بررسی بیواکولوژی کارادرنای ذرت و تاثیر *Bacillus thuringiensis* و سایر عوامل بیولوژیک بر علیه آن در استان خوزستان (۱۳۶۹). بیولوژی و تعیین بهترین زمان مبارزه با مگس انجیر در خوزستان (۵۹-۱۳۵۷). بررسی بیولوژی شب پره خشکبار *Plodia interpunctella* (Hub) با تاکید بر نقش ترشحات غدد ماندیبولی لارو های آن (۱۳۵۵). شته های گندم و سایر گرامینه ها در منطقه شیراز (۱۳۷۲) (جوائز و نشانها: ۱- دریافت لوح تقدیر برای بیشترین تعداد طرحهای پژوهشی خاتمه یافته در دانشگاه . ۱۳۷۷ ۲- انتخاب طرح شماره ۲۱۹ به عنوان بهترین طرح پژوهشی دانشگاه در سال ۱۳۷۶ ۳- استاد نمونه ، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ ۴- استاد آموزشی نمونه دانشکده کشاورزی ۱۳۸۳ ۵- استاد نمونه کشور ۱۳۸۳ ۶- پژوهشگر برتر ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی دکتر محمد سعید مصدق اعم از انتشارات کتب و مقاله و سرپرستی پایان نامه ها به قرار زیر است: ۱- تعداد کتابهای تألیفی: چاپ شده ۳- در دست اقدام ۳ ۲- تعداد نشریات آموزشی: چاپ شده ۱۳ ۳- تعداد مقالات منتشر شده: الف- فارسی: ۱- مجلات علمی معتبر ۴۰ ۲- مجلات ترویجی (زیتون) ۱۳ ۳- کنفرانسهای داخلی: ۷۷ ب- سایر زبانها: مجلات علمی معتبر بین المللی ۲۲ کنفرانسهای بین المللی ۴۰ ج ۴- تعداد طرح های اجرایی و پژوهشی: طرحهای اجرایی: پایان یافته ۸ در دست اقدام: --- طرح های پژوهشی: پایان یافته ۶۰ در دست اقدام: ۶ امار تعداد پایان نامه های که توسط محمدسعید مصدق راهنمایی، مشاوره و داوری شده به صورت زیر است: الف- کارشناسی ارشد: ۱. استاد راهنما ۲۸ نفر ۲. استاد مشاور ۲۲ نفر ۳. استاد ناظر و داور: ۲۸ نفر ب- دکتری: ۱. استاد راهنما ۳ نفر ۲. استاد مشاور ۳ نفر ۳. داور ۴ نفر آثار: ۱ آفت کش های مجاز در ایران و کاربرد آنها، اداره ی حفظ نباتات استان لرستان، محمد سعید مصدق، ۱۳۶۳، ۱۴۴ ص. ویژگی اثر: مصرف بی رویه آفت کش ها و در نتیجه بهم خوردن اکوسیستم محیط زیست، ناشی از عدم آگاهی مصرف کنندگان سموم می باشد. دانش بسیاری از مصرف کنندگان سموم از موادی که روزانه با آن سر و کار دارند در حد اطلاعات آنها از قرص های مسکنی است که به سادگی از داروخانه ها و یا بساط دستفروشی ها خریداری می نمایند. در این رابطه وظیفه ی خطیر کارشناسان حفظ نباتات بالا بردن اطلاعات مصرف کنندگان سموم و نظارت دقیق در استفاده صحیح از این مواد می باشد. کشاورزان و سایر افراد مستقیماً به مسئولین مراجعه و در مورد آفات، نحوه ی مبارزه و کاربرد سموم اطلاعاتی کسب می نمایند. این راهنمایی ها باید از حد مشورت پا فراتر نهاده و ضمن بررسی دقیق، در صورت نیاز، اجازه ی مصرف آفت کش ها به مراجعه کنندگان داده شود. یکی از راه های نظارت بر چگونگی استفاده ی به موقع از آفت کش ها، تربیت تکنسین و استقرار این افراد در سطح روستاها است. چنانچه این افراد به اندازه ی کافی تعلیم دیده باشند، می توانند با نمونه برداری صحیح از منطقه ی تحت نظارت خود، آفات مختلف را شناسایی و ضمن مطالعه ی دوره ی زندگی و زمان طغیان آنها در موقع مقتضی دستورات لازم برای مبارزه را به کشاورزان بدهند. از آنجایی که دسترسی به کتب منتشر شده در زمینه ی دفع آفات و کتب موجود در کتابخانه ها برای همگان به آسانی میسر نمی باشد، این مجموعه که از طریق اداره ی حفظ نباتات استان لرستان به چاپ رسیده است، می تواند راهنمایی برای علاقمندان این رشته بوده و به علاوه آنان را از خطرات ناشی از مصرف بی رویه ی سموم و عواقب آن آگاه سازد. کلیه مطالب نوشته شده در این کتاب به علت محدود بودن هزینه ی چاپ به اختصار آورده شده است. لذا توجه خوانندگان و

علاقمندان را به لیست کتابهایی که در فهرست منابع استفاده از آنها نام برده شده است جلب می نماید. ۲ فهرست نیمه توصیفی بندهای تعیین هویت شده (کشاورزی، بهداشتی، ...) و سایر آفات کشاورزی استان خوزستان، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز. محمد سعید مصدق و فرحان کچیلی ۱۳۸۱، ۴۷۵ ص. ویژگی اثر: شناسایی و داشتن اطلاعات کافی از بندهای پایان خصوصاً آفات و ناقلین بیماریزا در هر منطقه و داشتن مجموعه ای از مشخصات و آشنایی با فواید و زیان آنها، کمک موثری در بهبود وضع کشاورزی و بهداشت آن منطقه است. این مجموعه اطلاعات بسیار ارزنده ای از حشرات، سایر بندهای پایان و تعداد دیگری از آفات زراعی، حشرات مفید (گرده افشان ها، انگلها و شکارگر ها)، ناقلین بیماریهای انسان و دام از استان خوزستان را ارائه می کند. در این کتاب مجموعاً اطلاعات مربوط به ۱۰۰۰ گونه از بندهای پایان متعلق به ۷۳۴ جنس از ۱۹۹ خانواده گردآوری و ثبت شده است. علاوه بر بندهای پایان، ۳۴ گونه متعلق به ۲ جنس از ۱۳ خانواده از آفات دیگر نظیر نماتد ها، جونندگان و... نیز در آخر کتاب به این مجموعه اضافه شده است. مطالب تهیه شده می تواند کمک های موثری به حل مسائل آموزشی، تحقیقاتی، اقتصادی و بهداشتی نموده و پایه ای برای طرح های پژوهشی آینده در منطقه و بالطبع کشور باشد. ۳ کنه های زیان آور زنبور عسل، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۵۲ ص. محمد سعید مصدق و عزیزالله کمیلی، ۱۳۷۰. ویژگی اثر: کنه هایی را که انگل زنبوران عسل بوده و یا به دلایل دیگر در کندو یافت می شوند به سه دسته تقسیم می کنند: ۱- کنه های انگل *Parasitic mites* ۲- کنه های مسافر (*Phoretic mites* - کنه های کندوزی پوسیده خوار) (*House mites* تعداد گونه کنه های انگل محدود است ولی بعضی از آنها قادرند که خسارت بسیار زیادی به کلنی های زنبور عسل وارد نمایند. گونه های (کنه تراشه ای *Acarapis woodi* R.)، (کنه وارو *Varroa jacobsoni* Oud.) و (کنه کلارا *Tropilaelaps clareae* D.&B) از جمله کنه های مهم انگل و خطرناک زنبور عسل می باشند. در چند دهه ی اخیر، یک گونه کنه ی بومی اروپا و یک گونه کنه ی بومی آسیا، توسط انسان به اکثر نقاط دنیا منتقل گردیده و صنعت زنبورداری را مورد تهدید قرار داده است. در این کتاب ضمن معرفی کنه های مهم انگل زیان آور برای زنبور عسل، شکل شناسی، زیست شناسی، راههای تشخیص و مبارزه با آنها در حد امکان شرح داده شده است. بر عهده ی اهل فن و متخصصین است که کمک ها و راهنمایی های لازم را از زنبورداران دریغ نمایند. منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

مصری نیا، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید مصری نیا متولد ۱۳۱۸ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه استراسبورگ با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون مبارزه بیولوژیک با سن گندم می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سعید مصری نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکترای گیاه پزشکی از دانشگاه پاریس میباشد. خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر سعید مصری نیا بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: سعید مصری نیا در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: سعید مصری نیا پس از اخذ مدرک دکترای در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استراسبورگ درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به

خدمت است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سعید مصری نیا عضو هیئت علمی و دانشیار گروه زیست‌شناسی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استراسبورگ است. فعالیت‌های آموزشی: سعید مصری نیا سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می‌پردازد. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: سعید مصری نیا در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه‌های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایش‌های خاص: سعید مصری نیا از جمله گیاه‌پزشکان و گیاه‌شناسانی است که پژوهش‌ها و تلاش‌های علمی وسیعی درباره مبارزه بیولوژیک با سن‌گندم را دارد. آثار: مبارزه با بیولوژیک با سن‌گندم منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>:

معینی، محمدسالار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدسالار معینی در سال ۱۳۴۸ در مشهد متولد شد. وی یکی از مترجمین کتاب "تغذیه طیور" می‌باشد. کتاب مذکور، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزیرشته: دامپروری تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد سالار معینی بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۶۶ در رشته دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. در سال ۱۳۷۰ تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد، در رشته تغذیه دام ادامه داد و در حال حاضر دانشجوی دوره دکتری همان رشته در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. جوایز و نشانها: محمد سالار معینی یکی از مترجمین کتاب "تغذیه طیور" می‌باشد. کتاب مذکور، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: محمد سالار معینی علاوه بر کتاب تغذیه طیور، کتاب و مقالات ذیل را نیز با همکاری آقایان دکتر ابوالقاسم گلکان عرضه داشته است: - اثر طول مدت گرسنگی در اندازه‌گیری انواع انرژی قابل متابولیسم مواد خوراکی با استفاده از دو روش سیال و فارل. (مقاله) - بررسی امکان استفاده علمی از انرژی قابل متابولیسم حقیقی تصحیح شده برای ازت (TMEM) در جیره نویسی برای طیور. (مقاله) - تعیین انرژی قابل متابولیسم حقیقی مواد خوراکی مورد استفاده در تغذیه طیور در استان خراسان آثار: احتیاجات غذایی طیور و ویژگی اثر: ترجمه، با همکاری دکتر ابوالقاسم گلکان ۲ تغذیه طیور و ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تغذیه طیور»: تغذی؟ طیور، اس. لیزن، جی. دی. سامرز، ترجم: دکتر ابوالقاسم گلکان، مهندس محمد سالار معینی، تهران: واحد آموزش و پرورش معاونت کشاورزی سازمان اقتصادی کوثر، ۱۳۷۴. توسعه؟ کمی و کیفی رشته‌های دامپزشکی و دامپروری نیازهای علمی جدیدی را می‌طلبد و تغذی؟ طیور به شکل صنعتی و مدرن از علوم نسبتاً جدید است. کتاب حاضر به دلیل دربرداشتن آخرین دستاوردهای علمی در زمینه‌های مختلف تغذی؟ طیور حائز اهمیت است. اگرچه مطالب کتاب برای کشور کانادا طرح و عنوان شده است، موارد اشتراک زیادی برای استفاد؟ متخصصان ایرانی در آن وجود دارد. این کتاب به لحاظ پرداختن به مسائل اساسی و پایه‌ای تازگی دارد و ترجم؟ خوب و جداول و اشکال مختلف - طی هفت فصل - بر ارزش آن افزوده است. کاربرد این ترجمه برای مقاطع مختلف تحصیلی و دربرگیری طیف نسبتاً وسیعی از تغذیه برای انواع طیور را می‌توان از امتیازات خاص آن دانست

ملکی میلانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن ملکی میلانی دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه علوم پاریس در سال ۱۳۴۸ است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز با درجه دانشیاری می باشد. گروه: کشاورزپرشته: حشره شناسیگرایش: حشره شناسی زراعی و جنگلیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر حسن ملکی میلانی دارای کارشناسی ارشد حشره شناسی از دانشکده علوم پاریس در سال ۱۳۴۳، گواهی نامه عالی تخصصی حشره شناسی زراعی و جنگلی از انستیتو ناسیونال آگرونومیک (I.N.A) پاریس است. وی دکتری رادر سال ۱۳۴۸ از دانشکده علوم اخذ کرد. وقایع میانسالی: دکتر حسن ملکی میلانی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر حسن ملکی میلانی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه مبارزه با آفات زراعی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز است. چگونگی عرضه آثار: دکتر ملکی میلانی دارای تحقیقاتی در زمینه جمع آوری و شناسایی سخت بالپوشان مفید ایستگاه تحقیقاتی وابسته به دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است. ایشان دارای ۳ تالیف و بیش از چندین مقاله به زبانهای فارسی و خارجی در زمینه علمی پرورش حشرات با محیط غذایی مصنوعی، بررسی اکوپاتولوژیک بیماری و بررسی سیتوپلاسمی و بررسی سازگاری یا عدم سازگاری و ویروس پلی ندرز هسته ای یک شب پره در شب پرده دیگر است. آثار: پدیده چند شکلی و زیست شناسی ملخهای مهاجر روشهای جمع آوری و نگهداری و بررسی حشرات منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>:

منصوری، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علیرضا منصوری متولد ۱۳۲۳ ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون چرخه ویتامین ها در ریشه تا میوه غلات می باشد. گروه: کشاورزپرشته: گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر علیرضا منصوری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز و دکترای گیاه پزشکی از دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی) میباشدخاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علیرضا منصوری بوده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: دکتر علیرضا منصوری در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت. وقایع میانسالی: دکتر علیرضا منصوری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لندن درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر علیرضا منصوری عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لندن است. فعالیتهای آموزشی: دکتر علیرضا منصوری سالهاست که به عنوان عضو

هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه لندن به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر علیرضا منصوری در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آثار: چرخه ویتامین در ریشه تا میوه غلات منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

منبعی، عباسعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهندس عباسعلی منیعی در سال ۱۲۹۸ شمسی در شهرستان تبریز متولد شد. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۲ مدرک کارشناسی ارشد همان رشته را از دانشگاه کشاورزی یوتا در آمریکا اخذ کرد. ایشان از سال ۱۳۳۶ در کنار سایر پستهای مدیریتی تدریس در مراکز آموزش عالی را شروع کرد و در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس تدریس نمود. کتاب "مبانی علمی پرورش درختان میوه" تالیف عباسعلی منیعی، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: کشاورزپرشته: مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای: عباسعلی منیعی پس از گذراندن دوره متوسطه در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۳۲ نیز به اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.S) از دانشگاه کشاورزی یوتا در آمریکا نائل آمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عباسعلی منیعی از سال ۱۳۱۹ وارد خدمات دولتی شد و در مشاغل مختلفی انجام وظیفه نمود که از آن جمله می توان از ریاست سازمان توسعه استان سیستان بلوچستان در سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ و معاونت امور زراعت وزارت کشاورزی و در حال حاضر از مشاورت عالی حوزه معاونت باغبانی وزارت کشاورزی نام برد. فعالیتهای آموزشی: عباسعلی منیعی از ۱۳۳۶ امر تدریس در مراکز آموزش عالی را شروع کردند و در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس دروس مربوطه را تدریس نموده اند. جوایز و نشانها: کتاب "مبانی علمی پرورش درختان میوه" تالیف عباسعلی منیعی، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: عباسعلی منیعی مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده و در مجلات کشاورزی به چاپ رسانده است.

آثار: زندگی یک گیاه ویژگی اثر: ترجمه و تدوین ۲ سیب و گلابی و به ویژگی اثر: تالیف ۳ مبانی علمی پرورش درختان میوه ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «مبانی علمی پرورش درختان میوه»: بدیهی است که کشاورزی و تولید مواد غذایی از اساسی ترین مسائل کشور است و مدت ها بود که انتظار می رفت تا محققان و دانش پژوهشان این رشته تحقیقی ارائه دهند تا اینکه مؤلف کتاب از مبانی علمی پرورش درختان میوه» این مهم را تا حدود زیادی انجام دادند، نویسنده با بیش از چهل سال تجربه علمی و عملی مربوط به دروس نوین باغداری، اقدام به تألیف یک رشته کتابهای علمی در زمینه میوه نموده که اولین جلد آن به صورت کتاب در آمده است، ویژگی کتاب پاسخگوئی به سئوالات بنیادی در زمینه پرورش درختانی میوه به طور اعم و درختان متمر سردسیری و نیمه سردسیری به طور اخص است.

مهرابی نیا، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر اصغر مهرابی نیا متولد ۱۳۲۴.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هیئت علمی دانشگاه کارکایون با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون ارزش غذایی بیشتر و لبنیات پاستوریزه می باشد. گروه: کشاورزپرشته: صنایع غذایی.تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر اصغر مهرابی نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر اصغر مهرابی نیا بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل: دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی: دکتر اصغر مهرابی نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به عضویت هیئت علمی گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر اصغر مهرابی نیا عضو هیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه کارکاسون است.فعالتهای آموزشی: دکتر اصغر مهرابی نیا سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی در دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص: دکتر اصغر مهرابی نیا از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره ارزش غذایی لبنیات به ویژه شیر پاستوریزه انجام داده است.

 آثار: ارزش غذایی لبنیات ویژه شیر پاستوریزه
مهرابی، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر اصغر مهرابی نیا متولد ۱۳۲۴.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هیئت علمی دانشگاه کارکایون با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون ارزش غذایی بیشتر و لبنیات پاستوریزه می باشد. گروه: کشاورزپرشته: صنایع غذایی.تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر اصغر مهرابی نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل: انجام مطالعه و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر اصغر مهرابی نیا بوده است.فعالتهای ضمن تحصیل: دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی: دکتر اصغر مهرابی نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به

عضویت هیئت علمی گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر اصغر مهرابی نیا عضو هیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه کارکاسون است. فعالیتهای آموزشی: دکتر اصغر مهرابی نیا سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی در دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر اصغر مهرابی نیا از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره ارزش غذایی لبنیات به ویژه شیر پاستوریزه انجام داده است.

آثار: ارزش غذایی لبنیات ویژه شیر پاستوریزه

میناسیان، واهه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر واهه میناسیان متولد ۱۳۱۸ ه.ش تهران دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنای آمریکا است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با درجه استادی می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: آسیب شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای: واهه میناسیان دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنای آمریکا است. وقایع میانسالی: واهه میناسیان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته آسیب شناسی گیاهی به عضویت هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز در آمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: واهه میناسیان عضو هیئت علمی و استاد گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه شهید چمران اهواز است. آثار: بیماریهای گیاهان گیاه پزشکی منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

ناظر عدل، کامبیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد دامپروری از آلمان در سال ۱۳۴۳، دکترای دامپروری از آلمان در سال ۱۳۴۶.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۶، دانشیار دانشگاه تبریز در سال ۱۳۵۰، استاد دانشگاه تبریز از سال ۱۳۶۹ تاکنون.

زمینه های علمی و تحقیقاتی:

استفاده از پروتئین *Saccharomyces cereviceae* به عنوان مکمل پروتئینی در تغذیه جوجه‌های گوشتی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

اغلب کتب در زمینه دامپروری است از جمله پرورش طیور، بز، شتر، کرم ابریشم و غیره.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

اغلب در رابطه با مسائل طیور.

آثار دیگر:

۱ اثرات استفاده از برخی از الکترولیت ها در آب آشامیدنی بر عملکرد جوجه های گوشتی تحت شرایط تنش گرمایی /

ویژگی اثر: مقاله

۲ نژادها، نگهداری و ناهنجاریهای ارثی در بز

ویژگی اثر: تالیف کامبیز ناظر عدل. انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نواب گجراتی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسنعلی نواب گجراتی دارای دکترای رشته گیاه پزشکی (سال اخذ مدرک دکتری ۱۳۴۹) و عضویت هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه دانشیار می باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای: حسنعلی نواب گجراتی مدرک دکتری رشته گیاه پزشکی را در سال ۱۳۴۹ اخذ کرده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسنعلی نواب گجراتی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. آرا و گرایشهای خاص: زمینه تحقیقاتی حسنعلی نواب گجراتی پیرامون حشره شناسی می باشد.

منابع زندگینامه: <http://iranologyfo.com>

نوری قنبلانی، قدیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر قدیر نوری قنبلانی متولد ۱۳۲۷ اردیبهل است. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی و گذراندن دوره سربازی، در

خرداد ماه سال ۱۳۵۲ برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال ۱۳۵۳ موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد و در خرداد ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک دکترا با درجه عالی از کشور آمریکا شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی گروه گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی با درجه استادی می‌باشد. گروه: کشاورزیرشته: گیاه پزشکیگرایش: حشره شناسیوالدین و انساب: پدر و مادر قدیر نوری قنبلانی از خانواده حاج نوری است که انساب آنها تا جایی که شجره تاریخی نشان می‌دهد از حدود ۸ نسل پیش و از دوران صفویه در اردبیل ساکن بودند. این خانواده به شغل ساربانی و حمل کالا با شتر در بین شهرهای کشور مشغول بودند، ولی به تدریج که اتومبیل جای شتر را در حمل بار گرفته، افراد این خانواده به تدریج شغل ساربانی را رها کرده و با خرید زمین‌های زراعی در اطراف شهر اردبیل به شغل کشاورزی و دامپروری مشغول شده‌اند. به همین دلیل پدر و مادر وی (قدیر) به شغل شریف کشاورزی و دامپروری مشغول بودند. قدیر نوری قنبلانی نیز سه برادر و دو خواهر دارد. خاطرات کودکی: «دوران کودکی و نوجوانی من مثل اکثر هم سن و سالان دوران سختی بود. در آن زمان هنوز محرومیت شدیدی بر جامعه و مخصوصاً در شهر ما حاکم بود. از آب لوله کشی و برق در شهر خبری نبود. تنها یک موتورخانه در شهر اردبیل برای تولید برق وجود داشت که احتمالاً برق مورد نیاز ادارات و خانه‌های اشراف و اعیان شهر را تامین می‌کرد. من شبها در نور چراغ فیتله‌ای درس می‌خواندم. در منزل ما از رادیو و تلویزیون خبری نبود. حتی زمانی که به دبیرستان می‌رفتم فقط در مسیر مدرسه‌ام از روی کنجکاوای هر روز تیترو روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را که تنها روزنامه فروش شهر در پشت ویتترین خود می‌گذاشت مطالعه می‌کردم... خانواده ما با خانواده پدر بزرگم در خانه مشترکی که حیاط نسبتاً بزرگی داشت زندگی می‌کردند. یک اتاق و یک مطبخ در اختیار ما بود که وضع چندان مناسبی نداشت، ولی پدر و مادر بنده با همدیگر رابطه بسیار صمیمی داشتند و در تمامی امور زندگی مادرم یار و همکار پدرم بود پدر و مادرم فقط در حد قرآن خواندن سواد داشتند. از قرار معلوم بنا به فتوای یکی از علمای شهر برای افراد هم سن و سال پدر و مادر من مدرسه رفتن حرام بود. لذا شاید ۹۹ درصد افراد همسن والدین بنده در اردبیل بیسواد بودند و این موضوعی بود که در تمامی دوران زندگی اینجانب باعث رنجش خاطر من می‌شد.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: قدیر نوری قنبلانی دوره دبستان را در مدرسه امیر نظام اردبیل به پایان برد. «در آن زمان امتحانات آخر سال دبستان یکجا و به صورت آزمون نهایی برگزار می‌شد. در آن سال‌ها در کل اردبیل ۶ دبستان پسرانه و یک دبستان دخترانه وجود داشت که همه با هم امتحان نهایی را دادیم و من شاگرد اول دبستان شدم.» وی دوره متوسطه را در دبیرستان شاه عباس اردبیل به اتمام رساند. در سال ۱۳۴۶ بلافاصله پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز پذیرفته شده و در سال ۱۳۵۰ با کسب رتبه شاگرد اولی از دانشکده فوق فارغ التحصیل شد. ایشان پس از گذراندن دوره سربازی، در خرداد ماه سال ۱۳۵۲ برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال ۱۳۵۳ موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد و در خرداد ۱۳۵۶ موفق به اخذ مدرک دکترا با درجه عالی از کشور آمریکا شد. خاطرات و وقایع تحصیل: قدیر نوری قنبلانی از دوران تحصیل خود چنین خاطره‌ای بیاد دارد: «وقتی در مهر ماه سال ۱۳۴۰ در دبیرستان شاه عباس ثبت نام کرده و مشغول به تحصیل شدم، فاصله دبیرستان از منزل ما خیلی زیاد بود و حداقل نیم ساعت با پای پیاده طول می‌کشید که به مدرسه بروم. از قرار معلوم چون من در دوره دبیرستان شاگرد اول کل شهر شده بودم لذا من را هم به مراسم جشن مهرگان، که در آن سال برگزار می‌شده و از شاگرد اول‌ها، بزرگان علم و هنر و غیره تجلیل می‌شد، دعوت کرده بودند. ولی من بی‌خبر بودم و در همان روز جشن، بعد از ظهر مدیر دبیرستان به من گفت که باید پس از اتمام درس به آن مراسم بروم. البته آن موقع تلفنی نداشتیم تا بتوانیم به خانواده خبر بدهیم و من هم تا آن زمان در چنین مراسمی شرکت نکرده بودم و فکر می‌کردم نهایتاً بیشتر از نیم ساعت طول نخواهد کشید. خلاصه من به مدرسه رفتم و در آنجا به من یک خودنویس لامی جایزه دادند ولی جشن خیلی طول کشید تا به اتمام برسد. ساعت ۸ بعد از ظهر شده بود. بعد از پایان جشن من دوان دوان خود را به منزل رساندم ولی پدر و مادرم و

افراد فامیل که به شدت از تاخیر من نگران شده بودند و تمامی کوجه‌ها را به دنبال من گشته بودند حرف‌های مرا باور نکردند و مرا به فلک بستند و آنقدر مرا کتک زدند که فردا نتوانستم به مدرسه بروم و این تنها روزی بود که در کل دوران تحصیل نتوانستم در کلاس درس حاضر شوم. فعالیت‌های ضمن تحصیل: قدیر نوری قنبلانی در دوران متوسطه مسئولیت انجمن علمی را بر عهده داشت. «هر سال در روز معینی مردم به مدرسه می‌آمدند و من چشم یک گوسفند، قسمت‌های مختلف بدن بک مرغ و یا یک ماهی را برایشان تشریح می‌کردم. به خاطر دارم که آن روز به خصوص در هر سال برایم خیلی مهم بود، چون من روپوش سفید می‌پوشیدم و با احساس بسیار خوبی در مقابل بازدیدکنندگان عمل تشریح را انجام می‌دادم.» ایشان در دوره دکترا نیز از طریق انتخابات به مدت دو سال به عنوان رئیس انجمن علمی حشره‌شناسی دانشگاه آیداهو انتخاب شد و فعالیت‌های علمی فراوانی در این مدت انجام داد. استادان و مربیان: دکتر زهسازیان (استاد بیماری‌های گیاهی)، آقای دکتر رزاق رزاقی (استاد رشته حشره‌شناسی دانشگاه تبریز) - پروفیسور اوکیفی، مرحوم پروفیسور آکر، پروفیسور بار، پروفیسور پشو (دانشگاه ایالتی واشینگتن) و پروفیسور مولباره (دانشگاه ایالتی واشینگتن آمریکا) از اساتید قدیر نوری قنبلانی در ایران و آمریکا بوده‌اند. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: دکتر نژاد دهقان، آقایان جیمز فیشر، دکتر دین جانسون از هم‌دوره‌های دوران تحصیل دکتر نوری قنبلانی در ایران و آمریکا بودند. از سایر همکاران و هم‌دوره‌های وی می‌توان به دکتر کریم کمالی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر عزیز خرازی (استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)، دکتر رحیم عبادی و دکتر علی آهومنش (اساتید محترم دانشگاه صنعتی اصفهان)، دکتر سعید مصدق (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز) و دکتر مصطفی ولزاده، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر حسین سیفلو و دکتر حسین پور فیض (اساتید محترم دانشگاه تبریز)، دکتر جواد فرهودی و دکتر رضوی روحانی (اساتید محترم دانشگاه ارومیه) و همچنین دکتر مصطفی معین، دکتر موسی کلاتری و دکتر محمدرضا عارف اشاره کرد. همسر و فرزندان: قدیر نوری قنبلانی در سال ۱۳۶۰ در سن ۳۳ سالگی با سرکار خانم نارملا علیمزادی ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند بنامهای علیرضا (متولد ۱۳۶۱ دارای مدرک کارشناسی ارشد زراعت و در موسسه آموزش عالی سبلان مشغول به کار است) و نادیا (متولد ۱۳۶۶ و دانشجوی رشته ادبیات فارسی و متاهل) می‌باشد. وقایع میانسالی: قدیر نوری قنبلانی پس از احرار مدرک دکتری در رشته حشره‌شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محقق اردبیل در آمد. وی هم اکنون با سمت استاد در آنجا در حال خدمت است. وی همچنین مشاغلی چون رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال ۱۳۸۰ و مشاور کشاورزی استاندار محترم استان اردبیل را در کارنامه فعالیت اجرایی خود دارد. از وقایع تلخ وی می‌توان به از دست دادن برادر کوچکترش بنام کمال در یک سانحه تصادف در سال ۱۳۶۱ و فوت پدرش در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: قدیر نوری قنبلانی عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محقق اردبیلی است. از مشاغل دیگر ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ ۸/۱/۱۳۵۸ تا ۲۰/۳/۱۳۶۵ - رئیس مجتمع آموزشی عالی اردبیل از تاریخ ۲۰/۳/۱۳۶۵ تا ۱۸/۱۰/۱۳۷۰ - رئیس دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۸/۱۰/۱۳۷۰ تا ۲۰/۱۰/۱۳۷۲ - رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ ۲۰/۵/۱۳۷۷ تا ۱۹/۹/۱۳۸۳ - مدیر گروه گیاه پزشکی از ۸/۸/۱۳۸۴ تا کنون - عضو هیئت امنای دانشگاه محقق اردبیلی از ۲/۲/۱۳۸۴ تا کنون - عضو شورای دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۰/۷/۱۳۸۴ تا کنون - عضو شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه محقق اردبیلی از ۱۰/۶/۱۳۸۴ تا کنون - عضو کمیته اجرایی دانشگاه محقق اردبیلی از سال ۱۳۸۵ تا کنون - رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال ۱۳۸۱ تا کنون - مشاور کشاورزی استاندار محترم اردبیل - عضو شورای فضای سبز استان اردبیل - عضو شورای حل اختلاف شهرستان اردبیل - عضو انجمن حشره‌شناسی ایران - عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران - گروه کشاورزی شاخه گیاه پزشکی، از سال ۱۳۸۵ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله‌های: دانش کشاورزی، خانه انجمن حشره‌شناسی ایران، پژوهشنامه علوم کشاورزی دانشگاه گیلان، علم و

فناوری دانشگاه محقق اردبیلی فعالیتهای آموزشی: سابقه تدریس در دانشگاههای مختلف کشور: - تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی از اسفند ماه سال ۱۳۶۷ تا کنون - تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۰ - تدریس در دوره های کارشناسی ارشد حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس (اکولوژی و مقاومت گیاهان به حشرات) - تدریس در دوره های دکترای حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و تبریز از سال ۱۳۶۹ تا کنون (دینامیسم جمعیت حشرات، رفتار شناسی حشرات و ارزیابی خسارت آفات) - عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز از شهریور ماه سال ۱۳۵۶ تا اسفند ماه سال ۱۳۶۷ مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: - یکی از بنیان دانشگاه محقق اردبیلی - موسس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل - یکی از بنیان گزاران موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی سبلان اردبیل در سال ۱۳۸۳ سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر قدیر نوری قبلانی در کنار فعالیتهای روزمره و تدریس، به مطالعه و تهیه مطالب درسی، مطالعه پایان نامه های دانشجویی و مطالعه کتب تاریخی و ادبی می پردازد. «به موسیقی اصیل علاقه وافری دارم و در فرصت های مناسب به آنها گوش فرا می دهم. علاقه زیادی به طبیعت و حیات وحش دارم و به دلیل سنخیت رشته تحصیلم در ایام بهار و تابستان ساعات زیادی از فراغتم را در طبیعت و به همراه دانشجویانم به مطالعه و بررسی حیات وحش می پردازم.» شاگردان: دکتر قبلانی تا کنون استاد راهنمای تعداد قابل توجهی از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد بوده اند. وی هم اکنون استاد راهنمای بیش از ۱۷ رساله دکتری در دانشگاههای تربیت مدرس، تهران، علوم تحقیقات و تبریز بوده است. همفکران فرد: دکتر کریم کمالی (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر ضیاء بنی هاشمی، دکتر کرامت الله ایزدپناه، دکتر مفتون و دکتر سفید بخت (دانشگاه شیراز)، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر مقدم و دکتر مصطفی ولیزاده (تبریز) از همفکری نزدیکی در زمینه های مختلف علمی با دکتر قدیر نوری قبلانی برخوردارند. جوایز و نشانها: - لوح تقدیر از ریاست محترم جمهور به عنوان استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۳ - لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۳ به خاطر انتخاب کتاب «کشت بافت های گیاهی» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران - لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۸۱ به خاطر انتخاب کتاب «اکولوژی حشرات» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران - چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه تبریز با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ... - لوح تقدیر از ریاست محترم دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۲ به عنوان استاد مدعو نمونه - لوح تقدیر از استاندار محترم اردبیل در سال ۱۳۸۳ به عنوان مشاور علمی استاندار - چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه محقق اردبیلی با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ... چگونگی عرضه آثار: از قدیر نوری قبلانی تا کنون بیش از ۳۲ مقاله در زمینه تخصصی اش منتشر شده است. همچنین وی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و پژوهش در زمینه رشته تخصصی خود پرداخته است که به دو دسته خاتمه یافته و در دست اجرا تقسیم می شود: الف - خاتمه یافته: ۱- بررسی نوسانات جمعیت سوسک کلرادوی سیب زمینی در اردبیل ۲- بررسی تکمیلی روی سوسک کلرادو در منطقه اردبیل ۳- بررسی روشهای حفظ و ذخیره رطوبت خاک ۴- بررسی و مطالعه پوشش گیاهی استان اردبیل ۵- وضع موجود و برنامه ریزی بخش زراعت و باغبانی استان اردبیل ۶- جمع آوری و شناسایی ملخهای استان اردبیل ۷- شناسایی و بررسی تنوع زیستی مهره داران استان اردبیل ۸- مطالعه ایمنولوژیک و حفظ تعادل آبهای داخلی استان اردبیل ۹- بررسی مقاومت سوسک کلرادوی سیب زمینی به چهار گروه حشره کشها ۱۰- ارزیابی مقاومت گونه های وحشی سیب زمینی به سوسک کلرادو ب- در دست اجرا: ۱- مطالعه روش پرورش مصنوعی سوسک کلرادوی سیب زمینی ۲- شناسایی شته های ناقل بیماری های ویروسی سیب زمینی از دیگر فعالیتهای پژوهشی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی- پژوهشی خارجی و داخلی: ۳۲ مورد - خلاصه مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی: ۳۸ مورد - استاد راهنمای بیش از ۱۷ پایان نامه دکتری آثار: ارزیابی خسارت

آفات ویژگی اثر: ۱۳۷۴- انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی- در مورد چگونگی برآورد خسارات حشرات آفت، علف های هرز و عوامل بیماری های گیاهی در زبان فارسی کتابی چاپ و منتشر نشده است. نظر به اینکه برآورد میزان خسارت آفات برای بررسی توجیه اقتصادی مبارزه با آفتاب در تفکر کنترل تلفیقی آفات ipm اهمیت اساسی دارد و همچنین برای طراحان و برنامه ریزان بخش کشاورزی و بخش اقتصادی کشور مورد نیاز می باشد، لذا مطالب این کتاب که حاوی یک روش برآورد اقتصادی برای هر یک از ۱۴۰ آفت، بیماری و علف هرز مهم جهان می باشد بسیار مورد استقبال دانشجویان، پژوهشگران و بخش اجرایی قرار گرفت. ضمناً به عنوان منبع اصلی در تدریس درسی با همین در دوره دکترای حشره شناسی مورد استفاده قرار دارد. ۲. اکولوژی جمعیت حشرات ویژگی اثر: ۱۳۷۳- انتشارات دانشگاه تهران- این کتاب نخستین کتابی بود که در زمینه اکولوژی جمعیت حشرات به زبان فارسی چاپ می شد. در این کتاب نظریه های مختلف مرتبط با تغییرات جمعیت حشرات به ویژه طغیان ها و افول های جمعیت های و معادلات ریاضی مرتبط با آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از همان ابتدای چاپ این کتاب، به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی تدریس شده است. ۳. اکولوژی حشرات ویژگی اثر: ۱۳۸۰- انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی- این کتاب توسط پروفیسور Price در آمریکا در سال ۱۹۹۸ چاپ شده است. دکتر قبلانی این کتاب را در طی مدت شش سال با تلاش شبانه روزی ترجمه کرده است که دارای ۱۳۵۴ صفحه در دو جلد منتشر شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۱ به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران برگزیده شده است. ۴. تجربیاتی در کشت بافتهای گیاهی ویژگی اثر: ۱۳۷۲- انتشارات دانشگاه تبریز- دکتر قبلانی درباره این کتاب چنین می گوید: «در سال ۱۳۶۷ به مدت ۹ ماه برای گذراندن فرصت مطالعاتی همراه با خانواده به دانشگاه آی داهو در آمریکا رفتم. قرار بود در پروژه ای در مورد انتقال ژن مقاومت به سوسک کلرادوی سیب زمینی از یک گونه سیب زمینی وحشی به سیب زمینی اهلی من هم با فردی که روی این موضوع کار می کرد همکاری نمایم. به زودی متوجه شدم که لازمه شرکت فعال در این پروژه داشتن اطلاعات علمی با سطح بالا در زمینه کشت بافت های گیاهی است. لذا در حالی که خودم چندین درس را به عنوان استاد مدعو در آمریکا تدریس می کردم با ثبت نام در چندین کلاس کشت بافت های گیاهی و شرکت فعال در این کلاسها دوره تخصص «کشت بافتهای گیاهی» را گذراندم و پس از مراجعت به ایران اولین کتاب را در این زمینه تحت همان عنوان تدوین کردم.» ۵. سوسک کلرادوی سیب زمینی ویژگی اثر: ۱۳۶۵- انتشارات دانشگاه تبریز- سوسک کلرادوی سیب زمینی تا سال ۱۳۶۳ به عنوان یک آفت قرنطینه ای در کشور ما محسوب می شد. ولی متأسفانه در آن سال برای نخستین بار در بعضی از مزارع سیب زمینی دشت اردبیل مشاهده گردید. لارو و حشره کامل این آفت از شاخ و برگ سیب زمینی تغذیه کرده و در صورت عدم کنترل آفت و بالا بردن جمعیت آفت، محصول سیب زمینی به کلی منهدم می شود. چون در آن سال ها هیچگونه اطلاعاتی در مورد این آفت به زبان فارسی وجود نداشت، لذا اینجانب با مرور بیش از ۲۰۰ مقاله علمی در مورد این آفت و با مخلوط کردن تحقیقات دو ساله خودم کتابی در این زمینه تالیف و چاپ نمودم که به شدت مورد توجه، استقبال و استفاده دانشجویان گیاه پزشکی، بخش اجرایی و زارعین قرار گرفت. ۶. مقاومت گیاهان به حشرات ویژگی اثر: ۱۳۷۴- انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد- نظر به اینکه استفاده از ارقام گیاه برای کنترل حشرات آفت جزو سالمترین، موثرترین و کم هزینه ترین روش های مبارزه با آفت می باشد که از دهه ۱۹۳۰ در دنیا و بویژه در آمریکا رایج شده است و از طرف دیگر این موضوع که تخصص اصلی دکتر قدیر نوری قبلانی می باشد تا دهه ۱۳۷۰ در ایران کاملاً مورد بی توجهی قرار گرفته بود، لذا وی با تدوین و انتشار کتابی در همین زمینه و تدریس مطالب این کتاب در دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاههای تهران و تربیت مدرس انگیزه لازم را در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حشره شناسی و سایر پژوهشگران برای انجام تحقیق در این زمینه ایجاد نموده و ده ها پروژه کارشناسی ارشد و دکترا را در این گرایش هدایت می کردند. منابع زندگینامه

وجدانی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر پرویز وجدانی در سال ۱۳۲۴ در تهران بدنیا آمد. وی در سال ۱۳۴۲ با اخذ رتبه اولی در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز، اولین دوره تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز نمود و به خاطر احراز رتبه اولی در طی چهار سال تحصیل، از بورس کمک هزینه تحصیلی استفاده می کرد. وی در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی در رشته آگرونومی کشاورزی از این دانشکده شد. ایشان کارشناسی ارشد رشته اصلاحات و نباتات را از دانشگاه تهران کسب کرد. دکتر وجدانی در سال ۱۳۵۵ برای گذراندن دوره دکتری در رشته ژنتیک به دانشگاه کالیفرنیا آمریکا عزیمت کرد و بمدت چهار سال در این دانشگاه به تحصیل پرداخت و در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ در رشته ژنتیک کمی موفق به اخذ دکتری شد. نامبرده تا زمان بازنشستگی (خرداد ماه سال ۱۳۷۹) در سازمان تحقیقاتی کشاورزی به عنوان استاد پژوهشی به فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی و آموزشی می پرداختند. دکتر پرویز وجدانی عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و همچنین عضو (مدعو) فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران بوده و هستند. گروه: کشاورزیرشته: ژنتیک گیاهیگرایش: ژنتیک کمی و آماروالدین و انساب: پدر پرویز وجدانی مرحوم مهندس مشیت الله وجدانی متولد ۱۲۹۴ در بیرجند است. وی داری مدرک مهندسی کشاورزی بود که در خدمت وزارت کشاورزی بوده است و در طول خدمت خود مسئولیت هایی را بر عهده داشته است که می توان به معاونت سازمان ترویج کشاورزی، غیره اشاره کرد. او در سال ۱۳۷۳ پس از چند سال مبارزه با بیماری مهلک سرطان دار فانی را وداع گفت. مادرش هم بانو فاطمه ایرماندوخت متولد ۱۳۰۰ در شهر مقدس مشهد است. ایشان هم در سال ۱۳۸۵ پس از چند سال کسالت بر اثر عارضه سکته قلبی چشم از جهان فروبست. دکتر وجدانی نیز دارای یک خواهر بنام مهندس پروین وجدانی (مهندس کشاورزی و هم اکنون در امریکا بسر می برد) و چهار برادر بنامهای مهندس خسرو وجدانی، هوشنگ وجدانی، مهندس فرهنگ وجدانی و فرزاد وجدانی می باشد. خاطرات کودکی: پرویز وجدانی از دوران کودکی خود خاطراتی بیاد دارد که به مواردی از آنها اشاره می شود: "دوران کودکی من متاسفانه با شرایط خوبی آغاز نشد، زیرا از یکی دو ماهگی دچار بیماری عفونی شدید شدم که بیش از ۹ ماه بطول انجامید و مرا تا مرز مرگ پیش برد ولی خوشبختانه به کمک امکانات درمانی محدود آن زمان و فداکاری های والدینم بخصوص مادرم جان سالم به در بردم. البته من بدلیل سن کم چیزی بیاد ندارم، بلکه همیشه مادرم از آن برای من سخن می گفتند". از دیگر خاطرات وی "شرایط رفاهی ما در دوران کودکی بسار معمولی بود. هم بازی های من اکثرا برادرانم و تعداد معدودی از بچه های بستگان و همسایگان بودند. سرگرمی های ما هم عمدتاً همان بازی های داخل کوچه و خانه بود که ان برای مردم عادی و معمولی بود. من همیشه چند اسباب بازی مدرن مثل آدم آهنی و هفت تیر ترقه ای که پدرم از خارج برایم آورده بود و غیره خاطرات بسیار خوبی دارم". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر دکتر پرویز وجدانی کارمند دولت بود او حقوق و درآمد محدودی داشته است و از ارث و میراث پدری نیز نداشت". با توجه به اینکه خانواده پر جمعیتی بودیم و رفت و آمدهای یادی هم داشتیم زندگی ما وضع بسیار معمولی داشت ولی خوشبختانه هیچ وقت محتاج نبودیم و همیشه به آنچه داشتیم قانع بودیم و از زندگی رضایت داشتیم". مهمترین هم و غم پدر مادر دکتر وجدانی تربیت صحیح فرزندان و تحصیل آنها بود که آنرا در این زمینه خوشبختانه به آرزوهای خود رسیده بودند. پرویز از مادر خود در مدیریت این شرایط از زندگی می گوید: "مادرم به فنون خیاطی، بافندگی و گلدوزی تسلط داشت و در دوران کودکی و نوجوانی ما، اکثر البسه های مورد نیاز توسط وی تهیه می شد که در کنار سایر مسئولیت های

خانه، کاری بس شوار و طاقت فرسا بوده است". تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی و حرفه آموزشی پرویز وجدانی به ترتیب زیر در دوره های مختلف مراحل خود را طی کرده است. - تحصیلات دوره ابتدایی خود را از سن ۶ سالگی در دبستان دولتی خواجهی تهران آغاز کرد و در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶ آنرا با موفقیت به پایان رسانید. که در هر سال از تحصیل، رتبه اولی را احراز می کرد. - او در مهر ماه سال ۱۳۳۶ وارد دوره اول متوسطه شده و این دوره سه ساله را نیز با رتبه اولی به پایان رسانید. و در مهر ماه سال ۱۳۳۹ دوره دوم متوسطه را آغاز کرد. پرویز وجدانی رشته تحصیل خود را در دوره متوسطه، رشته " طبیعی " را برگزید او باز این دوره سه ساله را در دبیرستان دولتی دکتر هوشیار با رتبه اول سپری کرد. و دست آخر در سال ۱۳۴۲ دیپلم متوسطه خود را دریافت نمود. - در سال ۱۳۴۲ با اخذ رتبه اولی در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز، اولین دوره تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز نمود و به خاطر احراز رتبه اولی در طی چهار سال تحصیل، از بورس کمک هزینه تحصیلی استفاده می کرد. وی در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی در رشته آگرونومی کشاورزی از این دانشکده شد. - پرویز وجدانی پس از استخدام موقت در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر و گذراندن دوره خدمت سربازی نظام وظیفه در سال ۱۳۴۸ در دوره کارشناسی ارشد رشته اصلاحات و نباتات در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پذیرفته و تحصیلات تخصصی خود را آغاز نمود و در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ مدرک فوق از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد "با توجه به اینکه تنها دانشجویی بودم که گرایش آمار و تحقیق را در گروه زراعت و اصلاح نباتات در این دانشکده می گذراندم و اکثریت دروس تخصصی این گرایش دروس آماری بود بنا به پیشنهاد استاد گراندردم مرحوم دکتر عباسقلی خواجه نوری، بیشتر دروس خود را در موسسه عالی آمار که ریاست آن را بعهده داشت می گذراندم - " در طی سالهای ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۵ شش دوره کامپوتری را در شرکتهای معتبر کامپیوتری تهران گذراندم و گواهینامه های رسمی از آنها دریافت نمود. - در سالهای ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۵ چندین دوره زبان انگلیسی را نیز در کلاسهای رسمی زبان در تهران گذرانید و موفق به اخذ امتیاز لازم جهت شرکت در امتحان تافل برای دوره دکتری در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا شد - در سال ۱۳۵۵ برای گذراندن دوره دکتری در رشته ژنتیک به دانشگاه کالیفرنیا آمریکا عازم شد و بمدت چهار سال در این دانشگاه به تحصیل پرداخت و در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ در رشته ژنتیک کمی و گرایش فرعی موفق به اخذ دکتری شد. خاطرات و وقایع تحصیل " : در واقع تمام خاطرات و وقایع دوران تحصیل هر فرد برای او جالب و ارزشمند است ولی یادآوری و نگارش همه و یا حداقل بخش مهمی از آنها کاری بس دشوار و حتی غیر ممکن است به همین دلیل در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می شود: - حادثه شکستگی دستم در شب امتحان: سال چهارم دبیرستان بودم که در یکی از روزهای امتحانات آخر سال که فقط دو امتحان ادبیات و جبر باقی مانده بود. برای جلوگیری از افتادن برادر کوچکم که به داخل حوض منزل ناچارا از روی حوض پریدم و در اثر برخورد پایم با لبه حوض، مچ دست راستم شکست و مجبور به گچ گرفتن آن شدم. با وصف کردن وضع جسمی خود برای دبیران ذریبند دبیر ادبیات قبول کرد که از من امتحان شفاهی بگیرد ولی متأسفانه دبیر جبر با اینکه میدانست من شاگرد اول دبیرستان و کلاس بودم ولی به دلیل اینکه در یکی از امتحانات بین سال یکی از هم کلاسی ها بدون اطلاع من از روی دست من تقلب کرده بود و باعث ناراحتی ایشان شده بود قبول نکرده که از من امتحان شفاهی گرفته شود و به همین دلیل من قادر به نوشتن ورقه خود نشدم و ایشان مرا در این درس تجدید کرد البته این اولین و آخرین تجدیدی من در تمام دوران تحصیل بود و جالب اینکه علی رغم همین نمره تجدیدی در این درس من رتبه اول را در خرداد ماه بدست آوردم و صد البته که این سخت گیری و غرض ورزی دبیر محترم هرگز از یادم نمی رود. - وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در دوران تحصیلات دکتری من: این واقعه عظیم در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ مصادف با دوره تحصیلات دوره دکتری من در آمریکا بود. قطعاً همه از بحرانهای آن روزها در داخل کشور و انعکاس آن در خارج از کشور مطلع هستید. مسلماً با مبارزاتی که در داخل و خارج از کشور بر ضد آمریکا صورت می گرفت و به ویژه موضوع اشغال سفارت امریکادر تهران و گروگان گیری

تعدادی از اتباع آمریکایی چنان تاثیری بر مقامات دولتی و حتی مردم آمریکا گذاشته بود که واقعا عرصه را بر ایرانیان مقیم آمریکا تنگ کرده بودند و به همین دلیل شرایط تحصیل و حتی زندگی عادی برای ما دانشجویان نیز تا مدتها بسیار سخت بود و خطرات این دوران همیشه برای من باقی مانده است." فعالیتهای ضمن تحصیل: عمده فعالیت های جنبی ضمن تحصیل پرویز وجدانی در دوران متوسطه به دو دسته ورزشی و هنری تقسیم می شود." فعالیت های ورزشی من در چهار سال اول دبیرستان در رشته فوتبال و در دو سال آخر در رشته بسکتبال بوده است و پیشرفت های خوبی در حد عضویت در تیم های دبیرستانی داشته ام. فعالیت های هنری من در زمینه های نقاشی و موسیقی در دوران تحصیلات دبیرستان بسیار توسعه یافت به طوری که اوقات زیادی را صرف تمرین نقاشی عمدتا به صورت خودجوش می کردم. البته گاهی هم از دبیر هنر دبیرستان خود کمک هایی می گرفتم. با توجه به علاقه ای که به ساز گیتار پیدا کرده بود ابتدا مدتی به صورت خود آموزشی و سپس در دو دوره جداگانه به آموختن این ساز در رشته پاپ و کلاسیک پرداختم و پیشرفت های قابل ملاحظه ای هم داشتم." دکتر وجدانی در دوران تحصیل در دانشکده کشاورزی در اهواز، مسئولیت انجمن هنری را برعهده داشته است وی همچنین در گروه موسیقی دانشکده نیز عضویت داشته است. در دوران تحصیل در دانشگاه تهران، بدلیل اشتغال در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر و نیز وضعیت تاهلی، فرصت کمتری برای ادامه فعالیت های هنری و ورزشی داشتند. معهدا در هر فرصتی که پیدا می کرد به تمرینات خود در زمینه نقاشی و موسیقی می پرداخت. ایشان از فعالیت های ضمن تحصیل در دوره دکتری چنین می گوید:" در دوران تحصیلات دکتری در آمریکا، با توجه به وضعیت تاهلی و حجم بسیار زیاد دروسها و مسائل پژوهشی ذریبط فرصت های کمتری برای فعالیت های جنبی پیش می آمد. معهدا در فرصت های ممکن مسافرت های کوتاه به همراه خانواده و دوستان، بازدید از مناطق دیدنی، شنا و گاهی تمرین موسیقی به عنوان یک سرگرمی یا تفریح از جمله مشغله های فرعی من بود" استادان و مربیان: اساتید ایرانی: دکتر رستمی، دکتر نجفی، دکتر میرعمادی، دکتر سلمان زاده، دکتر عظیمی، مهندس قطب، دکتر خواجه نوری، دکتر یزدی صمدی، دکتر درویش، دکتر صحت نیازی، دکتر ابراهیمی، دکتر حجت، دکتر زالی، دکتر داود زاده، دکتر سخاوت و دکتر پروین اساتید خارجی: دکتر هنکلیرسون، دکتر آلن، دکتر بورنس، دکتر پیلر، دکتر شیلالا، دکتر کیتون، دکتر والش، دکتر جی. گی. ونیس، دکتر کی. فوستر هم دوره ای ها و همکاران: هم دوره ایهای دانشگاه دکتر پرویز وجدانی: دکتر ساسخوخواه، مهندس قرائت، دکتر چچی، مهندس مویدی، مهندس توکلی، مهندس ضیائی، مهندس رفیعی، مرحوم مهندس قطبی، مهندس پاک سرشت، مهندس ابن جلدل، مهندس سلیمان نژادیان و غیره... همکاران بخش تحقیقات غلات در سطح کارشناسی: دکتر کاوه، دکتر وهابیان، مهندس محلدجی، مهندس تجدد، مهندس تولکی، مهندس علوی، مهندس صدری، مهندس ابراهیمیان، دکتر رجب زاده، دکتر پیمان و غیره... همکاران بخش تحقیقات ژنتیک و ذخایر (؟) گیاهی در سطوح کارشناسی: دکتر مظفری، دکتر طائب، دکتر بزرگی پور فدکتر ارشد، دکتر سپهوند، مهندس شاهمرادی، مهندس شفاء الدین، مهندس خاقانی، مهندس نیکپور، مهندس فروتن، مهندس علی آبادی زاده، مهندس فروتن پور، مهندس بحرایی، مهندس صفائی و غیره... همسر و فرزندان: اولین ازدواج، دکتر پرویز وجدانی در سال ۱۳۴۸ با یکی از بستگان خانواده مادریش صورت گرفته است که ماحصل این ازدواج یک فرزند دختر بنام ندا (متولد در سال ۱۳۵۱) است. او در زمینه های هنری از قبیل شعر، نقاشی، موسیقی و هنرهای گرافیکی و معرق فعالیت می کند. وی متأهل و دارای دو فرزند پسر است. ازدواج دوم ایشان در سال ۱۳۶۱ یعنی پس از اتمام دوره دکتری و بازگشتش به ایران با خانمی از اهالی سیرجان صورت گرفت. ماحصل این ازدواج فرزند پسری است بنام هومن (متولد ۱۳۶۲). او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی کامپیوتر (سخت افزار) در دانشگاه ازاد اسلامی تهران به پایان رسانیده است. هومن در حال حاضر مجرد است. وقایع میانسالی: دکتر پرویز وجدانی از وقایع به وقوع پیوسته خود در زندگی خود چنین یاد می کند:" ازدواج اول من و در پی آن جدایی و از هم پاشیدن شیرازه زندگی که با اقدام یک جانبه و بدون اطلاع همسر سابقم در آمریکا پیش آمد که از مهمترین وقایع غیرمنتظره زندگی من محسوب می شود."

وی هم چنین از نجات جان پسرش از یک بیماری خطرناک که در سال ۱۳۸۰ اتفاق افتاده بود خدا را شاکر است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای داری و مدیریتی دکتر پرویز وجدانی به قرار زیر است: مسئولیت آزمایشگاه مرکزی در بخش تحقیقات باغبانی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر در سال ۱۳۴۶ مسئولیت تحقیقات به زراعی غلات کرج در موسسه فوق الذکر از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۱ مسئولیت هماهنگی تحقیقات به زراعی غلات کشور، با حفظ سمت ردیف ۲ در موسسه فوق از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۰ مسئولیت واحد آمار و کامپیوتر موسسه فوق الذکر با حفظ سمت های ردیف ۲ و ۳ از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۶۹ مسئولیت بخش تحقیقاتی ژنتیکی و سرپرستی بانک ژن گیاهی ملی در موسسه فوق الذکر از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۳ ماموریت خدمت در ستاد مرکزی سازمان تحقیقات کشاورزی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۴ ماموریت خدمت در حوزه معاونت آموزشی و تجهیز نیروی انسانی سازمان فوق الذکر از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۷۹ مسئولیت شورای انتشارات موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۳ مسئولیت برگزاری و هماهنگی سخنرانی علمی موسسه فوق الذکر از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۳ عضویت کمیته امور فنی و تحقیقاتی موسسه فوق الذکر از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۳ عضویت هیئت تحریریه مجله علمی تحقیقی "نهال و بذر" و سردبیری این مجله از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۳ همکاری با تعدادی از مجلات علمی کشور در زمینه ویراستاری علمی مقالات مسئولیت هماهنگی فعالیت ها و تحقیقات ذخایر (؟) گیاهی ایران در مناطق غرب آسیا و شمال آفریقا WANA از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۳ عضویت در فرهنگستان علوم ایران، شاخه زراعت و اصلاح نباتات گروه کشاورزی از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۶ عضویت (مدعو) در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ عضویت در شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۸ عضویت در انجمن متخصصین زراعت و اصلاح نباتات ایران عضویت در هیئت تحریریه مجله زیتون وابسته به وزارت کشاورزی بمدت دو سال عضویت در کمیته ذخایر (؟) مناطق غرب آسیا و شمال غرب آفریقا WANA از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۷۳ عضویت در انجمن سابق ژنتیک ایران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۵ عضویت افتخاری در انجمن جدید ژنتیک ایران از سال ۱۳۸۵ دکتر وجدانی از خرداد ماه سال ۱۳۷۹ به افتخار بازنشستگی نائل آمده است. فعالیتهای آموزشی: فعالیت های آموزشی: تدریس بسیاری از دروس تخصصی آمار، طرح آزمایشات، ژنتیک و روش های تحقیق در دوره های باز آموزی وزارت کشاورزی برای کارشناسان و محققین موسسات مختلف طی سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹ تدریس دروس مختلف مشتمل بر ژنتیک کمی، ژنتیک جمعیت، ژنتیک ملکولی، ژنتیک بیومتری، ژنتیک تکمیلی، آمار پیشرفته، بیومتری های ۱ و ۲، آمار مقدماتی، طرح های آزمایش های کشاورزی مقدماتی و پیشرفته و روشهای تحقیق در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های مختلف داخل کشور از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۸ مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: مراکزی دکتر وجدانی از بانیان آن می باشد: - بانک ژن گیاهی ملی ایران، در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر - بخش تحقیقات ژنتیک، در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر - واحد آمار و کامپیوتر، در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: سایر فعالیت های: پرویز وجدانی از سایر فعالیت های خود در اوقات فراغت و غیره چنین می گوید: ساعات فراغت من با مطالعه، ورزش سبک، رسیدگی به گل و گیاه، موسیقی، نقاشی و تماشای برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی می گذرد. البته با توجه به علاقه فراوانی که به دید و بازدید دوستان و بستگان دارم در هر فرصت ممکن به این امر اقدام می کنم. شاگردان: دکتر پرویز وجدانی دانش آموختگانی در دانشگاههای مختلف کشور بخصوص دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و واحد کرج، دانشگاه تهران، دانشگاه گیلان، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه آزاد جیرفت، و غیره داشته است. جوائز و نشانها: نشانهای و جوایز دریافتی دکتر پرویز وجدانی به قرار زیر است: الف) در زمینه های علمی: تقدیر آموزش و پرورش منطقه ذریبط بخاطر احراز رتبه اول در امتحانات نهایی دبیرستانی در رشته طبیعی در منطقه در سال ۱۳۴۲ اخذ بورس تحصیلی و کمک هزینه تحصیلی بخاطر احراز رتبه اول در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز از سال

۱۳۴۲ تا سال ۱۳۴۶ اخذ لوح تقدیر و تندیس از انجمن ژنتیک ایران در سال ۱۳۸۵ عضویت افتخاری در انجمن ژنتیک ایران در سال ۱۳۸۵ اخذ تقدیرنامه و جایزه بخاطر انتخاب مجموعه ۱۵ جلدی "فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی" تهیه شده توسط گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران به عنوان کتاب برگزیده سال از طرف دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۲ چندین مورد تقدیر و تشکر در جلسات علمی داخلی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر طی دوران خدمت دولتی ب) در زمینه هنری: احراز رتبه دوم در رشته گیتار و اخذ مدال نقره و گواهینامه مربوط در مسابقات هنری دانشگاه های کشور در سال ۱۳۴۶ چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی: اجرای ۶۹ طرح یا پروژه تحقیقاتی با سمت مجری مسئول اجرای ۳۷ طرح یا پروژه تحقیقاتی با سمت همکار مجری اجرای ۶ طرح و پروژه تحقیقاتی با سمت هماهنگ کننده مشارکت در اجرای ۴۲ طرح و پروژه تحقیقاتی دانشگاهی (در قالب پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری) با سمت استاد راهنما یا استاد مشاور مشارکت در اجرای یک پروژه تحقیقاتی با سمت ناظر ارائه ۲۵ مورد گزارش های سالانه طرح های تحقیقاتی غلات ارائه یا مشارکت در ارائه ۵۶ مورد گزارش های نهایی طرح های تحقیقاتی غلات و سایر محصولات ارائه ۶۲ مورد مقالات علمی و کلیدی (۱۳ مورد در نشریات و مجامع بین المللی و ۴۹ مورد در نشریات و مجلات علمی داخلی) ارائه ۱۳ مورد در نشریات داخلی بخش های تحقیقاتی در موسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر ارائه ۲ مورد گزارش های کشوری در مجامع بین المللی مشارکت در ارائه ۴۲ مورد پایان نامه در سمت استاد راهنما یا استاد و مشاور مشارکت در تحقیق و انتشار گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی "ارزشیابی وضعیت کتابهای علمی رشته کشاورزی ایران از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران. مشارکت در تحقیق و انتشار گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی "ارزشیابی وضعیت علمی رشته های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه های کشور" از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران مشارکت در تحقیق و انتشار گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی "آینده و امنیت غذایی کشور" از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران مشارکت در بررسی های تخصصی و تصویب معادل های فارسی واژه های تخصصی رشته زراعت و اصلاح نباتات از طریق فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران ارائه ۲۲ سخنرانی در مجامع علمی خارج از کشور ارائه ۲۰۶ سخنرانی علمی مستقل و یا مشترک در مجامع علمی داخل کشور همکاری در راهنمایی و مشاوره بیش از ۴۲ پایان نامه دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های مختلف کشور از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۹

آثار: احتمالات آمار و مقدماتی کاربردی و ویژگی اثر: این کتاب که به صورت مشترک توسط دکتر پرویز وجدانی و دکتر عباس گرامی تالیف گردیده است. این کتاب از طریق انتشارات حوزه معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات کشاورزی منتشر شده است. در این کتاب به اصول و مبانی آمار مقدماتی و احتمالات در سطح دوره کارشناسی پرداخته شده است. ۲. دانشنامه بیو تکنولوژی و ژنتیک و ویژگی اثر: این دانشنامه توسط مرکز دانشنامه بزرگ فارسی وابسته به وزارت علوم در دست تهیه است. در این دانشنامه واژه های تخصصی در زمینه های ژنتیک و بیوتکنولوژی در مقالات علمی یا تعاریف تخصصی توسط اساتید ذیربط ارائه گردیده است. دکتر وجدانی در تهیه و ارائه مقالات این دانشنامه نقش قابل توجهی دارد. ۳. فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی - رشته زراعت و اصلاح نباتات و ویژگی اثر: این کتاب یکی از پانزده جلد مجموعه ای تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی "است که توسط اعضاء گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران تالیف گردیده است. این کتاب در سال ۱۳۸۲ به عنوان کتاب برگزیده سال از طرف دانشگاه تهران انتخاب و معرفی شده است.

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مهدی وجگان سال ۱۳۴۵ در شهری متولد شد دوران ابتدایی تا دبیرستان را در همان شهر سپری کرد. پس از ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۹ موفق به دریافت دکترای دامپزشکی گردید و سپس بعد از قبولی در دوره تخصصی در سال ۱۳۷۴ مدرک تخصصی رشته مامایی و بیماریهای تولید مثل دام را کسب نمود و از سال ۱۳۷۵ تا کنون به عنوان استادیار در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول به تدریس و آموزش و تحقیق است. گروه: کشاورزیرشته: دامپروریگرایش: مامایی و بیماریهای تولید مثلوالدین و انساب: پدر دکتر وجگانی، غلامحسین وجگانی و مادر محترم وی نصرت بهرام دریاییگی به ترتیب متولد شهر کاشان و اصفهان میباشد که فاقد تحصیلات هستند، برادر وی دکتر محمد وجگانی متولد ۱۳۳۹ شهر ری دارای مدرک دکترای تخصصی ایمنولوژی و استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران است و خواهرشان فاطمه وجگانی متولد ۱۳۴۳ دیپلم هستند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: با توجه به اینکه پدر دکتر وجگانی از کارگران کارخانه ریسندهی اطلس بافت بودند و درای یک مغازه خرازی هم در حله مسکونیشان بودند به حمد... مشکل مالی نسبت به اطرافیات به گفته خود ایشان نداشتند ولی به لحاظ تامین نسبی مالی و شرایط بسیار خوب درون خانواده بوجود آمده بود شرایط گرم و دوست داشتنی بر خانواده حاکم بود که این فضا امکان تحصیل و ... را فراهم میکرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: گرفتن دیپلم علوم تجربی سال ۱۳۶۳، اخذ مدرک دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۹ و همچنین مدرک تخصصی دامپزشکی مامایی و بیماریهای تولید مثل دام از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۴. خاطرات و وقایع تحصیل: دکتر مهدی وجگانی در این باره میگوید: «شاید تلخ ترین خاطرات این دوران بتوانم به از دست دادن دو نفر از همکلاسیهای بسیار خوبم به نامهای شهید میرزایی و شهید رجبعلی افسری اشاره کنم که لحاظاتی که در کنار ایشان بودم و درسهایی که از این عزیزان گرفتم تا پایان عمر فراموش نخواهم کرد.» فعالیتهای ضمن تحصیل: همکاری با جهاد دانشگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از فعالیت های ضمن تحصیل مهدی وجگانی بوده است. استادان و مربیان: دکتر سید محمد فقیهی و دکتر پور بازرگانی و دکتر حسن تاجبخش از نمونه استادانی بودند که وجگانی از محضر این اساتید در دانشگاه دامپزشکی بهره برده است. هم دوره ای ها و همکاران: از همدوره ایها دوران دکترای دامپزشکی که به عنوان همکار نیز مشغول به خدمت هستند میتوان به: دکتر سید جاوید آل داوود، دکتر افشین رئوفی، دکتر فرید مست زاری، و از همکاران هیئت علمی ایشان در سایر دانشگاهها دکتر حسن قوسیان، دکتر شیخانی دکتر صداقت رامیتوان نام برد. همسر و فرزندان: دکتر وجگانی در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرده و دارای یک فرزند پسر و دو فرزند دختر میباشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر وجگانی در مقاطعی ریاست بیمارستان آموزشی و پژوهش دانشکده واقع در کرج و معاونت اداری و مالی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و مدیر گروه علوم درمانگاهی را برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی: از فعالیتهای آموزشی دکتر وجگانی به تدریس دوره دکترای عمومی و تخصصی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران میتوان اشاره کرد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: دکتر وجگانی مؤسس آزمایشگاه IVf (لقاح خارجی رحم) در دانشکده دامپزشکی بوده است. جوایز و نشانها: لوح تقدیر به همراه جوایز در خصوص شرکت در طرح شبیه سازی گوسفند Cloning از افتخارات دکتر وجگانی است. آثار: مبارزه بر علیه ورم پستان و ویژگی اثر: ترجمه ۲ نا باروریهای تغذیه ای و متابولیک در گاو ویژگی اثر: ترجمه ۳ نابروری و مامایی در مادیان ویژگی اثر: ترجمه ۴ ورم پستان در گاو ویژگی اثر: ترجمه

رجال و تراجم

ابطحی اصفهانی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابطحی شهرت سلسله‌ای از سادات رفیع‌الدرجات است و تیره‌های مختلفی هستند که در اصفهان و کاشان و تهران و قم و خراسان و سایر نقاط ایران و عراق سکونت دارند بعضی از آنها حسینی و بعضی موسوی و برخی رضوی و یا علوی و غیره می‌باشند ولی به این شهرت و صفت هویت خود را معروف ساخته‌اند مثلاً اخ‌الزوجه نگارنده جناب حجه‌الاسلام حاج سید حسن ابطحی خانی نسبتاً موسوی هستند ولی به ابطحی شهرت یافته‌اند.

یکی از این تیره‌ها ابطحی‌های اصفهان و خمینی‌شهرند که در آن سامان و قم و تهران و ری زندگی می‌کنند و تمامی با همبستگی و خویشاوندی دارند و در پشت سوم و چهارم الی دهم یکی می‌شوند و از آنهاست جناب حجه‌الاسلام و محقق فهام و مفسر علام آقای حاج سید محمدباقر ابطحی فرزند آیت‌الله حاج سید مرتضی ابطحی که در تاریخ ۱۳۴۹ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و متون فقه و اصول در تاریخ ۱۳۶۶ قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر حوزه علمیه چون آیت‌الله آقای خمینی و گلپایگانی و حاج سید احمد خونساری و آقای اراکی و محقق یزدی استفاده کامل نموده و هم علوم عقلیه فلسفه و الهیات شفا را از استاد بزرگوار علامه طباطبائی فراگرفته و ضمناً تدریس فقه و اصول را برای عده‌ای از محصلین می‌نمایند.

آثار علمی معظم‌له عبارت است از: ۱- الدور اللامعه فی الاحادیث الجامعه ۲- المدخل للتفسیر الموضوعی للقرآن الکریم پنج مجلد که جلد اول آن مطبوع و بقیه آماده برای طبع است.

۳- ترتیب اساتید الوسائل و مصادرهما و تحقیق رجالها علی اسلوب منهجی درسی

آیت‌الله آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اولین فرزند حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی موحد ابطحی و سبط مرحوم آیت‌الله متقی حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی در سال ۱۳۴۶ قمری در شب دوم ماه مبارک رمضان در بیت علم و تقوا متولد شده و مقدمات و متون فقه و اصول را در حوزه علمیه (مدرسه صدر اصفهان) نزد والد ماجدش و اساتید مشهور اصفهان از جمله آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب و آیت‌الله حاج شیخ محمود مفید فراگرفته و در ربیع‌الاول سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدرسه حجتیه اقامت و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌الله حجت و نیز محضر و درس زعیم اعظم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره حاضر و با اینکه در آن موقع سنش از بیست تجاوز نکرده بود کاملاً با ایراد و نقد و صحبت کردن در درس معظم‌له جلب نظر ایشان را نموده و پاسخ می‌گرفت و کتاب قضاء و شهادات را در محضر آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و در سال ۱۳۷۰ ق- ه به قصد استفاده از حوزه علمیه نجف مسافرت به آن سامان و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگ آمرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله شاهرودی و خوئی مستفیض و بهره‌مند شده لیکن به علت گرمای طاقت‌فرسای نجف مجبور به مراجعت به قم گردیده و پیوسته تحقیق راه و روش تعالیم فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر را از محضر آیت‌الله العظمی بروجردی و نائب‌الامام آیت‌الله العظمی خمینی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای حاج شیخ محمد علی اراکی و مرحوم آقای محقق یزدی و فلسفه و اسفار و شفاء را از فیلسوف بزرگ علامه طباطبائی و قانون بوعلی را از والد ماجدش و علامه حاج میرزا محمد طیب‌زاده فراگرفته و ضمناً به تدریس سطوح عالی فقه و اصول پرداخته و اکنون دارای حوزه درسی تحقیقی و استدلالی فقه و اصول که جمعی از فضلا و محصلین با استناد از محضر و بیانشان استفاده می‌کنند. می‌باشند.

دارای تالیفات و آثار علمی چندی می‌باشند که از دیدگاه دانش‌پژوهان می‌گذرانم. ۱- کتاب زکوة و خمس و صوم و اعتکاف از

کتاب جامع الاحادیث آیت‌الله العظمی بروجردی که با شرکت و معاونت چند تن از فضلاء چون حجة الاسلام حاج آقا جواد خندق آبادی و حاج آقا جلال گلپایگانی و آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی (برادر گرامی خود) تالیف نموده و به آن مرحوم تحویل که بعد از رحلتش با تجدید نظر و مقابله با حضرت آیت‌الله العظمی خوئی به طبع رسید.

۲- الدرر العلامه فی الاحادیث الجامعه للاحكام الفقهیه... که آن مقدمه‌ای است برای کتاب جامع الاحادیث که اخبار طولانی در آن تقطیع شده است.

۳- المدخل الی (التفسیر الموضوعی) للقرآن الحکیم پنج جلد که جلد اول در دو جزء به چاپ رسیده است.

۴- جامع الآثار فی تفسیر القرآن که به اسلوب جدید تمام اخبار مصادر و جوامع احادیث اهلبیت علیهم السلام بررسی (به کمک فضلاء لجنه تحقیق).

۵- معجم اسناد روایات که از تمام احادیث موجوده در مصادر اولیه و جوامع بزرگ حدیث چون بحار الانوار و عوالم و وسایل اتخاذ و به اسلوب جدولی منظم و با کمک فضلاء لجنه تحقیق در شرف اتمام است.

۶- توحید الروایات که در تمام اخبار مصادر و جوامع حدیث در هر موضوع با استقصاء وحدت روایت از نظر سند و متن (با کمک فضلاء لجنه انجام گرفته).

۷- فقه جامع الاحادیث که از نظر تفسیر و دلالت بر حدیث و جمع دلالات احادیث و بررسی معارضات و کیفیت علاج و جمع آن (با کمک فضلاء لجنه تحقیق).

اما باقیات الصالحات و آثار تاریخی معظم له.

۱- مدرسه الامام المهدی در قم ۲- مدرسه علمی در شهرستان اقلید ۳- مساجد بسیاری در منطقه وسیع اقلید و سرحد چهار دانگه بیلاق تمام عشایر فارس ۴- مراکز تبلیغ در شهرستان اقلید و سرحد چهار دانگه ۵- درمانگاه ولی عصر (ع) در حومه اقلید ۶- بیمارستان ولی عصر (ع) در شهرستان اقلید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

برادر معظم له حجة الاسلام ذخر العلماء الاعلام آقای آقاسید محمدعلی ابطحی در سال ۱۳۵۰ قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و سطوح عالی در سال ۱۳۶۸ به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده، و در سال ۱۳۷۸ قمری مهاجرت به نجف نموده و در آنجا از محضر درس مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده، و ضمناً اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند از تالیفات ایشانست تهذیب المقال فی تنفیح الرجال للشیخ النجاشی که جلد اول و دوم آن به طبع رسیده است.

حاج سید محمد علی فرزند دوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی حفید آیت‌الله حاج سید محمد تقی فقیه احمد آبادی صاحب (مکیال المکارم) معظم له که از فقهاء و جامع معقول و منقول و از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و اصفهان می‌باشد.

در شهر اصفهان سال در ۱۳۴۹ ق روز ۲۶ صفر المظفر متولد گردید و پس از تحصیلات فارسی به علوم عربی اشتغال پیدا کرد و

اکثر کتب نحو و صرف و منطق را نزد پدر بزرگوارش تلمذ نمود و منظومه منطق حاج سیزواری را نزد استاد بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا کلباسی و شرح نفیسی و شرح اسباب را نزد پدر خود و مقداری از قانون را نزد اساتید معروف آیت‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی قدس سره و سطح اصول و فقه تا کفایه و مکاسب شیخ را نزد اساتید عالی‌قدر حوزه اصفهان از جمله آیت‌الله ارباب و آیت‌الله حاج شیخ محمود مفید استفاده کرد.

در سال ۱۳۶۴ به حوزه مقدسه (قم) مشرف و اکثر تحصیلات فلسفه را فیلسوف بزرگ علامه بزرگوار آیت‌الله حاج سید محمدحسین طباطبائی صاحب (المیزان) دام ظلّه بود.

و به درس اسفار و شفاء ابن سینا و سایر دروس و ابحاث معظم له حاضر شده و در فقه و اصول به درس آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی آقای حجت و سایر آیات و اساتید حوزه حاضر و از میرزین فضلاء و مؤلفین و مدرسین حوزه به شمار می‌رفت و در درس آیت‌الله بروجردی ره اشکالات او مورد توجه بود و آن مرحوم اظهار علاقه به وی می‌نمود و از مؤلفین کتاب نفیس (جامع‌الحادیث) می‌باشد.

و در ربیع‌الاول سال ۱۳۷۴ به نجف اشرف تشریف پیدا کرده و به درس آیات عظام آیت‌الله حکیم، و آیت‌الله سید عبدالهادی و آیت‌الله خوئی حاضر و پس از وفات استاد بزرگوارش آیت‌الله بروجردی به تدریس اصول و فقه خارج و تالیف منحصرأ پرداخته و جماعتی از فضلاء به درس وی حاضر می‌شدند.

و پس از حادثه اسف‌بار بیرون کردن حوزه علمیه نجف اشرف و ایرانیان به مدتی در دهم جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ به علت کسالت قلبی به ایران آمدند و تاکنون در اصفهان استاد خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال در اصفهان و مورد استفاده حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر می‌باشند.

مترجم گرامی ما از دانشمندان پرکار و جدی چه در تحصیل و چه در تدریس و چه در تالیف می‌باشند و از روز ورود به تحصیل تا حال حاضر همواره اشتغال به مطالعه و تالیف کتب قیمه و مفیده داشته و هرگز بیکار نبوده و لذا تالیفات بسیاری در قم و نجف نموده‌اند که فهرست آن را غیر از تقریرات بحث اساتید از نظر اهل ادب می‌گذرانیم. و اکثراً تاکنون طبع نشده و از مطبوعات آن است. ۱- تهذیب‌المقال اول، و دوم که در نجف اشرف و اخیراً در بیروت - تجدید طبع شده.

۲- شرح رساله ابی‌غالب زراری ره.

۳- تاریخ آل زراره.

و از غیر مطبوع - مؤلفات معظم له:

۱- الطبقات‌الکبری، در احوال و تراجم اصحاب پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) ۳۶ مجلد.

۲- شرح رجال نجاشی ۶ مجلد.

۳- شرح رجال کشی ۲ مجلد.

۴- شرح فهرست شیخ طوسی ۲ مجلد بزرگ.

۵- اخبار‌الرواه در شناسائی رواه شیعه از طریق روایاتی که در مدح و ذم آنان رسیده و یا از طریق روایاتی که او روایت نموده.

۶- شرح کفایة‌الاصول ۳ مجلد دوره اصول تحقیقی استدلالی.

۷- شرح (عروة‌الوثقی فقه استدلالی، کتاب طهارت، و صلوات و صوم، و خمس، و حج و اجاره و مضاربه و نکاح و وصیت آن تالیف شده.

۸- الجهاد فی الاسلام فقه استدلالی.

۹- الخمس فی الاسلام.

- ۱۰- شرح وسایل الشیعه شرح تحقیقی کامل از نظر سند، و دلالت و سایر جهات فقهیه آنها و قسمتی از کتب آن تالیف شده مثل کتاب طهارت، صلوٰه، صوم، حج، جهاد، نکاح.
- ۱۱- کتاب الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) ۲ مجلد.
- ۱۲- علوم القرآن ۲ مجلد.
- ۱۳- المعراج- بحث استدلالی مبسوط در معراج.
- ۱۴- التوحید بحث استدلالی مبسوط در الهیات.
- ۱۵- النبوه.
- ۱۶- النهضة.
- ۱۷- الحکومه الاسلامیه بحث استدلالی مبسوط در انحاء حکومتات و حکومت اسلامی. ۱۸- المالکیه فی الاسلام.
- ۱۹- رساله فی الرضاع.
- ۲۰- رساله فی صلوٰه الجمعه.
- ۲۱- رساله فی النیابه.
- ۲۲- رساله فی صله الرحم.
- ۲۳- رساله فی الشفاعه.
- ۲۴- رساله فی الذباحت.
- ۲۵- شرح الوسيله.
- ۲۶- نخبه الاثر فی رجال المعبر.
- ۲۷- مصادر تراجم رواة الشیعه.
- ۲۸- موالید النبی الاکرم و الائمه (ع) و وفیاتهم.
- ۲۹- تاریخ اصبهان.
- ۳۰- الزهراء علیها سلام.
- ۳۱- علی (ع) فی القرآن.
- ۳۲- النبی و عایشه.
- ۳۳- علی و عایشه.
- ۳۴- ازواج النبی و عایشه.
- ۳۵- تاریخ عایشه.
- ۳۶- ابوهریره.
- ۳۷- مراسیل ابن ابی عمیر و اصحاب الاجماع.
- ۳۸- الموعود المنتظر (ع).
- ۳۹- اخبار الزمان و وفیات الاعیان.
- ۴۰- شرح کتاب طهارت و صلوٰه وافی فیض، شرح استدلالی و غیر از این رسائل دیگری که تالیف آن کامل نشده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۲۷ - ۲۴۰ ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث پردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِتّان و مسلم بن حجاج و حجاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زنجویه و ابوزرعه رازی و ابن واره بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مردک، حمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده است. از آثار وی: «الجرح والتعديل». «تقدمه المعرفة للجرح والتعديل»؛ «التفسیر»؛ «الرد علی الجهمیه»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «المسند»؛ «الفوائد الکبیر»؛ «ثواب الاعمال»؛ «المراسیل»؛ «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»؛ «الکنی»؛ «الزهد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۹۹)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (۳۲)، تهذیب التهذیب (۹/ ۲۹)، الجرح والتعديل (مقدمه / د - ط)، ریحانه (۲/ ۲۸۶)، سیر النبلاء (۲۶۹ - ۲۶۳ / ۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۴۰، ۱۴۵۸، ۱۴۴۰، ۵۸۳ - ۵۸۲، ۴۳۶)، لسان المیزان (۳۰۰ - ۲۹۹ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / رازی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ - ۱۷۰ / ۵)، هدیه العارفین (۱/ ۵۱۳).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱ ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعظام شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت

قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضممار فقاهاث یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه‌ی ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حوادث سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ بهائی رحمه‌الله‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله‌الملك الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان‌الله جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رابعه‌النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نورالله شوشتری نورالله مرقد الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلاً با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکره‌المقابر» فی «احوال‌المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبدالله مامقانی در رجال خود (تنقیح‌المقال) می‌گوید و از چیزهایی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استاد علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل‌البیت علیهم‌السلام آیه‌الله نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل الشرایع ۳- کتاب معانی الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبار الرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینه‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرت‌های طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرت‌ها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالیهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستکف المسیح ان یشکون عبداً لله) است

۵- مرحوم حجه‌الاسلام و شیخ‌الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیه‌الله آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ‌المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکره‌المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دوست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در

آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینه‌العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» اثبات الخلافة؛ «فضائل الشیعه»؛ «علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیه»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعه»؛ «نصوص الائمه» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۷ / ۱۵۹)، اعیان الشیعه (۲۵ - ۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲، ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ - ۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۳ / ۸۹)، خاتمه مستدرک الوسائل (۲۶۵ - ۲۵۷، ۲۴۰ / ۳)، دانشنامه (۳ / ۴۳۱ - ۴۳۲)، دایرة المعارف فارسی (۱۷ - ۱۶ / ۱)، الذریعه (۲۴ / ۱۷۹)، ۲۳۲ / ۲۰۴، ۲۱ / ۲۶۰، ۱۶ / ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵ / ۱۵، ۱۶۲ / ۷ / ۴۸۲، ۴ / ۳۱۵، ۲ / ۲۲۶، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶ - ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ - ۱۲۳ / ۶)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵ - ۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ - ۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶ - ۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ - ۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ - ۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ - ۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ - ۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی واللقاب (۲۲۳ - ۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ - ۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ - ۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ - ۳۱۶ / ۱۶)، هدیه الاحباب (۵۰ - ۴۹)، هدیه العارفین (۵۳ - ۵۲ / ۲).

ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۶ / ۴۷۵ - ۴۲۲ / ۴۲۱ ق)، رجال‌شناس، حافظ، محدث و شاعر. از فرزندزادگان ابودلف عجلی است. اصل وی از گلپایگان بود. در عکبرا، نزدیک بغداد، متولد شد. نزد ابن‌بشران، خرائطی حنبلی، ابوالطیب طبری و قشیری درس خواند و در ۴۴۷ ق پس از مرگ عمویش، قاضی‌القضات بغداد شد. وی با ابراهیم بن اسحاق حنبل دوستی داشت و با احمد عتیقی و خطیب بغدادی معاشر بود. ابن ماکولا - با محافل نیمه حنبلی و نیمه شافعی اطراف ابن‌مسلمه وزیر و قائم، خلیفه عباسی که تلاش در براندازی آل‌بویه، که خاندان ماکولا قدرت و ثروت از آنها داشتند، پیوستگی داشت. ابونصر به شام، مصر، عراق، ماوراءالنهر، جزیره و خراسان سفر کرد و از دانشمندان آن مرز و بوم حدیث شنید و کسانی مثل حسن بن احمد سمرقندی و شجاع بن فارس ذهلی از وی روایت کرده‌اند. او سرانجام به دست غلام ترک خود به قتل رسید. در مکان و سال مرگ وی اختلاف است. از جمله آثارش: «الاکمال فی المؤلف والمختلف» در اسماء الرجال و بررسی اسامی متشابه رجال حدیث است؛ «تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی والاحلام»؛ «مفاخر القلم والسیف والدینار»؛ «الوزراء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۳ / ۵)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۶ - ۸۲۵ / ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۶۷۴ - ۶۷۳ / ۱)، سیر النبلاء (۵۷۸ - ۵۶۹ / ۱۸)، کشف الظنون (۱۷۵۸، ۱۶۳۷)، الکنی واللقاب (۳۹۹ / ۱)، المستفاد فی ذیل تاریخ بغداد (۲۰۳ - ۲۰۱)، معجم الادباء (۱۱۱ - ۱۰۲ / ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۷ / ۷)، وفیات الاعیان (۳۰۶ - ۳۰۵ / ۳)، هدیه الاحباب (۸۵)، هدیه العارفین (۶۹۳ / ۱)،

ریحانه (۱۸۵/۸).

ابن بَطَّه قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، ادیب، محدث، نحوی، لغوی و رجال‌شناس امامی. در روزگار غیبت صغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایت‌هایش احادیث سستی یافت می‌شود. وی از احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین به حسن قمی و محمد بن حسن صفار و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب حدیث شنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسماء الله تعالی و ما يدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن‌بَطَّه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/ ۲۶۱)، الذریعه (۱۷/ ۷۰، ۳۷۵- ۳۷۴/ ۱۶)، رجال النجاشی (۲۸۳- ۲۸۲/ ۲)، ریحانه (۷/ ۴۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۴- ۲۵۳/ ۴)، الفهرست للطوسی (۳۹)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۴۸).

ابن عَدِيّ جرجانی، ابواحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۵- ۲۷۷ ق)، حافظ، محدث، رجال‌شناس و فقیه شافعی. مشهور به ابن‌عدی و ابن‌قَطَّان. در گرگان به دنیا آمد. در طلب حدیث از اسکندریه تا سمرقند سفر کرد، و از محمد بن خزیم، عبدالصمد بن عبدالله بن ابی‌زید، عبدالانوار، ابومحمد بن صاعد و دیگران که متجاوز از هزار نفرند حدیث شنید. برخی نیز چون ابوالعباس بن عقده، استاد خود وی، و حمزه بن یوسف سهمی و ابوسعید مالینی و دیگران از او حدیث شنیده، و وی را محدثی فقیه و حافظ دانسته‌اند. در گرگان وفات یافت. از آثار او: «الکامل فی الجرح والتعديل» یا «الکامل فی معرفه الضعفاء و المتروکین من الرواة»، در معرفی ضعیفان اهل حدیث؛ «الانتصار» یا «الابصار»، در نقل حدیث جماعتی از متقدمان؛ «علل الحدیث»، در هشت جزء؛ «معجم»، در اسامی استادانش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۳۹)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۷۴)، تاریخ اسلام (حوادث ۳۴۱- ۳۳۹/ ۳۸۰- ۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵/ ۷۰۳)، ریحانه (۱/ ۴۰۲- ۴۰۱)، سیر النبلاء (۱۵۶- ۱۵۴/ ۱۶)، کشف الظنون (۱۳۸۲)، معجم البلدان (۱۴۲- ۱۴۱/ ۲)، معجم المؤلفین (۶/ ۸۲)، هدیه العارفین (۱/ ۴۴۷).

ابن منجم، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۲- ۲۷۷/ ۲۷۶ ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود. ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النوروز والنوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۳/ ۵)، ریحانه (۲۶۷/ ۸، ۳۶۹/ ۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۸)، کشف الظنون (۱۵۵۹، ۱۴۶۸، ۱۲۵۶)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم الادباء (۱۲۰- ۱۱۲/ ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۶/ ۷)، وفيات الاعیان (۳۷۶- ۳۷۵/ ۳)، هدیة العارفین (۶۸۰/ ۱).

ابن ولید قمی، ابوجعفر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۳ ق)، فقیه، محدث و رجال‌شناس شیعی. از محمد بن صفار و سعد بن عبدالله اشعری و دیگران علم آموخت. وی به دقت در شنیدن حدیث شهرت داشت. نجاشی او را ثقه خوانده است. شیخ صدوق، تلعبکری، ابوالحسین بن ابی جید و علی بن حسین بن بابویه از شاگردان وی بودند و از او روایت کرده‌اند. فرزندش، احمد بن محمد استاد شیخ مفید و از مشایخ اجازه اوست. از آثارش: «التفسیر القرآن»؛ «الجامع»؛ و فهرستی در رجال.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: رجال ابن داود (قسم ۳۰۸/ ۱)، رجال الطوسی (۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۰۲- ۳۰۱/ ۲، ۱۲۳/ ۱)، ریحانه (۲۶۵/ ۸)، الفهرست للطوسی (۲۸۵- ۲۸۴)، الکنی واللقاب (۴۴۶/ ۱)، معجم رجال الحدیث (۲۰۸- ۲۰۶/ ۱۵).

ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۹- ۲۷۴ ق)، محدث، مفسر و رجالی. محدث اصفهان بود. وی از کودکی در جستجوی حدیث بود. از جد مادری‌اش، محمود بن فرج زاهد، و محمد بن عبدالله همدانی، رییس اصفهان، و ابراهیم بن رسته، و احمد بن رسته اصفهانی، و ابوالقاسم بغوی و علی بن سعید رازی، و محمد بن یحیی مروزی، و جعفر فریابی حدیث شنید. ابن منده و ابن مردویه و احمد بن عبدالرحمان شیرازی و سفیان بن حسنکویه و ابونعیم حافظ و محمد بن علی بن بهروز مرد و فضل بن محمد کاشانی و محمد بن علی بن سمویه و احمد بن محمد یزدی از وی حدیث شنیدند. ابن مردویه او را محدثی امین و مورد اعتماد دانسته است. وی شصت سال به تصنیف و تألیف اشتغال داشت. از آثار وی: «التفسیر»؛ «ثواب الاعمال»، در پنج مجلد؛ «السنن»؛ در چند مجلد؛ «السنة»؛ «طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها»، در دو مجلد؛ «العظمة»، رساله‌ای در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۴/ ۴)، ریحانه (۱۵۶- ۱۵۵/ ۷)، سیر النبلاء (۲۸۰- ۲۷۶/ ۱۶)، کشف الظنون (۱۴۳۹، ۱۴۰۷، ۱۴۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالله)، معجم المؤلفین (۱۱۴/ ۶)، هدیه العارفین (۴۴۷/ ۱).

احمدیان، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم علوم دینی.

تولد: ۱۳۰۰ (۱۳۴۰ ق.)، نجف آباد.

درگذشت: ۱۸ فروردین ۱۳۶۷ (۲۸ ذی‌قعدة ۱۴۱۷ ق.).

آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطول) و حاشیه و معالم همت برگماشت.

سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی مرعشی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمدباقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال ۱۳۲۰ پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی مانده سطوح مکاسب و رسائل و کفایة الاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیفات و تحقیق دست یازید.

ایشان در سال ۱۳۹۳ ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.

از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد:

رسالة فی المكاسب المحرمة؛ رسالة فی الاستصحاب (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ قاعدة الضرر؛ الصحابة الكرام (سه جلد)؛ رسالة فی الخمس؛ رسالة فی القضاء؛ رسالة فی الديات؛ المعرون (حدود ۵۵۰ نفر)؛ الاربعون حدیثاً؛ شرح کتاب نقد الرجال میر مصطفی تفرشی؛ طبقات مفسرین شیعه (از صدر اسلام تا کنون)؛ کشکول (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر، منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در ۱۵۰۰ صفحه می‌باشد)، حاشیه بر کتاب مسالك الافهام؛ تحقیق و حاشیه بر زبدة التفاسیر ملا فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنه عشر.

آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین ۱۳۶۷ (۲۸ ذی‌قعدة ۱۴۱۷ ق.) در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گشت و پس از تشییع، در قبرستان شیخان در خاک آرامید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

ادهم نژاد، بهمن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهمن ادهم نژاد اطاق وری

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۴/۳۰

زندگینامه علمی

اینجناب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ ۳۰/۴/۱۳۴۴ شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق وری" شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.

در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال ۱۳۶۶ شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال ۱۳۶۶ شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیدر به مدت ۳ سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۶۹ شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرنندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگواریان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.

از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که ۴ جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از ۲۰۰ مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

ازہ ای، علی اکبر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری ستاره ای در آسمان علم و فقاہت تشیع درخشید که تالو درخشش آن تا ابد روشنگر راه مشتاقان علم و حقیقت خواهد بود و او کسی نیست جز ملا علی اکبر اژه ای از چهره های درخشان علمی و فرهنگی اصفهان در قرن سیزدهم هجری، وی در روستای اژه از توابع رویدشت در دامان خانواده ای اهل فضل و تقوی پای به عرصه گیتی نهاد و پرورش یافت.

نیاکانش همه از علما و بزرگان عرصه علم و فقاہت بوده اند. ملا علی اکبر مرحوم محمد شریف بن شمس الدین محمد مشهور به مولانا شریفا (آقای شریفی اژه ای اصفهانی) از علمای صاحب نام عصر صفوی بود که شاگردی شیخ بهایی را نموده و از استادان عالم و محقق بزرگ شیعه مرحوم ملا محمد باقر مجلسی به شمار می رفت و به سال ۱۰۸۷ق در گذشت و در رویدشت به خاک سپرده شد اینک مزارش زیارتگاه اهل دل است. همچنین آخوند ملا اکبر از نوادگان دختری علامه فاضل اصفهانی (فاضل هندی) به شمار می رود. آخوند ملا علی اکبر قدم در راه نیکان گذاشت و برای کسب معرفت به اصفهان آمد و از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی از چهره های درخشان و مدرسین برجسته مدرس چهارباغ و آقا محمد بیدآبادی عالم و فاضل متألّه و عارف برجسته قرن دوازدهم بهره مند شد و خود چشمه خودشان علم و حکمت گردید و به مقام اجتهاد نائل آمد در زمینه های فقه، اصول و حکمت جامع علوم گردید. وی از جمله علمای اصولی است که با عقاید شیخ احمد احسائی زعیم فرقه شیخیه و میرزا محمد اخباری سخت مخالف بود و در رد عقاید آنها رسالاتی نوشت. از جمله این ردیه ها: رساله ای در رد پادری نصرانی که شبهاتی به دین اسلام وارد آورده است و ردیه بر برخی رسائل شیخ احمد احسائی وردیه ای بر حاج میرزا محمد اخباری که منکر اساس اجتهاد در احکام شرعی بوده است.

وی دارای شخصیتی با ویژگیهای بارز اخلاقی بود و صاحب روضات او را فقیهی متکلم و واعظی متبحر عنوان می کند و از فصاحت و بلاغت، زهد و تقوی و مقام بلند عرفانی اش بسیار یاد می کند. مرحوم عبدالکریم گزی هم در بیان شخصیت او می نویسد: «این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقه و قناعت و تهجد و نماز شب و حالت خوش بوده...»

ملا علی اکبر اژه ای کلامی دلنشین داشت و مواعظ و نصایحش که با حلاوت خاص بیان شده دل را جلا می دهد: «اگر کسی دیده بگشاید و ساعتی سر برگریبان تفکر فرو برد و در احوال خود تفکر نماید خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذراست و مردم مسافرنند. اول منزل گهواره و وقت تولد و آخر منزل لحد و قبر و وطن یا بهشت است یا جهنم»

این عارف اندیشمند اندوخته های علمی خود را در قالب کتب و رسالات متعددی برای آیندگان به یادگار گذارده و آثار ارزشمندی در علوم مختلف از وی به جا مانده است. از جمله :

- رساله نماز شب که درباره چگونگی نماز شب و آداب و ثواب آن بوده و به نوعی بیانگر شخصیت مؤلف است.

- رساله سیر آسمانی در معراج،- ارشاد الواعظین وانحاج الطالبین در اجتهاد و...

این استاد فرزانه شاگردان بسیاری تربیت نمود از جمله از آنها حاج میرزا زین العابدین خوانساری پدر صاحب روضات ملا علی اکبر در محله جوباره سکونت داشت و در مسجد علی در محله هارونیه امامت جماعت را داشت و در همین مدرسه هم تدریس می نمود. وی در کسوت فقر و درویشی روزگار می گذرانید در تهجد و شب زنده داری بسیار استوار بود.

سرانجام مرغ جان این عالم ربانی در یازدهم شوال ۱۲۳۲ ق از قفس خاکی تن رها شد و به افلاک پرگشود و پیکرش را در تخت فولاد در جوار قبر مرحوم ملا اسماعیل خواجویی به خاک سپردند.

استادی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال ۱۳۱۶ شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح و سطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود ۱۲ سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌الله خوئی و آیت‌الله خمینی و آیت‌الله حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالباً شریک بحث آیت‌الله سید محسن خرازی بوده.

آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.

آثار و تألیفات استادی

آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:

۱- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است - چاپ قم.

۲- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی جلد دوم و سوم.

۳- فهرست کتب خطی مدرسه حجّیه.

۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.

۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج ۱۲-۱۱.

۶- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.

۷- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله حجت (ره).

۸- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.

۹- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.

۱۰- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.

۱۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله زنجانی.

۱۲- کتابنامه نهج البلاغه چاپ بنیاد نهج البلاغه.

۱۳- کتابنامه امام صادق علیه السلام چاپ موسسه راه حق قم.

۱۴- کتابنامه امام حسین علیه السلام.

۱۵- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.

۱۶- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.

- ۱۷- شوری در قرآن و حدیث.
- ۱۸- مدارک نهج البلاغه.
- ۱۹- تحقیق در یک مسئله فقهی.
- ۲۰- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.
- ۲۱- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.
- ۲۲- شفاعت در قرآن و حدیث.
- ۲۳- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.
- ۲۴- تحقیق درباره دعاء ندبه.
- ۲۵- توضیحی در پیرامون آیه خمس.
- ۲۶- امامت در چند درس.
- ۲۷- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اظهري، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۱.

درگذشت: ۱۳۷۲.

اهتمام در چاپ تذکره‌العلماء (نوشته محمد بن سلیمان تنکابنی، با همکاری غلامرضا پرنده؛ مشهد، ۱۳۷۲).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اعلمی، سلیمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حضرت مستطاب شیخنا الجلیل الکبیر المتتبع حجه الاسلام والمسلمین الحاج شیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی المهرجانی اصلاً والنجفی تحصیلاً و الحایری مسکناً والقمی خاتمه در سال ۱۳۲۰ در مهرجان از مضافات جندق و بیابانک متولد شده و پس از برهه‌ای از زمان مشرف به خراسان شده و مدتی در آنجا اقامت نموده و به تحصیل پرداخته آنگاه در سال ۱۳۴۰ ق مهاجرت به نجف اشرف و اعتاب عالیات نموده و با جدی تمام سطوح را در مدت ده سال نزد اساتید نجف خوانده و مسافرتی هم به زیارت مشهد نموده و بعد به اتفاق مادر و دو برادر مراجعت به نجف کرد و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله کمپانی اصفهانی و حاج شیخ علی زاهد قمی استفاده نموده و مسافرتی به مکه کرده و با عده‌ای از علماء اهل سنت ملاقات و مباحثاتی در امور دینیّه نموده و بعد از مراجعت در سال ۱۳۶۸ ق مهاجرت به کربلا- نموده و به درس

مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله میلانی حاضر شده و مشغول به تالیف کتاب مقتبس الاثر و مجدد مادثر فی تاریخ البشر در علوم مختلفه در علم رجال از صحابه و تابعین و رواه و علماء و غیرهم نموده و در سال ۱۳۷۴ مشرف به ارض اقدس شده و بعد مراجعت به تهران و پس از چندی توقف در آنجا منتقل به قم در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقل به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و از محضر معظم‌له استفاده و در خلال مشغول به طبع کتاب نفیس خود گردیده و تاکنون که ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمریست بیست و هشت مجلد آن از طبع خارج شده است.

مرحوم علامه آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء درباره کتاب معظم‌له گوید بسم‌الله الرحمن الرحیم و له الحمد نظرت فی اجزاء هذه الموسوعه القيمه نظره عابره و هی وانکان عجلی لکن قد ظهرلی ان جناب المؤلف العالم العلامه الجلیل الموبد من الاله الاجل الشیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی ادام الله تائیده قد بذل جهده و استفرغ وسعه و احسن فی ما جمع و اصاب فیما وضع و رفع فشکر الله مساعیه و زاد معارفه و معالیه و رفقه لاتمامه فانه اذا تم یكون من جلائل المؤلفات النافعه والله ینفعه و ینفع به صدر من کربلاء المشرفه ۱۶ شعبان ۱۳۶۹ قمری

و مرحوم آیت‌الله الحاج السید یونس اردبیلی رحمه‌الله درباره کتاب ارزنده وی گوید بعد البسمله هذا هو الکلام الفحل و القول الجزل وقفه الله راقمه الاحقر یونس الموسوی الاردبیلی کتبه فی جمادی‌الاولی ۱۳۷۴ قال الشاعر:

هذا کتاب نافع للبشر

سطوره منظومه کالدرر

مبرهن احوال ما قد غبر

جاء اسمه مقتبس للآثر

اکثر اعلام عصر تقاریظی بر این اثر ارزنده و نفیس نوشته‌اند که در جلد اول و دوم و سوم آن مندرج می‌باشد فرزندان فاضل و عالمی به نام شیخ محمدحسن و شیخ محمدحسین و شیخ محمدمحسن دارد که در سلک روحانیت به خدمات دینی اشتغال دارند داماد معظم ایشان خطیب توانا آقا سید حسین شهرستانی است ادام‌الله توفیقاتهم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

افندی اصفهانی، عبدالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۳۰ - ۱۰۶۶ ق)، عالم امامی و رجال‌شناس. در اصفهان به دنیا آمد. نیای او محمدصالح بیک از مقربان درگاه شاه عباس اول و پدر از فضلا و علمای عهد خود بود. در کودکی بعد از فوت مادر و پدرش تحت تعلیم برادرش آقامیرزا محمدجعفر قرار گرفت. علوم دینی را در محضر استادانی چون محقق شیرازی، میرزا محمد شیروانی، آقا حسین خوانساری و علامه‌ی مجلسی فراگرفت. به گفته‌ی خود نیمی از زندگیش را در سفر بوده است. به خراسان و فارس و حجاز و عراق سفر کرد و از کتابخانه مجلسی در اصفهان و کتابخانه‌های شهرهای گوناگون از جمله کتابخانه‌های مختلف عثمانی راه جست و آن چنان تقرب یافت که در مجلس او کرسیی خاص خود داشت و لقب افندی را کسب نمود. سپس او ساکن شهر تبریز شد و سالیانی در آن جا زیست و همان جا ازدواج کرد و سرانجام در تبریز درگذشت. آثار بسیاری از وی به جا مانده از جمله: «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء»، به عربی که شرح حال علمای اسلام از زمان غیبت تا سال ۱۱۱۹ ق است، در ۱۰ مجلد که نیمی از آن به علمای شیعه و نیم دیگر به علمای اهل سنت

اختصاص یافته؛ «روضه الشهداء» به سه زبان فارسی، ترکی و عربی؛ «ثمار المجالس و نثار العرایس»، به تقلید از کشکول شیخ بهایی؛ حاشیه بر «وافی» ملامحسن کاشانی؛ «صحیفه ثالثه سجاده» یا «الدرر المنظومه الماثوره»، در دعاهای امام زین العابدین (ع) که در صحیفه کامله اولی و در صحیفه ثانیه شیخ حر عاملی موجود نیست؛ کتاب «الخطب» یا «بساتین الخطباء» یا «ریاحین القدس» یا «ریاض الازهار» یا «عونه الخطیب» در سه مجلد؛ «وثیقه النجاه من ورطه الهلکات»؛ ترجمه «جاماسب نامه»، از پهلوی به فارسی؛ شرح فارسی بر «شافیه‌ی» ابن حاجب؛ «تفسیر سوره‌ی واقعه»، به فارسی؛ «لسان الواعظین و جنان المتعظین»، در چند جلد؛ «الامان من النیران»، در تفسیر قرآن؛ «رساله فی وجوب صلاه الجمعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۱/۴)، اعیان الشیعه (۶۵-۶۴/۸)، الذریعه (۲۷/۲۵، ۳۱۲/۱۸، ۱۳۸/۸، ۲۶۸/۷، ۴۹/۶، ۲۲/۵، ۹۳/۴، ۳۴۳/۲)، روضات الجنات (۲۴۹-۲۴۷/۴)، ریاض العلماء (۲۳۴-۲۳۰/۳)، ریحانه (۱۶۳-۱۶۱/۱)، فوائد الرضویه (۲۵۵-۲۵۳)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالله)، الکنی واللقاب (۵۰-۴۸/۲)، معجم المؤلفین (۹۹/۶).

امیری اراکی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۵۹.

از آثار اوست: با دانشمندان شیعه و مکتب آنها آشنا شویم (تألیف، قم، سه جلد).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

امین احمد رازی، محمد مؤمن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۰۲ ق)، تذکره نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۲۸۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۱-۱۶۸۸/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۱۴-۴۱۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۲)، الذریعه (۲۳۰-۲۲۹/۲۵، ۵۲/۴)، طرائق الحقائق (۱۵۹/۳)، کاروان هند (۱۱۶-۱۱۵/۱)، کشف الظنون (۲۰۴۴).

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۰-۹۷۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به اوحدی. از خاندان مشایخ معروف بلیانی کازورن بود. نسب او با هفت واسطه به یکی از مشایخ این طایفه یعنی اوحالدین عبدالله بن ضیاءالدین مسعود می‌کشد و نسب ضیاءالدین مسعود بلیانی با پنج واسطه به ابوعلی نیشابوری معروف به دقاق، از عارفان بزرگ سده‌ی چهارم و آغاز سده‌ی پنجم قمری، می‌رسد. پدرش پیش از ولادت او به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. تقی‌الدین تا دوازده سالگی که مادرش درگذشت در اصفهان ماند و مقدمات ادب و بعضی از معارف را فراگرفت. پس از فوت مادرش به شیراز رفت و نزد ملامیر قاری گیلانی ریاضیات و علوم غریبه را آموخت و داماد او شد. در دکان میرمحمود طرحی شیرازی که مجمع شاعران بود با چند تن از آنان که سرشناس تر از همه عرفی شیرازی بود آشنا شد. از مختصان و تربیت شدگان شاه طهماسب اول بود و در دربار شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده و سپس شاه‌عباس اول مقام داشت و ملازم رکاب شاه‌عباس بود. در شهرهایی مانند قزوین و قم و کاشان و اصفهان و یزد و شیراز به سر برد و بین سالهای ۱۰۰۹-۱۰۰۵ ق به زیارت عتبات رفت. در اواخر عمر در ۱۰۱۵ ق در عهد جهانگیر شاه به هندوستان رفت. پس از یک سال و نیم همراه اردوی جهانگیر متوجهی آگره شد و پس از مدتی کمتر از یک سال به گجرات رفت و سه سال آنجا اقامت نمود. در سال ۱۰۲۰ ق قصد حجاز کرد که ممکن نشد. به آگره بازگشت و در آنجا به تألیف «عرفات» پرداخت. وی در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «سرمه‌ی سلیمانی» در بیان واژه‌های دشوار فارسی و برخی از نامهای تاریخی و جغرافیایی و داروها و پاره‌ای اصطلاحات و کنایه‌ها؛ «تذکره‌ی عرفات العاشقین و عرصات العارفین» که تذکره‌ی عمومی است و شامل سرگذشت و منتخب اشعار بیش از سه هزار و سیصد شاعر متقدم و متأخر تا زمان مؤلف و به ترتیب الفبایی است؛ اوحدی در سال ۱۰۲۲ ق تألیف آن را آغاز کرد و در سال ۱۰۲۴ ق به پایان رسانید؛ «مفتاح مفاتیح»؛ «کافیة القافیه»؛ «جفر اوحد»؛ «عینیه»؛ «دیوان وحشی» را هم او گرد آورده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۳۲-۱۷۳۰/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۳-۲۱/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۰-۳۷۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۳۰۴-۳۰۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۷۱-۳۷۰/۱)، الذریعه (۱۷۳/۹، ۱۷۳، ۱۰۴/۱۲)، ریحانه (۲۰۱/۱)، صبح گلشن (۸۹-۸۸)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۴۴۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۹)، لغت‌نامه (ذیل / اوحدی)، مرآت الفصاحه (۷۴-۷۳).

آخوندزاده‌ی هروی، محمد صدیق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ق)، قاضی، شاعر و تذکره‌نویس. قاضی ملامحمد صدیق بیشتر عمر خود را در کابل گذراند. سپس به زادگاه خویش هرات بازگشت و به امور قضایی پرداخت. وی همچنین ریاست انجمن ادبی هرات را بر عهده داشت. از او به عنوان قاضی صاحب نیز یاد شده است، چه، علاوه بر ریاست انجمن ادبی، قضاوت شرعی‌ی هرات نیز بر عهده‌ی وی بود. آخوندزاده‌ی هروی در گفتن ماده تاریخ نیز مهارت داشت. اثر وی «تذکره النساء»، تألیف ۱۳۲۷ ق، که در شرح حال ۱۴۰ نفر از زنان شاعره مسلمان عرب و عجم است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۹۵-۳۹۴/۱).

آل بحر العلوم، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۷۷-۱۲۸۱ ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمد کاظم یزدی و سید محمد بحر العلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره‌دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفه الطالب»؛ «اسرار العارفین»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفین». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۵۱، ۴۴۸، ۳/ ۵۱، ۲/ ۴۴۸، ۳/ ۴۴۸، ۴۵۱)، علماء معاصرین (۲۷۶-۲۷۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۹-۲۹۸/۲)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۴۵).

آل بحر العلوم، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۳-۱۱۸۹ ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول ر نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمد تقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیة». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲، ۹/ ۱۹، ۷/ ۱۹)، الذریعه (۳۳۸، ۲۸۶، ۱۶/ ۲۰۴-۲۰۵، ۲/ ۱۲۰، ۲۰۴-۲۰۵)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۶-۴۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۳-۵۷۱، ۱۳/ ۵۷۱)، فوائد الرضویه (۱۸۲)، مکارم الآثار (۱۴۴۶-۱۴۴۵/۴).

باقی یزدی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۲۴۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و رجالی. از شاگردان علامه وحید بهبهانی و سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»،

است. بافتی در جنگ روس و ایران شرکت داشت. از آثارش: «الوجیزه فی الدراییه»، مرتب بر مقدمه و شش فصل است که به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از این کتاب مهارت علمی مؤلف در حدیث و رجال و دیگر علوم آشکار می‌شود. وی از تألیف این کتاب در ۱۲۳۷ ق فراغت یافته است. در نسخه‌ای از این کتاب که در ۱۲۴۴ ق کتابت شد به وفات مؤلف قبل از ۱۲۴۴ ق تصریح شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۸/۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۳۴).

بحرانی، هاشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۷/ ۱۱۰۹ ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامه البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیه»، «ارشاد المسترشدين»، «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأه الاولی و الاخری»؛ «مدینه المعجزات» یا «مدینه المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیه فی اثبات الخلافة و الوصیه»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضه العارفين»؛ «غایه المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشهدی»؛ «تنبيه الاریب»، در رجال «تهذیب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۵۰- ۲۴۹/۱۰)، ایضاح المکنون (۷۱۶، ۶۸۹، ۶۳۴، ۵۰۵، ۴۵۶، ۴۴۲، ۱۴۱، ۱۲۵/۲، ۵۹۵، ۴۵۳، ۴۲۱، ۴۱۹، ۳۲۳، ۲۷۹، ۲۰۳، ۱۷۹/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۹/۵)، الذریعه (۴۸/۷، ۹۳/۳، ۳۹۸/۲)، روضات الجنات (۱۶۹- ۱۶۶/۸)، ریاض العلماء (۳۰۴- ۲۹۸/۵)، ریحانه (۲۳۳/۱)، فوائد الرضویه (۷۰۶- ۷۰۵)، الکنی و الالقاب (۱۰۸- ۱۰۷/۳)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۱۳).

براتی، عبدالعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعلی براتی

محل تولد : مسجد سلیمان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم حدود ۱۲ سال در درس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به ۱۵ سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.

مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، دانشجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود. بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم. در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستانها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برقی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والايمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت الله حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتی و بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس

ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیه‌الله حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتاً احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی. مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقة‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیه‌الله آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.

آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان‌گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیها‌السلام و شرح آن و نام این کتاب جزو

تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶- ۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد

تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین

استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد. [۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸ (۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت الله سید علی اکبر برقی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش پژوهی و دانش پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالی معقول شیخ علی اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت الله برقی یکی از مشاوران او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت الله برقی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوائی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک الشعرا بهار تشکیل شد، از آیت الله برقی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنوان «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبعید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت الله برقی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری

خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ (۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱-۲۹۲۴/۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۱۷/۲۲۹، ۱۰/۶۴، ۹/۸۹۹).
گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳-۳۸۹/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳-۴۹۱/۴).

بروجنی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۵۷ ق)، عالم رجالی. از بزرگان و دانشمندان رجالی سده سیزدهم هجری است که در بروجن متولد شد و بعد از تحصیل دانش به نگارش کتابی در احوال رجال حدیث پرداخت. این کتاب تعلیقه‌ای است بر «مشيخه من لا يحضره الفقيه» که در سال ۱۲۵۷ ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۹۶)، معجم المؤلفین (۲۰۹/۳).

بوستان، مجدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴-۱۳۱۷ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید.
برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»، «رساله‌ی خرافات»، «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[۱]
محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ق.

درگذشت: ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهرانی طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور. وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصیحت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران ۱۳۰۶)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواس «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمناوی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاها «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجددالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنا بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱] تاریخ جراید (۲۶- ۲۴/ ۲)، الذریعه (۱۷۰/۱۵)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۵- ۸۴/ ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۸- ۱۸۷/ ۵).

بهاری همدانی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۳- ۱۲۷۷ ق)، عارف، فقیه، عالم، محدث و رجالی. در بهار از توابع همدان متولد شد و همان جا نزد پدر خود درس خواند. پس از آن به همدان و بروجرد رفت و به ترتیب نزد محمد اسماعیل همدانی و میرزا محمود طباطبایی بروجردی تلمذ کرد پس از پایان سطوح و قرائت درس خارج به نجف رهسپار شد، و نزد ملا- حسینقلی همدانی تحصیلات خود را ادامه داد و از خواص اصحاب او شد. پس از مرگ استادش، ملا حسینقلی همدانی، و بعد از مدت بیست سال توقف در نجف به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست و در همان شهر دفن شد. در «اعیان الشیعه» چهل و چهار تألیف او نام برده شده است. از آثار وی: «ابهی الدرر فی تکملة عقد الدرر»؛ «البیان فی حقیقه الایمان»؛ «السلح الحازم لدفع الظالم»، رد ابن حجر در منع ذم معاویه؛ «نثار اللباب»؛

«الدره الغریبه والتحفه الحسینیه»؛ «تسدید المکارم و تفضیح المظالم»؛ «الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید»؛ «رساله فی احوال أخطب خوارزم»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «ایضاح الخطاء»، در نکوهش استبداد؛ رساله‌ای در «عدالت».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۳۸-۵۳۷/۳)، الذریعه (۵۱/۲۴-۱۷۹، ۱۷۸-۱۵/۱۲، ۲۰۸/۸، ۱۰۴/۸، ۱۷۵-۱۷۴، ۶/۱۷۳، ۲/۴۹۴، ۱/۷۹)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶-۴۵/۲)، معجم المؤلفین (۳۷-۳۶/۳).

بهبانی، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۶-۱۱۴۴ ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محقق بی نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاء‌الدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال ۱۱۹۲ ق به رشت رفت و با هدایت‌الله خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقامع» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقامع الفضل»، شامل هزار و دوست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنه الهدایه لهدایه السنه»؛ «سهوالاقلام»؛ «الفائده فی مصرف رد المظالم»؛ «الفضائل فی شرح المدارک»؛ «رساله فی فیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحه البلاد»؛ «مشکاة العارفين»؛ «مظهر المختار»؛ «معترك الاقوال»؛ «معرفة الائمة»؛ «مفتاح/فتاح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[۱]

دوانی در زندگانی وحید ص ۳۶۲ گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبانی و نابغه عظیم‌الشانی است که تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد

کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن ۱۳ و ۱۴ وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند.

او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و درویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم

خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی الله علیه و آله سال ۱۲۱۶ قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست

تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است

۱- منع المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها اذیت خواهند شد و ایداء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) ۲- پنج رساله به فارسی در مناسک حج ۳- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار ۴- مقام الفضل ۵- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع ۶- رساله در امامت ۷- فذالك حاشیه بر مدارک و مسالك ۸- (خوان الاخوان اخوا لکشکول والمخلات و ریاض الجنان) ۴ مجلد ۹- قطع المقال ۱۰- ملتقط الدر فی تحقیق الکر ۱۱- معترک المقال فی علم الرجال ۱۲- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جلیه ۱۳- الرغایب در فوائد غریبه ۱۴- رساله تفضیلیه ۱۵- رساله خیاریه ۱۶- رساله خیراتیة در رد صوفیه ۱۷- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری ۱۸- الفوائد در اصول عقاید ۱۹- شرح تجرید و ده‌ها رساله دیگر

فرزندان آقا محمدعلی

آن مرحوم دارای ۹ فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی ۱- آقا محمدجعفر ۲- آقا احمد ۳- آقا اسماعیل ۴- آقا محمود ۵- آقا محمد بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان‌الشیعه (۲۶- ۲۵/ ۱۰)، ایضاح‌المکنون (۲/ ۵۰۷). تاریخ بروجرد (۱۵۱- ۱۴۵/ ۱)، الذریعه (۱۷۷/ ۲۵، ۱۴/ ۲۲، ۳۴۸، ۳۴۷، ۲۴۶، ۲۰۹، ۱۷۰، ۱۶۹- ۲۱/ ۵۹، ۳۷۵/ ۲۰، ۱۵۸/ ۱۷، ۴۰۵، ۱۳۰، ۱۰۱، ۱۶/ ۸۹، ۲۶۶، ۱۲/ ۲۳۴، ۹۵/ ۶، ۲۴۹/ ۳، ۳۵۹/ ۲)، روضات‌الجنات (۱۴۵- ۱۴۲/ ۷)، ریحانه (۳۹۹- ۱۹۸/ ۳)، شرح حال رجال (۳/ ۴۲۳)، طرائق‌الحقائق (۱۸۵- ۱۸۴/ ۱)، فوائد‌الرضویه (۵۷۶- ۵۷۴)، الکنی واللقاب (۱۱۰- ۱۰۹/ ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۵۶- ۳۵۵/ ۶)، مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفین (۴۴- ۴۳/ ۱۱)، مکارم‌الآثار (۵۶۷- ۵۶۱/ ۲)، هدیه‌الاحباب (۱۸۳- ۱۸۲)، هدیه‌العارفین (۳۶۸/ ۲).

تجلیل، ابوطالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج میرزا ابوطالب فرزند مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر تجلیل (که از عباد و صلحاء زمان خود و به قوت ایمان و کمالات نفسانیه ممتاز و در شعبان ۱۳۹۱ ق به رحمت ایزدی پیوسته است) از افاضل دانشمندان و مبرزین تلامذه آیت‌الله‌العظمی نجفی مرعشی است که پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی جز معظم‌له به درس دیگری حاضر نشده می‌باشد دارای مقام علم و تقوا و متانت و فضائل نفسانی است.

در سال ۱۳۴۵ ق در تبریز متولد شده و با تشویق والد بزرگوارش در سلک روحانیت وارد و پس از خواندن مقدمات ادبیه و منطق و کلام و مقداری از سطوح در تبریز در سال ۱۳۶۴ ق به قم مهاجرت نموده و پس از فراغت از سطوح نهائی در سال ۱۳۶۵ ق به درس علامه بزرگوار آیت‌الله‌العظمی بروجردی و آیت‌الله‌العظمی حجت تا زمان فوتشان حاضر گردیده و نیز در فلسفه از مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن الهی و میرزا مهدی آشتیانی و زعیم مجاهد آیت‌الله‌العظمی امام خمینی و علامه و فیلسوف بزرگوار طباطبائی استفاده نموده است.

آقای تجلیل در خلال تحصیل نیز به تدریس مکاسب و کفایه از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۹۰ مشغول و از سال ۱۳۹۱ به تدریس خارج

عروه و کفایه اشتغال دارد.

از موفقیت آن جناب شرکت (در لجنه ضبط مدارک شیعه) است که حضرت علامه ذوفنون مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای معاونت ایشان در جمع فضائل امیرالمومنین و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و سائر مدارک شیعه از کتب عامه تشکیل داده و با اطلاع وسیعی که مخصوص معظم‌له است انجام می‌گیرد و انصافاً این اقدام ایشان مایه فخر قرن حاضر و آن مقدار مدارکی که تاکنون جمع و مجلدات آن به طور فشرده و اسقاط مکررات اسانید و متون به عنوان ملحقات احقاق‌الحق منتشر می‌شود بی‌نظیر است.

اما آثار آقای تجلیل از مطبوع و مخطوط به قرار زیر است:

- ۱- کتاب البیع مشتمل بر دو قسمت (۱) تقریرات مرحوم آیت‌الله الکبری حجت ره ۲- و نظریات خودشان که به طبع رسیده است.
 - ۲- رساله حجیه الشهره (مطبوع) که در آن حجیه شهره قدما را در فقه با شرایط خاصی اثبات شده و ۱۸ حجت فقهی در آن مورد بحث قرار گرفته است.
 - ۳- معجم الثقات و ترتیب الطبقات (مطبوع) که در آن ۱۵۸۸ نفر موثق بالخصوص و ۱۰۰۹ موثق بالعموم از اسانید استخراج و ۱۰۰۸ ممدوح از کتب شیعه جمع‌آوری شده است.
 - ۴- مدارک الحج (مخطوط) مشتمل بر احادیث هر یک از احکام حج و تقسیم آن بر حسب دلالت که با مرحوم آیت‌الله بروجردی تالیف شده است.
 - ۵- صلوه المسافر (مخطوط) تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت که آن مرحوم بر آن تفریظ نوشته‌اند که طبع شود.
 - ۶- تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی در صلوه ۷- تقریرات آن مرحوم در وصیت ۸- دراسات الاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی مخطوط ۹- تحریر الاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت مخطوط.
 - ۱۰- رساله فی الاستصحاب (مخطوط) ۱۱- فوائد نفیسه فی الاصول (مخطوط) ۱۲- آنچه حجاج باید بدانند (مطبوع) ۱۳- حواشی علی مختصر المحقق (مخطوط) ۱۴- حواشی علی العروه (مخطوط) ۱۵- رساله فی الاجتهاد و التقليد ۱۶- حواشی علی کتب الرجال ۱۷- رساله فی میزان الاستدلال علی الاعتبارات ۱۸- فلسفه حقوق اسلامی و تطبیق آن با حقوق ملل دیگر که بسیار مبسوط است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

نویسرکانی، عبدالغفار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا عبدالغفار حسینی نویسرکانی فرزند محمد حسین عالم و محقق جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام. که از محضر بزرگانی همچون آقا سید محمد شهشهبانی و ملا حسینعلی نویسرکانی و... کسب علم نمود.

وی مدتی در شهر همدان به ترکیه و کسب معارف پرداخت و آنگاه در سال ۱۲۶۶ ق برای تحصیل مدارج عالی به اصفهان هجرت نمود و تا آخر عمر در در این شهر زیست.

این عالم بزرگوار در فقه و اصول از شاگردان عالم برجسته مدرس مطلق (میر سید حسن) و در معقول از محضر درس حکیم آقا محمد رضا قمشه ای کسب علم نمود. وی در مراتب علم چنان بود که خواص و عوام به او ارادت می‌ورزیدند. و به نماز ایشان در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای حاضر می‌شدند.

همچنین وی یکی از مشوقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش «روضات الجنات» بوده و خود نیز صاحب آثار ارزشمند همچون:

۱- حواشی بر اسفار

۲- حاشیه بر شرح اشارات

۳- حاشیه بر شرایع و... می باشد.

فرزندان این عالم بزرگوار نیز مانند پدر اهل علم و فضل بودند. از جمله فرزندش حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی از فقهاء و علمای پرهیزگار زمان خود که صاحب آثار ارزشمند بوده و فرزند دیگرش حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی عالم فاضل جلیل را می توان نام برد (هر دوی آنان کنار پدر بزرگوارشان مدفون می باشند).

سرانجام این عالم بزرگوار در سال ۱۳۱۹ ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان در تکیه ای که هم اکنون به نام او مشهور است مدفون گردید . ماده تاریخ فوت وی چنین است.

که مداح شوستر زغفار ذنب مرا سال تاریخ شد

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی القبور (۴۱۵-۴۱۴)، الذریعه (۹۴/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۴۸-۱۱۴۷/۱۳).

تهرانی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در سال ۱۳۷۶ قمری بود که مرحوم مبرور شیخ‌العلماء والمحدثین العلامة المتتبع الحاج الشیخ محمدحسن الرازی مشهور به حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و نقباء البشر و طبقات اعلام الشیعه و غیرها وارد به قم و مورد تجلیل و تکریم آیت‌الله العظمی بروجردی و قاطبه علماء قرار گرفت. این بزرگوار که استاد اجازه و شیخ و جازه متاخرین و معاصرین بوده است، از علماء ابرار است که در حدود هشتاد سال از عمر شریف خود را مصروف تألیف و تصنیف نموده و ساعتی فارغ نبوده است حق عظیمی بر اسلام و مسلمین خاصه بر شیعیان و بالخصوص بر روحانیون جهان دارد در یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ متولد و در ۱۳۸۹ قمری بدرود حیات گفته است.

تولدش در تهران واقع و پس از رشد و طی مقدمات در سال ۱۳۱۳ ق از ایران به عراق مسافرت نموده و از محضر محقق خراسانی کفائی و شریعت اصفهانی و آیت‌الله یزدی اخذ علوم نموده و تقریرات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در سامرا از محضر آیت‌الله مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و بعد به تألیف و تصنیف کتب پرداخته و الحق تألیفات مفیده و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت و خدمت شایسته‌ای به مسلمین نمود. نسبت به این نگارنده محبت و توجهی مخصوص داشت و اجازه جامعی برایم به طرق عدیده‌اش مرقوم فرمود در سال ۱۳۷۸ که مشرف به زیارت روضه مرتضویه شدم به زیارتش رفتم وقتی وارد به کتابخانه‌اش شدم دیدم مشغول مطالعه و نوشتن است تا مرا دید و شناخت از جا برخاست و مرا در آغوش گرفت و معانقه گرمی نمود و فرمود کتابخانه مرا می‌بینی که همه‌گونه کتاب دارد ولی انیس من کتاب آثار الحجّه تو می‌باشد که از آن بسیار استفاده کرده و می‌کنم.

معظم له دو سفر به ایران آمد برای زیارت مشهد مقدس و در هر سفر چند ماه در قم و تهران و مشهد توقف نموده و از

کتابخانه‌های عمومی آستان قدس رضوی و کتابخانه ملک تهران و غیره و کتابخانه خصوصی آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مدظله استفاده نموده و مواد کتاب ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه خود را تحصیل آنگاه مراجعت به نجف نمودند. بسیار بی‌آلایش و ساده و باصفا و زودباور بود و از این سادگی وی برخی از مغرضین و منحرفین از ولایت سوء استفاده کرده و در بعضی از تألیفات او دست برده و تحریف کرده و نسبت به بعضی از اعظام روی اغراض نفسانی اسائه ادب نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

جزایری شوشتری، محمدشفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۴ - ۱۲۱۱ ق)، عالم دینی، فقیه و رجال‌شناس امامی. از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری بود. در شوستر به دنیا آمد و پس از نشو و نما به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمدابراهیم کلباسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سرانجام از وی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمدشفیع گذشته از فقه در علم رجال نیز مهارت داشت. پیکر وی در تخت پولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «کشف الریاض» که حاشیه‌ای است بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه‌ی «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی؛ «رساله‌ای در منجزات مریض»؛ تحقیقات متفرقه در نحو و فقه و رجال.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۷۱ - ۳۷۰)، الذریعه (۳۶/۱۸)، معجم المؤلفین (۳۹۲/۱۳، ۷۰/۱۰)، مکارم الآثار (۲۰۶۲/۶، ۴۱۱ - ۴۰۸/۲).

جزایری شوشتری، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۴/۱۲۸۳ - ۱۳۲۱ ق)، فقیه و نسابه. معروف به امامزاده. وی در دو سالگی با پدرش به شوستر کوچ کردند. درین شهر نشو و نما کرد و مقدمات علوم را نزد کسانی چون پدر و پسر عمویش، سید محمدعلی، فرزند سید بزرگ و دیگران فراگرفت. در سال ۱۳۴۴ ق به نجف رفت و به مجلس درس شیخ نعمت‌الله دامغانی و دیگر عالمان پیوست. پس از چندی به شوستر بازگشت و به انجام خدمات دینی مشغول شد. چندی به کشورهای آفریقایی سفر کرد. پس از بازگشت، چون پدرش به اهواز رفته بود، به آنجا مهاجرت کرد. اندکی پس از درگذشت پدر، به نجف رفت و از مجلس درس آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید ابوالقاسم خوبی بهره‌ها برد و چندی نیز از محضر درس آق سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. سپس برای بار دوم و این بار به نمایندگی از طرف آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ اسلام راهی آفریقا شد. پس از چندی به نجف بازگشت و در این شهر درگذشت. از جمله آثار وی: «بوستان پیغمبر» یا «خاندان سادات جزایری»، که زندگینامه‌ی سادات جزایری است؛ «گلستان پیغمبر» که زندگینامه‌ی سادات مرعشی شوستر است؛ «تفسیر آیات بینات النازله»، در فضایل اهل بیت سید کاینات؛ «تقریرات» برخی از دروس خودش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸/۲۲۰، ۴/۲۳۶).

چهارسوقی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی اصفهانی مشهور به «صاحب روضات» عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می‌باشد.

این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس، تحقیق، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدهای که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می‌کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۳ هـ. ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهل بیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تألیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لعمه»؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلیا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه قوانین الاصول»؛ «قره العین و سرور النشأتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری از بزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به «صاحب روضات» و فرزندان بزرگوارش به «

سادات روضاتی» معروف گشتند.

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۸۱-۱۱۰۳ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افغانه در سال ۱۱۳۵ ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال ۱۱۴۶ ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال ۱۱۸۱ ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»، «تاریخ حزین»، «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکرات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون». [۱]

(ع. بخش ۱) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان ۱۱۰۳ ه.ق. / ۱۶۹۱ م. - ف. بنارس (هند) ۱۱۸۱ ه.ق. / ۱۷۶۷ م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۸۹/۷)، اعیان الشیعه (۶/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۸۵-۱۸۲، ۹۴-۹۳/۴)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۳۸۱-۳۷۹/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۵۹-۳۵۵/۱)، تذکره المعاصرین (۸۲-۴۲)، لغت نامه (ذیل / حزین لاهیجی)، دایرةالمعارف فارسی (۸۴۳/۱)، الذریعه (۱۰۰۱-۱۹۰/۲۱، ۲۳۵/۹، ۳۵۶/۳)، ریاض العارفین (۶۸)، ریحانه (۴۲-۴۱/۲)، سبک شناسی (۳۰۶-۳۰۵/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۰۱/۱)، سفینه‌المحمود (۶۲۵-۶۲۴/۲)، سیری در شعر فارسی (۱۵۰-۱۴۸)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (۸۷-۸۶)، شخصیت‌های نامی (۱۶۰-۱۵۹)، شرح حال رجال (۲۲۹/۳)، طرائق الحقائق (۵۲۰/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۱-۱۸۰)، فرهنگ سخنوران (۲۵۲)، گنج سخن (۱۳۷-۱۳۴/۳)، مولفین کتب چاپی (۱۰۴-۱۰۲/۴)، مخزن الغرائب (۸۰۵-۸۰۱/۱)، معجم المؤلفین (۱۹/۱۱)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۹۷-۳۹۶).

حسینی داوودی، جمال‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۲۸-۷۴۸ ق)، نسب‌شناس امامی معروف به ابن عنبسه یا ابن عقبه یا ابن عنبه یا ابن عتبه. نسبش با هیجده واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. وی به عنوان بزرگترین نسابه‌ی طالبی از شهرت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. از شاگردان احمد بن محمد عبیدی نسب‌شناس بود و از همه مهمتر پدرزنش، ابن معیه، تاج‌الدین ابو عبدالله محمد بن قاسم، شیخ شهید اول، بود که مدت دوازده سال در فقه، حدیث، علم انساب و ریاضی و شعر سمت استادی وی را داشت و جمال‌الدین به واسطه او از علامه حلی روایت کرده است. از آثار وی: عمده الطالب الکبری فی انساب آل ایطالب؛ «عمده الطالب الصغری فی انساب آل ایطالب»؛ «بحر الانساب فی نسب بنی هاشم»؛ «التحفه الجمالیه»؛ «تحفه الطالب»؛ «النسب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشنامه‌ی ایران اسلام (۷۴۳-۷۴۲/۵)، الذریعه (۴۴۸، ۴۲۵-۴۲۴/۳، ۳۷۶-۳۷۵/۲)، ریحانه (۱۲۷/۸)، فوائد الرضویه (۲۱)، کشف الظنون (۱۱۶۸-۱۱۶۷)، الکنی و الالقاب (۳۶۷/۱)، هدیه الاحباب (۷۴)، هدیه العارفین (۱۲۴-۱۲۳/۱).

حسینی اشکوری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شب ۱۳ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف متولد شده.

مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاء‌الدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی آقا ضیاء را نوشته است.

جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نجف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال ۱۳۶۷ در نجف بدرود حیات گفت.

نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.

در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.

در نجف اشرف از سال ۱۳۷۸ ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.

در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال ۱۳۹۱ ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.

بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.

سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۵۰ قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالی را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از بزرگان آن سامان به اتمام رسانده.

و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال ۱۳۸۰ ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفروطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.

در اواخر ۱۳۹۱ قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از موارث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و دهها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.

و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسیده معظم له کتب زیر است:

- ۱- الامام الحکیم در سال ۱۳۸۵ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
 - ۲- الامام الثائر در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
 - ۳- الامام الشاهرودی در سال ۱۳۸۶ ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
 - ۴- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌الله الحکیم اهداء شده.
 - ۵- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال ۱۳۹۱ ق به طبع رسیده.
 - ۶- زندگانی شریف مرتضی در سال ۱۳۸۵ ق به طبع رسیده.
 - ۷- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال ۱۳۹۷ در قم به طبع رسیده.
 - ۸- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.
 - ۹- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی که جزء اول آن در سال ۱۳۵۷ به طبع رسیده است.
 - ۱۰- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.
 - ۱۱- تراجم الرجال در قم چاپ شده.
 - ۱۲- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال ۱۴۱۰ ق در قم چاپ شده.
 - ۱۳- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.
- از کتابهایی که به عربی ترجمه نموده‌اند
- ۱- القرآن فی الاسلام در سال ۱۳۹۳ ق در بیروت چاپ شده.
 - ۲- رابطه العالم الاسلامی.
- و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:
- ۱- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.
 - ۲- المفصل فی تراجم الاعلام.
 - ۳- حدیث جوله.
 - ۴- نهج البلاغه فی الشعر العربی.
 - ۵- معجم الاعلام الامامیه.
 - ۶- مولفات الزیدیه.
 - ۷- قضیه حیاتی.
 - ۸- من کل لون (از هر رنگی).

- ۹- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.
 ۱۰- التراث العربی در کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
 ۱۱- اجازات الحدیث.
 ۱۲- معجم المؤلفات القرانیه.
 ۱۳- احسن الموائر فی اعلام القرن الخامس العشر.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خاتون آبادی، عبدالکاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میر محمد صادق بن میر عبدالحسین عالم فاضل نسابه، در سال ۱۰۹۵ متولد، و در ۲۱ شعبان سال ۱۱۵۱ وفات یافته، در صحن نجف اشرف مدفون گردیده.
 وی مؤلف شجره نامه‌ای است که در آن سادات خاتون آبادی را تا سال ۱۱۳۹ نام برده است.
 برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خزائلی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده‌ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایشار، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دل‌باخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی، تربیت و پرورش یافت و از آغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه‌های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته‌های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس

اخلاق، عقاید، صرف، نحو، ادبیات، منطق، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگوارى نظیر: مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی، مرحوم سید محمد باقر حسنی، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر، آیات: فاضل هرنندی، ستوده، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید. پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه، اخلاق، عرفان (کتاب های منظومه، منطق و حکمت، اسفار، فصوص الحکم و مصباح الانس، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات: مرحوم ایزدی، انصاری شیرازی، گرامی، جوادی آملی، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار، آیات: آقا موسی شبیری زنجانی، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیر قرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی، و حضرات آیات: خزعلی، مشکینی و جوادی آملی بود.

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام: گلپایگانی، حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد. مبارزات و فعالیت های سیاسی: ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود. در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت. هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد.

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت. طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضیلت آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند.

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود. بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد. اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه، مراکز علمی، محافل و

مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود. بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت.

تدریس: سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه را فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات، فلسفه، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند. ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند. همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند.

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۶ - ۱۲۷۱ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعیه و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمد مهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصرح فی الاحادیث الحسان و الصراح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۶/۴)، الذریعه (۲۳۸/۲۳، ۱۷۲/۳، ۱۱۷/۲، ۳۰۳/۱)، ریحانه (۱۸۹ - ۱۸۷ / ۲)، علماء معاصرین (۱۴۳ - ۱۳۹)، معجم المؤلفین (۹۰/۳).

خوئی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه الاسلام حاج سید علی اکبر موسوی خوئی در سال ۱۳۶۴ قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت

فرمودند به سید علی اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتم نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.

آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال ۱۳۳۰ با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می نمودند.

از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می شدند. مرحوم والدش حجه الاسلام حاج سید علی اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوه‌رشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می بالید و افتخار می کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دارابی شیرازی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۵۷ ق)، عالم و کاتب. مشهور به شیرازی. وی در نجف ساکن بود. از آثار وی کتابت «تذکره تستر» سید عبدالله تستری در سال ۱۲۷۵ ق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۷۸).

دارابی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، تذکره‌نویس، نویسنده و شاعر. وی گاهی عارف و گاهی شاه تخلص می کرد. وی از نویسندگان و شاعرانی بوده که تا اوایل سده‌ی دوازدهم هجری می زیسته است. تحصیلات خود را در ایران انجام داد و مدتی در خدمت شیخ بهاء‌الدین عاملی شاگردی کرد و بعد از آن سفرهایی به مکه و عتبات و هندوستان نمود و در بازگشت از هند مدتی نزد سید نورالدین مرعشی به مقابله کتابهای حدیث پرداخت. مدتی نیز در اصفهان زیست. از آثار او: تذکره‌ی «لطایف الخیال»؛ «لطیفه‌ی غیبیه»؛ «معراج الکمال».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۹۳-۱۷۹۱/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۹۹-۸۷/۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۸۶)،

ریاض العلماء (۲۷۵-۲۷۴/۵)، صبح گلشن (۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۴۹۱)، کاروان هند (۸۵۴-۸۵۰/۲).

داور شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵-۱۲۵۱ ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث. [۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱- ف. شیراز ۱۳۲۵ ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار العجم (۳۳-۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱/۲، ۹۰/۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳- ۲۴۷/۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷-۴۹۳/۲)، الذریعه (۲۶۸-۲۶۷، ۱۲۷/۱۵، ۱۰۸۸-۱۰۸۷، ۳۱۹/۹)، ریحانه (۳۶۰- ۳۵۹/۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱-۲۷۰/۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/۲).

دربندی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۵/۱۲۸۶ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. مشهور به فاضل دربندی. متولد و بزرگ شده‌ی دربند ایران. مدتی در کربلا زیست. دربندی از شاگردان شریف‌العلمای مازندرانی بود و از معاصران شیخ مرتضی انصاری. در بلاغت و فصاحت عرب و عجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت بی‌نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و میرزا سید محمدرضا موسوی هندی، ملقب به میرزا علی‌جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اسرار الشهاده» یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادت»، و ترجمه قسمتی از آن به نام «سعادات ناصری»؛ «جواهر الايقان»؛ «الجوهره» یا «جوهر الصناعه»، در اسطرلاب؛ «خزائن الاحکام»؛ «خزائن الاصول»؛ «قوامیس القواعد»، در رجال؛ «قوامیس الصناعه فی فنون الاخبار»، در اخبار و تراجم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸-۱۷/۱)، اعیان الشیعه (۸۸-۸۷/۲)، الذریعه (۱۵۳، ۱۵۲، ۷/۲۹۱، ۲۸۹، ۵/۲۷۹، ۴۶/۲)، ریحانه

(۲/۲۱۶)، شرح حال رجال (۱۳۸-۱۳۷/۴)، قصص العلماء (۱۱۳-۱۰۷)، الکنی و الألقاب (۲۲۹-۲۲۸/۲)، لغت نامه (ذیل / فاضل)، المآثر و الآثار (۱۳۹)، معجم المؤلفین (۳۰۹، ۳۰۴/۲)، هدیه الاحباب (۱۳۵-۱۳۴).

دری شوشتری

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، تذکره نویس. تذکره‌ای به نام «چمن سرور» در لطایف شعری و نثری و حکایتها برای امیرزاده اسماعیل مرعشی تالیف کرده است؛ «اقبالنامه»؛ تنظیم فهرست و نگارش دیباچه و ملحقات به «سفینه‌ی خوشگو» به دستور محمدعلی میرزای دولت شاه و پس از وی فرزندش حشمت‌الدوله، که حدود دوازده سال تنظیم و جمع‌آوری این نسخه‌ی مشوش، به طول انجامید. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۱۶-۷۱۳/۱)، فهرستواره کتابهای فارسی (۳۱۰/۱).

دوانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده ارجمند و خطیب دانشمند حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی دوانی از مشاهیر گویندگان و معاریف نویسندگان و اساتید اهل منبر و وعظ و خطابه و عالمی کامل و فاضلی عامل و ادیبی ادیب و شاعری حسیب و محقق فرزانه است.

وی در سال ۱۳۰۸ شمسی در «دوان» نزدیک کازرون که تا شیراز بیست فرسنگ فاصله دارد و زادگاه فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی می‌باشد به دنیا آمده و در سن ۸ سالگی از موطن خود به آبادان نزد ارحامش که در آنجا ساکن بودند رفته و ۷ سالی در آنجا اقامت و دروس مقدماتی را در این شهر آموخته و سپس مهاجرت به نجف نموده و در تحت رعایت و توجهات مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی حدود ۴ سال و نیم در نجف اشرف اقامت و به فرا گرفتن علوم دینی از ادبیات و سطوح وسطی در خدمت مدرسین بزرگوار چون آقا شیخ کاظم تبریزی و آقا شیخ علی کاشانی و حاج شیخ علی آقا فلسفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی و غیرهم پرداخت و ضمناً خود به تدریس دروس خوانده اشتغال داشته تا در سال ۱۳۲۷ شمسی به واسطه کسالت عارضه عازم ایران و پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در محرم آن سال در شهر (نهایند) برای نخستین بار سرگرم وعظ و تبلیغ گردیده و در همان شهر با صبیبه مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهایندی از احفاد مرحوم استاد کل آقا محمدباقر وحید بهبهانی ازدواج و ناگزیر رحل اقامت در قم افکنده و بقیه سطوح را از دانشمندان حوزه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله لاکانی و آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی به پایان رسانیده و دروس معقولی شرح منظومه را هم خدمت آیت‌الله فکوری یزدی و آیت‌الله آقا رضای صدر و قسمتی از اسفار و تفسیر قرآن را از محضر علامه بزرگوار آقای طباطبائی فرا گرفته و پس از دادن امتحان در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی حاضر و بهره‌مند گردیده است.

در سال ۱۳۳۷ شمسی با همکاری جمعی از افاضل حوزه‌ی علمیه قم مجله درس‌هائی از مکتب اسلام را تاسیس و خود یکی از اعضاء موسس و هیئت مدیره و تحریریه اصلی آن مجله بوده و پس از تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان استاد تراجم علماء شیعه

مدت ۶ سال اشتغال به تدریس داشته است.

جناب آقای دوانی در مدت ۲۲ سالی که در قم اقامت داشت در محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مانند اکثر فضلاء سخنگوی حوزه علمیه در اغلب شهرهای ایران و بعضی جزایر مانند (خارک) و کویت ۷ سال متوالی مسافرت کرده و در همه جا مواجهه به استقبال گرم مردم شده و خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای چون تاسیس مساجد و مدارس و نشر معارف اسلامی شیعه نموده و سفری هم به کشورهای عربی کرده که مشاهدات و مطالعات خود را طی کتابی به نام سفری به ممالک عربی خاورمیانه نوشته که هنوز به طبع نرسیده است.

آقای دوانی از نویسندگان مشهور امروز به شمار می‌رود و تاکنون ۲۴ کتاب پر ارزش تالیف و تصنیف و ترجمه و منتشر نموده که می‌نگاریم:

- ۱- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی.
 - ۲- شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی.
 - ۳- مقدمه و اصلاح کتاب شاه راه هدایت.
 - ۴- فروغ هدایت ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی
 - ۵- ترجمه سیزدهم بحارالانوار به نام: (مهدی موعود)
 - ۶- مقدمه و اصلاح و اضافات تاریخ قم مرحوم ناصرالشریعه.
 - ۷- شرح زندگانی آیت‌الله بروجردی.
 - ۸- داستانهای اسلامی جلد اول.
 - ۹- داستانهای اسلامی جلد دوم.
 - ۱۰- نهضت روحانیون ایران.
 - ۱۱- اجتهاد در مقابل نص ترجمه النص و الاجتهاد مرحوم شرف‌الدین عاملی.
 - ۱۲- صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام ترجمه مواقف صانحه فی تاریخ الاسلام.
 - ۱۳- داستانهای ما جلد سوم داستانهای اسلامی.
 - ۱۴- هزاره شیخ طوسی ۲ جلد.
 - ۱۵- شعاع وحی بر فراز کوه حرا.
 - ۱۶- سیمای جوانان.
 - ۱۷- علی علیه‌السلام چهره درخشان اسلام.
 - ۱۸- تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا- فرانسه- سویس- ایتالیا- جزایر دریای مدیترانه.
 - ۱۹- سیری در زندگانی شیخ طوسی.
 - ۲۰- شیعه در اندونزی.
 - ۲۱- در پیرامون همسران پیامبر.
 - ۲۲- موعودی که جهان در انتظار اوست.
 - ۲۳- جهانگردی و جهانگردان نامی.
 - ۲۴- آثار تمدن اسلام در اسپانیا و پرتغال.
- مضافاً بر آثار مطبوعه مذکوره ایشان مدت بیست سال است که سرگرم نگارش تراجم علماء شیعه و بیوگرافی دانشمندان اسلام

بوده‌اند و از سال اول انتشار مجله مکتب اسلام تا سال پنجم را از کلینی تا شهید ثانی نوشتند و اکنون پس از مطالعات عمیق و جمع آوری منابع و مدارک سنی و شیعی وزیدی و اسماعیلی و داخلی و خارجی در بیش از ده جلد به عنوان (مفاخر اسلام) آماده چاپ دارند و کتاب (شرح زندگانی وحید بهبهانی) ایشان مورد توجه خاص آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شد و از طرف آن مرحوم به دریافت بهترین جایزه و عالیترین تشویق و تقدیر قرار گرفتند.

و تا سال ۱۳۹۰ ق در قم اقامت داشتند ولی مدت ۳ سال است که در تهران مقیم هستند و به کار تالیف و تصنیف و تبلیغ مبانی اسلام اشتغال دارند و ایشان گذشته از ذوق و شوق نویسندگی دارای طبع روان می‌باشند و اشعار بسیاری در مدایح و مراثی اهل بیت عصمت علیهم‌السلام و فقدان مراجع بزرگ و قصاید دیگر سروده‌اند.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱- وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، تذکره‌نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتاً جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از ۱۵۰۰ تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای ۱۲۰۰ ق تا ۱۳۱۰ ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۷۴- ۷۳/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۵۷- ۴۳۹/۱)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۳- ۲۱۲/۱)، الذریعه (۳۸۵/۶)، شرح حال رجال (۲۸- ۲۷/۶)، مکارم الاثار (۱۱۴۰- ۱۱۳۹/۴).

ذکری کاشانی، تقی‌الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲۴/۱۰۲۲- ۹۴۶ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به ذکری و معروف به میر تذکره. در کاشان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی پیش محتشم کاشانی شاگردی کرد و به تتبع دیوانها و جمع آوری شرح حال شاعران پیش از خود و معاصر خویش پرداخت و مشروح‌ترین تذکره‌ی شاعران فارسی، «خلاصه الاشعار و زبده الافکار» را فراهم آورد. از دیگر آثار وی: «مجمع القصاید»، مشتمل بر قصیده‌هایی که مولف از متقدمان برای تذکره‌ی خود برگزیده در پنج مجلد؛ تدوین «دیوان» محتشم؛ «ماثر الخضریه»، در شرح حال و آثار خضرای نهاوندی، حاکم کاشان و روزگار شاعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۱۷۱۵-۱۷۱۳/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۶۳-۵۲۴/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۹)، دایره المعارف فارسی (۹۰۷/۱)، الذریعه (۳۳۹، ۱۷۴، ۹/۲۱۲، ۳۱، ۴/۳۰)، فرهنگ سخنوران (۱۹۰)، مکتب وقوع (۵۱۸-۴۹۴).

رازی، ابوحاتم محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۷-۱۹۵ ق)، حافظ، محدث، مفسر و رجال شناس اهل سنت. معروف به حافظ شرق. چون ساکن محله‌ی درب حنظله‌ی ری بود، او را حنظلی نیز گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته‌ی شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبیدالله بن موسی و ابونعیم، در کوفه و محمد بن عبدالله انصاری و اصمعی، در بصره و هود بن خلیفه در بغداد، و ابومسهر در دمشق و ابویمان در حمص، و سعید بن ابی مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیثها شنید و در طلب آن بیش از هزار فرسنگ راه با قدم پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل راویان حدیث بود، لذا به او شیخ‌المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرعه رازی و ابوزرعه دمشقی بود و این دو از راویان ابوحاتم هستند. ابوداود و نسائی، صاحبان «سنن»، به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «ثقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندش، عبدالرحمان بن ابی حاتم است. ابن ابی حاتم در مقدمه‌ی کتاب «الجرح و التعدیل» شرح حال زیبایی برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبدالله بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبدالله اشعری قمی نیز از راویان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «الجامع فی الفقه»؛ «الزینه»، در حدود چهارصد برگ؛ «طبقات التابعین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۰/۶)، تاریخ بغداد (۷۷-۷۳/۲)، تهذیب التهذیب (۲۹-۲۷/۹)، الجرح و التعدیل (مقدمه/۳۶۸-۳۴۹، ق ۲ ج ۲۰۴/۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲۹/۱)، رجال ابن داود (قسم ۴۹۸/۲)، رجال الطوسی (۵۱۲)، رجال النجاشی (۴۰۱/۱)، ری باستان (۳۴۹-۳۴۸/۲)، ریحانه (۲۸۶/۲)، سیر النبلاء (۲۶۳-۲۴۷/۱۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۵۴)، الفهرست الطوسی (۲۷۶)، الکنی و الالقاب (۴۴/۱)، لغت نامه (ذیل/رازی، ابوحاتم رازی)، معجم المؤلفین (۳۵/۹)، الوافی بالوفیات (۱۸۳/۲)، هدیه العارفین (۱۹/۲).

راهب هروی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و تذکره‌نویس. اصل وی از هرات بود. کتابی موسوم به «دیر راهب» به نظم در آورد و «تذکره‌ای» به نام علیرضا پاشا، والی بغداد، تنظیم کرد که ناتمام ماند. از اوست:

آنان که شب و روز مرا مونس و یارند

یکروزه چو گل، یک شبه چون شمع مزارند

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تایخ تذکره‌های فارسی (۲۴۰- ۲۳۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۶۷)، مصطبه‌ی خراب (۷۰-۶۹).

رحمان ستایش، محمد کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظم رحمان ستایش

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ شروع به تحصیل دروس حوزوی نمودم. در شیراز از درس حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و استاد شیخ علی موحد تا اتمام لمعتین و اصول فقه استفاده کردم. در سال تحصیلی ۶۳ تا ۶۴ به قم مهاجرت کردم و یک سال در مدرسه امام مهدی (عج) زیر نظر آیت الله العظمی گلپایگانی تحصیل کردم. دروس سطح عالی را نزد اساتید برجسته حوزه آقایان شیخ علی پناه اشتهدادی، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده، روشنی، تا سال ۱۳۶۶ گذراندم. فلسفه را از دروس آقایان روشنی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی استفاده کردم. از سال ۱۳۶۶ در درس اساتید خارج فقه و اصول شرکت کردم که شرح آن چنین است: ۲: سال کتاب القصاص آیت الله مشکینی، ۵ سال ولایت فقیه و کتاب الزکات آیت الله منتظری، ۷ سال کتاب الطهاره و صلاة و حدود آیت الله تبریزی، ۴ سال خارج اصول آیت الله تبریزی، ۲ سال خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی، ۳ سال خارج بیع آیت الله وحید خراسانی، ۱۵ سال خارج اصول آیت الله وحید خراسانی، ۲ سال خارج اجاره آیت الله شبیری زنجانی، ۳ سال خارج خلل صلاة و کتاب الحج آیت الله سید محمد روحانی، ۳ سال تعطیلات درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری، ۵ سال تفسیر آیت الله جوادی آملی، تقریر همه دروس و اکثرا به عربی تدوین شده است. در سال ۱۳۷۱ فعالیت پژوهشی رسمی را با همکاری با معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (در آن زمان) آغاز کردم.

در سال ۱۳۷۴ در راه اندازی پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات مشارکت داشته و تا سال ۱۳۸۰ به صورت مستمر با این پژوهشکده همکاری داشته ام. مدیریت گروه پژوهشی، تاسیس و مدیریت کتابخانه تخصصی فقه و حقوق را نیز بر عهده داشته ام. از سال ۱۳۷۷ به مرکز تحقیقات دار الحدیث دعوت شدم و به عنوان مدیر گروه رجال فعالیت نمودم از سال ۱۳۷۸ معاونت پژوهشی و آموزشی این مرکز را نیز پذیرفتم و تا کنون در این سمت بوده ام. در طول سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری داشته ام و ضمن فعالیت پژوهشی، مدیریت و راه اندازی واحد پژوهش های گفتاری را بر عهده داشته ام. در تمام این مدت در ضمن مسئولیت و مدیریت پژوهشی، فعالیت پژوهشی مستمر و تدریس هم داشته ام. برخی از آثار پژوهشی هم به عنوان آثار برگزیده یا تشویقی معرفی شده اند. گذشته از این آثار، محصولات مختلفی نیز با نظارت یا راهنمایی یا مشاوره اینجانب تدوین شده است که شرح آن به قرار زیر است. ۱. راهنمایی یا مشاوره حدود ۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد در مراکز مختلف آموزشی. ۲. اشراف / معجم مصطلحات الرجال و الدرایة / دار الحدیث ۳. نظارت / دانش رجال از دیدگاه اهل سنت / دار الحدیث ۴.

نظارت/ مأخذ شناسی رجال شیعه/ دار الحدیث ۵. جهود الشیخ المفید و مصادرہ الفقہیہ/ بازنویسی دو فصل آن/ دفتر تبلیغات ۶. گفتگوهای فلسفه فقه/ شرکت در گفتگوها/ دفتر تبلیغات .

رویدشتی اصفهانی، حمیده

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۰۸۷ ق، از زنان عالم، فاضل، عارف و رجالی. وی دختر مولانا محمد رویدشتی اصفهانی، از شاگردان شیخ بهایی، بود. به نوشته صاحب ریاض. این بانو نزد پدرش درس خوانده بود. پدرش او را می‌ستود و با ظرافت می‌گفت: «حمیده ربطی به رجال دارد! یعنی توجه به علم رجال دارد.» و با مزاح او را «علامته» (با دو تاء) می‌خواند و می‌گفت: یکی از این دو تاء برای تانیث و دیگری علامت مبالغه است! وی می‌نویسد: «این بانو... استاد بانوان عصر خود بود و در علم رجال اطلاع کافی داشت و هم دارای نوشته‌های پاکیزه بود. او بازمانده فضلالی سرشناس و زنی پرهیزگار بود. حواشی و دقت نظرهایی بر کتب حدیث مانند استبصار شیخ طوسی و غیره دارد که دلالت بر نهایت فهم و دقت نظر و اطلاع وی می‌کند؛ به خصوص در آنچه مربوط به تحقیق در علم رجال است. من نسخه‌ای از استبصار را دیده‌ام که تا آخر کتاب را حاشیه زده بود و گمان می‌کنم به خط خود او (حمیده) بود.» و می‌افزاید: «پدرم (قدس سره) بارها حواشی او را در حاشیه‌های کتب حدیث نقل می‌کرد و می‌گفت که نیکو نوشته آن را تحسین می‌کرد. نسخه‌ای از کتاب استبصار در نزد ماست که حواشی حمیده به خط پدرم تا آخر کتاب صلوة بر آن است و دارای فواید نیکویی است. از اتفاقات شگفت‌آور این است که این دختر به خواهش مادرش با مردی نادان از بستگان خود در آن قریه ازدواج کرد.»

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منابع: تذکره القبور، ۳۰؛ الذریعه، ۱۰۳ / ۱۸۷ / ۶؛ ریاض العلماء، ۴۰۵-۴۰۴ / ۵ طبقات اعلام الشیعه، ۱۹۲-۱۹۱ / ۵؛ فهرست کتابخانه عمومی معارف (کتب خطی)، ۵۶ / ۱؛ مفاخر اسلام، ۱۲۱-۱۲۰ / ۸؛ النساء المؤمنات، ۳۱۱-۳۱۰.

روضاتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌الله آقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌الله العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال ۱۳۴۷ ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصول علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حایری فرا گرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌الله العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌الله العظمی

بروجردی اعلی‌الله مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصاً مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نمازگزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.

نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتیم همواره موفق بوده و مییاشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:

- ۱- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت ۱۲ سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.
- ۲- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (۳۰۰ صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبسوط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی مییاشد.
- ۳- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:

- ۱- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال ۱۳۷۷ ق بطبع رسیده.
- ۲- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذیل ایشان در سال ۱۳۷۹ چاپ شده است.
- ۳- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.
- ۴- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.
- ۵- کتاب (میزان الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذیل زیادی از ایشان در سال ۱۳۷۳ ق چاپ شده است.
- ۶- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال ۱۳۸۵ در اصفهان چاپ شده است.

- ۷- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.
- ۸- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.
- ۹- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.
- ۱۰- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: ۱- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. ۲- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم ۳- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. ۴- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.

- ۱۱- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی ۱۲ شماره از روزنامه چهل ستون از شماره ۱۴۲ تا (۱۵۵) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.
- اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:

- ۱- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.
 - ۲- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد ۱۴ کتاب الذریعه ص ۷۰) و در حرف میم هم در جلد ۲۱ ص ۲۹۳ آن را ذکر کرده است.
 - ۳- رساله در عدالت.
 - ۴- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.
 - ۵- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی ۶۴ آنرا معرفی کرده است).
 - ۶- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد ۲۱ ص ۳۹ آن را یاد کرده است.
 - ۷- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد ۲۰ ص ۱۳۳ آنرا تعریف نموده.
 - ۸- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاتة العلمی)
 - ۹- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.
 - ۱۰- کتاب مناظرات مذهبی در ۳ مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.
 - ۱۱- صوفی بازی در ۲ جلد رد بر صوفیه.
 - ۱۲- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.
 - ۱۳- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.
 - ۱۴- فلسفه نماز.
 - ۱۵- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.
 - ۱۶- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.
 - ۱۷- گمراهان باب و بهاء.
 - ۱۸- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد ۱۶ صفحه‌ی ۳۲۹ یاد کرده است.
 - ۱۹- قلاند العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.
 - ۲۰- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.
 - ۲۱- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.
 - ۲۲- حواشی بر کتب درسی.
 - ۲۳- حواشی بر کتب رجالی.
- علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین مییاشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت بخش کتب رجالی مییاشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی بن آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح روضاتی در ۲۱ ماه صفر ۱۲۸۳ در اصفهان متولد شده و در فقه و اصول بدرجه عالیه اجتهاد رسیده و از مشایخ خود اجازه اجتهاد داشت و تمام عمر خود را بمطالعه و تألیف و اقامه جماعت و نشر احکام صرف کرد و کتابخانه بسیار نفیسی داشت که همیشه در گوشه آن مشغول تألیف بود و در خدمت مرحوم حاج میرزا بدیع و جد خود صاحب روضات و عموی خود صاحب مبانی الاصول تلمذ نموده و از جدش صاحب روضات و عمو و پدرش خود اجازه داشت و در مدت حیاتش در مسجد خیابان اقامه جماعت نموده و نشر احکام میفرمود. از آثار و تألیفات ایشانست کتاب بزرگ (مکائد الشیطان) و نیز شش جلد بزرگ که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است در جنگ متفرقات. در ۱۶ ماه رمضان ۱۳۶۰ قمری وفات نموده و در مقبره جدش مدفون گردیده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، محمد باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بیت روضاتی اصفهان از بیوتات اصیل و ریشه‌دار علمی استان اصفهانست. سر سلسله این بیت مرحوم میرور سیدالفقهاء والمجتهدین آیه‌الله حاج سید محمد باقر موسوی خونساری صاحب کتاب مستطاب (روضات الجنات) میباشد. این بیت بیش از یکقرن است که در اصفهان و غیره خدمتگزار دین بوده و هستند. از این بیت رجال علم و دانشمندان بزرگ برخاسته‌اند و اکنون مردان با فضیلتی از این بیت در اصفهان مانند حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود روضاتی بخدمات دینی اشتغال دارند. از معاریف معاصر این بیت جناب حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد روضاتی مقیم تهرانست. والد آنجناب مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر روضاتی فرزند فقیه مجتهد آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی در ۱۲ ربیع المولود ۱۳۱۶ قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد علماء اصفهان مانند مرحوم آقای حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و حاج میرزا محمد رضا خونساری و آقا شیخ محمد خراسانی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقای حاج میرزا محمد صادق مدرس در فقه و اصول تلمذ نموده و از مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد حسین فشارکی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله صدر و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری اعلی‌الله مقامهم اجازه روایتی داشته و تا آخر عمر در مسجد خیابان و مسجد شیخ بهائی اقامه جماعت و ترویج دین و بیان احکام نموده تا در روز ۲۹ ماه رجب ۱۳۸۳ قمری در اصفهان وفات نموده و با تشییع کم نظیری در تکیه (مقبره) جد خود صاحب روضات مدفون و جمعی از ادباء و شعراء اصفهان در رثاء ایشان قصائدی گفته‌اند از جمله آقای برنا گوید:

باقر عالم فاضل ز جهان کرد عبور

شد پناهنده بدرگاه خداوند غفور
زد رقم از پی تاریخ وفاتش (برنا)
باقر عالم و زاهد بجنان شد مسرور
۱۳۸۳ قمری

از آثار اوست کتاب کوچکی در نحو فارسی که ظاهراً شرح و ترجمه (عوامل ملا محسن) است.
۲- کتابی در شرح لغات تاریخ معجم ۳- جنگی در متفرقات شبیه کشکول.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

رونق سنندجی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۰ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به رونق. اصلش از همدان بود. جدش به سنندج آمد و متوقف شد. وی نیز در آنجا متولد گردید. در خدمت والیان سنندج منشی بود. وی تذکره‌ای در احوال و اشعار شعرای کردستان نگاشت و به نام امان‌اللهی والی، آن مجموعه را «حدیقه امان‌اللهی» نام گذاشت، که در تذکره‌ها به نام «تذکره‌ی صغیر» نیز معروف است. ظاهراً تذکره‌ی دیگری هم به نام «تذکره‌ی کبیر» داشته است. رونق اندکی از اشعار خود نیز را در خاتمه‌ی آن نقل نموده است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۳۸- ۴۳۶/ ۱)، حدیقه امان‌اللهی (مقدمه)، حدیقه الشعراء (۶۹۸- ۶۹۷/ ۱)، فرهنگ سخنوران (۴۰۵)، مجمع الفصحا (۳۳۹- ۳۳۸/ ۴).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳- ۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، «دائرة‌المعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه»؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام». [۱]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمناً تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند. آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهایی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا. آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفته دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌الله توفیقه. وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آئینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲۶۳- ۲۶۲/۲)، آئینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵- ۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱/۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶- ۵۶۵/۴).

زروندی رحمانی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد زروندی رحمانی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۳۶ در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده‌ی مذهبی متولد شدم. در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره‌های خوب به پایان برسانم. سال ۱۳۴۹ به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت-هشت روز تمام کردم. بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه‌ی بنام مدرسه آقای موسوی نژاد

که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهود بود، پذیرفته شدم. اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود.

دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمة را خدمت مقام معظم رهبری خواندم.

سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم. سال ۵۶-۵۵ بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم. کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل، سلطانی، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم. در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم. اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از: آیات عظام وحید خراسانی (حدود بیست و دو-سه سال خارج فقه و اصول)، شیخ جواد تبریزی (هفت-هشت سال خارج فقه)، میرزا هاشم لاریجانی (مدت کوتاهی خارج اصول) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی. دروس فلسفه (منظومه، نهاییه الحکمه، اسفار، فصوص الحکم و اشارات) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم.

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته‌ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات، دروس سطح از جمله رسائل، مکاسب، کفایه، بدایه و نهاییه را سالهای سال تدریس کرده‌ام. در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب (که در دست چاپ می‌باشد)، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است.

زنجان، عزیزالدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰-۱۲۵۵ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در ۱۲۷۸ ق به عراق رفت و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در ۱۲۸۸ ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضة من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»؛ در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»؛ در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السؤال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسليمان»؛ «الصبح الصادق»؛ به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۳/۹)، الذریعه (۳۲۱/۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۱-۸۰/۱۴)، علماء معاصرین (۳۴۰-۳۳۹)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۱۵۰۳-۱۵۰۲/۵).

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینة‌المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحيح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۲۵۳-۲۵۲/۹)، الذریعه (۲۴/۱۹۱، ۱۵/۱۵، ۱۲/۹۵، ۴۵۲، ۳/۳۴۰)، ریاض‌العلماء (۲۴۳-۲۴۲/۵)، ریحانه (۲۰۴-۲۰۳/۶)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۱/۶۱۸)، الکنی واللقاب (۳/۲۵۷)، لغت‌نامه (ذیل / نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (۹/۲۵۰)، هدیه‌الاحباب (۲۵۷).

ساوئی، ابوالفضل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل ساوئی از علماء و ادباء و اطباء زمان خود و یکی از مؤلفین کتاب (نامه دانشوران) به امر ناصرالدین شاه قاجار بوده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبحانی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ جعفر بن علامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت ۵ سال در تبریز خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فرا گرفته و جلد اول اصول

فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.

استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسين آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگری پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
 - ۲- تهذیب الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
 - ۳- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
 - ۴- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
 - ۵- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
 - ۶- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
 - ۷- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
 - ۸- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.
 - ۹- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
 - ۱۰- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
 - ۱۱- سرچشمه هستی در توحید.
 - ۱۲- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سپهرم، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، تذکره‌نویس. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس سیروس، امیر معزی و ثروت به پایان رسانید. مدت ده سال علوم قدیمی مانند صرف و نحو و ادبیات عرب و علوم معقول و منقول را نزد استادان فن فراگرفت. از آثار وی: «اشعار جاویدان پارسی»، شرح زندگانی عده‌ای از مشاهیر؛ «تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: مؤلفین کتب چاپی (۱۷۷-۱۷۶/۶).

سرخسی، شرف‌الدین یوسف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۱- ۶۳۹ ق)، نساخ و محدث. در سرخس برآمد و ساکن دمشق شد. او از علمای حدیث بود. برزالی و ذهبی و ابن رافع از شاگردان وی می‌باشند. سرخسی در دمشق دیوانهای شعری لطیف همچون شعر ابن المشد و الشواء را نسخه‌نویسی می‌کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۱/۹).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲- ۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدید به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحیی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌الله حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثاً»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکابیل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجه (۲/ ۳۴۰، ۲۰۰- ۱۹۷/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، الذریعه (۲۲/ ۲۸۳، ۲۱/ ۱۱۶، ۴۶، ۱۷، ۱۶/ ۱۱)، ۱۳۹، ۸۰- ۷۹/ ۸، ۴۱۰، ۳۱۷/ ۳، ۳۶۶/ ۲، ۴۹۳، ۴۱۵/ ۱)، ریحانه (۷- ۵/ ۵، ۱۵- ۱۳/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹- ۶۹۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶- ۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷- ۲۲۵/ ۶).

سلطان المتکلمین، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۵۳ ق)، عالم دینی، رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه می‌پرداخت. از وعاظ مشروطه طلب بود، و همه‌ی طبقات از منبرش سود می‌جستند. وی دارای تالیفات چندی است. از جمله آثارش: «زیده المآثر»، در شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر تالیفات او؛ منظومه‌ی «تریخ ام‌المصائب سیدتنا زینب بنت امیرالمومنین (ع)»، به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اساس السیاسه فی تاسیس الریاسه»، در ابتدا عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر شرح داده شده و سپس سایر اخلاق و آداب ریاست بیان شده؛ «بشارات الامه»، در موالید ائمه (ع)، که در ابتدای آن اصول عقاید مفصلاً بیان شده؛ «ترجمه موسی المبرقع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲/ ۳۲، ۴/ ۱۶۶، ۲۶۳، ۱۱۲/ ۳، ۷/ ۲)، شرح حال رجال (۵/ ۱۹۸)، ریحانه (۶۲- ۶۱/ ۳)، علماء معاصرین (۳۶۸- ۳۶۷)، معجم المؤلفین (۵۸/ ۹).

سمعی مروزی، قوام‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲- ۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در ۵۳۰ ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذیل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحجیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتأخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتأخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبیین

معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم. [۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۱۳ م. - ف. ۵۶۲ ه.ق./ ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابه معجم المشایخ، تاریخ الاوفاء للمتأخرین من الرواه الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶/ مقدمه)، روضات الجنات (۹۶- ۹۵/ ۵)، ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵- ۴۵۶/ ۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوسعید)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳- ۱۷۲/ ۱۹)، معجم المؤلفین (۵- ۴/ ۶)، وفيات الاعیان (۳۷۹- ۳۷۸/ ۱)، هدیة العارفين (۶۰۹- ۶۰۸/ ۱).

سیفی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر سیفی

محل تولد: بابلسر

شهرت: سیفی مازندرانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی، در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلاکگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.

پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت. ایشان با توجه به اینکه مسئول تبلیغات لشکر ۲۵ کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص

به پرداختن عمیق به این علوم می‌دادند. در سال ۱۳۶۰ افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان، بیناست. پس از چنگک تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال ۱۳۷۲ در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می‌نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می‌باشند.

شیری، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی شیری زنجانی فرزند مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متبیین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان ۱۳۲۶ قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت الله والدشان در این شهر مقدس متولد شده. این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:

سال تاریخ ولادت عجب الهام شد

از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور

مبارک رمضان که با ۱۳۵۴ مطابق است بعد از کم کردن هشت با ۱۳۴۶ قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمناً در این بیت به ماه و روز و ساعت نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند. باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدید در سال ۱۳۵۹ قمری به مقدمات علمی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتاً کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال ۱۳۶۳ قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت الله بروجردی به قم در محرم ۱۳۶۴ در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت الله حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت الله داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال ۱۳۷۴ قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت الله حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت الله خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال ۱۳۷۵ بار دیگر

به عتبات مشرف شده حدود ۶ ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌الله خوئی استفاده کرده ضمناً مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعظام دوستان خود بحث کرده است.

اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.

۱- مرحوم آیت‌الله والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالی ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.

۲- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌الله گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.

۳- رهبر فقیه انقلاب مرحوم آیت‌الله خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.

۴- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.

تألیفات معظم‌له

ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متأسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبیض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شرایبانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۲ - ۱۲۵۴ ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرایبانی. در شرایبان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود ۱۲۷۲ ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌الله کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲۳/۷)، اعیان الشیعه (۳۶/۱۰)، الذریعه (۳۸۵/۴)، ریحانه (۱۸۴/۳)، شرح حال رجال (۲۰۰/۵)، علماء معاصرین (۷۶- ۸۰)، الکنی و الالقاب (۳۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۵- ۶۶۴/۵)، معجم المؤلفین (۱۲۹/۱۱)، مکارم الآثار

(۱۲۵۸-۱۲۵۶/۴).

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸-۱۲۴۹ ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استرآباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولای و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینایع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «الفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۱/۹)، الذریعه (۲۸۹/۲۵، ۱۷۷/۲۴، ۲۳۴، ۱۶۲-۱۶۱/۲۱، ۱۵-۱۴/۲۰، ۲۳۵/۱۲، ۴۷/۱۱، ۴۷۲/۳، ۴/۲، ۹۸/۱)، ریحانه (۲۱۱-۲۱۰/۳)، شرح حال رجال (۲۲۴/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۹۲-۳۹۱/۱۴)، لغت نامه (ذیل / شریعتمدار)، معجم المؤلفین (۲۱۳/۹)، مکارم الآثار (۱۳۵۰-۱۳۴۹/۴).

شمس العلماء، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شیخ) محمد مهدی بن (ملا) غلامعلی مشهور به حاجی آقاخوند بن حسن بن رضا بن خدابنده بن رضا بنده (ف). ۱۳۳۱ ه.ق. / ۱۹۱۳ م.). پدر وی در عبدالرب آباد (ه.م.) ساکن بود و در آن حدود مشهور و صاحب ریاست دینی بود. محمد مهدی مقدمات علوم را از صرف و نحو و معانی و بیان و فقه و اصول در قزوین نزد علمای مشهور آن شهر فراگرفت. سپس به تهران آمد و سالی چند در مدرسه دوست علی خان معیرالممالک به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در حدود سال ۱۲۴۹ ه.ق. بر حسب انتخاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم دانشوران (ه.م.) در اداره دارالتألیف پذیرفته شد. مؤلفان کتاب مزبور تا آخر عمر اعتضادالسلطنه (۱۲۹۸ ه.ق.) تحت نظر وی برای جلد اول کار کردند و پس از وفات آن شاهزاده آن اداره و همه متعلقات آن به حکم ناصرالدین شاه به اعتمادالسلطنه (ه.م.) منتقل گردید وی فضلالی عضو اداره دارالتألیف یا دارالترجمه را و امید داشت کتابهایی که خود او موضوع آنها را اقتراح می کرد تألیف کنند و سپس خود وی آنها را به اسم خویش منتشر می کرد. مثلاً کتاب المآثر و الآثار به قلم شمس العلماء

صاحب ترجمه است، و دیگر جزو اعظم سه جلد مطلع الشمس نیز عینا به انشاء اوست (مگر شرح احوال شعرای فارسی). وی از دوستان و همکاران صمیمی عبدالوهاب قزوینی (م.ه) بود و در سنی قریب ۷۰ سالگی در گذشت (قزوینی). یادگار ۳: ۵ ص ۵۷ به بعد).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شوشتری، شفیع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری. عالم فاضل، از علمای از کیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.

در ۱۲۱۱ متولد، و در ۲۱ ذی الجحجه الحرام سال ۱۲۷۴ وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.

کتب زیر از اوست:

۱- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» ۲- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. ۳- حواشی بر نقد الرجال. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، هبه‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۶ - ۱۳۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبه‌الدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخستین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد

صاری، ابوطالب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نویسنده، مترجم و مدرس. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند. از اوان کودکی به فراگیری زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت و پس از چندی بر این دو زبان مسلط شد. در ۱۳۱۴ ش به درجه‌ی افسری نایل گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از جمله: مترجم دانشگاه جنگ، خدمت در اصل چهار و سازمان همکاری بهداشت در بابل و تدریس زبان انگلیسی در دانشکده افسری و دانشکده تکمیلی دانشگاه جنگ، از آثار وی: «آمریکا»، ترجمه؛ «احتراع تلفن»، ترجمه، «اختلافات زبان انگلیسی»؛ «ایده آلیست» یا «یار غائب»؛ «برده‌ی آزادی‌بخش»، ترجمه؛ «چنگیزخان»، ترجمه؛ «راهنمای ترجمه»؛ «روح انسان»، ترجمه؛ «فلسفه علمی»، ترجمه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۶۰، ۱۷۶۵، ۱۶۴۱، ۲ / ۱۱۲۰، ۴۱۰، ۱۳۰، ۱۲۹، ۶۵-۵۵ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲-۱۸۱ / ۱).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴-۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فرا گرفت و قسمتی از علوم غربیه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند. در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد و هابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»،

در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سیل النجاه»، در فقه معاملات؛ «تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبيين الاباحه للمصلين»؛ «تحصيل الفروع الدينیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج و اسرارها»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجّه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰- ۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰- ۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵- ۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷ / ۳، ۳۵۹ / ۲، ۱۶ / ۱)، ریحانه (۴۲۵- ۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹- ۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵- ۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل / صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰- ۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹- ۲۰۱۵ / ۶).

صدیق، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۷.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۳، اراک.

حاصل کوشش‌های حسن صدیق یک رشته مقالات درباره‌ی کرج و اراک و کتاب مفصلی است که خود آن را «هزار چهره‌ی نامی اراک» می‌نامید و متأسفانه مرگ فرصت نداد تا هیچ یک از کارهای خود را به طبع برساند.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طاهری یزدی، عبدالغفور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶- ۱۲۷۲ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به طاهری. از شاعران و دانشمندان سرشناس یزد در دوره‌ی اخیر است که صاحب آثار منظوم و مثنوی متعددی است. از آثار وی: «مصایح الانوار»، در تفسیر؛ «لؤلؤ مثنوی»، در حکمت؛ «تذکره الواعظین»، برای اهل عظم و خطابه؛ «تذکره السلاطین»، تاریخ عمومی از آفرینش تا رویدادهای ۱۳۱۴ ق با مقدمه‌ای در جغرافیای جهان و خاتمه‌ای در سرگذشت پیامبر (ص) و امامان (ع)؛ تذکره‌ی «جلالی»، که به نام جلال‌الدوله سلطان حسین میرزا، پسر ظل‌السلطان، فرمانروای یزد، در وصف شهرها و شاهان ایران نگاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۰۱- ۲۰۰)، الذریعه (۳۸۶ / ۱۸، ۵۲، ۳۴ / ۴)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۵۹۶، ۱۸۳ / ۱).

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در روزهای پایانی صفر ۱۲۹۲ ق. خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین)) نام گرفت. غرق در ذکر و سپاس پروردگار شد.

سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات، سیوطی، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوری بخش به تکمیل اندوخته‌ها و تهذیب نفس پرداخت. نحو، صرف، بدیع، عروض، منطق، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می‌شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت.

آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین، پسر عمو سید حسین، در مدرسه صدر روزگار می‌گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت: اگر می‌خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می‌مانی.

زیر باران

سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درجه ای شرکت جست.

دانشور درجه ای، که نورالهی در دیدگان داشت، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت. حضرت آیه الله ملا- محمد کاشی، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می‌شدند. استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول ۱۳۱۴ سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان نامور حوزه سپاهان در کام روانش می‌ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.

هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می‌خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت. او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آورد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در ۲۲ سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.

نامه سرنوشت

۱۳۱۹ ق. برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت. پدر چنان نوشته بود که می‌خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت. اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش، سید اسماعیل، رهسپار نجف شد.

برادران بروجردی در ۱۳۲۰ به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین، که ۲۸ سال داشت و مجتهدی جوان

شمرده می شد، به درس حضرت آیة الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تامل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟

اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد. آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول) خویش کامروا ساخت، سرانجام در اواخر ۱۳۲۸ به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در ۱۳۲۹ با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.

او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر سفرش را به تاءخیر انداخت. در این سوگ نامه صاحب کفایه الاصول سبب تسلاهی خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.

این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت: مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از ۶ ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.

خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترده اندک اندک مؤمنان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیة الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت.

در برابر شب

در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤلان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاد، خواستار برکناری مسؤلان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت.

پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤلان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤمنان به شهر بازگشت.

سفر سبز

از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.

چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان

استقبال پر شور مؤمنان به بروجرد گام نهاد.

او سپس راه عراق پیش گرفت، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت، چندی در حریم امیر مؤمنان توقف کرد و سپس روانه ایران شد. در بند دژخیم

همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤمنان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می‌هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.

در تهران رضاخان به دیدارش شتافت. او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده، گفت: چیزی از من بخواه.

فقیه بروجردی اظهار بی‌نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگزیر لب‌گشاده، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم، اگر می‌خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.

آنگاه در پاسخ رضا خان، که مسأله نادیده گرفتن جایگاه آیه الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می‌نهم.

آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فراخوانده، چون می‌دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی‌دهند، فرمود برآتم به مشهد سفر کنم.

اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت.

دیدار بزرگان

مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیه الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می‌اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤسای عشایر خواست با تهران تماس گرفته، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که، اگر دولت سخن آیه الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد رفت و مسؤل ولایت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است.

در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.

چون او از بند بیماری رهایی یافت، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش بیایی به تهران می‌شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می‌خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت. آیه سوره مؤمنون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.

بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاقت در چهاردهم محرم ۱۳۶۴ ق. از افق قم برآمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود

سرشار ساخت .

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.

استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.

مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤمنان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.

ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایت‌های فرامادی قرار داشت . برای مثال حضرت آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجرب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .

مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد. شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :

شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک)) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.

علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تائید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:

۱- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسر را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .

دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیه الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :

استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.

دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.

۲- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :

وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من پذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است .

پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد،

ناگزیر فرشهای خانه را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد. من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت: این را آقا برای شما فرستاده.

به پاکت نگرستم، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم. چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت. سالهای درخشان

حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءید الهی حوزه مقدس قم را که، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤمن فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.

مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید. سامان دادن به وضعیت درسی حوزه.

رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان، برقرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان، گسیل کردن نمایندگان به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.

ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین)) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.

او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤمنی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مسأله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت.

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته، با نیرنگ جوانان مؤمن را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید در روز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه، نخست وزیر و آیه الله بهبهانی نوشته، به تهران گسیل داشت، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت: در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقتش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟

مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت. هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم.

آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه، گرمابه و دبستان در ایران، عراق، لبنان، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک

چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت.

سرور فقیهان شیعه تنها قرآن‌ها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه‌ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی‌پذیرم. این را نیز نمی‌توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می‌پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می‌گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.

دانشور جامع

یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیه الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی‌توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه‌ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحب‌نظران می‌شد. دو خاطره‌ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می‌تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:

۱. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی، رئیس روزنامه اطلاعات، نزد ایشان شتافت. کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی، آقا درباره تاریخچه روزنامه، نگاری، اهداف آن، اولین روزنامه نگار و... سخن گفت.

آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت. هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت: آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است.

۲. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاقت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت: من خیال می‌کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می‌شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.

میراث ماندگار

مرجع روشن بین شیعه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می‌پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می‌کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه‌مندانی که در پی بهره‌گیری از نگاهش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته‌ام... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است.

ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می‌تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:

۱. تجرید اسانید الکافی

۲. تجرید اسانید التهذیب

۳. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه

۴. اسانید رجال کشی

۵. اسانید استبصار

۶. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق

۷. اسانید کتاب امالی

۸. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق

۹. تجرید فهرست شیخ طوسی

۱۰. تجرید رجال نجاشی
۱۱. حاشیه بر کفایه الاصول
۱۲. حاشیه بر نهاییه شیخ طوسی
۱۳. حاشیه بر عروۃ الوثقی
۱۴. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی
۱۵. حواشی کتاب مبسوط
۱۶. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه
۱۷. اصلاح و مستدرک رجال طوسی
۱۸. بیوت الشیعه
۱۹. جامع احادیث الشیعه

آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه)) را آماده چاپ ساخت.

فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت. کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است. دربار و مرجعیت

دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکرایی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم و زمانه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفته و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال، نخست وزیر وقت، گفت: پدرش (رضا خان) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت. اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.

گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.

و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مسأله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت: ... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.

منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤمن سیاسی بسیار دقیق داشت. او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ ق. فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر

رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت. در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند. استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سر بلند کرد و گفت: خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم. یکی از حاضران گفت: آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم. فقیه پارسای شیعه فرمود: خالص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است.)

این سخن حاضران را بسیار تحت تأثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه ق برابر با دهم فروردین ۱۳۴۰ ه ش، برای همیشه چشم از جهان فرو بست و در مسجد اعظم قم، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت الله العظمی آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی الثانی ۱۳۴۸ برابر با چهارم آبانماه ۱۳۱۸ شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت الله حاج سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت الله حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح الله قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمیری و مرحوم آیت الله حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی فرا گرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت الله العظمی خوئی دام ظلّه العالی آموخته و همین طور چند سالی در درس خارج آیت الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (۲۵) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.

پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف فعالیت‌های موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.

در اسفند ماه ۱۳۴۹ شمسی و ذی حجه ۱۳۸۹ قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال ۱۳۵۶ برابر ۱۳۹۶ قمری در نجف به فعالیت‌های علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیت‌های مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و

مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمایی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند. مسافرت‌های ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرت‌ها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند. تألیفات ایشان

- ۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.
 - ۲- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
 - ۳- معجم اعلام الشیعه
 - ۴- علی ضفاف الغدیر
 - ۵- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه
 - ۶- مستدرک الذریعه
 - ۷- تعلیقات بر الذریعه
 - ۸- تهذیب الذریعه
 - ۹- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.
 - ۱۰- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه
 - ۱۱- اهل البیت فی المکتبه العربیه
 - ۱۲- الحسین والسنه
 - ۱۳- نتایج الاسفار
 - ۱۴- قید الاواید
- تصحیح متون
- ۱- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی
 - ۲- فهرست شیخ طوسی
 - ۳- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل
 - ۴- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال ۹۲.
 - ۵- ترجمه الحسن و الحسین علیهما‌السلام از طبقات ابن سعد
 - ۶- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال ۸۶.
 - ۷- رساله ذهبی در حدیث الغدیر
- شرکت در کنگره‌های علمی
- ۱- هزاره شیخ طوسی در مشهد
 - ۲- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران

۳- کنگره جهانی امام رضا علیه السلام در مشهد

۴- کنگره حسین (ع) در لندن

۵- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن

اجازات ایشان

معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند. فقیه.

تولد: ۱۳۰۸ (۲۳ جمادی‌الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت: ۸ بهمن ۱۳۷۴ (۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالمعنی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فلسفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمیری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنگرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال‌ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعه؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی التراث الاسلامی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربیه فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنه النبویه، انباء السماء برزیه کربلا؛ اهل‌البیت علیهم السلام فی المکتبه العربیه (معرفی و توصیف کتاب‌های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعه (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ حیاة الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر (چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیه فی مکتبه امیرالمؤمنین (ع) العامه فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطات تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛

فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبه الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقیه فی مکتبه الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج البلاغه (کتابنامه نهج البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغة العربیة؛ مستدرک الذریعة، معجم اعلام الشیعة؛ مکتبه العلامة الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب های که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمه الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنة (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع))، ترجمه امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاة فعلى مولاة (حافظ ذهبی)؛ عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطين فی فضائل المرتضی و البتول و السبطين (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراچکی (آماده چاپ)؛ فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السؤل (زیر چاپ)؛ مناقب امیرالمؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).

آیت الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طبرسی، امین الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۴۸ ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبریل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در ۵۲۳ ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته اند که وی شهید گشته است. جنازه اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکافی الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری در تفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج الموالید»؛ «الآداب الدینیة»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللثالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو. [۱]

(ع. معر. تفرشی) ۱- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین الدین و امین الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین ۴۸۰ -

۴۶۸ ه.ق. - ف. ۵۴۸ ه.ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد مجلسی در ریاض العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال ۵۲۳ ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوی‌ای مخصوص دارد. شماره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه. م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدة در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللالی در کلمات قصار علی ۴ و غیره. ۲- رضی الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. ۵۶ ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حنط دانسته‌اند)، مکارم الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).

الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.

اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند ۱- مجمع البیان در تفسیر قرآن ۲- الوسیط (تفسیر متوسط) ۳- الوجیز (تفسیر مختصر) ۴- جوامع الجامع ۵- الاداب الدینیة للخرزانه المعینیة ۶- غنیة العابد ۷- منیة الزاهد ۸- تاج الموالید ۹- کنوز النجاج ۱۰- عده السفر ۱۱- عمدة الحضر ۱۲- النور المبین ۱۳- الفائق ۱۴- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.

بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوة الانوار در ادعیه است.

بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال ۵۲۳ قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال ۵۴۸ قمری از دنیا رفت.

جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.

و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبدالله خان ازبک افغانی قتل عام کردند صاحب روضات گوید از صاحب ریاض العلماء منقولست که میان همه طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکتته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.

نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکتته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.

پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه

پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۵۳-۳۵۲ / ۵)، ایضاح المکنون (۴۳۳ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۰۱-۳۹۸ / ۸)، تأسیس الشیعه (۳۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۹ / ۲)، الذریعه (۲۴ / ۲۰، ۲۴۹-۲۴۸ / ۵، ۲۴۲، ۲ / ۲۴۰، ۱۸ / ۱)، روضات الجنات (۳۴۹-۳۴۲ / ۵)، ریحانه (۳۶ / ۴)، شهیدان راه فضیلت (۹۱-۸۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷-۲۱۶ / ۶)، فوائد الرضویه (۳۵۲-۳۵۰)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۲۶)، الکنی و الالقاب (۴۴۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طبرسی)، معجم المؤلفین (۶۷-۶۶ / ۸)، هدیه الاحباب (۱۹۴-۱۹۳)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۸۰-۲۷۷ / ۵).

طبرسی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن بن العالم العلام والحجّه الاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس الله سره.

فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص ۱۵۵ گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.

ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.

در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است. پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندرانی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه الله بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد. و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است. تصنیفات سودمند دارد.

منها ۱- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان ۲- دارالسلام فیما يتعلق بالمنام ۳- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب ۴- الکلمة الطیبه ۵- رساله میزان السماء ۶- الصحیفه الرابعه ۷- جنه المأوی ۸- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجّه الاسلام ثقه الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.

نگارنده گوید: مرحوم حجّه الاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص ۵۴۳ تا ص ۵۵۵ حدود ۱۲ صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۰ ق ذکر نموده است.

(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. ۱۴ ه. (ف. ۱۳۲۰ ه. ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۵ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه‌المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه‌الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه‌العارفین»؛ «سراج‌الامه»، در شرح «شرح‌اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد‌الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط‌النجاه». حدث قمی در «فوائد‌الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم‌الدره فی صلاه‌الجمعه» را به وی نسبت داده است. [۱]

شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.

۱- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است ۲- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی ۳- حدیقه‌الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی ۴- حدیقه‌العارفین در مناقب و مصائب ۵- سراج‌الامه فی شرح‌اللمعه ۶- شرح تصریف ملاسعد ۷- نتیجه‌المقال فی علم‌الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال ۱۳۴۵ قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۱۵۹/۹)، الذریعه (۵۰/۲۴، ۱۴۹/۱۳، ۱۵۶/۱۲، ۳۸۷، ۱۵۶/۶)، ریحانه (۳۳۱/۳)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۴۰۴/۱۴)، فوائد‌الرضویه (۴۵۲)، المآثر و الآثار (۱۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۸۳-۵۸۲/۲)، معجم‌المؤلفین (۱۹۵/۹).

عالم خراسانی، بی‌بی

قرن: ۱۳

جنسیت: زن

ملیت: ایران

۱۳۳۵-۱۲۷۴ ق، از زنان دانشمند و پارسا. وی دختر حاج میرزا طاهر خراسانی و از اهالی خراسان بود. مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب را نزد پدرش، متولی مسجد گوهرشاد، و دیگران فراگرفت. سپس با شاعر معروف، سید میرزا حبیب‌الله شهیدی خراسانی (۱۳۲۷ ق) ازدواج کرد. فقه و اصول و حدیث و عرفان را از محضر همسرش بهره‌مند شد. و به مطالعه و تحقیق در سیره انبیاء، تاریخ و قصص عرب، اشعار جاهلیت، ادبیات و احوال اولیاء و عرفا پرداخت. تبحر و تخصص ویژه‌ای در شرح حال اولیا و عرفا و تاریخ

انبیاء و دوران قبل از اسلام داشت. همسرش در مقدمه دیوان شعر خود او را چنین وصف کرده است: «بی‌بی عالم مقدمات تحصیلی را علی‌الرسم در خانواده آموخته بود و بعداً در همسری و معاشرت آقا به مطالعه تواریخ انبیاء و رسل و حکایت احوال اولیا و عرفا پرداخت. تهجد و نوافل و تعقیبات نمازها و تلاوت قرآن روزانه را ترک نمی‌کرد و بر سجاده نماز، هر روزه دو صفحه‌ای از مثنوی مولوی با آهنگ ملکوتی تلاوت می‌کرد و خلاصه از نادرات عارفان زمان خود به شمار می‌رفت».

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: منبع: دایرةالمعارف تشیع، ۵۴۹ / ۳.

عاملی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث مشهور شیعی (و. مشعر) از قرای جبل عامل (۱۰۳۳- ف. / مشهد ۱۱۱۴ ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از ۴۰ سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهدایة، هدایة الامة، جواهر السنیه (احادیث شیعه)، نزهة السماع (در حکم اجماع)، بدایة الهدایة، فصول المهمة، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.

محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغری جبل عامل ۱۰۳۳ ه.ق. - ف. مشهد ۱۱۰۴ ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، الاثنا عشریه فی رد الصوفیه، الاجازات، احوال الصحابه، اربعین حدیث، ارجوزة در زکات، ارجوزة در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عذری بیگدلی، اسحاق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۸۵ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به عذری. وی برادر آذر بیگدلی و از تذکره‌نویسان و شاعران غزل‌سرای ایران است که در جوانی در گذشت. عذری تذکره‌ای به نام تذکره‌ی «اسحاق» در چهار قسمت قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۸۳- ۱۸۲ / ۱)، دویت سخنور (۲۳۸- ۲۳۷)، الذریعه (۷۰۹ / ۹)، ریحانه (۱۱۷ / ۴)، سفینه‌المحمود (۴۱۱- ۴۰۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۲۷- ۶۲۶)، نگارستان دارا (۲۳۷ / ۱).

عسکری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحربزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در ۱۳۹۱ ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش: «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مخلوق» یا «۱۵۰ صحابی ساختگی»، دو مجلد. [۱]

سید مرتضی عسکری بن آیت‌الله حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.

وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌الله العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال ۱۳۹۱ ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.

از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:

۱- عبدالله بن سبا ج ۱- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.

۲- عبدالله بن سبا ج ۲- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.

۳- احادیث عایشه ج ۱- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.

ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.

۴- خمسون و مائه صحابی مخلوق ج ۱- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.

۵- خمسون و مائه صحابی مخلوق ج ۲- آماده برای طبع میباشد.

نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.

نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه السلام) بطبع رسیده است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۶۶۰- ۶۵۹ / ۴).

عطار اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۶۶ ق)، حافظ، محدث و رجالی. وی نویسنده‌ی ابونعیم حافظ بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از ابو عمر هاشمی و علی بن قاسم نجاد در بصره، و از ابوالقاسم حرفی و ابوعلی بن شاذان در بغداد، و از ابوبکر بن مردویه و ابوسعید محمد بن علی بن عمرو نقاش و همطبقه آنها در اصفهان حدیث شنید. سعید بن ابی‌رجاء و حسین خلال و فاطمه بنت محمد بن بغدادی و اسماعیل بن علی حمامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که او حافظ حدیث و در نزد اهل شهرش عظیم‌الشأن بود و مجالس املائی حدیث چندی برقرار کرد. دقاق گوید: «او از حفاظی بود که از حفظ املا می‌کرد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۴۱۷ / ۱)، سیر النبلاء (۳۳۹-۳۳۸ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳۲۵ / ۳)، العبر (۳۲۰ / ۲)، النجوم الزاهره (۹۸ / ۵)، الوافی بالوفیات (۳۵۵ / ۱).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۳۰ ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلع طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلع ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباچه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباچه به خدمت شمس‌الدین التتمش در آمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در ۶۳۰ ق به پایان رسیده است. [۱]

(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. ۶ و اوایل قر. ۷ (بین ۵۷۲ ه.ق. / ۱۱۷۶ م. - ۶۳۵ ه.ق. / ۳ - ۱۲۳۲ م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرفت‌انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاء‌الدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. ۶ در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا

پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلیج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباچه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب (م.ه) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (م.ه) را به نام ناصرالدین قباچه آغاز نمود. ناصرالدین در سال ۶۲۵ ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعید جنیدی مخصوص گردید و جوامع‌الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباچه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (م.ه) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است. بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۳۰-۱۰۲۶ / ۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۰-۷۷ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۹۸-۹۷)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۸۵ / ۲)، الذریعه (۱۰۰۱، ۷۷۵، ۹ / ۵۰، ۴ / ۴۵، ۵ / ۵۰، ۴ / ۲۱۹)، سبک‌شناسی (۳۸-۳۶ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۶۰)، لباب‌الالباب (ترجمه مصنف / یب-که)، لغت‌نامه (ذیل / عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س ۳، ص ۹۳-۸۹)، مجمع‌الفصحا (۱۱۶۸ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۷-۷۷۶ / ۵).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۲۸ ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در ۴۱۲ ق تصنیف و در ۴۲۸ ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرح‌الادیب»، در رد یوسف بن ابی‌سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله‌الادیب»، در رد ابن‌عربی، در «نوادر»ی که ثعلب روایت کرده است؛ «نزه‌الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید‌الوابد»، در رد ابن‌سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح‌المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقة»؛ کتابی در «اسماء‌الاماکن».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۴ / ۲)، ایضاح‌المکنون (۱۸۶ / ۲)، کشف‌الظنون (۱۹۳۹، ۸۷)، لسان‌المیزان (۳۶۷-۳۶۶ / ۲)، معجم‌الادباء (۲۶۵-۲۶۱ / ۷)، معجم‌البلدان (۲۴۴ / ۴)، معجم‌المؤلفین (۱۹۷ / ۳)، هدیه‌العارفین (۲۷۵ / ۱).

فقیه محمدی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی فقیه محمدی جلالی

محل تولد: آستانه اشرفیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

نگارنده در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۱ ه. ش در خانواده‌ای مذهبی که بالغ بر سه قرن روحانی و از سرشناسان شهرستان آستانه اشرفیه بوده‌اند بدنیا آمد. در سال ۱۳۶۸ رسماً وارد حوزه علمیه جعفریه آستانه اشرفیه شده و توانستم از محضر اساتیدی همچون شیخ موسی کهنسال و استاد حجّه الاسلام المسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسان ادیب استفاده نمایم. پس از اتمام مقدمات جهت استفاده بیشتر به حوزه علمیه جامع رشت هجرت نموده و اصول فقه مظفر را نزد آیه الله استاد حاج سید مجتبی رودباری حفظه الله گذرانده و سپس با موفقیت کامل در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان مجاورت مشهد رضوی را برگزید و از اساتیدی همچون آیت الله سید جواد سبزواری و استاد حجّه الاسلام والمسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسانی ادیب کسب فیض نمودم. در مشهد رضوی در کنار دروس حوزه به مکالمه عربی و اردو همت گماشته و در کمتر از ۸ ماه توانست به خوبی مکالمه عربی را فرا گرفته و به زبان اردو آشنا شوم. همچنین در تابستان سال ۱۳۷۳ رسماً قلم به دست گرفته و تحقیقات خود را در زمینه بقاع متبرکه آغاز نمودم به گونه‌ای که شرح حال تمامی امام زادگان خراسان، نیشابور، سبزوار، کاشمر، مشهد را مفصلاً همراه شجره نامه آنان بررسی کردم. طبق دعوت نامه‌ای که اوقاف استان قم بعمل آورد جهت بررسی بقاع متبرکه استان مذکور و جهت استفاده بیشتر از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم و استجاب دعوت اداره کل اوقاف قم در سال ۱۳۷۴ به آنجا هجرت نموده و در کمتر از یک سال کتاب تاریخ قم و زندگانی امامزادگان داخل شهر را تحقیق و تالیف نمودم که از سوی مسجد مقدس جمکران به چاپ رسید و مورد استقبال علماء، فقهاء و محققین قرار گرفت. نگارنده شش ماه پس از تالیف کتاب مذکور موفق به دیدار ولی امر مسلمین حضرت آیه الله العظمی سید علی خامنه‌ای دامت برکاته شد و مورد عنایت معظم له قرار گرفتم و در همان دیدار پس از مباحثه ۲۰ دقیقه‌ای با معظم له از سوی ایشان لقب محقق گرفته و همین امر باعث شد که در میان طلاب گیلانی به محقق گیلانی شهرت یابم هنوز چند ماهی از دیدار مذکور نگذشته بود که از سوی دفتر مقام معظم رهبری جهت تحقیق در مورد بقعه‌ای در شهر آمل مامور شده و پس از یک ماه بررسی حول زندگانی حسن بن علی الاطروش مجدداً به ملاقات خصوصی آن رهبر فرزانه نایل و مراحل تحقیق را شخصاً تقدیم نموده و باز هم مورد عنایت معظم له قرار گرفتم. نگارنده در قم به درس خارج اصول حضرت استاد آیه الله جعفر سبحانی و درس فقه آیه الله العظمی سید محمد صادق روحانی و حضرت آیه الله سید محمد علی میلانی شرکت و از محضرشان استفاده می‌نماید. طبق دعوتی که آستانه مقدس علی بن موسی الرضا از ایشان نمود در سال ۱۳۸۰ به مشهد رضوی مهاجرت کرد و در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی طبق قرار دادی به فعالیت پژوهشی به کار مشغول شدم. نگارنده در کنار تعلم به تحقیق و تالیف اشتغال دارد و تخصص در علم رجال و انساب و تاریخ امام زادگان و شرح حال آنان می‌باشد. از جمله جوانترین محققان کشور است.

فلکی همدانی، ابوالفضل علی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۷ / ۴۰۷ ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی. جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت به فلکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع‌آوری حدیث سفرها کرد و از ابن رزقویه و ابولحسین بن بشران و قاضی ابوبکر حیری و به قول شیرویه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه عبدالله انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فلکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت. فلکی کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله طبقاتی است به نام «المنتهی فی الکمال فی معرفه الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفه الرجال»، در هزار جزء از دیگر آثارش: کتاب «اللقاب» یا «معرفه القاب المحدثین» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۵۰۴-۵۰۲ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۳۱، ۱۸۵ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۱-۴۳۰)، کشف الظنون (۱۸۵۸-۱۷۳۹، ۱۳۹۷)، معجم المؤلفین (۷۲-۷۱ / ۷)، الوافی بالوفیات (۳۴-۳۳ / ۲۱)، هدیه العارفین (۶۸۷ / ۱).

قائمی خراسانی، ابوطالب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۳۰- شهادت ح ۱۲۹۳ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قائمی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قائمی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدت‌ها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قائمی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا- عبدالحسین قائمی و نجف بن علی اکبر بیرجند و محمد حسین قائمی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان‌جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خسمه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبیه سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوايه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۶۴ / ۲)، بزرگان قائن (۹۱-۷۳)، بهارستان آیتی (۲۸۲-۲۸۱)، الذریعه (۲۹۱-۲۹۰ / ۲۵، ۲۵۴-۲۵۳، ۲۵۰ / ۱۵۰، ۲۲ / ۲۸۸، ۲۰ / ۱۸، ۱۷-۱۹ / ۸۳، ۱۵ / ۲۴۲، ۱۲ / ۱۴۴، ۹۰، ۸۸ / ۸)، ریحانه (۴۲۸ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۲-

۴۰ / ۱۳)، فوائد الرضویه (۴۱۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۳-۱۳۲ / ۶)، معجم المؤلفین (۲۹ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۳-۱۸۲ / ۱).

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۰-۱۲۲۲ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندانزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد»، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقلال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۳۵)، اعیان الشیعه (۱۴۶-۱۴۵ / ۱۰)، خاتمه مستدرک الوسائل (۱۳۶-۱۲۷ / ۲)، الذریعه (۶۲ / ۲۵)، ۲۳۹ / ۲۴، ۲۹۲، ۲۳۸، ۱۲۲ / ۲۳، ۲۱ / ۱۶۱، ۱۷ / ۱۳۲-۱۳۳، ۳۱۳-۳۱۴، ۱۶ / ۱۳۷، ۱۵ / ۹۳، ۳۲۹ / ۱۳، ۸۳ / ۷، ۲۱۰ / ۶، ۴۰۵، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۳۶ / ۴، ۱۲۵، ۴۰ / ۳، ۳۸۹، ۲۷۴، ۶۸، ۳۴ / ۶، ۲ / ۶، ۴۸۵، ۴۶۲، ۴۴۹، ۴۹، ۴۸، ۱ / ۴۸، ریحانه (۴۵۷-۴۵۶ / ۴)، علماء معاصرین (۱۱-۶)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۵۶ / ۱۲)، مینو در (۹۷۴، ۹۶۳، ۹۵۱، ۹۵۰، ۹۲۱-۹۲۰، ۹۱۸، ۸۶۰، ۸۵۹-۸۵۸، ۸۴۷، ۸۴۰، ۸۲۱، ۸۰۴، ۷۷۶، ۳۱۱-۳۱۰، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۱۳۵، ۱۱۴-۱۱۳، ۹۴، ۸۴، ۸۱، ۶۸، ۶۳، ۱۰-۲ / ۸).

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۵- ز ۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است. قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: خاتمه مستدرکات (۱۰۶- ۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴ / ۲۱، ۲۶۳، ۲۶۲- ۲۶۲ / ۲۰، ۸۹، ۶ / ۳۳۹- ۳۳۷ / ۳، ۲۰۷، ۱)، ریحانه (۴ / ۴۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷۹- ۴۷۶ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لغت‌نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۶)، هدیه الاحباب (۱۷۱).

قمی، جواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرونمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال ۱۳۰۳ قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع الله درجته.

فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته:

الحاج سید جواد قمی اعلی الله مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمد تقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ بر سید جلیل و عالم نبیل سید محمد باقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدره الباهره فی احکام العتره الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینابیع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمه الله علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیر التهجید و البکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی حمزه ثمالی را در قنوت نماز و ترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه ۱۳۰۳ رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قوچانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج شیخ عباس قوچانی از افاضل دانشمندان خراسان و قوچان است در نجف اشرف وی در قوچان متولد شده و مقدمات و سطوح وسطی را در آنجا و مشهد مقدس خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص مرحوم آیت‌الله العظمی شاهرودی و آیت‌الله حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله العظمی خوئی و در اخلاق و عرفان از محضر جمال السالکین عالم ربانی و آیت سبحانی حاج میرزا علی آقای قاضی استفاده نموده تا به مدارج علم و اخلاق رسیده است. و گذشته از معظم له آقایان آقا شیخ عبدالله بلقانی و آقا شیخ عبدالله ابراهیمی و آقا شیخ براتعلی حسین زاده و آقا شیخ ذبیح‌الله سلامی و آقای صاحب‌الزمانی از مدرسین مدرسه عوضیه قوچان و ائمه جماعت مساجد این شهرستان می‌باشند. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفرشی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱ / ۸)، الذریعه (۲۹ / ۲۰، ۲۲۸، ۲۲۶ / ۶، ۷۱، ۷۰-۶۶، ۶۵ / ۴)، روضات الجنات (۳۹۴-۳۹۳ / ۴)، ریحانه (۴۹۸-۴۹۷ / ۴)، الفوائد الرضویه (۳۴۲)، الکنی و الالقاب (۹۷-۹۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قهپایی)، معجم المؤلفین (۱۴ / ۸).

کازرونی ابوالعباس، احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالعباس احمد بن منصور بن احمد بن عبدالله شافعی کازرونی از دانشمندان قرن ششم هجری است در ۵۱۶ تولد یافته و در ۵۷۸

وفات نموده از آثار او کتاب (معجم الشیوخ) در هفت جلد می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ملا) حبیب‌الله بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن ۱۴ ه. (و. ۱۳۴۰ ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در ۱۴ سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا-هادی سبزواری آموخت و در ۱۶ سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در ۱۸ سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح الریاض (حاشیه بر ریاض المسائل)، تذکره الشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانة الادب، لغ).

حبیب‌الله الشریف بن ملا-علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکرر در تألیف بوده است. وی در حدود ۱۲۶۲ متولد شده و در سال ۱۳۴۰ ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیب‌الله یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (باب‌اللقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در ۱۲ جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید‌الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیة‌الاصول) و (درة‌الجمان) و تذکره‌الشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.

آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. ۱- مرحوم حجة‌الاسلام آقا حسین شریف ۲- ثقة‌الاسلام آقا احمد شریف ۳- ثقة‌الاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.

دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند ۱- مرحوم آیت‌الله حاج سید فخرالدین امامت ۲- مرحوم آیت‌الله آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا-حبیب‌الله چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌الله آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌الله مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.

در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.

(ح ۱۳۴۰ - ۱۲۶۲ ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌الله آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف

و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا-هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الرياض»، حواشی «رياض المسائل»، «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفين»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صبح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبه التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «رياض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۴/۵۵۹)، الذریعه (۴/۲۳، ۲۷۷، ۱۵/۲۸۲، ۱۸/۲۱۵، ۱۴/۲۱۴، ۳۲۴-۳۲۳، ۶۷/۱۱، ۲۳۱/۹، ۹۸، ۸، ۲۷۱/۷، ۴۹۲-۴۹۱، ۴/۱۸۲)، ریحانه (۲۰-۱۸/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۶۱-۳۶۰/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۲-۲۵۰/۶)، لغت‌نامه (ذیل / حبیب‌الله)، معجم المؤلفین (۳/۱۸۷).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۵-۱۲۴۷ ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌الله بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»، «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیه»؛ «الاستیجاریه»؛ «الاستشفاء بالتربة الحسینیة»؛ «شرح زیارة عاشوراء»؛ شرح «الکفایة» سبزواری، در فقه؛ «حجیة المظنة»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالة الصحة»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۴۷۵)، تذکره القبور (۱۰۶-۱۰۵)، الذریعه (۱۴/۳۶، ۱۳/۳۰۸، ۶/۲۷۶، ۵/۸۳، ۳/۱۱۰، ۳۵، ۲۳، ۱۹، ۱۸/۲)، ریحانه (۲۷۰-۲۶۹/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰-۷۹/۱۴)، الکنی و الالقاب (۱/۱۵۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۲۴۳).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود ۱۳۲۰ ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدن التمام و البحر الطمطم»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفة الی سلاله النبوة»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملة من المصنفات و المصنفین»؛ «درة البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سما المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیة». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۴۵۳)، تذکره القبور (۱۰۷-۱۰۶)، الذریعه (۱۶/۳۳۷، ۱۵/۳۴، ۱۲/۲۲۹، ۶۴-۶۳/۸، ۴۰۳، ۶۷/۳)، ریحانه (۳۰۰-۲۹۸/۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۸۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲/۲۴۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۰۶۸-۱۰۶۷/۳)، معجم المؤلفین (۱۳/۱۴۶)، مکارم الآثار (۴/۱۳۰۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۸-۳۰۷/۱).

کشی، ابوعمر و محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۴۰ ق)، فقیه و رجالی بزرگ امامی. نسبتش به کش از شهرهای ماوراء النهر می‌رسد. کشی معاصر عیاشی سمرقندی و از شاگردان او بود و از او بهره‌ها برد و در منزل وی در سمرقند حدیث شنید و بر وی قرائت کرد و در جرح و تعدیل بر وی اعتماد نمود. هارون بن موسی تلکبری از او روایت می‌کند. کشی استاد ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است. او همطبقه ثقه الاسلام کلینی است. ابوعمر و کشی به کتاب رجالش معروف است. به آورده‌ی «معالم العلماء» نام کتاب «معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین» است که شیخ طوسی آن را در ۴۵۶ ق ملخص و تصحیح کرد و «اختیار معرفة الرجال»، معروف به «رجال کشی»، نامید و از عصر علامه تا زمان ما آنچه در دست است همان «اختیار الرجال» طوسی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اختیار معرفة الرجال (مقدمه)، الاعلام (۷/۲۰۱)، الذریعه (۱۰/۱۴۱)، روضات الجنات (۶/۲۰۶)، سفینه البحار (۲/۴۸۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۶-۲۹۵/۴)، فرقه‌های اسلامی (۱۳۸)، فوائد الرضویه (۵۸۷-۵۸۵)، الکنی و الالقاب (۱۱۶)

۱۱۵/۳)، لسان المیزان (۸/۱۰۱)، معجم رجال الحدیث (۶۴-۶۳/۱۷)، معجم المؤلفین (۸۵/۱۱)، هدیه الاحباب (۲۲۶)، هدیه العارفین (۲/۲۲).

کمره‌ای، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵-۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا-محمد بیدهندی و سید علی اکبر بیدهندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌الله حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌الله رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌الله سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله کاظم گلپایگانی، حجة الاسلام انصاری قمی و حجة الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌الله کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌الله سید محمود طالقانی و آیت‌الله سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌الله بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیک‌های جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌الله کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقه‌ی الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خوانسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بیدهندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷

قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بید هندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال ۱۳۴۰ قمری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسایل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع استاد فلسفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و هم‌درس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فرا گرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌الله حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌الله حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌الله میرزا سید علی یشربی کاشانی فرا گرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگوار است که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

- ۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهما السلام ۳- علی و الزهراء- سرچشمه آب حیات ۴- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیها سلام ۵- ترجمه قصیده النبی محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۶- نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان ۷- نهج البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه السلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۰- نامه کودک در مسجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسین ۱۷- تاج مأمون الرشید ۱۸- مجلس مباحثه امام رضا علیه السلام با عمران صابی ۱۹- فلسفه غیبت امام زمان عجل الله فرجه ۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام در ری ۲۱- شرح حال محمد بن ابی بکر ۲۲- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر ۲۳- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم السلام ۲۵- قبله اسلام کعبه یا مسجد الحرام ۲۶- بیت المقدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صلی الله علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع

پیرامون خانه تقدیس ۳۵- اسرار حج ۳۶- تفسیر سوره نور ۳۷- ندای اذان و ثواب آن بفارسی ۳۸- دروس متون احادیث ۳۹- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در اندلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشیه رساله لقاء الله ۴۵- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعد الشده (بعبری) ۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله ۵۰- آل رسول الله ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشیعه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از با کعبه بسایهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد. علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷ (۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می‌نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می‌نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رئیس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره

رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره‌ی مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می‌بری؟»، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهادی کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج البلاغه؛ نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیده‌النبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صای؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشده (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق الطرق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه دانشوران (۴۹۳-۴۹۱، ۱۸۸-۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/۲۲، ۴۴/۱۷، ۳۵۲/۱۵، ۱۲۶-۱۲۵/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵-۷۰۴/۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲-۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/۵، ۵۴۰-۵۳۵/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵-۳۲/۳).

کوه کمری، محمد حجت

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲-۱۳۱۰ ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از

شاگردان حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرایبانی بود. اصل وی از کوه کمر تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیک و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در ۱۳۳۰ ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت. وی همچنین از محضر آیت‌الله شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در ۱۳۴۹ ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبدالله مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمة فی حکم عمل الصور المجسمة»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایة»؛ «الصلوة»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویة فی مرسلات الآثار النبویة»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴/۴۶۵، ۳/۱۹۳، ۲/۲۵)، ریحانه (۲۵-۲۳/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۸۲-۳/۸۱)، علماء معاصرین (۲۱۶-۲۱۴، ۱۸۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۲۰-۳۰۹، ۳۰۶-۱/۳۰۵)، لغت‌نامه (ذیل / حجت کوه کمری)، معجم المؤلفین (۹/۱۷۷).

کیانی، مسیب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسیب کیانی

محل تولد: نهاوند- گیان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۳۰

زندگینامه علمی

اینجانب اواخر سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه نهاوند گردیدم و بعد از حدود هشت ماه به قم منتقل و در مدرسه علمیه مهدی موعود

(عج الله) زیر نظر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مشغول به تحصیل شدم و دروس مقدماتی را در آن مدرسه و سطح را در مدارس حوزه علمیه قم به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۵ در درس خارج فقه و اصول شرکت نمودم. در سال ۱۳۷۴ وارد پژوهشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی شده و به پژوهش و تحقیق در این موسسه مشغول و به فعالیت در زمینه علوم اسلامی و کار نمایه سازی و اطلاع رسانی در این مجموعه مشغول بودم.

در سال ۱۳۷۷ وارد دانشگاه مفید در قم گردیدم. در سال ۱۳۸۰ فارغ التحصیل رشته «علوم سیاسی» در مقطع کارشناسی شدم. در طول حضور در پژوهشکده در برنامه (نمایه سازی، کتاب شناسی، کتابخانه و همچنین اطلاع رسانی) جهت تدوین پایان نامه ها، رساله، مقالات و راهنمایی «افراد، محققین، طلاب و دانشجویان» مشغول بوده ام.

گلچین معانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۷۹ - ۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخصص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسماً قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»، «شهر آشوب در شعر فارسی»، «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمان»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»، «کاروان هند»، رساله در احول «آل بنجیر»، «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوائف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملازاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانج فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات. [۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی

گردید.

«اشک و آه»

بی تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
 اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
 چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
 تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
 همه شب بهر نثارت رخت از مخزن چشم
 رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
 اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
 بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
 چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
 رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
 نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
 شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع
 «ماه»

دیدم ای ماه که شمع شب تارم نشدی
 تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
 بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
 که خبردار ز دشواری کارم نشدی
 روی برتافتی و پشت و پناه دل من
 نشدی کز همه جا رو بتو آرام، نشدی
 زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
 که خبردار ز حال دل زارم نشدی
 غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
 یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
 یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
 لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
 گفتم آرام ندارد دل گلچین بی من
 چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
 باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
 گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

(۸۰۹)، الذریعه (۱۸ / ۲۱۸، ۹ / ۹۳۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹ - ۳۰۵۳ / ۵)، صدف (۵۶۷ - ۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲ / ۲۸۰۸، ۲ / ۸۳۷، ۱ / ۷۵۵)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸ ص ۹ - ۳)، گلزار معانی (۶۱۰ - ۵۸۵).

گلستانه

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(گلستان) ابن شاه ابوتراب محمدعلی حسینی یا حسنی معروف به گلستانه و ملقب به علاءالدین، از سادات گلستانه ساکن اصفهان (ف. ۱۱۱۰ ه. ق؟) وی دانشمندی است عابد و محقق. از آثار او است: ۱- بهجة الحقائق. ۲- ترتیب مشیخیه‌ی من لا یحضر الفقیه. ۳- حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق. ۴- روضة الشهداء و شرح الاسماء الحسنی. ۵- منهج الیقین. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مامقانی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۱ - ۱۲۹۰ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م ۱۳۱۳ ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در ۱۳۰۸ ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در ۱۳۰۹ ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف در گذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الايقاعات و العقود»؛ «مرآة الكمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطیبة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروع»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریة»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطرح الافهام فی مبانی الاحکام». [۱]

عبدالله بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی ارباب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل

وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول ۱۲۹۰ قمری در نجف متولد و در ۱۶ شوال ۱۳۵۱ قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.

تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.

۱- ارشاد المستبصرین ۲- تحفه الخیره ۳- تحفه الصفوة فی الحیوة ۴- تنقیح المقال فی احوال الرجال ۵- الدر المنضود فی صیغ الايقاعات و العقود ۶- سراج الشیعه ۷- السیف البتار ۸- مرآت الرشد ۹- مرآت الکمال ۱۰- مطارح الافهام ۱۱- مقباس الهدایه ۱۲- مناہج المتقین ۱۳- منتهی مقاصد الانام ۱۴- نتایج التنقیح ۱۵- نہایه المقال و کتب دیگر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۷۳/۲۵، ۱۵۹/۲۳، ۳۴۹/۱۸، ۲۲/۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۶، ۲۸۴-۲۸۳، ۲۷۲، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۷/۲۰، ۳۶، ۱۲- ۱۱/۱۸، ۱۷/۱۶۱، ۳۴۶، ۲۲/۱۳، ۱۶/۱۳، ۲۸۶، ۱۲/۱۵۷، ۱۳۷، ۷۸-۷۷/۸، ۱۴۹/۶، ۲۱۶، ۵/۲۱۵، ۴۶۷، ۴/۴۶۶-۴۶۷، ۳/۴۳۲، ۵۲۸، ۵۲۰، ۱۲۰، ۱۱۸/۱)، ریحانه (۱۵۹-۱۵۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۹۹-۱۱۹۶/۱۴)، علماء معاصرین (۱۵۹-۱۵۸)، الکنی و الالقاب (۳/۱۳۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۱۱۴۶-۱۱۴۵/۳)، معجم المؤلفین (۶/۱۱۶).

مبشری، اسدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم.

تولد: ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت: ۲۱ مهر ۱۳۶۹، تهران.

دکتر اسدالله مبشری، فرزند ابوالقاسم، تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه تهران و سپس فرانسه به پایان رسانید. سال‌ها در وزارت دادگستری مقام‌های قضایی را تصدی می‌کرد. در دولت مهندس مهدی بازرگان وزیر دادگستری بود. وی غزل نیکو می‌سرایید و طبعی روان داشت.

از آثار اوست: اسلام و موسیقی (۱۳۲۳)؛ پرتگاه مبشری (مجموعه شعر، تهران ۱۳۱۰، تبریز، ۱۳۱۲)؛ روش نویسندگی (تهران، ۱۳۳۳)؛ عبقریه محمد (عباس محمود عقاد، ترجمه، جلد اول ۱۳۲۷، جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ منظومه شبی (مجموعه شعر، زنجان، ۱۳۱۶).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مجلسی، محمدتقی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۷۰-۱۰۰۴/۱۰۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، عابد و زاهد. نسبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیه الاولیاء»

می‌رسد. اصلش به آورده‌ی «روضه‌الصفاء» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب‌آبادی در «مکارم الآثار» از قریه مجلس از روستاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شعری پدرش، مقصود علی، مجلسی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نظری اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو استاد خود ملا عبدالله شوشتری بود. او نخستین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت. در محضر شیخ بهائی و ملا- عبدالله شوشتری و پسرش ملا- حسنعلی شوشتری و میر شرف‌الدین علی شولستانی نجفی تلمذ نمود و به دریافت اجازه نایل شد. ملا- محمدتقی از محقق کرکی، مشهور به محقق ثانی، و ملا عبدالله شوشتری و شیخ بهائی روایت کرده است. میر فندرسکی و قاضی معزالدین محمد اصفهانی و شیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دایی‌اش، به آورده‌ی «تذکره القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند. فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبدالله بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضه‌المتقین»، در شرح «من لا یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیه» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقه‌المتقین فی معرفه‌احکام‌الدین لارتقاء معارج‌الیقین»؛ «احیاء‌الاحادیث فی شرح تهذیب‌الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک‌الحج»؛ «الاربعون حدیثاً»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد‌الرجال»؛ «طبقات‌الرواه»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی» [۱].

ملا- محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. ۱۰۷۰ ه.ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ بهائی (ه.م) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (ه.م) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از ۱۰ مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۱۹۳- ۱۹۲/۹)، تذکره‌العلماء (۱۶۷- ۱۶۴)، تذکره‌القبور (۲۲۱- ۲۱۹)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۲۱۷- ۲۱۲/۲)، الذریعه (۲۲/۲۵۸)، ۳۷۰- ۳۶۹، ۱۸/۳۶۸، ۱۴۹، ۱۵/۱۴۸- ۶۷، ۱۴/۶۶- ۶۷، ۱۳/۲۲۶، ۳۰۵، ۳۰۳- ۳۰۲، ۱۹۰، ۱۱/۲۲۷، ۶/۱۴۵، ۳۸۹، ۴۱۳، ۱/۳۰۷، ۱، روضات‌الجنت (۱۱۹- ۱۱۴/۲)، روضه‌الصفاء (۸/۵۸۵)، ریاض‌العلماء (۵/۴۷)، ریحانه (۲۰۱- ۱۹۸/۵)، طبقات‌اعلام‌الشیعه (قرن ۱۰۲- ۱۰۱/۱۱)، فوائد‌الرضویه (۴۴۶- ۴۳۹)، قصص‌العلماء (۲۲۸- ۲۱۴)، الکنی و الالقاب (۱۵۲- ۱۵۰/۳)، مفاخر اسلام (۴۴- ۲۸/۸)، معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف (۱۱۵۳- ۱۱۵۲/۳)، معجم‌المؤلفین (۹/۱۳۷)، هدیه‌الاحباب (۲۳۳- ۲۳۲).

محبوبی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید محبوبی

محل تولد: ملکان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال ۱۳۵۲ در روستای قره گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه ولیعصر (عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوائی، اسحاق راهب و همچنین نویسندگان ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویق‌های مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند «سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»، «ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسندگان تاکنون این کتابها منتشر شده است: ۱. آن روز، آن مهمانی، ۲. یک روز بهاری ۳. کبوتر سفید، ۴. هدیه، ۵. تربت و دریا، ۶. اولین برفی که زمین نشست، ۷. آفتاب حکمت، ۸. آینه اخلاص، ۹. روح اخلاص، ۱۰. گزیده‌ای از حکایات شیخ عباس قمی، ۱۱. ستارگان حرم (گروهی)، ۱۲. گلشن ابرار (گروهی)، ۱۳. مهربانترین، ۱۴. فرزند کعبه، ۱۵. خانه در آتش، ۱۶. ملاقات در شب مهتابی.

همچنین کتابهای ۱. دیدار در خانه دوست، ۲. خورشید در نخلستان، ۳. دعای باران، ۴. فرشته‌ای در کویر، ۵. بارانی از مهر، ۶. زیباترین شب، ۷. همسفر با فرشته، ۸. رؤیای شیرین، ۹. فرشته‌ای در قصر، ۱۰. آن شب، آن شعر، ۱۱. نوشته نامرئی، را در زیر چاپ دارد.

«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۸۶ و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال ۱۳۸۷، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محرابی کرمانی، سعید

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، تذکره‌نویس و شاعر. خاندان او در کرمان معروف و دارای علم و زهد بوده‌اند. معروفترین مرد خاندان وی شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی باخرزی ملقب به شیخ عالم بوده است. محرابی صوفی مشرب بوده و با ادبیات فارسی و عربی آشنایی داشته است. از آثارش: «مزارات کرمان» یا «تذکره الاولیاء» محرابی کرمانی، که سید محمد هاشمی کرمانی در اسفند ماه ۱۳۳۰ ش به

اهتمام و سرمایه‌ی حسین کوهی کرمانی آن را چاپ نمود. «تاریخ نظم و نثر» سال تألیف کتاب را ۹۳۹ ق ذکر کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۷)، تذکره‌ی شاعران کرمان (۴۴۷-۴۴۴)، الذریعه (۳۲۶/۲۰)، ستارگان کرمان (۳۴۱-۳۳۸)، عرفای کرمان (۱۰۵-۱۰۴)، مزارات کرمان (مقدمه/ بیست و دو- بیست و هشت).

محقق خوانساری، حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۹/۱۰۹۸-۱۰۱۶ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الكل فی الكل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا محمدتقی مجلسی و خلیفه‌السلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌الله جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سوره الفاتحه»؛ ترجمه‌ی «صحیفه السجادیه»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ و فیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبهه الایمان و الکفر»، «شبهه الطفره» و «شبهه الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۰-۱۴۸/۶)، ایضاح المکنون (۴۸۵/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶-۳۱۴/۵)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (۲۶-۲۳)، تذکره‌ی القبور (۲۹۸-۲۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۳-۱۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۷۳/۵۱، ۲)، الذریعه (۱۰۶/۲۲، ۳۶/۲۱، ۱۳۳-۱۳۲/۲۰، ۲۴۴، ۹۱، ۲۵/۱۳، ۲۴۷، ۹، ۱۹، ۷، ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۱۱، ۶۸/۶، ۸۱/۵، ۳۳۹، ۱۲۶، ۱۱۲/۴)، روضات الجنات (۳۴۷-۳۳۹/۲)، ریاض العارفین (۱۸۷)، ریاض العلماء (۶۰-۵۷/۲)، ریحانه (۲۴۲-۲۳۹/۵)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۸-۴۰۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۷-۱۶۶/۱۱)، فقه‌ای نامدار شیعه (۲۳۸-۲۳۴)، فوائد الرضویه (۱۵۵-۱۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۵۹-۱۵۸/۳)، لغت نامه (ذیل / حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (۴/۴۸)، مواد التواریخ (۱۷۴-۱۷۳)، هدیه‌ی الاحباب (۲۳۵-۲۳۴)، هدیه‌ی العارفین (۳۲۴/۱).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۶ - ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج سید حسن صدر و آیت‌الله جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعه»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قره‌العین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاصد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاصد بی‌حجابی؛ «کشف البیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه. [۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فرا گرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسگرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند. تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

- ۱- ریاحین الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.
- ۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
- ۳- کشف الاشباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
- ۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
- ۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
- ۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
- ۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.
- ۸- فرسان الهیجاء در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
- ۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوی اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
- ۱۰- کشف الغرور در مفاصد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

- ۱۱- کشف المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
 - ۱۲- کشف الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
 - ۱۳- کشف البیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
 - ۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
 - ۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
 - ۱۶- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
 - ۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
 - ۱۸- کشف‌التهمه.
 - ۱۹- السیوف البارقه.
 - ۲۰- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
 - ۲۱- شرافه‌الاسخیا و رذاله‌البخلاء.
- و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
- فقیه، محقق.
- تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، محلات.
- درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نائینی، آیت‌الله سید ضیاء‌الدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمه‌التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایره‌المعارف شش جلدی ریاحین‌الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق‌المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین)؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان‌الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قره‌العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع‌الایام (دو جلد)؛ لطایف‌الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف‌الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف‌الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف‌الحقیقت (مشتمل بر فتاوی‌اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف‌الغرور (در مفاصد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف‌المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف‌الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف‌البیان (در ترجمه عثمان بن عفان)؛ کشف‌العثار (در مفاصد شراب و قمار)؛ کشف‌الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف‌الخفاء (در

خصوص تذکره الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ فلانند النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافه السخیاء و رذاله البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۱۲۸- ۱۲۷/۲۵، ۱۹/۶، ۱۲۲، ۴۴، ۱۸/۴۲، ۱۶۵، ۱۵۲- ۱۵۱، ۱۷/۷۲، ۱۶/۱۶۸، ۲۹۳، ۱۲/۹۹، ۳۱۴- ۳۱۳/۱۱، ۲۸۵، ۷/۳۸، ۳/۲۵۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶-۱۴/۷۱۵)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۱۶۲).

مدرس خیابانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی بن محمدطاهر بن نادر بن محمدطاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس خیابانی (و. ۱۲۹۶ ف. ۱۳۷۳ ه.ق) مؤلف ریحانه‌الادب در تراجم و شرح حال اطبا و علما و عرفا و حکما و ادبا و فضلا با ذکر کنیه و لقب آنها. مدرس خیابانی غیر از ریحانه‌الادب تألیفات دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حیاض الزلائل فی ریاض المسائل» در شرح کتاب طهارت از ریاض که معروف به شرح کبیر است، دیگر «فرهنگ بهارستان» در مرادفات فارسی. دیگر «فرنگ نگارستان» در لغت فارسی. دیگر «فرهنگ نوبهار» در لغت فارسی، دیگر کتاب «غایه‌المنی فی تحقیق الکنی» در بیان کنیه‌های حیوانات در زبان عرب. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵- ۱۲۷۴ ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملاهادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایه» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله قمی و آیت‌الله آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ش به تهران آمد و از

محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از ۱۳۱۰ ش به معلمی و ناظمی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از ۱۳۱۷ ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقه الحقیقه» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیبه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی. [۱]

پژوهشگر.

تولد: ۱۲۷۴ (۱۳۱۳ ق.)؛ مشهد.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۵.

سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمد و در مدارس مشهد و از سال ۱۳۱۰ در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.

از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، ۱۳۱۹)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۴)؛ احوال و آثار ملک الشعرای بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۶)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، ۱۳۳۵)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، ۱۳۱۷)؛ تعلیقات حدیقه الحقیقه (۱۳۴۴)؛ تنسخ نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۸)؛ حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد، ۱۳۳۰)، تصحیح دیوان حکیم سنایی (۱۳۲۰)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (۱۳۲۸)؛ تصحیح دیوان انوری ابیوردی (دو جلد، ۱۳۴۰-۱۳۳۶)؛ شجره‌ی طیبه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، ۱۳۴۸)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، ۱۳۴۰)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (۱۳۴۸)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، ۱۳۱۹)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، ۱۳۳۵)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، ۱۳۴۶)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۵)، با مقدمه‌ی موسی عمید. تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال ۱۳۱۳ به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷/۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۰۴۷/۲، ۹۱۳، ۱۷۷، ۱/۱۲۵)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۱۴-۳، س ۳، ش ۸، ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵-۲/۲۵۴).

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱ - ۱۲۳۹ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در ۱۲۶۳ ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولای نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافه، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رساله فی الدرایه و الرجال»؛ «رساله فی الهیئه»؛ شرح «الشرايع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمه الواجب»؛ رساله در «اقسام الولايات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰/۱۶)، الذریعه (۲۵/۲۵۵، ۲۴/۴۴، ۱۳/۳۲۶، ۱۷۷، ۶/۹۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۵۴ - ۱۴۵۳/۱۴)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۶۰۴ - ۲/۶۰۳)، معجم المؤلفین (۱۱/۱۷)، مکارم الآثار (۱۰۷۹ - ۴/۱۰۷۸).

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمد هادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۳۶.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۳۷ تا کنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب <مسند النبی> شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوی شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین المذاهب و بنیاد نهج البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از ۲۰ سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی تألیفات:

علم‌الحدیث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغه‌ای اعتمادالسلطنه، محمدحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرحوم محمدحسن خان مراغه‌ای ملقب به اعتمادالسلطنه و صنیع‌الدوله بن میرزا علی‌خان مراغه‌ای صاحب کتاب (المآثر و الآثار) ادیبی اریب و مورخی بزرگ و نویسنده‌ای سترک و وزیر ناصرالدین شاه قاجار بوده است.

از آثار و تألیفات او کتب ارزنده زیر است ۱- مرآت البلدان در چند جلد بزرگ به طبع رسیده ۲- المنتظم الناصری ۳- مطلع

الشمس ۴- المآثر و الآثار ۵- خیرات حسان در سه مجلد ۶- حجه‌السعادة فی حجه‌الشهاده ۷- تاریخ ایران ۸- تاریخ فرانسه ۹- مآثر

السلطان وی در ۱۸ شوال ۱۳۱۳ قمری سال فوت ناصرالدین شاه وفات نموده و در ماه تاریخ وفاتش گفته‌اند

به هر تاریخ وفات می‌داد

آن وزیر فاضل باطنطنه

از رحمت سروش غیب گفت

در جنان شد اعتمادالسلطنه

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۱- ۱۳۱۸/۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام

سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ

نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ

محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه

و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از

شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در

۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌الله حائری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌الله مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبه‌المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسبیین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبله»؛ «مشمول بر مباحث هیئت»؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»؛ «در انساب آل محمد (ص)»؛ «مصباح الهدایه فی شوارع الکفایه»، که حاشیه مختصر بر «کفایه‌الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمه‌التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائی و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالمرح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و

آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گویند: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب ارباب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از باییه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلای نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گل‌های رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلبران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتابی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایه حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده

کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسماعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهایی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دوستان نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهندی مؤسس مدرسه الواعظین در لکنه هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- السید علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- السید هادی آل کاشف الغطاء ۹- السید مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- السید محمدجواد البلاغی ۱۱- السید محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحر العلوم ۱۳- السید فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج شیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقا حسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلاً در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبداللہ یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیة که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیة در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثنا عشریه که به معظم له داده‌اند

۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتی که ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶ (۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹ (۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغار کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبه‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهااردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم‌آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختیبی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبه‌الدین شهرستانی، علی اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر

کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های درس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یشربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله ال-کرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمده‌المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسائین، الهدایه فی معاضل الکفایه، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایه القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهاییه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکت قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۱-۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/۲۳، ۲۷۶/۲۱، ۳۷۶/۲۰، ۳۵۵، ۲۶۴/۱۸، ۱۸۶/۱۶، ۸۸/۱۵، ۲۱۵، ۱۴۰/۱۲، ۳۷۸/۶، ۲۶۰/۲)، ریحانه (۱۳۴-۱۲۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸-۸۴۷/۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹-۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲-۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲-۳۷/۲، ۲۱۵-۲۱۱، ۵۶-۵۱/۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰-۱۱۸۹/۳).

مروجی طبسی، محمد محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .

مدرسه علمیه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید میرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام "خدیجه مادر امت" شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند " پیامبران ناشناخته " که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

در سال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان " علی امام قرنها " برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام " علی نخستین مسلمان " ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش‌هایی تحت عنوان "نهج البلاغه آشنای غریب" و "خورشید نیزه‌ها" برگزار شد که در آن مقاله‌ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آئینه پژوهش به چاپ رسید.

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم.

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۷۲- وف بعد از ۶۱۴ ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در ۵۹۲ ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیف صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیره القدس»، در حدود ۶۰ مجلد، در خصوص انساب طالبان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود ۲۰ مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد. از آثار دیگر او: «زبدۃ الطالبیه»؛ «غنیۃ الطالب فی نسب آل ابی طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۳۰۸)، اعیان الشیعه (۳۲۰- ۳۱۹/ ۳)، الذریعه (۲۵۲/ ۲۳، ۷۹/ ۱۹، ۶۷/ ۱۶، ۲۹/ ۱۲، ۷/ ۲۶، ۱۰۷- ۱۰۶/ ۳)، ریحانه (۳/ ۱۱۲)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (۱۵۰- ۱۴۲/ ۶)، معجم المؤلفین (۲/ ۲۶۶)، هدیۃ العارفین (۱/ ۲۱۱).

مسکین اصفهانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به مسکین. وی معاصر دیوان بیگی، صاحب «حدیقۃ الشعراء» بود و در اصفهان با هم

مصاحبت داشتند. او در سرودن انواع شعر دست داشت. از آثارش: «تذکره‌ی مسکین»، تذکره‌ی گونه‌ای شامل مقداری از اشعار بیست و پنج تن از شعرای غزلسرای اصفهان، که با قطره‌ی سامانی آغاز می‌شود و به میرزا عبدالله سرگشته پایان می‌یابد؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۴۷-۳۴۳ / ۱)، حدیقه‌العشراء (۱۶۳۵-۱۶۳۳ / ۳)، الذریعه (۱۰۳۸ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۸۴۱).

معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدعلی معلم فرزند مرحوم زین‌العابدین بن حسین بن علی‌اکبر بن محمد بن حسین حبیب‌آبادی متولد ۱۳۰۸ و متوفی ۱۳۹۶ قمری یکی از دانشمندان و نویسندگان گمنام و ادباء عظام استان اصفهانند.

ترجمه و آثار ارزنده آن مرحوم چنانچه در رساله یادنامه چهلمین روز درگذشت آن فقیه سعید است به طور خلاصه از قلم آن مرحوم از این قرار است وی در محرم سال ۱۳۰۸ قمری در حبیب‌آباد که در سه فرسخی اصفهان قرار دارد در خانواده کشاورزی به دنیا آمده و از سن هفت سالگی در مکتب شروع به درس کرده و تا سال ۱۳۲۲ قمری برخی از علوم را آموخته و مدتی ترک تحصیل نموده و مجدداً در سال ۱۳۲۸ ق باز به تحصیل پرداخته و بیشتر علوم را از اشخاص متفرقه فرا گرفته و اکثر کتب را به مطالعه اتقان نموده و مشکلات آن را از اهل آن پرسیده و رفع مشکل و اشکال خود نموده است.

مرحوم معلم که قبلاً به مستعصم و آذر تخلص می‌نموده یکی از چهره‌های دانش و ادب و تاریخ اصفهان است و این نویسنده گرچه توفیق درک محضرشان را ننموده اما آنطور که از بعضی از بزرگان شنیده‌ام یکی از دانشمندان ادیب و ادباء حبیب اصفهان و از مفاخر حبیب‌آباد و بلکه اصفهان بوده و دارای آثار گرانقدری است که خود آنها معرف آن فقیه سعید است که فهرست آن را که خود آن مرحوم برای بعضی از تذکره‌نویسان تهران مرقوم داشته‌اند از نظر اهل ادب می‌گذرانم.

تألیفات علامه متتبع معلم حبیب‌آبادی.

۱- اجزائی در احادیث و مطالب متفرقه.

۲- احوال چهار نفر از علماء مسجد شاهی اصفهان.

۳- احوال سید محمدحسن موسوی اصفهانی.

۴- احوال شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی.

۵- احوال شیخ‌الاسلام‌های اصفهان.

۶- اربعین در ذکر چهل حدیث.

۷- اشعار متفرقه از شعراء عدیده در مجموعه.

۸- کتاب امالی در مطالب رجالی در احوال بعضی از علماء متفرقه و مطالب دیگر مربوط بدانها.

۹- کتاب جعبه در مطالب متفرقه که به طور معروف و معمولی کشکول می‌باشد.

۱۰- جمع عدد گندمهای شطرنج.

۱۱- حواشی بر بسیاری از کتب که عمده و اغلب آنها کتب احوال علماء و بزرگان می‌باشد (که اسامی آنها در یادنامه ذکر شده

است.

۱۲- رساله‌ای در احوال اولاد حاج سید محمدباقر حجة الاسلام بیدآبادی اعلى الله مقامه.

۱۳- کتاب «رشحات سمائی» در احوال شیخ بهائی.

۱۴- کتاب عراضة الاخوان در سفرنامه خراسان.

۱۵- فهرست اسماء رواه اشعریین قم در صده سیم و چهارم.

۱۶- فهرست باب دهم المآثر والآثار.

۱۷- فهرست کتب مؤلفه خود آن مرحوم با اساتید و مشایخ اجازه.

۱۸- فهرست کتب ملکی آن مرحوم و اجمالی از احوال مؤلفین آنها.

۱۹- فهرست کتاب مجالس المؤمنین.

۲۰- کتاب قبور عتبات عالیات و قبور واقعه در بین راه آن از اصفهان به طریق نظرت و کاشان و قم و کرمانشاه تا کاظمین و سامره و

کربلاء معلی و نجف اشرف. ۲۱- کتاب کشف الخبیه از مقبره زینبیه).

۲۲- کتاب الکلمات الطیبات در فهرست (روضات الجنات).

۲۳- الکلمات العالیه در حاشیه بر روضات الجنات.

۲۴- کتاب لآلی البحور در تویقات ایام شهور.

۲۵- دیوان اشعار در سه مجموعه سه جلد از اشعار عربی و فارسی آن مرحوم.

۲۶- کتاب الطعام المری در تطبیق تاریخ شمسی و قمری از هجرت تا ۱۴۰۰ سال قمری.

۲۷- مختصر التواریخ.

۲۸- کتاب مختصر المکارم.

۲۹- کتاب مقالات مبسوط.

۳۰- مرسله‌های علمی و جوابهای آن با چندین نفر از علماء و فضلاء و غیره.

۳۱- مقالات متفرقه در احوال علماء و غیره.

۳۲- مقالات معنوی.

۳۳- مکارم الآثار در اعیان علمی دوره قاجار.

۳۴- کتاب مکمل الافهام در ذکر فضلاء اعلام.

۳۵- نمونه مختصر المکارم... نویسنده گوید حقیر هیچ کدام از تألیفات آن مرحوم را زیارت نکرده ولی از توضیح خود آن مرحوم

چنین معلوم می‌شود که بیشتر آن مکررات باشد با نامهای مختلف و غالب آنها درباره رجال و دانشمندان است تألیفات متنوع آن کمتر است.

(۱۳۹۶- ۱۳۰۸ ق)، رجالی، معلم، محقق و شاعر، متخلص به معلم. در روستای حبیب‌آباد بر خوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در حبیب‌آباد و اصفهان به اتمام رسانید. او مدتی در روستای خود ساکن بود. در ۱۳۵۸ ق به اصفهان رفت و در قرائت خانه‌ی شهرداری و مدرسه‌ی کاسه‌گران به تدریس پرداخت. بیشتر اوقات وی در لغت، ادبیات، تاریخ، هیئت، ریاضیات و شعر صرف شد. او از آخوند ملا محمدحسین مجتهد فشارکی اصفهانی و حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و حاج میرزا محمدرضا کرباسی و حاج سید محمدتقی یزدآبادی اصفهانی اجازه‌ی روایت داشت. او در علم رجال و شرح حال بزرگان، محقق و متبعی کم‌نظیر بود و کتب زیادی در این موضوع نگاشت. به عربی و فارسی شعر می‌گفت و در اوایل مستعصم،

سپس آذر و بعدها معلم تخلص می‌کرد. کتب و رسایل تألیفی معلم حبیب‌آبادی متجاوز از یکصد مجلد می‌باشد. از آثارش: «مکارم الآثار»، در احوال رجال دوره قاجار؛ «اربعین»؛ «امالی»، در متفرقات رجالی؛ «رشحات سمائی»، در شرح حال شیخ بهائی؛ «کشف الخیبه عن مقبره الزینیه»؛ «مختصر التواریخ»؛ «لثالی البحور»، در توفیعات ایام و شهور؛ «عراضه‌ی اخوان»، در سفرنامه‌ی خراسان؛ «مختصر المکارم»، فهرست کامل اعلام «روضات الجنات»؛ «الکلمات العالیات»، حاشیه بر «روضات الجنات»؛ حاشیه بر «قصص العلماء»؛ حاشیه بر «طریق البکاء»؛ حاشیه بر «تذکره القبور» ملا عبدالکریم گزی؛ حواشی غیر مدون بر بسیاری از کتب رجالی؛ «دیوان» شعر. [۱]

فرزند سید زین‌العابدین در ۱۳۰۸ ه. ق در دهکده‌ی حبیب‌آباد از دهستان «برخوار» اصفهان متولد شد. از سن هفت سالگی تحصیلات خود را در مکتب‌خانه آغاز نمود. مقدمات فارسی و عربی را به انضمام مقدماتی از صرف و نحو فرا گرفت، سپس وارد اصفهان شد و در مدرسه‌ی کاسه‌گران اصفهان حجره‌ای گرفته تحصیلات خود را ادامه داد و دوره سطح را بطور کامل فرا گرفت و در درس خارج عده‌ای از علماء اصفهان را زیارت کرد. سید محمد علی روضاتی در مقدمه‌ی جلد سوم مکارم‌الآثار درباره‌ی حبیب‌آبادی می‌نویسد: «علاو بر ملاقات جمعی از علمای اعلام و فضلا و دانشمندان اصفهان و جاهای دیگر و استفاده از آثار و مآثر آنان حضورا و یا به مکاتبه، از پنج نفر از علماء بزرگوار اجازه روایت دارد.»

علمائی که به وی اجازه روایت داده‌اند عبارتند از: مرحوم آخوند ملامحمد حسین مجتهد فشارکی اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نجفی، مرحوم حاج میرزا محمد کلباسی اصفهانی و مرحوم حاج سید محمد تقی یزدآبادی اصفهانی.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی به چند تن از شاگردان خود اجازه‌ی روایت داده‌اند.

مرحوم حبیب‌آبادی از جوانی کار خود را براساس تحقیق و تألیف قرار داد و تحقیقا در طول عمر پربرکت خود بالغ بر سی مجلد کتاب نوشت که از مهمترین تألیفات وی کتابی است در ده جلد تحت عنوان مکارم‌الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ که تاکنون هفت مجلد آن به همت آقای محمد علی روضاتی چاپ شده و در دسترس دانش پژوهان قرار گرفته است. مبنای تألیف این کتاب بر احوال رجال علمی و گاهی بندرت مشاهیر دیگر از ابتدای دوره قاجاره تا عصر حاضر است.

مرحوم جلال‌الدین همائی در مجله راهنمای کتاب سال بیستم از شماره ۸ تا ۱۰ مقاله مفصلی نگاشته‌اند و تصویر زیبایی از نویسنده‌ی مکارم‌الآثار نشان می‌دهد، از جمله می‌نویسد: در فن اختصاصی منحصر بفرد که قسم تراجم احوال از اقسام فنون ادبی است بی‌حد شیفتگی و دل‌باختگی داشت. وقتی که از نام و نسب و تاریخ ولادت و وفات یکی از بزرگان دین و دنیا باشند متقن معتبر اطلاع حاصل می‌کرد او را چندان شعف و وجد و حال دست می‌داد که وصف کردنی نیست. در آن روزگار که اوائل آشنائی و معاشرت ما بود هنوز به تألیف کتاب عظیم مکارم آثار دست نزده و اصلا به این فکر نیفتاده بود. بعدها کم‌کم به این کار افتاد و حوالی پنجاه سال متوالی بدون فترت و انقطاع زیت عمر سوخت و رنج تتبع و تحقیق و زحمت خواندن و نوشتن کشید تا کتابی چنین مهم و ارزشمند که برای تاریخ رجال قرن ۱۳ و ۱۴ است آماده گردید.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی در ۱۳ رجب ۱۳۹۶ ه. ق در گذشت. بقرار اطلاع آقای حاج سید محمد علی روضاتی که مردی فاضل و دانشمند است تقبل نموده‌اند تمام مجلدات مکارم‌الآثار را بچاپ برسانند و تاکنون در اثر همت والای ایشان ۷ جلد چاپ شده است و گویا در این ایام در اثر کهنولت نمی‌توانند این مهم را انجام دهند. خوشبختانه فرزندان برومند ایشان عمل خیر پدر بزرگوار خود را ادامه خواهند داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۴۶۰-۴۵۸)، الذریعه (۱۴۶- ۱۴۵/۲۲، ۱۹۲/۲۰، ۲۵۸، ۳۳/۱۸، ۲۴۱/۱۵)،

مکارم الآثار (ج ۱ / مقدمه، ۳، ۱۲-۹ / مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۲-۱۸۱ / ۴).

مفید، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است تویع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف برای او وراثتی که در مرگش فرمودند.

لاصوت الناعی لفقده انه

یوم علی آل الرسول عظیم

ولادتش در سال ۳۳۶ قمری و وفاتش در ماه رمضان سال ۴۱۳ در سن ۷۶ سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشییع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و... برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی

مرحوم آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی معروف به «فقیه احمدآبادی» در سال ۱۳۰۱ ق. در اصفهان در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت که نسل اندر نسل از عالمان دین بودند به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ق. در سن ۴۷ سالگی به توطئه یکی از سران فرقه ضاله بهائیت با خوراندن زهر کین به شهادت رسید.

در دوران عمر کوتاه اما پربرکتش حدود هفده جلد کتاب و رساله نگاشت که از میان آنها چهار جلد پیرامون حضرت مهدی (ع) و غیبت و انتظار و وظایف منتظران می‌باشد.

فقیه احمدآبادی در ده سالگی بر نصاب الصبیان شرح نوشت و در پانزده سالگی کتاب ایضاح الشبهات را نگاشت و در بیست و پنج سالگی کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمعات را تألیف کرد و سرانجام در سن سی سالگی به فرمان امام عصر (ع) اثر ارزشمند خود را درباره آن حضرت (ع) و وظایف منتظران و دعا برای آن وجود شریف آغاز کرد و تا پایان عمر به تحقیق و تألیف و تکمیل آن اهتمام و اشتغال داشت.

آثار ارزنده اودر حد کمال و پختگی و ژرف نگری وریشه دار است، و این به خاطر خلوص نیت و پاکی قصد و نظر در تحصیل علم و پیمودن مراحل تعلیم می باشد که در عمل، تلاش خالصانه اش در توجه به سوی الله بوده، از غیر بریده بود. اضافه بر آن ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیه السلام داشت، و در تمام احوال به آنها توسل می جست و در همه افعال و اقوالش به آنها اقتدا می کرد و از آنها پیروی می نمود، و از تعالیم مقدسه آنها بهره می گرفت.

به خصوص به امام منتظر حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف توجه ویژه ای داشت، در معرفت آن حضرت و انجام وظایفی که لازم است اهل ایمان در زمان غیبت انجام دهند به مراحل و منازل والا و شامخی نایل آمده بود، به طوری که چند کتاب و رساله مهم و سودمند در این باره تألیف کرده که مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.

در زندگی این سید بزرگوار خصوصیات قابل تقدیری وجود دارد که لازم است به آن توجه شود و آن عبارت است از اینکه: او به شئون و زرق و برق دنیا توجه ای نداشت، و به اندکی از امور معیشت و کمی مادیت قناعت کرده بود.

در امور مادی جامعه قناعت پوشیده، از خلق اعراض نموده و به طلب علم و کمال پرداخته بود. نه در پی جاه و جلال می رفت و نه در جمع و مال و منال می کوشید؛ دنیا و آخرت خویش را با ولای خاندان رسول الله آباد ساخته بود.

از جمله دیگر فعالیت های مؤلف که در کنار کارهای ارزنده علمی خود انجام داده، نسخه برداشتن از روی کتابهای گرانبها که به مطالعه و درس آنها نیاز داشته است.

سید بزرگوار در ساعتهای فراغت قصاید و ابیاتی می سروده و اشعار خود را به خاندان عصمت بویژه امام مهدی (عجل الله فرجه) اختصاص دارد.

اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته هایش پراکنده می باشد، و تخلص او (تقی) و احیاناً شرعی زاده بوده است.

وی در مسجد مرقم مطهر سید اسماعیل نواده امام زین العابدین (ع) در جای پدرش اقامه جماعت می کرد، و در جمع کردن اخبار و آثار وارده درباره حضرت مهدی (ع) بسیار اهتمام داشت.

البته باید گفت از خط خوبی نیز برخوردار بوده است.

درباره کیفیت شهادت آن سید بزرگوار در کتاب نگاهی به زندگانی جهانگیرخان قشقایی به نقل از شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر چنین آورده شده است:

سید شهید در ماه رمضان المبارک ۱۳۴۸ ق. به علت کسالت، در بیمارستان انگلیسی ها بستری شدند و در آن جا تحت عمل جراحی قرار گرفتند شب ۲۵ ماه مبارک، متصدی بیمارستان که از سران فرقه ضالّه بهائیت بود و «سر الله خان» نام داشت، همه بستگان و اطرافیان آن مرحوم را از اتاق بیرون کرده و سمی را که در استکان داشته به ایشان می خوراند، اطرافیان و دامادهایشان در آن لحظه آخر از [پشت در اتاق] می شنوند که آن سید بزرگوار پیوسته صدا می زده: حبیبی یا حسین! از داماد ایشان «مرحوم حضرت آیت الله سید مرتضی موحد ابطحی» منقول است که «سید شهید در حالی که در بیمارستان بستری بودند، می فرمودند: «بناست حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) تشریف بیاورند.» ۴

همچنین فرزند ایشان سید محمد موسوی اصفهانی - در مقدمه کتاب نور الأبصار در این باره آورده اند:

او ستاره ای درخشنده بود که با طلوع خود دل ها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئه دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیله یکی از اعضای فرقه ضالّه [بهائیت] به شهادت رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت. ۵

نگاهی کوتاه و گذرا بر زندگانی این دلباخته و شیفته حضرت بقیه الله و قضایای تشرفات ایشان آدمی را به خوبی به این نکته واقف می سازد که آن سید شهید و علامه فقید مورد عنایت و کرامت حضرات معصومین (ع) به ویژه حضرت مهدی (ع) بوده و آن بزرگوار توجهی مخصوص به آن مرحوم داشته و وی نیز ارتباطی وثیق و اتصالی عمیق با ساحت مقدس مهدوی (ع) داشته است.

مکیال المکارم

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (ع) بنا بر آنچه که سید محمدعلی روضاتی در مقدمه کتاب درباره آن نگاشته اند: «کتابی

است ارزنده، ابتکاری و مهم. مؤلف بسیاری از مطالب مربوط به عقیده مهدویت و موضوع حضرت حجت(ع) را تحت عنوان «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریف امام عصر(ع) از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است. این کتاب مشتمل بر بحث‌های مختلف و بسیار با اهمیت در زمینه‌های فقه، حدیث، کلام، رجال، تفسیر و حتی فلسفه و ادبیات است که با اسلوبی بدیع و سبکی جالب و نتیجه‌گیری‌هایی درست همراه می‌باشد.

در این کتاب با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که دعا برای امام عصر(ع) از مهم‌ترین وسائل برای رسیدن به مراحل عالی کمال و نیل به درجات برجسته معنوی است و آثار دنیوی بسیاری را نیز در پی دارد.

این اثر به شهادت صاحب نظران، از نظر جامعیت و ژرف‌اندیشی و بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی و استنباطات دقیق و اجتهادات عمیق از آیات و روایات بی‌نظیر بوده و به خوبی می‌توان دست عنایت مولا که مؤلف را هدایت و دلالت می‌کند، دید.

آیت‌الله صافی گلپایگانی (از مراجع عظام تقلید) درباره این کتاب می‌نویسد:

این کتاب گویای حوصله فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست و در موضوع خود بی‌نظیر است و جز این کتاب، در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی(ع) و فواید آن، کتابی سراغ ندارم. ۶. داستان تألیف کتاب

مؤلف بنا به آنچه که در مقدمه کتاب آورده، انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد:

ما نمی‌توانیم حقوق آن حضرت را ادا نماییم و شکر وجود و فیوضاتش را آن طور که شایسته است به جای آوریم. [پس] بر ما واجب است آن تعداد از ادای حقوق آن حضرت را که از دستمان ساخته است انجام دهیم، و بهترین امور در زمان غیبت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا کردن برای تعجیل فرج او، و اهتمام به آنچه مایه خشنودی آن جناب و مقرب شدن در آستان او است. و من در باب هشتم کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمع‌ات هشتاد و چند فایده، از فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت(ع) را ذکر کرده بودم اما بعد به فکر افتادم که کتاب جداگانه‌ای در این باره بنگارم که آن فواید را در برگیرد، و به سبک جالبی آن را به رشته تحریر درآوردم. اما حوادث زمان و رویدادهای دوران و ناراحتی‌های بی‌امان، مانع از انجام اینکار می‌شد، تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود؛ یعنی مولا- و حبیب دل شکسته‌ام و امامی که در انتظارش هستیم او را به خواب دیدم که با بیانی روح‌انگیز چنین فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقاء(ع) بگذار!»

همچون تشنه‌ای از خواب بیدار، و در پی اطاعت فرمانش شدم ولی توفیق یاریم نکرد، تا این که در سال گذشته ۱۳۳۰ ق. به مکه معظمه سفر کردم و چون در آن جا بیماری وبا شیوع یافت، با خداوند عزوجل عهد بستم که هر گاه مرا از گرفتاری‌ها نجات دهد و بازگشتم را به وطن آسان گرداند تألیف کتاب را شروع نمایم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگرداند، پس به تألیف کتاب اقدام نمودم تا به عهدی که با خداوند بسته بودم، عمل کرده باشم... ۷.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ترجمه منصور پهلوان، نشر دارالحدیث، ج ۲، باب ۴۵ ص ۲۷۰.

۳. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴-۷.

۴. زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۳-۱۸۱، به نقل از: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج ۲، ص ۶۴-۵۷.

۵. نورالابصار، ص ۱۰-۱۲.

۶. به نقل از زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص ۱۸۰.

۷. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۸-۵۰، ترجمه حائری قزوینی چاپ نگین.

۸. موسوی اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۳۸۷، همچنین ج ۱، ص ۲۲۵.

۹. موسوی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۹۳-۴۹۴.

۱۰. موسوی اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۳۲۲.

موسوی، میر محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر محمود موسوی

محل تولد: زاویه سفلی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال ۱۳۴۴ شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمایی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال ۱۳۶۱ در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.

سال ۱۳۷۰ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوستانی» رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال ۱۳۷۲ وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمایی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.

سپس از محضر حجة الاسلام آقای دکتر سید محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده کرده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (۲۸ - ۳۲) و دو جلد آن (۳۳ - ۳۷) با همکاری حجة الاسلام آقای دکتر سید محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

مهدوی هرستانی، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی مهدوی هرستانی فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید مهدی معروف به بحرالعطاء فرزند مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمد موسوی هرستانی از آیات عظام و علماء بنام و دانشمندان کرام معاصر اصفهان بوده که در سال ۱۳۲۹ قمری در یک خانواده اصیل و روحانی در قریه هرستان ماریین اصفهان به دنیا آمده است.

والد آن مرحوم آقا سید مهدی ملقب به بحرالعطاء از اعظم علمای آن منطقه بوده که با سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌رسد. مرحوم حاج آقا مصطفی مهدوی تحصیلات مقدماتی و سطوح خود را در اصفهان در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد اساتید بزرگ نظیر مرحوم آقا شیخ محمدعلی دزفولی و مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجف آبادی و مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج آقا رحیم ارباب و آقا سید محمد نجف آبادی فرا گرفته است.

یک دوره فقه و اصول و فلسفه را خدمت مرحوم آیت الله حاج سید علی نجف آبادی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فرا گرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات عظام حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیت الله صدر و حاج سید محمد تقی خونساری و آیت الله حجت قدس الله اسرارهم شرکت نموده و در سال ۱۳۶۲ قمری هجری عزیمت به حج نموده و در مراجعت از حج به اعتاب عالیات مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت الله اصفهانی استفاده و در جلسات استفتائات آن مرحوم شرکت داشته و به مسائل مورد سؤال جواب می‌دادند و همینطور از محضر آیات عظام دیگر آنجا چون مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری و مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و حاج سید جمال گلپایگانی و حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج سید محمود شاهرودی و آیت الله اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده و به علت مبتلا شدن به کسالت شدید «آسم» به امر آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی در سال ۱۳۷۰ قمری به اصفهان مراجعت و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبدالله به تدریس اشتغال داشتند و عده زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می‌نمودند.

آن مرحوم مورد توجه و عنایت خاص حضرات آیات عظام و مراجع معاصر خود و حاضر حوزه نجف و قم چون مرحوم آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت الله حاج سید محمود شیرازی و رهبر کبیر انقلاب آیت الله خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری و آیت الله العظمی خوئی بودند.

مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده و نسبت به آنها تواضع می‌کردند و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می‌فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده و سخاوتمند بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست کمکهای فراوانی کرده و به موسسات خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده مانند موسسه مهدیه و موسسه عسکریه و بیمارستان معلولین صادقیه و موسسه نابینایان و انجمن مددکاری امام زمان ارواحنا فداه و ایتم و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید هو تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سر و صدا انجام می‌دادند.

مزایای علمی آن مرحوم

آن بزرگوار تبحر و تسلط و مهارت عجیبی در مسائل و مباحث فقهی داشتند و بسیار حاضر‌الذهن و حاضر جواب بودند. و تمام فتاوی مراجع گذشته و فعلی در نزدشان حاضر و نه تنها عوام از محضرشان استفاده می‌کردند بلکه علماء و دانشمندان بزرگ هم برای حل مشکل مردم را به ایشان رجوع می‌دادند و تسلط ایشان نه تنها در فقه و اصول بوده بلکه در فلسفه و عرفان و علم رجال نیز صاحب نظر بودند بخصوص در اطلاع به احوالات علماء کم‌نظیر بودند به طوری که بعضی از بزرگان و علماء از ایشان مصرانه خواسته بودند که کتابی در احوالات علماء و دانشمندان تألیف نمایند.

و همانگونه که متذکر شدم نسبت به تحصیل طلاب تشویق بسیار نموده و از خرید کتب درسی و اهداء به آنها و بذل و بخشش به آنان دریغ نمی‌کردند و قسمت عمده‌ای از شهریه طلاب اصفهان را به عهده داشتند.

اجازات آن مرحوم

مرحوم آیت‌الله مهدوی از بسیاری از آیات عظام چون مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد داشتند. و از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی اجازه روایتی داشتند.

رحلت آن مرحوم

آن بزرگوار به دنبال یک بیماری طولانی صبح روز یکشنبه بیست و سوم ماه شوال ۱۴۰۹ هجری قمری رحلت نموده و بازار اصفهان و حوزه علمیه تعطیل و جنازه ایشان در روز دوشنبه با حضور کلیه طبقات و علماء و فضلاء و طلاب و بازاریان و سایر اقشار مردم اصفهان و خمینی شهر و هرستان و دیگر نقاط به طرز باشکوهی تشییع شده سپس بنا بر وصیتش حمل به قم شده و با تشییع بزرگی از طرف حوزه علمیه قم و طبقات دیگر در مقبره (۳۶) صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها سلام مدفون گردید.

آن مرحوم دارای فرزندان برومندی هستند که دو نفر آنها از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند.

۱- آقا سید محسن مهدوی

۲- آقا سید محمدعلی مهدوی از افاضل محصلین اصفهانی حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل آراسته هستند.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۴ (۱۵ محرم ۱۳۳۴ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۴ تیر ۱۳۷۴.

سید محمدحسین مهدوی، ملقب به سید مصلح‌الدین مهدوی فرزند سید شهاب‌الدی نحوی (محمدتقی) از علمای روزگار، کمتر از شش سال داشت که پدرش وفات یافت. پس از مرگ پدر، مادرش سرپرستی مصلح‌الدین و برادرانش را عهده‌دار شد. زمانی که مدارس جدید در اصفهان تازه بنیان یافته بود، او را به مدرسه‌ی اقدسیه - که زیر نظر آقا محمدحسین مشکوه زفره‌ای اداره می‌شد، فرستادند و یک سال بعد نیز به مدرسه‌ی «گلبهار»، منتقل گردید. سپس برای تحصیل علوم اسلامی و مسایل فقهی به حوزه‌های علمیه شتافت. سپس عازم تهران شد و در آنجا نیز در دانشسرای عالی چند سال کسب علم پرداخت. از دیگر اساتید او می‌توان از

افراد زیر یاد کرد: محمدعلی معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الآثار)، محمد همامی، محمدباقر امامی، حسن قاضی عسکر داورپناه، محمدحسین فاضل تونی، سید محمد کاظم عصار و نیز سید حسن مدرس هاشمی (میرمحمد صادقی). وی همچنین از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید علی فانی، آیت‌الله محمدعلی عراقی، آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری، آیت‌الله سید محمد شیرازی و حجت‌الاسلام سید محمدعلی روضاتی اجازه‌ی روایت احادیث اهل بیت را اخذ نمود. تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است که برخی از آنها طبع گردیده است. بسیاری از آنها نیز چاپ نشده است. غالب این آثار در بیان احوال و تأثیرات شخصیت‌های علمی و فرهنگی دنیای اسلام خاصه تشیع است که بیشتر آنان در اصفهان رشد و نمو داشته و یا آثاری در این شهر به جای گذاشته‌اند. ضمن اینکه وی تحقیقاتی در باب زندگانی برخی ائمه معصومین (ع) دارد. برخی از آثار وی عبارتند از: دانشمندان و بزرگان اصفهان، زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی (دو جلد)؛ بیان المفخر (در باب احوال سید حجت‌الاسلام شفتی در دو جلد)، شعرای معاصر اصفهان (۱۳۳۴)؛ اوضاع علمی؛ فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر (سه جلد)، تاریخچه‌ی شهر سامراء زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین علیهما السلام؛ عطیة‌الجواد در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ یک دوره‌ی پنج جلدی تعلیمات دینی (جهت دبیرستان‌ها با مشارکت عده‌ای از فرهنگیان)؛ ارمغان اصفهان؛ تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو؛ تاریخچه‌ی مدارس دینی اصفهان؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان؛ شرح حال آقا شیخ محمدرضا نجفی؛ شرح حال نه تن از خاندان حاجی کلباسی؛ شرح حال حجت‌الاسلام شفتی - ضمیمه‌ی روزنامه؛ شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری - ضمیمه‌ی روزنامه؛ عطیة‌الجواد (ع)؛ غایة‌الآمال و الامانی شرح حال علامه بحرانی؛ مزارات اصفهان؛ یادنامه‌ی سید بحر العلوم میر دامادی. بر گرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

میر عبداللہی شمس، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین میر عبداللہی شمس

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین میر عبداللہی در سال ۱۳۴۶ شمسی در یزد متولد شدم و پس از گذراندن دوره متوسطه در آن شهر وارد حوزه علمیه قم شده، ادبیات عرب را از اساتیدی چون: «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای طالقانی» و سطح را از اساتیدی چون: «مرحوم وجدانی فخر» و «آیت‌الله دوزدوزانی» و بیش از ۱۲ سال نیز از درس‌های خارج اصول و فقه «آیت‌الله سبحانی» و «مکارم شیرازی» استفاده کردم.

تحصیلات کلاسیک را نیز در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داده تا اینکه در فروردین ماه ۱۳۸۵ با دفاع از پایان‌نامه خود با موضوع: «تراجم و رجال در فرهنگ شیعه از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری» و کسب نمره ۱۸ و امتیاز عالی با

داوری دکتر محمد رضا جباری، فارغ التحصیل شدم. در این بین با پژوهشگرده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات و موسسه شیعه شناسی نیز همکاری داشته و دارم.

اکنون نیز در موضوع مولفان اسلامی با پژوهشگرده تاریخ و سیره همکاری دارم و بیش از ۲۰۰ مقاله کوتاه و بلند در این موضوع مربوط به قرن‌های سوم و پنجم هجری از اینجانب نوشته شده که از مهم‌ترین و مفصل‌ترین این مقالات، مقاله: «ابوالمجد سنائی، عبدالجلیل قزوینی، صاحب النقص و ابن رشد أندلسی فیلسوف شهیر» و مقاله «ابن شهر آشوب» است.

ناصر حسین، حامد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آنگاه به لکنه هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنه درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیر المؤمنین (ع) و دفع ما آورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عبارات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السوره»؛ «مسند فاطمه بنت الحسین (ع)»؛ «اسبغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۰۱ - ۲۰۰ / ۱۰)، الذریعه (۲۴۶ / ۲۴، ۱۱۵۴ / ۹)، ریحانه (۹۸ - ۹۷ / ۶)، فوائد الرضویه (۹۲)، هدیه الاحباب (۱۷۷).

نایفی، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل نایفی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب خلیل نایفی فرزند مهدی شماره شناسنامه ۱۵۳۶ صادره از آبادان در سال ۱۳۳۳ در آبادان متولد شدم. دوره ابتدائی را در مدرسه مهرگان و دیپلم را در دبیرستان رازی اخذ نمودم و راهی سربازی شدم. بعد از اتمام خدمت مقدس سربازی به علت علاقه

وافر به تحصیل علوم الهی قصد عزیمت به دانشگاه «الازهر مصر» را داشتم که به علت ندادن روادید و سخت گیری، تحصیل در آن دانشگاه میسر نشد. در سال ۵۶ به علت ارتباط با دوستی که از طلاب حوزه علمیه قم بودند؛ تشویق به تحصیل در این مکان مقدس که مورد استقبال اینجانب نیز قرار گرفت.

در بدو ورود، ادبیات را نزد مرحوم مدرس افغانی و سید مهدی رجائی خواندم و بعد از اتمام ادبیات، لمعه و اصول را نزد اساتید صاحب فضل چون: «آیة‌الله شیخ پناه» و «آیة‌الله وجدانی»، رسائل و مکاسب را از محضر «آیة‌الله ستوده» و «آیة‌الله پایانی» بهره بردم. با اتمام کفایه در نزد «آیة‌الله فاضل لنکرانی» و اتمام دوره سطح، درس خارج فقه را همزمان با دوره تخصصی فلسفه و کلام زیر نظر شورای مدیریت را نیز شروع نمودم که این دوره چهار ساله که دکترای تخصصی محسوب می شد؛ «آیة‌الله سبحانی»، «آیة‌الله گرامی»، «دکتر بهشتی» و اساتیدی مبرز در کلام جدید، اساتید این دوره بودند که از آنها بهره و فراوان بردم. در سال ۷۰ این دوره نیز به پایان رسید. در همین دوران از درس فقه «آیة‌الله صافی گلپایگانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» نیز استفاده نمودم که تاکنون نیز ادامه دارد.

بعد از پایان دوره تخصصی کلام و فلسفه به مدت ۱۶ سال در موسسه تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام) مشغول به کار بودم که ثمره این ۱۶ سال کار تحقیقی، همکاری در تحقیق نهیة المرام (علامه حلی) در فلسفه و کلام ۳ جلد، تالیف معجم الکلامی ۵ جلد (کتابشناسی)، معجم المتکلمین ۵ جلد (رجال متکلمین شیعه) و همچنین تحقیق الکرام در رجال (آقا بزرگ تهرانی) در ۱ جلد می باشد. هم اکنون کار تحقیق کتب فقه آیة‌الله صافی و فقه مقارن با همکاری مرکز تقریب مذاهب مشغول می باشم.

نثاری بخارایی، بهاء‌الدین حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۷۴ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به نثاری. ملقب به نقیب‌الاشراف. وی از شاعران ماوراءالنهر بود. از آثارش تذکره‌ی «مذکرالاحباب»، در مورد شاعران ماوراءالنهر است که آن را در ۹۷۴ ق به نام اسکندر خان شیبانی (۹۹۱-۹۶۸ ق) تألیف کرد. را ۹۸۳ ق دانسته و در ادامه گفته که محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص به ملیح، در ۱۰۹۳ ق ذیلی بر آن، به نام «مذکرالاصحاب»، نوشته است و همچنین «الذریعه» نام کتاب نثاری را «مذکرالاصحاب» ذکر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۳۵-۲۱۹/۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۳)، الذریعه (۲۵۶-۲۵۵/۲۰، ۹/۱۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰).

نجفی، محمد طه

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۳ - ۱۲۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شیخ عبدالرضا طفیلی و دایی اش، شیخ جواد، فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین بحر العلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر بینایی اش را از دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر «الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الروات» بود؛ «الفوائد السنیه» یا «القواعد النجفیة» که حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء المخلصین» حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه» بحر العلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار الاقامة فی الاسفار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۴۶)، اعیان الشیعه (۹/۳۷۵)، دانشمندان آذربایجان (۲۴۵)، الذریعه (۲۶-۲۵/۱۸، ۳۴۳/۱۶، ۲۱۶/۱۱، ۲۰۷/۶، ۳۹۷/۲، ۱/۸۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۶۷-۱۴/۹۶۱)، علماء معاصرین (۸۴-۸۳)، فوائد الرضویه (۵۴۷)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (۱۲۷۰-۱۲۶۹/۳)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۰۷)، مکارم الآثار (۱۱۵۵-۱۱۴۹/۴).

نسائی، ابو عبدالرحمان احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۳ - ۲۱۵/۲۱۴ ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبه بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبدالله عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلایی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیثم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح مودب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبدالله نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از

آثارش: «السنن الكبير»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبه علی سفیان و سفیان علی شعبه»؛ «مناسک النسائی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۶۴)، اعیان الشیعه (۶۰۳-۶۰۱/۲)، انساب سمعانی (۵/۴۸۴)، تاریخ نیشابور (۱۱۰)، تذکره الحفاظ (۷۰۱-۶۹۸/۲)، تهذیب التهذیب (۱۷۰، ۱/۱۶۳)، روضات الجنات (۲۲۰-۲۱۹/۱)، ریحانه (۱۶۸-۱۶۷/۶)، سیر النبلاء (۱۳۵-۱۲۵/۱۴)، شذرات الذهب (۲۴۱-۲۳۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۵-۳۴/۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شبهه (۱/۸۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲۶۹-۲۶۸/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۱۶-۱۴/۳)، العبر (۱/۴۴۴)، الکامل (۶/۱۵۲)، کشف الظنون (۱۸۳۳)، ۱۶۸۵، ۱۶۸۴، ۱۰۸۷، ۱۰۰۶، ۷۰۶، ۱۳۰، الکنی واللقاب (۲۴۹-۲۴۷/۳)، معجم المؤلفین (۲۴۵-۲۴۴/۱)، المنتظم (۷/۴۵۰)، النجوم الزاهره (۲۱۰-۲۰۹/۳)، الوافی بالوفیات (۴۱۷-۴۱۶/۶)، وفيات الاعیان (۷۸-۷۷/۱)، هدیة العارفين (۱/۵۶).

نصر آبادی، محمد طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲۷- ز ۱۰۸۳ ق)، تذکره نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماریین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹/۱۰۹۸ ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان در گذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد. [۱]

محمدطاهر (و. ۱۰۲۷ ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال ۱۰۸۲ هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد ۱۰۸۲ تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۸۷-۱۷۸۴/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۶-۳۹۷/۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، ۴۹۱-۴۸۷، ۴۶۸-۴۵۷)، الذریعه (۲۲۶/۱۸، ۱۱۹۱، ۶۴۳/۹، ۳۷-۳۶/۴)، ریحانه (۱۸۳-۱۷۶/۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت‌نامه (ذیل / نصرآبادی)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۰۲)، یادگار (س ۲ ش ۴، ص ۵۰-۴۷).

نظام الدوله، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۲۲ در ایران متولد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال ۱۲۴۷ به اتفاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیات مهارت داشته، قریب ۱۸ مجلد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: ۱- البرهان ۲- تقریرات ۳- دیوان شعر، به عربی و فارسی ۴- رسال در اصول فقه ۵- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده ۶- رساله در امامت ۷- سلافة الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیه ۸- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر ۹- کشف الابهام، در فقه. ۱۰ و ۱۱ - دو کتاب در رجال ۱۲- کتابی در نحو و صرف ۱۳- کتابی در ترجمه ۱۹ نفر از بزرگان اهل سنت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنت ۱۴- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل ۱۵- نور الابصار؛ و غیره.

مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملا مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملا علی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملا احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است

(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)

سرانجام در ۸ ذی حجه سال ۱۲۷۶ در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوا، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۵۳ ق)، تذکره‌نویس و شاعر. وی مدتها با لباس درویشی مسافرت کرد و سرانجام در تبریز سکنی گزید و در حوالی شاه حمزه تکیه‌ای ساخت که محل تفرج اعیان و بزرگان شد. او همچنین تذکره‌ای دارد که شرح حال کوتاهی است از شعرای قدیم و جدید با منتخباتی از آثارشان و از نظر طبقه‌بندی مانند «تذکره‌ی دولت‌شاه» می‌باشد. او این تذکره را در ۱۲۵۳ ق تألیف کرد. لازم به ذکر است تذکره‌های «حدیقه الشعراء» و «مجمع الفصحاح» و دیگر تذکره‌ها او را تحت نام نوای کاشانی آورده‌اند و «تاریخ تذکره‌های فارسی»، او را نوای همدانی خوانده است. از آثار وی: «تذکره‌ی نوا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۷-۴۰۶/۱)، حدیقه الشعراء (۳/۱۹۲۰)، الذریعه (۹/۱۲۲۶)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲)،

مجمع الفصحا (۱۰۸۹/۶)، نگارستان دارا (۲۷۱-۲۷۰).

نهاوندی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمه الواجب»؛ کتاب «الطهاره»؛ «الدماء الثلاثه»؛ «مشارق الاصول» [۱].

علی بن ملا فتح‌الله نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محقق جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالت‌های گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۸/۳۰۱)، الذریعه (۱۵/۱۸۶، ۴/۱۸۵)، ریحانه (۲۶۹-۲۶۸/۶)، معجم رجال‌الفکر والادب فی النجف (۱۳۱۳-۱۳۱۲/۳)، معجم المؤلفین (۷/۱۶۵).

نیکونژاد، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۹.

درگذشت: ۱۳۷۱.

از آثار اوست: چهره افروختگان خطه زنده‌رود: یادی از فرهیختگان موسیقی اصفهان (اصفهان، ۱۳۷۱)؛ فیلمنامه بیداد (اصفهان، ۱۳۷۲).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

واله داغستانی، علیقلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۷۰-۱۱۲۴ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به واله. معروف به شش انگشتی. در اصفهان به دنیا آمد. از طایفه‌ی لژگی و داغستانی‌الاصل بود. گویند نسبش به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. جد اعلای او در فتنه‌ی چنگیز به داغستان رفت. واله مدتی در خدمت سلطان صفوی بود و بعد از فتنه‌ی افاغنه در جوانی به هندوستان مسافرت کرد و به عهد محمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۳۱ ق) و احمدشاه (۱۱۶۷-۱۱۶۱ ق) و عالمگیر شاه (۱۱۷۳-۱۱۶۷ ق)، سلاطین هند، به منصب و لقب خان زمان بهادر ظفر جنگ رسید. وی به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و با امیر غلامعلی آزاد بلگرامی مصاحب و معاشر بود. او در دهلی یا شاه جهان‌آباد در گذشت. سال درگذشت وی را ۱۱۶۵، ۱۱۶۱ و ۱۱۶۹ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «ریاض الشعراء»، در ۱۱۶۱ ق؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت. [۱]

واله‌ی داغستانی علیقلی خان پسر محمدعلی خان شاعر و تذکره‌نویس معروف (و. اصفهان ۱۱۲۴ ه. ق. ف. شاه جهان هند ۱۱۷۰ ه. ق.) جد اعلای او در داغستان مقیم شد و خانواده‌ی وی در آن ناحیه صاحب قدرت و نفوذ گشتند. واله در سال ۱۱۲۶ ه. ق که پدرش بیگلربیگی ایروان شد با او بدان صوب رفت و پس از مرگ پدر با خانواده به اصفهان بازگشت و در آنجا به تحصیل مشغول شد. پس از هجوم افغانان به ایران و تصرف اصفهان (۱۱۳۵ ه. ق.) زندگی واله و خانواده‌اش پریشان شد و در زمان نادر و کریم‌خان هم دچار سوانح گوناگون گردید و در عشق هم شکست خورد و ترک یار و دیار گفت و از راه خلیج فارس با کشتی به هند رفت و در آنجا ترقی کرد. محمدشاه و احمدشاه هندی به او منصب چهارهزاری و هفت‌هزاری و القاب دادند. مهمترین اثر او ریاض الشعراء می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۰۲-۱۷۹۷/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۶۶-۱/۶۵۰)، حدیقه‌الشعراء (۱۹۷۰-۱۹۶۷/۳)، الذریعه (۳۲۸-۳۲۷/۱۱، ۱۲۵۵/۹، ۳۴-۳۳/۴)، ریاض‌العارفین (۱۵۷)، ریحانه (۳۰۱-۲۹۸/۶)، سفینه‌المحمود (۶۶۳/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳-۹۷۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۹۵/۳)، کاروان هند (۱۴۰-۱۳۹-۱)، لغت‌نامه (ذیل / واله داغستانی)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۴-۱۱۵۳/۶)، نتایج‌الافکار (۷۵۶-۷۵۰).

وامق یزدی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۶۲ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به وامق. از سادات حسینی حسنی یزد و دودمان میرزا سعید یزدی است که در کرمان به دنیا آمد. در کودکی به یزد رفت و در مدرسه‌ی مصلی به تحصیل پرداخت. وی در حدود سی یا چهل سالگی به عراق عرب و عجم و خراسان و آذربایجان رفت و از علمای آن سامان استفاضه نمود. او در حکومت حاجی محمد ولی میرزا و پیشکاری عبدالرضا خان بافقی، تذکره‌ای تحت عنوان «تذکره‌ی میکده» یا «آشیانه‌ی میکده»، در ذکر شعرای یزد، تألیف کرد و بعدها به الزام عبدالرضا خان بافقی، تخلص خود را ساقی برگزید، ولی نهایتاً دوباره تخلصش را به وامق تغییر داد. وی به بیماری و با درگذشت از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۵۶۷، ۵۴۳-۵۴۲، ۱۳۴-۱۳۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۳۳۹-۳۲۶/۲)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۳۳۱-۳۲۷)، حدیقه‌الشعراء (۱۹۷۹-۱۹۷۵/۳)، الذریعه (۱۲۵۸/۹، ۵۰/۴)، ریحانه (۳۰۵-۳۰۳/۶)، سفینه‌المحمود (۲۲۴-۲۲۳/۱)، گلزار جاویدان (۱۶۹۱/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۶۲/۷)، مجمع‌الفصحا (۱۱۵۴/۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۲)، نگارستان دارا (۲۷۲).

هدایت طبرستانی، رضاقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۸-۱۲۱۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به هدایت. معروف به لَله‌باشی و مشهور به شیرازی. ملقب به خانی و امیرالشعراء. نسبش به شیخ کمال خجندی می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اعیان قریه چارده، از توابع دامغان بود و در زمان فتحعلی شاه قاجار به خدمت حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس رسید و همان جا درگذشت. پس از فوت پدر، هدایت همراه مادر و بستگانش به تهران آمد و سپس به مازندران رفت. بعد از چند سال همراه مادرش که قصد زیارت مکه داشت، به فارس رفت و در خدمت محمد مهدی خان، متخلص به شحنه، مشغول تحصیل شد. هدایت از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و ابتدا چاکر تخلص می‌کرد. وی خدمات اداری خود را از دستگاه حسینعلی میرزا آغاز کرد. در این دوره بود که فتحعلی شاه به شیراز رفت و به سبب شایستگی رضاقلی، عنوان خان و لقب امیرالشعراء به وی داد. پس از مرگ فتحعلی شاه مدتی در خدمت والیان فارس، از جمله فیروز میرزا و فریدون میرزا بود تا اینکه عازم تهران شد و به خدمت میرزا آقاسی صدر اعظم رسید. محمد شاه قاجار تعلیم و تربیت فرزند خود، عباس میرزای نایب‌السلطنه (دوم) را به وی واگذار کرد و به همین جهت به لَله‌باشی معروف شد. پس از مرگ محمد شاه گوشه‌نشینی اختیار کرد، ولی پس از مدتی به پیشنهاد امیرکبیر و دستور ناصرالدین شاه به سفارت خوارزم مأمور گردید و به امر امیر رضاقلی خان در این سفر به تألیف کتابی در شرح راه و اسامی بلاد و اسامی سرکردگان و ریش‌سفیدان و حوادث این سفر به نام «سفارت‌نامه‌ی خوارزم» پرداخت. پس از بازگشت به تهران با کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست و ناظمیت دارالفنون انتخاب گردید. رضاقلی خان در ۱۲۷۹ ق به للگی ولیعهد مظفرالدین میرزا انتخاب و همراه او به آذربایجان رفت و پس از بازگشت به تهران انزوا گزید. وی در مسجد هدایت تهران به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: تذکره‌ی «ریاض‌العارفین»، مبنی بر شرح حالات عرفا، فضلا، حکما، ادبا و شعرا از متقدمین و متأخرین و معاصرین؛ تذکره‌ی «مجمع‌الفصحا»، در شش مجلد؛ ملحقات «تاریخ روضه‌الصفای ناصری»، در سه مجلد، که الحاقی است بر «تاریخ روضه‌الصفای» تألیف میر محمد بن برهان‌الدین خواند شاه؛ «مظاهر الانوار»؛ «لطایف‌المعارف»؛ «فهرست التواریخ»؛ «فرهنگ انجمن آرای ناصری»، در لغت فارسی؛ مثنویات سته‌ی ضروریه شامل: «انوار الولایه» در معجزات ائمه (ع) بر وزن «مخزن‌الاسرار» نظامی گنجوی، «گلستان ارم» مشهور به «بکتاش‌نامه» بر وزن «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، «بحرالحقایق» بر وزن «حدیقه» سنایی، «انیس‌العاشقین» بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، «خرم بهشت»، «هدایت‌نامه»؛ «دیوان» شعر. [۱]

رضاقلی خان طبرستانی فرزند محمدهادی (و. محرم ۱۲۱۵- ف. ۱۲۸۸ ه.ق) ملقب به لله‌باشی. در تهران متولد شد و در شیراز به تحصیل پرداخت. سپس به دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه راه یافت و از طرف ناصرالدین شاه به ریاست مدرسه‌ی دارالفنون منصوب شد. وی تألیفات و آثار زیادی بجا گذاشت که از آن جمله است: ۱- مثنوی هدایت‌نامه در بحر رمل. ۲- مثنوی گلستان

ارم و چندین مثنوی دیگر. ۳- فهرست التواریخ ۴- منهج الهدایه ۵- تذکره‌ی ریاض العارفین. ۶- مجمع الفصحا در تذکره‌ی شعرا در دو جلد بزرگ. ۷- سه جلد در تکمیل روضه‌الصفای میر خواند. ۸- دیوان غزلیات بیش از ۸ هزار بیت. ۹- دیوان قصاید شامل بیش از ۱۰ هزار بیت. از تألیفات دیگر او فرهنگ معروف «انجمن آرای ناصری» و کتابی به نام نژادنامه است. خدمت دیگر او به فرهنگ، تأسیس چاپخانه‌ای است که بسیاری از کتب ادبی در عصر قاجاریه در آن چاپخانه طبع شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان‌الشیعه (۷/۱۵)، تاریخ برگزیدگان (۳۱۹-۳۱۸)، تاریخ قومس (۴۰۳-۴۰۲)، حدیقه‌الشعراء (۲۰۷۲-۲۰۶۰/۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۳۲۵۵)، الذریعه (۱۹/۱۲۵، ۱۱/۲۹۷، ۱۲۹۳-۱۲۹۲/۹، ۷/۱۵۰، ۴/۴۷)، ریاض العارفین (۳۶۵-۳۵۲)، ریحانه (۳۵۶-۳۵۴/۶)، سبک‌شناسی (۳۶۹-۳۶۷/۳)، شرح حال رجال (۴۲-۳۹/۲)، طرائق الحقائق (۲۹۹-۲۹۶/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۷۸۶، ۱/۷۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۲۹۵، ۳۱۴۴، ۳۰۳۸، ۲۹۶۶، ۲۹۰۱، ۲۸۷۵، ۲۷۴۵، ۲۵۰۷، ۲۴۸۰، ۲۴۱۸، ۲۱۶۴، ۱۹۹۴، ۱۹۸۹، ۱۸۱۰، ۱۸۰۹، ۱۷۹۱/۲، ۱۵۸۷، ۱۵۶۶، ۷۰۹، ۳۵۰، ۱/۱۱۴)، گلزار جاویدان (۱۷۴۱-۱۷۳۲/۳)، المآثر والآثار (۱۹۰-۱۸۹)، مجمع الفصحا (۱۴۱۳-۱۲۰۹/۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵-۲۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۳/۴)، مکارم الآثار (۵۴۵-۵۴۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۶-۲۱۳/۳)، یادگار (س ۴، ش ۴، ص ۱۴-۹).

همایی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در

دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علامه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹-۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحماد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضه‌الصفاء، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات‌الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محبوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی-دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱). دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمته، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاء‌الدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری

(۱۳۳۵)؛ نصیحة الملوك (امام محمد غزالی)؛ كنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حكیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ در گذشت و در تکیه لسان الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸ - ۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمد تقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمد صادق خاتون آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقرین خاتون آبادی پاقعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدننامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴-۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶-۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷-۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸-۳/۱۹۵)، الذریعه (۱۶/۵۱، ۹/۴۷۲، ۳/۲۳۰)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲-۳/۱۸۰۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵-۲۳۸۴، ۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲/۲۲۵۶، ۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۱۳۵، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱/۱۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹-۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۲/۳۷۰)، همایی‌نامه.

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سجاد یوسفی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگی‌نامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شیری» و «سبحانی» استفاده نموده‌ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایه الحکمه، نهایت الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده‌ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته‌ام قلم فرسایی کنم و در سنگرهای مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲-۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

